Arseh Sevom News Archive

Annual volume · 2014 · 218 articles

Preservation copy · searchable text · original source URLs retained
Prepared 30 September 2026

Contents

This volume uses PDF bookmarks for its detailed contents. Each article begins with its original source URL and archive identifier.

آیا حقوق شهروندی در ساختار اسلامی ایران میگنجد؟

2014-01-01 · Archive ID 3336
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3336

سعید کرامت: اخیراً متنی تحت عنوان "منشور حقوق شهروندی" توسط دولت حسن روحانی منتشر شده است وبه مباحثی پیرامون انگیزه انتشار این سند در میان طیف های مختلف اپوزیسیون و ناظرین سیاسی دامن زده است.
بعضی از صاحب نظران معتقد هستند که عبارت پردازی های دولت روحانی در رابطه با حقوق شهروندان، ناقص و برخی دیگر آن را عوامفریبی قلمداد می نمایند. این دسته استدلال میکنند که حاکمیت قصد دارد با این لفاظی ها سمت و سوی نیزه انتقاد از دولت را منحرف نماید. هرچند که نگرش دوم برداشتی رادیکالتر به نظر میرسد.
اما سئوال این است که اگر مقامات دولت جمهوری اسلامی قصد عوامفریبی نداشتند، واقعا ساختار قانونی و فرهنگ سیاسی حاکم بر ایران این امکان را به آنها میدهد که از حقوق شهروندی دم بزنند؟ آیا اساساً ارزشهای ایدئولوژیک و اسکلت بندی کم ظرفیت ساختارسیاسی جمهوری اسلامی توان تحمل مقوله فربه ای چون حقوق شهروندی را دارند؟

واقعیت این است که ابعاد فلسفی و ارزشهای سیاسی جمهوری اسلامی بسیار تنگتر از آن هستند که بتوان مفاهیمی چون "شهروند" و "یا حقوق شهروندان" در آن گنجاند. انسان وقتی اندکی عمیق فکر کند متوجه خواهد شد که منزلت یک رعیت در عصر فئودالی به مراتب بالاتر از جایگاه یک شهروند در حاکمیت جمهوری اسلامی بود.
بنا به تفسیر لیبرالی و سکولار معمول در دنیای امروز، عبارت "شهروند" مفهومی فراگیر است که برای اطلاق به ساکنان یک جغرافیای سیاسی معین و در مقابل عبارت "رعیت" بکار گرفته میشود. اگردر عصر فئودالی رعایا بر مبنای تعلق قبیله ای، فرقه ای و مذهبی شناخته میشدند، با بکارگیری عبارت "شهروند" فلاسفه قرنهای اخیر سعی نمودند که یک مفهوم فراگیرتر، برای اشاره به اتباع مملکت انتخاب و بر مبنای آن رابطه حقوقی بین دولت و ساکنین کشور را تعریف نمایند. بنابه این تعریف، شهروندان نه در مقابل خان جوابگو هستند نه در پیشگاه خدا. درجوامع لیبرالی شهروندان مجاز هستند که خارج از تعلقات دینی، مسلکی، ایدئولوژیکی، قبیله ای، و جنسیتی در رقابت های سیاسی و اقتصادی شرکت و از توانائی خود بهرمند شوند. شهروند به این مفهوم نه تنها در قوانین جمهوری اسلامی وجود ندارد بلکه مطالبه چنین حقوقی برای افراد جامعه در ایران حتک حرمت به اهل بیت و ستیز با اسلام شمرده میشود.
وضعیت به این گونه است زیرا منبع عمده قوانین جمهوری اسلامی، متون دینی اسلام و مفاد ساخته شده صنایع مذهب شیعه است. بعنوان مثال، علی فرزند ابوطالب که یکی از منابع بی همتای فکری والگوی کمیاب عملی و پیشوای اول شیعیان حساب میشود، در گفتار هشتاد نهج البلاغه می گوید: "زنان هم عقل شان کم است، هم سهمیه ارث شان و هم ایمانشان." همچین نقل قول و نگرشهای عهد باستانی- که کم هم نیستند- در قوانین، فرهنگ سیاسی، ومنش اجتماعی بنیانگزاران، گرداننده گان و مدافعین جمهوری اسلامی رسوب کرده و تحت عنوان "موازین اسلامی" فرموله و در سیاست و عملکرد سیستم سیاسی ایران تبلور تکان دهنده ای یافته است.
به منظور باز کردن این بحث اجازه بدهید نظری به فصل سوم اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی بیندازیم. طبق این اصل از قانون، "همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردار هستند". در این بند، واژه "رعایت موازین اسلامی" یک نقش کلیدی است ایفا میکند. این نقش چیست؟
حقیقت این است که "موازین اسلامی" باعث نهادینه شدن یک سلسله تبعیضات چهارمرحله ای بر علیه شهروندان شده است. در پرتو موازین بکار گرفته شده:
۱- در ساختار قانونی جمهوری اسلامی تمام شهروندان برابرند، اما مردان بر زنان برترند. شهروندان تنها برابر هستند که سیستم سیاسی موجود را حمایت کنند. اما برای دخالتگری در سرنوشت خود، مردان برترند. بعبارت دیگر، موازین اسلامی تبعیض جنسیتی علیه نیمی از جمعیت ایران را، در اولین بزنگاه، قانونی کرده است.
۲- در قدم دوم از میان این دسته از "شهروند" برتر، یعنی مردان، مسلمانان سَر وَرند. در این مرحله هم تبعیض دینی، دستکم بر علیه نیمی از مردان تابع ایران، یعنی بی دینان، افراد سکولار، زرتشتیان، مسیحییان، یهودیان، بهائی یان، یارستانیان و ... قانونی شده است.

۳-در مرحله سوم در جمع مردان سَر وَر(مسلمانان)، شیعه یان آقا ترند. در اینجا هم تبعیض فرقه ای جاری و شمار دیگری از مردان، یعنی مسلمانان سنی و پیروان مذاهب دیگر اسلامی قلم گرفته میشوند.
۴-در پله چهارم از میان مردان شیعه باورمند، پیروان رهبری از همه بالاترند. (منظور از شیعه یان باورمند کسانی هستند که خود را پیرو مذهب شیعه میدانند اما الزاماً مدافع سیستم سیاسی کنونی نیستند). در این سطح هم، جمهوری اسلامی تبعیض درون فرقه ای را رسمیت بخشیده و امتیاز غیر قابل قیاسی برای خَدَم و حَشَم رهبری میسر ساخته است. در نتیجه این امتیاز، در میان تمام شهروندان جامعه ۷۰ میلیونی ایران تنها طیف پیروان رهبری قانوناً مجاز هستند که در رقابتهای انتخاباتی شرکت و یا به پست مهم سیاسی گمارده شده اند.

اکنون تصور کنید که چند درصد از شیعیان باورمند، پیرو رهبرهستند؟ آماری در این زمینه در دست نیست. اما نگاهی به فضای سیاسی ایران نشان میدهد که درصد بسیار ناچیزی از مردان شیعه معتقد به ولایت فقیه هستند. با اندکی تامل در این بررسی انسان متوجه خواهد شد که نه تنها تبعیض جنسی و مذهبی، بلکه تبعیض فرقه ای و درون فرقه ای هم در سیستم جمهوری اسلامی امری رسمیت یافته و قانونی است. دستگاهای پیچیده دیگر نظیر شورای نگهبان و الیگاریشی مجلس خبرگان، مکانیزمی را بوجود آورده اند که اجرای چنین تبعیضاتی را مدیریت کنند. به همین دلیل تنها درصدر ناچیزی از میان آن دسته از مردانی که از سد تبعیض درون فرقه ای عبور کرده اند از امتیاز شهروندی برخوردار و مجاز هستند که در رقابت های سیاسی عمده مشارکت نمایند.
نگاهی تنها به یک بند از قانون اساسی جمهوری اسلامی و عملکرد بیش از سه ده اخیر این سیستم بخوبی تبعیض چهار گانه و نهادهای مدیریت کنند این تبعیضات را در ساختار سیاسی و کارکرد روزانه دولت اسلامی را نشان میدهد. در فصل نهم، اصل یک صدو پانزدهم آمده است که : "رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی وسیاسی که واجد شرایط باشد انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران .... مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور." سه عبارت کلیدی در این بند از قانون، یعنی "رجال مذهبی"، "مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی" و "مذهب رسمی کشور" بحث بر سر حقوق شهروندی را بی معنا کرده است. به بیان دیگر، این بند از قانون اساسی میگوید که کسی میتواند کاندید ریاست جمهوری شود که اولا مرد باشد، دوما معتقد به "مبانی جمهوری اسلامی" یا همان پیروی از ولایت فقیه وسوماً، معتقد به دین رسمی کشور که شیعه دوازده امامی است باشد. حالا حقوق زنان و یا مردان خارج از جامعه شیعه پیشکش، حتی درصد بسیار اندکی از مردان شیعه واجد شرایط فوق هستند و میتوانند بعنوان افراد متساوی الحقوق در رقابتهای سیاسی شرکت کنند. زیرا همه مردان شیعه وفادار به نظام جمهوری اسلام و یا مقلد خامنه ای نیستند.
بحث بالا نشان میدهد که برخلاف جوامعه غربی که عبارت شهروند واژه ای شامل یا در برگیرنده است، در ایران همان واژه مفهومی به شدت انحصاری و دفع کننده و محدود دارد. موقعیت شهروند در جمهوری قرن بیست یکم از منزلت رعیت قرن شانزدهم پایین تر است. همانطور که بالاتر اشاره شد، در نظام جمهوری اسلامی فرد بایستی مذکر، مسلمان، مقلد، و مدافع رهبر باشد تا مشمول تبعیض نگردد و اجازه مشارکت در سوخت و ساز جامعه را کسب کند. در حالی که برای رعیت مذکر بودن و وفاداری به خان کافی بود که تا بتواند از همه امکانات موجود برخوردار گردد. به بیان دیگرحقوق شهروندی در ایران یک حق مدنی محسوب نمیشود بلکه امتیازی است که در دسترس عده ای قلیل از مردانی که از غربال ولایت گذشته و در دنباله روی و بی ارادگی آنها شکی نیست، قرار دارد.

این امتیاز البته مدام العمر نیست. چون از موازین مدنی ناشی نمیشود. هر آن میتوان آن را از صاحب امتیاز پس گرفت. تجربه جمهوری اسلامی نشان داده است که حتی وفا داری به ولایت فقیه یا خدمت به جمهوری اسلامی به تنهائی نمیتواند که حقوق سیاسی -اجتماعی افراد را تضمین کند. مثلا اگر فرد یا افرادی زمانی از معماران جمهوری اسلامی بوده اند اکنون با ولی فقیه هماهنگ نیستند هم تمام اعتبار و یا حقوق شهروندیشان دود میشود و هوا میرود. سرنوشت کسانی مثل عبد الکریم سروش، میرحسین موسوی و مهدی کروبی یک نمونه گویا از کسانی است که امتیازشان را بخاطر زاویه دار بودنش با رهبر از دست داده اند . رد صلاحیت رفسنجانی برای دوره اخیر ریاست جمهوری نمونه ای دیگر است که به خوبی نشان میدهد، در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، حق شهروندی بارزترین طراحان و مدیران آن سیستم هم مقطعی، و تناسب مستقیم با نقش آنها در تحکیم موقعیت رهبری دارد.

از سوئی دیگر، اگر فردی غیر شیعه ابراهیم وار فرزندش را برای رضای مبارک رهبر قربانی کند، یا دریایی به عظمت دریای خزر درقلب کویر لوت بسازد، هنوز واجد شرایط برای پست مهم سیاسی ای نخواهد شد. به همین دلیل است در طول حیات جمهوری اسلامی حتی یک غیر شیعه به یک پست مهم دولتی گمارده نشده

است.
این نمونه ها نشان میدهد، بر خلاف درک رایج امروزی، در ایران شهروند کسی نیست که حق داشته باشد به قصد تغییر ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه وارد رقابتهای سیاسی شود. از نگاه جمهوری اسلامی شهروند کسی است که معتقد به دین رسمی کشور، مبانی جمهوری اسلامی و در ولایت ذوب شده باشد. به بیان دیگر، شهروند جمهوری اسلامی فردی نیست که از نظر فکری استقلال داشته باشد. او بایستی فردی بی اراده ویا بقول خودشان "ولایتمدار" باشد.
گره ناگشودنی دیگری در رابطه با حقوق شهروند، عدم پایبندی جمهوری اسلامی به قوانین خودش است. نظام فعلی ایران به آن قانونی هم که خودش وضع کرده است فادار نیست. اصل سی و دوم قانون اساسی میگوید:"هیچکس را نمیتوان دستگیر نمود مگر به حکم و تدبیری که قانون معین میکند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام با ذکر دلایل و بلافاصله و کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثرظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکم، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از اصل طبق قانون مجازات گردد."
این اصل از قانون مکرراً از جانب جمهوری اسلامی نقض شده است. در طول عمر سه دهه جمهوری اسلامی شمار زیادی از شهروندان بازداشت و بدون تفهیم اتهام در زیر شکنجه به قتل رسیده اند. کارگر وب لاگ نویس، ستار بهشتی تنها یک نمونه از آنها است. تعداد زیادی از روشنفکران و فعالین سیاسی ترور شده اند. قتل عامهای مکرر در ۳۰ سال گذشته صورت گرفته است و عامل آن کشتارها نه تنها باز خواست نشده اند بلکه بعضا ترکیب کابینه دولت روحانی را مسموتر و متعفن تر کرده اند. اینها همه بکنار، آیا رئیس جمهور" حقوقدان" ایران میتواند توضیح دهد که طبق کدام بند آن قانونی که سوگند یاد کرد مجری اش باشد، همرزمان دیروزیش نزدیک به سه سال است که در حبس خانگی هستند؟ در کنار عدم پای بندی جمهوری اسلامی به قوانین خودش، رهبری این سیستم، انواع سازمانهای مخوف تروریستی را با مهارت های گوناگون سازمان داده اند و حتی خواب راحت را از چشم معماران دیروز جمهوری اسلامی زدوده اند. در صورت تداوم وجود نیروهای وحشت زای بسیج، که عمدتا در قالب اوباش چاقو کش و با لباس شخصی مخل هر تجمع اعتراضی و روشنگرانه میشوند، اگر صد بارهم حقوق شهروندی باز تعریف شود باز درب بر روی هام پاشنه سابق خواهد چرخید.
جوهر کلام این است که در درجه اول ، قانون اساسی کنونی جمهوری اسلامی راه را بر هر گونه بهبودی در حق شهروندی سد نموده است. دوما، دراین نظام شهروندان مورد تبعیض چهار لایه قرار گرفته اند: تبعیض بخاطر زن بودن، نا مسلمانان بودن، مسلمانان غیر شیعه بودن و و شیعه غیر وفادار به ولایت فقیه بودن. سوما، آنجائی هم که حقی هر چند ناچیز برای شهروندان در نظر گرفته شده است، مقامات جمهوری اسلامی بر حسب منافع خود آن را نقض کرده اند. چهارماً، نهادهای متعدد پلیس و ملیشیای رسمی و غیر رسمی در جمهوری اسلامی سازماندهی دهی شده اند تا قوانین خودشان را دور بزنند و از کانالهای خشونت آمیز هر گونه جوانه اعتراضی را ریشه کن نمایند. این سیستم موقعیت شهروند را به موقعیتی پست تراز منزلت رعیت درقرون وسطا تنزل داده است.
در نتیجه هیچ حقوقدانی، هیچ قهرمان مدافع حقوق شهروندی ای نخواهد توانست قدم موثری در جهت بهبود حقوق شهروندی در چارچوب قانون و ارزشهای جمهوری اسلامی بردارد.

http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=57429

—

درباره ی حقوق شهروندی

2014-01-01 · Archive ID 3338
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3338

اخبار روز: حسن روحانی رئیس جمهور اسلامی ایران از همان آغاز فعالیت های انتخاباتی خود وعده داد که منشور حقوق شهروندی را در صورت انتخاب شدن ارائه خواهد کرد. در گزارش صد روزه ی خود وی خبر داد که متن مقدماتی این منشور تهیه شده و برای نظر خواهی در سایت ریاست جمهوری گذاشته شده است.
به عقیده بسیاری از ناظران سیاسی این «منشور» در بسیاری از زمینه ها از «قانون اساسی جمهوری اسلامی» هم عقب تر است. با این حال تجربه ی بیش از سی ساله ی حکومت اسلامی نشان می دهد که قانون

ها و منشورها در این حکومت جای چندانی ندارند و مقامات و نهادها هستند که با اتکا بر اسلحه، بر فراز قانون و منشور حکم می رانند و حقوق مردم را نقض می کنند. نمونه ی آن درخواست شانزده ساله ی اصلاح طلبان برای اجرای قانون اساسی است که به هیچ جایی نرسیده است.

با این حال، خود قوانین و منشورهای پیشنهاد شده و تصویب شده در حکومت اسلامی، باید با قوانین شناخته شده ی بین المللی مقایسه شوند تا معلوم شود که چقدر با درک بین المللی امروز از حقوق بشر نزدیک و یا دور هستند. نوشتار حاضر، طرح بحث در این زمینه، و حاوی فهرستی از حقوق شهروندی بازتاب یافته در اسناد بین المللی و نیز قوانین اساسی شماری از دیگر کشورهاست که توسط سهراب مبشری تهیه شده است.

تا کنون خواستهای گروه های وسیع مردم ایران و به ویژه جوانان، زنان، روشنفکران و زحمتکشان که به خاطر آن به طور مکرر در رأی گیری انجام شده، از جمله انتخابات اخیر ریاست جمهوری، زمینه انزوای جناح اقتدارگرای حکومت را فراهم آوردند، بی پاسخ مانده است. دخالت های بی حد و حصر حکومت مذهبی در خصوصی ترین امور زندگی مردم، ادامه دارد. این حکومت، به خود اجازه می دهد تا به آحاد جامعه دستور دهد چه باید بپوشند، بیاشامند و بخوانند. زنان ایران با حکومتی مواجهند که آنان را شهروند درجه دوم می داند و موانع بی شمار بر سر راه رشد فردی و اجتماعی نیمی از ایرانیان ایجاد کرده است.

تلاش برای تبیین حقوق شهروندی بدون بهره گیری از تجربه صدها ساله دمکراسی در کشورهای پیشرفته، غیر معقول است. از این رو در این نوشته، از اسناد جهانی حقوق شهروندی و نیز اصل و تفسیرهای قوانین اساسی دیگر، از جمله قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به عنوان نخستین قانون اساسی دمکراتیک مدون در عصر مدرن و نیز قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه و قانون اساسی آلمان استفاده شده است.

برخی موانع تحقق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی، به قوانین موجود و از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باز می گردد. شناخت این موانع، برای یافتن حد مناسب انتظار از «منشور حقوق شهروندی» ضروری است. با این حال، صرف طرح موضع حقوق شهروندی، صرفنظر از واقع بینانه بودن تحقق آنها بدون تغییر قوانین دیگر، می تواند زمینه ساز بحثی شود که مبارزه برای حقوق شهروندی را به سطحی بالاتر ارتقا دهد.

مبانی حقوق شهروندی

مبانی نظام سیاسی هر کشور در قانون اساسی آن به گونه ای موجز تصریح می شود تا پایه حقوق شهروندی مصرح در قانون اساسی را تشکیل دهد. در مقدمه قوانین اساسی نظام های دمکراتیک، معمولاً می آید که این نظام ها بر چه اصول و مبانی خدشه ناپذیری استوار است. اهداف نظام در جملاتی کوتاه بیان می گردد، مبانی و اهدافی مانند:

- وحدت ملی، عدالت، امنیت، دفاع ملی، رفاه عمومی و آزادی (مقدمه قانون اساسی آمریکا)
- حقوق طبیعی، تغییرناپذیر و مقدس انسانها (بیانیه حقوق انسانی و شهروندی، مصوب مجمع ملی فرانسه، ۲۶ اوت ۱۷۸۹)
- برخورداری هر موجود انسانی، صرفنظر از نژاد، مذهب و عقیده از حقوق تغییرناپذیر و مقدس (مقدمه قانون اساسی جمهوری فرانسه، ۲۷ اکتبر ۱۹۴۶)

وجه مشترک این مبانی، قرار گرفتن انسان در مرکز و محور نظام سیاسی است. در این قوانین اساسی، هیچ هدف و مصلحت و اصلی، بالاتر از سعادت، آزادی و رفاه انسانها قرار نمی گیرد. نظام های سیاسی دمکراتیک به مثابه دستاورد عصر روشنگری، با الهام از اصل بنیادین اندیشه این عصر که «انسان محوری» است، شکل گرفته و تدوین شده اند. جمله آغازین بیانیه حقوق انسانی و شهروندی، مصوب مجمع ملی فرانسه، ۲۶ اوت ۱۷۸۹، که طبق قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه بخشی از قانون اساسی کنونی فرانسه است، هنوز پس از گذشت فزون بر دویست سال اعتبار دارد:

«نمایندگان مردم فرانسه، که به عنوان مجمع ملی گرد آمده اند، نظر به اینکه ناآگاهی، فراموشی یا بی اعتنایی به حقوق بشر، تنها ریشه های نابسامانی های عمومی و فساد حکومتهاست، تصمیم گرفته اند حقوق طبیعی، تغییرناپذیر و مقدس انسانها را در بیانیه ای رسمی ثبت کنند تا این بیانیه همواره در یاد همه اعضای جامعه بماند و حقوق و وظایف آنان، بلاوقفه بدانان یادآوری شود.»

مقدمه قانون اساسی مصوب ۱۹۴۶ فرانسه به ویژه بر اصول سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیر تأکید ویژه دارد:

- برابرحقوقی زنان و مردان در همه عرصه ها
- حق پناهندگی برای همه کسانی که به علت تلاش در راه آزادی تحت پیگرد قرار گرفته اند
- حق اشتغال

- منع تبعیض به علت خاستگاه، عقاید یا باورها در محل کار
- حق فعالیت سندیکایی
- حق اعتصاب
- حق مشارکت کارکنان در اداره موسسات اقتصادی
- مالکیت عمومی بر همه موسساتی که خصلت عمومی یا انحصاری دارند
- تأمین شرایط رشد شخصیت هر فرد و خانواده
- حق برخورداری از سلامت، امنیت اقتصادی، استراحت و اوقات فراغت
- حق برخورداری سالخوردگان، معلولین و بی بضاعت ها و سایر کسانی که نمی توانند کار کنند از حمایت عمومی به منظور گذران زندگی
- همبستگی و برابری همه فرانسوی ها در تحمل بار ناشی از موقعیت های اضطراری ملی
- برابری در استفاده از مدارس، آموزش حرفه ای و فرهنگ
- سازماندهی تحصیل رایگان و غیرمذهبی توسط دولت
- رعایت حقوق بین الملل
- منع جنگ های کشورگشایانه و استفاده از نیروهای مسلح علیه آزادی مردمی دیگر
- چشمپوشی از برخی حقوق حاکمیت ملی اگر متقابل، و برای سازماندهی و حفظ صلح، ضروری باشد
- منع استعمار

برخی از این اصول، در متن قانون به تفصیل بیشتر آمده است.

طبق قانون اساسی آلمان، «حقوق و وظایف مدنی و شهروندی به علت استفاده از حق آزادی مذهب نه مشروط و نه محدود می شوند. بهره مندی از حقوق مدنی و شهروندی و نیز احراز شرایط مقامات دولتی، بستگی به اعتقاد مذهبی ندارد. هیچ کس موظف نیست عقیده مذهبی خود را فاش کند. ادارات فقط زمانی حق سئوال در مورد وابستگی به یک مذهب را دارند که حقوق و وظایفی از آن منتج شود یا آمارگیری مبتنی بر قانون، مستلزم آن باشد. هیچ کس را نباید به انجام فرایض یا مراسم مذهبی یا شرکت در آن یا بر زبان آوردن سوگند به شکل مذهبی آن وادار کرد.» همچنین «دین رسمی وجود ندارد. آزادی تشکیل جوامع مذهبی تأمین می گردد. اتحاد جوامع مذهبی در سطح کشور محدودیتی ندارد.»

طبق متمم اول قانون اساسی آمریکا، کنگره این کشور حق قانونگذاری به گونه ای که در جهت برقراری یا محدودیت یک مذهب معین باشد را ندارد.

اسناد جهانی

مبنای همه هنجارهای حقوقی و قوانین ملی مدرن درباره حقوق مردم، معیارها و استانداردهای بین المللی حقوق بشر است که به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، به تصویب مجامع جهانی رسیده است. از آن جمله است:

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸
معاهده بین المللی درباره حقوق شهروندی و سیاسی مصوب ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶
معاهده بین المللی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶
منشور حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹
منشور حقوق سیاسی زنان مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۵۴
منشور حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹

در بسیاری از کشورهای دارای دمکراسی های دیرپا که قانون اساسی آنها قدیمی تر از معاهده های بین المللی فوق الذکر است، یا اسناد بین المللی نامبرده به اعتبار پیوستن دولت های مربوطه به آنان، خود به خود حکم قانون را دارد و یا قوانین اساسی بعداً تکمیل شده اند و نرم های جدید حقوق بشر بدانها افزوده شده اند. به عنوان نمونه، زمانی که قانون اساسی آمریکا به عنوان دستاورد انقلاب این کشور تصویب شد، برابرحقوقی زن و مرد در آن جایی نداشت (حتی حق رأی زنان در ایالات متحده در سال ۱۹۲۰ به عنوان متمم نوزدهم قانون اساسی به تصویب نهایی رسید). قوانین اساسی دمکراتیک، باید با توجه به پیشرفت دائمی در عرصه تدقیق و تبیین حقوق بشر، راه را برای بازتاب دادن این پیشرفت ها در عرصه ملی باز بگذارند.

حرمت انسان در صدر ارزش ها

اساس نظام دمکراتیک، حرمت خدشه ناپذیر انسان است. در اصل اول قانون اساسی آلمان آمده است: «حرمت انسانها، خدشه ناپذیر است. رعایت و حفظ آن، وظیفه هر گونه قدرت دولتی است.» در مقدمه اعلامیه

جهانی حقوق بشر بر حرمت همه اعضای جامعه بشری و حقوق برابر و انکارناپذیر آنان به عنوان اساس آزادی، عدالت و صلح درجهان تأکید به عمل آمده است.
بیانیه حقوق انسانی و شهروندی، مصوب مجمع ملی فرانسه، ۲۶ اوت ۱۷۸۹، که طبق قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه بخشی از این قانون است، از جمله شامل تصریح اصول زیر است:
«اصل اول - انسانها آزاد و با حقوق برابر به دنیا می آیند و چنین می مانند...
اصل دوم – هدف هر گونه سازماندهی سیاسی، حفظ حقوق طبیعی و خدشه ناپذیر بشر است که عبارتست از حق آزادی، حق مالکیت، حق امنیت و حق مقاومت در برابر ستم.
اصل سوم – منشأ هر حاکمیت از اساس آن، مردمند. هیچ نهاد و فردی مجاز نیست قدرتی را اعمال کند که به روشنی از مردم منشأ نگرفته باشد.
اصل چهارم – آزادی به معنای داشتن حق انجام هر کاری است که به دیگران آسیب نرساند: بدین ترتیب استفاده از حقوق طبیعی هر انسان تنها محدود به حدودی است که به سایر اعضای جامعه، امکان استفاده از همین حقوق را می دهد. این حدود تنها می تواند از طریق قانون تعیین شود.
اصل پنجم – قانون تنها می تواند اعمالی را ممنوع کند که به جامعه آسیب رساند. نمی توان جلوی انجام هیچ کاری را که به موجب قانون ممنوع نباشد گرفت و هیچ کس را نمی توان به انجام کاری وادار کرد که به موجب قانون اجباری نیست.
اصل ششم - ... همه شهروندان حق دارند شخصاً یا از طریق نمایندگانشان در قانونگذاری شرکت کنند. قانون باید برای همه یکسان باشد... از آنجا که همه شهروندان در برابر قانون برابرند، همه آنها نیز مطابق توانایی ها و بدون هیچ تفاوتی به غیر از خصوصیات و استعدادهای خود، مجاز به احراز مقامات ... دولتی اند.
اصل هفتم – هیچ کس را نمی توان متهم، بازداشت و یا زندانی کرد مگر در مواردی که قانون تعیین کند و به اشکالی که قانون تعیین کند...
اصل هشتم - ... هیچ کس را نمی توان مجازات کرد مگر بر اساس قانونی که قبل از ارتکاب جرم تصویب، اعلام و به طور قانونی به اجرا گذاشته شده باشد.
اصل نهم – از آنجا که هر کس تا زمانی که مجرم شناخته نشده است، بی گناه محسوب می شود، اگر بازداشت او اجتناب ناپذیر تشخیص داده شود، قانون باید هر اعمال سختگیری غیر ضرور برای در بازداشت نگه داشتن او را اکیداً ممنوع کند.
اصل دهم – هیچ کس را نمی توان به علت عقایدش، حتی عقاید مذهبی اش، تحت تعقیب قرار داد، مگر اینکه ابراز این عقاید مخلٌ نظم عمومی مبتنی بر قانون باشد.»
نظیر همین فرمولبندی ها را می توان در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز دید. این اعلامیه در ماده دوم خود مقرر می دارد:
«هر انسان از حقوق و آزادی های مصرحه در این اعلامیه برخوردار است، بدون هر گونه تفاوتی مثلاً بر مبنای نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیر سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، ثروت، تولد یا سایر عوامل.»
در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز نخستین اصل فصل «حقوق ملت» که اصل نوزدهم است، مربوط به حقوق برابر انسانهاست. در این اصل آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» نویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اعلامیه جهانی حقوق بشر آشنا بوده اند و شباهت فرمولبندی اصل نوزدهم این قانون با ماده دوم اعلامیه ۱۹۴۶، موید همین گمان است. اما جنسیت و مذهب از زمره عواملی که نباید سبب امتیاز شوند، حذف شده است. آنجا هم که در اصل بیستم به برابری حقوق زنان و مردان اشاره می شود، بلافاصله این برابری منوط به «رعایت موازین اسلام» شده است. مانند مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصل بیست و یکم آن نیز حقوق زنان را عمدتاً در نقش مادری زنان دیده است، نه به عنوان اعضای برابرحقوق جامعه. در مقابل در هیچ جای قانون اساسی، نقش مردان از طریق پدر بودن آنان تعریف نشده است.
در مورد تبعیض مذهبی نیز همین گونه است. بسیاری از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، از اصل دوازدهم که مذهب رسمی را تعیین کرده است تا اصل سیزدهم که اقلیت های مذهبی را محدود به سه مذهب کرده است تا اصولی که احراز مقامات دولتی را منوط به مسلمان شیعه بودن کرده است، شامل موارد تبعیض مذهبی است.

مهمترین حقوق انسان
مهمترین حق بشر طبق ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق زندگی، آزادی و امنیت فردی است. اصل چهارم، برده داری را ممنوع کرده است. اصل پنجم مقرر می دارد: «هیچ کس را نباید مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات خشونت بار، غیرانسانی یا تحقیرکننده قرار داد.»
این اصول در قوانین اساسی مدرن مانند قانون اساسی آلمان نیز به عنوان حق زندگی و حق مصون بودن از تعرض به جسم او تصریح شده اند.

حقوق فردی
منشور حقوق شهروندی، باید در عرصه حقوق بشر انطباق کامل با اعلامیه جهانی حقوق بشر داشته باشد.
علاوه بر حق زندگی، آزادی، امنیت فردی و صیانت جسمی، سایر حقوقی که باید تصریح شوند عبارتند از:
ماده ۶ – حق شناسایی به عنوان شخصیت حقوقی.
مواد ۷ و ۸ – حق شکایت انسانها به دادگاه ها بابت نقض حقوق بشر.
ماده ۹ – منع بازداشت و تبعید خودسرانه.
ماده ۱۰ – حق برخورداری از محاکمه علنی.
ماده ۱۱ بند یک – اصل برائت.
ماده ۱۱ بند دو – اصل عدم مجازات بر اساسی قانونی که پس از ارتکاب جرم تصویب شده باشد.
ماده ۱۲ – مصونیت زندگی خصوصی، خانواده، مسکن و مکاتبات از تعرض خودسرانه: باید گشودن مکاتبات خصوصی، شنود منازل و تلفن ها و غیره منوط به صدور حکم از سوی دادگاه ذیصلاح و تنها در مواردی معین و با قرار قضایی مشخص در مورد مشخص صورت گیرد.
ماده ۱۳ – حق انتخاب محل اقامت و حق خروج از کشور و بازگشت بدان.
ماده ۱۴ – حق پناهندگی.
ماده ۱۵ – حق تابعیت و ترک تابعیت: این امر باید شامل پذیرش تابعیت مضاعف نیز باشد.
ماده ۱۶ – حق ازدواج بدون محدودیت به لحاظ نژاد، تابعیت یا مذهب و منع ازدواج اجباری.
ماده ۱۷ – حق مالکیت: حق مالکیت باید به رسمیت شناخته شود، اما می توان در کنار حق مالکیت، وظایف اجتماعی ناشی از مالکیت را نیز در قانون گنجاند. در قانون اساسی آلمان آمده است: «مالکیت، تعهد می آورد. استفاده از حق مالکیت در عین حال باید به سود عموم باشد.» بیانیه حقوق انسانی و شهروندی، مصوب مجمع ملی فرانسه، ۲۶ اوت ۱۷۸۹ در اصل ۱۷ خود مقرر می دارد مصادره اموال تنها به حکم قانون، بر اساس ضرورت آشکار عمومی و در ازای پرداخت غرامت امکان پذیر است. متمم پنجم قانون اساسی آمریکا نیز مصادره اموال به سود عموم را منوط به پرداخت غرامت می کند.
ماده ۱۸ – آزادی اندیشه، وجدان و مذهب و آزادی تغییر مذهب و عقیده وآزادی ابراز فردی یا جمعی عقیده: در قوانین اساسی برخی از کشورها، آزادی وجدان تا حد حق خودداری از انجام خدمت سربازی گسترش یافته است. کسانی که به علل وجدانی، نمی خواهند سلاح به دست گیرند، باید حق داشته باشند به جای خدمت سربازی، خدمت عام المنفعه ای را انجام دهند.
ماده ۱۹ – آزادی بیان: منع سانسور باید به طور مطلق و غیرمشروط در قانون منظور گردد.
ماده ۲۰ – آزادی اجتماعات و حق شرکت نکردن در آنها: برگزاری اجتماعات در محیط های بسته نباید منوط به کسب اجازه باشد.
ماده ۲۱ بند یک و دو – حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به همه مناصب دولتی بدون تبعیض مذهبی، جنسی و غیره.
ماده ۲۱ بند سه – انتخابات متناوب و سالم همراه با حق رأی عمومی و برابر و رأی گیری مخفی به عنوان مبنای قدرت دولتی.
ماده ۲۲ – برخورداری از تأمین اجتماعی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله آموزش زبان مادری.
ماده ۲۳ بند یک – حق کار، انتخاب شغل، برخورداری از شرایط مناسب کار و حمایت در برابر بیکاری.
ماده ۲۳ بند دو – مزد مساوی در ازای کار مساوی.
ماده ۲۳ بند سه – حق برخورداری از مزد مکفی.
ماده ۲۳ بند چهار – حق تشکیل و عضویت در انجمن های صنفی.
ماده ۲۴ – برخورداری از استراحت و اوقات فراغت، محدودیت ساعات کار و مرخصی با حقوق.
ماده ۲۵ بند یک – برخورداری از خوراک، پوشاک، مسکن، تجهیزات بهداشتی خدمات درمانی، بیمه در صورت

بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، پیری.
ماده ۲۵ بند دو – حمایت از مادران و کودکان.
ماده ۲۶ بند یک – تحصیل ابتدایی رایگان و اجباری، دسترسی عمومی به آموزش حرفه ای و دسترسی به آموزش عالی بر اساس استعدادها و توانایی ها.
ماده ۲۶ بند دو – این بند اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «آموزش، باید با هدف رشد کامل شخصیت انسان و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی صورت گیرد و به تفاهم، رواداری و دوستی میان همه ملل و همه گروه های نژادی و مذهبی یاری رساند».
ماده ۲۶ بند سه - «در وهله اول، این والدین اند که نوع آموزش فرزندان خود را تعیین می کنند». دولت باید موظف شود در مدارس، امکانات تدریس زبانهای محلی در کنار زبان فارسی را فراهم کند تا صاحبان حق سرپرستی کودکان، بتوانند در مورد آموزش دو زبانه فرزندان خود آزادانه تصمیم بگیرند.
ماده ۲۷ – حق فعالیت فرهنگی و هنری و مالکیت معنوی.

حقوق شهروندی و سیاسی
معاهده بین المللی درباره حقوق شهروندی و سیاسی مصوب ۱۹ دسامبر ۱۹۶۶ بدین منظور تدوین شده است که شرایط اجتماعی لازم برای تحقق آرمان اعلامیه جهانی حقوق بشر، یعنی انسان آزاد، برخوردار از آزادی شهروندی و سیاسی و رها از ترس و فلاکت، ایجاد شود. از جمله اصول این معاهده که نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر، با صراحت بیشتری ذکر شده اند، عبارتند از:
۱ – حق تعیین سرنوشت ملتها و استفاده آنان از منابع طبیعی خود.
۲ – برابرحقوقی مرد و زن
۳ – محدود شدن مجازات اعدام به سخت ترین جرایم: جامعه جهانی اکنون از این فراتر رفته است و اکثر کشورها مجازات اعدام را لغو کرده اند. اما حتی همین فرمولبندی معاهده بین المللی درباره حقوق شهروندی و سیاسی نیز برای ایران پیشرفت محسوب خواهد شد.
۴ – رفتار متفاوت با متهمان و محکوم شدگان، از جمله نگهداری آنان در اماکن مختلف.
۵ – جداسازی متهمان نوجوان و بالغ: زندانهای ایران، کلاس فشرده جرم و بزهکاری برای نوجوانان است. از این رو گنجاندن این اصل در قانون ، شاید بتواند گامی در جهت بهبود وضعیت نوجوانان بزهکار و افزایش چشم انداز بازگشت آنان به جامعه باشد.
۶ – منع هر گونه تبلیغ برای جنگ، دامن زدن به نفرت ملی، نژادی یا مذهبی، تبلیغ تبعیض، دشمنی و اعمال قهر: این اصل، تنها مرزهای آزادی سیاسی را تعیین می کند.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
معاهده بین المللی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مانند معاهده مشابه درباره حقوق شهروندی و سیاسی، در خدمت تأمین شرایط تحقق آرمانهای اعلامیه جهانی حقوق بشر است. اصولی که این معاهده بر محتوای دو پیمان دیگر (اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهده بین المللی درباره حقوق شهروندی و سیاسی) می افزاید، از جمله عبارتند از:
۱ – حق سندیکاها برای تشکیل اتحادیه های ملی و بین المللی.
۲ – حق اعتصاب: اعتصاب، موثرترین سلاح زحمتکشان در مبارزه برای دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی خود است. حق اعتصاب باید در قانون تصریح گردد.

حقوق زنان
در منشور حقوق شهروندی، باید در انطباق با منشور حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان، هر گونه تفاوت گذاری، حذف یا محدودیت اعمال شده بر اساس جنسیت در مورد حقوق بشر و آزادی های اساسی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و غیره ممنوع شود.

منشور حقوق کودکان
این منشور برخی حقوق کودکان را که در اسناد بین المللی دیگر نیامده اند، تصریح می کند، از جمله عدم اعمال تبعیض در مورد کودکان به اصطلاح «نا مشروع».
منشور حقوق کودکان مشتمل بر ۵۴ ماده است و مفاد آن باید در منشور حقوق شهروندی ملحوظ شود.

http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=56847

—

منشور حقوق شهروندی: گام نخست در راه گفت‌وگوی ملی

2014-01-01 · Archive ID 3339
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3339

مهرداد لقمانی-رامین جهانبانگلو: انتشار منشور شهروندی از سوی آقای روحانی و همفکران ایشان نشان از گام نهادن در راهی است که می‌تواند به گسترش گفت‌وگو میان حکومت ایران و منتقدان آن بینجامد. نفس تایید حقوق شهروندی و نیاز به مشارکت شهروندان در سرنوشت آتی جامعه می‌تواند گامی به جلو تلقی شود. وارد شدن به عرصه گفت‌وگو و پذیرش حق شهروندی خود می‌تواند آغاز و بهانه‌ای باشد برای آگاهی شهروندان ایرانی نسبت به حقوق خود و سنجیدن وضعیت موجود با آن چه تاکنون از آنان دریغ شده است.
صرف نظر از انگیزه و هدف نگارندگان این متن، اقرار به اصالت فرد و تاکید بر موثر دانستن آن در اداره امور خود شرط نخست برای زمینی کردن قدرت و زدودن قدسیت از سیاست است. محور قرار دادن شخص در جامعه در برابر دیدگاه توده و امت، و قائل بودن او به حقوق شهروندی زمینه را برای تعامل مدنی در جهت اصلاح قانون اساسی باز می‌کند.
ولی پرسش اصلی اینجا این است که چگونه می‌توان پتانسیل‌های یک جامعه را بارور، تعامل و گفت‌وگو را رواج و همدلی و همکاری فعال را در فضایی مسالمت‌آمیز میان تمامی شهروندان گسترش داد. ما بر این باوریم که خشونت بزرگ‌ترین عامل بازدارنده پیشرفت و برهم زننده کنش میان شهروندان است. حکومت‌های خودکامه شاید با خشونت بر عمر خود بیفزایند، ولی جامعه تحت حکومت‌شان جز قهقرای مادی و فرهنگی چیزی دیگر نصیبش نخواهد شد و ماشین خشونتی که ساخته‌اند سرانجام موسسان آن را نیز خواهد بلعید. در واقع خشونت پناهگاه افرادی است که از صغارت خود در نیامده‌اند و قابلیت تامل و تفکر در مورد سامان‌دهی جامعه را ندارند. شاید به همین دلیل در ایران امروز شعار حقوق شهروندی بدون در نظر گرفتن نقد و مهار خشونت و گذار از آن دیگرکافی نیست.
آن چه سیر تحول قدرت در ایران به ما آموخته این است که طرح مسئله سیاست و قانون در این جامعه بدون در نظر گرفتن فرهنگ خشونت امکان‌پذیر نیست. در حقیقت طرح موضوع حقوق شهروندی به معنای آزمودن امکان ایجاد فضای مشترک و متکثر میان ایرانیان است. اگر بپذیریم که امروز در ایران ایجاد چنین فضای مشترکی دیگر نمی‌تواند از لوله تفنگ عبور کند، می‌توانیم نتیجه بگیریم که فرایند احقاق حقوق شهروندی دو منظور دارد: نخست، جایگزین کردن سیاست ترس و کینه با حس اعتماد اجتماعی و سپس پاسخ‌گو کردن تدریجی قدرت و سیاست‌مداران ایرانی از طریق تنظیم قواعدی برای حل و فصل خشونت‌پرهیز و عادلانه اصلاحات اجتماعی و سیاسی. این امر را نباید به معنای تضعیف شهروندان ایرانی در برابر قدرت دانست. بلکه به عکس این موثرترین شیوه برای دستیابی به یک خرد خشونت‌پرهیز است. بنابراین باید این را در نظر داشته باشیم که طرح حقوق شهروندی در شرایط کنونی ایران فقط به منزله یک پرسش یا حرکت سیاسی صرف نیست، بلکه باید به معنای فرایند توسعه استراتژی خشونت‌پرهیز در جهت ایجاد فضای رقابتی میان ارزش‌ها و هنجارها باشد.
از همین رو است که هر اقدامی در جهت گسترش گفت‌وگو و دوری از خشونت باید مغتنم شمرده شود، گرچه ممکن است آن چه از سوی دیگر مطرح شده باشد تفاوت زیادی با آن چه در مطالبات جامعه نهفته است داشته باشد، ولی خود گام گذاشتن و پذیرفتن مفهوم گفت‌وگو و به رسمیت شناختن حقوق شهروندان قدمی است مثبت، به جای روگردانی و تقابل باید بر پایه مفاهیم و معانی گفت‌وگو و چانه‌زنی کرد. در واقع رسالت فعالین اجتماعی چانه‌زنی مستمر بر سر حقوق و مطالبات ملت و گسترش دامنه آزادی‌های آنان است، روی‌گردانی از گفت‌وگو گونه‌ای از تمامیت‌خواهی و تک‌پنداری است، تجربه بشری تاکنون نشان داده است که انتقال مسالمت‌آمیز حکومت‌های خودکامه به مردم‌سالاری در پی ممارست و گفت‌وگوی پیگیر فعالان سیاسی و اجتماعی در کنار حضور فعال جامعه مدنی و آگاه شدن شهروندان به حقوق خود اتفاق افتاده است.
بی‌تفاوتی به حقوق شهروندی و نگاه توده‌وار به مردم جامعه را مقهور و همواره مظلوم بار می‌آورد، شهروندان چنین جامعه‌ای با حقوق خود ناآشنا، از مسئولیت فراری و به دلیل ناتوانی در تاثیرگذاری بر سرنوشت خود دچار توهم دسیسه می‌شوند، چه بسا با شرکت توده‌وار خود حتی اجازه تصویب قوانینی را نیز بدهند که حقوق فردی

و مدنی آنان را پایمال، زمینه را برای تبعیض و خشونت آماده و جامعه را به دو بخش خودی و غیر خودی تقسیم کند. از همین رو است که رشد آگاهی و گسترش گفت‌وگو با مردم برای آشنایی با حقوق شهروندی یکی از مهم‌ترین وظایف فعالان اجتماعی و سیاسی است.
در مسیر این گفت‌وگو باید توجه ویژه‌ای به شان قانون‌گذاری و نهادهای قانون‌گذار و اجرایی داشت، همان گونه که در منشور ۹۱ آمده دلیل ایجاد نهاد قانون‌گذار تضمین و پایداری آزادی شهروندان، رفع تمامی اشکال تبعیض زمینه‌سازی برای پیشرفت آنان است، بدیهی است که منشور شهروندی باید پا را از چارچوب‌های فعلی فراتر بگذارد.
منشور ۹۱ پایه خود را بر این باور نهاده که انسان آزاد و خودمختار است و حکومت امری است قراردادی، حضور او در جامعه بر مبنای ساختارها و قراردادهایی است ساخته دست انسان که هیچ یک نباید موجب ایجاد تبعیض یا منشاء هیچ گونه تمایزی گردد. به عبارت دیگر، حقوق انسان منشاء آسمانی ندارد که نمایندگان خودخوانده آن بتوانند آن را غصب و تعدیل و تنظیم کنند. بر همین پایه می‌توان گفت‌وگوی انتقادی را آغاز کرد و با تشکیل نهادهای پیگیر حقوق شهروندی خواستار اصلاح آن و حرکت به سمت رفع تمامی اشکال تبعیض و فراگیر شدن حقوق برابر شهروندی برای تمامی شهروندان ایران شد. با وجود آن چه گفته شد و با توجه به شرایط دشوار آزادی و نابرابری‌های موجود در جامعه ایران، ما از هر تلاشی که موجب باز شدن نسبی فضای جامعه مدنی و گسترش گفت‌وگو و عقلانی شدن مناسبات و کنش میان سران حکومتی و منتقدان قدرت شود استقبال می‌کنیم، انتشار این منشور از همین جنبه است که اهمیت دارد و در کنار نقد، باید آن را به سمت کاهش فاصله از استانداردهای جهانی سوق داد.

http://www.radiofarda.com/content/f2-iran-rohani-civil-rights-manifesto-analysis-jahanbegloo/25190850.html

—

منشور حقوق شهروندی: زائد، اجرا ناشدنی، متناقض، و گمراه‌کننده

2014-01-01 · Archive ID 3340
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3340

مجید محمدی: دولت حسن روحانی بنا به وعده‌ای که در دوران کارزارهای انتخاباتی داده بود ۱۰۰ روز پس از شروع به کار متن اولیهٔ منشور حقوق شهروندی را در ۱۵ ماده (مادهٔ ۳ آن در ۱۴۱ بند) در سایت ریاست جمهوری منتشر کرد.
چهار پرسش در مورد این متن مطرح است: آیا این متن چیزی به قوانین موجود می‌افزاید یا موجب شکل گیری گفتمانی تازه در حوزهٔ حقوق شهروندی می‌شود؟
آیا اصولا اجرای چنین قوانینی-حتی اگر به تصویب مجلس برسد- در جمهوری اسلامی با ساختار قدرت موجود ممکن است؟
آیا متن منشور یکپارچه و سازگار است؟
و آیا هدف عرضه کنندگان متن صرفا پاسخ به مطالبات شهروندان است یا اهداف دیگری هم برای انتشار آن قابل تصور است؟
زائد
منشور حقوق شهروندی در واقع بخشی از قوانین و چارچوب‌های موجود مثل قانون اساسی و قانون مدنی و قوانین دیگر مثل قانون کار و آیین دادرسی را در قالبی آشفته و در هم ریخته ارائه می‌کند و موسس هیچ حق تازه یا روند و فرایندی تازه برای استیفای حقوق افراد نیست.
این لایحه حتی جنبهٔ آموزشی نیز برای عموم ندارد چون سطحی پایین‌تر از مطالباتی را مطرح می‌کند که در اوایل دههٔ هفتاد در ایران مطرح بود و به جایی نرسید. این منشور مطالبات جنبش‌های زنان، دانشجویان، کارگران و فعالان محیط زیست را نادیده گرفته است. بدین طریق معلوم نیست این منشور به نیاز چه گروه‌هایی پاسخ می‌دهد.
متناقض و چندگانه
منشور حقوق شهروندی دولت روحانی از سه جهت متناقض و چندگانه است:

۱. حقوقی را تاسیس می‌کند و بعد با مقید کردن آن‌ها به شرع و اسلام از درجهٔ اعتبار می‌اندازد (مواد ۱-۳، ۱-۵، ۳-۱۶، ۳-۷۸، ۳. ۹۹)، درست مثل قانون اساسی یا دیگر قوانین موضوعهٔ کشور؛
۲. برخی تبعیضات مثل تبعیض نژادی و طبقاتی را نفی و برخی دیگر مثل تبعیض مذهبی را تحکیم می‌کند (مادهٔ ۱-۱)؛
۳. در متن منشور میان قانون، برنامه، خط مشی و سیاست خلط شده است. مادهٔ ۱-۶، آن را به صراحت برنامه و خط مشی اعلام می‌کند و نه قانون. مادهٔ ۳ عمدتا حقوق افرا راد از متون دیگر قانونی گرد آوری کرده و عرضه می‌کند. اما در همین مادهٔ ۳ مواردی از سیاستگزاری نیز به چشم می‌خورد مثل بندهای ۳-۳، ۳-۹، ۳-۱۸، ۳-۲۴، ۳-۲۶، ۳-۳۵، ۳-۴۰، ۳-۴۲ تا ۳-۴۵، ۳-۴۷، ۳-۵۰، ۳-۵۳، ۳-۵۸، ۳-۷۰، ۳-۷۵، ۳-۷۸، ۳-۹۹، ۳-۱۱۳ تا ۳-۱۱۵، ۳-۱۲۰، و ۳-۱۳۳.
ناشدنی
چهار واقعیت سیاسی و نهادی در ایران مانع از اجرای هرگونه قوانین مربوط به حقوق شهروندی است:
۱. دادگاه‌های چندگانه مثل دادگاه روحانیت و دادگاه انقلاب که اصولا برای نقض حقوق افراد تاسیس شده‌اند؛
۲. ضابط قضایی قرار دادن نهادهایی مثل بسیج و سپاه که کار آن‌ها نه اجرای قانون بلکه ایجاد ارعاب و ارهاب است و اجرای قانون تنها دغدغه‌ای است که ندارند؛
۳. وجود دستگاه‌های امنیتی موازی در نهادهای نظامی و شبه نظامی و انتظامی که قدرت بی‌نهایتی دارند و حتی احکام قضایی را صادر کرده و به امضای قضات می‌رسانند؛
۴. حزب پادگانی تحت نظر دستگاه رهبر ی (لباس شخصی‌ها) که با هزاران عضو غیر رسمی در سراسر کشور مسئول تحمیل سبک زندگی اسلامگرایان بر همگان و سرکوب منتقدان و مخالفان است و از مصونیت کامل قضایی برخوردار.
این چهار واقعیت را که در کنار هم بگذاریم از دل آن ماشین سرکوبی پدید آمده که اصولا و به طور نهادینه ناقض حقوق شهروندی است و اصولا برای نقض حقوق برساخته شده است. تنها طرح یا لایحه‌ای که بتواند عناصر چهارگانهٔ ماشین سرکوب حکومت را فشل سازد می‌تواند به استیفای حقوق شهروندی یاری برساند. ماشین سرکوب بیش از پیش فعال است و هیچ مانعی بر سر کار آن وجود ندارد. بنابراین لایحهٔ حقوق شهروندی قبل اززاده شدن سقط شده است.
مرکز ملی حقوق شهروندی نسخهٔ رقیق شدهٔ هیئت نظارت بر قانون اساسی است که در دورهٔ محمد خاتمی تاسیس شد، کاری از آن بر نیامد و با آمدن احمدی‌نژاد تعطیل شد. این مرکز هر چند بنا به مادهٔ ۴ منشور حقوق مردم را در قوانین موجود احصا کند راهی برای استیفای آن‌ها در اختیار نخواهد داشت. منشور حقوق شهروندی حتی گزارش به رئیس جمهور به عنوان اجرا کنندهٔ قانون اساسی را نیز ذکر نکرده تا برخوردی با بیت رهبر و قوای دیگر ایجاد نشود. رئیس جمهور ی که نمی‌تواند در باب نقض قانون اساسی به قوای دیگر و نهادهای ذیل رهبر و خود رهبر تذکر دهد چگونه می‌خواهد زمینهٔ اجرای قوانین بر زمین مانده را فراهم کند؟
گمراه‌کننده
کافی است به کارنامهٔ دولت روحانی در چهار ماه اول از حیث ایفای حقوق شهروندان نگاه کنید: رفع سانسور از ۲۰ کتاب، بازگشایی خانهٔ سینما و ثبت نام ۱۳۰ نفر از دانشجویان محروم از تحصیل. این در کنار تضییع هر روزه و نهادینهٔ حقوق ده‌ها میلیون ایرانی در عرصه‌های مختلف یعنی قطره‌ای از دریا. دولت روحانی اگر عزمی در استیفای حقوق شهروندی دارد باید آن را در عمل یعنی مقاومت در براب تعطیلی روزنامه‌ها، بازداشت فعالان سایبری و خوانندگان و بلاگرها، و تعطیلی نشریات دانشجویی، و نیز مخالفت با اعدام‌های گسترده از خود بروز دهد.
با توجه به فقدان عزم در دولت روحانی برای صیانت از حقوق مردم این منشور صرفا برای ساکت کردن و به حاشیه بردن کارزارهای مطالبه محور و تبلیغات بین المللی تنظیم شده است.
نزدیکان روحانی می‌دانند که خواست طبقهٔ متوسط در ایران به کاهش تورم و بیکاری محدود نمی‌شود؛ حقوق و آزادی‌ها همیشه بخشی از خواست های شهروندان ایرانی بوده است. انتشار منشوری که به هیچ کجا نخواهد انجامید برای آن است که این مطالبه برود و در میان مجادلات دولت و مجلس و شورای نگهبان برای چهار سال آینده گم شود. همین بلا بر سر لوایح دوقلوی خاتمی (لغو نظارت استصوابی و مشخص شدن اختیارات رئیس جمهور) و ده‌ها طرح مجلس ششم برای دمکراتیزه کردن امور و استیفای حقوق شهروندان آمد. در باب دولت خاتمی و مجلس ششم حداقل این باور وجود داشت که لایحه دهندگان و ارائه کنندگان طرح‌ها در کار خود جدی هستند اما در باب دولت روحانی به همین اندازه نیز اطمینان وجود ندارد.

http://www.radiofarda.com/content/f35_citizen_rights_rouhani_gov/25190361.html

—

نگاه و نقدی برمنشور حقوق شهروندی

2014-01-01 · Archive ID 3341
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3341

پرویز دستمالچی: "منشور.."دارای نوزده برگ، یک پیشگفتار و سه فصل است. فصل اول، "قواعد عمومی"، دارای یک ماده و شش "قواعد عمومی حاکم بر منشور" است. فصل دوم، به "مهم ترین حقوق شهروندی" اختصاص دارد که شامل دو ماده (ماده 2 و ماده 3) می شود. ماده 2 دارای یک بند و ماده 3 شامل 141 بند است. فصل سوم، "سازمان کار، توسعه و نظارت بر اجرای منشور و مقررات حقوق شهروندی" است که در بر گیرنده ماده 4 تا 15(11 ماده) است و مربوط به بخش سازمانی- اداری- اجرایی منشور می شود که مورد بررسی این نوشته نیست.

در نگاه کلی، "منشور..." بسیار طولانی، تکراری، بعضا انشاء نویسی، بعضا رونویسی یا باز نویسی و باز خوانی از فصول ق.ا.ج.ا.ا. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، به ویژه فصل سوم است که یا کامل، یا تکه پاره و یا با تغییراتی اندک ارائه شده اند(نشان خواهم داد).

مهمترین بخش"منشور..." پیشگفتار آن است، زیرا در آنجا چارچوب ارزشی آن ارائه می شود تا روشن باشد که حقوق مطروحه در"منشور..." را باید در کدام سیستم ارزشی- حقوقی، بازخوانی کرد. التزام ارزشی- حقوقی منشور به قران، امامان، قانون اساسی ج.ا.ا. و اندیشه های خمینی است. در جوامع مدرن و دمکراتیک امروز، التزام قانونگذاری به اعلامیه جهانی حقوق بشر است، حقوقی برای همه، بدون تبعیض. یعنی این منشور در اساس "منشور حقوق شهروندی اسلامی" است که واژه "اسلامی" عمدا حذف شده و نام "حقوق شهروندی" به خود گرفته است تا"اعتدال" رعایت شود و به این پندار دامن زنند که گویا می خواهند بی حقوقی ها یا تبعیض ها را بردارند یا از آنها بکاهند. منشور در اساس حافظ همان بی حقوقی ها است، با اندکی "نقل و نبات". امضاء ج.ا.ا. هنوز زیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر میثاقهای سیاسی- اجتماعی و حقوق شهروندی سازمان ملل هست، نیازی به منشور نوین نیست، آنها را رعایت کنید و به اجراء بگذارید. اما چرا منشوری دیگر؟ آیا میان حقوق بشر و مدنی شهروندان ایران با میثاقهای جهانی آنچنان تفاوتی هست که باید منشوری دیگر نوشت؟ بله هست، زیرا این"منشور..." ناتقض اصول اساسی حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاقها آمده است.

1- نگاه به پیشگفتار:

« نظر به کرامت و ارزش والای انسان در شریعت مبین اسلام؛ نظر به جایگاه رفیع انسان که در آیه شریفه 70 در سوره مبارکه اسراء مورد تاکید قرار گرفته است..." و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا(برمرکب ها) بر نشاندیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم"، و نظر به فرمایش گهربار حضرت امام علی(ع): ... با این ترجمه که " خداوند سبحان حقوق بندگانش را بر حقوق خودش مقدم دانسته است پس هرکه حقوق بندگان را رعایت کند، این امر به ادای حقوق خداوند منجرخواهد شد"،... نظر به اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصول مندرج در فصل سوم درمورد حقوق ملّت؛ نظر به فراز تاریخی صدور فرمان هشت ماده ای رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی(قدس سرّه) درباره حقوق مردم، قانون، قوه قضاییه و لزوم اسلامی شدن روابط و قوانین... ، نظر به دیدگاههای معظم له، در موضوع حقوق شهروندی: " من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام نژاد، زبان، قومیت و گروه و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین – چه اهل سنت و چه شیعی– برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند"... نظر به منویات مقام معظم رهبری مدظله العالی، بدینوسیله خط مشی و برنامه دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه بازخوانی، شناسایی، اعلان، توسعه، اجراء و نظارت بر تحقق حقوق شهروندی برای تمامی اتباع کشور و اصول راهنمای دولت در تصویب مقررات و پیشنهاد قوانین و درکلیه اقدامات دولت و دستگاههای اجرایی، طبق فصول آتی اعلام می گردد:...».

پیشگفتار به قرآن، به امام علی، به اصول متعدد قانون اساسی، بویژه فصل سوم، به امام خمینی در باره حقوق مردم و لزوم اسلامی شدن روابط و قوانین و اینکه همه برخوردار از مزایا و حقوق اسلامی هستند و به منویات

مقام معظم رهبری ارجاع می دهد. یعنی، حقوق مندرج در این "منشور..." در تطابق و در بستر اسلام، امامت، ولایت فقیه، رهبری و در چاچوب اصول قانون اساسی و احکام موازین شرع قابل فهم و اجراء خواهند بود. پس، این منشور نه برای کل شهروندان ایران(برای هر کس)، بل تنها برای بخشی از آنها تهیه و تنظیم شده است، زیرا:

الف- قرآن آیات شریفه فراوانی دارد که بسیار ضد و نقض اند. از جمله آیاتی که حجت السلام(به عنوان مثال) محمد باقر خالصی(و دهها فقیه ومجتهد دیگر) به آنها استناد می کنند و از آنها نتایج دیگری می گیرند: "... هنگامیکه به آیات قرآن نگاه می کنیم که قرآن همواره نسبت به عمل و روش انتخاب (و انتصاب) اکثریت هر جامعه ای نظر خوشی نداشته و برای اندیشه آنان ارزشی قائل نشده است... قرآن در بیشتر از 25 مورد اکثریت بشر را به تعبیر اکثرهم لایعلمون= بیشتر انسانها نادانند، نادان خطاب کرده است. و در ۶ مورد اکثریت را به خطاب اکثرهم لایشکرون= اکثر انسانها شکرگزار نیستند، توبیخ کرده است و در 13 مورد فاسق و در 4 مورد دیگر بدون عقل و خرد معرفی کرده است و نیز در بیشتر از 4 مورد اکثریت را کافر محض و منکر حق خوانده است و در یک مورد اکثریت انسان ها را گمراه و گمراه کننده دانسته است. خداوند در این باره می گوید: ... یعنی اگر از اکثر ساکنان روی زمین پیروی کنی آنان تو را از راه حق بدر برده و منحرف می کنند. پس از اینکه قرآن اکثریت جامعه را از نظر فکر و عمل منحط و فاسد معرفی نموده و این مطلب را به صورت اصل خلل ناپذیری بیان می کند، آیا بازهم مسلمانان و پیرو قرآن میتواند تکیه بر اکثریت کرده واز نظریات آنان طرفداری کند؟...1".

پس استناد به قرآن الزاما به معنای آن "آیه شریفه ای" که منشور به آن استناد می کند نیست، و می تواند برعکس باشد که در طول سی و چهار سال عمر ج.ا.ا. چنین بوده است. و در ق.ا.ج.ا.ا. چندین و چند بار به آیه های شریفه گوناگون(به مناسبت یا بی مناسبت) اشاره و استناد شده است و فعلا وضع نقض حقوق بشر، حقوق شهروندی و تبعیضهای رایج بگونه ای است که مقام ریاست جمهوری مجبور به اقداماتی برای"رفع آن شده است.

بعلاوه، انسان در قرآن هنگامی به حساب می آید که مسلمان باشد، اگر اینچنین نبود، کشتن کافران واجب نمی شد. از آن نگاه، انسان ابتداء با پذیرش اسلام شرف و حیثیت می یابد و حق حیات خواهد داشت و "حقوق" او همان تکالیف درمحدوده حدود الهی و "احکام و موازین شرع"، یعنی همانی اصولی که ج.ا.ا. بر روی آن بنا شده است. در نتیجه استناد به قران به عنوان پایه ارزشی ایمانی"حقوق شهروندی"می تواند بازهم به اختلافات و دعواهای بی پایان "خوانشها" که سده ها است ادامه دارد، همچنان دامن زند. دعوایی که در زندگی سی و چهار ساله ج.ا. به کشتار، زندان و تبعید حتا مومنان به حکومت اسلامی انجامیده است.

ب- "امام علی"، امام اول شیعیان و جانشین محمد(از نگاه شیعیان) و خلیفه چهارم (از نگاه اهل سنت) است. یعنی مقام و موقعیت علی در میان اهل سنت ایران(ده تا پانزده میلیون)و سایر اقلیتهای دینی- مذهبی یا دین ناباوران یا... با پیروان او یکی نیست. اگر منشور برای حقوق شهروندان نوشته می شود، شهروندانی که در دین و مذهب یا مرام و مسلک، یا برداشتها و خوانشها، یکی نیستند، اما همگی ایرانی اند، از شما پرسش خواهد شد و به شما ایراد به حق گرفته خواهد شد که این تبعیض برای چیست، که در"منشور حقوق شهروندی" از مقدسات و مقدسان شما به عنوان مرجع یاد می شود، اما سخنی ازمقدسات و مقدسان دیگران نیست؟ شهروندان ایران نه همگی مسلمان اند، نه همگی مسلمان- شیعه- دوازده امامی- مکتب اصولی- ولایت فقیه ای. اگر منظور از"منشور حقوق شهروندی"، تعیین حقوق برای هر"کس"است، با توجه به اینکه این"کس" ها کاملا متفاوت و دارای ارزشهای گوناگون تا متضاد هستند، پس معیار ارزشی و سنجش برای تعیین حقوق، باید کاملا بی طرفانه، منصفانه و عادلانه تعریف و تدوین شوند. ملاک قراردادن یک متن مقدس ویژه، استناد به آیه های گزینه ای و ارجاع به شخصیت های یک مذهب خاص و ارزش های آن دین ومذهب، در اساس نه حافظ حقوق یکسان شهروندی که ناقض آن است. حقوق شهروندی، اگر برای گروهی ویژه تدوین و تنظیم نشده باشد، باید هر ایرانی را در برگیرد و نه ایرانی مسلمان- شیعه- دوازده امامی- مکتب اصولی ولایت فقیه ای را.

پ- در منشور به "امام خمینی" ارجاع و استناد می شود. ایشان از جمله براین نظر است که:" ارتداد عبارت از خارج شدن از اسلام و پذیرش کفر. شخصی که از اسلام به کفر روی آورده باشد مرتد نامیده می شود و آن بر دو قسم است... مرتد فطری و... مرتد ملی...، مرتد فطری... در صورتیکه مرد باشد حکمش اعدام است، چنانچه زن باشد محکوم به حبس ابد و زدن به هنگام نماز و تنگی در معیشت است... مرتد ملی توبه داده می شود و در صورت امتناع از توبه اعدام می شود...۲". چنین سخنانی ریختن آب پاک بر روی آزاد اندیشی و دگرباشی است. آنچه آمد گوشه ای از اندیشه های تاریک ایشان است. چگونه می توان منشور حقوق شهروندی

را بر روی چنین اندیشه هایی بنا کرد، مگر آنکه هدف دست یازیدن به همان ارزشها و معیارها باشد، اما در قالبی "مدرن".

ت- در پیشگفتار"منشور..." به حقوق مردم یا شهروندان ایران مندرج در قانون اساسی، بویژه فصل سوم، ارجاع می شود. نگاه کنید به گوشه ای از این حقوق (بی حقوقی). ابتداء کل ق.ا.ج.ا.ا.:

بنابر ق.ا.ج.ا.ا.، شورای خبرگان رهبری(86 مجتهد)، مقام رهبری (فقیه یا مجتهد)، قوه قانونگذاری(دراختیار اکثریت فقهای شورای نگهبان، یعنی چهار فقیه یا مجتهد منتخب یا منتصب رهبر)، رئیس قوه قضایی، رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل(هرسه مجتهد منتخب یا منتصب مستقیم وغیرمستقیم رهبر)، همگی در اختیار فقها و مجتهدان است. یعنی، تقریبا اساسی ترین نهادهای قانونی ج.ا. در انحصار فقها و مجتهدان است. به بقیه پست ها و مناصبی که قانونا در اختیار و انحصار فقها و مجتهدان هستند فعلا کاری ندارم. اگر فرض کنیم که 75 ichv فقیه و مجتهد وجود داشته باشد و جمعیت ایران بالغ بر 75 میلیون نفر باشد، در اینصورت بیش از 99% ملت ایران از حق انتخاب شدن در اصلی ترین و اساسی ترین ارگانهای پیش بینی شده در قانون اساسی(که تصمیم گیرندگان اصلی سرنوشت جامعه هستند) محروم می باشند. یعنی استناد منشور به ساختار حقوقی-قانونی است که خود در اساس و بنیاد ناقض حقوق شهروندی است. منشور می خواهد در یک بستر حقوقی-قانونی سراسر تبعیض، عدالت برقرار سازد! اگر شهروندان باید بنا بر طرح شما دارای حقوقی یکسان در برابر قانون شوند، این نقض غرضها را چگونه توضیح می دهید؟ برقراری"عدالت"در بستر بی عدالتی مطلق، عین بی عدالتی است. البته توضیح منشور روشن است: همه چیز در چاچوب "حقوق اسلامی". حقوق اسلامی، احکام و موازین شرع، سراسر پر از تبعیض ها است، رسما، قانونا و علنا. همچنانکه می توان سدها مورد آنها را در حکومت ج.ا. و نیز در قوانین اش نشان داد: تبعیض حقوقی میان مسلمانان با نامسلمانان، میان نامسلمانان اهل کتاب و سایر ادیان، میان مسلمانان و سایر ادیان، میان شیعیان و اهل سنت، میان مردان و زنان، و حتا میان شیعیان مرد مومن با فقها و مجتهدان. به اینها دهها تبعیض حقوقی دیگر نیز می توان اضافه نمود که موضوع این نقد نیست. اگر قراراست تمام شهروندان از حقوقی یکسان در برابر قانون بهرمند باشند، لطفا توضیح دهید:

- چرا پایه های حکومت باید بر اساس اسلام- شیعه- دوازده امامی- مکتب اصولی- ولایت فقیه باشد(اصل 2 ق.ا.)؟
- چرا تقریباً تمام ارگانها و نهادهای اساسی قانون اساسی در انحصار فقها و مجتهدان است؟
- چرا زنان، پیروان اهل سنت، یا پیروان سایر ادیان ومذهب از شرکت در این نهادها محروم هستند؟ مثلا در شورای خبرگان رهبری یا در مقام ریاست جمهوری، یا شورای نگهبان، و...
- چرا رئیس جمهور باید از رجل سیاسی- مذهبی و پیرو دین رسمی کشور باشد، یعنی زنان، اهل سنت، پیروان سایر ادیان و مذهب قانونا مجاز نباشند که به مقام ریاست جمهوری برسند؟
- چرا قانونگذاری باید براساس احکام وموازین مذهب شیعه وتفسیر آن در انحصار"فقهای شورای نگهبان(چهار فقیه شیعه دوازده امامی) باشد؟(اصل 4)
- چرا کانیداهای مردم از سوی نمایندگان مستقیم وغیر مستقیم رهبر در شورای نگهبان "نظارت استصوابی" می شوند تا نمایندگان دگراندیشان و دگر باشان نتوانند به مقامات سیاسی مهم برسند؟

و ده ها پرسش دیگر در رابطه با نقض حقوقی اساسی موجود در ق.ا.ج.ا.ا.، که منشور کوچکترین اشاره ای ندارد. کار "منشور..." را می شود مقایسه کرد با اشغال غیر مجاز وغیرقانونی یک خانه که اشغال کنندگان در زیر زمین مرطوب، نمناک و تاریک اش، اطاقی هم به خود صاحب خانه بدهند و بگویند همه با هم برابر!

- و...

ث- و اما در باره اصول فصل سوم ق.ا.(از اصل 19 تا 55) که منشور از جمله به آن استناد می کند: اصل نوزدهم می گوید: " مردم ایران ازهرقوم و قبیله که باشند ازحقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود". اگراین اصل با مشابه آن دراعلامیه جهانی حقوق بشر مقایسه شود، فوراً آشکار می شود که دراین اصل دوعنصر اساسی، جنسیت (زن) و دین(مذهب، مسلک یا هرایدئولوژی دیگر) آگاهانه از قلم افتاده است. زیرا از نظر ق.ا.ج.ا.ا.، شیعه مکتب اصولی برترین است و مسلمانان نسبت به دیگران دارای امتیازمی باشند. ق.ا.ج.ا. مذهب شیعه دوازده امامیِ پیرو مکتب اصولیِ شاخه ولایت فقیه را تنها مذهب"حق" در دنیای اسلام می داند. البته، اگرآنها این موضوع را امری اعتقادی- ایمانی، اما شخصی بدانند، برآنها ایرادی نیست. هر کس می تواند ومجاز است برای خود اعتقادی داشته باشد وآن را"بهترین و بالاترین" یا "حق مطلق" بداند. اشکال در آنجایی است که این اعتقادات و"ارزش" ها از یک سو مطلق و جهانشمول شوند، و از سوی دیگر، به صورت اصول قانون اساسی، یعنی معیارها وارزشهای حکومت، به عنوان ارگان اداره امور

عمومی جامعه، درآیند. قانون اساسی، قواعد اصولی و پایه ای تشکیل یک نظام حکومت است، و حکومت امری شخصی وفردی نیست، بل ارگان اداره امور عمومی جامعه است، و پس نهادی عمومی است.
یعنی ق. ا. نمی تواند رنگ وبوی تنها یک جهان بینی ویژه ای را داشته باشد. گفتم که در اصل نوزدهم واژه جنسیت (زن) وجود ندارد. چرا؟ زیرا مرد بودن بنابر دین اسلام، بنابر فقه جعفری، بنابر ق.ا.ج.ا.ا. و نیز قوانین عادی تابع آن (قانونا، رسما و علنا) "سبب امتیاز" خواهد بود. نگاه کنید به محرومیت زنان از حقوق اساسی یا حقوق آنها در قوانین عادی. اصل نوزدهم می گوید "رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود". یعنی، سایر ویژگی ها، مانند مسلمان بودن، شیعه دوازده امامی بودن، مرد بودن سبب امتیاز خواهد بود. همچنانکه درقانون اساسی، در قوانین مدنی و نیز درعملکرد ج.ا. چنین است.
اصل بیستم می گوید: "همه افراد ملت اعم از زن ومرد یکسان درحمایت قانون قرار دارند وازهمه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند". یعنی، یکم، تساوی حقوق شهروندی در برابر قانون وجود ندارد، بل اجراء قانون برای همه یکسان خواهد بود. و دوم، بهره گیری از حقوق انسانی در چارچوب "موازین اسلامی" معتبر است، که عین تبعیض و بی عدلتی است. در فصل سوم، حقوق مردم مرتبا با محدودیت مبانی اسلام روبرو می شود: " دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسامی تضمین نماید...اصل 21، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا...باشند...(اصل 24)، احزاب، جمعیت ها و... آزداند، مشروط باینکه ... موازین اسلامی ... را نقض نکنند (اصل 26)، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها... بشرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد ست (اصل27)، هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و...نباشد، برگزیند (اصل28)". واین امر را تا به آخر ادامه دهید. پرسش این است که چه کس یا کسانی حدود "اخلال" به مبانی را تعیین می کنند؟
اصل چهارم ق.ا.ج.ا.ا. می گوید تشخیص تعارض قوانین مصوب مجلس با احکام وموازین اسلامی "برعهده فقهاء شورای نگهبان" است. و فقهای شورای نگهبان را چه کسی انتخاب یا انتصاب می کند؟ بنابر اصل 91، انتخاب فقها و مجتهدان شورای نگهبان با رهبر است.
2- فصل اول، قواعد عمومی
این فصل دارای یک ماده و شش بند است. در بند اول آمده است که " کلیه اتباع ایران صرفنظر از جنسیت، قومیت، ثروت، طبقه اجتماعی و یا امثال آن از حقوق شهروندی و تضمینات پیش بینی شده در قوانین و مقررات برخوردار می باشند." در اینجا بازهم مانند همیشه قید دین و مذهب از صفات برشمرده شده افتاده است، چرا؟ زیرا اسلام را با دیگر ادیان، و شیعه را باسایر مذاهب اسلام یکسانی در حقوق بی جا است. درست همانگونه که در ق.ا. و نیز سایر قوانین مدنی ج.ا. وجود دارد. اساس تبعیضات در ج.ا.ا. بر روی دین و مذهب، سپس بر روی جنسیت و بعد بر روی مقام و موقعیت مومنان(عادی و فقها و مجتهدان) بنا شده است، و نه نژادی یا قومی و...، به این دلیل،"منشور ..." مرتبا به تلاش برای رفع تبعیضهای نژادی- قومی- فرهنگی- زبانی اشاره می کند تا اصل مشکل را بپوشاند.
اصل دوازدهم ق.ا. مذهب "جعفری اثنی عشری" را مذهب رسمی کشور می داند که (بنابر اصل دوم) حکومت باید براساس اصول آن بناشود، و رئیس جمهور باید پیرو آن مذهب (ومرد)باشد، اما همان اصل دوازدهم برای اهل سنت(ده تا پانزده میلیون شهروندان ایران) نه حقوق مساوی در برابر قانون که"احترام کامل" به رسمیت می شناسد. در نتیجه، حتا یک نفر از اهل سنت هم در ارگانهای اساسی نظام دیده نمی شود(شورای خبرگان رهبری، مقام رهبری، شورای نگهبان، رئیس قوه قضایی، دادستان کل کشور، رئیس دیوانعالی قضایی، رئس جمهور، و...). اصل دوازدهم "ایرانیان زرتشتی، کلیمی، و مسیحی"را به عنوان تنها اقلیتهای دینی ای به رسمیت می شناسد، که(مانند اهل سنت) نه دارای حقوقی یکسان با دیگران در برابر قانون، که تنها "در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود" آزادند. "منشور..." اگر می خواهد از تجاوز به حقوق شهروند ایرانی پیشگیری کند، برای این تبعیض و بی حقوقی های رسمی و قانونی چاره ای بیاندیشد نه آنکه آنها را اساس و کارپایه خود قرار دهد.
در اینجا برای پرهیز از تکرار، از بررسی بندهای دیگر این فصل چشم پوشی می کنم چه در آنجا مرتب سخن از "توجه به تعالیم دین مبین اسلام" به" قانون اساسی" به "مبانی دینی" و... است و دستگاههای اجرایی را موظف میکند تا چارچوب ق.ا.ج.ا. و شرع مقدس از ظرفیتهای موجود خود حداکثر استفاده را بنمایند."منشور..." سپس وارد فصل دوم، یعنی بخش مربوط به "مهمترین حقوق شهروندی" می شود.
3- فصل سوم- مهم ترین حقوق شهروندی
این فصل دارای دو ماده(2 و 3) و 141 بند است که در ماده دوم آن "... دولت جمهوری اسلامی ایران موارد

ذیل را به عنوان مهم ترین حقوق شهروندی اعلان می نماید و اجراء و تضمین آنها را در الویت قرار می دهد...".
در بند 3-1، در رابطه با "حیات، سلامت و زندگی شایسته"آمده است که:" شهروندان از حق حیات(زندگی) برخوردارند(سپاس، پ.د.). هیچ شهروندی را نمی توان از حق حیات محروم کرد(کشت، پ.د.)، مگر بر اساس حکم دادگاههای صالحی که برمبنای موازین قانونی تشکیل و صادر شده و اصول دادرسی عادلانه (قوانین قضایی اسلامی، پ.د.)در آن رعایت شده" باشد.
پرسش این است که مگر تاکنون چنین نبوده است؟ تمام اعدامها، سنگسارها، قصاص ها و... براساس قوانین قضایی و جزایی ج.ا.ا. بوده اند. نگاه کنید به فصل یازدهم ق.ا.ج.ا.، به فصل قوه قضائیه، که آیا بسیار دقیق تر از این مطالب را نمی گوید؟ برای نمونه چند مثال(برای یادآوری) می آورم تا شاید روشن شود مشکل ما در کجا نهفته است، هرچند آنهایی را که خود را به خواب زده اند نمی توان"بیدار" کرد :
* هرکس به مقدسات اسلام ویا هریک ازانبیا، عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره(س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می شود و درغیراین صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. (قانون مجازات اسلامی، ماده 513)
*هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد ازهر بار حد براو جاری شود درمرتبه چهارم کشته می شود"(ماده 90)
• زنای غیرمسلمان با زن مسلمان موجب قتل زانی است(بند ب از ماده 82).
• حد زنا در موارد زیر رجم (قتل از راه سنگسار) است:
الف ـ زنای مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او درحالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می تواند با اوجماع کند.
ب ـ زنای زن محصنه با مرد بالغ، زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر درحالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته است(ماده 83).
• حد لواط در صورت دخول قتل است وکیفیت نوع آن دراختیار حاکم شرع است (ماده 110).
• هرگاه مردبالغ وعاقل با نا بالغی لواط کند فاعل کشته می شود ...(ماده 111).
• در صورتیکه فاعل غیر مسلمان ومفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است(تبصره ماده 121 از باب لواط).
• هرگاه مساحقه (همجنس بازی زنان) سه بارتکرار شود وبعد از هربارحد جاری گردد ودرمرتبه چهارم حد آن قتل است(ماده 131).
• هرگاه کسی چند باراشخاص را قذف (نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگری) کند وبعد ازهربار حد براو جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود(ماده 157).
• هرگاه کسی چندبار شرب مسکر(نوشیدن مشروبات الکلی) بنماید و بعداز هربار حد براوجاری شود درمرتبه سوم کشته می شود (ماده 179).
• حد محارب و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است:
1 ـ قتل 2 ـ آویختن به دار 3 ـ اول قطع دست راست و سپس پـای چپ 4 ـ نفی بلد(ماده 90).
امّا محارب یا مفسد فی الارض کیست
• هرکس که برای ایجاد رعب وهراس وسلب آزادی وامنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسدفی الارض می باشد(ماده 183).
• سارق مسلح و قطاع الطریق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم بزند ورعب ووحشت ایجاد کند محارب است (185).
• هرگاه گروه یا جمعیت متشکل که دربرابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می دانند وبه نحوی درپیشبرداهداف آن فعالیت وتلاش موثر دارند محاربند، اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند (ماده 186).
• هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظوراسلحه ومواد منفجره تهیه کند و نیز کسانیکه با آگاهی واختیارامکانات مالی موثر و یا وسایل واسباب کار وسلاح دراختیارآنها بگذارد محارب ومفسد فی الارض می باشند (ماده 178).
• هرکس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست های حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا بنحوی موثر باشد، محارب و مفسدفی الارض است (ماده 188).
• حد سرقت درمرتبه چهارم اعدام است، ولو سرقت در زندان باشد (بند د از ماده 201).
• کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او را کشت (ماده 219).

• هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود ...(ماده 207).
• هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی رابکشد محکوم به قصاص است لیکن بـاید ولی زن قبل از قصـاص قاتل نصف دیـه مـرد را بـه او بپردازد(ماده 209).
* و...

اینها تنها نمونه هایی از "محروم کردن از حق حیات" رسمی و قانونی از سوی حکومت است که به آن دهها مورد دیگر رسم- قانونی یا "غیر قانونی" و"غیررسمی" می توان افزود. اما نگاه کنید که فاجعه بازی کردن با "حق حیات" دیگران تا به کجا پیش می رود:

درج.ا.ا.، بنابر قانون، " قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات نماید (قانون مجازات اسلامی ، قصاص ، ماده 226). ماده 226 به هرمسلمانی اجازه می دهد که براساس قدرت تشخیص، قدرت قضاوت، و نیز رأی و اراده خویش، هر جا "شرعاً" لازم دید، انسانی را به قتل برساند. معیار کشتن دگراندیش، ذهنیت فرد مسلمان و"خوانش"(قرائت) ویژه و شخصی او از اسلام و شریعت است. این امر یعنی برتری حقوقی فرد "مومن" برسایر شهروندان و سپردن جان و مال و حیثیت افرادِ جامعه به نظر لطف مومنان. دگراندیش می تواند هرکسی باشد. پیرو دین یا مذهبی دیگر، پیرو جهان بینی های زمینی، یا یک شکاک، یا دانشمند وفیلسوفی که براساس خرد، ونه ایمان، در پی کشف حقیقت است. یا فردی عادی وعامی و...، حق کشتن(محرومیت از حیات) دیگران براساس تشخیص مومن، یعنی قانون جنگل. قتلهای" ناموسی" در ج.ا. محصول این حق فرد مومن و قانون مربوط به آن بود و هست. و قتلها ی سیاسی"زنجیره ای" یا غیر زنجیره ای، نیز سرانجام با همین ماده 226 "توجیه" سیاسی- حقوقی شد.

در ج.ا.ا.، علاوه برفرد مومن، گروه مومنان نیز مجازاند مستقلا، و تنها براساس تشخیص فردی و گروهی خویش، بمنظور مبارزه با" فساد و مفسدان"، حتا مسلحانه، وخودسرانه، دست به قتل دگراندیشان بزنند. ماده 184 (قانون مجازات اسلامی) می گوید: "هرفرد یا گروهی که براساس مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه برند محارب نیستند". ماده۱۸۴به هرفرد(یا گروه مومن ومسلمان) اجازه می دهد برای ازبین بردن "فساد" دست به اسلحه ببرند. اینها "محارب" نیستند، بل اینها همان "انصاری" هستند که مسلح به انواع"اسلحه" سرد و گرم، گویا "خودسرانه" یا با فرمان، "محاربان"(معترضان یا مخالفان) را، در پناه قانون اسلامی، مصون از هرنوع مجازات، از حق حیات محروم می کنند.

در اینجا جنایت ضامن قانونی(حکومتی) دارد و برای حفظ و تحکیم موقعیت حکومتگران انجام می گیرد. مجری اش مومنی یا گروه مومنانی هستند که با- یا بی دستور، با- یا بی فتوا عمل می کنند. اینکه تعریف"فساد" چیست و چه کسی آن را تعریف می کند، روشن است. تعریف فساد با فرد"مومن" است. اگر"مومن" براساس اعتقادات خویش "ناموس" جامعه یا کیان اسلام را در خطر دید و معتقد شد که فساد انجام می گیرد، حق دارد (قانوناً) مسلح شود و با مفسدان بجنگد. کار او حقانیت (شرعی) دارد و قانونی است. در دینا چند کشور وجود دارد که اینهمه مجازات مرگ داشته باشد، فرد مومن و گروه مومنان حق کشتن دگراندیشان را بر اساس "پندارهای" خود داشته باشند؟ و فقها و مجتهدانش بتوانند بدون مجازات قانونی حکم قتل صادر کنند و حکومت در بیش از سی مورد مجازات مرگ برای جرائم در نظر گرفته باشد؟ آیا با انشاء زیبا تغییری در اصل موضوع بوجود می آید؟ اگر "منشور..." راست می گوید و "حق حیات" را برای تمام شهروندان ایران واقعا به رسمیت می شناسد، بسیار خوب، دولت لایحه ای به مجلس ارائه کند و خواهان لغو کلیه موارد یاد شده در بالا را نماید.

در بخش"آزادی اندیشه و بیان ومطبوعات"(از بند 11 از ماده 3 تا بند 18) از جمله چنین آمده است: " شهروندان از حق آزادی اندیشه و بیان برخوردارند... با رعایت قانون... دولت به آزادی نشریات و مطبوعات... در صورتیکه مخل به مبانی اسلام ... نباشند، در چارچوب قانون احترام می گذارد...".

ودراصل بیست و چهارم ق.ا.ج.ا.ا. چنین آمده است: " نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام ... باشند." تفاوت این دو درکجا است که با ق.ا.ج.ا. حقوق به رسمیت شده مربوط به آزادی اندیشه و بیان تحقق پیدا نکرد، اما با"منشور..." تحقق خواهد یافت؟ مگر قانون اساسی از قدرت و قوت بیشتری برخوردار نیست؟ مگر تمام روسای قوه اجرایی ج.ا. موظف به رعایت و اجرای ق. ا. نبوده اند؟ مگر به آن سوکند یاد نکردند؟ در"منشور..." نیز هر جا سخن از حقوق شهروندان می شود، بلافاصله پسوندهای "مگرمخل به مبانی اسلام" یا "ضوابط قانونی" می آید که درنهایت نافی تمام "حقوق" اعلام شده می شوند. بند دوازدهم از این فصل تقریبا عین اصل بیست سوم ق.ا.است: " تفتیش عقاید ممنوع است وهیچ کس را نمی توان بصرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد". و منشور:" تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ

کس را نمی توان به پذیرش یا داشتن اندیشه ای خاص مجبور یا از آن منع کرد". در واقع تقریبا مجموعه حقوق مطروحه در این فصل کپی برداری از همان اصولی است که در قانون اساسی آمده است، اما به دلیل وجود اشکالات ساختاری در حاکمیت، یعنی نشاندن "امامت" به جای "جمهوریت"، این حقوق نه اجرا شدند، نه می توانستند اجراء و رعایت شوند و نه در آینده نیز چنن خواهد شد.

بند 15- 3 "منشور..." می گوید: " تمام مردم حق دسترسی به تمامی رسانه ها و منابع اطلاعاتی را در چارچوب قوانین دارند". بسیار زیبا! از یکسو مردم حق دارند، و از سوی دیگر قانون آن "حق" را ناحق و ممنوع کرده است. مانند فیلترینگ اینترنت یا استفاده از تلویزیونهای ماهواره ای. اگر دولت آقای روحانی و نویسندگان محترم "منشور..." به کسب آزاد اخبار و اطلاعات شهروند اعتقاد دارند، با استفاده از همان حقوق تعیین شده در ق.ا.ج.ا.، لایحه ای برای لغو ممنوعیت ماهوارهها و لغو فیلتیرینگ به مجلس ارائه کنند یا از سوی دولت دستورالعمل برای لغو صادر شود، پایه قانونی آن دراصول مندرج در قانون اساسی موجود می باشد، نیازی به نوشتن"حقوقی" نوین نیست.

برخی از اصول "منشور..." اصولا شباهت به شوخی د ارند: " شهروندان بایستی از زندگی شاد همراه با امید به آینده ای بهتر از بدو تولد و درهمه محیطهای اجتماعی برخوردار شوند"(بند 8- 3)، یا " دولت موظف است با انجام تدابیر لازم، زمینه برخورداری از وضعیت و امکانات کافی برای برگزاری مراسم و برنامه های مفرح و برپایی جشن های ملی و مذهبی، اجرای برنامه های تفریحی، مسافرتی، گردشگری، اقامت در سکونت گاه های طبیعی، سفرهای ارزان، فرصت مطالعه، پرداختن به کارهای ذوقی، ادبی، هنری، و سرگرمی را برای شهروندان فراهم کند"(9 - 3). قانون اساسی را مطالعه نمائید و ببینید که در مقدمه آن برای همه، و از جمله برای زنان، چه"بهشتی" وعده داده شده است و آن را مقایسه کنید با وضع کنونی. انشاء نویسی و پندارباقی بس است! "منشور..." ارائه شده چیز نوینی در بر ندارد. تکرار مکرر و خسته کننده همان قوانینی است که موجودند و باید در "چارچوب احکام وموازین شرع"بمانند و نافی هرگوه حقوق بشراند. انشاء نویسی و داستان سرایی است. وعده هایی برای تعمیق دوباره مردم است.

به بخش"عدالت قضایی" آن نگاه کنید. از بند 85 - 3 تا 93 - 3 تکرار و رونویسی ازهمان اصول قانون اساسی موجود است(از اصول 32 تا 40).

"منشور...": " اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر جرم او در دادگاه صالح، اثبات شود"(88 - 3). قانون اساسی:" اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد."(اصل 37)

"منشور...": "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است"(38 ـ 3).

ق. ا.: "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود"(اصل 38).

"منشور...": " هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات قانونی است."(3 - 90).

قانون اساسی:" هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات قانونی است. اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم کرد" (اصل 39).

"منشور...": " حق تمامی شهروندان است که از امکانات آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه و نیز وسایل و امکانات تحصیلات عالی بهره مند گردند" (3 - 93)

قانون اساسی: " دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد"(اصل 30)

"منشور...": " هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را، وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد" (3 - 90)

قانون اساسی:" هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد."(اصل 40).

در زمینه های دیگر نیز تقریباهمین است، مثلا در باره خانواده، زنان، کودکان و کهنسالان، "منشور..." همان انشاء های خوب مقدمه ق.ا.ج.ا. وسایر اصول را تکرار میکند، عام و کلی گویی است. هرجا سخن از "حق و

حقوق" می شود باید"مخل به مبانی اسلام" نشود. نویسندگان یا حامیان "منشور..." باید پاسخ گویند که اگر اصول مندرج در "منشور..." تقریبا یا تحقیقا همان اصول موجود در ق.ا.ج.ا. و موجود در قوانین عادی کنونی هستند، چرا شرایط به این بی قانونی وفلاکت کشیده شده است؟ و چرا با تصویب و اجراء "منشور..." اوضاع دگرگون خواهد شد و شهروندان ایران به حقوق خود خواهند رسید؟ اینکه (به عنوان نمونه) "زنان بایستی از تمامی امکانات برای بهره مندی از حق انتخاب پوشش مناسب هماهنگ با معیارهای اسلامی- ایرانی بهره مند باشند..."(3 - 107)، ادامه همان برنامه، سیاست و بی حقوقی تاکنون است. زنان از حق انتخاب آزاد پوشش بهره مند نیستند، بل"هماهنگ با معیارهای اسلامی" و درچارچوب آن "محدوده الهی" حق "انتخاب" دارند. از مقعنه گرفته، تا چادر یا روسری و مانتو و غیر. در "منشور..." برای زنان حقی برای انتخاب آزاد پوشش به رسمیت شناخته نمی شود. تکرار ملال آوری وضعیت سی و چهار سال گذشته است. همان قوانین کهن با رونمایی"مدرن" و با زبانی دیگر.

جالب توجه است که "منشور..." از حقوق تقریبا تمام اقشار و طبقات سخن می گوید، از زنان تا کودکان و جوانان تا سالخوردگان، از نخبگان تا استادان و دانشجویان، از حقوق اقلیتهای قومی(نه دینی- مذهبی) و اقوام تا روستا نشینان و عشایر، به محیط زیست توجه دارد و توسعه پایدار می خواهد، به حق تابعیت و اقامت ایرانیان خارج از کشور، به حقوق همه توجه دارد و برایشان برنامه ارائه می کند، اما به حقوق روحانیان هیچ اشاره ای ندارد، چرا؟ زیرا آنها به "حقوق" امامت و حکومت خود رسیده اند و همه چیز را در انحصار خود دارند؟

نویسندگان محترم" منشور..." توجه ندارند که اگر قرار بود و می شد در یک بستر بی عدالتی و بی حقوقی محض، در ساختاری سراسر تبعیض، با مشروعیت الهه، و از راه سلب حق حاکمیت انسان، و به تبع آن سلب حق حاکمیت ملت برسرنوشت خویش، بتوان جامعه را اداره کرد، درآنصورت ابدا نیازی به تنظیم و تدوین"منشورحقوق شهروندی" از سوی آنها نبود، زیرا بیش از سی و چهار سال است که بند بند آن در ق.ا.ج.ا. بتصویب رسیده است و منشور تکرار همانها با انشایی دیگر و اندکی "بزک" است.

حکومت قانون و حقوق شهروندی تنها زمانی معنا می یابد که قانون نه بر فراز شهروند، که منتج از او باشد، بر اساس خرد و با اتکاء و التزام به حقوق بشر.

ق.ا.ج.ا.ا. و سایر قوانین به این دلیل عمل نمی کنند که می خواهند در بستر بی عدالتی و بی انصافی محض، "عدالت" برقرار کند. عدالت آنها، عین احکام و موازین شرع، برفراز انسان و عین بی عدالتی است، امامت به جای جمهوریت است. به همین دلیل در مدت سی و چهار سال، با تمام امکاناتی که یک ملت می توانست در اختیار رهبرانش بگذارد، و گذاشت، به این روز افتاده است.

مقام ریاست جمهوری در ج.ا.ا.، خود محصول یک نظام ناعادلانه و سراسر تبعیضی است که از یکسو نه زنان حق شرکت(حق انتاب شدن) در آن را دارند و نه اهل سنت و نه پیروان سایر ادیان و مذاهب (همه شهروندان ایران)، و از سوی دیگر همان باقی ماندگان "نظارت استصوابی" می شوند تا " نامحرم" وارد دایره قدرت از "مابهتران" نشود. نمی توان خود محصول بی عدالتی محض بود و آنگاه برای دیگران علم "عدالت" برداشت.

در ج.ا.ا.، اکثریت مطلق جامعه: زنان به دلیل جنسیت(نیم جامعه)، اهل سنت به دلیل دین و مذهب(ده تا پانزده میلیون)، پیروان سایر ادیان و مذاهب به همان دلیل اعتقادات دینی و مذهبی(زرتشتیان، مسیحیان، کلیمیان، یهودیان، بهائیان و... حدود یک تا دو میلیون نفر شهروندان ایران)، اینها همگی پیش از تولد، به دلیل "جرمی" که نکرده اند، محکوم و رسما- قانونا از حقوق اساسی خود مبنی بر حق شرکت در اساسی ترین ارگانها و نهادهای تصمیم گیری پیش بینی شده در ق.ا.ج.ا. محروم شده اند، و"منشور..." می خواهد، بدون اشاره یا توجه با این سلب اساسی حقوق شهروندی، مراقب"عدالت" باشد. به این گروهها، پیروان سایر مرامها و مسلکها را نیز اضافه کنید(مانند کمونیستها، سوسیالیستها، خدا ناباوران، و...).

" منشورحقوق شهروندی" پیشنهادی، تکرار مکرر، خسته کننده و شکست خورده همان مقررات و قوانین گذشته است که نه تنها راهی به روشنایی حقوق بشر و دمکراسی نگشودند، بل برعکس. زیرا معیارهای سنجش حقوق خود عین نقض حقوق و غیر عادلانه اند.

به جای"منشور..." بازی و منشور نویسی، پیشنهاد من این است:

در دور بعدی انتخابات مجلس یا انتخابات ریاست جمهوری یا انتخابات شوراهای شهر و روستا، شهروندان ایران به خودی و غیرخودی تقسیم نشوند، نظارت استصوابی بر انتخابات لغو شود، فعالیت انجمن ها، سندیکاها و احزاب آزاد شود و به هر کس، به هر شهروند، اجازه داده شود در یک انتخابات و رقابت دمکراتیک، آزاد و سالم شرکت جوید تا راه برای حاکمیت واقعی نمایندگان منتخب ملت باز شود. درآن زمان روشن خواهد شد که آیا

ملت "چارچوبی" کنونی را، که برای تعریف و تعیین حقوق شهروندی آنها در نظر گرفته شده است، اصولا خواهند پذیرفت یا خیر. انسان، نه"خدا"، معیارسنجش خرد است.
*) متن پیش نویس غیر رسمی، گام اول: اصول کلی، برنامه و خط مشی دولت، ویرایش 1، تهیه شده توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری، با همکاری: مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، آذرماه 1392.

1- روزنامه بامداد، 20 تیر 1358

2- تحریر الوسیله جلد دوم، برگهای 366، 494 تا 496

- See more at: http://isdmovement.com/2013/12/121113.Parviz-Dastmalchi-On-citizen-rights-according-to-IRI.htm#sthash.1fB8EaP8.dpuf

—

همه برابرند، بعضی ها برابرترند؛ درباره منشور حقوق شهروندی روحانی

2014-01-01 · Archive ID 3343
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3343

شادی صدر: پیش نویس منشور حقوق شهروندی حسن روحانی را می توان به کلی نادیده گرفت؛ مانند بسیاری دیگر از متون تبلیغاتی که تقریبا همه دولتها، در همه جای دنیا، برای راضی کردن خاطر رای دهندگان، بی آن که عزمی جدی برای تغییر ساختارهای موجود داشته باشند، منتشر می‌کنند.
اما اینکه چرا با وجود اینکه فکر می کنم منشور روحانی را باید کنار گذاشت، این یادداشت کوتاه را می نویسم، جدی گرفته شدن آن از سوی بسیاری از مردم، به عنوان یک ابزار حقوقی رهایی بخش است که روشنگری پیرامون آن را برای یک حقوقدان تبدیل به وظیفه می کند.
۱- منشور حقوق شهروندی روحانی از همان ابتدا "اصل عدم تبعیض" را که پایه تمامی منشورهای حقوق شهروندی بوده است، در مواد متعدد دور می زند.
براساس اصل عدم تبعیض، هر نوع تبعیضی براساس جنس، نژاد، رنگ، قومیت یا پیشینه اجتماعی، ویژگی های ژنتیک، زبان، مذهب، عقیده، محل تولد، عضویت در اقلیتهای ملی، ناتوانی جسمی یا ذهنی، سن، گرایش جنسی یا هویت جنسیتی ممنوع است.
اما منشور روحانی، در ماده یک، بسیاری از ویژگی هایی را که غالبا باعث تبعیض می شوند، از جمله عدم تبعیض بر اساس مذهب را جا می اندازد و به این ترتیب، خود را به عنوان مثال، با مساله تبعیض علیه اهل سنت و محرومیت آنها از کاندیدای ریاست جمهوری شدن درگیر نمی کند.
یا در ماده ای که از رفع تبعیضهای قانونی میان شهروندان حرف می زند فورا قید "ناروا" را اضافه می کند تا یادمان نرود اعمال برخی از تبعیض ها، از جمله تبعیض های جنسیتی علیه زنان، "روا"ست و طبق معمول، همه شهروندان برابرند، ولی بعضی ها برابرترند.
۲- تعریف منشور حقوق شهروندی روحانی از شهروند، تنها "اتباع" ایران را در بر می گیرد و نه تمامی انسانهای ساکن ایران. این منشور، حتی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز عقب تر است که از "حقوق ملت" ایران سخن گفته که دایره ای وسیع تر از "اتباع" ایران را در بر می گیرد.
به این ترتیب، مشخص نیست تکلیف سایر ساکنان ایران مانند هزاران کودک بی شناسنامه در خراسان و سیستان و بلوچستان و سایر نقاط چه می شود؟ آیا آنها از حق آموزش و بهداشت بی بهره اند؟ تکلیف مهاجران افغان چه می شود؟ آیا اگر آنها دستگیر شوند، استفاده از شکنجه به منظور کسب اقرار در موردشان جایز است؟ این منشور در عین حال گروههای بزرگی از اتباع ایران را هم در مواد متعدد از شمول "شهروند" خارج می کند.
به عنوان مثال، وقتی حق آزادی مذهب را فقط برای معتقدان به اسلام، مسیحیت، یهودیت و دین زرتشت به رسمیت می شناسد، در واقع بهاییان، صابئیان، لامذهبان و بی خدایان را از چارچوب شهروند صاحب حق خارج می کند.
یا مثلا "ازدواج با رضایت کامل و آزادانه را حق هر شهروند" می داند و به این ترتیب، کودکان زیر سن ازدواج را که می توانند با رضایت ولی قهری شان و حکم دادگاه، به ازدواج در بیایند، از شمول شهروندان خارج می کند

زیرا پیشتر تذکر داده که مواد این منشور، باید با هماهنگی با سایر قوانین اجرا شود و قانون مدنی، ازدواج دختر زیر ۱۳ سال را به شیوه ای که گفته شد تایید و تجویز می کند.

۳- منشور روحانی، در بسیاری از مواد خود، هر جا حقی اعطا می کند، بلافاصله آن را به چارچوب هایی چون "مبانی اسلام"، "قانون اساسی"، "قوانین عادی"، "امنیت ملی" و "حقوق عمومی" محدود می کند.

به عنوان مثال، منشور حق حیات را به رسمیت می شناسد، مگر اینکه براساس حکم دادگاه سلب شود و این، یعنی بازتولید مجازات اعدام که یکی از مهمترین تعارض های نظام حقوقی ایران با موازین حقوق بشر است.

یا مثلا می گوید: "شهروندان از حق آزادی اندیشه و بیان برخوردارند. این حق شامل آزادی ابراز، ترویج و انتشار اندیشه ها و عقاید به صورت شفاهی، کتبی، الکترونیکی یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود شهروند" و بلافاصله اضافه می کند "با رعایت قانون، می باشد."

و این "قانون" یعنی قوانین مجازات اسلامی درباره اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، توهین به رهبر و سایر مقامات و مقدسات و...، قانون مطبوعات و اختیار هیات نظارت برای توقیف نشریات، قانون جرائم رایانه ای و کمیته تعیین مصادیق مجرمانه (مشهور به کمیته فیلترینگ) و....

"شاید مهمترین نقدی که می توان به منشور حقوق شهروندی روحانی داشت این است که بیشتر مواد آن عینا، یا با تغییرات اندکی در عبارات (و نه معنا)، از اصول قانون اساسی و یا قوانین عادی جاری، کپی برداری شده اند"

موادی هم که صراحتا مقید به این چارچوبها نشده اند، در همان ماده دوم، تکلیفشان روشن می شود که باید سازگار و هماهنگ با سایر قوانین و مقررات باشند.

به این ترتیب، معدود ماده هایی که می توانست نوید بخش تغییری هرچند جزیی باشند، خنثی و غیرقابل اجرا باقی می مانند. به عنوان مثال، این ماده که می گوید "شهروندان در برابر کار یکسان از مزد مساوی برخوردارند." می توانست نوید بخش این باشد که زنان، پاداش و مزایایی بسیار کمتر از مردان نگیرند، اگر قوانین استخدامی، پیشتر، چنین حقوقی به مردان کارمند و کارگر نداده بود.

یا ماده ای که آزادی والدین در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودک براساس معتقدات خودشان را محترم شناخته می توانست انقلابی در آموزش و پرورش ایجاد کند اگر قانون "اهداف و وظایف آموزش و پرورش" تعلیمات دینی مذهبی (اسلامی یا یکی از سه دین به رسمیت شناخته شده در قانون) را اجباری نکرده بود.

همین یک دلیل کافی است برای اینکه نتیجه بگیریم منشور حقوق شهروندی روحانی، نوید بخش هیچ رهایی از وضعیت فعلی نیست چون هیچگونه اصلاح یا تغییری در چارچوبهای فعلی حاکم بر زندگی شهروندان ایرانی (موازین اسلام، قوانین جاری و نظم عمومی) ایجاد نمی کند.

شاید تنها بخشی از این منشور، که مشکل یاد شده را ندارد، جایی است که حق تحصیلات عالی بدون تبعیض یا سهمیه بندی جنسیتی را ممنوع می کند؛ حقی که اعمال آن ناسازگار با هیچیک از قوانین موجود نیست.

۴- منشور حقوق شهروندی روحانی وعده می دهد که درباره "حقوق" شهروندان است اما بسیاری از مواد آن، در واقع درباره "تکالیف" شهروندان در قبال حکومت می پردازد.

به عنوان مثال، ظاهرا از "حق انتخاب پوشش" صحبت می کند اما فراموش نمی کند بلافاصله قیود "مناسب" و "هماهنگ با معیارهای اسلامی –ایرانی" را به آن اضافه کند که معیار اسلامی اش می شود "وجوب پوشاندن تمامی بدن به جز وجه و کفین در مقابل نامحرم" و معیار ایرانی اش می شود تبصره ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات که می گوید: "زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد."

معنای واقعی بسیاری از مواد این منشور که با الفاظ زیبایی مثل حق، انتخاب و آزادی تزیین شده اند، بیان تکالیف شهروندان است. یک مثال دیگر اینکه منشور، به شهروندان حق عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و سازمانهای مردم نهاد را اعطا کرده به شرط اینکه "قانونی" باشند.

ترجمه حقوقی آن این است که برای برخورداری از چنین حقی باید اول به تکلیف خود برای ثبت نهادهای مدنی در وزارت کشور عمل کنید که مستلزم دارا بودن شرایطی مانند التزام به قانون اساسی، ارکان جمهوری اسلامی، مسلمان معتقد بودن، نداشتن سابقه ای در وزارت اطلاعات یا سایر نهادهای امنیتی و... رعایت چندین و چند تکلیف دیگر است.

۵- آخرین و شاید مهمترین نقدی که می توان به منشور حقوق شهروندی روحانی داشت این است که بیشتر مواد آن عینا، یا با تغییرات اندکی در عبارات (و نه معنا)، از اصول قانون اساسی و یا قوانین عادی جاری، کپی برداری شده اند.

منشور حقوق شهروندی روحانی در واقع ملغمه ای مغشوش از قوانینی است که مانند قوانین مربوط به حجاب اجباری، یا خود منشاء نقض حقوق و آزار و اذیت شهروندان هستند و یا اینکه مانند قوانین مربوط به حق شهروندان برای برخورداری از هوای پاک یا تامین اجتماعی، چون اجرا نمی شوند، حقوق شهروندان نقض می شود.
با ریختن صرف آنها در یک متن، نمی توان قوانین ناقض شهروندان را تغییر داد یا موجب اجرای قوانین نسبتا مثبت شد. بنابراین، این پرسش ایجاد می شود که منظور گردآورندگان این منشور چه بوده است؟
آیا این مواد را گردهم آورده اند که به شهروندان ایران یادآوری کنند چه حقوقی دارند؟ در آن صورت، راهکار اجرایی دولت برای آموزش این حقوق چیست؟ راهکار دقیق دولت برای اجرا کردن آن دسته از حقوق که مشخصا به وظایف دولت مربوط می شود چیست؟ صرف نصب این منشور در تابلوی اعلانات یک وب سایت، متضمن آگاه شدن یک شبه شهروندان نیست؛ برنامه ای هم در منشور برای آگاهی بخشی یا اجرا کردن قوانین متروک وجود ندارد.
ضمن اینکه فراموش نکنیم قسمت مهمی از منشور، درباره تکالیف شهروندان و در واقع، حقوقی است که ندارند، که از آن بخش در زندگی روزانه خود به خوبی آگاه شده اند.

"شاید برای جامعه مدنی داخل ایران، به جای اینکه وقت عزیز خود را صرف متنی کنند که در نهایت، فراتر از قانون اساسی و قوانین عادی نخواهد رفت، بهتر این باشد که بر آموزش مردم و اجرا شدن آن بخش از قانون اساسی و قوانین عادی تمرکز کنند که می تواند تغییرات جزیی در وضعیت شهروندان ایجاد کند"
آیا منظور، ایجاد مکانیزمی است که دولت و سایر قوا، مجبور به رعایت این حقوق شوند؛ آنگونه که بخش پایانی این پیش نویس، با پیش بینی ایجاد "سازمان حقوق شهروندی" نوید می دهد؟ در آن صورت تکلیف اصل عدم امکان نظارت بر نهادهای زیرنظر رهبری و اصل تفکیک قوا و عدم اختیار دولت در کنترل قوه قضاییه (که بسیاری از موارد نقض حقوق شهروندی را انجام می دهد) چه می شود؟
سرنوشت هیات نظارت بر اجرای قانون اساسی خاتمی مقابل چشمانمان هست. در عین حال، تکلیف دستگاههایی چون نهادهای وابسته به رهبری، وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، اطلاعات نیروی انتظامی و... که در عمل، خود را فراتر از قوانین ناظر بر حقوق شهروندی می دانند چه می شود؟
سرنوشت هیات نظارت بر حسن اجرای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی هاشمی شاهرودی را نیز در حافظه مان داریم.

وضعیت های احتمالا رهایی بخش

می توان در نقد منشور حقوق شهروندی روحانی ساعتها وقت صرف، و صفحه ها سیاه کرد زیرا که بر تک تک مواد آن، نقدهای حقوقی مفصلی وارد است. اما همانطور که در ابتدا خاطر نشان کردم، چنین صرف وقتی را مصداق در بندِ نقشِ ایوان خانه ای بودن که از پای بست ویران است می دانم.
شاید برای جامعه مدنی داخل ایران، به جای اینکه وقت عزیز خود را صرف متنی کنند که در نهایت، فراتر از قانون اساسی و قوانین عادی نخواهد رفت، بهتر این باشد که بر آموزش مردم و اجرا شدن آن بخش از قانون اساسی و قوانین عادی تمرکز کنند که می تواند تغییرات جزیی در وضعیت شهروندان ایجاد کند.
ضمن اینکه فراموش نکنند دولت اگر بخواهد، می تواند با ارسال لایحه هایی که تبعیض های حقوقی موجود را از میان می برند، تغییراتی ساختاری و پایدار ایجاد کند.
در عین حال، حسن روحانی، به عنوان یک حقوق خوانده، قاعدتا باید بداند به حکم ماده ۹ قانون مدنی ایران، دو میثاق بین المللی حقوق بشر، جزو قوانین ایران است و تمامی دستگاههای اجرایی و قضایی موظف به اجرای آن هستند.
در این دو میثاق حقوق پایه ای انسانها، بی آن که مقید به قیدی شوند به رسمیت شناخته شده است. اجرای این دو میثاق، تنها تعهد جمهوری اسلامی در برابر جامعه بین المللی نیست، بلکه تعهد حکومت ایران در برابر شهروندان خود است.
اگر دولت تازه دغدغه جدی احیای حقوق شهروندی و رفع تبعیض را دارد، نیازی به نوشتن منشوری با این همه اشکالات شکلی و ماهوی نیست.
کافی است دولت اعلام کند که خود را ملزم به اجرای مفاد دو میثاق بین المللی حقوق بشر، یعنی بخشی از قوانین ایران می داند.
این کار، اگر اراده ای سیاسی وجود داشته باشد، از نظر حقوقی کاملا شدنی است.

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2013/12/131203_l10_ss_rouhani_rights_charter.shtml

—

منشور حقوق شهروندی، پروژه مولتی مدیا

2014-01-01 · Archive ID 3344
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3344

رضا حقیقت نژاد-علا محسنی- فرشاد محمدی: سرهنگ، حقوقدان، گازانبر، بنفش، کلید، تدبیر، اعتدال، 100 روز، ژنو و ... اینها مهم ترین تکه های پازل زندگی حرفه ای حسن روحانی در هشت ماه گذشته هستند. کلماتی پر ماجرا، جنجالی و مخاطب پسند. در حاشیه این واژه ها اما یک مفهوم دیگر هم خودش را در صدر نگه داشته است: "حقوق شهروندی." به عبارت دقیق تر، حسن روحانی می خواست که اینطور باشد، از همان روز اول که آمد از احیای حقوق شهروندی گفت، سخن از توجه به اقلیت های دینی و قومی به میان آورد، وعده تاسیس فرهنگستان زبان های محلی داد، به فصل سوم قانون اساسی مراجعه کرد و از تدوین منشور حقوق شهروندی به عنوان اولین ماموریتش یاد کرد.
دولت روحانی که مستقر شد، معاون حقوقی رئیس جمهور که از زمره اصولگرایان دولتش است، مامور تدوین این منشور شد. وزیر دادگستری که جزو اصولگراترین های دولت یازدهم است، نیز اعلام کرد در این مسیر همکاری می کند. پای مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری که هسته ای اصلاح طلب دارد هم در میان بود. نتیجه این همکاری شد متنی مفصل و جامع تحت عنوان "پیش نویس منشور حقوق شهروندی." متنی که شالوده اش را آموزه های اسلامی، قانون اساسی ایران و نظرات رهبر قبلی و فعلی ایران شکل داده اند. این متن 5 آذر منتشر شده و تا 5 دی ماه، دولت فرصت داده که نظرات موافق و مخالفت را دریافت کند. گروهی البته این روزها نامه نوشته اند که فرصت تمدید شود.
انتشار این پیش نویس با انبوهی نظرات عمدتا مخالف مواجه شد. در میان اصولگرایان گروهی گفتند که دولت را چه به این کارها، مشکل معیشت مانده و بحران های اجتماعی، برود آنها را حل کند. گروهی دیگر گفتند سر و ته مسئولیت ها نامشخص است، قوه قضائیه کار خودش را می کند، تفسیرهای خاص هم کردند، مثلا اینکه تذکر به دختران بدحجاب هم جزو حقوق شهروندی است. دسته سوم هم گفتند که این ها بهانه است، جمعی به دنبال جلب رضایت غرب و بهائی ها هستند، می خواهند از نمد منشور برای خود کلاهی بسازند. مجلسی ها هنوز صدایشان در نیامده است. احتمالا منتظرند لایحه به بهارستان برسد تا اگر جان اصلاح طلبانه ای در آن مانده بود، با اصلاحات اصولگرایانه خویش، تمامش کنند و همراه قوای دیگر بروند پی کارهای اصلی شان.
در میان اصلاح طلبان و اپوزیسیون هم واکنش ها متنوع بود. در اینکه تدوین منشور گامی رو به جلوست، جامعیت کافی دارد، به مسائل و معضلات تازه جامعه اشاره کرده، کثیری توافق داشتند ولی مشکل اساسی این بود که منشور ضمانت اجرایی ندارد و بخش های اجرایی هم محدود شده است به قوه مجریه. ایرادهای دیگری هم بود، مثلا اینکه برخی مسائل کهنه جامعه مانند حقوق اقلیت های دینی هم چندان در منشور مورد توجه قرار نگرفته است.
ایران وایر کوشیده است در پرونده ای پیرامون این منشور، به واکاوی ابعاد مختلف آن از منظر حقوقی، قانونی، سیاسی و اجتماعی بپردازد. این بررسی به طور مرتب بروز می شود تا سرانجام یکی از مهم ترین وعده های انتخاباتی حسن روحانی مشخص شود.

برای استفاده بهتر از مالتی مدیا از مرورگر کروم استفاده کنید.

http://iranwire.com/fa/projects/4029

—

سایه سرد منشور حقوق شهروندی بر سر جامعه اطلاعاتی

2014-01-01 · Archive ID 3345
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3345

عصر ارتباط: پیش‌نویس منشور حقوق شهروندي در حالي از سوي دولت ارايه شده است که خطوط عمل یازده‌گانه جامعه اطلاعاتي در این منشور جایگاه روشني ندارد.

به گزارش عصر ارتباط، پیش‌نویس منشور حقوق شهروندي که همزمان با ارایه گزارش عملکرد صدروزه دولت در سایت ریاست‌جمهوري قرار گرفت تا میزبان نظرها و پیشنهادهای عموم باشد، در حالي مهلت آن تمدید شده که در همین بازه زماني انتقادهاي زیادي به مفاد این منشور وارد شده است. برخي حقوقدان‌ها با توجه به اشاره‌هایی که در قانون اساسی به حقوق شهروندی شده، از نیاز نداشتن به این منشور و کفایت قانون اساسی گفته‌اند و برخي دیگر تدوین آن را یک گام رو به جلو دانسته‌اند. برخي دیگر نیز معتقدند این منشور ضمانت اجرایي ندارد و عده‌ای نیز به‌طور مشخص به بندهایي از این منشور انتقاد کرده‌اند. در اینجا قرار است منشور حقوق شهروندي از دریچه نگاه جامعه اطلاعاتي برررسي و مفاد منشور با خطوط عمل یازده‌گانه جامعه اطلاعاتي تطبیق داده شود و به این پرسش پاسخ دهند که این منشور تا چه میزان توانسته دغدغه‌هاي مرتبط با جامعه اطلاعاتي را پاسخگو باشد. نتایج برررسي حاکي از این است که در این منشور صرفا به بخشی از خطوط عمل یازده‌گانه جامعه اطلاعاتی اشاره و به مباحثی مانند ابعاد اخلاقی، تنوع فرهنگی و زبانی، رسانه‌ها و دسترسی به اطلاعات پرداخته شده است، اما این پردازش با يك ابهام و تناقض همراه است، به‌طوري‌که در این بندها ضمانت اجرایي از جانب دولت وجود ندارد.

بر این اساس، این گمان در ذهن شکل مي‌گیرد که این پیش‌نویس اغلب تکرار شعارهای یک کاندیدای ریاست‌جمهوری است، نه متنی که بتوان به آن استناد کرد و قابلیت اجرا و ضمانت اجرایی داشته باشد.

خط عمل1: (این خط عمل به نقش مقام‌های راهبردی و تمام دست‌اندرکاران (دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی) در پیشبرد تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات برای توسعه تاکید می‌کند.

جایگاه در منشور: در این منشور به مساله پیشبرد تکنولوژی‌ها اشاره نشده، اما در بندهایی به مفهوم ارتباطات و توسعه پرداخته شده است. البته مفهوم توسعه بیشتر از ارتباطات برجسته شده است. در بند 3-128، از بهره‌مندی همه شهروندان از کلیه امکانات و منابع مادی و معنوی می‌گوید و از ارتباطات هم نام می‌برد. در بند 3-113 نیز از به‌کارگیري نخبگان در راستاي ارتقاي تولید علم و فناوري و توسعه علمی متوازن کشور گفته می‌شود. می‌توان این بند را مرتبط با خط عمل1 دانست، اما این بند بیشتر در توضیح چگونگی حمایت از نخبگان است و هسته مرکزی بحث پیشبرد تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات نیست. اما نکته این است که به مساله پیشبرد تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات برای توسعه به‌صورت جداگانه اشاره نشده. ممکن است در ذهن بعضی افراد توجه به پیشبرد تکنولوژی‌ها و تاثیر آن در مساله حقوق شهروندی پرداختن به جزییات باشد، ولی اگر متن منشور را بخوانید متوجه می‌شوید که این مساله از بعضی مسایل مطرح شده، کلی‌تر است.

خط عمل2: توجه به زیرساخت اطلاعات و ارتباطات

جایگاه در منشور: در این منشور به حق برخورداری شهروندان از زیرساخت‌های ارتباطی اشاره‌ای نشده است. به یاد داشته باشیم که امروزه برای عملیاتی و اجرایی کردن بسیاری از بندهایی که در این منشور وعده داده شده، استفاده از تکنولوژی ضروری است و بسیاری از سازمان‌هایی که باید متولی اجرای برنامه‌ها باشند، از نبود زیرساخت‌های فنی مناسب حتی برای اجرایی کردن برنامه‌های کنونی‌شان گله‌مندند.

خط عمل 3: دسترسی به اطلاعات و معرفت‌ها

جایگاه در منشور: در این منشور به مساله دسترسی به اطلاعات اشاره‌های متعددی شده است. در بند شماره 3-15 اشاره شده که تمامی مردم حق دسترسی آزاد به تمامی رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی را در چارچوب قوانین دارند، اما ظاهرا اهمیت این بخش برای نویسندگان این منشور تا جایی بوده که در فصل مهم‌ترین حقوق شهروندی، بخشی را جداگانه به آن اختصاص داده‌اند. در این بخش در دو بند آمده است:

- شهروندان باید به کلیه قوانین و مقررات و یا تصمیمات نهادهاي عمومی در حوزه قوه مجریه و مرتبط با شئونات زندگی خویش در حدود قوانین و درصورتی‌که برخلاف امنیت ملی نباشد، دسترسی آزاد داشته باشند و

هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را از اطلاع، آگاهی و دسترسی به قوانین و مقررات موجد حق و تکلیف ایشان محدود کند.

- هر شهروند در وسیع‌ترین شکل و منحصرا محدود به استثنائات قانونی، حق دارد به صرف درخواست به اطلاعات و سوابق خود نزد سازمان‌هاي عمومی و دولتی و غیردولتی که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از منابع و امتیازات مالی عمومی استفاده می‌کنند یا کارکردهاي عمومی دارند دسترسی داشته باشد و از تصمیماتی که نهادهاي عمومی در ارتباط با ایشان اتخاذ می‌کنند، مطلع شود. همه شهروندان حق دارند تصویري از اطلاعات، سوابق و تصمیمات مزبور براي خود تهیه کنند.

همچنین در بندهای 3-43 و 3-76 اشاره شده که دولت موظف است اطلاعات اقتصادي را به‌صورت شفاف در دسترس همه قرار دهد و دسترسی به اطلاعات بیمه‌اي حق همگانی است. اگرچه ظاهرا در این منشور اهمیت مساله دسترسی همگان به اطلاعات درک شده، در عین حال، اما و اگرها آن‌قدر زیاد است که می‌توان دایره دسترسی به اطلاعات را همچنان محدود نگه داشت. ابتدا اشاره شده که تمامی مردم حق دسترسی به تمام اطلاعات را دارند، ولی بعد درباره محدودیت‌های قانونی نوشته شده است. مقوله دسترسی آزاد به اطلاعات از مباحثی است که بحث‌های زیادی درباره آن صورت گرفته است. در قانون اساسی ایران این مبحث مورد نظر بوده و تا امروز هم درباره استثنائاتی که با عنوان مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی و قانون به آنها اشاره شده تفسیر روشن و دقیقی ارایه نشده و برای سازمان‌هایی که علاقه‌مند نیستند اطلاعاتشان در دسترس عموم قرار گیرد همیشه راه فراری وجود داشته است. به یک نکته دیگر هم توجه کنید: در این منشور به صراحت آمده که قوه مجریه درباره اسناد و اطلاعات خودش از دسترسی به اطلاعات می‌گوید. آیا می‌توان تصور کرد که یکی از قوا اطلاعاتش را در اختیار مردم قرار دهد و دو قوه دیگر همان روال سابق را در پیش بگیرند؟

جایگاه در منشور: به مبحث توانمندسازی در این منشور در سه بند به‌صورت مستقیم اشاره شده است. در بند 3- 73 حمایت از مددجویان و گروه‌هاي آسیب‌پذیر و توانمندسازي آنها مورد توجه قرار گرفته است. در بند 3-83 دولت موظف شده به منظور توانمندسازي افراد و گروه‌هاي نیازمند، به‌ویژه معلولان، تدابیر لازم را جهت برآورده ساختن نیازهایشان فراهم کند و در بند 3-115 توانمندسازي فردي و جمعی ایثارگران، جانبازان و خانواده معظم شهدا براي حضور موثر در عرصه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. البته به مباحث مربوط به آموزش‌های همگانی در چهار بند دیگر اشاره شده، ولی مسایل مربوط به توانمندسازی در همان سه بند است.

مساله‌ای که در خطوط عمل جامعه اطلاعاتی مهم است، توانمندسازی همه اقشار جامعه است، این دقیقا نقطه فاصله خطوط عمل و منشور است. در منشور وقتی از توانمندسازی صحبت مي‌شود، کمتر به عموم مردم توجه شده است. حتی در بند 3-83 هم که از افراد نام می‌برد، بلافاصله گروه‌های نیازمند را در قالب معلولان تعریف می‌کند و از ارایه خدمات به آنها می‌گوید. در بند 3- 115 هم به توانمندسازی خانواده‌های ایثارگران، جانبازان و شهدا اشاره می‌کند، اما این رویکرد که ما تصور کنیم مفهوم توانمندسازی به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که صرفا به هر دلیلی ناتوانی دارند و یا باید به امکانات آموزشی بیشتری دسترسی پیدا کنند، به‌معنای تقلیل دادن مفهوم گسترده توانمندسازی است.

خط عمل 5: ایجاد اطمینان و امنیت در کاربرد تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات

جایگاه در منشور: در این منشور به‌طور مشخص به مباحث مربوط به امنیت در حوزه ict اشاره نشده است. در بعضی موارد به مبحث امنیت اشار شده، ولی مورد نظر امنیت در کاربرد تکنولوژی های اطلاعات و ارتباطات نیست. اگر در بندهایی به کودکان و امنیت آنها اشاره شده، مساله امنیت آنها در فضای سایبر و در زمان استفاده از تکنولوژی‌ها مطرح نشده است.

خط عمل 6: آماده‌سازی محیط

جایگاه در منشور: در این منشور منظور از محیط در بیشتر موارد، محیط زیست و محیط زندگی واقعی افراد است.

خط عمل 7: کاربردهای تکنولوژيکي اطلاعات و ارتباطات (دولت الکترونیکی- تجارت الکترونیکی- یادگیری الکترونیکی- بهداشت الکترونیکی- اشتغال الکترونیکی- محیط زیست الکترونیکی- کشاورزی الکترونیکی- علم الکترونیکی)

جایگاه در منشور: در این منشور درباره حق شهروندان در بخش‌های مختلف دولت در استفاده از امکانات مختلف در بستر تکنولوژی اشاره‌ای نشده است. اگرچه این خط عمل از مهم‌ترین و پردامنه‌ترین خطوط عمل است، ولی در این منشور به آن اشاره‌ای نشده.

خط عمل 8: تنوع فرهنگی و هویت، تنوع زبانی و محتوای محلی

جایگاه در منشور: در این منشور در دو بخش به مسایل تنوع فرهنگی و زبانی اشاره شده است. این دو بخش عبارتند از: هویت فرهنگی، بیان رسانه‌ای و آفرینش هنری و اقلیت‌ها و اقوام. در این بخش‌ها دولت از منظر اختیارات خود درباره اختیار دادن به قومیت‌ها و اقوامی که در چارچوب قانون تعیین شده، صحبت کرده است. یکی از مسایل مهم در این بخش، نقش بقیه قوا است که نادیده گرفته شده و بسیاری از مسایل باید در قوه قضاییه و مقننه مطرح شود. بخشی از بندهایی که در این منشور آمده، عبارتند از:

3-21: همه شهروندان ایرانی حق دارند که هویت فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی آنان شناسایی شده و بدون هرگونه تبعیض از حمایت‌هاي قانونی برخوردار باشند.

3-22: دولت موظف است با همکاري سازمان صداوسیماي جمهوري اسلامی ایران، بستر کاربري آزادانه زبان‌ها و گویش‌هاي محلی و قومی، در کنار زبان فارسی را با حفظ وحدت ملی و تمامیت هویت ایرانی فراهم آورد.

3-23: همه شهروندان ایرانی حق دارند از ابزار لازم براي مشارکت کامل در همه ابعاد زندگی فرهنگی گروهی خاص خود که شامل تاسیس نهادها، تشکل‌ها، انجمن‌ها، برگزاري گردهمایی‌ها، برپایی آیین‌هاي دینی و قومی و آداب و رسوم فرهنگی، در چارچوب قوانین و مقررات برخوردار باشند.

3-24: دولت مکلف است آزادي والدین و سرپرستان قانونی کودکان را در تامین آموزش مذهبی و اخلاقی کودك بر اساس اعتقادات خودشان محترم بشمارد.

همچنین در بخش اقلیت‌ها و اقوام آمده است:

3-116: احترام به تنوع فرهنگی، مذهبی، زبان و قومی شهروندان تکلیف دولت است.

3-117: برگزاري و حضور در مراسم مذهبی ادیانی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند، آزاد است.

خط عمل 9: رسانه‌ها

جایگاه در منشور: در این منشور به مباحث مربوط به رسانه اشاره‌های زیادی شده است، اما چگونه دولت می‌تواند از آزادی مطبوعات بگوید، درحالی‌که در فرایند اجازه کار به رسانه از ابتدا تا ادامه کار یا توقف کارشان نقش قوه قضاییه و قوه مقننه بسیار پررنگ است. البته در بندهایی که به رسانه آزادی بیان داده شده است، قید شده که باید در محدوده قانون باشد؛ قانونی که تفسیر از آن به عهده یک قوه دیگر است. مهم‌ترین بندهایی که در آنها به فعالیت‌های رسانه‌ها اشاره شده، عبارتند از:

3-16: دولت به آزادي نشریات، مطبوعات و رسانه‌ها اعم از کاغذي یا الکترونیکی و نیز تمامی رسانه‌هاي شنیداري و دیداري (اعم از وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها، شبکه‌هاي تلویزیونی و اینترنتی و مانند اینها) درصورتی‌که مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی نباشند، در چارچوب قانون احترام می‌گذارد.

3-17: روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها نباید در جمع‌آوري و انتشار اطلاعات و مطالب خود با تهدید و یا مجازات مواجه شوند. نهادهاي دولتی یا تحت کنترل دولت، در چارچوب قوانین و مقررات، نباید مانع آزادي دسترسی رسانه‌ها به اطلاعات مورد نیاز آنان شوند.

3-18: دولت مکلف است زمینه قانونی لازم براي تامین استانداردهاي شغلی براي اصحاب رسانه از جمله اقدامات رفاهی، پوشش بیمه‌اي، امنیت کاري، تامین پوشش حمایتی در برابر فشارهاي ناروا، تضمین دستمزد مناسب را به‌صورت برابر و عادلانه و بدون تبعیض فراهم کند. معیشت اقتصادي کارکنان رسانه‌ها نباید به‌وسیله دولت و نهادهاي تحت کنترل دولت، تهدید شود. در این بندها دولت خود را مجموعه‌ای نشان می‌دهد که تمایل دارد شرایط آزادی رسانه‌ها را فراهم آورد، ولی باز به‌کار بردن عبارت‌های کلی قانون و حقوق عمومی، مساله را گنگ می‌کند. به‌نظر می‌رسد مطرح کردن آزادی‌هایی که ضمانت اجرایی‌اش دست قوه مجریه نیست، بیشتر شعارهای زیبا و خوش‌رنگ است.

خط عمل شماره 10: ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی

جایگاه در منشور: مهم‌ترین مساله مرتبط با جامعه اطلاعاتی که در این منشور به آن اشاره شده، بحث حریم خصوصی است. در این منشور بخشی به حریم خصوصی اختصاص داده شده است. در این بخش به این موارد اشاره شده است:

3- 31: حریم و زندگی خصوصی، مسکن، وسایط نقلیه و اشیای خصوصی شهروندان از مداخله خودسرانه، تفتیش و بازرسی بدون مجوز قانونی مصون است و تعرض به اطلاعات و داده‌هاي شخصی، تفتیش، گردآوري، پردازش، به‌کارگیري و افشای نامه‌هاي شهروندان اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی یا مرسولات پستی آنان مجاز نیست. بازرسی، ضبط، تفتیش، ملاحظه، قرائت، توقیف یا معدوم کردن بدون مجوز قانونی نامه‌ها و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، تلگراف، نمابر، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی مربوط به شهروندان و استراق سمع یا رهگیري و سانسور آنها بدون مجوز قانونی، ممنوع است.

3-32: جمع‌آوري اطلاعات فردي توسط اشخاص خصوصی یا عمومی باید با استفاده از روش‌هاي قانونی و براساس رضایت فرد مزبور یا مجوز قانونی صورت پذیرد. افراد حق دارند به اطلاعاتی که درخصوص آنان جمع‌آوري شده دسترسی داشته باشند و در صورت وجود اشتباه، خواستار اصلاح این اطلاعات شوند.

3-33: اطلاعات خصوصی مربوط به افراد را نمی‌توان در اختیار دیگران قرار داد، مگر به موجب قانون یا با رضایت فرد.

3-34: رسانه‌ها باید حریم خصوصی افراد را رعایت کنند و درصورتی‌که موجب توهین، افترا و ضرر معنوي و مادي شوند باید پاسخگو باشند.

در بند دیگری از این منشور آمده:

3-25: همه شهروندان محق به بهره‌مندي از تعالی اخلاقی و معنوي هستند و دولت موظف است زمینه لازم را براي برخورداري شهروندان از فرصت عبادت و خودسازي و تعالی معنوي فراهم کند.

نکات مهم در این بندها این است که در اجرای بسیاری از این موارد در اختیار قوه قضاییه است و به حکم قضایی بسیاری از مواردی که دولت اعتقاد دارد حق شهروند است و باید رعایت شود، می‌تواند نقض شود.

خط عمل 11: همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای

جایگاه در منشور: این منشور حقوق شهروندی است و انتظار هم نمی‌رود در آن بحثی از همکاری‌های بین المللی و منطقه‌ای باشد.

—

منشور حقوق شهروندی، مضر یا مفید؟

2014-01-01 · Archive ID 3348
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3348

محسن جلالی: بسیاری از گفتمان های رایج در ایران بجای باز کردن بحث درباره موضوع مورد نظر، هدفشان پر کردن فضاست از حرف تا بهانه ای برای عمل نکردن پیدا کنند.

با حرف زدن این گونه القاء می‌شود که عملی انجام شده و این تصور به همگان دست می‌دهد که اتفاقی در حال رخ دادن است و عملی در حال انجام دادن. در واقعیت اما هیچ عملی انجام نمی گیرد.

بیشتر از هر حکومت دموکراتیکی، سردمداران جمهوری اسلامی درباره آزادی، دموکراسی، و عدالت حرف می‌زنند، ولی همزمان افراد را بدون دادگاه زندانی می‌کنند و به خاطر نوشتن مقاله‌ای اوین‌نشین.

این گفتمان تنها در میان قدرت به دستان جمهوری اسلامی رایج نیست، بلکه ریشه در فضای عمومی ایران دارد، جایی که در بسیاری موارد آنها که فضا را پر از حرف می‌کنند عموما قدر می‌بینند و القاب فیلسوف و متفکر را با خود حمل می‌کنند.

"شاید بهتر باشد که از دوران محمد خاتمی بیاموزیم، وقتی که طرح موضوع جامعه مدنی سرانجامی مضحک یافت، به آنجا رسید که جامعه مدنی همان مدینه‌النبی است."

دولت حسن روحانی نیز در دام این گفتمان افتاده است. منشور حقوق شهروندی دولت روحانی که هم اکنون در مراحل تدوین است از مصادیق این گفتمان رایج است.

یکی از نشانه‌های این نوع گفتمان ایجاد شبه مسأله است، همان که در انگلیسی به آن pseudo-problem می‌گویند؛ نتیجه تلاش و انرژی فراوان برای حل کردن مسأله‌ای که واقعا مسأله نیست.

اما ببینیم که چگونه منشور حقوق شهروندی ایجاد شبه مسأله می‌کند؟ با مطرح شدن منشور، سخن از حقوق بشر بالا می‌گیرد، حرف زیاد می‌شود، بعد این بحث به میان می‌آید که آیا حقوق شهروندی با حقوق بشر متفاوت است؟ آیا شهروند مسلمان همان بشر است یا این که ما باید از حقوق اسلامی بشر سخن به میان آوریم؟ آیا حقوق بشر غربی است؟

بعد بحث‌های فلسفی که بنیاد حقوق بشر بر فردگرایی و اومانیسم است و اسلام با این مفاهیم ناهمخوان است، و صدها مطلب نوشته می‌شود در موافقت و مخالفت.

آنگاه تندروان قدرتمند در ایران فشار به آقای روحانی را زیاد می‌کنند که او باید توضیح دهد که آیا منظورش از حقوق شهروندی نوع غربی آن است یا آنچه که از متن اسلام برآمده؛ حرف زیاد می‌شود، حرف و حرف و حرف.

شاید بهتر باشد که از دوران محمد خاتمی بیاموزیم، وقتی که طرح موضوع جامعه مدنی سرانجامی مضحک یافت و به آنجا رسید که جامعه مدنی همان مدینه‌النبی است.

دولت روحانی به جای ایجاد شبه مسأله و درگیر شدن با قدرتمندان تندرو در جمهوری اسلامی بهتر است که وقت و انرژی محدود خود را صرف برداشتن قدم‌هایی عملی در زمینه حقوق بشر کند، حتی اگر قدم‌های کوچکی باشند.

منشور دولت او در نهایت یا به دقت و خوبی حقوق بشر و دیگر کنوانسیون‌ها خواهد بود و یا نسخه‌ای مغلوط و مغشوش از آنچه که اصلش بر همگان از نخست روشن بوده است.

مشکل منشور حقوق شهروندی آن است که هیچ ثمری برای هیچ کس از جمله دولت جدید ندارد؛ مخالفان قدرتمند داخلی را تحریک کرده و باید انرژی بسیاری صرف کند تا آنها را آرام کند و سرانجام بگوید که منشور حقوق شهروندی همان حقوقی است که در اسلام آمده است.

"از میان موافقانش آنهایی که برای مشکلات اقتصادی به او رأی دادند به منشورش توجهی ندارند؛ فعالان حقوق بشر و کسانی هم که نگران حقوق بشر در ایران هستند و به او رأی دادند نیز با خواندن منشور نه تنها آن را

مغشوش می‌یابند که آن را غیرعملی و صوری می بینند و به این می‌اندیشند که چرا رئیس جمهور سطح درک رأی‌دهندگان به خود را این اندازه پایین تلقی می‌کند."

از میان موافقانش آنهایی که برای مشکلات اقتصادی به او رأی دادند به منشورش توجهی ندارند؛ فعالان حقوق بشر و کسانی هم که نگران حقوق بشر در ایران هستند و به او رأی دادند نیز با خواندن منشور نه تنها آن را مغشوش می‌یابند که آن را غیرعملی و صوری می بینند و به این می‌اندیشند که چرا رئیس جمهور سطح درک رأی‌دهندگان به خود را این اندازه پایین تلقی می‌کند.

از این‌رو، دولت روحانی با تدوین منشور نه قدمی برای حقوق شهروندی/بشر برنخواهد داشت، نه بر محبوبیت خود خواهد افزود، و تنها وقت، انرژی، و منابع مادی را بیهوده به هدر خواهد داد.

اما چرا این منشور مضر است؟ منشور حقوق شهروندی در بهترین حالت توجه‌ها را به این مشکل جلب می‌کند که حقوق شهروندان در ایران بطور مستمر نقض می‌شود، فایده‌ای که عمادالدین باقی برای این منشور برمی‌شمرد. اما آیا نقض دائم حقوق شهروندان در ایران بر کسی پوشیده است؟

اما ضررش چشمگیر است؛ از آن‌رو که ثمره عملی به همراه نخواهد آورد، باعث لوث شدن موضوع حقوق شهروندی/بشر خواهد شد. در کل حرف‌های غیرعملی (و حرف زیاد) باعث دلزدگی همگان از هر موضوعی است.

پس ردیس جمهور چه کند؟ داگلاس نورث مقاله‌ای دارد پیرامون دلایل موفقیت نهادینه شدن مالکیت خصوصی در دوران انقلاب شکوهمند ۱۶۸۸ انگلستان؛ تحلیل نورث می‌تواند در این جا درس‌آموز باشد.

او معتقد است که طراحان نهادها در انقلاب شکوهمند تنها به محدود کردن اختیارات شاه قناعت نکردند بلکه به دلایل عدم پایبندی شاه به قوانین مالکیت خصوصی و قانون‌شکنی‌های او نیز توجه کرده و سعی کردند که انگیزه شاه که همان تامین مالی جنگ‌ها با فرانسه و دیگران بود را در نظر آورند.

انقلابیون می‌دانستند برای موفقیت قانون نیاز دارند که به انگیزه‌های عدم توجه به آن نیز توجه کنند و تا جای ممکن در رفع آن بکوشند.

حال دولت روحانی باید به این توجه کند که دلایل نقض گسترده حقوق بشر در ایران چیست و ببیند با اختیاراتی که یک دولت در جمهوری اسلامی داراست چه حرکت عملی می‌تواند انجام دهد.

در اینجا به چند نمونه که به نظر نویسنده می‌رسد اشاره می‌شود.

یکی از انگیزه‌ها/دستاویزهای نقض حقوق بشر در ایران، آمریکا-هراسی نهادهای امنیتی است.

دولت روحانی اگر در رویه‌ای که در پیش گرفته با جدیت عادی‌سازی روابط با آمریکا را به پیش ببرد بدون تردید می‌تواند به بهبود حقوق بشر در ایران کمک کند، چرا که دستاویز زندان و اعدام کردن بسیاری از ایرانیان را از دست نهادهای امنیتی-قضایی می‌گیرد.

چرا برخی فعالان قومی محاکمه، و زندان و در برخی موارد اعدام می‌شوند؟ تلاش بسیاری از این فعالان تلاش برای آموزش رسمی به زبان مادریشان در مدارس و دانشگاههاست، آموزش به زبان‌هایی مانند ترکی، کردی، بلوچی و عربی.

"از همه مهمتر، قدم‌های عملی و اساسی است که دولت روحانی می‌تواند در جهت آزادی بیان بردارد، قدم‌هایی که دولت خاتمی نشان داد برداشتنشان ممکن است. البته اینها همه منوط به این است که روحانی بخواهد که حقوق بشر/شهروندی را بهبود بخشد."

حال اگر دولت روحانی به جای حرف در عمل در این کار خود پیش‌قدم شود، بسیاری از شهروندان دیگر زندان نمی روند و اعدام نخواهند شد.

بسیاری اعتراضات دیگری ناشی از چینش‌های ناعادلانه دولتی است؛ فردی از اصفهان استاندار سیستان و بلوچستان می‌شود و مثلا یک خراسانی استاندار کردستان می‌شود و مانند آن؛ پیامد آن اعتراض مردم است و سپس برخوردهای امنیتی و زندان و اعدام زیر عنوان امنیت ملی.

حال اگر روحانی به بومی‌سازی اداره استان‌ها روی آورد، بسیاری از این بی‌عدالتی‌ها و اعتراضات پس از آن از میان می‌رود. از قضا، قصد ندارم بگویم که نهادهای امنیتی لزوما این امور را بهانه می‌کنند، بلکه بسیاری از این دیدگاه‌ها در این نهادها در طول سالیان نهادینه شده‌اند.

به دیگر عبارت، این افکار در آنها نهادینه شده‌اند و به گونه‌ای خودکار این فعالیت‌ها را امنیتی تلقی می‌کنند.

استخدام بیشتر کارمندان زن در ادارات و وزارت خانه‌ها دیگر فعالیتی است که در حیطه اختیارات دولت است.

از همه مهمتر، قدم‌های عملی و اساسی است که دولت روحانی می‌تواند در جهت آزادی بیان بردارد، قدم‌هایی که دولت خاتمی نشان داد برداشتنشان ممکن است.

البته اینها همه منوط به این است که روحانی بخواهد که حقوق بشر/شهروندی را بهبود بخشد.

بازنویسی حقوقی که برای همه روشن است هیچ کمکی به تحققشان نمی‌کند، جز ایجاد شبه‌مسأله، ابهام در اصل حقوق بشر، و در نهایت تلف شدن وقت و انرژی و سرمایه دولت و جامعه مدنی برای برگشتن به جای نخست.

آقای روحانی نباید گمان برد که با تدوین منشور حقوق شهروندی یکی از قول‌های انتخاباتی اش را تیک زده است.

پژوهشگر در موسسهٔ خشونت پرهیزی برای دموکراسی در بوستون

—

کاربران ایرانی و فوتبالیست آرژانتینی، ریشه یابی یک حمله مجازی

2014-01-01 · Archive ID 3301
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3301

عرصه سوم-روزبه امین: عصبانیت آمیخته با شوخی کاربران ایرانی فیس بوک در حمله به چهره های معروف فروکش کرده و بچه های شّر محله همه به خانه های خود برگشته اند. چراغ هایشان هم خاموش شده باشد می توانیم خاطر جمع باشیم که درون خانه پای کامپیوترهای خود هستند و کامنت باران کردن این و آن ممکن است با هر بهانه دیگر دوباره شروع شود.

هر لحظه ممکن است بادکنک خشم آنلاین و غیرقابل پیش بینی و پُر سر و صدای ایرانی ها در اینترنت بترکد. کافی است پای یک مذاکره، مسابقه یا شوی تلویزیونی به میان بیاید.

حمله های دسته جمعی اخیر به اکانت های فیس بوک لیونل مسی و فرناندا لیما، حاوی بیشترین حد از هوچی گری اینترنتی بود. یورشی که تنها چند دقیقه بعد از پایان پخش مراسم قرعه کشی جام جهانی برزیل از صدا و سیما، که با سانسور لباس مجری زن برنامه در تمام طول مدت برنامه همراه بود آغاز شد و در مدت زمان کوتاهی، در مجموع به مرز صد و پنجاه هزار کامنت فحش، شوخی، بی‌ربط گویی و معذرت خواهی رسید.

بر خلاف حملات قبلی به وزیر خارجه فرانسه و نخست وزیر اسراییل که با چاشنی هسته ای و ملی گرایی توجیه شده بود، این بار فدراسیون فوتبال ابراز تاسف کرد. علی فتح الله زاده مدیر عامل باشگاه استقلال در یک مصاحبه تلویزیونی رسم معمول را پیشنهاد داد که برای مسی یک قالیچه خوب با نقش چهره اش درست کنیم و بفرستیم. بعد هم قرار شد جمشید مشایخی به آرژانتین سفر کند و توهین ها را از دل مسی در بیاورد.

حمله کنندگان چه کسانی هستند؟

در واکنش به این ماجرا از مردم عادی گرفته تا منتقدان و روزنامه نگاران، از جهات مختلف به بحث پرداختند. در میان نظرهای گوناگون، بعضی از آنها از دیگران شنیدنی تر بودند. نظری که این نوع حملات و بی تفاوتی به آنها با این تلقی که همه جا از این اتفاقات می افتد را نشانه رشد فزاینده رفتارهای غیرقابل تحمل ایرانیان در فضای مجازی می داند یا تحلیلی که از اتفاقات اینچنینی با عنوان زیر گذر فیسبوک یاد می کند. نقد دیگری می‌گوید اتفاقات این شکلی نتیجه فقدان فضاهای گردهمایی، اینکه زبان شوخی های ما با فحش دادن آمیخته است و پاتوق شدن فیس بوک ایرانی است. تحلیل جالبی هم از زاویه جامعه شناسی خودمانی به این مسئله نگاه کرده با این ایده که این حملات گونه‌ای از تجاوز جمعی همگانی به مثابه رفتار اجتماعی است.

نشریات، برنامه های تلویزیون و رسانه های داخل ایران نیز بیشتر بر این نکته انگشت گذاشتند که نه تنها در این مورد که باید در مورد همه چیز فرهنگ سازی کرد. نباید این رفتارها را به همه ایرانیان نسبت داد و برای ورود شبکه های اجتماعی به جامعه باید ابتدا بستر سازی کرد. همچنین گاهی لازم است که آتش بیار معرکه ساکت شود.

با در نظر داشتن دیدگاه های متنوعی که ابراز شده می بینیم همه آنها در یک نقطه مشترک هستند؛ فرهنگ مجازی کاربران ایرانی با واقعیت زندگی روزمره آنها مطابقت دارد و رفتارهای تهدید آمیز و پرخشونت، فحاشی کردن ضمن انجام کارهای روزانه یا مزه پرانی های وقت و بی وقت برای جلب توجه یا انتقام گیری از اطرافیان در همه جا دیده می شود. خلاصه اینکه ایرانیان مردمی هستند که سالانه بیش از نیم میلیون بار نزاع خیابانی را با یکدیگر تجربه می کنند. پس دوره کردن و تحقیر یک فوتبالیست مشهور آرژانتینی یا کوبیدن و تعرض جنسی کلامی به یک مدل زن برزیلی که جای خود دارد.

استفاده از شبکه های اجتماعی در میان مردم در سال های اخیر با فراز و نشیب بسیار همراه بود. از فرهنگ سازی و فیلیترینگ تا کارهای خوب و دورهمی، ایجاد پروفایل های تجاوز دسته جمعی و حمله به هر کسی که گذرش به ایران بیافتد و تا آنجا که شاهد بی ریختی اجتماعی در بعضی از بخش های آن باشیم. بسیاری از حمله کنندگان کسانی هستند که از علت و معنای رفتارهای خود خبر ندارند. بد اخلاقی های وب فارسی به خاطر نبود رفتار طبیعی در زندگی مجازی است.

جدای از هم پوشانی واقعیت زندگی روزمره با نوع فرهنگی که کاربران از خود بروز می دهند باید به جنبه دیگری هم توجه کرد. اینکه چگونه شبکه های اجتماعی؛ البته با در نظر گرفتن جامعه کاربرانی که عضو آن هستند، می توانند زمینه ساز رفتارها و رابطه هایی شوند که تنش آمیز، پرخشونت و ناخوشایند هستند!

اینترنت چه دارد که در واقعیت جامعه نیست

اینجا بحث از منطق نظم و بی نظمی است. اینترنت به طور کلی یک مکان مشخص قابل نظم دهی اجباری نیست، پراکندگی و غیر رسمی بودن خصلت اصلی آن محسوب می شود. حتی اگر دائما با ابزارهای فنی یا اجتماعی تحت کنترل باشد به علت ماهیت انعطاف پذیری که دارد مجموعه های افکار، رابطه ها و ارزش های یک جامعه را مخصوصا آنهایی که زیر باورهای سنتی یا عادت ها پنهان شده باشند را بیرون می ریزد. فضای شبکه ای، جامعه را همان گونه که هست نشان می دهد. میدانی برای بیان «خود» در اختیار مردم می گذارد، اما رفتارهای آنها را با معیارهای آزادی بیان، برابری جنسیتی و رواداری می‌سنجد.

پس در مقابل آن نوع از زندگی که با حجم نامحدودی از نظم های سخت و اجباری احاطه شده و مملوء از احساسات و افکار سرکوب شده است، محیطی که هر حرفی دلت خواست بتوانی بزنی و هرچه به فکرت می‌رسد بگویی، اختلالات رفتاری کاربر ایرانی را لو می دهد. فرد در حال اظهار نظر یا انجام شوخی های همیشگی خود است اما به شخصیت دیگران توهین می کند و یا به یک هوادار خشن تبعیض جنسیتی تبدیل می شود.

پس در جامعه‌ای که انواع سلسله مراتب نالازم و ساختگی دارد و گاهی اوقات اگر بخواهید یک مدیر اداره یا رییس واحد پاسخگویی یک شرکت اینترنتی را ملاقات کنید روزها پشت در می مانید و آخر مرخص می‌شوید،

حضور چهره های بین المللی و یا سیاست مداران و هنرمندان مشهور عین خوابی می ماند که کاربر ممکن است در آن هر کاری بکند. با صرفنظر از بحث کردن در جزییات، همین ویژگی به حوزه ایرانی فیسبوک یا توییتر، خصلتی انفجاری می بخشد. نادیده گرفتن حق ابراز وجود و دیده نشدن شهروندان در زندگی واقعی با اجبار به فرمانبرداری از یک نظم مخرب، اثر معکوسی چون ایجاد هرج و مرج و حملات فله ای در اینترنت را داشته که فضایی آزاد و بدون مرز است.

نقش نهادهای آموزشی همراه با آزادسازی های رسمی اینجا پررنگ می شود. منفعت عمومی در این است که آموزش و پرورش و دانشگاه ها به جای کش دادن آموزش الفبای فارسی تا مقطع دکترا و سالی چند بار برگزاری کنکور، مهارت های اجتماعی در رابطه برقرار کردن با دیگران و رعایت حقوق شهروندی را به متقاضیان خود آموزش دهند. با برداشته شدن فیلترینگ دولتی و تحویل مسئله نظارت بر اینترنت به خانواده ها، شبکه های اجتماعی به محیط هایی عادی تبدیل می شوند و اگر صدا و سیما به جای دستکاری های غیر قابل قبول در تصاویر و اخبار، در سیاست های پخش و برنامه سازی خود تجدید نظر کند هر برنامه و خبری به یک بحران عمومی تبدیل نمی‌شود.

حضور طیف های گوناگون مردم که تعلقات و ترجیحات متفاوتی دارند در انواع شبکه های اجتماعی رو به رشد است. پس نظم های ساختگی و نقد ناپذیری فرهنگی هر چه بیشتر زیر سوال می رود و آشفتگی های انکار شده افشاء می شوند. پیوند خوردن اینترنت با جریان زندگی روزمره برای فرهنگ های تازه وارد درس هایی دارد. اینکه انسانها در تعاملات آتی خود با دیگران چگونه رابطه های نوع دوستانه ای برقرار کنند، در کنار دیگران باقی بمانند و به واسطه ی بودن در میان جمعیت، خود را بهتر بشناسند.

—

احساس آبی مرگ، حرکتی برای زندگی

2014-01-06 · Archive ID 3317
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3317

عرصه سوم-رضا حاجی‌حسینی: از مجموعه نقش‌هایی که یک هنرمند می‌تواند در جامعه داشته باشد، یکی هم روشنگری و آگاهی بخشی برای توجه دادن به مشکلات اجتماعی و تلاش برای توسعه جامعه مدنی است.

هنرمند آزاداندیش می‌تواند با ظرافت و دقت، از ابزار هنر بهره گیرد و اثری بسازد که با طرح پرسش‌های مشخص برای مخاطبش، او را متوجه کاستی‌ها و نقص‌های موجود در جامعه کند و اگر می‌تواند راهی برای بهبود نشان دهد و راهنمایی باشد برای حرکت به سوی زندگی بهتر.

به نظر می‌رسد نمایش «احساس آبی مرگ» که این روزها در تالار سنگلج تهران روی صحنه است، می‌تواند نمونه و مثالی باشد برای این نوع از تولیدات هنری. نمایشی مستند برای روایت زندگی نوجوانانی که مرتکب قتل می‌شوند و با محکوم شدن به قصاص، چند سالی در زندان می‌مانند تا پس از رسیدن به سن قانونی (هجده سالگی)، به چوبه دار سپرده شوند.

در پوستر این نمایش آمده است که تماشای آن برای افراد زیر ۱۴ سال توصیه نمی‌شود و بنا به گفته گروه اجرایی، این محدودیت بر اساس مشورت با بعضی از مشاوران در نظر گرفته شده است.

علی جعفری، منتقد تئاتر و مسوول روابط عمومی این نمایش اما با اشاره به حضور کودکان کار برای تماشای آن، در صفحه فیس‌بوک احساس آبی مرگ می‌نویسد: "اعتراف می‌کنم که به نظرم قرار چندان مقبولی نیامد. احساس آبی مرگ نمایش سهمگین و تلخی است و به همین دلیل برای تماشای کودکان زیر ۱۴ سال توصیه نمی‌شود. شاید هم ترسیده بودم از این‌که نشود توی سالن بچه‌ها را کنترل کرد ...."

او در ادامه آورده است: "بچه‌ها آمدند و وقتی نمایش شروع شد، چنان محو تماشا شدند و در سکوت، پا به پای هر صحنه پیش آمدند که شرمنده فکر احمقانه‌ام شدم. این بچه‌ها لحظه لحظه نمایش را می‌بلعیدند اما من به

خودم می‌گفتم چه فایده؟! از سالن که بروند بیرون، توی کثافت خیابان‌ها هر چه را دیدند و شنیدند، فراموش می‌کنند."

جعفری اضافه می‌کند: "باز هم اشتباه می‌کردم .... وقتی دیروز شنیدم یکی از این بچه‌ها بعد از تماشای نمایش، چاقویش را به مددیار تحویل داده و یکی دیگر، بعد از دو سه روز به مددیار گفته که من از وقتی نمایش را دیدم، دیگر دعوا نمی‌کنم؛ به خودم نهیب زدم که دست از این پیش‌داوری‌ها بردارم."

پیغامی برای زندگی

هنرمند در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف هنری، یک پیام‌رسان است. او با استفاده از ابزارش، پیغامی را برای مخاطب می‌فرستد و گاهی این پیغام، توانایی لازم را پیدا می‌کند تا موجی برای تغییر ایجاد کند.

مجید کریمیان، فیلمنامه‌نویس، درباره پیام نمایش احساس آبی مرگ می‌نویسد : "احساس آبی مرگ حرفش "نمی‌دانم کودک" است. "اتفاق" است. "یک لحظه" است. این نمایش قصه کودکانی را می‌گوید که نمی‌دانستند مرگ چیست. نمی‌دانستند زندان کجاست. نمی‌دانستند کشتن کدام است. نمی‌دانستند تقاص چگونه است. نمی‌دانستند زندگی چه طعمی دارد. نمی‌دانستند مرز میان بود و نبود چقدر باریک است. نمی‌دانستند داغدار کیست. نمی‌دانستند رضایت چه شکلی است. نمی‌دانستند چوبه دار از چه درختی ساخته می‌شود. نمی‌دانستند طناب دار کجا ریسیده می‌شود. نمی‌دانستند اعدام یعنی چه."

احساس آبی مرگ پیش از رسیدن به صحنه تالار سنگلج، اجراهایی در فرهنگ‌سرای ارسباران تهران و همچنین در شهر زاهدان داشته است. امین میری، کارگردان این نمایش درباره اجراهای شهر زاهدان این نمایش، گفته است: «یکی از اتفاقات جالب در اجرایی که ما در زاهدان داشتیم حضور دو خانواده ولی دم در این نمایش بود که این اتفاق تجربه سختی برای ما و گروه بازیگران بود. همچنین در اجرایی دیگر خانواده‌ای را داشتیم که مدتی قبل حکم اعدام فرزندشان اجرا شده بود و این جریان فشار روحی و روانی شدیدی به ما وارد کرد.»

تغییری برای زندگی

به نظر می‌رسد تغییر مورد نظر عوامل نمایش احساس آبی مرگ، فراهم کردن دیه (در حال حاضر، به طور مشخص برای نوجوانی به نام صابر که ۹ سال پیش مرتکب قتل شده است) و گرفتن رضایت اولیای دم (در پرونده‌های مربوط به قاتلان نوجوان) باشد اما ایجاد همین موج نیز با دشواری‌های زیادی همراه است.

از طرفی بخش‌هایی از حاکمیت نسبت به چنین فعالیت‌هایی بدبین هستند و آن را خلاف شئونات جمهوری اسلامی می‌دانند و از سویی دیگر، برخی از شهروندان به این فعالیت‌ها با دیده تردید می‌نگرند. هستند کسانی که باور دارند این فعالیت‌ها نفع مالی برای گروه‌های دست‌اندر کار دارد یا این‌که دست‌کم باعث شهرت‌شان می‌شود.

امین میری، کارگردان این نمایش در پاسخ به برخی از این شبهات، در صفحه فیس‌بوک این گروه نوشته است: "به حرمت قلب‌های مهربان شما در اینجا می‌گویم که هرگز و هرگز و هرگز نخواسته‌ام و نخواسته‌ایم که با داستان‌ها و زندگی کسانی که در شرایط سخت و ناگواری به سر می‌برند و بدبختی بر زندگی‌شان سایه افکنده، برای خود شهرت، اعتبار یا مالی به هم بزنم و بزنیم."

این وضعیت خود نشان‌دهنده نگاه غالب سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی در ایران است، به فعالیت‌هایی که از ابزار هنر با رویکردی اجتماعی و انتقادی بهره می‌گیرند. ضمن این‌که ایران از جمله کشورهایی است که در آن تکلیف و وظیفه هنرمند را از قبل مشخص کرده‌اند. او موظف است متعهد باشد. تعهدش اما نه لزوماً به خودش یا به هنرش، بلکه به آرمان‌های جمهوری اسلامی است.

سوی دیگر ماجرای قصاص قاتلان نوجوان، نقد قانونی است که بر اساس آن این اتفاق می‌افتد. مسأله‌ای که طبیعتاً به دلیل حساسیت‌های دینی و حکومتی و البته تعهد مورد انتظار از هنرمند، چندان نمی‌توانسته و نمی‌تواند مورد توجه و نظر گروه اجرایی احساس آبی مرگ باشد. چنین کاری قطعاً در فضایی ایدئولوژی‌زده بسیار دشوار است اما طبیعی است که این دغدغه، هنگام تماشای این نمایش بتواند در ذهن مخاطب شکل بگیرد.

قانونی برای زندگی

توجه جدی و اصولی به حقوق کودک (افراد زیر هجده سال)، یکی از نشانه‌ها و شاخص‌های رشد و توسعه جوامع است. سیستم‌های حقوقی کشورهای مختلف سال‌هاست در تلاشند تا با وضع قوانین اصولی بر پایه گفتمان حقوق بشر، از پایمال شدن حقوق کودکان جلوگیری کنند و شرایط زندگی بهتر را برای آنان فراهم آورند.

در ایران اما کوشش جامعه مدنی، جلوگیری از کشتن قانونی نوجوانانی است که مرتکب قتل شده‌اند و پس از رسیدن به سن قانونی اعدام می‌شوند. اجرای نمایش احساس آبی مرگ را هم شاید بتوان در همین راستا دید و ارزیابی کرد.

سعید محبی، عضو هیأت مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر، درباره این نمایش معتقد است: " قصاص از موضوعات حساس در جامعه است. حقی است که اگر استفاده بشود نوعی حروف و حدیث به دنبال دارد و اگر نشود، داستان دیگری با خود می‌آورد. پرداختن به این مضمون جسارت می‌خواهد .... تعهد نویسنده و کارگردان برای به صحنه بردن نمایشی که از دردهای اجتماع سخن به میان می‌آورد، ستودنی است. در میان خیل آثاری که امروز به صحنه می‌رود و از فرط بی‌خاصیت بودن، روح را از صحنه‌های نمایشی دور می‌کند، اجرای نمایش‌هایی مانند احساس آبی مرگ حرکتی قابل توجه است."

مخاطبی برای زندگی

اثر هنری با وجود مخاطب است که هستی و معنا می‌یابد. هنری هم که قصد روشنگری و آگاهی‌بخشی دارد، به مخاطب فعال (در هنرهای نمایشی کسی است که در فرایند خلق اثر مشارکت می‌کند. مثل مخاطبان تعزیه که در شکل‌گیری این نمایش آیینی مؤثرند) نیاز دارد، نه بیننده‌ای که تنها نظاره‌گر وضع موجود باشد. مراد از مخاطب فعال در اینجا کسی است که آن‌چه را که می‌بیند یا می‌شنود، با دیگران به اشتراک می‌گذارد و آنان را دعوت می‌کند که آن‌چه را بر او اثر گذاشته و باعث آگاهی‌اش شده، از دست ندهند.

بر همین اساس احساس آبی مرگ صفحه‌ای در فیس‌بوک دارد که در آن مخاطبان اثر به طرح نظرها و دیدگاه‌های خود می‌پردازند. البته نکته اینجاست که وظیفه مخاطب بودن هنوز برای جامعه مدنی ایران، وظیفه‌ای شناخته شده نیست.

از طرفی، شمار مخاطبان آثار هنری در ایران محدود است. یعنی اغلب همان کسانی که سینماروی حرفه‌ای هستند، تئاتر هم می‌بینند، کنسرت هم می‌روند و سعی می‌کنند نمایشگاه‌های نقاشی و عکاسی و ... را هم از دست ندهند.

از سوی دیگر، برخی هنرها از جمله تئاتر، مخاطبان محدودتری دارند، اما انفعال آن‌ها به این معناست که علاقه‌مندان محدود آثار هنری، هنوز وظیفه خود را به عنوان مخاطب نپذیرفته‌اند و باور نکرده‌اند. این‌که آنان هم حلقه‌ای از شبکه‌های ارتباطی هستند که به فرستنده پیام کمک می‌کنند تا اثر خود را در معرض دید گروه بزرگ‌تری از مردم قرار دهد.

اگر هنرمند نیستیم تا فعالیتی مدنی را در قالب یک اثر هنری یا بر اساس تأثیرگذاری‌مان پی بگیریم، می‌توانیم از ظرفیت مخاطب بودن‌مان استفاده کنیم. این اتفاق علاوه بر این‌که می‌تواند زمینه تغییر رویکرد مدیران فرهنگی را در مقابل پدیدآورندگان آثار هنری (با دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی) فراهم کند، شکل دهنده حرکتی آرام اما پویا برای شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران نیز هست.

بر همین اساس در صفحه فیس‌بوک تئاتر بازها ، به برخی ویژگی‌های نمایش احساس آبی مرگ اشاره شده است. از جمله این‌که این اثر یک اتفاق و تحرک اجتماعی است. این‌که در بستر جامعه کم کنش ایران امروز، یک گروه نمایشی به پدیده اجتماعی کمتر دیده شده‌ای چون وضعیت معلق و بغرنج نوجوانان قاتل مستقر در کانون اصلاح و تربیت-شما بخوانید زندان-آن هم پیش و نزدیک به زمان فرارسیدن حکم قصاص (اعدام با طناب دار) حساسیت نشان داده است؛ بی‌شک قابل توجه و درنگ است.

—

بازگشایی انجمن صنفی روزنامه نگاران و شروط حکومتی

2014-01-07 · Archive ID 3320
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3320

عرصه سوم- محمدرضا سرداری: در حالیکه دبیر انجمن صنفی روزنامه نگاران از بازگشایی این انجمن خبر داده بود، محسنی اژه ای گفته است فعالیت مجدد انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران تنها "با اعضای جدید و اساسنامه تازه" امکان پذیر است.

در واکنش به موضع سخنگوی قوه قضاییه ایران ، ماشاء الله شمس الواعظین رئیس هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران گفت:"هیچ حکمی مبنی بر توقف فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران از هیچ دادگاهی صادر نشده است".آقای شمس الواعظین تاکید کرده که اعضای انجمن صنفی مطابق اساسنامه آن نمی‌توانند فعالیت سیاسی کنند و چنین فعالیتی در این انجمن یک "تخلف انضباطی" محسوب می شود.

به گفته وی، توقف فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به دنبال پلمپ دفتر این انجمن توسط سعید مرتضوی دادستان سابق تهران و در قالب تدابیر پیشگیرانه پس از انتخابات ۱۳۸۸ صورت گرفته و در شرایط فعلی، دلیلی برای ادامه چنین وضعیتی وجود ندارد.

آقای محسنی اژه ای در اظهارات خود گفته است در صورتی که همان انجمن بخواهد فعالیت خود را بدون نظر دستگاه قضایی انجام دهد، حتما برخورد می‌شود، چرا که کار قبلی انجمن کار سیاسی بوده است. این در حالی است که خانم مفیدی پیشتر از موافقت وزرای کار، فرهنگ و ارشاد وهمچنین وزیر اطلاعات با بازگشایی مجدد این انجمن خبر داده بود. اما دادستان کل کشور فعالیت مجدد انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران را تنها منوط به تغییر اعضا و اساسنامه تازه کرده است.

اتهامات جدید غلامحسین محسنی اژه ای علیه انجمن صنفی، چند روز پس از آن بیان شده که علی جنتی وزیر ارشاد ایران گفته بود: "احساس می کنیم فضایی ایجاد شده که مساله انجمن صنفی روزنامه نگاران حل شود." آقای جنتی در خصوص سرنوشت این انجمن، بدون ذکر جزئیات بیشتر افزوده بود که "با رویکرد جدید وزارت اطلاعات، کار و فرهنگ و ارشاد اسلامی"، نسبت به برگزاری "مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه نگاران و برگزاری انتخابات جدید" امیدوار است.

وزیر ارشادهمچنین تاکید کرده بود: "با روی کار آمدن دولت جدید و ضرورت بازگشایی این نهاد صنفی احساس می‌شود و ما می‌خواهیم شرایط را برای تشکیل مجمع عمومی و برگزاری انتخابات انجمن صنفی روزنامه نگاران فراهم کنیم."

غلامحسین محسنی اژه‌ای، آبان ماه گذشته نیز گفته بود که درباره انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران "هنوز تصمیم جدیدی گرفته نشده و آنها حق فعالیت ندارند." با این حال شمس الواعظین در مصاحبه خود با ایسنا از نسبت به بازگشایی این انجمن تا پایان این ماه خوش بین است.

مواضع اخیر رئیس هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران نسبت به اظهارات محسنی اژه ای نشان می دهد برخی از فعالان مطبوعاتی حاضر شده اند با پذیرش شروط حکومت انجمن را بازگشایی کنند. از جمله شروط اشاره شده، اصلاح اساسنامه انجمن و اخراج روزنامه نگارانی است که از کشور مهاجرت کرده یا پس از حوادث سال 88 به زندان افتاده اند.

شمس الواعظین در رابطه توضیح داده است:" در سخنان آقای اژه‌ای نکات خوشحال‌کننده‌ای وجود دارد. نکته خوشحال کننده این است که او به تغییر برخی از مواد اساسنامه و برگزاری انتخابات جدید اشاره کرده است. لازم می‌دانم یادآور شوم که یکی از وظایف هیئت مدیره کنونی انجمن صنفی و من به‌عنوان رییس هیئت مدیره، این است که بلافاصله پس از بازگشایی انجمن، برای برگزاری انتخابات جدید هیئت مدیره و اصلاح برخی مواد اساسنامه، برای برگزاری مجمع عمومی دعوت کنیم. در نتیجه، من از جناب اژه‌ای تقاضا می‌کنم با رویکردی مساعد، قشر عظیم روزنامه‌نگاران کشور را نسبت به بازگشایی خانه‌ی خود امیدوار کنند و مطمئن باشند هیئت

مدیره این انجمن هیچ‌گاه گامی برخلاف قانون و عرف برنخواهد داشت." اما در سایه خوش بینی رئیس هیات مدیره انجمن، می توان درک کرد که انتظار این مقام قضایی از اساسنامه انجمن چه می تواند باشد.

هر چند آقای شمس الواعظین کوشیده است تا مطالبات حکومت از انجمن صنفی روزنامه نگاران را در قالبی حقوقی تحلیل کند، اما واقعیت امر نشان می دهد که حساسیت حکومت سیاسی است و نسبت به بازگشایی این انجمن این حساسیت همچنان وجود دارد گرچه وی تاکید کرده است که انجمن روزنامه نگاران نمی تواند فعالیت سیاسی کند.

از سوی دیگر تعلیق عضویت روزنامه نگاران مهاجر عضو انجمن امری خلاف واقع است. اگر آنچنان که آقای شمس الواعظین استدلال کرده است "حتی آن‌ها که به دلایل شخصی و به‌دنبال رویدادهای پس از انتخابات 88 به خارج از کشور مهاجرت کردند، طبق اساسنامه این انجمن عضویت‌شان معلق شده است." ملاک باشد، این مسئله دغدغه حکومت را حل نمی کند، زیرا بسیاری از اعضای فعال این انجمن که عضویت در هیات مدیره نیز دارند، از جمله علیرضا رجایی و احمد زید آبادی همچنان در زندان بسر می برند و برخی دیگر نیز همچنان تحت نظر مقامات امنیتی و اطلاعاتی هستند. افرادی که همچنان عضو انجمن هستند.

از سوی تفسیر از اساسنامه نیز می تواند متفاوت باشد. یکی از شروط برای عضویت درانجمن اقامت عضو در ایران است اما تمام اعضای این انجمن هنگام عضویت مقیم ایران بوده اند و ترک ایران نمی تواند دلیل محکمی برای لغو عضویت باشد.

اما مسئله ای که باید مدنظر متولیان اخیر انجمن صنفی باشد، اصل دفاع از حقوق روزنامه نگاران است. اصلی که بدون در نظر داشتن آن وجود چنین انجمنی فاقد معنا است. همچنان که در ماده نخست این اساسنامه، از جمله اهداف این انجمن دفاع از حقوق اعضا ذکر شده است. بسیاری از اعضای انجمن صنفی به دلیل تهدیدات حکومتی یا به زندان های طویل المدت محکوم شده یا مجبور به ترک زادگاه خویش شده اند، بنابراین معامله کردن حقوق آنان به قیمت بازگشایی انجمن با اهداف یک نهاد مدنی در تعارض است.

—

اعتراض به صدور دو حکم سنگسار در تبریز

2014-01-07 · Archive ID 3321
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3321

عرصه سوم: جمعی از فعالان مدنی و زندانیان سیاسی در تبریز از محکوم شدن دو شهروند تبریزی به سنگسار خبر داده و به صدور این حکم اعتراض کرده اند.

بر اساس این خبر، آقای علي ساعي باشليق و خانم زهرا پورساعي بجرم زناي محصنه به سنگسار محکوم شده اند. مجازات سنگسار از جمله مجازات های ضد حقوق بشری است که بارها مورد اعتراض فعالان حقوق بشر ایرانی و غیر ایرانی قرار گرفته است. گرچه از دامنه اجرای این مجازات کاسته شده اما در برخی از مناطق ایران این گونه احکام همچنان صادر می شود.

فعالان تبریزی اعتراض خویش را در نامه ای خطاب به کمیته بین المللی علیه اعدام اعلام و در آن یادآور شده اند جمهوری اسلامی درحالیکه جهانیان هنوز حکم سنگسار سکینه محمدي آشتياني را از یاد نبرده اند’ دو تن دیگر از زندانیان را در آستانه اجراي این حکم ضد انساني قرار داده است.

از زندان اوین نیز خبر می رسد بیش از ۳۰ تن از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ در اعتراض به برخوردهای اخیر مسئولین از رفتن به ملاقات سرباززدند.

دست‌کم ۳۰ تن از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین طی روز جاری در اعتراض به اقدامات مسئولین زندان و انتقال ۴ نفر از همبندیانشان به سلول انفرادی دست به اعتصاب ملاقات زده و از رفتن به سالن ملاقات جهت ملاقات با بستگانشان خودداری کردند.

سیدعلیرضا بهشتی، محسن میردامادی، علیرضا رجایی، عبدالفتاح سلطانی، قربان بهزادیان‌نژاد، عبدالله مومنی، سعید مدنی، محمدصادق ربانی املشی، محمدامین هادوی، سیدحسین رونقی ملکی، سیامک قادری، محمدرضایی، جعفر گنجی، مجید اسدی، هانی یازرلو، محمد متاجی، حسن صادقی، اسدالله هادی، سالار ستوده، مصطفی عبدی، حمیدرضا برهانی، مصطفی ریسمان باف، علی سلان‌پور، رضا اکبری منفرد، اصغر قطان، امیر اسلامی، رضا انتصاری، احمد هاشمی، محمد صائمی، پیمان کاسن‌نژاد، حمیدرضا کرواسی زندانیانی بودند که از رفتن به ملاقات امتناع کردند.

همچنین ساعت ۷ شب عماد بهاور یکی از ۴ زندانی که به سلول‌های انفرادی بند ۲۴۰ منتقل شده بود به بند ۳۵۰ زندان اوین بازگشت.

دوشنبه هفته گذشته در پی شعارهای ۲ تن از عوامل محبوس وزارت اطلاعات بر علیه زندانیان سیاسی عقیدتی و به تبع آن برخورد و درگیری تعدادی از زندانیان سیاسی با آنان، ابتدا سه تن از زندانیان سیاسی عقیدتی به نامهای عماد بهاور، بهزاد عرب گل و حسن اسدی زیدآبادی و سپس شبانگاه دوشنبه علی کاظم‌زاده دیگر زندانی سیاسی بند ۳۵۰ به سلولهای انفرادی بند ۲۴۰ منتقل شدند.

بیش از ۱۴۰ تن از زندانیان بند ۳۵۰ از روز دوشنبه ۹ دی ماه از دریافت جیره دولتی خودداری می‌کنند.

—

سودای روحانیون برای حوزه کردن مدارس

2014-01-08 · Archive ID 3326
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3326

عرصه سوم- سعید آگنجی: انتشار تفاهم‌نامه همکاری میان «اداره کل آموزش وپرورش شهر تهران» و مدیریت «حوزه علمیه برادران استان تهران» مبنی بر تبدیل تعدادی از مدارس دولتی به «مدارس وابسته به حوزه علمیه»، در این روزها موافقان و مخالفانی را به همراه خود داشته است.

از یکسو این تفاهم‌نامه موجب ابراز خرسندی نهادهای مذهبی جامعه خصوصاً حوزه علمیه و از سوی دیگر، منجر به مخالف و ابراز نگرانی تعداد زیادی از معلمان شده است.

مطابق با این تفاهم‌نامه، مدارس دولتی تحت پوشش طرح، به مدارس وابسته به حوزه علمیه تبدیل می‌شوند و مدیریت حوزه با استقرار روحانی ثابت، مدیریت تربیتی مدارس وابسته را بر عهده خواهد گرفت. و همچنین در هر سال تعداد مدارسی که به آن طرح افزوده خواهد شد براساس ظرفیت‌هایی است که از سوی حوزه علمیه اعلام خواهد گشت. در واقع در این طرح در «چارچوب احکام دینی و مقررات نظام جمهوری اسلامی در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با محوریت و نشر اندیشه تبعیت از ولایت فقیه، رعایت شئون و نهادینه سازی و ضابطه‌مند کردن تمام فعالیت‌ها» مورد بررسی و اجرا قرار می‌گیرد.

با توجه به گفتمان غالب در جمهوری اسلامی (گفتمان سنت‌گرای ایدئولوژیک) و تلاش قشر روحانیت بر تسلط هژمونی خود می توان این تصمیات را در سه زمینه و بطور کلی آن را باید در ذیل سنت‌گرایی و تجدد ستیزی مورد بررسی قرار داد. این سه زمینه عبارتند از زمینه‌های تاریخی، زمینه‌های اجتماعی، زمینه‌های روانی.

زمینه‌های تاریخی:

گفتمانی که حوزه علمیه نماد آن محسوب می‌شود اساساً بر مبنای حفظ مناسبات اجتماعی و جهان‌بینی مذهبی خود تکوین یافته است. استیلای فکری و ایدئولوژیک این قشر عموماً همراه با امتیازات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌واسطه نوسازی و اصلاحات صدماتی را متحمل شده است. این روند در صورت ادامه نوسازی مطمئناً صدمات بیشتری به آنها وارد خواهد آورد و در نتیجه اینان برای مقابله با این امر و با توجه به در دست بودن بخش قابل ملاحظه ای از حاکمیت در تلاش هستند تا از این امر جلوگیری کنند.

زمینه‌های روانی:

زمینه‌های روانی سنت گرایی تجدد ستیز را باید در احساس عدم امنیت و بی‌پناهی و فقدان همبستگی و پیوند اجتماعی توده‌ها در ایران امروز جستجو کرد. روحانیت به عنوان نماد بارز سنت‌گرایی در ایران همواره از نظر روانی تحت فشار بوده است. این فشار را می توان در موارد زیادی مورد بررسی قرار داد که از مهترین آنها می‌توان به مورد زیر اشاره کرد.

گروهای حامی روحانیت و حتی بخشهایی از خود روحانیت بواسطه‌ی نوسازی دچار جابجایی می‌شوند و پیوندهای سنتی‌شان در این تقابل رنگ می‌بازد. با تضعیف این پیوندها وضع "آنومی" حاکم شده و در نتیجه عدم امنیت بر روحانیت مستولی می‌گردد. روحانیت نیز برای جبران این حس عدم امنیت از آینده که ممکن است ناشی از دست دادن موقعیت برتر اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی خود باشد موجب عکس العمل شود که شاید بتوان با دست زدن به چنین اقداماتی، مانند وارد شدن به نظام آموزشی برای بقای تفکراتش تلاش و از اضمحلال آن جلوگیری کند.

در این نوشته سعی می‌شود در کنار بررسی کوتاه این طرح و تفاهم‌نامه به دلایل موافقان و مخالفان اشاره شود تا شاید با مشخص شدن دغدغه هر کدام از اینان بتوان یک آسیب‌شناسی از ارائه و یا اجرای طرح کرد.

طرح امین

شاید با کمی تسامح بتوان گفت همکاری روحانیت با نهاد آموزش‌وپرورش به سالهای قبل از انقلاب و همکاری آن‌ها در تألیف کتب درسی بازمی‌گردد. پس از انقلاب نیز روابط مابین این دو نهاد تبعاً بر اساس ساختار نظام عمیق‌تر شد. در سال ۱۳۸۵ و در دوره وزارت محمود فرشیدی این ارتباط و نتیجتاً همکاری به ثمر نشست. در این دوره طرح مدارس امین در ذیل ستاد همکاری حوزه و دانشگاه مطرح شد. این طرح تقریباً از سال ۸۸ وارد فاز اجرایی شد و از همان زمان بحث‌هایی حول این موضوع در فضای جامعه شکل گرفت. در این مدت نیز از سوی نهادهای مذکور در خصوص تعداد این مدارس که وابسته به حوزه گشته‌اند آماری اعلام نشده است.

با تمام این تفاسیر باید گفت این طرح و یا بعبارتی استقرار دائمی روحانیون در مدارس که در این روزها مطرح شده است، بحثی است که از چندین سال قبل مورد توجه بوده است و تنها موضوعی است که در این بازه زمانی سرعت بیشتر به‌خودگرفته‌است.

دلایل موافقان

شاید بتوان دلایل موافقت موافقان این طرح و تفاهم‌نامه را باید در هدف چهارگانه‌ای هر چند قابل بحث و نقد دانست که مسئولان نهاد آموزش‌وپرورش مطرح کرده‌اند. این چهار هدف عبارتند از: ۱ «. تقویت بنیه مذهبی و اعتقادی دانش‌آموزان؛ ۲. استفاده بهینه از ظرفیت‌های آموزش‌وپرورش در ابعاد مختلف پرورشی و آموزشی؛ ۳. ایجاد رقابت سالم با مدارس غیر دولتی و ۴. کاهش تصدی‌گری دولت».

اما باید توجه داشت که انگیزه‌های دیگری هم پشت این طرح وجود دارد که کمتر در مورد آن بحث می‌شود که شاید بتوان آن را در مصاحبه‌ای از محمد حسن نبوی، معاون تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمیه، پی‌گرفت. «میانگین استعدادهای ورودی به حوزه پائین است، ما اگر مدارس با جاذبه راه انداختیم که افراد مستعد در آن حضور یابند، آن‌ها را تشویق به حضور در حوزه خواهیم کرد با اجرای درست این طرح، بسیاری از ضایعات موجود در شیوه فعلی پذیرش، جذب یا طرد افراد، برطرف می‌شود ما الان کار را در دبیرستان و راهنمایی آغاز کرده‌ایم، اما معتقدیم لازمه کار تربیتی جامع این است که از روز اول تربیت، وارد معرکه شویم؛ یعنی اعتقاد به راه‌اندازی این مراکز آموزشی در مقاطع پیش دبستانی نیز داریم...».

دلایل مخالفان

مخالفان با طرح مذکور دلایل زیادی برای مخالف خود با آن مطرح می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها را احتمالاً بتوان در موارد زیر دانست:

۱.در منشور همکاری‌های حوزه و آموزش و پرورش بر استقلال این دو نهاد و همکاری آن‌ها در چارچوب قوانین و مقررات تاکید شده است. اما تفاهم نامه اخیر استقلال آموزش و پرورش را مخدوش می‌کند و احتمالا با قوانین و مقررات وزارت آموزش و پرورش هم در تعارض است. ضمن اینکه ورود مستقیم حوزه‌ها به کار اجرایی با اصل استقلال حوزه‌ها هم مغایر است. در همین راستا برخی معتقدند که این تفاهم‌نامه غیرقانونی است. زیرا مقررات آموزش پرورش این اجازه را به مقامات آموزش‌و پرورش نمی‌دهد که مدارس دولتی را به نهادهای غیردولتی از جمله حوزه واگذار کند و از سویی در این میان گزینه مغفول نظر و رای اولیا و تمایل دانش‌آموزان است.

۲. بی‌اعتمادی دولت به معلمان و تداخل اختیارات روحانیون با وظایف مربیان و مشاوران و مدیریت مدارس از دیگر موارد مورد توجه مخالفان است. در نظر اینان ورود حوزه به امور اجرایی مدارس نشانه‌ای بر بی‌اعتمادی دستگاه حاکم به کارگزاران این نهاد قلمداد می‌شود و در نتیجه نوعی مدیریت دوگانه به همراه خواهد داشت.

۳. سپردن امور تربیتی و مشاوره‌ای مدارس به روحانیون اعزامی از حوزه تنها در صورتی بدون تزاحم و تداخل خواهد بود که معاونت پرورشی آموزش وپرورش منحل گردد. با آغاز به کار روحانی مدرسه نوعی مدیریت دوگانه شکل می‌گیرد. بین روحانی مدرسه با اختیارات ویژه که از حوزه علمیه دستور می‌گیرد و مدیر که تابع سیستم اداری وزارت آموزش و پرورش است ناهماهنگی ایجاد می‌شود که دود آن به چشم دانش آموزان می‌رود.

۴. انتقاد دیگر مخالفان به این طرح بحث هزینه نمودن از امکانات و بودجه وزارتخانه برای روحانیون مستقر در مدارس است. درحالیکه خود این وزارتخانه با مشکلات مالی فراوان مواجه است دیگر لزومی به بار نمودن هزینه اضافی دیده نمی‌شود.

۵.حضور مستقیم نمایندگان حوزه در مدارس از این نظر که آن‌ها از نزدیک با واقعیت مواجه می‌شوند و سطح انتظاراتشان از دستگاه تعلیم و تربیت کشور تعدیل می‌شود مثبت است، اما حضور مستمر یک روحانی در مدرسه با اختیارات ویژه در حوزه تربیتی و مدیریتی و آموزشی مدرسه قطعا سازمان مدرسه را مختل خواهد کرد و کارآمدی مدرسه را کاهش خواهد داد.

۶. عدم امید به ایجاد رقابت سالم بین مدارس غیر انتفاعی از دیگر موارد مورد بحث است. از اهداف طرح همانطور که اشاره شد کاهش تصدی‌گری دولت است و این امر تنها با مشارکت بخش خصوصی امکان‌پذیر است. هدف والدین از انتخاب مدارس غیرانتفاعی به طور عمده دوری گزیدن از سیاست‌های پرورشی و انضباطی مدارس دولتی، تراکم بالای دانش آموز، امکانات محدود آزمایشگاهی و در نتیجه محدودیت معلمان برای کار با دانش آموزان است.... در بسیاری از مدارس غیرانتفاعی نمازخانه‌ها به کتابخانه، آزمایشگاه، سالن نمایش فیلم یا فعالیت‌های هنری دانش آموزان تبدیل شده است زیرا مدیران این مدارس به خوبی دریافته‌اند که این گونه فعالیت‌ها در جذب والدین تاثیر بیشتری دارد. در عین حال والدینی که خواهان سیستم پرورشی شدیدتری هستند می‌توانند در مدارس غیرانتفاعی دیگر چون موتلفه، کمال و رشد و... ثبت نام کنند.

—

پروژه ای در داخل ایران برای رفع تحریمهای دارویی

2014-01-10 · Archive ID 3333
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3333

عرصه سوم: فعالیتهای مدنی علیه تحریمهای دارویی به داخل ایران نیز راه یافته است. چندی است که گروهی از هنرمندان، فرهنگیان، و فعالان مطبوعاتی با همکاری «بنیاد امور بیماری‌های خاص» و گالری طراحان آزاد گرد هم آمده‌اند و برای رساندن صدای اعتراض خود به تاثیر تحریم‌ها بر وضعیت دارو در ایران، تلاش می‌کنند. این هنرمندان اقدام به برپایی نمایشگاه رونمایی از کارت پستال‌های امضا شده توسط چندین تن از شخصیت‌های سیاسی ،هنری و فرهنگی با موضوع " اعتراض مردمی به تحریم دارو علیه ایران " در گالری طراحان آزاد کردند. این گروه در صدد جمع آوری امضا برای نامه‌ای است که مخاطب آن، دبیر کل سازمان ملل

متحد، بان کی‌مون است.
در این نامه که امضای تورج صابری‌وند ٬ طراح گرافیک و پایه‌گذار این حرکت را به همراه دارد٬ به بیانیه هزاره سازمان ملل متحد اشاره شده است. در این بیانیه سازمان ملل متحد خود را موظف کرده بود که تا سال ۲۰۱۵(یکسال دیگر)، مردم کشورهای در حال توسعه به داروهای حیاتی مقرون به صرفه، دسترسی پایدار و مداوم داشته باشند.
تا کنون این نامه به امضای فیلمسازانی چون اصغر فرهادی، عباس کیارستمی و رخشان بنی‌اعتماد رسیده است. در کنار نام‌های آشنای فرهنگ و هنر ایران، محمد خاتمی رییس جمهوری پیشین ایران نیز این نامه را امضا کرده است.
پروژه "اعتراض مردمی به تحریم دارو علیه ایران " خواستار توقف تحریم‌هایی است که روی دارو و زندگی مردم تاثیر می‌گذارد. در این پروژه بسیاری از مردم می‌توانند با مراجه به سایت www.pprotest.com اعتراض و پیام خود را به دبیر کل سازمان ملل متحد برسانند. پیشتر دوچرخه سوارانی از ایران با پیام این پروژه مسیر بین ۱۷ شهر ترکیه را رکاب زدند.
پیشتر در بیرون از مرزهای ایران نیز فعالیت‌های مشابهی در این زمینه انجام شده است. چه حرکت‌های هنری و فرهنگی، مثلا در قالب پرفورمنس آرت در نزدیکی مقر سازمان ملل متحد در شهر نیویورک و چه تلاش شهروندان ایرانی ساکن خارج برای جمع آوری کمک و دارو و رساندن آن به دست بیمارانی که در ایران با مشکل کمبود دارو روبرو هستند. عرصه سوم نیز با راه اندازی کمپین دسترسی تلاش کرده است تا با تهیه طوماری به مقامات اروپایی راهی برای رفع کمبودهای دارویی ناشی از تحریمها بیابد.
دارو اگرچه به طور مستقیم مورد تحریم نیست، اما در ماه‌های گذشته گزارش‌های متعددی از دشواری دسترسی به آن برای بیماران منتشر شده است. ناظران این بحران را نتیجه تحریم‌ها و دشواری مبادلات بانکی در کنار سیاست‌های داخلی در ایران می‌دانند.

—

هشداری دوباره نسبت به سلامت زندانیان عقیدتی

2014-01-13 · Archive ID 3353
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3353

عرصه سوم: پس از آن که تعدادی از فعالان مدنی محبوس در زندان رجایی شهر در بیانیه ای هشدار داده بودند عدم توجه به وضعیت سلامت برخی از زندانیان از جمله زندانیان مسن، مخاطراتی را برای آنان به دنبال دارد، گزارش های تازه همچنان از روند وخامت حال برخی از زندانیان سیاسی بیمار حکایت دارد.

سایت مجذوبان نور وابسته به دراویش گنابادی گزارشی را در این رابطه منتشر ساخته است که نشان می دهد از تعدادی از زندانیان وابسته به این اقلیت از در اثر کمبود امکانات پزشکی کافی در زندان و همچنین عدم رسیدگی مسئولان زندان شرایط سختی را تجربه می کنند.

حمید مرادی، امیر اسلامی، مصطفی دانشجو، فرشید یداللهی، امید بهروزی، ابراهیم بهرامی، افشین‌کرم‌پور، رضا انتصاری و کسری نوری از جمله این دراویش هستند که وضعیت جسمی آنها وخیم گزارش شده است. نارسایی قلبی، نارسایی شنوایی، آرتروز، بیماریهای ریوی و تنفسی و حتی شکستگی دست و پا از مواردی است که دراویش زندانی بدان دچار شده اند اما ماموران امنیتی یا قاضی پرونده صلاح نمی‌دانند بیماران زندانی به بیمارستان اعزام شده تا مراحل درمان خویش را طی کنند.

در همین رابطه نیز کارزاری برای حمایت از زندانیان سیاسی نیازمند به دارو و درمان تشکیل شده است. این کارزار اخیرا ویدئویی درباره وضعیت زندانیان بیمار و نیازمند منتشر ساخته است. همچنین فعالان این کارزار طوماری در حمایت از این زندانیان تهیه کرده اند.

نمایندگان این کارزار همچنین ماه گذشته با هیدلینگ لونکویست نماینده وزارت امورخارجه سوئد نیز ملاقات کردند. وی جزو هیأتی بود که دو هفته پیش طی سفری به ایران با آقای لاریجانی و سه تن دیگر از مقامات ایرانی ملاقات کردند.

—

آزارجنسی کودک 6 ساله درحوزه بهزیستی کرمان

2014-01-14 · Archive ID 3358
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3358

عرصه سوم: روزنامه «اعتماد» اخیرا گزارشی از یک دختر شش ساله منتشر کرده است که بر اساس یافته های این روزنامه مورد آزار جنسی قرار گرفته است. اما بهزیستی استان کرمان مدعی شده که این کودک خردسال احتمالا اقدام به خودزنی کرده است. هنوز دقیقا روشن نیست این آزار و اذیت از سوی چه اشخاصی صورت گرفته است.

این گزارش نشان میدهد "دنیا ولایتی" که از شیرخوارگی تحت سرپرستی بهزیستی استان کرمان بوده، به شدت مورد آزار جنسی و سایر آزارهای فیزیکی و جسمی قرارگرفته است. با این حال مدیرکل بهزیستي کرمان به روزنامه اعتماد گفته است که دنیا نه تنها تحت آزار جنسي قرارنگرفته بلکه آن چه از آن به عنوان «آزار و اذیت جسماني» نام برده میشود نیز تنها چند خراش کوچك بوده که خود کودك روی بدنش ایجاد کرده و پس از گذشت يك سال و نيم از ايجاد آن، بهبود يافته است.

گزارش روزنامه اعتماد همچنین حاکی است این مرکز بدون اجازه مراجع قضايي، سرپرستي موقت اين كودك را به يك شبه خانواده سپردند كه آن خانواده هم پس از مدتي اين كودك را به مركز امام رضا بر گرداند و نهايتا پس از گذشت 16ماه «دنیا» در فروردین ماه 1392 تحویل مرکز "آشیانه علي" کرمان شد.

به نوشته اين روزنامه، باپيگيري دقيق مسوولان ومددكاران اين مركز مشخص شد كه درهنگام تحويل دنيا به «آشيانه علي»، با توجه به مشكلات روحي و رواني دنيا و آثارشكنجه و ضرب و جرح و عدم توانايي كودك درتكلم (با وجود داشتن شش سال سن) مددكاران خواستار صورتجلسه روز تحويل شدند.
مركز «آشيانه علي» با توجه به وضعيت دنيا در تاريخ 21 مهر 1391، وي را به مركز مشاوره ارجاع داد و پزشك مركز مشاوره دكتر بني اسدي پس از معاينه اظهار داشت كه رفتارهاي كودك ناشي از فقر محيطي و عدم توجه به پرورش كودك دركودكي بوده است. دكتر بني اسدي همچنين گفته است كه كودك مورد آزارجنسي قرار گرفته و همچنين ايجاد شكنجه، ضرب و جرح وكودك آزاري را درباره دنيا تاييد كرده است.

پیش از آن، دایره حقوقی اداره کل بهزیستی استان کرمان با تکیه بر گزارش پزشکی قانونی، آسیبهای جنسی و جسمی وارده به دنیا را تایید کرده و در گزارشی نوشته بود :" از آن جایی که جرم از جرایم مشهود است و نظر پزشکی قانونی احراز شده و هر سه مرکز اظهار بیاطلاعی کرده و مسوولیت را نپذیرفته‌اند، عین خلاف قانون است."

اداره بهزیستی استان کرمان همچنین در جوابیه خود به روزنامهها اعلام کرده است: "جلسه‌های متعددی با حضور مسوولان شیرخوارگاه مادر، مرکز شبهخانواده زنگیآباد، مرکز نگهداری معلولان شهیدفیاض بخش و مرکز شبهخانواده آشیانه علی که هر سه از مراکزخصوصی تحت نظارت بهزیستی هستند، برای مشخص شدن مکان، نحوه و چرایی ایجاد صدمه‌های جسمی به این کودک تشکیل شده است.» البته هیچ کدام از این مراکز مسوولیت زخمها و شکنجهها را نپذیرفتهاند.

اين نخستين بار نيست كه كودكان در مراكز نگهداري سازمان بهزيستي مورد كودك آزاري قرار مي گيرند. اين ماجرا در كرمان در حالي روي داده است كه پيش تر نيز يكي از مادرياران سازمان بهزيستي در زنجان به دليل تنبيه خارج از عرف بچه هاي تحت سرپرستي اين سازمان محاكمه شد. او پشت دست كودكان تحت نظر خود را داغ كرده بود.

پریسا کاکایی از فعالان حقوق کودکان درباره علل وقوع این نوع حوادث برای کودکان بی سرپرست به عرصه سوم گفته است اگرچه مطابق قوانین بین المللی، کودکان بی سرپرست و یا بدسرپرست از حق حمایت و مساعدت ویژه از سوی دولت برخوردار بوده و دولت ها موظف به تعیین مراقبت جایگزین و حفظ امنیت آنها

هستند اما مساله اصلی فرهنگ غالب در یک کشور است که کودک را چگونه تعریف می کند و چه نگاهی به وی دارد.

به باور وی وقتی کودک به عنوان فردی نیازمند مطرح می شود، تلاش ها صرفا "نیاز محور" خواهند بود و در نتیجه بدون داشتن نگاه تخصصی هر فردی را می توان برای برطرف کردن این نیازها در کنار کودک قرار داد. اما وقتی کودک به عنوان صاحب حق در نظر گرفته می شود، تامین امنیت از جمله حقوق وی محسوب شده و دیگر مساله شکلی تخصصی به خود می گیرد و تربیت و آموزش افرادی که قرار است مراقبت از کودکان را به عهده بگیرند در اولویت اول قرار می گیرد.

کاکایی کمبود بودجه برای نگهداری از کودکان بی سرپرست و یا بدسرپرست را یکی از دلایل وقوع این حوادث می داند. اگر قرار باشد که پرورش و آموزش افرادی که مراقبت از کودکان به عهده آنان است در اولویت اول قرار گیرد این امر به سادگی امکان پذیر نیست و نیازمند تامین بودجه است.

وی همچنین علاوه بر اشاره به لزوم نظارت بر فعالیت های افراد داوطلب در ارتباط مستقیم با کودکان، به کارگیری افراد غیر متخصص را نیز دلیل مهم دیگری برای وقوع این گونه رفتارها ارزیابی می کند. افراد غیرمتخصصی در پست های خدماتی و یا مدیریتی قرار می گیرند که صرفا نه به دلیل مسائل مالی بلکه به خاطر قدرت و مشکلات روانی و شخصیتی مرتکب آزار کودکان می شوند.

به باور این فعال حقوق کودکان برخوردار نبودن از نیروهای متخصص و آشنا با مفاهیم حقوق کودک خود از جمله عواملی ست که در نهایت می تواند امنیت کودکان را به مخاطره بیاندازد. حتی حضور نیروهای متخصص نیز نیازمند نظارت های مداوم و ارزیابی های پیوسته است تا امنیت هر چه بیشتر کودکان فراهم شود.

—

جامعه مدنی و اقلیم کردستان- بخش دوم

2014-01-15 · Archive ID 3367
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3367

بنی آدم: جامعه مدنی در کردستان به باور بسیاری از فعالان کرد از شرایط ویژه و پیچیده ای بر خوردار است. محاط شدن این منطقه در میان چهار دولت مرکزی در کنار برخی مطالبات استقلال طلبانه و یا فدرالیستی، فعالیتهای مدنی برای مطالبه حقوق قومی در سالیان دراز و مشکلات اجتماعی و فرهنگی خاص این منطقه، جامعه مدنی در این مناطق را نیز دستخوش شرایط خاصی کرده است.

برای آشنایی بیشتر با این ویژگی ها با محمدرضا اسکندری از فعالان کرد و سردبیر رادیو کوردانه مقیم هلند که از لاهه پخش می شود به گفت و گو نشسته ایم. آقای اسکندری پس از جدایی از سازمان مجاهدین خلق سال ها است که به عنوان فعال مدنی مستقل با راه اندازی رسانه و بنیادهای حامی صلح فعالیت داشته است. بخش اول این مصاحبه در دی ماه ۱۳۹۲ در سایت عرصه سوم منتشر شده. اکنون دومین بخش از مصاحبه را از نظر می گذرانید.

آقای اسکندری، آیا این توصیفی که شما از جامعه مدنی در ایران داشتید، در کردستان عراق نیز وجود دارد؟

چهار پارچه کردستان بعلاوه جمعیت های محدودی از کردها در نواحی ارمنستان، آذربایجان و نزدیکی مسکو، هر یک برداشت و تفکرات خاص خود را از جامعه مدنی دارند. در برخی از کشورها، جامعه مدنی یا در حد رشد جامعه مدنی در همان کشور است یا اینکه تفاوت بسیار زیادی با جامعه مدنی همان کشور دارد. در ایران همان طور که عرض کردم جامعه مدنی کردستان جدای از ایران نیست، اما به دلیل حرکات هویت طلبانه ملت کرد در سالهای پس از روی کار آمدن حکومت اقلیم کردستان، به نسبت رشد جمعیت در مناطق دیگر، نهادهای مدنی رشد بیشتری در این منطقه داشته اند.

به طور مثال در زمینه نشریات در کردستان ایران، کردها تلاش کرده اند تا روزنامه سراسری داشته باشند، نشریات بیشتری داشته باشند، یا احزاب و انجمن های سراسری داشته باشند اما دولت به آنان اجازه نداده است. اما کردستان عراق وضعیت بسیار متفاوتی با جامعه عراق دارد. رشد جامعه مدنی در کردستان عراق بسیار زیاد بوده است که این خود ناشی از آزادی موجود در این منطقه در مقایسه مناطق کردنشین در سایر کشورهای همجوار است.

همچنین با توجه نظام انتخاباتی موجود در کردستان عراق که به شیوه الکترال صورت می گیرد، هر یک از احزاب کرد در قدرت تلاش می کند تا با دادن پول و امکانات به کسانی که خواستار تاسیس انجمنهای مدنی هستند آنان را به سمت خویش جلب کنند و در واقع حامی آنان شوند تا بدین ترتیب پایه های قدرت خویش را محکم کنند. این موضوع خود باعث ایجاد رقابت میان احزاب کرد برای حمایت از نهادهای مدنی شده و به رشد قابل توجه این نهادها در کردستان عراق انجامیده است.

در همین رابطه ما شاهدیم که برخی از این انجمن‌ها نفوذ قابل توجهی در مجلس فدرال کردستان عراق دارند.به طور نمونه انجمن‌های زنان را می توان نام برد که توانسته‌اند برخی نظرات خود را به این مجلس تحمیل کنند تا با به تصویب رساندن قانون، پدیده چند همسری در کردستان عراق جرم شناخته شود.

آیا این قانون موفقیت آمیز بوده است؟

به طور کامل خیر. این مسئله همچنان وجود دارد. چون کسانی که قصد اختیار کردن همسر دیگری دارند به نواحی خارج از کردستان عراق مراجعه می کنند و پس از به ثبت رساندن به کردستان عراق باز می گردند و حکومت کردستان عراق نمی تواند از این اقدام جلوگیری کند.

در زمینه قتل های ناموسی چطور؟ آیا این انجمنها اقدامی کرده اند؟

مسئله قتل های ناموسی از جمله مسائل بغرنج در این منطقه بوده و هست. زیرا تا کنون مرتکبین این جنایات از سوی دولت ها به مجازات محکوم نشده اند. انجمن هایی که وصف آن شد اکنون کار را به جایی رسانده اند که در حال حاضر از نظر قانون تفاوتی میان کسانی که این قتل ها را مرتکب می شوند با سایر قتل ها وجود ندارد. در واقع مرتکبین این جنایات همچون سایر قتل ها به اشد مجازات محکوم می شوند و این یک پیروزی بزرگ در جامعه مدنی در کردستان است.

کردستان ترکیه چه وضعیتی دارد؟ و در کدام تقسیم بندی که شما اشاره کردید می گنجد؟

در سفر اخیری که به ترکیه داشتم و از نزدیک با تعدادی از این انجمنها ارتباط برقرار کردم مشاهده کردم که جامعه کرد ترکیه تلاش کرده است تا با گردآوری تجربیات کشورهای اروپای غربی و تلفیق آن با اندیشه های سوسیال دموکراسی توانسته با کمک مردم خویش و نه دولت، در حد وسیعی انجمن تاسیس کند.

من در ملاقاتی که با سندیکای بزرگ روزنامه نگاران آنها داشتم با عکس هایی روبرو شدم که متعلق به 50 روزنامه نگار جان باخته ای بود که در راه حرفه ای خویش کشته شده بودند. وقتی درباره آنان از یکی مسئولان روزنامه کردی زبان که چاپ استانبول است سئوال کردم گفتند این افراد یا در راه توزیع روزنامه یا در زندان ها کشته شده اند. وی به من گفت تلاش سندیکاهای ما در حال حاضر این است که اگر یک روزنامه بسته شد بلافاصله دو روزنامه باز کنیم. این نشانگر خستگی ناپذیری جامعه مدنی کردستان ترکیه برای مقاومت مدنی در مقابل دولت است.

این مسئله تنها محدود به روزنامه نگاران نیست، بلکه در انتخابات شهرداریها، مسائل کارگری و حتی جنبش زنان نیز وضعیت به همین شکل است. اگر حزب، انجمن و یا نهادی از آنان بسته می شود بلافاصله چند نهاد دیگر را در مسیر مبارزه مدنی خویش وارد می کنند. در واقع می توانم بگویم جامعه مدنی در کردستان ترکیه بسیار قوی‌تر از جامعه مدنی ترکیه فعالیت می‌کند و آنان توانسته اند فشاری را که در این مدت تحمل کرده‌اند به پتانسیلی برای رشد خود تبدیل کنند و جامعه مدنی خویش را رنگین‌تر نمایند.

رابطه جامعه مدنی کردستان ترکیه را با جامعه مدنی ترکیه چگونه می بینید؟

در سال های اخیر کردهای ترکیه کوشیده اند تا تحول بزرگی در جامعه مدنی ترکیه بوجود آوردند. به طور مثال چندی پیش یک حزب کردی- ترکی در ترکیه فعالیت خویش را آغاز کرده است. یا انجمنی با عنوان زنان حامی صلح تشکیل شده که بسیاری از اعضای آن از خانواده های کشته شدگان جنگ با دولت مرکزی هستند. کردهای ترکیه در واقع به این نقطه رسیده اند که راه دستیابی به آزادی و دموکراسی در کردستان ترکیه بدون ایجاد تغییر در جامعه ترکیه ممکن نیست و تلاش می کنند تا فعالیتهای خویش را به درون جامعه ترکیه ببرند.

سوریه بحران زده چطور؟ وضعیت کردها در آن کشور چگونه است؟

کردهای سوریه به خاطر نوع حکومتی که در زمان اسد پدر و پسر حاکم بوده است همواره زیر فشار قرار داشته اند. مسئله جامعه مدنی در این منطقه هنوز گامهای نخست خویش را طی می کند. اما کردهای سوریه از شرایط اخیری که پیش آمده توانسته اند استفاده خوبی داشته باشند. هدف اصلی کردهای سوریه اکنون تشکیل یک جامعه مدافع خلق است تا بتواند با تسلط اسلام گرایان در سوریه مقابله کند.

شما به عنوان یک فعال رسانه ای، نقش رسانه در چهار پارچه کردستان را چگونه می بینید؟

رسانه در کردستان همواره نقش پر رنگی داشته و دارد. اولین حرکت رسانه ای در کردستان متعلق به تلویزیون ماهواره ای حزب پ ک ک است. این رسانه توانست علیرغم محدودیتهایی که برای آن به وجود آمده بود مسائل هنرمندان و زنان، زبان مادری و حتی مذاکرات صلح را پیش ببرد. آنان توانستند با تلویزیونهای خود حتی در روستاهای دورافتاده و غیر قابل تردد پیام رسانی کنند. طوری که بارها شاهد بودیم پس از یک فراخوان برای تظاهرات شاهدیم که بیش از نیم میلیون تظاهرکننده در کف خیابانها حاضر می شوند.

اما با این که تعداد رسانه ها در کردستان ترکیه و همچنین عراق بسیار زیاد است اما تلویزیون ها اکثرا حزبی هستند و یک تفکر خاص سیاسی پشت سر آنان قرار دارد. متاسفانه در کردستان رسانه مستقل که جامعه مدنی آن را اداره کند به تعداد محدودی وجود دارد. دلیل این امر هزینه بالای رسانه های تلویزیونی است و افراد مستقل قادر به تامین این هزینه نیستند. در نتیجه اکثر رسانه ها زیر کنترل احزاب قرار دارند. این موضوع همچنین باعث شده تا امکان نقد احزاب کردی در رسانه های وابسته به آنها نیز وجود نداشته باشد و به طور مثال اگر کسی در نشستی نقدی را از یک حزب مطرح کند در رسانه وابسته به آن حزب سانسور می شود. در واقع سایت ها، نشریات و رسانه هایی که بخواهند فارغ از گرایش های حزبی شرایط موجود را نقد کنند به تعداد انگشتان دست است.

به طور مشخص، سایت ها و رسانه های کردی که در زمینه جامعه مدنی در کردستان ایران فعالیت می کنند را چگونه ارزیابی می کنید ؟

در ایران، آمار وبلاگها، سایت ها و شبکه های اجتماعی کردی رشد بالایی را نشان می دهد. این خود منجر به گسترش ارتباطات در این منطقه شده است. در واقع نقش قشر جوان و توجه آنان به مسائل فرهنگی در کردستان مستقل از نگاه حزبی یکی از شاخص های فعالیت رسانه ای در کردستان ایران است. نکته مهمی که جامعه کرد ایرانی به آن رسیده است این مسئله است که اگر قرار است حرکتی برای کردستان صورت گیرد باید از داخل ایران باشد و بیشترین تلاش این است که در داخل ایران بتوانند نشریات سراسری داشته باشند، وبلاگ داشته باشند. این امر ارتباطات داخل و خارج از ایران را افزایش داده است و تجارب دو طرف در حال رد و بدل شدن است. اما مسائل مالی همچنان مشکل بزرگ فعالان برای گسترش فعالیت های رسانه ای خویش است.

تجربه خودتان در رادیو کردانه چیست؟ آیا شما نیز با این مشکلاتی که گفتید روبرو شده اید؟

ما از سال 2006 که رادیو ژیا را راه اندازی کردیم و اکنون نیز رادیو کوردانه را در اختیار داریم و به مدت 4 سال 2 ساعت برنامه در روز داشتیم، بخاطر آنکه هزینه آن را خودمان تامین می کردیم، نمی توانستیم برنامه ای را مطلب نظرمان بود به مخاطب ارائه کنیم. اما همین سایتها از جمله سایت کوردانه که بدون کمک دولت های خارجی و حتی کمک حکومت اقلیم کردستان اداره می شوند توانسته اند در جامعه کردستان ایران اثر گذار باشند و رفتارهای مدنی را در آن منطقه رشد دهند. من حتی در تماس هایی که از طریق ایمیل و تلفن با داخل

ایران دارم و حتی دوستان دیگری که در این زمینه فعالیت می کنند مشاهده می کنیم که از داخل ایران تمایل به این است که با رسانه هایی همکاری کنند و برای آنان محصول تولید نمایند که وابستگی به احزاب کردستان نداشته باشند. زیرا این مسئله می تواند برای آنان تولید مشکل کند. در مجموع اگر موانع سیاسی و مالی رفع شود، معتقدم رسانه های کردی حتی می توانند تاثیر بالایی بر جامعه مدنی در ایران داشته باشند .

بازنشر از عرصه سوم



—

گزارش "حامیان حقوق بشر" از وضعیت چهار کرد زندانی

2014-01-16 · Archive ID 3369
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3369

بر اساس این گزارش که در تارنمای این مرکز منتشر شده است این چهار زندانی از میان 10 بازداشت شده ای هستند که مدت کوتاهی پس از سفر کوتاه آیت اله خامنه ای به کردستان در سال ۸۸ بازداشت شدند. دوماه پس از آن ماموستا شیخ الاسلام روحانی کرد و عضو خبرگان رهبری ترور شد و اتهام قتل، نخست متوجه بازداشت شدگانی شد که پیش از ترور او دستگیر شده بودند. شش تن از ایشان در دی ماه ۹۱ اعدام شدند و چهار نفر دیگر که آنان نیز محکوم به اعدام شده اند، از تاریخ ۱۳ آبان ۹۲ در اعتصاب غذا به سر می برند.

مرکز حامیان حقوق بشر تحقیقی درباره اتهام بازداشت شدگان صورت داده است اما تنها با این پاسخ روبرو شده است که: "توانستند برگه ها را بخوانند؟ اطلاعات سنندج نمی دانید کجا است! در آن جا اصلا چیزی به عنوان تفهیم اتهام وجود ندارد. فقط می زنند و شکنجه می‌کنند.»

افراد دستگیر شده، تا تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۸۹ در اطلاعات سنندج بودند. در آن تاریخ هر ۱۰ نفر به اطلاعات همدان منتقل شدند و تا تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۸۹ یعنی حدود شش ماه آنجا بودند.
پس از آن هر ۱۰ نفر به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده و نزدیک به شش ماه نیز در آنجا ماندند.

یکی از نزدیکان به این پرونده همچنین شرایط این زندانیان کرد را چنین توصیف کرده است :" این ده زندانی را بعد از این که در یک دادگاه فرمالیته دادگاهی شدند، منتقل کردند به زندان رجایی شهر. آن هم در کثیف‌ترین اندرزگاه. چهار نفر را منتقل کردند به اندرزگاه پنج متادونی‌ها. آن شش نفر را هم منتقل کردند به اندرزگاه یک که در رجایی شهر به جنگل آمازون معروف است و در آن زندانیانی با جرم های خطرناک به سر می برند."

این گزارش می افزاید:"حدود ١٤ ماه است که این زندانیان محکوم به اعدام کرد، در بند موادی‌ها با سخت ترین شرایط و کمترین امکانات نگهداری می‌شوند. طبق گزارشهای رسیده آنها غذای خوب نمی‌خورند، از نظر روحی و روانی به شدت تحت فشار هستند و نمی توانند با کسی ارتباط داشته باشند. با خانواده هایی که هفتصد،هشتصد کیلومتر راه را طی کرده و به ملاقات زندانی شان آمده اند، بسیار توهین آمیز برخورد می‌شود. رفتار مسئولان زندان بسیار بد است. حتی بعد از این مدت که در اعتصاب هستند مسئولان زندان توجهی به این موضوع نشان نداده اند."

یکی از کسانی که دراین باره با مرکز حامیان حقوق بشر صحبت کرده است، می گوید:" آنها کلی وزن کم کرده‌اند. مدام بی‌هوش می‌شوند. تا به حال بارها بی‌هوش شده‌اند و به بهداری زندان منتقل شدند. به آن‌ها سرم می‌زنند اما بعد از به هوش آمدن، سرم را باز می‌کنند و به بند بر می‌گردند. دیگر جانی در بدن ندارند.

ظاهرا جهانگیر دهقانی چند روز قبل نیم ساعت در حمام بی‌هوش افتاده بود، تا یکی از بچه‌ها اتفاقی فهمید و به دادش رسید."

خواسته زندانیان اعتصاب کننده لغو حکم اعدام، دادگاه عادلانه و علنی، داشتن وکیل، بازگرداندن به زندان رجایی شهر و بند سیاسی‌های آن و یا انتقال به بند ۳۵۰ زندان اوین است.

—

کنفرانس "حق حیات و مجازات مرگ" در کلن آلمان برگزار می شود

2014-01-16 · Archive ID 3371
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3371

عرصه سوم: انجمن پژوهشگران ایران کنفرانسی را تحت عنوان " حق حیات و مجازات مرگ " را در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۸ و ۲۹ دی ماه ۱۳۹۲- ۱۸ و ۱۹ ژانویه ۲۰۱۴ در شهر کلن آلمان برگزار می کند.

در فراخوان این کنفرانس آمده است "این کنفرانس بدنبال روند گسترش اعدام ها در چند ماهه اخیر که آخرین مرحله از خشونت گرائی، تهدید، زندان و شکنجه و تجاوز است و در جهت بررسی پدیده اعدام و رسیدن به یک سازماندهی و هم آهنگی در میان ایرانیان و مراجع بین المللی در جهت نفی و اعتراض به اعدام های گسترده در ایران برگزار خواهد شد.

این کنفرانس قرار است به حق حیات و کیفر مرگ، استفاده از مجازات مرگ به عنوان ابزار سرکوب و خفقان و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، بررسی نقش برنامه های بین المللی در راستای مبارزه با قاچاق مواد مخدر در بالا بردن تعداد اعدام بپردازد.

انجمن پژوهشگران ایران بدینوسیله از کلیه صاحبنظران و کارشناسان دعوت کرده است فارغ از هر گونه ایدئولوژی و نگرش خاص و تنها بمنظور در اختیار داشتن بهترین و ارزنده ترین دیدگاهها با حضور خود بر غنا و ارزشهای این نشست بیافزایند.

—

هر ایرانی، یک فیس‌بوک

2014-01-17 · Archive ID 3375
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3375

عرصه‌سوم- رضا حاجی‌حسینی: در خاطره مردم ایران از سال‌های پیش از پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷، شعار «هر ایرانی، یک پیکان» جایگاه ویژه‌ای دارد. آن زمان پیکان ماشین محبوب ایرانی‌ها بود و با وجود خودروهای امروزی، این ماشین هم‌چنان محبوبیتش را نزد برخی افراد و گروه‌ها حفظ کرده است.

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، شعار «هر ایرانی، یک خانه» مطرح شد. شعاری که هنوز هم برای اجاره‌نشین‌ها فریبنده و رویایی است. این روزها اما علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم، سخن از «هر ایرانی، یک فیس‌بوک» می‌گوید . شعاری که باید دید برای چه کسانی جذاب است و آیا سرنوشت شعارهای پیشین را پیدا می‌کند یا این‌که چون این شعار به فضای مجازی برمی‌گردد، ممکن است روزی جامه عمل بپوشد؟

وزیر فرهنگ، در گفت‌وگو با شبکه «الجزیره» انگلیسی، حرف‌های تامل برانگیز دیگری هم زده است. صحبت‌هایی که واکنش‌های متفاوتی در داخل کشور برانگیخته است. او که به دعوت وزیر فرهنگ، هنر و میراث قطر، در اولین سفر خارجی خود به دوحه رفته بود، گرچه تلاش می‌کرد تا در جواب سوال‌های چالش‌برانگیز،

پاسخ‌هایی سیاست‌مدارانه بدهد، اما برخی حرف‌هایش به مذاق اصولگرایان داخلی خوش نیامده است. اظهاراتی که به عنوان نمونه، تارنمای «قطره» با صفت «مسئله‌دار» از آن‌ها یاد می‌کند .

پیش از این هم بعضی صحبت‌های علی جنتی درباره ممیزی کتاب، فیلترینگ، تک‌خوانی زنان و ... برایش دردسر ساز شده بود. او برای توضیح درباره این صحبت‌ها به مجلس فراخوانده شد اما با حرف‌های روز هفدهم دی ماهش در مجلس، نتوانست نمایندگان را قانع کند . چالشی که تا چند روز بعد از جلسه سوال ادامه داشت .

فیس‌بوک برای همه

صحبت‌های وزیر فرهنگ در شبکه الجزیره که در آن به فیس‌بوک می‌پردازد در روزهای اخیر خبرساز شده است. او در پاسخ به مصاحبه‌گر الجزیره که می‌پرسد: "رییس‌جمهور و وزیر امور خارجه و دیگر مقامات ایران صفحه‌هایی برای خود در توییتر و فیس‌بوک دارند. آیا شما هم در توییتر و فیس‌بوک صفحه‌ای دارید"، می‌گوید: "من عضو فیس‌بوک هستم اما در توییتر خیر. این هم به مدت‌ها قبل از وزارت من باز می‌گردد. من بیش از سه سال است که (در فیس‌بوک) عضویت دارم و با دوستان مختلفی در سرتاسر دنیا مرتبط هستم."

این در حالی است که در روزهای گذشته، اعظم‌السادات حسینی کوهستانی، عضو و سخنگوی شورای شهر بهشهر مازندران، به‌دلیل عضو بودن در فیس‌بوک از سمت «سخنگویی » این شورا عزل شده است .

جنتی اما از پاسخ به این سوال که آیا با عضویت در فیس‌بوک قانون را نقض نکرده است، طفره می‌رود. او می‌گوید: "البته در ایران برخی معتقدند که این نوعی قانون‌شکنی است چون فیس‌بوک در ایران فیلتر شده است. اما به هر حال ما سعی می‌کنیم که قانون را حفظ کنیم و تلاش ما هم بر این است که با همکاری سایر وزرایی که در دولت هستند بتوانیم شرایطی فراهم کنیم که همه در ایران به فیس‌بوک دسترسی داشته باشند برای این‌که این فقط یک وسیله ارتباطی است که افراد می‌توانند با یکدیگر گفت‌وگو و مکاتبه کنند و دیدگاه‌هایشان را بیان کنند."

این نظر وزیر فرهنگ درباره فیس‌بوک اگر واقعی و صادقانه باشد، او را در مقابل نهادهای اطلاعاتی- امنیتی وابسته به اصولگرایان تندرو و نهادهای صاحب قدرت از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار می‌دهد. نهادهایی که شبکه‌های اجتماعی را محلی برای فسق و فجور و ابزارهایی به منظور جاسوسی قلمداد می‌کنند.

ارائه آمار از تعداد ایرانیان عضو فیس‌بوک هم مسئله مناقشه‌برانگیز دیگر در صحبت‌های علی جنتی است که در روزهای گذشته، بازتاب متفاوتی در رسانه‌های داخلی و خارجی داشته است. او گفته که فکر می‌کند همه ایرانی‌ها از این‌ها (شبکه‌های اجتماعی) استفاده می‌کنند و بر اساس برخی آمارهایی که دارد، چهار میلیون نفر از ایرانی‌ها عضو فیس‌بوک هستند. جنتی اضافه کرده که دیر یا زود محدودیت فیس‌بوک باید برداشته شود.

در حالی که روزنامه شرق این عدد و آمار را تیتر یک روز سه‌شنبه، بیست و چهارم دی ماه خود قرار داد، بحث‌هایی درباره درستی یا نادرستی این آمار شکل گرفته است.

روزبه امیر ابراهیمی، روزنامه‌نگار مقیم آمریکا درباره میزان صحت و واقع‌بینانه بودن این آمار به بخش فارسی رادیو فرانسه می گوید:"من تقریبا جای دیگری چنین آماری را ندیده‌ام. خود فیس‌بوک هم به‌خاطر مسأله فیلترینگ که در ایران وجود دارد امکان شناسایی و اعلام تعداد دقیق کاربران فیس‌بوک در داخل ایران را ندارد ولی اگر آمار ارائه شده توسط آقای جنتی را از منابع حداقلی درست بدانیم، من فکر می‌کنم این چهار میلیون، به اصطلاح اینترنتی، یوزرهای اکتیو هستند اما احتمالا عده بسیار بیش‌تری در ایران فیس‌بوک دارند."

علی جنتی که این روزها به چهره‌ای جنجالی تبدیل شده است، پیش از این هم در اظهار نظرهایش گفته بود که فیس‌بوک و سایر شبکه ها ی اجتماعی در ایران باید برای همه در دسترس باشند اما ممکن کردن این دسترسی را وظیفه کمیته فیلترینگ دانسته بود و تصریح کرده بود که این کمیته مستقیما زیر نظر وزارت فرهنگ فعالیت نمی‌کند.

رویارویی با قوه قضاییه

شاید جنجالی‌ترین بخش صحبت‌های علی جنتی با الجزیره، حرف‌هایش درباره قوه قضاییه باشد. آن‌جا که می‌گوید: "رییس‌جمهور عوض شده ولی رییس قوه قضاییه که هنوز عوض نشده و این قوه همان وضع سابق را دارد ...." و بعد در پاسخ به این سوال خبرنگار الجزیره که می‌پرسد: "آیا دوست دارید در قوه قضاییه هم شاهد تغییرات باشید زیرا دولت تغییرات زیادی ایجاد کرده است"، اضافه می‌کند: "فضای جدیدی حاکم شده است. طبیعی است که دستگاه قضایی ما هم باید خودش را با تحولات جدیدی که در کشور پدیده آمده است همراه کند."

این صحبت‌های علی جنتی ممکن است برای او گران تمام شود چرا که قوه قضاییه نسبت به آن واکنش نشان داده است. روز سه‌شنبه، بیست و چهارم دی ماه، غلامحسین محسنی اژه‌ای، دادستان کل کشور و سخنگوی قوه قضاییه، در نشستی خبری با اشاره به مصاحبه وزیر فرهنگ با شبکه الجزیره، گفته است: "من امروز این مصاحبه را خواندم. البته ترجمه آن را خواندم و چون شبکه الجزیره انگلیسی آن را منتشر کرده، معلوم نیست آیا درست ترجمه شده است یا خیر. سوال شبکه الجزیره یک سوال جهت‌دار و تحریک‌کننده علیه قوه قضاییه است و اگر یک مسوول هوشمند و زیرک در مقابل یک شبکه خارجی قرار بگیرد، در مقابل این سوال نباید چنین پاسخی بدهد."

البته اشاره محسنی اژه‌ای به جریان ترجمه چندان درست به نظر نمی‌رسد چون علی جنتی، به زبان فارسی به پرسش‌های تلویزیون الجزیره جواب می‌دهد و ترجمه حرف‌های او، به انگلیسی زیرنویس می‌شود.

به نظر می‌رسد طرح موضوع ترجمه غلط توسط سخنگوی قوه قضاییه تلاشی است در راستای سیاست فعلی جمهوری اسلامی در زمینه دشمن‌سازی و تقابل با رسانه‌های خارجی که با عنوان «رسانه‌های بیگانه» معرفی می‌شوند. ضمن این‌که با دادن این اطلاعات نادرست به کسانی که به شبکه الجزیره دسترسی ندارند یا نمی‌خواهند خودشان این گفت‌وگو را ببینند، مسوولیت سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از دوش او برداشته می‌شود. به این ترتیب نه ضرورت ایجاد تغییر در قوه قضاییه از اساس مطرح شده است و نه نیازی به پیگیری حرف‌های وزیر خواهد بود.

دادستان کل کشور هم‌چنین گفته است که در تماس با علی جنتی، او گفته که مصاحبه تحریف شده: است: "ولی اگر این‌طور نباشد، آقای جنتی باید صریحا تکذیب کند و اعتراض شدید خود را نسبت به آن شبکه اعلام کند، زیرا حدود چهل روز است که این مصاحبه انجام شده و شبکه الجزیره تا کنون در سه نوبت آن را پخش کرده است. باید دید چه انگیزه‌ای وجود داشته است. آیا در جهت تحریک نیست؟"

حال باید دید که آیا دولت حسن روحانی و وزیر جنجالی‌اش که احتمالا نمی‌توانند در کوتاه‌مدت تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موثری در فضای واقعی ایجاد کنند، آیا خواهند توانست پیروز فضای مجازی باشد و دست‌کم فیس‌بوک را همگانی کند؟

—

استفتاء رهبر، استناد حقوقی تبعید زندانیان

2014-01-18 · Archive ID 3378
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3378

عرصه سوم- محمدرضا سرداری: پس از تحولات ناشی از انتخابات سال 88 و زندانی شدن تعداد بیشماری از فعالان مدنی، اکنون تبعید زندانیان سیاسی و عقیدتی و نقض آشکار حقوق آنان و خانواده هایشان به یکی از دغدغه های مهم در جامعه مدنی تبدیل شده است. تبعیدهایی که برخی از آنها به گفته نسرین ستوده وکیل و فعال حقوق بشر با استفتاء رهبر جمهوری اسلامی صورت می گیرد .

مسئله زندانی سیاسی البته موضوع جدیدی در تاریخ سیاسی معاصر ایران نیست. قرین به یک قرن است جامعه مدنی در ایران با مسئله ای بنام زندانی سیاسی روبرو است. اما تفاوت قابل ملاحظه ای میان زندانیان سیاسی در دوره پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن وجود داشته است. پیش از وقوع انقلاب در ایران، حکومت وقت

تفاوت محسوسی میان زندانیان سیاسی با زندانیان عادی قائل بود. به گواه بسیاری از زندانیان آن دوره زندانیان سیاسی بیش از زندانیان عادی تحت فشار قرار داشتند اما هویت آنان به عنوان یک زندانی سیاسی محترم شمرده می شد. امیر ممبینی، نویسنده و پژوهشگر فرهنگی و سیاسی مقیم سوئد یکی از زندانیان سابق در حکومت پهلوی در این رابطه گفته است:" در رژیم (حکومت) شاه وقتی یک ارتشی محاکمه می‌شد، سعی می‌کردند حرمت افسر محکوم را نگاه دارند. آقای شهید زند هم زندانی من بود و سرگرد توده‌ای بود. مامور زندان به او سلام نظامی می‌داد. سعی نمی‌شد که این سرگرد را مانند دزد و خائن تا نهایت تحقیر کنند. ایشان را به دلیل مخالفت با شاه گرفته بودند، اما احترام انسانی او را نگاه می‌داشتند."

مهمترین نکته ای که بسیاری از زندانیان سیاسی در آن دوره بدان اشاره کرده اند سیستم قضایی و شیوه دادرسی است. " بین دادگاه‌های جمهوری اسلامی، سیستم دادرسی و روش محکوم کردن با رژیم شاه یک تفاوت اساسی وجود دارد. در رژیم (حکومت) شاه ما سیستم قضایی و قوانینی داشتیم که در چارچوب قوانین و تمدن مدرن بودند و از کشورهای اروپایی اقتباس شده بودند. ناقص بودند، اما مدرن بودند و قابلیت تکمیل را داشتند. در بررسی جرم‌های عادی، دادگاه‌ها شبیه اروپا بودند. کار غیرقانونی رژیم شاه این بود که اتهام سیاسی را جرم اعلام کرد و رسیدگی به آن را به دادگاه نظامی و ساواک سپرد."

تبعید زندانیان مجازات جدید در نظام کیفری جمهوری اسلامی :

یکی از مسائل مرتبط به تحولات در نظام قضایی ایران بعد از انقلاب، به تغییر در شیوه دادرسی باز می گردد. بخش عمده این تحولات به قوانین به اصطلاح شرعی و اکتفا به فتاوی برخی از مجتهدین -که خود از زمامداران جمهوری اسلامی بشمار می روند- به عنوان یک منبع حقوقی باز می گردد که در راستای آن بسیاری از اصول بشردوستانه و حقوق مسلم یک زندانی نقض می شود.

بهنام دارایی زاده وکیل دادگستری و پژوهشگر حقوق بشر در تحقیقی در این رابطه نوشته است: " از همان سال‌های نخست که در دوره‌ی پهلوی اول، نظام قضایی و دادگستری مدرن در ایران شکل گرفت، موازین حقوقی (به ویژه در حیطه‌ی حقوق خصوصی و قوانین مدنی) با اصول و قواعد فقهی آمیخته بودند؛ اما سویه‌ی اصلی تغییرات، در جهت عرفی شدن رژیم کیفری و دوری از موازین فقهی بود. این تحولات، تنها در حیطه‌ی «حقوق جزا» نیز صورت نمی‌گرفت، در گستره‌ی روابط خانوادگی و حقوق زنان نیز در آن دوره شاهد تصویب قوانینی مترقی هستیم.

اما پس از انقلاب، حاکمیت مذهبی توانست ضمن برخورداری از بسترهای اجتماعی مناسب که خود ناشی از بحران‌های اقتصادی و آسیب‌های ناشی از آن بود، نفوذ برنامه‌های تبلیغاتی و سیاست‌های آموزشی خود را بسط دهد. امری که به طور حتم با برنامه‌ریزی پیشینی و در چهارچوب پروپاگاندای حاکمیت قابل توجیه است.

یکی از مواردی که به گواه بسیاری از حقوقدانان و فعالان سیاسی دوره شاه بدعتی در نظام قضایی جمهوری اسلامی به شمار می رود مسئله تبعید زندانیان است. در واقع در هیچ از نظام های کیفری جهان نمی توان متهم را دو بار مجازات کرد. اما چنین رویه ای اکنون و پس از رویدادهای سال 88 به دفعات صورت گرفته و مشکلات بسیاری را برای زندانیان و بویژه خانواده های آنان ایجاد کرده است. نمونه مشخص آن اتفاق تلخی بود که برای خانواده زندانی سیاسی پیمان عارفی روی داد و او همسر و مادرش را در جاده ملاقات از دست داد.

"سازمان برابری جنسیتی برای ایران" در گزارشی در این رابطه نوشته است:" حبس در تبعید یکی از شیوه های تنبیهی علیه زندانیان و از روش های غیر فعال کردن زندانیان از طریق دور کردن آنها از یکدیگر است. اما این شکل تنها زندانی را دچار مشکل مضاعف نمی کند بلکه خانواده های زندانیان را هم تحت فشار قرار می دهد. مادران و پدرانی که نه از منظر مادی و نه به لحاظ سنی امکان سفر و دیدار هفته ای فرزندانشان در زندان تبعیدگاه را ندارند خودشان نیز در معرض شکنجه و آزار مضاعف قرار گرفته اند."

هم اکنون بسیاری از زندانیان زندان اوین به زندان های رجایی شهر منتقل شده اند و 8نفر از آنها نیز حکم زندان در تبعید را دریافت کرده اند. این شرایط و روش نگهداری در زندانهای ایران خلاف مقررات داخلی، تعهدات بین المللی و استاندارد حداقل سازمان ملل متحد برای نگهداری زندانیان است.

در این گزارش به اسامی تعدادی از این زندانیان که به سایر زندان ها تبعید شده اند اشاره شده است.هم اکنون بسیاری از زندانیان زندان اوین به زندان های رجایی شهر منتقل شده اند و 8نفر از آنها نیز حکم زندان در تبعید را دریافت کرده اند. این شرایط و روش نگهداری در زندانهای ایران خلاف مقررات داخلی، تعهدات بین المللی و استاندارد حداقل سازمان ملل متحد برای نگهداری زندانیان است.

بنا به گزارش سالانه 2013 هرانا ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران ۱۹۸ مورد انتقال اجباری یا تبعید زندانیان صورت گرفته است. تازه ترین تبعیدی از زندان اوین دکتر هانی یازلو است که صبح شنبه ۲۸ دیماه ۱۳۹۲به زندان وکیل آباد مشهد تبعید شد. کسری نوری ٬ وب نگار و فعال حقوق دراویش نیز به تازگی به زندان شمارهٔ ۲ استان فارس موسوم به زندان نظام انتقال داده شد.

استنادات قانونی برای تبعید زندانیان :

پژوهشکده باقرالعلوم یکی از موسسات وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی در رابطه به استناد قانونی حکم زندان در تبعید نوشته است:" طبق بند 4 مادهٔ 190 ق.م.ا یکی از مجازات‌های محارب نفی بلد است که با عنایت به شرایط شرعی نفی بلد، صدور حکم به «تبعید در زندان» یا «حبس در تبعید»، خلاف قانون شناخته نشده است و لذا:
اولاً: حکم به زندان در تبعید مانع قانونی ندارد و محکوم‌علیه باید در اجرای حکم مزبور حبس شود و مقررات حاکم بر مجازات حبس شامل حال این قبیل محکومان هم هست و اگر بیمار شوند مشمول مقررات مادهٔ 291 ق. آ. د. ك 1378 خواهند بود.(نظریهٔ مشورتی 27/5/1380-2287/7 ا. ح . ق) و همچنین هزینه دوران آن‌ها طبق مادهٔ 109 قانون و مقررات اجرائی سازمان زندان‌ها صورت می‌گیرد و اگر محکوم در زندان نباشد هزینهٔ معالجه بر عهده خودش خواهد بود. (نظریه شمارهٔ 1/6/78 -2224/7 ا. ح. ق). ثانیاً: نظر به اینکه محکوم به نفی بلد حق حشر و نشر و مراوده با کسی را ندارد، تمام مدت محکومیت را باید در زندان بسر ببرد."

اما برخی از حقوقدانان عقاید دیگری دارند. فریده غیرت، حقوقدان و وکیل دادگستری در مصاحبه ای به "روز" گفته است که طبق آئین نامه سازمان زندان ها، مجازات زندان برای زندانی باید در شهری باشد که خانواده او در آنجا سکونت دارند برای اینکه در نظر گرفته شده که ملاقات ها میسر باشد و حبس در تبعید موضوعیتی ندارد.
خانم غیرت توضیح می دهد: "البته ما یک مجازات تبعید داریم که جدای این مسائل است و نمی بایست در مورد این سری متهمین یا به قول آقایان محکومین صادر و به مرحله اجرا در بیاید. ولی متاسفانه در چند سال اخیر مجازات های زندان را همراه با تبعید در نظر گرفته اند که این خیلی شدید است و همانطور هم که بارها گفته شده این در حقیقت مجازات خانواده ها است. چون زندانی در زندان است و خانواده ها هستند که امکان ملاقات را اکثرا از دست می دهند. این هم مجازات مضاعف است و هم قابل قبول نیست و خلاف است."
این حقوقدان می گوید: "محکومانی داشته ایم در موارد نادر که نفی بلد می کنند از شهر خودش باید به خارج برود و اینها بسیار نادر بوده اما آنچه الان می شود را نداریم. حتی نفی بلد هم سالیان سال بود نداشتیم اما در سالهای اخیر متاسفانه دیده ایم مجازات های زندان را که طولانی هم هستند با تبعید همراه کرده اند. حبس در تبعید نداریم اصلا ولی این چیزی است که چند سالی است دارند رویه می کنند. این یک نوع مجازات خانواده زندانی است در حالیکه آئین نامه سازمان زندان ها می گوید نباید به خانواده ها فشاری بیاید. امکان ملاقات باید برای شان میسر باشد و .. اما در کمال تاسف دقیقا خلاف این عمل می کنند."

پیشتر محمد سیف زاده، حقوقدان و عضو کانوان وکلای حقوق بشر هم به "روز" گفته بود که "حبس در تبعید را مجازات تکمیلی می گویند که برای زندانیان سیاسی و مطبوعاتی نمی توان علاوه بر مجازات هایی که دارند، مجازات های تکمیلی اعمال کرد اما در جرایم عادی، وقتی حداکثر مجازات برای متهم کافی نباشد و تغییری در رویه و اخلاق رفتارش ندهد می توان غیر از مجازات خودش، مجازات تکمیلی هم در نظر گرفت."

اما در این رابطه نسرین ستوده که خود وکیل چندین زندانی سیاسی از جمله پسر عموی پیمان عارفی بوده است در پاسخ به این پرسش که تبعید زندانیان مستند به کدام ماده قانونی است به عرصه سوم می گوید:" اینها به ماده 189 قانون مجازات استناد می کنند. البته در آن قانون هم مجازاتی به نام زندان در تبعید وجود ندارد. اما رفته اند و از آقای خامنه ای استفتایی گرفته اند که در آن گفته شده که در مواردی به جای اعدام برای

افرادی که حکم اعدام شان شکسته شده است به عنوان مجازات جایگزین "زندان در تبعید" داد. همچنین از نظر انضباطی هم می شود در صورت طی مراحل قانونی و تشکیل کمیته ی انضباطی زندانی را که در حال گذراندن حکم اش است تبعید داد."
به اعتقاد خانم ستوده غالب افرادی که زندانی در تبعید هستند نه حکم اعدام داشتند که شکسته شود که از استفتاء استفاده کنند و نه مشکل انضباطی داشتند. "به عنوان نمونه بیشتر افرادی که در زندان کرج هستند که استان مستقلی است غیر قانونی در آنجا هستند. آقای سلطانی 13 سال حکم در برازجان دارد اما تبعیدش را اجرا نکرده اند. خیلی ها را به دلیل کمبود جا از این استان به آن استان می برند." ماده 189 قانون مجازات اسلامی راه های ثبوت محارب و مفسد فی الارض را تعیین کرده است.

به عنوان نتیجه گیری می توان گفت چنین مجازات هایی در نظام قضایی جمهوری اسلامی برای نخستین بار نیست که صورت می گیرد. در واقع این اصل 167 قانون اساسی است که دست قضات را برای یافتن احکام از فتاوی مجتهدین باز گذاشته است و از این رو با توجه تنوع عقاید میان مجتهدین دینی، باید صدور هر حکمی را در نظام دادرسی جمهوری اسلامی انتظار داشت.

—

نگرانی از احتمال اعدام مخفیانه دو زندانی عرب اهوازی

2014-01-20 · Archive ID 3384
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3384

عرصه سوم: عرصه سوم و 12 سازمان جامعه مدنی و حقوق بشری با انتشار بیانیه مشترکی از وضعیت دو زندانی عرب اهوازی محکوم به اعدام ابزار نگرانی کردند. این دو زندانی از روز ١٦ آذر١٣٩٢ از زندان کارون به مکان نامعلومی انتقال داده شده اند .

عرصه سوم به اتفاق سازمان هایی چون ، سازمان حقوق بشر ایران، عدالت برای ایران، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، بنیاد عبدالرحمن برومند، گروه حقوق بشر بلوچستان، جمعیت حقوق بشر کردستان ایران ژنو، کانون مبارزه با نژادپرستی و عرب ستیزی در ایران، سازمان اروپایی - احوازی حقوق بشر، سازمان حقوق بشر اهواز، مرکز حامیان حقوق بشر، انجمن حمایت از زندانیان سیاسی آذربایجان در ایران و اتحاد برای ایران در بیانیه خویش گفته اند توضیحات ضد و نقیضی که مقامات قضایی به خانواده آنان داده اند که حکم اعدام آنها اجرا شده، یا اینکه آنها برای بازجویی های بیشتر به بازداشتگاه وزارت اطلاعات منتقل شده اند، باعث سردرگمی خانواده ها شده است. متن کامل این بیانیه را به شرح زیر است:

اعدامهای مخفیانه زندانیان عرب اهوازی را در ایران متوقف کنید

30 دی 1392

"نگرانیها از سرنوشت و وضعیت دو زندانی عرب اهوازی محکوم به اعدام که از روز ١٦ آذر١٣٩٢ از زندان کارون به مکان نامعلومی انتقال داده شده اند بیشتر شده و با توضیحات ضد و نقیضی که مقامات قضایی به خانواده آنان داده اند که حکم اعدام آنها اجرا شده، یا اینکه آنها برای بازجویی های بیشتر به بازداشتگاه وزارت اطلاعات منتقل شدهاند، باعث سردرگمی خانواده ها شده است.

هاشم شعبانی و هادی راشدی، هر دوساکن رامشیر (خلفیه)، معلم و از موسسین الحوار که یک سازمان غیردولتی فرهنگی (سال ٢٠١٠ تاسیس شده) هستند. آنها جزء گروه پنج نفرهای هستند که در شعبه ٢ دادگاه انقلاب اهواز به اعدام محکوم شده بودند. سایر اعضای گروه محمدعلی عموری نژاد، جابر آلبوشوکه و مختار آلبوشوکه هستند که همه به اتهام محاربه با خدا، مفسد فی الارض و تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی به اعدام محکوم شدهاند. پیشتر پنج گزارشگر سازمان ملل متحد بطور علنی از دولت ایران خواسته بودند که اعدام این پنج فعال عرب اهوازی را متوقف کند.

در دو سال گذشته حداقل دو بار احکام اعدام فعالان سياسي و فرهنگی عرب در مکانهایی نامعلوم و بدون اطلاع وکلا و خانواده های قربانیان اجرا شده است. در هر دو مورد اعدامها به صورت گروهی و مخفیانه انجام شده است. پس از ماهها نگرانی از سرنوشت این زندانیان، مسئولان قضایی یا افراد نزدیک به آنها که تحت عنوان دلال و واسطه کار می کنند، خانواده های قربانیان را از وقوع اعدام مطلع کرده اند.

مقامات قضایی براساس قوانین ایران و به خصوص آیین‌نامه نحوه اجراي احکام اعدام، رجم، صلب، قطع یا نقص عضو، موظفند ٤٨ ساعت قبل از اجرای حکم اعدام، به وکیل فرد محکوم خبر دهند. همچنین فرد محکوم به اعدام حق دارد با اشخاصی که می خواهد، به عنوان آخرین ملاقات، دیدار کند. هیچیک از این قوانین، در مورد زندانیان عرب اهوازی اجرا نشده است.

عبدالرحمن حیدریان ٬ عباس حیدریان، طاها حیدریان، علی شریفی از اهالی منطقه ملاشیه اهواز در ۲۹ خرداد ۱۳۹۱ از زندان کارون منتقل و در مکانی نامعلوم اعدام شدند. باگذشت بیش از ۱۸ ماه ازاعدام آنها تا کنون تنها به یکی از خانواده‌ها خبر اعدام داده شده و هنوز محل دفن پیکرها به هیچیک از خانواده ها اطلاع داده نشده است.

چهار فعال عرب اهل شادگان (فلاحیه) به نامهاي غازی عباسی، عبدالرضا امیر خنافره، عبد الامیر مجدمی، جاسم مقدم پناه نیز در ۱۳ آبان ۱۳۹۲ از زندان کارون به مکان نامعلومي انتقال داده شدند. با وجود شواهد قوی و حتی اعلام شفاهی مسئولان زندان مبنی بر اجرای حکم اعدام فعالان شهر شادگان(فلاحیه)، جمهوری اسلامی ایران و مقامات قضایی از تائید خبر اجرای حکم آنها طفره رفته وبا بیان اظهارات ضد و نقیض از تحویل پیکرهای قربانیان یاد شده به خانواده ها خودداری کرده اند.

ما نهادهای امضا کننده این بیانیه، بی خبری خانواده های قربانیان از سرنوشت نزدیکانشان و عدم تحویل پیکر آنان و آزار و اذیت خانواده های زندانیان را محکوم می کنیم. نقض حق آنها در دانستن حقیقت، منع مراسم تدفین و عزاداری مخالف تعهدات بین المللی جمهوری اسلامی ایران، مندرج در مواد ۷ و ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی-سیاسی است که ایران امضا نموده است.

از همه نهادهای بین المللی، مدافعین حقوق بشری و جامعه جهانی می خواهیم که برای وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به توقف اعدام های مخفیانه فعالان عرب اهوازی از هیچ اقدامی فروگذاری نکنند. ما همچنین از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد درخواست می کنیم تا با صدور قطعنامه ای به اعدام های دسته جمعی و مخفیانه گروه های اتنیکی و اقلیت های مذهبی که در چند ماه اخیر در ایران شدت گرفته است، واکنش لازم نشان دهد."

- سازمان حقوق بشر ایران
- عدالت برای ایران
- مرکز اسناد حقوق بشر ایران
- بنیاد عبدالرحمن برومند
- گروه حقوق بشر بلوچستان
- جمعیت حقوق بشر کردستان ایران ژنو
- کانون مبارزه با نژادپرستی و عرب ستیزی در ایران
- سازمان اروپایی - احوازی حقوق بشر
- سازمان حقوق بشر اهواز
- مرکز حامیان حقوق بشر
- انجمن حمایت از زندانیان سیاسی آذربایجان در ایران
- عرصه سوم
- اتحاد برای ایران

—

کارزار فعالان محیط زیست برای نجات حیات وحش

2014-01-21 · Archive ID 3387
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3387

عرصه سوم: گروهی از هواداران حیات وحش با راه اندازی کمپینی به نام «کمپین نجات گوشت‌خواران بزرگ ایران» فعالیت تازه ای را برای نجات گونه های نایاب جانوری در ایران آغاز کرده است.

اعضای این کمپین با ارسال نامه‌ای با بیش از صد امضاء به حسن روحانی، رئیس‌جمهوری از وی خواسته‌اند تا دولت پیش از آنکه گونه‌های در معرض خطر جانوران گوشت‌خوار «دچار انقراض» شوند، دست به اقداماتی پیشگیرانه بزند.

این نامه بازتاب گسترده ای در میان رسانه های فارسی زبان داشته است. در یک گزارش تخصصی که از سوی این کمپین انتشار یافته آمده است: "بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی برای محافظت از طبیعت، یوزپلنگ ایرانی با تعداد موجودِ حدود بین چهل تا هفتاد قلّاده در طبقه در معرض خطر شدید، پلنگ ایرانی با تعداد کمتر از پانصد قلّاده در طبقه "در معرض خطر، و در نهایت خرس سیاه آسیایی، خرس قهوه‌ای، گرگ ایرانی و کفتار راه راه ایرانی نیز به دلیل عدم وجود امکانات و انجام تکنیک‌های علمی لازم در شناسایی و سرشماری آنها در طبقه ارزیابی نشده قرار دارند."

این نامه در زمانی منتشر می‌شود که پایگاه خبری دیده بان محیط زیست و حیات وحش ایران گزارش داده است پس از گذشت دو هفته از حادثه تلخ مجروح شدن یک پلنگ عظیم الجثه بر اثر اصابت گلوله که در نهایت منجر به قطع نخاع و مرگ دلخراش این پلنگ شد، عاملین شلیک به این پلنگ شناسایی شدند.
این گزارش حاکی است ضاربین این پلنگ پدر و پسری از اهالی یکی از روستاهای منطقه دوهزار تنکابن هستند. هنوز انگیزه مجرمین از شلیک به پلنگ دقیقا مشخص نیست و به احتمال فراوان شخص سومی نیز که در روز حادثه مهمان این پدر و پسر بوده در انجام جرم شریک بوده است.
که با انتشار خبر شکار گونه نایاب «گوزن زرد ایرانی» در پارک پردیسان، بار دیگر نگرانی‌هایی نیز در مورد انقراض این گیاه‌خوار منحصربه‌فرد منتشر شده است. این گوزن زرد حدودا 6 ساله و نر بوده و بر اساس رادیوگرافي صورت گرفته سه گلوله به گردن حیوان اصابت کرده و باعث مرگش شده است.حکایت گوزن زرد ایراني بسیار غم انگیز است.
سلامت نیوز پایگاه اطلاع رسانی در حوزه سلامت و بهداشت در این رابطه نوشته است این گونه نادر جانوري تا چندي پیش از خطر «مگس میاز»در امان نبود و حالا به ضرب گلوله از بین مي‌رود. کمال‌الدین پیرموذن نماینده مجلس چندي پیش با اعلام اینکه از ۷۰ گوزن زرد استان خوزستان تنها دو راس باقي‌مانده است نسبت به انقراض نسل این گونه نادر گوزن هشدار داده بود. نسل گونه نادر گوزن‌هاي زرد در سه شهر کشور رو به پایان است که این امري نگران‌کننده محسوب مي‌شود.
کمپین همچنین به رییس جمهوری توصیه هایی برای حفظ حیات وحش کرده است. مواردی چون متوقف کردن ساخت جاده‌ها و معادن در زیستگاه های این حیوانات، تهیه غذا درفصول مختلف سال مخصوصاً در فصل‌های سرد که غذای کمتری دردسترس این حیوانات می‌باشد و همچنین بالا بردن آگاهی عمومی افراد جامعه ازقبیل مردم عادی، افراد روستایی و چوپان های محلّی نسبت به ارزش این گونه‌ها از جمله این توصیه ها است.
یکی از توصیه های کمپین در کشور همجوار ایران، ترکیه اکنون صورت می گیرد. تصویر زیر نشان می دهد سطل های مخصوصی در معابر عمومی قرار گرفته است تا ضایعات غذایی در آن جمع آوری شده و به مصرف جانوران وحشی برسد.
در تحولی دیگر جمعی از دوستداران حیوانات و حیات وحش و نمایندگان تشکلهای محیط زیستی صبح روز چهارشنبه با اجتماع در مقابل ساختمان سازمان محیط زیست خواستار توجه بیشتر این سازمان به چاره جویی برای تداوم کشتار حیات وحش و و توقف صدور پروانه های شکار توسط این سازمان شدند.
به گزارش سبزپرس معترضان با سر دادن شعارهایی مانند "دولت تدبیر و امید؛ لغو مجوز شکار"و "مرگ بر هیچکس؛ درود بر زندگی" و حمل پلاکاردهایی با مضمون "شکار یعنی قتل..." "لطفا برای قتل مجوز صادر نکنید"،"صدور پروانه شکار را متوقف کنید"، "مرگ البرز، مرگ تدریجی انسانیت"،"سلاح های انقراض حیوانات را از دست شکارچیان بی رحم بگیرید" ،"صدا و سیما برای حمایت از پلنگ و یوز فرهنگ سازی کند" از روند رو به گسترش اقدامات انسانی علیه حیات وحش و محیط زیست ابراز نگرانی کردند و با قرائت بیانیه ای لزوم

تلاش و جدیت بیشتر رییس سازمان حفاظت محیط زیست و معاونان او برای رفع نواقص قانونی را یادآور شدند.
فعالان محیط زیست این روزها پرکارند. این فعالیت ها نشان از رشد آگاهی عمومی جامعه مدنی از حقی دارد که مسلم از تر هر گونه حقوقی است و آن جز حق حیات و داشتن محیط سالم برای زندگی نیست.



alborz3

—

ارکستر آمریکایی در انتظار ویزای ایرانی

2014-01-23 · Archive ID 3392
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3392

عرصه سوم: ارکستر سمفونی پیتسبورگ آمریکا این روزها سخت در تلاش است که در تهران برنامه اجرا کند. مدیران ارکستر معتقدند که کنسرت تاریخی آن‌ها می‌تواند پیام دوستی مردم آمریکا را به مردم ایران منتقل کند، آن هم در شرایطی که دولت‌های دو کشور بر کاهش تنش و بهبود روابط تاکید دارند.

باب موير، معاون برنامه ریزی در امور هنری این ارکستر ، به بی‌بی سی فارسی گفته است: "وقتی که پرزیدنت روحانی انتخاب شد، به این فکر افتادیم که شاید فرصتی تازه برای ما ایجاد شده باشد، چرا که او در مقایسه با رئیس جمهوری قبلی میانه روتر است و می‌خواهد روابط دو کشور را گرم‌تر کند. چقدر عالیست که روزی برسد که ایران و آمریکا دیگر دشمن هم نباشند."

پیشتر در سال ۱۹۶۴ میلادی این ارکستر در یک تور ۱۱ هفته‌ای به چندین کشور بلوک شرق در اروپا و همین طور ایران سفر کرده بود. اکنون مدیران ارکستر پیتسبورگ تمایل دارند که آن کنسرت تاریخی را بار دیگر در ایران برگزار کنند، موسسه خاورمیانه آمریکا در پیتسبورگ نیز از این برنامه حمایت می کند.

بی بی سی فارسی همچنین گزارش داده است خانم کورتیس و معاون برنامه ریزی ارکستر چهار ماه پیش در نیویورک در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد با مقام‌های ارشد دولت حسن روحانی گفتگوهایی داشته‌اند.

به گفته آن‌ها، محمد علی نجفی، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران از طرح کنسرت آن‌ها استقبال کرده است و به همین خاطر امسال به دعوت ایران قصد دارند که در اواخر ماه بهمن در جشنواره موسیقی فجر شرکت کنند تا در حاشیه آن با مقامات ایرانی در مورد جزییات کنسرت احتمالی گفتگوهای بیشتری داشته باشند.

باب موير به بی بی سی گفته است که او و خانم کورتیس از علی ترابی، دبیر اجرایی جشنواره موسیقی فجر، دعوتنامه دریافت کرده اند و منتظر دریافت ویزای سفر به ایران هستند.

—

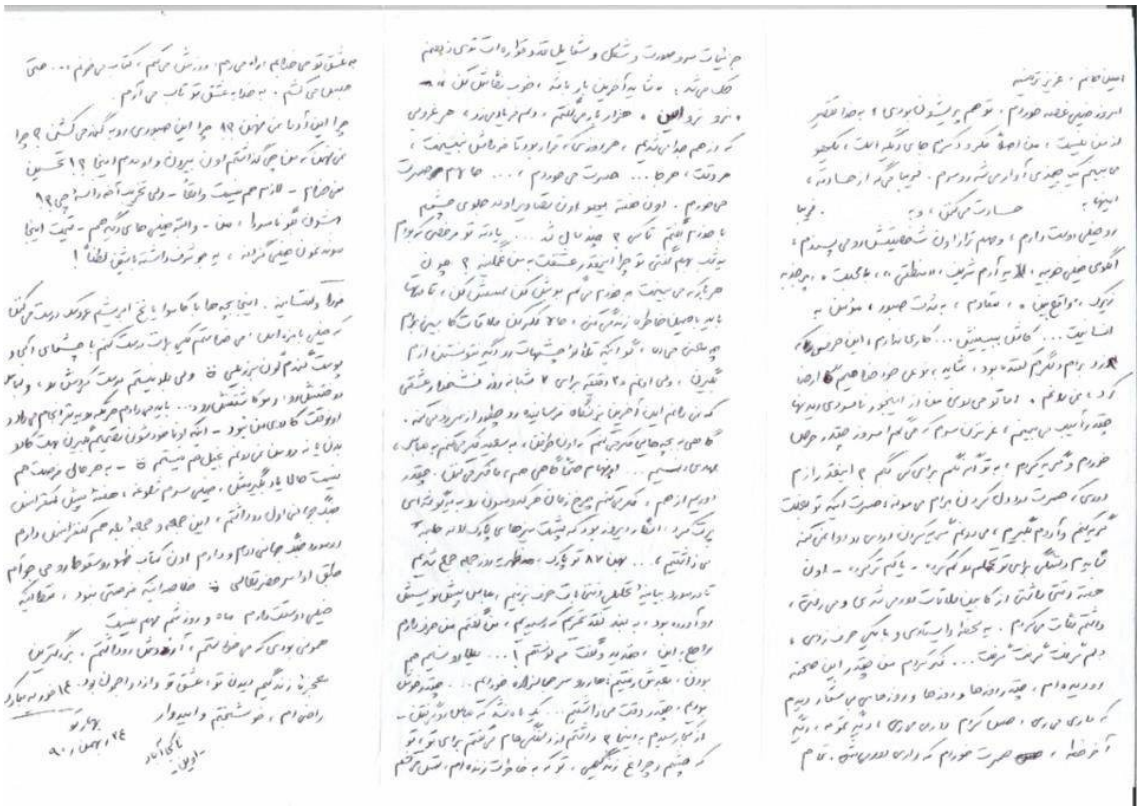
نامه هایی روی دستمال کاغذی

2014-01-28 · Archive ID 3396
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3396

عرصه سوم: چهارمین سالگرد بازداشت بهاره هدایت فعال دانشجویی و جنبش زنان سپری شد. بهاره دی سال ۱۳۸۸ بازداشت به ۹ سال و نیم حبس محکوم شد. بهاره هدایت در حالی راهی زندان شد که به تازگی با امین احمدیان ازدواج کرده بود و به قول همسرش دوره ماه عسل خویش را در بازداشت و بازجویی گذرانده بود.

بهاره تاکنون 3 نامه برای امین روی دستمال کاغذی از درون زندان تحریر کرده است که عرصه سوم به مناسبت چهارمین سالگرد بازداشت او باز نشر می کند.

نامه ای برای ولنتین



نامه بهاره هدایت

امین جانم،عزیزترینم

امروز خیلی غصه خوردم،تو هم پریشون بودی،به خدا تقصیراز من نیست،من اصلا فکر و ذکرم جای دیگه است،بعد یکهو می بینم یه چیزی آوار میشه رو سرم.

فریبا می گه از حسادته،اینها به]----[حسادت می کنن،و به...]

فریبا رو خیلی دوست دارم، و مهمتر از اون شخصیتش رو می پسندم،الگوی خیلی خوبیه،یه آدم شریف،"منطقی"،با محبت،پرجذبه، زیرک،واقع بین،مقاوم،به شدت صبور،مومن به انسانیت...کاش ببینیش...کاری ندارم،این حرفی که زد برام دلگرم گننده بود،شاید به نوعی خودخواهیم رو ارضاء کرد نمی دونم..

اما تو می دونی من از اینجور نامردی دیدنها چقدر آسیب می بینم،غر نزن سرم اگه که می گم امروز چقدر حرص خوردم و گریه کردم،به تو اگه نگم برای کی بگم؟ اینقدر ازم دوری که حسرت درددل کردن برام می مونه،حسرت اینکه تو بغلت گریه کنم و آروم بگیرم،می دونم گریه کردن دردی رو دوا نمی کنه.شایدم دلتنگی برای تو تحملم رو کم کرده-یا کمتر کرده- اون هفته وقتی داشتی از کابین ملاقات دور می شدی و می رفتی،داشتم نگات می کردم..یه لحظه وایستادی و با یکی حرف زدی،دلم گرفت گرفت گرفت...فکر کردم من چقدر این صحنه رو دیده ام، چقدر روزها و روزها و روزهای بی شمار دیدم که داری می ری،دیگه تمومه،دیگه آخر خطه،حسرت خوردم که داری دور می شی..تمام جزئیات سر و صورت و شکل و شمایل قد و قواره ات توی ذهنم حک میشه: "شاید آخرین بار باشه،خوب نگاش کن.."

"نرو نرو امین،هزار بار می گفتم،دلم فریاد می زد،هر غروبی که از هم جدا می شدیم،هر روزی که قرار بود تا فرداش نبینمت،هروقت،هرجا...حسرت می خوردم،...حالام حسرت می خورم. اون هفته یهو اون تصاویر اومد جلوی چشمم با خودم گفتم تا کی؟ چند سال شد...

یادته تو مرخصی که بودم یه شب بهم گفتی تو چرا اینقدر عشقت به من غمگینه؟چون هر بار که می بینمت به خودم می گم بوش کن لمسش کن، تا مدتها باید با همین خاطره زندگی کنی،حالا فکر کن ملاقات کابینی برام چه معنی می ده،گو اینکه تلالو چشمهات رو دیگه نتونستن ازم بگیرن، ولی اونم 20 دقیقه برای 7 شبانه روز نشخوار عشقی که نمی دانم این آخرین بزنگاه فرساینده رو چطور از سر رد می کنه..

گاهی به بچه هایی فکر می کنم که اون طرفن،به سعید فکر می کنم به عباس،مهدی و نسیم...اونها هم حتما گاهی به ما فکر می کنن.. چقدر دوریم از هم،فکر می کنم چرخ زمان هر کدوممون رو به یه گوشه ای پرت کرد،انگار دیروز بود که پشت میزهای پارک لاله جلسه می ذاشتیم،...بهمن 87 تو پارک،ظهر یه روز جمعه جمع شدیم تا در مورد بیانیه تحلیلی انتخابات حرف بزنیم،عباس پیش نویسش رو آورده بود،به بند نقد تحریم که رسیدیم،من گفتم من حرف دارم راجع به این،خندید و گفت می دونستم!....میلاد و نسیم هم بودن، بعدش رفتیم ناهار رو سر جمالزاده خوردیم...چقدر خوش بودیم،چقدر وقت می ذاشتیم...یک ماه نشد که عباس رو گرفتن- از کجا رسیدیم به اینجا؟

آره داشتم ازدلتنگی هام می گفتم برای تو، تو که چشم و چراغ زندگیمی، تو که به خاطرت زنده ام، نفس می کشم ، به عشق تو می خوابم،راه می رم، ورزش می کنم ، کتاب می خونم...حتی حبس می کشم. به خدا به عشق تو تاب می آرم.

چرا این آدما نمی فهمن؟!چرا این صبوری رو به گند می کشن؟چرا نمی فهمن که من چی گذاشتم اون بیرون و اومدم اینجا؟! تحسین نمی خوام- لازم هم نیست واقعاً- ولی تخریب آخه واسه چی؟!

بهشون بگو نامردا، من- والبته خیلی های دیگه - قیمت اینجا موندنمون خیلی گزافه،یه جو شرف داشته باشین لطفا!

فردا ولنتـــاینه. اینجا بچه ها با کاموا یا نخ ابریشم عروسک درست می کنن که خیلی با مزه اس، می خواستم یکی برات درست کنم با چشم های آبی و پوست گندم گون برزیلی.

ولی بلد نیستم درست کردنش رو، و لباس دوختنش رو،و مو کاشتنش رو و...باید می دادم هر تیکه رو یه نفر انجام می داد و اونوقت کادوی من نبود- اینکه اونا خودشون تصمیم بگیرن بهت کادو بدن یا نه رو من نمی دونم بخیل هم نیستم D: - به هرحال فرصت هم نیست حالا یاد بگیرمش،این روزا خیلی سرم شلوغه،هفته پیش کنفرانس جنگ جهانی اول رو داشتم،این جمعه و جمعه ی بعد هم کنفرانس دارم در مورد جنگ جهانی دوم و دارم اون کتاب ظهور و سقوط رو می جَوَم طبق اوامر حضرتعالی.

خلاصه اینکه خیلی دوستت دارم ماه و روزشم مهم نیست.

همونی بودی که می خواستم، آرزوش رو داشتم، بزرگترین معجزه ی زندگیم دیدن تو،عشق تو و ازدواجمون بود.

14فوریه مبارک

راضی ام،خوشبختم و امیدوار

بهارِ تو

24 بهمن90

ناکجاآباد –اوین

نامه ای از سر دلتنگی

دلم می خواد بدونم کجایی،چطور روزهایت می گذرند،ساعت چند از خواب بیدار میشی؟کی میرسی شرکت،چی می پوشی؟کی ها حموم میری؟حوصله داری؟هوا برات گرمه یا سرد؟اگه هوا آلودست یا غبارآلود تو احساسش می کنی؟دلم می خواد بدونم با چی میری شرکت؟دلم می خواد بدونم نور راه پله های خونمون چطوره؟یادم رفته گفته بودی سنگ های ساختمونمون چه رنگیه؟دلم می خواد بدونم کجا می خوابی؟لباسهات رو چطوری میشویی؟با کیا این مدت آشنا شدی که من نمی شناسم؟با کیا دعوا کردی که من خبر ندارم ،چی می خونی؟چی گوش میدی؟هنوزم تا سپیده صبح سر اینترنتی؟دلم می خواد حال و روزگارت رو بدونم ،می خوام بدونم از کجا خرید می کنی؟تره بارتون کجاست؟میوه میخوری اصلا؟تابستون شده ،طالبی و زردآلو و توت فرنگی و گوجه سبز و هندوانه خوردی؟خوشمزه بودند؟دوست داشتی؟دلم می خواد بدونم هنوزم اگه چای بعد از ظهرت دیر بشه سر درد میگیری؟هنوز موبایلت شارژ تموم می کنه؟هنوز فراموشش می کنی؟هنوز صبح ها سرت رو زیر شیر دستشویی میشوری؟هنوزم گاهی ماست با نون خشک می خوری؟هنوزم برای خودت یه کیف و پیراهن نو نخریده ای؟دلم می خواد بدونم وقتی به من فکر می کنی به چی فکر میکنی...دلت می خواد چی بدونی..اصلا کی ها به یاد منی؟وقتی برام خرید می کنی به چی فکر می کنی؟از گذشتمون چی یادت مونده؟حواست به سالگردهامون هست؟می دونی اول و دوم تیر 82 اولین باری بود که من اومدم مجیدیه؟ و پنجم و ششم تیر81 اولین باری بود که اصفهان رو به من نشون دادی؟

یادت هست روزهایی رو که خیابون ها رو گز می کردیم که با هم باشیم؟یادت مونده غروب های پارک ساعی رو؟یادت مونده زاو رو؟ یادت مونده اون قدیم ها که من رو می بردی دربند؟یادت مونده بار آخر با احمد رفته بودیم..بهار87؟

یادت مونده دستپختم رو؟خودم که دیگه یادم نیست..یادت هست رفتیم ریز به ریز اسباب اثاثیه مون رو خودمون خریدیم؟یادت هست سال تحویل 87 رو..یادت هست رفتیم شمال..رفتیم دریا؟احمد هم بود..یادت میاد 16 خرداد 81 رو که باهام اتمام حجت کردی و عتاب کردی که برم دنبال زندگیم؟یادته بار اولی که خرداد85 از اوین آزاد شدم؟یادت هست 18 اسفند 85 را رفتم شورای مرکزی؟..یادت هست 17 مرداد 86 روزی که غروبش آزاد شده بودم توی پاگرد راه پله خونه پدرم گفتی:یه کم دیگه صبر کن..گفتی که توی این یه ماه تازه فهمیدم که بدون تو نمی تونم زندگی کنم؟..17 اسفندمان رو یادت هست؟..هست می دانم..هفت سال و نیم پیش بود.

امین دلم برای همه چیز تنگ شده..برای همه چیز..بند بند وجودم از این دلتنگی درد می کند..خسته ام از این همه آرزوهای کوچک که خفه ام می کند..حسرت..حسرت..می دانی چیست؟می دانم که می دانی..اما نمی دانی چه حالیست که توی این قفس لعنتی مانده باشی و در عرض یکسال سه نفر را از پیش چشمت تا زیر خاک بدرقه کرده باشی!! که دو نفرشان و بخصوص این آخریشان فرشته صفتهایی بودند مثال زدنی..نمی دانی چه حالیست..کاش ندانی همدلم آغوش آرام تو را می خواهد...تا ابد.

بهار تو

18خرداد 90

اوین

نامه ای برای سالگرد ازدواج

امینم، عزیزترین، چهارمین سالگرد ازدواجمان هم رسید.

آنقدر غرق شادکامی و ناکامی ام که باور نمی کنی..بچه ها برایمان یک "جشن باشکوه" گرفتند ، مهدیه دوتا کیک درست کرد ، یکی برای تولدم، یکی هم برای سالگرد ازدواجمان، کلی هم هدیه گرفتم..همه کلی آرزوهای خوب برایمان کردند.!عروس شده بودم ماه عکست را گذاشتم روی میز و گفتیم دادماد خارج است! ..همه چیز خوب بود، بچه ها(مهدیه-عاطفه-شبنم و مریم) سنگ تمام گذاشتند، یک هفته-تقریباً یک هفته- داشتند یک عروسک خوشگل می بافتند، کلی سر به سرشان می گذاشتم، و آنها هم!

فریبا و نوشین بلوز نیم تنه بافتند..مهوش یک لباس هدیه داد..محبوبه و لادن و المیرا و نازیلا و ریحانه و ژیلا و نازنین هم هدیه دادند و بقیه هم کلی شادباش و از این حرفها!

کلا عید هم بساطمان همین بود ، خیلی خوش بودیم..خجسته طوریم همگی!!

گاه به گاه بغض هایمان می ترکد و راز نهان از پرده بیرون می افتد ولی...واقعاً نمی تونم توضیح بدم که چه وضعیه اینجا..مثلاً سر سال تحویل، بعد چند روز تدارک و همکاری بچه ها، سفره هفت سین مفصلی چیدیم، به هم هدیه دادیم، سرود خواندیم..هر گروهی دعای خودش رو کرد..رقصیدیم و بعد هم با هیاهو ناهار دسته جمعی خوردیم و مسخره بازی درآوردیم و خندیدیم.

اما درست لحظه تحویل سال که دور سفره حلقه زده بودیم و دست های هم را گرفته بودیم (فکر کن همگی بَزَک کرده و لباس های خوشگل پوشیده) یکدفعه خود به خود اشک هایمان سرازیر شد..یادم نمی آید کسی را آنروز در آغوش گرفته و بوسیده باشم که چشمهایش سرخ نبوده باشد یا به پهنای صورت اشک نریخته باشد.

یک دوگانگی از بابت ظلمی که می کشیم و نیرویی که می گذاریم تا به خود مسلط و برجا بمانیم..واقعاً قابل تحسین است، نمی دانی اینجا چند نفر مادر داریم که بچه های کوچک و نوجوانشان را آن بیرون سپرده اند و اینجا آنقدر به نظر شادند که باور نمی شود کرد که ته دلشان چه خبر است.!

من و مهدیه مسابقه نون خامه ای خوردن گذاشتیم و دقیقاً برابر شدیم..آنروز مرده بودیم از خنده و لودگی! هر روز بعد از ظهر می رفتیم مهمانی خانه یک گروه!!حالا تصور کن که مهمانی دو تخت آنطرف تر یا سه تخت اینطرفتر است!بازی..نمایش..جیغ و فریاد و هیاهو و دوباره تبریک سال نو! بعد بزرگترها خاطرات زندان می گفتند و جدی می شدیم..تلوزیون اصلاً نگاه نکردیم، برنامه هایش خیلی بد بود امسال، کلاه قرمزی هم درست ساعتی پخش می شد که ما می رفتیم عید دیدنی یا مهمان داشتیم.

کلی از روزهای عید ناهار عمومی داشتیم و با سر و صدا و هیاهو ناهار خوردیم، این روزهای آخر هم پسرها از بند ۳۵۰ برایمان ماهی و سبزی و برنج و روغن و زعفران و کلی مخلفات فرستادند و سبزی پلو با ماهی خوردیم..سیزده به در هم که ترکاندیم و کلی خوش گذشت، من هنوز هم پای چپ و بازوی راستم از آنروز درد می کند از بس که توی سر و کله هم زدیم وقت بازی..آنروز استثنائاً دو ساعت بهمان تایم دادند تا توی گذر پشتِ بند باشیم(چون هواخوری خیلی کوچک است و کَفَش کامل موزائیک) آن پشت یک ردیف درخت بود و می

شد توی معبر دوید..اونجا دست رشته و وسطی و زوو و از این بازیها که توپ را می اندازند هوا و اسم یکی را صدا می کنند و چندتا بازی دیگر کردیم..شکل عروسک های مختلف شدیم آدا درآوردیم و خندیدیم..بعد هم آمدیم و ناهار خوردیم.

می دانی امین، من نمی دانم آدم های بیرون چه تصوری از زندان دارند، شاید فکر می کنند ما اینجا نون خشک سَق می زنیم و مدام اشک می ریزیم و افسرده ایم.. وقتی یک جدید الورود می آید معمولاً می گوید: وضعتان زیاد هم بد نیست..خوب است، فکر نمی کردم اینطور باشد! من که شخصاً بهشان می گویم صبر کنید، سختی اینجا خیلی از جنسِ خورد و خوراک و لباس و آسایش و وسیله نیست، شاید آنقدری که ما اینجا به هر بهانه ای جشن می گیریم و دور هم هستیم آن بیرون از این خبرها نباشد، اما اینجا نداشتن های بزرگی دارد..خیلی بزرگتر از این که ظاهراً به نظر می آید، دلتنگی ها را هم اگر بگذاریم کنار-که البته نمی تواند کنار گذاشته شود- اینجا سر ریز شدن عمرت را می بینی که به خاک می ریزد و فرو می رود..بی آنکه بتوانی در محیطی طبیعی فکر و رشد کنی، تازه اگر همت کنی و کتابخوان باشی و کتاب هم از گذرگاه های تنگِ سانسور به دستت برسد، باز اندیشه ات محک نمی خورد، من گاهی می بینم که تحلیل هایمان از یک خبر معمولی چقدر متوهمانه است یا هراسمان از یک خبر دیگر چقدر بی جا بوده...یاد آن فیلم (Under Ground) می افتم، یک زندگی کامل در آن زیرزمین جریان داشت، تقریباً همه تشریفات زندگی بود، اما پسرکی که از نوزادی تا ازدواج آنجا مانده بود وقتی بیرون آمد و ماه را دید به پدرش گفت:پدر این خورشید است؟!(یا برعکس) و همین طور مبهوت مانده بود.

اینجا هدر رفتِ زندگیمان خیلی زیاد است ، حالا تو بگو با خوشی..از طرفی بر باد رفته هایمان کاملاً مقهور کننده است.

هیچوقت یادم نمی رود اولین باری که فریبا می خواست توی ملاقات حضوری با دخترش ترانه برایش فلاسک چای ببرد، دیدم هی قند می گذارد توی ظرف، فکر می کند..قند را برمی دارد، شکلات می گذارد..باز فکر می کند و آن را برمی دارد و خرما می گذارد! پرسیدم چه کار می کنی؟گفت یادم نیست ترانه چایش را با قند می خورد یا چیز دیگر..آخرش هم هر سه تا را برد!

جلوی فریبا به روی خودم نیاوردم، اما بعد جلوی اشک هایم را نمی توانستم بگیرم..فکر کن این دختر ۱۲ ساله بوده که مادرش را گرفته اند، حالا ۱۷ ساله است..فریبا مادر است ولی ریزه کاری های مادرانه از یادش رفته، به ستم از مخیله اش بیرون کشیده اند...یا آنهایی که بچه های دو سه ساله دارند..فکر می کنی نسرین و مریم حجم از دست داده هایشان چقدر باشد؟به چه کیفیتی؟!

راستش نه این حرف که می گویند "زندان هیچ تاثیری ندارد" حرف دقیقی است و نه آنکه می گوید "کاملا شکننده است" درست می گوید.

ما اینجا در دنیای دیگری زندگی می کنیم، خیلی دور..وقتی که برگردیم، نه ما دیگر آن آدم های سابقیم و نه شما..من از این فاصله ها می ترسم، گو اینکه می دانم برای فرد آگاه تطبیق یافتن با وضع جدید ناممکن نیست، اما تو فکر می کنی چقدر آگاهی هست؟! زندانی کاملا مستعد پروریدنِ خیال خامِ مرکز عالم امکان بودن است، گناهی هم ندارد چون در شرایط قطع ارتباط با دنیای بیرون-یا ارتباطی با خطوط مشخص شده-دنیای رنگارنگ خارج از زندان برایش به یک دنیای تک رنگ خلاصه می شود و بعد ببین که چه اتفاقاتی می افتد و چه خیالاتی که به سر نمی زند.. و جالب اینجاست که از بیرون هم همه چشم ها به زندان است!!

بس کنم، این حرف ها کلی بود، تو نگرد که مصداقش را پیدا کنی! خیلی حرف زدم برگردم به خودمان.

یادمه یه روز توی دانشکده رفته بودی پیش دکتر منطقی، نمی دونم در مورد چی بود(نشریه،انتخابات انجمن یا چیز دیگه) باهاش حرف بزنی، من پشتِ در بودم و از لای در میدیدمت، یه جا گفتی که ما دیگه بچه نیستیم آقای دکتر، ۸-۲۷ سالمونه! فکر کنم اون تاثیری رو که می خواستی این حرف روی دکتر منطقی بذاره روی من گذاشت! دلم ریخت:بیست و هفت هشت سال؟چقدر بزرگه!من چقدر کوچیکم!دیدی داره پیر میشه و ما به هم نرسیدیم!..در عین حال خوشم میومد که بزرگ تر بودی، اصلا یکی از چیزایی که عاشقت شدم همین بود.

نه حالا جدی، امین ۳۱ سالم شد..و چهارمین سالگرد ازدواجمون...یه جوریه ، نه؟!!

” فراقِ یار نه آن می کند که بتوان گفت “

نمی توان گفت...واقعاً نمی توان گفت...چیزی نمی گویم.

بهارِ تو

شانزدهم فروردین ۱۳۹۱

اوین

—

تحریم، مانعی بر سر خدمات آموزشی "کورس را" به ایرانیان است

2014-01-29 · Archive ID 3422
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3422

عرصه سوم: شرکت آمریکایی "کورس را" که امکانات آموزش رایگان آن لاین را برای همه مردم جهان فراهم می کند، اخیرا اعلام کرده است که به علت تحریم های آمریکا قادر به خدمات رسانی آموزشی خویش به کشورهایی چون کوبا، ایران، سودان و سوریه نیست .

این شرکت در بیانیه ای که در تارنمای خویش منتشر کرده است از عدم دسترسی مردم این کشورها به خدمات این شرکت ابزار تاسف کرده و گفته است دسترسی به "آموزش و پرورش همگانی" همواره ماموریت کورس را بوده است.

کورس را یک شرکت فناوری آموزشی انتفاعی است که توسط اندرو ننگ و دافنی کالر استادان علوم رایانه دانشگاه استنفورد تاسیس شده است و در کالیفرنیا واقع است.

دانشگاه‌هایی که با وب‌سایت کورس را در این پروژه سهیم هستند نام‌های آشنایی دارند؛ دانشگاه استنفورد، دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه میشیگان و دانشگاه پرینستون. دوره‌های آموزشی این وب‌سایت به صورت نوشته، صدا و ویدئو ارائه می‌شوند. ثبت‌نام برای همه‌ی مردم رایگان است و یک استاد راهنمای معتبر در هر دوره‌ی آموزشی شما را همراهی می‌کند. “کورس را” هدف از ایجاد وب‌سایتش را ایجاد یک دانشگاه آن‌لاین جهانی برای میلیون‌ها نفر در سراسر زمین اعلام می‌کند و در راهنمایش می‌نویسد هدف بلندمدتش آموزش رایگان و همگانی برای همه است.

دوره‌هایی که این دانشگاه‌ها ارائه کرده‌اند دوره‌های هیجان‌انگیزی‌ست. دوره‌هایی که حداقل در دانشگاه‌های ایران نمشابه آن را نمی توان یافت. دوره هایی چون “گوش‌دادن به موسیقی جهان” یا “ادبیات مدرن و معاصر آمریکا” . دانشگاه استنفورد هم دوره‌های هیجان‌انگیزی برای علاقه مندان به کامپیوتر همچون “تئوری بازی” و ده‌ها دوره‌ی آموزشی جالب دیگر دارد.

این شرکت امکان دسترسی آن لاین به دانشگاه ها و مراکز آموزشی معتبر بین المللی را فراهم می سازد اما پس از اعمال تحریم ها دسترسی ها به این وب سایت قطع شده است

—

دوره آموزشی بین المللی برای سازمان های جامعه مدنی در برمه

2014-02-01 · Archive ID 3425
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3425

عرصه سوم: نزدیک به 150 فعال مدنی عضو 80 سازمان جامعه مدنی برمه در یک دوره آموزشی که توسط موسسه آمریکایی "تک کمپ" برگزار شد شرکت کردند .

به گزارش سایت ایراوادی که اخبار برمه و آسیای جنوب شرقی را بازتاب می دهد، در این دوره که 12 و 13 ژانویه برگزار شده است به شرکت کنندگان شیوه های بکار بردن اطلاعات و ارتباطات برای تقویت اهداف مربوط به سازمان های خویش آموزش داده شده است.

نای فون لت بلاگ نویس شناخته شده برمه ای و مدیر اجرایی سازمان "ام اِی دی آو" که با مشارکت سفارت آمریکا در برمه این دوره 2 روزه را برگزار کرده است در یک نشست خبری در این رابطه گفت: "در این دوره راه های مختلف بکار گیری از تکنولوژی برای استفاده سازمان های جامعه مدنی به شرکت کنندگان آموزش داده شده است. ما همچنین امیدواریم را تا شبکه خود را از طریق این کنفرانس توسعه دهیم و همکاری میان جامعه مدنی و فن آوری را ارتقا بخشیم."

بر اساس گفته های یاتانار یکی از کارکنان سازمان "میدو"در این نشست 15 کارشناس بین المللی و محلی فن آوری 12عضو سازمان جامعه مدنی در زمینه یافتن منابع مالی، حمایت گری، نظارت و مسیریابی آموزش دادند.

به گفته وی در این دوره تکنیکهایی برای نحوه جمع آوری کمک های مالی مردمی برای راه اندازی کمپین های آن لاین تدریس شد. وی همچنین افزود در این دوره شیوه های حفاظت از اطلاعات آن لاین، امنیت اینترنتی و جلوگیری از دسترسی هکرها به اطلاعات آنان نیز آموزش داده شده است.

وی همچنین گفته است توجه خاص این دوره به آموزش شیوه نظارتی بر انتخابات در راستای برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم در سال 2015 بوده است. او افزود این موضوع با استقبال بیشترین شرکت کنندگان رویرو شد.

در این دوره همچنین سی دانشجوی دانشگاه رانگون نیز از خدمات آموزشی این دوره بهره بردند. یکی از دانشجویان درباره یافته های خویش از این دوره گفته است که وی آموخته تا تشخیص دهد چه مکانی برای انجام نظر سنجی عمومی برای انتخابات مناسب است. وی همچنین با برنامه ای آشنا شده که امکان می دهد شکایات و گزارشهای تلفنی ناظران انتخاباتی نسبت به تخلفات انتخاباتی به صورت دیجیتالی ثبت شود.

به گفته این دانشجو، سیستم آموزش داده شده کمک می کند تا کلیه اطلاعات مربوط به انتخابات در سراسر کشور در دسترس قرار گیرد و هر گونه تهدید یا فعل خلافی در زمینه انتخابات منعکس گردد.

اولا نیز که عضو شبکه سبز، یک گروه محیط زیستی است گفته است که وی از یافته های مربوط به امنیت دیجیتالی بهره بسیاری برده است. به طور مثال وی آموخته است که چگونه هکرها می توانند وارد کامپیتر وی شده و از وی عکس یا ویدئو تهیه کنند.

—

فعالان مدنی در نشستی اعتراضی: نمی توانیم نفس بکشیم

2014-02-03 · Archive ID 3427
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3427

عرصه سوم: «دست به دست هم دهیم تا معضل آلودگی هوا را حل کنیم» توصیه «مه لقا ملاح» مادر محیط زیست ایران و بنیانگذار «سازمان زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست» است که در گردهمایی اعتراض شهروندان به آلودگی هوا ابراز کرد."کانون شهروندی زنان" روز شنبه با برپایی نشستی اعتراضی با عنوان "گردهمایی شهروندان در اعتراض به آلودگی هوا" گام تازه ای برای مبارزه با بزرگترین معضل شهروندی در ایران برداشته است .

در این همایش بیش از یکصد و سی تن از پژوهشگران، کارشناسان، روزنامه نگاران، کنشگران مدنی، هنرمندان، آموزگاران، حقوق دانان، فعالان دانشجویی، کارگری، زیست محیطی و جنبش زنان، شرکت داشتند.

در این جمع بانو مه لقا ملاح گفت: ما امروز نمی توانیم نفس بکشیم. واقعا نسل های بعد چه گناهی کرده اند؟ بیایید دست هایمان را به دست هم بدهیم تا این معضل آلودگی هوا و محیط زیست را حل کنیم.سازمان های جامعه مدنی، کاری نمی توانند بکنند به جز آن که معضلات را ببیند و راه حل ها را مطرح کنند ولی مدیریت لازم است که این راه حل را اجرایی کند."

«نرگس محمدی»، فعال جنبش زنان و حقوق بشر هم گفت: "به نظر من فاجعه به صورت لخت و عریان روبروی ما قرار دارد. صحبت از سونامی سرطان است و فاجعه ای که در سال بعد، دو برابر خواهد شد. در واقع ما با آلودگی هوا سرو کار نداریم، ما با یک سمّ مهلک و مرگ آور مواجه هستیم بنابراین واژه «آلودگی هوا»، واژه ای تلطیف شده است. صحبت از مادۀ سمی «بنزن» است که ۳۵ برابر حد نرمال در هوا وجود دارد و ما استنشاق می کنیم. در همه جا «بنزن» مساوی با «سرطان» است."

«مریم شبانی» روزنامه نگار نیز پیام «بابک احمدی»، مترجم و پژوهشگر قرائت کرد: «آلودگی واژه نادقیقی است، مسمومیت، بهتر و رساتر است و مرگ آور بهترین واژه است. همه گناهکاریم از دولتی که بنزین معیوب تهیه کرده تا ملتی که دخالت در کار دولت را بیهوده دانسته و حاکمانی که این دخالت را نخواسته اند."

«سوسن شریعتی» نویسنده، پژوهشگرنیز در این نشست گفت:" شاید بتوان گفت که موقعیتی که ما در آن قرار داریم، زیست در اورژانس است، یعنی در همین جا و امروز زندگی کردن و آینده را کوتاه مدت دیدن است. در واقع زیست در اورژانس نمی گذارد که بنشینیم به پای زندگی یا مرگ. "

«داریوش مهرجویی» نویسنده و کارگردان با سابقه سینمای ایران که به دلیل آلودگی هوا برای مدتی است که از تهران بیرون رفته و در سفر است، پیام مکتوبی را برای این گردهمایی اعتراضی ارسال کرده بود. وی در این پیام گفت:" باید خود ملت بسیج شود و با استفاده از نیروهای سپاه و بنیاد مستضعفان و ستاد فرمان اجرایی امام (ره) و آستان قدس رضوی که خوشبختانه از سرمایه های کلانی برخوردارند و خود می دانند که با این کار باعث نجات فرزندان و خانواده و مردم کشور خود می شوند، و گشت های ارشاد و بسیج، یک بسیج عمومی به راه بیاندازند تا طبق فرمول های رایج که در کلان شهرهای جهان به کار رفته است، این معضل را حل کنند."

در این نشست تعداد دیگری از فعالان حاضر نیز سخنانی ایراد کردند و ضمن طرح مثال هایی از مشکلاتی که آلودگی هوا برای سلامت شهروندان ایجاد کرده است پیشنهادات خود را به دولت و جامعه مدنی برای برون رفت از این معضل همگانی ارائه کردند.

—

تمرین گفت و گو در تونس با مشارکت سازمان های جامعه مدنی

2014-02-04 · Archive ID 3430
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3430

عرصه سوم: بنیاد مدنی"آنا لیندە" که برای تقویت روابط و گفت گوی فرهنگی میان مردم ساکن در منطقه اروپا- مدیترانه فعالیت می کند، نشستی با موضوع" نقش شهروندان در ساخت جامعه متکثر" در تونس برگزار کرده است.هدف از برگزاری این نشست تمرین گفت و گو میان شهروندان در مسیر ارزشهایی است که بنیاد " آنا لیندە " پس از گذشت سه سال از تحولات و تغییرات در کشورهای عربی دنبال می کند .

این نشست در روزهای 10 تا 12 بهمن ماه با حضور 80 رهبر و کارشناس سازمان های جامعه مدنی و نمایندگان شبکه های ملی این بنیاد، اتحادیه عرب و همچنین دو نهاد مدنی دیگر که با اتحادیه اروپا همکاری می کنند برگزار شد. در این نشست کوشیده شده تا به نقش جامعه مدنی در جوامع عربی حاشیه مدیترانه در قالب یک برنامه تدوین شده از سوی سازمان داواک با موضوع " برنامه گفت و گو برای شهروندان" پرداخته شود.

اندره کلارت مدیر اجرایی این بنیاد نیز در بیان اهداف این نشست گفته است: "جامعه مدنی نقش اصلی را در چالشهای اخیر کشورهای عربی ایفا کرده است و اکنون باید در ساختن یک جامعه باز نقش آفرینی کند".

الکساندر زفیرو نماینده اتحادیه اروپا در نشست تونس نیز گفته است این اتحادیه تلاش می کند تا طی همکاری با جامعه مدنی زمینه ایجاد گفت و گو میان دولت ها با شهروندان خود را فراهم سازد.این نشست همچنین شامل چندین کارگاه در زمینه آموزش، رسانه و مشارکت جوانان بوده است.

بنیاد " آنا لیندە " نهادی غیر دولتی است که هدف آن تقویت روابط و گفت گوی فرهنگی میان مردم ساکن در منطقه اروپا- مدیترانه است. این بنیاد شبکه ای با بیش از 3000 سازمان جامعه مدنی را در 43 کشور تحت پوشش خویش قرار داده است.

تونس نخست کشوری بود که اعتراضات مدنی در آن کشور برای تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی حاکم با کمترین هزینه جانی و مالی ثمر داد و سپس به سایر کشورهای عربی منطقه سرایت کرد.

شاید یکی از دستاوردهای حاصل از چنین نشست هایی خبری باشد که امروز از آن به انقلابی در تونس یاد شده است. قانون اساسی جدید تونس اخیرا با تصویب ماده ای برابری تعداد نمایندگان زن و مرد در مجالس قانونگذاری کشور و موازینی که برای دفاع از زنان در برابر خشونت، در نظر گرفته است که می تواند آغاز گر تغییرات تعیین کننده ای برای زنان این کشور باشد. تونس اولین کشور عربی است که چنین موادی را در دفاع از حقوق زنان در قانون اساسی خود می گنجاند.

پیشتر نیز کنفرانسی در تونس، با شرکت نمایندگانی از احزاب و سازمان های دموکراسی خواه کشورهای مختلف منطقه از جمله فلسطین، مصر، تونس، سوریه، یمن، لیبی، بحرین، الجزایر، مراکش، لبنان، اردن و ایران تشکیل شده بود که در آن چگونگی ایجاد تغییرات در نظام های سیاسی کشورهای خاورمیانه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این همایش نمایندگانی از احزاب سوسیالیست اروپائی هم شرکت داشتند.

در این کنفرانس اردشیر امیر ارجمند- مشاور میرحسین موسوی و سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید، نیز شرکت کرده بود و با حضور او ویژگی های جنبش دموکراسی خواهانه مردم ایران و چگونگی سرکوب آن مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

اردشیر امیر ارجمند در گفتگوئی با رادیوی بین المللی فرانسه، درباره جمع بندی تجارب شرکت کنندگان این همایش، به شباهت های جنبش های منطقه اشاره می کند و معتقد است که دموکراسی خواهی ویژگی اصلی مشترک در تمام این جنبش ها است.

به عقیده امیر ارجمند آنچه که وجه مشترک تجارب همه این جنبش ها بود، این نکته است که این جنبش ها باید قبل از هر چیز به تقویت جامعه مدنی در هرکشوری همت گمارند؛ زیرا حتی اگر ما در وهله اول هم به پیروزی دسترسی پیدا کنیم، برای استقرار دموکراسی پایدار، نیاز به یک جامعه مدنی قوی داریم.

اکنون به نظر می رسد انتقال تجربه میان جوامع مدنی در کشورهایی که دارای مشکلات یکسان و فرهنگی نزدیک هستند می تواند در نظر فعالان مدنی گیرد. آنچه امروز به نظر می رسد یکی از نیازهای ضروری جامعه مدنی در ایران است تماس بیشتر با جوامع مدنی سایر کشورها و از جمله کشورهایی است که دولت در طی سالیان اخیر روابطی خصمانه با آنان داشته است.

گفت و گوی شهروندان امروز یکی از شیوه های جدید برای حل منازعات بین المللی است و به نظر می رسد جهان امروز به مفهوم واقعی روابط بین الملل به جای روابط بی الدول نزدیک می شود.

—

کاستی های امداد و نجات در جامعه مدنی

2014-02-06 · Archive ID 3433
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3433

عرصه سوم: پس از یک هفته بارش برف سنگین در ایران، سازمان مدیریت بحران از اتمام وضعیت بحرانی شمال کشور خبر داد. اما رسانه‌ها ، همچنان از ادامه بحران خبر می‌دهند. با این حال فعالیت مدنی در این بحران، بر خلاف حوادثی چون زلزله نسبتا کم رنگ بوده است و به نظر می رسد مشکلات موجود در امداد رسانی در عدم پیوستگی تهادهای مدنی متخصص در امداد رسانی با دستگاه های مسئول در دولت است.

بارش، زندگی عادی را مختل و خسارات مالی و جانی داشته است. آخرین گزارش‌ها می گویند که تعدادی از شهروندان در بعضی مناطق، در برف و سرما محاصره شدند و شدت برف و سرما موجب قطع آب و برق و گاز نیز شده بود .

برخی از شهروندان در تماس با رسانه های خارج از کشور از مشاهدات خود از برف سنگین شمال کشور گفته‌اند. یک شهروند به بی بی سی فارسی گفته است که خانواده‌اش در ویلایی در متل قو حبس شده‌اند و تماس با کلانتری و اداره راه و چند جای دیگر بی فایده بوده است." می‌گویند راه بسته است و ما نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. شرایط بسیار سخت است، آب و برق ندارند، فقط با تلفن با آنها در تماس هستیم و اونها می‌گن دو متر برف اومده یعنی انقدر این مملکت بی امکاناته، فقط خدا به فریاد این مردم برس."

شهروند دیگری گفته است در روستای آبکنار، ارتفاع برف از دو متر هم گذشته است . مردم در خانه ها حبس شدند. سنگینی برف رو شیروانی باعث ریزش سقف بعضی از خانه ها شده است. راه ارتباطی روستا با انزلی هم مسدود است. "لطفا اطلاع رسانی کنید .اگه اینطوری پیش بره با یک فاجعه انسانی روبه رو خواهیم بود."

یکی از ساکنان تنکابن نیز به برنامه 'نوبت شما' بی‌بی‌سی گفته: " تا روز سه شنبه، ۱۵ بهمن کسی به داد مردم نرسیده بود و حالا کمک‌ها نوشدارو بعد از مرگ سهراب است." به گفته احسان در طول پنج روز شرایط بحرانی "فقط یک روز" هلال احمر نان و آب بین مردم قسمت کرد و تا شب گذشته آب و برق وصل نبود. یکی از شهروندان شهر چالوس مازندران به نام کاوه به بی‌بی‌سی فارسی گفت در شهر او گاز قطع نشده بود. اما آب و برق هم‌اکنون وصل شده و راه‌ها باز شده است.

در ایران فعالیت های گسترده مدنی برای امداد رسانی و بسیج مردمی برای کمک به آسیب دیدگان در بلاهای طبیعی در مواردی چون زلزله بسیار پررنگ است. نمونه هایی چون امداد رسانی در زلزله آذربایجان در سال 91 و زلزله بم در سال 82 به خوبی توانمندی شهروندان ایرانی در امداد رسانی را نشان داده است. اما آیا امداد رسانی صرفا به پدیده زلزله ختم می شود؟

بررسی شبکه های اجتماعی نیز نشان می دهد که کاربران این شبکه ها محدود به این بحران پرداختند. رسانه‌ها کمتر خبری از مشارکت مردم سایر مناطق برای کمک رسانی منتشر کردند. اغلب اخبار از سوی رسانه های وابسته به دولت یا حکومتی منتشر شده و خبر کمک رسانی، تنها از سوی نهادهای نظامی چون ارتش، سپاه و بسیج و البته هلال احمر بود.

به نظر می رسد برخی کمبودها در امداد رسانی به فقدان ساختاری در جامعه مدنی یا نبود سازمان‌های مدنی متخصص در امر امداد رسانی مربوط می‌شود. امر امدادرسانی در ایران تحت پوشش دولت قرار دارد و نقش سازمان‌های جامعه مدنی در این امر محدود است و البته در این میان جمعیت هلال احمر نیز وجود دارد که بیش از نیم قرن یک نهاد امداد رسان مستقل تعریف شده است.

هلال احمر سازمانی است که نقش یک سازمان جامعه مدنی را در زمینه امدادرسانی بازی می‌کند. اما ساختار، بودجه و روش آن وابسته به دولت و نهادهای حکومتی است. گرچه این سازمان بزرگترین سازمان موجود برای امداد رسانی در ایران است و نقش مهمی در حین بروز بلاهای طبیعی ایفا می کند، شاخه های گسترده و اعضای بالایی دارد اما نقش آن در چارچوب‌های حکومتی محدود شده و تنها تحت تاثیر ضوابط بین المللی تن به اصلاح ساختار داده است.

از سوی دیگر این وابستگی حکومتی در کنار حفظ ساختار سنتی امکان پویایی را از این نهاد گرفته است. یک تحقیق دانشگاهی که در سال 88 صورت گرفته است نشان می‌دهد محدوده عضوگیری این سازمان مدارس و

دانشگاه‌ها است و بیشتر اعضای این سازمان زیر 18 سال هستند. در واقع، شیوه‌ی عضو گیری و نحوه سازمان‌دهی نیروهای داوطلب در این سازمان همچنان تابع شیوه های سنتی توده وار است.

اما در کنار هلال احمر، سازمان های مدنی امداد رسانی نیز وجود دارند که از اعضایی کاملا حرفه ای برخوردارند. سازمان مردم نهاد غیر دولتي به نام "پیشگامان نجات آریا" که تیر ماه امسال تاسیس شده است نمونه ای موفق از یک سازمان مردم نهاد مستقل است که می تواند تیم های حرفه ای برای امداد رسانی تربیت کند.

از این رو به نظر می رسد نهادهای دولتی و نیمه دولتی همچون سازمان مدیریت بحران و همچنین جمعیت هلال احمر باید برای جبران ضعف های خود رویه همکاری با سازمان هایی چون "پیشگامان نجات آریا" را دنبال و به فکر ایجاد شبکه ای از سازمان های امداد رسان مستقل برای ترویج فرهنگ و آموزش امداد رسانی در کشور باشند.

—

رابطه تبادلات فرهنگی و پویایی جامعه مدنی- تجربه سوئدی

2014-02-08 · Archive ID 3442
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3442

عرصه سوم- کامیار بهرنگ: در کشورهایی که مهاجرت یکی از عناصر جامعه آنها محسوب می شود، تلاش های بسیاری برای همگرایی فرهنگی صورت می گیرد.اما با بررسی تجربه های متفاوت می توان دید که همگرایی فرهنگی در هیچ کجای دنیا به صورت امری دستوری نتوانسته موفقیت کسب کند.

اما در جوامع مهاجر ستیز با تصویب قوانین و اجبار جامعه ی مهاجر به تبعیت از آنها در بسیاری موارد شاهد آن هستیم که جامعه به جزایر جدا از هم تبدیل می شود و دقیقا نتایج عکسی را نیز به همراه داشته است (این موضوع در ارتباط فرهنگی بین کشورها نیز قابل مشاهده است). بویژه در کشورهایی که روحیه ی غرب ستیزی وجود دارد و از امکان هرگونه تبادل فرهنگ ها به بهانه هایی چون هجمه ی فرهنگی جلوگیری می شود.

در واقع حاکمیت های اقتدارگرا همواره با طرح مساله ی جهانی شدن و تهاجم فرهنگی به دنبال ایجاد یک دیوار چین فرهنگی به دور کشورهای خود هستند و بر اساس مبانی فکری شان تلاش می کنند که نشان دهند یک فرهنگ غالب در جهان شکل گرفته است.

تبادل فرهنگی در سوئد- گذری تاریخی

با این مقدمه به سراغ دو تجربه تاریخی در گوتنبرگ سوئد می رویم، جایی که تلاش های بسیاری برای جابجایی فرهنگی در یک شهر انجام شد. در واقع سوئد به مانند بسیاری کشورهای اروپایی تجربه ی زیادی در امر مهاجر پذیری ندارد اما پدیده ی مهاجران در این کشور از اهمیت بسیاری برخوردار است و هر ساله بودجه ی دولتی و شهری زیادی در راستای امر همگرایی هزینه می شود. اما خیلی پیشتر همین جامعه در میان خود شاهد یک برخورد فرهنگی بود.

در اوایل سال ۱۸۰۰ سوئد یکی از فقیر ترین کشورهای اروپا به شمار می آمد. در آن زمان این کشور تنها از طریق کشاورزی کسب درآمد می کرد و حتی بخشی از حقوق کارگران به صورت بطری های مشروب از سوی کارفرمایان پرداخت می شد. این مدل از زندگی معضلات اجتماعی بسیاری زیادی را به همراه داشت به نحوی که در سال های ۱۸۳۰ هر کارگر حدود ۴۶ لیتر مشروب الکلی در سال ما به ازای حقوق خود دریافت می کرد و در آن زمان سوئدی ها بالاترین میزان مصرف مشروبات الکلی در اروپا را دارا بودند.

در همین سال ها بود که جنبش های مردمی متعددی در این جامعه شکل می گیرد که مهمترین آنها بر علیه نفوذ مذهب در ساختار سیاسی سوئد بود. پیروزی این جنبش در تصویب قانون کلیسای آزاد موجبات شکل گیری مبارزه علیه مصرف مشروبات الکلی را فراهم ساخت.

در آن سال ها زنان بسیاری در انجمن های پراکنده بر علیه این معضل اجتماعی مبارزه می کردند اما یکی از مهمترین عوامل عدم موفقیت این جنبش در پایین بودن سطح آموزش در سوئد بود. در آن سال ها حق آموزش به مانند بسیاری از کشورهای دیگر جزو امتیازات طبقه ی اشراف و سرمایه داران محسوب می شد تا اینکه در سال های ۱۸۸۰ اولین حلقه های شکل گیری مدارس مردمی شکل گرفت.

همزمان با جنبش علیه مصرف مشروبات الکلی یکی از مهمترین اتحادیه های آموزشی سوئد با هدف آموزش کارگران با نام اتحادیه آموزشی کارگران سوئد تاسیس می شود. در واقع بنیانگذاران این اتحادیه آموزشی علاوه بر اینکه انحصار تحصیل را از طبقه ی اشراف و سرمایه داران گرفتند، توانستند با ایجاد حلقه های آموزشی در کنار دیگر جنبش های مردمی در این کشور، معضلات اجتماعی را حل کرده و سوئد را امروز به یکی از پیشرفته ترین کشورهای صنعتی جهان تبدیل کند.

اما آنچه ذکر این تاریخچه را با اهمیت می سازد شکل گیری یک فرهنگ است که تا به امروز با همه ی فراز و نشیب ها در آن جامعه ماندگار و ضامن دموکراسی و ارزش های انسانی در آن کشور است. در این کشور انجمن هایی پاسدار فرهنگ جنبش های مردمی هستند و همواره نقشی مهم در پروسه ی همگرایی ایفا می کنند.

در واقع ۲ عامل مهمی که توانسته است حتی مهاجران غیر سوئدی را مجاب به فعالیت های انجمنی کند، به وجود آمدن یک ساختار قوی تعاونی است که فرد را در جامعه به سویی می برد که قدرت خود را در با دیگری بودن حس کند. این ساختار به نحوی به پیش می رود که همواره حائل هایی میان جامعه ی میهمان، جامعه ی میزبان و حتی دولت برقرار می کند.



IMG_0196-682x1024

نقش انجمن های فرهنگی در گسترش تبادلات

انجمن های فرهنگی بسیاری در سوئد وجود دارند که به صورت چند فرهنگی تلاش می کنند تا با برگزاری همزمان جشن های سوئدی و غیر سوئدی، هر دو جامعه را درگیر هم کند. در واقع این فرهنگ و آموزش هستند که حلقه ی واسط و زبان مشترکی است که جوامع مختلف مهاجران و جامعه ی سوئدی را به هم پیوند می زند.

سوئد کشوری که واقعیت چند فرهنگی را پذیرفته است تلاش می کند تا با ایجاد ساز و کارهای آموزشی جامعه ی میزبان را به سمتی ببرد تا بتواند مبادلاتی فرهنگ ساز داشته باشد. در مقابل این برداشت وجود دارد که برخی جوامع میزبان را جامعه ای تحمیل گر می دانند که می خواهند با آموزش اجباری زبان و تدریس فرهنگ و تاریخ آن کشور، عناصر فرهنگی که با آن سال ها بزرگ شده ایم را از ما گرفته و در واقع همان نگاهی را مطرح می کنند که از آن به تهاجم فرهنگی یاد کردیم.

مدافعان تهاجم فرهنگی حتی در کشوری به مانند سوئد بسیار دیده می شوند. کسانی که به مرور زمان محل های خاصی را برای زندگی انتخاب و در واقع جزیره ای جداگانه را برای خود برگزیده اند. اینجاست که تلاش های جامعه ی میزبان می تواند به شکست می انجامد.

در سوئد به اشکال مختلف با این مدل زندگی مبارزه شده است و هر ساله میزان قابل توجهی از بودجه ی دولتی و شهرداری ها به این امر اختصاص داده می شود و نکته ی مهم تر آن است که علیرغم اینکه تحصیلات در آن کشور در هر سطحی رایگان است، اما دولت همچنان به تقویت این مدرسه های مردمی می پردازد تا تحصیلات تکمیلی و غیر دانشگاهی را نیز تقویت کند.

در واقع مراکز آموزشی از این دست امروز دیگر آن کارکرد پیشین را ندارند و آموزش های تکمیلی در واقع به عنوان بخش های تکمیلی و محافظان دموکراسی و سلامت اجتماعی به میدان آمده اند.

یکی از مهمترین مسائلی که می بایست در این میان در نظر داشت تقسیم بندی های موجود در جوامع چند فرهنگی است که می تواند بر همین اساس پروژه هم پیوندی فرهنگی نیز تعریف می شود. این تفاوت می تواند در نگرش فرهنگ و خرده فرهنگ دیده شود. به این معنی جامعه دارای یک فرهنگ عمومی است که سایر فرهنگ ها در آن به صورت تطبیقی ظهور پیدا خواهند کرد.

بر همین مبنا است که کشورهایی به مانند سوئد الگوی خانواده ی فرهنگی را پیش روی قرار می دهند و برای جذب عناصر مطلوب فرهنگی جوامع مهاجر تلاش می کنند و به عنوان یکی از مهمترین حامیان برنامه های فرهنگی برای جامعه ی میهمان اقدام می کنند. سالانه بسیاری از برنامه های فرهنگی شامل کنسرت های موسیقی، جشنواره های سینمایی و جشن های محلی در کشور سوئد با حمایت مالی دولت و شهرداری ها انجام می گیرد.

به عنوان نمونه می توان به جشنواره ی سالانه ی "هامارکولون" اشاره کرد. جشنواره ای که به سادگی از یک جشن کوچک در یکی از پروژه های مراکز تفریحی (اوقات فراغت) در سال ۱۹۷۴ آغاز شد. بعد ها در اواخر دهه ی ۷۰ انجمن های آمریکای لاتین در منطقه ی شمال شرق گوتنبرگ به این برنامه اضافه شدند و امروزه با حمایت مالی بخش خصوصی و کمک های دولتی و نیمه دولتی به مانند اتحادیه آموزشی کارگران (ABF) تبدیل به یکی از بزرگترین جشن های شهر گوتنبرگ شده است که هر ساله تعداد زیادی از اهالی آن شهر را درگیر خود می کند.

در همین شهر جشن چهارشنبه سوری از یک جشن ساده در کنار دریاچه ای یخ زده در سال ۱۹۸۵ آغاز می شود و امروزه با حمایت بخش های مختلف به عنوان یک فستیوال زمستانی در بهترین نقطه ی شهر برگزار می شود.

این در حالی است که هر ساله در تابستان یک هفته با عنوان "جشن فرهنگی گوتنبرگ" برگزار می شود و خیابان های این شهر، موزه ها، سالن های موسیقی و سینما ها پر می شود از اجراها و برنامه های مختلف از آمریکای جنوبی تا اروپای شرقی و ایران و آفریقا. اینگونه است که یک جامعه ی تلاش می کند چندفرهنگی زندگی کند و از چهارچوب های خشک و قانونی خارج شود.

عنصری که در آلمان کمتر دیده شد و کار را به آنجا کشاند که پروژه ی جامعه ی چندفرهنگی از سوی صدراعظم آن کشور شکست خورده اعلام شد. در واقع تلاش برای ایجاد صرفا قانون که جامعه را به سمت

فرهنگ عام سوق دهد تنها به دور شدن جامعه ی میزبان کمک می کند چرا که تنها واسطه ی ارتباط فرهنگ ها، کلاس های زبان جامعه ی میزبان خواهد بود و بعد از آن فرد با فرهنگ خود می ماند و یک زبان نیمه کاره. نمونه های متعدد این مهم را می توان در جامعه ی ترک زبان مقیم آلمان مشاهده کرد که حتی در برخی موارد نیازی به یادگیری زبان آلمانی را در خود نمی بیند چرا که در محله ای زندگی می کند که تمام نیاز های خود از دکتر تا خرید روزانه اش از طریق زبان ترکی انجام می دهد.

شاید در پایان اشاره به این نکته ضروری باشد که تمام مواردی که در بالا به آنها اشاره شد در طبقه بندی جامعه ی میزبان و میهمان تعریف شد که لازم می دانم توضیح دهم که امروزه دیگر بخشی از جامعه ی میهمان خود را میزبان می داند، نسل هایی که در کشورهای دیگر متولد می شوند و رشد پیدا می کنند و خود را متعلق به فرهنگی غیر از فرهنگ والدین خود می دانند که هنوز وابستگی های شدید به فرهنگ خود دارند.

جالب آنجاست که در کشوری به مانند سوئد در مقاطع مختلف تحصیل اصرار می شود که دانش آموزان در کلاس های زبان مادری خود شرکت داشته باشند و این به عنوان یک امتیاز و واحد درسی محسوب می شود. جامعه ی سوئد به خوبی دریافته است که هر چند آن فرزند در جامعه ی سوئد و با معیار های سوئدی رشد خواهد کرد اما آموزش زبان مادری شرایطی را فراهم می سازد تا دانش آموز در زمانی که به رشدی عقلی رسید توانایی انتخاب معیارهای صحیح تری را داشته باشد.

ایران، کشور تنوع فرهنگ ها

در ادامه لازم به یادآوری است که تمام مباحث مطرح شده در مورد جوامع مهاجر پذیر مطرح شد اما با نگاهی جامع تر می توان بسیاری از این عناصر را در جوامعی چون خود ایران که یک جامعه ی چند فرهنگی است نیز مشاهده کرد. یکی از بزرگترین مشکلات ایران امروز عدم تبادل میان فرهنگی است، جایی که در رسانه ی ملی موسیقی های محلی جایی ندارد و حتی این امکان وجود ندارد که جشنواره ی های محلی به صورت گسترده در شهرهای مختلف اجرا شوند. همین سیاست است که نه می تواند دوستی فرهنگی را ایجاد کند که اتفاقا گاهی به اختلافات دامن می زند.

در واقع همین الگوهایی که مطرح شدند را می توان در نظر داشت و به سمت جامعه ای رفت که در آن انجمن های غیر دولتی نقش جایگزین را بر عهده گیرند. درست به مانند آنچه در سال های ۱۸۰۰ در سوئد به وجود آمد و نهادهای آموزشی بدون بهره گیری از دولت و حمایت هایش به سمت آموزش رفتند و از فرهنگ به عنوان پیامبر استفاده کردند. با این حال می توان مشاهده کرد که الگوی مقابل جامعه ی مدنی - فرهنگی در جامعه ی دولتی - فرهنگی نیز شکست خورده است و انتظار آنکه حتی دولت متولی این امر باشد با خطرات بسیاری روبرو است.

به همین دلیل براین باورم که در ارتباط فرهنگی در جوامعی چون ایران (جامعه ی چند فرهنگی) و سوئد (جامعه ی مهاجر پذیر) می بایست تا حد امکان نقش مستقیم دولت کاهش یابد و سازمان های مردم نهاد به میان آیند. این سازمان ها می توانند هم نیاز را مستقیم شناسایی کرده و هم بر اساس سازمان بندی های تشکیلاتی خود امکاناتی را برای رفع آنها فراهم سازند.

—

هم اندیشی یکصد سازمان مدنی برای گفت و گوی ملی در نیجریه

2014-02-10 · Archive ID 3448
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3448

عرصه سوم: بیش از یکصد سازمان جامعه مدنی هفته گذشته در "ابوجا" پایتخت نیجریه دور یکدیگر جمع شدند تا در خصوص یک برنامه گفت وگوی ملی در نیجریه هم اندیشی کنند .

شرکت کنندگان که از مناطق مختلف نیجریه دور یکدیگر جمع شده بودند نهایتا با تصویب قطعنامه ای که با حمایت گسترده ای روبرو شد با مشارکت جامعه مدنی در امر توسعه نیجریه توافق کردند.

از جمله مسائلی که توافق شده تا جامعه مدنی در دستور کار خویش قرار دهد، پرداختن به فساد گسترده در کشور، بی عدالتی و تخلف از قوانین، حقوق اساسی، برابری جنسیتی و حمایت از کودکان و گروه های آسیب پذیر، مشارکت شهروندان در اداره امور، صلح و امنیت اجتماعی، و همچنین سلامت و توسعه سرمایه انسانی است.

بسیج جوانان، مشارکت در حکومت به منظور پرهیز از خشونت سیاسی، شفافیت و عدالت در تخصیص منابع؛ حذف بند مصونیت برای نظامیان در مسائل جنایی و افزایش نقش قدرت ایالات در تصمیم گیری از دیگر موضوعات مورد توافق در این نشست بوده است.

این نشست در عین حال از دولت فدرال به خاطر مشارکت دادن جامعه مدنی در قدردانی کرده و همچنین به اتفاق آراء از مشارکت داده شدن سازمان های جامعه مدنی به عنوان بخش سوم اقتصاد جامعه حمایت کردند.

در ادامه آنان خواستار تضمینی شدند تا آثار حقوقی این نشست در فرآیند اصلاح قانون اساسی این کشور دیده شود.

از جمله نکات برجسته دیگر در این نشست مشورتی، تشکیل 9 کارگروه فنی برای شناسایی مناطق بحران خیز و همچنین نامزدی 24 نماینده از سازمان های شرکت کننده برای شرکت در گفت گوی ملی از طریق یک فرآیند شفاف و دموکراتیک بود.

—

ابتکار نوروزی یک سازمان خیریه برای کمک به بیماران سرطانی

2014-02-10 · Archive ID 3451
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3451

عرصه سوم: سازمان خیریه بهنام دهش پور که برای کمک به بیماران سرطانی و همچنین بهبود وضعیت زیست گاه تلاش می کند، جشنواره نوروزی امسال خود را به کمک برای تامین هزینه های ساخت و تجهیز "بونکر (اتاق) دستگاه شتاب دهنده خطی با انرژی بالا" اختصاص داده است .

این سازمان خیریه در فراخوانی ویدئویی از ایرانیان خواسته است تا در این جشنواره که از تاریخ ششم تا نهم اسفند ماه ۱۳۹۲ از ساعت ۱۰ صبح الی ۲۱ در مجموعه فرهنگی ورزشی تلاش برگزارخواهد شد، شرکت کنند.

این برنامه با حمایت مالی شرکت ها، سازمان ها و مجموعه های متنوعی برگزار خواهد شد. در این جشنواره غرفه هایی از قبیل مواد غذایی، رستوران ها، سوپر مارکت، صنایع دستی، شیرینی، غذاهای خانگی، کافی شاپ، پوشاک، جواهرات، زیورالات، لوازم بهداشتی و آرایشی، محصولات نوروزی و هنری و همچنین سایر خیریه ها حضور خواهند داشت.

این دستگاه بیشترین ومعمول ترین ابزار برای درمان بیماران سرطانی به روش تابش اشعه خارجی است. شتاب دهنده خطی همچنین می تواند در رادیوجراحی استریوتاکتیک(مشابه چاقوی گاما)، برای بمباران نقاط تومورال داخل مغز مورد استفاده قرار گیرد.

سازمان بهنام دهش پور از جمله سازمان های خیریه موفق ایرانی است که توانسته است برگزاری بازارهای مختلف، کنسرت، نمایشگاه نقاشی و جمعآوری کمکهای نقدی و غیرنقدی افراد خیر، نهادها، موسسات و کارخانهها اقدام به تکمیل، تجهیز و نگهداری بخش رادیوتراپی (آنکولوژی) نموده، و یاری رسانی به بیماران نیازمند مبتلا به سرطان و خانوادههای آنان را عهدهدار میباشد.

این موسسه بدون در نظر گرفتن ملاحظات و محدودیت های سنی، جنسی، قومی، مذهبی و ملیتی به کلیه بیماران خدمات رسانی می کند.

این بنیاد به یاد نوجوان زنده یادی نام گذاری شده است که بخاطر ابتلاء به سرطان در 17 سالگی درگذشت اما با وجود بیماری خود بنیانگذار این موسسه بود.

بهنام با وجود بیماری سختی که داشت اقدام به برگزاری اولین بازار خیریه در دیماه سال ۱۳۷٤ کرد. این بازارچه در آپارتمانی قدیمی در خیابان پاسداران و با کمک خانواده و دوستانش برپا شد. پس از آن با یاری دوستانش کنسرت پیانو را در فرهنگسرای ارسباران ترتیب داد؛ و آخرین شب زندگیش را با فروش شمعهای تزئینی به نفع بیماران نیازمند مبتلا به سرطان در خانه به پایان رساند.

—

هنر و کنش‌گری در فیلیپین

2014-02-10 · Archive ID 3454
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3454

عرصه سوم: ویدئویی که ملاحظه می کنید بیان تجربی یک فعال مدنی فیلیپینی در بهره گیری از تئاتر برای ارسال پیام خویش در جامعه است. این فعال مدنی تجربیات خویش را در دوره مبارزات مدنی با دیکتاتوری مارکوس به اشتراک گذاشته است.

این ویدئو توضیح می دهد که چگونه هنرمندان فیلیپینی با سازماندهی گروه های تئاتر و راه اندازی یک شبکه ملی موفق شدند بر فضای سانسور و محدودیت رسانه ها غلبه کنند.

در این جا می توانید متن پیاده شده این ویدئو را ملاحظه کنید. این ویدئو به سفارش عرصه سوم تهیه شده است.

کتاب دستور جامعه مدنی

"جون" و میتشی ستورِی" از تئاتر در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و محیطی خود استفاده می‌کنند

آن‌ها قطعاتی درباره موضوعات گوناگونی ساخته‌اند و هنرمندان و کنش‌گران محلی را نیز در همین زمینه آموزش داده اند

- اما تو کلاس من نبود، ما تو یه گروه ...

- راستش من اول عاشق یه دختر دیگه شدم... بهترین دوستش

- من متوجه شدم که خیلی چیزا در تئاتر براش جذابه، دائم از راهنماها سوال می‌کرد

با خودم فکر کردم که طرف با بقیه شرکت‌کننده‌ها فرق می‌کنه

پس... و این نقطه آغاز بود. ما شروع کردیم به تظاهرات‌ها رفتن

چون اون موقع اوج تظاهرات بود

- در واقع بر ضد دیکتاتوری مارکوس

فعالیت‌های گروه تئاتر شما در زمان دیکتاتوری مارکوس چه چیزهایی بوده؟

- عمدتا سازمان دهی گروه های تئاتر بود

گروه ها ورک شاپ (کلاس) برگزار می کردن

و این بذر سازمان‌دهی گروه تئاتر در انجمن‌های مختلف و شهرستان‌های مختلف بود

و اونا داشتن یه شبکه ملی تئاتر راه در کل جزیره می‌انداختن

و تئاتر خیلی خیلی سیاسی‌ای بود

یکی از منتقدانه‌ترین صداها بر علیه دیکتاتوری مارکوس بود در اون زمان

و ... چون قانون نظامی حاکم بود، رسانه‌ها سانسور می‌شد

پس تنها راهی اظهار نظر برای مردم تئاتر بود

و من فکر می‌کنم این روش موثری بود،

مخصوصا چون بازیگرا و هنرمندا از انجمن‌ها (توده)اومده بودن

اونا بازیگرای حرفه‌ای نبودن، هیچ کدوم آموزش دیده نبودن

بیشتر کشاورز و بومی و کارگر بودن

و ناگهان متوجه شدن که می‌تونن حرفی بزنن

چیزی برای استفاده بر ضد دیکتاتوری پیدا کرده بودن

اولش با مشکلاتشون با جزئی خودشون شروع شد

کارگرا راجع به دستمزد و شرایط کار

کشاورزا راجع به زمین

و بعد شروع کردن به همکاری با هم. کشاورزا و کارگرا با هم ترکیب شدن

و تئاتر تبدیل شد به یه جور محکمه

جایی که بتونن با هم تعامل داشته باشن و برای مشکلاتشون راه حل پیدا کنن

و بعد ما شروع کردیم به تامل راجع به کارای "برِشت" و کارای "پائولو فرِری"

اما کتاباشون گیرمون نمیومد

پس بر اساس چیزایی که مردم راجع به تئوری‌های "تئاتر مردمی" و ...

- آگوستو بوال، برِشت

- پس ما شروع کردیم به تجربه بر اساس چیزیایی که می‌شنیدیم

و این تنها راهی بود که می‌تونستیم با تئاتر گروه قشر ستم دیده ارتباط برقرار کنیم

مطالبی راجع به "برِشت" و "آگوستو بوال" خوندیم

پس بالاخره ما داشتیم آموزشی که دنبالش بودیم رو به دست میاوردیم

- اما در عین حال حین انجام این ورک‌شاپ‌های وسیع داشتیم کار تولید می‌کردیم

ما پرفورمرهای (بازیگرهای) گروه تئاترمون رو داشتیم

و نمایش‌نامه‌های برشت و نمایشنامه‌های اورژینال اجرا می‌کردیم

که همه‌اش درباره مطالبات مردمی و این جور سوالاست

- و بعضی وقتا اشتراک وجه تو آثار کلاسیک پیدا می‌کنیم

مثلا بعضی وقتا کارای شکسپیر و مکبث رو دست می‌گرفتیم

و بعضی وقتا ناگهان متوجه می‌شیدیم که شرایط شبیه همون چیزیه که تو فیلیپین اتفاق بود

انگار شکسپیر اون‌جا بوده، انگار شکسپیر راجع به فیلیپین حرف می‌زد

فقط چون ما هرگز غیر از فیلیپین جایی رو ندیده بودیم

تصاویری که تو ذهن ما بود تصاویر فیلیپین بود، اما داستان‌های شکسپیر اون جا اتفاق می‌افتاد

جالب بود

در نهایت یک پروژه درباره استخراج معدن بود که باعث شد شما به اجبار از فیلیپین خارج بشید

ممکنه بیشتر راجع بهش برای ما تعریف کنید؟

- ما اون موقع تو میندورا زندگی می‌کردیم

- آره. بعد از دیکتاتوری مارکوس رئیس جمهورهای بعدی جایگزین مارکوس شدند

و این زمانی بود که اقتصاد کشور تو سرمایه‌گذاری خارجی غرق شده بود

و بخش زیادی از سرمایه گذاری تو معدن بود

به سرعت نزدیک سه چهارم سرزمین پر شد از درخواست برای حفاری

و همه می‌خواستن فعالیت داشته باشن

ما به جزیره میندورا نقل مکان کردیم در 1993؟

-1991

-1991... آره، آره. بعد از قبولی من تو آزمون دندانپزشکی بود

می‌خواستم از زندگی پر سرعت شهری فرار کنم. می‌خواستم برم شهرستان

دخترم مریض بود. آسم داشت. منم فکر کردم شاید بد نباشه کنار دریا زندگی کرد

اول نقل مکان کردیم به یه جزیره کوچیک

توی یه خونه تو روستای ماهیگرا زندگی کردیم

و فکر کردیم می‌تونیم زندگی آرومی داشته باشیم

اما در سال 97 یه شرکت بزرگ معدن نروژی برای استخراج تو شهرستان ما اقدام کرد

مثل این که نیکل و کروم و کبالت و حتی طلا پیدا کرده بودن

پس دولت بهشون اجازه اکتشاف داد

عملیات استخراج صورت نمی‌گرفت، فقط برای کاوش و اکتشاف که ببینن پتانسیلش هست یا نه

و من شروع کردم با مردم بومی کار کردن. کار پزشکی

و داشتم از تئاتر برای آموزش استفاده می‌کردم

از تئاتر برای آموزش مهارت‌های پایه‌ای بهداشتی استفاده می‌کردم

کلی نقش بازی می‌کردیم. وانمود می‌کردیم مردم مریض هستن و اونا هم برای مداوا نقش بازی می‌کردن

و شروع کردیم به سازمان‌دهی هیئت‌های بهداشتی با استفاده از تئاتر

چون خیلی‌هاشون خوندن بلد نبودن

پس ما به یک راهی احتیاج داشتیم که بهشون مهارت‌های بهداشتی رو یاد بدیم. نزدیکی به علم

پس راهش تئاتر بود ... و بعد اونا هم راجع به عملیات معدن شنیده بودن.

بهمون گفتن ممکنه کمکمون کنین بفهمیم قراره چه اتفاقی بیافته؟

ما تحقیقات کردیم. بهشون یاد دادیم چطوری درختا و حیوونای مختلف و رودها و منابع رو تشخیص بدن

و بعد از طریق تئاتر نقش بازی می‌کردیم که اگر یک عملیات استخراج در محلی بود،

چه اتفاقی برای زمین می‌افتاد، چه اتفاقی برای درختا، کوه‌ها و حیوونا می‌افتاد

چه اتفاقی برای مردم می‌افتاد

و این زمانی بود که متوجه شدن که براشون خوب نیست

پس ایشون شروع کرد به ساختن یک کار در مورد استخراج

- و هر چی بیشتر میفهمیدن که استخراج براشون خوب نیست،

بیشتر متوجه می‌شدن که این کمپانی‌ها دارن با سرزمین‌شون چه کاری می‌کنن

مثل بولدوزر انداختن به کوه‌ها و سم‌پاشی کردن دریاها

- شروع کردن به اجرای نمایش تو مدارس، اجرا توی کلیساها...

کشیش ازشون می‌خواست که توی کلیسا موقع سخنرانی عمومی اجرا کنن

که ما کلی حمایت شدیم

عاقبت تمام بخش‌های جزیره شروع کردن به سازمان‌دهی خودشون

و بعد از دو سه سال ما "اتحاد جزیره" رو پایه‌گذاری کردیم

بخش‌های مختلف، همه بر علیه استخراج

- و بعد تونسیتم یه مهلت قانونی بگیریم

- آره ما یک گفتگو رو با ...

- دولت

- ... با دولت محلی شروع کردیم

و اونا گفتن که باشه ما استخراج رو توی این جزیره برای 25 سال قدغن می‌کنیم

و این خوب بود!

اما بعدش دولت ملی اومد و گفت، این خوب نیست!

- دوباره گروه نظامی فرستادن

- گفتن که این بر علیه منفعت ملیه. مهلت قانونی بر علیه نفع ملیه

چون دولت ملی چیز می‌خواست ... چی می‌گن... می‌خواست سرمایه خارجی وارد بشه

پس تصمیم گرفتن که با مهلت قانونی موافقت نکنن

سرباز فرستادن. ده تا گردان فرستادن. سربازا برای عملیات نظامی اومده بودن

و این شد که ما برگشتیم به خیابون

و دوباره شروع کردیم به استفاده از تئاتر. این دفعه موضوع حقوق بشر بود

این دفعه موضوع سرزمین و حقوق بشر بود. مردم بومی و حقوق بشر

- و بعد شروع کردن به کشتن رهبرا. مخصوصا اونایی که مخالف استخراج بودن

و ... من یادمه رفتیم به یه جای خیلی دور شبیه به کوهستان

و سعی کردیم رهبران رو فراری بدیم، چون خبردار شده بودیم که همه رو قراره بکشن

- یه تهدید داشت صورت می‌گرفت پس ...

- مثل یک مهاجرت دسته جمعی توی انجیل بود،

چون داشتیم یک مجسمه‌ی مریم مقدس بزرگ با خودمون می‌بردیم،

و جلسه‌های دعاخونی برگزار می‌کردیم

- چون این تنها راهی بود که ممکن بود، چون سربازا هر چیزی که سیاسی بود رو بهم می‌زدن

اما وقتی این تمثیل بزرگ مریم مقدس رو با خودمون می‌بردیم، کلاهشون رو بر می‌داشتن!

پس می‌ذاشتیمش تو یه وانت بزرگ، امنیتمون رو تامین می‌کرد

رفتیم داخلی و رهبران رو فراری دادیم، و خانواده‌هاشون رو هم همین‌طور

تونستین اکثرشون رو فراری بدیم، اما خیلی‌ها رو هم از دست دادیم

فکر کنم حدود 40 تا از رهبرا و کنش‌گرها (اکتیویست) یکی یکی به قتل رسیدن

هنوز تلفات داشتیم. خیلی‌ها ...

و بعد شروع کردیم به بازی کردن نمایش‌نامه‌هایی که نوشته بودیم، تو مانیلا پایتخت فیلیپین

تونستین نظرها رو جلب کنیم. تا این که "دوستان زمین" من رو دعوت کردن

که به یک بازبینی برم. بازبینی صنایع مخرب، که توسط بانک جهانی پشتیبانی مالی می‌شد

من فکر کردم که این فکر خوبی نیست. پشتیبانشون بانک جهانیه، فکر نکنم موفق بشیم

ولی فکر کردیم راه بدی نیست که به گروه‌های خارج فیلیپین که مشکل مشابه داشتن وصل بشیم

پس رفتم. و یک دعوت نامه از "دوستان زمین" رفتم که برم به هلند

تو دانشگاه‌های مختلف حرف بزنم. در سال 2003 شروع کردم به سخنرانی

اما نزدیکای آخر تور، درست روزی که قراره برگردم خونه، ایشون زنگ می زنه

تو نمی تونی بیای خونه، منتظرتن. می‌گیرنت

شانس بیاری اگه فقط بگیرنت! ممکنه بکشنت

من برای دو هفته و بعد ماه ها موندم، تا این که متوجه شدم اوضاع قرار نیست بهتر بشه

اوضاع داشت بدتر می شد

وقتی این جا بودم، دو تا از دوستام کشته شدن

دیگه فهمیدم که میدان جنگ من همین‌جاست. از این جا کار خواهم کرد

شاید دوباره از تئاتر استفاده کنم، که بتونم موضوع استخراج و حقوق بشر در فیلیپین رو نشون بدم

پس برای سه سال جدا از هم بودیم، من این جا تئاتر کار می‌کردم

- خیلی غیر منتظره بود، فکر کردم قراره فقط برای دو هفته بره!

- قبل از این که برم بهش گفتم بهتره موهام رو کوتاه کنی

اما بعدش نظرم عوض شد، گفتم فقط دو هفته‌اس دیگه، وقتی برگشتم موهامو کوتاه کن!

اما طبیعتا من بر نگشتم، پس موهام خیلی خیلی بلند شد

وقتی رسیدن موهام بافته شده بود!

اما بعدش..

- اما وقتی تو از فیلیپین رفتی اوضاع خیلی دراماتیک بود

چون یکی از دوستای خیلی نزدیکش کشته شده بود، و وقتی داشت به فرودگاه می‌رفت ...

اون زمانی بود که تو گروهی رو دیدی که جسد رو میاوردن

- آره. دو روز قبل از این که کشور رو ترک کنم، یکی از دوستام، همکارام و یک فعال حقوق بشر

ربوده شده بود، با یک رهبر دیگه که با اون هم کار می‌کردم

وقتی گزارش اومد که ربوده شدن،

جسدشون در حالی که به وحشیانه به قتل رسیده بودن پیدا شد

در حالی که از شکنجه مرده بودن. چاقو خورده بودن، تو صورتشون شلیک کرده بودن

و ... من تصمیم گرفتم که نرم خارج. همین‌جا می مونم چون فکر کنم بهم احتیاج بشه

کلی کار هست که باید انجام بشه

و بعد همکارم گفت: نه این الان مهم تره و تو باید داستان رو با خودت ببری بیرون

ما دستمون به رسانه های جهانی نمی رسه

برو خارج، داستان رو بگو. از هر راهی که می‌تونی. پس من رفتم

تاکسی ای که داشت من رو به طرف فرودگاه می‌برد این طرفی می رفت و بعد راهمون بسته شد

به خاطر یک مراسم تشییع. مراسم رفیقم!

این شد خداخافظی من. پروازم دیر نشد...

اما این جا هم دسترسی به رسانه ها سخت بود. رسوندن داستان به رسانه ها سخت بود

پس شروع کردم به استفاده از تئاتر. اولش برای تنهایی توی خیابون اجرا می‌کردم

و بعد مهاجرهای فیلیپینی به من پیوستن. و الان یک گروه کوچک از هنرمندها داریم

بعضی وقت ها همدیگه رو برای خاطر مسائل زیادی می‌بینیم

و بعد شروع کردیم به ارتباط با گروه های دیگه

و فکر کنم بزرگ ترین موفقیتی که تونستیم به دست بیاریم

مربوط بود به زمانی که شروع کردیم به کار کردن با مهاجران مستند نشده (غیر قانونی)

اولش حرف زدن با هم برامون سخت بود. زبان هم رو نمی‌فهمیدیم

اما بعدش شروع کردیم به خوندن، طبل زدن، نقاشی کردن، رقصیدن ...

و بعدش دیگه همه با هم از طریق موزیک حرف می‌زدن

و الان فکر می‌کنم باید بگیم اگه می‌خواین با هم ارتباط برقرار کنید باید با راه خلاقی باشه

گروه‌ها و نشست ها استفاده خودشون رو دارن

اما در ابتدا برای آب کردن یخ، برای ایجاد ارتباط، برای شکست فاصله بین مردم

تئاتر و هنر راه خوبی برای شروعه

اما فکر می‌کنم با این که خیلی موثره،

نباید به عنوان یک آلترناتیو (راه دوم) برای دشواری‌های مردم در نظر گرفته بشه

شاید یک ابزار باشه

- آره. مثل یه سلاحه

- شاید یه سلاح. آره! فکر کنم کلمه مناسب تریه. یه اسلحه

اما تو نمی‌تونی تنهایی موفق بشی

باید استعداد و مهارت ها و هنرت رو صرف سازمان دهی مردم کنی

- همیشه کار جمعیه که جواب می‌ده

کتاب دستور جامعه مدنی - تهیه شده توسط سهند صاحب‌دیوانی - دوربین و تدوین با بِنِیه

کاری از عرصه سوم و مضراب

—

مافیای مداحی و جامعه مدنی

2014-02-13 · Archive ID 3467
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3467

عرصه سوم- سعید آگنجی: مداحی در ایران پدیده ای جدید با قدمتی تاریخی است. جدید از این منظر که منجر به شکل گیری شبکه جدید در لایه های اجتماعی ایران امروز شده است و قدیم از آن منظر که رابطه مدح و قدرت ریشه ای تاریخی در فرهنگ ایران دارد.

اما این شبکه چگونه شکل گرفت؟ چه کارکردی در جامعه مدنی ایران دارد و چه نقشی در میان جامعه مدنی و ساختار قدرت بازی می کند؟

اوائل دی ماه، محمود کریمی از مداحان مشهور درجریان یک درگیری ناشی از در یک سانحه رانندگی،با اسلحه کمری خود شش گلوله به خودروی مقابل شلیک و صحنه را ترک کرد.

وقتی سرنشینان خودروی پژو ۲۰۶ از مداح تیرانداز شکایت کردند و مشخص شد وی مداحی است در حضور رهبر ایران مراسم اجرا می کند ، پرسش های عمومی در این باره که این پرونده به کجا خواهد رسید، صفحه‌های روزنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را درنوردید. با این وجود، پس از مدتی شکایت کنندگان شکایت خود را پس گرفتند و پرونده مختومه شد.

پس از این اتفاق پرسشی برای جامعه ایران طرح شد که چرا مداحان می توانند اسلحه داشته باشند و چرا از حمایت دستگاه قضایی و امنیتی برخوردار هستند؟

دربهمن ماه عبدالحسین مختاباد خواننده و عضو شورای شهر تهران در نامه ای به برخی دانشجویان اصول گرا که به برگزاری کنسرت او در برج میلاد انتقاد قرارداشتند نوشت:"دوستانی که این حرف‌ها را می‌زنند تشریف ببرند و از برخی از آقایان مداح که بنرها و تبلیغات آن‌ها در اقصی نقاط شهر نصب می‌شود و بنا به گفته‌ها شرکت‌های خصوصی دارند و صادرات و واردات انجام می‌دهند و در کار خرید و فروش کشتی هستند، بپرسند که این پول‌ها را از کجا آورده‌اند و هزینه این تبلیغات وسیع آن‌ها چگونه تأمین می‌شود".
البته او هیچ گاه به اینکه کدام یک از مداحان به کار صادرات و واردات مشغولند اشاره نکرد اما به گمانه زنی ها در خصوص قدرت و مصونیت فراقانونی این گروه دامن زد.اما مداحان کیستند و چطور به گروهی با مصونیت آهنین تبدیل شدند تا جایی که برخی از آنها به عنوان «مافیای مداحی» یاد می کنند؟

سابقه جریان مداحی در ایران

گرچه بنابه برخی از نظرات، سابقه‌ی مداحی در فرهنگ ایران و ایرانی به دوره‌های ماقبل تاریخ اسلام بازمی‌گردد، اما باید ظهور این نوع از مداحی را مربوط به دوره‌ی بعد از تجزیه امپراطوری عباسی و بوجودآمدن دولتهای شیعی در جهان اسلام بویژه در دوران صفویه دانست.
از سوی دیگر مسافرت‌های ناصرالدین شاه به اروپا و تماشای تئاترهای اروپایی نقش مهم و عمده‌ای در ظهور این مراسم ها داشته است. تکیه‌ها و تعزیه‌ها به مرور به تأسی از شاه در تمام نقاط کشور راه‌اندازی شد. با گذشت زمان روحانیت نیز در ترویج این شیوه تایید و تشویق کرد.

در دوره پهلوی اول برگزاری مداحی ممنوع شد اما به دلیل پیوند برگزارکنندگان این مراسم‌ها با طبقات مختلف جامعه فراموش نشد. در دوره پهلوی دوم این مراسم‌ها بیشتر در سطح طبقات پایین جامعه و همچنین متوسط

سنتی که نماینده روشن آن بازار بود ریشه‌های بیشتری یافت. بعد از انقلاب با آمیخته شدن شعرهای حماسی و گاهاً مرثیه‌گونه در دوران جنگ، بخشی از این مراسم –یعنی مدیحه‌سرایی- بطور چشمگیری در کانون توجه و استفاده قرار گرفت.

در واقع جنگ هشت ساله ایران و عراق نقطه عطفی برای جریان مداحی جدید در ایران بود. در این دوره مداحان زیادی فعال شدند و نفوذ زیادی نیز در ساختار حاکمیت پیدا کردند. برای مثال از صادق آهنگران و غلام کویتی پور می توان نام برد. میزان نفوذ مداحانی همچون آهنگران به قدری بود که در جریان حمله های نظامی از او پیش از حمله برای تشویق سربازان برای حضور در عملیات های نظامی استفاده می شد. او پس از جنگ سمت سرداری گرفت. بسیاری از مداحان دیگر که در جریان جنگ مشهور شده بودند نیز به خاطر حضور در جبهه های جنگ سمت های بالایی در سپاه پاسداران دریافت کردند.

اما بعد ازجنگ و فوت آیت الله خمینی جریان مداحی پا به عرصه تازه ای گذاشت که سردمدار آن شخصی به نام حسین سازور است. حسین سازو ر یکی از نیروهای بیت آقای خامنه ای و مسئول یکی از قسمت های حفاظت اطلاعات بیت رهبری بود. او که یکی از نیروهای مورد اعتماد رهبر جمهوری اسلامی توانست نسبت به دیگر مداحان جایگاه مهم تری در بیت رهبری داشته باشد و همین موضوع باعث شد که هدایت جریان مداحی در ایران در دست بگیرد.

حسین سازور بعد از خارج شدن از بیت رهبری، به دلیل اینکه از گذشته مسئولیت چندین هیئت مذهبی بزرگ در تهران و کشور را عهده دار بوده و همچنین رابطه نزدیکی با هیئت رزمندگان وابسته به سپاه پاسداران داشته، توانسته است رهبری هیئت های عزاداری و شبکه مداحی را در دست بگیرد.

مداحان، واسطه سلطه قدرت بر جامعه مدنی

مداحان افرادی هستند که اکثرا در خانواده های مذهبی بزرگ شده اند و در مقاطع زمانی مختلف در پیوند با جنگ و مناسبت های مذهبی، اندک اندک با طبقه ای که خاستگاه حکومت در آن قرار گرفته است ارتباط برقرار کرده، در آن نفوذ و خود را با سرچشمه های قدرت نزدیک کردند.

این ارتباطات بعد از انقلاب ابتدا در حاشیه جنگ شکل گرفت. مداحان موتور محرکه تبلیغ و ترویج پیام های نظام جمهوری اسلامی بودند و تهییج احساسات انقلابی نقش جدی ایفا می کردند. همین موضوع باعث شد بعد از جنگ هم مورد حمایت قرار بگیرند و نه تنها راه آنها به صداوسیما باز شد، بلکه عملا برای تبلیغ ماموریت های سیاسی، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و نیز یارگیری برای گروه ها و افراد سیاسی درون حاکمیت مورد استفاده قرار گرفتند.

چنین دسترسی هایی همراه با حمایت های مالی و همچنین دسترسی آنها به قدرت سیاسی و امنیتی بود. آنان توسط افراد و نهاد های وابسته به حاکمیت مانند هیئت رزمندگان حمایت می شدند. تشکیلاتی که در دوران اصلاحات نیاز فراوانی را به سازماندهی نیرو احساس می کردند.

این هیات پس از جنگ از سوی تعدادی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران از جمله سردار نجات (فرمانده سپاه ولی امر و قائم مقام شورای عالی امنیت ملی)، سردار محمد اسماعیل کوثری، سردار باقری، سردار سعدالله زارعی، حجت الاسلام احمد خاتمی، علیرضا پناهیان، حجت الاسلام سعادتی، حاج صادق آهنگران و سردار مداحی تاسیس شد. آنان شبکه گسترده ای را در کشور ایجاد کردند و در تمامی استانها و شهرها شعبه زدند و عموماً از فرماندهان سپاه همان شهر و استان به عنوان رئیس هیئت آنجا استفاده کردند.
این جریان از مداحان که به نحوی جریان سنتی محسوب می شوند با حمایت و به وسیله امکاناتی که توسط سپاه پاسداران در اختیارشان قرار گرفت به عنوان یکی از بازوهای هیئت رزمندگان سپاه، شروع به سازماندهی نیرو در سراسر کشور کردند. احترام سیستم به این افراد در حدی است که یک روز در سال (تولد دخت پیامبر اسلام) به پیشنهاد حسین سازور برای مداحان در حسینیه "امام خمینی" دیداری با آقای خامنه ای اختصاص داده می شود. در صورتی که بسیاری از اقشار و جریانات بسیار با نفوذ از گرفتن چنین امتیازی محروم مانده‌اند و حتی کارتهای ورود به مراسم آن روز در اختیار سازور قرار داده می‌شود تا همه زیر چتر وی جمع شوند.

جایگاه مداحان در کشور امروزه در سطحی است که می توان آنان را در طراز روحانیت و حتی رقیبی جدی برای آنان به شمار آورد. نقش مداحان در جامعه مدنی موضوع پرونده ای خواهد بود که در آینده به آن بیشتر پرداخته خواهد شد.

نظرات وارده لزوما دیدگاه عرصه سوم نیست .

—

افتتاح نمایشگاه محیط زیست با حضور سازمان های مردم نهاد سبز

2014-02-13 · Archive ID 3471
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3471

عرصه سوم: سیزدهمین نمایشگاه بین المللی محیط زیست امروز با شعار اقتصاد سبز- توسعه پایدار با حضور63 سازمان مردم نهاد سبز، شرکت های داخلی و خارجی و مقامات ایرانی و خارجی در تهران افتتاح شد.

در این مراسم اسحاق جهانگیری معاون رئیس جمهور بیان کرده است منابع محیط زیست در معرض تخریب است به این دلیل که سه برابر استفاده از ظرفیتهای طبیعی کشور از منابع بهره برداری شده است.

این نخستین بار است که یک مقام ارشد دولتی بی پرده درباره تخریب زیستگاه ایرانیان سخن گفته است.
به گفته آقای جهانگیری به واسطه آلودگی هوا و آلودگی آبهای سطحی و برداشت غیر متعارف از آبهای زیر زمینی کیفیت زندگی مردم کاهش پیدا کرده است.
وی همچنین گفته است در حال حاضر سه برابر ظرفیت منابع طبیعی کشور مورد بهره برداری قرار گرفته و همین امر محیط زیست کشور را در معرض تخریب قرار داده و درکنار تمام مسائل پدیده گرد وغبار 23 استان کشور را فرا گرفته و مردم را در معرض آسیب های جدی و مهم قرار داده است.

نمایشگاه محیط زیست با هدف آشنا کردن صنعت گران و مردم با فن آوری های پاک در جهان هر ساله در تهران برگزار می شود.
به گفته خانم ابتکار رییس سازمان محیط زیست این نمایشگاه یک اقدام راهبردی برای حمایت از فعالین اقتصادی است که ملاحظات زیست محیطی را در کارهای خود رعایت کرده و یا در عرصه‌های مربوط به فناوری‌های محیط زیست سرمایه گذاری کرده‌اند.

به گفته مسئولان سازمان محیط زیست تعداد سازمان های مردم نهاد محیط زیستی در این نمایشگاه در مقایسه با سال گذشته 10 برابر شده است. در این نمایشگاه همچنین 293 شرکت داخلی و خارجی شرکت کرده اند.
شرکت های خارجی شرکت کننده در این نمایشگاه از کشور های آلمان، فلاند و ایتالیا هستند.

در این نمایشگاه همچنین قرار است مناظره هایی نیز درباره "مدیریت منابع آب، صید و شکار" و همچنین "تنوع زیستی و تعامل با حیوانات" صورت گیرد اما اکثر مناظره کنندگان مقامات دولتی هستند و نمایندگان سازمان های مردم نهاد در این مناظره ها حضور ندارند.

حضور سفیر ایتالیا در تهران در این نمایشگاه و همچنین وزیر امور محیط زیست ارمنستان نیز از دیگر ویژگی های این نمایشگاه است.

لوکا جان سانتی امروز از نخستین حضور ایتالیا در زمینه در این نمایشگاه و همکاری‌های زیست محیطی با ایران خبر داد و گفت امیدوار است در آینده نزدیک شاهد گسترده تر شدن روابط دو کشور در امور محیط زیست باشد.

وزیر محیط زیست ارمنستان نیز در این مراسم از توافق دو کشور برای احداث پارک صلح و دوستی ارس در مرز مشترک میان ایران و ارمنستان خبر داده است.

—

اعتراض فعالان مدنی به ادامه حصر رهبران جنبش سبز

2014-02-14 · Archive ID 3477
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3477

عرصه سوم: فعالان مدنی خارج از کشور در سومین سالگرد حصر رهبران جنبش سبز، در تدارک برگزاری مراسم اروپا و آمریکا برای بزرگداشت یاد زندانیان و آسیب دیدگان جنبش و همچنین بیان اعتراض خویش به ادامه حصر زهرا رهنورد، مهدی کروبی و میر حسین موسوی هستند.

به همین مناسبت قرار است مراسمی در بعد از ظهر جمعه در دانشگاه کلمبیا واقع در واشنگتن برگزار می گردد. در فراخوانی که برای شرکت در این مراسم منتشر شده نوشته شده است:"
سی و شش ماه تمام است که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که از پایگاه اجتماعی این اعتراض و از توان بسیج اجتماعی در پرتو آن بیمناک است، این سه تن را به حصر کشانده، و دهها معترض دیگر را همچنان در حبس نگه داشته است. وحشت حکومت از حرکت اعتراضی به صورت سرکوبی مردم نمودار گشته است."
قرار است در این مراسم حمید دباشی، عبدالکریم سروش، حسین کمالی، اکبر گنجی، علی میرسپاسی و تعداد دیگری از فعالان مدنی سخنرانی کنند.
در پاریس نیز قرار است مراسم مشابهی فردا با سخنرانی اردشیر امیرارجمند، بابک امیرخسروی، شیرین عبادی، تقی کروبی، و حسن یوسفی اشکوری، سالن آژه‌کا برگزار شود.

از سوی دیگر فعالیت های کمپینی برای جمع آوری امضا در اعتراض به تداوم حصر نیز صورت گرفته است. تا کنون دو طومار خطاب سران نظام جمهوری اسلامی و حسن روحانی رییس جمهوری تهیه شده و فعالان مشغول گردآوری امضا هستند.

در همین راستا کانون مدافعان حقوق بشر ایران نیز در بیانیه‌ای تداوم این بازداشت‌ها را «اصرار بر قانون‌شکنی» خواند. در این بیانیه تاکید شده است که "حصر این افراد با اِعمال شرایط امنیتی شدید همراه بوده" و "محصورشدگان حتی از داشتن نور و هوای تازه هم محروم بوده‌اند".

فعالیت کاربران ایرانی نیز در شبکه های اجتماعی این روزها پر رنگ تر شده است. انتشار عکس و گزیده سخنان رهبران جنبش سبز، دعوت به امضای طومار و به اشتراک گذاشتن تصاویر مربوط به تظاهرات 25 بهمن این روزها در شبکه های اجتماعی به وفور دیده می شود.

این در حالی است که حسن روحانی رییس جمهوری وعده داده بود زمینه آزادی رهبران جنبش سبز را فراهم خواهد ساخت اما تا کنون این نشانه ای برای برداشته شدن حصر دیده نشده است.
محسنی اژه ای دادستان کل کشور اخیرا در خصوص آخرین وضعیت رسیدگی به پرونده همراهان در حصر جنبش سبز گفته است افرادی برای رفع حصر بی‌جهت تلاش می‌کنند، به نتیجه هم نمی‌رسند و تا زمانی که سران فتنه توبه نکنند و بر این موضع باشند به هیچ وجه کار دیگری انجام نمی‌شود و شرایط مثل سابق خواهد بود.
هفته گذشته اعلام شد مهدی کروبی از آپارتمانی که در آن محصور شده بود به منزل شخصی خویش منتقل شده است اما شرایط حصر تغییری نکرده است.

—

همایشی در تهران برای شبکه سازی سمن ها در منطقه اکو

2014-02-18 · Archive ID 3481
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3481

عرصه سوم: همایش منطقه ای شبکه سازی سازمان های غیردولتی روز دوشنبه با مشارکت تعدادی از سازمان های مردم نهاد منطقه اکو و همچنین اروپایی در تهران برگزار شد.

هدف این نشست شبکه‌سازی سمن های فعال در حوزه مواد مخدر و نهایی‌کردن اساسنامه شبکه "کاهش تقاضا و کاهش آسیب مواد مخدر" در منطقه اعلام شده است.

در این همایش عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور گفته است حمایت و تقویت سمن‌ها را جزء برنامه‌های قطعی خود می داند. او از عزم دولت برای دستیابی به مردم‌سالاری دینی سخن گفته و همچنین تشکیل، دوام و قوام جامعه مدنی و تحقق توسعه پایدار از طریق مشارکت مردم به ویژه بخش خصوصی و سازمان‌های مردم نهاد.

به گفته مدیر دفتر سازمان‌های مردم‌نهاد ستاد مبارزه با مواد مخدر، این همایش توسط جمعیت خیریه "تولد دوباره " برگزار شده است.
جمعیت "تولد دوباره" سه سال گذشته میزبان اولین نشست سازمان های غیردولتی کشورهای عضو اکو در تهران بود. هدف از این نشست برگزاری جلسات بحث و تبادل نظر میان نمایندگان این سازمان‌ها با هدف تشکیل شبکه‌ای از سازمان‌های غیردولتی کاهش تقاضای مواد برای فعالیت در منطقه بود.

در این نشست شرکت‌کنندگانی از کشورهای افغانستان، پاکستان، آذربایجان، تاجیکستان، ترکیه، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان، روسیه، بحرین، فرانسه و ایران حضور داشتند.
از نمایندگان برخی از سازمان‌های غیردولتی منطقه‌ای و بین المللی فعال در زمینه کاهش تقاضا نیز برای حضور در این نشست دعوت به عمل آمده بود تا تجربیات خود در زمینه شبکه سازی و فعالیت‌های شبکه‌ای را به اشتراک بگذارند.

وزیر کشورهمچنین در این نشست اعلام کرد 1200 سمن در زمینه درمان و بازتوانی معتادان در ایران فعالیت می کنند. رحمانی فضلی که همزمان دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز است مدعی شده است سمن‌های فعال در بخش مبارزه با مواد مخدر از حمایت‌های مردمی بیشتری برخوردارند.
به گفته وی آنچه که به‌عنوان یک برنامه مطلوب برای ایران محسوب می‌شود، تجربه برگزاری این نشست در تمامی کشورهای منطقه است؛ ضمن آنکه تهران تجربه برگزاری اولین نشست سازمان‌های مردم نهاد کشورهای عضو اکو در دی ماه ۸۹ را در کارنامه خود دارد.
در آن نشست، هیئت‌های شرکت‌کننده با تاسیس دبیرخانه شبکه و شبکه‌سازی سازمان‌های مردم نهاد در سطح منطقه موافقت کرده بودند.
در این همایش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، دفتر برنامه منطقه‌ای افغانستان و کشورهای همسایه،اتریش و لیتوانی نیز حضور داشته اند.

جمعیت خیریه تولد دوباره خود را يك سازمان خود جوش مردمی متشکل از ترک کنندگان مواد مخدر و فعالان دانشگاهی معرفی کرده است که موسسان آن با بهره گیری از الگوی «بسیج» و 20 سال تجربه کاربردی راه اندازی جمعیت های درمانی بهبودی پایدار معتادان، فعالیتهای خود را از سال 1373 در جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده اند.
این سازمان از جمله سازمان هایی است همکاری نزدیکی با دولت داشته و همچنین موفق شده است تا با گسترش فعالیت های داخلی و بین المللی اعتباراتی را برای خود کسب کند.

این جمعیت در توضیحی در این رابطه نوشته است :" در سال 1384 پس از بازدید هیات اتریشی نمایندگان سازمان سازمان ملل از دستاوردها و فعالیتهای این جمعیت، از میان سازمانهای غیر دولتی متعددی که نامزد دریافت جایزه بین المللی جامعه مدنی سازمان ملل بودند جمعیت خیریه ی تولد دوباره در کنار دو سازمان دیگر این جایزه را از آن خود نمود." جمعیت مورد اشاره این جایزه را مرهون حمایت های معنوی جمهوری اسلامی ایران دانسته است.

—

اعتراض بختیاری ها به «سرزمین کهن»؛ جای خالی اعتماد اجتماعی

2014-02-19 · Archive ID 3486
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3486

عرصه سوم-حمید مافی: سریال تلویزیونی سرزمین کهن بهانهی اعتراض چند روزه شهروندان بختیاری در نقاط مختلف ایران شد.

به باور یک جامعه شناس این اعتراضها به صورت کلی نشان دهنده برجسته شدن هویت بختیاریها به عنوان بخشی از جمعیت ایران و همچنین بیاعتمادی مردم به صدا و سیمای دولتی است.

سریال سرزمین کهن ساخته کمال تبریزی که بخشی از تاریخ ایران پس از حمله متفقین را روایت میکند، در همان سه قسمت نخست صدای اعتراض بختیاریها در ایران را بلند کرد. موج نخست اعتراضها در شبکههای مجازی آغاز شد و به فاصله کوتاهی شهروندان در شهرهای بختیاری نشین ایران به خیابان آمدند تا مسوولان دریابند که دامنه اعتراض اینبار فراتر از یک اعتراض مجازی است.

این اعتراض‌ها در شرایطی صورت گرفت که بخشی از مخاطبان این سریال در شبکههای مجازی، آن را یک سریال خوش ساخت دانسته و کمال تبریزی کارگردان سریال نیز گفته است که قهرمان داستان او یک بختیاری است و قصد توهین به شهروندان بختیاری را نداشته است.

در حالی که "تبریزی" بینندگان معترض را به صبوری و آرامش دعوت کرده بود، تجمع شهروندان در برخی از شهرهای ایران به درگیری ماموران امنیتی و شهروندان انجامید. پس از این درگیریها بود که به فاصله کوتاهی برخی نمایندگان مجلس و شخصیتهای سیاسی نیز به جمع معترضان پیوستند و محسن رضایی در مقام دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام از دیدارش با مسوولان شورای امنیت ملی خبر داد. سرانجام پخش این سریال به منظور بازبینی و اصلاح متوقف شد تا دامنه اعتراضها افزایش نیابد.

زبانی که مشترک نیست

واکنش شهروندان به سریال سرزمین کهن در شبکههای مجازی متفاوت است. در صفحه فیس بوکی این سریال در حالی که برخی توقف پخش آن را نشانه پیروزی شهروندان بختیاری و پاسخ مسوولان دولتی به خواسته شهروندان دانستهاند، بخشی نیز از این واقعه ابراز ناراحتی کرده و خواستار صبوری مردم برای تماشای سریال شدهاند.

حامیان توقف پخش سریال در واکنش به ابراز تاسف بخشی دیگر از مخاطبان سریال معتقدند که آنها زبان معترضان را نمیفهمند. به باور معترضان این سریال یکی از اقوام ایرانی را تحقیر کرده و اعتراض آنها واکنشی طبیعی به این تحقیر دنبالهدار است.

یک شهروند که توقف پخش سریال را حداقل پاسخ به مطالبه بختیاریها میداند به عرصه سوم میگوید: " این سریال تحقیرآمیز است. شاید هم بهانهای است برای واکنش بخشی از شهروندان به همه تحقیرهایی که لرها و بختیاریها تحمل کردهاند. چرا هر کجا که میخواهند سادگی را به صورت منفی نشان دهند، از لرها استفاده میکنند؟ سهم ما از صدا و سیمای که ملی است و با بودجه عمومی اداره میشود جز تحقیر و توهین چه بوده است؟"

تحلیلگران وضعیت اجتماعی ایران نیز بر این باورند که میتوان این اعتراضها را نشانهای از شکاف میان شهروندان ایران دانست. خالد توکلی، جامعه شناس و تحلیلگر مسائل اقوام در ایران در این باره به عرصه سوم میگوید: "شکاف قومیتی در ایران وجود دارد اما در خصوص بختیاریها این مساله به ندرت دیده میشود اما این اعتراضها به صورت کلی نشان دهنده برجسته شدن هویت بختیاریها به عنوان بخشی از جمعیت ایران است."

او میگوید: "مساله دیگری که باید در نظر داشت، بیاعتمادی مردم به صدا و سیمای دولتی است. این هم دلیل دارد؛ صدا و سیما از کارشناسان و جامعه‌شناسان آشنا به مسائل استفاده نمیکند."

کاهش اعتماد شهروندان به صدا و سیما و گرایش آنان به تماشای شبکههای ماهوارهای در سالهای اخیر بارها محل بحث بوده است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی چندی پیش گفت : "71 درصد شهروندان از ماهواره استفاده میکنند." یک مقام مسوول در نیروی انتظامی نیز اعلام کرده است که 70 درصد کسانی که ماهوارههای آنان توسط نیروی انتظامی جمعآوری میشود، بار دیگر تجهیزات ماهواره نصب میکنند.

تنزل سرمایه اجتماعی

جامعه ایران را اگر بحرانی ننامیم، یک جامعه «در آستانه بحران» است که شکافهای فراوانی در آن وجود دارد. شکاف میان دولت و شهروندان که به صورت عینی و در منازعات سیاسی خود را نشان میدهد و یا شکاف میان گروههای سیاسی سهیم در قدرت، نمایانترین نمونههای شکاف ها در جامعه ایران هستند.

اما در بیرون از ساختار قدرت و سیاست نیز شکافهای متعددی را میتوان به چشم دید. شکاف میان مرکز-پیرامون، شکاف فقیر و غنی، دینداران و غیردینداران و ... از جمله شکافهای موجود در جامعه ایران به شمار میآیند.

در باره چرایی این شکافها باید توجه داشت که سرمایه اجتماعی و همبستگی اجتماعی در ایران روند کاهشی دارد و «اعتماد اجتماعی» به عنوان یکی از مولفههای اصلی سرمایه اجتماعی در ایران آسیب دیده است. در سالهای گذشته پژوهشگران و صاحبنظران نسبت به روند کاهنده سرمایه اجتماعی و به تبع آن اعتماد اجتماعی هشدار داده و از سیاستگذاران سیاسی و اجتماعی خواستهاند که راهکاری برای این مساله بیابند. افزایش جرایم عمومی و نزاعها، افزایش پروندههای ورودی به مراجع قضایی، افزایش تعداد چکهای برگشتی تنها نشانههایی از کاهش اعتماد اجتماعی در ایران هستند.

میتوان اعتراض شهروندان بختیاری به سریال سرزمین کهن را نیز یکی از پیامدهای کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی دانست. بختیاریها بر این باورند که صدا و سیمای دولتی که در مرکز قرار دارد، این سریال را به منظور تخریب این قوم ساخته است. بخشی از آنان در شبکههای اجتماعی انگشت اشاره را به سمت نام خانوادگی کارگردان سریال نشانه گرفته و نوشتهاند که این سریال را ترکها برای تخریب بختیاریها تولید کردهاند.

خالد توکلی در این باره میگوید: "این اعتراضها نشاندهنده بیاعتمادی شهروندان به صدا و سیما است. وقتی که صدا و سیما تنها از یک گروه کارشناس استفاده میکند و به نظر دیگران توجه نمیکند، درک درستی از وضعیت جامعه ندارد."

او غیبت نهادهای مدنی را هم یکی از علل اصلی بروز چنین مسائلی در جامعه میداند و میگوید: "در غیاب نهادهای مدنی، مردم و حکومت به صورت مستقیم رودروی یکدیگر قرار میگیرند در حالی که نهادهای مدنی میتوانند در چنین مواردی به عنوان حائل عمل کنند."

توکلی میگوید: "در غیاب نهادهای مدنی، نباید از وعدهها و برنامههای تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی هم غافل شد. آنها معمولا در انتخابات و برای این که رای بیشتری به دست بیاورند بر هویتهای قومی و منطقهای تاکید میکنند و این مساله را برجسته میکنند."

احساس غیرخودی بودن

"با پول نفت ما برنامه تلویزیونی میسازند تا ما را تخریب کنند." نوشته یکی از معترضان به پخش این سریال است. شاید بد نباشد اگر بدانیم که کهگیلویه و بویراحمد رتبه نخست را در تولید سرانه داخلی با احتساب نفت دارد، اما چنانچه نفت را از تولید سرانه داخلی حذف کنیم، این استان نیز در رتبههای انتهایی جدول تولید سرانه قرار میگیرد .
اما در بررسی شاخصهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کهگیلویه و بویراحمد وضعیت مناسبی ندارد. این استان هنوز هم در شمار استانهای محروم ایران قرار دارد و به لحاظ رتبهبندی کیفیت زندگی یکی از استانهای انتهایی جدول رتبهبندی است.

کهگیلویه و بویراحمد از نظر شاخص توسعه اجتماعی و سرمایه اجتماعی نیز در رتبههای انتهایی جدول رتبهبندی استانهای ایران قرار دارد. یافتههای یک پژوهش نشان میدهد که این استان از نظر شاخص سرمایه اجتماعی در رتبه آخر قرار دارد.

این بدان معنا است که این استان علیرغم اینکه نقش زیادی در تولید داخلی دارد، از سرمایهگذاری دولت محروم بوده است. وضعیت در لرستان به نسبت کهگیلویه و بویراحمد بدتر است و این استان رتبه نخست جمعیت بیکاران ایران را دارد.
همچنین هفت شهر استان خوزستان از جمله ده شهر نخست به لحاظ رتبه بندی بیکاران در ایران هستند. این در حالی است که خوزستان به لحاظ تولید سرانه داخلی با احتساب نفت دومین استان ایران به شمار میآید.

فقدان گفت و گو

صدا و سیما تنها رادیو و تلویزیون سراسری در ایران است که با بودجه عمومی اداره می‌شود و هیچ رقیب دیگری در داخل ایران ندارد. در سالهای گذشته هم سریالهای این سازمان با اعتراض شهروندان و گروههای صنفی روبرو شده است، اما مسوولان این سازمان توجهی به اعتراضها نکردهاند و این برای نخستین بار است که پخش یک سریال را به خاطر اعتراض شهروندان متوقف کردهاند.

مسوولان صدا و سیما در برنامههای خود بیش از آنکه به نیازهای مخاطبان توجه کنند، ایدئولوژی بخشی از حاکمیت را محور کار قرار دادهاند و کارشناسان این سازمان نیز معمولا از یک جریان سیاسی و فکری هستند.

سهم برنامههای محلی در شبکههای استانی صدا و سیما ایران اندک است و این شبکهها نیز همان مسیر شبکههای سراسری را دنبال میکنند. روایتهای صدا و سیما از وقایع تاریخی، سیاسی و اجتماعی عموما روایتهای یک سویه است و منتقدان این روایتها راهی به رسانه بی رقیب و ثروتمند ایران ندارند.

در چنین شرایطی و هنگامی که راهی برای گفتوگوی دو طرفه و فرصت سخن گفتن برای منتقدان فراهم نیست، منتقدان نیز راهکاری غیر از آنچه که در ماجرای سریال سرزمین کهن رخ داد، برای خود متصور نیستند.

نظرات وارده لزوما دیدگاه عرصه سوم نیست .

—

واکنش ها به توقیف آسمان: هدف سرکوب صداهای آزاد است

2014-02-21 · Archive ID 3489
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3489

عرصه سوم: هفته نامه آسمان هفت روز پس از روزنامه شدن، آسمانی شد. یک فعال رسانه ای می گوید هدف سرکوب صداهای آزاد است.

در واکنش به توقیف این روزنامه، ماشالله شمس الواعظین رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران نامه سرگشاده ای منتشر کرده است و قوه قضائیه را به پاسخ گویی فراخوانده است.

دکتر هرمیداس باوند روز پنج شنبه در گفت و گویی با تارنمای ایران وایر از تعطیلی آسمان به خاطر مصاحبه وی با این روزنامه ابراز شگفتی کرد. او گفت صحبتی نکرده است که بخواهد باعث تعطیلی این روزنامه شود. وی که خود یک حقوق دان ارشد است به ایران وایر گفته است:"من فقط یک نقل قول آوردم. چیزی را که مربوط به 35 سال پیش بود. الان هم همان را میگویم. 35 سال پیش 12 استاد دانشگاه بیانیه ای را درباره ی قصاص امضا کردند که آقای نجفقلی حبیبی به دستور آقای خمینی آنها را منفصل از خدمت کردند. من فقط یک اتفاق را تعریف کردم."

به گفته آقای باوند کلمه "لایحه غیر انسانی قصاص " صرفا بیان یک روایت تاریخی از یک بیانیه بوده است:" این کلمه، کلمه ای بود که امضاکنندگان بیانیه آن را استفاده کردند و من فقط آن اتفاق را تعریف کردم و به همین دلیل در نقل قول از آن کلمه استفاده کردم."

پس از توقیف این روزنامه و بازداشت مدیر مسئول آن، ماشاالله شمس الواعظین رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران با ارسال نامه سرگشاده ای برای صادق لاریجانی وی را مناظره طلبید. وی در این نامه و مصاحبه ای که با شبکه فارسی بی بی سی داشت اقدام قوه قضائیه را صرفا بهانه جویی خواند و گفت:" روزنامه‌نگاران توقیف شده و آسیب‌دیده کارنامه درخشانی در کشور و در کار رسانه‌ای داشته‌اند که اگر از کارنامه خود جنابعالی بیشتر نباشد قطعا کمتر نیست. چرا به فکر حل این مشکل نیستید؟ چرا روابط روزنامه‌نگاران کشور با قوه قضاییه رابطه شبیه جن و بسم الله است؟ چرا قوه قضاییه فقط چهره خشن خود را به روزنامه‌نگاران کشور نشان می‌دهد؟"

اما علی جنتی وزیر فرهنگ در واکنش به به توقیف آسمان تنها به این جمله بسنده کرد:" توقیف روزنامه دست ما نیست و به همین دلیل نمی‌توانم درباره آن اظهار نظر کنم".

روزنامه آسمان متشکل از مجموعه ای از روزنامه نگاران پر سابقه باقی مانده در داخل ایران بود که پیشتر در روزنامه هایی چون شرق، هم میهن و مجلاتی چون مهر نامه و آسمان فعالیت می کردند.
پس از توقیف اکثر روزنامه های سراسری اصلاح طلب در دولت احمدی نژاد، این تیم توانست با انتشار چند ماهنامه و هفته نامه کور سویی در تاریکی آن دوره باشد.

این روزنامه در قطع مترو و در۲۶ صفحه منتشر می شد. تحولات ایران و جهان ، راهبرد امروز ، جامعه ، ورزش ، دانش ، فن آوری ، حقوق ، تاریخ ، سینما،هنر ، دیروز نامه ، انرژی ، ادب و حکمت و اقتصاد از دیگر بخش های این روزنامه به شمار می رفت.

سردبیرش محمد قوچانی در نخستین روز انتشار این روزنامه نوشته بود:" آسمان عنوان اولین روزنامه روزگار اعتدال – اولین روزنامه ای که در دولت دکتر حسن روحانی مجوز نشر گرفته – بیش از همه باین پرسش روبروست که چگونه می توان هم روزنامه ای مستقل بود و هم معتدل ماند؟ روزنامه نگاری در روزگار اصول گرایی از نظرامنیتی کار دشواری بود اما از نظر حرفه ای همواره روزنامه مخالف منتشرکردن آسان تر از روزنامه معتدل منتشر کردن است."

انتشار این روزنامه با استقبال چهره های شاخص اصلاح طلب روبرو شد. محمد خاتمی رییس جمهوری پیشین در نامه ای برای گردانندگان این روزنامه نوشت:"«آسمان» که ستاره‌ای بود در آسمان کم‌ستاره ارتباطات مردمی و اطلاع‌رسانی آزاد و متعهد، خوش درخشید و خدای را سپاسگزاریم که از این پس به صورت روزانه منتشر می‌شود."
اما برای طیف وابسته به حاکمیت انتشار روزنامه آسمان خبر خوشی نبود. روزنامه کیهان در نخستین روز انتشار این روزنامه نوشته بود این روزنامه نسبت زیادی با هواداران جنبش سبز دارد."آسمان که خود را اولین روزنامه دوران اعتدال»(!) معرفی کرده، توسط «غلامحسین کرباسچی» اداره می‌شود و سردبیری آن را «محمد قوچانی» (سردبیر روزنامه توقیف شده «اعتماد ملی» متعلق به مهدی کروبی) برعهده دارد که در جریان حوادث فتنه ۱۳۸۸ بازداشت شد و در دادگاه حوادث فتنه محاکمه گشت."
روزنامه آسمان برای بسیاری از فعالان مدنی بویژه در داخل ایران امید تازه ای بود به باز شدن فضای آزادی بیان. هر چند آسمان بسته شده اما این امید هست تا اعتراض به توقیف آسمان زمینه ای برای گشایش بیشتر در فضای مطبوعات در کشور را ایجاد کند.

—

شعار آموزش به زبان مادری ، از حرف تا عمل

2014-02-22 · Archive ID 3495
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3495

عرصه سوم-محمدرضا سرداری: روز ۲۱ فوریه از طرف یونسکو به عنوان روز جهانی زبان مادری نامگذاری شده‌است .

نام گذاری این روز در کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۹ به منظور کمک به تنوع زبانی و فرهنگی صورت گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به دلیل اهمیت زیاد آن، سال ۲۰۰۸ را سال جهانی زبان‌ها اعلام کرد. اما این روز از تقویم رسمی ایران حذف شده است.

شاید به همین دلیل است که در ایران برگزاری این مراسم نیز منع شده است. بنا به گزارش نهادهای حقوق بشری ، در روز پنج شنبه و جمعه بیش از 50 تن از شهروندان آذربایجان شرقی در شهر اهر که برای گرامیداشت این روز در منزل یک فعال آذری جمع شده بودند، بازداشت شدند. بر اساس این گزارش ها، بازداشت ها با ضرب و شتم نیز همراه بوده است.

این اتفاقات در حالی صورت گرفت که یک روز پیش از این مراسم، شورای تامین امنیت استان آذربایجان شرقی در نشستی با برگزاری این مراسم مخالفت کرده بود. اما در مقابل شورای شهر تبریز مراسمی را برای گرامی‌داشت روز جهانی زبان مادری در تبریز به تصویب رسانده بود.

اما انتظار از دولتی که برنامه تدریس زبان مادری را در دستور کار خویش قرار داده است چیست؟ آقای روحانی پیش از ریاست جمهوری در برنامه انتخاباتی خویش اعلام کرد تدریس زبان مادری ایرانیان (کردی، آذری، عربی و...) بطور رسمی در سطوح مدارس و دانشگاه‌ها در راستای اجرای کامل اصل 15 قانون اساسی در دستور کار خود قرار می دهد.
وی پس از انتخاب شدن و هنگام اخذ رای اعتماد وزرایش در مجلس نیز این شعار را تکرار کرد. "ما باید به خرده‌فرهنگ‌ها احترام بگذاریم، باید اصل ۱۵ قانون اساسی را اجرایی و عملیاتی کنیم و این کار می‌تواند از دبستان آغاز شود و در مراحل مختلف تا پایان دوره متوسطه ادامه باید."

تدریس به زبان مادری اما تبدیل به یک اصل در پیش نویس منشور حقوق شهروندی نگردید. در حالی که انتظار می رفت از این مطالبه مهم قومی با جزئیات بیشتری یاد شود، صرفا به این بند اکتفا شد که "احترام به تنوع فرهنگی، مذهبی، زبان و قومی شهروندان تکلیف دولت است."

شاید از منظری تحلیل برخی درست باشد که دولت روحانی تحت فشار تندروها است و نمی تواند در مقابل برخی از اقدامات تضییع کننده حقوق شهروندی با سایر دستگاه ها درگیر شود. از این منظر، بسته شدن روزنامه آسمان نباید بستری برای رویارویی دولت و قوه قضائیه فراهم سازد زیرا بازنده نهایی دولت خواهد بود و نهایتا به تضعیف آن منتهی خواهد شد.
اما برخی تصمیمات از سوی دستگاه های دولتی گرفته شده و اجرا می گردد. مخالفت شورای تامین با برگزاری مراسم به معنی مخالفت استاندار و استاندار نماینده عالی دولت در استان است. بازداشت ها از سوی اداره اطلاعات صورت می گیرد که عالی ترین مقام آن عضو دولت است.

این در حالی است که این اتفاق می توانست به شکل دیگری رخ دهد. با برگزاری یک مراسم عمومی سراسری در استان های قومی نشین و دعوت از فعالان قومی برای بزرگداشت این روز شعار آقای روحانی نیز تحقق می یافت و فعالان آذری نیز به جای زندان در این مراسم حضور می یافتند.

حال به نظر می رسد اتفاق رخ داده در استان آذربایجان شرقی مفهومی چون آرایش نامطلوب در تیم روحانی ندارد. دولت روحانی در ستاد یک سخن می گوید اما در صف مجریان به نحو دیگری عمل می کنند. این نشانه ای است که ترکیب فعلی دولت در مجموع توان عملی کردن شعارهایی که وی در انتخابات داده بود را ندارد.

نظر وارده لزوما دیدگاه عرصه سوم نیست .

—

بسته شدن «آسمان» و مرزهای باز خودسانسوری

2014-02-23 · Archive ID 3500
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3500

عرصه سوم-نعیمه دوستدار: تعطیلی هر روزنامه مثل قطع کردن شاخه‌ای از درخت آزادی است، به خطر انداختن امنیت روانی و شغلی ده‌ها روزنامه‌نگار است و تنگ‌ترشدن فضای نقد و تحلیل .

برای هیچ روزنامه‌نگاری، توقیف و تعطیلی پذیرفتنی وقابل گذشت نیست.

از این لحاظ، تعطیل شدن روزنامه آسمان آن هم در حالی که تنها شش شماره از انتشار آن می‌گذشت، برای اهالی مطبوعات ایران که امید داشتند در فضای ایجاد شده به اسم «امید و اعتدال»، آزادانه‌تر فعالیت کنند، خبری تلخ است. خبر تلخی که یک بار دیگر بی‌اعتباری وعده‌ها درباره آزادی مطبوعات و امنیت شغلی روزنامه‌نگاران را یادآوری می‌کند و امیدها را نسبت به ایجاد تغییر، ناامید.

در حالی که روزنامه‌نگاران زیادی به دنبال ریاست جمهوری حسن روحانی، انتظار و امید داشتند که فضا برای فعالیت روزنامه‌های نزدیک به اصلاح‌طلبان بازتر شود، قوه قضاییه ایران نشان داد که چندان با سیاست‌های قوه مجریه موافق و همسو نیست و با کوچک‌ترین فشاری از سوی نیروهای تندرو، مجرای تنفس رسانه‌های آلترناتیو را می‌بندد.

مروری بر اخبار منتشر شده از سوی خبرگزاری فارس در واکنش به مطلب مسأله‌ساز روزنامه آسمان، نشان می‌دهد که دست تندروها برای فشار آوردن به قوه قضاییه همچنان باز است؛ در حالی که وزیر ارشاد ایران، حتی توضیحی هم برای توقیف روزنامه آسمان ندارد و همچنان در حاشیه و تدارکاتچی است.

در کنار این ماجرا اما نکته‌هایی هم از سوی مخاطبان و روزنامه‌نگاران مطرح شد که جای تامل دارد. عده‌ای در واکنش به تعطیلی این روزنامه به دلیل چاپ مطلبی که در آن حکم «قصاص» با صفت «غیر انسانی» توصیف شده بود، این تعطیلی را به اهمال و بی‌دقتی مدیران و سردبیر روزنامه ربط داده‌اند که اگر کمی هوشیارتر عمل می‌کرد، راه انتشار آن را در نخستین روزهای تولدش نمی‌بست.

این واکنش از آنجا قابل توجه و تأمل است که در درون خود، خودسانسوری را یک اقدام عاقلانه و هوشیارانه تعریف و پیشنهاد می‌کند و به ممیزی و سانسور به دلیل وجود محدودیت‌های اجتماعی، قانونی و شرعی، مشروعیت می‌بخشد. بنا بر این تعریف، یک روزنامه‌نگار هرگز نمی‌تواند وارد مرزهایی شود که به نوعی حساسیت بخش‌هایی از جامعه را برمی‌انگیزد.

این در حالی است که حساسیت حکومت، مردم و بخش‌هایی از افکار عمومی در ایران آن‌قدر گسترده است که اگر بنا باشد بر مبنای مقتضیات آن عمل شود، عملا پرداختن به هیچ موضوعی و ارائه هیچ نقدی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و ... امکان‌پذیر نیست. به تعبیری، این حساسیت‌ها آن‌قدر گسترده و فراگیر شده‌اند که هر حیطه‌ای مشمول تقدس‌ها و خط قرمزها می‌شود.

در قدمی فراتر، نگاه به واکنش‌ها نسبت به تعطیلی روزنامه آسمان و حتی واکنش سردبیر آن، محمد قوچانی، که از اهمال پیش‌آمده در استفاده از کلمه «غیرانسانی» در مورد قصاص عذرخواهی می‌کند، بیش از هر چیز نشان می‌دهد که نه فقط مرزهای سانسور در ایران وسیع است، بلکه مرزهای خودسانسوری هم چنان گسترده شده که حتی روزنامه‌نگاران نیز آن را به رسمیت می‌شناسند و بابت آن عذرخواهی می‌کنند!

این مسأله در واقع ادامه همان سیاست مصلحت اندیشانه‌ای است که حاضر است بسیاری از ارزش‌های انسانی و حقوق بشری را به پای دوام چند روزه، قربانی کند و در مقابل به منتقدان خود انگ می‌زند که رادیکال عمل می‌کنند و توان کنار آمدن با شرایط را ندارند. کنار آمدنی که در این سال‌ها دستاوردی جز حذف شدن یا عقب‌نشینی بیشتر منتقدان، سانسور مضاعف و درونی‌تر کردن خودسانسوری در ایران نداشته است.

روزنامه‌نگار، شاعر و نویسنده مهمان شهر مالمو سوئد

نظر وارده لزوما دیدگاه عرصه سوم نیست

—

حصر، کانون بحث فعالان خارج از کشور

2014-02-25 · Archive ID 3505
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3505

عرصه سوم: حصر رهبران جنبش سبز همچنان کانون بحث فعالان مدنی خارج از کشور در شهرهای مختلف اروپا است .

روز یکشنبه در کلن، شیرین عبادی، اردشیر امیرارجمند، حسن یوسفی اشکوری، جمشید فاروقی، تقی کروبی، مهدی فتاپور و فواد تابان در یک نشست به آخرین وضعیت مربوط به حصر میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد پرداختند.

در این نشست اردشیر امیرارجمند، مشاور میرحسین موسوی که با اسکایپ سخن می گفت ابراز امیدواری کرد رفع حصر تا عید نوروز صورت گیرد. وی در عین حال گفت همه می‌دانند که این سه نفر اهل توبه نیستند چرا که گناهی مرتکب نشدند.
این اظهارات در شرایطی صورت می گیرد که بنا به نظرات برخی مقامات رسمی قضایی ایران، آزادی رهبران جنبش سبز مشروط به توبه آنان شده است.

امیرارجمند درباره وضعیت کنونی میر حسین موسوی و زهرا رهنورد همچنین گفته است تنها اتفاق مثبت در مورد حصر میرحسین موسوی و زهرا رهنورد منظم شدن ملاقات‌های آنها با دخترانشان است:" آنها همچنان از حقوق ابتدایی که هر زندانی از آن برخوردار است، محروم هستند. همچنین نگرانی‌ها در مورد سلامتی آنها وجود دارد چرا که امکان دسترسی به پزشک مورد اعتماد را هم ندارند."

تقی کروبی نیز دیگر میهمان اسکایپی این نشست بود. وی درباره آخرین وضعیت پدرش گفته است:" تنها خبر خوب در مورد حصر پدرم این است که ایشان پس از مدتی طولانی که در یکی از ساختمان‌های وزرات اطلاعات نگهداری می‌شدند به منزل شخصی خودشان منتقل شدند و مادرم در کنارشان است. ملاقات اعضای خانواده چهارشنبه هر هفته انجام می‌شود اما این نکته را هم باید اضافه کنم که یکی از برادرهایم ۱۳ ماه است که از داشتن ملاقات با پدرمان محروم است."

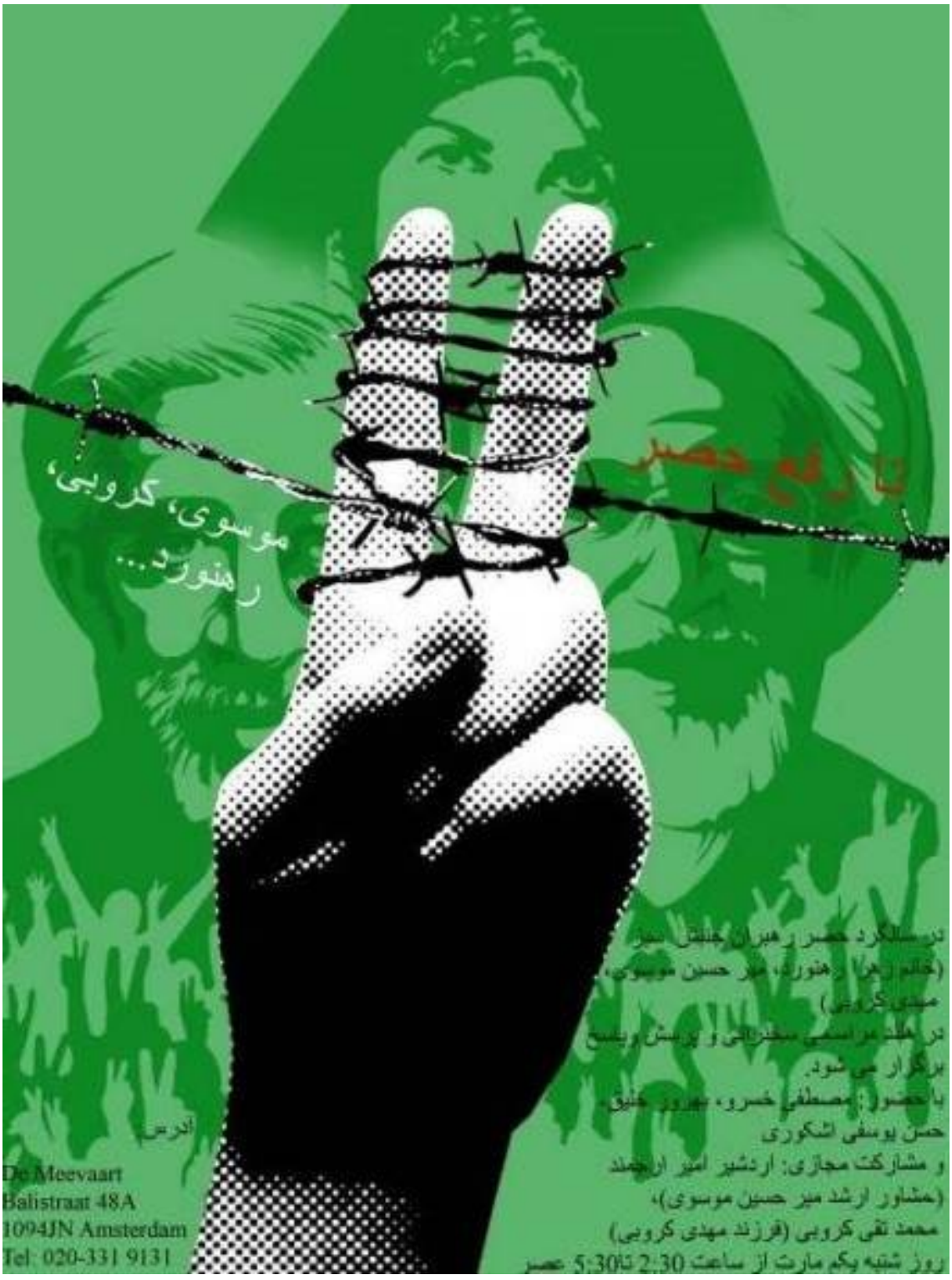
در این نشست تعداد دیگری از فعالان نیز سخن گفتند. جمشید فاروقی مدیر بخش فارسی دویچه‌وله در این نشست به کارکرد رسانه ها، سازمان های سیاسی و حقوق بشری در این سه جریان سازمان‌های مدافع حقوق بشر، سازمان‌های سیاسی و رسانه‌ها سخن گفت.
به باور وی حصر سران جنبش سبز را می‌توان از دو منظر حقوق‌بشری و سیاسی بررسی کرد و از این رو به همان میزان که سازمان‌های سیاسی باید مصلحت‌گرا باشند، سازمان‌های حقوق بشری باید مخالف این مسئله عمل کنند.
در این نشست شیرین عبادی آزادی این سه تن را تنها با همت مردم ایران عملی دانست. مهدی فتاپور از فعالان سیاسی نیز گفت سران جمهوری اسلامی دست به حبس ۱۳ میلیون نفر که امید به تغییر داشتند، زده اند. فواد تابان فعال سیاسی نیز در این نشست گفت بسیار مهم است که این رفع حصر طبق چه موازینی و با فشار چه گروه و جنبشی رقم خواهد خورد.

در گوتنبرگ سوئد نیز میزگردی با عنوان "حصر، سه سال صبوری و سرفرازی" برای بررسی ابعاد مختلف حبس و حصر غیرقانونی رهبران جنبش‌سبز، با سخنرانی محسن حیدریان، رضا طالبی، مرتضی کاظمیان و علی مزروعی برگزار شد.
در این میزگرد محسن‌حیدریان، پژوهشگر علوم سیاسی پدیده‌ای به نام "قدرت پنهان" در حکومت جمهوری

اسلامی را یکی از عوامل اصلی استمرار حبس و حصر غیرقانونی رهبران جنبش سبز ذکر کرد به باور وی این "قدرت پنهان" نقاط کلیدی ارکان تصمیم‌گیری اقتصادی و سیاسی ایران را در اختیار دارد.

رضا طالبی، کنشگر سیاسی و عضو مرکز آموزش کارگران سوئد نیز در سخنانی به نقد جنبش سبز پرداخت. وی "غیردموکراتیک بودن" ،"اختلاف و پراکندگی بسیار" و "عدم صداقت" چهره های شاخص جنبش سبز در خارج از ایران را سه مشکل اساسی این جنبش برشمرد.

مرتضی کاظمیان، روزنامه‌نگار و فعال ملی ـ مذهبی نیز در این نشست گفت جنبش اعتراضی زیر پوست جامعه ایران جاری است. این جنبش، متاثر از دگرگونی‌های اجتماعی است. تغییرات درحوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، در حوزه طبقه‌ی متوسط مدرن ایران، در بخش زنان و جوانان و ... که مطالبات خود را به اشکال گوناگون و در مقاطع مختلف، تعقیب می‌کند.
علی مزروعی عضو جبهه مشارکت نیز به ضرورت سازماندهی سرمایههای اجتماعی جنبش سبز اشاره کرد و گفت :" ما باید برای ایجاد جامعه مدنی، احزاب و نهادهای صنفی در کشور همت کنیم و در این راه نیروهای خارج ازکشور باید تلاش کنند تا به نیروهای داخل به منظور تقویت جامعه مدنی و سازماندهی سرمایه های اجتماعی جنبش، جهت بدهند. این یکی از راهکارهای تلاش برای رفع حصر است."



poster

قابل ذکر است شنبه آینده اول مارس مراسم مشابهی نیز در آمستردام با حضور تعداد دیگری از فعالان مدنی برگزار خواهد شد. مصطفی خسروی، بهروز خلیق، حسن یوسفی اشکوری برای سخنرانی به این مراسم دعوت شده اند. اردشیر امیر ارجمند و تقی کروبی نیز سخنرانان مجازی این نشست خواهند بود.

—

ایران، محور سمن های مبارزه با اعتیاد در منطقه

2014-02-27 · Archive ID 3512
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3512

عرصه‌سوم- رضا حاجی حسینی: خبرگزاری‌های دولتی در ایران خبر از انتخاب مدیر عامل یک سازمان مردم‌نهاد به عنوان دبیر کلی شبکه سازمان‌های غیردولتی منطقه در حوزه کاهش آسیب و تقاضای مواد مخدر داده‌اند .

این در حالی است که سالانه ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در رابطه با مواد مخدر در ایران بازداشت می‌شوند و عده زیادی به دلیل خرید و فروش آن پای چوبه دار می‌روند.

بر اساس گزارش‌ها، در آخرین روز از دومین همایش شبکه‌سازی منطقه‌ای سازمان‌های غیردولتی حوزه کاهش آسیب و تقاضای مواد مخدر، عباس دیلمی زاده، مدیر عامل جمعیت تولد دوباره، به عنوان دبیر کل شبکه سازمان‌های غیردولتی حوزه کاهش آسیب و تقاضای مواد مخدر، و محمد جواد غفاری، مدیر عامل جمعیت حمایت از بهبود یافتگان (S.R.S)، به عنوان خزانه‌دار این شبکه انتخاب شدند .

این همایش به مدت سه روز، با همکاری دفتر مقابله با جرم مواد مخدر سازمان ملل، ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران و جمعیت تولد دوباره، در تهران برگزار شد و به گفته حسن موسوی‌چلک، مدیر کل دفتر سازمان‌های مردم‌نهاد ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران، نمایندگانی از کشورهای تاجیکستان، افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان به عنوان سایر اعضای هیأت مدیره این شبکه برگزیده شدند.

موسوی چلک تأکید کرده که یکی از محورهای اصلی همایش شبکه‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کاهش آسیب در منطقه، انتخاب اعضای هیأت اجرایی، دبیرخانه اصلی و کشور محل استقرار این دبیرخانه بوده است که قرار شده در ایران مستقر شود.

رسانه‌های داخلی اما این خبر را با تکیه بر نام ایران و مبارزه دولتی با مواد مخدر انعکاس داده‌اند. به نظر می‌رسد جمعیت تولد دوباره نیز با وجود آن‌که یک «سازمان مردم‌نهاد» است اما رابطه نزدیکی با نهادهای دولتی دارد یا دست‌کم جزو منتقدان یا مخالفان سیاست‌های ایران در زمینه نحوه مبارزه با مواد مخدر نیست.
سیاست‌هایی که بر اساس آن‌ها سالانه عده زیادی در ایران اعدام می‌شوند و برخی از این اعدام‌ها، در ملاء عام انجام می‌شود.

این سازمان در معرفی خود آورده است:"جمعیت خیریه تولد دوباه یک سازمان خودجوش مردمی متشکل از توابان اعتیاد و فعالان دانشگاهی است که مؤسسان آن با بهره‌گیری از الگوی راهبردی "بسیج" و ۲۰ سال تجربه کاربردی راه‌اندازی جمعیت‌های درمانی- بهبودی پایدار معتادان، فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۷۳ در جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده‌اند."
در چشم‌انداز فعالیت‌های این سازمان هم آمده است:" انقلاب اسلامی، شرایطی را در کشور ما به وجود آورد که حتی سال‌ها پس از انقلاب، هنوز هم راه برای شکل‌گیری حرکت‌ها و برنامه‌های انقلابی دیگر هموار است. کشور ما پس از انقلاب، به جای استفاده از تکنولوژی وارداتی و وابستگی به غرب، با تکیه به دانش، عشق، ایمان و وحدت، زیر ساخت‌های عدم وابستگی و اتکا به دانش ملی را آغاز کرد و اکنون تبدیل به یک قدرت غیر وابسته در دنیا شده است."

علاوه بر این‌ها جمعیت «تولد دوباره» مدعی شده است که برای اولین بار در حوزه درمانی کشور موفق شده از وابستگی به الگوهای پرهزینه غربی برای درمان اعتیاد رها شود و یک الگوی ابداعی کم‌هزینه و در دسترس را بر مبنای ارزش‌های انقلابی و خدمات عاشقانه در کشور اسلامی راهبردی کند.
این سازمان خواهان گشایش راه برای صدور الگوی درمانی "پرهیز مدار، ایمان مدار" به جهان غرب و به‌خصوص آمریکا" شده است تا نشان دهد که"ایران اسلامی در اغلب زمینه‌ها، خودکفا و پیشتاز است".

این در حالی است که تازه‌ترین آمارها نشان‌دهنده کشف سالانه ۵۰۰ تن مواد مخدر در ایران است آن هم در شرایطی که از سال‌های پیش از انقلاب، مجازات‌های سنگینی برای قاچاقچیان مواد مخدر در نظر گرفته شده است.

بر اساس یکی از آخرین گزارش‌های سازمان ملل، در حال حاضر نزدیک به ۲۲۰ میلیون معتاد در سراسر جهان زندگی می‌کنند که از میان آن‌ها، بین ۱۵ تا ۱۹ میلیون نفر، مواد اعتیادآوری از نوع تریاک، مرفین، هروپین و ... استفاده می‌کنند. مرکز اصلی تولید این مواد افغانستان است و ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش، از مسیرهای اصلی قاچاق مواد مخدر به اروپا و آمریکا به شمار می‌رود.
برخورد با این قاچاقچیان از سال‌های ابتدایی شکل‌گیری جمهوری اسلامی و تشکیل دادگاه‌های انقلاب شدت بیش‌تری به خود گرفت و در حال حاضر در دادگاه‌های انقلاب شهرهای مختلف ایران، احکام اعدام بسیاری برای متهمان به قاچاق مواد مخدر صادر می‌شود.
همچنین به گفته مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با موادمخدر میانگین سن شروع مصرف مواد مخدر در ایران به ۱۵ سال رسیده است و این در حالی است که به گفته دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران، ۱۲۰۰ سازمان غیردولتی در درمان و بازتوانی معتادان مشارکت دارند.

—

فعالیت مدنی در تبعید: گفت و گو با انور میرستاری

2014-02-28 · Archive ID 3515
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3515

عرصه سوم-محمدرضا سرداری: چهره ساده و افتادگی در بیان، تصور عضویت در احزاب اروپایی را برای کسی که شاید تصور دشواری از این موضوع دارد را آسان می کند.

انور میر ستاری یکی از فعالان سیاسی چپ ایران است که در اواخر دهه شصت از ایران خارج شد و اکنون نزدیک به 28 سال است که در بلژیک زندگی می کند. وی تجارب بسیاری را در سال های اخیر آموخته و فعالیت هایش در حزب سبز بلژیک کوله باری از تجربه را برای وی به ارمغان آورده است. او اکنون علاقه مند است تا تجربیات خود را به نسل بعد خویش منتقل کند. با وی گفت و گوی مفصلی داشتیم و این گفت و گو را بتدریج منتشر خواهیم کرد .

بخش اول

آقای میر ستاری. چند سال است عضو حزب سبز بلژیک هستید و چه نقشی تا کنون در این حزب داشتید؟

حدودا 28 سال است که در بلژیک زندگی می کنم و از سال 1997 به سمت حزب سبز بلژیک کشیده شدم. در این حزب دو بار نامزد انتخاباتی شدم. در بلژیک سه منطقه فدرال به نام های والون ها، فلامانا و بروکسل وجود دارد. من بار نخست برای مجلس فدرال بروکسل و بار دوم برای منطقه دولت فدرال نامزد شدم.

آیا در داخل کادر این حزب نیز مسئولیتی داشتید؟

خیر. همیشه یک عضو ساده بودم و موقعیت خاصی در داخل حزب نداشتم و در حال حاضر نیز چون خارج از منطقه بروکسل زندگی می کنم و در منطقه "فلامانا نشین" که هلندی صحبت می کنند حضور دارم قانونا امکان فعالیت در منطقه بروکسل را ندارم اما همچنان به عنوان یک عضو ساده حزب و فعال محیط زیست در جلسات کمیته مرکزی حزب و همچنین جلسات مربوط به نمایندگان حزب سبز در پارلمان شرکت می کنم.

هر ماه نیز جلسات ماهانه مجمع عمومی هر منطقه برگزار می شود و از این رو چون از منطقه بروکسل هستم در این مجمع نیز حضور دارم. در این نشست تصمیمات مربوط به سیاست های حزب سبز در منطقه بروکسل گرفته می شود و یا انتخابات داخلی صورت می گیرد. همچنین این مجمع کارگروه هایی نیز در حوزه های مختلف از جمله پناهندگی، مهاجرت و مسائل دیگر نیز تشکیل می دهد که من نیز به تناسی علاقه مندی خودم به این کارگروه ها در آن نشست ها شرکت می کنم.

همچنین نقش یک مشاور را نیز در خصوص مسائل مربوط به ایران بازی می کنم. به طور مثال اگر حزب نامه ای در خصوص ایران دریافت کند و یا پرسشی درباره ایران وجود داشته باشد نظر من را نیز جویا می شوند.

در کنار این فعالیت ها در نشست احزاب سبز در پارلمان اروپا نیز شرکت می کنم و هدفم بیشتر خود آموزی و کسب تجربه است و آرزو دارم روزی بتوانم این تجربه را به نسل آینده در داخل ایران منتقل کنم.

چه انگیزه ای باعث شد تا فعالیتهای حزبی و اجتماعی را در بلژیک آغاز کنید؟

ببینید من نیز مثل همه پناهندگان سیاسی که در دهه شصت به اروپا آمدیم به قول دوستان بلژیکی، چمدان و ساک خود را باز نکرده بودم به امید روزی که دوباره به ایران بازگردم و این شوق بازگشت همچنان نیز وجود دارد. یعنی ذهن و فکر ما به ایران بود . فکر می کردیم برای مدت کوتاهی به اروپا آمدیم. حتی خیلی از دوستان ما به تصور بازگشت، از خرید وسائل نو برای زندگی خود اجتناب می کردند.

ولی پس از مدتی به این نتیجه رسیدم که می توان در کنار فکر کردن به ایران و زندگی دوباره در وطن، به زندگی در یک سرزمین جدید نیز ادامه داد و باید بتوانیم در جامعه جدید نیز ادغام شویم.

این تجربه ای است که در دوران کوتاهی که در زمان شاه در زندان بودم از زندانیان باز تجربه تر آموختم. این که محیط زندان گرچه زندان است اما محیط زندگی است و باید برای بهداشت و سلامت محیط آن تلاش کرد.

بنابراین قبول کردم که اگر چه این جا هم خانه من نیست اما محل زندگی من است و باید برای حفظ آن بکوشم.

و چه روندی طی شد تا به حزب سبز رسیدید؟

من ابتدا این جا راننده تاکسی بودم. بعدا توانستیم به اتفاق تعدادی از دوستان ایرانی، بلژیکی، یونانی، ایتالیایی، عرب و پرتقالی بزرگترین و فعال ترین سندیکای تاکسی را تاسیس کنیم. به تدریج به خاطر علاقه ای که نسبت به مسائل سیاسی داشتم و همچنان مسائل سیاسی در ایران را از دور دنبال می کردم، با توجه به پیشینه ای نیز که نسبت به فعالیت های چپ در ایران داشتم به سمت حزب سوسیالیست بلژیک کشیده شدم.

اما وقتی بیشتر با این حزب فعالیت کردم دیدم بر خلاف تصورم بحث ها به جای آنکه درباره دغدغه های سوسیالسم و بلژیک باشد، مسائلی چون نیروی کار و عدالت اجتماعی باشد، بحث از دغدغه های مذهبی مثل پرهیز از خوراندن غذاهای حرام در مدارس به بچه ها، اجازه دادن برای داشتن حجاب و شنا نکردن دختران در استخرهای مختلط یا داشتن قبرستان اختصاصی است که بیشتر از سوی اعضای مراکشی حزب مطرح می شد.
مجموع این اتفاقات باعث شد که تصوراتم از حزب سوسیالست تغییر کند و احساس کردم در این حزب نمی توانم خواسته واقعی خود را دنبال کنم.
پس از آن بود که حزب سبز را شناختم و نسبت به برنامه های آن تحقیق کردم. حزب سبز حزب جوان و نوپایی بود و برنامه هایش برای حفاظت از زیستگاه برایم بسیار جالب بود. دفاع از زمین پاک،مبارزه علیه آلوده ساختن آن و خواستن هوای سالم به جذابیتش می افزود. ضمن اینکه احزاب سبز نیز عموما اعضای انشعابی احزاب مارکسیستی و کمونیستی اروپا هستند که امروزه ایدئولوژی را کنار گذاشته اند و در حال حاضر برنامه محور شده اند.

ممکن است درباره شرایط عضویت در این حزب قدری بیشتر توضیح بدین؟
درهای حزب سبز بلژیک به روی همه باز است. نه از کسی برای ورود امتحان گرفته می شود و نه از موقعیت اجتماعی و شغلی یا باورهای سیاسی و مذهبی متقاضی عضویت پرس و جو می شود.
در این حزب اصل برابری زن و مرد کاملا رعایت می شود. از این رو در کلیه انتخابات های داخلی حزب برای انتخاب نمایندگان حزب در مجلس فدرال یا حتی پارلمان اروپا و کمیته های مرتبط سهمیه زنان برابر با سهمیه مردان است و این موضوع باعث شده تا زنان نقش پررنگ و فعالی در این حزب داشته باشند.
در این حزب همچنین کسی نمی تواند بیش از دو بار مقام و سمتی در این حزب داشته باشد و هم زمان نیز نمی تواند دوشغله باشد.

—

راه اندازی یک بانک اطلاعاتی برای زندانیان مدنی

2014-03-02 · Archive ID 3518
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3518

عرصه سوم: اتحاد برای ایران، سازمانی غیر انتفاعی در آمریکا که برای تثبیت حقوق بشر فعالیت می‌کند ٬ به تازگی تصمیم به تدوین بانک اطلاعات زندانیان سیاسی و عقیدتی گرفته است.
رضا قاضی‌نوری ٬ سخنگوی فارسی زبان «اتحاد برای ایران» در گفت و گویی با رادیو فردا درباره تصمیم این سازمان برای تدوین این بانک گفته است این بانکِ اطلاعاتی به جامعه ایرانیان و نیز جامعه جهانی کمک می‌کند که از زندانیان سیاسی ایران در برابر شکنجه و بدرفتاری حمایت کنند و آزادی‌شان را سرعت بخشند.

وی افزوده است:" بعد از انجام یک تحلیل دقیق درباره سود و زیان چنین اقدامی بود که متوجه شدیم حکومت ایران در برابر فشار گسترده و پیوسته بین‌المللی در زمینه حقوق بشر واکنش نشان می‌دهد. بارها و بارها، از زندانیان سیاسی شنیده‌ایم که توجه و پیگیری افکار عمومی در قبال پرونده‌های آنها رفتار بهتر مأموران و آزادی نهایی‌شان را به دنبال داشته است. موردِ یوسف ندرخانی، سکینه آشتیانی، رکسانا صابری و مازیار بهاری تنها چند نمونه از موارد اخیر زندانیان سیاسی هستند که حکم‌شان تقلیل یافت یا به دلیل فشار بین‌المللی آزاد شدند."

آقای قاضی زاده در خصوص شیوه کار و فرآیند تاسیس این بانک توضیح داده است:"اتحاد برای ایران داده‌های مربوط به بانک اطلاعات زندانیان سیاسی را از طریق تیمی آگاه متشکل از پژوهشگران ایرانی گردآوری کرده است. بسیاری از اعضای گروه، خودشان جزو کُنشگران حقوق بشری یا از زندانیان سیاسی سابق هستند. برای جمع کردن و بررسی این داده‌ها گروه اتحاد برای ایران در تماس مستقیم و مداوم با خانواده‌ها و دوستان زندانیان سیاسی، به علاوه کنشگران حقوق بشری و گروه‌های سیاسی، دینی و قومی درون و بیرون ایران است. اطلاعات درون این بانک اطلاعاتی از طریق چندین منبع قابل استناد بازبینی می‌شوند - که شامل تماس با اشخاص، اعضای خانواده، رسانه‌ها و دیگر سازمان‌های مردم نهاد است."

به گفته موسسان این بانک اطلاعاتی، بانک یاد شده این امکان را می‌دهد که برای همه زندانیان سیاسی شناخته شده فعالیت صورت گیرد. تمرکز بر روی پرونده‌های مدافعان حقوق بشر، یا افرادی که با خطر مجازات اعدام مواجه هستند، برای چهره بخشیدن به جنبش حقوق بشری درون ایران بسیار حیاتی است، همچنان که برای محافظت از کسانی که در وخیم‌ترین شرایط به سر می‌برند.
اتحاد برای ایران می گوید: "به باور ما لازم است که برای آزادی همه زندانیان سیاسی اسناد مورد نیاز گردآوری شود و برای آزادی‌شان فعالیت کرد. برای نیل به این هدف بایستی به کمک جامعه بین‌الملل و با استفاده از اطلاعات دقیق، جامع و قابل راستی‌آزمایی صدایی ثابت، پیوسته و فراگیر ایجاد کرد."

سخنگوی اتحاد برای ایران همچنین در پاسخ به این سئوال که آیا تاکنون یک چنین بانک اطلاعاتی‌ای درباره زندانیان سیاسی ایران تهیه شده است یا خیر گفته است: "دو سال پیش وقتی کارمان را آغاز کردیم، تحقیق جامعی درباره دیگر بانک‌های اطلاعاتی انجام دادیم. پروژه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی‌ای موجود است، اما بیشترشان پروژه‌ها و اطلاعاتی مَقطَعی بودند که تحول‌های جدید را شامل نمی شدند. البته این کارها از جهت تاریخی قابل توجه بود، اما برای اهدافی که برشمردم، یک بانک اطلاعاتی جامع که به صورت پیوسته و منظم به روزگردانی شود مورد نیاز بود."

بر اساس تعریف صورت گرفته از سوی اتحاد برای ایران، بانک اطلاعاتی موجود تعریف زندانی سیاسی دو گروه را شامل می شود.
نخست زندانیانی که از آزادی فردی خود محروم شده اند، (طبق مصوبه شورای اروپا) و دوم زندانیان گروه اول به اضافه زندانیان سیاسی را شامل می‌شود که پرونده‌شان به نوعی جزء سیاسی را در بر دارد٬ چه از جهت انگیزه فعل شخص زندانی، نوع فعل و یا انگیزه مقامات.
کلیه افراد می توانند با مراجعه به این بانک و نوشتن نام زندانی مورد نظر به اطلاعات مربوط به محل نگهداری و سابقه زندانی سیاسی مورد نظر دست پیدا کنند. هر چند که این بانک اطلاعات بیشتری از زندانی در اختیار قرار نمی دهد اما این امکان را برای شناسایی نسبی زندانیان سیاسی و عقیدتی فراهم ساخته است.

—

فرهنگ سازی علیه خشونت از سوی فعالان اهل سنت

2014-03-04 · Archive ID 3523
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3523

عرصه سوم: خبر آزادی مرزبانان ایرانی تکذیب شد. اما فعالیت های مدنی در داخل ایران بویژه از سوی فعالان مدنی هم کیش گروگانگیران برای آزادی مرزبانان همچنان ادامه دارد.
فعالیت هایی که خود می تواند به فرهنگ سازی برای مبارزه با خشونت در داخل کشور بیانجامد.

چندی پیش خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از منابع خبری در پاکستان گزارش داد در عملیات نیروهای سپاه مرزی این کشور در روز شنبه 11 تبعه خارجی از جمله مرزبانان ربوده شده ایرانی در مناطق ایالت بلوچستان نزدیک مرز با ایران آزاد شدند.
این خبر به سرعت در شبکه های اجتماعی و وب سایت های خبری بازتاب یافت و موجی از شادمانی را به همراه داشت. این خبر در شرایطی منتشر می شد که جیش العدل در صفحه توئیتر خویش اعلام کرده بود به تلافی اعدام یک بلوچ، یکی از گروگان های خود را درجه گروهبانی دارد را اعدام خواهد کرد.

اما صرف نظر از این اخبار ضد و نقیض موجود، آن چه که در این رویداد خبری مورد توجه قرار گرفته است واکنش فعالان مدنی اهل سنت و بلوچ به این اتفاق از یک سو و تلاش های آنان برای آزادی مرزبانان به گروگان گرفته شده است.
در همین راستا، گروهی از زندانیان بلوچ تبعید شده به زندان کارون اهواز، با انتشار نامه‌ای از عملکرد گروه جیش العدل در ربودن مرزبانان ایرانی انتقاد کرده و نوشتند: "ما زندانیان بلوچ تبعیدی در زندان کارون اهواز انزجار خویش را نسبت به این رفتار غیر انسانی اعلام می‌داریم."
این زندانیان در بخشی از نامه خود نوشتند: "هر عملی مبتکی بر خشونت و ترور در این منطقه به ضرر تمامی شهروندان ایرانی اعم از قوم بلوچ، اهل سنت و دیگران می باشد. امید به آنکه از اشتباهات گذشتگان درس گرفته، بر مسیر غلط پافشاری ننماییم و داغ تازه ای را بر دل مادران سرزمین مان ننهیم."
مولوی عبدالحمید، امام جمعه سنی مذهب‌های زاهدان نیز خواهان آزادی مرزبانان ایرانی شد. وی که از روحانیون برجسته اهل سنت زاهدان بشمار می رود گفت که اقدامات این چنینی به ضرر منطقه سیستان و بلوچستان است. مولوی عبدالحمید از گروگان‌گیرها خواست "دست از این کارها بردارند و مرزبانان سرباز را آزاد کنند."
جمعی از سران طوایف، معتمدان و ائمه جماعات اهل سنت منطقه بلوچستان نیز طی بیانیه‌ای خواستار آزادی مرزبانان گروگان گرفته شده توسط جیش‌العدل شدند. در این بیانیه از جیش العدل خواسته شده است تا مرزبانان ایرانی را آزاد کنند.
از سوی دیگر محمد عیسی رحیمی از روحانیون و مدرسین حوزه علمیه اهل سنت شهرستان خواف در استان خراسان رضوی، در نقد اقدامات جیش العدل در وبلاگش نوشت: "این روزها جامعه اهل سنت به دولت تدبیر و امید، امید بسته و علمای و رهبران اهل سنت یکی پس از دیگری با بالاترین مقامات و مسئولین کشور در حال دیدار و گفتگو هستند و حجت الاسلام علی یونسی، وزیر اصلاح طلب و خیر اندیش دولت اصلاحات طی حکمی از سوی دکتر روحانی، رئیس جمهور ایران، به عنوان دستیار ویژه رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی منصوب شده و برای برآورده شدن حقوق اهل سنت ایران به زاهدان و دیدار مولوی عبدالحمید می رود و وعده مبنی بر استفاده از اهل سنت و به ویژه بلوچ ها می دهد و تلاش مسولین برای برآورده کردن مطالبات اهل سنت رو به فزونی نهاده است."

وی در پیام خود از جیش العدل خواست تا مرزبانان ایرانی را هر چه سریع تر آزاد سازد. "گروگان‌گیران اگر دوراندیش هستند دست از این کارها بردارند و گروگان‌ها را آزاد کنند. اینها سربازان و مرزبانان کشور ایران عزیز ما بوده و خانواده آنها و همه ملت ایران نگران آنها هستند."

حمایت جامعه اهل سنت و فعالان مدنی این اقلیت در ایران از مرزبانان در حالی صورت می گیرد که مقامات امنیتی جمهوری اسلامی همچنان محدودیت ها را علیه این جامعه و سران شاخص آن حفظ کرده اند.
در تازه ترین خبر این مقامات از سفر مولوی عبدالحمید به مکه جلوگیری کردند. وی قرار بود در کنفرانس سالیانه سازمان رابطه اسلامی که مرکز آن در مکه است، آن شرکت کند. وی یکی از اعضای برجسته این سازمان اسلامی پژوهشی است.
این کنفرانس بین المللی همه‌ساله از سوی "رابطة العالم الإسلامی" برگزار می‌شود، که در همین رابطه از مولانا عبدالحمید به صورت رسمی دعوت بعمل آمده بود.
بر اساس گزارش دیگری از کمپین فعالان بلوچ آمده است: "ماه پیش هم مولانا عبدالحمید برای شرکت در "کنفرانس علمی اسلامی خدمت انسانیت" در ژوهانسبرگ آفریقای جنوبی اجازه حضور نیافت اما علت آن را شرکت در کنفرانس وحدت اسلامی بیان کردند".
مولوی عبدالحمید در دور دوم ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد به مدت 4 سال با مصادره پاسپورت وی ممنوع الخروج بود.

در واکنش به این خبر، زندانیان اهل سنت محبوس در زندان‌های رجایی شهر، اوین و قزلحصار، با انتشار بیانیه‌ای ، نسبت به ممنوع‌الخروج شدن «مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی » برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی انجمن جهان اسلام، اعتراض کردند. آنها در بیانیه خویش نوشتند: «هنوز یک هفته از سخنرانی آقای حسن روحانی در جاسک نمی‌گذرد، وقتی که شعار می‌دادند که شیعه و سنی همه مساوی هستند و همه برادرند که در تاریخ ۷ اسفند ۹۲، بیست نفر از برادرانمان در اهواز دستگیر می‌شوند و حالا یکی از بزرگان اهل سنت ممنوع‌الخروج می شود.. ما به شدت این حرکت را محکوم می‌نماییم و امیدواریم دولت تدبیر و امید به شعارهایش جامه عمل بپوشاند و فشارها را از اهل سنت کم بکند و به مشکلات اهل سنت بیشتر توجه نماید.»

فعالان اهل سنت در ایران نشان داده اند که علیرغم محدودیت های موجود از سوی حکومت، مرزبندی روشنی با گروه‌هایی دارند که می خواهند مطالبات خویش را با ابزار خشونت دنبال کنند. گروه هایی چون جیش العدل که ارتباط تنگاتنگی با گروه های مسلح فعال در سوریه دارند.
با این حال فعالان اهل سنت در داخل ایران تلاش کرده اند تا ضمن پافشاری بر حقوق مدنی خویش، مرز خود با خشونت ورزی را حفظ کنند و همچنان در جبهه مبارزات بدون خشونت مردم ایران صرف نظر از عقیده و مذهب باقی بمانند.
آنان در واکنش های خویش به خبر گروگانگیری مرزبانان، فرهنگی را ترویج کردند که چاره اصلی برای رسیدن به صلح، دموکراسی و جامعه مدنی است.

—

روزنامه چاپ تهران: 8 مارس به رسمیت شناخته شد

2014-03-07 · Archive ID 3528
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3528

عرصه سوم: یک روزنامه چاپ تهران نوشت روز جهاني زن، براي نخستين‌بار از سوي دولت جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شد.
این اتفاق زمانی روی داد که شهین دخت مولاوردي،معاون رييس‌جمهور در امور زنان و خانواده، به مناسبت این روز پاي سخنان زنان فعالی نشست که برای بزرگداشت این روز گردهم آمده بودند.

شهین دخت مولاوردي، با اشاره به اجلاس کمیسیون مقام زن که در سازمان ملل همزمان با 8 مارس برگزار مي‌شود، موضوع مورد بررسي در این اجلاس را بررسي اولويت‌هاي مسائل زنان اعلام کرد.

اما به نوشته روزنامه اعتماد در این نشست که در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان برگزار شده بود، نمايندگاني از نهادهاي غيردولتي شرکت داشتند.
مینو مرتاضي لنگرودي، فعال حقوق زنان با اشاره به روز جهاني زن و ناديده گرفتن آن از سوي دولت‌ها، این تابو شکني توسط دولت يازدهم را به فال نيك گرفت و گفت:"زماني، مسائلي بودند که تابو بودند در این حوزه،

امروز به همت زنان و مسوولان درحال شکستن این تابوها هستیم، به رسمیت شناختن روز جهاني زن توسط معاونت زنان امري است که جامعه زنان از آن استقبال مي‌کند و به این مساله ایمان مي‌آورد که مسائل غیرقابل باور دیگر هم روزي محقق خواهند شد."

تعامل بیشتر حوزه زنان در دولت و زنان غیردولتي موضوع دیگری بود که مورد تاکید فعالان این حوزه بود، خواسته این فعالان کارکردن سازمان های مردم نهاد در شرایط غیرامنیتي و پلیسي است، شرایطي که براي گفت‌وگو ایمن باشد.

نرگس محمدي، فعال حقوق بشر و نایب‌رییس کانون مدافعان حقوق بشر راهکار موجود را علاوه بر اراده جدي دولت در حل کردن مشکلات حوزه زنان، دفاع از حضور زنان در مشارکت‌ها دانست. او با تاکید بر نهادسازي در جامعه افزود:"باید باب گفت‌وگو میان دولت و مردم را فراهم کنیم، بابي که با ایجاد نهادها و بستري براي این گفت‌وگو پیش مي‌رود."
او همچنین با اشاره به طرح‌هاي کوچك اما تاثیرگذار گفت:"مي‌توان از طرح‌هایي استفاده کرد که شاید چندان بزرگ و چشمگیر نباشند اما تاثیرات خود را خواهند داشت. در مورد خشونت‌هاي خانگي علیه زنان ایجاد خانه امن براي قربانیان باعث مي‌شود شاهد تاثیر ملموسي در این حوزه باشیم. یا در مورد لایحه‌یي چون لایحه جمعیت و تعالي خانواده، بحث چگونگي رسیدن به جایگاه جمعیتي مطرح است، جایگاهي که زنان ما را از ازدواج و بچه دارشدن دور مي‌کند، وقتي لایحه مورد مطالعه قرار مي‌گیرد، مي‌بینیم که دختران ما را با واکنش منفي روبه‌رو خواهد کرد. این لایحه زندگي اقتصادي، اجتماعي زنان ما را به هم خواهد زد."

برگزاری مراسم 8 مارس در ایران سال ها است که به طور رسمی ممنوع است. از این رو حضور معاون رئیس جمهوری در جمع فعالان زن به رسمیت شناخته شدن این روز از سوی جمهوری اسلامی تعبیر شده است.

—

همبستگی دراویش در سراسر جهان برای نجات زندانیان بیمار

2014-03-07 · Archive ID 3530
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3530

عرصه سوم:دراویش گنابادی در داخل ایران و چندین کشور دست به دست یکدیگر داده اند تا با وارد کردن فشار بر دستگاه قضایی مسئله زندانیان بیمار خود را فیصله دهند.

"اگر غم آسیب زوال دارید، ستم بر درویشان را پایان دهید."عنوان نامه ای بود که دو هفته پیش دراویش گنابادی به حسن روحانی نوشتند تا بلکه با پادرمیانی رییس جمهور مسئله زندانیان بیمار دراویش فیصله یابد. اما این نامه پاسخی به همراه نداشت و چند روز بعد کسری نوری یکی از دراویش محبوس در زندان شیراز به اتفاق 9 درویش محبوس دیگر اعلام اعتصاب غذا و دارو کردند.
اکنون این اعتصاب غذا، با موج گسترده ای از حمایت از سوی دراویش در ایران و جهان روبرو شده است.
ابتدا اعلام شد بیش از 1000 درویش گنابادی پس از با خبر شدن از اعتصاب غذای ۱۰ تن از دراویش زندانی حمیدرضا مرادی’ فرشید یداللهی’ مصطفی دانشجو’ امیر اسلامی’ امید بهروزی’مصطفی عبدی’ رضا انتضاری، کسری نوری و عبدالغفور قلندری‌نژاد در زندان‌های کشور، دست به اعتصاب غذا زده و خواسته خود را خواسته "برادران زندانیشان" اعلام کردند.
اما پس طی شدن زمان کوتاهی این تعداد به 2000 نفر افزایش یافت.
دراویش اعتصاب کننده همچنین اعلام کرده اند قصد دارند فردا شنبه 17 اسفند مقابل دادستانی تهران تحصن کنند.
در پیامی که به همین منظور منتشر شده آمده است:"همانطور که در خبرها هم آمده دراویش سراسر ایران حمایت خود را از فراخوان خانواده های زندانیان سیاسی-عقیدتی اعلام کرده اند و روز شنبه ۱۷ اسفند ساعت ۱۱ صبح در یک حرکت آرام و مسالمت آمیز برای اعتراض به روند غیرقانونی بازداشت، محاکمه و مجازات دراویش زندانی و موضوعات اخیر پیش آمده از جمله ایجاد محدودیتها و فشارهای مضاغف در امور درمانی و پزشکی آنها و تبعید دو نفر از دراویش به زندان رجایی شهر، دست به تجمع خواهند زد و در واقع این تجمع به

تحصن تبدیل می شود و دراویش تا زمان تحقق خواسته هایشان که همان نقض احکام محکومیت صادره علیه وکلای دراویش، بازگرداندن فوری دو درویش تبعید شده و رفع تمامی محدودیتهای درمانی آنها می باشد مقابل دفتر دادستانی تهران حضور خواهند داشت و محل را ترک نمی کنند."

اعتصاب‌کنندگان خواهان "انتقال زندانیان بیمار به بیمارستان‌های تخصصی"،"بازگشت فرشید یداللهی و رضا انتصاری و دکتر مدنی از زندان رجایی‌شهر کرج به زندان اوین در تهران" و "پایان دادن به رفتارهای غیر قانونی مسئولان قضائی و امنیتی"هستند.
گفتنی است در حال حاضر سایت مجذوبان نور که اخبار رسمی دروایش گنابادی را پوشش می دهد از دسترس خارج شده است.

—

گرامیداشت 8 مارس در تهران: عاجل ترین خواسته زنان، نهاد مدنی است

2014-03-08 · Archive ID 3536
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3536

عرصه سوم: امسال در ایران روز جهانی زن متفاوت تر از سال های گذشته است. از خیابان هدایت تهران گزارش می رسد که زنان برابری خواه گردهم آمدند تا صدای خود را علیه تبعیض بر زنان، به گوش همه برسانند.
به گزارش مدرسه فمینیستی، در ادامه ی نود سال برگزاری مراسم روز جهانی زن در ایران، این مراسم این بار توسط «کانون شهروندی زنان» و «مؤسسه اسلامی زنان» در دو بخش: بخش سخنرانی و بخش تجلیل از خانواده های زندانیان سیاسی و عقیدتی به اجرا درآمد.
بدین ترتیب، مراسم پاسداشت روز جهانی زن، به مراسم تجلیل از مقاومت این خانواده ها پیوند خورد و روز خاطره انگیزی را رقم زد.

نرگس محمدی که مدیریت این نشست را بر عهده داشت ابتدا بر نقش نهادها و تشکل های مدنی زنان در دستیابی به حقوق برابر برای زنان تاکید کرد و سپس گفت:"امروز عاجل ترین خواسته زنان، رفع موانع در برابر شکل گیری و فعالیت تشکل ها و نهادهای مدنی زنان است، چرا که تا وقتی جامعه مدنی زنان قوی نشود طبعاً نمی توانند امیدی به دستیابی حقوق برابر خود داشته باشند."

نسرین ستوده دیگر سخنران این مراسم به رنجی که خانواده شهدای جنبش سبز در این چند سال کشیدند اشاره کرد. او نیز گفت" به آنان که به رغم درد بزرگی که تحمل کردند اما امروز هم در کنار ما هستند و پیوندشان را با ما نگسستند تعظیم می کنم. به زندانیان سیاسی که امروز در کنار ما نیستند و جایشان خالی است از راه دور سلام عرض می کنم و چون خودم زندان بودم و می دانم که این سلام ها به آنها خواهد رسید."
به گفته خانم ستوده زمانی که بحث حقوق زنان در ایران بالا گرفت و وقتی هشت مارس در ایران شأن فزاینده ای گرفت و پاسداشت این روز در ایران پس از انقلاب با گستردگی بیشتر، تداوم یافت.
او افزود:"زنان از هر طیف فکری که بودند در کنار هم قرار گرفتند و موضع گیری ایدئولوژیک، مذهبی و سیاسی را در کار خود راه ندادند، آنها همگی فارغ از ایدئولوژی و مذهب شان، یک خواسته یعنی برابری حقوقی و انسانی برای زنان را فریاد کردند. این یک تجربه کاملا زنانه در تاریخ مبارزات زنان بود و می خواهم اینجا به شما این نوید را بدهم که ما در زندان از این میراث زنان به خوبی پاسداری کردیم. یعنی در زندان همه ما از زنان مسلمان و مسیحی و بهایی و زنانی از طیف چپ و لائیک، همه و همه یک خواسته داشتیم و زیر یک سقف زندگی بسیار مسالمت آمیزی را تجربه کردیم."



شهلا لاهیجی نیز در این نشست به موانعی که بر سر راه انتشار کتاب های مربوط به زنان است اشاره کرد و با نام بردن از برخی از کتاب های مربوط به حوزه زنان که مجوز انتشار نگرفته اند، گفت که متاسفانه بسیاری از مواردی که با نام سانسور اعمال می شود، مغایر قانون اساسی است.
وی در سخنانش افزود:"امیدواریم آقای روحانی قدر رأی هایی را که زنان به ایشان داده اند بداند و امیدوارم در آخر هشت سال، آقای روحانی مانند آقای خاتمی نیایند بگویند که ما تدارکچی بودیم و نگذاشتند کار کنیم! چون به نظرم این، اهانت به 19 میلیون رأیی که در عین ناامیدی و نه با عشق، به ایشان داده شده، است."

اعظم طالقانی نیز در این مراسم مخاطب خویش را روحانیون و فقهای دینی قرار داد و پرسید:" می خواهم از آن کسانی که با مسئله اجتهاد برای تغییر به نفع زنان مخالفت می کنند بپرسم چطور است که شما آقایان در مسائلی که فکر می کنید به نفع خودتان و مسائل مربوط به خودتان است اجتهاد می کنید و به راحتی تغییر می دهید ولی در رابطه با حقوق زنان قائل به اجتهاد و تغییر با توجه به زمانه، نیستید؟ در واقع می خواهم بگویم که بحث من زیر پاگذاشتن اصول نیست بلکه مسئله آن است که قوانین باید با توجه به نیاز جامعه تغییر کند و این مسئله اجتهاد در مذهب ما ذکر شده است. بنابراین بدون زیر پا گذاشتن اصول، می توان قوانین را با توجه به شرایط امروز زنان ایران تغییر داد. مثلا همین بحث دیه."
به باور او با اجتهاد می توان قوانین را به نفع زنان تغییر داد و به برابری که قرآن هم به آن اعتقاد دارد، دست یافت.

در پایان این مراسم نرگس محمدی که مدیریت جلسه را برعهده داشت گفت:"ما در کانون شهروندی زنان، قرار گذاشتیم که حسن ختام مراسم هشت مارس را با تجلیل از سه تن از زنان برجسته کشورمان یعنی خانم ها: سیمین بهبهانی، اعظم طالقانی و منصوره اتحادیه، به پایان برسانیم. اما از یک سو خانم سیمین بهبهانی و خانم منصوره اتحادیه متأسفانه به علت کسالت و بیماری نمی تواستند در جمع ما حاضر شوند و از دیگر سو هنگامی که ما این تصمیم مان را در مورد تجلیل از خانم اعظم طالقانی با ایشان در میان گذاشتیم، ایشان بسیار فروتنانه از آن امتناع کردند و گفتند که به جای تقدیر از من، باید از خانواده های زندانیان سیاسی تقدیر شود. چرا که تا زمانی که زندانیان سیاسی از هر قشر و طیف فکری و مذهبی در زندان هستند و خانواده های آنان پرچم آزادگی را بر دوش می کشند لزومی به تقدیر از زنانی همچون من نیست."

او سپس از دختران جوانی همچون بهاره هدایت و مریم شفیع پور که جوانی شان را در کف زندان می گذرانند. یاد کرد. از مادران کشته شدگان جنبش سبز از جمله مادر ستار بهشتی (گوهر عشقی) ،سهراب اعرابی (پروین فهیمی)، مادر مصطفی کریم بیگی و نیز مادر سعید زینالی که هنوز چشم به راه فرزندش است. از زنان مقاوم در زندان ها، همچون حکیمه شکری از اعضای مادران پارک لاله و همچنین از زنان کنشگر تبعیدی که هر کدام به گفته خانم محمدی به جای جای این جهان پرتاب شده اند ولی دل در گرو جنبش زنان دارند.

در ادامه مراسم، هدایایی از سوی سه سازمان مردم نهاد (کانون شهروندی زنان، موسسه اسلامی زنان ایران و کانون مدافعان حقوق بشر) به خانواده های زندانیان سیاسی تقدیم شد.

—

روزی که فمینیست شدم

2014-03-08 · Archive ID 3554
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3554

عرصه سوم- صفورا الیاسی: تعداد مردان فمینیست و برابری خواهی که در ایران فعالیت می کنند، کم نیست، اما روند رو به رشد دیدگاه های فمینیستی در ایران، به ویژه در میان نسل جوان دلگرم کننده است.
گرچه از این سو نقش مردان، به عنوان بخش بزرگی از این نابرابری پر رنگ شده است، اما از سوی دیگر باید به عنوان یک راه حل نیز به آنان نگریست و به وجود مردانی که در جنبش برابری خواهی زنان فعالیت می کنند، باور داشت.

با وجود اینکه این دسته از مردان نیز مانند زنان برابری خواه، نظر مشترکی در رابطه با مشکلات زنان ندارند اما نظام ارزشی سنتی، هر دو گروه را به ناتوانی، نادانی، ترس ، متهم می کند.
مردانی که از مبارزات زنان برای رسیدن به حقوق برابر حمایت می کنند، همه با یک دیدگاه و از یک نقطه نظر نسبت به آزادی زن نگاه نمی کنند. برخی از این مردان، سود و زیان محرومیت زن را در کفه های مختلف ترازو می گذارند و نتیجه می گیرند که زنها هم باید حقوق برابر داشته باشند: مثلا زنان هم حق طلاق داشته باشند تا مهریه ای طلب نکند. در مقابل این گونه دفاع از آزادی زن، مردهای فمینیستی هم هستند که می گویند من فمینسیت هستم و ترسی هم ندارم که بخاطرش تحقیر شوم و در نگاه سنتی از "مردی" ساقط شوم، چرا که اگر انسانیت و عدالتی هنوز وجود دارد، باید برای همگان برابر باشد.

مردان فمینیست و برابری خواه تجربه سختی در جامعه سنتی ایران دارند، تجربه ای که تنها به برخوردهای تحقیر آمیز دوستان و آشنایان محدود نمی شود. بسیاری زنان نیز آنها را باور ندارند و به آنها به دیده ی شک نگاه می کنند و حتی آنان را مرد "بتا" خطاب می کنند. مرد فمینیست شدن در این جامعه ی مردسالار واقعا آسان نیست. از این رو پای صحبت مردهای فمینیست و برابری طلب ایرانی نشستیم، مردانی که شاید تنها دغدغه شان برابری خواهی نباشد اما در جامعه ای که زنانش در موقعیت فرودست قرار دارند، خود را آزاد نمی بینند. مردهایی از نسل جوان، که از فمینیست بودن شرم ندارند. مردانی که می گویند آنچه مردها از آن برخوردارند تنها توهم آزادی ست.

محمد دانش آموخته ی رشته ی عمران است و در دانشگاه دبیر تشکل دانشگاه بوده است. او خود را این گونه معرفی می کند:"من محمد شوراب، 26 ساله، ساکن تهران و بزرگ شده اهواز هستم و خودم را یک فمینیست می دانم."
او ادامه می دهد: "من در خانواده ای برابری طلب بزرگ نشدم، اکثر خانواده های ایرانی با یک فرهنگ مردسالاری کودکان خود راتربیت می کنند، که البته خانواده ی من هم از این امر جدا نبود، اما خوشبختانه در خانواده ی ما امکان دسترسی به کتاب و روزنامه و منابع برای مطالعه زیاد بود و به همین دلیل هم من خانواده ام را به طور کامل پدرسالار نمی دانم."
محمد معلولیت جسمی اش را عامل تفاوت دوران کودکی اش با باقی هم سن و سال هایش می داند. او می گوید: "اکثر وقتم به مطالعه ی کتاب های گوناگون گذشت. من بزرگترین رمان های دنیا را در سن 10 تا 15 سالگی خوندم".

از محمد پرسیدم چرا فمینیست شدی؟
او گفت: "من یک خواهر با تفاوت سنی یک سال و نیم و دو برادر بزرگتر باخودم دارم، اولین رگه های برابری طلبی برای من با این سوال پیش آمد: چرا در حالی که من و خواهرم تقریبا هم سن هستیم، بعضی از رفتارها و کارها برای من مجاز است اما برای خواهرم مجاز نیست؟ از بازی در خیابان گرفته تا خرید منزل. وقتی به دوران دبیرستان رسیدم این موضوع خیلی خیلی پر رنگ تر شد، رفتار های برادرهای بزرگم، و منع کردن خواهرم از بسیاری کارها، که حتی در بسیاری مواقع منجر به نشان دادن واکنشی از سمت من می شد، بعضی از زن های فامیل که از شوهرشان کتک می خوردند، زنانی که زن دوم و سوم شوهرشان تحمل می کردند، یا دخترهای همسایه ای که جرات کوتاه کردن مویشان را نداشتند و حتی همکلاسی دبیرستان که از آزار جنسی دخترهای فامیل می گفتند. همه ی اینها تاثیرات بسزایی در نحوه ی فکر کردنم می گذاشت. اما مسئله ای که از بیشتر از همه فکرم را درگیر می کرد انجام کاری برای بهبود شرایط خواهرم بود. یک بار در مراسمی به مناسبت 8 مارس شرکت کردم، در همان دوران دبیرستان هم نشریه ای به دستم رسید که در آن از فمنینست نوشته بود، و همین طور کتاب جنس دوم.
از آنجا به طور جدی شروع به مطالعه در مورد فمینیست کردم و در بحث ها شرکت می کردم. اما همیشه خلاء یک کار عملی را در وجودم حس می کردم. در سال 85 که «کمپین یک ملیون امضا» آغاز به کار کرد بی درنگ به آن پیوستم به صورت جدی کار فمینستی برابری خواهانه را شروع کردم و تا امروز هم در حال ادامه دادن فعالیت هام هستم."
در ادامه ی صحبت هایم با محمد از نگاه جامعه به مردان فمینیست پرسیدم:
"مردهای فمینیست از دو جنبه تحت فشار هستند: اول از سوی جامعه ی مردسالار که مردان فمینیست و برابری طلب را خائن به مردان می داند. دوم نپذیرفته شدن مردان فمینیست از سوی زنان. انواع و اقسام توهین ها و تمسخرها و نگاه های تحقیرآمیز به یک مرد فمینیست می شود. اولین صحبتی که در مورد یک مرد فمینیست زده می شود، این است که شما رفتی در جنبش زنان، دنبال دختر بازی و سوءاستفاده. بعد جنیستش را زیر سوال می برند. ابتدا مسخره ات می کنند، سپس نادیده ات میگردند و در آخر هم با تو می جنگند."
محمد اما شرایط را از 5 سال پیش بسیار بهتر می داند و معتقد است که دیگر خیلی ها این نگاه سنتی را به مردان فمینیست ندارند و ادامه می دهد:
"نگاه منفی جامعه، به طور کلی به فمینیست و سپس مردهای فمینیست چند دلیل دارد: اول عمده ترین دلیل، کارهای نابخردانه بسیاری از فمینیست هاست که بدون در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و کارهایی را می کنند که نه ربطی به فمینیست دارد و نه کمکی به برابری می کند و موجب ایجاد نگاه منفی می شود. مثلا رابطه ی آزاد داشتن از نظر من ایرادی ندارد اما یک فمینیست که نگاه بسیاری افراد به او دوخته شده است، اگر به روش زننده این کار را در جامعه سنتی ایران انجام بدهد، اولین انگی که نه تنها به او بلکه به فمینیست ها به طور کلی زده می شود این است که: این فمینیسته و دنبال اشاعه فحشا است. دوم اینکه بسیاری از فمینست های ایرانی هر کار خلاف و غیر اخلاقی را انجام می دهند و آن را به حساب مبارزه و فعالیت فمینیستی می گذارند، باعث می شود که هر اتفاق ناگواری بیافتد و فمینیست زیر سوال رود."

یاسر عزیزی دانش آموخته ی رشته ی حقوق است و خودش را اینگونه معرفی می کند:
"خودم رو فعال اجتماعی و تا حدودی سیاسی میدانم، که به طور کلی گرایش چپ دارم که هر تحلیل و رفتار اجتماعی خود را نیز در همین راستا می بینم. در شهری کوچک (نورآباد ممسنی) در استان فارس زندگی می کنم و شاید در ریخت شناسی خاستگاه اجتماعی تعلق به طبقه متوسط دارم."
از دیدگاه یاسر پدر و مادرش رفتار معطوف به مردسالاری ندارند اما آن را از موضع گرایش برابری خواهانه آنان نمی بیند. او مانند اغلب مردم جامعه در میان بستگانش افرادی را می شناسد که مدعیات سیاسی ظاهرا مترقی دارند در عمل مردسالار هستند. او می گوید: "به عنوان نمونه خاله هام اساسا حقی در برابر برادر برای خودشان قائل نیستند و خودشان را منحل در وجود ایشان می دانند."
او ادامه می دهد: "نگاه به موضوع برابری زن و مرد و حقوق متعلق به این مسئله در خانواده ی من از اساس محمول باوری تعریف شده و ایدئولوژیک نبوده و نیست و در این باره تجربه ی زیستی تاریخی و معمول اجازه نداده که این موضوع اولویتی در ذهن و زبان ایشان ایجاد کند اما همان غیر ایدئولوژیک بودن باعث شده که هیچ وقت تقابلی با گرایشهای من در خودشان حس نکنند و حتی گاهی همراهی هایی نیز نشان بدهند..
درست که انسان ناگزیر از تاثیر و تعیین محیط است اما من بنا بر تجربه و مطالعه ی دقیق متمایل به گرایش غیر جزمی چپ شدم و همین گرایش فکری نگاه من را در زمینه های مختلف از خودش متاثر کرده است.

بنابراین، برابری مورد نظر یک چپ گرا در خودش برابری حقوقی و انسانی زن و مرد را هم در بر می گیرد. همیشه در خودم باور عمیق به برابری زن و مرد را به طور پیش پنداشته، حس می کنم. منتها در همان راستایی که این باور برای برخی غیرقابل پذیرش است چرا که مثلا زنان را در جامعه ی ما هنوز مستعد چنین برابری ای نمی دانند، من هم به گرایشهای خام و غیر تاریخی در این باره نقد دارم. یعنی معتقدم برابری باید محصول تحول عینی و ذهنی جامعه باشد نه نگاه معطوف به قدرت و خواست تغییر قوانین راجع. بنابراین همیشه ضمن موثر بودن اقدامات مدنی، خواهان تقویت تلاش ها برای زمینه سازی فرهنگی در این موضوع هستم."

یاسر سرآغاز دغدغه ی برابری خواهی اش در مورد زن و مرد را از اوایل دهه هشتاد می داند. اما همکاری اش با کمپین یک میلیون امضا از اواخر سال 85 منجر به جدی شدن این قضایا برای او شده است. یاسر اما همچنان اصرار دارد که خود را فمینیست ننامد و بگوید تنها انگیزه ی برابری طلبی اش منجر به فعالیت در این زمینه شده است.

از یاسر در مورد نگاه جامعه نسبت به مردان فمینیست و برابری طلب پرسیدم:

"من از طرف مردم عادی موضع خاصی در تقبیح این موضوع ندیدم. یعنی در نهایت فقط موضوع را نفی می کردند. اما مردان ظاهرفریب و نخبه نما، عمدتا به صورت ناآشکار، شوخی های جنسیتی می کردند. من فکر می کنم که تصورشان این بود که با انگیزه های جنسی سمت محافل برابری خواه مورد بحث گرایش پیدا می شود."

به هر حال باید پذیرفت که نه در ایران و نه در جهان فهم و اجماع مشترک و جامعی، حول مفاهیم چالش زا وجود ندارد.

کوهیار گودرزی در مناسبات اجتماعی، خودش را فعال حقوق بشر معرفی می کند. کوهیار تک فرزند و تنها عضو دیگر خانواده، مادرش است. مادرش را کاملاً برابری طلب می داند و معتقد است موثرترین عامل در شکل گیری سیستم فکری اش مادرش بوده است.

"من بواسطه مطالعاتم از سنین کم با مفاهیم اجتماعی آشنا بودم، مفهوم برابری زن و مرد رو هم اولین بار در دوران دبستان در موردش در نشریات قدیمی مادر و مادربزرگم خواندم، طبعا بطور ساختاری فمینیست نبودم الان هم نیستم، برابری‌طلب نبودم قائل به برابری بودم. ولی الان برابری طلب هستم و براش تلاش می‌کنم."

از او در مورد منشا برابری خواهی اش پرسیدم:

"من به مبحث حقوق بشر علاقمند بودم، دغدغه‌ام ارزش‌ها و شان و کرامت انسانی بود، حقوق زنان هم زیرمجموعه‌ی این مبحث محسوب می شود.، در این چهارچوب، برابری طلبی جزء دغدغه‌هام محسوب می‌شد و البته هنوز هم می شود."

از وی نگاه جامعه و جامعه ی فمینیستی را نسبت به مردان برابری طلب جویا شدم. کوهیار می گوید واکنش مثبتی از سوی جامعه مشاهده نکرده است.

"عمدتا توام با تمسخر، اما شخصیتم و برخورد محکم یا بعضا تندی که نشان می‌دهم، تقریبا این واکنش رو به سمت صفر سوق داده است. اما نگاه جامعه فمینیستی به نظر خودم مثبت محسوب می‌شود، مگر اینکه خلافش ثابت شود!

من معتقدم که، معمولاً جامعه‌ی فمینیستی نسبت به جامعه و بالعکس نگاه مثبت و توام با اعتمادی ندارد، اما تجربه ی خاصی هم در مورد نگاه جامعه فمینیستی به مردان فمینیست ندارم. یعنی در واقع برخورد چندانی نداشتم."

ادامه دارد

—

مردان فمینیست در جامعه سنتی ایران

2014-03-09 · Archive ID 3559
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3559

عرصه سوم- صفورا الیاسی: مردان فمینیست و برابری خواه تجربه سختی در جامعه سنتی ایران دارند، تجربه ای که تنها به برخوردهای تحقیر آمیز دوستان و آشنایان محدود نمی شود .

بسیاری زنان نیز آنها را باور ندارند و به آنها به دیده ی شک نگاه می کنند و حتی آنان را مرد "بتا" خطاب می کنند. شهاب الدین شیخی مثال خوبی برای توصیف این دسته از مردان در جامعه ایران است. در این رابطه با شهاب الدین شیخی فمینیست، فعال دانشجویی،حقوق بشر و روزنامه نگار گفت و گویی انجام دادم و از او پرسیدم:

- چگونه به عنوان یک مرد فمینیست خود را معرفی می کنی ؟

من یک معرفی از خودم در وبلاگم دارم که من یک انسانم که اتفاقا مرد هستم، اتفاقا کورد هستم و اتفاقا در ایران به دنیا آمده‌ام.اما جواب این پرسش که خودم را چگونه معرفی می کنم، در این لحظه از اوقات زندگیم که تجربه‌های جدید و عمیق و برنده‌ای را از سر می‌گذرانم خیلی سخت است. خیلی سخت از آن رو که بیش از یک سال است از هر هویتی که احاطه‌ام کند فاصله گرفته‌ام و می‌گیرم. بدون شک من روزنامه نگار، فمینیست، شاعر، فعال حقوق بشر و... بوده‌ام. یعنی فمینیسم حداقل برای من یک باشگاه نبوده که من بروم کارت عضویت آن را پر کنم و بعد از آن با تمرین و ممارست مثل یک فوتبالیست تبدیل بشوم به یک فمینیست. شعر گفته‌ام شاعر خوانده شده‌ام. برای حقوق بشر فعالیت‌هایی انجام داده ام یا نوشته‌ام فعال حقوق بشر هم ملقب شده‌ام.اما و صد اما اگر قرار بر موضع گیری باشد. دقیقا جایی که فمینیسم را به صورت یک انگ، یا گاهی یک فحش و یا گاهی به صورت یک جرم به کار می برند بدون شک می‌گویم و معرفی می کنم فمینیست هستم.

- چرا فکر می کنی یک فمینیست هستی؟

فمینیست هستم چون انسانی هستم که اگرچه جنس و جنسیت برساخته شده‌ام در جامعه‌ی مردسالاری «مرد» عنوان شده ،اما همین جنس و جنسیت برساخته شده نیز از سوی همین مردسالاری مورد تهاجم قرار گرفته و بلاهای زیادی سر مابه‌ازا و ارزش افزوده‌ی انسانی‌ام آورده است. از سوی دیگر بخشی از هویت انسانی من بدون شک سازه‌هایی زنانه دارد. در واقع وقتی من به این تقسیم بندی جنسی و جنسیتی معتقد نیستم پس این دوگانه ساز جنسی و جنسیتی هویت انسانی‌ام را مورد تهاجم قرار می‌دهد.
از دید من انسان موجودی مولتی سکسوئل و مولتی جندر است و نمی‌توان او را در یک جنسیت ویژه قالب بندی و زندانی کرد. اما باز هم تاکید می‌کنم حتا در این تقسیم بندی برساخته شده وقتی بخشی از هویت اجتماعی و فرهنگی و انسانی من به عنوان جنس دیگر یعنی زن مورد تهاجم و تبعیض قرار می‌گیرد در واقع سرمایه‌ی انسانی شخصی و اجتماعی من مورد تبعیض یا تحقیر یا تهدید و تحدید قرار می‌گیرد. پس موضع می‌گیرم به عنوان فمینیست با این عنوان که فمینیسم را جنبش و مکتب فکری که علیه این هویت سازی کاذب و نیز این تبعیض و تحقیر و تهدید انسانی از سوی مردسالاری موضع می‌گیرد. فمینیست هستم زیرا من فمینیست را مکتبی یافته‌ام که علیه تمامی اشکال تبعیض موضع می‌گیرد و فمینیستی که به عنوان فمینیست دیگر اشکال تبعیض را نادیده می‌گیرد از دید من فمینیست نیست. همان‌طور که معتقدم هر انسانی که بیشتر و عمیق‌تر و انسانی تر هویت انسانی خودش را جست و جو کرده باشد بدون شک فمینیست است.

- نگاه خانواده ات نسبت به مسئله ی برابری طلبی چه بود؟

من در یک خانواده‌ی کاملا سلسله مراتبی بزرگ شده‌ام. بزرگ یک طایفه‌ی بزرگ بودن. بدون شک مردسالار و سلسله سارا و پدر سالار و عمو سالار و نهایتا برادر بزرگ سالار هم بوده است. اما نکته‌های تربیتی وجود داشته که پدر من احترام ویژه‌ای برای زن، برای دخترهایش، برای زنان دیگر قائل بود.

به عنوان نمونه مثلا وقتی کودک بودم و خواهرم آشپزخانه بوده و خواهرم را صدا زده‌ام که یک لیوان آب بیاورد پدرم بهم گفته برو خودت یک لیوان آب بخور و یک لیوان هم برای من بیاور. این یعنی که من حق ندارم انتظار این را داشته باشم که خواهرم لیوان آب دست من بدهد. ادب و احترام نسبت به خواهر و همسر برادر و.. از ارکان تربیتی بوده است. اما این به معنای این نیست که تفکرات مرد سالارانه در خانواده و جامعه‌ی من نبوده است. اتفاقا عمیقش هم بوده است. این که چگونه چنین مسیری را پیمودم یا چه داستانی اتفاق افتاد باید بگویم که راستش برخی چیزها هیچ نقطه ی شروع مشخص یا دلیل مشخصی ندارد. شاید بعدها آدم در روان و زندگی و تاریخ خودش غور می‌کند و غوطه می‌خورد برخی نقاط را پیدا کند. اگر چه این نقاط شاید کلیدی باشند اما باید یادمان باشد برخی از کارکرد حافظه به حذف یا فراموشی معطوف است و نمی‌تواند صرفا یادآوری برخی نقاط معنای دقیقی باشد. با توجه به این مقدمه که گفتم اما می‌توانم بگویم شاید اصلی ترین نقاطی که یادم مانده

است برای من تنها پرسشگری کودکانه‌ام باشد نسبت به برخی مسائل که هرگز حاضر نمی‌شدم قبول کنم زیرا به نظرم غیر عقلانی، غیر طبیعی و به هرحال غیر قابل قبول می‌آمد که به برخی از آن‌ها در این جا اشاره کرده ام.

- ممکن است از روزی که فمینیست شدی برای ما بگویی؟

مشخصا به عنوان یک فمینیست. می‌توانم بگویم اولین بار این کلمه سال ۷۲ یا ۷۳ وقتی هنوز نوجوانی شاعر بودم و در این جلسات ادبی شهرمان شرکت می‌کردم گاهی که برخی نقدها را به برخی شعرها و داستان ها و نمایشنامه‌ها می‌کرد. یک بار یکی بهم گفت این حرف‌ها که تو می‌زنی « فمینیستی» است. راستش آن موقع و در لحظه حتا تلفظ درست کلمه را نفهمیدم. بعد از اتمام جلسه از آن شخص پرسیدم که ببخشید اون کلمه‌ای که گفتید چی بود. گفت: مگه نمی دونی. فمینیسم.. گفتم چی هست؟ گفت: اگر نمی دونی این حرفا چیه می زنی.. گفت خب این حرفا و اعتقادات خودم است... بعد گفت یعنی این حرف‌هایی که بحث حقوق زن و این چیزها می کنه... خیلی هم با لحن خوبی نگفت... بعد من رفتم کلی گشتم دنبال این کلمه.. اولین کتابی که پیدا کردم. کتابی بود به اسم « فمینیسم»، جنبش اجتماعی زنان، فکر کنم مال کسی به اسم آندره میشل بود و ترجمه دکتر هما زنجانی زاده بود. یک کتاب بود با چاپی بسیار معمولی و جلدی مقوایی که یک طرفش سفید بود و فکر کنم رنگ تیتر و عنوان کتاب هم آبی بود.. از آن به بعد فمینیسم یکی از اصلی ترین نحله‌های مطالعاتی من به جز فلسفه و زبان و شعر و جامعه شناسی شد..

- نگاه جامعه به شهاب به عنوان یک مرد فمینیست چگونه بوده است؟ بارها پیش آمده است که از پسران فمینیست شنیده ام که "گی" یا "زن ذلیل" خطاب شده اند، آیا تو هم تجربه ی مشترکی در این زمینه داشته ای؟

این سوال سوال جالبی است. چون واقعا برخوردهای عجیب، جالب و گاه غیر منطقی و گاه با مزه با من شده است و هنوز می شود. نگاه جامعه خب اول‌ها وقتی همیشه شکل انتقاد و اعتراض و این ها داشت در محافل خصوصی و عمومی بیشتر به این صورت به چشم می‌آمد که طرف می‌خواهد نشان دهد زیادی روشنفکر است. یا می گفتند می‌خواهد توجه زنان را به خود جلب کند و به اصطلاح‌شون پاچه خواری زنان را می‌کرد. حالا ذکر این نکته خالی از لطف نیست به دلایلی که اینجا مجالش نیست من که از ۱۷ یا شاید ۱۸ سالگی چنین بحث‌هایی را می‌کردم تحت هیچ عنوانی هیچ رابطه ی شخصی نمی‌خواستم با زنان داشته باشم و تا نزدیک ۲۴ یا ۲۵ سالگی واقعا من هیچ رابطه‌ی شخصی با زنان نداشتم. اصلا قضیه هیچ ربطی به شخص خودم نداشت. تنها و تنها برخی اظهار نطرها و یا قوانین عرفی اجتماعی و یا حتا قانونی رو مسخره و بدون دلیل می دانستم. اما خب به قول معروف دهن مردم رو که نمیشه بست و البته منم باکی نداشتم. سال‌های دانشگاه این مسئله بیشتر شد. سال‌های دوران دانشجویی من مصادف بود با اوایل جنبش دوم خرداد در ایران و من در دانشگاه علوم اجتماعی علامه جامعه شناسی می‌خواندم. طبیعی بود که چنین مباحثی بسیار زیاد شود. بارها بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشکده رسما و با ذکر اسمم در برد آزاد دانشجویی در حیاط دانشکده علیه‌ام مطلب می‌نوشتند و به چنین مطالبی اشاره می‌کردند.

در مورد این‌که « زن ذلیل» ام بخوانند نه بگویم نه، شنیده بودم و گاه هنوز می‌شنوم اما خیلی کم بود. ببنید جامعه دقیقا شبیه همان الگوهای کلیشه‌ای ذهنی خودش رفتار می‌کند. من به دلیل نوع ظاهر فیزیکی که داشتم شاید در کلیشه‌های جامعه نمی‌گنجید که مردی با این هیکل و تیپ و قیافه زن ذلیل باشد. آن‌چه بیش از هرچیز در مورد من گفته می‌شد و فکر کنم هنوز هم گفته می‌شود « خانم باز» است. این پسوند«باز» که به معنی به بازی گرفتن است اتفاقا یکی از مواردی بوده که من همیشه با دوستان مردم سرش دعوا داشته‌ام. در واقع شاید اینجا بد نباشد که بگویم بیشترین دعوا و مبارزه‌ی من با « مردها» بوده است.
در واقع این مردهای همسن و سال و همکار و همکلاسی و هم علاقه و هم فعالیت من بوده‌اند که با برخی اظهار نظرهایشان چیزهایی گفته‌اند که من خیلی راحت پرسیده‌ام « ببخشید اون وقت چرا»! و یکی از این موارد همین پسوند « باز» بوده است. فکر کن کسی که از اوائل جوانیش به دوستان خود می گوید بریم دختر بازی.. و معترض شده آخه یعنی چی دختر بازی.... مگه دختر یک انسان نیست.. مگه دختر توپ است.. یا میله‌ی بارفیکس.. یا آب یا برف.. که می‌گویید بریم دختر بازی و الی آخر بحث‌هایی که بوده.. بعد بیایی به چنین انسانی

صفت «دختربازِ» یا « خانم باز» بدهی. این صفت هنوز هم ادامه دارد حتا چند وقت پیش خیلی رسمی از دوست عزیزی که خودش هم فمینیست است وسط یک بحث و دعوا نوش جان کردم.

- آیا این جامعه قضاوت دیگری هم به مردهای فمینیستی چون شما داشته است؟

جامعه‌ی مردسالار هترونورماتیک با آن ارزش‌های مردسالارانه و هنجارهای دگرجنس‌گرایانه برای دفاع از همان ارزش‌ها هم که شده کمتر به مردی که قدو هیکل و صورت تیپ ظاهری مثلا خشن و مردانه‌ای(طبق معیارهای خودش) دارد، صفتی مثل « گی» یا «همنجس‌گرا» و البته به قول آن‌ها همجنس‌باز می‌دهد.

از دید این جامعه حتا از دید زنان‌اش و حتا گاه زنان قعالش مرد گی یا هم جنس گرا احتمالا مردی است که خیلی ظریف است. خیلی آرایش می‌کند. روحیه لطیف و آرام و تدافعی دارد. مظلوم است. سر به زیر است و قابل زور گفتن است. در واقع وقتی ارزش‌ها و باورها هترو نورماتیک و مردسالارانه بنیاد باشد به باورش دقیقا موجود قابل سکس موجودی است ضعیف و لطیف خفیف، بنابراین نمی‌خواهد چنین صفت‌هایی را به کسی که دارای ارزش‌های مورد تایید جامعه مردسالار دگرجنس‌گرا باور نسبت دهد.
البته این باور در مورد من وجود داشته است. اما ظاهرا بیشتر به خاطر دفاعم و یا تاکیدم روی حقوق هم‌جنسگرایان بوده است. یک بار دوستی به من گفت که من واقعا فکر می‌کردم تو هم‌جنس گرا هستی. نکته‌ی دیگر که باعث این برداشت می‌شود به ویژه از سوی خانم‌ها این بوده که خودشان بارها گفته‌اند که آنقدر برایشان عجیب بوده که همیشه تحت آن حالت تهاجمی که از سوی مردان دیگر قرار گرفته‌اند و از سوی من چنین حسی بهشان دست نداده، بیشتر فکر کرده‌اند که احتمالا من همجنس‌گرا هستم. برای همین چنین رفتارهایی حتا در شکل ساده و معمولی آن‌هم از من نسبت به آن‌ها سر نزده است. بدون شک از دید آن‌ها شهرت فعالیت من به عنوان یک مرد فمینیست نیز موجب ازدیاد چنین حسی شد است.

تجربه‌ی جالب دیگر که باید بگویم و فقط در حد اشاره به آن می‌گویم و قصد باز کردن آن را ندارم این است. که سال ۲۰۱۲ از سخنرانی در یک سمینار حذف شدم به دلیل شائبه‌ی این‌که من « ممکن است کمی گی باشم» و سال ۲۰۱۴ از یک سخنرانی و سمینار دیگر این بار تحت شائبه‌ی این‌که گی نیستم از سمینار احتمالا حذف شدم.. حداقل این بحث به صورت جدی مطرح شده است. اگر چه ممکن است تنها دلیل حذف نبوده باشد و دلایل دیگری هم بوده باشد. اولی یک سمینار سیاسی بود و دومی ظاهرا یک سمینار فمینیستی ...
اما همانطور که گفتم بیشترین برخورد و قضاوت در مورد من همان مفهوم عزیز و دوست داشتنی دوستان یعنی خانم بازی بوده است. در یک تجربه‌ی جالب و غمگین کننده دوستی پشت سر من از دوست دیگری پرسیده بود تو هم مثل این شهاب شیخی فمینیست هستی؟ طرف گفته بود شاید از او هم بیشتر فمینیست باشم هرچند این امر قابل اندازه گیری نیست اما منظورت چیست؟طرف گفته بود راستش منم دوست دارم با زنان زیادی بخوابم ولی حوصله‌ی دفاع از حقوق زن ها و این برنامه‌ها را ندارم...یادم نیست آن دوست در جوابش چه گفته بود. اما بد نیست به عنوان تجربه یک مرد فمینیست بگویم(حداقل تجربه‌ی خودم را می‌گویم) باید بگویم که برای این نوع تفکر نه تنها از زاویه و خاستگاه و توهین آمیز بودنش هم نسبت به مرد و هم نسبت به زن، متاسفم بلکه باید بگویم واقعا و صادقانه می‌گویم اگر خدای ناکرده مردی به چنین قصدی می‌خواهد وارد چنین فعالیت‌هایی بشود، این ره به ترکستان که هیچ به هیچستان است.

این تصور ابلهانه از ابله پنداشتن زنان بر می‌آید. هنوز این تصور که زن موجود ناقص‌العقل است و می‌تواند به ساده‌ترین حیله‌ها فریفته شود همزمان و هم ارز با تصور فریبکار بودن و اغواگر بودن زنان ادامه دارد. این که فکر می‌کنند هر زنی با ماشینی گران‌قیمت، یا خانه‌ای گران‌قمیت و یا فرمایشات و فعالیت‌هایی گران قیمت فریفته می‌شود تصور ابلهانه‌ای بیش نیست. باید پرسید منظور چنین دوستانی کدام زنان است. آیا این که مرد فمینیست را «خانم‌باز» می‌پندارند خارج از این بحث است که فکر می‌کنند این مردان این حرف‌ها و این فعالیت‌ها را می‌زنند که فریب بخورند. اولا تجربه نشان داده که بسیاری از زنان معمولی (منظورم غیر اکتویست‌هاست) به دلیل جامعه پذیر شدن در همان الگوهای جامعه‌ی مردسالار، یک مرد « سالار» و قوی و خشن و همچین با الدرم بلدرم بیشتر می‌پسندند تا مردی که هنگام کافه خوردن و یا هنگام بحث بر سر یک موضوع اجتماعی فرهنگی و یا حتا در یک مهمانی با آن‌ها بحث فمینیستی بکند. زنان اکتویسیت هم خودشان علیه همان وضعیتی هستند که از زنان کاالاهای ابلهانه‌ی قابل فریفتنی می‌سازد پس این کدام زنان هستند که به باور

آقایان و خانم‌هایی که از لرزه‌های کوچک پایه‌های مردسالاری خشمگین شده‌اند و می خواهند با این روش به تحقیر زنان و مردان بپردازند.

- و از نگاه جامعه ی فمینیستی به خودت بگو؟

در مورد نگاه جامعه‌ی فمینیستی خب می‌تونم بگم به صورت کلی برای من پذیرندگی وجود داشته است. راستش فمینیست عنوان شدن من و یا حتا فعال جنبش زنان عنوان شدن من از سوی خود دوستان فعال فمینیست و جنبش زنان بود. من آدمی بودم و هستم که زندگی خودم را می‌کنم. خب همان طور که گفتم برخوردها و انتقادات من از خیلی وقت پیش شروع شده بود. یادم هست اولین مقاله‌ام را به صورت اختصاصی در مورد زنان در ۲۲ سالگی و در مورد نگاه و نقش اختصاص داده شده به زنان در ادبیات و تئاتر بود. بعدها همین مطلب نوشتن‌ها، همین جلسات و همایش‌ها و تجمعاتی که در مورد مسائل مربوط به زنان شکل می‌گرفت و شرکت به عنوان سخنران یا عضوی از میزگرد یا حتا به صورت مخاطب و صرفا شنونده و بیننده، کم کم باعث شد که انگار از سوی کسانی که این مسائل مورد علاقه‌شان بوده، فمینیست یا فعال جنبش زنان مورد خطاب قرار بگیرم.

سال‌های ۱۳۸۴ به بعد و بعد شکل گیری کمپین و امضا جمع کردن پنهان و آشکار برای کمپین و هم‌چنین توسعه کمی و کیفی سایت‌های فمینیستی نیز باعث شد کم کم گاهی برخی مقالاتم در برخی از این سایت‌ها باز نشر شود. در واقع وقتی من چشم باز کردم که مردم و حتا دوستان فعال من را فعال جنبش زنان و یا مرد فمینیست خطاب می‌کردند. وقتی من در این مجموعه قرار گرفتم قاعدتا در مجموعه‌ی برخوردهایی که با مردان فمینیست هم می شود قرار می‌گرفتم. غیر از این برخورد عمومی به شخصه برخورد ویژه‌ای ندیده‌ام. از دید من تا حدی هم این برخورد طبیعی است. درست است جنگ و مبارزه‌ی فمینیسم هرگز با «مرد» نیست و با مردسالاری است. اما به هر حال هر نظام تبعیض و هر نظام ستمی، کارگزارانی دارد و عمده‌ی کارگزاران نظام مردسالاری بدون شک مردان هستند. من خودم نیز به شخصه نه تنها به انتزاعی کردن بیش از حد مردسالاری اعتقاد ندارد بلکه شدیدا معتقدم که باید برخورد انضمامی صورت بگیرد. هم در روش هم در محتوا هم در تاکتیک هم در استتراتژی. بنابراین طبیعی است یک زن فعال فمینیست حساسیتی نسبت به حضور «مرد» با همان تعریف‌های برساخته شده‌ی خود نظام مردسالاری داشته باشد.

- چه نوع برخوردهایی به طور مشخص وجود داشته؟

ببینید دو نوع برخورد وجود دارد. یک برخورد برخورد تئوریک است؛ که البته بخش زیادی از این برخوردهای تئوریک مبتنی بر نگرش فمینیست‌های موج دوم و نیز ذات گرایان است. یعنی همان دسته از فمینیست‌هایی که خود به دوگانه‌های برساخته‌ی جنسی و جنسیتی معتقدند و در واقع به دوگانه‌ای به نام مرد زن اعتقاد دارند همچنین به نگرش بیولوژیکی و ذات‌گرایانه از جنس و جنسیت معتقدند. بنابراین به موجودی که مرد است هیچ اعتمادی ندارند وی را نماینده‌ی تام الاختیار مردسالاری می‌پندارند و از سوی دیگر برخی تجربه‌های جنسی و جنسیتی و بیولوژیکی « زنانه»!! را مستلزم فمینیسم و فمینیست بودن می‌پندارند. اما دسته‌ی دیگر برخوردها به نظرم شخصی است. مثلا در مورد من بارها شنیده‌ام که چر فلانی اگر فمینیست است این همه به ظاهر خودش می‌رسد. یا چرا یانقدر تیپش مردانه است. چرا اینقدر ماچو به نظر می‌رسد. یا حتا یک بار به خودم گفتند «تو دیگه خیلی قیافه‌ات هترو است». یعنی انگار برای فمینیست بودن الزاما باید قیافه و تیپ هترویی هم نباید داشت.

به طور کلی باید بگویم مردان فمینیست هم از سوی مردان و هم از سوی زنان تقریبا رانده می‌شوند. از سوی مردان به این دلیل که جامعه‌ی مردان واقعا از یک مرد فمینیست متنفرند. زیرا یک مرد فمینیست به واقع در چشم آن‌ها یک خائن بالفطره است. به تمامی آرمان‌ها و باورها و ارزش‌های گروهی که آن‌ها به عنوان مرد به آن تعلق دارند نه تنها معتقد نیست بلکه رسما علیه مناقع و ارزش‌های آنان مبارزه می‌کند. مدام در فکر حذف، تحقیر، تحدید مردان فمینیست هستند. به ویژه اگر تشخیص بدهند که آن مرد مثل اکثر خود آن‌ها تنها یک مدعی در عرصه‌ی عمومی روشنفکری نیست بلکه عملا و در تمامی لحظه‌های آگاهی در قهوه‌خانه و مهمانی‌های و جلسه‌ها و نشست‌های سیاسی و شخصی‌شان نیز هم‌چنان به عنوان یک فمینیست حضور دارند. بارها گفته شده که تحمل هر آدمی ممکن است جز یک مرد فمینیست.

- آیا پدیده مردهای برابری طلب و فمینیست از سوی زنان پذیرفته شده؟

از سوی زنان نیز پذیرفته نمی‌شود. زیرا زنان را در واقع دچار یک سرگیجه می‌کند. زنان به حق آموخته‌اند که عامل و فاعل و نماینده و طراح و تقویت کننده ی نظام تبعیض و ستم مردسالاری در اصل مردان هستند. حال باید با مردی رو به رو شوند که با اینکه در گروه مقابل است اما در عمل در گروه آن‌ها است. با این‌که منافعش و ویژگی‌های آموخته شده اش متعلق به گروه جنسیتی خودش است اما در پایگاه و خاستگاهی فعالیت می‌کند که آن‌ها به عنوان زن فعالیت می‌کنند.

از سوی دیگر مباحثی از فمینیسم لیبرال همچون توانمندسازی زنان و.. مطرح می‌شود که عملا با حضور مردان این مسئله خدشه دار می‌شود. همچنین ترس از مصادره کردن این عرصه هم توسط مردان از دیگر دلایل مخالفت زنان با حضور مردان می‌باشد.
در پایان می‌توانم بگویم تن دادن عملی به تبلیغات مدام و منفی و همیشگی مردان علیه مردان فمینیست، گاهی اوقات انگار آن انگاره‌های تبلیغ شده از سوی جامعه‌ی مردان را در زنان نیز تقویت می‌کند و انگار بعد مدتی باور می‌کنند که شاید واقعا حضور این مردان در عرصه‌های فمینیستی نه بنا به باوری فمینیستی بلکه به خاطر همان تمایلات مردانه اما از این راه و این طریق باشد.

نظرات وارده لزوما دیدگاه عرصه سوم نیست.

—

من فمینیست هستم

2014-03-09 · Archive ID 3561
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3561

عرصه سوم-نعیمه دوستدار: از دوران نوجوانی هر وقت درباره حقوق خودم حرف می‌زدم و هر وقت با تبعیض و بی‌عدالتی مخالفت می‌کردم، همیشه بودند کسانی که نچ‌نچ‌کنان سرشان را تکان می‌دادند و می‌گفتند"اوه! تو فمینیست"!» یا "فلانی عقاید فمینیستی دارد... با او بحث نکنید!"
آدم‌هایی که این حرف‌ها را می‌زدند، فقط مردها نبودند. میانشان زن هم پیدا می‌شد. حتی در دوران دبیرستان، فهمیدم تعریف خیلی‌ها از فمینیسم یک چیز خطرناک و وحشتناک است. در مدرسه‌ای که من درس می‌خواندم، (یک مدرسه اسلامی که ردپای خانواده‌های وابسته به حکومت در آن پیدا بود،) تفکری وجود داشت که فمنیسم را مقابل تعریف‌های رایج از خانواده و حفظ آن قرار می‌داد. حتی یادم هست که بعضی معلم‌ها، فمینیسم را مخالف اسلام می‌دانستند و با چسباندن صفت غربی به آن تقبیحش می‌کردند.
با این حال، من یک فمینیست بودم و چیزی نمی‌توانست قانعم کند که مخالفت با تبعیض، چیز بدی است. در همان دوران بود که نشانه‌های آشکار تبعیض را دیدم: فهمیدم مسوولان مدرسه، در حالی با خیلی از فعالیت‌های ما در مدرسه مخالفت می‌کنند که همان‌ها را برای پسرها در شعبه پسرانه مجاز می‌دانند یا بدتر از آن، خیلی از امکاناتی را که برای آن‌ها در مدرسه پسرانه فراهم می‌کنند برای ما در مدرسه دخترانه اولویتی ندارد. آن‌ها سعی می‌کردند دستاوردها و موفقیت‌های پسرها را پررنگ‌تر کنند، اما برای ما مرزها و مانع‌هایی ساخته بودند که با جمله معترضه «این کار برای دخترها مناسب نیست،» خلاقیت و انرژی‌مان را می‌گرفت.
در محیط بیرون هم همین‌طور بود. من نمی‌توانستم هر ساعتی که دلم می‌خواهد از خانه خارج شوم یا هر جایی که می‌خواهم بروم، نه از این نظر که جای بدی می‌خواستم بروم یا در ساعت نامناسبی می‌خواستم از خانه خارج شوم؛ بلکه از این نظر که محیط جامعه برای بیرون رفتنم مناسب و امن نبود؛ اما یک پسر نوجوان هم‌سن و سال من، کم‌تر مانعی برای زندگی و فعالیت در بیرون خانه داشت. مخالفت کردن با چنین شرایطی، برای هرکسی که دوست داشت پیشرفت کند، خیلی طبیعی به نظر می‌رسید. اما خیلی زود برچسب «فمینیست» به من چسبید؛ خیلی زودتر از آن که من حتی معنایش را بدانم و نظریه‌هایش را بخوانم.
بعد از نوجوانی، مانع‌ها و تبعیض‌ها بیش‌تر هم شدند. خیلی زود کشف کردم که در کار و تحصیل و حضور اجتماعی، سر راهم سنگ‌های زیادی هست و رفتارهای نابرابر فراوانی احساساتم را نشانه می‌گیرد. من باز هم اعتراض کردم. نمی‌دانستم چرا پذیرش این تبعیض‌ها برای خیلی از هم‌جنسانم آسان است یا دست‌کم این همه،

خشم و هیجان‌شان را بر نمی‌انگیزد. من با حرارت بحث می‌کردم و درباره ریشه این نابرابری‌ها سوال داشتم، اما دیگران، زن و مرد، سرشان را تکان می‌دادند و می‌گفتند: «اوه! تو یک فمینیست هستی!»
آن سال‌ها، من دیگر مفهوم فمینیسم را فهمیده بودم اما چیزی که همچنان نمی‌فهمیدم، این بود که چرا این واژه واکنش دیگران را بر می‌انگیزد و متعجب یا حتی خشمگین‌شان می‌کند؟ آن‌ها از اعتراض به نابرابری و اصرار به ایجاد شرایط برابر بیش‌تر متعجب می‌شدند تا از تبعیض و پذیرش آن. فمینیسم همچنان یک مفهوم خطرناک بود و بعضی‌ها با برچسب افراطی، آن را جنبشی ضد مرد و خشن توصیف می‌کردند و فمینیست‌ها را آدم‌هایی غیرعادی می‌دانستند که می‌خواهند خون مردها را در شیشه کنند و از آن‌ها انتقام بگیرند و از همه مهم‌تر، این تفکر بین‌شان حاکم بود که فمنیسم می‌خواهد نابرابری تازه‌ای ایجاد کند که این بار مردان در آن محکوم‌اند. رسانه‌ها و تبلیغات رسمی هم به این تفکر دامن می‌زد و فمنیسم را مثل خیلی از جنبش‌های معاصر، در زمره فعالیت‌های دشمنان کیان اجتماع و خانواده قرار می‌داد.
با گذشت زمان، هرچه من از نوجوانی احساساتی به زنی بالغ تبدیل شدم، همزمان با پذیرش نقش‌های مادری و همسری و در کنار تلاش برای حضور بیش‌تر و پررنگ‌تر در مسیر زندگی‌ام در اجتماع، فشار تبعیض را بیشتر حس کردم. هر سال، در آستانه هشتم مارس، خود را سنجیده‌ام: چه باورهای غلطی را درباره جنسیتم با خود حمل می‌کنم و به چه تبعیض‌هایی دامن می‌زنم؟ برای سلامت جسم و روانم، برای امنیت روح و زندگی‌ام، با کدام باورهای نهادینه شده مردسالارانه می‌جنگم؟ این‌که همواره حس‌کرده‌ام یک فمینیستم، چقدر مصداق واقعی در زندگی‌ام پیدا کرده، آیا من شبیه مادر و مادربزرگ و مادر مادربزرگم نیستم؟
هرچه بیشتر خود را می‌کاوم بیشتر حس می‌کنم که بندهای نامرئی تبعیض، در شکل‌های پسندیده فداکاری و گذشت و مهر زنانه، در پوشش حیا و وقار و پاکی، دست و پایم را بسته‌اند و من که باورم این بوده که نوجوانی سرکش بوده‌ام، گاهی شاید به قدر زنی دورافتاده از این باورها و ساکن روستایی محروم، ستم کشیده‌ام یا ستم را به خود تحمیل کرده‌ام. با یافتن این رگه‌های پنهان، هر سال بیشتر احساس می‌کنم که یک فمینیست هستم و باید فمینیست بمانم؛ شاید به قدر چند نسل. آنقدر که رد سیلی خشونت از گونه زنان پاک شود و تجاوز و تحقیر و سوء استفاده از روح و جسم زنان، پایان گیرد... آنقدر که دستمزد و حقوق و جایگاه برابر در مقابل قانون برای زنان به رسمیت شناخته شود و فرصت رشد و تحصیل از هیچ زنی دریغ نشود... تا زمانی که بغض‌های شکسته زنان تسلی پیدا کند و سهم‌شان از زندگی، بی‌نصیبی نباشد.
اما می‌دانم که فمینیست بودن من به تنهایی، مشکلی را زنان ایران و حتی جهان حل نمی‌کند. با این‌که فمینیست‌های زیادی از نوع اسلامی گرفته تا سکولار و غیرمذهبی در ایران فعالیت کرده‌اند، اما هنوز هم این واژه بار معنایی خاصی بین مردم ما دارد و کمی که دقیق‌تر نگاه کنی، می‌بینی این معنا حتی میان مردم کشورهایی که خود مهد این باورها و مبارزات بوده‌اند، هنوز رایج است.
من می‌دانم که فمینیست هستم و باید باشم، اما همیشه این سوال برایم وجود داشته که چرا همه مردم دنیا، زن یا مرد، فمینیست نیستند؟ هر چقدر که تبعیض موضوع پیچیده‌ای است، مبارزه با آن موضوع ساده‌ای است: شعارها و ایده‌ال‌های فمنیسم، شعارها و ایده‌آل‌های برابری‌خواهانه‌ای است که تحقق‌شان تنها به نفع زنان نیست. مبارزه با مردسالاری، جامعه برابری می‌سازد که از نتایج برابری‌اش، همه بهره‌مند می‌شوند. به تعبیری، فمنیسم به معنای ایجاد شبکه‌ای از اندیشه‌ها و آگاهی‌ها و توانایی‌هاست که زنان را حامی قدرت و در جست‌وجوی لذت نشان می‌دهد.
هرسال، هشتم مارس، در روز جهانی زن، نوشته‌ای را بازخوانی می‌کنم که با زبان ساده، آرمان‌های فمینیسم را توضیح می‌دهد؛ این‌که در دنیای امروز، آن‌هایی که فمینیست هستند نباید درباره چرایی فمینیست بودن‌شان به دیگران توضیح بدهند، بلکه دیگران باید از خود بپرسند که چرا فمینیست نیستند. این نوشته، از «دیل اسپندر»، فمینیست استرالیایی، است: «فمینیسم هرگز جنگی راه نینداخته است و هرگز مخالفی را نکشته است. فمینیسم کمپ‌های کار اجباری تاسیس نکرده است، هیچ دشمنی را گرسنگی نداده است، هرگز خشونت نکرده است. مبارزه فمینیسم برای حق تحصیل بوده است، حق رای برای زنان، برای شرایط بهتر و برابر کار ... فمینیسم برای خیابان‌های امنی که زنان مورد خشونت قرار نگیرند مبارزه کرده است، برای حق حمایت دولت از بچه‌ها و تاسیس مهدکودک‌های دولتی، برای خدمات اجتماعی مبارزه کرده است. فمینیسم برای تاسیس مراکز دفاع از قربانیان تجاوز، خانه‌های امن زنان و اصلاحات در قوانین مبارزه می‌کند.
اگر کسی بگوید: اوه! نه! من فمینیست نیستم. من می‌پرسم: برای چی نیستی؟ مشکلت چیست؟"

نظرات وارده لزوما دیدگاه عرصه سوم نیست.

—

صمیمانه با نسرین ستوده: به آینده امیدوار و خوش بین ام

2014-03-09 · Archive ID 3564
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3564

عرصه سوم- محمدرضا سرداری: نسرین ستوده وکیل زن ایرانی و فعال مدنی شناخته شده در جهان، امسال 8 مارس را در خارج از زندان جشن گرفت.
چندی پیش با وی صحبتی دوستانه و صمیمانه داشتم تا یاد دورانی را که با او و خانواده اش سپری کرده بودم تجدید شود. انتظارم این بود که کمتر وارد موضوعات اجتماعی شوم .
از این دید که دیدن نیمای خندان در کنار مادرش پایدار بماند و به سهم کوچک خودم، تماس های اجتماعی بار دیگر خللی در این رابطه ایجاد نکند.
اما چنین تصوری در نسرین ستوده هرگز وجود نداشت. برای او چنین ملاحظاتی بی معنی است. حضورش در مراسم روز جهانی زن در تهران و همچنین تجمع درواپش گنابادی نیز مهر باطلی بر چنین تخیلاتی بود.
این گونه شد که از او خواستم تا به گفت و گویی بنشینیم و او در حال و هوای 8 مارس از ایده آل های خویش برای ما بگوید و او این گونه آغاز کرد: "8 مارس سالهاست برای ما مفهوم ویژه ای دارد. در سه سال گذشته 8 مارس را در کنار دوستانم در داخل زندان جشن گرفتیم و امسال این روز را در میان دوستان بیرون از زندان جشن می گیریم تا بار دیگر نگاهی به گذشته، حال و آینده ای که هنوز پیش روی ماست داشته باشیم."

خانم ستوده، جامعه ایده آل شما چیست؟
گاه از من می پرسند جامعه ی ایده آل تو چیست؟ این سوالی است که هرکسی که فعالیتی دارد بارها و بارها از خود می پرسد. جامعه ی ایده آل من جامعه ای است که در آن به جای زور بازو و قدرت نظامی و سیستم ترسناک دولتی، خرد ورزی، عشق ومحبت و سادگی و صمیمیت جاری باشد.
جامعه ای که در آن البته حقوق زن ها رعایت شود، اما همچنین حقوق اقلیت های دینی، کودکان، اقلیت های قومی و همه ی انسانها رعایت شود. زیرا تنها در این صورت است که می توانیم با آسودگی خیال در کنار هم زندگی کنیم.

رویای شما در واقع چیست؟
رویای من برابری انسان ها فارغ از جنس، رنگ نژاد و هر عامل دیگری است.. برابری اتفاقی نیست که یک شبه بیافتد . به تلاش مداوم نیاز دارد . زنی که درگیر چنین تلاشی است قطعا زندگی متفاوتی دارد ولی نه الزاما بدتر از دیگران. بچه ها در طول زندگی با چنین مادرانی به تفاوت زندگی خود با دیگران پی می برند اما در گام های بعدی نیز متوجه می شوند که به چه دلیل برخی دشواری ها را تحمل می کنند.

دنبال کردن این ایده آل ها از نظر خود تون چه تاثیری بر زندگی خانوادگی شما ، بویژه مهراوه و نیما داشته؟
می دانید که سه سال ونیم پیش به اتهامات سیاسی روانه ی زندان شدم. در آن زمان دو کودکم خرد سال بودند. اما با مدیریت خوبی که از سوی همسرم به عمل آمد، بچه ها به خوبی با 3 سال نبود من کنار آمدند. این مدیریت همسرم و تلاش بی وقفه ی او برای تربیت بچه ها به دلیل پای بندی او به برابری خواهی بوده است که همواره در طول زندگی نیز نشان داده است.



رضا-نیما-مهرواره

من در طی 3 سال غیبت خودم از خانواده تغییراتی را در بچه ها دیدم که طبیعی بود. آن ها در سن رشد بودند .دخترم که در زمان بازداشتم 11 ساله بود، حالا در سن 14 سالگی، می داند مادرش به چه دلیل 3 سال از او دور بوده است . من ناگهان با دختر نوجوانی مواجه شده ام که برای تصمیم هایش دلایل منطقی دارد و پسرم که در زمان بازداشتم اساسا متوجه مفهوم حبس و زندان نبود و حالا 6 ساله شده است. ذهن کودکانه ی او پشت سرهم با مفاهیم زندان، جرم ،دزدی و جرم سیاسی و اشتباه پلیس !! و غیره آشنا شده است.

او کودکی اش را گم کرده است . اغلب می پرسد من کی بزرگ شدم؟ من یک دفعه بزرگ شدم و مرا از زندان به یاد می آورد.

خاطرم هست شما پیش از آنکه به وکالت بپردازید، فعال حقوق کودک بودید. تاسیس انجمن حمایت از جقوق کودکان نخستین گامی بود که برای حمایت از حقوق کودکان برداشته شد و شما یکی از موسسان آن بودید. ولی بنظرم از حق فرزندان خود برای رسیدن به این ایده آل ها هزینه کردید. چرا؟
ذکر این حکایات البته ناراحت کننده است.اما بگذارید تجربه ای را با شما در میان بگذارم و به شما بگویم برای هر ایده آلی باید هزینه ای پرداخت . این هزینه ی ناخواسته ای است که پرداخت می شود. هزینه ای که اگر شما بگویید از بچه ها پرداخت می شود قطعا با شما موافق ام واگر بگویید حق نداریم از بچه ها هزینه کنیم باز هم با شما موافق ام.
آیا اینجا نقطه ی تلاقی حق انسانی مادر با حق کودکش است؟ ما در روز جهانی زن حق داریم از مشکلاتی سخن بگوییم که با آن ها روبروییم. اگر مادری برای تحقق حقوق کودکان تلاش می کند قطعا برای دفاع از حق کودک خود نیز کوشش می نماید و اگر در این راه دچار سختی شود کل خانواده نا ملایمات را تجربه می کند. چه باید کرد ؟ آیا باید به دلیل سختی های راه از آرمان هایمان چشم پوشی کنیم؟ قطعا نه.

همان طور که ما برای توانمند سازی کودکان مان و آموزش آنان سختی مدرسه رفتن را به آنان و خودمان تحمیل می کنیم، پس برای تحقق برخی آرمان ها نیز سختی هایی را بر خود هموار می کنیم تا کودکان مان نیز بیاموزند که باید برای به دست آوردن چیزهای با ارزش هزینه پرداخت.
هزینه ای که ما به سهم خود برای تحقق عدالت و برابری پرداختیم "دوری" و" دلتنگی" بود . همین . این هزینه در مقابل آرمانی که ما برای تحقق اش تلاش می کنیم چیز زیادی نیست!

و آینده را چگونه می بینید و چه خواهید کرد؟
من آرمانم برای برابری و عدالت پابرجاست و برآنم از طریق وکالت، تا زمانی که پروانه ام پا برجاست تلاش کنم. و هر گاه آن را از من بستانند با استفاده از همه ی حقوق انسانی ام در این راه گام برمی دارم و البته به آینده امیدوار و خوش بین ام . بی شک برابری محقق می شود چون بدون آن زندگی از "عشق" و "صلح" تهی می شود و زندگی خالی از "عشق" و "صلح" دوام نمی یابد.

نظرات وارده لزوما دیدگاه عرصه سوم نیست.

—

نگرانی نسبت به وضعیت فعالان حقوق بشر در حبس

2014-03-10 · Archive ID 3572
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3572

عرصه سوم: عرصه سوم به اتفاق پنج سازمان مدافع حقوق بشر به مناسبت 11 اسفند 88 که به بازداشت دست کم سی فعال حقوق بشر در ایران انجامید، بیانیه ای صادر کردند.
در این بیانیه آمده است :"برخورد فزاینده با مدافعان حقوق بشر، از ابتدای سال 88 و در پی اعتراضات مردمی به نتایج بحث برانگیز دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، آغاز شد و در اواخر این سال به اوج خود رسید. یازدهم اسفند ماه، چهارمین سالگرد برجسته ترین دور از برخورد های سازمان یافته و گسترده دستگاه امنیتی با نهادها و مدافعان حقوق بشر در ایران است.
این بیانیه می افزاید:" در این تاریخ دست‌کم 30 فعال حقوق بشر در نقاط مختلف ایران توسط نیروهای امنیتی دستگیر و روانه بازداشت گاه ها شدند. بازداشت شدگان مورد اشاره با طرح اتهاماتی کلیشه ای و واهی مورد محاکماتی قرار گرفته اند که عاری از شفافیت و حداقل ضمانت لازمه برای یک رسیدگی عادلانه بود. این محاکمات منجر به صدور ده ها سال حبس تعلیقی و تعزیری برای مدافعان حقوق بشر شد و علی رغم گذشت چهار سال هم چنان تعدادی از قربانیان این برخورد منجمله: مهدی خدایی، ابوالفضل عابدینی، نصور نقی پور، نوید خانجانی، ایقان شهیدی و محمد حسن یوسف پورسیفی با محکومیت های سنگین در زندان به سر می برند.
ایت بیانیه ادامه داده است:" سازمان های مدافع حقوق بشر امضا کننده این بیانیه ضمن یادآوری مجموعه برخورد های سالهای اخیر بخصوص واقعه 11 اسفند ماه با مدافعان حقوق بشر که نمادهای آشکار از رنج بی پایان این فعالان در ایران است در این رابطه متفق الباور هستند، حکومت ایران علاوه بر این که ارزشی برای کار مدافعان حقوق بشر قائل نیست، بلکه بر خلاف سند " حقوق و مسئولیت افراد، گروه ها نهادهای اجتماعی، ارتقاء و حفاظت از حقوق بشر و آزادی بنیادین مورد وثوق جامعه جهانی " در رابطه با فعالیت مدافعان حقوق بشر به خصوص ماده ۲-۱۲ آن که صراحتاً عنوان می دارد "حکومت ها باید کلیه ی تضمین های لازم را به کار گیرند تا حمایت مراجع ذی صلاح از همه افراد به صورت فردی و گروهی در برابر خشونت، تهدید، اقدامات تلافی جویانه، تبعیض منفی عملی و یا قانونی، فشار یا هر گونه اقدام خودسرانه دیگر که در پی استفاده مشروع و قانونی این افراد از حق مزبور در اعلامیه حاضر تضمین گردد."، خود به تهدید برخورد سازمان یافته با مدافعان حقوق بشر مبادرت می کند. این روند تا جایی است که ایران امروز را باید در زمره مناطق ناامن برای فعالیت مدافعان حقوق بشر قلمداد کرد. این در حالی است که مدافعان حقوق بشر صرفاً در راستای تحقق اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان متضمن حقوق و آزادی های برابر، برای تمامی انسان ها می کوشند."
این بیانیه می افزاید:" نهادهای امضا کننده ی این بیانیه همزمان با چهارمین سالگرد برخوردهای سازمان یافته با سازمان های ایرانی مدافع حقوق بشر بدین وسیله، خواستار آزادی بازداشت شدگان یازدهم اسفند و نیز سایر می مدافعان ایرانی حقوق بشر در بند از جمله آقایان عبدالفتاح سلطانی، محمد سیف زاده، محمد صدیق

کبودوند، محمد علی دادخواه، سعید متین پور، بهاره هدایت، رسول بداقی، جعفر اقدامی، رضا شهابی، حسین رونقی ملکی و ... هستند. این سازمان ها هم چنین ضمن اعلام نگرانی از شرایط ناامن و افزایش فشارهای روزمره بر مدافعان حقوق بشر در ایران، توجه جامعه جهانی و نهادهای بین المللی و هم چنین گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، آقای دکتر احمد شهید را، به این مسئله جلب می نمایند و خواستار آن هستند تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ضمن اولویت دادن به مشکلات مدافعان حقوق بشر در ایران، به خصوص آزار و تعقیب آنان از سوی حکومت و نیروهای خودسر، از تمامی راهکارها و اختیارات لازم برای ترغیب دولت برای پایان دادن به این روند با عنایت ویژه به آزادی مدافعان حقوق بشر در بند بهره گیرد."
این نهادها هم چنین در این رابطه دولت ایران را به برداشتن گام های ضروری در جهت بهبود وضعیت ناامن مدافعان حقوق بشر در ایران فرا می خواند و به آن یادآور می شود تا زمانی که مدافعان حقوق بشر در ایران در معرض تهدید و بد رفتاری قرار بگیرند، باور به اعتنا و اعتقاد آن حکومت به مقاوله نامه ها و معاهدات حقوق بشری ممکن نخواهد بود.

اسامی سازمان های ایرانی مدافع حقوق بشر:

1- بنیاد عبدالرحمان برومند

2- عرصه سوم

3- عدالت برای ایران

4- سازمان حقوق بشر اهواز

5- سازمان حقوق بشر ایران

6- سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

—

فمینیسم و نقش مردان در برابری طلبی جنسی

2014-03-11 · Archive ID 3556
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3556

بخش دوم



عرصه سوم- صفورا الیاسی: برخی از مردان، سود و زیان محرومیت زن را در کفه های مختلف ترازو می گذارند و نتیجه می گیرند که زنها هم باید حقوق برابر داشته باشند.

کامیار گیاه چی که همه را او را به نام کامیار بهرنگ می شناسند، اکنون مجری یکی از برنامه های تلویزیون رها است.

کامیار خود را فعال سیاسی می داند و می گوید: " من از 16 ماهگی، درست از زمانی که پدرم دستگیر شد، فعالیت سیاسی ام را شروع کردم. از همان وقتی که برای ملاقات با پدرم به زندان می رفتم، اولین خاطرات من در میان دویدن ها و بازی کردن در راهروهای سالن های ملاقات اوین و قزل حصار شکل گرفت، از همان زمانی که تنها دوستانم را از بین فرزندان دیگر زندانیان انتخاب کردم، از همان زمان، فعال سیاسی شدم. وقتی پدرم از زندان آزاد شد و حضور روزمره ی وزارت اطلاعات در خانه ی ما حس می شد. سال 76 شد، خوشحال بودم که برای بار اول می توانم رای بدهم. سعی کردم همیشه در رابطه با اصلاح طلبان باقی بمانم و بعد به خارج از کشور آمدیم و همیشه به فعالیت سیاسی مشغول بودم. من هیچ وقت خودم را فعال حقوق بشر ندیدم و نمی بینم. اما در بخشی از زندگی ام هم، شروع به فعالیت مدنی کردم."

کامیار می گوید که به جز دایی اش، تمامی دوستانش، دختر بوده اند. از او پرسیدم که آیا خود را برابری طلب می داند؟ کامیار ریشه های مذهب را در خود قوی می داند، اما معتقد است که از مذهب هم برای خوب دیدن زندگی بهره می جوید. او می گوید همان طور که در قرآن آمده است: "ما هو انسان. ما همه انسان هستیم، بدون جنسیت، بدون رنگ و نژاد و مذهب. کامیار معتقد به برابری در همه ی سطوح برای انسان هاست." کامیار

می گوید به انسان معتقد است و سعی می کند بدون توجه به جنسیت و نژاد و رنگ و مذهب به مسائل نگاه کند.
او می گوید: "سیستم مردسالاری شبیه یک مخروط برعکس است. زنان برای احقاق حقوق از دست رفته شان، قسمتی از این مخروط را جدا می کنند و به قسمت دیگری می چسبانند، در واقع با این کار، قسمتی از حقوق مردان را تضییع می کنند. از سوی دیگر، مردان که حقوق خود را در خطر می بینند، بیشتر تلاش می کنند که حقوق از دست رفته شان را بازیابند و این گونه بیشتر حق زنان را تضییع می کنند. این هرم نابرابری که سمت بزرگ آن را مردان دارند، از دید من اکنون تبدیل به شکلی شده است که برآمدگی ها و تورفتگی های زیادی دارد و این کار را برای فعالین سخت و سخت تر می کند."
کامیار معتقد است :" مفهوم برابری در ایران اکنون به تقض دیگری به نفع خودم تبدیل شده است."او می گوید این همان تعریف فمینیست ایرانی است."به نظر من فمینیست ایرانی ناقض حقوق مردان و برابری است. فمینیست ایرانی برابری طلب نیست. خواهان حقوق از دست رفته ی زنان است و بس، و من این تعریف را متناقض با برابری خواهی می دانم. با این تعریف من خود را در بین ایرانیان فمینیست نمی دانم."
کامیار قبلاً در سوئد عضو گروهی بوده است که انجمنی در دفاع از حقوق مردان بود. او در ادامه ی حرف هایش می گوید: "ما از حقوق مردان کتک خورده، مردانی که از خانه هایشان بیرون افتاده بودند و یا مردانی که زنانشان اجازه ی دیدن فرزندانشان را نمی دانند، دفاع می کردیم."
این تضعیع حقوق در مقابل تضعیع حقوق زنان، بسیار کم است، اما من معتقد هستم که باید از حقوق انسان هایی که کسی از حقوق آنان دفاع نمی کند، حمایت کنیم و همین استفاده ی مکرر از احقاق حقوق از دست رفته ی زنان، موجب جدایی زنان از گروه انسان ها می شود."
از کامیار در مورد خانواده اش پرسیدم. او می گوید که از خانواده ای مادر سالار آمده است، خانواده ای که مادر در آن در زندگی تک تک فرزندانش دسسخالت مستقیم داشته است. اما می گوید که پدر و مادرش همیشه در تقسیم مسئولیت ها برابر بوده اند، به طوری که او در خانواده هرگز متوجه فشاری از سوی پدر، بر مادرش نشده است.
کامیار با اینکه نگاهش با بسیاری از برابری طلبان و فمینیست ها متفاوت است اما با این حال از گزند زخم زبان ها هم در امان نیست. آدم هایی که در دور و بر او را مردی زن ذلیل خطاب می کنند.
او در مورد نگاه جامعه به مردان فمینیست و برای طلب می گوید: " من فکر می کنم نگاه جامعه به مسئله ی برابری طلبی اصلا مثبت نیست. چرا که قشر بزرگی از این جامعه، منافع آشکار خود را در خطر می بیند". او معتقد است که قدرت و منفعت طلبی در برابری طلبی یافت نمی شود و می گوید: "شاید از دست رفتن همینهاست که منجر به مخالفت با برابری طلبی می شود."

علی عبدی دانشجوی انسان شناسی است. از علی پرسیدم که خود را فمینیست می داند یا برابر طلب؟
علی خود را یک فمینیست می داند و می گوید: "به نظرم بحث سر این مسأله که آیا فمینیسم به معنای برابری‌طلبی است یا چیزی غیر از آن، نتیجه‌ای عاید ما نمی‌کند. به نظرم بحث درباره‌ی معنای «واقعی» این مفاهیم - با توجه به این‌که در بسترهای مختلف و در ارتباط با مفاهیم دیگر، معانی متفاوت و بعضا متضادی پیدا می‌کنند - سازنده نیست.
من بحث درباره‌ی کارکرد و نتایج اجتماعی استفاده از هر کدام از این هویت‌ها را سازنده‌تر می‌دانم. تصور می‌کنم که هویت برابری‌طلبی در زمانه‌ی ما تا مقدار زیادی خنثی شده و بار سیاسی‌اش را از دست داده است. اکثریت مردم و سیاستمداران در این سو و آن سوی دنیا ادعا می‌کنند که خواهان برابری همه‌ی انسان‌ها هستند. اما وقتی وارد جزئیات می‌شویم و از ایشان می‌پرسیم که آیا مرد و زن یا همجنسگرا و دیگرجنسگرا یا دین‌دار و بی‌دین باهم برابرند، پاسخ‌هایی می‌شنویم که لزوما هم‌راستا با ادعای اولیه‌شان مبنی بر برابری همه‌ی انسان‌ها نیست.
در مقابل، وقتی فردی خود را فمینیست معرفی می کند، معمولا از وی می‌پرسند که منظورش از «من فمینیست هستم» چیست؟ به نظرم همین پرسش می تواند بحث‌های سازنده‌ای را به دنبال داشته باشد. انتخاب هویت «فمینیست» و استفاده از آن در عرصه‌ی عمومی، می‌تواند جریان یکنواخت را به‌هم‌بزند، چالش ایجاد کند و گفت‌وگوهایی را درباره‌ی جنسیت، برابری، تفاوت، طبیعت، فرهنگ، قدرت، بدن، مقاومت و غیره شکل دهد. در کنار این چالش سازنده، فکر می کنم که خمیرمایه‌ی فمینیسم، نقد همیشگی قدرت در زندگی روزمره و نیز مقاومت مقابل ساختارهای مردسالار (و نژادپرست و همجنسگراستیز و الیت‌گرا و ...) و تلاش برای عادلانه‌تر کردن دنیای پیرامون از طریق کنش جمعی در عرصه‌ی عمومی باشد. در حالی که هویت عام «برابری‌طلبی» -

از آن‌جا که توسط اصحاب قدرت مصادره شده - عملا به هویتی غیرسیاسی بدل شده‌است.
علی ادامه می دهد: "با این وجود، یک فمینیست در تار و پود همان جامعه‌ای که قصد عادلانه‌تر کردن‌ش را دارد بزرگ شده و بسیاری از ارزش‌های مردسالار را با خود این سو و آن سو می‌کشد. همه‌ی ما تا حدی محصول آن دسته شرایط اجتماعی/اقتصادی/تاریخی هستیم که در آن زندگی می‌کنیم. با آن‌که یک فمینیست در پی نقد همیشگی روابط نابرابر قدرت است اما خود نیز رفتارها/باورها/گفتارهایی دارد که روابط سلسله‌مراتبی قدرت را بازتولید می‌کند. من هم از این قاعده مستثنی نیستم. با این حال سعی می‌کنم در کنار نقد قدرت در زندگی روزمره، و همراهی با کنش‌های جمعی برابری‌طلبانه در عرصه‌ی عمومی، نسبت به رفتارها و گفتارهایم موضع انتقادی داشته باشم--که البته کار آسانی نیست و اغلب اوقات در پی این مواجهه شکست می‌خورم."
او می گوید: "با تحولی که مطالعات و جنبش‌های فمینیستی در طول این چند دهه در غرب پیدا کرده، به نظر می‌آید که دیگر بحث درباره‌ی «جنسیت» به تنهایی نمی‌تواند ما را با روابط و روندهای پیچیده‌ی قدرت آشنا کند. در طول این سال‌ها ما با دو تحول عمده در جنبش‌ها و مطالعات فمینیستی مواجه بوده‌ایم: اولا اگر در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، نقد روابط سلسله‌مراتب «جنسیتی» و نابرابری بین «زنان» و «مردان» بارزترین شاخصه‌ی جنبش‌ها و مطالعات فمینیستی بود، امروزه بدون در نظر گرفتن طبقه‌ی اجتماعی، نژاد، قومیت، گرایش جنسی، دین، توانایی بدن و مانند این‌ها، نمی‌توان تحلیل درستی از نظام‌های سلسله‌مراتبی و نیز ماهیت قدرت/مقاومت در زندگی روزمره داشت. و دوم: هم‌چنین نمی‌توان زنان و مردان را به عنوان دو دسته‌ی همگون تحلیل کرد. در بین خود زنان و در بین خود مردان نیز شکل‌هایی از تبعیض و روابط سلسله‌مراتبی وجود دارد.
تمرکز صرف روی جنسیت می‌تواند بعضی از شکل‌های دیگر نابرابری را بازتولید کند. مثلا مطالبات و شرایط زندگی زنی از طبقه‌ی متوسط به بالای شهر تهران که مجرد زندگی می‌کند در مقایسه با زنی در کرمانشاه که سرپرست خانوار است و دو فرزند کوچک دارد با یک زن افغان که در بوشهر به عنوان کارگر خانگی مشغول کار است لزوما یکی نیست. در حالی‌که اگر تحلیل‌های ما از مطالبات و شرایط زندگی «زنان» ایران مبتنی بر طبقه یا شهر یا قوم یا نژاد خاصی باشد، می‌تواند باعث در حاشیه‌ماندن و دیده‌نشدن زنان دیگر شود.
بله من خود را فمینیست می‌دانم اما «جنسیت» - به شرحی که عرض کردم - برای من تنها شاخصه برای تحلیل دنیای پیرامون نیست. زنان و مردان را به عنوان دو گروه مقابل و معارض یکدیگر می‌دانم."

از علی در مورد روند فمینیست شدنش پرسیدم. او می گوید: "وقتی به دانشگاه صنعتی شریف رفتم، عضو انجمن اسلامی دانشگاه شدم. در ابتدای ورودم به انجمن حساسیتی نسبت به مسائل جنسیتی نداشتم. اما رفته‌رفته بعضی نابرابری‌ها بیشتر به چشمم آمد. محیط انجمن بسیار مردانه بود. نسبت مرد به زن در انجمن در طول سال‌هایی که در انجمن فعالیت کردم شاید ده به یک بوده باشد. بسیاری از گفتارهایی که در دفتر انجمن به کار می‌رفت - حتی در گفت‌وگوهای عادی بین دو نفر - متأسفانه سوگیری جنسیتی و ضد زن داشت. یا سیگار کشیدن مردان در اتاق کوچک انجمن و خشونت‌های جنسیتی و حس تملک بر عرصه‌ی عمومی که در این رفتارها پنهان بود.
در همان ماه‌های اول ورودم به انجمن بود که یکی از فعالان حقوق زنان که در انجمن فعالیت می‌کرد، کتابی به نام «حقوق زنان از آغاز تا امروز» به من داد. روزی که برای تماشای بازی استقلال پرسپولیس به استادیوم آزادی رفته بودم، تا قبل از شروع بازی، این کتاب را خوندم. همان جرقه‌ای شد برای مطالعه‌ی بیشتر. هفته‌ی بعد از آن بود که دو کتاب خانم مهرانگیز کار، "خشونت علیه زنان در ایران" و "حقوق سیاسی زنان در ایران" را خواندم. این‌ها اولین کتاب‌هایی بود که در حوزه‌ی زنان مطالعه کردم.
سال بعد، همان رفیق ما به عنوان اولین دبیر زن انجمن اسلامی انتخاب شد. من در آن سال رئیس شورای عمومی بودم و برای دبیری ایشان تا جایی که می‌شد تلاش کردم. با انتخاب ایشان، گروه زنان انجمن هم فعال‌تر شد. گروه‌های مطالعاتی در حوزه‌ی جنسیت و زنان شکل گرفت و از اساتید فمینیست دانشگاه‌های مختلف دعوت می‌کردیم تا به مناسبت‌های مختلف به دانشگاه بیایند.
سال ۸۵ هم که اطلاع دارید کمپین یک میلیون امضا آغاز شد. در اولین کارگاهی که برای مردان برگزار شد، شرکت کردم و بعد از آن هم، تسهیل‌گر کارگاه مردان شدم و به همراه چند عضو دیگر کمپین بیش از ۲۰ کارگاه آموزشی در تهران و کرج برای مردان برگزار کردیم. افتخار این را هم داشته‌ام که در کنار فعالان جنبش زنان در تجمع‌های پارک دانشجو، میدان هفت تیر و برنامه‌های متعددی که در آن سال‌ها برگزار می‌شد شرکت کنم."
در مورد نگاه جامعه، به علی، به عنوان پسری فمیسنیت پرسیدم. او در پاسخ گفت:
"از آن‌جا که فمینیسم با نقد قدرت در زندگی روزمره گره خورده، بعید می‌دانم که فمینیستی وجود داشته باشد

که خشونت را در زندگی روزمره‌ی خود لمس نکرده باشد. من هم از این قاعده مستثنی نیستم و مورد خشونت های کلامی و رفتاری قرار گرفته‌ام. این خشونت‌ها قطعا با خشونت‌هایی که علیه زنان به کار می‌رود یکی نیست اما از یک خانواده است. یعنی همان ابزارهایی که نظام مردسالار علیه زنان استفاده می‌کند (از جمله تحقیر، توهین، طعنه، جدی نگرفتن، و خشونت‌های فیزیکی و جنسی) علیه مردان فمینیست نیز به کار می‌برد. از استفاده از واژه‌هایی مثل «زن‌ذلیل» و «کس‌لیس» و «دختربار» و «کونی» برای خطاب قراردادن و تحقیر ایشان گرفته تا آزار و اذیت فیزیکی و حتی تجاوز جنسی برای نشان دادن قدرت مردانه. بعید می‌دانم مرد فمینیستی را بشناسم که با این تجربه‌ها - مخصوصا با خشونت‌های کلامی - برخورد نکرده باشد.

می‌خواهم دوباره گریزی به بخش اول گفت‌وگو بزنم. اگر که شما چه با هویت «برابری‌طلب» چه «فمینیست» کنشی در عرصه‌ی عمومی و زندگی روزمره برای تحقق برابری‌طلبی انجام ندهی، قاعدتن با مقاومتی از طرف سیستم مواجه نمی‌شوی و به خاطر هویتی که انتخاب کرده‌ای مورد تحقیر و خشونت قرار نمی‌گیری. اما با انتخاب آگاهانه‌ی هویت «فمینیست» و تلاش برای تغییر موازنه‌ی قوا، شما عملی سیاسی انجام داده‌اید و با مقاومت سیستم نیز مواجه می‌شوید.»

علی در ادامه می گوید: "همین تجربه‌های رنج و خشونت نشان می‌دهد که همه‌ی مردان به طور یکسان از نظام مردسالار بهره نمی‌برند. بین مردان نیز رابطه‌ی سلسله‌مراتبی و شکل‌هایی از خشونت و تبعیض وجود دارد. به بیان دیگر ما نمی‌توانیم جامعه را به دو گروه زنان و مردان تقسیم کنیم و این دو گروه را روبه‌روی یکدیگر قرار دهیم و تصور کنیم که منافع یکی در مقابل منافع دیگری است.

البته که عموم مردان به دلایل مختلف خواستار برابری جنسیتی نیستند. اما برابری جنسیتی قطعن به بهتر شدن زندگی مردان نیز خواهد انجامید. زندگی کردن در یک نظام مبتنی بر نابرابری جنسیتی نه فقط باعث کاهش کیفیت زندگی زنان می‌شود بلکه بر کیفیت زندگی مردان نیز اثر منفی می‌گذارد.

شخصا مردهای زیادی را می‌شناسم که ترجیح می‌دهند برای معاینه‌ی بیماری‌شان - مخصوصا اگر به توانایی و قدرت بدنی مربوط باشد - به دکتر مراجعه نکنند. یا حتما با مردهایی مواجه شده‌اید که توانایی کمتری برای بیان احساساتشان دارند و گاهی به خاطر فشارهای اجتماعی ناشی از تقبل مسئولیت نان‌آوری با مشکلات روحی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مردسالاری به بسیاری از مردها آسیب می‌زند و به آنان زبانی برای توضیح این رنج نمی‌بخشد. اگر دگرجنس گرایی و توانایی جنسی در داشتن رابطه جنسی با زنان، یکی از خصوصیات مردان واقعی در زمانه‌ی ما باشد و توسط ابزارهای ایدئولوژیک حاکم تبلیغ شود، می‌توانید تصور کنید که مردان همجنسگرا یا مردان دیگرجنسگرایی که روابط جنسی و جنسیتی متفاوتی را برگزینند تا چه اندازه ممکن است خشونت را در زندگی روزمره‌شان تجربه کنند.

در نتیجه حضور مردان در جنبش‌های برابری‌طلبانه ضرورت دارد. نه فقط برای بالا بردن کیفیت زندگی زنان که برای کم کردن تجربه‌های رنج در زندگی خودشان و عادلانه‌تر کردن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند. جنبش زنان با مبارزه ای که علیه مردسالاری و علیه ارزش‌های برساخته‌شده‌ی آن می‌کند، در واقع به یاری مردان نیز می‌آید."

علی در روزی که مصاحبه را با وی انجام دادم مشغول مطالعه‌ی کتابی بود با موضوع مردانی که با مشکلات جنسی دست و پنجه نرم می‌کنند. علی می‌گوید: "جامعه از مرد انتظار قوای جنسی دارد. اما بسیاری از مردها لزوما نمی‌توانند خود را با این تصویر هماهنگ کنند. در نتیجه بسیاری از مردان در جنگ بی‌پایان و همیشگی با خود و با جامعه هستند تا بتوانند انتظارات جامعه را برآورده کنند. انتظاراتی که هرگز محقق نمی‌شود."

علی در پایان اشاره می‌کند:"با این وجود یادمان نرود که اکثریت مردها از نظر موقعیت سیاسی و بهره‌های اجتماعی و اقتصادی نسبت به زنان در موقعیت بهتری قرار دارند. در قوانین علیه زنان تبعیض وجود دارد. سطح درآمد زنان پایین‌تر از مردان است. مشارکت اقتصادی زنان بسیاری کمتر از مردان است. در نتیجه منفعت جنبش زنان در درجه‌ی اول متوجه خود زنان خواهد بود. اما در عین حال معتقدم که همراهی مردان با این جنبش و در عین حال تمرکز مردان روی موضوعاتی نظیر خشونت مردان علیه مردان و زنان می‌تواند به بالاتر رفتن کیفیت زندگی مردان و عادلانه‌تر کردن جامعه‌مان کمک کند."

نظرات وارده لزوما دیدگاه عرصه سوم نیست.

—

سرکوب دراویش در حضور اشتون

2014-03-11 · Archive ID 3579
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3579

عرصه سوم: ضرب و شتم زنان و مردان و بازداشت مادران به اتفاق نوزادان و کودکان در نظاهرات حمایت از زندانیان بیمار درویش، در آستانه برپایی جشن نوروز، گزارش نگران‌کننده‌ای بود که از پایتخت ایران رسید.

برخی از حاضران در تظاهرات روزهای شنبه و یکشنبه در گفت‌وگو با رسانه‌ها از برخورد خشونت‌آمیز پلیس با تظاهرکنندگان خبر داده‌اند. برخوردهایی که منجر به جراحت برخی از تجمع کنندگان شد و در میان آنان زنان و مردان مسن وجود داشت.

صدیقه خلیلی ، همسر حمیدرضا مرادی، وکیل درویش زندانی یکی از تظاهرکنندگان بوده است. او که خود چندین بار لگد خورده و به سختی می تواند راه رود، این گونه از مشاهدات خود به کمپین بین المللی حقوق‌بشر می گوید:"ماموران مثلا مسلمان بودند و محرم و نامحرم برایشان مهم بود اما ماموران مرد هم زنان را کتک می‌زدند و به آنها فحاشی می‌کردند. دخترم را که می‌خواست جلوی دستگیری عمویش را بگیرد با باتوم به سر و دست و پایش کوبیدند و موهایش را کشیدند و روسریش از سرش افتاد. همه را زدند. مادر درویش زندانی به نام رضا انتصاری را که زنی ۶۰ ساله است را روی زمین می‌کشیدند و کتک می‌زدند."

به گفته خانم خلیلی حدود ۳۰۰ مرد و ۲۶ زن درویش توسط ماموران طی این دو روز دستگیر شدند که همگی آنها ساعت ۲ صبح دوشنبه ۱۹ اسفند ماه آزاد شدند.

او سپس از مشاهدات خود از روز نخست بازداشت می گوید:" اول ما را بردند ساختمان وزارت که نمی‌دانم به چه علت آنجا ما را قبول نکردند و بعد به زندان اوین برده شدیم. آن روز هوا خیلی سرد بود اما همه مردها را در حیاط نگه داشتند و زنها را به نمازخانه زندان اوین بردند. در بین ما چند بچه هم بود. یک نوزاد سه ماهه و چند بچه ۲ تا ۳ ساله. ساعت ها در نمازخانه بودیم بدون اینکه به بچه ها آب و غذا داده شود و آنها گریه می‌کردند."

مریم شیرینی، همسر امیر اسلامی وکیل زندانی دراویش گنابادی که او نیز می گوید به دلیل ضرب و شتم روز شنبه توسط ماموران امنیتی قادر به راه رفتن نیست، از وقایع روز شنبه و هجوم ماموران امنیتی به "جرس" می‌گوید: "در اعتراض به وضعیت عزیزان دربندمان در جلوی دادستانی تجمع مسالمت‌آمیز و همراه با سکوت داشتیم که ناگهان نیروهای امنیتی و اطلاعات به طرف ما حمله کردند و با لگد و باتوم شروع به ضرب و شتم ما کردند. حدود دویست و سیصد نفر را بازداشت کردند و بردند. به حدی بی رحمانه ما را مورد ضرب و شتم قرار دادند که قابل توصیف نیست؛ حتی می‌دیدند که پای من شکسته است باز با لگد به پای شکسته‌ام می‌زدند که الان قادر به راه رفتن نیستم و بخاطر همین در تجمع امروز شرکت نکردم."

تظاهرکنندگان می‌پرسند:" مگر خواسته ما چیست؟ این خواسته زیادی است که می‌گوییم بیماران دربند ما را به بیمارستان جهت درمان منتقل کنید؟ آیا نگرانی از سلامت جان عزیزان دربندمان نیاز به برخوردهای خشونت آمیز و ضرب و شتم زنان دارد؟"

اما رئیس پلیس تهران که به مامورانش دستور ضرب وشتم داده است به نمایندگان تظاهرکنندگان می گوید:" من مرد هستم و مطمئن باشید به وعده ای که می‌دهم عمل می‌کنم، شما بروید اگر تا فردا ساعت ده صبح اینها را منتقل نکردند و تغییری در شرایط داده نشد دوباره فردا بیایید اینجا و تجمع کنید."

اما تظاهرکنندگان فردا نیز آمدند و کتک خوردند و هیچ کس از رئیس پلیس نپرسید که او از کجا چنین وعده ای را به تظاهرکنندگان داده است.

ضرب و شتم دراویش تظاهرکننده در تهران زمانی روی داد که کاترین اشتون برای مذاکره با مقامات جمهوری‌اسلامی وارد تهران شده بود.

اشتون در این دیدار به شکل غیرمنتظره ای با تعدادی از فعالان زن از جمله نرگس محمدی و همچنین گوهرعشقی مادر ستار بهشتی کارگر وبلاگ نویس نیز دیدار کرد. برخی رسانه ها نوشتند کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سفرش به تهران بر رعایت حقوق بشر تاکید کرده است.

مایکل مان، سخنگوی کاترین اشتون نیز در صفحه توئیتر خود نوشت که خانم اشتون در دیدار با آقای ظریف، وزیر خارجه ایران درباره حقوق‌بشر نیز گفت‌وگو کرد.

اشتون دیدار با جمعی از فعالان زن ایرانی را در روز جهانی زن افتخاری بزرگ دانسته و گفته است که درباره موضوعات مربوط به زنان با زنان ایرانی گفت‌وگو داشته است.

اما حقوق‌بشر در ایران همچنان دستخوش رقابت های سیاسی داخلی و بین المللی است. از یک سو دولت حسن روحانی می‌کوشد تا حقوق‌بشر به شکلی حداقلی در کشور رعایت شود، اما ازسوی دیگر دستگاه‌های دیگر نظام تلاش خویش را برای نقض حقوق‌بشر در ابعاد مختلف افزایش داده‌اند.
دراویش جز فرقه های به رسمیت شناخته‌شده از سوی جمهوری‌اسلامی هستند. علی یونسی مشاور رییس جمهوری ایران در امور اقوام و اقلیت ها در گفت و گویی با روزنامه اعتماد، از حمله گروه های افراطی مذهبی به آنان انتقاد می کند و آن را به برخی از نیروهای خودسر دستگاه‌های امنیتی نسبت می دهد: " بعضی از فرقه های مسلمان مورد حساسیت هستند مانند دراویش. اینکه اجبار کنند دراویش سبیلشان را بتراشند یک کار غلطی است و هیچ توجیه بردار نیست که بعضی از ادارات ما آنها را تحت فشار قرار دهند که حتما باید سبیلشان را کوتاه کنند. این کار یک دستور خودسرانه‌یی است که بعضی از ادارات ما، یا اگر عده‌یی از پیروان یک فرقه مثلا سالی یک بار بر سر قبر بزرگ آن فرقه من باب احترام جمع می‌شوند، حق نداریم محدودشان کنیم و بگذاریم عده‌یی سرخود بیایند آنها را مورد تعرض قرار دهند و حتی پلیس باید امنیت آنها را تامین کند."
گرچه خانم اشتون گفته است در سفرش به تهران بر رعایت حقوق بشر تاکید کرده اما آیا تا مسئله هسته ای باقی است اراده ای جدی نزد مذاکرات کنندگان اروپایی برای دنبال کردن مسئله حقوق بشر در ایران ایجاد خواهد شد. شاید جسارت نیروهای امنیتی در ضرب وشتم دراویش تظاهر کننده در روز سفر اشتون خود پیامی از سوی بخش سخت‌افزاری جمهوری‌اسلامی به مقامات اروپایی باشد.

—

معرفی نهادهای سرکوب اینترنت از سوی گزارشگران بدون مرز

2014-03-14 · Archive ID 3584
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3584

عرصه سوم: سازمان گزارشگران بدون مرز با انتشار گزارشی "سپاه"، "شورای عالی فضای مجازی" و "کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه" را سه نهاد اصلی سرکوب اینترنت در ایران معرفی کرده است . در این گزارش مسدود سازی، کنترل بر شرکت‌های خدمات دهنده اینترنت، رصد و مهار ارتباطات، حمله‌های سایبری، بازداشت و زندانی کردن وبلاگ‌نویسان و شهروند وب‌نگاران، اعمالی رایج در ایران توصیف شده است.

در این گزارش به اختصار اشاره‌ای به ترکیب و کارکرد این نهادها شده است. براین اساس، شورای عالی فضای مجازی به دستور آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در تاریخ ۱۷ اسفند سال ۱۳۹۰ تشکیل شد و یکی از هدف‌های تاسیس این شورا برنامه‌ریزی و هماهنگی به ,منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از شبکه جهانی اینترنت اعلام شده است.
این شورا متشکل است از اعضای حقوقی : رئیس جمهور(رئیس شورا)، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضائیه، رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، دبیر شورای عالی و رئیس مرکز، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر علوم تحقیقات و فناوری، وزیر اطلاعات، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و اعضای حقیقی که متشکل از برخی متخصصان نزدیک به نظام و نهادهای امنیتی هستند : حمید شهریاری، سیدجواد مظلومی، مسعود ابوطالبی، کامیار ثقفی، دکتر رسول جلیلی، محمد سرافراز و علیرضا شاه میرزایی و مهدی اخوان بهابادی.
کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه نیز در سال ۱۳۸۸ و بنا بر ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای که در همان سال به تصویب رسیده بود تشکیل شد. ریاست آن را دادستان کل کشور بر عهده دارد و اعضای آن عبارتند از : وزیر یا نماینده از وزارت‌خانه‌های اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی،دادگستری،ارتباطات و فناوری اطلاعات، علوم تحقیقات و فناوری،آموزش و پرورش، دو نماینده مجلس، یکی متخصص در امر فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یکی از کمیسیون قضائی و حقوقی،رئیس سازمان تبلیغات اسلامی،رئیس سازمان صدا و سیما، نماینده دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرمانده نیروی انتظامی.

این کارگروه از آغاز کار خود تاکنون دستور مسدود شدن موقت یا دائمی صدها سایت را صادر کرده است. این نهاد بر روی سایت خود شهروندان را تشویق به « لو» دادن سایت‌های " مجرمانه " می‌کند و اعلام کرده است که «تاکنون قریب نیم میلیون گزارش مردمی از مشاهده محتوای مجرمانه و درخواست پالایش تارنماهای مختلف به این دبیرخانه واصل و جهت بررسی به کارشناسان مربوطه ارجاع گردیده است.
در این گزارش همچنین به تلاش این دو نهاد برای اجرای پروژه اینترنت حلال اشاره شده است. گزارشی که به گفته گزارشگران بدون مرز از حمایت رهبر جمهوری اسلامی برخوردار است و از سوی دولت حسن روحانی نیز مورد تایید قرار گرفته است.
بر اساس این گزارش سپاه در امر سانسور آنلاین و سرکوب شهروند وب‌نگاران بیشترین دخالت را دارد. در این گزارش آمده است:"مرکز بررسی جرایم سازمان یافته نهادی غیرقانونی است که از سوی سپاه در فروردین ۱۳۸۸ تاسیس شده است. این مرکز یکی از شاخه‌های و رسانه‌ای علنی سپاه پاسداران در امر سرکوب آنلاین است."
در ادامه این گزارش آمده است:"در پی خصوصی سازی عرصه ارتباطات در ایران، در سال ۱۳۸۸ شرکت مخابرات ایران، اصلی‌ترین شرکت ارتباطاتی و بزرگ‌ترین شرکت خدمات دهنده اینترنت کشور به تملک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. شرکت مخابرات به گفته مسوولان‌اش اقدام به مسدودسازی سایت‌های اطلاع رسانی می‌کند. هزاران سایت و میلیون‌ها صفحه امروز در ایران مسدود و در دسترس نمی باشند."
در تفصیل گزارش گزارشگران بودن مرز به جزییات بیشتری به نقش سپاه اشاره می شود. " بنا بر شهادت بسیاری از زندانیان محبوس شده در این بند، نگاهداری دراز مدت در انفرادی‌های و شکنجه برای بدست آوردن «اعتراف» روشی رایج در این بند است."
نمونه این ادعا وضعیت ، وحید اصغری وب‌نگاری است که به هنگام بازداشت ۲۵ سال داشت و دانشجوی رشته مهندسی انفورماتیک در هند بود.
وی در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۷ در فرودگاه تهران دستگیر شد و به مدت هفت ماه پس از دستگیری در سلول‌های انفرادی نگاهداری و برای اعترافات اجباری و پذیرش اتهامات مختلف تحت شکنجه قرار گرفت. تنها «جرم» او که همچنان در وضعیتی نابسامان در زندان بسر می‌برد، میزبانی سایت‌های برخی از مخالفان نظام بود.
این گزارش تاکید کرده سپاه پاسداران به شکل موازی دارای شاخه‌های متعدد تخصصی در امر سرکوب است. بخش اطلاعات سپاه همطراز وزارت اطلاعات دولت است و در زندان اوین بند 2 الف را در اختیار خود دارد. این بند منطقه‌ای خارج از نظارت قانونی» است. به این سه نهاد می‌توان پلیس فتا (پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات) را نیز که از جمله نیروهای سرکوب اطلاع رسانی است، اضافه کرد.

گزارش گزارشگران بدون مرز نشان می دهد 4 نهاد اشاره شده پس از حوادث مربوط به انتخابات 88 تاسیس شده و این خود نشانه نقش مهم اینترنت در برقراری ارتباطات میان شهروندان در غیاب رسانه‌های آزاد دارد.

—

خشونت علیه بهائیان، پدیده ای جدید یا مستمر

2014-03-18 · Archive ID 3587
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3587

عرصه سوم: اعتراض به خشونت‌های اخیر علیه بهائیان در ایران، برخی از مسئولین جمهوری‌اسلامی را به واکنش واداشته است.
از این رو جواد لاریجانی با حضور صدا و سیما به برخی از این اعتراضات پاسخ گفت اما اشاره‌ای به این خشونت‌ها نکرد.
علیرغم اعتراضات اخیر بهائیان به نقض سازمان‌یافته حقوق‌شهروندی آنان، محمد جواد لاریجانی برادر رئیس قوه قضاییه می‌گوید جمهوری اسلامی از بهائیانی که به قانون احترام گذاشته‌اند، دفاع کرده است.
آقای لاریجانی این اظهارات را در پاسخ به گزارش اخیر احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران ارائه کرده است. وی می گوید احمد شهید نمی تواند بهائیت را به عنوان دین مطرح کند چون در قوانین ایران بهائیت جز اقلیت‌های مذهبی به شمار نمی رود.

این در حالی است که دیان علائی، نماینده جامعه بین‌المللی بهایی در ژنو هم در تشریح وضعیت بهاییان ایران در سال ۹۲ به دویچه وله گفته است در سال ۹۲ تعداد زندانیان بهایی بیشتر شده و در حال حاضر ۱۳۶ تن در زندان بسر می‌برند."ما شاهد دو حمله وحشیانه به بهائیان هم بودیم. در اواخر تابستان ۹۲ در شهر بندرعباس جسد عطاالله رضوانی را در ماشینش پیدا کردند که با ضرب گلوله کشته شده بود. یک ماه پیش هم حمله دیگری با کارد به خانواده قدرت‌الله مودی در بیرجند شد."

به گفته‌ی آقای علائی پیگیری پلیس و دستگاه قضائی در بندرعباس و بیرجند هنوز به جائی نرسیده وعاملین کشتار و حملات پیدا نشده است. وی تأکید می‌کند نشانه‌هایی وجود دارد که بخشی از دولتمردان ایرانی پشت این حملات بوده‌اند. وی افزوده: "وضعیت بهاییان پس از روی کارآمدن روحانی تغییری نکرد و منشور حقوق شهروندی آقای روحانی هم فقط اشاره‌ای می‌کند به اقلیت‌های شناخته شده و بهاییان که نامش در قانون اساسی برده نشده مد نظر نیست."

برخوردهای خشونت‌بار با بهائیان منجر به نگارش و ارسالی شد که می‌توان گفت در نوع خویش بی‌سابقه بوده است. پانصد فعال بهائی با ارسال نامه‌ای برای مراجع تقلید شیعه، از برخوردهای صورت گرفته با این اقلیت شکایت کردند و از آنان خواستند تا این خشونت‌ها را محکوم کنند.

در این نامه ابتدا اشاره‌ای به اتفاقات رخ داده اخیر از جمله قتل یک شهروند بهایی در بندرعباس و مضروب شدن دو شهروند دیگر در بیرجند با ضربات چاقو شده است.

روز دوشنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۹۲ سه نفر از هموطنان بهایی در شهر بیرجند و در منزل شخصی خود مورد حمله و یورش فرد ناشناسی که صورت خود را پوشانیده بود، قرار گرفتند. پدر خانواده "قدرت‌الله مودی" از ناحیه شکم و پهلو، همسر او "طوبی سبزه‌جو" از ناحیه گردن و دختر خانواده "اعظم مودی" که دانشجوی موسسه علمی بهاییان است، با ضربات چاقو و یا خنجر به شدت مجروح گردیدند، به طوری‌که پدر و مادر از شدت خونریزی بیهوش شد. ضارب نیز پس از مضروب ساختن، از صحنه گریخته و بر اساس این گزارش‌ها تا کنون تعقیب و بازداشت نشده است.

فعالان بهائی خطاب به مراجع تقلید نوشته اند:" ما ناظر و مشتاق پیگیری‌ها وعدالتخواهی علی گونه شما حضرات آیات عظام ، مراجع عالیقدر و فضلا و علمای اعلام در ارتباط با حفظ جان ، مال و ناموس هموطنان غیر مسلمانتان هستیم همانگونه که وقتی در حوزه حکومت علی بر یک بانوی یهودی ظلمی رفت ، فریاد زد : "اگر در این غصه جان ببازیم عجیب نیست. ما یقین داریم شما بزرگواران در آینده ای نزدیک این مظالم وارده به هموطنان بهایی و سایر دگراندیشان ایرانی را محکوم نموده و با درایت و عدالتخواهی از تمام توان خود در جهت کنترل تعصبات کور مذهبی ، استفاده خواهید کرد."

پیرو این نامه، دو نامه دیگر نیز در محکوم کردن حادثه بیرجند منتشر شد. ابتدا زندانیان سیاسی زندان گوهردشت (رجایی شهر) بیانیه‌ای در محکومیت این اتفاق صادر و سپس تعدادی از فعالان سیاسی و مدنی نامه ای را خطاب به سران جمهوری‌اسلامی منتشر کردند.

زندانیان سیاسی گوهردشت نوشتند: "این گونه ترورها و وحشت‌آفرینی‌ها که بی‌گمان از سوی افراد و یا گروه‌هایی ترتیب داده می‌شود که هدفی جز ایجاد ارعاب و وحشت برای دگراندیشان ندارند، نباید از سوی دستگاه‌های مسئول نادیده انگاشته شود و یا با سهل‌انگاری روبرو گردد، به خصوص درحال حاضر که بحث از تدوین منشور حقوق شهروندی و رعایت حقوق تمامی شهروندان این کشور در میان است، پیگیری، معرفی و به مجازات رساندن تمامی کسانی که در این فجایع دست داشته‌اند، می‌تواند معیاری برای در اثبات این مدعا باشد."

در نامه ی دیگری نیز که به امضای فعالان سیاسی و مدنی از جمله نسرین ستوده، محمد ملکی و محمد نوری زاد رسیده خطاب به رییس قوه قضائیه نوشته شده است: "ما امضاء کنندگان این نامه، خواستار بسط رویکرد حقوقی و قضائی بر اساس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول هشتم و چهاردهم) هستیم. رویکردی که در آن نسبت به افراد غیر مسلمان وظیفه عمل به اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی را داریم و ضمن اظهار تاثر شدید از این گونه اعمال، خواستار رفع خشونتی هستیم، که با تنگ‌تر شدن تنگ نظری ها ممکن است دامن‌گیر سایر هم میهنانمان گردد."

نماینده‌ی جامعه بین‌المللی بهایی در ژنو نیز از امضای این نامه استقبال کرده و گفته است که نگارش این نامه چند روز پیش از فرا رسیدن عید نوروز به جامعه بهاییان امید داده است.

اما مدتها بود که اخباری از بروز خشونت علیه بهائیان شنیده نمی‌شد. پیشتر خبر از محدودیت‌ها و محرومیت‌های تحصیلی، شغلی، تخریب گورستان و در مجموع نبود حقوق شهروندی‌شان بود. اما پس از روی کار آمدن دولت

حسن روحانی شاهد اخبار مختلفی از رفتارهای خشونت‌بار علیه بهائیان هستیم. آیا این پدیده پیشتر نیز استمرار داشته ولی اخبار آن امکان انتشار نداشته و شرایط کنونی اجازه انتشار این اخبار را داده است یا این خشونت‌ها پدیده‌ای جدید در دوران دولت جدید است؟

—

گذری بر نوروز در کردستان ایران

2014-03-21 · Archive ID 3600
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3600

عرصه سوم-سیامک کلهر: درآمیختن شادی و شادمانی ایرانیان درآغاز بهار و آمدن نوروز قدمتی تاریخی دارد. ایرانیان از دیرباز شادی را مهم‌ترین بخش زندگی خویش می‌دانستند.
از این روست که ایرانیان باستان همواره روزهایی را به عنوان جشن، چه مذهبی و چه ملی، به شادی و سرور می‌پرداخته‌اند.
در این میان جشن نوروز از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هست. آنچه نوروز و جایگاه آن را از دیگر جشن‌های ایران باستان جدا می‌سازد فلسفه‌ی وجودی نوروز می‌باشد که پیوند انسان با طبیعت است، طبیعت زیبا و شکوفا می‌شود و با خود زیبایی و شکوفایی، سرزندگی و بالندگی را به ارمغان می‌آورد. در فرهنگ ایرانیان، نوروز نوید فصل پایان یافتن سرما و زمستان است و با خود بهار و سبزی و امید به همراه می‌آورد. همگونی فلسفه‌ی نوروز با رویش و نو شدن طبیعت، آنگاه زیبا، ماندگار و برجسته می‌شود که با جان و روان انسان پیوند می‌خورد و یگانه می‌شود. این یگانگی و هم‌آوایی انسان و طبیعت با هارمونی زیبایی همراه است.
در سراسر میهن عزیز ما که تنوع قومی ملیتی و فرهنگی جلوه‌ای زیبا به آن داده، مردم ایران با پایان یافتن زمستان و رفتن سرما شادمانه به استقبال نوروز و بهار می‌روند. در دامن طبیعت نوای دلنشین و شاد موسیقی بهاری سر می‌دهند و به رقص و پایکوبی می‌پردازند.
نوروز جشن همه‌ی ایرانیان است و از روزگاران کهن پرشکوه‌ترین جشن بهاری در جهان بوده است. نوروز بهارانه‌ای است که روایت‌های تاریخ درباره پیدایش آن بسیار گوناگون است.
در اساطیر ایران، پیدایش نوروز را به بر تخت نشستن جمشید پیشدادی نسبت داده‌اند.
درباره‌ی پیدایش نوروزدر روایت است که "نیشکر را جمشید در این روز یافت و مردم از کشف خاصیت آن متحیر شدند. پس جمشید دستور داد تا از (شهد آن) شکر ساختند و به مردم هدیه دادند. از این رو، آن را نوروز نامیدند."
همچنین گفته شده که اهریمن، بلای خشکسالی و قحطی را بر زمین فرو نشانید. اما جمشید به جنگ با اهریمن پرداخت و در پایان او را شکست داد. آنگاه خشکسالی، قحطی ونکبت را بر روی زمین از ریشه بخشکانید و به زمین بازگشت با بازگشت وی درختان و هر نهال و چوب خشکی سبز شدند. پس مرد م این روز را «نوروز» خواندند.
نوروز اما در میان کردها، نماد پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر است.
در این رابطه، حکایت است هنگامی که کاوه جوان و یارانش بر ضحاک پیروز شدند. مردم به مناسبت این پیروزی بر کوه‌ها آتش افروختند و دست در دست هم به شادمانی پرداختند.از آن زمان تاکنون مردم کُرد هر ساله در آغاز بهار و شکوفایی دگر باره طبیعت به بزرگداشت آن روز فرخنده، آتش روشن می‌کنند و به شادمانی و شادخواری می‌پردازند، چنین است که نوروز و بهار در فرهنگ و سنن کردها همچون سایر مناطق ایران به نماد کار و تلاش برای زندگی بهتر و کوشش برای آزادی و رهایی از ظلم و جور و ستم تبدیل شده است.

فردوسی بزرگ درباره‌ی پیدایش نوروز چنین می‌گوید:
"چو خورشید تابان میان هوا
نشسته برو شاه فرمانروا
بجمشید بر گوهر افشاندند
مران روز را روز نو خواندند"

و در جایی دیگر آن را چنین سروده است:
"سر سال نو هرمز فروردین
بر آسوده از رنج روی زمین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار
بما ماند از آن خسروان یادگار"

فردوسی کاوه آهنگر را فرمانده و رهبر مبارزه پیروز فریدون پیشدادی بر ضحاک میداند و این نبرد پیروزمندانه را این‌چنین به شعر سروده است:
"چو کاوه برون شد ز درگاه شاه
برو انجمن گشت بازارگاه
همی برخروشید و فریاد خواند
جهان را سراسر سوی داد خواند
از آن چرم کاهنگران پشت پای
بپوشند هنگام زخم درای
همان کاوه آن بر سر نیزه کرد
همانگه ز بازار برخاست گرد
خروشان همی رفت نیزه بدست
که ای نامداران یزدان پرست
کسی کاو هوای فریدون کند
دل از بند ضحاک بیرون کند"

در کردستان ایران هر سال پدران و مادران قبل از عید به بازار می‌روند و برای فرزندان خود لباس و کفش نو می‌خرند. مادران در تدارک سبزه عید، گندم و عدس و کنجد را در پارچه‌ای ریخته و در ظرفی قرار می‌دهند و پس از ریختن آب بر روی آن در جلوی نور ملایم خورشید می‌گذارند تا دانه‌ها جوانه بزنند. مناطق کُردنشین نیز همچون سایر مناطق ایران با آغاز نوروز مردم با مهربانی و گذشت به دیدار دوستان و اقوام خود می‌روند. در میان طبیعت زیبای کردستان "دهل چیان" و "سرنا نوازان ایل ساز مهر می‌زنند و زنان و مردان و بچه‌های کرد دست در دست هم با لباس‌های نو و زیبای کردی با (هَل پَرکه) که همان رقص و پایکوبی کردی‌ست به استقبال نوروز و بهار می‌روند.
پدران و مادران و بزرگترها با دادن عیدی به فرزندان و نوباوگان فامیل شور و شادمانی آنها را فراهم می‌کنند.
در گذشته، در کردستان و مناطق کرد نشین رسم بود که در آغاز نوروز خوانچه‌هایی برای عروس های نامزد شده یا دخترهایی که به خانه‌ی شوهر رفته بودند، می‌بردند. محتوای این خوانچه‌ها معمولاً طلا، عطر، جوراب، تخم‌مرغ رنگ‌شده، صابون، پارچه، سیب ، سمنو، شیرینی و آجیل بودند.
هنوز هم در مناطقی از کردستان هنرنمایی سوارکاران و تیراندازان از برنامه‌های پر طرفدار و پر هیجان ایام نوروز و به‌ویژه سیزده بدر می‌باشد.
اگرچه سالهاست در میهن ما، مادران و پدران داغدار در آغاز بهار و آمدن نوروز با دلی شکسته، با شمع و گل به دیدار فرزندان عزیزشان در خاوران‌های ایران می‌روند،اگر چه هنوز مردان و زنانی هستند که نوروز و بهار را جدا از خانواده و پشت میله‌های زندان سپری می‌کنند؛ اگرچه فقر و تنگدستی بیداد می‌کند، با این همه همچنان مردم با امید به فردای بهتر به استقبال نوروز و بهار می‌روند و این جشن فرخنده را برگزار کرده و گرامی می‌دارند.
نوروز برای همه‌ی مردمان مناطق زیبای میهن ما آغازی تازه در زندگی‌ست،آغازی تازه برای شادمانی و یگانگی و امید به تحول در زندگی و زدودن زنگارهای کهنه از فکر و اندیشه خود.
به سروده علیرضا میبدی:

"نوروز ماندگار است، تا یک جوانه باقی‌ست
باقی‌ست جمع جانان، تا این یگانه باقی‌ست

بار دگر بریدند نای و نواش اما
این ساز می‌نوازد، تا یک ترانه باقی‌ست
سینه به سینه گفتند کوتاه تا شود شب
کوتاه می‌شود شب، وقتی فسانه باقی‌ست
عید است و نامه دارم از من رسان سلامی
بشتاب ای کبوتر، تا آشیانه باقی‌ست..."

—

نوروز در فرهنگ آذری‌ها

2014-03-22 · Archive ID 3603
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3603

عرصه سوم: نوروزی دیگر فرا رسید و طبیعت دوباره سبز شد. نوروز در تاریخ ایران سابقه‌ای کهن دارد. نوروز شناسنامه‌ی مردمی است که هویتی واحد دارند اما در عین حال، خصوصیات فرهنگی آنان از جمله زبان، گویش، رسوم و حتی مذهب متفاوت است.
نوروز را در بیشتر کشورهای خاورمیانه، آسیای میانه، قفقاز، شبه قاره هند و بالکان جشن می‌گیرند. جغرافیای پهناور نوروز و همزمانی آن با بهار طبیعت در نیمکره‌ی شمالی و پیشینه‌ی باستانی آن و تأکید این جشن بر نوع‌دوستی و مهرورزی در میان جهانیان، باعث توجه سازمان ملل متحد و دیگر کشورها به نوروز شد. در ۱۰ مه سال ۲۰۱۰ میلادی، مجمع عمومی سازمان ملل با گذراندن قطعنامه‌ای نوروز را به خاطر بزرگداشت آن توسط بیش از ۳۰۰ میلیون تن در بیش از ۱۱ کشور جهان به رسمیت شناخت. (رجوع کنید به نوروز، ویکی‌پدیا)
در برخی جاها نیز با وجود رسمی نبودن هر ساله شمار زیادی از مردم مراسمات نوروز را برگزار می‌کنند. همانند سوریه که جشن نوروز نزد کردهای ساکن سوریه از اعتبار و احترام ویژه‌ای برخوردار است. این جشن امروزه یکی از جشن‌های بنیادین آسیا شناخته می‌شود. نوروز در ۹ کشور جمهوری آذربایجان،ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قزقیزستان، و آلبانی با همین نام تعطیل رسمی است.
این گزارش در چند قسمت به بخشی از آداب و رسوم اقوام ایرانی در نوروز می‌پردازد. در واقع این گزارش کوشیده است تا از لابه‌لای وبلاگها و سایت‌های محلی، برخی از این آداب و رسوم را نزد آذری‌ها، بختیاری‌ها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها،عرب‌ها،کردها، گیلک‌ها و مازنی‌ها که هر یک با سنت های خاص خود به استقبال بهار می‌روند را بازنگری کند.

نوروز در فرهنگ آذری‌ها
به باورآذری‌ها، نوروز از ابداعات کشاورزان اولیه است. آن‌ها معتقدند با تکامل عقلی انسان، کشاورزی به وجود آمد. بعدها این کشاورزان در دوران سلطنت سلسله اشکانیان که ترک تبار بودند در فصل بهار، چند روز پیش از«نوروز» در صحن دربار، ۱۲ ستون از خشت خام برپا می‌کردند و بر بالای هر ستون نوعی از غلات مانند گندم، جو، ماش، عدس، ذرت و غیره را می رویاندند تا بدانند در سالی که در پیش است کدام یک بهتر می روید و محصولش فراوان‌تر است.
از چیزهایی مردم آذربایجان در سفره هفت‌سین می‌گذارند سمنو است. سمنو تنها به معنای سرسبزی و طراوت نیست بلکه به معنای برکت نیز می‌باشد. سمنو، به عنوان لذیذ ترین غذا در عید نوروز می باشد و بعد از طبخ، آن را در میان خویشاوندان و همسایه‌ها تقسیم می‌کنند.
همچنین سمنو در میان آنها عامل تداوم بخش نسل‌ها شناخته می‌شود. رسمی است که در زمان نوروز سمنو را در میان زنانی که دارای اولاد نمی‌شوند می‌گردانند و می‌گویند: "آی بونو گؤیردن تانری، بو گلینی ده گؤیرت، آرزوسونا کاما یئتیر. مطلبینه، مورادینا چاتدیر. عهدینی اومیدینی بیتیر(ای خدایی که این سمنو را بارور کردی این عروس را هم بارور کن، آرزویش را اجابت کن، به خواسته‌اش برسان، به امیدی که دارد برسان)". در مراسم سمنو آذربایجان موسیقی هم اجرا می‌شود.

استقبال از نوروز
درمیان مردم آذربایجان رسم بر این است پیش از رسیدن نوروز پوشاک نو خریده به خانه و حیاط سر و سامان

داده فرش و پلاس نو بافته و به استقبال نوروز می‌روند. در رابطه با عید نوروز جای مهمی به اعتقادات و فال‌ها داده می‌شود به‌طوری‌که در شب چهارشنبه سوری دختران نو رسیده در ته دل فالی گرفته و و مخفیانه پشت درنیمه باز به انتظار ایستاده و اگر در این هنگام حرف خوب وموافقی بشنوند آرزویشان برآورده شده و اگر حرف نامناسبی می‌شنیدند نیتشان عملی نمی‌شده است بنابراین برمبنای آیین عید ،مردم از بدگویی و حرف نامناسب دوری می‌جویند.

آیین نوروزی
مراسم عید در آذربایجان از روز سه شنبه (چهارشنبه سوری) آغاز مي‌شود. در این روز مردم در حیاط خانه‌ها یا در محله‌ها، آتش روشن می‌کنند یا تفنگ‌ها و با گلوله‌های مخصوص به تیراندازی می‌پردازند و همه‌جا را روشن مي‌سازند وهر کس به اندازه توانایی اش از روی آتش مي‌پرد و مي‌گويد همه دردها و رنج‌هايم بر روی آتش ريخته شود.
بچه‌ها مراسم عید نوروز را با شوق بیشتری برگزار مي‌کنند آنها نوروز را تبدیل به یک عید کودکانه مي‌کنند. آنها با تخم مرغ‌هاي رنگ کرده با هم مسابقه می‌دهند و به ترتیب از روی آتش می‌پرند. در بعضی از روستاها بازی‌های مخصوص عید به صورت ایلی و دسته‌جمعی برگزار می‌شود و بازی‌هایی مانند کوسا، گود و به صورت تئاتر به نمایش در می‌آید و از جنگ بین خروس‌ها و یا سنگ‌ها هم به حالت تفریحی استفاده می‌شود.
در چهارشنبه‌سوری پس از خاموش‌شدن آتش‌ها بر سر سفره عید می‌نشیند و سپس مراسمی مانند پاییدن در، از در و دیوار کیسه و کلاه انداختن به اجرا در می‌آید. دختران جوان در را می‌پایند و اولین جمله‌هایی را که می‌شنوند، تفسیر می‌کنند. در عین حال فال انگشتر، حنا بستن، پوشیدن لباس پسر از طرف دختران و رفتن به خانه همسایه از صحنه‌های دیدنی این مراسم است.
از صبح روز چهارشنبه به کنار چشمه‌ها و رودخانه می‌روند، از روی آنها می‌پرند، آب چشمه به منزل می‌آورند و حتی حیواناتشان را در آب چشمه سیراب می‌کنند که این مراسم در بعضی از روستاها واجب و ضروری شمرده شده و از آن به عنوان خیر و برکت یاد می‌کنند.
در عیدنوروز دیدار بزرگان خانواده و خویشان وبستگان زیارت قبور و دیدار خانواده‌های داغدار از جمله مراسمی است که اهمیت فراوانی به آن داده می‌شود.

—

نوروز در آیین بختیاری

2014-03-24 · Archive ID 3606
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3606

عرصه سوم: کمی پیش از آن که چله‌ی کوچک تمام شود و دشت‌های بختیاری بارور زاییدن سبزینگی شوند، رودخانه‌ها در بستر پاکشان گلستان می‌شوند، خشت های سرو، گلدان و بته سرکج قالی‌های بختیاری به فرخندگی آمدن نوروز تنی به پالیدگی رودخانه می‌زنند.
در مناطق بختیاری نشین با خانه‌تکانی که به طور معمول دو هفته قبل از عید شروع می‌شود به استقبال سال نو می‌روند. فرش‌های آویخته از در و دیوار بیشتر از هر چیز دیگر به انسان یادآوری می‌کند که عید نزدیک است، آب ریختن دانه‌هایی مانند گندم، عدس و ماش برای تهیه سبزه‌ی سفره هفت‌سین نیز از حدود ده روز قبل از عید آغاز می‌شود.
در بختیاری به خاطر موقعیت طبیعی و اقلیم کشاورزی به سبزه عید اهمیت زیادی داده می‌شود و سبزه‌ها اغلب یک یا سه است چرا که سبزه نشانه شروع سالی سبز و پر برکت به خصوص در زمینه زراعی است. در گذشته‌ای دور سبزه را از صحرا می‌چیدند، آنرا در بشقابی می‌گذاشتند و پای آن را خاک ریخته و برای سبز ماندن به آن آب می‌دادند.
رسم سمنو پختن نیز از رسومی است که در این منقطه به آن اهمیت زیادی داده می‌شود. با توجه به پیوند سنت‌های ملی و مذهبی سمنو را از "حضرت زهرا (س)" می‌دانند و معتقدند سمنو وقتی کامل پخته می‌شود که "حضرت زهرا (س)" دست خود را روی آن بگذارند.
قبل از تحویل سال نو، سفره‌ی هفت‌سین را پهن می‌کنند؛ علاوه بر هفت‌سین گذاشتن قرآن، گلاب، آینه، تخم‌مرغ‌های رنگی، و انواع آجیل‌ها و میوه و شمع یا چراغی (که تا هنگامی که خودش خاموش نشود خاموش

نمی‌کنند) در سفره مردم مرسوم است.
عشایر بختیاری همزمان با تحویل سال به مکان سبزتری رفته و سیاه‌چادر خود را در آنجا بر پا می‌کنند، در هنگام تحویل سال بزرگ خانواده قرآن می‌خواند و همه برای شروع نیک یا قرآن می‌خوانند یا روی آیات قرآن نگاه می‌کنند.
پدر خانواده بین صفحات قرآن پول گذاشته و بعد از تحویل سال آن پول را بین اعضای خانواده تقسیم می‌کند؛ این پول نشانه برکت و رزق و روزی است.
مردم منطقه بختیاری به طور معمول به قدم اولین کسی که روز عید پایش را در خانه می‌گذارد، معتقدند. اگر کسی قدمش برای اهالی خانه خوب بوده باشد از او دعوت می‌کنند تا اولین کسی باشد که به خانه آنها وارد می‌شود.
بختیاری‌ها می‌گویند با رفتن چله کوچک در روزهای پایانی اسفند، زمین نفس می‌کشد، همه چیز برای زندگی و سرزندگی آماده می‌شود. هر آنچه از آیین‌های سوگواری مانده تا پیش از آمدن نوروز برگزار می‌کنند، تن‌پوش سیاه و سوگ‌نشینی در نوروز برای بختیاری‌ها شگون ندارد، بدین روی زنان و مردان ایل رخت سوگ از تن به در می‌کنند. در این روزها دختران جوان به خانه بخت می روند تا نوزندگی را در نوروز در خانه و چادر خود جشن بگیرند.

پیوند سپهر و زامیاد
در بین بختیاری‌ها یک شب پیش از شب نوروز، «شب علفا» یا «شب علفه» نامیده می‌شود. در روز علفه، مردم بر سر خاک درگذشتگان می روند و در این شب افزون بر خوراک پایه که «لاآشی» یا «زیرآشی»دربرگیرنده‌ی برنج و ماهیچه بره نامیده می‌شود، «شیربرنج» نیز پخته می‌شود. در این شب جوان‌های بختیاری فانوس‌های روشن را به بام خانه‌ها و بلندی‌ها می‌برند و گاهی بر فراز تپه و کوه‌ها آتش روشن می‌کنند. این آتش به نشان شادی و میزبانی از فروهرهای درگذشتگان است.

پیشکش نوروزبر خوان بختیاری
در آستانه‌ی نوروز رخت نو بر تن کردن به ویژه رختی که پیشکش باشد در بین بختیاری‌ها بسیار شگون دارد. «سر رختی» تن‌پوشی است که از سوی خانواده داماد برای عروس و پدر و مادر عروس فراهم می‌شود.
پیش از فرا رسیدن شب نوروز و یا شب علفه بختیاری‌ها خانه‌هایشان را با عود خوش بو و دیوار خانه و چادرشان را با اسفندهای آویزان آذین می‌کنند. در کنجی آتشدان کوچکی می‌گذارند و در آن «دینشک» دود می‌کنند. شاخه‌ای از درخت سنجد فراهم کرده و بر شاخک‌های آن خرما، سنجد و کشمش فرو و آن را برای آذین سفره هفت سین فراهم می‌کنند. در این میان اگر خانوده‌ای دختری را تازه به خانه بخت فرستاده باشد، در شب علفه برایش انگورهای خشک ریسمان شده و سنجد و نان تازه پیشکش می‌برند. جوان‌ها در شب علفا از دامن دشت مشتی گیاه و سبزه خوشبو به نشان جشن رویش چیده و به خانه می‌آورند تا در آراستن خوان هفت‌سین به کار آید.

پیوند آخشیگ‌های چارگانه و آیین‌های بختیاری
بختیاری‌ها درخوان نوروزی‌شان آتشدان یا فانوسی فروزان می‌کنند و بر این باورند که این روشنایی نباید خاموش شود تا زمانی که خود به خاموشی بگراید. دکتر عباس قنبری عضو هیات علمی دانشگاه شهرکرد می‌گوید : «در کنار خوان هفت‌سین بختیاری‌ها، شاهنامه ،هفت پیکر و پنج گنج دیده می‌شود. آنها بر این باورند سال نو را با اندیشه‌های ادبی و دینی آغاز کنند.»
این مردم‌شناس ادامه می‌دهد: "در هنگام نوگشت سال، بزرگترها بر سر کوچک ترها نقل و شیرینی می‌ریزند و آرزو می‌کنند زندگی در سال نو برای همه شیرین باشد. در این میان دختران شیرین زبان اسفند دود می‌کنند و با تن نازی بین اهل خانه می‌گردانند و "سردینشکی" که معمولاً مقداری پول است پیشکش می‌گیرند. در بختیاری‌ها بیشتر کودکان نوروز خوانی کرده وبا دادن نوید بهار از بزرگترها نوروزانه می‌خواهند."
شب بعد از شب نوروز را بختیاری‌ها «بابا عید» می‌خوانند، تدارک سفره‌ی شام با بهترین خوراک‌ها در این شب شگون دارد و از این روی زن‌ها می‌کوشند برای خانواده بهترین خوراکی‌ها را آماده کنند.
تن‌پوش زنان بختیاری از رنگ طبیعت دورنیست. سرخ، سبز، آبی، زرد و گل های رنگارنگ دامن‌های بزرگ چرخانشان‌گاه در دامن دشت گم می‌شود. پیش از فرا رسیدن «سیزده به در» برخی از بختیاری‌ها در نخستین شنبه سال نو به «شنبه گردش» می‌روند. زنان از گیاهان خودرویی که «مچه» نام دارد، «آش مچه» می‌پزند و

همه خانواده به شادی می‌پردازند. نخستین شنبه سال با پایکوبی محلی «سه پا» در دامن طبیعت تمام می‌شود و وعده آنها با طبیعت می‌ماند برای سیزده به در، تا پیمان وفاداری با آن تازه کنند.

—

احمد شهید و آینده وضعیت حقوق بشر درایران

2014-03-25 · Archive ID 3613
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3613

عرصه سوم: به دنبال درخواست 25 سازمان جامعه مدنی و حقوق‌بشری از شورای حقوق‌بشر سازمان ملل، مأموریت احمد شهید به عنوان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران برای یک سال دیگر تمدید شد.
پیشتر عرصه سوم به اتفاق 24 سازمان حقوق بشری و جامعه مدنی با ارسال نامه‌ای برای این شورا خواستار تمدید مأموریت احمد شهید شده بودند.
در بخشی از این نامه نوشته شده بود: "دولت ایران حاضر به همکاری با گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل نیست و به این دلیل شورای حقوق بشر به ویژه در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۹۲ باید خواهان پایان یافتن نقض حقوق بشر در ایران شود و به نظارت دقیق بر وضعیت حقوق بشر در این کشور ادامه دهد."
عفو بین‌الملل، مجمع آسیایی حقوق بشر و توسعه، مؤسسه مطالعات حقوق بشر قاهره، اتحاد جهانی مشارکت شهروندان، ابتکار حقوق بشر مشترک المنافع، کنکتاس دیریتوس هومانوس (ارتباط با حقوق بشر)، مدافعان حقوق بشر در شرق و شاخ افریقا، ابتکار حقوق فردی در مصر، آزادی از شکنجه، دیده‌بان حقوق بشر، کمپین بین‌المللی حقوق‌بشر در ایران، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق‌بشر، سرویس بین‌المللی حقوق‌بشر، جامعه دفاع از حقوق‌بشر در ایران، اتحاد برای ایران، شبکه مدافعان حقوق‌بشر غرب آفریقا، و سازمان جهانی ضد شکنجه از دیگر سازمان‌های حقوق‌بشری هستند که این تقاضا را مطرح کرده‌اند.
آنان از کشورهای عضو سازمان ملل خواسته‌اند پیشینه‌ی این همکاری را مدنظر قرار دهند و از پیشنهاد ایران برای دعوت از گزارشگران موضوعی پشتیبانی نکنند. آنان نوشته‌اند اگر گزارشگر موضوعی اعزام شود ایران می‌تواندعدم همکاری خود را با گزارشگر ویژه توجیه کند.
امضاکنندگان این نامه هشدار داده‌اند که هر بازدیدی از سوی گزارشگر موضوعی، قبل از بازدید مقدماتی گزارشگر کشوری، سابقه سیاسی و ساختاری را ایجاد می‌کند که به ویژه برای ادامه کار گزارشگران کشوری خطرناک است.
این نامه همچنین به افزایش آمار اعدام‌ها، تبعیض جنسیتی، محدودیت‌ها برای اطلاع‌رسانی، سرکوب روزنامه‌نگاران و اقلیت‌های قومی و مذهبی اشاره شده است.
شورای حقوق‌بشر با صدور قطعنامه‌ای برای یک سال دیگر مأموریت احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق‌بشر ایران را تمدید کرد. ۲۲ کشور رای مثبت ۵ کشور رای منفی و ۲۰ کشور ممتنع دادند. سوئد به عنوان یکی از حامیان قطعنامه به ارائه آن پرداخت.
به گزارش کمپین بین‌المللی حقوق‌بشر، با در نظر گرفتن قطعنامه ۵/۱ درخصوص نهادسازی شورا و قطعنامه ۵/۲ که رویه عمل مکانیسم‌های ویژه شورا مشخص می‌کند (۱۹ ژوئن ۲۰۰۷) این قطعنامه به ۳ نکته پرداخته است:
۱- تمدید دستور کار گزارشگر ویژه در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران برای یک سال دیگر و درخواست از گزارشگر ویژه برای ارائه گزارش مستمر و اجرای مفاد دستور کار به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل
۲- درخواست از حکومت جمهوری اسلامی ایران برای همکاری کامل با گزارشگر ویژه و اجازه دادن به وی برای بازدید از کشور و همچنین دسترسی به همه اطلاعات لازمی که به او برای انجام دستورکارش نیازمند است.
۳- درخواست از دبیرکل سازمان ملل برای تهیه منابع لازم برای انجام دستور گزارشگر ویژه
در قطعنامه‌ای که برای تمدید مأموریت احمدشهید برای رأی‌گیری در اختیاراعضای شورای حقوق‌بشر گذاشته شد، با در نظر گرفتن قطعنامه ۱۶/۱۹ شورای حقوق بشر در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ و نیز قطعنامه ۶۶/۱۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ و دیگرقطعنامه‌های پیشین مجمع عمومی در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران، از همکاری نکردن ایران با درخواست‌های شورا و مجمع عمومی که در این قطعنامه‌ها مطرح

شده بود اظهار تأسف شده است.
این قطعنامه همچنین با استقبال از پیشنهادات گزارشگر ویژه حقوق‌بشردر ایران که به شورای حقوق بشر ارائه شد در خصوص افزایش (نقض حقوق بشر) و همچنین دسترسی نداشتن گزارشگر ویژه واجازه ندادن به او برای سفر به جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی کرده است.
تنها کشورهایی که به این قطعنامه رای مخالف دادند، کوبا، بنگلادش ، قطر، چین و روسیه بودند. دراین جلسه نماینده اروگوئه درخواست توقف فوری مجازات اعدام در ایران را کرد و با ذکر توضیحاتی گفت که مانند سال گذشته ممتنع خواهد ماند.
سید محمد رضا سجادی نماینده ایران نیز در واکنش به این قطعنامه آن را کاملاً سیاسی نامید و گفت شورا نباید اجازه بدهد این بازی سیاسی ادامه پیداکند.
نماینده ایران همچنین از همکاری ایران با مکانیسم‌های حقوق بشر سازمان ملل سخن گفت. او همچنین مدعی شد سطح همکاری جمهوری اسلامی با شورا باید برای رد دستور کار گزارشگر ویژه مورد توجه قرار گیرد.
سجادی به آمریکا و سوئد به عنوان حامیان این قطعنامه حمله کرد. او همچنین با حمله به گزارش احمدشهید او را به جانبداری و مغرض بودن و در نظر نگرفتن معیارهای گزارش‌نویسی متهم کرد.
مأموریت احمد شهید برای یک سال دیگر تمدید شد در حالی که وی هیچ‌گاه موفق به دیدار از ایران نشده و دولت ایران نیز موضع تندی نسبت به وی دارد. اما آیا با تداوم این سیاست امیدی برای بهبود شرایط حقوق بشر در داخل ایران ایجاد خواهد شد؟ فعالان امضا کننده نامه معتقدند با تمدید مأموریت گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر، این پیام به مسئولان ایران خواهد رسید که باید به نقض حقوق بشر پایان دهند و به تعهدات بین‌المللی خود عمل کنند.

—

سخنگوی جیش العدل: با اعدام مرزبان ربوده شده مخالف بودم

2014-03-25 · Archive ID 3616
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3616

عرصه سوم: عبدالرئوف ریگی، سخنگوی "جیش العدل" امروز سه شنبه در تماسی با "العربیه.نت" گفته است با اعدام جمشید دانایی فر مرزبان ربوده شده ایرانی مخالف بوده است.
وی به این رسانه گفته: "بنده عبدالرئوف ریگی، برادر عبدالمالک ریگی و سخنگوی جیش العدل، به نمایندگی از سوی خود و خانواده ریگی به اعدام گروهبان اسیر اعتراض داریم و این اعدام بدون مشورت و هماهنگی ما انجام گرفته است."
وی در ادامه به "العربیه.نت" گفت: "ما اعدام این سربازان را به مصلحت مقاومت نمی دانیم علمای اهل سنت از بنده شخصا تقاضا کردند که از اعدام این سربازان صرف نظر کنیم."
پیشتر جیش العدل در اطلاعیه‌ای اعلام کرد یکی از گروگان های خویش را اعدام کرده است. این خبر ابتدا از سوی مقامات ایرانی تکذیب شد اما چندی بعد به تایید رسید.
عبدالرئوف ریگی همچنین گفته است:"من سعی کردم تا از اعدام این افراد جلوگیری کنم اما متاسفانه این اقدام صورت گرفته است و در همین راستا من نگرانی خود را اعلام کرده‌ام."
جیش العدل همچنین هشدار داده است که اگر تا 10 روز دیگر زندانیان اهل سنت مورد نظر آن آزاد نشوند، یکی دیگر از مرزبانان اسیر را خواهد کشت.

گروگان گرفتن مرزبانان ایرانی پیشتر نیز از سوی تعدادی از رهبران اهل سنت محکوم شده بود. اکنون نیز حاکم شرع کردستان در گفت و گویی با سایت جرس اعدام این مرزبان ایرانی را محکوم کرده است.
حسن امینی به این سایت گفته است:" بارها هم گفته‌ام که خشونت مورد تایید نیست، چراکه خشونت عملا بدنبال خود خشونت می آورد. اگر کسی خواسته و مطالبه ای داشته باشد یا مورد ظلم قرار گرفته باشد خشونت و اقدامات خشونت آمیز راه رسیدن به مطالبه اش نیست. خشونت هیچگاه راه حل نبوده و پاسخ نمی دهد. از همین رو اگر خبر به شهادت رساندن این مرزبان ایرانی تایید شده باشد از نظر من محکوم است. یک سربازی که در مرز در حال انجام وظیفه بوده، به عملکرد حکومت اگر به مکتبی ظلم کرده باشد ارتباطی ندارد که او را بکشند.

اعدام این سرباز به خشونت های بعدی می‌انجامد و از همین رو از نظر من رد و محکوم است. این اقدام دقیقا مانند همان اتفاقی است که چندی پیش در زندان زاهدان رخ داد عده ای را از جیش العدل یا از گروه های دیگر که افرادی را کشته بودند به دستور قاضی در زندان زاهدان اعدام کردند. همان زمان هم من نامه ای نوشتم و آن اقدام را محکوم کردم، همانگونه که الان هم اعدام این مرزبان ایرانی را محکوم می کنم."

از سوی دیگر ابراهیم حمیدی، رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان گفته است که گروه جیش‌العدل خواسته‌های خود را برای آزاد کردن مرزبانان گروگان گرفته شده ایرانی "رسما" اعلام نکرده و خواسته‌های اعلام شده توسط آنها در رسانه‌ها هم "غیرمنطقی" است. آقای حمیدی امروز سه شنبه ۵ فروردین (۲۵ مارس) گروه جیش العدل را یک گروه "تروریستی" خوانده که اقدامات و خواسته هایش "کاملا ایذایی" است.
در همین راستا فراخوان‌های مختلفی نیز برای برگزاری تجمع در مقابل سفارتخانه‌های پاکستان در ایران و کشورهای مختلف جهان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

—

احزاب سبز و محیط زیست

2014-03-26 · Archive ID 3619
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3619

عرصه سوم: انور میر ستاری از اعضای فعال حزب سبز بلژیک است. وی تجارب بسیاری را در سال های اخیر آموخته و بخشی از آن در قسمت اول این گفت و گو با عرصه سوم به اشتراک گذاشت. اکنون بخش دوم این گفت و گو از نظر شما خواهد گذشت.

بخش دوم

با توصیفی که شما از حزب سبز داشتید، تصور می‌کنم حیطه فعالیت احزاب سبز در اروپا تقریبا یکسان است.
آیا این احزاب تا کنون توانسته اند در ساختار قدرت این کشورها نقشی داشته باشند؟
احزاب سبز در اروپا احزابی جدید و نوپا هستند. در کل مکانیزیم فعالیت احزاب در جهان به گونه ای است که قدرت در دستان احزاب بزرگتر و قدیمی تر قرار دارد و احزاب جدید چندان قادر به کسب آراء به مفهوم قادر بودن برای تشکیل دولت نیستند.
با این وجود حزب سبز بلژیک در طی 25 سال فعالیت خویش در برخی مناطق حزب سوم و برخی مناطق دیگر حزب چهارم بوده است. این نشان می‌دهد که به تدریج عقاید و ایده های این حزب بیشتر میان مردم شناخته می‌شود و مردم بیشتر به آنان اعتماد می‌کند. امسال برای نخستین بار در یکی از مناطق 19 گانه بروکسل یک شهردار از حزب سبز انتخاب شد. در بخش فرانسه زبان نیز نمایندگان شورای شهر، پارلمان و شهرداریها وجود دارند. برخی اوقات رای حزب سبز در پارلمان به 20 درصد رسیده و برخی مواقع تا 12درصد نیز کاهش یافته است.
احزاب سبز در عین حال ازجمله احزاب سالم در اروپا هستند و تاکنون مواردی چون باندبازی، رشوه خواری یا اختلاس در میان آنان دیده نشده است. مواردی که در سایر احزاب معمولا دیده می‌شود. از جمله انتقال موروثی پست ها و مقام های سیاسی.

چه اختلافاتی میان سبزها و سایر احزاب اروپایی وجود دارد؟
اصولا خواسته های مردم در اروپا به گونه ای است که احزاب را به یکدیگر نزدیک تر می‌کند و برای همین نیز احزاب در خیلی جاها با هم همکاری می‌کنند. به طور مثال احزابی در اروپا هست که تلاش می‌کند تا پناهندگان را اخراج کند. در مقابل احزاب دیگری نیز مخالف این اقدام هستند. یا احزاب دست راستی مخالف اعطای حقوق بیکاری هستند ولی در مقابل احزاب دیگر می‌گویند بیکاری ممکن است برای هر شخصی پدیدار شود. از این رو اگر امروز مالیات می‌دهیم برای روزی است که ممکن است فردای آن بیکار شویم و خود نیازمند حقوق بیکاری باشیم. یا در خصوص آموزش که احزاب مسیحی معمولا طرفدار مدارس مذهبی هستند اما احزاب سبز در این خصوص لائیک می‌اندیشند و معتقدند جز اخلاقیات، هیچ گونه آموزش مذهبی نباید در مدارس داده شود.

چه رابطه ای میان حزب سبز بلژیک با سازمان مدنی بویژه طرفداران محیط زیست در این کشور به طور خاص و اتحادیه اروپا به طور عام وجود دارد؟

احزاب سبز از سازمان های مدنی طرفدار محیط زیست کاملا حمایت می‌کنند اما این حمایت به معنی دخالت در تصمیمات این سازمان ها ندارد. به طور مثال اگر یک سازمان حامی پناهندگان یا مهاجرین، نهادهای مبارزه علیه فاشیسم یا یک سندیکای کارگری سخنرانی یا تظاهراتی داشته باشد و از حزب سبز تقاضای سخنران نماید، در صورتی که برنامه مذکور با سیاست های حزب سازگاری داشته باشد، نظیر حمایت از پناهندگان افغانی که وادار به ترک بلژیک شده اند، حزب سبز نیز از این برنامه حمایت خواهد کرد.

در واقع باید بگویم این نهادها در حزب سبز عضویت ندارند اما تک تک اعضای حزب می‌توانند به صورت مستقل عضویت این نهادها را داشته باشند. من شخصا در چندین نهاد مدنی بلژیکی و ایرانی عضویت دارم. از جمله نهاد جمهوری خواهان بلژیک و یا سازمان جمهوریخواهان لائیک ایران. در این راستا حزب هیچ مانعی برای عضویت در این نهادها ایجاد نمی‌کند.

به طور مثال در بلژیک دو سندیکای کارگری قوی وجود دارد که یکی از آنان به سوسیالیست ها و دیگری به سوسیال مسیحی ها نزدیک است. اما هیچ گاه حزب سبز نخواسته است تا در کنار این سندیکاها، سندیکای مستقلی برای خود داشته باشد بلکه اعضای کارگران خود را تشویق کرده است که در یکی از این دو سندیکا فعالیت کنند.

در واقع رویه‌هایی که پیشتر از سوی احزاب برای نفوذ در سازمان ها و اتحادیه های صنفی و کسب رای صورت می‌گرفت ، کنار رفته است. البته در بلژیک قانونی گذارنده شده احزاب به میزان رایی که در پارلمان دارند نمایندگانی در نهادهایی که از دولت سوبسید دریافت می‌کنند (نظیر رادیو تلویزیون ملی و روزنامه های معروف) در هیات امنای خویش به میزان سهم خودمی‌توانند نماینده داشته باشند.

ممکن است به طور خاص بفرمایید حزب سبز برای پیاده کردن سیاست های خود چه نوع ارتباطاتی با سازمان های طرفدار محیط زیست دارد؟

در این خصوص می‌توانم از انجمن دوچرخه سواران نام ببرم. حزب سبز رابطه نزدیکی با این انجمن دارد و ایده های مختلفی از آنان می‌گیرد. در نشست های آنان شرکت می‌کند و از برنامه های آنان در شهر استفاده می‌کنند. از جمله کم خطر کردن دوچرخه سواری با افزایش ضریب ایمنی مسیرها و همچنین ارائه تسهیلات بیشتر برای استفاده از دوچرخه جهت کاستن از آلودگی هوا، و همچنین تبلیغات بیشتر برای استفاده از دوچرخه. این سیاست البته مختص حزب سیز بلژیک نیست بلکه در سراسر اروپا عمومیت دارد.

آیا می‌توان گفت فعالیت احزاب سبز صرفا در موضوعات محیط زیستی خلاصه می‌شود؟

زیستگاه نقطه شروع یا سکوی پرتابی برای احزاب سبز است. با این فلسفه که داشتن یک زیستگاه سالم مقدمه هر فعالیت برای انسان است و زمین قادر به پاسخگویی به نسل های بعدی باشد. یعنی زمین را به وضعیت در نیاوریم که نتوانیم به نسل بعدی تحویل دهیم.

به طور مثال، همان طور که می‌دانید اشتباهات بشری، نظیر انفجار در نیروگاه هسته ای چرنوبیل، محیط زیست را سال ها آلوده می‌کند. تنفس سالم ضروری ترین نیاز انسان است. در کنار آمدن تغذیه سالم، در کنار زندگی و کار سالم نیز اهمیت دارد. از این رو مسائلی چون شرایط برابر کار برای انسان ها و رفع هر گونه تبعیض جنیستی، نژادی و قومی نیز می‌تواند در این رابطه مورد توجه قرار گیرد. مسائل مربوط به حقوق زن، مشکلات فلسطینی‌ها، و جنگ های بشری در ابعاد و اوصاف مختلف همه وهمه در کانون توجه حزب سبز قرار دارد.

و حقوق بشر؟

حقوق بشر نیز جایگاه ویژه ای در حزب سبز دارد. مسئله زندان‌ها، شکنجه، هم جنس گرایان، در واقع حزب سبز برای تک تک این موضوعات که به نوعی زمین را تهدید می‌کند برنامه و نشست دارد. اعضای حزب سبز وقتی برای پارلمان انتخاب می‌شوند، هر یک به تناسب خویش در یک حوزه فعال می‌شود. به طور در مثال در زمینه حقوق بشر و در کمیته های کشوری مختلف فعالیت می‌کنند. این فعالیت ها صرفا مربوط به طبیعت نیست اما به نوعی وابسته به طبیعت است.

به طورمثال کارگری که پیشتر 15 ساعت در روز کار می‌کرد اما الان گفته می‌شود باید کمتر از 8 ساعت کار کند یا مسائل مربوط به حقوق بیکاری کارگران، این ها را من خارج ازطبیعت نمی‌دانم. وقتی جامعه دست خانواده ای را که سرپرستش بیکار شده می‌گیرد، در واقع به طبیعت کمک کرده است.

وقتی حزب فرهنگ یک جامعه را ارتقا می‌دهد که شهروندان محیط زندگی را آلوده نکنند، از انرژی های قابل بازیافت استفاده کنند کاغذ را حیف ومیل نکنند یا در مصرف انرژی صرفه جویی کنند این ها مسائلی است که تبدیل به ارزش شده و حتی سایر احزاب را دنبال خویش کشانده و طرفدار محیط زیست کرده است. هر چند احزاب لیبرال که وابسته به جریان سرمایه داری هستند، همچنان مسئولیت بزرگی را برای آلوده کردن زمین بر گردن دارند. در واقع افزایش تولید منجر به استفاده بیشتر از منابع زمینی می‌شود و این خطر بزرگی برای نسل آینده ایجاد می‌کند.

—

هفت سین در بلوچستان

2014-03-28 · Archive ID 3623
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3623

عرصه سوم: بلوچ‌ها به عنوان يكي از اقوام ايراني همچون ساير اقوام ايرانی، نوروز و بهار طبيعت و شكوفايي غنچه‌هاي آن را گرامي داشته و جشن مي‌گيرند.
عبدالسلام بزرگ زاده پژوهشگر بلوچ در این زمینه به هفت سین در بلوچستان می‌پردازد و می‌نویسد بلوچ‌ها از قديم الايام سفره اي به پهناي وسعت بلوچستان و پر از هفت سين پهن مي كردند.

سهر رنگ كنگ: يعني سرخ رنگ كردن پشم و شاخ گوسفندان با حنا درايام نوروز
سوز ني: نواختن ني توسط چوپاناني كه با نواختن سرودهاي شاد همراه با ترنم زيباي بهار گوسفندان را به طبيعت سبز و چراگاه هاي بهاري مي‌بردند
سوختن اسپند ودود كردن اسپند در لحظه تحويل سال در ظرف مخصوص سفالي به اعتقاد دفع بلا در طول سال
سرودن آواهاي جشن بهارگاه و بهارچراني
سبز كردن سردر منازل با برگ درخت خرما و نهال‌كاري يعني پاجوش‌ها و نهال‌هاي درخت خرما كه براي آماده سازي كاشت در اسفند ماه دورتادور ريشه آنها را با گوني پوشانده و هر روز چندين بار گوني را با آب خيس مي‌كردند يا در كنار جوي آب قنات قرار مي دادند تا خشك نشود و هنگام تحويل سال و شروع بهار بزرگترها به عنوان عيدي به كوچكترها مي‌دادند تا بكارند.
سرمه سرایی : در قديم هنگام نوروز زنان سنگ سرمه را مي‌سائيدند و براي استفاده در طول سال آماده و در ظرفي به نام سرمه دان نگهداري مي‌كردند و به دختران هديه مي‌دادند.
سور كردن: يعني ختنه پسران را در ايام نوروز هفت شبانه روز جشن مي گرفتند و با اجراي رقص محلي دو چاپي و اجراي بازي محلي جي تا پاسي از شب را بيدار بودند ختنه پسران در اين ايام دليل بهداشتي هم داشته زيرا در اين فصل هوا معتدل بوده و با توجه به اينكه ختنه با روش هاي قديمي و سنتي انجام مي‌شد امكان عفونت در هواي بهاري كمتر بود.

از هفت سین که بگذریم در بلوچستان اسم نوروز به عنوان اسم پسر در میان بلوچ‌ها بسیار رایج است در حالي كه در بين ساير اقوام ايراني اسم نوروز در نام‌گذاري پسر نشان كمتر مرسوم است.
به نوشته این پژوهشگر بلوچ، مراسم ایام نوروز و بهار در منطقه سرحد بلوچستان مراسم "هلک لڈّیی" یا "گدام لڈّیی" به معنی خانه تکانی یا جابجایی مکان سکونت و جابجایی سیاه چادرها از منطقه زمستانی به منطقه و چراگاه بهاری وتابستانی است که در ایام بهار برای اینکه به منطقه ای که برای چرای گوسفندان مناسب و چراگاه بهاری آن طایفه است جابجا می‌شوند.
به این ترتیب که طی مراسمی ویژه سیاه چادرها را از منطقه سکونت قبلی جمع آوری و با اجرای مراسم ویژه یعنی جمع شدن تمام افراد قبیله در یک حلقه دایره ای و خواندن آواها و آوازهای مخصوص توسط زنان که در اصطلاح محلی "لیکو" می‌گویند با مضامین وداع و خداحافظی به امید برگشت در سال بعد و دعا برای سردار و ریش سفید قبیله و اجازه گرفتن از وی برای حرکت به سمت چراگاه و مکان جدید بهاری حرکت می‌کنند.
پس از رسیدن به منطقه جدید وچراگاه بهاری مجددا همه دایره وار حلقه می‌زنند و با اجرای مراسم و جشن بهار و اجرای آوازهای دسته جمعی و آواهای مخصوص توسط زنان،"لیکو" با مضامین شاد و توصیف چراگاه و

طبیعت سبز آن و مدح سردار و ریش سفید طایفه شروع به برپایی سیاه چادرها می‌کنند.
روز اول بهار تمام کره وخامه هایی را که به روش سنتی تهیه کرده اند به روش محلی با آتش و سه پایه ودیگ مخصوص به روغن حیوانی تبدیل کرده و تفاله وته مانده خامه و کره را با آرد گندم و ذرت خرد شده و خرمایی که از طرف دوستان وآشنایان مکرانی به عنوان هدیه نوروزی و بهاری عیدی فرستاده شده مخلوط کرده و حلوای مخصوص به نام حلوای مَدَر درست می‌کنند که مقداری از این حلوای مَدَر را به عنوان عیدی نوروزی برای دوستان و آشنایان مکرانی خود می‌فرستند.
درایام نوروز مردم سرحد بلوچستان از شیر گوسفندانی که در همان سال برای اولین بار زائیده و پس از اولین شیردهی شیرآنها را جمع آوری و از شیرآنها کشک ویژه ای که مخصوص بهار است و کشک نوروزی می‌گویند برای آشنایان وعزیزان خاص ازجمله به تازه عروس‌ها و تازه داماد و به زنانی که برای اولین بارحامله هستند یا به افرادی از طایفه که قهر بوده اند و تازه آشتی کرده اند هدیه می‌دهند.
یکی دیگر از مراسم نوروزدر منطقه سرحد بلوچستان سوختن اسپند و دود کردن اسپند در روز اول بهار و لحظه تحویل سال به اعتقاد دفع بلا در طول سال و سرودن آواهای بهارگاهی وجشن بهار چرانی است.
مردم بلوچستان در فصل بهار و ایام نوروز همه شاد وخوشحالند و به دنبال بهانه ای برای ابراز شادمانی خود هستند. در همین ایام جشن ختنه سوری پسرها وجشن ازدواج وعروسی‌ها برگزار می‌شود و به مناسبت این جشن‌ها مراسم ویژه رقص محلی دو چاپی هفت شبانه روز اجرا می‌گردد و در این ایام مراسم حماسه سرایی توسط "خنیانگران "و "پهلوانان "در حلقه بزرگان قوم هر شب برگزار و دور آتش چُلدان(شومینه محلی) همه حلقه زده و از "ایزدپاک "در طول سال برای خود و خانواده و فامیل و طایفه روشنایی وگرمی را طلب می‌نمایند.
حماسه سرایان از تاریخ گذشته و دلاور مردی و جانفشانی قوم بلوچ در مقابل بیگانگان می‌گویند و سپس با توصیف وطن و زیبایی طبیعی آن به وصف بهار و نوروز می‌پردازند و در پایان شب پس از حماسه سرایی با شرکت بزرگان قوم رقص محلی دو چاپی اجرا می‌شود.
با آمدن بهار، طبیعت بلوچستان حیات نوی را شروع می‌کند و مردم بلوچ نیز همچون طبیعت سبز سرحد و نخلستان‌های زیبای مکران دل هایشان سبز و بهاری می‌شود و مهر و محبت در جان آدمی زنده می‌شود و انسان از طبیعت سبز بلوچستان و از گُل‌ها و گیاهان داروپی رنگارنگ محلی درس عبرت گرفته و با وحدت و همدلی و دید و بازدید و صله رحم دل‌های خود را جلا داده و زنگار دل و کینه‌ها و تفرقه را از سینه بیرون و با دل‌های صیقل یافته مشغول زندگی پاک در جامعه همراه با ارزش‌های انسانی معنوی شوند.

—

نگاهی به تجمع مقابل سفارت پاکستان

2014-04-01 · Archive ID 3627
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3627

عرصه سوم- کامیار بهرنگ: تجمع اخیر فعالان مدنی در مقابل سفارت پاکستان در تهران در اعتراض به اعدام یکی از مرزبانان ایرانی توسط گروه جیش العدل بار دیگر اعتراضات مدنی را از فضای مجازی به فضای حقیقی کشاند.

این نگاه می‌کوشد تا ابعاد اجتماعی این اعتراض را با در نظر گرفتن شرایط پیشین و حال جامعه ایران بررسی کند.

فعالیت مجازی، ابرازی جدید در فضای اختناق
مدت‌ها بود خروجی فعالین عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی ایران در فضای مجازی خلاصه می‌شد. پس از اعتراضات به نتیجه‌ی انتخابات سال ۸۸، موضوع ایران، به یکی از داغ‌ترین عناوین خبری در فضاهایی چون توئیتر و فیس‌بوک تبدیل شد. آنجا بود که جنبش تحول‌خواه ایران با استفاده از این ابزار توانست بخش بزرگی از صدای خود را جهانی کند.
در همان دوران بود که بحث "شبکه‌های اجتماعی" و "شبکه‌های اجتماعی مجازی (رسانه‌ی شبکه‌ی اجتماعی)" جان تازه‌ای گرفت. در واقع مفهومی که در دوران اول ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد با تحدید بسیاری

روبرو شده بود.
دولت احمدی‌نژاد دراولین قدم‌های خود برای محدود کردن جامعه‌ی مدنی ایران، آیین‌نامه‌ی اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد را تصویب کرد. اما برخوردها تنها در حوزه‌های سیاسی-اجتماعی ختم نشد. با بازداشت برادران علایی، دولت احمدی‌نژاد نشان داد که هدف جدید حاکمیت، جدا از خشکاندن ریشه‌های سازمان‌های مردم نهاد و جامعه‌ی مدنی ایران، قطع ارتباط معدود انجمن‌های موجود با جامعه‌ی جهانی است. برخورد با مجموعه‌هایی چون کمپین یک میلیون امضا و بازداشت‌های مکرر اعضای آن – که یکی از معدود نهادهای حوزه‌ی زنان بود- دیگر نمونه‌ای است که نشان می‌داد، در آن دوران اکثر فعالیت نهادهایی که در چهارچوب اهداف دولت نیستند با عناوینی چون براندازی، انقلاب مخملی و ... مواجه می‌شدند.
این روند تا سال ۸۸ پیش رفت و جامعه‌ی مدنی ایران در این دوره‌ی برگی دیگر از فعالیت‌ها را تجربه کرد. با رشد مفاهیمی چون شبکه‌های مجازی و پیشرفت سامانه‌های مجازی در ایران، جامعه‌ی مدنی ایران توانست خود را در شکلی دیگر، پیدا کند؛ شکلی که جایگاه خاص خود را حتی در دایره‌های خانوادگی نیز، پیدا کرد. در این شکل‌گیری بیانیه‌های میرحسین موسوی نیز نقش مهمی را ایفا کردند. او با استفاده از آیات قرآنی و آموزه‌های دینی تلاش کرد این موضوع را به نحوی دیگر سامان‌دهی کند. به طور مثال با اشاره به آیه‌ی ۸۷ سوره‌ی یونس می‌گوید "خانه‌های خود را قبله قرار دهید." میرحسین موسوی کوشید که با این مفهوم دینی، مردم را به دیدارهای مستقیم و بیشتر با هم ترغیب کند. چنین راهکارهایی کارکرد خود را در مناسبت‌های گوناگون در آن سال نشان داد که، نقطه‌ی عطف آن روز عاشورای ۸۸ در تهران بود.
حاکمیت به طور عینی متوجه قدرت "شبکه‌های اجتماعی" و "شبکه‌های اجتماعی مجازی" می‌شود و پس از سرکوب شدید معترضین، بیشترین فشار خود در بازجویی‌ها را به شناخت نقشه‌ی ارتباطی این شبکه‌ها معطوف می‌کند.
در این دوران ما شاهد آن بودیم که این ارتباطات به عملی جمعی و در حد خود تأثیرگذار بدل شد. در سال‌های گذشته، همچنین، ما شاهد شکل‌گیری حرکات نمادین اعتراضی چون "تحریم ۳ روزه‌ی خرید نان و شیر " و " تحریم خرید آجیل نوروزی " و ... بودیم.
به هر روی آن شرایط، کشور را به سمت انتخابات سال ۹۲ هدایت کرد تا جامعه‌ای که ۸ سال را در بیم و امید سپری کرده‌است، در مقابل آزمونی دیگر قرار می‌گیرد. این همان جامعه‌ای است که در آستانه‌ی انتخابات مجلس تصمیم گرفت در خانه‌های خود بنشیند .

گذار از فضای مجازی به فضای حقیقی
برای فعالان مدنی که درعرصه‌های گوناگون با امیدی تازه به سیاست‌های دولت "تدبیر و امید" می‌نگریستند، گروگانگیری ۵ مرزبان ایرانی توسط گروه "جیش العدل" فرصت دیگری برای محک زدن خویش بود. ساعاتی پس از انتشار این خبر بود که "شبکه‌های اجتماعی مجازی" در نبود رسانه‌های مستقل وارد عمل می‌شوند و واکنش فوری "جامعه‌ی مدنی" را به نمایش می‌گذارند. این واکنش به حدی بود که پس از ۴ سال، بار دیگر موضوع ایران، از سوی کاربران غیر ایرانی با توجه بسیاری روبرو شود . با توجه به حجم واکنش‌ها انتظار می‌رفت دولت ایران نیز به همراهی با آن، اقدامی انجام دهد. اما واکنش حاکمیت مأیوس‌کننده بود.
با انتشار خبر اعدام یکی از این ۵ مرزبان در سومین روز نوروز، برگی دیگر از اتفاقات رقم خورد. در میان تأیید و تکذیب بسیار، باز هم این دنیای مجازی بود که رسانه‌ی جامعه‌ی مدنی شد، و صدای اعتراض و البته اندوه خود را بلند کرد. اما جامعه‌ی مدنی در میان مقصران اصلی این ماجرا از وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی و صد البته پاکستان که دو بخش خودمختارش (وزیرستان و بخش هایی از ایالت بلوچستان) محل تجمع نیروهای تندرو و تروریستی است، دولت پاکستان و کم‌هزینه‌ترین راه برای نمایش اعتراض و وحدت (یعنی تجمع در مقابل سفارت پاکستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد) را انتخاب کرد.
دیالوگ‌های متعددی شکل و بحث‌های زیادی در فضای عمومی و البته فضای خصوصی صورت گرفت. موافقان و مخالفان در حال بحث بودند که بخشی از خبرگزاری داخلی که بعد از انتخابات فضای بازتری برای فعالیت را تجربه می‌کنند، این خبر را منتشر کردند و فراخوان تجمع مقابل سفارت پاکستان وارد مرحله‌ی دیگری شد.
(مهر ، ایلنا)
بنا به گفته‌ی شاهدان، روز پنجشنبه تعداد زیادی مأمور امنیتی مقابل سفارت حضور نداشتند، اما رفته‌رفته بیشتر شدن حضور معترضان نشان داد که شبکه‌های اجتماعی موفق عمل کردند. زیرا با اینکه زمان انتشار فراخوان در تعطیلات نوروز و و همزمان با خلوتی تهران بود، اما با استقبال روبرو شد. نیروهای انتظامی -که در هتلی نزدیکی سفارت استقرار یافته بودند- به خیابان آمده و جمعیت را متفرق کردند. در این میان نیز تعدادی، برای

ساعاتی بازداشت شدند .
جدا از تحلیل موفقیت و یا شکست سیاسی این فراخوان و یا تحلیل چرایی آن می‌توان نکات زیر را از دیدی دیگر برجسته دانست. طراحان این فراخوان به خوبی می‌دانستند که مشکل اصلی این موضوع طرف ایرانی است و اتفاقا وظیفه‌ی نیروهای امنیتی است که آرامش را به مرزهای ایران بازگرداند. اما اعتراض مقابل وزارت کشور، امورخارجه، شورای عالی امنیت ملی و هر نهاد دولتی دیگر حضور جمعیت را بنا به ملاحظات امنیتی به حداقل می‌رساند.
طراحان فراخوان، با در نظر گرفتن فاصله‌ی شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر با بدنه ی اجتماعی عامه‌ی مردم، انجام یک اعتراض مدنی گسترده در مرحله‌ی اول را امکان ناپذیر دانسته و بنای خود را بر اعتراض به روی در دسترس ترین محل اعتراض قرار دادند تا علاوه بر گسترش شبکه ی ارتباطی، امکان گسترش اعتراض در مراحل بعد و حرکت به سوی نهادهای دولتی را نیز تقویت کنند.
نحوه‌ی مواجهه‌ی نیروهای امنیتی، نیز نکته‌ی قبل توجه‌ای است. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی تصویر دقیقی از حضور افراد نداشتند. اما پس از اطلاع از موفقیت فراخوان، برای مقابله با تجمع به خیابان آمدند.
فارغ از نتیجه‌ی اولیه‌ی این اعتراض، شبکه ای ارتباطی شکل گرفته است که می‌تواند هر لحظه خود را، در شکلی جدید بازیابی کند. این مهم‌ترین دستاوردی است که طراحان این اعتراض می‌توانند از آن به عنوان قدرت در موقعیت‌های دیگر استفاده کنند. چرا که در طول حداقل ۴ سال گذشته بخش بزرگی از نیروی اطلاعاتی - امنیتی کشور بر پاره کردن این ریشه های ارتباطی دست به کار بوده است. از سوی دیگر با ایجاد این شبکه ها می توان امیدوار بود نسل جدیدی از فعالان کمپینی در ایران جایگزین فعالانی شود که مهاجرت کرده یا دچار سرخوردگی شده اند.
همچنانکه واتسلاوهاول، می‌گوید : "جامعه‌ی مدنی به انسانها این فرصت را می‌دهد تا خود را بیابند. درپابند که تنها تولیدکننده یا مصرف کننده نیستند. بلکه موجوداتی هستند که می‌خواهند با هم باشند و تمایل دارند که اشکال مختلف هم‌زیستی و همکاری را تجربه کنند و بر محیط اطرافشان تأثیر بگذارند و شاید این مهم‌ترین خصوصیات درونی آنها باشد." این سخن هاول شاید مهمترین آموزه ای باشد که جامعه‌ی مدنی و شبکه های.. اجتماعی ایران به آن نیاز دارند. در کنار هم بودن، در کنار هم ماندن و تلاش برای تاثیر گذاشتن.

—

نگرانی عفو بین‌الملل از سلامتی کاظمینی بروجردی

2014-04-02 · Archive ID 3634
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3634

عرصه سوم: سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای ضمن نگرانی از سلامت حسین کاظمینی بروجردی، روحانی زندانی در اوین، خواستار آزادی وی شد.
در بیانیه عفو بین الملل آمده است که بنا برگزارش‌ها، این روحانی که دوره محکومیت یازده ساله‌اش را می‌گذراند به بیماری دیابت، آسم و پارکینسون مبتلا است و یک چشم او هم نابینا شده است و نیاز فوری به مداوا در خارج از زندان دارد اما در طول هشت سالی که در زندان بوده، تنها سه بار به بیمارستان منتقل شده است.
در این بیانیه اشاره شده حسین کاظمینی‌بروجردی به جرم تبلیغ برای جدایی دولت و دین زندانی شده و زیر فشار است تا "توبه نامه" بنویسد.
در این بیانیه همچنین آمده است نگهبانان زندان به سلول سید حسین کاظمینی‌بروجردی در اواخر اسفند ماه سال گذشته حمله کردند و وسایل شخصی او را از بین برده اند. این اتفاق زمانی رخ داده که خانواده اش با وی ملاقات داشته اند.
این بیانیه همچنین به آزار و اذیت خانواده وی از جمله بازرسی بدنی آنان در حین ملاقات اشاره کرده است.
در شهریور ماه سال گذشته نیز همسر سید حسین کاظمینی‌بروجردی، اکرم (ص) ولی دوستی، برای بازجویی توسط دادگاه ویژه روحانیت احضار شد.
یک سایت وابسته به آقای کاظمینی بروجردی که در اروپا اداره می‌شود آخرین سخنان وی را در هنگام بازداشت مقابل منزلش این چنین روایت کرده است: "اهالي محترم محل، اکنون که تمامي راه‌هاي اين محل را بسته‌اند تا

به ما حمله کنند، بدانید که گناه ما آنست که ما مخالف دین سیاسي هستیم، ما نمي‌خواهیم به اسم خدا به مردم ظلم شود، ما نمي‌خواهیم به نام دین اسلام، ملت ایران نابود شوند، امشب براي کشتن ما آمده‌اند، من به وسط خیابان آمده‌ام و آماده‌ام براي کشته شدن تا درس ایثار و استقامت بدهم، اهالي محل، من از شما کمك نمي‌خواهم، فقط شاهد باشید که اگر ما کشته شدیم به تاریخ بگوئید اینها که دم از اسلام و قرآن و خداوند مي‌زنند، با ما چنین کردند، شما شاهدید که ما در این مکان به مردم خدمت مي‌کنیم، مردم از راه‌هاي دور و نزدیك مي‌آیند و مورد نوازش من قرار مي‌گیرند، گواه باشید که بروجردي براي دفاع از قرآن و دین و خدا و وطن و مردم کشورش، تن خود را به تیرها عرضه کرد، ما بمیریم که قرآن واقعي بماند، ما بمیریم که اسلام اصیل و غیر سیاسي بماند."

بازداشت این فعال دینی مخالف حکومت بارها مورد اعتراض گزارشگر ویژه سازمان ملل و پارلمان اروپا قرار گرفته است. مریم موذن‌زاده یکی از نمایندگان آقای کاظمینی‌بروجردی در جلسه جانبی بیست و پنجمین نشست سازمان ملل که نوروز امسال در ژنو برگزار شد از وخامت وضعیت جسمانی کاظمینی سخن گفته است. "وي تاکنون بیش از ۲۷۰۰ روز است بدون مرخصي و دسترسی به دارو و امکانات درمانی، به طور پیوسته در زندان است. ایشان به دلیل شکنجه هاي داخل زندان به شدت بیمار است و از ناراحتي هاي قلبي و تنفسي و کلیوي رنج مي برد یکي از چشمانش ۹۰ درصد از بینایي خود را از دست داده است. خانواده و هوادارانش مدام در تهدید زندگي مي کنند و توسط نهادهای امنیتی تحت نظر و گاه تعقیب قرار دارند. آنها امنیت شغلي ندارند."

سید حسین کاظمینی‌بروجردی در در سال 1385 به حکم دادگاه ویژه روحانیت دستگیر شد. اتهامات وی محاربه با خدا، اقدام علیه امنیت ملی؛ نامشروع خواندن دین سیاسی و حکومت دینی، جاسوسی و ارتباط با ضد انقلابیون و نهایتا دیکتاتور خواندن ولایت فقیه بوده است.

—

بهداشت و جامعه مدنی

2014-04-07 · Archive ID 3641
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3641

عرصه سوم: 7 آوریل هر سال به مناسبت سالگرد تاسیس سازمان بهداشت جهانی در سال 1948 جشن گرفته می‌شود. این روز فرصتی را برای افراد جامعه جهت مشارکت در فعالیت‌هایی که منجر به بهبود سلامت می‌شود فراهم می‌سازد.

هر سال نیز سوی این سازمان یک عنوان که بیانگر بر جسته‌ترین اولویت در عرصه بهداشت عمومی می باشد ؛ انتخاب می شود.

در ایران نیز این روز گرامی داشته می شود. این مقاله می‌کوشد تا به مناسبت این روز نگاهی به رابطه بهداشت و جامعه مدنی و فعالیت‌های سازمان‌های مردم نهاد ایران در زمینه بهداشت داشته باشد.

بهداشت جهانی و جامعه مدنی:

سازمان جهانی بهداشت تاریخچه موفقی در فعالیت با سازمان‌های غیر دولتی برای تقویت بهداشت عمومی داشته است.از سال 2001، این سازمان با علم بر ارتباط میان فقر و بهداشت، طرح بزرگی را با همکاری جوامع مدنی برای توسعه بهداشت عمومی از طریق همکاری با سازمان‌های مردم نهاد دنبال کرده و تجربه خوبی را در این زمینه پشت سر گذاشته است.

بر این اساس، مردم، به عنوان بخشی از جامعه مدنی، در هسته اصلی سیستم‌های بهداشتی قرار می‌گیرند. آنها همچنان که از خدمات بهداشتی بهره می‌برند یا کمک‌های مالی برخوردار می‌شوند خود نیز نقش موثری در توسعه بهداشت عمومی دارند.

اما نقش سازمان‌های مردم نهاد در ایران در خصوص بهداشت چگونه بوده است؟ اساسا چه تعداد سازمان مردم نهاد با گرایش حوزه بهداشت در ایران فعالیت دارند؟

آمار رسمی وزارت کشور نشان می‌دهد هیچ یک از سازمان‌های مردم نهاد به ثبت رسیده در این پایگاه موضوع فعالیت شان در زمینه بهداشت نیست. بر اساس آماری که وزارت کشور از مرکز آمار ایران اقتباس کرده و مربوط به 10 سال گذشته است. در این راستا 223 سازمان مردم نهاد برای "بیماران صعب العلاج" و 73 نهاد برای "سایر بیماران" تخمین زده شده است. این به معنی است که هیچ نوع سازمانی با موضوعیت فعالیت در

حوزه بهداشت در مرکز آمار ایران و همچنین وزارت کشور به ثبت نرسیده است.
در این سامانه هیچ مشخصاتی از سازمان‌های مردم نهاد به ثبت رسیده وجود ندارد. بررسی صورت گرفته در سامانه وزارت بهداشت نیز حاکی از فقدان چنین آماری است.
در بانک اطلاعاتی عرصه سوم نیز اطلاعات تعدادی از سازمان‌های مدنی مرتبط با امور پزشکی و بیماران مورد بررسی قرار گرفته است اما این سازمان‌ها نیز در حوزه بهداشت قرار نمی‌گیرند.

این در حالی است مسئله بهداشت در جامعه ایران علیرغم پیشرفت‌هایی که در سالیان اخیر صورت گرفته همچنان یک دغدغه جدی است. وجود بهداشت مناسب می‌توانست عامل مهمی برای کنترل بسیاری از بیماری‌های مزمن شایع در ایران باشد.
برای روشن شدن ابعاد این موضوع باید به شیوع گسترده بیماری‌های خاص و صعب العلاج در کشور از جمله دیابت اشاره کرد.
در تمام دنیا سازمان‌های مردم نهاد نقش اساسی در آموزش افراد دیابتی بر عهده دارند تا بدین ترتیب از حاد شدن این بیماری پیشگیری شود اما به گفته "محمدتقی چراغعلی" از مشاوران وزیر بهداشت، در ایران جای خالی سازمان‌های مردم نهاد به خوبی احساس می‌شود.
وی در گفت‌وگو با هفته نامه سلامت یکی از مهم‌ترین برنامه‌های وزارت بهداشت در رابطه با کنترل دیابت را توانمند سازی سازمان‌های مردم نهاد برمی‌شمرد.
این مقام مشاور خود به ضرورت وجود سازمان‌های جامعه مدنی برای کنترل بیماری دیابت اشاره می‌کند و می‌گوید اطلاع‌رساني لازم است اما كافي نيست زيرا اين كار زماني موثر خواهد بود كه تبديل به رفتار شود.
وی سپس به تشکیل کمپین‌هايي در این زمینه اشاره می‌کند که اقدام‌هاي نمادين انجام مي‌دهند. وی به طور مشخص به کمپینی با نام «کمپین روبان آبي» اشاره می‌کند در با امضاي یک تعهدنامه کوچک، افراد را به نیم‌ساعت پیاده‌روي روزانه یا خوردن میوه به جاي شيريني تشویق کند.
یک پزشک نیز که 20سال سابقه طبابت را در کارنامه اش دارد با اشاره به لزوم داشتن سازمان مردم نهاد برای بیماران دیابتی می‌گوید:"خیلی از افراد دیابت دارند و از بیماری خود مطلع نیستند و بنابر آمار، 95 درصد از بیماران دیابتی نیز بیماری خود را به خوبی کنترل نمی‌کنند." وی می‌افزاید:" اگر از عوارض این بیماری با خبر باشیم به خوبی متوجه می‌شویم که با این شرایط حتی بیش از یک سازمان مردم نهاد در شهرستان نیاز داریم تا بتوانیم به بیماران خدمات قابل توجهی ارائه بدهیم
بررسی صورت گرفته در این مقاله نشان می‌دهد سازمان‌هایی که در زمینه بهداشت در ایران فعالیت می‌کنند بیشتر انجمن‌های علمی هستند که مجوز خویش را از وزارت خانه علوم یا بهداشت درمان دریافت کرده اند.
این انجمن‌ها غالبا با گردآوری کارشناسان و متخصصان دانشگاهی در زمینه بهداشت و برپایی همایش ها و نشست‌های علمی تلاش می کنند تا دانش جامعه را در زمینه بهداشت افزایش دهند اما این انجمن ها به دلیل ساختاری قادر به انتقال دادن این دستاوردها به مردم نیستند.
در فقدان رسانه، تیم اجرایی برای فعالیت‌های داوطلبانه و کمپینی، امکانات مالی مناسب و اساسنامه آنان امکان فعالیت‌های گسترده را از آنان سلب می‌کند.
در این زمینه جا دارد تا به فعالیت یکی از این نوع از سازمان‌های مردم نهاد در زمینه بهداشت اشاره کنیم.
انجمن علمی بهداشت محیط، نهادی است که کوشیده است تا با برگزاری همایش ها و نشست‌های علمی و همچنین کارگاه‌های آموزشی دانش شهروندان را نسبت به امر بهداشت محیط افزایش دهد.
این انجمن که نزدیک به 20 سال است فعالیت می‌کند، تا کنون 14 همایش سراسری در دانشگاه‌های مختلف برگزار کرده است. هر چند کانون هدف فعالیت‌های انجمن بیشتر کارشناسان امر بهداشت در جامعه هستند، اما این انجمن تلاش کرده تا با تهیه دستورالعمل ها و راهنماهای متعددی، دانش شهروندان در زمینه بهداشت عمومی را نیز رشد دهد.
به صورت مثال در این زمینه می‌توان به چندین راهنما از جمله، "راهنمای نظارت بر سامانه‌های تأمین آب آشامیدنی"، "دستورالعمل شرکت ها و مؤسسات مشاوره اي خود کنترلي و خودا"، "دستورالعمل اجرايي صدور صلاحیت واحد سیار عرضه مواد غذایی"،"چگونه از اثرات ریزگردها بر سلامت خود بکاهیم"، "کاربرد لامپ‌های کم مصرف با رعایت موازین ایمنی و بهداشت" و "چگونه از خود در برابر پرتوهاي فرابنفش خورشیدی حفظ کنیم" اشاره کرد.
این انجمن همچنین کارگاه‌هایی نیز در زمینه میزگرد آلودگی هوا و اثرات آن بر سلامت انسان و جامعه، راهکاری اساسی درمدیریت مواد زائد جامد قبل وبعد از زلزله، برگزار کرده است.

نتیجه این بررسی کوتاه نشان می‌دهد که عرصه بهداشت نیز همچون سایر عرصه‌های مدنی در ایران در انحصار دولت قرار دارد. گرچه دولت خود ابراز علاقه مندی می‌کند تا درها را به سوی سمن‌ها بگشاید. از سوی دیگر سازمان‌های مدنی در حوزه بهداشت را باید دو سطح در نظر گرفت. سازمان‌هایی که صرفا به تولید دانش در حوزه بهداشت می‌پردازند و سازمان‌هایی که این دانش را در سطح جامعه توزیع می‌کنند.

—

آزادی مرزبانان با میانجی‌گری جامعه مدنی

2014-04-08 · Archive ID 3645
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3645

عرصه سوم: تلاش گروه‌های سنی مذهب ایرانی برای آزادی گروگان‌ها با پیام‌های تشکر آمیز بسیاری از سوی جامعه مدنی روبرو شد، در حالیکه بجز استاندار سیستان و بلوچستان، سایر مقامات رسمی دولتی و نظامی تا کنون واکنش مثبتی به این پادرمیانی نشان نداده‌اند.
گروگانان سرانجام با وساطت بزرگان اهل سنت، از جمله شخص مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان آزاد شدند. پس از آزادی سربازان، بسیاری از فعالان مدنی و حتی برخی از شخصیت‌های جمهوری اسلامی از جمله اکبر هاشمی رفسنجانی از پادرمیانی علمای اهل سنت در آزادی گروگانان تشکر کردند. اما اصولگرایان با همراهی برخی مقامات رسمی نظامی و سیاسی با مشکوک خواندن این داستان، اهل سنت را متهم می‌کنند که از ابتدا با گروه "جیش العدل" در تماس بوده‌اند.
مولوی عبدالحمید گفته است که با حمایت استاندار سیستان و بلوچستان "هیئتی مردمی متشکل از افراد تاثیرگذار منطقه" برای مذاکره با گروگانگیران فرستاده شدند. او گفت: "بنده یک جلد قرآن مجید به همراه پیغامی که حاوی آزادی گروگان‌ها بود، فرستادم."
به گفته مولوی عبدالحمید، گروه جیش‌العدل در ازای رها کردن گروگان‌ها خواهان آزادی بعضی زندانیان بودند، اما در نهایت "به احترام کلام‌الله مجید و حرمت علما و مردم" مرزبانان را آزاد کردند.

امید شه‌بخش، یکی از سران طوایف بلوچ و عضو هیئت میانجی نیز گفته است مرزبانان را در منطقه‌ای به نام "پری آب" و در مرز افغانستان تحویل گرفته‌اند.
مولوی عبدالحمید همچنین گفته است که هیئت میانجی گروه جیش‌العدل را ترغیب کرده که خواسته‌هایش را از طریق گفتگو مطرح کند. او از "همه طرف‌های درگیر" خواسته است که به جای خشونت، خواسته‌های خود را از طریق گفتگو پی بگیرند.
مولوی عبدالحمید از طرف دیگر هم گفته است: "خشونت، اعدام و صدور احکام سنگین را برای مبارزه با معضل مواد مخدر و نیز مسائل امنیتی کارساز نمی‌دانم."
امید شه‌بخش، یکی از سران طوایف بلوچ و عضو هیئت میانجی نیز با محکوم کردن جیش‌العدل گفته است: "مردم سیستان و بلوچستان از چنین حرکت‌هایی که به ضرر منافع نظام و ملت است به شدت تنفر دارند و برای دستیابی به توسعه و آبادانی استان نیازمند ثبات و امنیت و آرامش هستند."
آقای شه‌بخش گفته است: "برای تحویل گرفتن مرزبانان ایرانی بیش از ۱۱ روز در مرز سرگردان بودیم و در این راستا تلاش‌های زیادی با استفاده از ظرفیت‌های مردمی به ویژه سران قبایل و طوایف انجام شد.
او به تارنمای عصر هامون گفت: "در زمان تحویل مرزبانان، آنها با مشاهده ما ترسیدند و چون ترس آنها را مشاهده کردم گفتم من برادر شما هستم و آمدهام شما را به کشورتان برگردانم."

در حالیکه آزادی مرزبانان به گروگان گرفته شده موجی از پیام‌های تقدیر از اهل سنت را در جامعه برانگیخت، نظامیان و اصولگرایان ضمن انتقاد شدید از این پادرمیانی روایت دیگری از این ماجرا می‌کنند.
سرتیپ حسین ذوالفقاری، فرمانده مرزبانی ناجا، روز دوشنبه، ۱۸ فروردین ماه، اعلام کرد که اصل ماجرای گروگانگیری مرزبانان مشکوک است. آقای ذوالفقاری در رابطه با وقوع این گروگانگیری گفته است که شرایط در زمان گروگان‌گیری طبیعی نبوده و ناجا مشغول پیگیری این پرونده است.
اسماعیل احمدی مقدم، رییس پلیس ایران نیز روز یکشنبه، ۱۷ فرودین ماه گفته بود "وضعیت این سربازان در لحظه‌ای که به گروگان گرفته شدند مصداق «بی‌انضباطی» بوده است و موضعی بوده که به غرور انسان آسیب

می‌زند."
اسماعیل کوثری نیز در گفت‌وگو با خانه ملت اعلام کرده که این افراد در انجام وظیفه مرزبانی‌شان کوتاهی و تخلف کرده‌اند و به همین خاطر باید با آن‌ها برخورد شود. رییس کمیته دفاعی کمیسیون امنیت ملی مجلس گفته است که این افراد باید مورد تنبیه قرار بگیرند و نباید مشمول قانون خدمات مربوط به آزادگان شوند.
در این راستا، برخی از فعالان مدنی در شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند تا با امضای طوماری از مولوی عبدالحمید تشکر کنند. شورای هماهنگی راه سبز امید نیز با انتشار پیامی از مولوی عبدالحمید تقدیر کرده است.
در این پیام آمده آزادی مرزبانان با حمایت قاطع مردم, جامعه مدنی و بویژه معتمدان محلی نشان داد که امنیت ملی واقعی مبتنی بر همبستگی ملی است و تنها با مشارکت همه ملت بدور از تبعیض قابل تامین و تضمین است.
در مجموع می توان گفت این بحران بار دیگر به‌دستان جامعه مدنی مدیریت و حل شد. جامعه مدنی در ایران بار دیگر نشان داد علیرغم محدودیت‌های موجود از توان بزرگی برای حل بحران‌های ملی برخوردار است و در این میان نقش اقلیت‌های قومی -مذهبی برجسته گردید.

—

تقدیر جامعه بهائی از هدیه روحانی شیعه

2014-04-09 · Archive ID 3649
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3649

عرصه سوم: در اقدامی نمادین و بی‌سابقه، آیت الله عبدالحمید معصومی تهرانی، یکی از روحانیون برجستهٔ شیعه اعلام کرد که آیه‌ای از آثار "بهاءالله" بنیان‌گذار آیین بهائی را خطّاطی و تذهیب و به بهائیان جهان اهدا نموده است.
این اقدام در زمانی اتّفاق می‌افتد که چند نفر از علمای دیگر دنیای اسلام نیز تفسیرهایی از اصول دین اسلام ارائه می‌دهند که در آن "قرآن" هم‌زیستی با کلّیّهٔ ادیان را توصیه کرده است.
خانم بانی دوگال، نمایندهٔ ارشد جامعهٔ جهانی بهائی سازمان ملل متّحد در واکنش به این اقدام اظهار داشت: "این روند، بسیار خوش‌آیند و امیدوارکننده است و مقتضیات فراوان و مهمّی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین مردم جهان دارد."
آقای تهرانی در پایگاه اطّلاع رسانی خود می‌گوید که نیّت او از تهیّه و تقدیم خطّاطی این آیه از آثار بهائی "تذکّر و یادآوری بر ارج نهادن به انسانیّت انسان، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، هم‌یاری و هم‌دلی و پرهیز از کینه‌ورزی، عصبیّت و تعصّبات کور مذهبی" می‌باشد.
این هدیهٔ نفیس را به بهائیان جهان و علی‌الخصوص به بهائیان ایران که "به شکل‌های مختلف از تعصّبات کور مذهبی آسیب دیده‌اند" تقدیم کرده و می‌گوید که این اقدام "از طرف خود و تمامی هم‌میهنان آزاداندیشم" می‌باشد.
خانم دوگال در پاسخ به این اقدام بیان داشت: "جامعهٔ جهانی بهائی از این عمل بزرگوارانه و پراحساس عمیقا سپاس‌گزار است، اقدامی که انگیزه‌اش احترام به کرامت انسانی و هدفش ترویج هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین‌ادیانی است."
خانم دوگال هم‌چنین اظهار داشت: "این اقدام شجاعانه از طرف یک روحانی ارشد در عصر معاصر ایران بی‌سابقه می‌باشد و با در نظر گرفتن ظلم و ستمی که به طور سیستماتیک همواره توسّط حکومت اسلامی بر جامعهٔ بهائی در آن کشور وارد می‌شود قابل توجّه است."
آقای تهرانی در گذشته نیز نگرانی خود را به فشارهای وارده بر اقلّیّت‌های مذهبی در ایران از جمله بهائیان ابراز داشته است. از زمان انقلاب اسلامی در سال 1357 تا به حال صدها بهائی کشته شده و هزاران نفر زندانی شده‌اند. هم‌اکنون 115 بهائی صرفاً به خاطر عقاید مذهبی‌شان در زندان بسر می‌برند، بهائیان از تحصیلات عالیه محرومند، موانع فراوانی در راه امرار معاش آنها گذاشته می‌شود، از دفن مردگان‌شان بر مبنای مراسم بهائی جلوگیری می‌شود، و حتّی بی‌حرمتی به گورستان‌های آنها و تخریب قبرها صورت می‌گیرد.
آقای تهرانی اظهار امیدواری کرده است که این هدیه که در بیت العدل اعظم [هیئت اداری بین‌المللی دیانت بهائی] نگه‌داری خواهد شد تذکاری بر فرهنگ غنی و کهن مهرورزی و هم‌زیستی ایرانیان باشد.

—

فراخوان سازمان‌های مدنی برای روز جهانی شهروند

2014-04-10 · Archive ID 3652
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3652

عرصه سوم: به مناسبت روز جهانی شهروند فعال، چهار سازمان‌بین‌المللی جامعه مدنی در تدارک ابتکاری تازه برای سنجش دموکراسی و آزادی بیان در جوامع مختلف جهانی هستند.
سازمان های "ابتکاری برای فضای مدنی"، "مرکز بین‌المللی نه سود-نه حقوق"، "ماده 19" و "جنبش جهانی برای دموکراسی" ، این ابتکار را در راستای کمپین جهانی "تغییر " و با هدف افزایش آگاهی عمومی در خصوص فضای مدنی در جامعه و تهدیدات آزادی بیان، تجمعات و تشکل‌ها تدارک دیده‌اند.
7 ژوئیه، روز جهانی شهروند نام گذاری شده است. این دو سازمان در بروشوری که به این مناسبت تهیه شده نوشته‌اند:" همانطور که می دانید که در بسیاری از کشورها فضای مدنی تهدید می‌شود. این تهدیدات شامل محدودیت‌هایی برای آزادی بیان، تجمعات، انجمن‌ها، محدودیت‌ها برای دریافت کمک‌های مالی و در مجموع نظارت جامعه مدنی است که به اشکال مختلف از جمله قانون اعمال می‌گردد."
این برنامه قرار است 7 ژوئیه به صورت سراسری در جهان برگزار شود. برنامه به این ترتیب خواهد بود که اعضای سازمان‌های شرکت کننده در هر شهر و روستا، به خیابانها آمده و از شهروندان درباره میزان آزادی خود در جامعه ای که زندگی می کنند می پرسند. "آیا شما آزادانه صحبت می کنید"، " آیا آزادید که تشکیلاتی داشته باشید"، " آیا آزادید که یک فعالیت مدنی صورت دهید". سپس جواب و عکس پاسخ دهندگان در کارت ویژه ای قرار داده شده و برای انتشار به شبکه های اجتماعی فیس بوک و توئیتر ارسال خواهد شد.
منطق این عمل به گفته طراحان آن سادگی آن است و امکان کسب نظر مستقیم از شهروندان را فراهم می سازد.
طراحان این برنامه می گویند این برنامه الزاما متعلق به جوامعی نیست که محدودیت‌های قانونی در کشورشان اعمال می شود بلکه انتظار می رود کشورهای دمکراتیک نیز از این برنامه حمایت کرده و این روز را جشن بگیرند.
آنان همچنین از همه فعالان مدنی دعوت کرده‌اند تا با به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، تجارب و داستان‌های خویش از جمله مبارزات انتخاباتی در این تارنما در این برنامه مشارکت کنند.

—

آخرین تلاش‌ها برای نجات ریحانه از اعدام

2014-04-14 · Archive ID 3657
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3657

عرصه سوم: ریحانه جباری، دختر جوانی که می‌گوید به‌خاطر دفاع مشروع از خویش محکوم به اعدام شده است، فردا به بالای چوبه دار خواهد رفت، اما فعالان حقوق بشر و انسان دوستان در جهان تلاش می‌کنند مانع از اجرای این حکم شوند.
برای نجات این دختر جوان که اکنون 7 سال از عمر خویش را در انتظار اعدام در زندان به‌سر برده است کمپینی به‌نام کمپین "نجات ریحانه" راه اندازی شده است. فعالان این کمپین می گویند تا کنون صدهزار نفر در سراسر جهان طوماری را برای نجات ریحانه از مرگ امضا کرده‌اند.
کمپین بین‌المللی مبارزه با اعدام پیشتر در گزارشی درباره پیگیری وضعیت این دختر جوان نوشته بود" امروز امضاهای شما که بیش از ۲۳۰۰ صفحه بود، در سه نسخه چاپ و برای احمد شهید، بان کی مون و کاترین اشتون، ارسال شد. امضا طومار کماکان ادامه دارد. ما قول داده بودیم که وقتی این امضاها به ۱۰۰۰۰۰ رسید، آنرا برای این سه نفر ارسال کنیم. امروز نازنین افشین جم، یکی از فراخوان دهندگان این کمپین بزرگ برای نجات ریحانه جباری، با احمد شهید ملاقات میکند و از طرف کمپین نجات ریحانه و شما که با امضا طومار و یا با برگزاری میتینگ و پخش خبر در مورد ریحانه و ... با این کمپین همیاری کردید، با احمد شهید در مورد نجات

ریحانه صحبت می‌کند."
در این گزارش همچنین نوشته شده اگر جمهوری اسلامی ایران علیرغم این اعتراضات گسترده به حکم اعدام ریحانه، بر اجرای حکم اصرار کند، باید در سراسر جهان میتینگ و تحصن و مجموعه اقدامات اعتراضی را در دستور گذاشت و باید حکومت اسلامی ایران یعنی همان کسانی که حکم اعدام را داده اند، وادار کرد که این حکم را لغو کنند.
در روزهای گذشته فعالان مدنی و سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر از جمله «عفو بین الملل» از احتمال اعدام ریحانه جباری ابراز نگرانی کرده بودند. اصغر فرهادی، کارگردان سرشناس سینمای ایران و برنده جایزه اسکار نیز با انتشار نامه ای خطاب به خانواده ی مرتضی سربندی، خواستارچشم پوشی از قصاص خانم جباری شد. خانواده ناصر حجازی دروازه بان پرآوازه فقید ایران نیز با انتشار نامه ای خواهان بخشش ریحانه جباری شده است.
از سوی دیگر مادر ریحانه جباری در مورد آخرین وضعیت دخترش، در فیسبوک خود نوشت: "امروز شنبه بود و طبق برنامه پر کشیدم به ملاقات. به ندامتگاه شهرری نرفتیم. او را در محلی دیگر دیدم. چهارتایی نشستیم و .... با اشک ازو جدا شدم. آرام سوار ماشین شد و رفت. سرو من رفت. قلبم در لحظه ای از جا کنده شد. به حساب خستگی این روزها گذاشتم . تمام طول راه در برگشت به خانه ، چیزی درونم در آشوب بود. تا رسیدم خانه تلفن زد. مثل خیلی وقتهای دیگر ، فورا پرسید مامان هست ؟ و گوشی تلفن در دستم. گفتم دخترم میخواهم این کنم و آن. هیچ نگفت..."
ریحانه جباری، دانشجو و طراح دکوراسیون داخلی در روز ۱۶ تیرماه ۱۳۸۶ در سن ۱۹ سالگی به مرتضی سربندی، پزشک ۴۷ ساله، متاهل، دارای سه فرزند و کارمند سابق وزارت اطلاعات یک ضربه چاقو در ناحیه کتف وارد کرد که این ضربه منجر به مرگ وی شد. خانم جباری در تمام دوران بازجویی و در سه جلسه دادگاه خود تاکید کرده است که به دلیل تعرض جنسی مقتول به وی و قصد دفاع از خود با چاقو به مرتضی سربندی ضربه زده است.

—

احزاب سبز اروپا و مسائل ایران

2014-04-15 · Archive ID 3660
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3660

عرصه سوم: در دو بخش پیشین، با انور میرستاری، عضو ایرانی حزب سبز بلژیک درباره تجاربش در این حزب و سیاست‌های این حزب در حوزه جامعه مدنی گفت و گو کردیم. در بخش پایانی ضمن ادامه این بحث، درباره سیاست‌های این حزب در خصوص ایران به بحث نشسته‌ایم.

احزاب سبز در مجموع تا چه میزان در تعیین سیاست‌های محیط زیستی دولت‌های اروپایی نقش دارند؟
همان‌طور که عرض کردم احزاب سبز در اروپا به میزان سهمی که در قدرت دارند می‌توانند عمل کنند. در بلژیک دست کم به این شکل است گرچه در فرانسه شرایط به این گونه نیست. دولتی که پیروز انتخابات است، تعیین کننده سیاست دولت است و بقیه احزاب نقش چندان موثری ندارند. اما در بلژیک هر حزبی به میزان سهمی که در پارلمان دارد می‌تواند تاثیر گذار باشد. در واقع در بلژیک دولت‌ها همیشه ائتلافی هستند و برنامه احزاب با مذاکره و توافق با یکدیگر است. حزب سبز در بلژیک معمولا تلاش می‌کند در پست‌هایی قرار می‌گیرد تا بتواند برنامه‌های خود در حوزه محیط زیست را دنبال کند. در حال حاضر حزب سبزدر دولت فعلی وزیر محیط زیست منطقه بروکسل از حزب سبز است. وی یکی از برنامه‌هایی که در دستور کار قرار داده ساخت خانه‌هایی است که بتواند انرژی کمتری را هدر دهد. در دوره گذشته نیز وزیر حمل و نقل بلژیک از حزب سبز بود که در آن دوره سعی می‌کردند هواپیماها از 12 شب تا 4 صبح پرواز نکنند تا آلودگی صوتی در این ساعات ایجاد نشود و یا به خانواده‌هایی که در اطراف فرودگاه زندگی می‌کردند سوبسید می‌دادند تا پنجره‌های خود را سه جداره کنند و یا مسیر پروازها را تغییر دهند. هر چند این برنامه با مخالفت سایر احزاب روبرو شد و وزیر سبز در نهایت مجبور به استعفاء شد.
از دیگر برنامه‌های حزب سبز بلژیک در حوزه محیط زیست، جایگزین کردن حمل و نقل کالا از طریق دریا به جای جاده بود. زیرا حزب سبز بر این باور است که هوا از طریق حمل و نقل دریایی کمتر آلوده می‌شود.در حال

حاضر یکی از عوامل آلودگی هوا در اروپا تریلی‌هایی هستند که در بزرگراه‌های اروپایی کالاهای ضروری مردم را جایجا می‌کنند.
در گذشته همچنین حزب سبز موفق شد قانونی را بگذراند تا نیروگاه‌های اتمی بعد از 25 سال عمر برچیده شده و انرژی‌های پاک جایگزین آن شود. این قانون برای مدتی اجرا شد و دو نیروگاه اتمی نیز بسته شد. اما پس از آنکه حزب سبز موقعیت گذشته خویش را در پارلمان از دست داد، این قانون نیز تغییر کرد.

اجازه بدهید نگاهی به مسئله ایران داشته باشیم. به نظر شما آیا سیاست‌های حزب سبز نسبت به ایران صرفا جنبه حقوق بشری داشته یا مسائل محیط زیستی نیز در این نگاه وجود دارد ؟
حقیقتا باید بگویم مسئله محیط زیست دغدغه اول احزاب سبز نسبت به ایران بوده است. درست است که جمهوری‌اسلامی همواره می‌گوید آمریکا و اسرائیل از مخالفان جدی برنامه هسته‌ای ایران هستند اما این دو کشور از زاویه سیاسی و نظامی مخالف این برنامه هستند اما احزاب سبز اروپا از این زاویه که این برنامه به ضرر مردم ایران است و می‌تواند به سلامت و بهداشت آنان لطمه وارد سازد یا مقرون به صرفه نبودن تولید این انرژی، به مخالفت با این برنامه روی آورده‌اند. در واقع آمریکا و اسرائیل سوار این موج شده‌اند. در واقع حتی اگر این دو کشور نیز این موضوع را رها کنند این مسئله از سوی احزاب سبز رها نخواهد شد.
با این حال چندین دوره بار مسئولیت مسئله نقش حقوق بشر در پارلمان اروپا بر دوش احزاب سبز بوده و این احزاب همواره رهبری پیگیری مسائل حقوق بشر در ایران را بر عهده داشته اند.

با این وجود این مخالفت‌ها چندان چشمگیر و مملوس نبوده. این‌طور نیست؟
ببینید، درست است که احزاب سبز نگران مردم ایران هستند اما از سوی دیگر دربرابر مردم خودشان نیز که به آنان رای داده اند مسئولیت دارند. یعنی می‌خواهند با ایران نیز کار کنند، تجارت کنند و در میان طبیعی است که منافع مردم اروپا را نیز لحاظ می‌کنند.

پس در اینجا تفاوتی میان سیاست احزاب در اروپا وجود ندارد؟
تفاوت اینجا است که برخی می‌خواهند از طریق جنگ این منافع را تامین کنند، شرایطی که افغانستان،عراق و سوریه دیده ایم. ولی سبزها هیچگاه سیاست‌های جنگ طلبانه را برای حل مشکلات انتخاب نکرده و همواره با این روش مخالف بوده اند.

آیا تاکنون سابقه داشته احزاب سبز با سازمان‌های مدنی فعال در محیط زیست در ایران تماس برقرار کنند یا از آنان برای همکاری دعوت نمایند ؟
احزاب سبز هیچگاه نخواسته‌اند تا امور داخلی کشورهای دیگر مداخله کنند. شما می‌دانید که در دوره حکومت جمهوری اسلامی، بوِیژه دوره ای که احمدی نژاد در قدرت قرار داشت، برقراری هرگونه ارتباطی با ایران جاسوسی تلقی شده ودر واقع تمام ارتباطات رسمی میان مردم ایران با خارج از کشور قطع شده است.
بنابراین برقراری تماس با سازمان‌های مدنی داخل ایران از سوی احزاب سبز به این معنی تلقی می‌شود که این سازمان‌ها جاسوس ما هستند. بسیاری از جوانان ایرانی نظیر خانم بهاره هدایت در حال حاضر در زندان بسر می‌برند بدین خاطر که پیامی به دانشجویان اروپایی فرستاده اند که بله در کشور ما کودتایی رخ داده، خفقان حاکم شده و دانشجویان ما سرکوب یا کشته شده اند.
در نتیجه ما سعی نمی‌کنیم به دنبال افرادی در داخل ایران باشیم تا آنان را تشویق کنیم که حزب سبز راه اندازی کنند. من خودم بر این باورم بسیاری از فعالان و سازمان‌های مدنی در داخل ایران بسیار جلوتر از اروپایی‌ها هستند. اما متاسفانه در مقابل آنان حکومتی غیردموکراتیک وجود دارد. تا کنون سابقه داشته که برخی از جوانان که برای جمع کردن زباله در طبیعت فراخوان داده‌اند اما این فعالیت‌ها نیز از سوی حکومت با تردید نگریسته شده و در برخی موارد برخورد فیزیکی نیز صورت گرفته است.

آیا فعالیت‌های غیر مستقیمی نیز درباره مسائل زیستگاه در ایران از سوی احزاب سبز صورت گرفته؟
تا کنون در پارلمان اروپا، نشست‌ها و سمینارهای مختلفی در خصوص مسائل زیستگاه در ایران برگزار شده است. مسئله ایران برای اروپا همواره اهمیت داشته و اروپایی‌ها تلاش بسیاری کرده‌اند تا درهای ایران را به سوی خود باز کنند.
یادآوری می‌کنم آخرین هیاتی که از پارلمان اروپا به ایران رفت ریاستش با سبزها بود و توانست علیرغم تلاش‌های بسیار برای جلوگیری از تماس مردم با این هیات از سوی مقامات امنیتی و کنترل‌ها و محدودیت‌های

شدیدی که اعمال شد از جمله کنترل تلفن‌ها اینترنت و حتی اطراف هتل محل اقامت آنان، برای نخستین بار با خانم نسرین ستوده و آقای جعفر پناهی و برخی فعالان مدنی از جمله نمایندگان اتحادیه‌های کارگری دیدار کند. در مجموع باید عرض کنم اگر محدودیت‌های موجود برداشته شود این آمادگی برای حزب سبز بلژیک وجود دارد که با هزینه حزب از فعالان مدنی و محیط زیستی در ایران دعوت به عمل آورد. این دعوت‌ها تا کنون از آذربایجان، تاجیکستان و ترکیه صورت گرفته و احزاب سبز این کشورها به بلژیک و سایر کشورهای اروپایی دعوت شده‌اند.

فکر می‌کنید حضور شما به عنوان یک ایرانی-بلژیکی در احزاب اروپایی چه فایده ای می‌تواند برای ایران باشد ؟
یک عضو عادی در حزب سبز بلژیک هستم اما همانطور که می‌دانید ایرانیان بسیاری در سراسر جهان با گرایش‌های مختلف فکری عضو احزاب کشورهای اروپایی، کانادا یا آمریکا هستند و سمت‌های بالایی نیز داشته اند. به طور مثال در پاریس یک ایرانی عضو شورای شهر است و یا در هلند خانم فرح کریمی چند دوره نماینده پارلمان بوده است و در واقع تاسیس رادیو زمانه و روز آنلاین از مجموعه تلاش‌های اوست.در واقع این فعالیت‌ها موجب نزدیک تر کردن ایران با جهانیان می‌شود که و چهره واقعی ایران را برای مردم جهان نشان می‌دهند.

اما شما یا خیلی دیگر از ایرانیان مهاجر با پذیرش تابعیت کشوری دیگر، شهروند آن کشورها محسوب می‌شوید؟ آیا ادغام شما در این جوامع مانعی برای پیگیری مسائل ایران نیست؟
من این موضوع رو در جلسات حزب سبز بلژیک گفته‌ام، به دوستان ایرانی خویش نیز گفته‌ام و به شما هم می‌گویم که خود را هم صددرصد ایرانی و هم صدرصد اروپایی و بلژیکی می‌دانم. یعنی وقتی روی مسائل اروپا بحث می‌کنیم خودم را کاملا بلژیکی می‌دانم. من وقتی پا به این جامعه گذاشتم با دست خالی وارد شدم. این جامعه به ما امکان داد که زندگی جدیدی را بسازیم. بنابراین باید قدر این جامعه را بدانم و برابر آن احساس مسئولیت کنم. اما وقتی سخن از ایران می‌آید، خودم را دربرابر ریشه ام، خانواده ام و وطنم نیز مسئول می‌دانم. بنابراین وقتی سخن از منافع ایرانیان می‌آید، صددرصد خودم را ایرانی می‌دانم. از رسیدگی به مشکلات پناهندگان ایرانی تا پیگیری اعدام‌ها در ایران همه و همه را جزء مسئولیت خویش محسوب می‌کنم.

—

تلاطم در زاینده رود برای پیکر ریچارد فرای

2014-04-17 · Archive ID 3663
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3663

عرصه سوم: تصمیم گیری برای به خاکسپاری "ریچارد فرای" ایران شناس فقید آمریکایی در اصفهان، پس از روزها کش و قوس میان مسئولان، به رهبر جمهوری‌اسلامی ارجاع شد.
ریچارد فرای، ایران‌شناس برجسته آمریکایی پیش از مرگ وصیت کرده بود که در اصفهان و در حاشیه زاینده‌رود به خاک سپرده شود. این در حالی است که محافظه‌کاران منتقد دولت می‌گویند او جاسوس بوده و نباید جسدش به ایران برود.
کاظم موسوی بجنوردی، رئیس مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی که مسئولیت اجرای وصیت ریچارد به او داده شده گفته است که تاکنون دوبار از علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر ایران در امور بین المللی، خواسته است که نظر "آیت الله خامنه ای" را در مورد دفن ریچارد فرای در اصفهان بپرسد."به ایشان گفتم که اگر با آوردن پیکر "فرای"به ایران موافق نیستند، این قضیه را اعلام کنند؛ ولی اگر موافق هستند، سفارش کنند تا این بحث کاملا فرهنگی، سیاسی نشده و به ضرر ایران تمام نشود."
محافظه کاران افراطی بویژه در شهر اصفهان با دفن پیکر "ریچارد فرای" در اصفهان بشدت مخالفند. محمد تقی رهبر امام جمعه اصفهان ظاهرا محوریت این اعتراض را در دست دارد.او تاکنون به آقای "فرای" القابی چون "جاسوس سیا"، "سارق آثار ملی" و "زباله غرب"داده است.
با این حال آقای رهبر که خود پیشتر نماینده مجلس بوده است در مصاحبه‌ای گفته است که "فرای" را نمی‌شناسد و این اقدامات در واکنش عدم به صدور ویزا از سوی آمریکا برای سفیر جدید ایران در سازمان ملل صورت گرفته است."مردم می‌گویند زمانی که آقای اوباما امضا می‌کند که آقای ابوطالبی سفیر ما در سازمان

ملل به دلیل این که در گذشته جز دانشجویان خط امام بوده اجازه ورود به امریکا را ندارد ، در زمانی که غربی‌ها با ایرانی‌ها رفتار تحقیرآمیز دارند یا خانم شرمن اهانت‌هایی به ملت ایران کرده است و پارلمان اروپا علیه ایران بیانیه صادر می‌کند ، به مقدسات و احکام شرع ما توهین می‌کنند، در این شرایط واکنش ملت ما این است که نمی‌خواهیم جنازه یک غربی در ایران دفن شود."

تعدادی از نمایندگان اصفهان در مجلس نیز با ارسال نامه ای به حسن روحانی به وی هشدار دادند که در صورت دفن "ریچارد فرای" در اصفهان، "با عکس‌العمل شدید و کنترل نشده مردمی مواجه خواهد شد".

آن چه که از سوی این نمایندگان مجلس عکس العمل کنترل نشده یاد شده اطلاعیه‌هایی است که از سوی افراد ناشناس با عنوان‌هایی چون مردم شهید پرور منتشر می‌شود. در یکی از این اطلاعیه‌ها نوشته شده:"خدا می‌داند اگر جنازه‌ی نجس و کثیف صهیونیست ریچارد فرای را به شهر شهیدان بیاورند غسل شهادت می‌کنیم، کفن می‌پوشیم، آن را تحویل گرفته می‌سوزانیم و خوراک سگ‌های بیابان می‌کنیم."

در پی صدور این بیانیه، گروهی چند ده نفره در مقابل مقبره آرتور پوپ، دیگر ایران‌شناس آمریکایی که در اصفهان دفن شده، تجمع کردند و نوشته‌هایی را در مخالفت با خاک‌سپاری آقای فرای روی دیوار آن چسباندند.

روزنامه جوان نیز که نزدیک به سپاه پاسداران است به مسئولان دولتی هشدار داده اگر این ایران‌شناس را در جایی که وصیت کرده به خاک سپرده شود،نبش قبر خواهد شد. این روزنامه نوشت که اگر به وصیت وی عمل شود، نتیجه آن می‌شود که "آن زبان بسته هر شب و روز منتظر مردم اصفهان باشد که او را محترمانه از کنار پل خواجو به جایی که دست دولت به آن نرسد- مثلاً یکی از باغات اطراف اصفهان - ببرند و شر را بخوابانند."

این در حالی است که محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور سابق ایران، در زمان مسئولیت خود وعده دفن آقای فرای در اصفهان را داده و حتی خانه‌ای تاریخی را در این شهر به او بخشیده بود. اما علی جنتی وزیر فرهنگ گفته است دولت جدید که وصی ایشان محسوب نمی‌شود. "ممکن است هرکس وصیت کند جایی دفنش کنند، هرکس وصی ایشان است برود و به وصیت ایشان عمل کند."

ریچارد نلسون فرای، ایران‌شناس و شرق‌شناس بزرگ آمریکایی، در سن ۹۴ سالگی درگذشت. او بنیانگذار مطالعات ایرانی در دانشگاه‌های هاروارد و کلمبیا است و آثار متعدد و مهمی درباره تاریخ و فرهنگ ایران نگاشته است.

پروفسور "فرای" پیش و پس از انقلاب بارها به ایران سفر کرده بود از بنیانگذاران مرکز مطالعات ایرانی در تهران، مشاور کتابخانه پهلوی و از سازمان دهندگان مدرسه مطالعات ایرانی در شیراز بود. او همواره در عرصه بین المللی نام "خلیج عربی" که جعلی‌اش می‌خواند و به اینکه علی اکبر دهخدا صاحب لغتنامه دهخدا او را ایران دوست نامیده بود می‌بالید.

او در گفت و گویی که چند سال پیش صدا و سیمای جمهوری اسلامی با وی داشت درباره نگاه خود به ایران گفته بود:" ... تا امروز آمریکایی‌ها تصور می‌کنند همه ایرانیان تروریستهستند. نمی‌دانند که در ایران یهودیان، زرتشیان و مسیحیان نیز زندگی می‌کنند. نمی‌دانند که ایرانیان حقوقی بین المللی برای جهانیان ساختند، تاریخ ساختند،... در کجای دنیا اشعار ایرانی یافت می‌شود..."

امروز به نظر می‌رسد درگذشت ریچارد فرای و وصیت وی برای دفن پیکرش در اصفهان امروز دستمایه‌ای برای تسویه حساب سیاسی شده است. در واقع عده‌ای که خود را ضد آمریکایی می‌دانند پیش از دفن او، نبش قبرش کرده اند. این در حالی است این پروفسور آمریکایی هیچ گونه سابقه فعالیت سیاسی و دولتی در آمریکا نداشته و عمر خویش را در راه پژوهش بویژه روی فرهنگ و ادبیات ایران صرف کرده است.

سایت الف در این باره نقل قولی از گفت و گوی یک خبرنگار را با احمد سالک، نماینده اصفهان و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس آورده است. خبرنگار می‌پرسد:"سوابق جاسوسی فرای به قبل از انقلاب مربوط می‌شود یا پس از آن؟ او پاسخ داد که بعد از انقلاب و در زمان آقای خاتمی که چند روزی در ایران بود. خبرنگار پرسید یعنی در همان چند روز جاسوسی کرده؟ ! آقای سالک پاسخ داد نمی‌دانم، در پرونده اش معلوم است! خبرنگار باز هم پرسید در آن چند روز از کدام مراکز و در چه زمینه‌هایی جاسوسی کرده؟ سالک پاسخ داد نمی‌دانم. باید پرونده اش را ببینم.

ریچارد فرای از جمله شخصیت‌هایی است که می‌تواند سمبل گفت و گو میان جوامع مدنی ایران و آمریکا قرار گیرد. از این رو دفن پیکر وی به عنوان یک ایران دوست و ایران شناس در ایران فرصتی است که بر اساس آن می‌توان اراده دولت و جامعه مدنی ایران را برای گفت و گو با مردم آمریکا و جهان سنجید.

—

گزارش فعالان مدنی از ضرب و شتم زندانیان اوین

2014-04-18 · Archive ID 3666
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3666

عرصه سوم: بدنبال انتشار گزارش‌هایی از ضرب و شتم سازمان‌یافته شمار زیادی از زندانیان سیاسی محبوس در اوین، بسیاری از فعالان مدنی با سیاه کردن تصاویر خود در شبکه‌های اجتماعی، این روز را پنج‌شنبه سیاه خواندند.

سایت‌های خبری روز پنج شنبه گزارش دادند پس از مراجعه ماموران وزارت اطلاعات و بازجویان زندان اوین به اتاق‌های زندانیان سیاسی به بهانه بازرسی وسائل شخصی، برخی زندانیان در اعتراض به نحوه رفتار صورت گرفته مانع بازرس ماموران شدند و در نتیجه بسیاری از زندانیان مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتند.

یک منبع مطلع به خبرگزاری هرانا گفته است:" دنده اسماعیل برزگری را شکستند، سهیل بابادی که لباس آستین کوتاه بتن داشت بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و تمام بازوها و گردنش کبود شد، سر سروش ثابت با باتون چوبی شکسته شد، سمکو خلقتی را بقدری زدند که لباس‌هایش پاره شد، غلامرضا خسروی و رضا اکبری منفرد نیز بشدت مصدوم شدند و اسدالله هادی دچار مشکل قلبی شد زیرا تازه عمل قلب باز کرده. امید بهروزیان هم رگ دستش پاره شد و خونریزی شدیدی داشت."

بر اساس این گزارش مامورین سپس اقدام به تخریب تمام وسایل زندانیان کرده تا حدی که لباس‌ها را پاره کرده، سیم وسایل برقی را کنده و مواد غذایی زندانیان را از بین بردند و ظروف را شکستند و دست نوشته‌های زندانیان را نیز باخود بردند.

در نهایت ۳۱ تن از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ به سلول‌های انفرادی بند ۲۴۰ منتقل شدند و از مقابل اتاق‌ها سربازان گارد در دو صف کوچه (تونل) تشکیل داده و زندانیان را درحالی که با باتون مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند تا نگهبانی هدایت کردند. در نگهبانی نیز به زندانیان چشم بند و دستبند پلاستیکی زده و تا رسیدن به مینی بوس باز مورد ضرب و شتم قرار دادند.

یک شاهد دیگر نیز به سایت جرس گفته است:"دوربین‌ها بر روی پشت بام و روی پلکان و داخل بند و حیاط و داخل برخی از اتاق‌ها در حال روشن و خاموش شدن بود. (این دوربین‌ها جدای دوربین‌های داخل بند بود که ماموران آن‌ها را با خودشان آورده بودند) هنگام سر دادن شعارها و سرودها برای حدود یکساعت فیلم برداری از یک پشت بام صورت گرفت. هنگام خروج زندانیان از اتاق یک و سه و ایجاد تونل وحشت و هنگام ضرب و شتم شدید زندانیان دوربین‌ها خاموش بود اما بالافاصله با آغاز واکنش زندانیان ماموران دوربین‌ها را با حالت زوم روشن کردند و از جمله بیشترین فیلم برداری‌ها به هنگام شکسته شدن در حیاط بند ۳۵۰ و اصرار زندانیان برای انتقال یک زندانی بیمار قلبی برای انتقال به بهداری و مجادله کلامی زندانیان با ضاربان صورت گرفت اما هرگز از ضرب و شتم زندانیان در حیاط بند ۳۵۰ و خون‌های ریخته شده زندانیان در بخش‌های مختلف فیلم برداری نشد."

غلامحسین اسماعیلی رییس سازمان زندان‌ها این گزارش‌ها را تکذیب کرده و آن رابه فرافکنی و شایعه سازی خوانده است. بستگان شماری از زندانیان سیاسی-عقیدتی بند 350 اوین نیز به رادیو فردا گفته بودند خبری از داخل زندان دریافت نکرده‌اند. زیرا زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین، سال‌هاست از داشتن حق تماس تلفنی محروم هستند.

اما ساعاتی بعد، مائده سلطانی، دختر عبدالفتاح سلطانی وکیل زندانی، در گفت‌وگو با رادیو فردا تایید کرد که این درگیری رخ داده است.

خانم سلطانی در پاسخ به این پرسش رادیو فردا که با توجه به قطع تماس تلفنی زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین چطور می‌توان به صحت این خبر اعتماد کرد، گفته است: "با توجه به اینکه امروز پنجشنبه است، فردا هم جمعه است و ملاقاتی وجود نداشته، قطعا این اطلاع رسانی نمی‌توانسته صورت گیرد اما خانواده‌ها از طریق ماموران زندان و افرادی که آنجا به زندانیان کمک می‌کنند و در این مدت اطلاع رسانی کرده‌اند با زندانیان در تماس هستند".

همچنین در واکنش به اظهارات این مقام قضایی، زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ نیز اسامی و مشخصات تعدادی از زندانیانی که مورد ضرب و شتم واقع شده‌اند را منتشر کرده‌اند.

—

بیانیه عرصه سوم درباره ضرب و شتم زندانیان عقیدتی اوین

2014-04-18 · Archive ID 3669
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3669

بیانیه عرصه سوم درباره ضرب و شتم زندانیان عقیدتی اوین:
جان زندانیان عقیدتی دستمایه جنگ قدرت و تسویه حساب سیاسی در جمهوری اسلامی شده است

عرصه سوم: برخورد ماموران امنیتی با زندانیان عقیدتی اوین را طبیعی و برآمده از ذات خشونت گرایانه آنان نپنداریم. گرچه مقامات قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی صرف نظر تغییرات رخ داده در دولت می‌کوشند ثابت کنند در بر همان پاشنه می‌چرخد.
برخوردی که صبح روز پنج‌شنبه 28 فرودین 1393 در بند 350 زندان اوین رخ داد و پنج شنبه سیاه لقب گرفت، گرچه جزئیاتش همچنان مبهم است و باید برای قضاوت دقیق تر درباره آن صبوری کرد اما کلیات واقعه، نشان از سازماندهی شده بودن آن دارد. حرکات سازمان دهی شده ای که البته در زندان های جمهوری اسلامی امری بی سابقه نیست.
اطلاعاتی که تا کنون از طریق رسانه ها منتشر شده است نشان می‌دهد که بازوی نظامی جمهوری اسلامی در یک جنگ قدرت دیگر نقشه جدیدی را برای تسویه حساب سیاسی با مخالفان خویش در سر می‌پروراند. در واقع این اطلاعات نشان از یک حرکت تمرین شده و برنامه ریزی شده دارد. اطلاعاتی چون تفاوت ماموران بازرسی یعنی لباس شخصی‌ها با ماسک و عینک دودی، تفاوت در سطح تخلفات، تفاوت در برخورد با خاطیان و تفاوت در ابزارهای بازرسی در کنار رفتارهای تحقیر آمیز و تحریک کننده، یادآور رفتارهای صورت گرفته در زندان‌های دهه شصت به ویژه در دوره قتلهای 67 است.
گزارش این رسانه‌ها همچنین حکایت از آن دارد که ضاربان زندانیان، ماموران وزارت اطلاعات بوده‌اند. وزارت اطلاعات گرچه زیر مجموعه دولت است اما تاکنون نشان داده است که هیچگاه با شعارهای این دولت همگام و همراه نبوده است. از سوی دیگر، یکی از متهمان اصلی جنایات سال 67، مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری دولت کنونی است.
این مقامات تا کنون دربرابر این رویداد سکوت اختیار کرده‌اند. در واقع تا تاریخ انتشار این بیانیه، هیچ یک از مقامات مسئول دولتی واکنشی به این برخورد نشان نداده است.
برخورد با زندانیان از سوی دیگر در شرایطی صورت گرفته است که برخی گزارش‌ها از تشدید اختلافات میان دولت و سپاه حکایت دارد. روز دوشنبه فرمانده کل سپاه گفت دولت از امکانات اقتصادی سپاه و بسیج استفاده نمی‌کند. حسن روحانی رئیس جمهوری نیز روز جمعه در اظهاراتی که می‌تواند پاسخی به سپاه تلقی شود از ارتش به دلیل اینکه هرگز در دسته‌بندی‌های سیاسی مداخله نمی‌کند و از ملت و دولت منتخب آن سهم‌خواهی نکرده تقدیر کرد.
تشدید اختلافات میان سپاه و دولت می‌تواند این فرضیه را تقویت کند که سپاه با حمایت "وزارت اطلاعات خارج از اراده دولت" جان و امنیت زندانیان عقیدتی را دستمایه اغراض سیاسی و اقتصادی خویش کرده است و بدین ترتیب در صدد امتیاز گیری از دولت است.
عرصه سوم از زاویه یک سازمان جامعه مدنی با نگران کننده خواندن این فرضیه و هر گونه فرضیه دیگری که می‌تواند علت این برخورد خشونت آمیز باشد، به کلیه فعالان مدنی هشدار می‌دهد که برخورد روز پنج شنبه نشانه‌ای است از یک تسویه حساب جناحی و جنگ قدرتی دیگر در جمهوری اسلامی که در آن زندانیان عقیدتی دگر بار دستاویز عمل قرار گرفته‌اند. تسویه حسابی که در سال 67 به حذف فیزیکی بیش از پنج هزار زندانی سیاسی و عقیدتی انجامید و این برخورد نشان می‌دهد که چنین رویدادهایی می‌تواند تکرار شدنی باشد.
عرصه سوم همچنین از دولت آقای روحانی می‌خواهد موضع رسمی خویش را نسبت به این برخورد به صورت علنی اعلام کند و کمیته‌ای تحقیق برای بررسی آن تشکیل دهد و هشدار می‌دهد سکوت و بی تفاوتی دولت می‌تواند شائبه رضایت دولت از این برخورد را جدی کند.
عرصه سوم همچنین از کلیه فعالان مدنی و سازمان بین المللی در خارج از ایران می‌خواهد با انتشار نامه، بیانیه، تظاهرات و مذاکره با فعالان و سازمان‌های حقوق بشر در سراسر جهان درباره وقوع این حادثه اطلاع رسانی کرده و از جهانیان برای تامین جان، امنیت و حقوق زندانیان سیاسی بی پناه ایران استمداد بطلبند.



ad

—

واکنش دولت تدبیر و امید به حوادث پنج شنبه سیاه

2014-04-21 · Archive ID 3671
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3671

عرصه سوم: انتظار برای واکنش دولت تدبیر و امید به خبر ضرب و شتم زندانیان عقیدتی زندان اوین به پایان رسید و مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری و عضو کمیته مرگ قتل‌های 67 اعلام کرد حوادث اخیر درگیری نبوده است.
پورمحمدی البته افزوده بهتر است مجلس شورای اسلامی برای تحقیق و تفحص هیاتی را به این زندان اعزام کند و در صورت رعایت نشدن حقوق زندانیان، با مسببین به شدت برخورد می کنیم.
پیشتر اعلام شد وزارت اطلاعات قصد دارد تا در این زمینه بیانیه منتشر کند. بر اساس برخی از گزارش‌ها تعدادی از ضاربان ماموران وزارت اطلاعات هستند. برخی از فعالان و سازمان های حقوق بشری و مدنی در روزهای اخیر از دولت خواسته‌اند برای رسیدگی به حادثه کمیته‌ای حقیقت یاب تشکیل دهد.
برخی از نمایندگان مجلس نیز گفته‌اند این موضوع را از طریق وزرای دادگستری و اطلاعات پیگیری خواهند کرد.علی مطهری در دیدار با خانواده‌های زندانیان بند 350 اوین که جلوی در مجلس تجمع کرده بودند، قول پیگیری موضوع حوادث روز پنجشنبه بند 350 را داده بود، در مورد جلسه عصر یکشنبه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی اظهار کرد: "حرف‌های آقای اسماعیلی رییس سازمان زندان‌ها با حرف‌هایی که خانواده‌های زندانیان بر آن اصرار دارند متفاوت است. من در جلسه هم این را گفتم که هرکس تنها به قاضی برود راضی برمی‌گردد. برای قضاوت درباره این موضوع ما باید حرف‌های دو طرف را بشنویم."
منصور حقیقت‌پور نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز در این رابطه گفته است: "در جریان بازرسی از بند 350 زندان اوین تعدادی تبلیت و گوشی تلفن همراه کشف شده که زندانیان از این طریق اخباری غیرواقعی و نادرست را از فضای زندان به رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب مخابره می‌کردند."
پدر حسین رونقی زندانی بند 350 اوین نیز امروز دوشنبه در گفت و گو با سایت کلمه از مشاهدات فرزندش درباره وقایع پنج شنبه گفته است:"ما الان جلوی زندان هستیم. من رفتم و با حسین ملاقات کردم. خانواده

زندانی ها هم الان بیرون درب اوین ایستاده اند. همه را بیرون کردند. از حدود ۲۰-۲۵ نفر زندانی هیچ اطلاعی در دست نیست، خیلی هایشان زخمی شده‌اند و به بیرون از بند منتقل شده اند. الان خانواده هایشان اینجا سرگردان اند. پسرم حسین را با باتوم کتک زده بودند، به شکمش ضربه زده بودند."
در همین راستا روزنامه شرق با درج گزارشی از ماجرای یورش به «بند ۳۵۰» اوین، از موافقت مدیرکل زندان اوین برای بازبینی فیلم آن روز خبر داده است.

—

تراشیدن سر، نماد اعتراض به سرکوب زندانیان اوین

2014-04-22 · Archive ID 3677
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3677

عرصه سوم: در اعتراض به برخوردهای خشونت بار پنج شنبه گذشته در اوین، بسیاری از فعالان مدنی این بار سرهای خود را در اعتراض به تراشیده شدن سر برخی از زندانیان در این حوادث، تراشیده‌اند.
در پی ملاقات تعدادی از خانواده‌ها با زندانیان آسیب دیده در اثر برخوردهای خشونت بار روز پنج شنبه، بسیاری از شنیده ها درباره جزئیات هجوم روز پنج شنبه به اتاق زندانیان به تایید رسیده است، هرچند صداو سیمای جمهوری اسلامی امروز با مونتاژ یک ویدئوی 100 ثانیه‌ای که توسط ماموران زندان از روز درگیری تهیه شده و پخش آن به همراه مصاحبه با رییس سازمان زندان‌ها تلاش کرد تا واقعیت‌های موجود را تکذیب کند.
در عین حال روز شنبه نیز تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی پس تجمعات پیشین در مقابل دادگستری و مجلس، این بار در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند تا بلکه بتوانند صدای اعتراض خویش را به رئیس دولت تدبیر و امید برسانند.
به گزارش منابع خبری، خانواده های زندانیان مطالباتی را از رییس جمهوری فهرست کرده اند که از جمله آنها تشکیل کمیته حقیقت یاب و برکناری مصطفی پورمحمدی از وزارت دادگستری است
همچنین 21 زندانی سیاسی دیگر، علاوه بر ۱۲ زندانی که قبلاً اعلام اعتصاب غذا کرده بودند، با انتشار بیانیه ای گزارش بیانیه‌ای دست به اعتصاب غذای نا محدود زدند.
اعتصاب کننده گان در این بیانیه ضمن گزارش فهرستی از تخلفات و موارد نقض حقوق زندانیان، ۷ خواسته مشخص خود را ارائه داده. است: ضرب و شتم شدید زندانیان، ایجاد صدمات عمدی به عده‌ای از زندانیان، عدم اعزام مصدومان به بیمارستان و مراکز پزشکی، عدم پیگیری شکایات زندانیان، تراشیدن موی سر و صورت به اجبار به قصد تحقیر
زندانیان، زدن دستبند و چشم‌بند، تخریب اموال عمومی و شخصی
اما در میان این ماجرا رنجنامه عماد بهاور زندانی سیاسی انتخابات 88 نیز خواندنی است. او نامه خویش را به سادگی آغاز می کند." بدنم درد می کند. "ما می خواستیم بگذریم، یادتان باشد، خودتان نخواستید ..."

—

راهنمای نگارش تارنمای فارسی عرصه سوم منتشر شد

2014-04-23 · Archive ID 3681
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3681

عرصه سوم: آنچه پیش رو دارید راهنمای نگارش فارسی تارنمای عرصه سوم است که در آن کوشیده شده تا استاندارد واحدی را برای نویسندگان،مترجمان و دبیران و ویراستاران این تارنما فراهم کند.
تارنمای فارسی عرصه سوم خود را متعهد می‌داند محتوای خود را با استانداردهای اشاره شده در این راهنما هماهنگ کند. این راهنما همچنین ابزاری است برای نویسندگان و سردبیری عرصه سوم تا بر اساس آن کلیه مطالب پیش از انتشار،بر اساس این استانداردها ویرایش شود.
از این رو به کلیه نویسندگان عرصه سوم پیشنهاد می‌شود پیش از ارسال مقالات خویش، با مطالعه این راهنما مطالب خویش را با آن تطبیق داده و سپس برای سردبیری ارسال کنند.

در این راهنما همچنین بر ارزش‌های اخلاقی مورد احترام عرصه سوم از جمله اصول دموکراسی، حقوق بشر، آزادی‌های بنیادی، حق توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کشورها و پشتیبانی از جنبش‌های آزادی بخش و همچنین گوناگونی زبان‌ها و فرهنگ‌ها تاکید شده است.
شفافیت،پاسخگویی و استقلال نیز از جمله ارزش‌هایی هستند که عرصه سوم خود را متعهد به رعایت آن می‌داند. از این رو عرصه سوم از کلیه همکاران خویش می‌خواهد این ارزش‌ها را برای افزایش استانداردهای کیفی نشریات این مؤسسه رعایت کنند.
عرصه سوم همچنین از نویسندگان خویش می‌خواهد به آداب، سنت‌ها، اصول و عقاید قومی، ملی و مذهبی و همین طور مبانی اخلاقی همواره احترام بگذارند و از هر گونه گرایش به تبعیض جنسیتی، نژادی، عقیدتی و قومی و تبلیغ خصومت‌آمیز در این زمینه‌ها و همچنین تشویق و تحریک به جنگ تجاوز کارانه و توسعه‌طلبانه نسبت به کشورهای دیگر، خودداری کنند.
عرصه سوم همچنین از کلیه خوانندگان و اهل فن دعوت می‌کند تا نظرات انتقادی و اصلاحی خویش را درباره این راهنما برای سردبیری عرصه سوم ارسال کنند.

—

پایان اعتصاب غذا در اوین در سایه کنش جدید خانواده‌ها

2014-04-27 · Archive ID 3740
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3740

عرصه سوم: در حالی‌که شماری از زندانیان سیاسی در اعتراض به برخورد خشونت‌بار اخیر در اعتصاب غذا بسر می‌بردند، 11 نفر از ایشان با تقاضای خانواده‌ها و برخی گروه‌های حقوق بشری به اعتصاب غذای خویش پایان دادند.
اعتصاب کنندگان دربیانیه‌ای نوشته‌اند: با توجه به عزل و تنزیل مقام رییس پیشین سازمان زندان‌ها و وعده‌های مسوولین مبنی بر رسیدگی به تخلفات صورت گرفته، ضمن پافشاری بر خواسته‌های خویش، که در بیانیه‌های یک و دو اعلام شده است و جدیت در پیگیری آن‌ها از مسیرهای دیگر و برای ایجاد یک فضای آرام و منطقی برای رسیدگی به جزییات مهم ماجرا و جلوگیری از سواستفاده قانون شکنان که به نحوی در این فاجعه دخالت داشتند به اعتصاب غذای خود در شامگاه یک شنبه ۱۳۹۳/۲/۷ پایان می‌دهیم." این فعالان از سایر زندانیان اعتصاب کننده نیز خواسته‌اند تا اعتصاب خویش را بکشند.
عبدالفتاح سلطانی،مهدی خدایی،ابراهیم فیروزی، رسول حیدرزاده، اسماعیل برزگری،امیر دوربین قاضیانی،سهیل عربی،وحید اصغری،مسعود عرب چوبدار،امید شاهمرادی،علی سلانپور فعالانی هستند که به اعتصاب غذای خویش پایان دادند.
این در حالی است که تجمع خانواده‌های زندانی سیاسی که قرار بود روز شنبه مقابل دادستانی صورت گیرد با تهدید مقامات امنیتی لغو شده بود. مقامات امنیتی همچنین اعضای برخی از خانواده‌ها را بازداشت و یا تهدید کرده بودند.
با وجود لغو این تجمع، خانواده زندانیان تلاش خود را برای پیگیری حادثه اوین رها نکرده‌اند. شکایت از چهار مقام قضایی و اعلام روزه سیاسی تازه‌ترین اقدام آنها برای پیگیری حقوق فعالان زندانی است.
از سوی دیگر نامه‌نگاری‌های متعددی نیز در این روزها درباره حوادث اوین از سوی زندانیان و خانواده‌های آنان و همچنین تعدادی از فعالان حقوق بشر ایرانی و غیر ایرانی صورت گرفته است.
از جمله این نامه‌ها، نامه تعدادی از زندانیان سیاسی به مراجع تقلید است که در آن سکوت آنان برابر حوادث اخیر در اوین به چالش کشیده شده است. زندانیان در این نامه نوشته‌اند: " آیا بر علما نیست که نمایندگان خود را برای تحقیق و تفحص در خصوص فاجعه بند ۳۵۰ و مجموعه ظلم‌ها و جنایاتی که در حق محبوسین صورت می‌گیرد و از بدیهی ترین امکانات هم محروم هستند اعزام نمایند.""اسدالله بیات" مرجع تقلید نزدیک به اصلاح طلبان، تنها شخصیت بلند پایه مذهبی است که در سخنانی برخوردهای اخیر در اوین را اخلاق و قانون خوانده است.
"عبدالکریم لاهیجی"، رییس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر نیز در این رابطه با ارسال نامه‌ای برای کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل ضمن توصیف حادثه‌ای که در اوین رخ داده است از وی خواسته تا در این

خصوص واکنش نشان دهد. "ماریچه اسخاکه" عضو حزب دمکراتهای 66 و نماینده هلند در اتحادیه اروپا نیز از این اتحادیه خواسته تا حمله به زندانیان بند ۳۵۰ زندان اوین تهران را محکوم کند.
از سوی دیگر نسرین ستوده فعال حقوق بشر و وکیل دادگستری نیز با ارسال نامه‌ای برای فعالان زندانی شجاعت مقاومت آنان را ستوده و خواهان رسیدگی دقیق و روشن شدن ابعاد فاجعه و شناسایی عاملان و آمران آن شده است.
حوادث اوین و حاشیه‌های آن روزنامه‌ها را نیز بی نصیب شده است. روزنامه ابتکار به دلیل انتخاب تیتری که جابجایی رئیس سازمان زندان‌ها را برکناری وی خوانده بود توقیف شد.
از دیگر تحولات مربوط به حادثه اوین انتقاد فعالان مدنی به سکوت رئیس جمهوری و دیگر مقامات مسئول دولت تدبیر و امید نسبت به آن است. نامه 400 فعال سیاسی و مدنی به حسن روحانی از جمله واکنش‌هایی است که نسبت به این رویداد صورت گرفته است.
این فعالان در نامه خویش نوشته‌اند:" ما آحادی از اعضای جامعه مدنی و فعالان سیاسی درخواست داریم در چهارچوب قانون و به واسطه ی قدرتی که به پشتوانه رای مردم به دست آورده اید در برابر ظلم و بی عدالتی که بر فرزندان این مرز و بوم رفته است بایستید و در صدد دلجویی از آسب دیدگان اتفاقات اخیر برآیید."
به نظر می‌رسد با پایان اعتصاب غذای 11 زندانی سیاسی، مابقی اعتصاب کنندگان نیز به اعتصاب خویش پایان دهند. اما آیا با پایان اعتصاب غذا و لغو تجمع خانواده‌ها، این پرونده نیز بسته خواهد شد؟
بیانیه فعالان زندانی نشان می‌دهد آنان برکناری رئیس پیشین سازمان زندان‌ها را به عنوان دستاوردی حداقلی پذیرفتهاند. با وجود آنکه مقامات قضایی آن را ارتقاء مقام خوانده بودند. این بیانیه همچنین می‌تواند صرفا محصول یک توافق میان خانواده‌ها و زندانیان باشد تا هزینه کمتری در این کارزار به زندانیان تحمیل شود.

—

اشتغال زنان و صداهای متفاوت در جمهوری اسلامی

2014-04-29 · Archive ID 3749
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3749

عرصه سوم: نگاه حکومتی به حقوق زنان در ایران همواره تابع آرای سیاسی و دیدگاه‌های مذهبی متفاوت در میان کارگزاران جمهوری اسلامی بوده است. روز زن در ایران بهانه‌ای شد تا بار دیگر این آراء طرح و بازنگری شود.
در این میان دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به تناسب اختیارات و تاثیرگذاری آرای وی در نهادهایی که تاثیر مستقیم بر تقنین و اجرای حقوق زنان دارند مورد توجه قرار گرفت. وی در سخنانی که به مناسبت روز زن بیان کرد در واقع کوشید ضمن تائید پیشرفت‌های زنان ایرانی، نگاه‌های سنتی جامعه نسبت به زنان را بازتولید کند. رهبر جمهوری اسلامی در این رابطه مسئله اشتغال زنان را برجسته کرد و گفت : "با کدام منطق باید زنان که خداوند آنها را از لحاظ جسمی و عاطفی برای منطقه ویژه‌ای از زندگی آفریده است، در عرصه‌هایی وارد کنیم که آنها را دچار رنج و سختی می‌کند؟"
این سخنان البته بازتاب وسیعی بویژه در میان رسانه‌های فارسی زبان خارج کشور داشت و برخی از رسانه‌های داخلی نزدیک به حکومت را نیز از موضع دفاع از آیت‌الله خامنه‌ای به واکنش واداشت.
سایت جهان نیوز در این رابطه رسانه‌های خارج از کشور را به تحریف سخنان آیت‌الله خامنه‌ای متهم کرد و نوشت :" همه این رسانه ها در پوشش دفاع از زنان اقدام به تحریف بیانات روشن، مستدل، منطقی و مبتنی بر مبانی اعتقادی و دینی کردند تا اینطور وانمود کنند که رهبر انقلاب مخالف اشتغال و رعایت حقوق بانوان هستند." جهان نیوز در اصل بر این باور است آیت‌الله خامنه‌ای مخالف اشتغال زنان نیست و به تعبیر این سایت سخنان وی در این زمینه به درستی درک نشده است.
این در حالی است که آیت‌الله خامنه‌ای با صراحت وجود تبعیض در جامعه علیه زنان را تائید کرده و آن را بد نمی‌داند:" مسئله‌ی اشتغال بانوان، جزو مسائل اصلی نیست. البتّه ما با اشتغال بانوان مخالف نیستیم؛ بنده خودم نه با اشتغالشان، نه با مدیریّتهاشان مخالفتی ندارم، مادامی‌که با آن مسائل اصلی معارضه و تنافی پیدا نکند؛ اگر معارضه پیدا کرد، آن مقدّم است . یکی از کارهایی که در این زمینه‌ی سوّم که عرض کردیم باید انجام بگیرد، طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیّت زن است چیست. بعضی از

مشاغل هست متناسب با ساخت زن نیست، خب اینها را دنبال نکنند. یکی از کارها این است که آن تحصیلاتی را که به آن مشاغل منتهی می شود، بر زن تحمیل نکنند. این بحث دانشگاه و تحصیلات و مانند اینها که باز بعضی‌ها جنجال می کنند که در تحصیلات تبعیض است، این تبعیض همه‌جا بد نیست. تبعیض آنجایی که ضدّ عدالت باشد بد است ."

این سخن البته تنها سخن رهبر جمهوری اسلامی نیست. برخی دیگر از شخصیت‌های مذهبی نزدیک حکومت نیز با صراحت بیشتری سخنان آیت‌الله خامنه‌ای را تکرار کرده‌اند. آیت‌الله جعفر سبحانی که از مراجع تقلید مورد تائید جمهوری اسلامی است نیز در این رابطه گفته است:""مسئولان باید در پذیرش دانشجو اولویت‌ها را در نظر بگیرند. نیازي نیست که همه دختران به دانشگاه وارد شوند چرا که این مسئله در زمینه اشتغال نیز موجب انتظارات و توقعاتي مي‌شود."

با این وجود این سخنان، صداهای متفاوتی نیز از درون جمهوری اسلامی به گوش می‌رسد. صرف نظر از اصلاح‌طلبانی که پیشتر در دولت و مجلس صاحب اختیاراتی بودند، امروز در دولت کنونی نیز مقامات رسمی دولت بر خلاف آیت‌الله خامنه‌ای به حقوق زنان بویژه در حوزه اشتغال می نگرند.

فردای روزی که رهبر جمهوری اسلامی درباره زنان سخنرانی کرد، حسن روحانی رئیس جمهوری در سخنانی متفاوت از حضور زنان در جامعه دفاع کرد و گفت نباید ترس از حضور زنان در جامعه را به پای اسلام و دین گذاشت. روحانی همچنین از برابری حقوق زن و مرد در جامعه سخن گفت:"امروز زنان ما در همه صحنه ها با وقار، با کرامت، با شخصیت و با عفاف هستند و همانند مردان فعالیت می کنند . مگر می توان نیمی از جامعه را فراموش کرد. مگر می شود ۵۰ درصد اعضای جامعه را به گوشه ای راند و یا در حاشیه گذاشت. زنان باید دارای فرصت برابر، مسئولیت برابر و حقوق اجتماعی برابر باشند."

دولت روحانی البته پیشتر نیز وعده‌های متعددی برای تامین حقوق اجتماعی زنان از جمله فرصت‌های برابر شغلی داده بود. گرچه وی نتوانست یک وزیر را در کابینه خویش راه دهد و تنها دو تن از معاونان خویش را از میان زنان برگزید.

علی ربیعی وزیر کار، تعاون و امور اجتماعی دولت نیز به حقوق زنان در زمینه اشتغال علاقه مند است. او در مراسم تقدیر از زنان کارگر و سرپرست خانوار گفته است کارگران زن سختکوش‌تر از مردان هستند.

اما این صدای متفاوت منحصر به دولت نیست، بلکه از مجلس ایران نیز صدای متفاوتی شنیده می‌شود. علی لاریجانی رئیس مجلس و داماد آیت‌الله مطهری فیلسوف اسلامی نیز در سخنانی به همین مناسبت با کد دادن به آرای وی از نگاه‌های جامعه سنتی ایران به حقوق زنان انتقاد کرده و گفته است:"شهید مطهری برخی نگاه‌های غلط را در وضعیت سنت‌های اجتماعی خودمان برمی‌شمارد که اینها هم تصورات غلط در غرب و هم تصورات غلط در سنت خودمان در گذشته است که از سنت‌های غلط اصرار بر خانه‌نشین کردن زن و بی‌خبر گذاشتن وی از مسائل اجتماعی است، یعنی اینکه فکر کنند زن باید فقط کار خانه انجام دهد. البته خانه محور و محل تکوین هویت است، ولی محروم‌سازی بحث دیگری است."

اما برآیند این ُصداهای متفاوت کجا است؟ واقعیت این است که صرف نظر از آنکه مقامات رسمی حکومت چگونه به حقوق زنان می‌اندیشند، زنان ایران در جامعه مدنی فراتر گفتمان‌های‌حکومتی حقوق خویش را دنبال کرده‌اند. گرچه حکومت و قوانین جاری مانعی بر سر تحقق برخی از آنان بوده است. بنابراین می‌توان گفت نگاه نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی درباره حقوق زنان نه تنها در جامعه مدنی و خارج از مرزها، بلکه نزد مدیران ارشد جمهوری اسلامی نیز مخاطبی ندارد.

—

برگزاری دوره‌های آموزشی برای سمن‌های روستایی

2014-04-29 · Archive ID 3752
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3752

عرصه سوم: یک مقام دولتی در ایران از برگزاری دوره‌های آموزشی برای سمن‌های روستایی و امضای تفاهم نامه میان وزارت ورزش جوانان و با ستاد سمن‌های شورای شهر تهران خبر داده است

به گفته محسن زارعی .مدیرکل مشارکت‌های اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان گفته است قرار است دوره‌هایی در این خصوص در استان خراسان شمالی برگزار گردد.

وی افزوده است علاوه بر این دوره قرار است استان اصفهان نیز میزبان سمن‌های ادبی - هنری باشد.
یک مقام محلی در وزارت ورزش و جوانان استان آذربایجان غربی نیز جوانان روستایی را به تاسیس سمن‌های روستایی تشویق کرده است. وی هدف از تاسیس سمن‌های روستایی را این گونه توصیف می‌کند:" سمن‌هایی که در این استان راه‌اندازی شده در مناطق شهری متمرکز شده‌اند، ولی در صدد هستیم سازمان‌های مردم‌نهاد در رشته‌های مختلف در مناطق روستایی آذربایجان غربی نیز راه‌اندازی شود."
نقش سازمان‌هاي مردم نهاد و رهبران محلي در توسعه روستايي از موضوعاتی است که پیشتر نیز مورد توجه کارشناسان این موضوع قرار گرفته است. این سازمان‌ها به ویژه در حوزه محیط زیست پررنگ توصیف می‌شود.
آقای زارعی همچنین گفته هدف از امضای تفاهم نامه با شورای شهر تهران برقراری ارتباط بیشتر میان سمن‌های جوان با این شورا برای کمک به مدیریت شهری است."قرار است ظرفیت‌های سمن‌های جوانان را به آنان معرفی کنیم و از امکاناتی که شورای شهر تهران در اختیار سمن‌ها قرار می‌دهد در حوزه تصمیم‌سازی و اجرا بهره ببریم."
محمدرضا زمردیان دبیرکل ستاد ساماندهی تشکل های مردم نهاد شورای شهر تهران نیز درباره این تفاهم نامه گفته است این نهاد هم در حوزه آسیب‌های اجتماعی و هم در حوزه کارآفرینی و مهارت‌های زندگی با موضوع خانواده با وزارت ورزش و جوانان تفاهمنامه‌ای امضاء می‌کند.
ستاد سمن‌های شورای شهر تهران بر اساس بند ل از ماده 68 قانون شوراها تشکیل شده است. در این بند " فراهم نمودن زمینه مشارکت و جلب همکاری مردم در جهت ایجاد و توسعه نهادهای مدنی" از وظایف و اختیارات شوراها است.
همکاری شورای شهر تهران، شهرداری تهران و دیگر سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های اجرایی و مجموعه مدیریت شهری با سازمان‌های مردم نهاد در حوزه‌های مختلف از جمله محیط زیست و حقوق شهروندی،حمایت و پشتیبانی معنوی، حقوقی، تشکیلاتی و مالی از سازمان‌ها و انجمن های مردم نهاد و همچنین ایجاد بانک اطلاعات از سازمان‌های .مردم نهاد در شهر تهران با استفاده از امکانات موجود از وظایف این ستاد است "سمن شورا"همچنین دارای کارگروه‌های متنوعی از جمله بانوان، امداد و نجات و خدمات اجتماعی است.

—

سازمان محیط زیست: بنزین پتروشیمی سرطان زا است

2014-05-01 · Archive ID 3755
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3755

عرصه سوم: سازمان حفاظت محیط زیست ایران با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد بنزین پتروشیمی سرطان‌زا است و دولت پیشین برای خنثی‌کردن تحریم بنزین، بدون برنامه‌ریزی بلندمدت اقدام به تولید این نوع بنزین کرد.
این سازمان 6 دلیل برای اثبات ادعای خود ارائه و سپس نتیجه‌گیری کرده است عدم رعایت استانداردهاي فني و زيست محيطي استفاده از بنزين توليدشده در واحدهاي پتروشيمي، اثرات نامطلوبي را بر سلامت شهروندان داشته است و مي توان افزايش نرخ برخي از بيماري هاي صعب العلاج مانند سرطان را به اين موضوع نسبت داد.
پیشتر معاون سازمان حفاظت محیط زیست خبر از توقف تولید این بنزین در ایران خبر داده بود. به گفته وی تولید بنزین پتروشیمی از ابتدای امسال در کشور متوقف شده و برای جبران کمبود ناشی از حذف این بنزین ، دولت مجوز وارد کردن روزانه 10 میلیون لیتر بنزین را به وزارت نفت داده است.
بیژن زنگنه وزیر نفت نیز اسفند ماه گذشته در نشستی با شورای شهر تهران از توقف توزیع بنزین پتروشیمی در شهرهای بزرگ خبر داده بود.
بهمن ماه گذشته نیز "کانون شهروندی زنان" با برپایی نشستی اعتراضی با عنوان “گردهمایی شهروندان در اعتراض به آلودگی هوا” به این موضوع پرداخته بودند.
نرگس محمدی از فعالان جنبش زنان در این نشست گفته بود “به نظر من فاجعه به صورت لخت و عریان روبروی ما قرار دارد. صحبت از سونامی سرطان است و فاجعه ای که در سال بعد، دو برابر خواهد شد. در

واقع ما با آلودگی هوا سرو کار نداریم، ما با یک سمّ مهلک و مرگ آور مواجه هستیم بنابراین واژه «آلودگی هوا»، واژه ای تلطیف شده است. صحبت از مادۀ سمی «بنزن» است که ۳۵ برابر حد نرمال در هوا وجود دارد و ما استنشاق می کنیم. در همه جا «بنزن» مساوی با «سرطان» است.”
در این همایش بیش از یکصد و سی تن از پژوهشگران، کارشناسان، روزنامه نگاران، کنشگران مدنی، هنرمندان، آموزگاران، حقوق دانان، فعالان دانشجویی، کارگری، زیست محیطی و جنبش زنان، شرکت داشتند. این در حالی است که برخی از رسانه‌های نزدیک به دولت گذشته انتقادات زیادی از توقف تولید بنزین پتروشیمی دارند. خبرگزاری فارس در این زمینه نوشته بود: "روضه‌خوانی درباره آلایندگی بنزین پتروشیمی که پاتک دولت دهم به تحریم فروش بنزین به ایران محسوب می‌شد در حالی گهگاه به اوج می‌رسد که تا کنون هیچ تحقیق مستقلی تاثیر قابل توجه این بنزین بر آلودگی هوا را نشان نداده است."
خبرگزاری تسنیم به نقل از احمد مهدوی مدیر انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی می نویسد:" وجود دو درصد بنزن یعنی این که بنزین تولید واحدهای پتروشیمی پاک است و آلایندگی ندارد و حرفهای مدعیان آلایندگی این بنزین غیر کارشناسی است."

—

افزایش دستوری جمعیت، تهدیدی برای زنان و جامعه

2014-05-04 · Archive ID 3760
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3760

عرصه سوم: پس از سال‌ها تلاش برای کنترل جمعیت در ایران، اکنون سیاست ازدیاد جمعیت در دستور کار قرار گرفته است. اما دلیل آن چیست و چه کسانی در راس این سیاست قرار گرفته‌اند و واکنش جامعه مدنی به آن چه بوده است؟
مجلس شورای اسلامی، یک فوریت از طرحی را به تصویب رسانده است که در صورت تصویب کامل، تبلیغ برای کاهش فرزند و هم‌چنین عقیم‌سازی در ایران مجازات خواهد داشت و کمک به سقط جنین نیز با مجازات حبس «دو تا پنج سال» روبه‌رو خواهد شد.
این طرح چهار ماده دارد و ماده یک آن "همه اقدامات راجع به سقط جنین، عقیم‌سازی مانند وازکتومی، توبکتومی و هرگونه تبلیغات راجع به تحدید موالید و کاهش فرزندآوری را ممنوع دانسته و افزوده که مرتکب آن به مجازات مندرج در ماده ۶۲۴ قانون اسلامی محکوم خواهد شد."
از سوی دیگر برخی شخصیت‌های مذهبی از جمله مراجع تقلید نزدیک به حکومت و روحانیون حکومتی نیز با این سیاست هم‌صدا شده‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی خواسته است جلوگیری از بارداری جرمی قابل تعقیب شود. یک روحانی دیگر در یک برنامه زنده تلویزیونی از مردم خواسته تا "عملیات ۵ فرزندی ۸ فرزندی ۱۲ فرزند یا ۱۴ فرزندی را کلید بزنند."
بر اساس تازه‌ترین اخبار، دستورالعمل‌های تازه‌ای نیز برای ممنوع ساختن جلوگیری از بارداری و لوازم آن از یک سو و تشویق مردم به داشتن فرزند بیشتر صادر شده است. یک دارو ساز در تهران در این زمینه به عرصه سوم گفته است: "داروهای ضد بارداری که پیشتر در مراکز درمانی شهرستانها به صورت رایگان توزیع می‌شده دیگر توزیع نمی‌شود. به باور این داروساز چنانچه این روند ادامه یابد به افزایش قیمت این محصولات و حتی نایاب شدن آن منجر خواهد شد."
سیاست ازدیاد جمعیت پس از روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد کلید خورد. محمود احمدي نژاد در یک گفت‌وگوی زنده تلویزیونی با شبکه اول سیما از افزایش جمعیت و تعدد فرزندان دفاع کرد. وي با اشاره به طرح دولت برای اعطای یک میلیون تومان و ماهیانه صد هزار تومان برای متولدین سال 98 به بحث جمعیت پرداخت و گفت که قابلیت داشتن جمعیت بیشتر را داریم.
اما نقطه شروع اجرای این سیاست سخنان دو سال گذشته آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بود که در خراسان شمالی سیاست تنظیم خانواده را اشتباهی بزرگ خواند و خود را نیز در اجرای این سیاست مقصر دانست. او اخیرا نیز از این سیاست دفاع کرده و گفته است: "در صورت استمرار سیاست‌ها و اقدامات نادرستی که منجر به تحدید نسل و کاهش شدید جمعیت جوان کشور در طول سال های آینده خواهد شد، دچار ضربه بسیار بزرگی بنام 'سالمندی عمومی' خواهیم شد."

دلیل اجرای این سیاست از زاویه مسئولان جمهوری اسلامی همانگونه که از اظهارات آنان بر می‌آید نگرانی از رشد منفی و پیر شدن جامعه است.سیاستی که به باور برخی کارشناسان برخلاف توسعه پایدار است. تارنمای پزشکان بدون مرز در مطالعه‌ای در این زمینه به رابطه فقر و افزایش جمعیت پرداخته و نوشته است: "فقر به معنای نداشتن ضروریات مادی زندگی است و حدود یک میلیون نفر از مردم جهان در فقر مطلق بسر می برند و از داشتن اساسی ترین ضروریات محروم می باشند . به گفته کارشناسان ، فقیر کسی است که یک سوم درآمد خالصش (بدون مالیات) در یک خانواده ۳ نفر بیشتر ، صرف تهیه غذا گردد."
این مطالعه همچنین به خطرات افزایش جمعیت بر سلامت زنان اشاره کرده و افزوده است: "حاملگی‌ها و زایمان‌های پی در پی سلامت مادر و طفل را به خطر می اندازد. بُعد بزرگ خانوار ، فاصله کوتاه بین آبستنی‌ها و از شیر گرفتن ناگهانی و بی موقع کودک توأم با مسائل گوناگون نظیر تشویش و فشارهای روحی مادر ، عدم سازش در زندگی به دلیل نگرانی زن از حاملگی مجدد ، مشکلات ناشی از زایمان ، کمبودها و نارسائیهای عاطفی دوران کودکی و بالاخره فرسودگی و خستگی والدین از کار و زحمت برای تأمین معاش خانواده بزرگترین عامل در بروز بیماری‌های جسمی و روانی به شمار رفته و موجب افزایش درجات احتمالی مرگ و میر می شود."
مدیر یک سازمان مردم نهاد در تهران نیز که در زمینه حمایت از مادران آسیب دیده فعالیت دارد می‌گوید محدودیت‌های ایجاد شده در ارائه وسایل پیشگیری از بارداری، مانند کاندوم و قرص‌های ضد بارداری در خانه‌های بهداشت، سبب شده است تا شمار نوزادانی که به بهزیستی سپرده شده یا به باندهای بزهکاری فروخته می‌شوند، افزایش پیدا کند.
به گفته زهرا رحیمی مدیرعامل جمعیت امام علی،محدودیت در دسترسی به روش‌های پیشگیری از بارداری سبب فرزندآوری زیاد میان زنان کارتن‌خواب و معتاد می‌شود و در نتیجه میزان کودکان بهزیستی و فروخته شده به باندهای خلاف کار نیز افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر جامعه ایرانی نیز برخلاف سیاست‌های دستوری جمهوری اسلامی تمایل به تعدد فرزند ندارد. این موضوعی است که به نظر می‌رسد برخی از مسئولان جمهوری اسلامی را بشدت نگران کرده است.
بر اساس یک تحقیق که از سوی یک پژوهشکده انجام شده است. نيمي از زوج هاي تهراني تنها يك فرزند مي خواهند. نتايج تحقيقي كه از سوي مركز مطالعات و پژوهش هاي جمعيتي آسيا و اقيانوسيه درباره تك فرزندي در استان تهران صورت گرفته است نشان می‌دهد حدود 39 درصد از زنان و مردان در شرف ازدواج، فقط يك فرزند را ايده آل دانسته يا ترجيح مي دهند ولي درصد بيشتري، يعني 8/45 درصد قصد تك فرزندي دارند.
پژوهش دیگری نیز در این زمینه از سوي موسسه مطالعات و مديريت جامع تخصصي جمعيت كشور با جامعه آماري بيش از 1700 نفر در مجموع در سال 91 توسط دكتر فريده خلج آبادي فراهاني صورت گرفته نشان می‌دهد سن، نگراني‌هاي اجتماعي فرزند پروري، فردگرايي، ترس از مشكلات، آرمان گرايي و نگرش هاي جنسيتي تساوي‌طلبانه از جمله عواملي هستند كه در قصد افراد در شرف ازدواج براي داشتن تنها يك فرزند تاثيرگذار بوده است.
در مجموع می‌توان نتیجه گرفت آن‌چه مسئولان ارشد کشور و همچنین رهبران مذهبی خواهان اجرای آن هستند، طرح ناپخته‌ای است که بر اساس تحقیقات صورت گرفته نه تنها منجر به از افزایش جمعیت نخواهد شد، بلکه تنها خطر افزایش بیماری‌های جنسی و مقاربتی، تهدید سلامت زنان و افزایش آمار کودکان بی‌سرپرست را افزایش خواهد داد.

—

نجات دست مانا و حلقه مفقوده حقوق زن

2014-05-05 · Archive ID 3765
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3765

عرصه سوم: روز یکشنبه در تهران اتفاقی رخ داد که نشان می‌دهد چگونه نادیده گرفته شدن ابتدائی‌ترین نمونه از حقوق زن در جامعه می‌تواند سلامت کودک او را در شرایط اضطراری به خطر اندازد.
روزنامه قانون گزارش داد شامگاه روز گذشته بیمارستانی در تهران، مانا دختر خردسالی که دچار شکستگی از ناحیه دست شده بود و نیاز به عمل به جراحی فوری داشت را پذیرش نکرد. پزشک معالج این دختر 8 ساله

برای عمل جراحی رضایت نامه پدر مانا را می‌خواست درحالی که پدر مانا در زندان است و در آن لحظه دسترسی به وی امکان پذیر نبود.
این روزنامه شرح ماجرا را به طور مفصل بیان کرده و نوشته است: "سمیه، مادر مانا برایمان تعریف کرد که چگونه مانا ساعت‌ها در بیمارستان درد کشید و ناله کرد اما چون رضایت پدر ضمیمه پرونده پزشكي او نبود دكترها حتي اجازه بستري شدن به او ندادند. مانا از شدت درد ساعت‌ها اشك ريخت و مادر شاهد نگاه تنگ نظرانه پزشكان براي نجات دخترش بود."
این گزارش در ادامه از کوتاه آمدن پزشک بیمارستان و پذیرش مسئولیت جراحی مانا خبر می‌دهد. عملی که اگر انجام نمی‌شد به گفته پزشک معالج می‌توانست شريان‌هاي حياتي دست مانا را قطع و او را از داشتن دست برای همیشه محروم کند.
روزنامه قانون در عین حال گفت و گویی با یک قاضی نیز انجام داده و از قول وی نوشته است که اساسا در موارد ضروری اخذ مجوز از سرپرست برای معالجه بیمار ضروری نیست. این قاضی به ماده 158 قانون مجازات اسلامی اشاره کرده که می‌گوید:"هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود، در موارد فوری أخذ رضایت ضروری نیست."
در واقع می توان گفت اصل این ماجرا جهل پزشک به قانون بوده است. یعنی از اساس نیازی به وجود رضایت از پدر و حتی مادر وجود نداشته و پزشک معالج طبق قانون موظف به درمان بیمار بوده است.
اما این ماجرا نشان می‌دهد آگاهی جامعه حتی آگاهی متخصصین آن از قوانین ناقض حقوق زنان از جمله فقدان حق حضانت برای زنانی که با همسران خود زندگی می‌کنند، بیش از آگاهی از قوانین جاری کشور است. به نحوی که می‌توان گفت محرومیت زنان از تصمیم گیری برای فرزندانشان تبدیل به یک رویه عرفی نیز در جامعه شده است. از این رو این امر منجر به بروز مشکلاتی می‌شود که حتی می تواند سلامت یک انسان را به خطر اندازد.
حق حضانت برای مادران البته از موضوعات پیچیده‌ای است که هنوز مورد بحث فعالان حقوق زن و حقوقدانان است. در ماده1168 قانون مدنی ذکر شده:" نگهداری اطفال هم حق، هم تکلیف پدر و مادر است" اما در ماده1169 قانون مدنی آمده که برای نگهداری طفل مادر تا 2 سال از تاریخ ولادت او، اولویت نگهداری خواهد داشت و پس از این مدت حضانت به عهده پدر است و در مورد اولاد دختر تا 7 سال به عهده مادر است."
در حالی مسئله تفاوت حق حضانت با حق سرپرستی کودکان نیز خود از جمله موضوعاتی است که بحث‌های مفصلی همچنان بر سر آن وجود دارد.

—

بررسی دوباره طرح نجات دریاچه‌ها در مجلس

2014-05-08 · Archive ID 3772
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3772

عرصه سوم: مجلس ایران قصد دارد تا بار دیگر طرح نجات و احیاء دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور را بررسی کند.
نمایندگان کمیسیون کشاورزی در مجلس تصمیم دارند تا این طرح در دستور کار هفته آینده خود قرار دهند.
طرح حفاظت و احیای تالاب‌های ایران " در مجلس هشتم با پیشنهاد نمایندگان و با هدف نجات این دریاچه از سوی نمایندگان به کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس ارائه شده بود.
به گزارش مسیرآنلاین 28 آذرماه 91 یک فوریت این طرح به تصویب رسید و برای بررسی بیشتر به کمیسیون‌های مربوطه رفت اما کمیسیون‌ها تاکنون کلیات آن را به تصویب رساندند و هنوز این طرح به صحن علنی مجلس نرسیده است. این طرح به امضای 93 نماینده مجلس رسیده بود.
این طرح در صورت تصویب دولت را موظف می‌کند حداکثر به مدت 3 ماه فهرست تالاب‌ها و دریاچه‌های نیازمند حمایت را تهیه و عملیات اجرایی حمایتهای خود را حداکثر ظرف 3 سال به نتیجه برساند و با بکارگیری همه امکانات مهندسی و عملیاتی خود بر پایه نظریات کارشناسان مجرب داخلی و تجربیات سازمان‌ها و کشورهایی که بحرانهای مشابه را تجربه کرده‌اند اقدام کند.
دریاچه‌ها و تالاب‌های ایران چندین سال است که با معضل خشک شدن و آلودگی روبرو هستند. هامون پرس،

تارنمایی که مسائل جامعه مدنی در سیستان و بلوچستان را دیده بانی می‌کند پیشتر در گزارش مفصلی به آسیب شناسی وضعیت تالاب‌ها، رودخانه‌ها و دریاچه‌های ایران پرداخته است.
ورود فاضلاب به دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها از جمله دلایل آلودگی آب در ایران است. در همین راستا محمد حسین قربانی نماینده شهر آستانه اشرفیه در مجلس گفته است فاضلاب شهر آستانه اشرفیه باعث فاجعه زیست محیطی شده است.
کمیسیون کشاورزی مجلس 23 عضو دارد که کمتر از نیمی از آنان دارای تخصص در زمینه آب و منابع طبیعی و کشاورزی هستند.
همچنین هفت عضو از این کمیسیون نمایندگان استان خوزستان هستند که بر اساس گزارش‌های محلی از تجمعات مردم خوزستان برای جلوگیری از انتقال آب رود کارون به استان‌های مرکزی حمایت و حتی تهدید به استعفاء کرده بودند.
سید شکر خدا موسوی نماینده اهواز از جمله نمایندگان این کمیسیون است که فعالیت‌هایی در حوزه محیط زیست و بکارگیری مدیران بومی در خوزستان داشته است. او از فرماندهان پیشین بسیج ایذه، بازنشسته سپاه و از جناح اصولگرا است.
یکی از مهم‌ترین نطق‌های وی تذکر به حسن روحانی رئیس جمهوری در مخالفت با انتقال آب رودخانه کارون و همچنین وضعیت آب و هوای این استان بوده است." بر اساس همه موازین زیست محیطی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و سیاسی، طرح انتقال آب کارون نباید ارجاع شود. امروز مطالبه مردم پرآب‌ترین استان ایران از وزیر نیرو، تامین آب شرب سالم و بهداشتی است."
این نماینده در عین حال یکی از منتقدان شدید جنبش سبز است که تا کنون مواضع تندی علیه فعالان و رهبران جنبش سبز داشته است. وی در یکی از نطق‌های پیش از دستور خویش گفته است:" مگر می‌شود فتنه پرآشوب 88 که ظلم آشکار به ساحت رهبری و مردم ایران بود را از حافظه تاریخی ملت ایران پاک کرد؟ این چه ظلم مضاعفی به نظام است که برخی از همین تریبون شرم دارند از فتنه نام ببرند؟ مگر می‌شود خیانت و بی‌بصیرتی محض نخبگان خاموش و همراهان غافل فتنه را از یاد برد؟..."

—

جمعیت امام علی ، سازمانی برای کودکان فقر

2014-05-10 · Archive ID 3778
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3778

عرصه سوم: جمعیت "امام علی" قصد دارد تا به بهانه میلاد امام علی در یکی از محلات حاشیه و بسیار محروم تهران حاضر شده و این روز را در کنار کودکان آن جا سپری کند.

این سازمان امدادی-دانشجویی که برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست فعالیت می‌کند، در اطلاعیه‌ای نوشته است:" با دستانی پر مهر، عشق خود را به میان کودکان و ساکنان آنجا می بریم. غذای خود را در میان کودکان و خانواده های آنان قسمت می کنیم. با کودکان به بازی خواهیم نشست. با آنان خواهیم آموخت. با آنان خواهیم خواند."
در این اطلاعیه آمده منطقه‌ای که این جمعیت قرار است به آنجا برود بی‌نهایت فقیرنشین و محروم است. بیشتر کودکان این منطقه از مهاجرین هستند و زندگی بسیار سختی را می گذرانند. بیشترشان حتی از رفتن به مدرسه هم محروم‌اند. گاه غذای مناسبی هم برای خوردن ندارند. تنها بازی کودکان آنجا، خاک بازی است. چیزی بیش از این برای سرگرمی ندارند. خانه‌های‌شان محقر و نامناسب است. تقریبا هیچ امکانات در خور شأنی در محل زندگی‌شان ندارند.
جمعیت در این روز برنامه‌هایی چون پاک سازی زباله ها و محیط زیست، آموزش به کودکان در خانه‌ها و محله، بازی و تفریح برای کودکان، ایجاد فضای بازی ماندگار برای کودکان، آموزش مسواک و اهدای مسواک به کودکان، آموزش های هنری به کودکان شامل کاردستی و...، نقاشی با کودکان، آموزش بافتنی به مادران و نیایش در محله در کنار کودکان و خانواده های آنان را تدارک دیده است.
نیازهای این برنامه دارو هایی چون آنتی بیوتیک، مسکن، قرص آهن، اسید فولیک، بتادین، چسب زخم، وسایل سرگرمی و تفریح، اسباب بازی برای کودکان، انواع توپ ذکر شده است. جمعیت همچنین از حضور افرادی که

به بازی‌های محلی مسلط هستند، پزشکان عمومی، اطفال و متخصصان بهداشت و ماما در این برنامه استقبال کرده است.

جمعیت مستقل و هوشمند امداد دانشجویی - مردمی امام علی نخستین بار توسط دانشجویان کلاس های رهیافتی به درون که استاد "شارمین میمندی نژاد" موسس و مبتکر آن می باشد، تاسیس شده است.
سابقه فعالیت جمعیت امداد دانشجویی - مردمی امام علی به سالها پیش و در دهه هفتاد خورشیدی بازمی گردد. در آن سالها اعضای آغازگر این حرکت اجتماعی که چند دانشجوی ساده بودند، به پیشنهاد شارمین، که استاد آنها بود، به بیمارستان کودکان سرطانی می‌رفتند و تلاش می‌کردند تا ساعتی دل این کودکان را شاد کنند.

این سازمان در همان سالها نخستین دفتر رسمی دانشگاهی خود را به عنوان نخستین سازمان دانشجویی فعال در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی در دانشگاه صنعتی شریف تهران برپا کردند.
این جمعیت در سال 1378 پس از ثبت رسمی در وزارت کشور، به عنوان یک سازمان مردم نهاد مستقل شناخته شد و سپس فعالیت خود را به دیگر دانشگاه های کشور گسترش داد. اعضای جمعیت در سال 1384 نخستین دفتر رسمی مردمی جمعیت را در جنوب شهر تهران و در محله مولوی افتتاح کردند و آن را "خانه ایرانی" نامیدند.
پس از ده سال فعالیت مستمر اجتماعی، در سال 2010 میلادی، این جمعیت موفق به کسب مقام مشورتی در شورای امور اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد ECOSOC گردید.
این سازمان ماموریت خویش را رسیدن به جهانی استوار بر پایه عدالت و صلح با نگاه ویژه به افراد آسیب پذیر به ویژه کودکان تعریف کرده و خود را یک سازمان اجتماعی هوشمند تعریف کرده است.
سازمان هوشمند از نظر این جمعیت بدین معنا است که این سازمان جامعه را به صورت یک کل می بیند که تمامی اجزای آن با هم در تعامل هستند. به این معنی که وقتی معضلی در جامعه شناخته می شود، ممکن است ریشه‌های بوجود آمدن این معضل در نقاطی باشد که به طور مستقیم بوجود آورنده آن معضل نباشد.
به عنوان مثال هنگامی که یک نوجوان اقدام به بزهکاری می کند، ریشه های این مسئله می‌تواند از آموزش ناصحیحی باشد که در طول دوران زندگی داشته است. لذا پرداختن به مسئله آموزش به طور غیر مستقیم منجر به کاهش بزهکاری در جامعه می‌شود.
این سازمان تاکنون پروژه‌هایی مختلفی را در سطح داخلی و بین المللی اجرا کرده است. نخستین طرح جمعیت «کوچه گردان عاشق» بود. این طرح اکنون به صورت خودجوش توسط مردم در سراسر ایران به اجرا در می‌آید.
از دیگر طرح ها و فعالیت‌های این جمعیت در سال‌های اخیر می‌توان به "آیین طفلان مسلم" برای حمایت از کودکان زندانی، آیین "کعبه کریمان" برای برآورده ساختن آرزوهای کودکان محروم، آیین "صفای سعی" برای حمایت از بانوان سرپرست خانوار، آیین "شام عیاران" برای اعلام بیزاری از اعتیاد و حمایت از کودکان آسیب دیده از اعتیاد، طرح "فاطیما" برای حمایت از دختران بی پناه و فرار کرده از خانه، طرح "ایران 1130" برای پرسشگری اجتماعی از کاندیداهای ریاست جمهوری، طرح "هزار بار زندگی" برای ارتقای فرهنگ کتابخوانی در میان کودکان، محروم، طرح "تدریس عشق" برای یاری تحصیلی و آموزشی کودکان محروم در دروس مدارس، طرح "کودکان بی کتاب" برای حمایت از کودکان کار و محروم از تحصیل و نیز جشن‌هایی مانند جشن یلدا در کوچه‌های فقر، جشن هفت سین برکت به مناسب نوروز و نیز جشنواره فرزندان مهر برای شکوفایی هنری کودکان محروم و از همه مهمتر طرح ایجاد و گسترش خانه های ایرانی در مناطق محروم برای امدادرسانی به کودکان و بانوان مددجو در این مناطق اشاره کرد.
کمک به زلزله زدگان بدخشان در افغانستان نیز تازه‌ترین پروژه‌ای است که از سوی این جمعیت اجرا شده است

عرصه سوم اطلاعات این سازمان را در بانک اطلاعاتی خویش ثبت کرده است.

—

نگرانی از اجرای حکم اعدام دو عرب اهوازی

2014-05-12 · Archive ID 3782
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3782

عرصه سوم: سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه تازه‌ای گفته است که حکم اعدام دو زندانی اهوازی تائید شده و بزودی اجرا خواهد شد. این سازمان از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است تا از اعدام آنان اجتناب کند.

به گفته عفو بین الملل خانواده های "علی چِه بیشاط" و "سید خالد موسوی"این دو شهروند اهوازی این خبر را تائید کرده‌اند اما هنوز حکم رسمی از سوی دیوان عالی کشور در اختیار خانواده یا وکیل این دو زندانی قرار نگرفته است.
عفو بین الملل پیشتر نیز در اطلاعیه‌ای گفته بود که وزارت اطلاعات ایران این دو زندانی را از ۲۷ اسفند ماه، به مکان نامعلومی منتقل کرده است .
"علی چِه بیشاط" و "سید خالد موسوی" در آبان سال ۹۱ همراه عده ای دیگر در شوش بازداشت شده بودند. دادگاه انقلاب اهواز شعبه ٤ با نسبت دادن انفجار یک خط لوله گاز، آنها را به محاربه متهم و به اعدام محکوم کرده است.
این در حالی است که خانواده‌های آنها و فعالان حقوق بشر می‌گویند این دو شهروند دسترسی به وکیل نداشته‌اند و اعترافات آنها زیر شکنجه گرفته شده است.
آبان ماه سال 91، خط لوله حامل مواد سوختی در منطقه هفت تپه از توابع شهرستان شوش شب گذشته دچار ترکیدگی و انفجار شد. پس از این انفجار وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای این انفجار را خرابکاری توصیف اعلام کرد تعدادی را در این رابطه بازداشت کرده است."دستگیرشدگان، عضو یک گروهک تروریستی تجزیه‌طلب هستند که در سال 1384 با حمایت مالی یکی از کشورهای مرتجع حوزه خلیج فارس (به نیابت از آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی) در استان خوزستان راه‌اندازی شده و در همان سال 13 فقره بمب‌گذاری در آن استان، از جمله بمب‌گذاری مقابل بیمارستان رازی اهواز، ساختمان برنامه و بودجه، سازمان مسکن و شهرسازی، خیابان سلمان فارسی در مرکز شهر، بانک سامان اهواز، اداره کل منابع طبیعی، فرمانداری آبادان و دزفول و چندین چاه و خط لوله نفت و گاز در استان خوزستان را انجام می‌دهد که منجر به شهادت 29 نفر و مجروحیت 350 تن از شهروندان مظلوم و بیگناه خوزستان، به‌ویژه هموطنان غیور عرب زبان می‌گردد."
این گونه بود که تعدادی از فعالان عرب اهوازی به اتهام انفجار خط لوله گاز بازداشت و نهایتا محکوم به اعدام شدند. حکم اعدام "هادی راشدی" و "هاشم شعبانی" دو عرب اهوازی بین ۱۶ آذرماه تا ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۲ اجرا شد.
عرصه سوم و ۱۲ سازمان جامعه مدنی و حقوق بشری با انتشار بیانیه مشترکی از وضعیت این دو عرب اهوازی محکوم به اعدام ابزار نگرانی کرده بودند.
از سوی دیگر امروز در زندان کارون اهواز 9 تن به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام شدند.

Related articles across the web



—

صدای ضعیف دگرباشان در جامعه مدنی

2014-05-12 · Archive ID 3762
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3762

بنی آدم: حقوق اقلیت‌ها یکی از معضلات مهم جامعه مدنی ایران است اما خطوط قرمز برای بحث و مطالبه حقوق آنان در جامعه شکسته شده است. با این حال اقلیت‌های دیگری نیز در ایران زندگی می‌کنند که صدای آنها به سختی شنیده می‌شود.
دگرباشان جنسی امروز واژه‌ای است که برای این نامیدن این شهروندان بکار می‌رود. شهروندانی که به دوستی و زندگی با هم‌جنس خویش گرایش دارند، اما این گرایش از سوی حکومت و فرهنگ مذهبی غالب در جامعه ایرانی نه تنها به رسمیت شناخته نمی‌شود بلکه اشد مجازات دارد.
در آستانه 17 می، روزی که برای دفاع از حقوق این افراد اختصاص یافته است و برای آشنایی بیشتر با مسئله حقوق دگرباشان جنسی و مشکلات آنان در ایران، با حسین علیزاده فعال حقوق دگرباشان جنسی و هماهنگ کننده برنامه منطقه ای خاورمیانه و شمال آفریقای "کمیسیون بین المللی حقوق مردان و زنان همجنس گرا" گفت و گویی انجام داده‌ایم.

حسین علیزاده از سال 2006 تا 2009 دیده بان و گزارشگر نقض حقوق دگرباشان جنسی در ایران و عراق بوده است. در اینجا نخستین بخش از این مصاحبه از نظر شما می‌گذرد.

پیش تر این مصاحبه در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۹۲ در عرصه سوم منتشر شده است.

سازمان شما در چه زمانی تاسیس شد و در کجا فعالیت می‌کند؟
"کمیسیون بین المللی حقوق مردان و زنان همجنس گرا" که حدودا 20 سال پیش تاسیس شد در 5 قاره دنیا فعالیت دارد و دفتر اصلی آن در نیویورک است. همچنین دفاتری نیز در آفریقای جنوبی، فیلیپین وجود دارد. در حوزه ایران نیز چند سالی است که فعالیت می‌کنیم.

این سازمان با چه هدفی تاسیس شده و چه فعالیتی دارد؟
هدف از تاسیس این سازمان به طور خلاصه گزارش کردن سوء رفتارهایی است که دگرباشان جنسی در سراسر جهان صورت می‌گیرد. این مسئله پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مورد توجه قرار گرفت. تا آن زمان هنوز سازمان‌هایی چون عفو بین الملل نیز مسائل حقوق دگرباشان جنسی را بررسی نمی‌کردند. سازمان‌های حقوق بشری که در آن مقطع فعالیت می‌کردند نمی‌خواستند درگیر مسائل حقوق جنسی شوند. خوشبختانه امروز وضعیت تغییر کرده است. امروز ما شاهدیم که کمیسیاری عالی حقوق بشر سازمان ملل یک برنامه رسمی را با عنوان" آزاد و برابر زاده شده ایم" آغاز کرده است. زیرا سازمان ملل نیز به نتیجه رسیده است که این مسئله صرفا حقوق یک قشر خاص از مردم نیست بلکه حقوق جنسی کلیه انسان‌ها را در بر می‌گیرد و بنابراین همانطور که مردم حق دارند زبان و مذهب خود را انتخاب کنند حق دارند آزادانه با کسی که دوست دارند زندگی کنند و دولت نمی‌تواند به شما بگوید که چگونه باید زندگی کنید. از سال 1994 نیز، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز از کلیه دولت‌ها از جمله ایران می‌خواهد تا بر اساس کلیه معاهداتی که در زمینه حقوق بشر امضا کرده‌اند حقوق دگر باشان جنسی را به رسمیت بشناسند.
در اصل کاری که ما انجام می‌دهیم این است که در عرصه جهانی با سازمان‌هایی که در این زمینه در کشورهای مختلف فعال هستند و همچنین مجامع بین المللی مختلف کار کنیم تا بتوانیم مسئله حقوق دگر باشان جنسی و سوء رفتارهایی که با آنان صورت می‌گیرد را گزارش کنیم و نهایتا تلاش کنیم تا این مشکلات حل شود.

در سایت شما گزارش‌های مختلفی از فعالیت‌های کمیسیون شما در مناطق مختلف جهان دیده می‌شود. در خاورمیانه و به طور مشخص در ایران چه فعالیت‌هایی داشته اید ؟
متاسفانه وقتی به نقشه دنیا نگاه می‌کنیم، تمام کشورهای خاورمیانه تقریبا مجازات‌هایی برای دگرباشان جنسی دارند. البته کشورهایی چون عراق و اردن مجازات ندارند اما گروه‌هایی هستند که مرتکب جرائمی علیه دگر باشان می‌شوند. به طور کلی باید بگویم در این منطقه حقوق جنسی رعایت نمی‌شود. بسیاری از موارد برای دگر باشان ممنوع شده است. در پنج کشور دنیا مجازات اعدام برای آنان وجود دارد و ایران نیز یکی از این کشورها است . بقیه نیز در شمال آفریقا و خاورمیانه قرار دارند. متاسفانه منطقه ما از این منظر عقب است و تنها کشوری که تا حدودی آزادی برای دگر باشان وجود دارد کشور ترکیه است که البته آنان نیز مشکلات زیادی دارند. بنابراین من تلاش کردم به عنوان مدیر این مجموعه با کشورهای مختلفی که با آنان همکاری داریم، با فعالیت‌هایی زیر زمینی از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آگاهی بخشی کنیم.

یعنی امکان فعالیت یا آگاهی بخشی در داخل این جوامع وجود ندارد؟
ببینید مسئله صرفا ممنوعیت عمل جنسی نیست. بلکه صحبت کردن از حقوق جنسی نیز در برخی جوامع از جمله ایران ممنوع است. چند سال قبل بود که روزنامه شرق را بخاطر مصاحبه با خانم ساقی قهرمان توقیف کردند که اساسا این مصاحبه ربطی به مسائل دگرباشان جنسی نداشت. اما چند روز بعد از انتشارش هیایویی برپا شد که وی در کانادا از مدافعان حقوق دگرباشان جنسی است و پس از آن وااسلاما به راه افتاد و در نتیجه روزنامه را تعطیل کردند.
در کشور عمان نیز چندماه پیش یک روزنامه انگلیسی زبان مقاله ای منتشر کرد که ما کشوری بدی نداریم و می‌توانیم اگر همجنس گرا نیز هستیم در خفا با هم زندگی کنیم و صحبت آن را نکنیم اما آنقدر این مطلب حساسیت برانگیز شد که روزنامه را برای مدتی تعطیل کردند، مدیر مسئول روزنامه ناچار به عذرخواهی شد و برخی از کارکنان روزنامه نیز اخراج شدند. یعنی حتی امکان یک صحبت ساده نیز در این کشورها وجود ندارد.

اما ما با وجود تمام قوانین سخت‌گیرانه و فشارهای موجود باز هم تلاش می‌کنیم با افراد و گروه‌ها کار کنیم و درباره حقوق انسانی آنها صحبت کنیم.

شما در سایت خودتان نوشته اید که انسان‌ها آزادند و می‌توانند آزادانه انتخاب کنند. آیا این بدین معنی است که انسان‌ها می‌توانند آزادانه جنسیت خویش را نیز انتخاب کنند ؟
بدین معنی که افراد بتوانند گرایش جنسی خود را تعیین کنند، البته چنین چیزی نیست. ولی افراد باید بتوانند آزادانه هر کسی را که دوست دارند انتخاب کنند. افرادی که مخالف حقوق دگرباشان جنسی هستند فکر می‌کنند این یک تصمیم لحظه‌ای است. یعنی شما یک روز از خواب بیدار می‌شوید و می‌گویید من از امروز دگرباش هستم. چنین چیزی نیست. همانطور که انسان‌ها با رنگ و پوست خاصی متولد می‌شوند، با رنگ چشم خاصی به دنیا می‌آیند یا با ترکیب بدنی متفاوتی بوجود می‌آیند، هویت جنسی افراد نیز چنین است. بنابراین این انتخاب انسان‌ها نیست. از این رو همانطور که افراد چپ دست حق دارند با دست چپ بنویسند ، کسانی که دارای تمایلات جنسی متفاوت هستند نیز حق دارند با افرادی که دوست دارند زندگی کنند. اما اینکه عنوان می‌شود چنین چیزی با فرهنگ و مذهب ما نمی‌خواند بحثی است که سازمان ملل پاسخ روشنی به آن داده است و آن مسئولیت دولت‌ها برای ایجاد حقوق برابر برای کلیه شهروندان است. بله در مسجد و کلیسا حق دارند بگویند بخاطر اعتقادات مذهبی چنین افرادی را راه نمی‌دهیم اما حکومت حق ندارد تبعیض قائل شود، حق ندارد افراد را تحت تعقیب قرار دهد، اعدام یا شکنجه کند.

این سئوال را از این جهت پرسیدم که برخی معتقدند همجنس گرایی می‌تواند یک انتخاب نیز باشد. یعنی فقط یک مسئله ژنتیک نیست.
اجازه بدهید در اینجا به جملاتی از آقای خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی که اکنون در مقابلم قرار دارد اشاره کنم. وی در یک سخنرانی در رابطه مسئله هم جنس گرایی می‌گوید:" قتل و غارت و خشونت و شهوت رانی‌های مسخ کننده انسان، ازدواج با همجنس، این غیر از هم جنس گرایی است، به مراتب بالاتر است. یعنی علنا منکر ذات فطرت را در زندگی خود راه می‌دهند. امروز علنا و صراحتا بدان اعتراف می‌کنند که دو همجنس با یکدیگر ازدواج می‌کنند، کلیسا آن را ثبت می‌کند. رئیس جمهوری آمریکا با آن موافقت می‌کند. یعنی از پرده برون افتاده آن فساد باطنی در زمینه شهوت رانی و مانند اینها..." یعنی حکومت ما فکر می‌کند که این مسئله شهوت رانی است و افراد بواسطه شهوت رانی دچار این مسئله می‌شوند.این کاملا نشان از یک فقر فرهنگی است که نشان می‌دهد اساس درک درستی از این مسئله وجود ندارد.

شما در بخشی از صحبت‌های خود گفتید در ایران نیز مجازات اعدام برای هم جنس گرایان جنسی وجود دارد. آیا شما تا کنون به موردی در این رابطه برخورد کرده اید؟
قبل از این که پاسخ شما را بدهم، به مجازات‌هایی اشاره کنم که در قانون مجازات اسلامی برای دگرباشان جنسی تعیین شده است. در ماده 232 قانون مجازات اسلامی ایران لواط عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در دبر انسان مذکر است که برای آن مجازات اعدام تعریف شده است. سپس برای آن حدودی نیز تعریف شده است. بر اساس ماده 233حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا شرایط احصان اعدام و در صورت نداشتن شرط احصان صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول صرف نظر از شرط احصان یا عدم احصان اعدام است. یعنی حتی گفته اند چه کسی بالا و چه کسی پایین می‌خوابد.
سپس در ماده 234 تفخیذ را تعریف می‌کند که عبارت است از قراردادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا در لای نشیمن گاه انسان مذکر است. در ماده 235 نیز مجازات آن تعریف شده است که حد فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و فرقی از نظر محصن و غیر محصن و عنف و غیر عنف نیست. یعنی اگر به کسی تجاوز هم بشود صد ضربه شلاق را خواهد خورد. سپس در تبصره این ماده تبعیض دینی هم وارد می‌شود که اگر فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است. سپس در ماده 237 می‌گوید همجنس گرایی انسان مذکر بجز لواط و تفخیذ، از قبیل تقبیل یعنی بوسیدن یا ملامسه از روی شهوت موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است. یعنی اگر شما به بغل دستی خود نیز دست بکشید این نیز مجازات دارد و اصلا نیاز به اثبات انجام عمل جنسی نیست. اینجا وقتی می‌گوید از قبیل، یعنی این ها مثال‌های آن است و بقیه را می‌توانید خودتان حدس بزنید. یعنی اگر قاضی تشخیص داد شما به کسی نگاه خاصی داشتید می‌تواند شما را مجازات کند.
اما در پاسخ به سئوال شما باید بگویم بله این مجازات‌ها اجرا می‌شود. حکومت می‌آید درباره افرادی که فکر

می‌کنند همجنس گرا هستند تجسس می‌کند. به طور مثال در برخی مهمانی‌ها که نمونه اخیر آن در کرمانشاه اتفاق افتاد. این البته ادعای ما نیست حرفی است که در سایت بسیج نیز آمده که مدت‌ها افراد را تحت نظر داشتند. حتی ادعا می‌کردند که اشخاص حاضر در آن مهمانی عروسی گرفته بودند. در حالی که چنین چیزی نبوده و اتفاقا مراسم تولد بود و اتفاقا مهمانی برای فردی بود که ترانس بود. در هر صورت به این مهمانی حمله شد و افراد حاضر ضرب و شتم شدند و 20 نفر از آنان را دستگیر و آزار و اذیت و تهدید به اعدام کردند تا اعتراف بگیرند.
چون ببینید در قانون این حکومت باید چهار شاهد عادل مرد وجود داشته باشد تا عمل را از اول تا آخر دیده باشد. یعنی دخول تا ختنه گاه را دیده باشد و عدالت نیز داشته باشد! من نمی‌دانم البته چنین چیزی چگونه ممکن است. در غیر وجود شاهد، فرد متهم خودش باید اقرار کند. بدین خاطر آنقدر طرف را آزار و اذیت می‌کنند تا اعتراف بگیرند و بعد آن دیگر اگر انکار هم بکنید راه فراری وجود ندارد.
در سال 2007 مکران مولودزاده یک جوان کرد را که می‌گفتند در 13 سالگی به اتهام تجاوز به همجنس خود بازداشت و در سن 18 سالگی اعدام کردند که کلیه مستنداتشان اعترافاتی بود که زیر شکنجه از این جوان گرفته بودند. جالب این جا بود که هیچ شاکی خصوصی نیز در این پرونده وجود نداشت که بگوید به وی تجاوز شده است.
ادامه دارد

بازنشر از عرصه سوم



—

کارزاری صدهزار نفری برای آزادی پوشش زنان

2014-05-13 · Archive ID 3788
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3788

عرصه سوم: آغاز فصل گرما در ایران بهانه‌ای است برای برخورد با بدحجابی. اما زیر پوست شهر اعتراضات مخفیانه‌ای به حجاب اجباری شکل گرفته است که در نوع خود غافلگیر کننده است.
چندی پیش در تهران تجمعی با حضور نزدیک به 1000 نفر بدون مجوز با حمایت نیروهای بسیجی و افراد موسوم به انصار حزب الله در مقابل وزارت کشور برگزار شد که بحث پیرامون آن همچنان ادامه دارد. برخی رسانه‌ها نوشته‌اند که تجمع کنندگان از طلاب حوزه علمیه ایروانی بوده‌اند.
کار به جایی رسید که حمید رسایی نماینده مجلس نیز در مصاحبه‌ای گفت حجاب یکی از دلایل تحریم‌های بین المللی علیه ایران است." دلایل تحریم حصر سران فتنه، حجاب خانم‌ها و اعدام است. اکثرتحریم‌های نفتی و بانکی بخاطر حقوق بشر است."
از شعارها و پلاکاردهایی که تجمع کنندگان در دست داشتند و محلی که برای تجمع انتخاب کرده بودند می‌توان درک کرد که هدف تجمع کنندگان اعمال مقررات سخت گیرانه‌تر علیه زنانی است که به قول تجمع کنندگان بدحجاب هستند. در عین حال تجمع کنندگان از زنان خواسته‌اند تا از چادر به عنوان حجاب کامل استفاده کنند.
ایران شاید تنها کشوری است که داشتن حجاب اسلامی در آن کشور الزامی است. در هیچ از کشورهای مسلمان به جز زمان حکومت طالبان در افغانستان و یا در برخی از شهرهای مذهبی مسلمانان، هیچ گونه اجباری برای حجاب زنان وجود ندارد و اگر چنین مقرراتی وجود داشته باشد شامل زنان مسلمان می‌شود، اما در ایران کلیه زنان حتی مسافرین و توریست‌ها صرف نظر از دین و مذهب و ملیت باید در اماکن عمومی حجاب بر سر کنند.

علیرغم این مقررات سخت گیرانه، هنوز در ایران گروه‌های نزدیک به حکومت از وضعیت حجاب در ایران ناراضی هستند. این نارضایی در حالی است که کلیه کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی که انتخاب حجاب در آن کشورها آزاد است زنان مسلمان از حجاب کامل اسلامی برخوردارند.
این واقعیتی است که امروز زنان ایرانی که تمایل به داشتن حجاب ندارند و حتی در اماکن خصوصی و خانوادگی مطابق قوانین اسلام حجاب خویش را رعایت نمی‌کنند در داخل جامعه نیز رفتاری مشابه دارند و این رفتار اعتراضی یکی از کارزارهای مهم مدنی در میان زنان ایرانی است.
تا کنون تعداد زیادی از کمپین‌های مجازی برای اعتراض به حجاب اجباری راه اندازی شده است. کمپین "نه به حجاب اجباری" یکی از بزرگترین کارزارهای مدنی در راستای دفاع از حقوق زنان است که تاکنون 64973 عضو دارد.
در کنار این کمپین، صفحه جدیدی نیز با نام "آزادی یواشکی زنان در ایران" به ابتکار مسیح علی نژاد روزنامه نگار ایرانی راه اندازی شده است که در آن زنان ایرانی با به اشتراک گذاشتن تصاویر بی‌حجاب خود اعتراض خود را به محدودیت‌های موجود در ایران بیان می‌کنند.
در معرفی این صفحه آمده:"تمامی دختران و زنان ایرانی در زادگاه‌شان گرفتار محدودیت‌های اجتماعی و قوانین بازدارنده هستند و در انتخاب پوشش آزاد نیستند. اما با وجود تمام این محدودیت‌ها گاهی خودشان آزادی‌هایی را تجربه می‌کنند که برای لحظه‌ای از بند این حصارها رها م ی‌شوند. این صفحه فقط همین لحظه‌ها را ثبت می‌کند تا دست یابی زنان به حق انتخاب پوشش."
این ابتکار با یک پست فیس‌بوکی از مسیح علی‌نژاد آغاز شد. او با به اشتراک گذاشتن چند تصویر از خود پیام‌هایی دریافت کرد که نوشته بودند با انتشار تصاویر بی‌حجاب خود این قدر ما را که «حجاب اجباری» داریم، خون جگر نکنید.
صفحه «آزادی‌های یواشکی زنان در ایران » با همین پست شکل گرفت. مسیح علی‌نژاد در این رابطه به "ایران‌وایر" گفت: "اصلا توقع چنین استقبالی را نداشتم. فکر می‌کردم چند عکس برایم می‌فرستند که در صفحه شخصی خودم آن‌ها را منتشرش می‌کنم."
این صفحه با گذشت دو ماه از راه اندازی آن 146,422 عضو دارد و به یکی از بزرگترین کمپین‌های مجازی ایرانیان تبدیل شده است. در این صفحه بحث‌های مختلفی نیز در این باره صورت می‌گیرد. یکی از اعضاء این صفحه تصویری از خود را با دوچرخه به اشتراک گذاشته و نوشته است: "ورزش بدون محدودیت پوشش حق من است." کاربر دیگری نیز در واکنش به آن می‌نویسد:" تا 13-12 سالگی بی دوچرخه هیچ جا نمیرفتم ولی الان حسرتش سالهاست تو دلمه، حسرت رکاب زدن تو خیابونا.....، میرم یه دوچرخه میخرم....دیگه نمیتونم تحمل کنم....."
تصاویر و ویدئوهای این صفحه بازتاب زیادی نیز در رسانه‌های بین المللی داشته است. روزنامه گاردین از جمله نشریاتی است که گزارش مفصلی از این کارزار مدنی منتشر کرده است. روزنامه‌های فیگارو و وال استریت ژورنال نیز از جمله روزنامه‌هایی هستند که این کارزار جدید را پوشش داده‌اند. در برزیل نیز که به زودی مسابقات جام جهانی در آن جا برگزار خواهد شد، رسانه‌ها توجه خاصی به این کمپین نشان داده‌اند.

—

پرداخت مانع ورود کالاهای ضروری به ایران

2014-05-16 · Archive ID 3802
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3802

عرصه سوم: تازه‌ترین گزارش از نتایج تحریم‌های بین المللی بانکی و حمل و نقل علیه ایران نشان می‌دهد تحریم‌های بانکی، از جمله مشکل پرداخت، معاملات مواد غذایی در ایران را مختل و روند واردات آن را به ایران کند کرده است.
بر اساس گزارش اخیری که رویترز منتشر کرده است هم‌اکنون کشتی‌های حامل محموله‌های غله، از جمله گندم و دانه‌ی سویا و نیز شکر خام، هفته‌هاست که خارج از بنادر تجاری ایران، مانند بندر امام خمینی و بندرعباس، در انتظار به سر می‌برند.
یک مقام ایرانی به رویترز گفته است: "ما هنوز قادر به گشایش برگه‌ی اعتبار نیستیم. بانک‌های بین‌المللی

می‌ترسند با ایران وارد تجارت شوند. به همین دلیل ده‌ها کشتی در نزدیک بنادر ایران در انتظار به سر می‌برند و ما نمی‌توانیم کار انجام دهیم."
به گزارش رویترز پنج فروند کشتی بزرگ باری با گنجایش هر یک ۶۰ تا ۷۰ هزار تن غلات از مبدأ اروپا، استرالیا و آمریکای جنوبی در اوایل ماه آوریل به ایران رسیده‌اند. این کشتی‌ها هنوز (تا روز ۹ مه که این گزارش تهیه شده) در اطراف بندر امام خمینی لنگر انداخته‌اند و پس از هفته‌ها نتوانسته‌اند بار خود را تحویل دهند.
در اواخر ماه ژانویه پنج فروند کشتی، استرالیا را به مقصد ایران ترک کردند و حدود اواسط فوریه به حوالی بندر امام خمینی رسیدند؛ تا اینکه در ماه آوریل آنجا را ترک کردند. یک سخنگوی شرکت گروه تجاری کارگیل استرالیا گفته است که سه کشتی بزرگ باری پاناماکس به دلیل ازدحام در بندر، با تأخیر روبه‌رو شده‌اند.
سخنگوی شرکت آمریکایی بازرگانی غلات "آرکر دانیلز میدلند" نیز که به ایران غلات می‌فرستد می‌گوید، بسیاری از بانک‌های بین‌المللی به دلیل نگرانی از مجازات‌ها در چارچوب تحریم‌ها، در نقل و انتقال‌های بانکی با ایران مشارکت نمی‌کنند.
از نظر سخنگوی این شرکت، عامل دیگر اختلال‌های ایجاد شده، سیستم کنترل ارز در ایران است. به گفته او کشتی‌های حامل غله که به ایران می‌رسند، باید چندین هفته منتظر بمانند تا بانک مرکزی ایران برای اختصاص اعتبار به منظور پرداخت پول محموله‌های آن‌ها موافقت کند.
از سوی دیگر، بانک‌های ایرانی از سیستم پرداخت بین‌المللی سوئیفت نیز محروم شده‌اند و این امر به مشکلات مالی دیگر افزوده است.
این در حالی است که تاکنون تلاش‌های بسیاری از سوی سازمان‌های مدنی صورت گرفته تا با گشایش یک مسیر مالی معین برای کالاهای ضروری، روند انتقال کالاهای ضروری به ایران مختل نشود اما این تلاش‌ها تا کنون بی‌پاسخ مانده است.
یک نظر سنجی اینترنتی که از سوی سازمان عرصه سوم صورت گرفته است نیز نشان می‌دهد به باور 53 درصد شرکت کنندگان در این نظر سنجی تحریم‌ها به طور مستقیم موجب ضعیف شدن جامعه مدنی در ایران شده است و 29 درصد نیز گفته‌اند که تاثیر منفی تحریم‌ها بر جامعه مدنی غیر مستقیم بوده است و تنها 18 درصد فکر می‌کنند که تحریم‌ها هیچ تاثیری بر جامعه مدنی نداشته است.
کمپین‌های مجازی و حقیقی چون " نه به تحریم "، " دسترسی "،" تحریم برابر جنگ خاموش "،" کارت پستال علیه تحریم دارو " از جمله کمپین‌هایی هستند که تاکنون کوشیده‌اند با جمع آوری امضا و نامه نگاری، تاثیرات مخرب این تحریم‌ها بر زندگی و سلامت مردم ایران را به سران دولت‌ها و مجامع بین المللی بازگو یا مطرح کرده و راه حلی برای آن بیایند.

—

نگرانی شورای نگهبان از انتخابات مجلس

2014-05-19 · Archive ID 3804
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3804

عرصه سوم: در حالی که تا انتخابات مجلس دهم و خبرگان پنجم بیش از یک سال باقی مانده است، اظهار نظرها پیرامون این دو انتخابات از هم اکنون آغاز شده است. در یکی از تازه ترین آنان یک مقام در شورای نگهبان گفته است معترضان به نتیجه انتخابات 88 و نزدیکان محمود احمدی نژاد در این دو انتخابات رد صلاحیت خواهند شد.

این گزارش نشان می‌دهد سازمان دهی برای انتخابات آینده جلسات آموزشی و توجیهی پیرامون آن از هم اکنون آغاز شده است. سیامک ره‌پیک، عضو شورای نگهبان و معاون اجرایی و امور انتخابات این شورا نشستی را با ناظران این شورا در زاهدان برگزار کرده است.
وی در این نشست گفتهاست آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با اعضای این شورا گفته است رای مردم نباید از وسط هیاهو و جنجال بیرون بیاید. وی سپس رای رهبر جمهوری اسلامی را چنین تفسیر کرده است:"مقصود ایشان آن است که رای مردم باید عاقلانه و شفاف باشد. ایشان تاکید کردند که شورای نگهبان وظیفه‌اش این است و باید زمینه این امر را فراهم کند."
احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان و مسعود جزایری معاون ستاد کل نیروهای مسلح نیز در سخنان جداگانه‌ای از

تلاش دیگر گروه‌ها برای ورود به این دو مجلس ابراز نگرانی کردند. احمد جنتی گفته بود عده‌ای در پی تصرف مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی هستند. جزایری نیز گفته:" مشابه دوره زمانی فتنه ۸۸، مجددا سکولاریسم و لائیسم سر بر آورده است."
این در حالی است که "سایت نماینده " که اخبار انتخابات مجلس دهم را با گرایشی نزدیک به حکومت دنبال می‌کند به نقل از منبع آگاه روزنامه شرق نوشته است محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری سابق فعلا برنامه‌ای برای انتخابات مجلس ندارد."احمدی‌نژاد فعلا بازگشت به انتخابات را زود می‌داند و به‌ویژه برای مجلس هم برنامه خاصی ندارد و جلساتی که با یاران سابق برگزار می‌کند ربطی به انتخابات ندارد."
چندی پیش اخباری منتشر شده بود که حکایت از آن داشت آقای احمدی‌نژاد یک فهرست ۱۵۰نفره انتخاباتی برای تهران و شهرهای بزرگ تهیه کرده است و قرار بر این است که این فهرست را به‌صورت مرحله‌به‌مرحله پالایش کنند تا به تعداد نمایندگان موردنظر برای فهرست که ۳۰نفر است، برسند.
از سوی دیگر برخی از اصلاح طلبان که از دولت حسن روحانی حمایت می‌کنند نیز تدارکاتی را برای انتخابات آینده فراهم کرده‌اند. سید حسن رسولی رئیس ستاد انتخاباتی محمدرضا عارف در انتخابات گذشته ریاست جمهوری به روزنامه اعتماد گفته است آقای عارف در انتخابات مجلس دهم قطعا حضور جدي و فعالي خواهد داشت و به این منظور درصدد تاسیس یک حزب سیاسی است.
نظارت بر انتخابات از سوی شورای نگهبان یکی از موانع جدی انتخابات آزاد در ایران بوده است. با این حال بسیاری از فعالان مدنی امیدوارند با تغییرات صورت گرفته در دولت و افزایش فشارهای اجتماعی بتوانند ترکیب مجلس دهم را دگرگون کرده و شرایط را برای تصویب قوانین به برای تقویت جامعه مدنی و تغییر قوانین مخالف آن فراهم کنند.
هم زمان با انتخابات مجلس، انتخابات خبرگان رهبری نیز برگزار خواهد شد.امکان انتخاب شدن در خبرگان رهبری بسیار محدود است و تاکنون بجز روحانیون نزدیک به حکومت سایر شهروندان از جمله "زنان" امکان انتخاب شدن در این انتخابات را نداشته‌اند.
با این حال قربانعلی دری نجف آبادی عضو هیات رئیسه این مجلس اخیرا گفته است حضور زنان در این مجلس ایرادی ندارد اما باید قانون اصلاح شود:"اگر خواهری شرایط کاندیداتوری را داشته باشد ایرادی ندارد که در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کند."

—

شوراها و تصمیم‌گیری در زمینه محیط زیست

2014-05-19 · Archive ID 3808
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3808

عرصه سوم-مصطفی خسروی: یکی از مهمترین وظایف شوراها در کشورهای دموکراتیک تصمیم گیری در زمینه‌هایی است که منجر به ارتقاع کیفیت زندگی شهروندان خواهد شد، ترافیک، آلودگی آب و هوا، سازماندهی فضاهای شهری، بازیافت زباله و پسماندهای شهری از جمله حوزه‌های زیست محیطی به شمار می‌روند.

اما آیا شوراها قدرت تصمیم گیری قاطع در این حوزه‌ها و اجرای تصمیم‌شان را دارند؟ برای یافتن پاسخی به این سوال، مصطفی خسروی با صدیقه وسمقی، عضو اولین دوره شورای شهر تهران گفت و گو کرده است. خانم وسمقی دارای دکترای فقه ومبانی حقوق اسلامی است و پیشتر هیات علمی دانشگاه تهران بوده است . وی همچنین در دپارتمان اسلام شناسی دانشگاه گوتینگن آلمان به صورت استاد میهمان تدریس می کرد و اکنون پژوهشگر و مدرس دانشگاه اویسالا سوئد است.

شما عضو شورای اول شهر تهران بودید و اکنون سال‌ها است خارج از ایران زندگی می‌کنید، نقش شوراها را در سیستم مدیریت شهری در ایران با کشورهای دمکراتیک را چگونه می توان مقایسه کرد؟
در رابطه با کیفیت عملکرد شوراها در ایران، تاثیر گذاری و نقش آنها و مقایسه آن با کشورهای دموکراتیک که سابقه ای طولانی در تشکیل شوراها دارند باید بگویم، تفاوت به قدری است که قدرت مقایسه را از ما سلب می کند.

در ایران، شوراها در تصمیم گیری های کلان متاسفانه به هیچ وجه اثرگذاری در سطح کلان ندارند و در تصمیم گیری‌ها و سیاست گذاری‌های مهم نقشی ایفا نمی‌کنند، اما در مسائل جزئی می‌توان گفت نقش‌هایی دارند.

این نقش‌هایی جزئی چیست؟
در اداره امور شهرها، اما هنوز هم با وجود اینکه اولین شورای شهر در ایران بعد از انقلاب در سال ۱۳۷۸ تشکیل شده و تا الان ۱۵ سال از آن روز می گذرد ما نمی‌بینیم که در جهت ایجاد هماهنگی در اداره امور شهر اقدامات موثری صورت گرفته باشد. نهاد های موازی بسیاری وجود دارند و قوانین هم برای پیشبرد اقدامات شوراها مناسب نیست و هم اینکه به هر حال از لحاظ اجرایی هم این هماهنگی و همفکری اصلا وجود ندارد.

دلیل این ناکامی را در چه می‌بینید؟

در ایران شوراها زمانی شکل گرفتند که سایر نهادهای شهری شاید حدود ۲۰ سال پیش از آن تشکیل شده بودند و کارهای شهری را انجام می‌دادند و بعد شورای شهر با یک تاخیر ۲۰ ساله (یعنی از اول انقلاب) شکل و هیچ گاه هماهنگی لازم بین این نهادها صورت نگرفت. در ایران حتی در قوانین مربوط به اداره شهرها هم جایگاه شورای شهر به درستی دیده نشده و با وجود اینکه در قانون اساسی مسئله شوراها دیده شده بود اما در قانون گذاری‌ها به این امر توجهی نشد و باید بگویم از زمانی که شوراها تشکیل شدند به دلیل همین مشکلات و همچنین مشکلات حقوقی و اجرایی و فرهنگی که در کشور داریم نتوانسته اند جایگاه خود را پیدا کرده و نقش موثری ایفا کنند.

یکی از مهمترین عرصه‌هایی که شوراها همواره درگیر آن بوده و هستند مباحث محیط زیستی است، بازیافت زباله‌های شهری، مواجهه با آلاینده‌ها، مدیریت فضاهای عمومی، تنظیم مقررات ساخت و ساز و ... است، به نظر شما قانون گذار تا چه حد به شوراها در این زمینه اختیارات داده است؟
آن‌جا هم نهاد های متعددی وجود دارند که به نوعی درگیر موضوعات محیط زیستی هستند. از وزارت نفت تا وزارت صنایع تا معاونت محیط زیست ریاست جمهوری و نهادهای دیگری چون سازمان منابع طبیعی و سازمان‌هایی که زیر نظر شهرداری قرار دارند، مانند سازمان امور پارک‌ها، شرکت تاکسیرانی، شرکت واحد و یا حتی نیروی انتظامی که نقش مهمی در بحث ترافیک دارد، اگر قرار است گره‌ای از مشکلات زیست محیطی کشور بازشود می‌بایست تمامی این ارگان‌ها در ساز و کار مشخصی با یکدیگر هماهنگ عمل کنند که متاسفانه این هماهنگی ها وجود ندارد. آیا پلیس راهنمایی و رانندگی زیر نظر شورا و شهرداری فعالیت می‌کند؟

در دوره شورای اول راهنمایی و رانندگی یک هماهنگی بسیار ضعیفی با شهرداری پیدا کرد به این معنا که در واقع از شهرداری ارتزاق می‌کرد اما باز هم شورای شهر نقشی در تعیین رئیس آن نداشت و من گمان نمی‌کنم الان هم هماهنگی‌های کاملی بین این نهاد که می‌تواند پلیس شهری محسوب شود با شورای شهر به طورکامل وجود داشته باشد.

در زمان شما این همکاری چگونه بود؟

زمانی هم که ما در شورا بودیم نیروی انتظامی به شورای شهر تهران پاسخگو نبود در صورتی که این هماهنگی‌ها برای حل و فصل مشکلات محیط زیستی و بقیه مشکلات شهری اساسی ضروری بود.

در شورایی که شما عضو آن بودید چه اقداماتی برای محیط زیست صورت گرفت؟

در شورای اول با این که بحران های زیادی وجود داشت ما کارهایی در خصوص آلودگی هوا که یکی از مهم‌ترین مسائل زیست محیطی است صورت گرفت. در این موضوع سازمان‌ها و نهادهای گوناگون وابسته به دولت و شهرداری دخالت دارند اما متاسفانه ما نتوانستیم این هماهنگی کامل را برای به نتیجه رساندن این بحث در بین سازمان های مسئول به وجود بیاوریم و هنوز هم فکر نمی کنم که چنین هماهنگی و همفکری وجود داشته باشد.

شورای اول شهر تهران با چالش های جدی در عرصه محیط زیست مواجه بود، ماجرای زندان قصر، قطع درختان لویزان و ... مواردی که حل آنها گاه نیازمند همکاری سازمان ها و نهاد های دیگر بود، تا چه حد شورا در این زمینه ها فعال بود، آیا توانستید دستاورد هایی هم داشته باشید؟
زمانی که ما در شورا بودیم گزارش های بسیاری می رسید از نقاط مختلف شهر تهران که در نیمه های شب،

فاضلاب‌ها را در جوی های شهری روان می کنند، یکی از آنها زندان معروف قصر بود، در منطقه هفت، منطقه ای که با وجود قرار گرفتن در مرکز شهر کمترین فضای سبز و بیشترین آلودگی هوا را داشت. این زندان که در مجموعه ظرفیت ۳۰۰۰ زندانی را داشت در آن سال ها ۱۲۰۰۰ زندانی را در خود جای داده بود و مسئولین زندان هم شب ها فاضلاب زندان را در جوی ها رها می کردند و بوی تعفن و انواع و اقسام آلودگی کل منطقه را فرا می گرفت.

در شمال شهر هم بعضی برج‌های به دلیل این که بدون مطالعات کارشناسی احداث شده بودند و شهرداری در نقاطی که نباید تراکم فروخته بود همین بحران به وجود آمده بود چرا که امکان تخلیه فاضلاب وجود نداشت آن ها هم این فاضلاب‌ها رو در جوی‌های آب تخلیه می‌کردند. در این موارد شورای اول تلاش‌های بسیاری انجام داد، با زندان قصر مذاکره کردیم که این زندان به خارج از شهر منتقل شود و محل کنونی این زندان به فضای سبز تبدیل شود، یا حتی با پادگان عشرت‌آباد مذاکره کردیم با پادگان قلعه مرغی مذاکراتی داشتیم که این ها تبدیل به فضای سبز بشوند که خوب در مورد زندان قصر به نتیجه رسیدیم اما در مورد بقیه موارد به نتیجه‌ای نرسیدیم چرا که به تمام موضوعات در کشور ما به شکلی سیاسی نگریسته می‌شود.

با وجود این محدودیت‌ها فکر می‌کنید شوراها چگونه می‌توانند معضلات زیست محیطی را کنترل کنند؟

ببینید محیط زیست امروز در ایران یک مسئاله بسیار مهم و حیاتی است. ما آثار مخرب و ویرانگر عدم توجه به محیط زیست را امروزه به وضوح می‌بینیم. خشک شدن دریاچه‌های مهمی مثل ارومیه و پریشان و یا رودخانه‌های مهمی مانند زاینده‌رود یا حتی از بین رفتن جنگل‌ها و ... تمام اینها برای من به عنوان یک انسانی که می‌توانم اثرات این تخریب‌ها را حس کنم و نظرات متخصصین را بشنوم واقعا باعث نگرانی زیادی است و خود این‌ها نشان دهنده عدم توجه کافی به مسائل زیست محیطی است.

در فضای شهری هم عوامل بسیاری باید رعایت شود تا ما بتوانیم از محیط زیست‌مان حفاظت کنیم. اینکه چگونه محیطی باید طراحی کنیم که یک شهروند در آن زندگی سالمی داشته باشد، بحثی است که در ایران به هیچ وجه به شکلی استاندارد بدان پرداخته نشده است. مثلا فضای سبز درون شهری، در استانداردهای بین المللی به ازای هر نفر باید میزان مشخصی فضای سبز داشت باشیم که هنوز تهران در این زمینه با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد.

به طور مثال مهار فاضلاب شهری، نقشی که فاضلاب می‌تواند در آلوده کردن منابع آب و خاک داشته باشد و بیماری‌های که به واسطه آن می تواند گسترش پیدا کند موضوع بسیار حساسی است.

چه عواملی به نظر شما مانع دستیابی به این استانداردها است؟
ما در ایران چند مشکل اساسی داریم یکی از آنها عدم استفاده از نظرات کارشناسان است. به طور مثال سال گذشته در خوزستان یک نهاد نظامی برای معدوم کردن لاستیک‌های خود آنها را به آتش کشید و آلودگی ناشی از آن باعث شد حدود ۴۰۰۰ شهروند دچار مسمومیت‌های مختلفی شوند.
یکی دیگر از مشکلات ما عدم آموزش صحیح است که نمونه آن را در بحث بازیافت زباله‌ها داریم. امروزه در دنیا از زباله‌ها به عنوان طلای کثیف یاد می‌شود که درصد بالایی از آنها قابل بازیافت است. به جز آن مقدار که پسمانده‌های بیمارستانی و آلوده است، بقیه زباله‌ها اصولا قابلیت بازگشت به چرخه تولید را به شکل‌های گوناگون دارند اما در ایران ما شاهد استفاده درست از چنین منبعی نیستیم و این خودش هم بار اقتصادی دارد هم محیط زیستی. خوب اگر در شهری مثل تهران اگر فکری برای سازماندهی بازیافت و دفع زباله نشود به مروز زمان می‌تواند یک فاجعه محیط زیستی را رقم بزند.

این که روزانه چند هزار تن زباله در اطراف تهران دفن می‌شود فاجعه است که باید با برنامه و هماهنگی گسترده بین نهادهای مختلف انجام شود و مطمئنا بدون این هماهنگی‌ها این کار قابل انجام نیست.

در مورد قطع درختان هم همین ماجرا بود، یک سری نهادها و سازمان‌ها حالا در راستای منافع فردی یا گروهی خود می‌آیند و به محیط زیست آسیب می‌رسانند و به دلایل سیاسی با آنها برخورد نمی‌شود و این آسیب بزرگی به کشور می‌زند. یک فرد وابسته به یک نهاد نظامی وقتی تخلفی می‌کند به خاطر حفظ آبروی آن نهاد با او برخوردی نمی‌شود در حالی که نتیجه‌اش برعکس است، چرا که عدم برخورد با آن شخص به آن نهاد لطمه

بیشتری می‌زند تا اینکه با او مطابق قانون برخورد شود و این روند به مرور زمان باعث می‌شود که تجاوز به حقوق مردم گسترش یابد کما اینکه این اتفاق افتاده و این رفتارها به حوزه محیط زیست آسیب رسانده است.

با توجه به سابقه حضور شما در شوراها، چه تغییراتی در ساختار قانونی و حقوقی نظام مدیریتی کشور باید صورت بگیرد تا شوراها بتوانند مفید فایده واقع شوند؟
مطمئنا یک بازنگری اساسی باید صورت بگیرد. به عقیده من فلسفه وجودی شورای شهر این است که اداره هر شهری بر اساس تصمیم‌گیری یک شورا انجام شود که مردم انتخابش می‌کنند. در یک شهر هم نهادها و سازمان‌های مختلفی فعالیت می‌کنند و وقتی یک شورای شهر تشکیل می‌شود برای اینکه بتواند موثر واقع شود تمام آن نهادهای شهری باید در ارتباط با شورا و پیرو تصمیمات شورا باشند که این کار تا این لحظه صورت نگرفته و قدم موثری هم در این رابطه برداشته نشده است.

در غیر این صورت شوراها جز این که هزینه داشته باشند برای کشور فایده ای نخواهند داشت. شاید شوراها در مسائل جزیی توانسته باشند کاری بکنند اما اتفاق مهمی بعد از تشکیل شوراها در ایران رخ نداده است چرا که نهادهای موازی کماکان کار خودشان را می‌کنند و تابع تصمیمات شورا هم نیستند یعنی شوراها همچنان محدود به شهرداری‌ها هستند و فقط حوزه اختیاراتشان همان سازمان‌ها و نهادهای زیر مجموعه شهرداری‌هاست، خوب اسم این را که نمی‌شود شورای شهر گذاشت، قبل از شورای شهر هم شهردار با مجموعه‌ای از معاونان و مدیرکل‌ها همین کارها را می‌کردند. زمانی شورای شهر می‌تواند موثر باشد و زمانی می‌شود یک شهر را درست اداره کرد که تمام سازمان‌های شهری زیر مجموعه شورا قرار بگیرند و شوراها مثل یک پارلمان شهری با استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان و با تحقیقات و مطالعات کارشان رو انجام دهند.

شما به بحران‌های شورای اول تهران اشاره کردید. حاشیه‌هایی که در نهایت منجر به انحلال این شورا شدند. چه اتفاقی افتاد که این شورا منحل شد و اولین تجربه به شکست انجامید؟
بحث های مفصلی هست که امیدوارم در آینده نزدیک بتوانید در کتابم به نام "حتما راهی هست" که به زودی منتشر خواهد شد آنها را دنبال کنید و پاسخ کامل این سوال را آنجا بیابید. این کتاب در واقع یادداشت‌های روزانه من است از حوادث ۴ سال حضورم در شورا.
اما بحران در شورا در واقع با توقف فروش تراکم آغاز شد، منع فروش تراکم یک تصمیم کارشناسانه بود، حتی نمایندگان شورای عالی شهرسازی هم وقتی در جلسات شورا حاضر می‌شدند در مورد این موضوع بحث می‌کردند. در هیچ کجای دنیا در شهری با ۱۲-۱۳ میلیون جمعیت که به طور مداوم با هجوم مردم از شهرهای دیگر مواجه است تراکم را بی حساب و کتاب نمی‌فروشند، باید ظریفت شهر را از لحاظ منابع آب شامیدنی، دفع زباله، فضای سبز، هوای آلوده و ترافیک در نظر گرفت، کجای دنیا را سراغ دارید که بدون افزایش خدمات شهری تصمیم بگیرند به فروش تراکم و گسترش ساخت و ساز؟

در شورای اول هم بر اساس نظر کارشناسان و متخصصین که مدت‌ها کار علمی بر روی این موضوع انجام داده بودند تصمیم گرفته شد تا فروش تراکم متوقف شود که البته یک تصمیم شجاعانه بود و اقای ملک مدنی که شهردار شده بود و صاحب نظر هم بود این تصمیم را اجرایی کرد. اما خیلی‌ها احساس می‌کردند که منافعشان با تهدید جدی مواجه شده است، انبوه سازان، افرادی که برنامه ریزی کرده بودند تا با خرید تراکم برج بسازند و ...، سرو صدا از ناحیه اینها بلند شد، مردم عادی، میلیون‌ها شهروند تهرانی که از توقف فروش تراکم آسیب نمی‌دیدند، اتفاقا به نفع مردم بود چراکه می‌خواهند شهری داشته باشند که در آن با ارامش زندگی کنند نه این که ببینند هر روز در کوچه و محله شان شاهد ساخت برج‌های سر به فلک کشیده باشند، هیچ شهروندی راضی نبود و نیست.

خوب مسلما کسانی جنجال به پا کردند که از توقف فروش تراکم ضرر می‌کردند، این‌ها وابسته به نهادهای گوناگون بودند، فشار می‌آوردند که باید تراکم بفروشید در رابطه با این مساله شورا به دو گروه تقسیم شد یک گروه ۷ نفره و یک گروه ۸ نفره که گروه ۸ نفره مدافع توقف فروش تراکم بود و گروه ۷ نفره مخالف و این اختلافات ادامه پیدا کرد تا آنجایی که افراد و نهادهایی که ضرر می‌کردند از فروش تراکم با این گروه ۷ نفره در ارتباط قرار گرفتند و به ما و شهردار فشار آوردند و وقتی که نتوانستند فروش تراکم را به روند قبلی بازگردانند تلاش کردند تا شهردار را برکنار کنند. شهرداری که تازه انتخاب شده بود و حکمش را هم وزیر کشور امضا کرده بود و هیچ دلیل قانونی برای آن وجود نداشت.

تلاش‌های بسیاری شد تا شهردار را حتی با اتهاماتی برکنار کنند که ما گروه ۸ نفره در برابر این رفتار غیر اخلاقی ایستادگی کردیم و اجازه ندادیم این اتفاق بیافتد اما از آنجا که این دودستگی ادامه داشت و نهایتا نهادهای قدرتمند هم با آن گروه ۷ نفره همراه بودند دیدیم که مجلس به شکل واقعا باور نکردنی وارد قضیه شد و به سرعت یک تحقیق و تفحص در مورد شورا انجام داد، من در حافظه‌ام نمونه مشابهی سراغ ندارم که مجلس با این سرعت موضوعی را مورد تحقیق و تفحص قرار داده باشد و نتیجه‌اش را هم اعلام کرده باشد!

دلیل مخالفتشان برای فروش تراکم چه بود؟

می‌گفتند توقف فروش تراکم باعث افزایش قیمت مسکن می شود، در واقع از آن طریق خواستند که فشار بیاورند بر شورا و شهرداری،ما هم کوتاه نیامدیم. اما متاسفانه وزیر کشور وقت و هیات عالی حل اختلاف هم تابع نظرات کارشناسی و علمی نبودند وآنها هم در همان دست اندازهای سیاسی که با منافعی درآمیخته بود قرار داشتند و مجموعه این مسائل منجر به این شد که تصمیم بگیرند شورا را منحل کنند و البته بلافاصله بعد از انحلال شورا در اولین اقدام فروش تراکم را آزاد کردند، تصمیمی که مخالف نظر تمام کارشناسان بود.

عجیب تر این که تمام کسانی که بعد از توقف فروش تراکم آن گروه ۷ نفره مخالف را تشکیل داده بودند همان کسانی بودند که همیشه ایرادشان به شهرداری این بود که شهرداری بی رویه تراکم می‌فروشد و منبع درآمد شهرداری ناسالم است و از این سخنان به عنوان یک ژست سیاسی استفاده می‌کردند اما هنگامی که یک تصمیم کارشناسی گرفته شد همان افراد در مقابل این تصمیم موضع گرفتند.

در واقع اینها دلایل اصلی انحلال شورای اول تهران بود که تا کنون ناگفته های بسیاری در این مورد باقی مانده که امیدوارم در آینده روشن بشود.

—

قطع درختان فرمانیه با حکم قضائی

2014-05-22 · Archive ID 3828
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=3828

عرصه سوم: رئیس کمیسیون محیط زیست شورای شهر تهران گفته است با یک حکم قضایی، ۱۴۰ درخت بیست ساله در فرمانیه تهران قطع شده است. به گفته وی شورای شهر تصمیم دارد برای رسیدگی به این موضوع به دادستان شکایت کند.
به گفته محمد حقانی عضو شورای شهر تهران حکم قضائی برای تخریب ساختمانی صادر شده که اصلا وجود خارجی ندارد و به جای آن این درختان که اموال عمومی هستند قلع و قمع شدند.
این تعداد درخت هفته گذشته در یک پارک با مساحت 1425 مترمربع قطع شدند. یکی از ساکنان کوچه نیلوفر که شاهد قطع درختان بوده است، بخ روزنامه شهروند گفته است: "یک روز آمدند با لودر و کلی ماشین دیگر، آنقدر مجهز بودند که درختان را نیم‌ساعته قطع کردند. ما هم هر چه اعتراض کردیم فایده‌ای نداشت. زنگ زدیم به شهرداری و کلانتری اما وقتی آنها آمدند ۱۲ ردیف اصلی درختان یعنی بخش عمده آنها را بریده بودند."

به گفته حقانی، ماجرای این پارک و آنچه امروز به قطع این درختان منتهی شده از زمانی آغاز شده که سال ۱۳۸۲ یکی از نهادها درباره این پارک محلی ادعای مالکیت کرده و شهرداری وقت هم به این ماجرا اعتراضی نکرده و بعدها این ملک به یک شخص خصوصی واگذار شده در حالی‌که این زمین یعنی پهنه فضای سبز بوده و اجازه ساخت و ساز نداشته اما دیوان عدالت اداری به قلع و قمع این درختان رأی داده است و با همین رأی هم مالک آمده و درختان، تاسیسات آبرسانی و حتی برق را از بین برده و معدوم کرده است.
او همچنین گفته:"مالکی که این زمین را خریده باید به شهرداری مراجعه می‌کرده و حتی اگر پروانه می‌گرفت (که به دلیل قرار گرفتن این زمین در پهنه فضای سبز پروانه هم نمی‌گرفت) باید برای جابه‌جایی این درختان اقدام می‌کرد. باید بخشی از درختان با دستور شهرداری و رأی کمیسیون ماده ۷ خارج می‌شد، نه اینکه لودر بیندازند و همه چیز را نابود کنند."
حقانی همچنین از قطع درختان پارک دیگری به نام نسیم نیز ابزار نگرانی کرده است. پارکی که به گفته وی

درختان آن بیست سال پیش در زمان شهردار بودنش کاشته شده بود.
اما محمد باقر قالیباف شهر تهران دلیل قطع برخی از درختان تهران را مسائل مالی ذکر کرده و گفته است که شهرداری نیز حریف نمی‌شود." مردم ما، مردمی با فرهنگ هستند و در خصوص نگهداری و حفظ فضای سبز و گل و گیاه با ما همکاری خوبی می‌کنند. بگذریم از جاهایی که برای وضعیت مالی، به قطع درختان می‌پردازند و گاهی اوقات شهرداری هم حریف نمی‌شود چرا که دچار مشکلات و بحث‌های حقوقی و قانونی است. البته کاری نداریم که قانون ناقص اجرا می‌شود و گاهی در اجرا به کمک شهرداری نمی‌آید تا بتوانیم بعضی موضوعات را با جدیت بیشتری جلوگیری کنیم اما عموم شهر در حفظ فضای سبز همراهی خوبی دارند. "
قطع درختان تهران همواره یکی از نگرانی‌های جدی فعالان محیط زیست بوده است. سال پیش هنگامی که شهرداری تهران تصمیم گرفت درختان خیابان ولیعصر تهران را 6 اصله درخت خیابان ولیعصر را به بهانه آفت‌زدگی قطع کند، فعالیت فعالان محیط زیست در اعتراض به این تصمیم پررنگ‌تر شد اما این نگرانی‌ها کماکان ادامه دارد.

—

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد

2014-05-22 · Archive ID 245
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=245

مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ – قطعنامه شماره ۲۲۰۰ A –

قدرت اجرایی بنابر ماده ۲۷، سوم ژانویه ۱۹۷۶ (دیماه ۱۳۵۴)

دیباچه:

دولتهای عضو این میثاق:

با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده‌است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، •< نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان میباشد،

با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، برخورداری از آزادی و رهایی از ترس میباشد.
این خواست در صورتی میسر میشود که هر کس از حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود و همچنین از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار گردد. با توجه به منشور ملل متحد، دولتها متعهد برعایت و احترام به حقوق و آزادیهای انسان وترویج آنها در سراسر جهان میباشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای وظائفی هستند و برای تحقق بخشیدن و ترویج و رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق مسئول میباشند،

(دولتهای عضو این میثاق) مواد زیر را پذیرفته‌اند:

بخش یکم

ماده اول

۱- تمام ملتها حق خودمختاری دارند. بواسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین میکنند.

۲- تمام ملتها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاریهای اقتصادی بین المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین المللی، آزادانه (منعقد شده‌است) ثروتها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند. در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.

۳- دولتهای عضو این میثاق، از جمله دولتهای مسئول اداره دولتهای مستعمره و تحت قیمومت، باید در تحقق بخشیدن حق خودمختاری و احترام گذاشتن به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند.

بخش دوم

ماده دوم

۱- هردولت عضو این میثاق متعهد میگردد که بطور انفرادی و یا از طریق همکاریهای بین المللی، بویژه اقتصادی، فنی و با (استفاده از) حداکثر منابع موجود و با کلیه وسائل مناسب بویژه ابزارهای قانونگذاری در جهت دستیابی و تحقق کامل حقوق شناخته شده در این میثاق، اقدام نماید.

۲- دولتهای عضو این میثاق متعهد می‌گردند که حقوق اعلام شده در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگر یا اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، دارایی، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین و اعمال نمایند.

۳- دولتهای در حال رشد با توجه به حقوق بشر و (وضعیت) اقتصاد ملی خودشان تعیین میکنند که تا چه اندازه حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق را در مورد اتباع بیگانه تضمین خواهند کرد.

ماده سوم

دولتهای عضو این میثاق متعهد می‌شوند که حق مساوی مردان و زنان را در برخورداری از تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در این میثاق آمده، تامین نمایند.

ماده چهارم

دولتهای عضو این میثاق، تصدیق میکنند که در برخورداری از حقوقی که مطابق این میثاق برای دولت (عصوی) مقرر شده‌است، آن دولت نمیتواند این حقوق را تابع محدودیتهائی نماید، مگر محدودیتها بموجب قانون و در تطابق با ماهیت حقوق مذکور و بمنظور توسعه رفاه عمومی در یک جامعه دمکراتیک اعمال گردد.

ماده پنجم

۱- هیچیک (از مواد) این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که بموجب آن حقی برای دولتی یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق شود و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش بینی شده‌است، ایجاد نماید.

۲- هیچ شرط (محدودیتی) یا عدول از حقوق اساسی بشر که در قوانین (عرف)، پیمان نامه‌ها، آیین نامه‌ها و یا رسوم هر یک از دولتهای عضو این پیمان شناخته شده‌است و یا وجود دارد، به بهانه اینکه در این میثاق (آن حقوق) برسمیت شناخته نشده‌است و یا به میزان کمتری برسمیت شناخته شده‌است، پذیرفته نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ششم

۱- دولتهای عضو این میثاق، حق کار کردن را که شامل حق فرصت داشتن در انتخاب آزاد یا قبول شغلی جهت تامین معاش خود است، برسمیت می‌شناسند و اقدامات مناسب را در این جهت بعمل خواهد آورد.

۲- اقداماتی که بوسیله دولت عضو این میثاق جهت دستیابی و تحقق کامل این حقوق بعمل میاید، شامل راهنمایی، تربیت فنی و حرفه‌ای، طرح و برنامه‌ها، روشها و تدابیر فنی جهت دستیابی به توسعه مستمر و مداوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اشتغال کامل و سودآور و تحت شرایطی که آزادیهای سیاسی و اقتصادی افراد حفظ گردد، میباشند.

ماده هفتم

دولتهای عضو این میثاق حق هر فرد را در برخورداری از شرایط عادلانه و مساعد کار بویژه نسبت به حقوق زیر، برسمیت می‌شناسند:

الف: حداقل مزد که برای کارگران مقرر می‌باشد:

۱- دستمزد منصفانه و پاداش برای کار با ارزش مساوی بدون هیچگونه تمایز، بویژه برای زنان تضمین شود که شرایط کار آنها پایین تر از شرایط و مزایای مردان نباشد و آنها برای کار مساوی (با مردان) دستمزد مساوی دریافت می‌دارند.

۲- معاشی شایسته برای آنها و خانواده شان طبق مقررات این میثاق

ب: شرایط بهداشتی و ایمنی کار. ج: ایجاد فرصتهای مساوی برای هر کس که بتواند (موقعیت) شغلی خود را به مدارج مناسب و بالاتر بدون هیچ ملاحظاتی جزء سابقه خدمت و شایستگی، ارتقاء دهد.

ه : استراحت، فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های متناوب با استفاده از دستمزد و همچنین مزد برای تعطیلات رسمی.

ماده هشتم

۱- دولتهای عضو این میثاق متعهد و متضمن میگردند که:

الف: هر کس حق تشکیل اتحادیه صنفی و یا پیوستن به اتحادیه صنفی با انتخاب خود را دارد. (تشکیل و یا پیوستن به اتحادیه) بمنظور دستیابی و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی فرد است. هیچ محدودیتی جهت اعمال این حق وجود ندارد مگر آنکه (این محدودیتها) در یک جامعه دمکراتیک، برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد و بوسیله قانون صورت گیرد.

ب: اتحادیه‌ها حق دارند که فدراسیونها و یا کنفدراسیون‌های ملی تشکیل دهند و نیز ازحق پیوستن به سازمانها و اتحادیه‌های بین المللی برخوردار باشند.

ج : اتحادیه‌ها بدون هیچ محدودیتی حق فعالیت آزاد دارند مگر آنکه (این محدودیتها) بموجب قانون باشد و (وجود آنها) در یک جامعه دموکراتیک و برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

د: حق اعتصاب مشروط به رعایت مقررات ویژه دولت است.

۲- این ماده مانع از آن نخواهد شد که افراد نیروهای مسلح یا پلیس یا مقامات دولتی در (رعایت) اعمال این حقوق متحمل محدودیتهای قانونی شوند.

۳- هیچیک از مقررات این ماده، دولتهای عضو میثاق سازمان بین المللی کار۱۹۴۸ که (مواد آن) برمبنای آزادی تشکیل انجمن و حمایت از حق سازماندهی است را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ اقدامات قانونی و یا اجرای قوانینی در صدد آسیب رساندن به تضمین‌های پیش بینی شده این میثاق برآیند.

ماده نهم

دولتهای عضو این میثاق حق تامین اجتماعی که شامل بیمه‌های اجتماعی هر فرد است را برسمیت می‌شناسند.

ماده دهم

دولتهای عضو این میثاق (موارد زیر) را به رسمیت می‌شناسند:

۱- خانواده که عنصر طبیعی و رکن بنیادین جامعه‌است باید تا حد امکان از محافظت و مساعدت گسترده برخوردار گردد، بویژه تا زمانیکه (خانواده) مسئولیت نگاهداری و تربیت کودکان را به عهده دارد. (همچنین) ازدواج باید با رضایت آزادانه و تمایل همسران منعقد گردد.

۲- مادران میباید پیش از زایمان و پس از آن و در مدت زمان معقول و مناسب از حمایتهای ویژه‌ای برخوردار گردند. در خلال این مدت مادران شاغل می‌بایست از مرخصی با حقوق و مزایای تامین اجتماعی کافی برخوردار باشند.

۳- اقدامات ویژه و بدون تبعیض مانند نسب و یا وضعیتهای دیگر در حمایت و مساعدت به تمام کودکان و افراد جوان باید بعمل آید. کودکان و افراد جوان باید در مقابل بهره برداری(استثمار) اقتصادی و اجتماعی محافظت شوند. اگر استخدام آنان برای اخلاق و سلامتی آنها زیان آور است و یا زندگی آنان را به مخاطره می‌اندازد و یا مانع از رشد طبیعی آنان می‌گردد، چنین استخدامی طبق قانون قابل مجازات میباشد. دولتها همچنین باید حدود سنی(استخدامی برای کودکان) تعیین کنند تا استخدام کمتر از آن (سن) انجام نگیرد. استخدام کودک به عنوان کارگر بموجب قانون ممنوع است و قابل مجازات می‌باشد.

ماده یازدهم

۱- دولتهای عضو این میثاق، حق داشتن یک زندگی با معیارهای قابل قبول برای هر فرد و خانواده اش را که شامل خوراک، پوشاک کافی و مسکن و ادامه بهبود شرایط زندگی است، برسمیت می‌شناسند. دولتهای عضو این میثاق اقدامات مناسب را جهت تامین و تحقق این حق بعمل خواهند آورد و ضرورت اهمیت همکاریهای بین المللی را بر اساس رضایت آزادانه (طرفین) خواهند پذیرفت.

۲- دولتهای عضو این میثاق، حق اساسی هر فرد را که گرسنه نباشد، برسمیت می‌شناسند و اقدامات فردی و یا از طریق همکاری بین المللی را که شامل برنامه‌های مشخص و مورد احتیاج زیر میباشد، بعمل خواهند آورد.

الف: بهبود روشهای تولیدی، نگهداری و توزیع غذا با استفاده کامل از دانش فنی و علمی، انتشار و اشاعه دانش و اصول تغذیه، توسعه و یا اصلاح نظام زراعی بمنظور دستیابی به حداکثر تولید موثر و استفاده از منابع طبیعی.

ب: تامین عادلانه توزیع فرآورده‌های غذایی جهان بر حسب احتیاج و اهمیت دادن به مسایل واردات و صادرات غذای دولتها.

ماده دوازدهم

۱- دولتهای عضو این میثاق حق هر فرد را برای دستیابی و برخورداری از بالاترین (وضعیت) سلامت جسمی و روحی، برسمیت می‌شناسند.

۲- اقداماتی که دولتهای عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق اعمال مینمایند شامل (اقدامات) زیر میباشد:

الف: اقداماتی در جهت توسعه و رشد سلامت کودکان و پایین آوردن میزان مرگ و میر آنها.

ب: بهبود تمام جوانب بهداشت محیط (زیست) و بهداشت صنعتی.

ج : پیش گیری و معالجه و کنترل بیماریهای همه گیر بومی (محلی)، حرفه‌ای و سایر امراض

د : ایجاد شرایطی جهت تامین تمام خدمات و مراقبتهای پزشکی در مواقع بیماری

ماده سیزدهم

۱- دولتهای عضو این میثاق، حق هر فرد را جهت برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. آنها می‌پذیرند که آموزش و پرورش میباید در جهت توسعه کامل شخصیت و حیثیت انسان و احترام فرد به حقوق بشر و آزادیهای اساسی تقویت و هدایت شود. همچنین آنها می‌پذیرند که آموزش و پرورش میتواند شرکت فعال و موثر افراد در یک جامعه آزاد و در فضای تفاهم، مدارا و دوستی بین تمام ملتها و گروههای نژادی، قومی یا مذهبی و همچنین فعالیتهای سازمان ملل جهت برقرار ساختن صلح را تحقق بخشد.

۲- دولتهای عضو این میثاق، دستیابی و تحقق کامل به حقوق زیر را اذعان دارند:

الف: آموزش ابتدایی باید برای همه اجباری و رایگان باشد.

ب : آموزش متوسطه با اشکال مختلف آن که شامل آموزش فنی و حرفه‌ای متوسطه‌است، باید بوسیله ابزارهای مناسب، بویژه در جهت معمول کردن (آموزش) رایگان برای همه فراهم و قابل دسترس باشد.

ج : آموزش عالی باید بوسیله ابزارهای مناسب بویژه در جهت معمول نمودن آموزش رایگان و بر اساس استعداد و صلاحیت، بطور مساوی قابل دسترس باشد.

د : آموزش پایه‌ای برای افرادی که دوره آموزش ابتدایی خود را طی نکرده‌اند و یا تکمیل ننموده‌اند باید تا حد ممکن تشویق و تشدید گردد.

ه : گسترش و توسعه سیستم مدارس باید در تمامی سطوح و بطور فعالانه دنبال شود تا یک نظام بورسیه‌ای مناسب تاسیس گردد و همچنین شرایط مادی کارمندان آموزشی باید بطور مدام بهبود یابد.

۳- دولتهای عضو این میثاق متعهد میگردند که حق آزادی و اختیار والدین و سرپرستان قانونی را برای انتخاب مدارس کودکانشان غیر از (مدارسی) که بوسیله دولت تاسیس شده‌است (به شرط) تطبیق دادن با حداقل موازین آموزشی که دولت تنظیم و تصویب کرده‌است، تضمین کنند و نیز حقوق والدین را جهت آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان برطبق معتقدات خود در نظر بگیرند.

۴- هیچ یک از اجزاء این ماده نباید بنحوی تفسیر شود که از آزادی افراد و اشخاص برای تاسیس و اداره نهادهای آموزشی ممانعت کند. (مشروط بر اینکه) آنها همواره تابع رعایت اصولی باشند که در بند ۱ این ماده آمده‌است و نیز مطابق با حداقل میزان آموزشهای دولتی باشد.

ماده چهاردهم

هر دولت عضو این میثاق که در زمان عضویت در قلمرو شهرهای عمده ویا دیگر نواحی تحت حاکمیتش، قادر به تامین آموزش ابتدایی اجباری و رایگان نشده‌است، متعهد می‌گردد که در ظرف ۲ سال یک طرح تفصیلی جهت تحقق و پیشرفت اجرایی اصل آموزش اجباری (ابتدایی) و رایگان برای عموم را در مدت زمانی که در طرح قید شده‌است، تصویب نماید.

اصل پانزدهم

۱- دولتهای عضو این میثاق حقوق زیر را برای هر فرد به رسمیت می‌شناسند:

الف) مشارکت در زندگی فرهنگی

ب) برخورداری از مزایای پیشرفت‌های علمی و کاربردی آن

ج) حمایت از منافع مادی و معنوی که در نتیجه اثر علمی، ادبی و هنری فرد بوجود آمده‌است.

۲- اقداماتی که بوسیله دولتهای عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق در این میثاق بعمل خواهد آمد، شامل اقدامات لازم جهت حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ می‌باشد.

۳- دولتهای عضو این میثاق متعهد می‌گردند که آزادیهای لازم را جهت انجام تحقیقات علمی و فعالیتهای مبتکرانه، محترم شمارند.

۴- دولتهای عضو این میثاق، به منافع حاصل از تشویق و توسعه تماسها و همکاریهای بین المللی در زمینه‌های فرهنگی و علمی معترف هستند.

قسمت چهارم

ماده شانزدهم

۱- بنابر مقررات این قسمت از میثاق، دولتهای عضو متعهد میگردند، اقداماتی را که جهت پیشرفتها و دستاورد هائی که در مورد حقوق شناخته شده در این میثاق بعمل آورده‌اند، گزارش کنند.

۲- (الف) تمام گزارشها می‌باید به دبیر کل سازمان ملل متحد، ارایه گردد. (او) طبق مقررات این میثاق رونوشت گزارشها را جهت بررسی به شورای اقتصادی و اجتماعی ارسال می‌دارد.

(ب) همچنین دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت گزارشها و یا گزارش هر قسمت مربوطه و دریافتی از دولتهای عضو میثاق که (خود نیز) تا زمان ارائه آن گزارشها عضو نهادهای تخصصی بودند و یا قسمتهایی از گزارشهایی را که در ارتباط با موضوعاتی که بنابر اساسنامه در (حوزه) مسئولیت موسسات مزبور، واقع شده‌است را به نهادهای تخصصی ارسال می‌دارد.

ماده هفدهم

۱- دولتهای عضو این میثاق، گزارشهای خود را مرحله به مرحله طبق برنامه‌ای که بوسیله شورای اقتصادی، اجتماعی تنظیم شده‌است و بعد از مشاوره با دولتها و موسسات تخصصی مربوطه، در ظرف یکسال از تاریخ به قدرت اجرایی درآمدن این میثاق تقدیم خواهد کرد.

۲- گزارشها باید عوامل و مشکلاتی که روی میزان اجرایی تعهدات مقرر شده در این میثاق، اثر گذاشته‌است را نشان دهد.

۳- در جاییکه اطلاعات مربوطه قبلا بوسیله دولت عضو این میثاق به سازمان ملل و یا هر موسسه تخصصی فرستاده شده‌است، تهیه دوباره اطلاعات مزبور، ضرورتی نخواهد داشت اما اشاره دقیق به اطلاعات تهیه شده کافی خواهد بود.

ماده هیجدهم

شورای اقتصادی، اجتماعی بموجب مسئولیتهایی که بنابر منشور سازمان ملل در زمینه حقوق بشر و آزادیهای اساسی، دارد، می‌تواند با موسسات تخصصی و در ارتباط با گزارش آنها مبنی بر پیشرفتهایی که در حوزه فعالیتهایشان جهت دستیابی به قوانین این میثاق انجام داده‌اند، تماس حاصل نماید. این گزارشها ممکن است شامل تصمیمات و توصیه‌های ویژه‌ای در خصوص عملیاتی باشد که توسط سازمانهای صلاحیت دار به تصویب رسیده‌است.

ماده نوزدهم

شورای اقتصادی، اجتماعی می‌تواند گزارشهای مربوط به حقوق بشر پذیرفته شده بوسیله دولتها، طبق مواد ۱۶ و ۱۷ و موسسات تخصصی، طبق ماده ۱۸ را جهت (بررسی) و مطالعه و توصیه کلی یا در صورت مقتضی برای اطلاع به کمیسیون حقوق بشر ارسال دارد.

ماده بیستم

دولتهای عضو این میثاق و موسسات تخصصی مربوطه می‌توانند نظرات (خود را) در مورد هر توصیه کلی بنابر ماده ۱۹ یا هر گزارش کمیسیون حقوق بشر و یا هر سندی که در این زمینه به آن ارجاع شده‌است را به شورای اقتصادی، اجتماعی ارایه دهند.

ماده بیست و یکم

شورای اقتصادی و اجتماعی، هرازگاهی می‌تواند گزارشهایی همراه با توصیه‌های کلی و یا خلاصه اطلاعات رسیده از دولتهای عضو این میثاق و یا موسسات تخصصی که اقداماتی در جهت رعایت و دستیابی و پیشرفت به حقوق شناخته شده در این میثاق انجام داده‌اند، به مجمع عمومی ارایه می‌دارد.

ماده بیست و دوم

شورای اقتصادی و اجتماعی میتواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد را و یا ارکان فرعی و موسسات تخصصی مربوطه را که دارای (مسیولیتهای) کمک رسانی فنی هستند، به موضوعاتی که مربوط به این بخش از میثاق میباشد و در گزارش‌ها به آنها اشاره شده‌است، جلب نماید. این ارکان ممکن است هر کدام در زمینه صلاحیت خود و در جهت کمک کردن به پیشرفت و اجرای موثر این میثاق و لزوم اقدامات بین المللی در این باره اظهار نظر نمایند.

ماده بیست و سوم

دولتهای عضو این میثاق می‌پذیرند که اقدامات بین المللی را جهت دستیابی به حقوق شناخته شده در این میثاق که شامل روشهایی (در مورد) انعقاد میثاق‌ها، تصویب توصیه نامه‌ها، ارایه کمکهای فنی و (تشکیل) نشستهای منطقه‌ای و نشستهای فنی بمنظور مشاوره و مطالعه سازمان یافته با دولتهای مربوطه‌است، بعمل آورند.

ماده بیست و چهارم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه‌های موسسات تخصصی که تعیین کننده مسیولیتهای گوناگون ویژه سازمان ملل هستند و (نیز) موسسات تخصصی مربوط به موضوعهای این میثاق، آسیبی وارد آورد.

ماده بیست و پنجم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که به حق ذاتی تمام مردم جهت برخورداری و استفاده کامل و آزادانه از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان، آسیبی وارد آورد.

بخش پنجم

ماده بیست و ششم

۱- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان ملل و یا عضو هر یک از موسسات تخصصی آن و یا هر دولت عضو (متعهد به) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولتی که (از طرف) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شود تا عضو این میثاق گردد، آماده میباشد.

۲- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر دولت) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۳- این میثاق بنابر بند اول این ماده برای پیوستن (وارد شدن) هر دولتی، آماده میباشد.

۴- پیوستن بوسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.

۵- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهایی که این میثاق را امضاء کرده‌اند و یا به آن پیوسته‌اند را از سپرده شدن هر سند تصویبی یا الحاقی آگاه خواهد کرد.

ماده بیست و هفتم

۱- این میثاق سه ماه پس از تاریخ سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

۲- برای هر دولتی که این میثاق را پس از سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی، تصویب کند یا به آن بپیوندد، این میثاق ۳ ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویبی یا الحاقی برای آن دولت لازم الاجرا خواهد شد.

ماده بیست و هشتم

مقررات این میثاق بدون محدودیت و استثنایی، شامل تمام واحدهای دولتهای فدرال (دولتهای هم پیمان) میباشد.

ماده بیست و نهم

۱- هر دولت عضو این میثاق میتواند اصلاحیه‌ای پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاحی پیشنهاد شده‌ای را به دولتهای عضو ارسال میدارد و از آنها درخواست میکند که به او اعلام دارند، مایلند کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور بررسی و تصمیم گیری (اخذ رای) در باره طرحهای پیشنهادی، تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل، کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد پذیرش اکثریت دولتهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲- اصلاحات زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوسوم دولتهای عضو، آنرا بنابر روند قانونگذاری خود پذیرفته باشند.

۳- وقتیکه اصلاحات، قدرت اجرایی پیدا میکنند، برای آن دسته از دولتهایی که آنرا پذیرفته‌اند (اجرای) آن الزامی خواهد شد و سایر دولتهای عضو بنابر مقررات این میثاق به هر گونه اصلاحیه‌ای که قبلا آنرا پذیرفته‌اند، موظف می‌باشند.

ماده سی ام

صرف نظر از اطلاعیه‌های صادر شده در بند ۵ ماده ۲۶، دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ویژه زیر را به تمام دولتهای مذکور در بند ۱ همان ماده، اطلاع خواهد داد:

الف) امضاءها، مصوبه‌ها و پیوستها بنابر ماده ۲۶

ب) تاریخ قدرت اجرایی این میثاق بنابر ماده ۲۷ و تاریخ قدرت اجرایی اصلاحات بنابر ماده ۲۹

ماده سی یکم

۱- متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی این میثاق از اعتباری برابر برخوردار است و آنها در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت تایید شده این میثاق را برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۲۶ ارسال خواهد کرد.*

* دولت ایران در آذر ماه ۱۳۵۱ این میثاق را ابتدا در مجلس شورای ملی بتصویب رساند و سپس آنرا در اردیبهشت ۱۳۵۴ بدون هیچ حق شرط و تحفظی از تصویب مجلس سنا گذراند. (رجوع شود به مجموعه قوانین سال ۱۳۵۴ چاپ روزنامه رسمی، ص۷۵، ۴۴۵)

منبع: سایت دیدگاه

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحدمصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ – قطعنامه شماره ۲۲۰۰ – Aقدرت اجرایی بنابر ماده ۲۷، سوم ژانویه ۱۹۷۶ (دیماه ۱۳۵۴)
دیباچه:دولتهای عضو این میثاق:با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده‌است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، •< نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان میباشد،با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، برخورداری از آزادی و رهایی از ترس میباشد. این خواست در صورتی میسر میشود که هر کس از حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود و همچنین از حقوق سیاسی و مدنی برخوردار گردد. با توجه به منشور ملل متحد، دولتها متعهد برعایت و احترام به حقوق و آزادیهای انسان وترویج آنها در سراسر جهان میباشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای وظائفی هستند و برای تحقق بخشیدن و ترویج و رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق مسئول میباشند، (دولتهای عضو این میثاق) مواد زیر را پذیرفته‌اند:

بخش یکم ماده اول۱- تمام ملتها حق خودمختاری دارند. بواسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین میکنند.۲- تمام ملتها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاریهای اقتصادی بین المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین المللی، آزادانه (منعقد شده‌است) ثروتها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند. در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.۳- دولتهای عضو این میثاق، از جمله دولتهای مسئول اداره دولتهای مستعمره و تحت قیمومت، باید در تحقق بخشیدن حق خودمختاری و احترام گذاشتن به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند.

بخش دوم ماده دوم۱- هردولت عضو این میثاق متعهد میگردد که بطور انفرادی و یا از طریق همکاریهای بین المللی، بویژه اقتصادی، فنی و با (استفاده از) حداکثر منابع موجود و با کلیه وسائل مناسب بویژه ابزارهای قانونگذاری در جهت دستیابی و تحقق کامل حقوق شناخته شده در این میثاق، اقدام نماید.۲- دولتهای عضو این میثاق متعهد می‌گردند که حقوق اعلام شده در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگر یا اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، دارایی، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین و اعمال نمایند.۳- دولتهای در حال رشد با توجه به حقوق بشر و (وضعیت) اقتصاد ملی خودشان تعیین میکنند که تا چه اندازه حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق را در مورد اتباع بیگانه تضمین خواهند کرد.ماده سومدولتهای عضو این میثاق متعهد می‌شوند که حق مساوی مردان و زنان را در برخورداری از تمام حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در این میثاق آمده، تامین نمایند. ماده چهارمدولتهای عضو این میثاق، تصدیق میکنند که در برخورداری از حقوقی که مطابق این میثاق برای دولت (عصوی) مقرر شده‌است، آن دولت نمیتواند این حقوق را تابع محدودیتهائی نماید، مگر محدودیتها بموجب قانون و در تطابق با ماهیت حقوق مذکور و بمنظور توسعه رفاه عمومی در یک جامعه دمکراتیک اعمال گردد.ماده پنجم۱- هیچیک (از مواد) این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که بموجب آن حقی برای دولتی یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق شود و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش بینی شده‌است، ایجاد نماید.۲- هیچ شرط (محدودیتی) یا عدول از حقوق اساسی بشر که در قوانین (عرف)، پیمان نامه‌ها، آیین نامه‌ها و یا رسوم هر یک از دولتهای عضو این پیمان شناخته شده‌است و یا وجود دارد، به بهانه اینکه در این میثاق (آن حقوق) برسمیت شناخته نشده‌است و یا به میزان کمتری برسمیت شناخته شده‌است، پذیرفته نخواهد بود.

بخش سوم ماده ششم۱- دولتهای عضو این میثاق، حق کار کردن را که شامل حق فرصت داشتن در انتخاب آزاد یا قبول شغلی جهت تامین معاش خود است، برسمیت می‌شناسند و اقدامات مناسب را در این جهت بعمل

خواهد آورد.۲- اقداماتی که بوسیله دولت عضو این میثاق جهت دستیابی و تحقق کامل این حقوق بعمل میاید، شامل راهنمایی، تربیت فنی و حرفه‌ای، طرح و برنامه‌ها، روشها و تدابیر فنی جهت دستیابی به توسعه مستمر و مداوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اشتغال کامل و سودآور و تحت شرایطی که آزادیهای سیاسی و اقتصادی افراد حفظ گردد، میباشند.ماده هفتمدولتهای عضو این میثاق حق هر فرد را در برخورداری از شرایط عادلانه و مساعد کار بویژه نسبت به حقوق زیر، برسمیت می‌شناسند:الف: حداقل مزد که برای کارگران مقرر می‌باشد:۱- دستمزد منصفانه و پاداش برای کار با ارزش مساوی بدون هیچگونه تمایز، بویژه برای زنان تضمین شود که شرایط کار آنها پایین تر از شرایط و مزایای مردان نباشد و آنها برای کار مساوی (با مردان) دستمزد مساوی دریافت می‌دارند.۲- معاشی شایسته برای آنها و خانواده شان طبق مقررات این میثاقب: شرایط بهداشتی و ایمنی کار. ج: ایجاد فرصتهای مساوی برای هر کس که بتواند (موقعیت) شغلی خود را به مدارج مناسب و بالاتر بدون هیچ ملاحظاتی جزء سابقه خدمت و شایستگی، ارتقاء دهد.ه : استراحت، فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های متناوب با استفاده از دستمزد و همچنین مزد برای تعطیلات رسمی.ماده هشتم۱- دولتهای عضو این میثاق متعهد و متضمن میگردند که:الف: هر کس حق تشکیل اتحادیه صنفی و یا پیوستن به اتحادیه صنفی با انتخاب خود را دارد. (تشکیل و یا پیوستن به اتحادیه) بمنظور دستیابی و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی فرد است. هیچ محدودیتی جهت اعمال این حق وجود ندارد مگر آنکه (این محدودیتها) در یک جامعه دمکراتیک، برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد و بوسیله قانون صورت گیرد.ب: اتحادیه‌ها حق دارند که فدراسیونها و یا کنفدراسیون‌های ملی تشکیل دهند و نیز ازحق پیوستن به سازمانها و اتحادیه‌های بین المللی برخوردار باشند.ج : اتحادیه‌ها بدون هیچ محدودیتی حق فعالیت آزاد دارند مگر آنکه (این محدودیتها) بموجب قانون باشد و (وجود آنها) در یک جامعه دموکراتیک و برای مصالح و امنیت ملی یا نظم عمومی و یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد.د: حق اعتصاب مشروط به رعایت مقررات ویژه دولت است.۲- این ماده مانع از آن نخواهد شد که افراد نیروهای مسلح یا پلیس یا مقامات دولتی در (رعایت) اعمال این حقوق متحمل محدودیتهای قانونی شوند.۳- هیچیک از مقررات این ماده، دولتهای عضو میثاق سازمان بین المللی کار۱۹۴۸ که (مواد آن) برمبنای آزادی تشکیل انجمن و حمایت از حق سازماندهی است را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ اقدامات قانونی و یا اجرای قوانینی در صدد آسیب رساندن به تضمین‌های پیش بینی شده این میثاق برآیند.ماده نهمدولتهای عضو این میثاق حق تامین اجتماعی که شامل بیمه‌های اجتماعی هر فرد است را برسمیت می‌شناسند.ماده دهمدولتهای عضو این میثاق (موارد زیر) را به رسمیت می‌شناسند:۱- خانواده که عنصر طبیعی و رکن بنیادین جامعه‌است باید تا حد امکان از محافظت و مساعدت گسترده برخوردار گردد، بویژه تا زمانیکه (خانواده) مسئولیت نگاهداری و تربیت کودکان را به عهده دارد. (همچنین) ازدواج باید با رضایت آزادانه و تمایل همسران منعقد گردد. ۲- مادران میباید پیش از زایمان و پس از آن و در مدت زمان معقول و مناسب از حمایتهای ویژه‌ای برخوردار گردند. در خلال این مدت مادران شاغل می‌بایست از مرخصی با حقوق و مزایای تامین اجتماعی کافی برخوردار باشند.۳- اقدامات ویژه و بدون تبعیض مانند نسب و یا وضعیتهای دیگر در حمایت و مساعدت به تمام کودکان و افراد جوان باید بعمل آید. کودکان و افراد جوان باید در مقابل بهره برداری(استثمار) اقتصادی و اجتماعی محافظت شوند. اگر استخدام آنان برای اخلاق و سلامتی آنها زیان آور است و یا زندگی آنان را به مخاطره می‌اندازد و یا مانع از رشد طبیعی آنان می‌گردد، چنین استخدامی طبق قانون قابل مجازات میباشد. دولتها همچنین باید حدود سنی(استخدامی برای کودکان) تعیین کنند تا استخدام کمتر از آن (سن) انجام نگیرد. استخدام کودک به عنوان کارگر بموجب قانون ممنوع است و قابل مجازات می‌باشد.ماده یازدهم۱- دولتهای عضو این میثاق، حق داشتن یک زندگی با معیارهای قابل قبول برای هر فرد و خانواده اش را که شامل خوراک، پوشاک کافی و مسکن و ادامه بهبود شرایط زندگی است، برسمیت می‌شناسند. دولتهای عضو این میثاق اقدامات مناسب را جهت تامین و تحقق این حق بعمل خواهند آورد و ضرورت اهمیت همکاریهای بین المللی را بر اساس رضایت آزادانه (طرفین) خواهند پذیرفت.۲- دولتهای عضو این میثاق، حق اساسی هر فرد را که گرسنه نباشد، برسمیت می‌شناسند و اقدامات فردی و یا از طریق همکاری بین المللی را که شامل برنامه‌های مشخص و مورد احتیاج زیر میباشد، بعمل خواهند آورد.الف: بهبود روشهای تولیدی، نگهداری و توزیع غذا با استفاده کامل از دانش فنی و علمی، انتشار و اشاعه دانش و اصول تغذیه، توسعه و یا اصلاح نظام زراعی بمنظور دستیابی به حداکثر تولید موثر و استفاده از منابع طبیعی.ب: تامین عادلانه توزیع فرآورده‌های غذایی جهان بر حسب احتیاج و اهمیت دادن به مسایل واردات و صادرات غذای دولتها.ماده دوازدهم۱- دولتهای عضو این میثاق حق هر فرد را برای دستیابی و برخورداری از بالاترین (وضعیت) سلامت جسمی و روحی، برسمیت

می‌شناسند.۲- اقداماتی که دولتهای عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق اعمال مینمایند شامل (اقدامات) زیر میباشد:الف: اقداماتی در جهت توسعه و رشد سلامت کودکان و پایین آوردن میزان مرگ و میر آنها.ب: بهبود تمام جوانب بهداشت محیط (زیست) و بهداشت صنعتی.ج : پیش گیری و معالجه و کنترل بیماریهای همه گیر بومی (محلی)، حرفه‌ای و سایر امراضد : ایجاد شرایطی جهت تامین تمام خدمات و مراقبتهای پزشکی در مواقع بیماریماده سیزدهم۱- دولتهای عضو این میثاق، حق هر فرد را جهت برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. آنها می‌پذیرند که آموزش و پرورش میباید در جهت توسعه کامل شخصیت و حیثیت انسان و احترام فرد به حقوق بشر و آزادیهای اساسی تقویت و هدایت شود. همچنین آنها می‌پذیرند که آموزش و پرورش میتواند شرکت فعال و موثر افراد در یک جامعه آزاد و در فضای تفاهم، مدارا و دوستی بین تمام ملتها و گروههای نژادی، قومی یا مذهبی و همچنین فعالیتهای سازمان ملل جهت برقرار ساختن صلح را تحقق بخشد.۲- دولتهای عضو این میثاق، دستیابی و تحقق کامل به حقوق زیر را اذعان دارند:الف: آموزش ابتدایی باید برای همه اجباری و رایگان باشد.ب : آموزش متوسطه با اشکال مختلف آن که شامل آموزش فنی و حرفه‌ای متوسطه‌است، باید بوسیله ابزارهای مناسب، بویژه در جهت معمول کردن (آموزش) رایگان برای همه فراهم و قابل دسترس باشد.ج : آموزش عالی باید بوسیله ابزارهای مناسب بویژه در جهت معمول نمودن آموزش رایگان و بر اساس استعداد و صلاحیت، بطور مساوی قابل دسترس باشد.د : آموزش پایه‌ای برای افرادی که دوره آموزش ابتدایی خود را طی نکرده‌اند و یا تکمیل ننموده‌اند باید تا حد ممکن تشویق و تشدید گردد.ه : گسترش و توسعه سیستم مدارس باید در تمامی سطوح و بطور فعالانه دنبال شود تا یک نظام بورسیه‌ای مناسب تاسیس گردد و همچنین شرایط مادی کارمندان آموزشی باید بطور مدام بهبود یابد.۳- دولتهای عضو این میثاق متعهد میگردند که حق آزادی و اختیار والدین و سرپرستان قانونی را برای انتخاب مدارس کودکانشان غیر از (مدارسی) که بوسیله دولت تاسیس شده‌است (به شرط) تطبیق دادن با حداقل موازین آموزشی که دولت تنظیم و تصویب کرده‌است، تضمین کنند و نیز حقوق والدین را جهت آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان برطبق معتقدات خود در نظر بگیرند.۴- هیچ یک از اجزاء این ماده نباید بنحوی تفسیر شود که از آزادی افراد و اشخاص برای تاسیس و اداره نهادهای آموزشی ممانعت کند. (مشروط بر اینکه) آنها همواره تابع رعایت اصولی باشند که در بند ا این ماده آمده‌است و نیز مطابق با حداقل میزان آموزشهای دولتی باشد. ماده چهاردهمهر دولت عضو این میثاق که در زمان عضویت در قلمرو شهرهای عمده ویا دیگر نواحی تحت حاکمیتش، قادر به تامین آموزش ابتدایی اجباری و رایگان نشده‌است، متعهد می‌گردد که در ظرف ۲ سال یک طرح تفصیلی جهت تحقق و پیشرفت اجرایی اصل آموزش اجباری (ابتدایی) و رایگان برای عموم را در مدت زمانی که در طرح قید شده‌است، تصویب نماید. اصل پانزدهم۱- دولتهای عضو این میثاق حقوق زیر را برای هر فرد به رسمیت می‌شناسند:الف) مشارکت در زندگی فرهنگیب) برخورداری از مزایای پیشرفت‌های علمی و کاربردی آن ج) حمایت از منافع مادی و معنوی که در نتیجه اثر علمی، ادبی و هنری فرد بوجود آمده‌است. ۲- اقداماتی که بوسیله دولتهای عضو برای دستیابی و تحقق کامل این حقوق در این میثاق بعمل خواهد آمد، شامل اقدامات لازم جهت حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ می‌باشد.۳- دولتهای عضو این میثاق متعهد می‌گردند که آزادیهای لازم را جهت انجام تحقیقات علمی و فعالیتهای مبتکرانه، محترم شمارند.۴- دولتهای عضو این میثاق، به منافع حاصل از تشویق و توسعه تماسها و همکاریهای بین المللی در زمینه‌های فرهنگی و علمی معترف هستند.

قسمت چهارم ماده شانزدهم۱- بنابر مقررات این قسمت از میثاق، دولتهای عضو متعهد میگردند، اقداماتی را که جهت پیشرفتها و دستاورد هائی که در مورد حقوق شناخته شده در این میثاق بعمل آورده‌اند، گزارش کنند. ۲- (الف) تمام گزارشها می‌باید به دبیر کل سازمان ملل متحد، ارایه گردد. (او) طبق مقررات این میثاق رونوشت گزارشها را جهت بررسی به شورای اقتصادی و اجتماعی ارسال می‌دارد.(ب) همچنین دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت گزارشها و یا گزارش هر قسمت مربوطه و دریافتی از دولتهای عضو میثاق که (خود نیز) تا زمان ارائه آن گزارشها عضو نهادهای تخصصی بودند و یا قسمتهایی از گزارشهایی را که در ارتباط با موضوعاتی که بنابر اساسنامه در (حوزه) مسئولیت موسسات مزبور، واقع شده‌است را به نهادهای تخصصی ارسال می‌دارد. ماده هفدهم۱- دولتهای عضو این میثاق، گزارشهای خود را مرحله به مرحله طبق برنامه‌ای که بوسیله شورای اقتصادی، اجتماعی تنظیم شده‌است و بعد از مشاوره با دولتها و موسسات تخصصی مربوطه، در ظرف یکسال از تاریخ به قدرت اجرایی درآمدن این میثاق تقدیم خواهد کرد.۲- گزارشها باید عوامل و مشکلاتی که روی میزان اجرایی تعهدات مقرر شده در این میثاق، اثر گذاشته‌است را نشان دهد.۳- در جاییکه

اطلاعات مربوطه قبلا بوسیله دولت عضو این میثاق به سازمان ملل و یا هر موسسه تخصصی فرستاده شده‌است، تهیه دوباره اطلاعات مزبور، ضرورتی نخواهد داشت اما اشاره دقیق به اطلاعات تهیه شده کافی خواهد بود. ماده هیجدهمشورای اقتصادی، اجتماعی بموجب مسئولیتهایی که بنابر منشور سازمان ملل در زمینه حقوق بشر و آزادیهای اساسی، دارد، می‌تواند با موسسات تخصصی و در ارتباط با گزارش آنها مبنی بر پیشرفتهایی که در حوزه فعالیتهایشان جهت دستیابی به قوانین این میثاق انجام داده‌اند، تماس حاصل نماید. این گزارشها ممکن است شامل تصمیمات و توصیه‌های ویژه‌ای در خصوص عملیاتی باشد که توسط سازمانهای صلاحیت دار به تصویب رسیده‌است. ماده نوزدهمشورای اقتصادی، اجتماعی می‌تواند گزارشهای مربوط به حقوق بشر پذیرفته شده بوسیله دولتها، طبق مواد ۱۶ و ۱۷ و موسسات تخصصی، طبق ماده ۱۸ را جهت (بررسی) و مطالعه و توصیه کلی یا در صورت مقتضی برای اطلاع به کمیسیون حقوق بشر ارسال دارد.ماده بیستمدولتهای عضو این میثاق و موسسات تخصصی مربوطه می‌توانند نظرات (خود را) در مورد هر توصیه کلی بنابر ماده ۱۹ یا هر گزارش کمیسیون حقوق بشر و یا هر سندی که در این زمینه به آن ارجاع شده‌است را به شورای اقتصادی، اجتماعی ارایه دهند.ماده بیست و یکمشورای اقتصادی و اجتماعی، هرازگاهی می‌تواند گزارشهایی همراه با توصیه‌های کلی و یا خلاصه اطلاعات رسیده از دولتهای عضو این میثاق و یا موسسات تخصصی که اقداماتی در جهت رعایت و دستیابی و پیشرفت به حقوق شناخته شده در این میثاق انجام داده‌اند، به مجمع عمومی ارایه می‌دارد.ماده بیست و دومشورای اقتصادی و اجتماعی میتواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد را و یا ارکان فرعی و موسسات تخصصی مربوطه را که دارای (مسیولیتهای) کمک رسانی فنی هستند، به موضوعاتی که مربوط به این بخش از میثاق میباشد و در گزارش‌ها به آنها اشاره شده‌است، جلب نماید. این ارکان ممکن است هر کدام در زمینه صلاحیت خود و در جهت کمک کردن به پیشرفت و اجرای موثر این میثاق و لزوم اقدامات بین المللی در این باره اظهار نظر نمایند.ماده بیست و سومدولتهای عضو این میثاق می‌پذیرند که اقدامات بین المللی را جهت دستیابی به حقوق شناخته شده در این میثاق که شامل روشهایی (در مورد) انعقاد میثاق‌ها، تصویب توصیه نامه‌ها، ارایه کمکهای فنی و (تشکیل) نشستهای منطقه‌ای و نشستهای فنی بمنظور مشاوره و مطالعه سازمان یافته با دولتهای مربوطه‌است، بعمل آورند.ماده بیست و چهارمهیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه‌های موسسات تخصصی که تعیین کننده مسیولیتهای گوناگون ویژه سازمان ملل هستند و (نیز) موسسات تخصصی مربوط به موضوعهای این میثاق، آسیبی وارد آورد.ماده بیست و پنجمهیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که به حق ذاتی تمام مردم جهت برخورداری و استفاده کامل و آزادانه از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان، آسیبی وارد آورد.

بخش پنجم ماده بیست و ششم۱- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان ملل و یا عضو هر یک از موسسات تخصصی آن و یا هر دولت عضو (متعهد به) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولتی که (از طرف) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شود تا عضو این میثاق گردد، آماده میباشد.۲- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر دولت) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.۳- این میثاق بنابر بند اول این ماده برای پیوستن (وارد شدن) هر دولتی، آماده میباشد.۴- پیوستن بوسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.۵- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهایی که این میثاق را امضاء کرده‌اند و یا به آن پیوسته‌اند را از سپرده شدن هر سند تصویبی یا الحاقی آگاه خواهد کرد.ماده بیست و هفتم۱- این میثاق سه ماه پس از تاریخ سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.۲- برای هر دولتی که این میثاق را پس از سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی، تصویب کند یا به آن بپیوندد، این میثاق ۳ ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویبی یا الحاقی برای آن دولت لازم الاجرا خواهد شد.ماده بیست و هشتممقررات این میثاق بدون محدودیت و استثنایی، شامل تمام واحدهای دولتهای فدرال (دولتهای هم پیمان) میباشد.ماده بیست و نهم۱- هر دولت عضو این میثاق میتواند اصلاحیه‌ای پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاحی پیشنهاد شده‌ای را به دولتهای عضو ارسال میدارد و از آنها درخواست میکند که به او اعلام دارند، مایلند کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور بررسی و تصمیم گیری (اخذ رای) در باره طرحهای پیشنهادی، تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل، کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد پذیرش اکثریت دولتهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.۲-

اصلاحات زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوسوم دولتهای عضو، آنرا بنابر روند قانونگذاری خود پذیرفته باشند.۳- وقتیکه اصلاحات، قدرت اجرایی پیدا میکنند، برای آن دسته از دولتهایی که آنرا پذیرفته‌اند (اجرای) آن الزامی خواهد شد و سایر دولتهای عضو بنابر مقررات این میثاق به هر گونه اصلاحیه‌ای که قبلا آنرا پذیرفته‌اند، موظف می‌باشند.ماده سی امصرف نظر از اطلاعیه‌های صادر شده در بند ۵ ماده ۲۶، دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ویژه زیر را به تمام دولتهای مذکور در بند ۱ همان ماده، اطلاع خواهد داد:الف) امضاءها، مصوبه‌ها و پیوستها بنابر ماده ۲۶ب) تاریخ قدرت اجرایی این میثاق بنابر ماده ۲۷ و تاریخ قدرت اجرایی اصلاحات بنابر ماده ۲۹ماده سی یکم۱- متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی این میثاق از اعتباری برابر برخوردار است و آنها در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت تایید شده این میثاق را برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۲۶ ارسال خواهد کرد.*
* دولت ایران در آذر ماه ۱۳۵۱ این میثاق را ابتدا در مجلس شورای ملی بتصویب رساند و سپس آنرا در اردیبهشت ۱۳۵۴ بدون هیچ حق شرط و تحفظی از تصویب مجلس سنا گذراند. (رجوع شود به مجموعه قوانین سال ۱۳۵۴ چاپ روزنامه رسمی، ص۷۵، ۴۴۵)

ترجمه: سایت دیدگاه

—

ایران می‌تواند شگفتی‌ساز باشد
گزارش سالانه عرصه سوم در سال 2013

2014-06-03 · Archive ID 5682
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5682

برت تاکن رئیس سازمان عرصه سوم در نامه‌ای که به مناسبت چهارمین سال فعالیت این سازمان منتشر شده گفته است ایران می‌تواند شگفتی ساز باشد.

وی در مقدمه‌ای که برای چهارمین گزارش سالانه عرصه سوم نوشته اشاره کرده است."یکسال پیش نوشتم ایران می‌تواند شگفتی‌ساز باشد. هنوز هم به صحت این نوشته اطمینان دارم و مطمئنم بسیاری از شما نیز آن موافقید."
به گفته آقای تاکن، دری که به روی جامعه مدنی بسته شده بود، با شکافی که پس از پیروزی غیر قابل پیش بینی حسن روحانی در دور اول انتخابات روی داد، بار دیگر گشوده شد. انتخاب او امید بسیاری را افزایش داد، فضای تنفس مردم ایران را باز و پیوستگی جامعه ایران را به جامعه جهانی طنین انداز کرد.
رئیس سازمان عرصه سوم می‌نویسد:"جامعه مدنی اکنون برای بازتر این فضا فشار می‌آورد. مردم ایران روزانه برای بهتر شدن جامعه خویش تلاش می‌کنند. آنان صدای خود را علیه تخریب محیط زیست، حجاب اجباری و فقر بلندتر می‌کنند. آنان برای اطمینان از دستیابی مردم نیازمند به دارو تلاش می‌کنند. آنان برای عدالت و حقوق و مطالبات خویش مبارزه می‌کنند.
و دولت منتخب آنان به سرعت برای تدوین سندی برای حقوق شهروندان دست به کار شد.
از سوی دیگر، اعدام‌های سریع و نقض حقوق اقلیت‌ها به منظور بی اثر ساختن تلاش‌های دولت نیز ادامه یافت و البته با مخالفت و اعتراض سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا روبرو شد. بدون شک فعالیت گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران هرگز به میزان تلاش‌های امروز در جامعه ایران اهمیت نداشته است. کاری گزارشگر سازمان ملل صورت می دهد حمایت از فعالان مدنی است که آزادی خود را در چالش با تخلفات و آسیب‌های جامعه به مخاطره می‌اندازند. اما بدون تلاش‌های داخلی، جامعه بین المللی اقدام ناچیزی می‌تواند صورت دهد.

سال 2013 سال پرکاری برای عرصه سوم بود. سالی توام با همکاری، مشارکت و کاوش. در این سال ما 18 فعال و کارشناس را دور هم جمع کردیم تا درباره جامعه مدنی در ایران بحث کنیم و یک راهبرد را برای برداشتن گامی به جلو برای اثرگذارتر شدن عرصه سوم تعیین کنیم. ما زمان قابل ملاحظه‌ای را صرف کردیم تا جامعه

ایران را رصد و نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی کرده و فرصت‌ها برای گفت و گو با بازیگران و سازمان های جامعه مدنی در داخل و خارج ایران را بیازمائیم.
در سال 2014 و 2015، ما می‌خواهیم تا از شما بشنویم، شما که مخاطب ما هستید. با ما گفت و گو کنید و به ما بگویید به چه کمک هایی نیاز دارید و ما چگونه می‌توانیم بهتر عمل کنیم. ما می‌شنویم."

عرصه سوم همچنین در گزارش سالانه خویش ضمن برشمردن رویدادهای مهم جامعه مدنی ایران در سال 2013، فعالیت‌ها و همچنین هزینه‌های مالی صرف شده این سازمان را گزارش کرده است
این گزارش ابتدا به توقف اجرای سیاست کنترل جمعیت اشاره کرده و به سیاست جدید افزایش جمعیت در ایران پرداخته است .
در بخشی از این گزارش می‌خوانید: "جامعه مدنی در سال 2013 سالی پر از حادثه و مخاطره بود. جامعه‌ای که آمار جوانان با سوادش از 56.45 درصد در سال 1976 به 98.66 در سال 2008 رسیده است. این آمار یکی از علائم موفقیت ایران در برنامه کنترل جمعیت بود. اما در سال 2013، این برنامه تغییر کرد و جای خود را به سیاست افزایش جمعیت داد. برنامه های پیشگیری از بارداری در مراکز بهداشت متوقف شد و خانواده‌ها به داشتن فرزندان بیشتر تشویق شدند.
مشکلات زیست محیطی نیز از دیگر چالش‌های سال 2013 بود. خشک شدن دریاچه ارومیه که از سال 2010 با اعتراض فعالان و طرفداران محیط زیست روبرو شده بود، واکنش سازمان ملل را نیز به دنبال داشت. در سال 2013، سازمان ملل در گزارشی که توسط "گری لویس" تهیه شد نوشت:" اتفاقی که برای این دریاچه روی داده است نمونه‌ای است از آن چه چگونه زیستگاه در هر جای زمین می تواند به دست ما انسان‌ها نابود شود."
آلودگی هوا نیز از دیگر معضلات سال 2013 بود. به طوری که سه شهر اهواز، سنندج کرمانشاه در لیست 10 شهر آلوده جهان قرار داشتند. فقط در یک روز، 3000 تن از مردم اهواز بخاطر مشکلات تنفسی به بیمارستان مراجعه کردند.
انتخابات ریاست جمهوری از دیگر وقایع مهم سال 2013 بود. در این انتخابات 684 تن از جمله 30 زن نامزد انتخابات شدند اما تنها صلاحیت 8 تن تایید شد.
دو زلزله نسبتا شدید در جنوب و جنوب شرق ایران تلفات مالی و جانی هر چند محدود به دنبال داشت. در واکنش به این حوادث، برخی از ایرانیان خارج از کشور از طریق موسسات امداد رسان برای کمک به آسیب دیدگان به ایران سفر و کوشیدند تا موانع کمک رسانی ناشی از تحریم ها را با کمک های مالی خود را پوشش دهند. واکنش‌ها و فشارها باعث شد تا آمریکا نیز برخی تحریم ها را برای تسهیل در امر کمک رسانی تعلیق کند.
در سال 2013، 665 تن در ایران اعدام شدند اما مقامات رسمی تنها 334 اعدام را اعلام کردند.

عملکرد عرصه سوم در سال 2013
عرصه سوم نیز به دنبال این سال پر رویداد برای جامعه مدنی ، سال پرکاری را پشت سر گذاشت. آمار بازدیدکنندگان از تارنمای عرصه سوم در سال 2013، در مقایسه با سال 2012، 125 درصد افزایش داشت.
62000 بار از صفحات عرصه سوم بازدید شد که 41000 هزار بازدید کننده انحصاری داشت.
موضوعاتی چون مسائل زندانیان سیاسی،موضوعات حقوق بشری، فعالیت سازمان‌های مردم نهاد، کمپین‌ها،انتخابات ریاست جمهوری، مسائل زنان،بیانیه‌ها و نامه‌های مدافعان حقوق بشر و همچنین سازمان‌ها و فعالان مدنی،حقوق کودکان، جنبش کارگری و حقوق مربوط به اقلیت‌های قومی و مذهبی، تحریم‌های اقتصادی و نهایتا حقوق شهروندی از موضوعات برجسته‌ای بودند که در تارنمای عرصه سوم به آنها پرداخته شد.
همچنین چهار وئدویوی آموزشی در موضوعات مختلف حقوق بشری و فعالیت‌های مدنی و کمپینی با زیر نویس فارسی در این تارنما به نمایش گذاشته شد.
انتخابات از جمله فعالیت‌های عرصه سوم بود. تهیه 13مقاله پژوهشی در خصوص انتخابات ریاست جمهوری از زاویه‌های مختلف از جمله نقش زنان اقلیت‌ها و نقش نظامیان در انتخابات،سابقه تقلب و جرائم انتخاباتی در ایران در قالب یک پرونده انتخاباتی از جمله فعالیت‌های عرصه سوم در این راستا به شمار می‌رود.
راه اندازی بانک اطلاعاتی سازمان‌های مردم نهاد از دیگر فعالیت‌های مهم عرصه سوم در سال 2013 بود. در این سال، 100 سازمان مردم نهاد در داخل و خارج از ایران با طبقه‌بندی‌هایی چون زنان، کودکان، محیط زیست، فرهنگ و هنر، بیماران میراث فرهنگی مورد ارزیابی قرار گرفت و مشخصات آنان در پایگاه اطلاعاتی ثبت شد.
کمپین دسترسی دیگر فعالیتی بود که با ابتکار عرصه سوم با مشارکت شرکایی چون کمپین بین‌المللی حقوق

بشر برای ایران و همچنین اتحاد برای ایران راه‌اندازی شد.
این کمپین کوشید تا با جمع آوری امضا فعالان مدنی و حقوق بشر در سراسر جهان برای طوماری خطاب به مقامات اروپایی، راهی برای حل مشکل پرداخت پول خرید کالاهای ضروری از جمله دارو باز کند.
برگزاری کارگاه آموزشی آشنایی با نهادهای حقوق بشر اروپایی با مشارکت 14 فعال حقوق بشر از دیگر فعالیت‌هایی بود که از سوی عرصه سوم در این سال صورت گرفت.
تارنمای فارسی عرصه سوم همچنین در این سال مقدمات تدوین یک راهنما برای نویسندگان خود آغاز کرد.

—

منشور شهروندی، کدام تدبیر کدام امید

2014-06-04 · Archive ID 5244
http://iranngodatabase.com/as-fa/?p=5244

عرصه سوم- محمد رضا سرداری: در آستانه 24 خرداد، سالگرد انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری اسلامی ایران بسر می‌بریم. انتخابی که با توجه به رویه مهندسی انتخابات در دولت گذشته، کمتر ناظری می‌توانست آن را پیش بینی کند.

حسن روحانی با شعار اعتدال، تدبیر و امید پا به صحنه انتخابات گذاشت. شعارهایی داد که به مذاق جامعه مدنی خوشایند بود. این شعارها امید را باردیگر در دل زنان، اقلیت‌ها، فعالان حقوق بشر، فعالان سازمان‌های مدنی، زندانیان عقیدتی و خانواده‌های آنان، ایرانیان مهاجر و در مجموع شهروندان خسته از سیاست‌های 8 سال گذشته زنده کرد. همه به تغییری دوباره امیدوار شدند. کف خیابان‌ها .حتی در شهرهای کوچک ایران غرق شادی و سرور شد
به فاصله ای کوتاه از روی کار آمدن دولت روحانی، صرفنظر از انتقادات فراوانی که از تیم همکارش صورت گرفت، نشانه‌هایی از برآورده شدن وعده‌های داده شده یافت شد. فعالان مدنی توانستند فهرست مطالبات خویش را عرضه کنند. در زندان‌ها به سوی برخی از فعالان مدنی گشوده شد.خانه سینما که در دولت گذشته تعطیل شده بود بازگشایی شد یا وعده‌هایی برای بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران داده شد. خبر انتشار چند روزنامه مستقل به گوش رسید. روزنامه آسمان منتشر شد. آمارهای غیر رسمی خبر از تعداد بی‌شماری سمن در فهرست انتظار برای دریافت مجوز داشت. ایران و غرب بر سر مسئله هسته‌ای به توافقی مقدماتی دست یافتند. امیدها برای کاهش و رفع تحریم‌های بین المللی افزایش یافت و نهایتا دولت در صدمین روز فعالیت خویش پیش نویس منشوری را عرضه کرد تا بر اساس آن حقوق شهروندی بازتعریف و از سوی دستگاه‌های دولتی رعایت شود .پیرامون این منشور بحث‌های مفصلی در داخل و خارج از ایران درگرفت. فعالان مدنی و کارشناسان بسیاری از این پیش نویس انتقاد و آن را ناقص و ضعیف توصیف کردند اما ماحصل آن گفتمانی جدی بود که پس از یک سکوت 8 ساله، باردیگر عرصه عمومی ایران را دربر گرفته بود.
اما مدتی است که خبرهای خوش بندرت به گوش می‌رسد. درهای زندان نه تنها گشوده‌تر نشده بلکه سخت‌گیری‌ها و حتی خشونت علیه زندانیان بار دیگر رواج یافته است. برخی از مهاجرین که به تغییرات صورت گرفته امیدوار و عزم بازگشت به وطن کردند اما رهسپار زندان شدند. نقض حقوق فعالان مدنی تداوم یافت و دولت نیز واکنشی چون سکوت نداشت. آمار اعدام‌ها نه تنها کاهش نیافت بلکه بر اساس محاسبات مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، با توجه به آمار ۶۵۴ اعدام در سال ۱۳۹۲، سرانه اعدام در سال گذشته ۲۴ درصد افزایش یافت. بر اساس سرشماری جمعیت در سال ۱۳۹۰ در سال گذشته از هر ۱۱۴ هزار و ۶۲۱ نفر یک تن در ایران اعدام می شود. صدای ناقضان حقوق بشر و مروجان خشونت در جامعه نه تنها کوتاه نشد بلکه رساتر به گوش رسید و امروز به جایی رسیده‌ایم که صراحتا گفته می شود:" شلاق که سهل است با همه قدرت جلوی کسانی که مانع بهشت رفتن مردم شوند خواهیم ایستاد ."
اکنون در آستانه یکمین سال از انتخاب حسن روحانی، شواهد بسیاری نشان می‌دهد حرکت خزنده‌ای علیه دولت مستقر آغاز شده است که قصد دارد تا بار دیگر کشور را به شرایط گذشته بازگرداند. تظاهرات علیه بدحجابی در کشور، اعلام موجودیت جریانی به نام دلواپسان از مجموعه مدیران و نزدیکان دولت گذشته، انتقادات تند و جهت دار روحانیون نزدیک به حکومت از دولت و زیر سئوال بردن توافق مقدماتی ایران و غرب بر سر مسئله هسته‌ای شواهد محکمی است که اراده کسبه فتنه و تحریم را برای بازگرداندن شرایط کشور به گذشته نشان

می‌دهد. انتخابات اخیر هیات رییسه مجلس نیز شاهد دیگری از تغییر موازنه قدرت به سود حامیان دولت احمدی‌نژاد است. ضمن آنکه زمزمه‌هایی نیز به گوش می‌رسد که محمود احمدی‌نژاد قصد دارد تا با یارگیری تازه‌ای با دیگر به صحنه سیاسی کشور بازگردد.
این فرضیات سیاسی می‌تواند هشدار جدی برای جامعه مدنی و کلیه فعالان آن صرف نظر از هرگونه مرام و عقیده سیاسی باشد. دولت روحانی گرچه دولتی مطلوب و استاندارد برای تامین مطالبات واقعی شهروندان نیست اما فرصتی است که اگر باردیگر از دست برود جایگزین دیگری برای آن جز افزایش خشونت‌های داخلی، نقض حقوق شهروندی و سرانجام احتمال وقوع جنگ متصور نیست.
از سوی دیگر باید برخی از انتقادات وارده از دولت بخاطر سکوت و عقب‌نشینی در مقابل برخی از مواضع خود را نیز پذیرفت. دولت روحانی در بسیاری از موارد با سکوت و عقب نشینی در مقابل سخنان و اقدامات صورت گرفته در واقع ضعف خویش را به نمایش گذاشته است و نمونه روشن آن مسکوت گذاشتن مسئله حقوق شهروندی است.
از زمان ارائه این منشور، دولت وعده داده بود تا پس از جمع آوری دیدگاه‌ها و نظرات مخالف و موافق، منشور اصلی خویش را ارائه کند اما به دلایلی که مشخص نیست دیگر سخنی از این منشور در عرصه عمومی جامعه نمی‌شود. پنجم بهمن سال گذشته الهام امین زاده معاون حقوقی رئیس جمهوری اعلام کرد حدود 230 مقاله و گزارش علمی از نخبگان و صاحبنظران علمی، نمایندگان مجلس، علما و دانشگاهیان گردآوری شده است تا برای نهایی شدن منشور حقوق شهروندی مورد بهره برداری قرار می گیرند.به فاصله دو ماه یعنی در 19 فروردین همین مقام از اتمام بررسی های منشور حقوق شهروندی خبر داد و گفت نحوۀ اعلام و اجرایی شدن منشور حقوق شهروندی منوط به نظر رئیس جمهور است. با این حال متن نهایی شده هیچگاه منتشر نشد و رئیس جمهوری نیز سخنی درباره آن نگفت. تنها رویداد مقابل ملاحظه در این رابطه خبر یک انتصاب بود. انتصاب مصطفی خسروی به دبیری حقوق شهروندی و صیانت حقوق عمومی در وزارت اقتصاد تنها تحولی بود که در این زمینه روی داد اما همین انتصاب نیز این سئوال را ایجاد کرد چرا در وزارت اقتصاد که کمتر ارتباطی با موضوعات حقوق شهروندی دارد چنین انتصابی صورت می‌گیرد اما در وزارت‌خانه هایی چون فرهنگ و کشور که مستقیما با حقوق شهروندی سروکار دارند چنین انتصابی روی نداده است.
تنها خبر خوشی که در این زمینه به گوش رسید ورود منشور حقوقی شهروندی در قالب بخشی از کتاب مطالعات اجتماعی به کتب درسی مدارس بود. اما انتظار جامعه مدنی از منشور شهروندی افزوده شدن سمت‌های دولتی و یا تدوین لوح منشور و نصب آن بر تابلوی اعلانات وزارتخانه‌ها یا بالای سر مدیران دولتی نبوده است. منشور شهروندی می‌توانست بستری برای ادامه گفتمان بر سر حقوق شهروندان در کشور باشد. می‌توانست معیاری برای سنجش و ارزیابی عملکرد مدیران جمهوری اسلامی در مقابل آنچه که ادعا می‌کنند باشد. اما به نظر می‌رسد دولت روحانی با وجود تلاش‌هایی که صورت گرفته است نتوانسته تا این منشور را حداقل در میان اعضای دولت خویش اجرایی کند.
این خود البته نشانه‌ای از موانع بزرگی است که بر سر تامین حقوق شهروندان در ایران وجود دارد. وقتی که یک دولت خود منشوری برای صیانت از حقوق شهروندان تنظیم می‌کند اما خود قادر نیست آن اجرا کند، دلیل کافی از مشکلات نهادینه شده‌ای است که در این زمینه وجود دارد.

—

آینده خبرگان رهبری پس از مهدوی کنی

2014-06-04 · Archive ID 5738
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5738

برخی از نزدیکان آیت‌الله مهدوی کنی و همچنین کاربران شبکه‌های اجتماعی به‌صورت غیر رسمی خبر از درگذشت رئیس مجلس خبرگان رهبری داده‌اند. آقای مهدوی کنی روز گذشته در مراسم سالگرد درگذشت آیت‌الله خمینی دچار حمله قلبی شد و به کما رفت.
بر اساس گزارش رسانه‌ها حال او "وخیم" توصیف شده و برخی گزارش‌ها از سطح بسیار پایین هوشیاری او حکایت دارد.
در عین حال علی اکبر ناطق نوری که به عیادت وی رفته پس از ملاقات با پزشک معالج رئیس مجلس خبرگان

از بازگشت ضربان قلب وی خبر داده و گفته است که پزشکان درحال حاضر امیدوارند که وضعیت سلامت وی بهتر شود.
محمدرضا مهدوی کنی83 ساله است و پس از کناره گیری اکبر هاشمی رفسنجانی از سمت ریاست مجلس خبرگان به این جایگاه رسیده بود. زمانی که بسیاری از نزدیکان آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی آقای رفسنجانی را به‌خاطر حمایت از اعتراضات به نتیجه انتخابات زیر انتقادات شدیدی قرار داده بودند.
در صورت درگذشت مهدوی کنی، بحث بر سر جانشینی وی اهمیت زیادی دارد و می‌تواند حساسیت‌های زیادی را برانگیزد. ترکیب سیاسی کنونی خبرگان رهبری در حال حاضر شفاف نیست اما اکثر نمایندگان حاضر در این مجلس از رهبری آیت‌الله خامنه‌ای حمایت می‌کنند.
مجلس خبرگان رهبری طبق قانون اساسی باید بر عملکرد رهبری نظارت کند اما تا کنون هیچ نقدی از سوی این مجلس درباره رهبری کنونی جمهوری اسلامی و رهبری گذشته صورت نگرفته است.
انتخابات مجلس خبرگان رهبری سال آینده همزمان با انتخابات مجلس برگزار خواهد شد. بسیاری از هواداران رهبر جمهوری اسلامی از هم اکنون نسبت به این انتخابات نگرانی‌هایی را ابزار کرده‌اند. احمد جنتی دبیر شورای نگهبان از جمله افرادی است که از نسبت به ورود مخالفان رهبری به این مجلس هشدار داده است.
پس از انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری، تحلیل‌ها و نظرات مختلفی درباره تلاش نزدیکان رئیس جمهوری جدید برای تغییر ترکیب این مجلس مطرح شده است.این گزارش‌ها البته بیشتر از سوی رسانه‌های اصولگرا نزدیک به آیت‌الله مصباح یزدی منتشر شده است
تابش نیوز یکی از این رسانه‌ها است که به نقل از مجله آمریکایی دیپلمات نوشته است:"با این تفاسیر، به نظر می‌رسد بر خلاف اوباما که قصد پیروزی دیپلماتیک خارجی بر سر مساله هسته‌ای ایران را دارد، همه هم و غم روحانی تا دو سال آینده متوجه موضوعات داخلی و دادن مانورهایی است که بتواند جناح او و میانه‌روها در شکل دادن به ترکیب مجلس خبرگان در سال ۲۰۱۶ تعیین کند".اکنون به نظر می‌رسد در انتخابات آتی مجلس خبرگان رهبری، رقابت جدی میان طرفداران آیت‌الله مصباح یزدی از یک سو و طرفداران دولت و اصلاح طلبان از سوی دیگر باشد. از این رو انتظار می‌رود این انتخابات برای نخستین بار به انتخاباتی رقابتی تبدیل شود.
شرایط انتخابات خبرگان رهبری با سایر انتخابات‌هایی که در ایران برگزار می‌شود متفاوت است. در واقع کلیه شهروندان ایران از حق انتخاب شدن در این انتخابات برخوردار نیستند و تنها کسانی که از دانش فقه برخوردارند می‌توانند نامزد این انتخابات شوند.
با این حال شورای نگهبان ناکنون صلاحیت بسیاری از مخالفان رهبر جمهوری اسلامی را برای نامزدی در این انتخابات رد کرده است.

—

سفری به دنیای درون جامعه مدنی

2014-06-05 · Archive ID 5678
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5678

ما سفری طولانی را به درون جامعه مدنی آغاز کرده‌ایم. در این سفر پای صحبت فعالان مدنی در سراسر جهان می‌نشینیم تا تجارب و فعالیت‌های روزمره‌ی آنان را برایتان بازگو کنیم. این پروژه تلاش می‌کند موفقیت‌ها و شکست‌های جامعه‌مدنی در سراسر جهان را با شما به اشتراک گذارد.

هدف اصلی این پروژه ارتقای مهارت و دانش شما برای افزایش قدرت شهروندی در جامعه مدنی است. اطلس جامعه مدنی آزمون و خطای سازمان‌ها و افراد موفق در عرصه‌های مختلف جامعه مدنی و رویکرد آنان در مقابله با موانع و چالش‌های پیش روی خود را با شما به اشتراک خواهد گذارد.

نخستین گام برای دنبال کردن این پروژه ثبت نام کردن در سایت است. ما به صورت ماهانه برای شما نامه‌ای ارسال خواهیم کرد و گزارشی از نحوه پیشرفت پروژه را در اختیار شما خواهیم گذاشت. ما را دنبال کنید. این سفر می تواند یک سفری هیجان برانگیز برای شما باشد.

اگرعلاقه‌مندید تا تجارب خود یا دیگر فعالان جامعه مدنی را شنیداری کرده یا به تصویر بکشید و با این پروژه به اشتراک بگذارید، اگر با زبان‌های خارجی و به فن ترجمه آشنایی دارید و علاقه‌مندید تا تجارب فعالان جامعه مدنی در سراسر جهان را به فارسی برگردان کنید، یا اینکه تمایل دارید تجارب و گفت و گوی با فعالان مدنی فارسی زبان را به زبان‌های دیگر برگردان کنید، اگرعلاقه‌مندید تا داستان خود یا دیگران را در جامعه مدنی با این پروژه به اشتراک بگذارید یا پای صحبت یک فعال مدنی بنشینید و با او گفت و گو کنید،
اگر عکس و تصویر از داستان خود یا دیگران در زمینه فعالیت های مدنی در اختیار دارید یا می توانید تهیه کنید،.
اگرعلاقه مندید تا متن گفت گوهای فعالان جامعه مدنی را به زبان های مختلف ویرایش کنید،
اگربه فن تدوین فیلم، ویدئو و پادکست آشنایی دارید و علاقه‌مندید تا محصولات تولید شده صوتی و تصویری درباره فعالان جامعه مدنی را تدوین کنید.
از هم کنون می‌توانید دست به کار شوید، قلم‌ها و دوربین‌ها را بردارید و فعالیت خود را آغاز کنید. ما آثار شما را با جهانیان به اشتراک می‌گذاریم. آثار خود را می‌توانید به‌همراه رزومه کاری خود ارسال کنید. همچنین می‌توانید از راهنمای تارنمای فارسی و انگلیسی عرصه سوم در برخی از فعالیت‌های خود استفاده کنید.

—

جایزه آرس الکترونیکا به عرصه سوم رسید

2014-06-05 · Archive ID 5717
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5717

سازمان عرصه سوم به خاطر فعالیت خود در عرصه رسانه‌های آنلاین از مرکز "آرس الکترونیکا" دیپلم افتخار دریافت کرد.

این جایزه در حالی به عرصه سوم اهداء شد که 2703 پروژه از 77 کشور جهان نامزد دریافت آن بودند.

این جایزه سپتامبر آینده در مراسمی به عرصه سوم و دیگر برندگان این رقابت بین المللی اهداء خواهد شد. عرصه سوم به اتفاق "گلوبال ویس" و "ناگفته‌های سوریه" برنده دیپلم افتخار شدند. پروژه فومبارو شرق ژاپن نیز بخاطر فعالیت‌هایش در زلزله سال 2011 این کشور جایزه نیکای طلایی را از آن خود ساخت.

آرس الکترونیک که مرکز آن در اتریش قرار دارد نهادی است که کلیه فعالان دنیای سایبر می‌توانند آخرین پیشرفت‌ها و تلاش‌های خود را در آن عرضه و با دیگران به رقابت بگذارند. این رقابت یکی از پرسابقه‌ترین و شناخته شده‌ترین رقابت‌ها در میان رسانه‌ها در سطح بین المللی است.

آرس مخفف هنر،تکنولوژی و جامعه است و به نقش این سه عنصر در زندگی روزمره انسان می‌پردازد.

در این رقابت بین المللی کلیه رشته‌ها با طبقه بندی‌های موضوعی خاص خود از جمله رسانه، فیلم، میراث فرهنگی و ... شرکت می‌کنند.

برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به تارنمای این مرکز مراجعه کنید.

—

رسایی، طلبه بسیجی که قانون گذار شد

2014-06-07 · Archive ID 5676
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5676

حمید رسائی نماینده تهران و از اعضای فراکسیون جبهه پایداری و از موسسان جریان اخیر دلواپسان، یکی از قانونگذاران مجلس است که برنامه سفر او به برزیل برای بررسی پرونده فساد در فوتبال ایران یکی از بحث‌های روز رسانه‌ها و نمایندگان مجلس در ایران است. رسائی از طلبه‌های نزدیک به آقای مصباح یزدی است

که یکی از خبرسازترین چهره‌های مجلس ایران بوده است. حمایت‌های وی از دولت محمود احمدی نژاد و سرکوب جنبش سبز، وی را تبدیل چهره شاخص این جریان بویژه در مجلس کرده است. کمیسیون تخصصی وی در مجلس اصل 90 است. کمیسیونی که وظایف مجلس برای نظارت بر دستگاه‌های اجرایی کشور را بر دوش دارد. او همچنین مدیر مسئول نشریه 9 دی است.
اما رسایی چگونه به مجلس ایران راه یافت و قانونگذار شد. رسایی تنها 10 سال داشت که انقلاب 57 به ثمر رسید. نخستین سابقه از فعالیت‌های سیاسی وی به عضویت او در بسیج محله باز می‌گردد. رفت و آمدها به پایگاه بسیج مسجد سادات اخوی در خیابان ایران پای او را به جبهه‌های جنگ باز کرده و سپس در سال 1367 تحصیل در حوزه علمیه قم را آغاز می‌کند.
طلبه جوان پای درس روحانیونی چون سید احمد خاتمی و مکارم شیرازی فقه آموخت و سپس به عنوان روحانی مبلغ عازم کشورهایی چون لبنان، بلغارستان، فلیپین، پاکستان، آلمان، یونان، ایتالیا و چند کشور آفریقایی شد. در سال 71، رسائی جذب سپاه پاسداران شد و در مرکز تحقیقات سپاه فعالیت کرد. محصول تحقیقات وی در سپاه کتابی است که "روحانیت و سلامت در انتخابات" نامیده شده است. این کتاب در سال 1374، یعنی پیش از انتخابات مجلس پنجم منتشر شد و سرآغازی بود بر فعالیت‌های رسمی این طلبه بسیجی. او تا کنون 15 کتاب تدوین کرده که همگی از سوی انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی و دفتر جریان شناسی تاریخ معاصر ایران منتشر شده است .
آقای رسایی از جمله نمایندگانی است که فعالیت سیاسی وی بر فعالیت‌های او در بخش جامعه مدنی برتری داشته است. اما با این حال وی از حامیان جدی لایحه حمایت از خانواده بود. وی در سال 89 خواستار بازپس گیری خانه تاریخی ریچارد فرای شده بود. وی همچنین از حامیان تعطیلی خانه سینما بود . وی مدعی بود خانه سینما تبدیل به مجموعه سیاسي شده بود.
رسایی اخیرا موضع‌گیری مشخصی نیز درباره حجاب و اعدام‌ها داشته است. به گفته وی دلیل اصلی تحریم ایران مسئله هسته‌ای نیست بلکه به خاطر اعدام و حجاب اجباری است. در واقع رسایی به زبان دیگری می‌خواهد بر اهمیت مسئله اعدام و حجاب اجباری تاکید کند و خود را از حامیان آن می‌داند.
این بررسی نشان می‌دهد آقای رسایی هیچ‌گونه فعالیتی در مجلس که مستقیما به مسائل و مشکلات جامعه مدنی مربوط شود نداشته است.

—

توزیع بنزین آلوده نقض حقوق شهروندی بود

2014-06-07 · Archive ID 5770
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5770

سه وکیل دادگستری در گفت و گویی مشترک با خبرگزاری نفت و گاز ایران(شانا) گفته‌اند که علیه یکی از مسئولان پیشین وزارت نفت به‌خاطر تولید بنزین سرطان‌زا و به اتهام اقدام علیه بهداشت،سلامت عمومی و نقض حقوق شهروندی شکایت کرده‌اند.

مصطفی ترک همدانی یکی از وکلای شکایت کننده به این خبرگزاری گفته است اطلاعات منتشر شده درباره بنزین پیرولیزخام نشان می‌دهد این محصول دارای عوارضی از جمله تحریکات سیستم عصبی مرکزی مانند سردرد؛ تهوع که درشرایط حاد حتی باعث مرگ می‌شود، افت یا از کارافتادگی هماهنگ اعضا، عوارض خونی نظیر لوسمی(سرطان خون)، صدمه به کلیه‌ها و کبد و حتی مقادیر کم آن سبب جراحات ریوی و ایجاد سرطان پوست در انسانها است.
حاج محمود عطار دیگر وکیل شکایت کننده نیز گفته است برخی کارشناسان شاغل در شرکت نفت یا بیرون آن اعتقاد داشتند که فناوری داخلی ایران توانایی تولید بنزین داخلی مطابق استانداردهای جهانی را دارد و فرمول و ساختاری هم برای این تولید داخلی مطابق استاندارد تهیه کرده و به صنایع پتروشیمی داده‌اند. اما این فرمول علمی توسط وزارت نفت وکارخانه‌های زیرمجموعه آن رعایت نشده است و بنزین به صورت کاملا شتابزده و خارج از استانداردهای علمی به صورت سمی و غیرعلمی تولید شده است.
آقای ترک همدانی همچنین از معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست انتقاد کرده که چرا این سازمان این مسئله را به لحاظ حقوقی پیگیری نکرده است.

مسعود میرکاظمی، وزیر نفت وقت در آن زمان گفت که برای مقابله با تحریم‌ها " طرح ضربتی تولید بنزین در واحدهای پتروشیمی" اجرا شده است تا اگر فروش بنزین به ایران به طور کامل قطع شد، تقاضای داخلی از محل این تولیدات تامین شود.
علیرضا دقیقی دیگر وکیل شاکی در این پرونده درباره روند پیگیری قضایی آن گفته است آقای میرکاظمی اصلی‌ترین حقوق شهروندی را که داشتن محیط زیست پاک، هوای پاک و آب آشامیدنی پاک بوده را نقض کرده است: "نیروهای انسانی جامعه زمانی می توانند از بازدهی خوبی برخوردار باشند که در امنیت زیست محیطی قرار گیرند، متاسفانه این حق ما نقض شده است. البته باید این را هم بگویم که تا چندسال اخیر نمی دانستیم این سوختها تا چه میزان آلوده است اما زمانی که بنزینهای یورو 4 وارد و هوای تهران تا حدودی پاک شد تازه متوجه شدیم آلودگی هوا در چه حدی بوده است."
این وکیل دادگستری تاکید کرده است در قانون جدید تک تک افراد در مقابل کاری که انجام می دهند پاسخگو هستند. بالاخص که عمل با سلامت افراد سر و کار داشته باشد. و عنوان مجرمانه نیز داشته باشد.
سازمان محیط زیست ایران اردیبهشت امسال اعلام کرد که بنزین تولیدی صنایع پتروشیمی "سرطان‌زا" است و بیژن زنگنه، وزیر نفت هم گفت که توزیع بنزین در واحدهای پتروشیمی متوقف می‌شود.

—

استمداد خانواده زندانیان عرب از جامعه جهانی

2014-06-09 · Archive ID 5777
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5777

خانواده‌های علی چه بیشاط و سید خالد موسوی دو زندانی سیاسی عرب محکوم به اعدام در نامه ای خطاب به مقامات سازمان ملل متحد و سازمان‌های حقوق بشری در جهان خواستار دخالت نهادهای بین المللی به منظور روشن شدن وضعیت آنان شدند. در این نامه که مشخصا برای بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد، ناوی پیلای کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران ارسال شده ضمن توضیح وقایع صورت گرفته به نکاتی اشاره شده که برای نخستین بار از سوی خانواده این دو زندانی منتشر می‌شود.
در این نامه اشاره شده این دو زندانی با توجه به اینکه به زبان فارسی آشنایی ندارند در زمان بازجویی و حتی در دادگاه، از در اختیار داشتن مترجم معتمد و مسلط به زبان های عربی و فارسی محروم بوده و بازجویان با تلقین به "علی چه بیشاط"و "سید خالد موسوی"، آنها را مجبور به تکرار گفته‌هایی کردند که با آن گفته‌ها بیگانه بودند و آن گفته های تلقینی بعدها تبدیل به "اعترافات" شدند و آن "اعترافات" زمینه صدور احکام اعدام برای آنان را فراهم کردند.
خانواده این دو زندانی همچنین گفته‌اند که خود نیز فریب نیروهای امنیتی را خورده و به بهانه تقاضای "عفو" از مقامات جمهوری اسلامی همچون رهبر و رئیس قوه قضائیه مصاحبه کرده و جرم فرزندانشان را پذیرفته‌اند:"نیروهای امنیتی به این بهانه از ما فیلمبرداری کردند. در آن فیلم، ما در ستاد خبری اداره اطلاعات در اهواز جلوی دوربین ها قرار گرفتیم و برای فرزندان محکوم به اعدام خود از مقامات کشور تقاضای عفو کردیم. با کمال ناباوری پس از چند روز مشاهده کردیم که آن فیلم و فیلم "اعترافات" فرزندان ما علی چه بیشاط و خالد موسوی در قالب یک فیلم پخش شدند . فیلم یاد شده که از تلویزیون انگلیسی زبان و دولتی ایران موسوم به "پرس تی وی" پخش شد فرزندان ما را به عنوان مجرم و مستحق اعدام معرفی کرد."

خانواده این زندانی همچنین در نامه خویش یادآور شده‌اند که تمامی راههای ممکن و قانونی را طی کرده تا بیگناهی فرزندانشان را ثابت کنند اما در حال حاضر بیش از دو ماه و اندی است که این دو از زندان دزفول به مکانی نامعلوم منتقل شده اند و ماموران امنیتی و قضائی جمهوری اسلامی هر از چندگاهی اطلاعات متناقض درباره آنان ارائه می‌کنند:"در یک روز خبر اعدام و در روزی دیگر خبر آزادی یا انتقال مجدد آنان به زندان را اعلام می کنند. وضعیت فعلی برای همه اعضای خانواده و بستگان ما موضوعی دردآور و استرس زا است. چندین خانواده در معرض شکنجه روحی و روانی قرار گرفته‌اند".
سازمان عفو بین الملل چندی پیش با صدور بیانیه‌ای از اجرای قریب الوقوع حکم اعدام دو زندانی اهوازی ابراز نگرانی کرده و از مقامات جمهوری اسلامی خواسته بود تا از اعدام آنان اجتناب کند .

—

گزارشی از بازداشتگاه ورزا

2014-06-10 · Archive ID 5801
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5801

برخورد با دختران و زنان جوان در خیابان‌های شهر به بهانه مبارزه با بدحجابی بار دیگر به بهانه فرا رسیدن فصل گرما آغاز شده است. گزارش‌های رسیده از نقاط مختلف کشور نشان می‌دهد که پلیس امنیت بار دیگر با بازداشت زنان به شیوه‌های تحقیرگونه در تلاش است تا وضعیت حجاب در کشور را کنترل کند. اما غنچه قوامی یکی از دختران بازداشت شده به اتهام بدحجابی، پس از آزادی گزارش متفاوتی از آن چه گذشته است را در فیس بوک خویش منتشر کرده است.

این دختر جوان گزارش خویش را این گونه آغاز می‌کند: "غنچه قوامي ، فرزند هوشنگ، شماره شناسنامه ٥٧٨٤، متهم بدحجابي شماره ٩١ امروز، ١٧ خرداد ١٣٩٣ هستم. وارد سالن که مي‌شوم جا مي‌خورم. اکثر چهره‌ها خندان و خون سردند و خبري از زنان و دختران گريان و مضطرب، که تا چند سال پيش به وفور در وزرا ديده مي شد نيست. يکي در نهايت آرامش خوابيده است، ديگري کتاب مي خواند. دو دوست قديمي که بعد از مدت ها همديگر را اينجا پيدا کرده اند يکديگر را بغل مي کنند و سرخوشانه مشغول گفت و گو مي شوند. دختري که برگه خروجش را گرفته و آماده رفتن است مي‌گويد دوست پسرش آمده دنبالش، رژ لب صورتيش را تجديد مي کند و از سالن خارج مي شود."

غنچه سپس به بگو مگوهای میان دختران و زنان حاضر در بازداشتگاه وزرا با ماموران اشاره می‌کند و می‌نویسد: "ماموري که مسئول گرفتن موبايل هاست هر از گاهي داد مي زند و حرص مي خورد. يکي از دخترها با خنده مي گويد خانم حرص نخور پوستت خراب ميشه، موهات سفيد ميشه، حيفه. مامور موبايل به زن ديگري تذکر مي دهد که بنشيند. زن مي گويد: نمي خوام بشينم، به تو چه!" مامور گرفتن تعهد نيم ساعتي يك بار چنان ضجه‌هايي مي زند که تارهاي صوتيش چشم را کور مي کند. کسي از او حساب نمي‌برد و براي همين کلافه است. يکي از زن ها لفظي با او درگير مي‌شود . دختري با صداي بلند به او مي گويد آنقدر داد بزن تا سکته .کني

دختر نوجواني که ١٨ سالش هم نيست با مامور موبايل بگو مگو مي‌کند. مامور مي‌گويد: "تو" نه منو بايد "شما" خطاب کني. دخترك مي گويد: "همانطور که خطابم مي کني خطابت مي کنم.

غنچه از سوی دیگر حال و روز زنی را تصویر می‌کند که گریان است چون نگران کودك شیرخواره اش است. زني باردار نيز آنجاست که حال فيزيکي چندان خوشي ندارد.

غنچه سپس روایت برخورد ماموران با خودش را روایت می‌کند:" مامور برگه خروج اسمم را صدا مي زند. تا به او برسم چند باري اسمم را فرياد زده است: "غنچه تويي؟ کري؟ چرا داد نمي‌زني بفهمم اينجايي؟

من:شغل و وظيفه تو داد زدنه من لزومي نداره داد بزنم

او: به شغل من تيکه مينداري؟ من به شغلم افتخار مي کنم. به خودم مي بالم که مامور پليس امنيت اين کشورم

من: "براي شغلت احترامي قائل نيستم، اما دلم براتون مي سوزه. ما اينجا نهايتا چند ساعت وقت تلف مي‌کنيم، حرف مي‌زنيم، کتاب مي‌خونيم، نگاه کن داريم مي‌خنديم، شماييد که اينطور حرص مي‌خوريد واعصاب و حنجرتون رو هدر مي‌ديد.

او: يادت نره کارت گير منه، حالا برو بشين ببين کي مي ري بيرون

غنچه ادامه می‌دهد: برگه ام را نمي دهد.با خيال راحت مي‌روم پي کارم. از اعتماد به نفس، شجاعت و مقاومت زن‌ها چنان به وجد آمده‌ام که بدم نمي آيد بيشتر بمانم و اتفاقات را ثبت کنم.

او سپس به گفت و گوی دو مامور درباره تنها زن ترنسکشوالي که در ميان آنها است اشاره می‌کند که با تمسخر مي گويند:"ديدي مانتوي کوتاه قرمز پوشيده بود؟ رد که مي‌شد بهش گفتم أأي، گفت چيه مگه تا حالا دوجنسه نديدي؟ منم گفتم چرا ديدم ولي به چندشي تو نديدم" و با هم مي خندند".

گزارش غنچه از آن چه در وزرا گذشته است از عکسبرداری ماموران از متهمین بدحجابی ادامه می‌یابد: "مامور عکاسي از "متهمين بد حجابي" به نوبت عکس مي گيرد. باورم نمي‌شود که عده‌اي با خنده جلوي دوربين مي‌روند. انگار که براي عکس يادگاري. از تصور قيافه کسي که بعدا اين عکس ها را نگاه مي‌کند خنده‌ام

مي‌گيرد. دختر بغل دستي مي‌گويد: "ما كه حجابمون عقب تر اگه نره به هيچ وجه حتي يك سانت هم جلوتر نمياد. كاش دوربينش را مي شكونديم"
وضعيت جسمانی غنچه البته مساعد نيست. دو روز است كه نخوابيده و از صبح جز يك چايي چيزي نخورده است. احساس مي‌كند فشار خونش افت كرده است. به سختي از طريق مامورها به مادرش پيغام مي‌دهد كه چيزي برايش بفرستد. اما مامور برگه خروج نمي گذارد خوراكي‌ها به دستش برسد.
نيم ساعت می‌گذرد تا اينكه مامور زن صدايش می‌كند:"فقط به احترام پدرت گذاشتم بري. غنچه بی‌محابا در پاسخ به او می‌گويد:"طرف تو من بودم كه همچنان احترامي برات قائل نيستم، در ضمن شيفتت تمام شده و مي خواهي از ما خلاص شوي اگرنه مطمئنم احترام پدري كه من را بزرگ كرده را عمرا نمي فهمي".
صداي فرياد دختري از بيرون سالن مي آيد. غنچه می‌شنود كه ماموران مرد با او درگير شده‌اند. دختر ساختمان را روي سرش گذاشته است. دو مامور او را به داخل سالن مي آورند. هم چنان فرياد مي زند: "مامان منو به خاطر بد حجابي گرفتين؟ ... ، مامان ۵۰ ساله من رو؟زن ۵۰ ساله رو ..."
غنچه بيرون مي‌آيد. مادرش بيرون پشت در ايستاده. ۱ ساعت قبل با سرهنگی درگيري لفظي پيدا كرده است. گويا سرهنگ به دختري اشاره كرده و گفته :" نگاه كنين، نصف سينه هاش بيرونه" مادرش هم می‌گويد به چه حقي به سينه‌هاي مردم زل مي‌زند. سرهنگ مي گويد:" وقتي دخترت را تحويلت ندادم مي‌فهمي چطور بايد حرف بزني" مادر غنچه هم مي‌ترسد و بيرون مي‌ايستد.
پدر و مادري كه ماموران، دخترشان كه قصد فرار داشته را كتك زده‌اند،خيال كوتاه آمدن ندارند. ساعت كاري ماموران تمام شده و كم كم بيرون مي‌آيند، پدر و مادرهاي نگران پشت در، با صداي بلند هر چه مي خواهند نثارشان مي كنند: "يك روز به دست و پاي تك تك ما مي افتيد".
نغمه می‌نويسد كه بارها در مقابل بزرك نمايي فمينيسم روزمره زنان ايراني و اغراق در بازنمايي آن به عنوان شكلي از مبارزه اجتماعي موضع گرفته است. چرا كه اين بزرگ‌نمايي ضرورت تحرك هاي جمعي مستمر، استراتژيك و سازماندهي شده را ناديده مي گيرد.
عنچه سرپيچي زنان از سياست هاي حكومتي را در خلال فعاليت‌هاي روزمره، عامل شكل گيري هويت‌هايي مي‌داندكه زمينه را براي ايجاد كنش‌هاي جمعي در فرصت‌هاي مناسب فراهم مي‌كند.
به باور غنچه مقاومت‌هاي پراكنده و عموما احساسي، فارغ و فراتر از نيت آنها، مهمترين ابزار ايجاد هويت‌هاي جمعي است.

—

مسئله دگرباشان فقر فرهنگی جامعه است

2014-06-12 · Archive ID 5817
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5817

بنی آدم: حسین علیزاده هماهنگ کننده برنامه منطقه ای خاورمیانه و شمال آفریقای “کمیسیون بین المللی حقوق مردان و زنان همجنس گرا در بخش دوم مصاحبه خویش با عرصه سوم، در خرداد ۱۳۹۳ مهم‌ترین مسئله‌ای که دگرباشان جنسی در منطقه خاورمیانه با آن روبرو هستند را فقر فرهنگی و عدم درک مسائل واقعی آنان از سوی جامعه می‌داند. او در ادامه این مصاحبه با جزئیات بیشتری این مسئله را شکافته است.

مسائل فرهنگی تا چه میزان بر حقوق دگرباشان جنسی تاثیر دارد؟ طبیعی است که دولت‌ها موظف هستند حقوق همه شهروندان را تامین کنند. اما مشکلات فرهنگی نیز در این رابطه وجود دارد نظر شما در این باره چیست؟
مسئله باز هم به همین فقر فرهنگی باز می‌گردد. ببینید در ایران اساسا آزادی جنسی وجود ندارد. چه برای همجنس‌گرا و چه برای غیر همجنس‌گرا. مرد و زن خارج از رابطه ازدواج نمی‌توانند با هم ارتباط داشته باشند. افراد نمی‌توانند آزادانه برای انتخاب شریک زندگی خود تصمیم بگیرند. بنابراین ما از جامعه‌ای صحبت می‌کنیم که حق انتخاب در آن وجود ندارد. در تمام کشورهای غربی وقتی درباره عمل زنا صحبت می‌شود، یعنی شما با کسی ازدواج کردید و بعد از ازدواج، با شخص دیگری رابطه جنسی برقرار کنید. اما اینکه شما از قبل از ازدواج رابطه جنسی داشته باشید این جرم نیست بلکه عادتی است بسیار رایج. اما در قانون ایران همه اینها – چه عمل جنسی قبل از ازدواج و چه خیانت به همسر- جرم محسوب می‌شود و یک نوع مجازات دارد. بنابراین ما

درباره جامعه‌ای صحبت می‌کنیم که مسئله آزادی جنسی در آن کشورها حل نشده است. در جایی که آزادی جنسی برای عموم مردم وجود ندارد، نمی‌شود گفت به همجنس‌گرایان آزادی جنسی بدهید. در جایی که برابری زن و مرد وجود ندارد نمی‌توان گفت به ما آزادی جنسی بدهید.

اما این محدودیت‌هایی است که حکومت ایجاد کرده است. چه ارتباطی میان این محدودیت‌ها و فقر فرهنگی وجود دارد؟

من برای شما قانون را خواندم. اینکه قانون مجازات اسلامی می‌گوید مجازات فاعل و مفعول متفاوت است دلیل دارد. از نظر علمای اسلامی کسی که فاعل است را صد ضربه شلاق می‌زنند و قضیه رو جمع می‌کنند. چون می‌گویند او مردانگی خود را حفظ کرده است. اما کسی که مفعول واقع شده مردانگی خود را از دست داده و تبدیل به زن شده بنابراین اعدامش کنید. این از نظر فرهنگی یک فاجعه است. شما می‌دانید که در جامعه ما زن طبقه دوم است و حقوق مساوی با زن ندارد. به محضی که مفعول واقع شدید به زن تبدیل می‌شوید. پس اعدامش کنید تمام شود برود. منطق اینها این است که چطور ممکن است فردی که مرد متولد شده به رفتار زنانه تن دهد! این ناشی از همان فقر فرهنگی است که در جامعه ما وجود دارد. حکومت بخشی از آن است اما مشکل اصلی ما جامعه است.

اما در کشورهای همجوار ایران نیز چنین مشکلاتی وجود دارد؟

بله. این مشکل فقط خاص ایران نیست.متاسفانه نه تنها در ایران بلکه در کلیه کشورهای منطقه این مشکل وجود دارد. در همین ترکیه که نه قانون لواط و نه قانون مجازات اسلامی وجود دارد نیز این مسائل دیده می‌شود. در بسیاری از شهرهای ترکیه هنوز هم که هنوز است با دگرباشان جنسی دشمنند. دو سال پیش یک موسسه نظر سنجی یک آماری تهیه کرده بود. در این نظر سنجی از مردم پرسیده بود آیا حاضرید که یک همجنس‌گرا همسایه شما باشد، 70 درصد گفته بودند خیر. پرسیده شده بود آیا حاضرید از یک همجنس‌گرا غذا دریافت کنید در پاسخ گفته بودند اگر بگیریم دور می‌ریزیم. حاضر نیستیم لب به غذاشون بزنیم. چون غذای آنها کثیف است. پرسیده بودند آیا حاضرید شهردار شما یک همجنس‌گرا باشد، گفته بودند حاضریم یک فرد الکلی و یا فردی که زن خود را کتک می‌زند شهردار شود اما راضی نیستیم یک همجنس‌گرا شهردار شود. فقط از نظر منفوریت دزدها بودند که از همجنس‌گرایان در رتبه بالاتری قرار داشتند.

شما ریشه این مسئله را در کجا می بینید؟

همه اینها به نظام تربیتی باز می‌گردد که از بچگی به ما آموخته است که زن یک طور رفتار می‌کند و مرد به طور دیگر. بنابراین افراد وقتی وارد جامعه می‌شوند نمی‌توانند بپذیرند که اینها همه توهماتی اشتباه است. در حال حاضر جامعه تغییر کرده است. پیشرفت دنیا به خاطر برابری حقوق زن و مرد و تلاش برای برابری انسانها آن بوده است. زشت است که در قرن 21 بگوییم زن نصف مرد است و یا بیضه چپ مرد به اندازه کل وجود زن ارزش دارد. ولی در نظام قانونی ایران این صحبت‌ها عادی است و متاسفانه بعضی مردم نیز به اصطلاح آب از دهانشان جاری می‌شود وقتی این حرفا را می‌شنوند.

از صحبت شما می‌شود این گونه برداشت کرد که نگاه حکومت و مردم درباره حقوق جنسی در جامعه ایران یکسان است. چه دلیلی برای آن دارید؟

زمانی که اتحادیه اروپا قطعنامه سوم آوریل را درباره راهبردشان درباره روابط با ایران تصویب کرد، در یکی از مواد این قطعنامه به حقوق فردی انسانها اشاره شده است. در این ماده از جمله اشاره شده که احترام به هویت جنسی و حقوق جنسی افراد رعایت نمی‌شود. از این موقع سروصدایی در داخل ایران به راه افتاده است و از رئیس مجلس تا آقای نقدی فرمانده بسیج، آقای فیروزآبادی رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح یا امام جمعه تهران راه افتاده‌اند و وا اسلاما سر داده اند که "مردم! اروپاییها می‌خواهند همجنس‌بازی را آزاد کنند." حالا چرا این اتفاق می‌افتد؟ بخاطر اینکه می‌دانند مردم ذهنیت درستی از قضیه ندارند، بنابراین وقتی می‌خواهند با غربی‌ها بجنگند به این مسائل متوسل می‌شوند و به قول آقای فیروزآبادی می‌گویند که هدف اتحادیه اروپا این است که می‌خواهند همجنس‌بازی را در ایران رواج دهند تا فرهنگ سنتی ما نابود شود.

بنابراین مشکل ما این است که ما فرهنگی داریم که درک درستی از مسائل جنسی ندارد و تا ما نتوانیم این مشکل رو حل کنیم نه می‌توانیم مسئله قانونی آن را حل کنیم و نه مسئله مذهبی آن را. در ایران مشروب خوردن هم مجازات دارد، تماشا کردن ماهواره هم ممنوع هست و همچنین استفاده از فیس بوک. اما کسی به این چیزها توجه نمی‌کند و همه کار خودشان را می‌کنند. چرا؟ چون این مشکل برایشان حل شده است و

می‌دانند این قوانین مسخره است. اما وقتی به مسئله دگرباشان جنسی می‌رسیم می‌گویند اسلام گفته است حرام است یا قانون گفته است ممنوع است و این جور استدلالات را به رخ ملت می‌کشند.

ممکن است نمونه‌های روشنتری برای ما مثال بزنید؟ از کسانی که به خاطر مسائل فرهنگی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند؟
ما از حدود 50 مورد از کسانی که به خاطر همجنس‌گرا بودن از کشور خارج شده‌اند مصاحبه کرده‌ایم. تقریبا اکثر این افراد کسانی بودند که بخاطر خانواده اذیت شدند یا در کودکی مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند. در مدرسه، در محیط کار در جامعه، در دانشگاه. موردی برای من تعریف می‌کرد از سوی پلیس بازداشت و بعد از سوی بسیجی‌ها مورد تجاوز قرار گرفته بود. مورد دیگری برای من تعریف می‌کرد که لیسانس حسابداری داشت اما نمی‌توانست کار پیدا کند چون قیافه‌اش زنانه بود و نهایتا مجبور شده بود در یک شهر کوچک پیتزا فروشی کند اما آنجا هم حاضر نبودند به او کار بدهند چون می‌گفتند قیافه‌ات زنانه است و مردم از این بابت ناراحت می‌شوند و نهایتا مجبور شد به ظرف شویی در رستوران تن بدهد. یا موردی بود که می‌گفت در دبیرستان معلمش بهش تجاوز کرده بود و وقتی داستان را به مدیر مدرسه گفته بود او در جواب داده خود تو می‌خواستی این طور شود، چون مثل زن‌ها ادا در میاری.

در اسنادی که از سوی سازمان شما ارائه شده است به نقش 80 کشورمشخص که در آنجا حقوق دگرباشان جنسی نقض می‌شود اشاره کردید و ما نیز در چند سال گذشته حداقل در فرانسه شاهد تظاهرات صدها هزار نفری علیه همین حقوق بودیم. کشوری که از نظر آزادی‌های اجتماعی و سیاسی دارای رتبه بسیار بالایی در جهان غرب است. این مسئله را چطور ارزیابی می‌کنید؟
در فرانسه مورد بسیار مشخصی بود. مسئله بر سر این نبود که همجنس‌گرایان را اعدام کنیم یا نکنیم. اختلاف بر سر این بود که ازدواج دگرباشان قانونی بشود یا نشود. اما در ایران دعوا، دعوای دیگری است. این دو را نباید با هم اشتباه کرد. مسئله سازمان ملل این نیست که شما ازدواج دگرباشان جنسی را به رسمیت بشناسید یا نشناسید. اتفاقا در اروپا نیز بحث‌هایی زیادی در این رابطه صورت گرفته بود و نهایتا به این نتیجه رسیدند که ازدواج دگرباشان جنسی مسئله حقوق بشر نیست. اما اینکه افراد حق و حقوق برای زندگی دارند، این مسئله حقوق بشر است. اینکه افراد حق کار و تحصیل داشته باشند، این جز حقوق بشر است. حکومت موظف است برای همه تامین امنیت کند. چه از کسی خوشش بیاید چه نیاید. فرق مسجد و حکومت این است که اگر شما از کسی خوشت نیامد می توانی بگویی از فردا مسجد نیا. این را می‌شود پذیرفت. اما حکومت ارث پدر کسی نیست. متعلق به تمام افراد مملکت است. بنابراین چه کافر، چه مسلمان، چه بهایی و چه یهودی، چه یک چشم داشته باشد چه دو چشم، چه همجنس‌گرا چه غیر همجنس‌گرا. به واسطه انسان بودن، همه افراد حقوق مساوی دارند و دولت موظف است به همه یکسان نگاه کند چه در دادگاه، چه برای یافتن کار و چه در مورد حق تحصیل. اما در ایران و خیلی از کشورهای خاورمیانه وضعیت به این گونه نیست و وقتی اعتراض می‌کنیم می‌گویند در غرب نیز با حقوق این افراد مخالفت می‌شود. در غرب کجا افراد را از حقوق اولیه انسانی محروم و به آنان تجاوز جنسی می‌کنند بخاطر اینکه دگرباش هستند؟

چه محدودیت‌هایی به طور مشخص از سوی خانواده‌ها وجود دارد؟
اولین مسئله‌ای که دگرباشان در ایران دارند خانواده است. یعنی خانواده است که ابتدا آنان را طرد می‌کند. بچه‌ای را بزرگ می‌کنند اما بعد از 15 سال یا 18 سال که متوجه می‌شوند که فرزندشان دگرباش است می‌گویند آبرو ما را بردید و بمیرید بهتر است برای ما. اتفاقا سال گذشته فیلمی در سینمای ایران پخش شد به نام " آینه‌های روبرو " که درباره ترانس‌ها بود. پدری در این فیلم می‌گفت ای کاش فرزندم کور بود، معلول جسمی بود، ای کاش بیماری ذهنی داشت اما ترانس نبود. واقعا تصور جامعه ما این است که ترجیح می‌هند فرزندانشان عقب مانده ذهنی باشد اما ترانس نباشد.
اولین مشکلی که این افراد دارند این است که هیچ حمایتی از جانب خانواده‌شان ندارند. خانواده طردشان می‌کند. جامعه طردشان می‌کند. اگر مورد تعرض واقع شوند نمی‌توانند نزد پلیس یا دیگر مراجع قانونی بروند. خیلی از این افراد به خاطر نبود این حمایت‌ها به خود فروشی کشیده می‌شوند. چرا که این افراد منبع درآمدی ندارند و دیگر آنکه افراد جامعه فکر می‌کنند از این افراد می‌توان به سادگی سوءاستفاده جنسی کرد.
در حال حاضر هیچ مرجعی نیست که از دگرباشان حمایت کند. موردی بوده است که به همین دلیل وقتی درخواست پناهندگی داده خود را سیاسی معرفی کرده در حالی که اصلا سیاسی نبوده و بعد از آن که

درخواستش رد شده حقیقت را بازگو کرده است. چون ترسیده است که اگر بگوید دگرباش است مردم به او بخندند. چون از بچگی به او گفته‌اند که این زشت است و مایه آبروریزی است. متاسفانه بسیاری از دگرباشان جنسی همچنان با این مشکلات فکری و روحی دست به گریبانند. بعلاوه که شما وقتی وارد جامعه ایرانی در اروپا یا آمریکا می‌شوید نیز متاسفانه خیلی از ما ایرانی‌ها هنوز آن فرهنگ همجنس‌گرا ستیزی را با خود آورده‌ایم. موردی در کانادا دیدم که طرف می‌ترسید در محل کار نزد کارفرمای ایرانی خود بازگو کند که همجنس‌گرا است چون کارفرمای ایرانی نیز حاضر نیست به او کار دهد. چون می‌گوید اگر به تو کار بدم خدا خیر و برکت را از من می‌گیرد.
ادامه دارد

بازنشر از عرصه سوم



—

حکم اعدام ۳۳ سنی را لغو کنید

2014-06-13 · Archive ID 5824
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5824

عرصه سوم به اتفاق 17 گروه و یک وکیل برجسته مدافع حقوق بشر از مقام های ایرانی خواستند تا حکم ۳۳ مسلمان سنی مذهب که به اتهام "محاربه" محکوم به اعدام شده اند را لغو کرده و اجرای تمامی احکام اعدام را متوقف کنند. در ابن بیانیه آمده است:"یک تن از این ۳۳ نفر احتمالاً در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته است. فراخوان این گروه‌های حقوق بشری در حالی صورت می گیرد که نگرانی‌های جدی در مورد ناعادلانه بودن روند قضایی این متهمان، و همچنین شمار بالای اعدام‌های گزارش شده در سال گذشته در ایران وجود دارد، از جمله اعدام غلامرضا خسروی سوادجانی، مخالف سیاسی، که ۱۱ خرداد به اجرا درآمد."

بر اساس اطلاعاتی که گروه‌های مدافع حقوق بشر گردآوری کرده‌اند، اکثر این متهمان بین سال‌های ۸۸ تا ۹۰ در استان کردستان توسط ماموران وزرات اطلاعات دستگیر شده و پیش از محاکمه، بدون دسترسی به وکیل و یا ارتباط با خانواده، برای چندین ماه در سلول انفرادی نگهداری شده‌اند. این اعتقاد وجود دارد که آنها در این دوران شکنجه شده و یا مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند.

بیانیه افزوده است سی و یک تن از این افراد در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران، یک تن در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران و یک تن در شعبه ای از دادگاه انقلاب سنندج محاکمه شده‌اند. محکومیت آنها به اعدام به خاطر جرایمی همچون "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی،" "تبلیغ علیه نظام،" "عضویت در گروهای سلفی،" "افساد فی الارض،" و "محاربه" بوده است که به صورت مبهمی تعریف شده‌اند. دو جرم "افساد فی الارض،" و "محاربه" با مجازات احتمالی اعدام همراه است.

تهیه کنندگان این بیانیه اشاره کرده‌اند این جرایم که در قانون مجازات اسلامی به گونه‌ای مبهم تعریف شده‌اند از شفافیت و دقتی که باید بر اساس حقوق کیفری بین المللی داشته باشند، برخوردار نیستند. به گفته این گروه‌های مدافع حقوق بشر، مقام‌های ایرانی با متهم کردن افراد به این جرایم به طور مداوم حق آزادی مذهب، بیان و تجمع را نقض و افراد را دستگیر و زندانی می کنند. همچنین این گروه‌ها تأکید دارند مقامات ایران با توسل به این قوانین، بدون ارائه مدرک، فعالین را به حمایت از گروهای مسلح متهم می کنند.

بر اساس اطلاعاتی که در اختیار این گروه‌های حقوق بشری قرار گرفته به نظر می رسد که متهمین اتهام شرکت در مبارزات مسلحانه را رد کرده و تأکید دارند تنها به خاطر اعتقادات خود و فعالیت هایی همچون شرکت در جلسات مذهبی و پخش مطالب مذهبی دستگیر شده‌اند. در ایران اکثر مسلمانان شیعه و سنی‌ها در اقلیت هستند. اکثر سنی‌های ایرانی به اقلیت کرد و بلوچ تعلق داشته و مدتها است که به تبعیض دولت علیه خود معترضند، تبعیضهایی که هم در بطن قوانین موضوعه و هم در اعمال آن قوانین دیده می شود.

بر اساس قانون جدید مجازات اسلامی قوه قضائیه باید پرونده این ۳۳ تن را مرور کند. در قانون جدید، اگر افراد شخصاً اقدام مسلحانه انجام نداده باشند محارب محسوب نشده و باید حکم اعدام آنها لغو شود. قانون جدید مجازات اسلامی می‌تواند به نجات جان این ۳۳ تن و دیگر کسانی که به اتهام محاربه به اعدام محکوم شده‌اند بی‌انجامد، اما باتوجه به اعدام غلامرضا خسروی سوادجانی که در دادگاهش هیچ مدرکی مبنی بر مبارزه مسلحانه او ارائه نشده بود به نظر می رسد مقام های ایرانی قانون جدید مجازات اسلامی را اعمال نمی‌کنند.

دست کم یک نفر از این ۳۳ نفر، برزان نصرالله زاده، براساس اطلاعات کارت ملی اش در زمان ارتکاب جرمی که به آن متهم است زیر ۱۸ سال سن داشته است. اعدام افرادی که در هنگام ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال دارند خلاف قوانین بین المللی و کنوانسیون حقوق کودک بوده که ایران از امضاءکنندگان آن است.

چهار تن از این افراد حامد احمدی، جهانگیر دهقانی، جمشید دهقانی و کمال مولایی متهم به قتل روحانی سنی ملا محمد شیخ الاسلام، نماینده کردستان در مجلس خبرگان رهبری هستند. این چهار تن با رد این اتهام تأکید می‌کنند که این قتل در شهریور ۸۸ صورت گرفته در حالی که آنها چند ماه پیش از آن بین خرداد تا تیر ۸۸ بازداشت شده‌اند. دیوان عالی کشور در شهریور ۹۲ احکام اعدام این چهار تن را تائید کرده و پرونده آنها به اداره اجرای احکام ارسال شده است. این مردان در معرض خطر فوری اعدام قرار دارند.

به گزارش گروه های مدافع حقوق بشر احکام اعدام چهار تن دیگر در این گروه (سید جمال موسوی، عبدالرحمان سنگانی، صدیق محمدی، و سید هادی حسینی) نیز به تایید دیوان عالی کشور رسیده است. پرونده ۲۵ تنِ باقی مانده هنوز مورد بررسی دیوان عالی کشور قرار نگرفته است. اکثر این متهمان در زندان‌های رجایی‌شهر و قزلحصار در شهر کرج نگهداری می شوند. بنا به گزارش‌ها یکی از این افراد یعنی سید جمال موسوی در زندان سنندج در استان کردستان زندانی است.

گروهای مدافع حقوق بشر نگران هستند که این ۳۳ نفر در جریان محاکمه‌هایی به اعدام محکوم شدند که در آن بر خلاف استانداردهای بین المللی محاکمه عادلانه، اصولی همچون حق دفاع متهم رعایت نشده بود. بر اساس اطلاعاتی که توسط این گروه‌ها جمع آوری شده برخلاف اصل ۳۵ قانون اساسی ایران که حق داشتن وکیل را تضمین می کند، حداقل عده ای از این مردان از دسترسی به وکیل منتخب خود چه پیش از دادگاه و چه در حین محاکمه محروم بوده‌اند.

بنا بر گزارش‌ها، وکلای انتصابی آنها اجازه نداشتند با آنها در زندان ملاقات کرده و به پرونده موکلانشان دسترسی نداشته‌اند. چند تن از این متهمان می گویند وکلای خود را اولین بار تنها دقایقی پیش از آغاز دادگاه خود ملاقات کرده‌اند. جلسات محاکمه پشت درهای بسته برگزار شده و بنا به گزارش ها تنها بین ۱۰ تا ۳۰ دقیقه به طول انجامیده است.

برخی از این افراد همچنین ادعا می کنند حکم اعدامشان بر اساس "اعترافاتی" است که تحت فشار شکنجه و بدرفتاری از آنها گرفته شده است. اصل ۳۸ قانون اساسی ایران "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع" را منع کرده است. چندین تن از این متهمان در نامه های سرگشاده ای از بدرفتاریهای فیزیکی و روحی که در زندان بر آنها اعمال شده نوشته‌اند. شهرام احمدی، یکی از این متهمان، نوشته است: "ماموران سپاه پاسدان با لگد به سر و صورتم می زدند و دماغ و سرم را شکستند... دماغ شکسته ام مداوا نشد ... و اکنون مشکل تنفسی دارم... یکی از بازجوها که می دانست بدن من [به خاطر بدرفتارهای پیشین] دچار زخمهای عمیق شده، با مشت به شکمم ضربه زد که منجر به باز شدن زخمم و خونریزی شدید آن شد. هنگامی که در بیمارستان سنندج بودم با اسمی غیر از اسم خودم مرا معرفی کردند... زخم هایم بعدها عفونت کرد و داروهایی را که دکتر برایم می‌نوشت به من نمی‌دادند."

این گروه‌های مدافع حقوق بشر هیچ اطلاعاتی مبنی بر اینکه مقام‌های ایرانی در مورد ادعاهای شکنجه و بدرفتاری این زندانیان تحقیقی انجام داده باشند کسب نکرده است. بر اساس ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مقام‌هایی که برای کسب اعتراف دست به شکنجه می‌زنند باید مجازات شوند. در همین حال اصل ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که به تصویب ایران رسیده است شکنجه و بدرفتاری را منع می‌کند.

در همین حال گزارش‌ها در مورد محاکمه این افراد حاکی از نقض اصل ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که در آن اصل برائت (فرض بی گناهی متهم)، دسترسی متهم به وکیل منتخب، در اختیار داشتن زمان و امکانات لازم برای دفاع و همچنین عدم اجبار به شهادت در دادگاه تضمین شده است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تأکید دارد "در پرونده هایی که به حکم اعدام می انجامد دقت بالا در تضمین اصول دادگاه عادلانه از اهمیت ویژه ای برخوردار است."

باتوجه به روند ظاهراً ناقص قضایی، این ۱۸ گروه و یک وکیل مدافع حقوق بشر از مقام‌های ایرانی می‌خواهند بلافاصله اعدام این افراد را متوقف و احکام اعدام آنها را لغو کنند. مقام‌های ایرانی باید دست کم با پیروی از استانداردهای بین المللی محاکمه عادلانه این افراد را بدون احتمال مجازات اعدام دوباره محاکمه کند.

نام این ۳۳ تن به ترتیب حروف الفبا سید شاهو ابراهیمی، حامد احمدی، شهرام احمدی، عالم برماشتی، امید پیوند، سید عبدالهادی حسینی، جهانگیر دهقانی، جمشید دهقانی، محمدیاور رحیمی، بهمن رحیمی، مختار رحیمی، عبدالرحمان سنگانی، فرزاد شاه نظری، بهروز شاه نظری، کاوه شریفی، آرش شریفی، امجد صالحی، محمد غریبی، وریا قادری فرد، محمد کیوان کریمی، صدیق محمدی، پوریا محمدی، طالب ملکی، کمال ملایی، سید جمال موسوی، کیوان مؤمنی فرد، تیمور نادری زاده، فرشید ناصری، برزان نصرالله زاده، احمد نصیری، ادریس نعمتی، فرزاد هنرجو، و کاوه ویسی است.

ایران از نظر شمار اعدام‌ها پس از چین مقام دوم را در جهان دارد. بنا به آمار سازمان عفو بین الملل، در سال ۲۰۱۳ مقام های ایرانی رسماً اعدام ۳۶۹ نفر را تأیید کردند. اما به گفته منابع معتبر تعداد اعدام‌های ایران در سال ۲۰۱۳ بیش از ۷۰۰ نفر بوده است. بنا بر آمار عفو بین الملل، تا ۲۵ ماه مه سال میلادی جاری، مقامها و رسانه‌های دولتی ایران اعدام ۱۵۱ نفر را تائید کرده اند. اما به گزارش منابع معتبر شمار واقعی کسانی که در سال میلادی جاری اعدام شدند۱۸۰ نفر بیشتر از آمار رسمی و ۳۳۱ نفر است."
اسامی سازمان‌های امضاءکننده این بیانیه به شرح زیر است:

1.دیدبان حقوق بشر
2.عدالت برای ایران
3.عفو بین الملل
4.اتحاد برای ایران
5.انجمن حقوق بشرکردستان ایران-ژنو
6.انجمن دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجانی در ایران
7.انجمن زنان نوبل
8.بنیاد سیامک پورزند
9.بنیاد عبدالرحمن برومند
10.سازمان حقوق بشر ایران
11.سازمان حقوق بشر بلوچ
12.عرصه سوم
13.کارزار لغو گام به گام اعدام (لگام)
14.کانون مبارزه با نژادپرستی و عرب ستیزی در ایران
15.کانون مدافعال حقوق بشر
16.کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران
17.مرکز اسناد حقوق بشر ایران
18.مهرانگیز کار
19.همبستگی برای پایان اعدام

برای کسب اطلاعات بیشتر و مصاحبه می‌توانید با کامران اشتری مدیر عرصه سوم تماس برقرار کنید.

Mobile: + 31 06 4659 3979 || Skype: kamran ashtary ||

—

ادامه روند اعدام‌های مخفیانه در اهواز

2014-06-14 · Archive ID 5833
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5833

در ادامه روند اعدام‌های مخفیانه عرب‌های اهوازی پنج شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۳(۱۲ ژوئن ۲۰۱٤) خانواده‌های علی چه‌بیشاط و سید خالد موسی از سوی نیروهای اطلاعات باخبر شدند که حکم اعدام این دو زندانی عرب اهوازی به اجرا درآمده و قبرهای هر دو زندانی اعدام شده توسط ماموران اطلاعات به برادرهای آنها نشان داده شده است. اطلاعات دریافتی عرصه سوم حاکی است ماموران اداره اطلاعات همچنین به خانواده های زندانیان اعدام شده در مورد برگزاری هرگونه مراسم هشدار داده‌اند.
دو زندانی سیاسی عرب اهوازی به نامهای علی چه بیشاط و سید خالد موسوی از ۱۸ مارس سال جاری، توسط نیروهای اداره اطلاعات از زندان فجر دزفول به مکان نامعلومی منتقل شده بودند و علی رغم تلاش زیاد وکلا و خانواده‌های آنها تا امروز خبری از سلامتی آنها در دست نبود.
علی چه بیشاط و سید خالد موسوی به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۸۶۱۱۹۹۰۱۲۲۱ شعبه ۴ دادگاه انقلاب اهواز در شهریور ۱۳۹۲ به اتهام "محاربه با خدا" و "اقدام علیه امنیت ملی" از طریق انفجار لوله گاز چغازمبیل به اعدام محکوم شدند.
این دو زندانی سیاسی به همراه چند نفر دیگر در تاریخ توسط اداره اطلاعات شوش دستگیر و پس از ماهها تحمل شکنجه شدید جسمی و روانی در بازداشتگاه اطلاعات اهواز مجبور به "اعترافات" اجباری شده اند. امری که بر خلاف تمام میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین المللی و همچنین اصل ۳۸ قانون اساسی ایران است.

اوج اعدامهای مخفیانه عربها در زمان روحانی
از زمان روی کار آمدن دولت روحانی تا کنون هشت زندانی عرب اهوازی که محکوم به اعدام بودند، بدون اطلاع خانواده و وکلایشان به صورت مخفیانه اعدام شدند. مسولان قضایی حتی پس ازاجرای حکم، تاریخ اعدام و محل دفن آنها را به خانواده هایشان ابلاغ نکرده اند.
هاشم شعبانی، ۳۲ ساله، معلم ادبیات عرب دبیرستان خلفیه و هادی راشدی، ۳۹ ساله، معلم شیمی دبیرستان خلیفه که به اتهام محاربه محکوم به اعدام بودند، ۱۶ آذر ماه سال ۱۳۹۲ از زندان کارون اهواز به مکانی نامعلوم انتقال داده شدند. خبر اعدام آنها در تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۳۹۲ به خانواده هایشان اطلاع داده شد. همچنین غازی عباسی، عبدالرضا امیر خنافره، عبدالامیر مجدمی، جاسم مقدم پناه در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۲ از زندان کارون اهواز به مکانی نامعلوم انتقال داده شده و مدتی بعد اجرای حکم اعدام آنها به خانواده هایشان ابلاغ شد.
پیش از روی کار آمدن روحانی در ژوئن ۲۰۱۲ نیز سه برادر حیدریان به همراه دوستشان علی شریفی به صورت مخفیانه اعدام شدند که تاکنون خانواده هایشان از محل دفن آنها اطلاعی ندارند.

—

ورزشگاه آزادی در انتظار زنان ایران

2014-06-15 · Archive ID 5844
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5844

زنان و دختران والیبال دوست امروز یکشنبه 25 خرداد نیز پشت در سالن ورزشگاه آزادی جمع شدند تا برای دیدن مسابقه ایران- برزیل حق ورود دریافت کنند. اما این بار نیز با درهای بسته و ماموارنی روبرو شدند که دستور داشتند مانع حضور آنان به ورزشگاه شوند.
ژیلا بنی یعقوب روزنامه نگار و فعال زن که خود در کلیه مسابقات در ورزشگاه حضور داشته و نتوانسته است

وارد ورزشگاه شود، گزارشی از نحوه رفتار پلیس با زنان حاضر در ورزشگاه در صحفه فیس بوک خویش منتشر کرده است:"نماینده پلیس امنیت اخلاقی به میان زنان آمد و گفت:به ما ابلاغ شده که به هیچ عنوان به زنان ایرانی اجازه ورود به وزرشگاه را ندهیم.پرسیدیم:فقط زنان ایرانی؟یعنی زنان خارجی حق ورود و تماشا ی مسابقات والیبال را دارند؟ با قاطعیت گفت:بله ، به ما گفته‌اند که به زنان ایرانی اجازه ورود ندهیم اما زنان غیرایرانی حق ورود دارند."

بنی یعقوب در گزارش خویش افزوده است سارا قاسم پور، مشاور شهین دخت مولاوردی معاون رییس جمهور در امور زنان هم به میان زنان آمده بود. او از خواسته زنان برای ورود به استادیوم حمایت کرد و بارها با مسوولان پلیس امنیت اخلاقی که اجازه ورود به زنان را نمی دادند صحبت کرد و از آنها خواست که از مقامات ارشد خود در این باره کسب تکلیف کنند.

خانم قاسم پور گفته است:"معاونت امور زنان، فدراسیون والیبال و وزارت وزرش هیچ کدام با ورود زنان به ورزشگاه برای تماشای مسابقات جهانی والیبال مخالفتی ندارند و فقط این شورای تامین استان تهران است که مخالف ورود آنها است.

نماینده پلیس اخلاقی نیز در واکنش به نماینده معاون رئیس جمهوری گفته است همین امروز به مقامات مافوقش گزارش خواهد کرد که امروز نیز زنان آمده بودند و خواستار ورود به ورزشگاه و تماشای فوتبال بودند.

این گزارش افزوده برخی از زنان با خانم قاسم پور درباره خواسته‌شان صحبت کردند و از او خواستار پیگیری‌های جدی تر معاون ریاست جمهوری در این زمینه شدند.

بسیاری از زنان نیز دقایقی طولانی با مسئولان پلیس امنیت صحبت کردند و بارها از آن‌ها پرسیدند که چرا ایران بر خلاف تعهدی که به مراجع بین‌المللی دراین‌باره سپرده، به ما اجازه ورود به ورزشگاه را نمی‌دهد...پلیس‌ها می‌گفتند ما این چیزها را نمی‌دانیم، به ما ابلاغ‌شده زنان ایرانی را به استادیوم راه ندهیم...امروز تعداد زیادی پلیس زن و مرد در مقابل ورزشگاه حضور داشتند و اجازه نزدیک شدن زنان را به در بزرگ ورزشگاه نمی‌دادند.

شهین دخت ملاوردی همچنین در جلسه هیات دولت به ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاه اعتراض کرده است.

وی نیز در یادداشتی که در صفحه شخصی فیس بوک خود منتشر کرده نوشته است:" امروز در هیئت دولت به ممنوعیت ورود زنان به سالن مسابقات والیبال اشاره کردم و مراتب اعتراض و ناامیدی نسل جوان را از این موضوع اعلام کردم، به ویژه آن که تماشای این مسابقات ظاهراً در دوره‌های قبلی برای دختران و زنان محدودیتی نداشته است و ایجاد محدودیت در دوره دولت تدبیر و امید مایه تعجب شده است. به نظر می‌رسد با اتخاذ تدبیر و ساز و کار لازم در این خصوص می‌توان به جوانه زدن بذر امید دل بست."

از سوی دیگر کمال‌الدین پیرموذن نماینده اردبیل در مجلس نیز روز یکشنبه در تذکری در صحن علنی با اشاره به برگزاری مسابقات لیگ جهانی والیبال در تهران گفته است خوب است که بانوان نیز بتوانند با حضور در ورزشگاه‌ها از دیدن این بازی‌ها لذت ببرند.

ممنوعیت برای ورود زنان به ورزشگاه ریشه‌های فرهنگی و مذهبی دارد. یک گزارش پژوهشی بخشی از این محدودیت‌ها را ریشه‌یابی کرده و از قول مخالفان و موافقان حضور زنان در ورزشگاه‌ها نوشته است:" مخالفان، از ابتدا با حضور زنان در همه‌ی مسابقات مخالف بودند و به مرور و با افزایش مطالبات زنان، بر حجم و دامنه مخالفت خود افزودند، استدلال‌های مخالفان را در سه دسته می‌توان خلاصه کرد:

حرمت شرعی حضور زنان در ورزشگاه‌ها

نبود امکانات سخت افزاری لازم برای حضور زنان

سالم نبودن فضای ورزشگاه‌ها

بر اساس یافته‌های این پژوهش، برخی از مراجع تقلید، حضور زنان در ورزشگاه‌ها را مصداق اختلاط می‌دانند و آن را جایز نمی‌شمارند، در مقابل، برخی همچون عزیزالله محمدی رئیس سابق سازمان لیگ فوتبال، با بیان اینکه با تفکیک جایگاه‌ها این مشکل قابل رفع است، معتقد است در مسابقاتی چون فوتبال، حرمت دیدن بدن به علت دوری از زمین بلاموضوع است، او بر همین اساس، خواستار صدور فتواهای به روز در این مورد شده است.

با این وجود این محدودیت‌ها فعالان زن همچنان امیدوارند تا درهای ورزشگاه را به سوی خویش بگشایند. آنان مصمم هستند تا برای دیدار بعدی نیز به ورزشگاه بروند. شاید آن روز دستور تغییر کند و این تلاش‌ها به پایان تبعیض آشکاری را علیه آنان اعمال شده است پایان دهد.

—

از جراحی تا نظارت بر تماشاگران فوتبال

2014-06-16 · Archive ID 5851
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5851

پس از اعتراض برخی از نمایندگان به سفر حمید رسائی برای نظارت بر عملکرد فدراسیون فوتبال در مسابقات جام جهانی بزریل، حسین آذین نماینده مردم رفسنجان و انار جایگزین وی شد. آقای آذین دبیر اول کمیسیون اصل نود مجلس است که با 44029 رای از مجموع 54678 رای حوزه انتخابیه خویش به مجلس راه یافت.

وی برای نظارت بر «رعایت اخلاق اسلامی» و «تماشاگران» و همچنین بررسی «ابعاد فساد در فوتبال»’ در جریان مسابقات جام جهانی فوتبال به برزیل سفر کرده است. وی پیش از سفر به برزیل در مصاحبه‌ای با تارنمای تدبیر گفته است:"ما نمی‌توانیم به راحتی از بحث‌های نظارتی بگذریم. ما باید به طور کامل به تمامی اقدام‌های تیم ملی و حتی هنرمندانی که تیم ملی را در سفر به برزیل همراهی می‌کنند نظارت داشته باشیم تا خدایی نکرده کاری خلاف آداب اسلامی و ایرانی صورت نگیرد."
حسین آذین جراح و متخصص مغز و اعصاب است. او در 12سالگی انقلاب را درک کرد و در دوران جنگ ایران و عراق کودک-سربازی بود که از ناحیه پا مجروح و به مدت 7 سال به اسارت درآمد. پس از جنگ به تحصیلات خود ادامه داد و موفق شد در رشته پزشکی با تخصص مغز و اعصاب فارغ التحصیل شود.
آقای آذین در سال 83 به معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان منصوب شد و پس از یکسال فعالیت، در دوره آغاز بکار دولت احمدی نژاد به ریاست این دانشگاه برگزیده شد.
در دوره دولت احمدی نژاد، وی علاوه بر ریاست دانشگاه رفسنجان، سمت‌های دیگری نیز در شهر رفسنجان بدست آورد و برای نخستین بار در سال 90، موفق شد بدون قرار گرفتن در فهرست سیاسی فعال در انتخابات آن دوره، به عنوان نامزد مستقل به نهمین مجلس راه یابد. آقای آذین اما پس از ورود به مجلس به فراکسیون اصولگرایان مجلس پیوست که ریاست آن بر عهده غلامعلی حدادعادل است.
در کارنامه قانونگذاری وی در ارتباط با عرصه جامعه مدنی می‌توان به امضای طرح "طرح تقویت و توسعه سازمان بسیج رسانه" اشاره کرد. بر اساس این طرح اختیارات و امکانات گسترده‌ای باید در اختیار سازمان بسیج و سپاه پاسداران برای راه‌اندازی رسانه‌های نزدیک به تفکرات بسیجی و همچنین تقویت فعالان رسانه‌ای همسو با این جریان قرار گیرد. در این طرح همچنین پیش بینی شده بود که دفاتر بسیج رسانه را در رسانه‌های عمومی کشور ایجاد شود. در حال حاضر کلیات این طرح به تصویب کمیسیون امنیت ملی مجلس رسیده است اما هنوز از تصویب نهایی مجلس نگذشته است.
امضای طرح نظام جامع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی از دیگر فعالیت‌های این قانونگذار است. هدف این طرح ایجاد یک نظام مشترک برای ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است که ارکانی چون ارکانی چون نهاد ملی آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی، ارائه دهندگان آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای و مهارتی،انجمن‌های علمی حرفه‌ای، اتحادیه‌ها و صنوف حرفه‌ای و شغلی را شامل می‌شود.

—

ناگفته کی‌روش از اثر تحریم‌ها بر فوتبال ایران

2014-06-17 · Archive ID 5862
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5862

کارلوس کی روش سرمربی تیم فوتبال ایران پس از پایان مسابقه فوتبال میان ایران و نیجریه در جام جهانی برزیل در نشست با مطبوعات از تاثیرات تحریم‌های بین المللی بر فوتبال پرده برداشت.
وی نتیجه بدست آمده را رضایت بخش توصیف و از تلاش بازیکنانش تقدیر کرد زیرا به گفته وی بازیکنان ایرانی در شرایط نابرابری با سایر تیم‌های حاضر قرار دارند."ما از محیطی در آسیا آمدیم که محدودیت های زیادی دارد. ما همان تسهیلاتی را نداریم که دیگر تیم ها دارند. تیم من باید تحسین شود برای زحمتی که بازیکنانش صادقانه کشیدند. آنها جشن می گیرند چون مزد تلاش شان را گرفتند. آنها شرایطی را که دیگران داشتند ، نداشتند. ما حتی به دلیل تحریم های سخت سیاسی نمی توانیم بازی دوستانه داشته باشیم."
سرمربی پرتغالی تیم ملی ایران پیشتر کمبود امکانات را دلیل کم بودن بازی‌های تمرینی تیم ایران ذکر کرده

بود. لغو اردوی تیم ملی فوتبال در پرتغال یکی از مواردی بود که کی روش به آن اشاره کرده بود.
علی کفاشیان رئیس فدراسیون فوتبال ایران نیز پیش از قرعه کشی مسابقات جام جهانی برزیل گفته بود شش تا هفت بازی تدارکاتی خوب برای تیم ملی در نظر گرفته شده که پس از مشخص شدن حریفان ایران پیگیری خواهد شد. وی تیم‌هایی از آفریقا، اروپا و آمریکای لاتین را حریفان تدارکاتی ایران خوانده بود.
پس از روشن شدن نتایج قرعه کشی مهدي محمد نبي سرپرست تیم ملی فوتبال حریفان تدارکاتي تیم ملي ایران را تیم‌هایی چون شیلي، کویت، چین، کره شمالی عمان، ترکمنستان و گرجستان ذکر کرده بود.
اما نهایتا بازی‌های تدارکاتی ایران با تیم‌هایی چون موزامبیک، بلاروس، مونته‌نگرو،آنگولا و ترینیداد و توباگو خلاصه شد. تیم‌هایی که هیچ یک در جام جهانی اخیر حضور نداشتند و در مقایسه با حریفان ایران تیم‌های ضعیفی بودند در رتبه بندی فیفا به ترتیب در رده‌های 114، ۸۳، ۵۴، ۹۴ و ۷۶ قرار دارند. تیم ایران در تهران نیز برابر تیم ملی گینه نیز قرار گرفت که با شکست زمین را ترک کرد.
همچنین قرار بود تیم ملی آفریقای جنوبی نیز از دیگران حریفان تمرینی ایران باشد اما این بازی به بازی با تیم‌های باشگاهی آفریقای جنوبی تنزل یافت.
از سوی دیگر به علت محدویت‌های بانکی ناشی از تحریم ، فدراسیون فوتبال ایران از دریافت کمک مالی 8 میلیون دلاری فیفا محروم مانده است. به گفته کفاشیان گرچه تحریم‌های ورزشی برداشته شده اما هنوز عملیاتی نشده و بدین خاطر این رقم پس از جام جهانی بدست این فدراسیون خواهد رسید:"فدراسیون فوتبال باید یک حساب بانکی در خارج از کشور باز کند تا بانک سوئیس از طریق فیفا بتواند پول را به حساب فدراسیون بریزد. اگر این کار را انجام ندهیم پول ما بلوکه می‌شود اما پیگیر این مسئله هستیم و از طریق وکیل‌مان می‌خواهیم حسابی در خارج از کشور باز کنیم."
اکنون آنچه کارلوس کی روش اعلام کرده است نشان می‌دهد محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین المللی دامان ورزش ایران را نیز فراگرفته است. در حالی که فیفا نهاد بین المللی مستقل از دولت‌ها است. در واقع آن‌چه کی روش بدان اشاره می‌کند برگرفته از جنبه‌های روانی تحریم‌های بین المللی است که چنین موانعی را پیش روی ورزش ایران نیز قرار داده است

—

تحرکات تازه برای شناسایی بهائیان یزد

2014-06-20 · Archive ID 5871
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5871

اقدامات تهدیدآمیز از سوی افراد ناشناس علیه بهائیان در یزد، بار دیگر موجی از نگرانی را در میان جامعه بهائی ایران ایجاد کرده است. "سیمین بهندژ" سخنگوی جامعه جهانی بهائی در ژنو و کامران اشتری مدیر عرصه سوم در این زمینه به تارنمای عرصه سوم گفته‌اند هدف از توزیع این اعلامیه‌ها شناسایی بهائیان و تحریک مردم برای حمله به آنها است و به صورت سیستماتیک و برنامه ریزی شده انجام گرفته است.
در روز 22 خرداد، مصادف با "شب برات" که برای ادیان و مذاهب مختلف ایرانی از احترام زیادی برخوردار و مصادف با میلاد امام دوازدهم شیعیان است، اعلامیه‌هایی با عنوان «معرفی پیروان آیین بهایی به عنوان بی‌خدا» در شهر یزد توزیع و پوسترهایی بر دیوار خانه‌ها و شیشه خودروهای پیروان آیین بهایی نصب شد.
در این اعلامیه که بدون امضا است نوشته شده:"خون بهایی هیچ ارزشی ندارد و وظیفه هر مسلمان است که مقابل این جریان بایستد، حتی اگر به قیمت از دست دادن زندگی‌اش تمام شود."
در واکنش به این تهدیدات، جامعه جهانی بهائی با انتشار بیانیه‌ای از این تهدید ابزار نگرانی کرده و این حرکت را برنامه‌ریزی شده خوانده است. این بیانیه که با امضای دیان علایی نماینده این جامعه منتشر شده نوشته است:" این کار برنامه‌ریزی‌شده‌ای است که تمامی پیروان آیین بهایی را شناسایی کرده و با نصب این پوستر و بروشورها، به آنها می‌خواهند بگویند که ما می‌دانیم شما کی هستید و می‌دانیم کجا هستید."

در همین رابطه سیمین فهندژ سخنگوی جامعه جهانی بهائی در گفت و گویی کوتاه با عرصه سوم به جزئیات بیشتری درباره این اتفاق اشاره کرد. به گفته او این بیانیه علاوه بر نصب در اماکن عمومی شهر، به در خانه‌ها و حتی روی خودروهای برخی از بهائیان در یزد نیز نصب شده است.
خانم فهندژ معتقد است هدف از انتشار این اعلامیه تحریک مردم برای حمله به بهائیان و ایجاد ترس و وحشت

میان آنان است و در این زمینه نقش حکومت ایران در پخش نفرت‌پراکنی علیه بهائیان بسیار پررنگ است."تهدیدکنندگان ناشناس نیستند بلکه به عالی‌ترین سطوح حکومتی در ایران وابسته‌اند."
سخنگوی جامعه جهانی بهائی در ادامه گفت و گوی خویش می‌گوید:" این اعلامیه می‌خواهد به بهائیان بگوید ما شما را کاملا می شناسیم و زیر نظر داریم و دقیقا .می‌دانیم کجا زندگی می‌کنید".



کامران اشتری نیز در این زمینه به عرصه سوم می‌گوید:" تبلیغات منظم و با برنامه علیه بهائیان در یزد و بسیاری از دیگر نقاط ایران وحشتناک و خطرناک است. این ما را به یاد آنچه که آلمان نازی در اوایل 1930

اتفاق افتاد می‌اندازد.
وی معتقد است که این نگرانی صرفا نگرانی جامعه بهائی نیست بلکه ایرانیان با مذاهب دیگر نیز از این اقدامات نگران شده‌اند:"ما ایرانیان باید آن را با بلندترین صدای ممکن محکوم کنیم. ما باید قویا تلاش کنیم تا اطمینان یابیم بهائیان و دیگران اقلیت‌های ایران محافظت میشوند .

این نخستین بار نیست که جامعه بهائی یزد مورد تهدید افراد ناشناس قرار گرفته است. به گفته سیمین فهندژ زمستان سال گذشته نیز اعلامیه‌ای با همین عبارات با امضای حزب‌الله در منزل 5 بهائی انداخته شده بود. سال گذشته همچنین یک گزارش تصویری از تخریب گورستان بهائیان در یزد از سوی شمیم اتحادی شهروند بهائی در یوتیوپ منتشر شد اما تهیه کننده این گزارش بازداشت و به 5 سال حبس محکوم شد.
به گفته جامعه جهانی بهائی، از سال ۱۳۸۳، برابر با ۲۰۰۵ میلادی، حداقل ۹ بهایی در ایران به قتل رسیده یا در شرایط مشکوک درگذشته‌اند و ۵۲ نفر دیگر نیز از سوی عاملان حکومت و مأموران لباس‌شخصی یا مهاجمان ناشناس مورد تهاجم فیزیکی قرار گرفته‌اند و تمامی این رویدادها بدون پیگیری مانده است.
تهدیدات بهائیان به قتل در ایران در حالی صورت می‌گیرد که اخیرا در جهان عرب مباحث جدیدی در زمینه همزیستی ادیان و مذاهب شکل گرفته است.
جامعه بهائی هلند اخیرا با انتشار بیانیه‌ای مطبوعاتی به نگاه‌های متفاوت دیگری اشاره کرده است که امروز در میان برخی علمای مسلمان نسبت به آیین بهائیت رایج شده است.
این بیانیه به فتوای آیت الله سید حسین صدر اشاره می‌کند که در آن تعامل نیکو با بهائیان توصیه شده است.
این مرجع شیعه در مصاحبه‌ای با تارنمای دین آنلاین درباره دلیل صدور فتوی خویش گفته است:"این که با پیروان دین مشخصی موافق نیستم، به معنای آن نیست که حق دارم آنان را از حقوق انسانی طبیعی یا حقوق ملی‌شان به عنوان فرزندان این یا آن وطن محروم کنم. دین بر ما واجب کرده است که با انسان‌ها حتی با دشمنانمان با عدل و مساوات تعامل کنیم؛ آن چنان که خداوند فرموده: «کینه‌ورزی گروهی، شما را واندارد بر این که عدالت نکنید؛ عدالت کنید! که آن به تقوا نزدیک‌تر است."
آیت الله حسین صدر در این مصاحبه حکم ارتداد برای بهائیان را رد و استدلال کرده است:" آن چه از نصوص دینی در مورد مسئله ارتداد فهمیده می‌شود، فقط منطبق بر تمرد بر قوانین همراه با انجام اعمال قتل و چپاول است؛ آن‌طور که در جاهلیت عادت بعضی قبایل بدوی بود و به همین جهت می‌بینیم که تمام ماجراهای ارتداد در زمان پیامبر از این نوع بوده است و صرف انتقال از یک دین به دینی دیگر نبود. هم‌چنان که صریح آیات قرآن دلالت دارند که اکراهی در دین نیست: "لا اکراه فی الدین". این آیه در مورد مسلمانانی نازل شد که مسیحی شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول این آیه از پیگرد و ملزم کردنِ آنان به بازگشت به اسلام نهی کرد."
آیت الله معصومی تهرانی نیز از دیگر روحانیون بلند پایه شیعه است که ابتکارش در مقابل بهائیان با تقدیر گسترده‌ای روبرو شده است. شورای صلح و عدالت اسلامی که در آفریقای جنوبی قرار دارد اخیرا اقدام این روحانی شیعی را نجیبانه توصیف و از آن تقدیر کرده است.
تعدادی از مفسّرین عرب در این زمینه گفته‌اند که از اقدام آیت‌الله عبدالحمید معصومی تهرانی الگو گرفته‌اند که اخیراً آیه‌ای خطّاطی شده از آثار بهائی را همراه با بیانیّه‌ای در مورد لزوم همزیستی با بهائیان که در ایران با تضییقات شدیدی روبرو هستند، به بهائیان جهان اهدا نمود.

—

حجاب اختیاری مطالبه اصلی زنان ایران

2014-06-23 · Archive ID 5895
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5895

استقبال بی سابقه از کمپین آزادی یواشکی و تلاش زنان ورزش دوست برای ورود به استادیوم والیبال و ممانعت ماموران از ورود آنان و حتی بازداشت تعدادی از زنان در مقابل استادیوم دو رویداد مهم اخیر در حوزه زنان است. با آغاز فصل گرما، جمهوری اسلامی سخت‌گیری نسبت به پوشش زنان را افزایش داده و تلاش می‌کند تا با بکار گیری ماموران غیر رسمی در کنار نیروهای لباس شخصی موسوم به آمران به معروف و ناهیان منکر حجاب اجباری را در جامعه کنترل کند.

به این بهانه و برای آگاهی بیشتر از جزئیات این دو رویداد مهم، با خانم نسرین افضلی فعال جقوق زنان گفت و گو کرده‌ایم. خانم افضلی کارشناس ارشد رشته مطالعات زنان از دانشگاه تهران است و تا کنون در چندین کمپین از جمله کمپین رفع سهمیه بندی جنسیتی در دانشگاهها’ کمپین نه به لایحه نحکیم خانواده نابرابر’ کمپین حذف قانون سنگسار’ کمپین دفاع از حق ورود زنان به ورزشگاهها و کمپین نه به طرح امنیت اجتماعی-گشت ارشاد- فعالیت داشته است. خانم افضلی اکنون در رشته جامعه شناسی در کانادا ادامه تحصیل می‌دهد.

این روزها کمپین آزادی‌های یواشکی توجه بسیاری را به خود جلب کرده، چرا این کمپین تا این حد طرف‌دار دارد؟



afzani nasrin

بحث حجاب اجباری از ۳۵ سال پیش در ایران موضوعیت یافت به گونه‌ای که نسل جوان امروز ما در چنین فضایی رشد یافته است. اخبار مربوط به حجاب همواره در صدر اخبار اجتماعی قرار داشته است تا حدی که بیشترین میزان تولید خبر در هر تابستان متعلق به داستان حجاب و مباحث مربوط به آن مانند تفکیک جنسیتی’ ممنوعیت تفریحات جمعی مثل آب بازی است. ولی واضح‌ترین و جدی‌ترین نمود بحث حجاب همان بحث پوشش و لباس و مشکلات ناشی از آن است. هفته آینده دمای هوا در تهران به ۳۹ درجه می‌رسد و تحمل این شرایط برای زنان به واقع سخت و دشوار است. به نظرم عجیب نیست که چنین استقبالی از این کمپینی صورت می‌گیرد، شاید عجیب این باشد که چرا تا امروز این اتفاق نیفتاده و به میزان کافی از طرف رسانه‌ها،

دولت‌مردان، گروه‌های سیاسی و ... توجه نشده است. در یک کلام دلیل این استقبال واضح و بدیهی است چرا که یک حق ساده و اولیه به مدت ۳۵ سال از زنان سلب شده است.

به نظر شما حجاب اختیاری، در اولویت مطالبات زنان ایران قرار دارد؟

وقتی صحبت از حجاب می‌کنیم باید حتما مد نظر داشته باشیم که تعریف حجاب در ایران با ترکیه، عربستان، تونس و با هر جای دیگری فرق دارد. یعنی ما اگر یک نام را همه جا به یک معنی و مفهوم به کار ببریم در واقع آن را تهی کرده‌ایم. از معنایی که در هر بستر فرهنگی می‌تواند داشته باشد. در ایران وقتی از بعد کلان به داستان حجاب نگاه می‌کنیم، این موضوع تمام شئون زندگی زنان را از تحصیل تا اشتغال و ورزش و ... را تحت تاثیر قرار داده است. یعنی با تمام امور زندگی زنان حتی در سلامت روان آنها، ارتباط مستقیم دارد. یعنی اگر کسی حجاب را اولویت زنان در ایران نداند، مشخصا باید گفت آشنایی با وضعیت زنان ایرانی ندارد و هیچ کدام از تبعاتی که حجاب اجباری و ایدیولوژی جنسیتی جمهوری اسلامی در زمینه پوشش برای زنان باعث شده را درک نکرده است. اگر بحث حجاب را تنها به نوع پوشش تقلیل می‌دهیم و دیگر جوانب را در نظر نگیریم، نتیجه‌اش این می‌شود که حقوق دیگر زن‌ها مانند حق طلاق یا اشتغال را دارای اولویت بیشتر بدانیم. در حالی که باید توجه داشت برخلاف معضل حق طلاق که محدود به زنان متاهل است موضوع حجاب از یک دختر بچه ۶ ساله تا یک پیر زن ۸۰ ساله، مجرد و متاهل، مسلمان و غیرمسلمان، داخل و خارج ایران، همه را شامل می‌شود و همه آن‌ها در گیر تبعات منفی حجاب اجباری می‌شوند در نتیجه باید گفت حل و فصل معضل حجاب اجباری قطعا اولویت اول زنان در ایران است.

فکر می‌کنید «آزادی‌های یواشکی» قابلیت تبدیل شدن به یک کنش عمومی و حضور خیابانی جمعی زنان را دارد؟

به رفع حجاب به عنوان یک حرکت جمعی زیاد نمی‌شود امیدوار بود. ولی این ظرفیت تکنولوژیکی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بحث جدیدی است. یعنی ما الان می‌توانیم کشف حجاب اینترنتی کنیم. الان نیم میلیون زن ایرانی اعتقادشان را به آزادی حجاب اعلام کردند از این بالاتر مگر چه می‌خواهیم؟ و خیلی جالب‌تر این که اخیرا بسیاری از زن‌ها می‌گویند حالا دیگر نسبت به این حق‌مان حساس‌تر شده‌ایم. این نیم میلیون قطعا چند میلیون نفر را پشت سر خود دارد که به هر دلیلی حضور خود را هنوز اعلام نکرده ولی همین اندازه حاضرند هزینه بدهند و کشف حجاب یواشکی کنند. اما به آن صورت که فکر کنیم روزی به صورت جمعی به خیابان بیایند و این حرکت را انجام دهند فعلا به خاطر هزینه‌های خیلی سنیگنی که در پی‌خواهد داشت امکان پذیر نیست و من هم فکر می‌کنم که لزومی ندارد، همین که آهسته آهسته چشم و ذهن مردم کوچه و خیابان آماده شود برای پذیرش آزادی حجاب، یک گام مهم برای رفع این محدودیت است.

در بحث حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی سال‌هاست تصمیمات مختلفی گرفته می‌شود، ریشه این مخالفت‌ها و موافقت‌ها را در چه می‌بینید؟

بحث ممنوعیت ورود زنان به استادیوم‌ها دقیقا بخشی از همان معضل حجاب اجباری است، که اتفاقا بخش مهمی است یعنی استادیوم را به عنوان سمبل فضای عمومی که زنان بعد از انقلاب از آن محروم شده‌اند باید دید. الان فضای عمومی جامعه در انحصار مردان است و زنان برای استفاده از پارک‌ها، استادیوم‌های ورزشی، وسائل ورزشی، استخرهای روزباز و رودخانه‌ها و اماکن تفریحی و .... نسبت به مردها بسیار بسیار با محدودیت مواجه‌اند مگر در جایی که نظارت خیلی کمتر باشد و بتوانند با پذیرش خطر ماموران و سنگینی نگاه عابران استفاده کنند.

علاوه بر این، بحث حجاب و ناروا بودن حضور زنان در اماکن عمومی برای حکومت مشکل ساز است به طور خاص جاهایی که امکان حضور دسته جمعی زنان باشد و به خصوص در مواردی که از نظر آنها خلاف شئونات اسلامی است، مانند شادی و فریاد زنان که از خط قرمزهای نظام فراتر است و بارها اعلام کردند که حضور زنان در استادیوم شئونات اسلامی را زیر پا خواهد گذاشت. حتی یکی از ائمه جمعه گفته بود اگر در چنین فضایی که دوربین‌های زیادی حضور دارد زنی یا زنانی کشف حجاب کنند این خود مصیبت بزرگ و غیرقابل جبران است. بنابراین از نگاه جمهوری اسلامی حضور زنان در استادیوم بسیار خطرناک است چرا که تصویر آن زن خانه‌نشین، ساکت، بی‌مطالبه و بی‌هیجان را زیر سوال می‌برد. ولی ما می‌بینیم که به خاطر فشارهای بین

المللی بحث‌هایی در سطح مسئولان مطرح می‌شود که باید تا الان جواب می‌داد اما همین که جواب نداده نشان دهنده قدرت و فشار نیروهای تندروی داخل کشور است که تا امروز این مشکل حل نشده است.

آخرین باری که زنان توانستند در یک مسابقه ورزشی حاضر شوند به چه تاریخی برمی‌گردد؟ و شرایط امروز برای زنان چگونه است؟

جدی‌ترین ممنوعیت برای حضور زنان در مسابقات فوتبال بود که هنوز هم پابرجاست اما در والیبال اخیرا این ممنوعیت ایجاد شده است. این روزها هم که شاهد آن هستیم که به صراحت در رسانه‌ها از این ممنوعیت صحبت می‌کنند. حتی برای تهیه بلیط اینترنتی وارد کردن کد ملی الزامی است و سامانه فروش بلیط جنسیت شما را تشخیص می‌دهد و امکان خرید بلیط را برای زنان، غیر فعال می‌کند ولی باز هم زنان بسیاری را می‌شناسم که برای تهیه بلیط از کارت ملی برادران و همسران و آشنایان خود استفاده می‌کنند هر چند در هنگام ورود به سالن از حضور آنها جلوگیری می‌شود.

باید توجه داشت که این ممنوعیت خواسته همه مسئولان نیست، به دولت‌ها هم ربطی ندارد بلکه بیشتر تحت تاثیر نفوذ بخش تندرو و بنیادگرای روحانیت است که تا امروز در این زمینه مقاومت کرده، چرا که معتقدند با ورود زن‌ها به این عرصه‌ها سنگ روی سنگ بند نمی‌شود

در گذشته کمپینی وجود داشت به اسم روسری سفیدها این کمپین و دیگر تلاش‌های زنان تا امروز چگونه پیش رفته و چه دستاوردهایی داشته است؟

روسری سفیدها و یا همان کمپین حق ورود زنان به استادیوم‌ها از قدیمی‌ترین کمپین‌های زنان است و پشتوانه اجتماعی زیادی هم دارد. چرا که دختران جوان زیادی هستند که علاقه دارن به دیدن بازی فوتبال چرا که به هر حال در ایران دختران سرگرمی زیادی ندارند و بسیاری از دختران و پسران فوتبال را به عنوان یک سرگرمی در زندگی‌شان دارند.

تقریبا این کمپین ۹ سال است که شروع شده، از سال ۸۴ و از بازی ایران و بحرین که ایران توانست به جام‌جهانی صعود کند و «روسری سفید» هم انتخاب شده بود برای این که می‌خواستند روی آن شعارشان را بنویسند «سهم زن نیمی از آزادی» به معنای نیمی از استادیوم آزادی. زمانی که این کمپین شروع شد، طوماری با بیش از ۱۰۰هزار امضا جمع آوری و به نهادهای مختلفی در داخل و خارج از کشور همچون کمیته ملی المپیک، فیفا و دیگر نهادهای ورزشی. نهادهای بین المللی ارسال و جواب‌هایی نیز گرفته شد اما خوب هیچ کدام منجر به مجازات‌های جدی برای ورزش ایران نبود. بنابراین می‌بینیم که تاثیر زیادی نگذاشته اما تنها امید اعضای این کمپین همین فشارهای بین المللی است تا شاید بتواند فشارهای داخلی را خنثی کند.

خوشبختانه حالا با وجود فیسبوک دوباره این فعالیت‌ها از سر گرفته شده، طومار جدیدی آماده شده که تا امروز بیش از ۱۵۰۰ نفر آن را امضا کرده اند و قرار است به نهادهای مختلف داخلی و خارجی ارسال شود.

—

امتیازات ویژه قضایی و اجتماعی برای لباس شخصی‌ها

2014-06-24 · Archive ID 5909
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5909

صد و چهل و دو نماینده مجلس طرحی را تدوین کرده‌اند که بر اساس آن از افرادی که با لباس شخصی به مردم تذکر می‌دهند، حمایت‌های قضایی و اجتماعی ویژه‌ای صورت خواهد گرفت. امروز وزیر کشور برای پاسخ گویی به سئوالات برخی نمایندگان در خصوص وضعیت حجاب در کشور به مجلس فراخوانده شد و به سئوالاتی در خصوص شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر در جامعه نیز پیشنهاد جدیدی ارائه کرد.
به گفته رحمانی فضلی وزارت کشور پیشنهاد کرده است مقابله با بدحجابی را به جامعه مدنی واگذار شود:
"ایجاد کانون تشکل‌های غیردولتی فعال در عرصه عفاف و حجاب برای توسعه حرکت‌های مردمی از جمله این

موارد است که پیشنهادمان آن است که از طریق سمن‌ها و ان‌جی‌اوها و خیریه‌های موجود، امر به معروف و نهی از منکر را به مردم واگذار کنیم."

بر اساس این طرح که با دو فوریت به صحن علنی مجلس رسیده است، افرادی را در خلال امر به معروف و نهی از منکر مصدوم یا کشته شوند جانباز و شهید خوانده شده و از امتیازات اجتماعی ویژه آن برخوردار خواهند شد.
فوریت این طرح در حالی تصویب شد که محمدرضا باهنر نایب‌رئیس مجلس معتقد بود باید دو فوریت طرح ابتدا باید در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس بررسی بیشتری شود و سپس به صحن بیاید.
بر اساس آیین نامه داخلی مجلس این طرح باید ظرف 24 ساعت در صحن علنی مجلس بررسی شود اما در جلسه امروز این طرح بررسی نشد. دراین ماده واحده که 4 تبصره دارد، مجازات افرادی که مانع امر به معروف و نهی از منکر شوند یا آمران معروف و ناهیان منکر را ضرب و شتم کنند یا به قتل برسانند را افزایش داده است.
بر اساس برخی از گزارش‌ها تا کنون افراد مختلفی بدون داشتن مسولیت رسمی و به صرف انجام وظیفه دینی به افراد دیگر در خصوص رفتارشان تذکر داده یا با آنان برخورد لفظی و قیزیکی کرده‌اند اما در این برخورد مجروح یا کشته شده‌اند.
بر اساس یکی از این گزارش‌ها از سال 69 تاکنون 15 لباس شخصی بخاطر امر به معروف کشته شدند و آخرین مورد مربوط به فرودین سال جاری است.

در این قانون شرط اعمال این شرایط عدم استفاده از الفاظ رکیک از سوی آمران به معروف و ناهیان منکر قید شده است.
اما نکته دیگری که با ابهام بدان اشاره شده است نقش سازمان‌های مردم نهاد به عنوان نهادهای امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر است.
تبصره چهار این ماده می‌گوید:" درصورتی که عمل ارتکابی علیه اطفال، نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و افراد دارای قیم فاقد صلاحیت، محیط زیست، میراث فرهنگی و بهداشت عمومی شود سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از آمر به معروف و ناهی از منکر است می‌توانند مطابق مفاد ماده 66 آیین دادرسی کیفری اقدام نمایند."
امر به معروف و نهی از منکر یکی از آموزه‌های اسلامی است که در ایران تا کنون درباره زنان و مسئله حجاب اعلام شده است. از این رو امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دینی هر مسلمانی است. اما در ایران این امر نیز حکومتی شده و نهادهایی نظیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، بسیج سپاه پاسداران و نیروی انتظامی نیز در زمینه امر به معروف و نهی از منکر فعالیت دارند و حوزه وظایف آنها در این زمینه ام به درستی تعریف نشده است.
رحماندوست یکی از حامیان این طرح در مجلس درباره دلیل تهیه این طرح و فوریت آن گفته است:"متاسفانه در روزهای گذشته شخصی به خانمی که در اتومبیل خود حجاب خود را برداشته بود، تذکر داده بود اما در مقابل آن خانم اقدام به درآوردن لباس خود در ملأ عام کرده و در ادامه وقتی که کار به مراجع قضایی کشیده شده است، شخص آمر به معروف محکوم و با قید ضمانت آزاد می‌شود."
از نظر این نماینده دلیل ارائه این طرح و قانونی کردن آن صرفا محکومیت فردی بوده که به‌خاطر امر به معروف از سوی قاضی محکوم شده است اما وی هیچ اشاره‌ای به جزئیات این ماجرا نکرده است.
دو سال گذشته احمد زرگر دبیر "ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی" وابسته به قوه قضائیه گفته بود که ۷۰ هزار نفر مامور اجرایی امر به معروف وجود دارد که تا پایان سال تعداد آنها به ۱۰۰ هزار نفر می رسد.
در تارنمای ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی قوه قضائیه آمده که ماموران ارشاد امر به معروف این ستاد توسط ائمه جمعه و معتمدان محلی معرفی می شوند و بعد از شناسایی و گزینش، آموزش های لازم را در زمینه احکام، اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر می بینند.
آنطور که در این وبسایت توضیح داده شده، ماموران ارشاد امر به معروف و نهی از منکر کار انتظامی نمی کنند ولی "به عنوان معتمد دستگاه قضایی موارد را به نیروی انتظامی و دستگاه قضایی گزارش" می‌دهند و برای رفع مشکلات محلی تصمیم گیری می کنند.
این ستاد بر اساس بخشنامه محمود هاشمی شاهرودی رییس رئیس وقت قوه قضاییه در دی ماه سال ۱۳۸۳ تشکیل شده اما به گفته آقای زرگر تا تیرماه سال ۱۳۸۵ فعال نبود.

نمایندگان مجلس در سال‌های گذشته چند طرح برای ساماندهی امر به معروف و نهی از منکر تهیه کرده‌اند که هیچ کدام به تصویب نهایی نرسیده است
بر اساس یکی از طرح‌هایی که سال ۱۳۹۱ در مجلس تهیه شده، امر به معروف و نهی از منکر باید در ۹ زمینه، شئون و حدود اسلامی، عفت عمومی، خانواده، امنیت اجتماعی، گران‌فروشی و کم‌فروشی، حقوق شهروندی، رشوه، رباخواری و بهداشت عمومی و محیط زیست انجام شود.

.

—

واکنش فعالان زن به مطهری درباره حجاب

2014-06-24 · Archive ID 5927
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5927

علی مطهری نماینده تهران امروز با فراخواندن رحمانی فضلی وزیر کشور به مجلس از وی خواست در خصوص اقدامات دولت برای رعایت حجاب در مجلس توضیح دهد. این نماینده در توضیحاتی پیشنهاد کرده است تا در صورت بدتر شدن فضای عفاف و حجاب اماکن ویژه‌ای به سبک غرب در کشور ایجاد شود
در این زمینه مسیح علی نژاد روزنامه نگار و از فعالان کمپین آزادی یواشکی در ایران و نعیمه دوستدار از فعالان فمینیست در پاسخ به سئوالی در این باره با عرصه سوم صحبت کردند.
به گفته خانم علی‌نژاد ربط دادن حق انتخاب پوشش به مسائل جنسي و تأمين نياز هاي جنسي فقط از اذهان متحجر بر مي آيد.
وی می‌گوید عقايد آ قاي مطهري در خصوص مباحث مربوط به حجاب به شدت متحجر است و نظرات واپس گرایانه اش در مورد زنان فقط تاسف برانگیز است



Masih alinejad

نعیمه دوستدار نیز درباره منظور آقای مطهری از ایجاد اماکن ویژه به سبک غرب در کشور گفت:" شخصا فکر مي كنم آقاي مطهري، مي خواهد نوآور مراكز رسمي صيغه باشد، يعني آن ظاهر اسلامي حفظ شود. "
به گفته خانم دوستدار احتمالا نظر آقای مطهری این است که فضاهايي براي عرضه سكس ايجاد شود، منتها با تعريف شرعي مد نظر ايشان. مثل شيوه اي كه برخي از اين سايت ها در ايران ترويج صيغه هاي كوتاه مدت در پيش گرفته اند.
او در عین حال افزوده است به این نظر نقد نیز وارد است. اینکه حتي در غرب هم وجود مراكز مجاز عرضه سكس، فراگير نيست و برخي كشورها مثل سوئد خريد سكس را غيرقاتوني مي دانند. يعني در واقع روي اصل مساله هنوز در بين فمنيست ها بحث هست و توافق وجود ندارد.
وزیر کشور در جلسه امروز مجلس با ارائه آماری اعلام کرد در سال گذشته 220 هزار نفر از افرادی که حجاب را در جامعه رعایت نکردند به نیروی انتظامی منتقل شدند و تعهد از آنها گرفته شده است. او در توضیحاتی در این خصوص درباره تاثیر این احضارها گفته است حسن سابقه برای اشتغال و تحصیل این افراد صادر نخواهد شد.
اما به گفته آقای مطهری که همواره در مجلس معترض وضعیت حجاب در جامعه بوده است، در جلسات عفاف و حجاب صرفاً آمار برای رفع تکلیف ارائه می‌شود.
مطهری همچنین از وزیر کشور خواسته تا مانع ورود زنان با پوشش ساپورت به سازمان‌ها شوند.

این نماینده همچنین گفته دولت در مقابله با بدحجابی کم کاری کرده است.مطهری معتقد است وقتی در شرع مسئله حجاب مورد تأکید است انجام آن نیاز به قانون ندارد.
رحمانی فضلی وزیر کشور نیز سخنان مطهری را تائید کرده است. وی گفته است وظیفه خود را درباره حجاب فراتر از قانون می داند و سوگند خورده است که حسن روحانی رئیس جمهوری نیز نسبت به این مسائل حساس است.

—

آب چاه و چاه سرطان در کلام مدیران ایران

2014-06-28 · Archive ID 5966
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5966

افزایش شدید گرما در ایران بحران کمبود آب را در ایران دامن زده است. یکی از مدیران شرکت آب ایران از جیره‌بندی آب در چند شهر بزرگ خبر داده است در همین حال یک مقام محیط زیست نیز نسبت به سرطان زا بودن آب چاه به شهروندان هشدار داده است.

پیش از این وزارت نیروی ایران هشدار داده بود ۳۷میلیون ایرانی در معرض کم‌آبی قرار دارند و در صورتی که صرفه‌جویی نکنند تابستان با مشکل کم‌آبی رو به رو خواهند شد.
در این رابطه سام خسروی‌فرد، کارشناس محیط زیست به بی بی سی گفته است جیره‌بندی آب در شهرها برای مقابله با بحران آب بی تاثیر است.

به گفته آقای خسروی‌فرد، به جای جیره‌بندی آب باید روش‌های آبیاری کشاورزی را مدرن و بهسازی کرد.

ایران چند سال است که دوره خشکسالی را پشت سر می‌گذارد و بخش‌های زیادی از تالاب‌ها و دریاچه‌هایی مانند هامون و ارومیه خشک شده است.
از سوی دیگر کم آبی موجب شیوع استفاده از آب چاه می‌شود. به گفته یکی از مسئولان سازمان محیط زیست ایران استفاده از آب چاه موجب شیوع سرطان در کشور می شود.

به گفته سعید متصدی،اگر مردم در مصرف آب صرفه جویی نکنند وزارت نیرو برای جبران کمبودها ناچار است از آب چاه برای مصارف شرب استفاده کند که به دلیل بالا بودن مقدار عناصری مانند نیترات و کادمیوم در منابع زیرزمینی احتمال ابتلا به سرطان برای شهروندان به وجود می‌آید.

محمدرضا برجی مدیرکل محیط زیست استان گیلان نیز اعلام کرده است در اثر آلودگی زیست محیطی از جمله آب شرب و کشاورزی استان گیلان بالاترین آمار ابتلاء به سرطان را به خود اختصاص داده است.

به گفته وی آب، خاک و حتی هوای سالم به علت سوء مدیریت و استفاده از سموم و تولید زباله آلوده شده است. وی همچنین گفته است امروز اگر در کشور زلزله ای رخ دهد و در آن حتی ۵نفر کشته شوند کمیته بحران تشکیل می شود اما قتل عام شدن انسان ها بعلت آلودگی زیست محیطی مورد توجه قرار نمی گیرد.

.

—

گزارش نقض حقوق دگرباشان به سازمان ملل می‌رود

2014-07-01 · Archive ID 5971
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5971

کمیسیون بین المللی حقوق بشر مردان و زنان همجنس‌گرا و سازمان دگرباشان جنسی ایران گزارش مفصلی را به صورت مشترک درباره وضعیت دگرباشان جنسی در ایران تهیه و برای مراجع حقوق بشری و سازمان ملل

متحد ارسال کرده‌اند.
این گزارش قرار است دربیستمین جلسه گروه کاری یو.پی.آر در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که اکتبر و نوامبر برگزار خواهد شد، بررسی شود.
این گزارش همچنین به تائید سازمان‌هایی چون عرصه سوم، سازمان حقوق بشر ایران ،مرکز بین‌المللی حقوق بشر در مدرسه حقوقِ سانتا کلارا، موسسه تونگا لِیتیس و شبکه تفاوت جنسی در کشورهای حوزه اقیانوس آرام رسیده است.
در این گزارش به مسئله نقض حقوق اقلیت‌های جنسی در ایران از زوایای مختلف پرداخته شده است. از زاویه قضایی و حقوقی این گزارش اورده است که روابط رضایت‌مندانه بین دو فرد همجنس جرم شمرده شده است و قوانین ایران هرگونه صحبت بی‌طرفانه یا مثبت، در مورد رفتار همجنس‌خواهانه و دیگر اعمال رضایت‌مندانه خارج از محدوده ازدواج دگرجنس‌گرایانه را منع می‌سازد.
در این گزارش همچنین آمده است رسانه‌های مکتوب ایران نیز در وضعیتی مشابه از هرگونه بحث در موارد مرتبط به روابط همجنس‌خواهانه و دیگر روابط جنسی رضایت‌مندانه منع شده‌اند و چنین مسائلی را طبق قوانین غیراخلاقی در نظر می‌گیرند.
این گزارش مجموعه‌ای از رویدادهای اخیر را نیز مطرح می‌کند که بیانگر خشونت از پیش برنامه‌ریزی شده جمهوری اسلامی ایران، شامل بر نقضِ حقوق بشر افراد، بر پایه گرایش همجنس‌گرایانه یا حمایت از آنان همجنس‌گرایان مرد و زن است.
این گزارش سپس توصیه‌هایی را در هفت بند به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یادآور شده و از این شورا خواسته است تا از جمهوری اسلامی بخواهد این موارد را رعایت کند.
مواردی چون اصلاح قوانین،آزادی زندانیان دگرباش و همچنین رفع تبعیض علیه آنان از جمله خواسته‌های مهم مطرح شده در این گزارش است.
متن کامل این گزارش را می‌توانید در لینک پایین مشاهده کنید.
Farsi - UPR Submission_Final

—

فراخوان ایران آکادمیا برای ثبت نام در رشته مطالعات اجتماعی

2014-07-04 · Archive ID 5981
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5981

موسسه ایران آکادمیا با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرده است از ابتدای ماه ژوئن ۲۰۱۴ امکان درخواست ثبت نام در دوره آنلاین «مطالعات اجتماعی» آغاز شده و این مهلت به مدت دو ماه یعنی تا پایان جولای ۲۰۱۴ ادامه دارد.
در این اطلاعیه راهنمایی نیز برای نحوه ثبت نام منتشر شده است که علاقه مندان را قادر می سازدبا مراجعه به آن از هرجا که زندگی می کنند ثبت نام نمایند.
ایران اکادمیا یک موسسه آموزشی مجازی است که تلاش می کند محدودیت های موجود برای آموزش علوم انسانی در ایران را جبران کند. این موسسه درباره خویش نوشته است:"مؤسسه “ایران آکادمیا” به آموزش آنلاین علوم انسانی و اجتماعی می پردازد. هدف این مؤسسه ارتقای توانایی دانشجویان در درک و تحلیل پدیده‌ها و مسائل اجتماعی برپایه اندیشه سنجشگر و روشمند علوم انسانی و اجتماعی با نظر به جامعه و فرهنگ ایران در متن جهان معاصر است."

ایران آکادمیا و برنامه آموزشی «مطالعات اجتماعی» تحت پروسه ارزیابی و طبقه بندی در کادر در سطح معادل کارشناسی ارشد است و مدرک پایانی دوره نیز بر همین مبنا صادر می گردد.
علیرضا کاظمی یکی از موسسان این آکادمی در گفت و گوی کاملی با عرصه سوم که متن آن بزودی منتشر خواهد شد گفته است:"بدلایل پیچیدگیها و موانع اجرایی در حال حاضر توانستیم تنها امکان تحصیل در مقطع فوق لیسانس را فراهم کنیم. مدل آموزشی ایران آکادمیا مدل آموزشی دانشگاه آزاد است به این شکل که بتوان هم دانشجوی تمام وقت برای برنامه کامل پذیرفت و هم امکان حضور در کلاسها بطور مجرد. طبعا ظرفیت پذیرش دانشجو تمام وقت با توجه به نیاز به نظارت و راهنمایی اساتید محدود هست و تصور نمی کنم

ظرفیت کلاسها بتواند فراتر از ۳۰ تا ۳۵ نفر باشد. در کنار آن اما در تلاشیم و امیدوارم که موفق شویم که امکان حضور علاقمندان در کلاسهای مورد نظرشان را فراهم کنیم، آنچه که امروزه بعنوان MOOC یا «کلاس آنلاین عمومی آزاد» شناخته می شود، که طبعا شرایط و نتایجش با دانشجوی تمام وقت متفاوت است"
در این اطلاعیه همچنین آمده است که بدون داشتن مدرک رسمی آیلتس و تافل نیز امکان تحصیل در این آکادمی وجود دارد.
تدریس در "ایران آکادمیا" به زبان فارسی است. انجام تکلیف های درسی به سایر زبان‌های رایج در ایران نیز ممکن است. همچنین می توان از زبان‌های خارجی در تدریس و انجام تکلیف های درسی استفاده کرد. انتخاب زبان تکلیف ها در نهایت بستگی به توانایی و توافق استاد و دانشجو دارد.

—

10 نماینده مجلس: خاتمی را ممنوع از بیان کنید

2014-07-06 · Archive ID 5986
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5986

ده نفر از نمایندگان مجلس در تذکر کتبی به مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری از او خواسته‌اند تا بر اساس حکم صادره شورای عالی امنیت ملی علیه محمد خاتمی رئیس جمهوری پیشین، وی ممنوع‌التصویر و ممنوع از بیان شود .

کریمی قدوسی، کائیدی، پژمان‌فر، کوثری، حسینی، آلیا، موسوی‌نژاد، حسینیان و بذرپاش از جمله نمایندگانی هستند که این خواسته را از وزیر دادگستری مطرح کردند.
این نمایندگان از پورمحمدی پرسیده‌اند آیا حکم اجرایی شورای عالی امنیت ملی لغو شده است؟ سید محمد موسوی نژاد نماینده دشتستان در مجلس و عضو کمیسیون انرژی درباره تذکری که او نیز خطاب به وزیر دادگستری امضا کرده است به خبرآنلاین گفته است: "این موضوع مصوبه شورای عالی امنیت ملی است و باید اجرایی شود. اگر هم مصوبه لغو شده است هم باید این امر اعلام شود."
به گفته وی مصوبه ای مبنی بر لغو ممنوع التصویر بودن خاتمی ابلاغ نشده است و ربطی هم به دولت قبل یا بعد ندارد و باید اجرا شود. اگر این دولت این مصوبه را لغو کرده است باید آن را اعلام کند تا زمانی که حکم مصوبه لغو نشده است حکم مصوبه پا برجا است.
به گفته این نمایندگان این مصوبه پس از حوادث انتخابات سال 88 از سوی شورای عالی امنیت ملی صادر شده است. خاتمی از آن تاریخ تا کنون ممنوع الخروج بوده است.

محمد خاتمی اخیرا در یادداشتی که در نشریه جدید الانتشار "سخن ما" منتشر شده است نوشت:" در نظام های جدید، این مردمند که منشاء و صاحب اصلی قدرتند و قدرت متمرکز نماینده قدرتی است که در میان یکایک افراد منتشر شده است و افکار عمومی باید در جهتی شکل گیرد و بسط یابد که مردم خود را صاحب حق و در عین حال، دارای مسوولیتی اجتماعی نسبت به حکومت و نسبت به یکدیگر بدانند و به این باور برسند و به آثار و لوازم این دانایی و این باور ملتزم باشند و حکومت را برآمده از اراده و متکی به رضایت خود بدانند."
این نمایندگان همچنین خواسته های دیگری را نیز از به وزیر آموزش و پرورش خواستند تا به سند تحول آموزش و پرورش توجه جدی کند و به آنچه "مشاوره‌ی افراطیون مشارکتی در جهت اجرا نشدن فرامین رهبری" ذکر شده بی اعتنایی کند.
آنان همچنین به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز تذکر داده‌اند تا اصول حکومت اسلامی را اجرا کرده و از فعالیت‌های ضد فرهنگی در حوزه‌های کتاب و سینما جلوگیری کند.
وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز از تذکر این نمایندگان بی نصیب نمانده است. این نمایندگان از این وزیر خواسته اند به تا اینترنت ملی را هر چه سریعتر راه اندازی کند و به موضوعاتی چون رفع فیلترینگ و پهنای باند نپردازد.
این نخستین بار نیست که این دسته از نمایندگان خواهان اعمال محدودیت های بیشتر فرهنگی در جامعه شده اند.
این در حالی است که علی جنتی وزیر فرهنگ در مصاحبه مفصلی با روزنامه شرق از عملکرد خویش در حوزه

کتاب و سینما دفاع کرده و همچنین گفته است که مانع از فیلترینگ های بی منطق خواهد شد."قبلا هم گفتیم اگر مجوزی صادر می‌کنیم پای مجوزمان می‌ایستیم. البته بعضی از محصولات فرهنگی مجوزشان در دوره قبلی صادر شده بود و حالا در این دوران علیه‌شان جوسازی می‌شود، مثلا در مورد فیلم رستاخیز بیشتر بولتن‌سازی‌ها در جهت این است که شخصیت‌های حوزوی و مردم متدین را تحریک کنند که چرا چهره حضرت‌ابوالفضل(ع) در این فیلم نشان داده شده است."

—

ایران آکادمیا، دانشگاهی برای جامعه مدنی

2014-07-07 · Archive ID 5897
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5897

موسسه غیر انتفاعی و غیر دولتی ایران آکادمیا چندی پیش با انتشار اطلاعیه‌ای از آغاز نخستین دوره ثبت نام در این مرکز آموزشی مجازی خبر داد. این موسسه در اطلاعیه خویش یادآور شده است که با هدف جبران موانع موجود بر سر تحصیل در برخی از رشته‌های علوم انسانی در ایران راه اندازی شده است. برای آگاهی بیشتر از جزئیات فعالیت‌های این آکادمی با علیرضا کاظمی از موسسان و فعالین این موسسه گفت و گویی داشته‌ایم.

، آقای کاظمی،ایران آکادمیا یک دانشگاه مجازی است.چه تفاوتی میان این دانشگاه و سایر دانشگاه‌های مجازی موجود در ایران وجود دارد؟



Kazemi

تصور می کنم تفاوت عمده‌ای وجود دارد. ایران آکادمیا قبل از هر چیز یک ابتکار شهروندی و یک نهاد مدنی است. ضرورت ایجاد چنین نهاد مستقلی بدنبال محدودیت‌های اعمال شده در حوزه علوم انسانی به وجود آمده است. بدنبال آن ایده ایجاد چنین نهاد علمی‌ای توسط شهروندان عادی یعنی دانشجویان و دانش آموختگان همین حوزه اندیشیده شده و در ادامه موفق به جلب همکاری استادان برجسته در این حوزه شده است. بنابراین تمامی دست اندرکاران آن شهروندانی هستند که دغدغه علمی و گسترش آگاهی دارند و نه دولت یا دیگر نهادهای قدرت که می توانند منافع یا اولویت‌های دیگر داشته باشند. حال اگر بدانیم که «استقلال نهاد دانشگاه» و «آزادی‌های علمی» دو شرط بسیار ضروری برای رشد علمی است و بدون آنها آینده اجتماعی و اقتصادی یک جامعه دچار آسیب‌ها و عوارض جدی می‌شود، متوجه می‌شویم که ضرورت داشتن نهادهای علمی مستقل چقدر جدی است و این تلاشی است برای نهادسازی و تقویت جامعه ایرانی در راستای نیازهای علمی آن. علاوه بر اینها ایران آکادمیا یک نهاد غیر انتفاعی است و تمامی تلاش تقریبا سه ساله برای ایجاد آن تمام داوطلبانه انجام شده است.

این تفاوت در بنیاد و شکل‌گیری این نهاد علمی است. اما تفاوت‌هایی نیز در محتوایی که ارائه می‌دهد وجود دارد. قبل از هر چیز محتوای برنامه آموزشی و دروس ایران آکادمیا نه توسط دولت و یا هر نهاد قدرت دیگری بلکه توسط هیئت علمی و اساتید آن تدوین می‌شود

تلاش شده است که برنامه تدوین شده بر اساس نیازهای جامعه ایران باشد. خود برنامه نیز بر اساس استانداردهای علمی بین المللی نظارت می‌شود.

پس از شروع دوره نیز پروسه‌های ارزیابی توسط دانشجویان داریم. به این شکل مجموعه محتوا نیز با مشارکت اساتید و دانشجویان رشد و ارتقا پیدا می‌کند و نه مداخله نهادهای غیر علمی و غیر مرتبط. شاید بتوان گفت این دو تفاوت عمده‌ای بود که به اختصار می‌توان اشاره کرد.

شما با رشته مطالعات اجتماعی آغاز کردید. این رشته تا چه میزان حوزه جامعه مدنی را پوشش می‌دهد با توجه به اینکه برخی از مواد درسی که هیات علمی شما در این رشته در نظر گرفته است نظیر مطالعات جنسیت در حال حاضر رشته های مستقلی در دانشگاه‌های جهان هستند؟

در رابطه با محتوای دوره می‌توان خیلی به تفصیل صحبت کرد که شاید از حوصله این گفتگو خارج باشد. اما اگر بخواهم به اختصار اشاره کنم چند پارامتر اصلی در شکل گیری برنامه مد نظر بوده‌اند. این پارامترها هم ناشی از نگاه ما بوده و هم ناشی از محدودیت‌های اجرایی‌مان. پیش از هر چیز باید دید برنامه با چه رویکردی تدوین شده است که به‌نوعی نگاه ما به تحصیل علم را هم نمایندگی می‌کند. ما در مقابل این سوال قرار داشتیم که آیا مانند برخی دانشگاه‌های جریان اصلی، رشته‌های مستقل و برنامه‌هایی در یک دیسپلین مشخص داشته باشیم و به‌نوعی فرد در یک بعد مشخص تعلیم ببیند و یا برنامه‌ای در حد امکان همه جانبه‌تر و بین رشته‌ای ارائه کنیم. از این رو ما رویکرد بین رشته‌ای را مدنظر قرار دادیم. در دسته‌بندی کلی اجزا برنامه مطالعات اجتماعی شامل روش شناسی، دروس مبنایی و گرایش‌های انتخابی است و به‌نوعی طراحی شده که قابلیت گسترش گرایش‌ها در آینده بخوبی وجود دارد.

در زمینه اجرایی نیز ما با وجود تمایل‌مان بطور واقعی توان پوشش همه نیازهای موجود را نداریم و باید با امکانات محدود اولین برنامه خود را که به نوعی دوره آزمایشی ما محسوب می‌شود را هر چه همه جانبه‌تر اما محدود و قابل مدیریت تدوین می‌کردیم.

در حال حاضر چه مقدار ظرفیت برای پذیرش دانشجو در نظر گرفته‌اید؟ آیا این امکان فقط در مقطع فوق لیسانس وجود دارد؟

بدلایل پیچیدگی‌ها و موانع اجرایی در حال حاضر توانستیم تنها امکان تحصیل در مقطع فوق لیسانس را فراهم کنیم. مدل آموزشی ایران آکادمیا مدل آموزشی دانشگاه آزاد است به این شکل که بتوان هم دانشجوی تمام وقت برای برنامه کامل پذیرفت و هم امکان حضور در کلاس‌ها بطور مجرد. طبعا ظرفیت پذیرش دانشجو تمام وقت با توجه به نیاز به نظارت و راهنمایی اساتید محدود هست و تصور نمی‌کنم ظرفیت کلاس‌ها بتواند فراتر از ۳۰ تا ۳۵ نفر باشد. در کنار آن اما در تلاشیم و امیدوارم که موفق شویم که امکان حضور علاقمندان در کلاس‌های مورد نظرشان را فراهم کنیم، آنچه که امروزه بعنوان MOOC یا «کلاس آنلاین عمومی آزاد» شناخته می شود، که طبعا شرایط و نتایجش با دانشجوی تمام وقت متفاوت است.

شما در مصاحبه‌های پیشین خود گفته بودید که یکی از اهداف مهم شما کمک به دانشجویانی است که به دلایل مختلف سیاسی یا مذهبی از امکان ادامه تحصیل محروم شده‌اند. سوال من این است تحصیل در این آکادمی چه مزیتی برای این افراد دارد؟ ایا مدرکی که شما ارائه می‌کنید در ایران به رسمیت شناخته خواهد شد؟

شاید مناسب‌تر باشد قبل از پاسخ به شیوه نقل و انتقال مبلغ، به خود موضوع هزینه اشاره‌ای کنم. هدف ما همانطور که صحبت شد ایجاد یک محیط آموزشی بدون سانسور بوده اما آموزش آن‌هم آموزش عالی طبعا هزینه آن‌هم هزینه‌های بسیار سنگینی دارد، شاید از همین بابت هست که عموما تامین چنین آموزشی در قد و قواره دولتها است. حال این هزینه را چه کسی باید بپردازد؟ شاید بگویید بطور منطقی این هزینه یا حداقل

بخشی از آن را متقاضی یعنی دانشجو می‌پردازد. اما آیا دانشجوی ایرانی چنین توانی دارد؟ اگر نخواهیم نقض غرض شود و محصول کارمان یک کالای لوکس برای قشر خاصی که توان پرداخت آن را دارند نباشد، پاسخ طبعا منفی است. در این میان ما در واقع مسئولیت تامین هزینه تحصیل این دانشجویان که کار بی‌اندازه صعب و دشواری است را نیز بعهده گرفته‌ایم، بخش عمده‌ای از آن را با کار داوطلبانه خود پوشش داده‌ایم و به شیوه‌های متنوع نیز تلاش فراوانی برای تامین هزنیه های دیگر آن از طریق کمپین‌های کمک‌های مردمی، جلب اسپانسر و سوبسید داریم. اما در اینجا به مشکل دیگری بر می‌خوریم، به این شکل دانشجو چگونه در مقابل این امکان احساس تعهد می‌کند و بقول خودمان جدی می‌گیرد. در واقع درخواست مبلغ ۱۰۰ یورو به‌عنوان هزینه پذیرش، تنها یک مبلغ سمبولیک است برای ایجاد نوعی از جدیت و حداقل تعهد نسبت به همه آنچه که در اختیار دانشجو قرار می‌گیرد.

بطور معمول هنگام درخواست ثبت نام در بسیاری از دانشگاه‌ها مبلغی مثلا حدود۱۰۰ یورو تنها بابت بررسی درخواست که بخودی خود پروسه حجیم و وقت گیری هست مطالبه می‌شود. اما در ایران آکادمیا هیچ مبلغی بابت درخواست ثبت نام مطالبه نمی‌شود و اگر شما واجد شرایط نبودید هزینه‌ای متحمل نمی‌شوید. همچنین شما بطور معمول بابت تحصیلات عالی شهریه می‌پردازید. مثلا شهریه یکسال تحصیل یک شهروند هلندی حداقل ۱۵۰۰ یورو است اما این هزینه واقعی نیست چرا که بیش از۱ برابر همین مبلغ سوبسید دولتی است. اما این برای دانشجوی ممنوع از تحصیل در ایران نا ممکن است و با بعهده گرفتن تامین این هزنیه به دوش خودمان در واقع دانشجو شهریه ای نیز نمی‌پردازد.

حال اینکه این مبلغ با توجه به محدودیت‌های موجود چگونه پرداخت می‌شود می‌تواند راه حلهای متنوعی داشته باشد و موضوعی است که پس از پایان پروسه پذیرش با دانشجویانی که پذیرفته شده‌اند دنبال خواهیم کرد

—

تخریب سدها برای نجات دریاچه ها

2014-07-10 · Archive ID 5978
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=5978

کارشناسان سازمان محیط زیست می‌گویند وزارت نیرو پذیرفته است برای زنده کردن دو دریاچه ارومیه و هامون، شماری از سدهای منطقه را خراب کند.

به گفته اسماعیل کهرم، مشاور رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در امور طبیعی، وزارت نیرو به این نتیجه رسیده که سدسازی روی رودخانه‌ها باعث خشکی دریاچه‌هایی مانند ارومیه و هامون شده و لازم است شماری از این سدها خراب شوند.

به گفته این کارشناس محیط زیست قرارگیری ایران در منطقه گرم و خشک، آسیب پذیری دریاچه‌هایی مانند ارومیه، هامون، گاوخونی، پریشان و ارژن را بیشتر کرده است. گرمی و خشکی هوا اما تنها عامل نابودی این دریاچه‌ها نیست، بلکه سدسازی نیز تاثیری بسیار مهم در این زمینه داشته است.

به گزارش خبرگزاری برنا، وی گفته است وزارت نیرو اکنون به این نتیجه رسیده که اگر روی رودهای منتهی به دریاچه ارومیه سد نساخته بودند، اکنون این دریاچه زنده بود. در اطراف دریاچه پریشان در استان فارس هم ۸۵۰ حلقه چاه مجاز و ۵۵۰حلقه چاه غیرمجاز کندند که به این دریاچه آسیب فراوان رساند.

به گفته مشاور سازمان حفاظت محیط زیست، در هفته‌های اخیر طرح تخریب سدهای ساخته شده روی رودهای منتهی به دریاچه ارومیه تصویب شد تا بلکه بتوان حدود ۴۰ درصد از این دریاچه را زنده کرد.

کهرم با اشاره به وضعیت دریاچه هامون نیز گفت: "در یک سال گذشته به خاطر مذاکرات پشت پرده بین دولت ایران و افغانستان که از زمان رئیس جمهوری خاتمی شروع شده بود، دولت افغانستان اجازه داد تا آب به

دریاچه هامون وارد شود، اما در این میان آب وارد چاه نیمه ها (چاله‌های طبیعی بزرگ) می شد تا این‌که سازمان حفاظت محیط زیست تصمیم گرفت این موانع را از بین ببرد".

به گفته این مشاور خشک شدن دریاچه‌های ارومیه و پریشان باید درس عبرتی باشد تا از اتفاق مشابه در مورد دریاچه هامون جلوگیری شود. احتمال تخریب سدها برای نجات دریاچه‌های یادشده پیش‌تر از سوی وزیر نیرو نیز بیان شده بود

حمید چیت چیان وزیر نیرو در نخستین ماه‌های وزارتش در شهریورماه ۱۳۹۲گفته بود:"اگر از لحاظ فنی و اقتصادی به این نتیجه رسیدیم که دریاچه ارومیه با تخریب یک سد نجات می‌یابد، ابایی از انجام این کار نخواهیم داشت، اما این راه حل، در زمان حاضر برنامه ما نیست."
در همین رابطه داود رضا عرب سخنگوی ستاد احیای دریاچه ارومیه در تهران به برنامه محیط زیست رادیو فردا گفته است این بخش از جمله مهم‌ترین دغدغه حسن روحانی در نشست روز یکشنبه با این ستاد بوده است:" آقای روحانی، اهمیت مساله اجتماعی و معیشت مردم را در نظر داشت. این یکی از این مصوبه‌هاست که تقویت معیشت و معیشت جایگزین بتواند یک مقدار بار را از دوش کشاورزی بردارد و صنایع تبدیلی و گردشگری جایگزین، کشاورزی بشوند تا اگر سطح زیر کشت با تغییراتی مواجه شود و بخواهیم آب بیشتری در دریاچه داشته باشیم، مشکلات اجتماعی برای کشاورزان ایجاد نشود."

فیلیپ میکلین، استاد دانشگاه میشیگان غربی در رشته جغرافی و آب‌شناسی، که زمستان گذشته با دو متخصص آمریکایی دیگر برای بررسی شرایط دریاچه ارومیه به ایران رفته و با برخی از مسئولان این ستاد دیدار داشته، به برنامه محیط زیست رادیو فردا، درباره همین مشکل می‌گوید: "به ما گفته شده و من هم به آن اعتقاد دارم که مهم‌ترین تاثیر خشک‌شدن دریاچه ارومیه بر زندگی اطرافیان، طوفان نمک است. آب خشک می‌شود و نمک روی زمین باقی می‌ماند و وقتی باد کمی می‌وزد، نمک را به اطراف می‌برد و این شرایط برای زمین‌های کشاورزی اطراف مساله‌ساز است. بنابراین اگر دریاچه خشک شود، گرد و غبار و نمک به ساکنان اطراف دریاچه صدمه می‌زند."

هر چند برخی از متخصصان می‌گویند از آنجایی که حوضه آبریز دریاچه ارومیه در داخل ایران قرار گرفته، مدیریت آب در آن ساده‌تر است اما یکی از مواردی که مسئولان و کارشناسان بر آن تاکید دارند، این است که مقدار زیادی از آبی را که در حالت معمول وارد دریاچه شده، در بالادست برای آبیاری استفاده شده است. جنوب و غرب این دریاچه را زمین‌های کشاورزی فرا گرفته است. چاه‌های غیرمجاز هم یکی مواردی است که در حوضه آبریز دریاچه ارومیه بر تعدادشان اضافه می‌شود و به گفته متخصصان باید کنترل شوند.

—

خسرو خوبان و وعده دولت کریمه

2014-07-13 · Archive ID 6005
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6005

چندی پیش 10 نماینده مجلس با ارائه تذکری به وزیر دادگستری، خواستار پیگیری دستور العمل شورای عالی امنیت ملی برای ممنوع البیان شدن محمد خاتمی رئیس جمهوری دوره اصلاحات و همچنین تذکراتی به وزرای فرهنگ و آموزش برای ایجاد محدودیت‌های بیشتر در حوزه کتاب، سینما و برنامه های آموزشی تا سطوح متوسطه شدند.
روح الله حسینیان که نام وزارتی وی خسرو خوبان است عضو جبهه پایداری و جریان موسوم به دلواپسان است از جمله این نمایندگان است که نامه های مذکور را امضاء کرده است. وی از قانونگذاران مخالف دولت و به ویژه سیاست هسته ای جاری دولت است که بارها در قالب تذکر و نطق پیش از دستور مخالفت های خویش را بیان کرده است.وی همچنین وعده داده است که دولت کریمه بار دیگر تشکیل خواهد شد "آقای رئیس جمهور بداند که طبق وعده‌های خداوند، همه عزت از خداوند و مومنان است و بار دیگر در ایران اسلامی توسط مردم، دولتی کریمه به پا خواهد شد."
روح الله حسینیان درسال 1334 در شیراز متولد شد. در پنج سالگی به همراه خانواده به یکی از روستاهای

آباده به نام صغاد، مهاجرت کرد. وقتی پانزده سال داشت وارد حوزه علمیه قم شد، ابتدا در مدرسه ای به نام ولیعصر، جایی که آیت الله ربانی املشی اداره می کرد درس می خواند و در سال 1351 در مدرسه حقانی، زیر نظر روحانیونی چون بهشتی و قدوسی تحصیل کرد. مدرسه حقانی همان مدرسه ای است که بسیاری از مدیران اطلاعاتی و قضائی کشور مانند پورمحمدی، محسنی اژه ای و فلاحیان در آن درس خوانده اند.
حسینیان همیشه مشغول فعالیت های قضائی و اطلاعاتی و امنیتی بوده است. وی هجده سال سابقه قضاوت دارد. اولین حکم قضایی او قائم مقامی دادستانی انقلاب اسلامی مشهد در سال 62 بوده است. او جانشینی دادستانی تهران و دادستانی انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان را هم در سابقه اش دارد. بعد از بازگشت از سیستان و بلوچستان، حسینیان ابتدا دادستان دادگاه ویژه روحانیت تهران، رئیس شعبه 4 دادگاه ویژه، رئیس یکی از دادگاههای عمومی تهران شد و آنگاه جانشین نماینده دادگاه انقلاب در وزارت اطلاعات شد. پس از وی نیز محسنی اژه ای این مسوولیت را برعهده گرفت.
مهم ترین حضور حسینیان در ماجرای قتلهای زنجیره ای صورت گرفت . روح الله حسینیان در مصاحبه اختصاصی با کیهان در روز 21 دی 1377 ربودن و قتل عده ای از روشنفکران و سیاستمداران ایرانی را به دلیل مرتد بودن آنها توجیه کرد، در عین حال تلاش کرد مخالفان جدی این قتل ها را متهم سازد که خودشان عامل قتلها بودند. این تصویر نیز بیانگر جمله معروف او است که توسط روزنامه صبح امروز بازتاب یافته بود.

در جریان انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری روح الله حسینیان در جریان انتخاباتی حزبی چند روزه به نام جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی ایجاد کرد که دبیرکل آن ری شهری و قائم مقام آن نیز خودش بود. اما این حزب نتوانست کاری به پیش برد و چند روز پس از انتخابات هم تعطیل شد، اما در انتخابات دوره نهم حسینیان سوی احمدی نژاد را گرفت و پس از انتخاب وی نیز از وی به سختی حمایت کرد. حسینیان از سیاست خارجی تهاجمی احمدی‌نژاد دفاع کرده و گفته بود: "سیاست خارجی دولت نهم از قوی‌ترین بخش‌های این دولت است؛ موضع آقای احمدی‌نژاد را که يك موضع تهاجمی در عرصه بین‌الملل است، می‌پذیرم و معتقدم این سیاست به پیروزی خواهد رسید. ."اما چندی بعد وی نیز از منتقدان سرسخت احمدی نژاد شد.
حسینیان با کسب 300 هزار رای یعنی 26 درصد از آرای مردم تهران راهی مجلس نهم شد در حالیکه در دوره گذشته 437 هزار رای بدست آورده بود. وی در این مجلس عضو کمیسیون اصل نود است.
وی تا کنون پای 32 طرح را امضا کرده است. در این میان طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور،طرح تقویت و توسعه سازمان بسیج رسانه و طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده از جمله طرح هایی است که می تواند ارتباط مستقیم با جامعه مدنی داشته باشد.



hoseinian

—

بخشنامه محرمانه درباره کارکنان زن شهرداری تهران

2014-07-16 · Archive ID 6010
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6010

انتشار اخباری درباره دستور شهرداری تهران به مدیران خود که تنها از کارمندان مرد در دفتر خود استفاده و در صورت امکان محل کار زنان و مردان را از هم جدا کنند و همچنین نگرانی وزیر آموزش و پرورش از افزایش تعداد معلمان زن در کشور بازتاب‌های متفاوتی داشته است .
چندی پیش خبرگزاری کانون دانش آموزی (پانا) صورتجلسه محرمانه شورای معاونین شهرداری تهران را منتشر کرده بود. براساس این صورتجلسه دستور داده شده بود که تمامی مدیران ارشد و میانی شهرداری تهران تنها از کارمندان مرد در دفتر خود استفاده کنند.

بر اساس این گزارش‌ها این تصمیم با واکنش معاون زنان ریاست جمهوری روبرو شده است. شهین دخت ملاوردی در این زمینه گفته است موضع دولت را در این باره پس از تایید این خبر اعلام می کند.

در همین حال فرزاد خلفی، معاون امور بین‌الملل شهرداری تهران نیز در توجیه این دستور العمل شهرداری گفته به این دلیل که خانم‌ها از نظر خانوادگی و رفت و آمد آسیب نبینند قرار بر این شده است معاونان و مدیران شهرداری منشی و مسئول دفتر خانم استخدام نکنند."مسئولان شهرداری ممکن است تا آخر شب در محل کار خود حضور داشته باشند و همچنین بازدیدهای مختلفی از پروژه‌ها داشته باشند که نیاز به حضور مسئول دفتر نیز وجود دارد که در این صورت ممکن است خانم‌ها اذیت شوند و آسیب ببینند و نتوانند به زندگی و خانوادهای‌شان برسند".
اما این تصمیم صرفا چنین محدودیتی را تعیین نکرده است. دراین بخشنامه همچنین از مدیران شهرداری خواسته شده است که حتی المقدور محل استقرار زنان و مردان به صورت جداگانه طراحی شود.
در همین حال یک عضو شورای شهر تهران اقدام شهرداری در محدود ساختن استفاده از کارمندان زن را حرکتی شعاری و ظاهری خوانده است. غلامرضا انصاری به ایلنا گفته است در شرایطی که یک کارمند ناچار است که برای تامین اقتصادی خانواده‌اش دو شیفت کار کند این محدودیت‌ها تبعات منفی به بار خواهد آورد و سبب گسترش فساد، ارتشا و تقلب خواهد شد.
پیش از این نیز شورای شهر تهران در سال گذشته با طرحی برای افزایش ۵۰ درصدی حضور زنان در عرصه مدیریت شهری مخالفت کرده بود.
شهربانو امانی نماینده پیشین مجلس و مشاور رئیس سازمان محیط زیست نیز در واکنشی به این دو خبر گفته است زنان معمولا در محیط کار با مسئولیت و به دور از زد و بندهای مالی کار می کنند، بنابراین مدیران سعی می‌کنند که برای پست‌هایی مانند مسئول دفتر بیشتر از زنان استفاده کنند، اما دلیل آینکه شهرداری تهران استفاده از زنان را در این گونه مشاغل محدود کرده مشخص نیست.

—

دسترسی بنادر ایرانی به خطوط کشتیرانی بین المللی

2014-07-18 · Archive ID 6014
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6014

یک مقام سازمان بنادر و دریانوردی ایران گفته است بنادر ایرانی به خطوط کشتیرانی بین المللی دسترسی یافته اند. به گفته وی نخستین خط کشتیرانی خارجی تردد خود را به بنادر ایران به زودی از سر می‌گیرد و سه شرکت کشتیرانی دیگر نیز وارد بندر "شهید رجایی" می شوند.
به گفته علی جهاندیده معاون این سازمان کاهش استقبال خطوط کشتیرانی خارجی از بنادر ایران، موجب کاهش بهره وری و راندمان عملکرد بنادر شده بود اما در چند ماه اخیر اقدامات گسترده ای درباره ورود خطوط خارجی و خطوط کشتیرانی دنیا به بندر "شهید رجایی" به عنوان بندر کانتینری ایران شده است.
حمل و نقل دوباره کالاها از این کشورها به بنادر کشور ضرر و زیان فراوانی را به ایران تحمیل و هزینه های حمل بار را چند برابر می کرد. دادگاه اروپا، 25 شهریور سال گذشته با صدور حکمی تحریم های این اتحادیه علیه شرکت کشتیرانی و 17 شرکت وابسته به آن را لغو کرد. کشتیرانی ایران 165 کشتی در اختیار دارد ولی در سال های اخیر به دلیل تحریم خارجی، با مشکلات زیادی مواجه بوده است.
تحریم باعث افزایش هزینه حمل کالا از اروپا به ایران شده و بین 40 تا 100 دلار در هر تن هزینه ها را افزایش داده بود و علاوه بر آن کالایی که پیش از تحریم، ظرف سه هفته وارد ایران می شد، به دلیل تحریم ها مدت زمان ورود کالا به کشور گاه تا سه ماه به طول می انجامد.
از سوی دیگر روزنامه وال استریت جورنال، به نقل از منابع خود از سفارش ده کشتی باری توسط ایران با هدف بازگشت به بازار کشتی‌های غیرنفتی خبر داد. وال استریت جورنال ارزش این سفارش را ۳۰۰ میلیون دلار تخمین زده است.
یکی از منابع این روزنامه خبر داده است که کشتی‌های سفارش ایران که قرار است در اوایل سال ۲۰۱۷ تحویل داده شوند توسط شرکت خطوط کشتی‌رانی ایران استفاده خواهد شد.
در همین حال مدیر کل شرکت نفت کش های ایران نیز از لغو تحریم های بیمه ای نفت کش ها خبر داده است

اما به گفته وی در عمل اتفاق مثبتی در این زمینه در چند ماه اخیر نیافتاده است.
پس از توافق ژنو تحریم‌های بیمه‌ای مربوط به شرکت ملی نفتکش ایران و شرکت ملی نفت ایران از سوی اداره وابسته به وزارت خزانه داری آمریکا حذف شد، اما با وجود لغو این تحریم‌ها، گروه بین‌المللی بیمه اعلام کرد که به دلیل ریسکهای مرتبط با حمل و نقل دریایی نفت، امکان بیمه شش ماهه کشتیهای نفتکش حامل نفت ایران وجود ندارد.

—

محدودیت مسافرتی برای مولوی بلند پایه اهل سنت ایران

2014-07-20 · Archive ID 6019
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6019

مقامات امنیتی در ایران بار دیگر مانع از سفر عبدالحمید اسماعیل‌زهی، امام جمعه اهل سنت در شهر زاهدان شدند. گرچه گزارش‌هایی که در این باره انتشار یافته مشخص نکرده است، کدام نهاد امنیتی مانع از سفر وی شده است.
بر اساس گزارش صفحه فیس بوک امام جمعه اهل سنت زاهدان، مولوی عبدالحمید قصد داشت تا برای شرکت در کنفرانسی اسلامی به ترکیه برود. اما پیش از سفر وی برای پیگیری موضوع با یونسی دستیار رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت ها تماس گرفته، اما یونسی هم گفته است که سازمان های امنیتی موافق با شرکت مولوی عبدالحمید در این کنفرانس نیستند و اگر به فرودگاه برود، مانع خروج وی شده و پاسپورت او را هم ضبط خواهند کرد. پیشتر نیز مقامات امنیتی از سفر مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان به کنفرانس بین‌المللی انجمن جهان اسلام در عربستان جلوگیری کرده بودند.
مولوی عبدالحمید یکی از فعال ترین مولوی های اهل سنت در ایران است که برای دفاع از حقوق اهل سنت در ایران تلاش می کند. اهل سنت با این که پر تعداد ترین اقلیت مذهبی در ایران به شمار می روند اما از بسیاری از حقوق خویش از جمله داشتن مسجدی اختصاصی در پایتخت کشور، تهران محرومند. این در حالی است که سایر اقلیت های دینی به رسمیت شناخته شده از سوی جمهوری اسلامی تا کنون محدودیتی برای داشتن اماکن خاص مذهبی خود نداشته اند.
این مقام مذهبی اهل سنت همچنین به عنوان یکی از چهره های مخالف خشونت شناخته شده است. وی در جریان بحران گروگانگیری 5 مرزبان ایرانی تلاش بسیاری کرد و نهایتا موفق شد چهار گروگان را دست گروه جیش العدل آزاد کند. در این زمینه او حتی فرزند خویش را نیز از دست داد. فرزند مولوی عبدالحمید در مسیر مذاکره با گروگانان در یک سانحه رانندگی جان خود را از دست داد .او اخیرا در یکی از خطبه های نماز جمعه از رهبران شیعه و سنی خواسته است تا از صدور احکامی که باعث بروز جنگ های فرقه ای به ویژه در عراق می شود پرهیز کنند."علما و اندیشمندان شیعه و سنی سعی کنند تا از صدور فتواهایی که باعث تشدید جنگهای فرقهای میشوند اجتناب کنند، بلکه همه طرفها را به رعایت تمامیت ارضی و امنیت ملی عراق توصیه نمایند. ما نیز بر حفظ تمامیت ارضی عراق تاکید داشته و با تجزیه عراق و درگیری ملت عراق مخالفیم."
با این حال مقامات امنیتی در ایران به رفتار وی مظنون هستند و او را به ارتباط با گروه های تروریستی سنی در منطقه متهم می کنند.در همین راستا روزنامه جمهوری اسلامی که وابسته به حاکمیت و سران حزب منحل شده "جمهوری اسلامی" است در سرمقاله خود با عنوان «علمای اهل سنت زاهدان و انتظارات» نوشته بود:
"از شخص مولوي عبدالحميد اين انتظار وجود دارد كه با تلاش مستمر خود، استان سيستان و بلوچستان را از وجود اشرار و تروريست‌ها پاك كند تا اين تهمت ناروا متوجه وي نباشد كه در موارد بحراني با استفاده از نفوذ خود بر اشرار، تلاش مي‌كند توجه دولتمردان جمهوري اسلامي را براي گرفتن امتيازاتي به نفع خود جلب نمايد."
او که یکی از رهبران بلندپایه سنی‌های ایران است سال گذشته در نامه‌ای به آیت‌الله علی خامنه‌ای از وی خواسته بود که جلوی اعدام ۲۶ جوان اهل سنت کرد در زندان رجایی شهر را بگیرد.
وب سایت آقای مولوی عبدالحمید نوشته بود در این نامه از رهبر جمهوری اسلامی خواسته شده که درباره احکام اعدام این افراد مداخله کند.
مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در حالی این مولوی میانه رو را محدود می‌کنند که افراطیون سنی در عراق و

سوریه جنگ وسیعی را علیه دولت مرکزی عراق و کردهای کردستان به راه انداخته‌اند. جنگی که بستر اصلی آن به نگاه های افراطی مذهبی و اختلافات کهنه دو مذهب شیعه و سنی باز می گردد.

—

متن کامل طرح اصلاح قانون احزاب

2014-07-22 · Archive ID 6032
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6032

چندی پیش مجلس ایران با تصویب کلیات طرح اصلاح قانون احزاب،قانونی را از تصویب گذراندند که شرایط برای تاسیس احزاب و سمن های مربوط به اقلیت های دینی دشوار تر می کند. این طرح گرچه اکنون مسکوت گذاشته شده اما نگرانی های بسیاری را میان فعالان سیاسی و حزبی برانگیخته است. در اینجا می توانید مشروح قانون را مطالعه کنید.

ماده1

اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته اند دارای معانی مشروح زیر می باشند:

1- حزب تشکیلاتی است متشکل از اشخاص حقیقی، دارای پروانه فعالیت، که با برنامه مشخص در جهت کسب، مشارکت، نقد یا اصلاح قدرت سیاسی در چارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اساس نامه و مرام نامه خود در سطح ملی یا استانی فعالیت می کند.

تبصره: احزاب می توانند تحت عناوینی مانند گروه، جمعیت، انجمن، جامعه، سازمان سیاسی و امثال آن ها فعالیت کنند.

2- انجمن های اقلیت های دینی موضوع اصل 13 قانون اساسی تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

3- جبهه: ائتلافی از احزاب دارای پروانه فعالیت است که در یک مقطع زمانی مشخص برای موضوع معین با اطلاع کمیسیون احزاب شکل می گیرد.

4- اعضای یک حزب به دو گونه می باشند:

الف- عضو فعال: فردی که به عضویت رسمی حزب در آمده و بر اساس اساسنامه حزب دارای حق رای باشد.

ب- عضو عادی: فردی که به عضویت رسمی حزب در آمده اما دارای حق رای نیست.

5- اعضای موثر حزب: اعضای موثر حزب شامل هیات موسس، شورای مرکزی، بازرسین، دبیر کل و مسئولین شعب استانی می باشد.

6- هیات موسس: اشخاص حقیقی که امور مربوط به تاسیس را پیگیری نموده و برای دریافت مجوز تاسیس و پروانه فعالیت اقدام می نمایند.

7- مجمع عمومی: بالاترین رکن حزب است که طبق مرام نامه و اساسنامه از اجتماع اشخاصی شکل می گیرد که به عضویت فعال تشکل در آمده باشند.

8- شورای مرکزی: متشکل از افراد منتخب مجمع عمومی است که طبق مرام نامه و اساسنامه به نمایندگی از مجمع مسئولیت هدایت و تحقق اهداف حزب را بر عهده دارند.

9- مرام نامه: سندی است که بیان کننده اهداف، آرمان ها، مبانی فکری و عقیدتی و خط و مشی های رسیدن به اهداف حزب می باشد.

10- اساسنامه: سندی است که بیان کننده ساختار تشکیلاتی و ارکان، شرح وظایف و تعیین حدود اختیارات، نحوه تعیین و تغییر اعضا، شرایط تغییر و اصلاح مرام نامه و اساسنامه، اعتبار اسناد اداری و مالی، تعیین منابع مالی، نحوه انحلال حزب و سایر موارد مصرح در این قانون می باشد.

11- کمیسیون احزاب، کمیسیون موضوع ماده 10 این قانون است.

12- مجوز اولیه: مجوز موقتی است که جهت تحصیل شرایط لازم باری صدور پروانه فعالیت تشکل صادر می شود.

13- پروانه فعالیت: مجوزی است که به موجب آن حزب اجازه پیدا می کند تا بر اساس مرام نامه و اساس نامه و در چهارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت کند.

14- دبیرخانه کمیسیون: تشکیلات اجرایی کمیسیون احزاب دبیرخانه نامیده می شود که زیر نظر کمیسیون انجام وظیفه می کند.

تاسیس حزب

ماده(2)

تقاضای صدور مجوز اولیه تاسیس حزب توسط هیات موسس، باید به کمیسیون ماده (10) این قانون ارائه گردد.

کمیسیون موظف است ظرف چهار ماه از زمان دریافت تقاضای رسمی با رعایت مواد این قانون نسبت به ثبت و صدور مجوز اولیه تاسیس اقدام نمایند.

تبصره "1" - تقاضای صدور مجوز اولیه، باید، حاوی اساس نامه، مرام نامه، اسامی و امضای هیات موسس (دست کم 15 نفر) باشد.

تبصره "2" - مرام نامه حزب باید متضمن مطالب زیر باشد:

الف) جهان بینی، مبانی فکری، عقیدتی؛

ب) اهداف، راهبردهای کلان و سیاست ها و برنامه ها در راستای رسیدن به اهداف تعیین شده؛

ج) رویکردهای کلی به مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اجرایی، حقوقی کشور

تبصره "3" - اساس نامه حزب باید متضمین مطالب زیر باشد:

الف) نام کامل حزب و عنوان اختصاری آن

ب) نشانی مرکز اصلی و محدوده جغرافیایی فعالیت

ج) ساختار و ارکان حزب به همراه شرح وظایف، نحوه فعالیت، حدود اختیارات و مسئولیت هر رکن به تفکیک و نحوه تعیین شورای مرکزی، دبیر کل و سایر ارکان

د) نحوه تصویب مرام نامه و اساسنامه و تغییر آنها و نحوه تصویب آیین نامه های اجرایی، مالی و دستور العمل ها.

5) نحوه تامین منابع مالی

و) نحوه عضو گیری و شرایط کلی عضویت

ز) نحوه انحلال و تکلیف دارایی ها پس از انحلال

تبصره (4)- حزب می تواند از هر نام و نام اختصاری و نمادی استفاده نماید مگر اسامی موهن یا مغایر با شئونات دینی، فرهنگی و وحدت ملی کشور و همچنین عناوینی که توسط دستگاه ها و نهادهای عمومی موضوع ماده (5) قانون خدمات کشوری و یا احزاب دیگری مورد استفاده قرار گرفته اند و نیز عناوین مشابه آنها که عرفا موجب اشتباه گردد همچنین عناوین عام و غیر مسمی به تشخیص کمیسیون احزاب

تبصره "5"- احزاب متقاضی پروانه باید، در اساسنامه و مرام نامه خود صراحتا التزام خود را به نسبت به قانون اساسی و اصل مترقی و لایت مطلقه فقیه اعلام دارند.

تبصره "6"- کمیسیون می تواند در صورت وجود دلایل موجه مهلت احراز شرایط برای ثبت و صدور مجوز اولیه را تنها برای یک بار به مدت دو ماه تمدید نماید.

تبصره "7"- در صورت عدم احراز شرایط تاسیس حزب، کمیسیون موظف است در مدت مقرر دلایل عدم صدور مجوز و یا رد تقاضا را کتبا به اطلاع نماینده هیات موسس حزب برساند.

ماده 3)

مجوز اولیه تاسیس حزب جهت راه اندازی دفاتر احزاب و تحصیل شرایط برای صدور پروانه فعالیت مطابق ماده (6) و برگزاری مجمع عمومی تاسیس جهت تصویب اساسنامه و مرام نامه اعتبار دیگری ندارد.

تبصره 1- هیات موسس دارای مجوز اولیه تاسیس موظف است ظرف مدت شش ماه از تاریخ صدور مجوز، نسبت به تشکیل مجمع عمومی تاسیس و تصویب مرامنامه و اساسنامه اقدام نماید در غیر این صورت مجوز اولیه تاسیس باطل خواهد شد.

تبصره 2- هیات موسس می تواند در صورت وجود دلایل موجه و با تایید کمیسیون این مهلت را تنها برای یک بار به مدت سه ماه تمدید نماید.

تبصره 3- تا زمانی که احزاب پروانه فعالیت حزب را دریافت نکرده اند حق معرفی کاندیدا در انتخابات و فعالیت های انتخاباتی را ندارند.

ماده (4)

اعضای حزب باید دارای شرایط ذیل باشند:

الف- هیات موسس:

1) التزام علمی به قانون اساسی،

2) داشتن تابعیت ایرانی،

3) داشتن حداقل 25 سال تمام،

4) داشتن حداقل مدرک کارشناسی یا معادل آن،

ب- سایر اعضا:

1) التزام علمی به قانون اساسی،

2) داشتن تابعیت ایرانی،

3) داشتن حداقل 18 سال تمام،

ماده (5)

اشخاص زیر از حق تاسیس حزب یا عضویت در آن محرومند:

الف- کلیه اعضای ساواک منحله، فراماسون ها، کسانی که در فاصله 28 مرداد 1332 تا 22 بهمن 1357 به وزارت رسیده و یا به عضویت مجلس سنا یا شورای ملی درآمده اند، گردانندگان رژیم سابق و حزب رستاخیر، اعضای گروهک های محارب و ضد انقلاب مانند منافقین و فرقان و مانند آنها

ب- محکومین به جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور

ج- مظنونین به جاسوسی حسب تشخیص مرجع ذیصلاح

د- متجاهرین به فسق و فجور، مشهورین به فساد، معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر و روانگردان با استعلام از مراجع ذیصلاح

ه- کسانی که به موجب احکام قطعی دادگاه ها از حقوق اجتماعی محروم شده اند

و- قضات و کارکنان وزارتخانه های اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و همچنین پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی و سایر افرادی که طبق قوانین از عضویت در احزاب و تشکل های سیاسی محروم شده یا می شوند.

ز- اعضای موثر احزاب منحله تا 5 سال پس از تاریخ انحلال

تبصره- وجود این شرایط در ابتدا و طول عضویت موجب محرومیت است.

ماده (6)

پروانه فعالیت نهایی برای احزاب ملی یا استانی در صورتی صادر خواهد شد که حائز شرایط ذیل باشند:

الف- احزاب ملی:

1) ارایه اسناد برگزاری مجمع عمومی تاسیس با حضور حداقل 300 نفر از اعضای فعال در بیش از نیمی از استان های کشور،

2) ارایه اسناد تاسیس دفاتر رسمی حداقل در یک سوم از مراکز استان های کشور،

3) عدم ارتکاب تخلفات مندرج در ماده (18) این قانون

ب- احزاب استانی:

1- ارایه اسناد برگزاری مجمع عمومی تاسیس مطابق یکی از موارد زیر:

- با حضور حداقل 100 نفر از اعضای فعال در بیش از نیمی از شهرستان های استانی های با جمعیت تا یک و نیم میلیون نفر جمعیت

- با حضور حداقل 150 نفر از اعضای فعال در بیش از نیمی از شهرستان های استانی های با جمعیت بیش از 3 میلیون نفر جمعیت

- با حضور حداقل 200 نفر از اعضای فعال در بیش از نیمی از شهرستان های استانی های با جمعیت بیش از سه میلیون نفر جمعیت

2) ارایه اسناد تاسیس دفاتر رسمی حداقل در یک سوم از شهرستان های استان

3) عدم ارتکاب تخلفات مندرج در ماده (18) این قانون

تبصره: عضویت در یک حزب ملی و استانی به طور همزمان منعی ندارد ولی هیچ شخصی نمی تواند عضو موثر بیشتر از یک حزب ملی یا استانی باشد.

ماده (7)

کمیسیون مذکور در ماده (10) موظف است .پس از بررسی شرایط موضوع ماده (6) حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ارایه درخواست در مورد صدور یا عدم صدور پروانه اعلام نظر کند. در صورت احراز شرایط پروانه فعالیت احزاب ملی یا استانی ظرف یک ماه به امضای وزیر کشور صادر می شود.

تبصره 1- در صورتی که کمیسیون در مدت مقرر اعلام نظر نکند وزارت کشور موظف است ظرف یک ماه پروانه فعالیت را صادر نماید.

تبصره 2- در صورت عدم احراز شرایط صدور پروانه فعالیت، مراتب کتباً به متقاضیان حزب اعلام می شود. متقاضیان پروانه فعالیت می توانند ظرف یک ماه از تاریخ اعلام نظر به تصمیم کمیسیون اعتراض نمایند. در صورت اعتراض کمیسیون ماده (10) موظف است ظرف حداکثر سه ماه نسبت به اعتراض متقاضیان پروانه فعالیت رسیدگی و اعلام نظر کند. نظیر کمیسیون در این باره قطعی است.

تبصره 3- در صورت عدم احراز شرایط صدور پروانه فعالیت، مجوز اولیه صادره باطل شده و هیات موسس حق هیچگونه فعالیتی تحت عنوان مجوز اولیه مذکور را ندارند.

تبصره 4- پس از صدور پروانه، اساسنامه و مرامنامه حزب باید از طریق کمیسیون احزاب به هزینه حزب در روزنامه رسمی چاپ و منتشر گردد.

ماده 8

در صورتی که دو یا تعداد بیشتری از احزاب ملی یا استانی قصد ادغام با یکدیگر را داشته باشند، باید موضوع را به کمیسیون ماده 10 این قانون اعلام و اساسنامه و مرام نامه و مدارک مورد نیاز در این قانون را جهت بررسی به کمیسیون ارائه دهند. کمیسیون موظف است پس از بررسی های لازم بدون رعایت نوبت جهت صدور پروانه به حزب اقدام نماید. دراین حالت حزب جدید جهت فعالیت نیازی به صدور مجوز اولیه تاسیس ندارد.

ماده 9

کلیه احزاب موظفند تغییرات مربوط به مرام نامه، اساسنامه، شواری مرکزی خود و برگزاری کنگره سالیانه را به کمیسیون ماده 10 این قانون اعلام نمایند.

تبصره 1- احزاب موظفند برای شرکت نماینده کمیسیون ماده 10 در کنگره سالیانه دو هفته قبل از برگزاری آن را به اطلاع کمیسیون برسانند. عدم حضور نماینده کمیسیون مانع برگزاری کنگره نخواهد بود.

تبصره 2- در صورت تقاضای یک سوم از اعضای شورای مرکزی حزب، کمیسیون ماده 10 این قانون موظف است نماینده ای جهت نظارت بر انتخابات شورای مرکزی معرفی نماید.

تبصره 3- چنانچه تغییرات اعلام شده موضوع ماده 9 موجب مغایرت اساسنامه یا مرام نامه حزب با تبصره 5 ماده 2 بشود یا بعضی از اعضای شورای مرکزی مشمول بند (ه) ماده 5 گردد، کمیسیون ضمن دادن تذکر کتبی مراتب را حداکثر دو ماه به حزب اعلام می نماید. حزب موظف است ظرف یک ماه اصلاحات لازم را انجام و نظر کمیسیون را تامین نماید. در صورت عدم تامین نظر کمیسیون پروانه فعالیت حزب توقیف خواهد شد و رفع توقیف پروانه فعالیت منوط به انجام اصلاحات مورد نظر از سوی حزب خواهد بود. در غیر این صورت مطابق بند 3 ماده 20 عمل خواهد شد.

تبصره 4- ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ لغو پروانه، حزب می تواند به دیوان عدالت اداری شکایت کند. دیوان خارج از نوبت به پرونده رسیدگی نموده رای قطعی صادر خواهد کرد.

ماده 10

به منظور صدور پروانه جهت متقاضیان و نظارت بر فعالیت احزاب و انجمن های اقلیت های دینی و انجام وظایف مصرحه در این قانون کمیسیونی به شرح زیر در وزارت کشور تشکیل می گردد:

1- نماینده دادستان کل کشور

2- نماینده رئیس قوه قضائیه

3- یک نماینده از میان دبیران کل احزاب دارای پروانه فعالیت

4- معاون سیاسی وزارت کشور

5- دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین نمایندگان داوطلب

6- نماینده وزارت اطلاعات

تبصره 1- اعضای موضوع این ماده باید ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، انتخاب و به وزارت کشور معرفی شوند. وزارت کشور موظف است حداکثر تا ده روز پس از آن اولین جلسه کمیسیون را تشکیل دهد.

تبصره 2- نمایندگان فوق الذکر برای مدت دو سال انتخاب می شوند و تا معرفی نمایندگان جدید به کار خود ادامه می دهند.

تبصره 3- نحوه برگزاری انتخابات برای انتخاب نماینده بند 3 موضوع این ماده طبق دستورالعملی خواهد بود که به پیشنهاد کمیسیون ماده 10 این قانون به تصویب وزیر کشور می رسد.

تبصره 4- کمیسیون می تواند از نمایندگان سایر سازمان ها و افراد صاحب نظر جهت مشاوره دعوت به عمل آورد.

تبصره 5- جلسات کمیسیون باحضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن با اکثریت مطلق مجموع اعضای کمیسیون معتبر خواهد بود.

تبصره 6- هزینه کمیسیون از محل اعتبارات وزارت کشور (برنامه امور سیاسی و اجتماعی) که طی ردیف مستقلی در ذیل ردیف های وزارت کشور درج خواهد شد تامین می گردد.

تبصره 7- ریاست کمیسیون با معاون سیاسی وزیر کشور خواهد بود و نایب رئیس از میان اعضا انتخاب می شود. دبیر کمیسیون به پیشنهاد رئیس کمیسیون و با رای اعضا انتخاب می شود. چنانچه دبیر از میان اعضا نباشد، بدون حق رای در جلسات کمیسیون شرکت می کند.

ماده 11

وظایف و اختیارات کمیسیون ماده 10 مطابق مفاد این قانون به شرح زیر است:

1- بررسی شرایط متقاضیان تاسیس حزب، اعضای شورای مرکزی، دبیر کل، بازرسین و مسئولین شعب و ثبت و صدور مجوز اولیه تاسیس

2- احراز شرایط موضوع ماده 6 و ماده 8 و صدور پروانه فعالیت حزب

3- رسیدگی و تایید اساس نامه و مرام نامه و تغییرات احتمالی در آنها و اتخاذ تصمیم براساس این قانون

4- نظارت بر انتخاب شورای مرکزی احزاب و نیز کنگره های حزبی آنها طبق ماده 9 این قانون

5- بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد تخلفات موضوع ماده 18 این قانون

6- بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص درخواست تجمعات و راهپیمایی ها از سوی احزاب

7- بررسی گزارش های مالی احزاب

8- بررسی گزارش عملکرد سالانه احزاب

9- اتخاذ تصمیم در مورد میزان پرداخت یارانه به احزاب در چارچوب قوانین و مقررات جاری

10- رسیدگی به شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از احزاب

11- تصمیم گیری در مورد لغو پروانه و معرفی جهت انحلال به استناد ماده 19 این قانون

ماده 12

مرجع رسیدگی به شکایات از تصمیمات و اقدامات کمیسیون موضوع ماده 10 دیوان عدالت اداری است و رای صادره قطعی است.

حقوق و مسئولیت ها

ماده 13

احزاب دارای پروانه فعالیت در چارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی و برابر مفاد این قانون از حقوق و امتیازات زیر برخوردارند :

الف- فعالیت سیاسی

ب- انجام فرضیه امر به معروف و نهی از منکر در راستای اجرای اصل هشتم قانون اساسی

پ- ابراز نظر آزاد و علنی به صورت شفاهی و یا کتبی در همه مسائل کشور

ج- معرفی و حمایت از نامزدهای انتخاباتی در تمام انتخابات

تبصره- احزاب سیاسی موظفند نامزد یا نامزدهای خود در انتخابات مختلف را پس از تایید صلاحیت حداکثر ظرف 48 ساعت به کمیسیون ماده 10 این قانون معرفی نمایند.

د- ائتلاف با دیگر احزاب

احزاب می توانند در زمان انتخابات یا غیر آن با دیگر احزاب دارای پروانه فعالیت در مورد نامزد یا مانزدهای انتخاباتی یا موارد دیگر ائتلاف نمایند. در صورت ائتلاف این امر را به اطلاع کمیسیون ماده 10 برسانند.

ه- دایر نمودن شعب و دفاتر در استان ها و شهرستان ها

تبصره«1» - احزاب می توانند در چارچوب اساسنامه خود نسبت به تشکیل شعب و دفاتر خود در استان ها و شهرستانها با تصویب کمیسیون اقدام نمایند.

تبصره«2» - تاسیس هرگونه دفتر و یا شعبه خارجی ممنوع می باشد.

و- انتشار روزنامه، نشریه و تاسیس پایگاه اطلاع رسانی در فضای مجازی

تبصره- احزاب متقاضی نشریه الکترونیکی یا مکتوب می توانند درخواست خود را به کمیسیون ماده این قانون ارائه دهند. کمیسیون موظف است حداکثر ظرف 15 روز درخواست مزبور را برای وزارت فرهنگ و ارشاد برای صدور مجوز ارسال نماید. وزارت فرهنگ و ارشاد موظف است پس از دریافت تقاضا حداکثر ظرف 3 ماه

نسبت به صدور مجوز نشریه الکترونیکی یا مکتوب را برای احزاب مربوطه اقدام نمایند. در صورت عدم صدور مجوز در مدت مقرر احزاب می توانند به دیوان عدالت اداری شکایت نماید.

ز- حضور متناسب و بدون تبعیض در شبکه های ملی و استانی حسب مورد، جهت اعلام مواضع و برنامه های خود.

تبصره(1)- سازمان صدا و سیما موظف است بخش خبری ویژه احزاب را سازمان دهی کرده و اخبار مربوط به احزاب سیاسی را به اطلاع عموم برساند. همچنین این سازمان موظف است میزگردهای علمی با حضور نماینده یا نمایندگان احزاب مزبور در خصوص بحث در مورد مسائل جاری کشور ترتیب دهد. چنانچه دو یا چند حزب قصد مناظره در مورد مسائل جاری کشور را داشته باشند درخواست رسمی مشترک را به رئیس صدا وسیما ارائه خواهند کرد. رئیس سازمان با توجه به قوانین و مقررات کشور تمهیدات لازم را برای برگزاری مناظره فراهم خواهد کرد.

تبصره(2)- برنامه های صدا و سیما به طور عام برای حضور احزاب در زمان انتخابات در جلسه مشترک رئیس سازمان و نمایندگان کمیسیون ماده 10 تدوین و به اجرا در می آید.

ح- برخورداری از کمک ها و یارانه های موضوع این قانون.

ط- برگزاری راهپیمایی ها و تشکیل اجتماعات.

تبصره(1)- برگزاری راهپیمایی ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح درصورتی که به تشخیص کمیسیون ماده 10 مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.

تبصره(2)- آیین نامه اجرای این ماده بعد از تصویب ظرف سه ماه توسط وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزران خواهد رسید.

ماده (14)

بودجه احزاب باید از طرق قانونی و مشروع تامین و به شکل قانونی و مشروع صرف گردد. کلیه درآمد وهزینه احزاب باید در دفاتر قانونی ثبت شود.

تبصره- کلیه احزاب سیاسی موظفند درآمدهای مالی و صورت هزینه های خود را سالانه و در پایان سال مالی به کمیسیون ماده 10 ارائه نمایند. کمیسیون مذبور 3 ماه پس از دریافت باید نظرات خودرا در مورد مطابقت یا عدم مطابقت با قوانین و مقررات جاری کشور اعلام نماید.

ماده (15)

عدم ثبت درآمدها ومنابع تامین آن و مصارف و هزینه ها همچنین عدم ارائه دفاتر مالی به کمیسیون ماده 10 این قانون و عدم مطابقت درآمدها و هزینه ها با قوانین و مقررات کشور موجب اعمال بندهای ماده 19 این قانون خواهد شد.

ماده(16)

منابع درآمدی احزاب عبارتند از :

1- حق عضویت اعضاء

2- کمک ها و هدایای نقدی وغیر نقدی اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی

3- وجوه حاصل از فعالیتهای قانونی انجام شده در چارچوب موضوع فعالیت اهداف و اساس نامه

4- کمک ها و یارانه های دولتی

تبصره(1)- دولت در راستای کمک به احزاب همه ساله ردیف بودجه ای را در بودجه سالیانه پیش بینی خواهد نمود.

تبصره(2)- هرگونه دریافت کمک با استفاده احزاب از منابع و امکانات دولتی شامل کلیه دستگاههای اجرایی موضوع ماده(5) قانون مدیریت خدمات کشوری موجب اعمال بندهای ماده 19 این قانون خواهد شد.

تبصره(3)- کمک های و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی و همچنین حق عضویت اعضای حزب و وجوهی که به موجب قانون و مقررات مربوط از درآمد یا حق الزحمه اعضا آن کسر و به حساب حزب مزبور واریزی می شود، از پرداخت مالیات معاف است.

ماده(17)

کمیسیون ماده 10 این قانون موظف است 60 درصد کل بودجه اختصاص یافته به احزاب را به طور مساوی بین اتمام احزاب سیاسی که پروانه نهایی موضوع ماده 6 را دریافت کرده اند بر اساس تعداد اعضای احزاب و دفاتر استانی و برگزاری کنگره های حزبی تقسیم نماید. 40 درصد باقی مانده بودجه به احزاب مشمول ماده 6 این قانون به نسبت تعداد کرسی های کسب شده در انتخابات مجلس شورای اسلامی شوراهای اسلامی شهر و روستا و انتخابات ریاست جمهوری اختصاص می یابد. پرداخت این سهمیه به شکل سالیانه مطابق دستورالعملی خواهد بود که به تصویب کمیسیون ماده 10 می رسد.

تبصره- کلیه احزاب مشمول دریافت یارانه موظفند وجوه دریافتی را در جهت اهداف و برنامه های حزب به کار برده و در پایان سال مالی گزارش آن را به کمیسیون ماده 10 این قانون ارسال نمایند. دریافت مجدد یارانه منوط به ارائه گزارش مالی و تایید آن توسط کمیسیون ماده 10 این قانون خواهد بود.

ماده(18)

احزاب موضوع این قانون در فعالیت های خود در چارچوب قوانین و مقررات آزادند و در صورت ارتکاب اعمال زیر پس از تشخیص توسط مراجع ذی صلاح، حسب مورد علاوه بر مجازات های قانونی، طبق ماده(19) در مورد آنها عمل خواهد شد:

الف) نقض مبانی دینی مبین اسلام و تبلیغ و فعالیت علیه موازین اسلامی؛

ب) اقدام علیه امنیت ملی و وحدت ملی از جمله هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی با سفارتخانه ها، نمایندگی‌ها، ارگان های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که مخل به آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی، منافع ملی و مصالح جمهوری اسلامی و نظم عمومی باشد و نیز هر گونه اقدام به عملیات خرابکارانه و براندازانه و حمایت از گروه های تروریستی، دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی و دولت های بیگانه و سازمان های بین المللی و تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران و نیز دعوت به انجام با حضور در راهپیمایی های غیرقانونی؛

تبصره- احزاب مکلفند ارتباطات خود با سفارتخانه ها، نمایندگی ارگان های دولتی و احزاب کشورهای خارجی را با اطلاع وزارت کشور در چارچوب منافع ملی و امنیت ملی و مصالح نظام انجام دهند.

ج) اعمال خلاف قانون اساسی، و نقض حقوق ملت؛

د) تخطی از اساس‌نامه و مرام‌نامه حزب؛

هـ) هر گونه فعالیت اقتصادی و انتفاعی از جمله از طریق تاسیس شرکت ها و موسسات تجاری یا اقدام به واردات و صادرات و هر گونه فعالیت اقتصادی که ذیل قانون تجارت قرار گیرد.

ماده(19)

در صورتی که احزاب سیاسی که دارای پروانه فعالیت نهایی هستند مرتکب تخلفات مذکور در ماده(18) شوند، کمیسیون ماده(10) این قانون متناسب با موارد تخلف یک یا چند مورد از موارد ذیل را اعمال می کند:

1. تذکر کتبی،

2. اخطار و اعلان آن از رسانه ها،

3. محرومیت از بخش یا تمام یارانه ها و کمک های دولتی،

4. توقیف پروانه به مدت 3 ماه تا یکسال،

5. لغو پروانه فعالیت و تقاضای انحلال از دادگاه

تبصره«1»- ارتکاب هر یک از مفاد ماده(18) این قانون توسط احزابی که موافقت اولیه تاسیس حزب را دریافت داشته اند، سبب ابطال این مجوز خواهد شد.

تبصره«2»- در صورت توقیف یا انحلال پروانه فعالیت اعضای حزب مجاز به هیچ گونه فعالیت تشکیلاتی نمی‌باشند.

ماده(20)

فعالیت احزاب در موارد زیر خاتمه می یابد:

1. تصمیم مقامات ذی صلاح حزب طبق اساس‌نامه، مبنی بر انحلال،

2. حکم دادگاه صالحه مبنی بر انحلال حزب،

3. لغو پروانه فعالیت احزاب از سوی کمیسیون ماده(10) در موارد ذیل و معرفی آنها به دادگاه ذیصلاح جهت انحلال:

4. عدم انجام اصلاحات و تامین نظر کمیسیون مطابق تبصره«3» ماده(9)

5. احزابی را که به مدت دو سال متوالی فعالیتی نداشته باشند.

تبصره- در صورت لغو قطعی پروانه فعالیت یا انحلال حزب دارائی های حزب حسب مفاد اساس‌نامه با رعایت قوانین موضوعه و با نظارت کمیسیون تعیین تکلیف می گردد.

ماده(21)

احزابی که قبل از تصویب این قانون مجوز فعالیت دریافت کرده اند، موظفند ظرف یک سال خود را با شرایط مندرج در این قانون تطبیق دهند. در صورتی که این احزاب بتوانند خود را با شرایط مندرج در این قانون را تطبیق دهند، از کمیسیون ماده(10) این قانون بدون نوبت پروانه مذکور را دریافت خواهند نمود.

تبصره«1»- کمیسیون می تواند در صورت وجود دلایل موجه، مهلت تطبیق با شرایط مندرج در این قانون را به مدت سه ماه تمدید نماید.

تبصره«2»- در صورت عدم تحصیل شرایط مندرج در این قانون توسط احزاب مزبور مراتب کتبا به آنها اعلام می شود. این احزاب می توانند ظرف یک ماه به تصمیم کمیسیون اعتراض نمایند. در صورت اعتراض کمیسیون ماده(10) موظف است ظرف حداکثر سه ماه نسبت به اعتراض آنها رسیدگی و اعلام نظر کند. اعلام نظر کمیسیون در این رابطه نهایی و قطعی است.

تبصره«3»- در صورت اعلام نظر کمیسیون مبنی بر عدم تحصیل شرایط مندرج در این قانون، پروانه فعالیت این احزاب ملغی گردیده و هر گونه فعالیت حزبی آنها مغایر قانون خواهد بود.

ماده(22)

آیین نامه اجرای این قانون ظرف مدت شش ماه با پیشنهاد کمیسیون ماده(10) به تصویب وزارت کشور خواهد رسید.

ماده(23)

قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی و اقلیت های دینی شناخته شده و گروه های سیاسی مصوب 7/6/1360 نسخ می شود.

—

کشتن پلنگ پس از شکنجه در ایلام

2014-07-24 · Archive ID 6037
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6037

یکی از فعالان حقوق حیوانات در ایران می گوید یک پلنگ دیگر نیز در منطقه «کبیر کوه» استان ایلام در غرب ایران پس از شکنجه کشته شده است. شاهد این فعال، ویدئوی ضبط شده‌ای است که از توسط یکی از مسببین شکنجه و قتل این پلنگ گرفته شده است.

خبرگزاری مهر که این گزارش را منتشر کرده نوشته است که اصل این ویدئو را در اختیار دارد. این گزارش با عکس‌هایی از ویدیوی یادشده همراه است که نشان می‌دهد پلنگ مجروح شده و در گوشه‌ای به دام افتاده است.
شهرام امیری ، مدیر وب سایت دیدبان حقوق حیوانات که این ویدئو را دیده است در شرح این واقعه گفته است:" در فیلمی که از آخرین لحظات زندگی این حیوان مصدوم گرفته شده، صحنه‌های ناجوانمردانه‌ای از آزار پلنگ مصدوم ثبت شده است که نشان می‌دهد کسانی با سنگ به صورت حیوان بی‌نوا می‌کوبند."
وی به خبرگزاری مهر گفته است فیلمبردار از همراهانش می‌خواهد سکوت کنند تا از روی صدا قابل شناسایی نباشند و تحت پیگرد قضایی قرار نگیرند."یک بار در دقیقه ۷:۴۸ و یک بار هم در لحظه‌های پایانی فیلم، برای بهتر شدن صحنه‌های ناجوانمردانه‌ای که دوربین ضبط می‌کند، سنگی به صورت پلنگ کوبیده می‌شود که با عکس‌العمل دردناک حیوان بی‌نوا و بی‌رمق همراه می‌شود که البته این رفتار خوشحالی فیلمبردار و فرد پشت دوربین را به دنبال دارد."
تاکنون هیچ واکنش رسمی به این خبر صورت نگرفته است.
آقای شریفی البته اشاره بیشتری به جزئیات این خبر و نحوه دسترسی به این ویدئو نکرده است. در سایت دیده بان حقوق حیوانات نیز که از سوی وی اداره می شود تا کنون اشاره ای به خبر نشده است.
خبر تلف شدن این پلنگ در حالی منتشر می شود که پیشتر تلف شدن چند قلاده پلنگ در مناطق مختلف ایران واکنش‌های زیادی را در جامعه مدنی ایران بدنبال داشت. این واکنش‌ها منجر به این شد تیم ملی فوتبال ایران نماد خود در جام جهانی 2014 برزیل، پلنگ ایرانی قرار دهد اما این اقدامات مانع از آن نشده تا آزار و اذیت و کشتار این گونه نادر جانوری در ایران متوقف شود.
ماه گذشته نیز فرمانده یگان حفاظت محیط زیست از دستگیری 2 شکارچی غیرمجاز حین فروش پوست پلنگی که پیشتر شکار شده بود در 60 کیلومتری شمال سمنان-مهدیشهر- خبر داد.
در قانون جزایی ایران شکار غیرقانونی پلنگ تنها پنج میلیون تومان جریمه دارد در حالی که پالتویی که با پوست این حیوان به فروش می رسد سال گذشته 20 میلیون تومان ارزش گذاری شده است.
در ایران خرید و فروش پوست حیوانات از طریق سایت‌های اینترنتی رواج دارد. برخی گزارش ها نشان می دهد به علت برخورد سازمان محیط زیست، تجارت رسمی پوست حیوانات در بازار رسمی ایران بسیار محدود شده، اما قاچاق آن همچنان امری رایج است.

سال 92 سالی سیاه برای پلنگ های ایرانی بود. در این سال تنها بر اساس آماری که در رسانه ها منتشر شد 15 قلاده پلنگ تلف شد.

—

فشارهای تازه بر نو کیشان مسیحی در ایران

2014-07-28 · Archive ID 6045
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6045

پس از گذشت دو هفته، هنوز اطلاعی از وضعیت سه نوکیش مسیحی که در انزلی بازداشت شده‌اند، در دست نیست. منصور برجی، سخنگوی "کمیته ماده ۱۸"، وابسته به "شورای کلیساهای همگام" این موضوع را به رادیو فردا گفته است.
چندی پیش ماموران امنیتی سه تن از اعضای گروه موسوم به «کلیسای ایران» را در شهر انزلی بازداشت کردند. بنا بر گزارش هرانا ،سید علیرضا علی‌حق‌نژاد معروف به "ماتیاس" از نوکیشان مسیحی وابسته به "کلیسای ایران" در شهر انزلی است که به همراه "محمد روغنگیر" معروف به وحید و سروش سرایی از اعضای همین کلیسا در شیراز است را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند. حق نژاد در گذشته هم چندین بار به خاطر فعالیت‌ها خود در کلیساهای خانگی بازداشت شده است.
این گزارش حاکی است تعدادی از ماموران وزارت اطلاعات با هجوم به منزل مسکونی آقای حق نژاد در انزلی، وی را به همراه دو تن از مهمانان خود که از رهبران همین گروه در شیراز بودند بازداشت کردند.
ماموران پس از ورود به منزل این نوکیش، ضمن تفتیش خانه، وسایل شخصی وی، از جمله کامپیوتر، تلفن های همراه، جزوات، کتب آموزشی و نیز کتاب مقدس وی را نیز به همراه خود بردند.
دین مسیحیت جز ادیان رسمی در ایران است اما مسیحیان در ایران اجازه تبلیغ دین خود را ندارند. بر اساس برخی از فتاوی علمای اسلامی کسانی که از دین اسلام به مسیحیت برگردند مرتد محسوب شده و مجازات آنان اعدام است. با این حال اخیرا شخصی با این اتهام ادر ایران اعدام نشده است.
نوکیشان مسیحی از حق داشتن کلیسا محرومند و بسیاری از آنان از سوی مقامات امنیتی در ایران بازداشت و به زندان محکوم شده اند.مقامات امنیتی ایران فعالیت های نوکیش مسیحی را زیر نظر دارد و بسیاری از رهبران مذهبی در ایران خواستار برچیده شدن کلیساهای خانگی و ممنوعیت آن شده اند. سازمان بین المللی «اوپن دورز» که در مورد مسیحیان تحت فشار در جهان اطلاع رسانی می کند، می گوید حدود نیمی از مسیحیان ایران، یعنی ۱۲۵ هزار نفر ، فارس‌زبان یا نوکیش هستند.
پیش‌تر «یوسف ندرخانی» از اعضای کلیسا ایران، به اعدام محکوم شده بود که با پیگیری نهادهای حقوق بشری اعدام وی لغو و از زندان آزاد شد. بهنام ایرانی دیگر عضو این کلیسا نیز که محکومیت خود را در زندان قزل حصار سپری می‌کند، ماه گذشته علیرغم وضعیت وخیم جسمانی، به مدت ۲ هفته به مکانی نامعلوم منتقل شده بود. وی از کلیه حقوق یک زندانی از جمله مرخصی محروم می‌باشد.
حسن سادات باریکانی نو کیش مسیحی که پس از تحمل دو سال حبس از زندان آزاد و سپس به خارج از کشور گریخته است چندی پیش در گفت و گویی با سایت محبت نیوز اطلاعات تازه ای را از وضعیت زندانیان نوکیش مسیحی ارائه کرد.
به گفته وی در ایران وضعیت اقلیت های مذهبی بخصوص نوکیشان مسیحی بسیار دشوار و تحت فشار دستگاهای اطلاعاتی و امنیتی می باشند. "زمانی شده بود که کلیساها برای ورود افراد از آنها کارت شناسایی و آدرس و تلفن منزل می خواستند و این مشخص بود که برای اطلاع دادن به دستگاههای امنیتی بود. حتی بعضی کلیساها بر اثر فشارهای مقامات امنیتی مجبور شده بودند که با اطلاعات همکاری داشته باشند والا وضعیت از آنچه که برای کلیساها و ایماندران بود بدتر می شد. باز وضعیت کلیساهای خانگی بهتر است چون تا وقتی شناسایی نشوند امنیت برقرار است. ما مسیحیان زیادی داریم که در زندان به سر می برند و اسم و رسمی از آنها به بیرون درز نمی کند."

—

کریمی قدوسی، قانونگذار بسیجی

2014-07-30 · Archive ID 6054
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6054

سردار جواد کریمی قدوسی یکی دیگر از اعضای دلواپسان مجلس یا همان جبهه پایداری و حلقه شاگردان آیت الله مصباح یزدی، از جمله قانون گذارانی است که از حوزه سپاه و بسیج به مجلس راه یافته است.او یکی دیگر از نمایندگانی است که اخیرا پیگیر موضوع ممنوع البیانی محمد خاتمی رئیس جمهوری پیشین ایران شده بود
آقای کریمی قدوسی اهل مشهد است و از این شهر به عنوان نماینده انتخاب شده است. گفته شده او سال 86، یعنی در هشتمین دوره انتخابات مجلس در حالی به نمایندگی برگزیده شد که تنها 10 درصد از آرای واجدین شرایط را کسب کرده بود. اما آمار رسمی مجلس نشان می دهد که او در مجلس هشتم 128 هزار رای و در مجلس نهم 195 هزار رای بدست آورده است.
سردار کریمی قدوسی پیش از نمایندگی فرمانده بسیج استان خراسان رضوی بود اما اطلاعات دقیقی از پیشینه وی پیش از سمت فرماندهی بسیج در دست نیست. وی 49 ساله است و در روزهای انقلاب تنها 13 سال داشته است. از این رو پیشینه او به دهه هفتاد باز می گردد هر چند وی در یکی از مصاحبه هایش گفته است که در سال 64 فرمانده سپاه سمنان بوده است.از این رو اگر چنین ادعایی صحیح باشد وی در 20 سالگی به سمت فرماندهی رسیده است زمانی که معمولا دوره سربازی اجباری طی می شود.
وی همچنین دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی است اما جایی قید نشده که این مدرک تحصیلی را کجا و چه هنگام دریافت کرده است.
کریمی قدوسی مواضع تندی در روابط خارجی و همچنین مذاکرات هسته ای ایران و غرب دارد. وی البته از نزدیکان و گردانندگان اصلی ستاد انتخاباتی سعید جلیلی مذاکره پیشین هسته ای است که حتی گفته شده به وی وعده معاونت وزارت اطلاعات در دولت جلیلی داده شده بود.
او در حوزه داخلی و مسائل سیاسی و اجتماعی نیز مواضع مشابه ای دارد او با صراحت از دولت انتقاد می کند و بارها خواستار محدود شدن فضای فرهنگی و اجتماعی کشور شده است. وی سال گذشته 21 سئوال از وزیر اطلاعات طرح کرد که مطالعه آنان گویای دیدگاه هایش برابر مسائل روز است.
آقای کریمی قدوسی در مجلس هشتم 31 و در مجلس نهم 42 طرح را امضا کرده است. وی در مجلس هشتم از امضا کنندگان طرح معروف ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمانهای مردم نهاد بود. در مجلس نهم نیز وی از امضا کنندگان طرحی برای تاسیس یک سازمان غیر دولتی با عنوان جهاد اقتصادی است. اما ارکان این سازمان نماینده رهبری، دولت و بسیج هستند. در حوزه محیط زیست نیز این قانون گذار طرح "نجات و احیای دریاچه ها و تالاب های کشور" را امضا کرده است.

—

اعتراض به کشتار مردم غزه در انتظار مجوز

2014-07-31 · Archive ID 6060
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6060

مقامات وزارت کشور برای دادن مجوز تجمع به سازمان‌های مردم نهاد برای حمایت از شهروندان و بویژه کودکان قربانی در مناقشه اخیر مماشات می کنند.
شهین حسینی مسئول روابط عمومی شبکه یاری کودکان کارو خیابان به خبرگزاری ایلنا گفته است که با مسئولان فرمانداری و استانداری تهران در این زمینه مذاکره و خبر صدور این مجوز را دریافت کرده است اما این مجوز هنوز به این نهاد ابلاغ نشده است.
تعدادی از سازمان های مدنی در تهران پیشتر اعلام کرده بودند که قصد دارند دوشنبه گذشته مقابل دفتر سازمان ملل متحد تجمع کنند تا صدای اعتراض خود را به کشتار غیر نظامیان در درگیری میان اسرائیل و گروه حماس به مقامات این سازمان برسانند.
بر اساس قوانین ایران هرگونه تجمع باید با مجوز وزارت کشور برگزار شود. خانم حسینی در این رابطه افزوده است:"زمانی که به استانداری مراجعه کردم آقای ترکمانی در معاونت سیاسی استانداری گفتند که مجوز شما برای طی مراحل اداری به وزارت کشور رفته است، من هم به وزارت کشور مراجعه کردم اما ساعت کاری

تمام شده بود آنطور که به گفتند مخالفتی با مجوز نشده اما به دلیل طی مراحل اداری صدور آن بیشتر طول خواهد کشید".
این در حالی است که معمولا تجمع های مشابه در ایران که توسط سازمان تبلیغات اسلامی و گروه های نزدیک به حکومت بدون اخذ مجوز از وزارت کشور برگزار می شود.
چندی پیش تجمعی مقابل سازمان ملل از سوی«ستاد یاری فلسطین» در اعتراض به آنچه همکاری دولت مصر با اسرائیل خوانده شده بود، مقابل دفتر حافظ منافع مصر در تهران برگزار شد.این ستاد که به تازگی در حمایت از مردم فلسطین شکل گرفته چند روز بعد پس از دادن فراخوان دیگری برای تجمع در مقابل سفارت فرانسه تجمع دیگری برگزار کرد. این ستاد در فراخوان خود آورده بود:" یکی از این دولت‌های سرسپرده به اسرائیل دولت فرانسه می‌باشد که در این مدت اعتراضات و راهپیمایی‌های مردمی علیه اسرائیل را ممنوع کرده و جرایم سنگینی برای معترضین قرارداده است که از جمله می‌توان به زندانی کردن ۳ نفر فرانسوی به دلیل اعتراض به جنایات اسرائیل و محکوم کردن یک جوان۱۸ ساله به جریمه‌ی نقدی به دلیل شرکت در راهپیمایی اشاره کرد."
از سوی دیگر جمعی از «فعالان صلح»، «فعالان مدنی» و «مادران صلح ایران» نیز هفته گذشته روبه روی دفتر نمایندگی سازمان ملل در تهران در اعتراض به حملات اسراییل به غزه و کشتار غیر نظامیان، دست به تجمع زدند. در این تجمع همچنین افراد شناخته شده تری چون «جعفر پناهی» کارگردان، «محمد رحمانیان» کارگردان تئاتر و همچنین «پروین فهیمی» (مادر سهراب اعرابی) نیز حاضر بودند
جعفر پناهی» علت حضورش در این جمع را اعلام انزجار از هر نوع جنگ بیان کرده و در این تجمع گفته است:"حضور فعالان مدنی در این تجمع نشان دهنده اعلام همبستگی تمام گروه ها علیه جنگ و خونریزی و کشتار است."
مادران صلح ایران در این تجمع بیانیه ای را قرائت کرده اند که در آن ضمن اعلام همدردی با “مادرانِ عزیز از دست‌داده و خانواده‌های قربانیان جنگ نابرابر و غیرعادلانه اسراییل علیه ملت سرافراز و ستم‌کشیده فلسطین”، اسرائیل دولتی توصیف شده که “بویی از رحم و شفقت نبرده و کینه‌توزانه کمین کرده و بهانه تراشی می کند تا مردم فلسطین را از سرزمین مادری شان فراری دهد.”
بنابر گزارش روزنامه شرق مجوز این تجمع با پادرمیانی شهین دخت ملاوردی معاون رئیس جمهوری در امور زنان دریافت شده بود.
استفاده از حق تجمع که یکی از اصول قانون اساسی ایران همواره به شیوه ای تبعیض آمیز در ایران اجرا می شود. بسیاری از فعالان مدنی از داشتن حق تجمع برای بیان اعتراضات خویش محروم بوده اند. این محرومیت حتی به جایی رسیده که حتی برای بیان اعتراض به موضوعات ملی و انسان دوستانه ای که مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار دارد نیز با محدودیت روبرو هستند.

—

مادران صلح و صدایی متفاوت در حمایت از فلسطین

2014-08-03 · Archive ID 6068
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6068

"مادران صلح ایران" نام نهادی است که این روزها به صدای زنان و کودکان بی دفاع غزه تبدیل شده است. صدایی از گلوی جامعه مدنی ایران و متفاوت از صدایی که از تریبون های رسمی جمهوری اسلامی درباره شهروندان فلسطینی شنیده می شود.
این نهاد شکل گرفته از زنانی است که در بیانیه اعلام موجودیت خویش گفته اند:"ما جمعی از مادران ایران زمینیم: با قومیت ها و مذاهب مختلف؛ ... معتقدیم که دستگیری و حبس و تعرض به معلمان، دانشجویان، پرستاران، روزنامه نگاران، نویسندگان، روحانیون، کارگران و همچنین فعالان جنبش زنان به بهانه های مختلف همان رفتاری است که قدرت های سلطه طلب خارجی را به بهانه نقض حقوق بشر، اما در اصل همچون کوسه های بوی خون شنیده، به سودای حمله به کشورمان یا اعمال تحریم های گوناگون می کشاند. ما مادران صلح و امیدیم و برای دستیابی به امنیت، آزادی و عدالت که همانا حقوق بشر است، برای خود و فرزندان مان تلاش خواهیم کرد و برای رسیدن به این اهداف به سوی تمامی مادران ایران دست یاری دراز می کنیم ".
مادران صلح این روزها سخت مشغولند تا صدای اعتراض خویش به قربانی شدن زنان و کودکان فلسطینی را

منعکس کنند. آنها چندی پیش تجمع بزرگی را مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل در تهران برپا کردند و نماینده این سازمان را ناچار شد تا در جمع آنان حضور یابد و اعتراض آنان را بشنود. آنان پس از آن تجمع به سفارت فلسطین مراجعه کردند تا همدردی رسمی خویش را به سفیر فلسطین اعلام کنند.
مادران صلح سیزدهم آبان ۱۳۸۶ با انتشار بیانیه‌ای در نشست مطبوعاتی کانون مدافعان حقوق بشر اعلام موجودیت کردند.سارا اسانلو، شهلا انتصاری، ژاله بورازی، زهره تنکابنی، ناهید توسلی، ناهید جعفری، فخری شادفر، احترام شادفر ، گوهر شمیرانی، فریبا شویدی، شهلا فرجاد، لیلی فرهادپور، زهره کریم نیا، مینو مرتاضی، فرزانه محجوب ، خدیجه مقدم، رضوان مقدم و آذر هاشمی نژاد از موسسان این نهاد طرفدار صلح بودند. زنانی که شعارشان "به امید پیروزی، نه در جنگ، که بر جنگ" است.
بنا بر یک روایت ، مادران صلح شاخه ای از کمپین یک میلیون امضاء است. هنگامی که تعدادی از اعضای «کمیته مادران» کمپین یک میلیون امضاء به تدریج متوجه شدند که می توانند از توان و ظرفیت حمایت گری و عطوفت مادرانه خود برای اعضای دیگر جنبش های اجتماعی از جمله جنبش دانشجویی، جنبش سندیکایی، جنبش معلمان و... استفاده کنند.
مادران صلح در هز زمینه ای فعالند. از تلاش برای جلوگیری از اعدام گرفته تا اعتراض به زندانی شدن فعالان مدنی، از حمایت از حقوق زنان و اقلیت ها تا اعتراض به کشتار مردم بی دفاع و غیر نظامی و تخریب محیط زیست. هنگامی خطر حمله نظامی ایران را تهدید می کرد 521 مادر صلح نامه ای برای مسئولان کشور نوشتند و از آنان خواستند که تلاش کنند تا جنگی به پا نشود. فهرست منتشر شده از نام این مادران نشان می داد که آنان از قشرهای گوناگون جامعه بودند.مادران نوشتند:"“ما نگرانیم. ما روزهای تلخ جنگ را فراموش نکرده‌ایم و هنوز داغ عزیزانمان را در سینه داریم و رنج معلولان و آسیب دیدگان را بردوش و هر روز نام شهیدانمان، که بر کوچه و خیابان نقش بسته است، از برابر دیدگانمان رژه می روند. ما می‌خواهیم ازاین پس نام فرزندانمان را بر لوح‌های افتخار در عرصه‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی ببینیم. ما نمی‌خواهیم بلای خانمانسوز جنگ دگر بار زندگی ما را به آتش بکشد و یا تحریم های شدید روند زندگی مان را فلج سازد.“
مادران صلح نقش مهمی نیز در بیان آثار تحریم های اقتصادی بر زندگی مردم داشته اند. گزارشی که از نشست آنان در سال گذشته به مناسبت روز جهانی صلح منتشر شده به نمونه ساده ای اشاره می کند."بحران اقتصادی گرانی کاغذ نشر قاچاق کتابها و لغو مجوز در چاپهای دوم به بعد عملا این حوزه فرهنگ را ناخواسته فلج نموده است. به سبب سختی معیشت مردم و فقر اقتصادی کالای فرهنگی در او لویت آخر قرار می گیرد آنها که عاشقانه عمری را به نشر کتاب و ترجمه آن مبادرت کرده اند این روزها به سختی سر پا مانده اند." در این میان پیشنهاد یک مادر صلح شنیدنی است و آن بانو شهلا فروزان فر بود که پیشنهاد کرد هنرمندان حوزه هنر و سینما و ادبیات که در تحریم نیستند برای ارز آوری تلاشی شایسته نمایند.

عملکرد صلح خواهانه مادران صلح در منطقه نیز بازتاب داشته و برخی از مادران در مناطق جنگ زده در سوریه و کردستان عراق نیز به الگو برداری از این رفتار مدنی برخاسته اند. از این رو بدنبال افزایش حملات به غرب کردستان و خصوصا شدت گرفتن حمله داعش به کوبانی،جمعی از فعالان زن و مادران صلح در "سنه" با در دست گرفتن برگه‌هایی که روی آن نوشته شده بود ” کوبانی تنها نیست ” حمایت خود را از کوبانی اعلام کرد .

—

بانک اطلاعاتی، پیش زمینه آزادی زندانیان سیاسی

2014-08-06 · Archive ID 6073
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6073

اتحاد برای ایران، سازمانی غیر انتفاعی در آمریکا که برای تثبیت حقوق بشر فعالیت می‌کند’ به تازگی یک بانک اطلاعاتی برای زندانیان سیاسی و عقیدتی گرفته ایجاد کرده است.این بانک با ثبت اطلاعات بیش از هزار زندانی سیاسی و عقیدتی در تلاش است تا مرجعی معتبر برای دسترسی آسان تر نهادهای حقوق بشری به اطلاعات مربوط به زندانیان سیاسی در ایران باشد.
برای آگاهی بیشتر از جزئیات این بانک اطلاعاتی با آقای رضا قاضی نوری از بنیانگذاران اتحاد برای ایران و این بانک اطلاعاتی گفت و گو کرده ایم.



reza-ghazinouri

بعدتر و با بررسی تجربیات کشورهای دیگر همچون برمه سازمان به این نتیجه رسید که وجود یک بانک اطلاعاتی می تواند زیرساخت مناسبی برای حمایت از زندانیان و محکی برای پایبندی جمهوری اسلامی به خواست مردمی آزادی زندانیان سیاسی و تعهدات حقوق بشری بین المللی نظام باشد.

به تجربه برمه اشاره کردید؟ ممکن است کمی بیشتر درباره آن توضیح دهید؟

آیا چنین بانک اطلاعاتی قبل از شما هم در ایران ایجاد شده یا نخستین بار است که تاسیس می شود؟

چه میزان وقت و نیروی انسانی صرف تاسیس و به روز رسانی آن کرده اید؟

از زمان شروع جدی این فعالیت تقریبا سه سال میگذرد هر چند که در ۲ سال ابتدایی اطلاعات جمع آوری شده برای عموم در دسترس نبود بلکه به طور هدفمند در اختیار نهادهای حقوق بشری و دیگر سازمان های مرتبط قرار میگرفت. در این مدت تقریبا دیتابیس پروژه اصلی اتحاد برای ایران بوده

فکر می کنید نام چند درصد از زندانیان در بانک اطلاعاتی شما وجود دارد؟

واکنش ها چگونه بوده به این بانک اطلاعاتی؟ چه مثبت و چه منفی

این مثال به این معنی است که این بانک اطلاعاتی را سازمان ملل تایید کرده است؟

به لحاظ فنی نمی توان مستقیما چنین برداشتی از استناد گزارش گزارشگر ویژه به یک منبع داشت اما به طور طبیعی هر جه موارد استناد به یک منبع بیشتر و مهمتر باشد بر اعتبار آن منبع افزوده می شود.

و دیگران چگونه می توانند با شما همکاری کنند؟

در این بانک اطلاعاتی، هم به طور عمومی و هم زیر پروفایل هر زندانی سیاسی پیوندی برای ارائه پیشنهاد اصلاح یا تکمیل اطلاعات وجود دارد. ما تمامی درخواست هایی که برای اصلاح یا تکمیل اطلاعات به دستمان می رسد را بررسی می کنیم. علاوه بر این اگر افرادی قصد همکاری جدی‌تر در این زمینه را دارند حتما با ایمیل سازمان تماس گرفته و پیشنهاد خود را مطرح کنند.

اصولا امید ما این است که با گذشت زمان این دیتابیس هر چه بیشتر بر فعالیت داوطلبانه گروه کثیری از فعالین و خانواده های زندانیان استوار شود تا هم بر ماندگاری و هم بر دقت آن افزوده شود.

—

ترانس‌ها و حقوق آنان در ایران

2014-08-14 · Archive ID 6074
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6074

بنی آدم: در دو مصاحبه پیشین درباره حقوق اقلیت های جنسی در ایران با حسین علیزاده گفت و گو کردیم. در آخرین بخش از این مصاحبه که در مرداد ماه ۱۳۹۳ در وبسایت عرصه سوم منتشر شده است وی درباره حقوق ترانس ها در ایران و مشکلات آنان با عرصه سوم گفت و گو کرده است.

در جزوه آموزشی سازمان شما آمده که ایران بهشت ترانس‌ها است. ممکن است در این رابطه توضیحات بیشتری بدهید؟

جزوه های آموزشی ما، با هدف افزایش سطح بینش جامعه، از جمله افراد متخصص و کارشناس در زمینه مسائل مربوط به دگرباشان جنسی است. این جزوه ها، هریک با هدف ارائه آموزش به قشر و گروه خاصی تهیه شده است. مثلا یک جزوه در مورد نحوه دفاع از موکلانی است که به عمل جنسی با فرد همجنس خود متهم هستند.

بسیاری از وکلا هستند که تجربه ای در این زمینه ندارند و وقتی موکل متهم به لواط یا تخفیذ به این ها معرفی می شوند، لزوما نمی دانند راه و کارهای قانونی چیست. بنابراین ما این جزوه را نوشتیم تا به جامعه حقوق دانان کمک شود.

و یا جزوه ای است در زمینه نحوه جمع آوری مدارک نقض حقوق بشر. این مسئله متاسفانه خیلی اتفاق می افتد که افراد اذیت و آزار می شوند (چه توسط نیروهای انتظامی و چه توسط خانواده)، اما نمی دانند باید چه مستنداتی را جمع کنند که ثابت کنند که حق این افراد زیر پا گذاشته شده است.

بله. البته این موضوع که می فرمایید در کتابچه آموزش پوشش خبری دگرباشان جنسی برای روزنامه نگاران آمده است. مطلب بصورت عمده باز نشده و در نسخه جدید این جزوه ، ما این موضوع را کاملا خواهیم شکافت.

ببینید. مسئله این است که در کشوری که همجنس گرایان مستحق اعدام شناخته شده اند، به تراجنسی ها اجازه عمل جراحی داده می شود.خوب این فی نفسه مطلب مفیدی است. اما مشکل اینجاست که اگر کسی ترانس هست ولی نمی خواهد عمل شود ، تکلیفش چیست.

یا ترانس هایی که سالها مورد اذیت خانواده، جامعه و حکومت قرارمی گیرند (بخاطر اینکه همه فکر می کنند اینها همجنس گرا هستند)، خوب مشکل اینها چه می شود؟ بعلاوه ترانس هایی که عمل ناقص روی شان انجام شده و تا آخر عمر رنج می برند، و آنهایی که بعد از عمل جراحی از سوی خانواده و جامعه طرد می شوند چکار باید بکنند؟

اینها می گویند ترانس ها بیمارند، چاره بیماری شان هم جراحی است. وقتی عمل شدند هم یک شناسنامه جدید به آنها می دهیم که بروند سر کار و زندگی شان.

خوب این یک قسمت ماجراست. یعنی بهتر از بعضی کشور هاست که می گویند ترانس وجود ندارد و عمل جراحی قانونی نیست. اما این جراحی، مترادف با حق و حقوق داشتن نیست.

یعنی ترانسی که نمی خواهد جراحی شود؛ و فقط می خواهد با حفظ اندام خودش، هویت جنس مخالف را داشته باشد، از نظر اینها هیچ حق و حقوقی ندارد.

لباس جنس مخالف را پوشیدن جرم است و افراد سرو کارشان با گشت ارشاد خواهد بود.

فردی که ترانس هست یا گرایش به مرد بودن دارد یا زن بودن. بنابراین بر حسب این گرایش پوشش و رفتار اجتماعی خود انتخاب یا اکتساب می کند. حال چگونه برای جامعه و حکومت قابل تشخیص است که این فرد اساسا هویت زنانه دارد یا مردانه؟

در مورد پزشکان ایرانی، متاسفانه مشکل زیاد است. بسیاری از پزشکانی که در جمهوری اسلامی تربیت شده اند، نه درک درستی از هویت جنسی دارند، نه از گرایش جنسی. طرف را بزور می برند دکتر تا او را شوک درمانی کنند و بدین ترتیب "همجنس بازی" اش را شفا دهند. این مزخرفات بظاهر علمی (که سازمان بهداشت جهانی از سال 1991 آنرا رسما رد کرده)، دیگر در کشورهای پیشرفته جهان جایی ندارد.اما متاسفانه در ایران و کشور های همسایه ما (از جمله در ترکیه و در حوزه خلیج فارس)، بعضی ها هنوز به مطالب 50 سال قبل چسبیده اند.

بازنشر از عرصه سوم



—

نیمای غزل درگذشت

2014-08-19 · Archive ID 6087
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6087

سیمین بهبهانی بانوی غزل معاصر ایران و عضو کانون نویسندگان ایران که چندی پیش بخاطر عارضه قلبی و تنفسی در کما بسر می برد در بیمارستان در گذشت.
خانم بهبهانی از پیشکسوتان دفاع از حقوق زنان در ایران است. او در سال ۱۳۴۸ به عضویت شورای شعر و موسیقی در آمد. وی به اتفاق هوشنگ ابتهاج، نادر نادرپور، یدالله رویایی، بیژن جلالی و فریدون مشیری این شورا را اداره می‌کردند . در سال ۱۳۵۷ بهبهانی عضویت در کانون نویسندگان ایران را پذیرفت .
در ۱۳۷۸ سازمان جهانی حقوق بشر در برلین، مدال "کارل فون اوسی یتسکی" را به سیمین بهبهانی اهدا کرد . در همین سال نیز جایزه "لیلیان هیلمن / داشیل هامت" توسط سازمان نظارت بر حقوق بشر به وی اعطا شد.

بهبهانی، در روز دوشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۸۸ هنگامی که قرار بود برای سخنرانی درباره فمینیسم در روز جهانی زن به پاریس برود، با ممانعت ماموران امنیتی روبرو شد. ماموران با توقیف گذرنامه بهبهانی، به او اعلام کردند که ممنوع الخروج است.
او به خاطر سرودن غزل فارسی در وزن‌های بی‌سابقه به «نیمای غزل» معروف است.

من با تو ام ای رفیق ! با تو همراه تو پیش می نهم گام

در شادی تو شریک هستم بر جام می تو می زنم جام

من با تو ام ای رفیق ! با تو دیری ست که با تو عهد بستم

همگام تو ام ، بکش به راهم همپای تو ام ، بگیر دستم

عرصه سوم، از فقدان این سرمایه بزرگ جامعه مدنی ابراز تاسف کرده و یاد و خاطرش را گرامی می دارد.

—

نخبگی و حق تحصیل در چرخه معیوب آموزش عالی

2014-08-20 · Archive ID 6093
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6093

عرصه سوم: عرصه دانش و ادب ایران هفته جاری سه رویداد مهم را پشت سر گذاشته است. نخست مدال آوری بانوی نابغه ایرانی مریم میرزاخانی که بازتاب گسترده ای را بدنبال داشت، دوم درگذشت بانو سیمین بهبهانی شاعر بلند آوازه معاصر ایران و دیگر استیضاح وزیر علوم دولت تدبیر و امید که به گواه بسیاری از ناظران از جمله وزرایی بود که توانست برخی از مطالبات جامعه مدنی را در دانشگاه ها محقق سازد.

اما مدال آوری بانو میرزاخانی و عدم رای اعتماد به آقای فرجی دانا خود حاوی پیام مشترکی برای جامعه مدنی ایران است. استیضاح وزیر علوم در ایران مستندی از دشواری امر تحصیلات عالی در ایران است. در ایران سال ها است که حق برابری در تحصیل نقض می شود و اگر تا دیروز کسانی منکر آن بودند امروز می توان گفت روند استیضاح وزیر علوم گواه معتبر از تبعیض آشکاری است که در راه تدریس و تحصیل در دانشگاه های عمدتا دولتی و رایگان در ایران وجود دارد.
نمایندگان طراح استیضاح آقای فرجی دانا وزیر علوم، علت اقدام خود را "فراهم سازی بستر و ترویج افراطی گری در دانشگاه‌ها"، "ارائه مجوز پذیرش افراد رد صلاحیت شده"، "بازگرداندن برخی از اساتید اخراج شده"، "تغییر شیوه انتخاب روسای دانشگاه ها"، "انتصاب عناصر دارای سابقه مشخص در فتنه ۸۸ در مسئولیت های مهم ستادی وزارت خانه و عزل اشخاص عالم" و "عدم مواجه درست با تحرکات سیاسی ضد انقلاب و ضد نظام" عنوان کرده بودند.
به عبارتی ساده تر، بازگشت برخی از دانشجویان ستاره دار به دانشگاه، از شعارهای اصلی حسن روحانی رئیس جمهور، یکی از دلایل استیضاح وزیر علوم بود. بسیاری از این دانشجویان که با ستاره های امنیتی از حق تحصیل محروم می شدند مریم میرزاخانی هایی بوده و هستند که یا عطای تحصیل را به لقایش بخشیدند و یا ناچار به ترک کشور برای تحصیل شدند و اکنون گمنام و بی نشان فکر و استعداد خویش را دیگران عرضه می کنند و تنها زمانی که نامی از آنان به میان می آید هویت ایرانی آنان حائز اهمیت می شود.
اما این افتخار آفرینی معمولا زمانی حاصل می شود که ارتباط میان آن نخبه با جامعه علمی و نهایتا جامعه مدنی ایران کمرنگ و بی تاثیر شده است و از میزان تاثیرگذاری این استعدادها بر جامعه ایرانی به شکل قابل ملاحظه ای کاسته شده است و از این افتخارات نهایتا به یادگاری تبدیل می شود .
دلیل آن شاید تعریف نخبگی در ایران باشد و این که چه کسانی در ایران نخبه محسوب می شوند؟ به گفته سعید سهراب‌پور قائم مقام بنیاد ملی نخبگان ایران و رئیس پیشین دانشگاه صنعتی شریف ، نخبه کسی است که پس از سال‌های طولانی تدریس و تحقیق به مرحله ای رسیده که در جامعه تاثیر گذار است. آقای سهراب پور در سال 91 در یک مصاحبه اعلام کرده بود که در ایران 40 نخبه وجود دارد که این 40 نفر استادان و

محققان برجسته بین‌المللی ایرانی هستند که اکثر مجامع بین المللی آنها را می شناسند؛ تعداد زیادی دانشجو و شاگرد تربیت کرده‌اند؛ مقالات و کتب بسیاری نوشته و طرح های تحقیقاتی زیادی را انجام داده‌اند. این مقام در سال بعد در مصاحبه دیگری آمار دیگری را اعلام کرد و گفت 80 نخبه در کشور وجود دارد. در واقع ظرف یک سال آمار نخبگان کشور دو برابر شد و از رقم 40 به 80 رسید. اما وقتی که تارنمای این بنیاد مراجعه می کنیم نه تنها اثری از نام نخبگان نمی بینیم بلکه بیشتر با چارت سازمانی و مدیران این بنیاد آشنا می شویم.
اما آیا ایران براستی این تعداد نخبه دارد و آیا استعدادهایی که سال ها است در مراکز آموزشی و پژوهشی دنیا تحصیل و تدریس و پژوهش کرده اند نیز در این آمار دیده شده است؟ .
افتخار آفرینی بانو مریم میرزا خانی و استیضاح وزیر علوم را باید کنار حکایت روزمره مهاجرت نخبگان در ایران قرار داد. نخبگانی که همه ساله پاي ثابت المپياد هاي جهاني بودند و اکنون میزبان آنها دانشگاه ها و مراکز تحقيقاتي برتر و تاثير گذاري در دنيا همچون دانشگاه هاروارد، استنفورد، ام آي تي، کالیفرنیا، کمبریج، جان هاپکینز و پرینسون در آمریکا و دانشگاه تورنتو و سایمون فریز در کانادا هستند.
صندوق بين المللي پول در گزارش سال ۲۰۰۹ خود اعلام کرد ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان، با مهاجرت سالانه 150 تا 180 هزار متخصص در میان ۹۱ کشور در حال توسعه یا توسعه نیافته جهان، مقام نخست را دارد.
همچنین طبق آمار ارایه شده توسط مجلس در سال ۱۳۸۹ نیز که یک سایت داخلی آن را ذکر کرده است، ۶۰ هزار نفر از ايرانياني که در اين سال مهاجرت کرده اند در زمره مهاجران نخبه دسته بندي مي شوند و بخش عظيمي از آنها را متخصصان ايراني تشکيل مي دهند. نکته قابل توجه ديگر عدم تمايل به بازگشت به کشور با توجه به فراهم شدن موقعيت بالاي شغلي و زندگي براي متخصصان ايراني در کشور هاي ميزبان به خصوص آمريکا و کاناداست. به طوري که بسياري از دانش آموزان ديروز و متخصصان امروز در حال حاضر در دوره فراغت از تحصيل و مشغول به انجام امور تخصصي و پژوهشي شده اند.
از این نکته البته نباید غافل شد که معمولا آمار ارائه شده از نخبگان ایرانی به علوم فنی، ریاضی و پزشکی و شاخه های آنان خلاصه می شود و معمولا رشته های هنری و علوم انسانی از این قاعده مستثنی شده اند.

—

بحران آب و کم اطلاعی عمومی

2014-08-25 · Archive ID 6097
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6097

عرصه سوم: بحران آب در ایران بالاخره به پایتخت و شهر بزرگی چون اصفهان نیز سرایت کرد تا بلکه به تدریج صدایی از مسئولان کشور شنیده شود. بحران کم آبی گرچه در ایران موسمی است و بیشتر در فصل گرما روی می دهد اما نمایندگان مجلس و شورای شهر تهران سوء مدیریت را عامل بحران کم آبی می دانند. موضوعی که مدیر عامل شرکت آب تهران نیز بدان اذعان کرده است.

روبرت بگلریان، نماینده مسیحیان و ارامنه جنوب ایران عضو کمیسیون انرژی مجلس است. کمیسیونی که بر عملکرد وزارت خانه هایی چون نفت و نیرو نظارت می کند.او معتقد است وضعیت آب کشور بحرانی‌تر از آن است که به اطلاع مردم می‌رسد.
به گفته آقای بگلریان، در حال حاضر میانگین مصرف آب در کشور ما بالاتر از مصرف جهانی است و گفته می‌شود که باید نصف شود اما این مسئله در شرایطی است که میزان بارندگی در کشور ما یک سوم میانگین جهانی است. لذا نصف شدن مصرف نیز کارساز نبوده و نمی‌تواند ما را به نرم جهانی ذخیره و مصرف آب نزدیک کند.
او می گوید فرهنگ سازی صرفا کارایی نداشته و نیاز به زمان دارد و در حال حاضر ما این زمان را در اختیار نداریم، بلکه مهم‌ترین کاری که باید انجام دهیم این است که بهره وری را بالا ببریم و منابع را به سمت زیرساخت‌های بخش آب سوق دهیم.
بگلریان در خصوص واردات آب نیز گفته است ممکن است شرایطی پیش آید و اوضاع آنقدر بحرانی شود و راهی غیر از آن نداشته باشیم که دولت تصمیم به واردات آب بگیرد. در همین راستا شنیده شده که مذاکرات برای وارد کردن آب از تاجیکستان به ایران شروع شده است.

محسن پیر هادی عضو شورای شهر تهران نیز با بیان اینکه سوء مدیریت باعث بحران آب در جنوب تهران است نه بی آبی، گفته است جنوب تهران دو مشکل دارد یکی بی آبی ودیگری سوء مدیریت. بی توجهی برخی از مسئولان به ویژه سازمان آب تهران باعث شده تا یک جرعه آب گورا از گلوی مردم محله‌های جنوب شهر پایین نرود. محله‌هایی مانند محله خلیج فارس شمالی در منطقه 18 و همچنین بخشی از محله اسماعیل آباد منطقه 19 (علی آباد) از نعمت داشتن آب شرب پیوسته محروم هستند.

وی به گزارش هایی که از سوی شرکت آبفای تهران به تازگی ارائه شده اشاره می کند که در آن ادعا شده ذخیره آبی سدهای لار و لتیان به مهرماه نیز نمی رسد. بر اساس این گزارش تهرانی ها تنها تا 40 روز دیگر می توانند از آخرین ذخایر آب این سدها برای مصارف خود استفاده کنند. این در حالی است که همین شرکت در اطلاعیه تازه ای گزارش خود را تکذیب کرده است.
این عضو شورای شهر تاکید کرده است که این هشدار جدی است و این بحران شهر تهران را در حالت اضطرار قرار داده است. "اگر فکری به حال کم آبی تهران آن هم با جمعیت ساکن 10میلیون نفری نشود، معلوم نیست که باید شاهد چه پیش آمدی باشیم."
اما خسرو ارتقایی مدیر عامل شرکت مدیریت آب منطقه‌ای تهران به بحران آب در شرق تهران در مقایسه با غرب تهران پرداخته و آن را حادتر از غرب تهران توصیف کرده است. وی نیز در عین حال معتقد است که در زمینه آب مشکل مدیریتی وجود دارد. وی می گوید در غرب تهران می‌توان آب کشاورزی را کم کرده و به شرب اضافه کرد اما در شرق تهران این امکان وجود ندارد.
به گفته وی آب سد لار در شرق تهران فرار می‌کند و به مصرف کشاورزی مازندران می‌رسد: ما امکان مهار آن را نداریم، سد لتیان هم که تخصیص کشاورزی ندارد و ماملو نیز هنوز وارد مدار نشده است لذا قدرت مانور نداریم زیرا در شرق مازاد آب نداریم که بتوانیم "حقابه" جایی را کم و وارد شبکه شرب کنیم."

در اصفهان نیز پس از معضل خشک شدن زاینده رود ، اینک بحران آب شرب نیز به آن اضافه شده است. چندی پیش آب بخش بزرگی از سومین شهر بزرگ ایران قطع شد و دلیل آن ریخته شدن گازوئیل یک تانکر به رودخانه ذکر شده بود.
در همین راستا هاشم امینی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان، از ارسال اخطاریه قطع آب برای ۵۳ هزار مشترک پُرمصرف خبر داد. به گفته وی در صورتی که این مشترکان تغییری در روند مصرف آب اعمال نکنند، آب واحدهای آنها در ساعت‌های پیک مصرف قطع خواهد شد.
با وجود آنکه سرانه مصرف آب در بین شهروندان ایرانی از الگو و استانداردهای جهانی بیشتر است اما یک گزارش میدانی بی اطلاعی مردم را عامل اصلی بحران آب در کشور می داند و در عین حال انگشت اتهام را به سمت نهادهای حکومتی و دولتی برده است.
در این گزارش به نقل از مدیر دفتر مدیریت ستاد مصرف آب و انرژی (آبفای تهران) آمده است: "فقط ۵تا ۶درصد مشترکان ما ۲تا ۳برابر الگوی مصرف ملی آب مصرف می‌کنند و سایر مشترکان به عنوان پر مصرف شناخته نمی‌شوند، اما از جمله مشترکانی که مصارف بالایی دارند و در زمره پر مصرف‌ها تلقی می‌شوند مراکز آموزشی، مراکز نظامی و انتظامی هستند."
در ایران اطلاع رسانی در خصوص مشکلات زیست محیطی از جمله کمبود آب یا آلودگی آب و هوا نیز جنبه امنیتی یافته و رسانه ها معمولا با محدودیت هایی برای اطلاع رسانی در زمینه برخوردارند. در واقع هر وقت یک مسئله جدی زیستگاه ایرانیان را تهدید می کند مصوبات شورای عالی امنیت ملی رسانه ها و خبرگزاری ها را وادار به سکوت کرده است.

—

زاکانی و پرونده رانت آموزشی

2014-08-26 · Archive ID 6102
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6102

عرصه سوم: پس از استیضاح رضا فرجی دانا وزیر علوم و حواشی مفصل آن از جمله مسئله بورسیه های غیرقانونی، نام علیرضا زاکانی که سه دوره متوالی است نماینده تهران است را بیش از همه بر سر زبان ها

انداخته است. زاکانی یکی از برجسته ترین طراحان و فعال ترین آنان در روز استیضاح بوده است.
چندی پیش کارنامه تحصیلی او در دبیرستان و همچنین برخی از مکاتبات اداری که در خصوص وضعیت تحصیلی و همچنین تغییر رشته وی در دانشگاه در شبکه های اجتماعی منتشر شد که نشان می داد که او علیرغم کسب نمرات پایین در دوره دبیرستان موفق شده در رشته پزشکی پذیرفته شود و به درجه دکتری ارتقا یابد.
زاکانی همچنان که نزدیکانش توصیف کرده اند در اسفند سال ۱۳۴۴در خانواده ای مذهبی در جنوب شهر تهران، میدان خراسان متولد شد. جد مادري‌اش اهل کاشان بود و اجداد پدري‌اش اهل روستاهاي حومه شمالی تهران (زايگان و لالان) بودند؛ اما پدر او، اهل شهر ري بود. همسرش نیز اصالتا تبريزي است و معاون حوزه هاي علميه استان تهران است.
زاکاني سه فرزند دختر دارد که دو نفرشان ازدواج کرده اند. اولي دانشجوي دانشگاه تهران است؛ داماد اولش نيز دانشجوي دانشگاه تهران بوده و در حوزه علميه نيز درس حوزوي مي خواند. فرزند دومش هم دانشجوي مهندسي کامپيوتر در دانشگاه صنعتي شريف است، داماد دومش نيز دانشجوي همان دانشگاه است.
زاکانی نیز در کودکی فعالیت سیاسی را آغاز کرده و از جمله کودک سربازانی است که به مجلس راه یافته اند.
او در 15 سالگی به جبهه می رود. در طول 62 ماه حضور داوطلبانه اش در جبهه در ستاد جنگهای نامنظم، لشگرهاي "محمّد رسول الله" و "سيدالشهداء" و قرارگاههاي جنوب و غرب، بيشتر در واحدهاي «تخريب» و «اطلاعات و عمليات» حضور داشته و سپس مسووليت‌هايي از جمله معاون گردان، مسئول محور «اطلاعات و عمليات» قرارگاه نجف اشرف ۳، قائم‌مقام «اطلاعات و عمليات» لشگر "محمّد رسول‌الله" و نهايتاً مسووليت محور اين لشگر را کسب کرده است.
لشگر "محمد رسول الله" پس از جنگ با ادغام در نیروی مقاومت بسیج به سپاه "محمد رسول الله" تغییر نام داد و اکنون مسئولیت امنیت پایتخت را بر عهده دارد.
زاکانی از موسسین و فعالان بسیج دانشجویی است. زاکاني در اواخر سال 1377 مسووليت بسيج دانشجوئي دانشگاه‌هاي استان تهران و از سال 1379 تا 1382 مسووليت سازمان بسيج دانشجوئي کشور را برعهده داشت.
علیرضا زاکانی با این پشتوانه و سابقه در انتخابات مجلس هفتم در فهرست آبادگران با محوریت غلامعی حداد عادل قرار گرفت. در مجلس هفتم وی با 538 هزار رای نزدیک به 26 درصد آرا به مجلس راه یافت. در انتخابات مجلس هشتم آرای وی به 380 هزار رای و مجموعا 45 درصد آراء کاهش یافت و نهایتا در انتخابات مجلس نهم آرای وی به 328 هزار و مجموعا 29 درصد آرا رسید
زاکانی در این سه دوره از اعضای کمیسیون ماده 10 احزاب و همچنین هیات منصفه مطبوعات بوده است. او در مجلس هشتم مجموعا 25 طرح را امضا کرده و در مجلس نهم تاکنون 34 طرح را به تایید وی رسیده است. این امر از یه منظر نشان می دهد که وی در مجلس نهم پرکار از مجلس هشتم بوده است
از مجموع طرح هایی که از سوی علیرضا زاکانی امضا شده می توان به طرح جامع رسانه های همگانی اشاره کرد .طرح نظارت جامع رسانه، طرحی جنجالی بود که رسانه های الکترونیك و سایتها را نیز زیر پوشش قرار می داد و جرایم تازه ای را برای ایشان ترسیم می کرد.در سایر موارد امضای وی زیر طرح هایی که تهدید کننده جامعه مدنی محسوب گردد دیده نمی شود.

—

پلیس و ایجاد محدودیت برای اشتغال زنان

2014-08-31 · Archive ID 6136
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6136

عرصه سوم: محدود سازی اشتغال زنان از سوی برخی از نهادهای حکومتی پدیده تازه ای است که رفته رفته به یکی از معضلات جدی در حوزه نقض حقوق زنان تبدیل می شود.

در واقع پس از اعمال محدودیت هایی برای آموزش زنان در دانشگاهها از جمله سهمیه بندی برخی از رشته ها و محدود کردن زنان برای تحصیل در برخی از رشته های تحصیلی، اکنون نوبت به محدویت سازی برای اشتغال زنان رسیده است.

حدود یک ماه گذشته بود که شهرداری تهران با صدور بخشنامه ای زنان شاغل در این نهاد عمومی را از داشتن برخی از سمت ها از جمله مدیریت دفتری منع می کرد. صدور این بخشنامه بازتاب گسترده ای در جامعه به دنبال داشت اما با حمایت و مقاومت شهردار تهران روبرو شد.

اکنون نوبت پلیس اماکن نیروی انتظامی رسیده است تا محدودیت های تازه ای را برای اشتغال زنان در اماکن عمومی ایجاد کند. به گزارش خبرگزاری ها و سایت های داخلی، پلیس اماکن ، اشتغال زنان در کافی‌شاپ‌ها، قهوه‌خانه‌ها،فضای عمومی و سفره‌خانه‌های سنتی را طبق قانون ممنوع دانسته است.

خلیل هلالی رئیس اماکن نیروی انتظامی در این رابطه گفته است:"به طور کل اشتغال زنان در قهوه‌خانه‌ها ممنوع است و گرچه اخذ پروانه کسب قهوه‌خانه از سوی زنان بلامانع است، ولی زنانی که تقاضای اخذ پروانه کسب قهوه‌خانه دارند باید مردانی را به عنوان مباشر خود در این اماکن معرفی کنند چرا که طبق قانون، تردد و اشتغال زنان در داخل قهوه‌خانه‌ها ممنوع است، حتی اگر آنها صاحب پروانه کسب باشند".

به گفته وی با توجه به این که خدمات در سفره‌خانه‌های سنتی به خانواده‌ها نیز ارائه می‌شود، تردد خانم‌ها در آن اماکن بلامانع است. همچنین اشتغال زنان در فضاهایی مانند آشپزخانه سفره‌خانه‌ها نیز ممنوعیتی ندارد ولی اشتغال آنها در فضای عمومی این اماکن ممنوع است.

این مقام نیروی انتظامی در سخنان خود به قانونی که کار زنان در قهوه خانه‌ها و فضای عمومی سفره‌خانه‌های سنتی را ممنوع می‌کند، اشاره‌ای نکرده است.
این اظهارات انتقاد برخی حقوق‌دانان را به دنبال داشته و از جمله آنها نعمت احمدی گفته است که برابر قوانین موجود هیچ منعی برای کارگران زن کافی‌شاپ‌ها وجود ندارد.

آقای احمدی می‌گوید: "قانون اساسی به عنوان عالی‌ترین سند قانون کشور هرگونه اعمال تبعیض جنسیتی را منع کرده است و همچنین در قانون کار نیز تنها کارگران زن از انجام مشاغل سخت و طاقت فرسا منع شده‌اند."

وزارت کار دولت روحانی نیز این تصمیم ر ا خلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی می داند و خواستار لغو این دستورالعمل شده است.

پیش از این نیز برخی از مسئولین دولتی کاهش اشتغال زنان را یکی از چالش‌های کشور خوانده و از برنامه‌های دولت برای افزایش اشتغال زنان خبر داده بودند و از جمله شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهوری ایران، وعده داده بود که بسته اجرایی اشتغال پایدار زنان » تا پایان شهریور تدوین می‌شود.

—

حضور پر رنگ اینترنت در فتوای مراجع

2014-09-02 · Archive ID 6141
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6141

عرصه سوم: اختلاف میان دولت ایران و جریان‌های سیاسی پیرامون ارائه خدمات اینترنت پرسرعت و نسل سوم اینترنت در تلفن‌های همراه مدتی است بالا گرفته و از یک بحث فنی و تخصصی وارد حوزه‌هایی نظیر فقه شده است تا آنجا که چند تن از مراجع تقلید در مقام مدافع و مخالف اینترنت پرسرعت اقدام به صدور فتوا نموده‌اند.

به تازگی و در آخرین اظهار نظر آیت الله یوسف صانعی از مراجع قم در فتوای ایجاد محدودیت برای اینترنت را تضییع حق مردم دانسته است.

وی در پاسخ به این سوال که آیا به صرف بیم استفاده نامطلوب و ناصواب بعضی افراد از اینترنت می توان استفاده از آن را محدود کرد؟ گفته است: «استفاده صحیح از ابزارهای ارتباطی همانند اینترنت و افزایش

سرعت آن برای اغراض عقلائی و علمی منعی ندارد و شرعاً و عقلاً جایز است و مشمول اطلاق عموم ادله ترغیب به علم و دانش می باشد و ایجاد محدودیت در مثل مورد سؤال که منافع حلال و حرام دارد؛ دخالت در سلطه مردم و تضییع حقوق آنهاست و بیم و بهانه ی احتمال استفاده نامطلوب برخی نمی تواند مجوز چنین دخالت هایی گردد، و چگونه می توان از نظر شرعی تنها به جهت استفاده نامطلوب برخی افراد حکم به حرمت نمود با آنکه فقیهی مثل محقق در شرایع فتوا به کراهت بیع انگور به کسی داده است که فروشنده می داند خریدار از آن انگور شراب می سازد. آری اگر غرض در بیع و شراء استفاده حرام باشد و یا مبیع مثل اصنام باشد که یادآور کفر و شرک است، بحث دیگری می طلبد.»

پیشتر نیز آیت الله بیات زنجانی از مراجع نزدیک به دولت در فتوای اعلام کرده بود: «سوء استفاده یک فرد یا چند نفر، مجوز دخل و تصرف و ایجاد محدودیت دستگاه های ذی ربط از جمله وزارت ارتباطات در نوع ارائه خدمات و تنظیم ارتباطات نمی شود، چراکه دستگاه های سیاست گذار همان گونه که باید در ارائه خدمات تسهیلات لازم را ارائه نمایند، اطّلاع رسانی به روز و اعتلاء سطح آگاهی های عمومی در بین عامۀ مردم نیز جزو وظایف این نهادها بوده و باید آنها را به عنوان یک اولویت پیگیری کنند.»

به نظر می‌رسد این فتاوی در مقابله با مخالفت آیت الله مکارم شیرازی (از مراجع نزدیک به مخالفان دولت) با نسل سوم اینترنت روی تلفن‌های همراه بیان شده است. آیت الله مکارم شیرازی چند پیش اعلام کرده بود: «خدمات اینترنت پر سرعت همراه و کلیه خدمات نسل سوم و بالاتر کاری بر خلاف شرع و بر خلاف موازین اخلاقی و انسانی است.» البته این اظهار نظری جنجالی که با مخالفت بسیاری از فعالان اجتماعی و مدنی مواجه شده بود به سرعت از سوی ایشان تعدیل شد. به گونه‌ای که در دیدار با علی لاریجانی منظور خود را اینگونه توضیح داد:« ما می گوییم این آب آلوده غیر بهداشتی به نام نسل سوم اینترنت را تصفیه کنید تا آب بهداشتی شود و در اختیار بگذارید تا همه از آن استفاده کنند و کسی مخالف آن نیست»

هر چند آزادی دسترسی افراد به اطلاعات به موجب ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب مجلس شورای اسلامی و همچنین بند ۱۲۸-۳ پیش نویس حقوق شهروندی دولت یازدهم یکی از حقوق اساسی شهروندان ایران به شمار می رود اما تنش‌های سیاسی در ایران میان جریانات مختلف تا امروز مانع از احقاق این حق عمومی شده است. تا جایی که مراجع مختلف تقلید را نیز به چالش کشانده است.

با این اوصاف باید منتظر ماند و دید کدام یک از روحانیون و مراجع می توانند با فتوای خود تصمیمات دولت را تحت تاثیر قرار دهند.

—

نزاع خونین ماموران شهرداری تهران و شهروندان

2014-09-03 · Archive ID 6149
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6149

عرصه سوم: به فاصله ۲۰ روز از قتل علی چراغی کارگر دستفروش تهرانی توسط عوامل منتسب به شهرداری تهران، در حادثه‌ای دیگر، نزاعی خونین میان ماموران شهرداری و عده‌ای از شهروندان تهرانی به وقوع پیوست.

بنا به گزارش خبرگزاری ایلنا ، صبح روز سه شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۹۳ ماموران شهرداری که به قصد تخریب فعالیت‌های ساختمانی وارد محوطه پارکینگی در میدان استاد معین شده بودند پس از مواجهه با مقاومت مالکان این پارکینگ، با این افراد درگیر شدند. در این درگیری یکی از مالکان پارکینگ به نام «علی‌اکبر تیموری» ۶۷ ساله که به وسبله قمه مضروب شد و به بیمارستان رسول اکرم منتقل شد.

روابط عمومی شهرداری تهران نیز در واکنش به این حادثه از خودزنی مالکین و مصدومیت ماموران شهرداری خبر داده است. آنچه مسلم است با توجه به ادعاهای طرفین در حال حاضر نمی‌توان قضاوتی در مورد جزئیات

حادثه ارائه داد، اما به نظر می‌رسد عملکرد فراقانونی شهرداری‌ها در اجرای برخی از احکام تخریبی یا اقدامات انضباطی و تنبیهی و برخوردهای فیزیکی ماموران این نهاد با مردم نگرانی‌های بسیاری را به وجود آورده است.

همزمانی این حادثه با رقابت جناح‌های سیاسی اصلاح طلب و اقتدارگرا در شورای شهر جهت کسب کرسی ریاست شورای شهر تهران این سوال را در اذهان عمومی ایجاد می کند که آیا شورای شهر به مسئولیت نظارتی خود بر عملکرد شهرداری تهران واقف است؟

اگر در جریان قتل علی چراغی نمایندگان مردم در شورای شهر به دادخواهی از حقوق کارگران و شهروندان برمی‌خواستند و مجموعه شهرداری تهران را بابت این حادثه بازخواست می‌کردند آیا بازهم شاهد وقوع این نوع درگیری‌ها میان کارمندان این نهاد و شهروندان بودیم؟

نگاهی به عملکرد شوراهای شهر در کشورهای دموکراتیک و نحوه نظارت آنها بر عملکرد شهرداری‌ها و همچنین ارزش جان و سلامت افراد در سیستم‌های مردم سالار نشان می‌دهد که تنها وقوع یکی از این اتفاقات در یک شهر می‌تواند حداقل به استعفا یا برکناری مسئولان بلند پایه سازمان‌ها مربوطه منجر شود.

با این اوصاف انتظار می‌رود نمایندگانی که از سوی مردم و با شعارهای مردمی انتخاب شده‌اند تا حافظ منافع شهروندان باشند و اداره امور شهر را به نیابت از آنان برعهده گرفته‌اند هرچه زودتر با بررسی‌های دقیق و کارشناسانه به وقوع این نوع حوادث از سوی سازمان شهرداری تهران پایان دهند.

از دیگر سو وزارت کشور، دولت و همچنین قوه قضاییه نیز با این سوال مواجه هستند که چگونه در کشوری که قانون، ضابط قضایی و انتظامی را پلیس معرفی کرده است ماموران یک سازمان می‌توانند به بهانه اجرای حکم آن سازمان با مردم درگیر شوند؟ آیا اجرای این نوع احکام نمی‌بایست از سوی مجری قانون و نیروی انتظامی آن هم با رعایت ضوابط و مقرارات توام باشد؟

—

تغییرات گسترده در وزارت علوم؛ بیم و امید در دانشگاه‌ها

2014-09-04 · Archive ID 6156
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6156

عرصه سوم: بنا به گزارش وب سایت «انتخاب»، تغییرات گسترده‌ای در وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری در حال وقوع است که به موجب آن و در گام نخست آقایان جعفر میلی منفرد، جعفر توفیقی، سمنانیان، صدیقی و صادقی که همگی از مدیران ارشد و تاثیر گذار در این مجموعه بوده‌اند در روزهای گذشته از .این وزارتخانه خداحافظی کرده‌اند این در حالی است که حسن روحانی رئیس جمهور ایران پس از استیضاح رضا فرجی دانا از وزارت علوم ، از عزم راسخ دولت برای پیگیری و اجرای سیاست های یک سال گذشته این وزارتخانه خبر داده بود. حال باید دید این سطح از تغییرات آن هم در بلند پایه ترین مدیران یک وزارتخانه کلیدی تا چه حد با سیاست‌های دولت اعتدال همخوان است. بی شک جابجایی ۵ مدیر ارشد در یک وزارتخانه آن هم وزارتخانه‌ای که مدعی است می‌خواهد سیاست‌های وزیر پیشین خود را دنبال کند برای جامعه دانشگاهی ایران سوال برانگیز است. کافی است آخرین موضع گیری دولت را لحظاتی پیش از استیضاح وزیر علوم مرور کنیم؛ زمانی که اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور از پذیرش تغییرات مد نظر مجلس به منظور جلوگیری از استیضاح خبر داد. هر چند این پیام دولت از سوی نمایندگان مجلس جدی گرفته نشد و استیضاح فرجی دانا با رای قاطع تصویب شد اما به نظر می‌رسد دولت قصد دارد در مسیر تعامل با مجلس گام‌های جدی‌تری بردارد. در این میان آنچه باعث نگرانی است عدم احقاق کامل وعده‌های دولت در حوزه دانشگاه است، چرا که کماکان بسیاری از دانشجویان محروم از تحصیل با مشکلات عدیده‌ای جهت بازگشت به دانشگاه‌ها مواجه هستند و همچنین پرونده بورسیه‌های غیرقانونی در این وزارتخانه که از موارد اتهامی وزیر پیشین بود هنوز به سرانجامی نرسیده است. از دیگر سو، کنشگران دانشجویی که در یک سال گذشته پیگیر فعال ساختن تشکل های صنفی و سیاسی دانشجویی بودند نیز همچنان به نتایج در خوری نرسیده اند و این بیم وجود دارد که پذیرش شروط مجلس از سوی دولت مدیران بعدی این وزارتخانه را در مسیر احقاق حقوق دانشجویان، محافظه‌کار و بی انگیزه نماید. با

این اوصاف باید منتظر ماند و دید محمد علی نجفی سرپرست فعلی وزارت علوم برای کاهش تنش میان دولت و مجلس قصد دارد چه تغییراتی را در این وزارت خانه اعمال کند .

—

آتش‌سوزی بلای جان جنگل‌ها و مراتع ایران

2014-09-08 · Archive ID 6163
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6163

عرصه سوم : بنا بر گزارش خبرگزاری ایسنا آتش‌سوزی جنگل‌های ارتفاعات «دیل» گچساران در استان کهگیلویه و بویراحمد پس از چهار روز مهار شده است. طبق برآورد اولیه کارشناسان این آتش‌سوزی که بر اثر صاعقه رخ داده بود باعث از بین رفتن حداقل۳۰ هکتار از جنگل‌های بلوط این استان شده است.

این در حالی است که آتش‌سوزی مرداد ماه جاری در پارک ملی گلستان نیز باعث از بین رفتن دست کم ۳۰۰ هکتار از جنگل‌های این پارک شد.

نگاهی به اخبار منتشر شده در خبرگزاری‌های رسمی کشور نشان می‌دهد که تنها از ابتدای شهریور ۹۳ تا امروز حداقل ۱۷۰ هکتار از مراتع و جنگل‌های ایران در آتش سوخته است.

همچنین در مرداد ماه امسال تنها در استان گیلان ۱۶۲.۵ هکتار از جنگل‌ها و مراتع این استان به واسطه آتش سوزی از بین رفته است.

بنابر آمار اعلام شده از سوی معاون استاندار کهگیلویه و بویراحمد خسارت ناشی از آتش سوزی در مناطق جنگلی این استان در چند ماه اخیر بالغ بر ۲۰۰ میلیارد ریال بوده است. در حالی که خسارات ناشی از آتش‌سوزی در تابستان جاری در شهرستان آستارا بالغ بر ۲۶۹۰ میلیارد ریال اعلام شده است.

خشک‌سالی، گرمای تابستان، باندهای زمین‌خوار، بی‌توجهی گردشگران، کشاورزان و دامداران به هشدارهای مسئولان را می توان از عمده ترین عوامل موثر در بروز آتش‌سوزی‌ها و تخریب گسترده جنگل‌ها و مراتع در ایران به شمار آورد.

در چنین شرایطی و با توجه به وقوع بحران کم آبی در کشور به نظر می‌رسد سازمان‌های مسئول از آمادگی لازم برای مقابله با موارد مشابه برخوردار نیستند. نبود امکانات اتفاء حریق به ویژه هلیکوپترهای ویژه حمل آب در سطح کشور در کنار عدم فرهنگ سازی عمومی و برخورد قاطع با متخلفان را می توان از مهمترین نقاط ضعف این سازمان‌ها به شمار آورد.

—

یاد و خاطره مهسا شکرلو گرامی باد

2014-09-09 · Archive ID 6170
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6170

عرصه سوم درگذشت مهسا شکرلو، فعال حقوق زنان، نویسنده و ویراستار، مترجم و بنیان‌گذار مجله آنلاین «بدجنس» را به اقوام، نزدیکان، آشنایان و .همچنین تمامی فعالان مدنی ایران به ویژه فعالان برابری‌خواه تسلیت گفته و یاد و خاطره این زن شجاع و دغدغه‌مند را گرامی می‌دارد

—

اعتصاب دراویش گنابادی وارد دهمین روز خود شد

2014-09-10 · Archive ID 6175
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6175

عرصه سوم: اعتصاب غذای دارویش گنابادی وارد دهمین روز خود شد.

بنابر اعلام وب سایت مجذوبان نور، این اعتصاب پس از افزایش فشارها از سوی ماموران زندان بر دراویش گنابادی در زندان‌های اوین و شیراز آغاز شده است.

فرشید یداللهی، کسری نوری، مصطفی عبدی، حمیدرضا مرادی، امید بهروزی، افشین کرم‌پور، مصطفی دانشجو و رضا انتصاری ۹ زندانی زندان های اوین و شیراز هستند که در اعتصاب به سر می برند

در حالی که ۳ نفر از دراویش محبوس در زندان اوین به تازگی علاوه بر اعتصاب غذا دست به اعتصاب دارو زده اند انتشار وصیت نامه این زندانیان بر نگرانی‌ها پیرامون سلامت دراویش اعتصاب کننده افزوده است.

متن کامل این وصیتنامه به شرح زیر است:

هو

۱۲۱
برادران طریقت نعمت اللهی گنابادی
آزادمردان جهان

دشمنان دین و قانون در لباس دین و قانون به دشمنی با جان انسان مشغول شده‌اند و ما را زجرکش می‌کنند. ما از این اعتصاب غذا نمی‌میریم بلکه کشته می‌شویم و از آنجا که به اسلام واقعی که همانا دم جان‌بخش مسیحایی است اعتقاد داریم، به شهادت تاریخ تا ابد زنده‌ایم.

خـــرم آن روز کز این منزل ویـــران بروم راحت جان طلبـــم و از پی جانان بروم
گر چه دانم که به جایی نبرد راه، غریب مــن به بوی سر آن زلف پریشان بروم

به عنوان وصیت از همه آزادمردان جهان و به خصوص برادران نعمت‌اللهی گنابادی تقاضا می‌کنیم که خون‌خواهی ما را تا محاکمه کامل ماموران و آمران این شکنجه‌ها ادامه دهند. خداحافظ.

حمیدرضا مرادی سروستانی، افشین کرم‌پور، فرشید یداللهی، رضا انتصاری، امیراسلامی، امید بهروزی، مصطفی دانشجو، مصطفی عبدی و کسری نوری.

—

تهدید انصارحزب‌الله به عملیات خیابانی در تهران

2014-09-11 · Archive ID 6180
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6180

عرصه سوم: وب سایت «انصارحزب الله» در گزارشی خبر از آغاز عملیات گسترده این گروه شبه نظامی برای حذف «مفسدان و حامیان‌شان» در ایران داده است.

به نظر می‌رسد این جدی‌ترین تهدید علنی یک گروه شبه نظامی وابسته به جناح‌های تندرو در کشور برای اعمال فرا قانونی است.

عبدالحمید محتشم دبیر کل این مجموعه که به ملاقات مادر علی خلیلی رفته بود گفته است: «شهادت غریبانه برادرمان، اراده حزب‌الله را برای آغاز یک حرکت منسجم به حرکت درآورد و اکنون قصد بر این است تا با وجود همه حملات شبانه‌روزی معاندان و منافقان برای مجریان ام‌الفرایض، شیوه انجام عملیات به‌گونه‌ای باشد که

مفسدان را که به‌دلیل فضای تسامح حکومتی تجری یافته‌اند منکوب و حامیان آنان را از صحنه عمل حذف کند.» وی همچنین مدعی شده که «گستره عملیات «انصار حزب‌الله» کشوری است و میدان عمل در تهران بسیار وسیع و حجم عملیات بالاخواهد بود.»

براساس این گزارش، قرار است اعضای «انصار حزب‌الله» در قالب تیم‌های چند ده‌نفره برادران و خواهران، در نقاط مختلف شهر فعال شوند.

علی خلیلی جوان ۱۹ ساله ای بود که در ۲۵ تیر ماه سال ۱۳۹۰ در یکی از محلات شرق تهران و در حین بازگشت از هیئت به واسطه آنچه برخی رسانه‌های ایران امر به معروف و نهی از منکر می‌نامند مورد ضرب و شتم قرار گرفت و از ناحیه گردن مضروب شد.

وی پس از مدت‌ها بیماری در فروردین سال ۹۳ از دنیا رفت و حالا به نظر می‌رسد انصارحزب‌الله قصد دارد تا به واسطه این حادثه برای مقابله با کسانی که آنها را مفسد می‌دانند به عملیات‌های خیابانی روی آورند.

هر چند وزیر کشور پیشتر به خبرنگار روزنامه شرق گفته بود «این طور نیست که هر کسی که احساس مسوولیت کند هر کاری را انجام دهد، حتی به‌حق، مسوولانه و شرعی، چون رفتار اجتماعی تابع قواعد اجتماعی است که قانون، آن را برای ما مشخص می‌کند.» اما عبدالحمید محتشم در گفتگوی امروز خود با این روزنامه مدعی شده است که انصارحزب‌الله به دنبال کسب مجوز از وزارت کشور است.

حال باید دید واکنش دولت و وزارت کشور و نهادهای قانونی نسبت به این اظهارات چیست؟

—

دولت اعتدال، مجلس اصولگرا؛ تعامل یا تقابل

2014-09-13 · Archive ID 6186
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6186

عرصه سوم: با گذشت یک سال از فعال دولت اعتدال و امید، به نظر می‌رسد یکی از چالش‌های اساسی دولت در این مدت مواجهه با مجلس شورای اسلامی بوده است.

عدم رای اعتماد به وزرای کلیدی دولت در دور اول، سوالات پی در پی از وزرا و همچنین استیضاح وزیر علوم، تحقیقات و فن‌آوری از مهمترین چالش‌های دولت در این مدت به شمار می‌رود. علاوه بر این، مدتی است صحبت از استیضاح چند وزیر دیگر در آینده نزدیک به گوش می‌رسد که در صورت وقوع، باید منتظر افزایش برخوردها میان این دو قوه بود.

مجید انصاری معاون پارلمانی حسن روحانی در گفتگویی با خبرگزاری ایلنا می‌گوید: «یک مقدار استیضاح اخیر وزیر علوم تعامل خوب یک‌ساله را تحت تاثیر قرار داد خصوصا با توجه به اینکه استیضاح در آغاز هفته دولت و سالگرد اولی سال تشکیل دولت تدبیر و امید بود. به نظر من زمان استیضاح مناسب نبود ما انتظار داشتیم با اقدامات توجیهی و بررسی هایی که صورت گرفته بود استیضاح رای نیاورد و آقای فرجی دانا بتواند به کار خود ادامه دهد.»

وی همچنین در مورد حجم سوالات طرح شده از وزرا در مجلس گفته است: «در مجموع طی یکسال گذشته وقت بسیاری از وزرا در قالب سوال گرفته شده که بیش از حد انتظار بوده که اگر آنها 24 ساعته هم کار کنند باز کار عقب افتاده وجود دارد و در این بین اگر قرار باشد هفته‌ای یکی دوبار در مجلس باشند و به سوال نمایندگان پاسخ دهند کارها گره می‌خورد. گرچه سوال می‌تواند فرصتی برای وزرا برای توضیح و تبیین عملکرد خود و پاسخ به ابهامات ایجاد کند و احیانا اگر در روند امور اشکالاتی وجود دارد اصلاح شود، اما انتظار دولت از مجلس در خصوص سوالات این است که آیین‌نامه داخلی مجلس رعایت شود. بیش از 70 درصداز سوالات مربوط به وظایف وزرا نبوده که این خلاف آیین‌نامه است. مانند سوالی که از آقای طیب‌نیا در مورد اظهارنظر رئیس بانک مرکزی در مورد دلار پرسیده شد که آن فقط یک اظهارنظر بود که خود وزیر هم انجام نداده بود. به

نظر من این سوال خارج از آیین‌نامه بود و نمی‌بایست به صحن علنی می‌آمد و بعد از آمدن هم حداقل انتظار این بود که با پاسخ وزیر موضوع منتفی می‌شد و کارت زرد بی‌معنا بود.»

—

زندان و شلاق نتیجه دفاع از حقوق صنفی کارگران

2014-09-15 · Archive ID 6193
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6193

عرصه سوم: اصل ۲۷ قانون اساسی ایران به صراحت تاکید می کند :«تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

بنابر همین اصل بلاشک تجمعات کارگری به ویژه زمانی که مسالمت آمیز بوده و هدفی جز پیگیری منافع صنفی قشر کارگر ندارد، کاملا قانونی است. با این حال به نظر می‌رسد این اصل بنیادین قانون اساسی نه تنها از سوی نهادهای قضایی و امنیتی ایران جدی گرفته نمی‌شود. بلکه عده‌ای در تلاش هستند که تصور برخورداری از حق تشکیل اجتماعات را از اذهان عمومی حذف کنند.

در همین ارتباط خبرگزاری ایلنا در گزارشی از صدور حکم زندان و شلاق برای ۴ کارگر کارخانه پتروشیمی رازی خبر داده است.

هرچند پیشتر مدیر روابط عمومی شرکت پتروشیمی رازی شکایت از این کارگران را تکذیب کرده بود اما حکم صادره از سوی دادگاه نشان می‌دهد که کارفرما با اتهاماتی همچون اخلال در نظم و توهین و تهدید، توانسته است نمایندگان کارگران را به پای میز محاکمه کشانده و آنها را به تحمل حبس و شلاق محکوم نماید.

به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت نامساعد اقتصاد کشور و رکود تولید در صنایع مختلف و در شرایطی که کارگران روزانه با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند این گونه برخوردها با قشر زحمت‌کش کارگر تنها باعث امنیتی شدن محیط‌های کار خواهد شد.

در این میان مطمئنا وزارت کار به عنوان متولی این حوزه در کنار رئیس جمهور به عنوان حافظ و مجری قانون اساسی می‌بایست در رفع مشکلات حوزه کار و همچنین پاسداشت قانون اساسی موجود تلاش بیشتری نموده و مانع تضییع حق و حقوق مالی و صنفی کارگران شوند.

—

تالاب انزلی در انتظار فاجعه

2014-09-18 · Archive ID 6198
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6198

عرصه سوم: بحران کم آبی از یک سو، مدیریت ناپایدار و ناکارآمد منابع طبیعی در کنار زیاده خواهی‌ها و سوداگری‌های سازمان‌ها و نهادها و اشخاص سود جو از سوی دیگر امروز به معضلات اصلی پیش‌روی طبیعت و محیط زیست در ایران تبدیل شده اند. به گونه‌ای که دیگر شنیدن خبر نابودی دریاچه‌ها و تالاب‌ها در ایران امری عادی تلقی می‌شود.

در حالی که چند سالی است دریاچه ارومیه با خطر جدی مرگ و نابودی مواجه است و نگرانی از ادامه روند تخریب آن مهم ترین دغدغه فعالین محیط زیست شده است، استاندار گیلان خبر از احتمال وقوع فاجعه‌ای مشابه برای تالاب انزلی داده است.

محمد علی نجفی استاندار گیلان در گفتگویی با خبرگزاری ایرنا گفته است :«در حالی که سال‌های گذشته عمق تالاب انزلی بین ۸ تا ۱۱ متر بود، حالا در عمیق ترین بخش این تالاب عمق آب از ۲ متر تجاوز نمی‌کند.»

وی همچنین ورود فاضلاب به این تالاب را از مهمترین مخاطرات پیش‌روی تالاب انزلی دانسته که آلودگی‌های بسیاری را نیز به همراه دارد.

تلاب انزلی که در سال ۱۳۵۴ در لیست تالاب های بین المللی به ثبت رسیده است یکی از مهمترین زیست‌گاه‌ها و اقامت‌گاه‌های پرندگان مهاجر در شمال ایران است که از کشورهای شمالی همچون روسیه برای گذراندن فصل سرد به این منطقه مهاجرت می‌کنند.

در سال‌های گذشته همواره درگیری‌هایی میان سازمان‌های مردم نهاد و حامی محیط زیست با مقامات مسئول اجرای طرح‌هایی همچون پل‌ها و جاده‌های کنارگذر و میان‌گذر از تالاب انزلی به منظور کاهش ترافیک در شهر انزلی بوده است که البته این طرح‌ها خسارات جبران ناپذیری به این تالاب وارد کرده اند.

به نظر می‌رسد اگر اقدامی عاجل و فوری در راستای حفظ این مجموعه طبیعی و ارزشمند صورت نگیرد در آینده نه چندان دور جایی برای جبران باقی نخواهد ماند.

—

آغاز سال تحصیلی جدید با زنگ محیط زیستی

2014-09-22 · Archive ID 6201
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6201

عرصه سوم: اول مهر در راه است و به زودی صدها هزار نفر دانش آموز در مقاطع مختلف تحصیلی به سوی مدارس روانه خواهند شد.

به گزارش خبرگزاری ایرنا و به نقل از محمد درویش مدیر کل دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط زیست قرار است فردا اول مهر با حضور معصومه ابتکار ریاست سازمان محیط زیست در یکی از مدارس تهران زنگ محیط زیست به صدا درآید.

درویش به خبرگزاری ایرنا گفته است: «اسفند ماه سال گذشته تفاهم نامه همکاری بین سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت آموزش و پرورش منعقد شده است» که بنابر مفاد این تفاهم‌نامه «امسال بیش از سه هزار معلم تحت نظر استادان حوزه محیط زیست، آموزش های محیط زیستی دیده اند. همچنین محتوای 23 کتاب درسی از جمله کتاب های استان شناسی و مطالعات اجتماعی تغییر کرده و محتوای محیط زیستی به آنها اضافه شده است.»

به نظر می‌رسد هرچند دیر اما بالاخره توجه مسئولان به آموزش‌های پایه پیرامون محیط زیست جلب شده است. آموزش‌هایی که جای آن‌ها سال‌هاست در کتب آموزشی و سر فصل دروس مدارس خالی است.

از آن‌جا که حق برخورداری از محیط زیست سالم امروزه یکی از مباحث مهم حقوق بشری در دنیا به شمار می‌رود می‌توان این اقدام سازمان محیط زیست را در نوبه خود مثبت و ارزشمند ارزیابی کرد.

حال باید منتظر ماند و دید اجرای این تفاهم‌نامه آموزشی میان سازمان محیط زیست و وزارت آموزش و پرورش تا چه اندازه موفقیت آمیز خواهد بود.

—

تجمع کارگران تهرانی در مقابل مجلس

2014-09-23 · Archive ID 6206
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6206

عرصه سوم: معرفی کارگران معترض توسط کارفرمایان به قوه قضاییه و صدور احکام زندان، شلاق و اخراج از محل کار باعث شد امروز جمعی از کارگران تهرانی در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کنند.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، این کارگران با طوماری که در دست داشتند خود را این گونه معرفی کرده‌اند:« ما نماینده 40 هزار کارگری هستیم که با امضای طوماری خواستار رسیدگی به وضعیت حقوقی خود هستند.»

آنها خواستار ارسال طومار ۴۰ هزار امضایی خود به هیات رئیسه مجلس بودند تا هرچه سریعتر نسبت به وضعیت آنها رسیدگی شود.

یکی از کارگران معترض در گفتگو با ایرنا گفته است :« از آذر ماه سال گذشته کارفرماها، کارگران معترض به پایین بودن دستمزد را به قوه قضاییه معرفی می کنند و این موضوع باعث شده که برای آنان حکم زندان، شلاق صادر شود. در این راستا بسیاری از کارگران نیز اخراج شده اند. ما خواهان این هستیم که این موضوع هرچه سریع تر پیگیری شود و کارفرما نتواند کارگران معترض به پایین بودن دستمزد را به قوه قضاییه معرفی کند.»

پیش از این عرصه سوم خبر از صدور حکم زندان و شلاق برای ۴ کارگر کارخانه پتروشیمی رازی خبر داده بود.

همچنین روابط عمومی خانه کارگر نیز امروز با صدور بیانیه‌ای صدور این دست احکام را برای فعالان کارگری محکوم کرده و رسیدگی به پرونده هایی از این دست را خارج از صلاحیت قوه قضاییه اعلام کرده است.

—

درخواست ۲۶ سازمان حقوق بشری از روحانی: سفر گزارش‌گر ویژه حقوق بشر به ایران را تسهیل کنید

2014-09-25 · Archive ID 6210
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6210

عرصه سوم به همراه ۲۵ سازمان مدافع حقوق بشر در بیانیه‌ای خطاب به حسن روحانی رئیس جمهور ایران خواستار همکاری موثر دولت ایران با سازمان ملل متحد به ویژه گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران شد.

در این بیانیه آمده است بازدید گزارش‌گر ویژه حقوق بشر از ایران فرصتی است برای دولت جمهوری اسلامی به ویژه تمام مقامات مربوطه، وزارت خانه‌های کلیدی و قوه قضاییه تا بتوانند به طور مستقیم با کارشناسان سازمان ملل گفتگو کنند و بدین وسیله دیدگاه‌ها و توصیه‌های خود را منتقل کرده و بتوانند به بهبود شرایط حقوق بشر در ایران کمک کنند.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: جامعه بین المللی بارها نگرانی خود را در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران در مواردی همچون نرخ بالای بازداشت خودسرانه و اعدام، تبعیض علیه زنان و اقلیت ها، و محدودیت های غیر ضروری بر آزادی بیان، مطبوعات اعلام کرده است و در این زمینه، گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران نقشی منحصر به فرد در مستند ساختن این موراد بر عهده دارد ... همچنین هفت درخواست برای بازدید از ایران از سال ۲۰۰۵ تا به امروز وجود دارد که شامل درخواست گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران گزارش‌گر کار گروه ناپدید شدگان اجباری، گزارش‌گر ویژه اعدام های فراقانونی، شتابزده یا خودسرانه، گزارشگر ویژه در حق غذا، کارشناس مستقل مسائل مربوط به اقلیت، گزارشگر ویژه در مورد استقلال قضات و وکلاو گزارشگر ویژه در آزادی دین یا عقیده می‌باشد. طبیعتا مخالفت ایران با ورود این افراد همکاری های میان ایران و مکانیسم های حقوق بشری سازمان ملل را تضعیف می کند

سازمان های امضا کننده این بیانیه تاکید کرده اند برنامه ریزی و سازماندهی سفر گزارش‌گران حقوق بشر به کشور می‌تواند یک سیگنال روشن به جامعه بین المللی ارزیابی شود بدان معنی که ایران، در زمان ریاست جمهوری شما قصد همکاری و شفافیت در حفاظت و ارتقاء حقوق بشر را دارد.

متن کامل بیانیه بدین شرح است:

September 24, 2014

To: Dr. Hassan Rouhani
President of the Islamic Republic of Iran Tehran

CC: Ayatollah Ali Hosseini Khamenei, Supreme Leader; Ayatollah Sadegh Larijani, Head of the Judiciary; Mohammad Javad Zarif, Minister of Foreign Affairs

Your Excellency,

We write to you as representatives of human rights and civil society groups that seek the protection and promotion of human rights in Iran to urge the government of the Islamic Republic of Iran to take steps to open, full, and effective cooperation with the United Nations Special Procedures, including the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran.

In particular, we urge you to re-affirm the standing invitation to visit Iran that the Iranian authorities issued to the UN's Special Procedures in 2002 and to promptly give effect to that invitation by allowing and facilitating visits to Iran by relevant UN special rapporteurs, with priority given to the country mandate. We consider that your government has much to gain from meaningful engagement with the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran. Your government can likewise benefit from engaging with other independent experts that the UN has mandated to examine human rights practices in states around the world. UN Special Procedures can advise governments on measures needed to strengthen legal and other safeguards in order to comply with their obligations under international human rights treaties.

Country visits are an essential means for independent experts to directly observe the human rights situation in any state and to facilitate dialogue with all relevant state authorities. Such visits are an opportunity for the government and all relevant domestic authorities, including key ministries and the judiciary, to engage in dialogue directly with the independent experts appointed by the Human Rights Council. The visits provide opportunities to obtain their views and recommendations regarding measures needed to address abuses and to improve compliance with international law. It is imperative, of course, that these independent experts are allowed open access to visit such locations and hold such

meetings as they consider necessary to fulfill their specific mandates. This allows them to assist the government of the Islamic Republic in meeting its human rights obligations.
Despite the standing invitation that Iran issued to all Special Procedures in 2002, we note that the Iranian authorities have not permitted any special procedure to visit Iran since 2005. That is now almost a decade ago. We note too that the Iranian government committed to cooperate with the Special Procedures during the Universal Periodic Review process in 2009 and 2010. The Iranian government has not subsequently honored that commitment. During its dialogue with the Human Rights Council in 2012 and its subsequent interactive dialogue with the UN General Assembly the government of Iran said that it would invite two thematic procedures to visit Iran. No such visits have yet taken place.
As you will be aware, the international community has repeatedly expressed its concern about the human rights situation in Iran. This includes the high rates of arbitrary detention and executions, discrimination against women and minorities, and undue restrictions on expression, the press, and association. In this context, the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran fulfills a unique role documenting allegations that relate to broad and diverse

categories of human rights. There is an important role for all Special Procedures both to investigate and assess these matters first hand and to advise the Iranian authorities on legal, policy and other reforms necessary to safeguard human rights and remedy abuses. Yet, seven requests for visits to Iran that Special Procedures have made to the Iranian authorities remain outstanding since 2005. This includes requests submitted by the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran; the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances; the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions; the Special Rapporteur on the Right to Food; the Independent Expert on Minority Issues; the Special Rapporteur on the Independence of Judges and Lawyers; and the Special Rapporteur on Freedom of Religion or Belief.

Iran's failure to permit and facilitate such visits undermines Iran's responsibility to cooperate with the UN human rights mechanisms. This violates its treaty obligations and casts a shadow over statements that you and members of your government have made since you assumed office in 2013 expressing a desire to improve human rights conditions in Iran. If the Iranian government is serious in that intention, it should immediately stop discrediting the work of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, and approve the requests for visits by Special Procedures that are still outstanding. It should move quickly to agree to arrangements for visits or joint-visits by these Special Procedures and provide all appropriate facilitation.

Mr. President, scheduling and organizing early country visits for the country rapporteur and one or more of these independent experts would provide a clear signal to the international community that Iran, under your government, is committed to cooperation and transparency in the protection and promotion of human rights.

Sincerely,
Roya Boroumand, Executive Director
Abdorrahman Boroumand Foundation
Hassiba Hadj Sahraoui, Deputy Director of Middle East North Africa Programme
Amnesty International
Thomas Hughes, Executive Director
ARTICLE 19
Kamran Ashtary, Executive Director
Arseh Sevom
Alirza Quluncu, Representative
The Association for Defence of Azerbaijani Political Prisoners in Iran
Taimoor Aliassi, UN Representative
Association pour les Droits Humains au Kurdistan d'Iran-Genève
Diane Ala'i, Representative to the United Nations
Bahá'í International Community
Mansoor Bibak, Co-Director
Balochistan Human Rights Group
Dr. Shirin Ebadi, Founder and President
Center for Supporters of Human Rights
Joel Simon, Executive Director
Committee to Protect Journalists
Camila Asano, Foreign Policy and Human Rights Coordinator
Conectas Direitos Humanos
Ibrahim Al Arabi, Executive Director
European Ahwazi Human Rights Organisation
Raphaël Chenuil-Hazan, Executive Director
Ensemble Contre La Peine de Mort
Sarah Leah Whitson, Director of the Middle East and North Africa Division

Human Rights Watch
Mani Mostofi, Director
Impact Iran

Hadi Ghaemi, Executive Director
International Campaign for Human Rights in Iran
Jessica Stern, Executive Director
International Gay and Lesbian Human Rights Commission
Phil Lynch, Director
International Service for Human Rights
Mahmood Amiry-Moghaddam, Executive Director
Iran Human Rights
Rod Sanjabi, Executive Director
Iran Human Rights Documentation Center
Saghi Ghahraman, President
Iranian Queer Organization (IRQO)
Mehrangiz Kar, Chairperson
Siamak Pourzand Foundation
Mahmood Enayat, Director
Small Media
Hassan Nayeb Hashem, Representative to the Human Rights Council in Geneva
Südwind: All Human Rights for All in Iran
Firuzeh Mahmoudi, Executive Director
United for Iran
Mohammad Mostafaei, Director
Universal Tolerance Organization

—

مجلس در هفته‌ای که گذشت: از تذکر به روحانی تا اعتراض کارگران

2014-09-26 · Archive ID 6224
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6224

عرصه سوم-محمد صادقی: در هفته‌ای که گذشت صحن علنی مجلس شورای اسلامی شاهد اقدامات مختلفی از سوی نمایندگان در زمینه‌های قانون‌گذاری، پرسش از دولت و تذکر به روحانی بود.

تذکر به روحانی درباره تماس تلفنی با شیطان!

هم‌زمان با حضور حسن روحانی ریاست جمهوری ایران و هیأت همراه در نیویورک، جهت شرکت در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد موج تازه ای از حملات لفظی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به سیاست‌های دولت ایالات متحده آمریکا و فشار به حسن روحانی برای تقابل با غرب آغاز شده است.

در هفته ای که گذشت، ابتدا فراکسیون اصولگرایان مجلس با انتشار بیانیه ای در ارتباط با سفر حسن روحانی به نیویورک، خواستار ایستادگی وی در برابر «زورگویی‌ها و باج‌خواهی‌های آمریکا» شد و با اشاره به تماس تلفنی روسای جمهور ایران و آمریکا در جریان سفر سال گذشته حسن روحانی به نیویورک، نوشت : «در یک سال اخیر و پس از مذاکرات تلفنی آقای روحانی با اوباما در سفر سال گذشته ایشان به نیویورک، ملت ایران از دولتمردان آمریکا چیزی غیر از ادامه تحریم‌های قبلی و افزودن تحریم‌های جدید و شاخ و شانه کشیدن و نادیده گرفتن حقوق مسلم ایران مشاهده نکرده است.»

همچنین حمید رسایی در نطق پیش از دستور خود از حسن روحانی خواست که اگر تجربه 35 ساله جمهوری اسلامی را در نظر نمی‌گیرد دست کم «تجربه یک سال دولت خود و تجربه تماس تلفنی با شیطان» را در نظر بگیرد.

در ادامه نیز علی لاریجانی، رییس مجلس در آخرین روز کاری مجلس در هفته گذشته در نطق پیش از دستور خود با اشاره به حملات روز گذشته آمریکا به سوریه انتقادات تندی را به باراک اوباما ریاست جمهوری آمریکا مطرح کرد.

لاریجانی با متهم کردن اوباما به حمایت از مخالفان دولت بشار اسد که وی آن‌ها را «جریان‌های تروریستی در سوریه» دانست، گفت : «تأسف‌آور است که رئیس‌جمهور آمریکا چون دولت مرکزی سوریه امکان نابودی تهدید تروریست‌ها را ندارد، آمریکا راسا وارد شده است مگر شما اجازه دادید که دولت مرکزی سوریه با تروریست‌ها مبارزه کند. تروریست‌ها را شما به وجود آوردید، حمایت کردید و اجازه نمی‌دهید تا دولت مرکزی [سوریه] با آنها مبارزه کند.»

رئیس قوه مقننه اظهارات باراک اوباما درباره «همکاری آمریکا با هم‌پیمانان خود در منطقه در جهت خشکاندن ریشه تروریسم در جهان» را «شوخی مضحک سیاسی» و «ائتلاف آمریکا و هم‌پیمانانش برای مقابل با داعش» را «ائتلافی برای گسترش تروریسم» خواند و خطاب به ریاست جمهوری ایالات متحده گفت : «آقای اوباما! بعد از چند سال کارنامه سیاه حمایت از تروریست‌ها، دیر به فکر مبارزه با آنکه افتاده‌اید، حتی اگر حرف‌های شما را حمل به صحت کنیم.»

پس از پایان سخنرانی علی لاریجانی شماری از نمایندگان مجلس فریاد «مرگ بر آمریکا» سر دادند .

ادامه احضار وزرای کابینه به مجلس

در هفته‌ای که گذشت غلامرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت بار دیگر به مجلس احضار شد.

دلیل احضار وی پاسخ گویی به سوالات نمایندگان در مورد «استخدام‌ها و اخراج‌ها» در این وزارت‌خانه اعلام شد.

الله‌وردی دهقانی نماینده ورزقان در مجلس درباره احضار نعمت زاده به خبرگزاری فارس گفت : «نمایندگان از پاسخ های وزیر قانع نشدند و فرصت یک هفته‌ای برای ارائه گزارش دقیق در مورد استخدام‌ها و تعدیل نیروها در این وزارتخانه به وزیر داده شد.»

نعمت‌زاده هفته آتی نیز یک بار دیگر برای پاسخگویی به سؤالات نمایندگان شهر بابک، محلات، همدان، مشکین‌شهر، نائین، ارومیه، ورزقان و زرند در کمیسیون صنایع و معادن مجلس حضور یابد.

همچنین در این هفته مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری دولت یازدهم نیز برای پاسخ به سئوال نمایندگان به مجلس احضار شد.

از جزئیات احضار وزیر دادگستری به مجلس خبری منتشر نشده اما اعلام شده که نمایندگان از توضیحات پورمحمدی قانع شده اند.

قرار است علی طیب‌نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت یازدهم که پیش از این یک کارت زرد از نمایندگان مجلس دریافت کرده بود، در هفته آتی برای پاسخگویی به سؤال نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه در صحن علنی مجلس حاضر شود.

همچنین مهرداد بذرپاش نماینده تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، از احضار وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هفته آینده خبر داده است .

«آخرین وضعیت صندوق بازنشستگی فولاد، صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری و وضعیت آینده این صندوق‌ها» محور پرسش‌های نمایندگان از علی ربیعی خواهد بود.

سفرهای خارجی مجلسیان

مؤید حسینی‌صدر نماینده خوی در مجلس از سفر هیأت پارلمانی ایران از 20 تا 25 مهرماه به ژنو خبر داد. ریاست این هیأت بر عهده علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی است.

هیأت پارلمانی ایران به منظور شرکت در اجلاس بین‌المجالس جهانی به ژنو سفر می‌کند و در این سفر علاوه بر علاوه بر مؤید حسینی‌صدر، احمدرضا دستغیب، کاظم جلالی، عباس پاپی‌زاده، محمدمهدی زاهدی و فاطمه رهبر رئیس مجلس ایران را همراهی می‌کنند.

از سوی دیگر قرار است علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز یکشنبه هفته آینده (ششم مهرماه) در سفری چهار روزه به کشورهای نیکاراگوئه و اکوادر سفر کند.
نگذاشتند خاتمی به عیادت رهبر برود!

علی مطهری نماینده تهران در مجلس پس از پایان جلسه علنی روز چهارشنبه دوم مهرماه 93 در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه نظرتان راجع به دیدار احتمالی روسای جمهور ایران و ایالات متحده آمریکا چیست، با اعلام این که «قرار نیست دیداری صورت گیرد.» گفت : «در حال حاضر به صلاح نیست که روحانی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل با اوباما دیدار کند.»

به گزارش خبرگزاری فارس، مطهری در پاسخ به سؤال خبرنگار دیگری مبنی بر اینکه «نظرتان راجع به دیدار رییس جمهور ایران روحانی با نخست وزیر انگلیس چیست»، گفت : «این دیدار خیلی مهم نیست، اما باز هم می‌گویم که دیدار با اوباما به صلاح نیست و در برنامه رئیس جمهور نیز چنین برنامه‌ای نیست؛ دیدار روحانی با کامرون هم خوب و مفید است و به نظرم مشکلی ندارد.»

علی مطهری در بخش دیگری از پرسش و پاسخ با خبرنگاران درباره سؤال خبرنگاری راجع به نامه محمد خاتمی، رییس جمهور اسبق ایران به رهبر جمهوری اسلامی در زمان بستری شدن وی در بیمارستان و عمل جراحی‌شان گفت : «کار خوبی صورت گرفت، اما بهتر بود آقای خاتمی به دیدار مقام معظم رهبری می‌رفت اما نگذاشتند.»
تذکرهای مهم مجلس به دولت

به گزارش خبرگزاری فارس، تذکرهای کتبی نمایندگان به مسئولان اجرایی کشور طی روزهای گذشته نیز ادامه یافت که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به:

«تذکر به وزرای صنعت و اقتصاد برای جلوگیری از واردات خودروهای خارجی»،
«تذکر به حسن روحانی رئیس جمهور مبنی بر رسیدگی جدی به نحوه تعاملات دولت با نمایندگان»،
«تذکر به وزیر اقتصاد در مورد افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز جامعه و جلوگیری از افزایش این قیمت‌ها»،
«تذکر به وزیر آموزش و پرورش و درخواست توضیح علت رفتار تبعیض آمیز در پرداخت پاداش فرهنگیان در مناطق محروم»،
«تذکر به وزیر ورزش و جوانان در مورد عدم حضور معاون پارلمانی وزیر در مجلس و عدم تعامل با نمایندگان»،
«تذکر به وزیر راه درباره تسریع در ساخت راه آهن درود ـ خرم‌آباد ـ اندیمشک»،
و «تذکر به ن سرپرست وزارت علوم برای جلوگیری از سوءاستفاده برخی از مسئولان واحدهای دانشگاهی مثل سرپرست دانشگاه پیام نور» اشاره کرد.

دردسرهای تعطیلات تابستانی نمایندگان

گزارش هفته گذشته صدا و سیمای جمهوری اسلامی درباره تعطیلات تابستانی نمایندگان مجلس با انتقادات برخی از نمایندگان همراه شد.

فولادگر در نطق پیش از دستور خود با انتقاد از صدا و سیما گفت : «در حالی که در تعطیلات مجلس بعضی از کمیسیون‌ها و همه نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه مشغول به کار بودند، صداوسیما به جای پوشش اخبار این

جلسات، متأسفانه بر تعطیل بودن مجلس تأکید می‌کند، آن هم تعطیلی که قانونی است و لازم است تا انصاف در این باره رعایت شود.»

ایرج ندیمی نماینده لاهیجان نیز در سخنان کوتاهی اظهار داشت : «شاهد بودیم که بخش خبری 20:30 چه کاری انجام داد و در گزارشی اعلام کرد همه نمایندگان مجلس در سه هفته گذشته که خانه ملت نشست علنی نداشت، به گردش رفتند.»

ندیمی در صحن علنی مجلس درباره این اقدام صدا و سیما با کنایه گفت : «اگر جواب هم بدهیم فردا مضحکه دیگری به راه می‌اندازد.»

محمدرضا باهنر نایب رئیس دوم مجلس نیز در ادامه با اشاره به انتقاد نمایندگان مجلس از صدا و سیما به دلیل انتشار اخباری مبنی بر تعطیلی مجلس و اینکه نمایندگان در طول این مدت هیچ کاری انجام نداده‌اند، گفت : «تا جایی که بنده اطلاع دارم بسیاری از نمایندگان در طول تعطیلات سه هفته‌ای، حتی فرصت نکردند به سفر سه روزه برای زیارت امام هشتم شیعیان در مشهد بروند و آنگونه که صدا و سیما ادعا می‌کند، نیست.»

جوابیه به انتقادات قاضی پور

به گزارش خبرگزاری فارس، حسین سبحانی‌نیا عضو هیأت رئیسه مجلس در نشست علنی چهارشنبه مجلس جوابیه محمود عسگری‌آزاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی دولت یازدهم نسبت به صحبت‌های اخیر نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه در مورد مربیان پیش دبستانی را قرائت کرد.

این جوابیه ادعای قاضی‌پور مبنی بر «بی‌سواد اطلاق کردن کارکنان پیش دبستانی از سوی این معاونت»رد شده و همچنین «اعلام مازاد بودن مربیان پیش دبستانی از سوی این معاونت» تکذیب شده و در توضیح آن آمده است : «اصولا این افراد کارمند وزارتخانه نیستند که مازاد بودن در خصوص آنها صدق کند، عبارت بنده این‌گونه است که در بخش‌هایی که در حال حاضر فشار برای استخدام وجود دارد حجم زیادی نیروی انسانی داریم به عبارت دیگر وظیفه معاونت متبوع اینجانب چابک‌سازی و متناسب‌سازی تشکیلات اداری است که در بند 10 سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری به آن تأکید شده است.»

تعیین جرائم مالیاتی و مجازات آن

مهم‌ترین مصوبه مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته مربوط به لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم بود که به موجب آن مصادیق «جرائم مالیاتی و مجازات این جرائم» تعیین شد .

به گزارش خانه ملت، به موجب مصوبه مجلس، موارد زیر جرم مالیاتی محسوب می‌شود و مرتکب یا مرتکبان، حسب مورد به مجازات‌های درجه شش محکوم می‌شوند:

ـ تنظیم دفاتر، اسناد و مدارک خلاف واقع و استناد به آن
ـ اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن
ـ ممانعت از دسترسی مأموران مالیاتی به اطلاعات مالیاتی و اقتصادی خود یا اشخاص ثالث
ـ عدم انجام تکالیف قانونی مربوط قانون مالیات های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده
ـ تنظیم معاملات و قراردادهای خود به نام دیگران، یا معاملات و قراردادهای مؤدیان دیگر به نام خود برخلاف واقع
ـ خودداری از انجام تکالیف قانونی درخصوص تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی حاوی اطلاعات درآمدی و هزینه‌ای در سه سال متوالی
ـ استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر به منظور فرار مالیاتی

ارز دریافت کردند اما چای وارد نکردند!

محمدمهدی برومندی، سخنگوی کمیسیون کشاورزی مجلس در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس از «گزارش تحقیق و تفحص مجلس از سازمان چای و تحقیق و تفحص از از عملکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت در مورد واردات کالاهای استراتژیک و تنظیم بازار این کالاها» خبر داد .

به گفته این نماینده مجلس «با توجه به تخلفات بسیاری که در زمینه واردات کالا رخ داده است، کمیسیون مصمم است که گزارش مفصلی در این باره تهیه و در صحن علنی قرائت کند.»

برومندی می‌گوید : «به‌عنوان مثال یکی از عمده‌ترین تخلفات مربوط به افرادی است که به اسم واردکننده ارز، دریافت کرده‌اند، اما هیچ کالایی وارد نکرده‌اند.»

حاشیه های اصلاح آیین نامه داخلی مجلس

این هفته ارائه طرح اصلاح آیین نامه داخلی مجلس نیز با حاشیه‌هایی همراه بود.

احمد توکلی رییس مرکز پژوهش‌های مجلس، در خصوص این طرح با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رییس مجلس، جهت گیری این طرح را «کاهش اختیارات نمایندگان و حذف یا کاهش شدید نقش مرکز پژوهش ها و سپردن این اختیارات به یک یا چند عضو کمیسیون و کارشناسان بیرون از قوه با تأیید آنان» خواند.

توکلی در نامه خود آورده است : «این اصلاحیه سنگ بنای افزایش نفوذ گروه های دارای منافع خاص بر قوه قانونگذاری خواهد شد و تدریجا مجلس را از منافع مردم اسلام انقلاب و استقلال کشور دور می‌سازد و به سمت منافع صاحبان زر و زور و مطامع بیگانگان می‌کشاند. پیچیدگی‌های دیگری هم دارد که علاوه بر خطرات و زیان‌های سابق‌الذکر تاثیر مثبتی بر کارایی تقنین نمی‌گذارد.»

«کامران» عضو هیأت نظارت بر مطبوعات شد

نمایندگان در هفته گذشته انتخاب یک نفر برای عضویت در «هیأت نظارت بر مطبوعات» و دو نفر به عنوان «ناظران مجلس در شورای نظارت بر صدا و سیما» را در دستور کار داشتند.

حسن کامران نماینده اصفهان از مجموع 203 آرای ماخوذه، توانست 108 رأی را به خود اختصاص دهد و به عنوان عضو ناظر مجلس در هیأت نظارت بر مطبوعات انتخاب شود .

حمید رسایی نماینده تهران نیز کاندیدای عضویت در هیأت نظارت بر مطبوعات بود که از راهیابی به این هیأت بازماند.

حجت‌الاسلام نبویان نیز پیش از این از سوی کمیسیون فرهنگی به عنوان کاندیدای هیأت نظارت بر مطبوعات معرفی شده بود، اما وی پیش از آغاز رأی‌گیری طی یادداشتی از کاندیداتوری در این هیأت استعفا کرد.

همچنین مفید کیایی‌نژاد با 132 رأی و سید رمضان شجاعی کیاسری با 125 رأی از مجموع 195 آرای مأخوذه، به عنوان ناظران مجلس در شورای نظارت بر صدا و سیما انتخاب شدند .

جمشید جعفرپور، بیژن نوباوه و نصرالله پژمان‌فر نیز کاندیدای عضویت در این شورا بودند که نتوانستند آرای لازم را کسب کنند و از راهیابی به این شورا بازماندند.

دو تجمع اعتراضی در مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری های رسمی در ایران در سه شنبه هفته گذشته جمعی از کارگران تهران و هماهنگ‌کنندگان طومار اعتراض 40 هزار نفری کارگران مقابل مجلس تجمع کردند.

نماینده تجمع‌کنندگان در تشریح دلایل تجمع‌شان به خبرگزاری فارس گفت : «سال‌های سال است که کارگران در واحدهای تولیدی به شرایط بد کاری و نحوه پرداخت حقوقشان اعتراض می‌کنند، اما از آذر ماه سال گذشته کارگران معترض از سوی کارفرما به قوه قضائیه فرستاده می‌شوند، که این موضوع سبب صدور احکامی مانند اخراج، زندان، شلاق برای کارگران شده است.»

تارنمای خانه ملت نیز در گزارشی از تجمع، شماری از دانشجویان فارغ‌التحصیل رشته دندانپزشکی در کشورهای مختلف در اعتراض به اقدام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در زمینه تغییر ضوابط جایابی آنها در دانشگاه‌ها خبر داد .

طبق اظهارات تجمع‌کنندگان، در گذشته نحوه پذیرش فارغ‌التحصیلان خارج از کشور که متقاضی ادامه تحصیل در مقطع تحصیلات تکمیلی در داخل بودند، بدون برگزاری آزمون و کنکور بوده است، اما هم‌اکنون تغییر رویه‌ای در نحوه جایابی این گروه صورت گرفته به طوری که دانشجویان باید ابتدا آزمون داده و کسانی که رتبه بالاتری دارند، برای پذیرش به دانشگاه‌های برتر پزشکی معرفی می‌شوند.

به گفته تجمع‌کنندگان، در حال حاضر سقفی برای جایابی دانشجویان مذکور نیز در نظر گرفته شده و دانشجویانی که تحصیل خود را در کشورهای مختلف در رشته دندانپزشکی به پایان رسانده اند، برای جایابی باید آزمونی همانند کنکور بدهند.

تشکیل دادسرای ویژه تخلفات ورزشی

گزارش پرونده فساد و تبانی در فوتبال کشور که به کمیسیون اصل نود مجلس کشیده شد قرار بود تا پایان شهریور ماه از سوی این کمیسیون ارائه شود اما تاکنون خبری از آن نیست.

افضلی فرد دبیر کمیسیون اصل نود مجلس در گفتگویی با خبرگزاری فارس در این باره گفت : «من در جلسه هیات‌رئیسه کمیسیون اصل نود به عدم نهایی شدن گزارش فساد در فوتبال انتقاد کردم و گفتم که اگرچه موارد متعددی در زمان‌های مختلف به پرونده اضافه می‌شود اما نباید به گونه‌ای باشد حتی بخش اول پرونده نیز علی‌رغم اعلام زمان‌های مختلف برای اعلام گزارش آماده نشود و رئیس کمیسیون نیز با این موضوع موافق بود و اعلام کرد که روند کار رسیدگی به پرونده فساد در فوتبال به کندی پیش می‌رود.

وی با بیان اینکه مسئولیت پرونده فساد در فوتبال برعهده آقای حمید رسایی است و وی باید مسئولیت پیگیری و پاسخگویی در این ارتباط را انجام دهد افزود: «قرار براین بود تا پایان شهریور ماه گزارش پرونده فساد و تبانی در فوتبال آماده شود.»

همچنین اسماعیل جلیلی عضو فراکسیون ورزش در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، از طرح نمایندگان برای تشکیل «دادسرای ویژه رسیدگی به تخلفات ورزشی» خبر داد.

خرید سلاح سرد ممنوع شد

اسفنانی عضو کمیسیون قضایی مجلس از بررسی و تصویب «طرح ممنوعیت خرید سلاح سرد و جلوگیری از رفتار خشونت‌بار» خبر داد .

بر اساس این مصوبه حمل برخی سلاح‌های سرد که به صورت غیرمتعارف است و انگیزه ارتکاب مجرمانه و تولید، توزیع و واردات در معرض قرار دادن سلاح غیرمتعارف سرد و همچون شمشیر، قداره و ... جرم تلقی می‌شود.

در هفته آینده...

نمایندگان مجلس شورای اسلامی روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه هفته آینده تشکیل جلسه علنی می‌دهند و در این جلسات قرار است طرح‌ها و لوایح ذیل را مورد بحث و بررسی قرار دهند:

-لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و اصلاحات بعدی آن
-لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اعاده شده از شورای نگهبان
-طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اعاده شده از شورای نگهبان
-طرح نجات و احیای دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور
-لایحه اجازه مشارکت جمهوری اسلامی ایران در افزایش سرمایه دور پنجم بانک توسعه اسلامی
-طرح حمایت از صنعت برق کشور

-طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده
-طرح اصلاح بند (ج) ماده 178 قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران
-طرح اصلاح بند (ز) ماده 44 قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران
-لایحه چگونگی تشکیل و نحوه رسیدگی هیأت‌های انضباطی نیروهای مسلح
-طرح دائمی شدن قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث
-لایحه تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی
-طرح جلوگیری از پرداخت دموراژ (خسارت تأخیر) به کشتی‌ها
-طرح اصلاح تبصره یک ماده 69 قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت
-طرح الحاق یک تبصره به قانون احداث پروژه‌های عمرانی بخش راه و ترابری از طریق مشارکت بانک‌ها و سایر منابع مالی و پولی کشور
-طرح جرم سیاسی
-طرح اصلاح قانون تأسیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی کشور
-طرح الحاق یک بند به ماده 524 قانون آیین‌دادرسی مدنی
-طرح الحاق یک تبصره به ماده 505 قانون آئین‌دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)
-طرح اصلاح موادی از آیین‌نامه داخلی مجلس

—

۱۸ برنده جایزه نوبل خطاب به رهبر ایران: امید کوکبی را آزاد کنید

2014-09-27 · Archive ID 6227
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6227

عرصه سوم:به گزارش وب سایت بی‌بی‌سی فارسی هجده برنده جایزه نوبل فیزیک در نامه‌ای سرگشاده به رهبر ایران خواستار آزادی امید کوکبی، فیزیکدان ۳۲ ساله ایرانی شده‌اند.

آرنو الن پنزیاس برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۷۸، نیکولاس بلومبرگن برنده نوبل فیزیک ۱۹۸۱، دیوید پولیتزر برنده جایزه نوبل فیزیک ۲۰۰۴ و کونستانتین نووسلف برنده نوبل فیزیک ۲۰۱۰ از امضاکنندگان این نامه هستند.

امید کوکبی، زندانی سیاسی ایرانی‌است که از اواخر سال ۸۹ و در پی سفر از آمریکا به ایران به هنگام خروج از کشور دستگیر شد.

اتهام امید کوکبی این دانشجوی دکترای فیزرک در تگزاس آمریکا ارتباط با دول متخاصم و کسب اموال نامشروع عنوان شده است که وی به واسطه این اتهامات به تحمل ۱۰ سال زندان محکوم شده است.

در نامه ۱۸ برنده جایزه نوبل به آیت‌الله علی خامنه‌ای گفته شده است که آقای کوکبی «تنها به خاطر امتناع از همکاری با مراکز تحقیقات نظامی جمهوری اسلامی ایران» زندانی شده است.

برندگان جایزه نوبل فیزیک، آقای کوکبی را انسانی "شجاع" توصیف کرده‌اند و از او به خاطر «مقاومت در برابر پیشنهاد استفاده از دانشش در پروژه‌هایی که برای بشر مضر است» قدردانی کرده‌اند. .

برندگان نوبل فیزیک از آیت‌الله خامنه‌ای خواسته‌اند هرچه سریع‌تر دستور آزادی فوری امید کوکبی را صادر کند.

—

آقای روحانی لطفا دروغ نگویید!

2014-09-29 · Archive ID 6232
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6232

عرصه سوم: حسن روحانی رئیس جمهور ایران روز چهارم مهرماه در مصاحبه با کریستین امانپور خبرنگار شبکه تلویزیونی «سی ان ان» گفته بود: «فکر نمی کنم فردی به خاطر روزنامه نگاری، یا به خاطر فعالیت رسانه‌ای دستگیر شده باشد. یک فرد می تواند یک خبرنگار و یک گزارشگر باشد و جرم مرتکب شود.»

این اظهارات روحانی در حالی انجام شد که بنابر گزارش سازمان گزارش‌گران بدون مرز، ایران در سال ۲۰۱۴ بزرگترین زندان برای «زنان» روزنامه‌نگار و وب نگار بوده است.

همچنین بر اساس گزارش‌های سازمان گزاراش‌گران بدون مرز ایران در سال ۲۰۱۳ با ۵۰ روزنامه نگار زندانی یکی از ۵ زندان بزرگ روزنامه‌نگاران در دنیا معرفی شده بود و از لحاظ آزادی بیان نیز در رتبه ۱۷۳ ام جهان قرار دارد.

این اظهارات روحانی که موجب ناراحتی و خشم اهالی رسانه در ایران شده بود از سوی خانواده روزنامه‌نگاران زندانی و فعالان سیاسی و مدنی در ایران بی پاسخ نمانده است.

مهسا امرآبادی همسر مسعود باستانی یکی از روزنامه‌نگارانی که تمامی ۵ سال گذشته را در زندان رجایی‌شهر سپری کرده در صفحه فیسبوک خود نوشته است: «آقای روحانی! لابد فردا که برگشتید باز هم در تلویزیون با مردم سخن می‌گویید و از عدم فراموشی وعده‌ها حرف می‌زنید و لابد عده‌ای هم فریاد تشویق برایتان سر می‌دهند و «روحانی مچکریم» عده‌ای، گوش همه ما را پر می‌کند و لابد وقتی نقد و اعتراضی می‌کنیم متهم می‌شویم به تضعیف دولت و دوری از مسیر اعتدال! اما من یادم نمی‌رود که مسعود باستانی، ریحانه طباطبایی، ساجده عرب‌سرخی، مرضیه رسولی و ده‌ها تن دیگر هنوز به جرم روزنامه‌نگاری در زندان هستند و هربار این را فریاد می‌زنم. لابد باز هم جملات عوام‌فریبانه‌تان را به زبان می‌آورید که «برخی مسایل خارج از کنترل دولت است و غیره» اما شما که با سازوکار حکومت در نظام جمهوری اسلامی آشنایی داشتید و با علم به بسیاری از مشکلات وارد انتخابات شدید و وعده آزادی دادید! وعده حقوق شهروندی دادید! وعده عدل و داد دادید! پس گونه است که به‌تازگی متوجه شدید بسیاری عوامل خارج از کنترل دولت است؟ یا سخنان و وعده‌های انتخاباتی شما فریب‌کاری بوده است و یا سخنان امروزتان.

یکی به من پاسخ دهد خط اعتدال آقای روحانی از کجا می‌گذرد؟ از دروغ‌گویی و فریب؟ از متهم کردن روزنامه‌نگاران زندانی که برای تقریت دولت ایشان سکوت کرده‌اند و از حقشان گذشته‌اند؟! یکی به من پاسخ دهد!»
حال باید منتظر ماند و دید حسن روحانی و تیم سیاسی دولت اعتدال در بازگشت به کشور و مواجهه با اذهان عمومی پرسش‌گر چه پاسخی برای این ادعای خود دارند.

—

طرح مجلس برای انتخاب شهرداران توسط رای مردم

2014-09-30 · Archive ID 6237
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6237

عرصه سوم: نمایندگان مجلس شورای اسلامی دو فوریت طرحی را تصویب کرده اند که به موجب آن و در صورت تصویب نهایی بعد از این شهرداران توسط رای مستقیم مردم انتخاب خواهند شد.

بنابر قانون فعلی، شهرداران توسط نمایندگان مردم در شوراهای شهر و روستا انتخاب شده و هر گونه تغییر، استیضاح و نظارت بر عملکرد شهرداران از جمله وظایف شوراها به حساب می‌آید.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، قسیم عثمانی نماینده مردم بوکان در مجلس و از طراحان این طرح، هنگام بررسی قید فوریت در سخنانی گفت: «در شرایط فعلی تداخل کار شوراهای شهر با شهرداران مشکلات عدیده ای ایجاد کرده و انتخاب شهرداران توسط شوراها منجر به دخالت در امور اجرایی شده است. فصل یکصدم قانون اساسی نقش نظاراتی به شوراها داده که هم اکنون با اختلال مواجه شده است. نماینده مردم بوکان در مجلس تصریح کرد: اصولا شهرداران که توسط شوراهای شهر انتخاب می شوند از امنیت کافی برخوردار نیستند و بعضا انتخاب شهردار، حاشیه های نادرستی را ایجاد می کند که در شان مدیران نظام مقدس جمهوری اسلامی نیست.»

این عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس تاکید کرده است که: «اختیارات شوراها در خصوص انتصاب شهردار و عزل آن باید یک حیطه قانونی معقول و منطقی پیدا کند، در غیر این صورت نقش نظارتی و قانونی شوراها دچار اختلال می شود و از طرفی دیگر شوراها که نوعی پارلمان محلی هستند چندان پاسخگوی نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی نیستند و در حالی که مردم مشکلات شورا و شهرداری و تعلل آنها را در انجام وظیفه قانونی خود، به نمایندگان ربط می دهند.»

به نظر می‌رسد هدف اصلی از تصویب این طرح کاهش قدرت شوراها و قراردادن قدرت و منابع مالی در مجموعه شهرها و روستاها در اختیار یک فرد است. روشی که چندان کارآمد نبوده و اتفاقا قدرت نظارتی شوراها را هم از بین خواهد برد.

—

فاطمه و کمپینی برای اهدا سلول‌های بنیادی

2014-10-01 · Archive ID 6241
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6241

عرصه سوم: این روزها فضای وب فارسی شاهد انتشار ویدیوها و پیام هایی است از طرف دانشجویی ایرانی به نام فاطمه. فاطمه از اکتبر سال گذشته متوجه ابتلا به بیماری سرطان خون شده است

او فارغ‌التحصیل مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی شریف و دانشجوی دکترای مدیریت دانشگاه لوئیس کارلی ایتالیا است
پزشکان یک لنفوم بزرگ بر رو روی قفسه‌ی سینه‌او تشخیص دادند. او ابتدا تصمیم گرفته‌بود برای نگران نکردن خانواده و دوستان‌ش، تا جایی که می شود به تنهایی از پس بیماری بربیاد. وی در این مدت در ایتالیا چند بار شیمی‌درمانی کرد و روزهای سختی را سپری کرد اما حالا تصمیم گرفته تا با دوستان و آشنایان و نزدیکان و به طور کل با جامعه ایرانی به سخن بنشیند.

فاطمه نیازمند دریافت مغز استخوان است، سلول هایی که ممکن است جان او را نجات دهند اما مشکل یافتن سلول‌هایی است که با گروه خونی او انطباق داشته باشند.

پزشکان معتقدند احتمال یافتن اهداکننده مناسب برای فاطمه در میان ایرانیان به سبب نزدیکی ژنتیکی بسیار بیشتر است و از این رو امروز فاطمه بیش از هر زمانی نیازمند یاری هم وطنان خود است.

اما این تنها فاطمه نیست که می تواند با یافتن یک اهدا کننده مناسب زندگی خود را نجات دهد، چه بسا بیماران سرطانی بسیاری که در داخل کشور منتظر یافتن اهداکننده مناسب هستند اما به دلیل عدم وجود اهداکننده با خطر تشدید بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند.

در این میان «بانک جهانی اهداکنندگان مغز استخوان» امکانی است برای کمک به این افراد، در این بانک تا امروز نزدیک به ۲۵ میلیون نفر سراسر دنیا داوطلب شده‌اند تا با اهدای سلول‌های بنیادی، به بیماران سرطانی کمک کنند. اما متاسفانه تنها چند هزار نفر از این داوطلبان ایرانی هستند و این یعنی شانس پیدا شدن داوطلب مناسب برای بیماران ایرانی کماکان پایین است.

ما و شما نیز می توانیم با عضویت در این بانک جهانی به فاطمه و دیگر بیماران سرطانی کمک کنیم

کافی است به یکی از مراکز اهدا سلول‌های بنیادی مراجعه کرده و اعلام آمادگی کنیم.

مراکز اهدا در ایران الف- تهران
۱- بیمارستان شریعتی
آدرس بیمارستان شریعتی: خیابان کارگر شمالی، سه‌راه جلال‌آل‌احمد، بانک اطلاعات اهداکنندگان سلول‌های بنیادی
(شنبه تا چهار شنبه ساعت ۸ تا ۱۲ - پنجشنبه‌ها ساعت ۸ تا ۱۱)
تلفن: ۸۸۲۲۰۰۴۳ و ۸۴۹۰۲۶۶۹۲- آزمایشگاه قلهک
آدرس آزمایشگاه قلهک: خیابان شریعتی، ایستگاه قلهک، جنب مترو قلهک، ابتدای کوچه طباطبایی، پلاک ۱
تلفن: ۲۲۶۰۰۴۱۳ و ۲۲۶۱۰۶۱۳

مراکز اهدا در دیگر کشورها
آمریکا
کانادا http://bethematch.org/Support-the-Cause/Donate-bone-marrow/Join-the-marrow-registry/
http://goo.gl/XdWc8f
آلمان http://www.onematch.com/
http://www.dkms.de/en/become-a-donor
اتریش http://www.zkrd.de/de
http://www.stammzellspende.at/
انگلیس
http://www.deletebloodcancer.org.uk/en/register-now
http://www.anthonynolan.org/
http://www.nhsbt.nhs.uk/bonemarrow
بلژیک
http://www.mdpb.be/EN/Registry/BecomeADonor
استرالیا
http://www.abmdr.org.au/abmdr2/page/how-join
ایتالیا
http://www.donatorimidollovco.org/index.htm
سوئد
http://www.stockholmcare.se/Tobias%20Registry.aspx
http://www.tobiasregistret.se/
فرانسه
http://www.dondemoelleosseuse.fr/
هلند
http://www.europdonor.nl/
سوئیس
http://en.blutspende.ch/
نروژ
http://www.blodbanken-oslo.no/
لهستان
http://www.dkms.pl/pl
اطلاعات مربوط به سایر کشورها
http://www.bmdw.org/index.php?id=addresses

—

تنش و درگیری در مجلس شورای اسلامی

2014-10-02 · Archive ID 6245
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6245

عرصه سوم-محمد صادقی: طی هفته گذشته مذاکرات مجلس با تنش‌ها و درگیری‌های لفظی شدید میان نمایندگان همراه بود.

ابتدا بهروز نعمتی سخنگوی هیئت‌رئیسه در نشست علنی چهارشنبه با صدای بلند خواستار بیان تذکر بود که محمدرضا باهنر نایب رئیس دوم مجلس که در غیاب علی لاریجانی برای ساعاتی ریاست صحن علنی را بر عهده داشت، این اجازه را به وی نداد، و این امر موجب عصبانیت بیشتر نعمتی شد تا آنجا که وی با حضور مقابل جایگاه هیأت رئیسه، با صدای بلند فریاد می‌زد.

نعمتی خطاب به باهنر گفت : «به من توهین کردید و من باید تذکر دهم»، باهنر نیز به وی پاسخ داد: «بعداً صحبت می‌کنیم.»

اما سخنگوی هیأت رئیسه مجلس که با فریادهایش صحن علنی مجلس را به تنش کشیده بود، همچنان به فریادهای خود ادامه می‌داد.

سپس تعدادی از نمایندگان از جمله نادر قاضی‌پور، محمد دهقان در اطراف بهروز نعمتی حضور یافتند تا او را آرام کنند.

در رویدادی دیگر ، دو نماینده مجلس بر سر ایراد نطق میان دستور با هم درگیر شدند.

پس از نطق میان‌دستور کمال‌الدین پیرمؤذن نماینده اردبیل در صحن علنی به جای ابراهیم آقامحمدی نماینده خرم‌آباد، درگیری لفظی بین این دو نماینده پیش آمد که با وساطت نمایندگان به درگیری فیزیکی کشیده نشد.

قرار بوده روز چهارشنبه آقامحمدی به ایراد نطق میان‌دستور بپردازد اما از آن‌جایی که وی به دلیل کسالت، دیرتر در صحن علنی حضور می‌یابد و پیرمؤذن که فرصت را مناسب دیده بود، نام آقامحمدی را از لیست ناطقان میان‌دستور نشست علنی امروز پارلمان حذف کرده و نام خودش را نوشته است.

زمانی که پیرمؤذن نطق میان‌دستور خود را قرائت کرد، آقامحمدی به شدت عصبانی شد و سر وی فریاد زد و در حرکتی اعتراضی به سمت پیرموذن حرکت کرد و برای دقایقی درگیری لفظی شدیدی بین آنها به وجود آمد. درگیری لفظی که با وساطت نمایندگان از درگیری فیزیکی جلوگیری شد.

همچنین در جریان رسیدگی به «لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم» نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه از ریاست مجلس به شدت انتقاد کرد و گفت : «آقای لاریجانی از آغاز جلسه برای افزایش سرعت بررسی مصوبات اجازه صحبت به نمایندگان نمی‌داد، آقای لاریجانی موضع خود را مشخص کند تا ما بدانیم که وی سخنگوی دولت است و یا رئیس مجلس؟! چراکه به نمایندگان اجازه صحبت نمی‌دهد اما نماینده دولت صحبت می‌کند و مطالب کذب و خلافی را می‌گوید.»

در کنار این تنش‌ها و درگیری‌ها اما یک آشتی‌کنان نیز در هفته گذشته میان ابوترابی فرد و رسایی دو عضو هیأت رییسه به راه افتاد.

ابوترابی فرد که در یکی از جلسات علنی مجلس در واکنش به فریادهای حمید رسایی هنگام ایران نطق پیش از دستور به وی هشدار داده بود: «مجلس جای عربده کشی نیست» این هفته درصدد دلجویی از حمید رسایی برآمد و در اظهاراتی در صحن علنی مجلس گفت : «من از ایشان عذرخواهی می‌کنم و این واژه‌ای که در مقابل ایشان به کار بردم واژه‌ای بود که بیشتر لایق خودم بود تا لایق برادر عزیزمان و من امیدوارم که این مسئله باعث کدورتی نشده باشد.»

از دیگر حاشیه‌های مجلس در هفته گذشته نطق انتقادی حسن کامران نماینده اصفهان درباره «سفرهای خارجی غیرضروری مسئولان جمهوری اسلامی» بود.

کامران در اظهاراتش گفت : «چرا امسال هم بعضی از ما بهتران به سفر مکه رفتند و حق بعضی سالخوردگان را خوردند.»

آقای رحمانی فضلی! این تذهبوا؟

اعتراض های نمایندگان مجلس به دولت یازدهم به دلیل آن‌چه «به کارگیری نیروهای حامی فتنه در مسئولیت‌های دولتی» می‌خوانند این هفته نیز ادامه یافت و در آخرین حملات مجلس به دولت، محمدعلی بزرگواری نماینده کهگیلویه در تذکری آیین‌نامه‌ای با تأکید بر «لزوم حفظ خطوط قرمز نظام جمهوری اسلامی و جلوگیری از ورود فتنه‌گران و حامیان آنها به بدنه وزارتخانه‌ها»، گفت : «متأسفانه در چینش بخشداران و فرمانداران یک‌طرفه عمل می‌شود که این موضوع موجب شده بسیاری از جوانان مؤمن و انقلابی از اداره کشور حذف و حامیان فتنه 88 جایگزین آنها در ادارات شوند.»

بزرگواری در ادامه گفت: «حذف نیروهای مؤمن و انقلابی از بدنه وزارتخانه‌ها باعث شنیده شدن فریاد ائمه جمعه سراسر کشور شده است که در اینجا به آقای رحمانی‌فضلی می‌گویم "این تذهبوا".»

این انتقاد در حالی صورت می گیرد که هم‌زمان جریان اصلاح طلب نیز نسبت به عملکرد رحمانی فضلی وزیر کشور دولت یازدهم در انتصاب نیروهای حامی جریان اصولگرایی در راس و بدنه استانداری ها و فرمانداری های کشور انتقاد دارند.
احضار و سوال از وزرای کابینه یازدهم

این هفته نیز احضار وزاری کابینه به مجلس برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و انتقادهای نمایندگان ادامه یافت.

وزیر جهاد کشاورزی برای توضیح درباره علت عدم همکاری این وزارت‌خانه در خصوص زمین‌هایی که در حریم راه و شهرسازی شاهین شهر اصفهان قرارگرفته‌اند به کمیسیون عمران مجلس احضار شد اما پاسخ های وزیر نتوانست نماینده شاهین شهر را قانع کند و سوال برای بررسی بیشتر به صحن علنی مجلس فرستاده شد.

همچنین در جلسه دیگری در کمیسیون عمران، وزیر نیرو گزارش 6 ماهه عملکرد این وزارت‌خانه در بخش آب را به کمیسیون ارائه کرد که دراین گزارش وضعیت آبی کشور در شهرهای مختلف به تفصیل بیان شد.

طبق این گزارش به ویژه در مورد آب تهران به این نکته اشاره شد که «اگر صرفه‌جویی صورت نگیرد امکان قطع آب شرب وجود دارد و مردم آب شرب خود را با تهیه آب‌های بسته‌بندی تامین کنند.»

از سوی دیگر وزیر آموزش و پرورش نیز به مجلس احضار شد و گفته می‌شود که نماینده دهلران از پاسخ‌های وزیر به سؤالاتش در مورد «وضعیت بیمه طلایی فرهنگیان»، «تعیین تکلیف تعطیلی پنجشنبه‌ها» و «معوقات بازنشستگان» قانع نشد.

ضرغام صادقی عضو هیأت رئیسه مجلس، از وصول سؤال از علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم، در زمینه «علت اصرار بر لغو ممیزی در نشر کتاب» خبر داد .

همچنین سؤال احمد شوهانی نماینده ایلام از علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره «علت عدم نظارت کافی بر شرکت‌های زیرمجموعه این وزارتخانه» و سؤال حسینعلی شهریاری نماینده زاهدان از محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه درباره «وضعیت اخذ حقوق حقابه دریاچه هامون» نیز از سوی هیأت رئیسه اعلام وصول شد.

بر اساس گزارش‌ها از مجلس، هفته گذشته علی طیب نیا وزیر اقتصاد و امور دارایی دولت نیز به بهارستان رفته تا پاسخگوی نمایندگان باشد.

نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه در طرح سوال از طیب نیا با اعلام آن که «دولت باید فکر فروش نفت را از سر بیرون کند» گفت : «چرا بانک‌ها سرمایه مردم را چپاول می‌کنند، چرا از جیب ملت بذل و بخشش می‌کنند و چرا منابع کمیاب به طرح‌های توسعه داده نمی‌شود و چرا به اشخاص متعهد پرداخت نمی‌شود.»

وزیر اقتصاد نیز با ارائه توضیحاتی درباره صندوق توسعه ملی تقاضای برگزاری «جلسه غیرعلنی» در مجلس با حضور هیات نظارت برای بررسی عملکرد صندوق کرد و گفت : «محدودیت‌هایی که صندوق توسعه ملی با آن مواجه است تنها در حوزه اختیارات وزیر نیست و درحوزه تصمیم‌گیری کشوری است.»

همچنین سؤالات پنج نفر از نمایندگان مجلس از محمود علوی وزیر اطلاعات درباره علت انتشار مذاکرات آقای وزیر با معاونانش در برخی رسانه‌ها اعلام وصول شد.

مهرداد بذرپاش عضو دیگر هیأت رئیسه مجلس نیز «طرح صیانت از حریم عفاف و حجاب» را اعلام وصول کرد که محمدرضا باهنر نایب‌رئیس مجلس از او خواست فعلاً این طرح اعلام وصول نشود تا مراحل خود را طی کند.

با افزایش حجم سوال‌ها و احضاریه‌های مجلس برای وزاری دولت، تصمیم گرفته شده که این موضوع برای اولین بار به صورت یک روند ثابت و زمان‌بندی شده ادامه پیدا کند.

نعمتی سخنگوی هیأت رئیسه مجلس در این باره گفت : «قرار ما بر این است که هر دو هفته یکبار تا جایی که سؤال‌ها جواب می‌دهد جلسه‌ای را با هدف مطرح شدن سؤال نمایندگان از وزرا برگزار کنیم.»
ایرلندی‌ها در بهارستان

این هفته شان بارت رئیس مجلس ایرلند و هیأت همراه میهمان جلسه علنی مجلس ایران بودند.

باهنر نایب رئیس دوم مجلس که ریاست ساعتی از صحن علنی را در غیاب لاریجانی بر عهده داشت، با خوش‌آمدگویی به هیأت پارلمانی ایرلند، گفت : «از مواضع خوب و همراه آقای شان بارت رئیس مجلس ایرلند با نظام جمهوری اسلامی ایران تشکر می‌کنیم و برای هیأت پارلمانی ایرلند آرزوی موفقیت داریم.»
سفر هیأت پارلمانی این کشور عضو اتحادیه اروپا به ایران پس از دو دهه صورت گرفته است.

از سوی دیگر قرار است رئیس گروه دوستی پارلمانی ساحل عاج و ایران در رأس هیأتی پارلمانی روز شنبه (26 مهر ماه) به تهران سفر کند.

همچنین اعلام شد که نایب رئیس مجلس مجارستان در رأس هیأتی پارلمانی روز (سه‌شنبه 29 مهر ماه) به تهران سفر خواهد کرد.

کشور همسایه، پایگاه بی بی سی!

به دنبال اطلاعیه روابط عمومی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی که در آن مدعی شده بود باند سرقت اسناد، مدارک و آثار فرهنگی و هنری ایران به نفع شبکه تلویزیونی بی بی سی از سوی ماموران این وزارت‌خانه شناسایی شده اند، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در این باره تشکیل جلسه داد.

نقوی سخنگوی این کمیسیون در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس این باره گفت : «در جلسه گزارش مبسوطی از تلاش استکبار جهانی و معاندین به ویژه بی‌بی‌سی و همکاری آنها با سازمان‌های جاسوسی از جمله سازمان سیا مبنی بر سرقت اسناد و مدارک و آثار مذکور اشاره شد.»

نقوی مدعی شد که «سربازان گمنام وزارت اطلاعات همه حرکت‌ها و فعالیت‌های آنها را تحت کنترل دارند؛ پایگاه فعالیت آنها که در یکی از کشورهای همسایه مستقر است، تحت کنترل و نظارت است و بر فعالیت آنها اشراف کاملی وجود دارد.»

بیانیه مجلس علیه نخست وزیر بریتانیا

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس این هفته در زمینه مواضع اخیر دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس درباره ایران بیانیه‌ای صادر کرد.

در این بیانیه دولت بریتانیا را متهم شده که با ایجاد «اختلافات مذهبی بین ملت‌های مسلمان»، «خلق گروه‌های ملحد و منحرف و حمایت از گروه‌های تروریستی از جمله داعش و القاعده و منافقین و...» و «سنگ بنای اختلافات مرزهای بسیاری از کشورها» چهره واقعی خود را برای ملت‌های منطقه به تصویر کشیده است.

این بیانیه با «نابسامان» خواندن وضعیت سیاسی و اقتصادی انگلیس، اظهارات نخست‌وزیر این کشور را «پریشان‌گویی» خوانده و خطاب به برخی جریانات سیاسی داخلی در ایران نوشته است: «شاید برخی از ساده‌لوحان داخلی به خود آیند و احساس نکنند که دشمنان قسم‌خورده نظام اسلامی دست از خصومت خود برداشته‌اند.»

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در پایان «توصیه اکید» کرده که «توسعه رابطه با انگلیس در این مقطع تا عذرخواهی رسمی نخست‌وزیر انگلیس را به مصلحت ندانسته است.

"عصبانی نیستم" و "قصه‌ها" در مجلس

در ادامه فشارها به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت حسن روحانی، برای اعمال محدودیت های بیشتر در صدور مجوز ساخت و اکران فیلم های سینمایی، این هفته رئیس کمیسیون اصل 90 مجلس در نامه‌ای به معاون سینمایی وزارت ارشاد خواستار جلوگیری از اکران فیلم‌های مرتبط با وقایع خرداد 88 شد.

پورمختار در نامه خود به حجت الله ایوبی به «طرح شکوائیه از طرز کار آن معاونت در خصوص اعطای مجوز اکران به برخی فیلم‌های سینمایی با محتوای فتنه سال 88 مانند "عصبانی نیستم" و "قصه‌ها" اشاره کرده و از وی خواسته است «تا زمان رسیدگی به این شکایت از صدور مجوز اکران این فیلم‌ها خودداری و در اولین فرصت به منظور رسیدگی به این موضوع و برای مشاهده فیلم‌ها با کمیسیون اصل 90 هماهنگی کنید.»

بدهی انباشته دولت از زمان هاشمی تا امروز

احضار علی ربیعی وزیر تعاونف کار و رفاه اجتماعی به مجلس برای ادای پاره ای از توضحیات درباره مشکلات صندوق‌های بازنشستگی، جلسه مجلس را غیر علنی کرد.

بهروز نعمتی، سخنگوی هیأت رئیسه مجلس در مورد نشست غیرعلنی مجلس گفت : «طبق اظهارت آقای ربیعی، مشخص شد در حال حاضر صندوق‌های بازنشستگی و بیمه با مشکلات متعددی از جمله دیون معوقی که صندوق‌ها دارند یعنی در واقع مطالباتی که این صندوق‌ها از دولت داشته و تاکنون پرداخت نشده است.»

به گفته نعمتی «در حال حاضر بدهی دولت به صندوق‌ها حدود 100 هزار میلیارد تومان است و این موضوع از سال 75 تاکنون تلمبار شده است.»

2 سال حبس برای افشای اطلاعات مؤدیان مالیاتی

نمایندگان مجلس در ادامه رسیدگی به جزئیات لایحه "اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم"، در بند 64 این لایحه با الحاق ماده 279 موافقت کرده و آن را به تصویب رساندند.

به موجب مصوبه مجلس ، «هرگونه دسترسی غیرمجاز و سوءاستفاده از اطلاعات ثبت‌شده در پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی موضوع ماده (169 مکرر) این قانون در خصوص مسائلی غیر از فرآیند تشخیص و وصول درآمدهای مالیاتی یا افشای اطلاعات مزبور جرم است و مرتکب علاوه بر انفصال از خدمات دولتی و عمومی از دو تا پنج سال، به مجازات بیش از 6 ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود.»

همچنین طبق بند الحاقی به ماده 280 مقرر شد به منظور توانمندسازی آن دسته از سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به شهرداری‌ها که به موجب قانون برای انجام وظایف ذاتی شهرداری در امور عمومی، شهری و خدماتی تشکیل و 100 درصد سرمایه و دارایی آن متعلق به شهرداری است از مالیات معاف شدند.

طرح فوری درباره شوراها و انتخابات شهرداران

نمایندگان در هفته گذشته طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و نحوه انتخاب شهرداران را مورد بحث و بررسی قرار داده و یک فوریت این طرح را به تصویب رساندند.

در بخشی از مقدمه طرح مذکور با اشاره به «تداخل کار شوراهای شهر با شهرداران» و همچنین «انتخاب شهرداران توسط شوراها» که منجر به «دخالت در امور اجرایی» شده، انتخاب شهرداران توسط شورای شهر را باعث «از بین رفتن، امنیت شغلی شهرداران» دانسته است.

این طرح که به امضای 133 نفر نمایندگان مجلس رسیده دارای یک مقدمه توجیهی و 6 ماده است که در صورت تصویب نهایی تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل شورای شهر در شهرهای مختلف بر اساس جمعیت تعیین می‌شوند.

زاینده رود آب ندارد، بابا نان ندارد!

ناصر موسوی لارگانی نماینده فلاورجان در جلسه روز سه شنبه مجلس درباره بی‌توجهی به تاریخ، افتخارات و ظرفیت‌های فراوان استان اصفهان از سوی مدیران دولت های چند سال اخیر، تذکر داد و گفت : «پس از گذشت نزدیک به یک دهه از شروع خشکسالی زاینده‌رود به نظر می‌رسد هنوز مسئولان کشوری عمق فاجعه و تبعات زندگی‌سوز آن را در پایتخت فرهنگ، صنعت و هنر ایران جدی نگرفته‌اند.»

موسوی لارگانی در ادامه با لحنی کنایه وار با بیان این که «سرمشق کودکان اصفهانی به جای "بابا آب داد و بابا نان داد" تبدیل به "زاینده رود آب ندارد، بابا نان ندارد" شده است.» از صداوسیما انتقاد کرد و گفت: «متأسفانه صداوسیما تصویر روشنی از عمق این زخم کاری نشان نمی‌دهد.»

سایه‌ای به نام هاشمی رفسنجانی

دوره تازه‌ای از حملات نمایندگان اصول‌گرای مجلس به خانواده هاشمی رفسنجانی از سر گرفته شد.

این بار زهره طیب‌زاده عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس به بهانه مشکلات دانشگاه آزاد اسلامی انتقادهای تندی را به رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نزدیکان وی وارد کرد.

طبیب‌زاده در بخشی از اظهارات با بیان اینکه «متاسفانه تا به امروز به خاطر اینکه سایه‌ای به نام هاشمی رفسنجانی پشت سر دانشگاه آزاد بوده است دولت‌ها هیچ کدام توان نظارت بر آن را نداشته‌اند.» گفت : «در دولت سازندگی شخص رئیس‌جمهور همه کاره دانشگاه آزاد بود، هاشمی سال‌ها از 4 نفر از هیات امنا دانشگاه آزاد برای رای دادن وکالت داشت، و عملا دانشگاه آزاد با هدایت وی اداره می‌شد و عنصر اول تصمیم‌گیری کلان در دانشگاه آزاد هاشمی رفسنجانی بود و جاسبی اجراکننده تصمیمات بود.»

این نماینده معتقد است که «تنها احمدی‌نژاد آن هم در 2 سال آخر دولت دهم توانست کارهایی در رابطه با نظارت بر دانشگاه آزاد انجام دهد ولی مسلما در یک تشکیلات 30 ساله با 2 سال فعالیت اقدام اصولی صورت نخواهد گرفت.»

ادامه تجمع‌های اعتراضی در مقابل مجلس

تجمع‌های اعتراضی در مقابل مجلس این هفته نیز ادامه یافت.

ابتدا جمعی از کارگران معدن زغال سنگ البرز غربی سنگرود از توابع شهرستان رودبار با تجمع در مقابل مجلس خواستار رسیدگی به عدم پرداخت حقوقشان به مدت 3 ماه شدند.

به گفته یکی از کارگران، مسئولان این شرکت از اول تیر ماه سال جاری حکم به انحلال آن داده و گفتند که کارگران باید بازخرید شوند.

دومین تجمع نیز مربوط به جمعی از مالباختگان خرید خودرو از «شرکت نگین خودرو آفتاب» که صبح دوشنبه در مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند.

به گفته این مالباختگان، این شرکت با حجم گسترده تبلیغات از طریق صداوسیما و مطبوعات و بیلبوردهای سطح شهر اقدام به جذب گسترده در بین مردم نموده است و با بیش از 1950 قرارداد و مبالغ بیش از 100 میلیون ریال از هر قرارداد به تعهدات خود عمل نکرده است.

این شرکت تاکنون مبالغ بسیار زیادی را برای تحویل خودرو، از متقاضیان دریافت کرده اما پس از گذشت مدت زمان بسیاری نه تنها خودرو به آنان واگذار نشده، بلکه پول پرداختی نیز مسترد نشده است.

مالباختگان، از مدیریت این شرکت به مراجع قضایی شکایت و دفتر ثبت‌نام آن پلمپ شده، اما مشخص نیست که زمان رسیدگی به این پرونده چه مدت طول می‌کشد.

—

سمن ها؛ از روزجهانی حیوانات تا پاکسازی غار پرآو

2014-10-04 · Archive ID 6249
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6249

امروز شنبه چهارم اکتبر به نام روز جهانی حیوانات نام گذاری شده است. در ایران هم برخی از سمن ها – نهادهای غیر دولتی – به استقبال این روز رفتند تا حقوق حیوانات و اهمیت رفتار ما با حیوانات را یک بار دیگر به جامعه یادآور شوند. سمن ها البته برنامه های دیگری را نیز در دستور کار خود داشتند از پاکسازی غاری در کرمانشاه تا اهدای شاخه گل به گردشگران شهر تاریخی شوش در خوزستان.

روز جهانی حیوانات و راه اندازی پناهگاه «وفا» در قزوین

«نخستین روزهای اکتبر همه به یادبود و آگاهی رسانی نسبت به حیوانات اختصاص یافته اند. اول اکتبر روز جهانی گیاهخواری، دوم اکتبر روز جهانی حیوانات مزرعه، و چهارم اکتبر روز جهانی حیوانات است.» وب سایت کانون دوست داران حیوانات با انتشار این مطلب به استقبال روز جهانی حیوانات رفته است.

در این مطلب همچنین آمده است :«برای بزرگداشت این روزها کارهای زیادی می‌شود انجام داد: می‌شود روز جهانی گیاهخواری و روز جهانی حیوانات مزرعه به حرمت میلیون‌ها حیوان بی‌گناهی که زندگی کوتاه و سراسر رنجشان سرانجام در محل وحشتناکی به نام «سلاخ خانه» به پایان می‌رسد گوشت نخورد...می شود به پناهگاه‌ها پول و غذا هدیه کرد...می شود سگ همسایه را که همیشه با طنابی به میله‌ها بسته است به یک راه پیمایی طولانی و یا بازی و جست و خیز در حیاط میهمان کرد...، و ...شما در این روز چه می‌کنید؟»

وبسایت کانون دوست داران حیوانات همچنین خبر از راه اندازی دومین پناهگاه برای حیوانات بی سرپرست در قزوین داده است و از دوست داران حیوانات خوساه است تا به کمک آنها بشتابند.

برگزاری کارگاهی با موضوع پیشگیری از خشونت

همزمان با روز جهانی عدم خشونت، کارگاهی با موضوع پیشگیری از خشونت در سازمان دفاع از قربانیان خشونت برگزار شد.

وبسایت «سازمان دفاع از قربانیان خشونت» که یک نهاد غیر دولتی است برگزار کننده این کارگاه آموزشی بود که در بخشی از آن پیام بان کی مون دبیرکل سازمان ملل نیز قرائت شد. در بخشی از این پام آمده است که :«ما باید فرهنگ صلح را پرورش دهیم ، بر گفتگو و تفاهم تکیه نماییم ، فرهنگ عدم خشونت را ترویج دهیم و صلحی پایدار ایجاد نماییم . در این روز ، از تمامی مردم می خواهم تا با نفوذ نابردباری مبارزه و شهروندی جهانی را به پیش برده ،همچنین بر اساس فلسفه عدم خشونت ماهاتما گاندی همبستگی انسانی پدید آورند.»

در این کارگاه همچنین چگونگی داشتن رابطه ای بدون خشونت بخش پایانی کارگاه روز جهانی بدون خشونت بود که توسط استاد مدعو تبیین و تصریح شد.

نتیجه انتخابات شبکه سمن های زیست محیطی

در روزهای گذشته همچنین انتخابات شبکه سمن های زیست محیطی استان مازندران، با حضور 30 سمن زیست محیطی برگزار شد. در این انتخابات که در روز شنبه 29 شهریور 1393 در سالن اجتماعات سازمان حفاظت محیط زیست استان مازندران- در شهر ساری برگزار شد از هر سمن یک نفر به عنوان نماینده دارای حق رای و حق کاندیدا شدن بود. 14 نفر از نمایندگان سمن ها کاندیدای عضویت در هیات اجرائیه شدند. در پایان رای گیری 7 نفر به عنوان اعضای اصلی و 2 نفر علی البدل انتخاب شدند.به گزارش وبسایت «انجمن دوست داران کوه دماوند» بر اساس نتیجه این انتخابات ، اسامی اعضای هیات اجرائیه شبکه سمن های زیست محیطی مازندران از این قرار است:

مسعود مولانا، انجمن دوستداران دماوندکوه، 24 رای

داریوش عبادی، انجمن کوه نوردان ایران دفتر ساری، 24 رای

فریبا قلی پور، جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست قائمشهر، 17 رای

جواد یعقوب زاده، انجمن کوهنوردان ایران دفتر بابل، 17 رای

ابراهیم عباسپور، جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست تنکابن، 15 رای

حسین علاءالدینی، انجمن توانمندسازی پارسیان قائمشهر، 12 رای

آرش خیراندیش، انجمن گردشگری ورزشی کشور چالوس، 11 رای

پاکسازی غار پرآو توسط 36 غارنورد از 9 استان ایران

وبسایت انجمن غار و غارشناسی ایرانیان در گزارشی مفصل به جریان پاکسازی غار پرآو در استان کرمانشاه پرداخته است. برنامه ای که در طی آن ده ها غارنورد از 9 استان مختلف کشور در آن حضور داشتند و علی رغم سختی کار موفق شدند تا این غار را پاکسازی کنند.

در بخشی از گزارش وبسایت انجمن غار و غارشناسی ایران آمده است که علی رغم هماهنگی های لازم، هواپیمایی که قرار بود وسایل این غارنوردان از ارتفاع بالا به پائین بیاورد با تاخیر سه روزه ای آماده کمک رسانی شد که در طی این سه روز خود غارنوردان وسایل و تجهیزات خود را به پائین کوه منتقل کردند.

انجمن غار و غارشناسی ایران همچنین در گزارشی جداگانه توصیه ها و دستورالعمل هایی برای نحوه پاکسازی غارها منتشر کرده است.

اهدای شاخه گل به گردشگران در شوش

عضو هیات مدیره « انجمن دوست داران میراث فرهنگی شوش » ، یکی از سمن های فعال در استان خوزستان از برنامه های روز جهانی گردشگری در شهر قدیمی شوش خبر داد.

حسن خسرجی با بیان این که شعار امسال روز جهانی گردشگری «گردشگری و توسعه جوامع محلی» است گفته است که این نهاد غیر دولتی همراه با برخی سازمان ها و نهادهای گردشگری برنامه هایی از جمله نواختن زنگ گردشگری در مدارس، تبلیغات محیط شهری، خوش آمدگویی و اهدای شاخه گل به گردشگران، برپایی نمایشگاه عکس با موضوع شوش در گذر تاریخ و برپایی تورهای شوش گردی را تدارک دیده اند.

—

سمن‌ها در روز جهانی کودک

2014-10-08 · Archive ID 6257
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6257

عرصه سوم: شاید یکی از مهمترین رویدادهای ورزشی – هنری و البته نیکوکارانه در روزهای جاری، حضور ستارگان دنیای هنر ایران در شهر زیبای شیراز باشد. بنیاد کودک به عنوان نهادی غیر دولتی این برنامه را برگزار خواهد کرد. این هفته نهادهای مدنی خیریه که به یاری اقشار آسیب پذیرتر اجتماعی می پردازند، روزهای پر کاری دارند، علاوه بر برنامه بنیاد کودک در شیراز موسسه محک و نهاد نیکوکار رعد نیز برنامه های مجزایی را برگزار خواهند کرد.

ستارگان در شیراز

تیم فوتبال ستارگان سینما و موسیقی این بار در شیراز، در یک مسابقه نیکوکارانه به نفع بنیادکودک ایران و با حضور نیکوکاران و هئیت امناء دفتر بنیادکودک شیراز به مصاف تیم پیشکوتان شیراز خواهدرفت. بر اساس خبری که پایگاه اطلاع رسانی « بنیاد کودک » منتشر کرده است این بازی در ۱۸ مهر۹۳ ساعت ۱۵:۰۰در ورزشگاه حافظیه برگزار خواهد شد.

ستارگان سینما و موسیقی کشور به مدیریت هومن جوادی و به سرپرستی حسین شمسائی با حضور هنرمندانی همچون: فرهاد جم، علی انصاریان، پژمان بازغی، مهدی شیری، میثم معافی، بابک زرین، حمید سوریان، علی لهراسبی، مهدی صبایی، کامبیز دیرباز، پویا امینی، علی صالحی، مجید یاسر، کاوه خداشناس، رامین راستاد، امین ایمانی، نیما نکیسا، داوود ناقور، مسعود سیفی، به مصاف تیم منتخب زمزم خواهد رفت.

وبسایت بنیاد کودک یاداور شده است که برگزاری این‌گونه برنامه‌های فرهنگی و ورزشی با حضور هنرمندان و شخصیت‌های محبوب مردمی کشور، زمینه‌ای را برای گسترش مناسبات فرهنگی، هنری، ورزشی و توسعه امور انسان دوستانه و خیرخواهانه را ایجاد خواهد کرد.

در انتهای این بازی پیراهنی که توسط همه هنرمندان به امضاء خواهد رسید طی مراسمی در سالن احسان شیراز به صورت همت عالی به فروش می رسد.

سومین جشنواره بین المللی دیواره نوردی بیستون

انجمن کوهنوردان ایران خبر از برگزاری سومین جشنواره بین المللی دیواره نوردی بیستون خبر داده است. بر اساس این خبر فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی در نظر دارد؛ سومین جشنواره بین‌المللی سنگنوردی بیستون را از تاریخ ۲۶ مهر تا ۲ آبان ماه ۹۳ به میزبانی هیأت کوهنوردی و صعودهای ورزشی استان کرمانشاه برگزار نماید.

علاقمندان می توانند با مراجعه به وبسایت انجمن کوهنوردان ایران، از نحوه حضور در این رقابت ها و سایر اطلاعات مورد نظر آگاه شوند.

جشنواره غذایی رعد

چهاردهین جشنواره غذای خیریه رعد نیمه دوم مهر ماه با حضور و مشارکت جمعی از شهروندان نیکوکار در محل این مجتمع برگزار خواهد شد.

به گزارش پایگاه خبررسانی مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد ؛ با حضور شهروندان نیکوکار و در جهت حمایت از توان‌یابان جسمی حرکتی، چهاردهمین جشنواره غذای خیریه رعد روزهای ۲۳ تا ۲۵ مهرماه ۱۳۹۳ از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۱۱ شب برگزار خواهد شد.

در این مراسم خیریه همچنین گروه همیاری بانوان نیز با عرضه غذاهای خانگی به استقبال از بازدید کنندگان خواهد رفت.

قلک جدید "محک" در اقدیسه !

موسسه خیریه محک در وبسایت خود خبر از برگزاری " جشن تولد قلک جدید محک در شانزدهمین قلک شکان" داده است.

در این خبر آمده است: «قلک محک یک دوست مشترک است. دوست مشترکی که هم زیر سقف محک همراه روزهای پر فراز و نشیب کودکان مبتلا به سرطان در مسیر درمان بوده و هم زیر سقف خانه‌های خانواده بزرگ محک نمادی از عشق و مهر و همدلی بوده است. قلک محک بیشتر از 20 سال است که عضو خانواده شماست و در این مدت هر ساله همزمان با روز جهانی کودک همه ما را برای جشن قلک شکان زیر سقف محک گرد هم آورده تا نوید سلامتی و امید را به گوش کودکان مبتلا به سرطان برسانیم.

این بار در شانزدهمین بازار قلک شکان تولد عضو جدید این خانواده را همراه هم جشن می‌گیریم و در مراسم رونمایی قلک جدید محک برای کودکانمان »آرزوی سلامتی و بهبودی کنیم.

نمونه کوچک‌تر این قلک با عنوان ‹‹قلک کودک و نوجوان›› یک سال پیش در پانزدهمین بازار قلک شکان رونمایی شد و مورد استقبال تعداد زیادی از یاوران قرار گرفت.

وبسایت محک زمان و مکان برگزاری این برنامه را نیز نوشته است :

زمان: 17 و 18 مهر ماه – 10 صبح تا 8 شب

مکان: میدان اقدسیه، ابتدای بزرگراه ارتش، بلوار شهید مژدی، بلوار محک، موسسه خیریه محک

—

اعتراض فعالان مدنی به جامعه جهانی: ما همه کوبانی هستیم

2014-10-09 · Archive ID 6266
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6266

عرصه سوم: روز چهارشنبه گروه‌های مختلفی از مردم در تهران، تبریز، کرمانشاه و بسیاری از شهرهای ایران در اعتراض به بی توجهی جامعه جهانی نسبت به سرنوشت مردم کوبانی دست به تجمع زدند.

در تهران این تجمع که در مقابل دفتر سازمان ملل متحد برگزار شد همراه با حضور صدها تن از فعالان مدنی و اجتماعی بود.

شرکت کنندگان در این کنش مدنی پلاکاردهایی با این مضامین به همراه داشتند: " هر جا کرد است آنجا ایران است"، "تهران گلوی کوبان"، "ما همه کوبانی هستیم"، "دولت روحانی، حمایت از کوبانی".

به گزارش ایسنا تجمع‌کنندگان با سردادن شعارهایی به آنچه که حمایت علنی ترکیه و دولت اردوغان از تروریست های داعش در کشتار مردم کرد کوبان خواندند، اعتراض کردند.

در این تجمع همچنین متنی به زبان کردی در حمایت از مردم مظلوم کوبانی و همدردی با آنها مقابل دفتر سازمان ملل قرائت شد. در بخشی از این متن گفته شد: جامعه کرد و فعالان حقوق بشر ایران از همه سازمان های بین المللی می‌خواهد که مانع حمایت ترکیه از داعش در کشتار کردهای بی دفاع کوبانی شوند.



1901344_506106532825352_3080954769096806864_n

—

تحقیق و تفحص مجلس از شهرداری تهران

2014-10-10 · Archive ID 6274
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6274

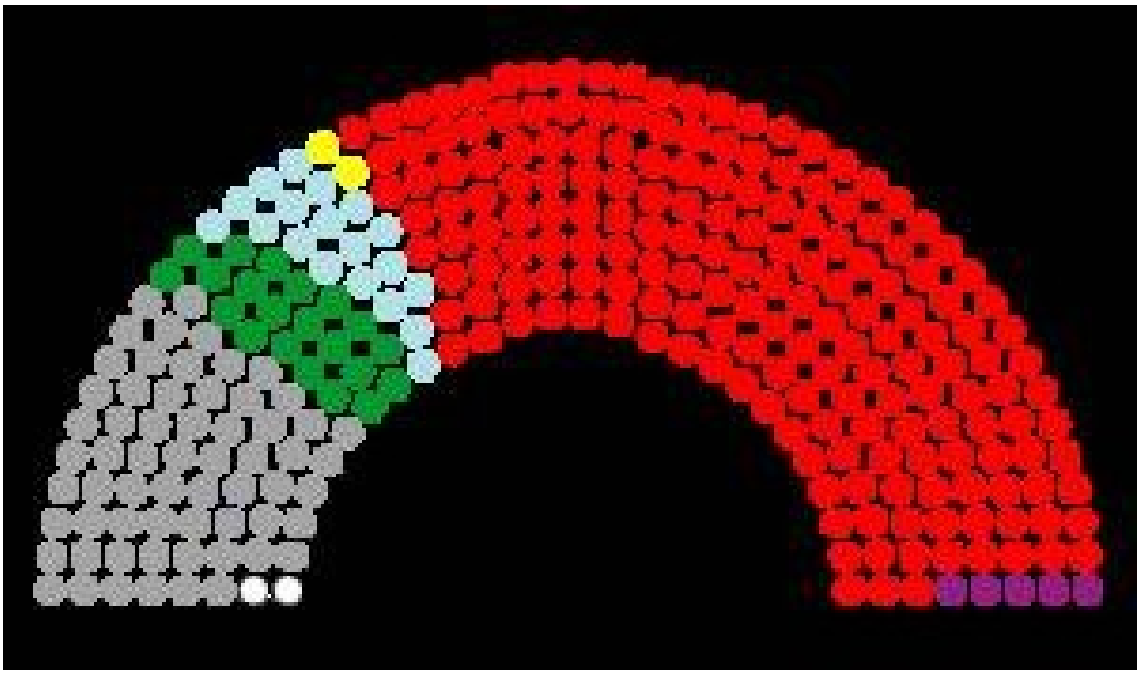
عرصه سوم-محمد صادقی: در هفته گذشته سرانجام پای تحقیق و تفحص مجلس به شهرداری تهران نیز باز شد.

به گفته سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس نهم، درخواست تحقیق و تفحص از شهرداری تهران به هیات رئیسه مجلس ارائه شده است.

موضوعاتی از قبیل «مسائل مالی و اداری»، «شرح وظایف شهرداری»، «پروژه‌های عمرانی»، «گزینش و پیمانکاری‌ها» از جمله محورهای تحقیق و تفحص از مجموعه تحت مدیریت محمد باقر قالیباف به شمار می‌رود.

طی دوران مسئولیت محمدباقر قالیباف بر شهرداری تهران بارها اتهام بروز تخلفات مالی نظیر «سندسازی و هزینه‌کرد فاقد سند» و همچنین «برخورداری از رانت اطلاعاتی»، «شرکت در مناقصات با ترک تشریفات» و نظیر آن از سوی دولت احمدی نژاد، نمایندگان مجلس و شورای شهر تهران مطرح شده است.

افزایش تعداد نمایندگان مجلس



کرسی‌های_مجلس_نهم_بر_پایهٔ_گرایش_سیاسی*!20120528131921*

از جمله مهمترین طرح‌های ارائه شده از سوی کمیسیون ها به هیئت رئیسه در هفته گذشته طرح افزایش تعداد نمایندگان از 290 نفر به 310 نفر بود که از سوی کمیسیون شوراها به تصویب رسید.

به موجب اصل 64 قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر شده که تعداد نمایندگان مجلس 270 نفر باشد و از تاریخ همه‌پرسی سال 1368 به بعد، هر 10 سال با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر 20 نماینده می‌تواند به تعداد نمایندگان اضافه شود.

پیش‌تر دولت محمود احمدی نژاد لایحه‌ای در این زمینه ارائه داده بود و نمایندگان مجلس نهم نیز طرحی تهیه کرده بودند که در برخی موارد اشتراکات و در برخی موضوعات نیز اختلاف نظراتی وجود داشت اما دولت یازدهم برنامه ای در این خصوص به مجلس ارائه نکرد و طرح دولت قبلی را مسکوت گذاشت، با این حال طرح پیشنهادی نمایندگان در دستور کار مجلس قرار گرفت.

طرح افزایش شمار نمایندگان مجلس در حالی مطرح می شود که بنا بر آمارهای رسمی ارائه شده از سوی وزارت کشور در انتخابات گذشته مجلس در برخی از مناطق شهری و روستایی نسبت میان تعداد واجدین شرایط رای دادن و میزان آرای منتخبان آن مناطق با عرف و استاندارهای رسمی مغایرت دارد و برخی از راه یافتگان مجلس تنها با چند ده هزار رای وارد مجلس می شوند.

ادامه ماجرای دانشگاه آزاد و هاشمی

حملات لفظی نمایندگان اصول‌گرای مجلس به اکبر هاشمی رفسنجانی و نزدیکان وی ادامه دارد و در تازه ترین آن‌ها این بار حمیدرضا مشهدی عباسی نماینده دماوند و فیروزکوه در صحن علنی مجلس رئیس دانشگاه آزاد را متهم کرد که «به جای کیفیت‌بخشی با شعارهای خود منجر به بر هم زدن سیستم دانشگاه شده است.»

مشهدی عباسی بار دیگر به مسئله ورود عناصر مرتبط با وقایع خرداد 88 که وی آن ها را «فتنه گر» می دانید اشاره کرد و گفت : «رد صلاحیت‌شده‌ها و فتنه‌گران در دانشگاه آزاد رفت و آمد دارند و آقازاده‌پروری در دانشگاه آزاد در حال رواج یافتن است که لازم است شورایعالی انقلاب فرهنگی نسبت به عملکرد این دانشگاه توجه ویژه‌ای داشته باشد.» سوالات نمایندگان از وزاری دولت

یک عضو هیأت رئیسه مجلس از اعلام وصول سوالات شماری از نمایندگان مجلس از وزرای دولت حسن روحانی خبر داد.

ضرغام صادقی در نشست علنی روز چهارشنبه موارد اعلام وصول سوال نمایندگان از کابینه یازدهم را بدین شرح قرائت کرد:

-سؤال از وزیر نیرو در زمینه علت انتقال آب رودخانه‌های آذربایجان غربی به استان‌های همجوار

-سؤال از وزیر صنعت درباره علت بی‌توجهی مدیریت شهرک‌های صنعتی به مناطق محروم و همچنین علت عرضه بیش از اندازه ذخایر استراتژیک کشور از سوی شرکت بازرگانی

-سؤال از وزیر امور خارجه در مورد علت عدم فعالیت وزارت خارجه برای حل مشکلات اقتصادی با استفاده از جایگاه دیپلماسی

-سؤال از علی طیب‌نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی در زمینه عملکرد این وزارتخانه درباره حمایت از بازار بورس

همچنین مهرداد بذرپاش عضو هیأت رئیسه مجلس نیز از اعلام وصول «لایحه اصلاح قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» و «طرح صیانت از حریم عفاف و حجاب» خبر داد.

به گفته محمدرضا باهنر نایب رییس مجلس نمایندگان هفته آینده برای سرکشی به حوزه‌های انتخابیه خود می‌روند و جلسه علنی ندارند و جلسه علنی بعدی مجلس یکشنبه 27 مهر ماه تشکیل می‌شود.

آقاتهرانی: انتقادات مسئولان دولتی آبکی است!

از دیگر مصوبات حائز اهمیت مجلس در هفته سپری شده تصویب کلیات طرح موسوم به «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» بود.

مجید انصاری معاون پارلمانی رئیس جمهور به عنوان نماینده دولت در جریان بررسی این طرح به عنوان مخالف با وارد دانستن انتقاداتی گفت : «در این طرح ستادی که 17 پست دارد، 6 نفر از وزرا و 11 نفر از مقامات دیگر، عضو این ستاد هستند. اگر مشکلی پیش بیاید از چه کسی قرار است در این ستاد در مسائل امنیتی سوال کنیم، از وزرا یا 11 مقام دیگری که عضو این ستاد هستند؟!»

معاون پارلمانی حسن روحانی با اعلام این که در طرح مذکور «اختیار وزارت کشور برای دادن مجوز ایجاد نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد گرفته شده و به ستاد امر به معروف و نهی از منکر داده شده است» خواستار ارجاع این طرح به کمیسیون مشترک مجلس و دولت برای بررسی های بیشتر شد.

اما از سوی دیگر مرتضی آقاتهرانی نماینده موافق طرح، انتقادات معاون پارلمانی دولت را «آبکی» خواند و گفت : «مسئولان دولتی مردانه بیایند به جای نقدهای آبکی، به حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر کمک کنند»

آقاتهرانی که در دولت محمود احمدی نژاد به «معلم اخلاق دولت» شهره بود در ادامه با بیان این که «زشت است که هنوز نتوانستیم سنگی را به عنوان امر به معروف و نهی از منکر بنا کنیم» گفت: «اینکه می‌گویند امنیت کشور با تصویب طرح مذکور به هم می‌ریزد، جای تعجب است، آقای وزیر کشور عضو ستاد امر به معروف و نهی از منکر در این طرح در نظر گرفته شده، بنابراین چه دلیلی دارد که در کشور هرج و مرج شود؟!»

قتل در قزوین، تذکر به وزیر آموزش و پرورش

روح‌الله عباسپور نماینده قزوین در جلسه علنی چهارشنبه در تذکری آیین‌نامه‌ای از وزیر آموزش و پرورش دولت یازدهم به شدت انتقاد کرد.

عباسپور مدیران آموزش و پرورش قزوین را به «سیاسی کاری» متهم کرد و خطاب به فانی گفت : «آقای وزیر! متأسفانه مدیرکل آموزش و پرورش استان قزوین به جای پرداختن به امر مقدس تعلیم و تربیت به دنبال اهداف سیاسی و حزبی خود است و در این راستا از ظرفیت‌های آموزش و پرورش برای مقاصد سیاسی استفاده می‌کند.»

این نماینده مجلس با اشاره به حادثه قتل در یکی از مدارس استان قزوین، عملکرد مدیرکل آموزش و پرورش استان قزوین را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «ایشان از سرنوشت فرزندان مردم غافل است تا جایی که شروری در قزوین به سادگی وارد مدرسه می‌شود و کودک دوم دبستانی را از کلاس درس خارج کرده و در محل سرویس بهداشتی مدرسه او را به قتل می‌رساند.»

وی همچنین مدعی شد که «معاون آموزش و پرورش استان قزوین در بویین زهرا یک مدرسه دولتی را در حالی که خود آموزش و پرورش نیازمند است، اشغال و مدرسه غیرانتفاعی خود را در آن مدرسه مستقر کرده است.»

تقاضای توقف روال فعلی مجلس

مجتبی رحماندوست نماینده تهران در چهارشنبه ای که گذشت در نطق میان دستور خود در صحن علنی از آن چه که «توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه و هم محروم ماندن درصد قابل توجهی از مردم از درآمدهای نفت و مالیات و زندگی بسیار فقیرانه آنها» خواند «به درگاه خدا» شکایت برد.

این نماینده همچنین افزایش استخدام در ادارات دولتی را «انفجار نیرو در دستگاه‌های دولتی و حقوق‌بگیران» نامید و نسبت به آن «اعلام خطر» کرد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس معتقد است که «نظام بانکی فعلی، کشور را به سوی پرتگاه می‌برد» و «انفجار قوانین مصوبه سی و چند ساله اخیر و امکان هرگونه تفسیر و تحلیل آنها و فقدان نظارت بر دستگاه‌های اجرایی مانع رشد کشور شده است.»

رحماندوست از نمایندگان مجلس خواست تا 2 یا 3 ماه روال فعلی مجلس را متوقف به به چند معضل کلیدی کشور از جمله «واردات کالاهای قاچاق» و «معظلات تامین داروی بیماران» پرداخته شود.

این نماینده در نطق خود علاوه بر مسائل اقتصادی به مسائل فرهنگی نیز پرداخت و با اشاره به آن چه «وضعیت نابسامان تئاتر کشور» می خواند گفت: «متاسفانه بعضا شاهد اجرای تئاترهایی در کشور هستیم که با کلمه وقیح توصیف می‌شوند و وزارت ارشاد باید تئاتر را دریابد.»

پرونده پناهجویان ایرانی به استرالیا در مجلس

مصطفی افضلی‌فرد نماینده اردبیل با اشاره به جلسه روز گذشته مشترک کمیسیون اصل 90 با برخی از مقامات وزارت امور خارجه از بررسی موضوع «پناهندگان ایرانی به استرالیا» و نیز «اجرای موافقت‌نامه‌های مربوط به استرداد مجرمین، انتقال محکومین و قضایی و کیفری» خبر داد.

دبیر کمیسیون اصل90 مجلس اعلام کرد که «در این جلسه مقرر شد تا طی مکاتبه‌ای با رئیس‌جمهور این موضوع مورد سؤال قرار گیرد که چرا آئین‌نامه اجراییه در خصوص قانون صیانت از ایرانیان خارج از کشور اجرا نمی‌شود و چرا دولت در لوایح بودجه سنواتی ردیف بودجه برای تأمین خسارات ایرانیان خارج از کشور به مجلس ارائه نمی‌کند.»

افضلی فرد در ارتباط با پناهندگان ایرانی به استرالیا نیز گفت: «مقرر شد تا اگر طبق توافقنامه ژنو این پناهندگان موردی داشتند اعلام کنند تا وزارت امور خارجه اقدامات تأمینی و حمایتی را در مورد آنان انجام دهد.»

دو تجمع اعتراضی در مقابل مجلس

این هفته شاهد تجمع اعتراضی جمعی از دانشجویان نخبه علوم پایه و پری انترنی دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، ارتش، بقیه الله، قزوین و اراک در مقابل مجلس بودیم.

یکی از این دانشجویان در بیان علت این تجمع گفت : «از امسال به علت پذیرش بالا دانشگاه‌ها قطب‌بندی شده است که ما هم اکنون دانشجویان قطب 10 هستیم.»

این دانشجو در ادامه تصریح کرد: «پایه اندازه‌گیری نخبگان 70 درصد از 5 درصد اول برگزیدگان بود که این 5 درصد اول را نخبه‌های دانشگاه تهران و شهید بهشتی تشکیل داده‌اند اما اکنون این پایه را برای سایر دانشگاه‌های قطب‌های دیگر کاهش داده‌اند و 20 نمره به آنها اضافه کرده‌اند اما برای دانشگاه‌های قطب 10 این 20 نمره لحاظ نشده است، از این رو از مسئولان خواهشمندیم نسبت به کاهش این پایه اقدام کنند.»

همچنین جمعی از کارگران اخراجی پتروشیمی ایلام در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان مقابل مجلس تجمع کردند.

این کارگران که عده ای از آنها نیز به گفته خودشان اخراج شده اند، خواستار پرداخت مطالبات قانونی خود از پتروشیمی ایلام بودند که تا کنون چند ماه است به تعویق افتاده و پرداخت نشده است.

حذف مجازات حبس از طرح افزایش نرخ باروری

نمایندگان مجلس این هفته در صحن علنی طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور اعاده شده از سوی شورای نگهبان را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

نمایندگان تبصره ماده یک این طرح را احیا کردند که در نهایت مصوب شد تا موارد تهدید سلامت جسمی را وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کند.

همچنین ماده 2 طرح مذکور نیز اصلاح شد که هرگونه تبلیغ در خصوص پیشگیری از بارداری و کاهش فرزندآوری ممنوع است.

در ادامه یک تبصره نیز به این ماده با موافقت نمایندگان اضافه شد که بیان می‌دارد، در صورت تخلف رسانه‌ها از حکم این ماده متناسب با عمل ارتکابی متخلف به مجازات‌های مندرج در ماده 35 قانون مطبوعات مصوب 22 اسفند سال 64 و اصلاحات بعدی آن محکوم می‌شود.

همچنین به گفته فتاحی نماینده ارومیه مجازات حبس که پیش از این جنجال های فراوانی به دنبال داشت در این طرح برداشته اما جرایم مالی برای آن درنظر گرفته شده است.

هفت سانحه در شش ماه

عباس قائدرحمت نماینده شهرستان درود در استان لرستان از سانحه خروج چند واگن قطار باری از ریل در محل تنگه هفت حدفاصل محدوده استان لرستان و خوزستان خبر داد.

این سانحه که با انسداد محور ریلی جنوب همراه بود، هفتمین حادثه از این نوع در شش ماه گذشته در این محور بوده که به دلیل فرسوده بودن خطوط به وقوع پیوسته است.

نماینده شهرستان‌های دورود و ازنا با انتقاد از وقوع حوادث متعدد در محور ریلی جنوب گفت : «با توجه به شرایط موجود و با هماهنگی‌های صورت گرفته با نمایندگان استان لرستان و خوزستان طرح سئوال از وزیر محترم راه و شهرسازی در دستور کار قرار می‌گیرد و باید جناب وزیر با حضور در مجلس پاسخگوی حوادث اخیر باشند.»

—

سلطانی، مطهری و پیرموذن نمایندگان خبرساز مجلس

2014-10-11 · Archive ID 6284
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6284

عرصه سوم-محمد صادقی: در هفته گذشته سلطانی، مطهری پیرموذن و آقامحمدی خبرساز ترین نمایندگان مجلس شورای اسلامی بودند و هر کدام با اظهارات خود فضای سیاسی کشور را به نحوی تحت تاثیر قرار دادند.

بابک زنجانی دنبال کودتا در ایران بود

امیرعباس سلطانی عضو کمیته تحقیق و تفحص از بدهی بابک زنجانی از متهمان فساد مالی که اکنون در زندان به سر می برد طی گفت و گویی مدعی شد که «زنجانی و تیم او به دنبال کودتای سیاسی و اقتصادی در ایران بوده اند و حالا در بررسی این پرونده به اسامی گردن کلفتی رسیده اند و به زودی نام 15 نفر از همکاران زنجانی افشا خواهد شد»

این نماینده مجلس در گفتگوی خود مدعی است که «شرایط زنجانی ایده آل است حتی از زمانی که آزاد بود هم راحت تر است. نگرانی ندارد و عواملش در وزارتخانه های مختلف و دستگاه های سیاسی و اقتصادی فعال هستند. زنجانی اکنون آزاد نیست و در زندان است اما صد نفر مانند بابک زنجانی کارهای او در بیرون از زندان را پیش می برند.»

عضو کمیته تحقیق و تفحص از بدهی بابک زنجانی در ادامه به نقل از مخبر درفولی رئیس راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور گفت که وی «خیلی تحت فشار بود که بانک پارسیان را به زنجانی بدهند برای این مساله از همه ارگان ها و نهادهای نظامی دولت تحت فشار شدیدی قرار داشت.»

سلطانی با بیان این که «زنجانی در همه مسائل به بهانه دور زدن تحریم ها نظام را دور زده است» ادعای بی اطلاعی رستم قاسمی وزیر نفت دولت دهم در این باره دارد و به نقش مستقیم محمود احمدی نژاد اشاره کرده و گفته است: «خیلی چیزها به دستور وزیر نبوده و آقای قاسمی در این زمینه مطلع نبوده است. مثلا احمدی نژاد یک بار دستور داده با این فرد یعنی زنجانی همکاری شود. رستم قاسمی هم به استناد به سخن احمدی نژاد این دستور را به معاونانش داده است و این گونه نبوده که با هر مراجعه زنجانی به وزارت نفت از وزیر اجازه گرفته باشد. به استناد سفارش رئیس جمهور وقت و وزیر کارهای او انجام می شده است.»

هشدار مطهری به روحانی: موسوی و کروبی را آزاد کنید!

این هفته علی مطهری نماینده تهران با انتقاد از این که حسن روحانی رئیس جمهوری ایران تاکنون اقدامی برای پایان حصر خانگی مهدی کروبی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد انجام نداده است طی نامه ای سرگشاده به حسن روحانی از وی خواست که به انفعال خود پایان دهد.

مطهری در نامه خود با برشمردن اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی، حصر خانگی طولانی مدت این سه چهره برجسته جنبش سبز را «غیرقانونی» دانست و گفت : «آقای روحانی، قانون اساسی برای ویترین نیست. به انفعال خود پایان دهید وگرنه به مجلس احضار خواهید شد.»

مطهری همچنین گفته است وقایع خرداد ۸۸ در ایران حکم «هلوکاست» را پیدا کرده که فقط یک سخن باید گفته شود و کسی حق تحلیل متفاوت درباره ریشه‌ها و عوامل گوناگون آن را ندارد.

این نماینده اصولگرا در نامه خود با اشاره به نزدیک بودن عید غدیر خم، از رییس جمهوری ایران خواست که به وظیفه قانونی خود عمل کرده و برای آزادی میرحسین موسوی و مهدی کروبی تلاش کند، در غیر این صورت باید منتظر طرح سوال در این باره از سوی مطهری در صحن مجلس باشد.

از بازداشت خانگی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد سه سال و هشت ماه گذشته است.

شکایت دو نماینده مجلس علیه یکدیگر

درگیری شدید هفته گذشته میان دو نماینده اصول گرای مجلس بر سر نطق پیش از دستور هنوز به پایان نرسیده تنش ها میان پیرموذن و آقامحمدی این هفته نیز فضای مجلس را تحت تاثیر قرار داده بود.

ابتدا آقامحمدی نماینده خرم‌آباد پیرامون درگیری خود با پیرموذن نماینده اردبیل وی را متهم به «جعل نامه و امضا» کرد و مدعی شد که پیرموذن طی نامه ای جعلی از جانب وی به هیئت رئیسه اعلام انصراف از نطق پیش از دستور و واگذاری وقت خود به وی گرده است.

آقامحمدی مجددا ضمن جعلی خواندن نامه منتسب به وی که توسط نماینده اردبیل به هیأت‌رئیسه مجلس داده شده، گفت : «این کار یک نوع جعل سند است و از لحاظ حقوقی نیز قابل پیگیری است که البته من هم از طریق قوه قضائیه و هم هیات نظارت بر رفتار نمایندگان موضوع را پیگیری خواهم کرد.»

از سوی دیگر نماینده اردبیل نیز اتفاقات و حوادث پیرامون نطق میان دستورش در هفته گذشته را این گونه تشریح کرد .

«در صحن علنی هفته گذشته مجلس من برای نطق اضطراری به هیأت رئیسه مجلس درخواست دادم اما اسم من به‌عنوان ناطق در نیامد. پس از آن که زمان سخنرانی ناطقان میان دستور رسید، مشاهده کردم که ابراهیم آقامحمدی به‌عنوان یکی از ناطقان در صندلی خود حضور ندارد و حتی از سید احسن علوی که در مجاورت او می‌نشیند این موضوع پرسیدم که علوی به من گفت که آقامحمدی نیست. در ادامه این موضوع وقتی اطمینان حاصل کردم که آقامحمدی در صحن علنی مجلس برای سخنرانی حضور ندارد، دست خطی نوشتم و پای آن نامه را خودم با اسم و عنوان خودم پاراف کردم، اما در آخرین دقایق نطقم، آقامحمدی آمد و برخی مطالب را بر علیه من مطرح کرد.»

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، با اشاره به شکایت آقامحمدی از وی به هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان، گفت: «این موضوع در اختیار و حق این نماینده است، اما من قطعا به‌علت توهین‌های مطرح شده در صحن علنی از آقامحمدی به این هیأت شکایت می‌کنم.»

—

پرونده حقوق بشر ایران در بررسی ادواری جهانی

2014-10-14 · Archive ID 6289
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6289

در این مکانیزم پرونده تمامی کشورهای عضو سازمان ملل هر چهار سال یکبار بطور داوطلبانه و با میانجی‌گری ۳ کشور عضو این سازمان در شورای حقوق بشر واقع در ژنو مورد بررسی ادواری قرار می‌گیرد و با پیشنهادات دیگر کشورها برای بهبود وضعیت حقوق بشر مواجه می شوند. در اولین دوره بررسی پرونده ایران در فوریه ۲۰۱۰ ، دولت ایران ۲۱۲ پیشنهاد از ۵۱ کشور دریافت کرد که ۱۲۶ پیشنهاد را پذیرفت.



31246_119789594712634_2989138_n

علاوه بر موضوعات مرتبط با اعدام، مسائل مربوط به حقوق زنان، اقلیت های جنسیتی، خبرنگاران، آزادی بیان، نواقص قانون مجازات اسلامی و شرایط پیروان آیین بهایی از دیگر موارد مطرح شده در نشست UPR INFO از سوی نمایندگان سازمان‌های ایرانی بوده است.

در روز ۳۱ اکتبر همه کشورها توصیه های خود را به ایران ارائه می دهند و بعد از این حکومت ایران باید پاسخ این توصیه ها را بدهد.

به گفته امیری مقدم «بررسی ادواری از معدود مکانیزم‌های سازمان ملل است که کشورها در آن موظف به پاسخگویی هستند و امکان گریز از این پاسخگویی وجود ندارد و این برای مردم ایران در داخل و خارج فرصت مهمی است که پاسخ حکومت را در مورد مسائل نقض حقوق بشر پیگیر باشند.»

—

به کدامین گناه؟ رنج‌نامه خانواده امیراصلانی

2014-10-15 · Archive ID 6297
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6297

عرصه سوم: دوم مهرماه ۱۳۹۳ محسن امیر اصلانی زندانی عقیدتی به اتهام تفسیر متفاوت از قران و توهین به یونس نبی، در زندان رجایی شهر کرج اعدام شد.

اعدام امیراصلانی با واکنش‌های متفاوتی همراه بود، از یک سو غلامحسین اسماعیلی در گفت وگو با سایت میزان اعلام کرده بود که: «عمل مجرمانه محسن امیر اصلانی با عنوان اتهامی ارتکاب زنای به عنف و اکراه بوده است» و از دیگر سوی دیگر وب سایت سحام نیوز با انتشار تصاویری از حکم صادره توسط دیوان عالی کشور مدعی شد که اتهام واقعی امیراصلانی «بدعت در دین» بوده است و در پروسه بازپرسی اتهامات دیگری همچون روابط نامشروع و ارتکاب زنای به عنف به پرونده او افزوده شده است.

در گزارش سحام نیوز همچنین عنوان شده است که دیوان عالی کشور حداقل دو بار حکم به غیرقانونی بودن اعدام امیراصلانی داده است اما سرانجام با پافشاری دادستان و دستور مستقیم آیت الله لاریجانی رئیس قوه قضاییه حکم اعدام وی اجرا شده است.

حال با گذشت بیش از بیست روز از اعدام محسن امیراصلانی وب سایت جرس رنجنامه‌ی را از پدر و مادر امیراصلانی را منتشر کرده است.

خانواده امیراصلانی در این رنجنامه با اشاره به اتهاماتی که به فرزندشان وارد آمده نوشته‌اند :«پیدا کردن یک یا دو شاکی برای هیچ متهمی کار سختی نیست. تهدید و فشار و وعده و عمل به وعده هم کار سختی نیست. همچنانکه برخی از شاگردان او که همزمان با وی دستگیر شده اند از فشار های سنگین بازجویان برای پذیرش برخی اتهامات در خصوص محسن سخن گفته اند!اکنون دادستانی که او را به اشد مجازات کیفرخواست کرد کجاست؟!

در تمام این هشت سال و نیم هیچ کس پاسخ انبوه سوالات ما را نداد،بارها پدر محسن را از اتاق و محوطه دادگاه بیرون کردید.بارها رئیس دفتران شما وکلای ما را به دفترتان راه ندادند.شما حتی حکم قاضی صلواتی را به ظن اینکه مورد بهره برداری در رسانه ها قرار گیرد، به ما ندادید.»

متن کامل این رنجنامه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

رنجنامه مادر و پدری داغدار

آیا برای هدایتشان کافی نیست که متوجه شوند اقوام زیادی را پیش از آنان نابود کردیم،اقوامی که حالا این ها...
در خانه آنها راه میروند؟

در این کار نشانه هایی برای خردمندان است.

سوره طاها آیه 127

سحرگاه دومین روز پاییز 93 خانواده امیراصلانی یکی از فرزندان خود را از دست داد.مرگ او نه به دلیل بیماری و نه به واسطه سانحه یا حادثه بود.

او اعدام شد.

اعدام او یکی از سخت ترین و جانکاه ترین اعدام های تاریخ 35 ساله جمهوری اسلامی بود، سخت از آن رو که هیچ نرمش و رافتی در قبال او صورت نگرفت، و جانکاه از آن رو که نزدیک 8 سال و نیم تمامی اعضای یک خانواده و محسن در دشوارترین شرایط روحی ذره ذره و قدم به قدم به مرگ او نزدیک میشدیم و هر بار با نقض آرای دهشتناک و ناعادلانه، نفسی به شادی میکشیدیم و دوباره با صدور رای اعدام بعدی جان مان به لب می رسید.روح ما 8 سال و نیم شمع آجین شد و این چنین روان و جان ما تکه تکه و آرام آرام ازهم پاشید.

اعدامی که بنا بر نظر دیوان عالی کشور در چندین نوبت بررسی و اعلام رای و مطالعه پرونده توسط تمامی حقوقدانان و وکلای منصف، بدون هیچ سند و مدرکی صورت گرفت.

اما هرگز به غیر از مجرای قانون و آیین دادرسی،اعتراضی نکردیم.هرگز به هیچ شخص و جریان و گروهی برای تظلم خواهی متوسل نشدیم الا به قانون.همان قانونی که به روشنی و صراحت ، محسن را از تمامی اتهامات وارده تبرئه و آرای صادره را نقض می کرد و... این شد نتیجه قانون مداری بی چون و چرای ما!!!

جوانی رشید و برنا، تحصیل کرده، مومن و دین پژوه، بی هیچ سوء پیشینه و سابقه ای (حتی حقوقی)،محققی قرآن شناس،آرام و سر به زیر.

در خاک کردن او ساده نبود.

اما او را در خاک کردیم.هشت سال و نیم انتظار آزادی او را کشیدیم و امیدمان را از دست ندادیم.دعا هایمان را به یاس نیالودیم، به نبودنش عادت نکردیم، در اعماق قلب و وجودمان دوباره کنار سفره جمعه های مادرمان بود، اما...فردا با ما قرار دیگری داشت.

و اکنون:

آنچه هم‌سنگ 8 سال و نیم انتظار و امید بر باد رفته ما را آزرد و می آزارد، اتفاقات بعد از اعدام او بود.

اینکه جوان رشید و برومندت را به اتهام دگراندیشی و قرائت جدیدی از دین برای همیشه در خاک کنند، در روزگار آدمیت اتفاق تازه ای نیست، از منصورحلاج و عین القضات بگیر تا گالیله و کوپرنیک.

نه ! این اتفاق تازه ای نیست.زمانی حتی گرد بودن زمین هم در کلیسای قرون وسطی مجازات و عقوبتش آتش بود. اما حقیقت این است که زمین گرد بود.

ولی آنچه پس از اعدام او درد کهنه ما را دوچندان کرد، اتهامات و افتراهایی بود که میخواست و میخواهد جوان رشید و مومن و راست کردار ما را تا حد بیجه و خفاش شب تنزل دهد.اینبار اعتبار او را نشانه رفته اند.کین و نفرت از او با بر دار کردنش انگار فروکش نکرده، حقد و حسدی که از 8 سال و نیم کشتار روح و روان و تن و جان محسن تسلا نیافته، اکنون سراغ ته مانده جسم نیمه ویران مادر و پدر و روان و قلب مجروح نزدیکانش را گرفته.

زنای به عنف؟!

آن هم در کلاس قرآن؟...آن هم از سوی مفسر قرآن؟... و لابد با علاقه مندان گرد آمده کنار درس های قرآن؟!

خداوندا پناه بر تو!

خداوندا، آدمیزاد تو با شهوت قدرت و حرص اندوخته دنیا،از حرمت کلام تو هم عبور می کند.

چقدر کج سلیقگی در انتساب افترا؟ چقدر بی حواسی درطراحی تهمت به متهم؟

کتاب های محسن را خوانده اید؟آثارش را شنیده اید؟خیل عظیم شاگردان و مریدان تحصیلکرده و کنکاشگرش را رصد کرده اید؟ با هم سلولی های او در این هشت سال و نیم حرف زده اید؟مایلید فهرست بلند بالای کسانی که با حمایت مستقیم مالی و اعتباری محسن از محکومیت های دیه و در بعضی موارد قصاص، آزاد شده اند، گردآورپم؟ خبر دارید در مقطعی که در قزل حصار بود، در دانشگاه پیام نور زندان تدریس می کرد؟ می دانید که ریاست هر دو زندان رجایی شهر و قزل حصار برای التیام تشنجات روحی برخی زندانیان از محسن و کلام اثر گذارش بارها و بارها مدد گرفته اند؟

حتما می دانید.

این آدم های محبوب خطرناکند.آدم هایی که مغناطیس وجودشان جمع بزرگی را به خود جذب می کنند. و شگفتا که از این دست معلمان و مردمان چقدر هم در زندان!

آری ، او به حوزه ای ورود کرده بود که اجازه نداشت.او به منطقه ممنوعه وارد شده بود.محسن خطوط قرمز را باور نداشت.برای اندیشیدن مرزی قائل نبود.کتاب هایش و آثارش گواه این مدعاست.

چرا حساب نکردید که آخر :

گیرم مفسر و معلم قرآن خطاکار و زانی(نعوذ به الله) علاقه مندان به شرح و تفسیر قرآن هم زناکارند؟ (استغفرالله)

لولاجآء و علیهِ بِاربَعه شُهدآءَ فاذ لَم یَاتوا بالشهدآءِ فاولئِکَ عندالله همُ الکذبون(سوره النور 14)

مگر پای قرآن وسط باشد ماجرا ها به همین سادگی و ساختگی است؟

پیدا کردن یک یا دو شاکی برای هیچ متهمی کار سختی نیست. تهدید و فشار و وعده و عمل به وعده هم کار سختی نیست. همچنانکه برخی از شاگردان او که همزمان با وی دستگیر شده اند از فشار های سنگین بازجویان برای پذیرش برخی اتهامات در خصوص محسن سخن گفته اند!اکنون دادستانی که او را به اشد مجازات کیفرخواست کرد کجاست؟!

در تمام این هشت سال و نیم هیچ کس پاسخ انبوه سوالات ما را نداد،بارها پدر محسن را از اتاق و محوطه دادگاه بیرون کردید.بارها رئیس دفتران شما وکلای ما را به دفترتان راه ندادند.شما حتی حکم قاضی صلواتی را به ظن اینکه مورد بهره برداری در رسانه ها قرار گیرد، به ما ندادید.ما متن حکمی که به واسطه آن پاره تن مان را گرفتید نداریم.ما فقط حکمی که آن حکم کذا را تایید میکرد داریم!

جناب غلامحسین اسماعیلی ، ریاست کل محترم دادگستری استان تهران، دست از این جوابیه چهار خطی کوتاه بردارید.برای خانواده داغدار ما نه.برای اذهان عمومی مشوشی که اکنون در میانه راستی مانده اند.

به نظر شما، بی شمار خیل هم میهنان و ایرانیان سرتا سر جهان که مبهوت این اعدام جانکاه پس از طولانی ترین زمان رسیدگی در تاریخ پرونده های عقیدیتی- مذهبی هستند هم مستحق توضیحات روشنگرانه شما نیستند؟

حقیقتا گمان میکنید همین چند خط که در اختیار برخی رسانه ها قرار دادید کافی است؟سوال بیشتر پرسیدن عقوبت دارد؟ یا اساسا نیازی به پاسخ دادن به اذهان عمومی نمی بینید؟

چرا در هیچ کجای پاسخ کوتاه خود، از سه بار نقض آرای صادره توسط دیوان عالی کشور(عالی ترین مرجع رسیدگی قضایی)سخن نمی گویید؟

جناب اقای افتخاری ریاست محترم وقت دادسرای کیفری استان تهران، چرا پرونده ارجاعی از شعبه 31 دیوان (که حکم کرده بود به نقض رای اعدام)به مدت14 ماه بلاتکلیف در دفتر شما ماند؟

چرا اینقدر ماند و ماند تا در یکی از بازدید های ریاست محترم قوه از دادسرای کیفری،از ایشان طلب تعیین تکلیف شد؟!مگر آیین دادرسی تکلیف سیر دادرسی را معین نکرده؟! مگر دیوان عالی کشور به عنوان عالی ترین مرجع قضا در جمهوری اسلامی، مرجع مافوق شما نیست؟ مگر به صراحت در سرپیچی شما از نظرشان نگفته اند:در متن رای دلایل ذکر شده.رای ما لازم الاتباع است رسیدگی نمایید.

جناب اقای قاضی صلواتی، چرا در مقدمه حکمتان آورده اید: سرباز فراری! دانشجوی اخراجی! و مدعی ارتباط با امام زمان !!!با همین توصیفات مقدماتی کذب ، صراط عدالت و مسند قضا را آغاز فرمودید؟

آیا این عبارات سراسر دروغ و جهت دار در مقدمه معرفی او، برای تبهکار جلوه دادن او نیست؟

آیا برای اثبات زنا شروط سه گانه :چهار بار اقرار یا چهار شاهد عادل یا مدارک و دلایل پزشکی قانونی ، لازم نیست؟

فقط با استناد به آیه 32 سوره مائده؟!

آیا غیر از این است که:حضرتعالی با شخصیت پردازی کذب از محسن(سرباز فراری، دانشجوی اخراجی، و مدعی ارتباط با امام زمان و...) و تجمیع اتهامات عقیدتی او، سعی کردید پرونده را به سمت موضوعیت افساد فی العرض و به تبع آن صلاحیت خود در رسیدگی ببرید، و موفق هم شدید.(علیرغم آنکه دیوان عالی کشور صراحتا به دلیل همین سناریو نویسی و تجمیع آرایی که منجر به صدور محکومیت قطعی شده،دادگاه انقلاب را صالح به رسیدگی نمی دانست!)

اما جناب اقای صلواتی

واقعیت این است که به گفته تمامی وکلا و مطلعین پرونده محسن امیراصلانی: در پرونده او هیچ چیزی وجود نداشت.تاکید میکنیم که " هیچ چیزی" وجود نداشت.فقط و فقط شما اعلام کردید دوخانم از او شکایت کرده اند، و از قضا جز خیالپردازی ، هیچ سند و شاهد و مدرک و ادله و برهانی هم ارائه نکردند.همین و بس.

شما 9 سال فرزند ما را حبس ودر نهایت با همین پرونده خالی اعدام کردید؟

البته وزارت اطلاعات ماه ها محسن و همسر و تعدادی از شاگردان او را در بند 209 تحت شدیدترین بازجویی ها و سلول انفرادی، قرار داد(شرایط عجیبی که همه آن ها که تجربه کرده اند معتقدند به جرم های نکرده هم اعتراف میکنی!)

اما در همین شرایط هم محسن به اتهاماتی که بر اساس آن اعدامش کردید، اعتراف نکرد.

سوال و ابهام بسیار است.

ریاست شعبه 79 دادسرای کیفری استان تهران

حضرتعالی در مقطعی پرونده محسن را با ذکرعدم صلاحیت دادسرای کیفری به دادگاه انقلاب ارجاع دادید.چگونه است که پس از رد رای صادره از دادگاه انقلاب توسط دیوان عالی کشور.شما خود را صالح به رسیدگی دانستید؟

گو اینکه اظهار نظر در خصوص صلاحیت محاکم در حوزه اختیارات شما نبوده و دیوان عالی کشور باید این را تشخیص می داد.

(همچنانکه دادیار اظهار نظر دادسرا و معاون دادستان و سرپرست دادسرای ناحیه 21 هم به این موضوع اشاره کرده اند و در پرونده این اختلاف نظر و بسیاری اختلاف نظر های دیگر هم هست)

حضرت آیت الله لاریجانی، مگر نه اینکه حق استفاده از ماده 18 و نفس شریف آن بر گرفته از حدیثی منسوب به امیرالمومنین است که می فرمایند: اگر 100 گناهکار مجازات نشوند بهتر از آن است که یک بی گناه مجازات شود؟و مگر نه اینکه حسب تبصره 2 ماده 18 پس از پایان دادرسی و صدور حکم قطعی می توانستید در آن

حکم قطعی تشکیک کنید؟کدام حکم قطعی شما را به اعمال ماده 18 در میانه دادرسی وادار کرد ؟و اساسا مگر هنوز حکم قطعی وجود داشت؟ شما در حالی برای محسن درخواست اعمال ماده 18 کردید که پس از ارجاع به شعبه هم عرض برای رسیدگی مجدد، هنوز هیچ حکم قطعی از سوی این شعبه صادر نشده بود و این به روشنی خلاف نص صریح قانون است.

حضرت آیت الله، تبصره 1 ماده 18 خلاف بیّن شرع را چنین توصیف کرده است:

مراد از خلاف بیّن این است که رای بر خلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون یا مخالف مسلمات فقه باشد.

کجای رای شعبه 31 دیوان بر خلاف نص قانون بود؟ و کجای آن با فقه و شریعت در تناقض بود؟

ریاست محترم قوه قضاییه، مگر نه اینکه قانون و شرع این اختیار را به حضرتعالی تفویض کرده تا بی گناهی خدای ناکرده در مملکت اسلامی بردار نشود؟ چه اصراری داشتید که رای برائت دیوان را بشکنید و او را بردار کنید؟

ریاست محترم شعبه 13 دیوان

مگر نه اینکه حکم شما با عنوان " دستور تجویز اعاده دادرسی از ریاست قوه قضاییه" صادر شده است؟

اینکه رای 8 سال قبل دادگاه انقلاب عینا تایید شود، به معنای "اعاده دادرسی" است؟!

شما در تایید و ابرام رای 8 سال قبل دادگاه انقلاب فرموده اید:

رای دادگاه انقلاب براساس محتویات پرونده و دلایل موجود، طبق موازین شرعی و قانونی صادر گردیده است!

منظورتان دقیقا از محتویات پرونده چیست؟ ادعا و خیالپردازی و دسیسه همان 2 خانم؟!(بدون سند و شاهد و اقرار و پزشکی قانونی) یا موضوعات مربوط به بدعت در دین؟!(که در دادگاهی قبلا خاتمه یافته و محکومیت آن هم سپری شده) محتویات پرونده واقعا چه چیزی بوده؟

منظورتان از موازین شرعی و قانونی ، مشخصا کدام ماده قانونی است؟(چرا که قاضی صلواتی فقط با استناد به آیه 32 سوره مائده، محسن را به اعدام محکوم کردند!)

انصافا و شرعا و قانونا، این است معنای " اعاده دادرسی"؟

اینکه در یک پاراگراف مختصر، عینا رای 8 سال قبل دادگاه انقلاب تایید شود؟آن هم حکمی که به تفصیل توسط دیوان عالی کشور نقض شده و 11 صفحه ایرادات شکلی و ماهوی و قانونی و حتی شرعی از آن گرفته شده؟

و چرا با گذشت یک سال و پنج ماه از تایید رای قاضی صلواتی در شعبه 13 ، این روز و زمان مهم را برای اعدام او انتخاب کردید؟(دقیقا روز سخنرانی ریاست جمهوری در مجمع عمومی سازمان ملل)

و آیا این روند طولانی و اصرار شخص آیت الله لاریجانی در تایید رای اعدام و همزمان کردن آن با موضوعات منطقه ای و بین المللی حاوی پیام روشن و مشخصی نیست؟

مگر نه اینکه تمام این اتهامات تا قبل از دستگیری مرحوم اتفاق افتاده بوده؟چرا ماه ها بعد پرونده جدید زنای به عنف برای او تشکیل شد؟ چرا از همان ابتدا این اتهام جدید را مطرح نکردید؟

و از سویی دیگر،چرا موارد اتهامی " بدعت در دین و..." که در نهایت در شعبه 31 دادگاه تجدید نظر استان تهران منجر به صدور حکم قطعی شد، و به کمال از سوی متهم تحمل کیفر شد، دوباره تماما (و با اضافات چشمگیری از همان دست اتهامات) در رای اعدام و زنا آورده شده؟ آن هم در حکمی که با عبارات کذب و جهت داری مثل : سرباز فراری، دانشجوی اخراجی، مدعی ارتباط با امام زمان و...شروع می شود!

و آیا این عبارت در حکم قاضی معتمدی ریاست محترم شعبه 79 دادگاه کیفری که میفرمایند:"...این قرائن دلالت بر وضعیت و شخصیت خاص مجرمانه متهم دارد!" جز مغالطه ای در جهت مشوح نمودن ذهن قاضیان است؟

انصافا هم حکمی که با گزارش کذب وزارت اطلاعات و عباراتی نظیر: سرباز فراری، دانشجوی اخراجی، مدعی ارتباط با امام زمان و ... شروع و ترکیبی از خرافه گرایی و تمایلات حیوانی را به فردی نسبت دهد، دلالت بر شخصیت خاص و مجرمانه دارد!

اما حقیقت ماجرا اینست که:

جوانی جسور و کنکاشگر، محققی دین پژوه ، روانشناسی معلم و مشاور، نویسنده و اندیشمندی تحصیلکرده با انبوهی از تالیفات و تشریحات، برآمده از خانواده ای فرهنگی و دیندار به هیچ صراطی بدل به خفاش شب و سعید حنایی نخواهد شد.حتی با تکرار مداوم تیتر های دروغینی چون:جنایتکاری با ده ها شاکی خصوصی(روزنامه کیهان مورخ5/7/93)

دیدی ای دل که غم عشق دگربار چه کرد

چون بشد دلبر و با یار وفادار چه کرد

آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت

آه از آن مست که با مردم هشیار چه کرد

در پایان

از تمامی ایرانیان آزاده و حقیقت جو که از اقصی نقاط کشور و جهان با پیام های تسلیت و الطاف مهربانانه شان، با تاج گل های عطرآگینشان، با حضور و محبت بی دریغشان،با تلفن ها و پیام های همدردی شان، این درد طولانی و جانسوز را برای ما تحمل پذیر کردند، خاضعانه تشکر میکنیم و دست های مهربان شان را میفشاریم و رها نمیکنیم که ما بعد از خدا، جز همین مهربانی ها چیزی نداریم.

۲۲ مهرماه ۱۳۹۳

عزت امیراصلانی زنجانی، شمسی قلیچ خانی

پدر و مادر مرحوم محسن امیراصلانی

—

از مرگ ماهی‌ها تا حادثه سراوان در مجلس

2014-10-16 · Archive ID 6302
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6302

عرصه سوم-محمد صادقی: در هفته ای که گذشت جلسه‌ای علنی در مجلس شورای اسلامی جلسه برگزار نشد و نمایندگان برای سرکشی به حوزه های انتخابیه خود مراجعه کرده بودند.

مجلس از روز یکشنبه 27 مهر بار دیگر نشست‌های علنی خود را از سر خواهد گرفت و این جلسات تا روز چهارشنبه هفتم آبان‌ماه به مدت 2 هفته ادامه خواهد یافت.

سپس نمایندگان بار دیگر برای سرکشی به حوزه‌های انتخابیه می‌روند و مجلس از روز شنبه ۱۰ آبان تا شنبه ۱۷ آبان نشست علنی نخواهد داشت.

خبرگزاری فارس ، محاسبه کرده که اگر هفته‌های سرکشی نمایندگان مجلس به حوزه‌های انتخابیه هفته‌های عدم برگزاری نشست‌های علنی پارلمان محسوب و پنجشنبه و جمعه ها را به آن اضافه کنیم، در این صورت نمایندگان، 30 روز طی سه ماه اصلاً در مجلس حضور ندارند!

در این شرایط و در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، با احتساب تعطیلات تابستانی نمایندگان مجلس طی یک سال کاری (۱۲ ماه) حدود ۴ ماه نشست علنی ندارند، بر این اساس نمایندگان طی یکسال کاری، تنها 8 ماه برای انجام وظایف نمایندگی مانند قانونگذاری به مجلس می‌آیند.

اما با وجود عدم تشکیل جلسه علنی مجلس در هفته گذشته سفر علی لاریجانی به ژنو، مصاحبه های شماری از نمایندگان با رسانه ها و چند گزارش تخصصی از سوی مرکز پژوهش های مجلس از جمله مسائل مرتبط با پارلمان بود که به آن خواهیم پرداخت.

نصف بودجه به بهارستان رفت!

غلامرضا کاتب سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس "۱۵ آذرماه" جاری را زمان ارائه لایحه بودجه سال ۹۴ از سوی دولت به مجلس برای طی مراحل قانونی اعلام کرد .

از یکشنبه هفته آینده نیز مجلس برای رسیدگی به احکام ثابت قوانین بودجه سنواتی هر روز در ۲ یا چند شیفت کاری تشکیل جلسه علنی خواهد داد.

دولت ۱۸ مرداد ۹۳ لایحه "الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت" که همان احکام ثابت قوانین بودجه سنواتی است را تقدیم مجلس کرد و کمیسیون برنامه و بودجه نیز این لایحه را به تصویب رساند.

تاخیرهای طولانی و مکرر در ارائه لایحه بودجه سالانه کشور از جمله چالش های دولت نهم و مجلس شورای اسلامی در طی سال های اخیر بود که منجر به درگیری‌هایی میان محمود احمدی نژاد رییس دولت سابق و علی لاریجانی رییس مجلس هشتم و نهم شد.



حادثه سراوان رحمانی فضلی را به مجلس کشاند

امیر خجسته نماینده همدان و رئیس کمیسیون امور شوراهای مجلس از احضار عبدالرضا رحمانی‌فضلی وزیر کشور در هفته آینده در مجلس خبر داد.

قرار است وزیر کشور دولت حسن روحانی در این جلسه به سؤالات 10 نفر از نمایندگان پاسخ دهد.

به گفته رئیس کمیسیون امور شوراهای مجلس رحمانی‌فضلی همچنین در این نشست توضیحاتی در زمینه عملکرد این وزارتخانه درباره وضعیت امنیت مرزها و حوادث اخیر سراوان ارائه خواهد داد.

از سویی محمداسماعیل کوثری نماینده تهران نیز در گفت‌وگو خبرگزاری فارس، از جلسه هفته آینده کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی درباره حوادث اخیر سراوان و کشته شدن تعدادی از پرسنل نیروی انتظامی خبر داد.

هفته گذشته فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان جزئیات حمله گروهک های تروریستی به یک پاسگاه مرزی در منطقه سراوان را تشریح کرد.

حسین رحیمی با اشاره به حمله خمپاره‌ای صبح پنجشنبه گذشته ساعت ۷ صبح به یک پاسگاه مرزی در منطقه سراوان گفت: «به دنبال حمله دو روز گذشته گروهک‌های معاند و تروریستی، ماموران نیروی انتظامی با حضور در منطقه تعدادی از عوامل این گروهک را دستگیر کردند. اما پس از دستگیری‌های انجام شده این گروهک‌ها اقدام به حمله خمپاره‌ای به یک پاسگاه مرزی در منطقه سراوان کردند که متاسفانه یک درجه‌دار نیروی انتظامی به شهادت رسید و یک سرباز نیز مجروح شد.»

لاریجانی در ژنو: به لبنان کمک با کیفیت کردیم!

علی لاریجانی رئیس مجلس ایران در حاشیه یکصدوسی‌ویکمین اتحادیه بین‌المجالس جهانی در سوییس در نشست خبری با حضور خبرنگاران خارجی شرکت کرد.

لاریجانی درباره مذاکرات هسته ای ایران و گروه 5+1 با اعلام آن که «باید توجه کرد که ایران دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و بارها این موضوع را مطرح کرده است»، گفت : «در حال حاضر در مورد تعداد سانتریفیوژها اختلاف‌نظرهایی وجود دارد که فکر می‌کنم رفتار چانه‌زنی برای این مذاکرات مفید نیست و مشکلی را حل نخواهد کرد.»

لاریجانی همچنین درباره درگیری‌ها در عراق و سوریه با گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی (داعش)، با اشاره به این که «از قبل هم قابل پیش‌بینی بود که صرفاً با بمباران هوایی نمی‌توان با این گروه‌ها مقابله کرد.» گفت: «بعید می‌دانم با تدابیری همچون اجاره پادگان در ۲ کشور مشکل به وجود آمده ناشی از گروه داعش حل شود، بلکه باید کشورهای منطقه کمک تسلیحاتی به گروه داعش را قطع کنند.»

لاریجانی در پاسخ به سؤال خبرنگاری در مورد کمک بلاعوض ایران به ارتش لبنان و کیفیت این کمک‌های نظامی تصریح کرد: «کمک نظامی به ارتش لبنان آنقدر از کیفیت برخوردار است که از آن در منطقه استفاده کرده و پیشرفت کرده است.»

رئیس مجلس ایران درباره حمایت جمهوری اسلامی از سوریه و دولت بشار اسد نیز گفت: «ما نمی‌گوییم دموکراسی در سوریه کاملا ایجاد شده است، اما این دموکراسی بسیار کامل‌تر از کشورهایی است که مجلس نداشته و از دوستان آمریکا هستند و یا مجالسی قلابی دارند.»

طرح شنود تلفنی اسلامی!

سعید حیدری طیب، نماینده کرمانشاه، از آماده شدن طرحی با امضای ۸۲ نفر از نمایندگان درباره موضوع «شنود تلفن شهروندان» خبر داد .

حیدری طیب با بیان این که «در موضوع شنود باید کارگروهی در هر استان تشکیل شود و یکی از نمایندگان مجلس در هر استان در این کارگروه عضو شود.» هدف از تشکیل کارگروه ویژه را این چنین توضیح داد: «اگر درخواستی برای شنود ارائه شد، شورای تامین هر استان مواردی مانند دلایل شنود، مدت زمان شنود و تجهیزات شنود را بررسی کند.»

نماینده کرمانشاه می گوید که «تصمیم گیرنده نهایی درباره شنود قاضی است» اما با تشکیل کارگروه پیشنهادی باید نظارت دقیق صورت گیرد.

تیر ماه سال گذشته علی مطهری نماینده مجلس از کار گذاشتن «دستگاه‌های مختلف استراق سمع و فیلمبرداری» در دفتر کار خود خبر داد و گفت این اقدام از سوی «یک نهاد اطلاعاتی» صورت گرفته است. ساعاتی پس از انتشار این خبر، وبسایت علی مطهری از دسترس خارج شد.

علی مطهری در وبسایت شخصی خود به نقل از رئیس کلانتری محل نوشت که دو نفر از افرادی که وارد دفتر کار او شده بودند، دستگیر و «به اطلاعات ناجا» تحویل داده شدند، اما یک نفر «فرار» کرده بود.

وی این اقدام را «نقض آشکار و گستاخانه حقوق شهروندی» توصیف کرده و افزوده است: «زمانی که با یک نماینده شناخته شده مجلس اینگونه رفتار می کنند، معلوم نیست چه ظلم هایی در حق مردم عادی روا داشته می‌شود.»

دانشگاه فرهنگیان زیر ذره بین مجلس

دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارشی وضعیت و عملکرد دانشگاه فرهنگیان را مورد بررسی قرار داد.

در این گزارش آمده که «با توجه به اهداف اساسی پنج گانه و وظایف مهم ده گانه این دانشگاه و گذشت دو سال از فعالیت آن با بررسی به عمل آمده ضروری است تکلیف متقاضیان هیات علمی سریع‌تر روشن شود و با توجه به مشکلات فضاها، بین تعداد دانشجو با رشته‌های مورد نیاز و فضاهای آموزشی تناسب برقرار شود، بازنگری اساسی در سرفصل‌ها و محتواهای دروس یکی دیگر از ضرورت‌هاست. فرهنگیان دارای مدرک دکتری و کارشناسی ارشد در جذب هیات علمی و در چارچوب ضوابط جذب هیات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در اولویت باشند.»

دانشگاه فرهنگیان در دی ۱۳۹۰، در دوره ریاست محمود احمدی نژاد بر دولت با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و با تجمیع کلیه مراکز تربیت معلم سراسر ایران تأسیس شد و از سال ۱۳۹۱ شروع به کار کرد.

معلمان شاغل به تحصیل در این دانشگاه هم‌واره انتقاداتی نسبت به عملکرد مدیران این دانشگاه داشته اند.

مشکلات فضای دانشگاه شامل مواردی مانند عدم وجود برنامه‌های فرهنگی و فوق برنامه، عدم برخورد مناسب مسئولین دانشگاه با دانشجویان، عدم برنامه‌ریزی صحیح آموزشی و... از جمله این موارد است.

به گفته برخی از دانشجویان این دانشگاه «فضای نقد در این دانشگاه وجود ندارد و هر زمان دانشجویان می‌خواهند موضوعی را مطرح کنند یا حتی پیشنهادی داشته باشند تهدید به برخورد حراستی و گزینشی می‌شوند.»

تلاش مجلس برای وصول 25 هزار میلیارد تومان معوقات بانکی

مصطفی افضلی‌فرد نماینده اردبیل در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، اعلام کرد که گزارش پرونده مربوط به "معوقات بانکی" در کمیسیون اصل نود نهایی شده و در جلسه یکشنبه هفته آینده رأی‌گیری نهایی در مورد این گزارش در کمیسیون انجام می‌شود.

به گفته دبیر کمیسیون اصل نود مجلس «در طول زمان بررسی این پرونده جلسات متعددی با مدیران بانک‌های دولتی و خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری برگزار و برآیند این جلسات در گزارش ذکر شده و همچنین پیشنهاداتی مبنی بر اینکه ادامه کار به چه صورتی باشد ارائه شده است.»

افضلی فرد هدف اولیه کمیسیون را «وصول 25 هزار میلیارد تومان از مطالبات بانک‌ها از بدهکاران» اعلام کرد و گفت: «در مرحله اول جلساتی با 100 نفر از بدهکاران بالای 50 میلیارد تومان و مسئولان بانک‌های دولتی و خصوصی و نیز مقامات وزارت اقتصاد و بانک مرکزی برگزار شد که تاکنون حدود 4 هزار و 100 میلیارد تومان از مطالبات بانک‌ها وصول و حدود 8 هزار میلیارد از این مطالبات تعیین و تکلیف شده و در مواردی استمهال و در مواردی نیز به بدهکاران فرصت داده شده است.»

بررسی مرگ 2 میلیون ماهی در سد فشافویه

در هفته ای که گذشته مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش دیگری نیز منتشر کرد.

دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارسی فاجعه زیست محیطی «تلف شدن ماهیان سد خاکی فشافویه شهرستان ری» را مورد بررسی قرار داد و نامناسب بودن «شرایط زیستی آبگیر سد فشافویه برای پرورش ماهیان» را از مهم ترین آنها اعلام کرد.

در این گزارش آمده است که «با وجود تأکیدات فرمانداری ری مبتنی بر توقف فعالیت، اقدامی در این خصوص از سوی بهره بردار و مدیریت شیلات استان صورت نگرفته و مجوزهای قبلی نیز تمدید شده است.»

مرکز پژوهش های مجلس اعلام کرده که «در حال حاضر با توجه به شرایط موجود و آلودگی بالقوه منابع تامین آب ، آبگیر سد فشافویه به هیچ وجه شرایط لازم را برای پرورش ماهی نداشته و حتی در مورد مصارف کشاورزی نیز مورد تردید است.»

سوم اردیبهشت امسال رییس اداره محیط زیست شهرستان ری از مرگ حدود 2 میلیون قطعه ماهی در سد فشافویه در پی رهاسازی فاضلاب خام یک شهرک مسکونی خبر داد.

محسن شوکتی در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) با بیان اینکه «در سد فشافویه پرورش کپورماهیان، آمور، ماهی آزاد، سیلور و ... انجام می‌شود»، گفته بود: «متاسفانه تا امروز حدود 2 میلیون قطعه ماهی مرده از این سد جمع‌آوری شده است از سوی دیگر کل سد که وسعتی حدود 200 هکتار دارد به شدت آلوده شده است و آب آن دیگر قابل استفاده نیست.»

—

همراه با نمایندگان خبرساز مجلس

2014-10-17 · Archive ID 6316
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6316

مهدی هاشمی را علنی محاکمه کنید!

عرصه سوم-محمد صادقی: در هفته ای که مجلس به دلیل عدم تشکیل جلسه علنی تعطیل بود، ۷ نفر از نمایندگان در این فرصت طی نامه‌ای خطاب به قاضی مقیسه قاضی دادگاه مهدی هاشمی رفسنجانی فرزند رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ، ضمن درخواست برای برگزاری علنی دادگاه رسیدگی به اتهامات وی، عدم برگزاری علنی این دادگاه را باعث بروز خساراتی دانستند.

در این نامه که به امضای احمد توکلی، محمد دهقان، اسماعیل کوثری، الیاس نادران، حسین نجابت، رضا آشتیانی و احمد امیرآبادی رسیده با اشاره به اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی مبنی بر برگزاری علنی دادگاه و بلامانع بودن حضور افراد در جلسات محاکمه آمده است: «به نظر می‌رسد هیچ کدام از موجبات غیرعلنی بودن دادگاه در مورد این پرونده وجود نداشته و از این رو، برگزاری غیرعلنی جلسات دادگاه، وجاهت قانونی نداشته باشد.»

این نامه می افزاید: «در این پرونده، اتهاماتی متوجه فرزند یکی از مقامات با سابقه انقلاب اسلامی شده است. مردم حق دارند با کسب اطلاع به موقع از متن کیفرخواست و دفاعیات متهم، در این مورد که این اتهامات تا چه اندازه درست یا نادرست است، به داوری بنشینند. »

هفت نماینده اصولگرای مجلس یکی از آفات غیرعلنی کردن دادگاه و آن چه که «سکوت اجباری رسانه‌ها» خوانده اند را «طرح دعاوی مبهم از سوی طرفداران متهم» دانسته و گفته اند «به عنوان مثال، یکی از وکلای محترم آقای مهدی هاشمی در مصاحبه با رسانه‌ها، کیفرخواست را بی اساس و مسخره خوانده است؛ همچنین این ادعای شگفت آور مطرح شده است که آقای مهدی هاشمی از حیث دخالت در پرونده استات اویل متهم

نیست. در حالی که اسنادی که به پیوست تقدیم می شود، توجه اتهام به آقای مهدی هاشمی را در ماجرای استات اویل به روشنی نشان می دهد که البته این دادگاه است که باید نسبت به آن حکم کند.»

اظهارات صعود الفصیل به خاطر کهولت سن است!

علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در حاشیه مراسم درگذشت دختر حجت‌الاسلام تقوی رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه که در مسجد نور میدان فاطمی برگزار شد صعود الفصیل وزیر امور خارجه عربستان سعودی را به عدم تعادل روحی به دلیل «کهولت سن و بیماری» متهم کرد.

بروجردی در پاسخ به سوالی درباره اظهارات سعودالفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی مبنی بر اشغالگر بودن جمهوری اسلامی ایران گفت : «فکر می‌کنم این اظهارات به دلیل کهولت سن و بیماری آقای سعودالفیصل باشد.»

قاضی پور، نعمت زاده را به مناظره طلبید!

در ادامه اعتراض های نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه به عملکرد نعمت زاده وزیر صعنت دولت یازدهم این هفته قاضی زاده در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس با اشاره به «بی‌انضباطی‌های مالی صورت گرفته در صنعت خودروسازی کشور»، گفت: «از حدود 4 سال قبل که موضوع کاهش قیمت و افزایش کیفیت خودروها مطرح و توسط نمایندگان مورد پیگیری قرار گرفت، مشخص شد که برخی افراد هستند که حتی آدرس شرکت‌های ایران خودرو و سایپا را بلد نیستند اما از این شرکت‌ها حقوق‌های میلیونی دریافت می‌کردند.»

این نماینده اعلام آمادگی کرده تا در بحث قیمت و کیفیت خودرو با وزیر و معاون وزیر صنعت و همچنین مدیر گروه خودروسازی سایپا و ایران خودرو مناظره کند.

همچنین علی علی‌لو نماینده شبستر نیز از «شنیده‌ها» درباره هزینه نیم‌میلیارد تومانی اینترنت دو نفر از مدیران شرکتهای خودروسازی گفته است .

علی لو با بیان این که «مستنداتی در این خصوص به دست وی نرسیده است» اما با این حال معترض است که در گزارش تحقیق و تفحص مجلس از صنعت خودروسازی کشور به این موضوع پرداخته نشده است.

گفته شده که «اینترنت این مدیران از نوع ماهواره‌ای بوده که هزینه آن برحسب دلار محاسبه شده و اکانت این نوع اینترنت قابل رد یابی نیز نبوده است.»

—

از روز جهانی غذا تا اعلام حمایت دولت از سمن‌ها

2014-10-18 · Archive ID 6322
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6322

سی هزار نفر در ایران تحت پوشش برنامه جهانی غذا هستند

عرصه سوم: روز ۱۶ اکتبر مصادف با ۲۴ مهرماه، روز جهانی غذا نام گرفته است. سازمان ملل امیدوار است که روزی شمار گرسنگان جهان به صفر برسد. رویایی که گویا هنوز تا تحقق آن فاصله ها بسیار است. هنوز صدها میلیون انسان بر روی کره زمین گرسنه سر بر بالین می نهند.

طبق گزارش "وضعیت ناامنی غذایی جهان در سال ۲۰۱۴" جمعیت کل گرسنگان جهان با کاهش ۳۷ میلیون نفری به ۸۰۵ میلیون نفر رسیده است. در این گزارش همچنین آمده است: ۶۳ کشور توانسته‌اند به اهداف جهانی خود در زمینه کاهش آمار گرسنگی تا پیش از سال ۲۰۱۵ میلادی دست یابند. این آمار گواه بر این است که پیشرفت زمانی میسر است که دولت‌ها، سازمان‌های بشردوستانه و بخش خصوصی دست به دست هم داده تا تغییر پایدار حاصل شود."

به گزارش وب سایت فارسی برنامه جهانی غذا، این برنامه در ایران به حدود ۳۰ هزار نفر از آسیب پذیر ترین قشر پناهندگان افغان ساکن۱۹ مهمانشهر کمک های غذایی می نماید.



نگار گرامی

بنا به همین گزارش نگار گرامی، نماینده برنامه جهانی برای غذا در ایران می‌گوید: " از سال ۲۰۰۹ میلادی گندم مورد نیاز پروژه ایران برای کمک غذایی بهپناهندگان را از داخل کشور خریداری کرده ایم تا با این کار سهم کوچکی در تقویت اقتصاد محلی داشته باشیم و نیز کشاورزان ایرانی را حمایت کنیم."

او همچنین تاکید می کند: «برنامه جهانی غذا درایران همواره به دنبال راهکارهای نوین بوده است تا جوامع محلی را در ماموریت نجات جان انسان ها با خود همراه سازد. امسال ما با برپایی نمایشگاه " هنر انسان دوستی"، مجموعه ای با بیش از ۱۰۰ اثر هنری از هنرمندان پیشکسوت و جوان به بزرگداشت روز جهانی غذا را گرامی می داریم.»

برگزاری بازارچه خیریه خانه خورشید

خانه خورشید بازارچه حمایت از مادران و کودکان آسیب دیده و بی سرپناه را با همکاری انجمن اسلامی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار می کند.

خانه خورشید با انتشار این خبر در وبسایت خود اعلام کرده است که درآمد حاصل از فروش محصولات بازارچه برای اجاره مسکن و خرید وسائل زندگی چند نفر از زنان و کودکانشان هزینه می شود.

خانه خورشید فعالیت خود را از اواخر سال ۱۳۸۵ در محله دروازه غار تهران – یکی از محلات کمتر توسعه یافته پایتخت - آغاز کرد و به عنوان اولین مرکز گذری کاهش آسیب اعتیاد زنان ، در محله ای پر آسیب ، مکانی برای ارائه خدمات درمانی حمایتی و بهداشتی به زنان تبدیل شد. هدف اصلی و مهم خانه خورشید کاهش آسیب های فردی و اجتماعی سوء مصرف کنندگان مواد مخدر و محرک و بیماری های ناشی از آن برای زنان مصرف کننده است.

وبسایت خانه خورشید همچنین در بخش معرفی خود می نویسد که برنامه کاهش آسیب برای زنان مراجع و تلاش برای بازگشت آنان به جامعه و خانواده ، فعالیت های خانه خورشید را به مرور وارد حوزه های حرفه آموزی و اشتغال زایی نیز کرده است.

این بازارچه روزهای ۲۷ ام تا ۲۹ مهرماه و از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۸ عصر برگزار خواهد شد. مکان این بازراچه نیز دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران واقع در خیابان انقلاب است.

اردوی "انجمن صرع ایران" در رامسر

انجمن صرع ایران اردویی دو روزه برای اعضای خود در شهر شمالی رامسر برگزار کرد.در این اردو که در روزهای میانی مهرماه برگزار شد ۳۷ تن از اعضای این انجمن حضور داشتند.

انجمن صرع ایران که یک نهاد غیر دولتی است از سال ۱۳۷۴ فعالیت های خود را با هدف حمایت از بیماران صرع آغاز کرد. این انجمن تلاش بر پیشگیری عمومی صرع و کمک به بهبود روش های تشخیصی – درمانی صرع دارد. همکاری در بازتوانی جسمی ، روانی ، اجتماعی بیماران و کمک به ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی بیماران از اصلی ترین اهداف این انجمن مردم نهاد عنوان شده است.

فاطمهٔ عباسی، کارشناس مسئول واحد روابط عمومی انجمن صرع ایران در مورد هدف از برگزاری اردوی رامسر، در مصاحبه‌ای با واحد خبر این انجمن گفت: «این اردو به دلیل درخواست مکرر اعضا برای برگزاری اردوهای بیش از یک روز ، برنامه ریزی شد.»

وی افزود : «پیش از این یکی از آژانس های گردشگری پیشنهاد برنامهٔ سفر یک روزه به شمال کشور و استفاده از تله کابین را مطرح کرده بود، اما انجمن پس از بررسی آن، احتمال داد این برنامهٔ فشرده احتمال بروز تشنج و نارضایتی اعضا را به دلیل خستگی افزایش خواهد داد. لذا تصمیم گرفت یک برنامهٔ دو روزه ترتیب دهد تا اعضا ضمن لذت بردن از سفر، خسته نیز نشوند.»

عباسی در مورد هزینهٔ اردو نیز گفت: «هزینهٔ دریافتی از اعضا مبلغ یک میلیون ریال بابت بیمه، اتوبوس، خوراک، اقامت در خوابگاه و تله کابین بود که کمتر از هزینهٔ تمام شده بود و انجمن ناچار به پرداخت ده میلیون ریال سوبسید برای برگزاری این اردو شد.»

کودکان کار متولی ندارند/ دولت از سمن ها حمایت می کند

به گزارش خبرگزاری ایرنا معصومه ابتکار رئیس سازمان محیط زیست هفته گذشته با حضور در حمایت از کودکان کار کودکان را با ارزش محیط زیست، حیوانات و آب آشنا کرد.

ابتکار در جمع کودکان داستان حضرت نوح، ساخت کشتی و نجات حیوانات و انسان ها را بیان کرد و گفت: جنگ، نامهربانی انسان ها با یکدیگر، حیوانات و طبیعت، غرور و خودخواهی انسان ها و سرپیچی از فرمان خداوند منجر به

قهر خدا شد.

رئیس سازمان محیط زیست همچنین در جمع اعضای هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار با بیان اینکه حمایت از کودکان به ویژه کودکان کار که آسیب دیدگان شرایط اجتماعی هستند، کاری انسانی است، گفت: بی شک سازمان های مردم نهاد بهتر از مسوولان دولتی می توانند در این حوزه فعالیت کنند و به رفع چالش ها و کاهش فاصله های اجتماعی بپردازند.

وی تاکید کرد: البته لازمه این کار ایجاد فضایی امن بدون نگاه امنیتی به تلاش های فعالان اجتماعی و مدنی و برخورداری آن ها از حمایت های دولتی در زمینه های مختلف است که خوشبختانه دولت در همین راستا تلاش می کند.

معاون رییس جمهور یکی از نقاط مثبت و قوت دولت یازدهم را اهمیت قائل شدن برای فعالیت سازمان های مردم نهاد به واسطه آگاهی از نقش آن ها در اصلاح چالش های موجود در کشور دانست و افزود: به تازگی لایحه ای از سوی دولت در خصوص تقویت سازمان های مردم نهاد درحال تنظیم است که امیدواریم هرچه زودتر این لایحه به تصویب برسد تا سمن ها از پشتوانه و جایگاه قانونی محکمی برخوردار شوند.

انجمن حمایت از کودکان کار از نخستین گروه های غیردولتی است که با هدف حمایت از کودکان کار در ایران تاسیس شده است و هم اکنون ۵ مرکز آموزشی در شهرتهران و بم را اداره می کند

دنیای انیمیشین نمی تواند جای قصه گویی را بگیرد

به گزارش ایرنا فریدون عموزاده خلیلی رییس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان کشور با اشاره به گسترش انیمیشن و سرگرمی های دنیای دیجیتال، گفت: دنیای دیجیتال و انیمیشین های امروزی نمی توانند جای قصه گویی را بگیرند و تاثیر آن را داشته باشند.

عموزاده خلیلی هفته گذشته در جشن "پدربزرگ ها و مادربزرگ ها سلام" در تالار تئاتر شهر سمنان افزود: امروز انیمیشین‌های مختلف و سرگرمی‌های دنیای دیجیتال جای قصه گویی‌های پدربزرگ‌ها را گرفته اند و بچه‌ها انیمیشن را به قصه شنیدن ترجیح می‌دهند.

وی با بیان اینکه اصلی ترین دلیل جذاب نبودن قصه گویی برای کودکان امروزی نداشتن مهارت از سوی پدربزرگهای نسل فعلی دانست و خاطرنشان کرد: «پدربزرگ‌های نسل قبل بر قصه گویی و رموز قصه گویی و سرگرم کردن کودکان تسلط بیشتری داشتند و کودکان نیز به همین دلیل علاقه بیشتری به قصه شنیدن داشتند».

—

مردم محلی ۱۰ قلاده خرس را در ارسباران کشتند

2014-10-18 · Archive ID 6330
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6330

عرصه سوم: با فرا رسیدن فصل سرما و کمبود منابع غذایی احتمال نزدیک شدن حیوانات وحشی به روستاها و شهرها افزایش یافته است. این فرایند هر سال پس از بارش‌های سنگین برف یا تگرگ در مناطق کوهستانی با نزدیک شدن گله‌های قوچ و میش و کل و بز و دیگر حیوانات به روستاها و شهرها و کناره جاده‌های پر تردد همراه بوده است.

اما این بار، بنا به گفته محمدرضا مسعود رییس نظارت بر حیات وحش محیط زیست استان آذربایجان شرقی، سردی هوا و کمبود مواد غذایی در جنگل‌های ارسباران حادثه آفریده است.

به گفته محمدرضا مسعود: «متاسفانه به دنبال کمبود مواد غذایی در جنگل های ارسباران، حیواناتی چون خرس به روستاهای اطراف حمله ور شدند و روستاییان این مناطق برای در امان ماندن از تعارض ، تاکنون اقدام به کشتن 10 خرس کردند.»

وی با بیان اینکه به دلیل کمبود مواد غذایی در جنگل های مناطق شمالی استان چون ارسباران، حیواناتی چون خرس به روستاهای آن مناطق حمله ور شدند، اظهار کرد: به دنبال سرما زدگی اکثر جنگل های استان در اوایل سال جاری و بارش مکرر تگرگ تولیدات و میوه های جنگلی کاهش یافته است و در سال جاری مواد غذایی حیواناتی چون خرس با کمبود مواجه شده است.

وی تاکید کرد: خشکسالی، کمبود تولیدات جنگلی و مواد غذایی علت اصلی هجوم و تعارض این حیوانات به روستاهای مناطق جنگلی بوده است و هجوم آنها باعث خسارت به باغ و دام های روستاییان شده است.

رییس نظارت بر حیات وحش محیط زیست استان آذربایجان شرقی از روستاییان خواسته است «در صورت هجوم حیوانات وحشی چون خرس از کشتن آنها پرهیز کنند و هنگام نزدیک شدن این حیوانات به باغات و روستاها، به واحدهای محیط زیستی اطلاع دهند.»

به گفته این مقام مسئول «افراد خیر و تشکل های محیط زیستی که می خواهند به نحوی با دادن آذوقه به این حیوانات کمک کنند و از کشته شدن آنها جلوگیری کنند، باید قبل از اقدام با واحدهای محیط زیستی برای تغذیه این حیوانات هماهنگ کنند و به دلیل خطرناک بودن این حیوانات و تاثیر نوع تغذیه در آینده آنها، نباید این افراد خودسرانه اقدام به تغذیه این حیوانات کنند.»

خرس قهوه‌ای یکی از بزرگترین گوشتخواران کره زمین است که در شمال آسیا، اروپا و آمریکا زندگی می‌کند و یکی از ساکنین اصلی جنگل‌های ارسباران به شمار می‌رود.

سام خسروی فرد روزنامه‌نگار و کارشناس محیط زیست در پاسخ به این پرسش عرصه سوم «که چرا خرس‌ها و بسیاری دیگر از گوشتخوارن در ایران این چنین کشته می‌شوند؟» می‌گوید: «دقت دارید که این شکار نیست. کشتن جانوران است که می‌تواند دو علت داشته باشد؛ که یکی ترس و خرافه‌های رایج است و دیگری تعارض با جامعه محلی است».

خسروی فرد معتقد است برای جلوگیری از تکرار این حوادث «نخست باید جوامع محلی را آموزش داد که باورهای خرافی را کنار بگذارند. طبعا این کار زمان می‌برد. می‌توان سازوکاری بوجود آورد که بر مبنای آن چنانچه جانوری به اموال مردم صدمه زد، دولت آن را جبران کند. در مقاطعی سازمان محیط‌زیست چنین کاری کرده است. مثل پرداخت غرامت به کشاورزان استان یزد که «هوبره» محصولاتشان را خورده بود یا غرامتی که برای حمله احتمالی یوز درنظر گرفته شده است. علاوه بر همه این‌ها مشکل دیگری نیز وجود دارد و آن از بین رفتن زیستگاه جانوران است. وقتی خانه و کاشانه جانوران از بین رفته و وقتی غذایی در دسترس‌شان نیست طبیعی است که برای پیدا کردن غذا به باغ‌ها یا گله‌ها و کندوهای روستاییان دستبرد می‌زنند.»

سام خسروی فرد تلاش برای حفاظت از خرس‌ها در طبیعت را بسیار مهم و ضروری می‌داند و می گوید: «خرس‌ها می‌توانند محل درآمد زایی هنگفتی باشند از راه اکوتوریسم. همان‌طور که در کانادا هستند. اما این جانوران نقش مهمتری نیز در طبیعت دارند. با خوردن دانه میوه‌ها باعث زادآوری گیاهان جنگلی می‌شوند. به علاوه به علت همه‌چیز خوار بودن‌شان در کنترل جمعیت جانوران و حتی حشراتی که به صورت دسته جمعی زندگی می‌کنند نقش به سزایی دارند.»

—

اصفهان تا اطلاع ثانوی امن نیست!

2014-10-21 · Archive ID 6336
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6336

ترور زنان ایرانی را متوقف کنید!

عرصه سوم: اصفهان تا اطلاع ثانوی امن نیست، برای پی بردن به این موضوع نیاز به اعلام وضعیت اضطراری از سوی مقامات مسئول نیست، کافی است اخبار روزها و هفته‌های اخیر را مطالعه کرده و سری به شبکه‌های اجتماعی بزنید.

آنچه که در یک نگاه حاصل می‌شود، موج ترور زنان در خیابان‌های اصفهان و ناتوانی مقامات نظامی و انتظامی در تامین امنیت جامعه است.

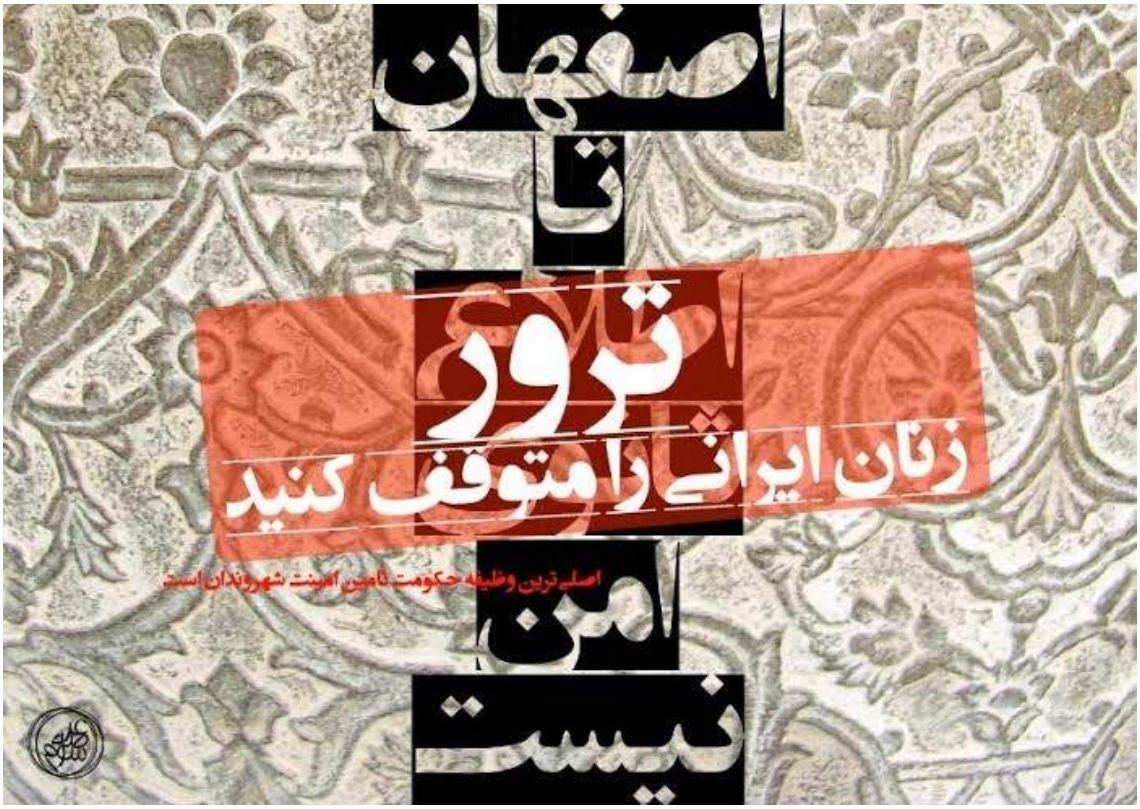
در حالی که از چند روز پیش گزارش‌های متعددی پیرامون حملات سازماندهی شده چند موتور سوار اسید پاش در اصفهان منتشر می‌شد و مقامات پلیس آنها را رد می‌کردند سرانجام روز دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۳ غلامحسین

محسنی‌اژه‌ای سخنگوی قوه قضاییه اسیدپاشی‌های اخیر در اصفهان را اقدامی ناجوانمردانه، جنایتکارانه و خشن عنوان کرد و خواستار اشد مجازات برای آنها شد.

به گزارش ایسنا، محسنی اژه‌ای در نشست خبری خود با خبرنگاران ضمن رد این موضوع که دلیل اسید پاشی‌ها برخورد با بد حجابی است، گفت :«ما مرتکبین این امر را تحت تعقیب قرار می‌دهیم و امیدواریم که هرچه زودتر آن‌ها دستگیر شوند و با فوریت به این پرونده رسیدگی شود.»

همچنین امروز دوشنبه مرتضی میرباقری قائم مقام وزیر کشور خبر از دستگیری سه تا چهار نفر به عنوان متهم در رابطه با پرونده اسید پاشی داده است.

این در حالی است که یک شنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۳ در اظهاراتی متناقض سردار عبدالرضا آقاخانی فرمانده نیروی انتظامی استان اصفهان در مصاحبه با بخش خبری ۲۰:۳۰ ، تعداد اسیدپاشی در استان اصفهان را از ابتدای سال ۹۳ تا امروز تنها ۴ مورد اعلام کرد و مدعی شد که گروهی در این مسیر شایعه سازی می‌کنند.



unnamed

اما در سوی دیگر خبرگزاری هرانا در گزارشی تعداد قربانیان اسیدپاشی در اصفهان را ۱۵ نفر اعلام کرده‌است.
هرچند هنوز تاریخ دقیق آغاز این حملات خیابانی مشخص نیست، اما به نظر می‌رسد پلیس سانسور خبری شدیدی در این رابطه ایجاد کرده و قصد دارد فعلا از اطلاع رسانی دقیق درباره ابعاد ماجرا جلوگیری کند، هر چند مشخص نیست این ممانعت به خاطر شرایط پیچیده این پرونده امنیتی و در جهت کمک به یافتن مجرمان است یا صرفا سرپوشی است بر افکار عمومی.

همچنین وب سایت محلی زندگی سالم نیز روز یک شنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۳ و به نقل از یک شاهد عینی خبر از اسید پاشی به سه دختر جوان و مرگ آنی یکی از آنها داده است: «زمانی که با پدرم به سمت خیابان مرداویج می رفتیم شاهد تجمع عظیمی از مردم بودیم که در لحظه اول فکر کردم تصادفی شده اما با نزدیک شدن به محل، ماموران نیروی انتظامی و اورژانس را دیدیم که اعلام کردند به سه دختر، اسیدپاشی شده است... حین انتقال

دختران به بیمارستان، مشاهده کردم که روی قفسه سینه یک نفر از آنها اسید پاشیده شده که در دم جان باخته بود.»

عدم شفافیت مسئولین و عدم پیگیری به موقع این حوادث باعث شده‌است بازار «اخبار تایید نشده» در اصفهان بیش از پیش داغ شود و روایت‌های مختلفی روزانه در رسانه‌ها انشار یابد؛ یک شهروند اصفهانی در مصاحبه باخبرگزاری آنا گفته‌است:« شب گذشته در تصادف یک خودرو با موتورسواری در خیابان مهرداد که چهارمین اسید پاشی اتفاق افتاد، مردم چند نفر را با بطری های اسید پیدا کردند که در درگیری رخ داده بین مردم و مظنونان، موتورسوران به کلانتری محل منتقل شدند اما هنوز خبری از آنها در دسترس نیست. همچنین شایعه شده است که صبح امروز در خیابان شیخ صدوق شمالی اصفهان، یک مورد اسیدپاشی دیگر رخ داده است اما هنوز منابع رسمی، انتظامی و قضایی این خبرها را تایید نکرده‌اند.»

گروهی از کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز با انتشار فراخوانی درفیسبوک از مردم اصفهان خواسته‌اند صبح روز چهارشنبه ۳۰ مهر ماه ساعت ۱۰ صبح در مقابل دادگستری این استان حاضر شده و اعتراض خود را نسبت به این حوادث به گوش مسئولان برسانند.

آنچه مسلم است دیر یا زود مسببین واقعی این حوادث تلخ شناسایی خواهند شد و ماجرای تروریست اسیدی اصفهان به پایان می‌رسد اما در این میان آنچه از خاطر مردم پاک نخواهد شد، سستی و ناتوانی نهادهای امنیتی کشور است. نهادهایی که سالانه میلیاردها تومان از سرمایه مملکت را به عنوان دفاع از امنیت ملی به خود اختصاص می‌دهند و به جای تامین امنیت مردم مشغول شناسایی کاربران فیسبوک و جمع آوری آنتن‌های ماهواره از پشت بام ها هستند.

—

مجلسی مقابل همه؛ از تنش با دولت تا نقض حریم ملت

2014-10-23 · Archive ID 6345
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6345

تنش میان مجلس و دولت

عرصه سوم-محمد صادقی: در کمال ناباوری لایحه مهم «احکام ثابت لوایح بودجه سنواتی» که هفته گذشته از سوی دولت یازدهم جهت تصویب به مجلس نهم ارسال شده بود با مخالفت نمایندگان مواجه شد و پس از بحث و جدل های فراوان و با وجود دقاع نوبخت نماینده دولت از این لایحه اما سرانجام به تصویب نرسید تا چالش میان مجلس اصولگرا و دولت اعتدال گرا به نقطه حساس خود برسد.

در جریان بررسی این لایحه پس از سخنان موافقان ابتدا علیرضا خسروی نماینده سمنان در مجلس به عنوان اولین مخالف کلیات این لایحه «اساسی‌ترین ایراد» آن را اصلاح مجموعه ای از قوانین دانست که «اصلاح آن در صلاحیت کمیسیون های تخصصی است اما مجلس نقشی برای این کمیسیون ها در نظر نگرفته است»

همچنین خسروی معتقد بود که بخشی از این لایحه با سیاست‌های رهبر جمهوری اسلامی «ناسازگار» است و به گفته وی این موضوع «جای تأمل دارد.»

«کاهش اختیارات وزرا» و «افزایش اختیار معاونت نظارت راهبردی رئیس‌جمهور» نیز از دیگر ایراداتی بود که خسروی به آن وارد کرد.

احمد توکلی نماینده تهران در مجلس نیز در سخنانی به عنوان دومین مخالف کلیات لایحه مذکور با کنایه گفت : «لایحه مذکور کلیات ندارد زیرا 50 قانون کشور را قرار است با این لایحه اصلاح کنیم»

این نماینده اصول گرا پیشنهادات وارد شده به مواد این لایحه را در جهت تامین منافع گروه های خاص دانست.

«نحوه قیمت‌گذاری‌های پتروشیمی» و «نحوه فروش مایملک دولت» دو موردی بود که توکلی معتقد بود در جهت تامین منافع جریان های خاصی در لایحه گنجانده شده است.

به گفته این اقتصاددان «این لایحه اجازه استخراج به دستگاه‌های دولتی داده است که بدون شک اگر تاکنون دولت و شرکت‌های دولتی بدهکار می‌شدند حال با تصویب این لایحه ادارات آموزش و پرورش نیز بدهکار می‌شوند.»

حسن کامران نماینده اصفهان نیز به عنوان آخرین مخالف، دو ایراد اساسی به این لایحه را «گرایش به سمت تقویت ثروتمندان» و «حذ برخی تسهیلات ایثارگران» دانست .

نمایندگان مجلس در نهایت، با 104 رأی موافق، 94 رأی مخالف و 10 رأی ممتنع از 224 نماینده حاضر در جلسه کلیات لایحه اصلاح بخشی از مقررات مالی دولت را به تصویب نرساندند.



farhangnews_91712-268954-1410612491

مجلس معروف و منکر را تعریف کرد

در روزهایی که حادثه اسیدپاشی به دختران و زنان در شهر اصفهان فضای جامعه را به شدت ملتهب کرده بود طرحی به نام «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» در دستور کار مجلس قرار داشت.

نمایندگان در مرحله اول ماده یک این طرح را به تصویب رساندند که به موجب آن عبارات «معروف و منکر» از سوی نمایندگان تعریف شده است.

طبق این بند «در این قانون معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل و قول و یا ترک فعل و قولی که بر شرع مقدس، قوانین و عرف متشرعه مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.»

به موجب تبصره این ماده «در موارد اختلاف در احکام شرعی، نظر ولی امر مسلمین ملاک عمل است.»

نمایندگان در ادامه جلسه رسیدگی به طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر با پیشنهادی مبنی بر صدور مجوز برای دفاع مشروع آمرین به معروف مخالفت کردند.

احمد سالک از روحانیان نزدیک به آیت الله مصباح یزدی پیشنهادی را مطرح کرد که به موجب آن «اگر مرتکب منکر یا تارک معروف اقدام به ضرب یا جرح یا قصد قتل آمر یا ناهی را داشته باشد ، دفاع مشروع مجاز است»

این پیشنهاد سالک به رای مجلس گذاشته شد و نمایندگان با آن مخالفت کردند.

از جمله مهمترین مواد این طرح که بحث و جدل های فراوانی به همراه داشت موضوع تعیین حریم خصوصی شهروندان بود که سرانجام با تصویب نمایندگان، اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست و امر به معروف می‌تواند در آن صورت گیرد.

پای اسیدپاشی به مجلس باز شد

به دنبال حادثه اسید پاشی در شهر اصفهان از روز یکشنبه این موضوع در دستور کار مجلس قرار گرفت که با واکنش های متفاوتی از سوی نمایندگان همراه بود.

ابتدا محمدرضا خباز معاون تقنینی معاونت پارلمانی ریاست جمهوری روز یکشنبه به مجلس رفت و طی سخنانی در صحن علنی با اشاره به موضوع اسیدپاشی روی صورت زنان در اصفهان گفت : «شاهد بودیم که چه اتفاقی در اصفهان افتاد، اخیراً اسیدپاشی روی صورت خانم‌ها در اصفهان شروع شده است، ما هم بدحجابی را تأیید نمی‌کنیم، ولی رفتار بازدارندگی سبب می‌شود تا از حیث انتفاع ساقط شود.»

اما در ادامه این جلسه میرهادی قره سید رومیانی نماینده تبریز در مجلس نیز در پاسخ به خباز گفت : «موضوع اسیدپاشی روی صورت خانم‌ها در اصفهان یک توطئه علیه یک خانم محجبه بوده است، خلط مبحث نکنید.»

از سوی دیگر عباسعلی منصوری آرانی یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی اسید پاشی به صورت زنان در اصفهان را چالش برای صنعت توریسم در این شهر و ضربه به اقتصاد این استان دانست.

این نماینده با اعلام این که «ممکن است دست‌های پشت پرده سیاسی از جمله سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه نیز در بروز این پدیده شوم اجتماعی نقش داشته باشند.» گفت : «برخی سعی دارند این موضوع را به بحث حجاب و عفاف و اشاعه فریضه امر به معروف و نهی از منکر مرتبط بدانند که این دقیقآ شبیه اقداماتی است که داعش در عراق و سوریه به دنبال اجرای آن است و با انجام کارهای خلاف شرع در بروز چهره خشن از اسلام تلاش می‌کند.»

همچنین در اعتراض به این حادثه تلخ و نا امنی های ایجاد شده در جامعه جمعی از تشکل‌های حامی زنان پیش از ظهر چهارشنبه مقابل مجلس تجمع کردند .

تجمع‌کنندگان شعارهایی همچون «مرگ بر داعشی‌های ایران»، «اسیدپاشی جنایت، قانونگذار حمایت» و ... سرمی‌دادند و خواستار توجه ویژه مجلس و مقام های مسئول به این معضل شدند.

دو تن از قربانیان به همراه چند چهره سیاسی مانند محمد نوری زاد، نرگس محمدی و نسرین ستوده نیز در این تجمع اعتراضی شرکت کردند.

در مجلس اما لاله افتخاری نماینده اصولگرا در گفت و گو با خبرنگاران درباره تجمع زنان در مقابل مجلس گفت: «بعضی تجمعات و اقدامات هدایت‌شده صورت می‌گیرد و ما امیدواریم این تجمع نیز مانند تجمع علیه لایحه خانواده نباشد که عده‌ای ساک‌شان را بسته بودند و جلوی مجلس بسط نشسته بودند که وقتی با چند نفر از نمایندگانشان صحبت کردیم گفتند ما هنوز اصلاً لایحه را مطالعه نکرده‌ایم.»

وی با تأکید مجدد بر پیگیری مجلس درباره مسئله اسیدپاشی در اصفهان، گفت: «ما به ریشه‌یابی موضوع نیز پرداخته‌ایم اما دلیلی ندارد با سروصدا و جار و جنجال وظیفه نمایندگی را انجام دهیم.»

ادامه تجمع‌های اعتراضی در مقابل مجلس

شمار تجمع های اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی این هفته افزایش یافت.

در ابتدای هفته جمعی از مالباختگان شرکت «دیار خودرو» بامداد مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

یکی از تجمع‌کنندگان به خبرنگار فارس گفت که شرکت دیار خودرو که محصولات خود را به صورت لیزینگی به فروش می‌رساند، بیش از یک سال است که مبلغ 50 تا 60 میلیون تومان از آنها دریافت کرده تا خودرویی را به آنها تحویل دهد، اما به تعهدات خود عمل نکرده است.

به گفته تجمع‌کنندگان، شرکت دیار خودرو اقدام به کلاهبردرای از مشتریان خود کرده است.

همچنین جمعی از دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد نیز در اعتراض به تغییر شیوه برگزاری امتحان پیش کارورزی مقابل مجلس تجمع کردند.

به گفته تجمع‌کنندگان در گذشته امتحان پیش کارورزی توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برگزار می‌شد که اکنون این آزمون از سوی دانشگاه آزاد از متقاضیان گرفته می‌شود.

طبق اظهارات تجمع‌کنندگان با واگذاری مسئولیت برگزاری آزمون پیش کارورزی به دانشگاه آزاد رنج پذیرش دانشجویان بیش از نرم کشوری شده و شرایط سخت‌تری پیش روی افراد قرار خواهد گرفت.

روز دوشنبه 28 مهر نیز جمعی از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش با تجمع مقابل مجلس نسبت به عدم اجرای نظام جامع هماهنگ پرداخت حقوق مصوب سال 86 به بازنشستگان آموزش و پرورش اعتراض کردند.

به گفته یکی از بازنشستگان این وزارتخانه قانون نظام جامع هماهنگ پرداخت حقوق و مزایا مصوب سال 86 تأکید دارد که حقوق افراد باید بر اساس نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی افزایش پیدا کند، این در حالی است که این قانون پس از گذشت 7 سال درمورد بازنشستگان آموزش و پرورش اجرایی نشده است.

همچنین به گفته یکی دیگر از تجمع کنندگان، بیمه طلایی بازنشستگان آموزش و پرورش تنها در مواردی که نیاز به بستری در بیمارستان باشد کارایی داشته و بازنشستگان ناچار هستند که هزینه‌های درمانی را خود پرداخت کنند

در انتهای هفته نیز علاوه بر تجمع زنان در اعتراض به حادثه اسید پاشی زنجیره ای به زنان و دختران اصفهانی، جمعی از کارگران مراکز مخابرات روستایی، نیز بار دیگر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

این عده خواستار اجرای کامل بند 86 قانون بیمه کارگزاران مخابرات روستایی مصوبه مجلس و دریافت حقوق و مزایای قانونی بر اساس قرارداد مستقیم طبق ضوابط و شرایط مقرر در قانون کار هستند.

به گفته یکی از تجمع‌کنندگان، آنها هفت ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، در حالی که درآمد دیگر و نیز بیمه شغلی ندارند.

آنها که پیش از این نیز چند بار اقدام به تجمع در خصوص مطالبات خود کرده بودند، از استان‌های مختلف کشور همچون کردستان، سیستان و بلوچستان، گیلان و تبریز هستند.

احضار و تذکر؛ سهم کابینه از مجلس!

در هفته سپری شده باز هم احضار وزرا به بهارستان و تذکرهای کتبی و شفاهی نمایندگان به اعضای کابینه دولت روحانی ادامه داشت که از جمله مهمترین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد :

احضار وزیر کار، درباره «علت عدم پرداخت بخشی از حقوق فرهنگیان بازنشسته» و همچنین درباره «علت عدم اجرای قانون جامع حمایت از معلولین».

احضار وزیر صنعت، در زمینه «علت بی‌توجهی به ظرفیت‌های معدنی کشور».

احضار وزیر کشور درباره «علت عزل و نصب‌های گسترده در وزارت کشور».

همچنین حمید چیت چیان وزیر نیرو و بیژن زنگنه وزیر نفت به منظور پاسخ‌گویی به سوالات نمایندگان هفته آینده در کمیسیون انرژی حضور خواهند یافت.

حسین دهقان، وزیر دفاع نیز در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی حضور خواهد یافت و به سوالات چهار نفر از نمایندگان پاسخ خواهد داد.

کمیسیون اجتماعی مجلس نیز، هفته آینده میزبان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواهد بود.

همچنین تذکرات کتبی نمایندگان به حسن روحانی رییس جمهور و اعضای کابینه وی نیز که از سوی هیأت رئیسه قرائت شد به شرح زیر است:

دو تذکر به رئیس جمهور در مورد «علت سیاست انقباضی دولت نسبت به دانشگاه پیام نور» و تذکری دیگر که خواستار «تعیین تکلیف پذیرفته‌شدگان آزمون‌های استخدامی استانداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی و مدرسان حق‌التدریس» شد.

تذکر به وزیر اقتصاد در مورد «اجتناب سازمان امور اقتصادی در برخورد سلیقه‌ای با شرکت‌های مختلف تولیدی در اخذ مالیات بر ارزش افزوده».

تذکر به وزیر ورزش و جوانان خواستار «بررسی دقیق علت شکست‌های مفتضحانه تیم ملی فوتبال امید ایران در بازی‌های آسیایی 2014».

تذکر به وزیر آموزش و پرورش درباره «بررسی علل وجود تبعیض در مدارس و وجود دانش‌آموزان پولی، غیرپولی در یک مدرسه».

تذکر به وزیر ارتباطات در مورد «علت فیلتر شدن سایت خبری انتخاب».

تذکر به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای «بررسی عملکرد ناصواب خبرگزاری ایرنا در امور مجلس» همچنین تذکرهایی دیگری در «ضرورت برخورد و جلوگیری از تک‌خوانی زنان در مجامع عمومی» و «عدم نظارت جدی بر عملکرد سازمان اوقاف و عدم جدیت در ممانعت از تخلفات عدیده این سازمان».

تذکر به وزیر صنعت در خصوص «ضرورت برخورد با گرانی افسارگسیخته اقلام غذایی مورد نیاز مردم».

تذکر به وزیر امور خارجه پیرامون «لزوم حفظ امنیت مرزهای شرقی کشور و برخورد و تذکر به مسئولان کشوری پاکستان برای ممنوعیت تردد تروریست‌ها از مرزهای این کشور»

وکیل مهدی هاشمی تهدید کرد، امضاها زیاد شد!

پس از انتشار نامه 7 تن از نمایندگان مجلس خطاب به قاضی مقیسه ای که درآن خواستار علنی بودن دادگاه محاکمه مهدی هاشمی فرزند رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام شدند این هفته نیز حمید رسایی نایب رئیس کمیسیون اصل 90 در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، از افزایش امضاهای نامه نمایندگان به مقیسه ای قاضی دادگاه مهدی هاشمی رفسنجانی پیرامون برگزاری علنی دادگاه وی به 110 امضا خبر داد.

به گفته حمید رسایی «این نامه در ابتدا به امضای هفت تن از نمایندگان رسیده بود و بعد از آن به امضای 30 تن رسید، اما بعد از آنکه وکیل مهدی هاشمی اعلام کرد قصد شکایت از هفت نماینده‌ای را دارد که نامه درخواست علنی شدن دادگاه را امضا کرده‌اند برخی از نمایندگان نیز با مراجعه خواستار امضای نامه مذکور شدند.»

رسایی با اشاره به «ضبط جلسات دادگاه مهدی هاشمی رفسنجانی» پخش مشروح جلسات دادگاه برای مردم را درخواست امضاکنندگان نامه اعلام کرد.

رسایی در خصوص ادعای وکیل مهدی هاشمی مبنی بر شکایت از امضا کنندگان گفت: «ما تعداد امضاها را زیاد کردیم و طبعا پیگیری شکایت از 110 نماینده به جای هفت نماینده اگر برای ما آب نداشته باشد، برای وکیل مهدی هاشمی حتما نان دارد.»

شرایط استخدام و انتصاب افراد در مشاغل خاص

کمیسیون اجتماعی مجلس هفته گذشته مصوبه مهمی در رابطه با نحوه استخدام و انتصاب افراد در مشاغل مختلف داشت.

بر اساس ماده یک این طرح «کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند در انتصاب افراد به مشاغل حساس ضمن احراز شرایطت خدمت نظام وظیفه عمومی یا پایان خدمت با معافیت دائم برای مردان نسبت به ضوابط ذیل از وزارت اطلاعات استعلام و نتایج آن را در انتصاب خود اعمال کنند، در صورت عدم استعلام یا انتصاب برخلاف استعلام صورت گرفته متخلف مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرد.»

در ماده 2 این طرح آمده است که انتصاب اشخاص زیر به تصدی پست‌ها و مشاغل حساس ممنوع است.

- منتصبین به رژیم سابق و کسانی که جهت تحکیم مبانی آن رژیم نقش مؤثر و فعال داشته‌اند.

- کسانی که به جرایم مجازات خیانت در امانت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاه و تصرف غیر قانونی اموال عمومی محکومند.

- وابستگان تشکیلاتی به احزاب، سازمان و گروه‌های معاند و غیرقانونی و همچنین فرق ضاله و مروجین افکار انحرافی به عرفان‌های کاذب و محکومین به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و حدود شرعی.

- مظنون و مرتکبین جاسوسی به نفع بیگانگان و ارتباط با اتباع بیگانه رغم نفی مستند مراکز امنیتی و اطلاعاتی.

- راه اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی ضد انقلاب و ارتباط مستمر با آنها علیه نظام و فعالین در انتشار آثار مستهجن در فضای مجازی و ...

- معتادان به مواد مخدر و روانگردان و محکومین به قاچاق مواد مخدر، روانگردان، سلاح و مهمات جنگی.

—

نمایندگان خبرساز؛ از هشدار به وزیر ارشاد تا نامه به جنتی

2014-10-24 · Archive ID 6353
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6353

هشدار مجلس به وزیر ارشاد درباره اکران 8 فیلم

عرصه سوم-محمد صادقی: در هفته‌ای که گذشت برخی نمایندگان مجلس با اقدامات و اظهارات خود راس اخبار قرار گرفتند. کماکان هشدار نمایندگان مجلس به علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم نسبت به آن چه «ممانعت از نمایش فیلم های مرتبط با فتنه 88» می خوانند ادامه دارد.

در تازه ترین تهدید ها نصرالله پژمان فر یکی دیگر از نمایندگان روحانی مجلس به وزیر ارشاد هشدار داد که «اگر فیلم‌هایی نمایش داده شوند که در چارچوب خطوط قرمز نباشند و ضوابط قانونی را رعایت نکنند، طبیعتاً مجلس در برابر آن عکس‌العمل نشان خواهد داد.»

هفته گذشته احمد سالک رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در نامه‌ای به علی جنتی وزیر ارشاد درباره اکران 8 فیلم به وی هشدار داده بود.

سالک در توضیح جزئیات نامه خود به وزیر ارشاد گفته بود «از ایشان خواستیم تا این 8 فیلم در کشور اکران نشود و از اکران سراسری آن نیز جلوگیری شود، قصه‌ها، عصبانی نیستم، آشغال‌ها از جمله این فیلم‌ها هستند.»

اما علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد دولت حسن روحانی نیز در واکنش به این نامه گفته بود : «لابد فتنه را ایشان معنا می‌کنند. به ما که تاکنون کمیسیون چیزی نگفته است، ممکن است یک عضو کمیسیون مطالبی را بیان کرده باشد.»

جنتی با بیان این که «در اینباره ما بر اساس تشخیص خودمان عمل می‌کنیم» گفته بود «قرار نیست هرکسی برای ما تعیین تکلیف کند که فیلمی را نمایش دهیم یا نمایش ندهیم.»



105704_329

باید به جا و به موقع پارازیت بیاندازیم!

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس معتقد است که «ارسال پارازیت ها بر روی امواج ماهواره ای ضروری است» اما «وزارت ارتباطات باید جلوی ضررهای پارازیت را بگیرد.»

مرتضی حسینی با انتقاد از مسئولان فرهنگی و اعلام این که «از یک طرف اجازه می‌دهیم ماهواره‌ها هر چیزی می‌خواهند پخش کنند و از طرفی فرهنگ‌سازی هم نمی‌کنند.» خطاب به دولت یازدهم گفت : «دولت یک سال است روی کار آمده و شعار می‌دهد که این را باید کنار بگذاریم و فرهنگ سازی کنیم؛ خب، فرهنگ سازی کن!»

این عضو کمیسیون فرهنگی درباره ارسال پارازیت نیز می گوید: «بحث این است که ما ضمن این‌که باید در بخش فرهنگ کارمان را انجام دهیم نباید بخش سخت‌افزاری را رها کنیم، باید به جا و به موقع پارازیت بیاندازیم نه هرجا و هر کجا.»

حسینی در پاسخ به ضررهای پارازیت و خطر آن برای سلامتی مردم نیز گفته است: «اگر جایی ضرر داشته باشد مخابرات و دیگران که تخصص دارند باید جلوی ضرر را بگیرند و می‌توانند این کار را انجام دهند، ما خبر داریم که وزارت ارتباطات می‌تواند این کار را انجام دهد که ضررش کمتر باشد و جلوی خیلی از این ماهوارهای مستهجنی که به خانواده‌ها حمله کرده گرفته شود.»

هجمه نمایندگان به صداوسیما در پی شوخی با مجلس

گزارشی طنز از قطع میکروفن مجلس هنگام پخش سرود جمهوری اسلامی در نشست مشترک مجلس و دولت که در روز پنجشنبه گذشته در برنامه «صرفاً جهت اطلاع» بخش خبری بیست و سی پخش شد، واکنش های تند نمایندگان مجلس علیه صدا و سیمای جمهوری اسلامی را در بر داشت و نمایندگان سیاست های عزت الله ضرغامی رییس سازمان صدا و سیما را مورد شدیدترین انتقادها قرار دادند.

در واکنش به گزارش پخش شده در صداوسیما، این بار تارنمای خانه ملت ارگان رسمی مجلس شورای اسلامی با شماری از نمایندگان مجلس درباره سیاست های صداوسیما گفتگو کرد.

کمال‌الدین پیرموذن، نماینده اردبیل با اعلام این که «رسانه ملی به رسانه ضرغامی تبدیل شده است.» گفت: «به سخره گرفتن سرکشی نمایندگان ملت به حوزه های انتخابیه در تعطیلات مجلس و مسخره کردن یک مشکل کوچک در ابتدای مراسم نشست مشترک مجلس و دولت قابل توجیه نیست.»

پیرموذن با انتقاد از تبلیغات نامتعارف در صداوسیما گفت: «این رسانه تنها به فکر کسب درآمد بوده و توجهی به سلامت مردم ندارد بعضا در چند وقت اخیر دیده شده بسیاری از شرکت های کلاهبردار به راحتی در رسانه ملی تبلیغ می کنند و مدیران عالی این سازمان از نظارت بر امور عاجز هستند.»

ایرج ندیمی دیگر نماینده مجلس نیز با انتقاد نسبت به عملکرد صداو سیما، با اشاره به تمسخر قطع میکروفن مجلس هنگام پخش سرود ملی درنشست مشترک دولت و مجلس، با بیان این که «درست نبود آن اتفاقی که در یک فضا و زمان محدود رخ داد و علنی هم نبود برای همه ملت پخش شود» گفت : «نمی توان بر روی تمسخر و تحقیر و دست انداختن اسم نقد گذاشت و این از رذایل اخلاقی است.»

ندیمی همچنین برخی برنامه های صدا و سیما را که به نام طنز پخش می شود «لودگی» خواند.

حقیقت پور دیگر نماینده اردبیل نیز در رابطه با برنامه طنز صرفا جهت اطلاع در شبکه دو سیما گفت: «مگر آقایان درصدا و سیما مبرا هستند و کم اشکال دارند ؟ مگر در برنامه هایشان کم تپق می زنند و عدم هماهنگی دارند؟ آیا ما باید اشکالات رئیس و مسئولان سازمان صداوسیما را به سخره بگیریم؟»

حقیقت پور با اعلام اینکه «زمام امور صداو سیما دراختیار طیف و جریان خاصی است» گفت: «چرا صداو سیما باید یک قوم را مسخره کند تا بقیه بخندند؟ چرا هرجا می خواهند یک شخصیت را خرفت نشان دهند از لهجه آذری استفاده می کنند؟ آیا دانشمند فقیه و مجاهد آذری نداریم ؟»

نامه جنجالی مطهری به احمد جنتی

به دنبال اظهارات احمد جنتی دبیر شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی در برنامه تلویزیونی شناسنامه که در آن اعدام نشدن میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو کاندیدای معترض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم و از چهره های برجسته جنبش سبز را نشانه مهربانی و لطف نظام جمهوری اسلامی به این دو دانسته بود، علی مطهری، نماینده تهران در مجلس، در نامه سرگشاده‌ای به احمد جنتی، وی را متهم کرد که از محاکمه میرحسین موسوی و مهدی کروبی «هراس» دارد و «نگران روشن شدن برخی حقایق است که تبلیغات چندساله را نقش بر آب خواهد کرد»

دبیر شورای نگهبان در برنامه تلویزیونی "شناسنامه" با کنایه به علی مطهری گفته بود «افرادی که خواستار پایان رفع حصر از موسوی و کروبی هستند نه درک سیاسی دارند و نه درک انقلابی و نه در امام و رهبر تسلیم هستند... این گونه افراد این مسئله را که عوام الناس کوچه بازار ما دریافتند درک نکردند و آن این که حرکت آن ها با حمایت و پشتیبانی جدی آمریکا و اسراییل بوده است.»

علی مطهری در نامه خود به جنتی بار دیگر ادامه حصرخانگی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد را «خلاف قانون اساسی» دانسته و گفت: «اکنون که آنها اصرار به محاکمه خود دارند چرا آنها را محاکمه

نمی‌کنید و علاقه‌مند به حصر شبیه حبس هستید که توجیه قانونی و شرعی و اخلاقی ندارد و خلاف اصول متعدد قانون اساسی است.»

محمدرضا تابش نماینده اصلاح طلب اردکان نیز در نشست علنی روز یکشنبه مجلس در تذکری آیین‌نامه‌ای درباره اظهارات احمد جنتی در صداوسیما گفت : «طبق آیین و مذهب کشورمان شایسته نیست با زیر پا گذاشتن نهادهای اخلاقی نه تنها منتقدان، بلکه سرمایه‌های ملی در تریبون‌های رسمی به هر موضوعی متهم شوند و امکان دفاع از خود را نداشته باشند، از این رو از صدا و سیما به عنوان رسانه ملی انتظار است تا گامی در جهت اخلاق اسلامی بردارد.»

—

از زنده‌گیری دو قلاده پلنگ تا جشنواره کودکان کار

2014-10-25 · Archive ID 6358
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6358

برنا و بردیا مجهز به گردنبندهای ماهواره ای شدند

عرصه سوم: دو قلاده پلنگ در پارک ملی تندوره مجهز به گردنبندهای ماهواره ای شدند.این دو پلنگ به نام های برنا و بردیا در بخشهای داخلی این پارک زنده گیری شده و اوایل مهرماه به فاصله چهار شب از یکدیگر به تله افتادند. برنا پلنگ نر جوان حدودا چهار تا شش ساله است که ابتدا زنده گیری شد و پس از آن بردیا، پلنگ نر هشت تا ده ساله نیز مجهز به گردنبند شد.

وبسایت " انجمن یوزپلنگ ایرانی " با انتشار گزارشی مجهز شدن این دو پلنگ به گردنبد اعلام کرده است که هیچ یک از دو حیوان آسیبی از تله ها ندیده و پس از طی مراحل بیهوشی و نصب گردنبند، با سلامت محل را ترک کردند.

انجمن یوزپلنگ ایرانی، یک مؤسسه غیردولتی زیست محیطی است که توسط تعدادی دانشجوی علاقمند به طبیعت و حیات وحش، از مرداد ماه سال 1380 فعالیت خود را آغاز کرده است. این انجمن که با حضور بیش از 20 پرسنل و داوطلب مشغول فعالیت است در بخش معرفی خود یوزپلنگ ایرانی را به عنوان پرچمی برای حفاظت در ایران می داند و درکنار آن اهمیت زیادی برای سایر گونه های حیات وحش کشورمان بخصوص گوشتخواران قائل می باشد.

تشخیص میزان قلمرو پلنگ ها، تعداد پلنگ ها و وضعیت سلامت پلنگ ها از اهداف اصلی این پژوهش عنوان شده شده است. وبسایت انجمن یوزپلنگ ایرانی می نویسد: امروزه بیماری های مختلفی حیات وحش را مورد تهدید قرار می دهند، ولی دانش ما درباره این بیماری ها بخصوص درمیان گوشتخواران اندک است. انگل های خارجی و و بیماری های ویروسی مانند دیستمپر و اف آی وی، از مهمترین مواردی هستند که در میان پلنگ های زنده گیری شده مورد بررسی قرار خواهند گرفت.



IMG_4601

این پژوهش همچنین با هدف بررسی جابجایی های پلنگ ها در داخل مرزهای منطقه حفاظت شده و همچنین خارج از آن، ارزیابی کافی یا ناکافی بودن مرزهای فعلی مناطق حفاظت شده برای تضمین بقای بلندمدت پلنگ ها، بررسی امکان جابجایی فرامرزی پلنگ ها از ایران به سمت ترکمنستان، بررسی های پزشکی و ارزیابی وضعیت سلامتی افراد پلنگ از نظر انگلها و بیماری های ویروسی و بررسی های اکولوژیک دیگر درحال انجام است.

انجمن یوزپلنگ ایرانی در ادامه گزارش خود به ارائه اطلاعاتی در خصوص گردنبدها نیز می پردازد و می نویسد : براساس استانداردهای موجود در دنیا، وزن گردنبندها نباید از 3% وزن جانور بیشتر باشند تا خللی در رفتار و جابجایی های آن وارد نکنند. با بررسی های فراوان و مکاتبات گسترده با شرکت سازنده گردنبندها، خوشبختانه وزن گردنبندهای بکار رفته در این پروژه از 1% وزن پلنگ ها تجاوز نمی کند، این درحالی است که عمر باطری این گردنبدها بیش از یکسال خواهد بود و جی پی اس موجود روی گردنبندها روزانه 8 تا 24 بار روشن شده و نقطه حضور پلنگ را ثبت می کنند، این روشن شدن دستگاه جی پی اس سریع و فاقد سر و صدا است. قابلیت دیگر روی این گردنبند آن است که یکسال پس از نصب به صورت خودکار از گردن جانور باز شده و به این ترتیب نیاز به زنده گیری مجدد جانور و بیهوشی نیست. علاوه بر نقطه، یک فضای با سه محور مختصات هر پنج دقیقه یک بار در هر روز وضعیت فعالیت جانور را ثبت می کند تا بعدا با تحلیل این داده ها متوجه شویم که هر پلنگ در هر روز چقدر انرژی مصرف کرده و چقدر نیاز دارد.

در زمان نزدیک شدن به روستاها، گردنبندها به محقق پیام داده و نرخ برداشت نقاط به هر یک ساعت می رسد. به این ترتیب می توان مطمئن شد که پلنگ دقیقا چگونه به روستا نزدیک شده و آیا تلاش برای حمله به دامهای اهلی دارد یا خیر. رنگ گردنبند کاملا متناسب با پوشش بدن جانور بوده و استتار جانور را خدشه دار نمی کند. در عین حال که فوم های نصب روی گردنبند از فشار بیش از حد به گردن جانور نیز می کاهند.

قالی "رنگین کمان دوستی" در مسیر "گینس"

"انجمن جوانان سپید پارس" از آغاز دومین مرحله بافت قالی " رنگین کمان دوستی" خبر داد. به گزارش وبلاگ این انجمن، این اقدام در جهت ثبت در کتاب رکوردهای جهانی گینس با دو معیار " بیشترین بافندگان یک قالی" و " بیشترین پراکنش جغرافیایی بافندگان یک قالی" صورت می گیرد.

انجمن جوانان سپید پارس این اقدام را نمادی از فرهنگ و هنر جهان‌شمول ایرانی و پیام آور نوع دوستی و مهر ایرانیان؛ از سوی این انجمن و با همکاری گروه فرهنگی "کهن سرای واسنا" و شرکت تولیدی "ترنج بافت پارسه گرد" معرفی کرده است.

انجمن جوانان سپید پارس نهاد غیر دولتی است که از سال 87 آغاز به فعالیت کرده است و تلاش دارد تا با برگزاری کارگاه های آموزشی، همایش ها،آگاهی رسانی فرهنگی و نهادینه کردن ریشه ای آن، مردم را با فرهنگ ایرانی آشنا کنند.

دومین مرحله از بافت قالی " رنگین کمان دوستی" از تاریخ بیست و نهم مهر ماه تا دوم آبان ماه؛ همزمان با نمایشگاه " بهشت شیراز بر صحنه تار و پود" با حضور مدیران ارشد کشوری و استانی این حوزه؛ در هتل بزرگ شیراز آغاز خواهد شد.

برگزاری جشنواره و بازارچه خیریه "با کودکان کار مهربان باشیم"

خانه مهر کودکان کار دروازه غار جشنواره و بازارچه خیریه "با کودکان کار مهربان باشیم" را برگزار می کند. این جشنواره روزهای سه شنبه و چهارشنبه، 29 و 30 ام مهرماه برگزار خواهد شد. خانه مهر کودکان در وبسایت خود با انتشار این خبر می نویسد: خانه مهر کودکان کار دروازه غار جهت تحقق بخشیدن هر چه بهتر به اهداف خود از جمله ساماندهی و آموزش کودکان کار و خیابان، هدایت تحصیلی کودکان در وضعیت دشوار و توانمند سازی خانواده های آسیب دیده، این جشنواره را برگزار می کند.

این جشنواره از ساعت 10 صبح تا 10 شب و در فرهنگسرای ملل واقع در بوستان قیطریه تهران برگزار خواهد شد. در این جشنواره انواع غذاهای ایرانی و فرنگی خانگی، کارهای دستی از کودکان و زنان سرپرست خانوار، انواع کیک وشیرینی ، مربا و ترشی عرضه خواهد شد و کلیه درآمدهای حاصل از فروش اقلام ارائه شده در بازارچه، صرف تامین بخشی از هزینه های رفع سوء تغذیه ،هزینه های درمانی و بهداشتی، آموزشی کودکان و زنان تحت پوشش این موسسه قرار خواهد گرفت.

موسسه حمایتی خانه مهر کودکان سازمانی غیر دولتی وغیر انتفاعی است که آموزش کودکان و نوجوانان محروم از تحصیل، آموزش کودکان کار و خیابان، حرفه آموزی به زنان سرپرست خانوار، ایجاد کارگاه های خود اشتغالی، کمک های عملی به خانواده های آسیب دیده و آسیب پذیر را از جمله فعالیت ها و اهداف خود در نظر گرفته است. اولین ساختمان پذیرای کودکان ، خانه کودک مهر است که مدیریت آن را خانم ژیلا بشیری وآقای مهدی بشیری بر عهده دارند. ایشان سالهاست که در امور حمایت از کودکان کار فعال بوده و مدت پنج سال نیز مدیریت خانه کودک ناصر خسرو (آموزش کودکان و نوجوانان مهاجر و فاقد شناسنامه ایرانی و افغان) واقع در خیابان ناصر خسرو تهران را با موفقیت عهده دار بوده اند.

مکان فعلی خانه کودک مهر در محله دروازه غار – یکی از محله های محروم شهر تهران - می باشد که توسط شهرداری منطقه ۱۲ در اختیار این موسسه قرار داده شده است.

محوطه باستانی پیش از تاریخ در تهدید سد بالارود اندیمشک

عملیات احداث سد بالارود در اندیمشک درحالی آغاز شده که محوطه باستانی بردپنیر در معرض خطر آبگیری و عملیات ساخت و ساز سد قرار گرفته است. با اینکه مسئولان سد اعلام کرده‌اند که خطر نفوذ آب به این محوطه باستانی صفر است اما متولیان میراث‌فرهنگی و کارشناسان این جمله را نوعی بی‌اعتنایی به محوطه بردپنیر می‌دانند.

محوطه باستانی بردپنیر متعلق به هزاره چهارم ق.م است. این محوطه با اینکه در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده اما تاکنون هیچ بررسی باستان‌شناختی و ضوابط عرصه و حریم میراث‌فرهنگی را تجربه نکرده

است. شاید به همین دلیل است که هم‌اکنون بخشی از این تپه متعلق به پیش از تاریخ در محوطه کارگاه سدسازی قرار گرفته و محل دپوی خاک سدسازان شده است.

مجتبی گهستونی دبیر و سخنگوی انجمن دوست داران میراث فرهنگی تاریانا خوزستان، با تاکید بر اینکه محوطه بردپنیر متعلق به دوره اروک و پیش از تاریخ است و این منطقه به لحاظ باستان‌شناسی اهمیت بسیاری دارد به خبرگزاری میراث فرهنگی گفت: محوطه باستانی بردپنیر یکی از مناطق باستانی ارزشمند اندیمشک است که هم‌اکنون در معرض خطر ساخت و آبگیری سد قرار دارد.

انجمن دوست دارن میراث فرهنگی تاریانا خوزستان یکی از نهادهای غیر دولتی است که فعالیت خود را از سال ۱۳۸۵ و با هدف " پاسداری از تاریخ گرانبهای ایران" آغاز کرده است.

گهستونی گفت: با اینکه سفال‌های پراکنده در سطح محوطه باستانی بردپنیر بسیار پراکنده و نزدیک به 4 هکتار است و مسئولان سدسازی وعده داده‌اند که احتمال آبگیری صفر و خسارت به محوطه بسیار اندک است اما از آنجایی که هیچ استعلامی از میراث‌فرهنگی استان گرفته نشده و باستان‌شناسان به بررسی و گمانه‌زنی نپرداخته‌اند نگرانی‌ها نسبت به تهدید این محوطه باستانی همچنان ادامه دارد.

—

ایران؛ ۷ میلیون نفر فقیر، ۱۷۰ هزار کودک جامانده از تحصیل

2014-10-27 · Archive ID 6364
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6364

عرصه سوم: آمارهای دولتی در ایران حاکی از وخامت اوضاع اقتصادی قشر گسترده‌ای از مردم است. هرچند برای پی بردن به این واقعیت نیاز چندانی به آمار نیست و می‌توان با نگاهی گذرا به اخبار و حوادث و گزارش‌های مردمی این واقعبت را دریافت.

در همین ارتباط و به گزارش ایلنا، علی ربیعی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی که در نخستین همایش توسعه و عدالت آموزشی که امروز در دانشگاه شریف سخنرانی می‌کرد گفته است:« کشور ما از نظر توزیع ثروت ۷ میلیون فقیر شدید دارد که حتی امنیت غذایی آن‌ها نیز در خطر است، این درحالی است که ۵ تا ۶ میلیون فوق ثروتمند در کشور وجود دارند.»

به عبارتی دیگر در خوش‌بینانه ترین حالت ممکن و با اعتماد به آمار دولتی، حدود ۱۰ درصد مردم کشور دچار فقر شدید بوده و حدود ۱۰ درصد مردم کشور فوق ثروتمند محسوب می شوند!

علی ربیعی ضمن تایید بالا رفتن آمار و گزارش‌ها از سو استفاده‌های کاری از زنان گفته‌است :«زنان سرپرست خانوار دو برابر فقیرتر از مردان سرپرست خانوار هستند» وی همچنین خبر از تلاش دولت برای رفع این مشکل داده است.

وزیر تعاون همچنین با اشاره تلویحی به بی تفاوتی ۸ ساله دولت احمدی‌نژاد گذشته نسبت به مباحث مربوط به کودکان بازمانده از تحصیل! از وجود ۱۷۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل در کشور خبر داده است

نگاهی به این آمار با در نظر گرفتن خطاهای مرسوم در آمار دولتی حاکی از شکاف طبقاتی گسترده میان مردم ایران و توزیع ناعادلانه ثروت در جامعه دارد که این خود به تنهایی می‌تواند عامل بروز بحران‌های اجتماعی و فرهنگی بسیاری در کشور گردد، کما اینکه در سال‌های گذشته افزایش نرخ جرم و بزه در کشور شامل زورگیری، دزدی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر موید این موضوع است.

حال باید دید دولت حسن روحانی که با شعار اعتدال توانسته عهده دار مسئولیت اداره کشور شود می‌تواند سر و سامانی به حوزه کار، تعاون و رفاه مردم دهد یا خیر.

—

اسید را چه کسی پاشید؟

2014-10-28 · Archive ID 6369
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6369

عرصه سوم-نعیمه دوستدار: اول شایعه بود. بعد شد متن واقعیت. چنان باور نکردنی به نظر می‌رسید که خیلی‌ها حاضر به قبولش نبودند. بعد که خبرها رسید و گزارش‌ها منتشر شد و عکس و صدای قربانیان دیده و شنیده شد، همه شوکه شدند. می‌گفتند در اصفهان، به چند زن و دختر که بر سر تعدادشان هنوز هم مناقشه است، اسید پاشیده‌اند.

چه تفاوتی می‌کرد چند نفر؟ چهار یا هشت یا دوازده نفر؟ پرسش‌ها که بالا گرفت، سیاست رسمی راه انکار را در پیش گرفت. در پاسخ به این ادعا که مخاطب این اسیدپاشی‌ها زنان و دختران بدحجاب بوده‌اند، اعلام شد که انگیزه اسیدپاش احتمالا شخصی بوده است، اما جامعه مدنی دیگر نمی‌توانست سکوت کند. در خاطره جمعی ایرانیان بود که چند سال قبل مردی به بهانه از میان برداشتن زنان «فاسد» ، عده‌ای از زنان را در مشهد (شهر دیگری در ایران) می‌کشت. اما مهم‌تر از این خاطره، پیام‌هایی بود که از تریبون‌های رسمی مخابره می‌شد. در همان روزهایی که ترس و وحشت و خشم نسبت به این اسیدپاشی‌ها در جامعه جریان می‌یافت، مجلس ایران در حال تصویب طرحی بود به نام «طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر».

«امر به معروف و نهی از منکر» (دعوت کردن به کار خوب و باز داشتن از کار بد) یکی از «فروع» دین اسلام است، به معنی بخشی از اصول اساسی اما نسبتا فرعی برای قرار گرفتن فرد در زمره مسلمانان. اما در ایران که قوانین برگرفته از اسلام است، این فرع تبدیل به اصل شده است. در طول سالیان پس از انقلاب همواره بر این شعار تاکید شده و نه تنها خود حکومت مجری آن بوده است؛ که تک تک افراد را تشویق می‌کند تا برای مبارزه با آن‌چه منکر خوانده می‌شود و ترویج آن‌چه معروف است، دست به عمل بزنند اما از تمام مظاهر بدی و خوبی تنها به «ظاهر» بپردازند، وارد حریم خصوصی افراد شوند و به پوشش و ظاهر، به سبک زندگی و اعتقادات یکدیگر کار داشته باشند.

در طرحی که در مجلس در حال تصویب است، امر به معروف و نهي از منکر ناظر به رفتاری است که علني بوده و بدون تجسس مشخص باشد و بر این اساس پوشش زنان که همواره پاشنه آشیل و مرکز حساسیت گروه‌های تندروی جامعه بوده و برای آن راهپیمایی و تجمع برگزار می‌کنند، یکی از آشکارترین مظاهر دخالت کسانی است که خود را آمر به معروف می‌خوانند و می‌خواهند حتی شده با اعمال خشونت با آن برخورد کنند.

همزمان، سخنان امام جمعه اصفهان در لزوم استفاده از «چوب تر» در برخورد با بدحجابان، تردیدها را در مورد سیاسی بودن انگیزه این عمل بیش‌تر می‌کرد. او گفته بود: «در برخورد با بدحجابان باید از حد لسانی فراتر رفت و چوب تر را باید برای آن‌ها بالا برد».

واقعیت این است که در جامعه ایران، جدا کردن رفتارهایی این‌چنین از رفتار سیاسی ممکن نیست؛ دولت و دین در هم آمیخته‌اند: عمل شهروندان سیاسی تلقی می‌شود و دولت نیز عملکرد خود را دینی می‌داند.

با این حال، شدت و خشونت اسیدپاشی‌ها در اصفهان چنان افکار عمومی را جریحه‌دار کرده که در واکنش به آن تجمعات اعتراضی و کمپین‌های حقیقی و مجازی مختلفی برگزار شده است؛ اما واکنش رسمی حکومت غیر از ابراز تاسف و تلاش برای بی‌ارتباط جلوه دادن این موضوع با مسائل اعتقادی و سیاسی، به دستگیر کردن بزه‌کاران و برخورد با تجمعات اعتراضی و پرتاب گاز اشک‌آور و دستگیری فعالان ختم شده و البته تاکید مداوم بر این ادعا که مرتبط دانستن این اتفاق‌ها با انگیزه‌های مذهبی و سیاسی، دسیسه خارجی‌هاست!

خیزش جامعه مدنی و تکرار سرکوب

با وجود همه انکارها و تردیدها، جامعه مدنی ایران توانست تنها در ظرف چند روز چند برنامه و تجمع طراحی کند که البته همه آنها با واکنش و سرکوب مواجه شدند. نخست در اصفهان و در مقابل دادگستری این شهر که خبرها حاکی از حضور گسترده مردم و شعارهایی در محکومتی اسیدپاشی و خشونت علیه زنان بود. بیش از دو هزار نفر در تجمع اصفهان حضور داشتند و در فیلم‌هایی که شهروندان روی شبکه‌های اجتماعی از جمله

فیس‌بوک منتشر کردند این شعارها به گوش می‌خورد: «نیروی انتظامی چشمان خواهرم کو؟»، «روحانی، روحانی ما امنیت نداریم»، «اصفهان شهر ماست، امنیت حق ماست»، «زاینده رود خشک شده، اسیدپاشی مد شده»، «مرگ بر اسید پاش».

همزمان، تعدادی از فعالان زنان در تهران به مقابل مجلس شورای اسلام رفتند تا به تصویب قوانینی که به خوشنت بیشتر علیه زنان منجر می‌شود اعتراض کنند. نرگس ستوده، مهدیه گلرو، نرگس محمدی، محمد نوری‌زاد و پیمان عارف از چهره‌هایی بودند که در این تجمع حضور داشتند. نرگس محمدی، فعال حقوق بشر که در تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی در روز سی ام مهرماه حضور داشت، به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت که این تجمع با ضرب و شتم و بازداشت تعدادی از شهروندان ساعت ۱۲/۳۰ظهر خاتمه یافته است.

نرگس محمدی هدف این تجمع را چنین بیان کرده است:«قصد ما از این تجمع، اعتراض به برخی از طرح های نمایندگان مجلس بود که بدن و روح زنان را نشانه گرفته است. طرح های مانند طرح «حمایت از آمران امر به معروف و ناهیان از منکر» و طرح «صیانت از عفاف و حجاب» دارای موارد و واژه هایی است که هر کدامشان در جامعه ایران می تواند مورد سواستفاده قرار بگیرد و دستمایه خشونت شود.»

این تجمع اما بدون عواقب نبود: گزراش‌ها از ایران حاکی از آن است که شرکت‌کنندگانی که عکس آنها در سایت‌ها منتشر شده، تلفنی تهدید شده‌اند و ماموران با هجوم به خانه مهدیه گلرو و بازرسی منزل او را دستگیر کرده‌اند .

روز شنبه، سوم آبان هم با انتشار فراخوان‌هایی برای برگزاری تجمع اعتراضی و اعتصاب آموزشی، فضای تهران در مقایل وزارت کشور امنیتی شد و نیروهای ویژه پلیس که در سرتاسر خیابان فاطمی و مقابل وزارت کشور مستقر شده بودند، امکان ایجاد تجمع را از بین بردند. در ادامه نیز خبر رسید که نسرین ستوده که پس از پایان تحصنش در مقابل کانون وکلای دادگستری، برای پیوستن به این تجمع به مقابل وزارت کشور رفته بود، برای مدیت بازداشت شده است و حضور سنگین نیروهای امنیتی در خیابان‌ها در طول روز یکشنبه نیز ادامه داشته است.

اما این تنها واکنش مقام‌های رسمی نبوده است. هرچند حسن روحانی خواهان پی‌گیری پرونده اسید پاشی به زنان شد، از سوی جناح‌های دیگر حاکمیت، برخورد با رسانه‌هایی که تصاویر تجمع مردمی در اصفهان و تهران را منتشر کرده بودند شدت یافت.

آریا جعفری، عکاس و مسئول بخش عکس خبرگزاری ایسنا در اصفهان که از تجمع اعتراضی مردم اصفهان در روز چهارشنبه گذشته عکس‌هایی منتشر کرده بود بازداشت شد و وسایل شخصی او نیز تفتیش و توقیف شد.

خبرگزاری مهر عکس‌های تجمع اعتراضی علیه اسید پاشی را از وب‌سایت خود حذف کرد و در حالی که خبرگزاری فارس، از رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خواهان برخورد با رسانه‌ها یی شد که «اسید پاشی کرده و با امنیت و آرامش ملی بازی دوگانه انجام می‌دهند»، رئیس قوه قضائیه ایران نیز از عملکرد برخی رسانه‌ها در ماجرای اسید پاشی که موضوع را به امر به معروف و نهی از منکر مرتبط کردند، ابراز تاسف کرد و این اقدام رسانه‌ای را ظلم فاحش به نظام و متدینین، معتقدین و متفکرین خواند.

صادق آملی لاریجانی پیش از ظهر یکشنبه، چهارم آبان در همایش ملی امر به معروف و نهی از منکر، با اشاره به پرونده اسیدپاشی در اصفهان گفت: «چرا باید فضا را آلوده کنید در حالی که اکنون در مورد امر به معروف و نهی از منکر طرحی هم در مجلس مطرح است. حالا اگر غربی‌ها به این فضا دامن بزنند مقتضای ذات آنهاست چون ضد انقلابند اما برای برخی رسانه‌ها متاسفم که موضوع را به امر به معروف وصل کردند.»

از میان بی‌شمار واکنش‌های محافظه‌کاران اشاره به واکنش شهلا میرگلوبیات، عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی خالی از لطف نیست که اسیدپاشی در اصفهان را «سناریوی جدید خود غربی‌ها» دانسته و گفته است سند این موضوع نیز همزمانی این توطئه با بررسی طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در مجلس است.

اسیدپاشی‌ها اما، حتی اگر برآمده از تصمیم خودسرانه یک شخص یا گروه باشد، هدفمند و دارای پیامی آشکار است: سوژه، آزادی زنان است و هدف، به حاشیه راندن و کنترل آن‌ها. جرم اسدپاشان را نمی‌توان با هیچ استدلالی شخصی و محدود قلمداد کرد، آنها با پاشیدن اسید به صورت زنان، هویت انسانی زنان را نشانه رفته‌اند و گفتمانی را تایید می‌کنند که در آن حضور زن در اجتماع نه تنها محدود نیست، که مطلوب هم نیست. ایجاد فضای رعب و وحشت برای حضور اجتماعی زنان، در کنار ترویج خشونت آشکار نسبت به آنان، بخشی از پروژه‌ای است که حاکمیت در ایران دنبال می‌کند، ادامه‌ای بر داستان تفکیک جنسیتی، فرزند آوری بیشتر، محدودیت اشتغال و تحصیل، در جامعه‌ای که زنان هویت پدرسالار آن را به چالش کشیده‌اند. اسیدپاش اما برادر بزرگ‌تری است که برای دست بلند کردن روی خواهر، اجازه از نگاه تاییدگر پدر گرفته است.

—

مجلسی که اعتماد ندارد!

2014-10-30 · Archive ID 6372
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6372

حاشیه های رای عدم اعتماد به نیلی احمدآبادی

عرصه سوم-محمد صادقی: هفته ای که گذشت دولت و مجلس در تکاپوی معرفی وزیر پیشنهادی برای تصدی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری بودند که در نهایت در جلسه علنی مجلس، محمود نیلی احمدآبادی، وزیر پیشنهادی دولت، نتوانست رای اعتماد نمایندگان را به دست آورد.

از ۲٤٦ نماینده حاضر در جلسه، ۷۹ نماینده به انتصاب نیلی احمدآبادی رای موافق، ۱٦۰ نماینده رای مخالف و ۷ نماینده نیز رای ممتنع دادند.

رضا فرجی دانا، وزیر سابق علوم، روز ۲۹ مرداد ماه سال جاری در مجلس استیضاح و با رای عدم اعتماد نمایندگان، از این سمت برکنار شده بود.

با برکناری فرجی دانا، حسن روحانی طی حکمی محمدعلی نجفی را به عنوان سرپرست این وزارتخانه تعیین کرد.

نیلی احمدآبادی سومین وزیر پیشنهادی دولت یازدهم است که از سوی حسن روحانی برای تصدی وزارت علوم به مجلس معرفی می‌شود.

پیش از وی جعفر میلی منفرد به عنوان وزیر علوم کابینه یازدهم به مجلس نهم معرفی شده بود که نمایندگان اصولگرای مجلس به وی رای عدم اعتماد دادند.

محمود نیلی احمدآبادی دانش آموخته دانشگاه‌های شیراز و صنعتی شریف تهران و دانشگاهی در ژاپن است که ضمن تدریس در دانشگاه و ریاست بر دانشکده، مدتی نیز سرپرست دانشگاه تهران بود.

علی لاریجانی رییس مجلس در حین مذاکرات با به دست گرفتن برگه‌ای خطاب به نمایندگان گفت : «چیزی را توزیع نکنید مگر اینکه اجازه آن را از هیأت رئیسه گرفته باشید.»

لاریجانی همچنین با اشاره به فضاسازی های رسانه های اصولگرایان علیه وزیر پیشنهادی گفت: «در برخی رسانه‌ها آمد که آقای نیلی احمدآبادی مطلوب واقعی رئیس جمهور برای وزارت علوم نیست و دولت وی را برای دستگرمی به مجلس می‌فرستد و بعد از آن می‌خواهد فرد دیگری را معرفی کند.»

اکبریان نماینده کرج که به عنوان مخالف صحبت می‌کرد، خطاب به حسن روحانی گفت : «حسام الدین آشنا مشاور شما نباید دایه مهربان‌تر از مادر برای نمایندگان باشد، به نمایندگان توصیه نکند که چه کار کنند، نمایندگان دولتی نیستند و نخواهند بود.»

اکبریان در ادامه خطاب به نیلی احمدآبادی وزیر پیشنهادی گفت: «شما به عنوان سرپرست دانشگاه تهران 25 نفر از نیروهای ارزشی را عزل کردید، آقای د.س [داود سلیمانی] که در جریان فتنه و 18 تیر زندانی شده دستور بازگشت به کار دادید و می‌گویید اینها حر هستند، حر توبه کرد ولی این افراد توبه نکردند، اگر توبه کنند نظام آنها را می‌بخشد.»

اکبریان با اشاره به مراسمی در دانشگاه تهران واحد پردیس کرج گفت: «وقتی عزای عمومی برای درگذشت آیت‌الله مهدوی‌کنی اعلام شد انجمن اسلامی دانشگاه تهران در پردیس کرج مراسمی برگزار کرد که نمی‌گویم مراسم رقص بود ولی جشنی را برگزار کرد که به مقدسات کشور توهین شد.»

وی ادامه داد: «آقای نیلی‌احمدآبادی برداشتن حجاب از سر دختران برنامه شماست؟ شما می‌گویید از این مسائل خبر ندارم، شما که از این جا تا کرج را نمی‌توانید اداره کنید کشور را چگونه می‌توانید مدیریت کنید؟»

الیاس نادران نماینده مخالف وزیر پیشنهادی نیز در بخشی از اظهارات خود خطاب به حسام الدین آشنا مشاور رییس جمهور گفت: «شما که به ضدانقلاب‌های خارج از کشور متوسل شده‌اید، شما که جرأت نمی‌کنید که علیه اصلاح‌طلبانی که خط قرمز نظام را نفی کرده‌اند صحبت کنید، شما مرزبندی با ضدانقلاب ندارید، شما ما را متهم می‌کنید، مجلس زیر بار این حاشیه‌سازی‌ها نخواهد رفت و منفعل نخواهد شد، مطمئن باشید.»

حسام الدین آشنا مشاور فرهنگی رئیس جمهور یک روز پیش از برگزاری جلسه رای اعتماد در صفحه شخصی فیس بوک خود نوشت :

«نمایندگان محترم مجلس فردا انتخابی راه گشا را در پیش رو دارند؛ این عزیزان می توانند:

-میانِ رفتن زیر بار سلطه گفتمانی اقلیت مطلق پایداری و استقلال مجلس از افراط گرایان یکی را انتخاب کنند.

-میان راهبرد همراهی یا عدم همراهی قوا یکی را انتخاب کنند.

-میان خواسته دانشگاهیان و خواسته های باج خواهان یکی را انتخاب کنند.

آقای دکتر نیلی احمد آبادی وزیر پیشنهادی ریاست جمهوری نه اهل فتنه است نه بی تجربه و نه ناشناخته او یک جرم بیشتر ندارد دانشگاه را برای دانشگاهیان می خواهد نه برای سیاستمداران.»

محمدعلی نجفی با ارسال پیغامی به رئیس مجلس در صحن علنی، امضای نامه‌ای در خلال وقایع سال 88 درباره نظام جمهوری اسلامی را تکذیب کرد.

محمود نبویان به عنوان مخالف وزیر پیشنهادی علوم، گفته بود در جریان وقایع سال 88، نجفی سرپرست فعلی وزارت علوم نامه‌ای را امضا کرده که در آن نامه نظام جمهوری اسلامی را «وحشی» معرفی کردند.

نبویان همچنین در مخالفت با نیلی احمدآبادی گفت : «نیلی به اندک بهانه‌ای برای برگزاری کارهای مختلط دانشجویان مجوز صادر می‌کرد، مانند جشنواره‌ها، کنسرت‌های موسیقی، اردوهای تفریحی.»

رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات با ارسال پیغامی به رئیس مجلس، انتشار خبری مبنی بر اعلام نظر مثبت کمیسیون آموزش درباره وزیر پیشنهادی علوم را تکذیب کرد.

نادران به عنوان مخالف وزیر پیشنهادی گفت : «چرا زمانی که آقای فرجی دانا استیضاح شد شما به عنوان وزیر معرفی نشدید؟ مگر کاندیدای اصلی نبودید؟ چرا شخص دیگری را گذاشتند؟»

لاهوتی به عنوان موافق وزیر پیشنهادی گفت: «نمایندگان مجلس به آقای نیلی رأی دهند تا او گزینه اصلی دولت شود.»

آشنا مشاور فرهنگی رئیس جمهور که به توصیه هیأت رئیسه و با استقبال دولت، در لابی پارلمان در حال تماشای جلسه رأی اعتماد به نیلی‌احمدآبادی بود، با وساطت جمعی از نمایندگان، وارد مجلس شد.

نیلی احمدآبادی وزیر پیشنهادی علوم در نطق خود درباره نامه سال 88 اساتید به رهبر جمهوری اسلامی که مورد انتقاد نمایندگان قرار گرفته بود گفت : «در سال 88 دوبار به دانشگاه تهاجم شد که مورد تقبیح مقام معظم رهبری نیز قرار گرفت. در 16 آذر به دانشکده فنی دانشگاه تهران به شکل بسیار بدی تهاجم شد و تاثیر بسیار منفی در روحیه جوانان و دانشجویان داشت. در این نامه به هیچ کس تعدی نشده بلکه فقط بیان آنچه که بر دانشگاه رفته، ذکر شده است و اگر دوستانی که در آن زمان در دانشگاه بودند مراجعه کنند، ملاحظه می‌کنند که تاثیر بسیار جدی بر روحیه جوانان داشت و مانع جداشدن این سرمایه‌های انقلاب از کشور و انقلاب شد.»

زهره طبیب‌زاده در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، با اشاره به عدم رأی اعتماد مجلس به وزیر پیشنهادی علوم گفت: «اگر چندین بار دیگر وزرای معرفی شده از اصول مورد توجه رهبری و مردم برخوردار نباشند، مجلس همان رویه قبلی را در عدم رأی اعتماد به وزرای معرفی شده تکرار خواهد کرد.»

این عضو جبهه پایداری اعلام کرد که عدم نقش آفرینی وزرای پیشنهادی در حادثه 18 تیر 78 و انتخابات جنجالی خرداد 88 که وی آن ها را «فتنه های 78 و 88» خواند از خط قرمزهای مهم نمایندگان است.



IMG153735461

امضای نامه سال 88 به رهبری نقطه مثبت بود!

پس از جلسه پر حاشیه مجلس در روز رای اعتماد به وزیر پیشنهادی علوم، علی مطهری از نمایندگان میانه روی مجلس نهم در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالی درباره علت عدم رأی اعتماد نمایندگان به نیلی احمدآبادی، گفت : «مجلس حساسیت بیش از حد بر روی مسائل سال 88 دارد و دولت هم ارتباط کاملی با نمایندگان حتی حامیان خود در مجلس ندارد.»

مطهری با اشاره به اینکه «وزیر روز یکشنبه معرفی شد و چهارشنبه هم جلسه رأی اعتماد برگزار شد»، گفت: «در این سه روز فرصت برای رایزنی اندک بود و پیش‌بینی می‌شد چنین نتیجه‌ای حاصل شود.»

مطهری با انتقاد از اظهارات حسن روحانی در جلسه رای اعتماد گفت: «ضرورتی ندارد رئیس جمهور به مجلس گوشه و کنایه بزنند. چرا که در رأی مجلس تأثیر می‌گذارد و اگر روابط دو قوه خوب بود همین گزینه می‌توانست رأی اعتماد بگیرد.»

نماینده تهران درباره نامه شماری از اساتید دانشگاه به رهبر جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات سال 88 که وزیر پیشنهادی نیز یکی از امضاکنندگان آن بود، گفت: «این نامه خوبی بود که به منظور تظلم و دادخواهی

صورت گرفته بود. این نقطه مثبت آقای نیلی‌احمدآبادی بود اما نمایندگان مخالف این را به عنوان یک جرم برای او تلقی کردند.»

احضار وزرا به مجلس و تذکرهای کتبی

احضار وزرا به مجلس برای پاسخگویی به سوالات نمایندگان و تذکر کتبی نمایندگان به رییس جمهور و اعضای کابینه وی این هفته نیز ادامه یافت و در مهمترین آنها:

- احضار وزیر تعاون، درباره عدم اجرای طرح‌های مصوب دولت در سفر رهبری به خراسان شمالی

- احضار وزیر صنعت درباره عدم استفاده از توان تولید ملی و تکمیل طرح‌های هشتگانه صنعت فولاد کشور

- احضار وزیر صنعت، معدن و تجارت درباره عدم پیشرفت طرح‌های توسعه مس

- احضار وزیر صنعت درباره وضعیت صنعت خودرو

همچنین:

- تذکر به رئیس جمهور در خصوص عدم اجرای قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان در دانشگاه پیام نور

- تذکر به وزیر صنعت در خصوص تسریع در اعطای تسهیلات بانکی توسط بانک صنعت و معدن

- تذکر به رئیس جمهور نسبت به قطع یارانه افراد ثروتمند

- تذکر به وزیر ارتباطات در خصوص صدور انعقاد قرارداد مستقیم با کارگزاران مخابرات روستایی

- تذکر به وزیر کشور در خصوص توضیح علت عدم رسیدگی به اختلافات مرزی شهرستان بن در منطقه کولیکه

- تذکر به وزیر راه و شهرسازی در خصوص توضیح علت تأخیر مکرر پروازهای شرکت های هواپیمایی به ویژه شرکت ایران ایر

- تذکر به وزیر نیرو در خصوص تسریع در تکمیل طرح تصفیه خانه شهرستان پردیس و تامین آب کشاورزی شهرستان ری و اسلامشهر

- تذکر به وزیر جهاد کشاورزی در خصوص پرداخت مطالبات کشاورزان

- تذکر به وزیر کشور در خصوص تسریع در رسیدگی به آسیب‌دیدگان ناشی از بارش برف اخیر در شهرستان مشکین شهر

- تذکر به رئیس جمهور در خصوص لزوم اختصاص حق بدی آب و هوا به کارکنان منطقه سیستان با توجه به ورود ریزگردها و طوفان‌های شن و ماسه

- تذکر به وزیر امور خارجه در خصوص لزوم پیگیری وضعیت رانندگان ایرانی که در اقلیم کردستان عراق مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به وسائل نقلیه آنها خساراتی وارد شده است

- تذکر به وزیر تعاون در خصوص عدم توجه به ایجاد فرصت‌های شغلی

- تذکر به رئیس جمهور در خصوص لزوم تامین مایحتاج هیات‌های مذهبی
- تذکر به وزیر جهاد درباره تسریع در خصوص پرداخت بهای خرید برنج در استان مازندران

- تذکر به وزیر صنعت در خصوص رسیدگی به وضعیت نابسامان کارخانه‌های قائمشهر، سوادکوه و جویبار

- تذکر به وزیر جهاد در خصوص توضیح علت عدم خرید محصول ذرت در استان فارس

- تذکر به وزیر راه در خصوص تسریع در تخصیص اعتبار به منظور ورودی شهرستان فلاورجان

- تذکر به وزیر ورزش در خصوص حمایت از ورزش جانبازان و لزوم اعطای جایزه به مدال آوران بازی‌های آسیایی

- تذکر به وزیر کشور در خصوص تسریع در تصحیح و ابلاغ ارتقای تقسیمات کشوری در حوزه روستایی

- تذکر به وزیر اطلاعات در خصوص تسریع در دستگیری عاملان جنایت اسیدپاشی در اصفهان

تذکر به وزیر کشور در خصوص توضیح علت عدم برخورد قاطع با افراد مسلح دارای سلاح غیرمجاز

- تذکر به رئیس جمهور در خصوص توضیح علت بیان مکرر مسئله بورسیه‌های غیرقانونی در استیضاح وزیر علوم

دو تجمع اعتراضی در مقابل مجلس

در ادامه تجمع های اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی این هفته نیز جمعی از پرستاران در روز چهارشنبه در اعتراض به عدم اجرای قانون تعرفه‌گذاری پرستاری مقابل مجلس تجمع اعتراضی کردند.

این پرستاران معترض در شعارهای خود «اجرای بی‌قید و شرط قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری مصوب سال1386 مجلس شورای اسلامی» را خواستار شدند.

به گفته یکی از معترضان در این تجمع با اشاره به افزایش تعرفه پزشکان گفت: «مسئولان یک شبه قانون نظام پزشکی شهر کالیفرنیا را بدون توجه به مصوبه قانونی مجلس شورای اسلامی وضع و اجرایی کردند.»

این پرستار معترض ادامه داد: «متأسفانه در کنار این مشکل پرستاران، ساعات کاری آنها از سوی بیمارستان بدون توجه به ضوابط افزایش داده شده به طوری که پرستاران به صورت شبانه‌روزی سر کار هستند.»

یکی دیگر از تجمع‌کنندگان با اشاره به «مهاجرت پرستاران به کانادا» گفت: «علت این موضوع مزایا و حقوق بالا و جذب پرستاران ایرانی است، بر این اساس تا زمانی که قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاران اجرایی نشود، شاهد اینگونه مشکلات خواهیم بود.»

همچنین شماری از کارمندان سازمان محیط زیست استان ایلام نیز در اعتراض به اخراجشان از این سازمان صبح روز یکشنبه گذشته مقابل مجلس تجمع کردند.

بر اساس گفته تجمع‌کنندگان این افراد بدون عذر موجهی از سازمان حفاظت محیط زیست اخراج شده‌اند و خواهان رسیدگی مجلس به این موضوع و رفع مشکلشان هستند.

مجلس: نماینده دولت شارلاتان سیاسی است!

در شرایطی که رسیدگی به پرونده اسید پاشی به صورت زنان و دختران در شهر اصفهان هنوز به نتیجه نرسیده و از بازداشت عاملان این جنایت هنوز خبری نیست، 50 نفر از نمایندگان مجلس در نامه‌ای خطاب به علی لاریجانی رئیس مجلس خواستار جلوگیری از اظهارات معاون امور تقنینی معاونت پارلمانی رئیس جمهور در رابطه با ماجرای اسیدپاشی شدند.

این نامه در واکنش به اظهارات اخیر محمدرضا خباز معاون امور تقنینی معاونت پارلمانی رئیس جمهور که به طور تلویحی این واقعه را به مسئله امر به معروف و نهی از منکر مرتبط دانسته بود.

نمایندگان در نامه خود به لاریجانی اظهارات خباز را نوعی «شارلاتانیسم سیاسی» خوانده و نوشته اند که «سؤال ما این است که آیا ثابت شده اسیدپاشی در راستای نهی از منکر است؟ آیا مقامات مسئول، وزیر کشور، فرمانده نیروی انتظامی و وزیر اطلاعات تائید کردند که بین جنایتکار و نهی از منکر ارتباطی بوده است؟

آیا اصولا تاکنون کسی در این رابطه دستگیر شده و جنایتش به اثبات رسیده است که نماینده دولت با این قاطعیت حکم صادر می‌کند؟»

دردسرهای احضار وزیر به دو کمیسیون!

هفته گذشته علی اصغر فانی وزیر آموزش و پرورش دولت یازدهم همزمان به دو کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون آموزش احضار شده بود تا پاسخگوی سوال های نمایندگان باشد.

فانی ترجیح داد که به کمیسیون برنامه و بودجه برود و این موضوع با گلایه اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس همراه بود.

قاسم جعفری نماینده بجنورد با اشاره به عدم حضور وزیر اموزش و پرورش در کمیسیون آموزش، وزیر را تهدید کرد که «طبق آیین‌نامه اگر وزیر برای پاسخ‌گویی در کمیسیون حاضر نشود، نمایندگان مختارند سوالات را به صحن ارجاع داده و یا در جلسه آینده پیگیر آن شوند.»

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز در گفت‌وگویی در مورد جزئیات جلسه این کمیسیون با وزیر آموزش و پرورش گفت: «در این جلسه وزیر آموزش و پرورش از افزایش 1.7 درصدی دانش آموزان مدارس غیردولتی و افزایش 120 هزار نفری تعداد دانش آموزان کشور خبر داد.»

از سوی دیگر عبدالکریم رجبی نماینده مینودشت به حضور علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد دولت حسن روحانی در کمیسیون اقتصادی مجلس اشاره کرد و گفت : «نمایندگان در ۲ حوزه سود بانکی و سهام عدالت از وزیر اقتصاد سؤال کردند.»

وی همچنین از «مهلت یک ماهه کمیسیون به وزارت اقتصاد برای ساماندهی بحث سود بانکی» خبر داد.

از حبس ممانعت کنندگان تا احراز شهادت کشته شدگان!

در ادامه بررسی طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، چند ماده دیگر این طرح از سوی نمایندگان به تصویب رسید.

طبق ماده 10 این طرح اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند و ایجاد هر نوع مانعی از قبیل مزاحمت، تهدید، توهین و مقاومت در برابر اقامه امر به معروف و نهی از منکر موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه 7 می‌شوند.

طبق ماده 12 این طرح مصوبه مجلس، قوه قضائیه مکلف شد به منظور تسریع در رسیدگی به جرایم موضوع این قانون شعب ویژه‌ای را اختصاص دهد و نسبت به معاضدت قضایی آمران به معروف و ناهیان از منکر اقدام کند.

طبق ماده 13 این طرح وزارت امور خارجه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سایر دستگاه‌های ذیربط موظفند اتباع خارجی را قبل و حین ورود به کشور نسبت به قوانین و مقررات و رعایت شئون اسلامی آگاه کنند.

طبق ماده 14 در مواردی که نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی به دلیل عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی‌علیه یا اولیای دم حسب مورد دیه از محل ماده 10 قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث مصوب 23 تیر ماه 1347 و اصلاحات بعدی آن پرداخت می‌شود.

طبق ماده 15 این طرح سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده می‌توانند در مورد جرائم ارتکابی موضوع این قانون اعلام جرم کرده و در تمام مراحل دادرسی برای اقامه دلیل شرکت کنند.

و در نهایت، طبق ماده 16 این طرح «هرگاه به فردی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون اقدام می‌کند، آسیب جسمی و یا جانی وارد شود، احراز شهادت یا جانبازی توسط کمیته کشوری متشکل از نمایندگان قوه قضائیه، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد.»

—

گزارش لحظه به لحظه از بررسی ادواری جهانی پرونده حقوق بشر ایران

2014-10-31 · Archive ID 6377
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6377

عرصه سوم: بررسی ادواری جهانی پرونده حقوق بشری ایران از دقایقی پیش در مقر سازمان ملل در شهر ژنو آغاز شده است.

مشروح این جلسه به نقل از کمپین بین المللی حقوق بشر به شرح زیر است. این گزارش هر ده دقیقه یک بار به روز می‌شود. برای دیدن ویدیو پخش مستقیم به زبان فارسی اینجا کلیک کنید

ساعت ۸:۳۷ به وقت اروپای مرکزی

جلسه بررسی گزارش دوره ای حقوق بشر ایران در ساعت ۹ صبح به وقت ژنو با حضور هیات ایرانی در جلسه آغاز شد. درساعت ۹ صبح جواد لاریجانی به هیات همراه به جلسه وارد شد. پیش از او دهها تن از همراهان او ازقوه قضاییه، وزارت خارجه و همچنین سازمان های غیردولتی و همراه هیات ایرانی در جلسه حضور داشتند. پیش از آغاز جلسه خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی از

محمدجواداردشیر لاریجانی، رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضاییه سخنان خود را با قرائت قرآن آغاز کرد. او گفت که باعث افتخار است که در جلسه ۲۷ ام شورای حقوق بشر شرکت کند. او گفت که ایران به شدت به مکانیسم یو پی ار ارزش قائل است. او همچنین گفت گزارش ملی ایران که به جلسه ارائه شده، چندین وزارت خانه و کمیسیون مجلس و همچنین قوه قضاییه به صورت فعال مشارکت کرده اند. او همچنین گفت که افراد مختلفی از هیات ایرانی گزارش‌های خود را درحین جلسه ارائه خواهند کرد.

جوادلاریجانی گفت جمهوری اسلامی ایران به صورت کامل برای تقویت و حمایت حقوق بشر در سطح بین المللی مشارکت می کند. او گفت ایران همکاری کاملی با این مکانیسم سازمان ملل دارد: «از چهارسال پیش تلاش زیادی برای تقویت حقوق بشر بر مبنای چند فرهنگی کرده است. در حوزه ظریفیت سازی و آموزش حقوق بشر ایران فعالیت های عمده ای داشته از جمله آموزش قضا و کارکنان قوه قضاییه از جمله کارکنان زندان. این آموزش حقوق بشر همچنین برای نیروهای پلیس و خانواده های کارکنان دولتی هم مطرح بوده است. خواست مردم باید توجیه همه تصمیمات دولت باشد. » او گفت که رنگ و زبان و نژاد و مذهب هیچ کدام باعث تبعیض نمی شود و در ایران تبعیض وجود ندارد.

جوادلاریجانی گفت که تلاش زیادی برای تقویت سازمان های غیردولتی و احزاب سیاسی کرده است: « در چهار سال گذشته، تغییرات عمده ای در حوزه حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی رخ داده است.» او به برنامه های خانواده و همچنین بیمه و بهداشت اشاره کرد. در حوزه آموزش برای همه، او گفت تقریبا ۹۵ درصد جمعیت حتی در مناطق روستایی، مردم سواد دارند. او گفت که ایران جزو شش کشوری در جهان است که برابری در آموزش دارد.او همچنین به برنامه های حفاظت از کودکان در ایران اشاره کرد از جمله کارگروه ملی حمایت از حقوق کودک در دو سال گذشته. او گفت که ایران پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک را در این زمان امضاء کرده است. او گفت که استقلال قوه قضاییه از قانون اساسی می آید که سه قوه از همدیگر مستقل هستند برای اینکه سوء استفاده از قدرت پیش نیاید. او گفت چنین وضعیتی برای عملکرد قوه قضاییه و حاکمیت قانون کلیدی است و همه شهروندان در پیشگاه قانون برابر هستند و می توانند وکیل بگیرد و شکنجه در ایران وجود ندارد.

جواد لاریجانی همچنین بازداشت های خودسرانه در ایران انکار کرد و گفت هیچ بازداشت خودسرانه ای در ایران وجود ندارد. او همچنین گفت که نظارت جدی بر روی کار دادگاه ها وجود دارد.

او سپس به تاسیس معاونت های مختلف مانند معاونت اطلاعات و آموزش های انجام شده برای قضات از طریق این معاونت اشاره کرد و گفت که دادرسی عادلانه در ایران انجام می شود. لاریجانی همچنین گفت که ایران با مکانیسم های مختلف سازمان ملل در فضلای احترام همکاری می کند. او همچنین به انتخاب احمد شهید به عنوان گزارشگر ویژه انتقاد کرد و آن را سیاسی خواند. او همچنین به تحریم های علیه ایران اشاره کرد و گفت چنین تحریم هایی به حقوق فرهنگی و اقتصادی صدمه زده است. او همچنین فعالیت ضدتروریسم ایران اشاره کرد و از کشتن دانشمندان هسته ای ایران یاد کرد و گروه مجاهدین ایران در این زمینه انتقاد کرد.

درحالی ایران در خصوص وضعیت اعدام متهمان مواد مخدری مورد انتقاد جامعه بین المللی است، جواد لاریجانی با اشاره با آمارهای بین المللی گفت ایران هشت برابر همه کشورهای جهان به کشف هرویین و تریاک اقدام می کند. او با «تروریسم مواد مخدر» خواندن این پدیده گفت که بیش از ۴۰۰۰ هزار نفر از شهروندان ایرانی جان خود را در راه مبارزه با مواد مخدر از دست داده اند.

او بار دیگر تاکید کرد که ایران به صورت کامل برای تقویت حقوق بشر در مکانیسم های بین المللی همکاری خواهد کرد. این درحالی است که از سال ۲۰۰۵ ایران از اجازه دادن به گزارشگرهای ویژه و گزارشگر های موضوعی سازمان ملل برای ورود به ایران خودداری کرده است.

پس از جوادلاریجانی کشورهای مختلف به اظهار نظر در مورد گزارش ایران پرداختند. هر کشوری ۱ دقیقه و پنج ثانیه وقت داشت.

آفریقای جنوبی با خوشامد گویی به دولت ایران، پیشنهاد کرد در زمینه اقلیت های مذهبی و برابر آنها اقداماتی انجام دهد. نماینده اسپانیا با اشاره به مساله موادمخدر، گفت که ایران قانون مجازات خود را اصلاح کند و جرائم مواد مخدری را شامل اعدام نکند. او همچنین به همجنس گراها اشاره کرد و گفت که تحت قوانین ایران این افراد می تواند اعدام شوند و خواستار تغییر قوانین ایران شد. او همچنین خواستار حذف مجازات قطع دست و سنگسار شد.

نماینده مصر، با اشاره به آنچه تلاش های مثبت ایران خوانده شد، از ایران خواست که مکانیسم حقوق بشر ملی خود را تقویت کند. او همچنین در مورد کارگران مهاجر و کنوانسیون مربوطه خواستار اقدام ایران شد.

نماینده سودان به عنوان سخنرانی بعدی، تلاش های ایران را درزمینه بهداشت و آموزش ستود. او همه یک دقیقه خود را به ستودن اقدامات و گزارش ایران اختصاص داد. او به ایران پیشنهاد داد به اقدامات خود برای دفاع از حقوق شهروندانش در برابر تحریم ادامه دهد.

نماینده سوئد گفت که وضعیت حقوق بشردر ایران جدی است. او به تبیعض حقوقی علیه اقوام از جمله بهاییان اشاره کرد و همچنین به محدودیت های اینترنتی و همچنین شبکه های اجتماعی اشاره کرد و خواستار متوقف کردن آن شد. او خواست که روزنامه نگاران و محدویت های آنها متوقف شود.

نماینده سوئیس نسبت به وضعیت اعدام در ایران اشاره کرد و گفت مایه نگرانی است و به خصوص پرونده ریحانه جباری. او به ایران پیشنهاد کرد که همه کسانی را به خاطر تجمع مسالمت آمیز دستگیر شده اند آزاد کند.

نماینده کشور سوریه گفت به گرمی از حضور جوادلاریجانی استقبال می کند و گزارش ایران را جامع خواند. نماینده تاجیکستان، سری لانکا، مقدونیه و تونس و ترکمنستان از جمله دیگر نمایندگانی بودند که در ادامه صحبت کردند.

نماینده انگلیس پیشنهاد کرد که اعدام نوجوانان سریع متوقف شود. دوم پیشنهادکرد که همه زندانیان در همه مراحل تحقیقات به وکیل و مشاوره حقوقی دسترسی داشته باشند. گفت که انگلیس از افزایش اعدام به شدت

نگران است. او همچنین به وضعیت روزنامه نگاران و زندانی کردن آنها انتقاد کرد. اعترافات اجباری و شکنجه ووضعیت بهاییان از مواد مورد انتقاد او بود.

نماینده آمریکا از ایران خواست که آزار روزنامه نگاران را متوقف کند و جیسون رضاییان را آزاد کند. او خواستار آزادی مذهبی و آزاد رضا عابدینی شد. او همچنین نگرانی عمیق آمریکا را نسبت به وضعیت مطبوعات و همچنین اقلیت های مذهبی ابراز کرد. او گفت که آمریکا از اینکه ایران اجازه نمی دهد که گزارشگر ویژه به ایران وارد شود نگران است.

نماینده اروگوئه سپس به تحولات مثبت در ایران در حوزه حقوق کودک اشاره کرد و گفت می خواهد بداند که چگونه در عمل از حقوق کودکان دفاع می شود. او خواستار ایران شد که دختران و زنان همچون پسران و مردان در برابر باشند و خواستار حذف اعدام شد.

در ساعت ۹:۱۰ به وقت اروپای مرکزی

نماینده ونزوئلا و نماینده ویتنام مواردی را در خصوص گزارش ایران ارائه و پیشنهاداتی مطرح کردند. نماینده ویتنام گفت که شاهد تلاش های دولت ایران درطی چهارسال گذشته بوده اند از جمله در مورد حقوق کودک و نظارت بر فعالیت های دادگاه ها.

نماینده یمن با خوشآمد گویی به جوادلاریجانی گفت که از گزارش جزیی ایران قدردانی می کند. نماینده افغانستان نیز اقدامات ایران برای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران و به خصوص حمایت از مهاجران افغانی تقدیر کرد. نماینده الجزایر نیز همچنین گفت که از طرح های مختلف قانونی برای بهتر شدن وضعیت حقوق بشر در ایران تقدیر می کند به خصوص در زمینه زنان و کودکان. او از ایران خواست که اقدامات لازم برای بهبود وضعیت جامعه مدنی صورت پذیرد.

نماینده آنگولا نیز گفت که اقدامات ایران درزمینه بهداشت و حفاظت از کودکان حمایت می کند. نماینده آرژانتین گفت که نگران وضعیت حقوق بشر در ایران است. او گفت پیشنهاد می کند که ایران اقدامات جدی انجام بدهد برای همکاری با مکانیسم های بین المللی حقوق بشر. او به اشاره به تبعیض علیه همجنس گراها و اقلیت های مذهبی انتقاد کرد و خواستار متوقف کردن شد. او گفت که موضوع توقف ایران بررسی کند.

نماینده ارمنستان نیز گفت که از اینکه جامعه ارمنیان ایرانی می توانند حقوق خود را داشته باشند قدردانی کرد. او پیشنهاد کردکه ایران از طرح هایی که گفت وگو بین اقوام و فرهنگ ها و مذاهب مختلف می کند حمایت کند.

نماینده استرالیا گفت که ایران مجازات اعدام و به خصوص اعدام نوجوانان را متوقف کرد. آزادی بیان، انجمن ها را احترام بگذارد و روزنامه نگاران و زندانیان سیاسی را آزاد کند. او همچنین خواست ایران مطمئن کند که به آزادی اقلیت های مذهبی احترام می گذارد و همچنین خواست گزارشگر ویژه به ایران سفر کند. نماینده اتریش، همچنین با اشاره به سخنان روحانی در مورد اقلیت های مذهبی گفت امیدوار است همه اقلیت های مذهبی را احترام بگذارد. او گفت که امیدوارم است که کسانی که حمله اسیدی کرده اند را ایران به عدالت بسپرد. نماینده اتریش پیشنهاد کردکه به تبعیض علیه همه اقوام و مذهب ها مثل بهایی ها و صوفی ها و دراویش پایان دهد. اعدام علیه نوجوانان را علیه متوقف کند و همچنین کنوانسیون شکنجه را بپذیرد.

نماینده بحرین نسبت به وضعیت اقلیت های مذهبی در ایران ابراز نگرانی کرد. او گفت ایران همه اقدامات لازم را انجام بدهد که اقلیت های مذهبی از آزادی های همه شهروندان برخوردار باشند. نماینده بنگلادش ایران مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مساله فقر در برخی از مناطق مواجه است و همچنین ترک مدارس توسط دختران در مناطق مختلف و خواستار اقداماتی در این زمینه شد.

نماینده بلژیک، بولیوی، بوتان، بوسنی، برزیل، برونئی، بورکینافاسو، بروندی، کانادا، چاد، شیلی، چین، کاستاریکا، کوبا و قبرس کشورهای دیگری بودند که د یک دقیقه پیشنهادات و نظرات خود را مطرح کردند.

نماینده برزیل گفت پیشنهاد می کند که ایران در خصوص خشونت علیه زنان در عموم در هر شکلی ایران اقدامات لازم انجام بدهد و با اشاره به اسیدپاشی های اخیر گفت که خواستار برخورد ایران با این موضوع و

همچنین موضوعاتی مانند اقلیت های مذهبی و وضعیت روزنامه نگاران است. نماینده کانادا به ایران پیشنهاد کرد که همه کسانی را که در اوریل ۲۰۱۴ به زندان اوین حمله کردند پاسخگو کند. او پیشنهاد کرد که اعدام فقط برای جرائم جدی استفاده شود و هیچ گاه برای نوجوانان به کار برده نشود. او علاوه بر موضوع زنان و مشارکت آنها به موضوع آزادی بیان پرداخت و خواستار رفع تبعیض بر مبنای جنسیت شد.

در ساعت ۱۰:۳۵ به وقت اروپای مرکزی

پاسخ های جواد لاریجانی و اعضای هیات همراه

پس از اظهار نظر کشورها جواد لاریجانی به اظهار در مورد پیشنهادات کشورها پرداخت و گفت با اینکه ممکن است با خیلی ازپیشنهادات موافق نباشد ولی از نفس پیشنهادات استقبال می کند. او سپس از دکتر امیری به عنوان قاضی و یکی از مسوولین دولتی خواست که اظهارات خود را مطرح کند. او سخنان خود را به فارسی آغاز کرد ولی رییس جلسه او را متوقف کرد و گفت مترجم وجود ندارد. اما با آمدن مترجم به کار خود ادامه داد. او گفت که در ایران تجمعات مسالمت آمیز مجوز می گیرند و فعالیت انجمن ها آزاد است. او گفت با انتخاب روحانی او یکی از همکارانشان را که به اقوام تعلق دارد به عنوان دستیار در زمینه اقوام انتخاب کردند و طی یک سال اخیر او با سفر به استان ها جلسات مختلفی با اقلیت ها برگزار کرده است. او در سال گذشته ۳۳۵ نفر از مدیران استانی و شهرستانی به در پست های کلیدی از اهل سنت انتخاب شدند. او گفت دبیر امنیت ملی عرب و بنده به عنوان قائم مقام وزیر کشور به قوم کرد تعلق داریم. او گفت که اقوام از صحبت کردن به زبان محلی آزاد هستند. او گفت در جمهوری اسلامی ایران به سازمان های مردم نهاد توجه ویژه ای می شود. او گفت ۱۷ هزار سازمان مردم نهاد مجوز فعالیت گرفته اند که در موضوعاتی مانند حقوق بشر و محیط زیست فعالیت می کنند. او سپس به اینکه همه مسوولین ایران براساس رای مردم انتخاب می شوند اشاره کرد. او گفت میانگین حضور مردم در انتخابات بیش از ۶۰ درصد بود. او از حق آزادی و انتخابات دموکراتیک در ایران سخن گفت و گفت انتخابات را هیات های اجرایی برگزار می کنند که اعضای آن معتمدین مردمی هستند.

جوادلاریجانی سپس گفت که از یکی از همکارانش و روزنامه نگاران مشهور به تعبیر او به عنوان دکتر انتظامی دعوت کرد نظراتش را بگوید. او گفت از زمان آمدن روحانی پیشرفت های جدی دروضعیت مطبوعات پیش آمده است. او گفت پیشینیه قانون مطبوعات به ۱۰۷ سال قبل بر می گردد و حقوق مطبوعات قبل از حدود آمده است. او گفت طبق قانون مطبوعات هیچ مقام دولتی حق ندارد به سانسور در مطبوعات و اعمال نفوذ در مطبوعات اقدام کند. او گفت در قانون مطبوعات حقوق رسانه ها و روزنامه نگاران لحاظ شده و بر آزادی بیان تاکید شده مشروط بر نبود افترا و نقض حقوق شخصی افراد و .... او همچنین از هیات منصفه در دادگاه های مطبوعاتی گفت. او نظارت بر مطبوعات را در کمیته نظارت بر مطبوعات تشریح کرد. او گفت ترکیب این هیات نشان می دهد سازوکارهای لازم برای جلوگیری از فشار دولت بر مطبوعات تعبیه شده است. او گفت ۶۱۰۰ نشریه مجوز گرفته که نیمی از آن منتشر می شود. او گفت ۲۴۰۰ عنوان در دو سال گذشته و یک هزار آن در یک سال گذشته مجوز گرفته اند. او گفت سی درصد نشریات کشور به صورت محلی است و حدود ۱۰۰۰ نشریه در مناطق مرزی و با گویش ها و زبان های محلی است. او گفت در یک سال گذشته ۱۳۰ نشریه با مدیریت زنان امکان انتشار پیدا کرده است. او همچنین گفت ۶۲۹ خبرنگار خارجی در یک سال گذشته از ایران دیدارکرده اند و دفاتر نشریات خارجی در ایران نیز افزایش پیدا کرده است.

دکتر صادقی معاون قوه قضاییه پس از آقای انتظامی سخن گفت. او به عدالت قضایی اشاره کرد و گفت «خداوند به ما فرمان داده است که امانت را به صاحبانشان برگردانیم حتی اگر به زیان خود ویا بستگانمان باشد. او می گوید که حتی در میان دشمنانتان عدالت ورزید.» این روحانی، سپس به شرح برخی از مفاهیم دینی و تجلی آن در قوانین ایران از جمله علنی بودند محاکمات، لزوم مستند بودن احکام به قانون، اعاده حیثیت از متهمان در صورت اشتباه و .. را به عنوان بخشی از قوانین تجلی بخش از مفاهیم مذهبی برشمرد. او گفت در راستای تامین حقوق متهم و شاهد و جامعه نوآوری های زیادی در قوه قضاییه صورت گرفته است از جمله رعایت حقوق شهروندی در همه مراحل دادرسی، تشکیل پلیس و داگاه ویژه کودکان، امکان مداخله سازمان های مردم نهاد در مراحل دارسی، و لزوم حضور وکیل در همه مراحل دادرسی از بازداشت و تحقیقات تا انتها.

او گفت بیشتراز ۸۰ درصد کشفیات مواد مخدردر ایران متعلق به ایران و بنابراین قابل فهم خواهد بود که ۸۰ درصد مجازات های در این زمینه متعلق به ایران باشد. او گفت کسی به خاطر مذهب دستگیر و زندانی نمی شود مگر اینکه به خاطر جاسوسی و همه از همه حقوق مربوط بهره مند هستند.

جوادلاریجانی گفت که خیلی واضح است که ایران تلاش زیادی برای همکاری با مکانیسم یو.پی.ار انجام می دهد چون مکانیسم منحصر به فردی است که همه کشورهای جهان موقعیت برابری دارند: « هر چه بیشتر سرمایه گذاری کنیم که این روند غنی شود حقوق بشر بیشتر به دور از تعصب و گزینش تقویت می شود.» او سپس به برخی از نگرانی ها پاسخ داد. او گفت در بسیاری از پیشنهادات و انتقادات در مورد ریحانه جباری و اعدام اوست. او سپس به توضیح این پرونده پرداخت و گفت هفت سال پیش یک دختر معشوق خود را کشت. او گفت که جباری وکلای زیادی داشت و قضات بسیاری در گروه های مختلفی او را قضاوت کردند و او از خود دفاع کرد و دادگاه در نهایت حکم داد که قتل از درجه اول است. او گفت این قصاص است و حق خصوصی قربانی و خانواده اوست. او گفت که لابی زیادی کرده اند که بخشش خانواده قربانی را به دست بیاورند. او گفت دلیلش شاید این بوده که تبلیغات شدیدی بوده که علیه این پرونده بوده است. او گفت که در جلسه با پسر این مقتول خواستار بخشش شده است. او گفت پسر او گفته است که آنها می خواسته اند این کار را بکنند اما به خاطر تبلیغات رسانه ها این کار را نکردند. او گفت که متاسف است که دوشهروند ایرانی جان خود را از دست داده اند. او پیشنهاد کرد که کشورهای غربی به قصاص نگاه کنند. او گفت که کشورهای غربی باید قبول کنند که کشورهای دیگر هم نوع خوب زندگی خودشان را دارند و نباید از کشورهای دیگر بخواهند روش آنها را بروند. او همچنین به مساله همجنس گرایی اشاره کرد و گفت حتی در آمریکا برای پنجاه سال به عنوان بیماری نگاه می شد. او اضافه کرد که ناگهان که همجنس گرایی حقوق بشر شد حالا از همه کشورها می خواهند که این مساله را برگیرند. او در مورد ریحانه جباری گفت که هیچ کسی در این پرونده نگفت که مشکل قوه قضاییه ماچه بوده و فقط گفتند که قوه قضاییه اشتباه می کند....

در ساعت ۱۱:۰۵ به وقت اروپای مرکزی

ادامه سخنان نمایندگان کشورها

نماینده چین به اقدامات ایران در زمینه فقر و بهداشت و فراهم کردن الکتریسیته به شهروندان در مناطق روستایی اشاره کرد و همچنین از تاثیرات تحریم برای حقوق افراد جامعه ایرانی سخن گفت. او از ایران خواست که کیفیت خدمات عمومی را به خصوص در مناطق روستایی افزایش دهد.

نماینده کاستاریکا خواستار اجازه ورود به گزارشگر ویژه حقوق بشر به ایران شد و همچنین خواستار متوقف کردن حکم اعدام شد. نماینده قبرس خواستار توقف حکم اعدام در ایران شد. نماینده کشور چک از خواستار اقداماتی برای جلوگیری از آزار و اذیت روزنامه نگاران شد و همچنین خواست به پروتکل های شکنجه بپردازد و همچنین ایران اعدام را متوقف یا حداقل در مورد نوجوانان متوقف کند. او همچنین خواستار آزادی اقلیت های مذهبی و قومی در ایران شد.

نماینده دانمارک گفت از گزارش مربوط به شکنجه و بازداشت های خودسرانه نگران است. او همچنین نسبت به نبودن وکیل برای متهمان در مراحل مختلف سخن گفت وخواستار تغییر آن شد. موضوع اقلیت های جنسیتی و اقلیت های مذهبی همچون بهایی مورد توجه او قرار گرفت. او خواستار این شد برنامه های نفرت آمیز علیه بهاییان پخش کردن متوقف شود و همچنین از حقوق برابر نسبت به بقیه شهروندان برخوردار باشند.

نمایندگان فلسطین، ارتیره، استونیا، اتیوپیا، فنلاند، فرانسه، آلمان، غنا، یونان، گواتمالا، مجارستان، ایرلند، هند، اندونزی از دیگر کشورهایی بودند که به نوبت به ارائه نظرات و پیشنهادات خود پرداختند. نماینده یونان به اینکه زنان به همه عرصه های زندگی از جمله ورزش اشاره کرد که بتوانند به آن دسترسی داشته باشند. نماینده ایرلند نسبت به تبعیض اقلیت های مذهبی مثل بهایی ها و همچنین استفاده فزآینده از از اعدام انتقاد کردو خواستار توقف آن است. او گفت که ایران باید تضمین کند کسی را زیر هجده سال به اعدام محکوم نمی کند. نماینده اسرائیل گفت که نماینده ایران بخواهد که به اسم کشورش احترام بگذارد. نماینده اسراییل نیز نسبت به افزایش بیشتر از ۸۰۰ نفر در ایران انتقاد کرد و همچنین از ایران خواست از اعدام افراد زیر ۱۸ سال جلوگیری کند. اینکه زنان می توانند در سن ۹ سالگی ازدواج کنند و همچنین تبعیض براساس جنسیت از موارد مورد انتقاد

او بود و خواستار توقف تبعیض ایران در این زمینه ها شد. نماینده ایتالیا به ایران پیشنهاد کرد که اعدام نوجوانان را متوقف کند. او گفت که سن ازدواج زنان و مردان را به ۱۸ سال ارتقاء دهد. او گفت که همه حقوق برای افراد اقلیت های مذهبی از جمله بهایی ها باید توسط دولت ایران در نظر گرفته شود.

نماینده ژاپن دو پیشنهاد داد که ایران در مورد دستگیری روزنامه نگاران اطلاعات بیشتری ارائه کند. دوم ایران اقداماتی انجام دهد که دسترسی عمومی به اینترنت را افزایش دهد.

در ساعت ۱۲:۰۴ به وقت اروپای مرکزی

نماینده هلند گفت به سختی با اعدام مخالف است و تعداد اعدام ها نگران کننده است. او پیشنهاد کرد که دولت ایران تضمین بدهد که جریان آزادی اطلاعات و اینترنت وجود دارد و افراد به خاطر ابراز عقیده زندانی نمی شوند. او همچنین به موضوع اقلیت های قومی و مذهبی پرداخت و خواستار آزادی فعالیت های آنها و توقف تبعیض علیه آنها شد. نماینده نیوزلند به قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، تبعیض علیه اقلیت های مذهبی پرداخت و در این زمینه توصیه هایی مطرح کرد. نماینده نیجریه خواستار آزادی همه وکلا و فعالان حقوق بشر شد.

نماینده کشور نروژ گفت که عمیقا از تعداد بالای اعدام نگران است و از ایران خواست که اعدام را متوقف کند. او همچنین خواستار توقف اعدام در ملاء عام شد. او همچنین از ایران خواست که فضای عمومی را باز کند. او از ایران خواست همه اعضای شهروندان از حقوقی که در قانون اساسی ایران مطرح شده برخوردار باشند از جمله آزادی بیان ازادی انجمنی و ازادی سیاسی و همچنین همه اقوام مذهبی و قومی از حقوق برخوردار هستند.

در ساعت ۱۲:۱۰ به وقت اروپای مرکزی

بعد از نماینده نروژ، نمایندگان کشورهای، عمان، پاکستان، پاراگوئه، پرو، لهستان، پرتغال، قطر، جمهوری کره، رومانیا، فدراسیون روسیه، سنگال، سیرالئون، سنگاپور، اسلوواکی، اسلوانی، ازبکستان و مکزیک سخن می گویند.

نماینده پاراگوئه که اخیرا به شورای حقوق بشر پیوسته و می تواند در خصوص مکانیسم های ویژه تاثیر گذار باشد گفت که ایران را تشویق می کند که ایران پروتکل های بین المللی را امضا کند. او گفت متاسف است که قانون مجازات اسلامی ایران همچنان سنگسار را همچنان نگه داشته است. او خواستار که تبعیض علیه زنان باید اولویت باشد. او پیشنهاد کرد که ایران سنگسار را به عنوان یک مجازات بردار و همچنین مطمئن سازد که افراد زیر ۱۸ سال حکم اعدام دریافت نمی کنند. نماینده لهستان هم خواستار همکاری بیشتر ایران با مکانیسم های بین المللی شد. او خواستار پاسخ مثبت به مکانیسم های ویژه سازمان ملل شد و خواستار توقف حکم اعدام شد. او همچنین خواست که سن ازدواج به ۱۸ سال ارتقاء پیدا کند و اینکه مطمئن سازد که ازدواج با توافق دو طرف انجام می شود. نماینده پرتغال هم از اینکه گزارشگران ویژه نمی توانند از ایران دیدار کنند اظهار تاسف کرد. او همچنین خواستار توقف حکم اعدام شد. نماینده رومانی پیشنهاد کردکه حق دسترسی به دادگاه عادلانه و همچنین دسترسی به وکلا برای همه برقرار است و اینکه آزادی مذهب در کشور وجود دارد.

در ساعت ۱۲:۲۸ به وقت اروپای مرکزی

نماینده رومانی پیشنهاد کردکه حق دسترسی به دادگاه عادلانه و همچنین دسترسی به وکلا برای همه برقرار است و اینکه آزادی مذهب در کشور وجود دارد. روسیه هم پیشنهاد کردکه ایران قدم های مثبتی برای ایجاد سیاست هایی به منظور از بین بردن خشونت خانگی بردارد و همچنین مطمئن سازد که بازداشتگاه ها شرایط مناسبی دارند.

کشورهای ترویکا فیلیپین رومانی و آرژانتین پیشنهادات را جمع آوری و به صورت گزارش درخواهند آورد و در چهارم نوامبر به ایران ارائه خواهند کرد.

پاسخ های جواد لاریجانی

جوادلاریجانی در پاسخ به انتقادات بسیار زیاد در خصوص وضعیت بهاییان در ایران گفت که در ایران نه تنها دانشجوی بهایی بلکه استاد دانشگاه بهایی وجود دارد. او گفت که ایران خیلی چیزها برای گفتن دارد و خیلی چیزها برای یاد گرفتن.

می توانید گزارش‌های بررسی ادواری جهانی را در صفحات زیر دنبال کنید

Facebook: https://www.facebook.com/events/364381087070031/

Google+ : https://plus.google.com/u/0/events/c953pp5fat4984769pqaqhbekgo

Watch in English: http://webtv.un.org/#

این گزارش هر ده دقیقه یک بار به روز می شود.

—

از استیضاح وزرا تا نمایندگان دو شغله

2014-10-31 · Archive ID 6395
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6395

مطهری قانع نشد، سوال از جنتی به صحن علنی رفت!

عرصه سوم-محمد صادقی: این هفته علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بار دیگر به کمیسیون فرهنگی مجلس احضار شد تا به سوال های علی مطهری و موسی‌الرضا ثروتی درباره علت «عدم اجرای قانون منع استفاده از اصطلاحات بیگانه در نامگذاری‌ها» و «عدم اجرای مصوبات سفر رهبر جمهوری اسلامی به خراسان شمالی» پاسخ دهد که در نهایت علی مطهری از پاسخ وزیر قانع نشد و سوال برای بررسی بیشتر به صحن علنی مجلس رفت.

علی جنتی در پاسخ به سوال مطهری درباره نامگذاری ها اعلام کرد «وزارت ارشاد تنها متولی این امر نیست و نهادهایی همچون وزارت صنعت، ناجا، فرهنگستان ادب فارسی نیز در این امر مسئولند که البته تذکرات و اخطارات لازم در این زمینه از سوی وزارت ارشاد داده شده است.»

موسی‌الرضا ثروتی نیز سوال خود را در مورد عدم اجرای مصوبات سفر رهبر به استان خراسان شمالی و نیز سفرهای استانی دولت مطرح کرد و پاسخ خود را تا زمان مشخص شدن نتیجه پیگیری‌های وزارت ارشاد مراعا گذاشت.

استیضاح علی جنتی کلید خورد

حمید رسایی نایب رئیس کمیسیون اصل 90 مجلس علی جنتی وزیر ارشاد دولت حسن روحانی را تهدید به استیضاح کرد.

این نماینده تندرو می گوید : «با توجه به اصرار آقای جنتی بر سیاست‌های غلطی که موجب اعتراض و نگرانی متدینین و دلسوزان و علما شده، بیش از این نمی‌توان مماشات کرد و بر همین اساس طرح استیضاح وی را تحویل هیأت رئیسه مجلس می‌کنیم.»

این عضو جبهه پایداری نزدیک به آیت الله مصباح یزدی می گوید: «قرار بود طرح استیضاح علی جنتی قبل از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران تحویل هیأت رئیسه شود اما به دلیل برگزاری نمایشگاه این موضوع تأخیر افتاد اما اعتراضات مختلف مجددا عزم نمایندگان را جدی کرد اما مجددا وساطت برخی از افراد این موضوع رابه تاخیر انداخت تا اینکه استیضاح وزیر علوم در اولویت قرار گرفت.»

نایب رئیس کمیسیون اصل 90 در خصوص محتوای استیضاح اعلام کرد که «این استیضاح در هشت بند تهیه شده و درباره جزئیات آن اطلاع رسانی می‌شود.»

اعتراض به دو شغله بودن نمایندگان مجلس!

غلامرضا مصباحی مقدم عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس این هفته در تذکری شفاهی به هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان نسبت به دو شغله بودن برخی از نمایندگان مجلس اعتراض کرد.

مصباحی مقدم گفت : «بعضی از همکاران، همزمان عضو هیأت مدیره یا سندیکای شرکت‌های هستند که مخالف قانون مجلس و شأن نمایندگی است.»

وی با تذکر به هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان به منظور جلوگیری از این رویه خلاف قانون اعلام کرد که «دوستانه به یکی از نمایندگان دوشغله گفتم که از سمت دوم خود استعفا کند و او وعده داد که عمل می‌کند، اما تخلف همچنان ادامه دارد.»

مصباحی مقدم افشا کرد که طرح تحقیق و تفحصی درباره یک شرکت به مجلس ارسال شده که این نماینده دو شغله نیز عضو یکی از همان هیئت های تحقیق و تفحص است.

وی با «شبهه‌ناک» خواندن عضویت همزمان در هیأت مدیره یک شرکت در گروه تحقیق و تفحص از همان شرکت از هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان خواست تا این موضوع را مورد رسیدگی قرار دهد.

—

تذکر حامیان محیط زیست به هیات‌های عزاداری

2014-11-02 · Archive ID 6402
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6402

نامه جمعیت کویر سبز به هیات های مذهبی کاشان

عرصه سوم: در هفته ای که گذشت جمعیت کویر سبز در نامه ای به هئیت های مذهبی کاشان از آنها خواست تا در ایام محرم "جامعه خود را از خطرات ناشی از آلودگی های زیست محیطی حفظ نمایند". به گزارش وبسایت این نهاد غیر دولتی در بخشی از این نامه آمده است برای حفظ سلامت جامعه و محیط زیست ،از ظروف یک بار مصرف سلولزی که بی ضرر هستند استفاده نمایید و به هیچ وجه از ظروف یکبار مصرف پلاستیکی چه برای غذا و چه نوشیدنی (در صورتی که بیش از ۴۰درجه حررات دارد) استفاده نکنید. زیرا علاوه بر اینکه مواد سارنده این ظروف با غذا آسیب شدید به دستگاه گوارشی و بروز بیماری های دیگر می شود، این مواد در طبیعت تجزیه نشده و به صورت زباله به جای می ماند و در آینده عواقب نا خوشایندی برای محیط زیست و چهره زشت شهرمان به دنبال خواهد داشت.

جمعیت کویر سبز کاشان که یک تشکل غیردولتی و فعال در زمینه محیط زیست است در ادامه نامه خود آورده است: مساله دیگری که متاسفانه وجود دارد چهره زشتی است که شهر ما بعد از برگزاری مراسم های عزاداری و دیگر مناسبتهای ملی-مذهبی به خود می گیرد ظروف یکبار مصرفی که در حاشیه خیابان، پیاده روها و جوی های آب دیده می شوند و نشان از بی‌توجهی به برپایی یک مراسم مذهبی دارند.

موج اعتراض ها به اسید پاشی های اصفهان

موضوع اسید پاشی به زنان جوان در شهر اصفهان از موضوعات داغ و پر اهمیت هفته گذشته است. گروه ها و انجمن های مستقل دانشجویی در طی هفته گذشته با برپایی تجمع هایی،اعتراض خود را به نبود امنیت برای زنان اعلام داشتند.

روز چهارشنبه در دانشگاه صنعتی نوشیروان بابل دانشجویان تجمعی را بر پا کردند و سر دادن با شعارهایی مانند «حق زن از امنیت/ اسید پاشی و جنایت» و «مجلس، دولت/ حمایت حمایت» اعتراض خود را به حوادث رخ داده در اصفهان نشان دادند. در این تجمع بیانیه فعالان سیاسی دانشگاه نیز قرائت شد. در این بیانیه، دانشجویان ضمن محکوم کردن فاجعه اسیدپاشی، این اتفاق را برآمده از گفتمانی ایدئولوژیک و زن ستیزانه در جامعه دانستند که همه افراد جامعه باید با آن مقابله کنند.

جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی نیز روز یکشنبه در حمایت از قربانیان اسید پاشی تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند. در بخشی از بیانیه ای که دانشجویان علامه در پایان تجمع خود قرائت کردند آمده است :" اینبار فقط زنان قربانی نفرت پاشی جاهلان نیستند، بلکه همه‌ی اقشار آزاده و روشن روان این مرز و بوم محکم و استوار ایستاده‌اند تا به کژ اندیشی و خشونت نه بگویند و دست در دست اعتراض خویش را پای بکوبند."

از سوی دیگر کانون شهروندی زنان نیز با صدور بیانیه ای نسبت به دستگیری مهدیه گلرو یکی از اعضای این نهاد غیر دولتی، در جریان تجمع علیه اسید پاشی، اعتراض کرد. در بخشی از این بیانیه می خوانیم : کانون شهروندی زنان ضمن اعتراض به دستگیری مهدیه گلرو، خواهان آزادی سریع و بی قید و شرط اوست و از مسئولان می خواهد تا به جای برخورد با معترضان به اسیدپاشی، با عوامل این اقدامات جنایتکارانه و خشونت آمیز علیه زنان برخورد نماید تا بدین وسیله احساس امنیت به جامعه و به ویژه زنان بازگردد.

در آخرین روزهای مهرماه سال جاری به صورت چند زن در شهر اصفهان اسید پاشیده شد. این اقدام با واکنش منفی گسترده مردم ، نهادهای مدنی، رسانه ها و شبکه های اجتماعی مواجه شد. موج اعتراض به این موضوع تا جایی رسید که رئیس جمهور از اسیدپاشی‌های اخیر به عنوان "جنایت" نام برد و وعده داد که عامل یا عاملین این حوادث به "اشد مجازات" محکوم خواهند شد.



1901779_799982143381134_2062675441783024094_n

انجمن اسلامی معلمان کهگیلویه و بویراحمد: آقای روحانی! رفع حصر هم مطالبه عمومی است و هم وعده جناب‌عالی

انجمن اسلامی معلمان استان کهگیلویه و بویراحمد که تشکلی غیر دولتی و اصلاح طلب است در قطعنامه پایانی کنگره خود از حسن روحانی رئیس جمهور خواست نسبت به رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی، هم به عنوان یک مطالبه عمومی و هم وعده انتخاباتی خود، اهتمام داشته باشد.

به گزارش وبسایت کلمه در این کنگره اعضای این انجمن ضمن اعلام حمایت از دولت حسن روحانی از وی خواستند تا نسبت به رفع حصر میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد و آزادی دیگر زندانیان سیاسی، به عنوان یک مطالبه عمومی و یکی از وعده های رئیس جمهور، اهتمام به خرج دهد.

خانه کارگر تلاش دولت برای تغییر قانون کار را محکوم کرد

دبیران خانه‌های کارگر سراسر کشور در پایان نشست سالانه خود با صدور بیانیه‌ای تلاش دولت یازدهم برای "تغییر قانون کار با مطرح ساختن عناوین فریبنده" را محکوم کردند. به گزارش ایلنا ، در بخشی از این بیانیه، طرح وزارت کار برای تغییر قانون کار باعث کاهش امنیت شغلی کارگران توصیف شده و آمده است: مطرح کردن طرحهایی با عناوین فریبنده «امنیت شغلی کارگرانی که قدرت چانه زنی کارگران و نمایندگان آن‌ها را بیشتر از این کاهش دهد و سبب تضعیف قانون کار فعلی شود به هیچ وجه قابل قبول نبوده و جامعه کارگری با این تغییرات مخالف است.

در این بیانیه به دیگر تلاش وزارت کار برای تغییر مکانیزم تعیین حداقل دستمزد اشاره شده و نوشته شده است: مزد اجتماعی یا همان حداقل دستمزد غیر قابل مذاکره بوده و به هیچ وجه قابل پیوند زدن با موضوع بهره وری نیست لذا موضوع پرداخت در قالب بهره وری صرفاً می‌تواند در خصوص پرداخت بیش از حداقل دستمزد، مورد مذاکره قرار گیرد.

خانۀ کارگر جمهوری اسلامی ایران سازمان غیر دولتی اصلاح طلب است که با هدف پیگیری مطالبات و حقوق کارگران و منسجم ساختن آنها در عرصه‌های اجتماعی تشکیل شده‌است. خانه کارگر در سال ۱۳۳۷ (پس از نوشته شدن قانون کار ایران) از اتحاد چند سندیکای کارگری تشکیل شد. خانه کارگر در طول زمان بارها تغییر نام داده است و به دست احزاب مختلف افتاده است.

دبیران خانه‌های کارگر کشور همچنین سازمان تامین اجتماعی را نیز به دلیل کوتاهی در ارائه خدمات به کارگران مورد انتقاد قرار داده‌اند و در این بیانیه نوشته‌اند: درمان مستقیم تأمین اجتماعی متأثر از اولین اثرات طرح بیمه سلامت شده و این بخش به سمت کم کاری سوق داده شده، در این راستا مدیریت درمان تأمین اجتماعی کم توجه و کم تفاوت از کنار موضوع می‌گذرد که این موضوع در آینده، بسیار برای درمان مستقیم و ارائه خدمات به بیمه شدگان مشکل ساز خواهد شد. لذا ما معتقدیم اصلاح و بازسازی درمان باید همراه با احیاء ستادهای نظارت بر درمان استانی و کشوری در دستور کار سازمان تأمین اجتماعی قرار گیرد در این راستا سهیم کردن کارگران در ستادهای نظارت بشکل جدی باید مورد توجه واقع شود.

—

دانشگاه وزیر می‌خواهد!

2014-11-05 · Archive ID 6408
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6408

عرصه سوم: سال تحصیلی دانشگاه‌ها مدتی‌ست آغاز شده و تا چندی دیگر ۱۶ آذر - روز دانشجو - فرا خواهد رسید با این حال عدم رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به آخرین وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فن‌آوری این وزارت‌خانه را کماکان در حالت تعلیق قرار داده است.

سوال این‌است که چگونه می‌شود یکی از مهم ترین و علمی‌ترین وزارخانه های کشور تا این حد از نبود مدیریت ثابت و پایدار رنج ببرد؟

در همین ارتباط سید احمد معتمدی رئیس دانشگاه امیرکبیر در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا می‌گوید: تکلیف وزارت علوم باید هرچه زودتر مشخص شود تا بتوان برای آینده این وزارتخانه تصمیم گرفت.

معتمدی با بیان اینکه شایسته نیست؛ وزاتخانه‌ای به این وسعت بیش از این بدون وزیر به کار خود ادامه دهد، می‌گوید: بعد از معرفی دو گزینه پیشنهادی برای تصدی وزارت علوم که عمدتا افراد مطرحی بودند اما نتوانستند رای اعتماد مجلس را کسب کنند، امیدوار بودیم در بررسی سومین گزینه پیشنهادی با توجه به اهمیت این وزارتخانه و خروج آن از بلاتکلیفی مجلس همراهی لازم را داشته باشد.

رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر یادآور شد: علاوه بر سه نفری که مستقیما به مجلس معرفی شدند و رای اعتماد را از مجلس کسب نکردند، تعدادی هم با لابی‌هایی که بعضا صورت گرفت مشخص شد که در گرفتن رای اعتماد از مجلس با مشکل روبرو خواهند شد که در نهایت معرفی نشدند.

وی گفت: اگر چه این حق نمایندگان مجلس است که اعمال نظر کنند اما به هرحال وزارت علوم با توجه به اهمیتی که دارد باید هرچه زودتر تکلیفش مشخص شود که بتوان برای آینده این وزارتخانه تصمیم گرفت.

معتمدی با بیان اینکه نمی‌توان از نمایندگان مجلس هم گله‌ای کرد، افزود: اما به هر حال نمایندگان نیز باید همراهی کنند که این موضوع حل شود چرا که به طور حتم هر وزارتخانه‌ای که مدتی طولانی با سرپرست اداره شود، لطمه خواهد دید.

از مجموع آنچه امروز در حوزه وزارت علوم می‌گذرد می توان گفت نزاع سیاسی میان مجلس و دولت که از مدت‌ها پیش آغاز شده بود متاسفانه پشت دروازه‌های وزارت علوم به اوج رسیده و این یعنی تحمیل هزینه به نهاد دانشگاه آن هم برای تامین مقاصد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی گروهی خاص.

در این شرایط انتظار از دولت آن‌است که با قدرت و درایت هرچه سریعتر شرایطی را اتخاذ کند که منافع عمومی دانشگاهیان تامین شده و ثبات به این مجموعه بازگردد.

—

احضار نیمی از کابینه به مجلس!

2014-11-06 · Archive ID 6411
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6411

طرح جرم سیاسی در دستور کار مجلس

عرصه سوم-محمد صادقی: هفته گذشته مصادف با تعطیلات ایام سوگواری امام سوم شیعیان مجلس شورای اسلامی جلسه نداشت و طبق برنامه اعلام شده قرار است در هفته آینده روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه جلسه علنی برگزار شود. از جمله مهم‌ترین طرح‌ها و لوایحی که در دستور کار قرار خواهد گرفت عبارتند از:

-طرح جرم سیاسی

-طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

-طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت

-لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم

-طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها

-لایحه اجازه مشارکت جمهوری اسلامی در افزایش سرمایه دور پنجم بانک توسعه اسلامی

-طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده

-لایحه چگونگی تشکیل و نحوه رسیدگی هیأت‌های انضباطی نیروهای مسلح

-طرح دائمی شدن قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث

-لایحه تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی

-طرح اصلاح قانون تأسیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی کشور

-طرح اصلاح موادی از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

-طرح نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی

احضار نیمی از کابینه به مجلس!

در ادامه احضار وزیران کابینه حسن روحانی به مجلس، در هفته آینده ابتدا علی طیب‌نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی، محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت و محمود واعظی وزیر ارتباطات برای پاسخگویی به سؤالات نمایندگان در صحن علنی مجلس حاضر می‌شوند .

گفته شده بود که محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه نیز برای هفته آینده برای پاسخگویی به سوال نمایندگان در صحن علنی مجلس حضور می یابد که این جلسه به دلیل سفر وزیر امور خارجه به مسقط پایتخت عمان برای انجام مذاکرات سه‌جانبه با جان‌کری وزیر امور خارجه آمریکا و کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر سر پرونده هسته ای ایران، لغو و به زمان دیگری موکول شد.

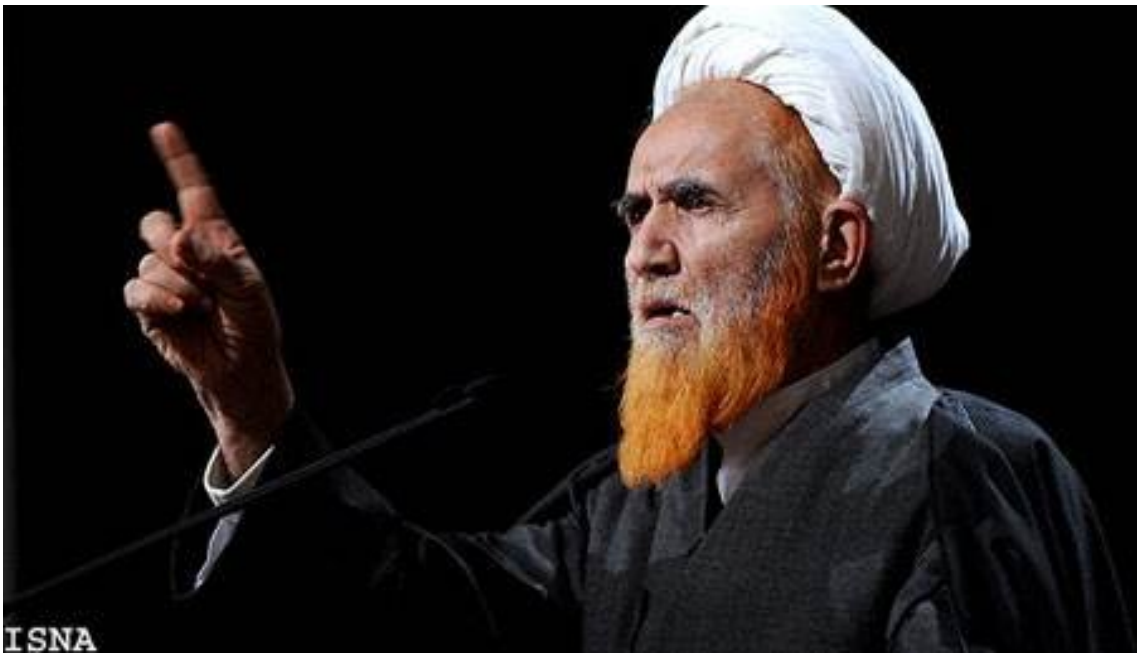
محمود حجتی وزیر جهادکشاورزی و محمود گودرزی وزیر ورزش و جوانان نیز از دیگر اعضای کابینه اند که هفته آینده برای پاسخگویی به سؤالات نمایندگان باید به بهارستان بروند .

روز سه‌شنبه هفته آینده عبدالرضا رحمانی‌فضلی وزیر کشور نیز برای پاسخگویی به سوالات نمایندگان عازم بهارستان خواهد بود.

هفته آینده همچنین گزارش کمیسیون کشاورزی در زمینه تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره واردات کالاهای استراتژیک و تنظیم بازار این کالاها و نیز گزارش کمیسیون آموزش و تحقیقات در مورد تحقیق و تفحص از دانشگاه آزاد در صحن علنی مجلس قرائت می‌شود.

کمیسیون اصل 90 مجلس نیز یکشنبه هفته آینده علی‌اصغر فانی وزیر آموزش و پرورش و معاونان وی را برای استماع گزارش عملکرد پیرامون نحوه پاسخگویی به مکاتبات کمیسیون به مجلس احضار کرده است.

همچنین قرار است مشکلات اقتصادی وزارت آموزش و پرورش با حضور محمدباقر نوبخت معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور هفته آینده در جلسه کمیسیون اقتصادی مجلس بررسی شود .



13100_0

حائری شیرازی خطاب به مطهری: اینجا پاریس و لندن نیست!

محی‌الدین حائری شیرازی از اعضای مجلس خبرگان رهبری، نامه سرگشاده خطاب به علی مطهری در انتقاد از حمایت های این نماینده مجلس از آزادی رهبران جنبش سبز از حصر خانگی و برخی وقایع سال 88 منتشر کرد.

حائری شیرازی در این نامه با بیان این که «عقل اجتماعی یعنی التفات به عواقب و لوازم یک تصمیم» درباره دعوت مردم به تظاهرات مسالمت آمیز در سال 88 نوشته است: «دعوت مردم به راهپیمایی آرام در پاریس و لندن با عقل اجتماعی سازگار است؛ چون آنجا خاورمیانه نیست. مردم قرنها با حقوق اجتماعی خود زندگی می کنند. عقل اجتماعی می گوید آیا در انگستان و یا فرانسه و آلمان اتفاق افتاده که سران حزبی در تالاری جمع شوند و نفوذی‌های حزب دیگر تالار را با همه ساکنان آن منفجر کنند که در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب اتفاق افتاد!»

این عضو مجلس خبرگان با اشاره به حادثه انفجار حزب جمهوری اسلامی در اوایل انقلاب سال 57 نوشته است: «سابقه آزادی در کشور ما بهمن 57 است. در کشوری که با نفوذ در یک تجمع حزبی بیش از هفتاد تن از سران جامعه که از سرمایه های اساسی انقلاب اند از میان می روند، چه توقع دارید که با فاصله 31 سال در یک راهپیمایی میلیونی به وسیله عوامل نفوذی خسارتهای جانی و مالی پیش نیاید؟ عقل اجتماعی می گوید این کار درست نیست.»

حائری شیرازی در ادامه نامه خود عامل کشتار معترضان به نتایج انتخابات خرداد 88 در ایران را افرادی «نفوذی» دانسته و خطاب به مطهری نوشته است: «وقتی نفوذی می فرستند که یکی را در راهپیمایی آرام بکشند تا بتوانند مأمورین را متهم کنند، شما چطور مجوز راهپیمایی آرام میلیونی می دهید؟ اگر شما تصمیم گیرنده در چنین موردی بودید مسئولیت عواقب آن را به عهده می گرفتید؟»

این عضو مجلس خبرگان رهبری به طور تلویحی جانبداری شورای نگهبان از محمود احمدی نژاد برنده انتخابات خرداد 88 را تایید کرده و گفته است: «از دعوت مردم به تظاهراتِ اعتراض به تقلب دفاع نکنید. درست نیست فقط به دلیل اینکه ناظر نهایی انتخابات تمایل خود را به یک طرف در جایی ابراز کرده باشد، راه های قانونی کشف خلاف را مسدود بدانیم، و برای گشایش مدار بسته پای مردم را به میان بکشیم.»

وی با ناتوان دانستن مردم در حل برخی مسائل می گوید: «مسئله ای که باید با حضور کارشناسان حل شود وقتی به مردم واگذار شود مصیبت بار خواهد بود مگر غیر از این است که اختلاف شیعه و سنی که می‌بایست در جلسه علما مطرح شود. وقتی به مردم سپرده شد، کشتار بی رحمانه تکفیری ها را بدنبال دارد.»

حمید رسایی: اظهارات وکیل هاشمی خنده دار است!

در پی اظهارات محمود علیزاده طباطبایی وکیل مدافع مهدی هاشمی رفسجانی درباره احتمال ارتباط 110 نماینده امضاکننده نامه به قاضی مقیسه با پرونده فساد مالی محمدرضا رحیمی معاون اول دولت سابق، حمید رسایی از تهیه کنندگان نامه مذکور پاسخ تندی را به علیزاده طباطبایی داد.

وکیل مدافع مهدی هاشمی رفسنجانی در گفتگوی خود با اشاره به حضور حمید رسایی در دادگاه انقلاب تهران گفته بود:« با توجه به اینکه ما قبلا از آقای رسایی شکایت کرده بودیم فکر کردیم که او توسط دادستان ویژه روحانیت تهران احضار شده است. ولی ایشان در بیرون دادگاه گفته بودند آمده‌اند نامه 110 نماینده را به دادگاه بدهند.»

علیزاده طباطبایی گفته بود: «خوب است که اسامی این 110 نماینده مجلس منتشر شود تا ببینیم چند نفر از این افراد در لیست نمایندگانی هستند که از آقای رحیمی پول گرفته‌اند.»

این وکیل دادگستری در ادامه افزوده بود که «آقای رسایی گفته‌اند من با وکلا مصاحبه نمی‌کنم؛ زیرا وکلا پول می‌گیرند در حالیکه من از سال 88 تاکنون که حدود 300 پرونده سیاسی داشتم در هیچ یک از آنها از موکلین پول نگرفته‌ام.»

حمید رسایی در واکنش به این اظهارات گفت : «وکیل مدافع متهمی که وثیقه پرونده آن 10 میلیارد تومان است ادعا می کند که تاکنون نه در این پرونده و نه در 300 پرونده سیاسی دیگر که از سال 88 داشته، پولی نگرفته، همانقدر خنده دار است که مهدی هاشمی بگوید من در پرونده استات اویل و یا در بهینه سازی مصرف سوخت پاک پاکم! یعنی گربه برای رضای خدا موش می گیرد؟»

وی در در خصوص ادعای این وکیل مدافع که اسامی 110 نماینده باید منتشر شود تا ببینیم چند نفر از آنها در لیستی هستند که از محمد رضا رحیمی پول گرفته اند، هم گفت: «نیازی به بررسی نیست، چون موضوع کمک مالی رحیمی، در سال 87 و مربوط به برخی از کاندیداهای انتخابات مجلس هشتم بود که بسیاری از آنها رأی نیاوردند و وارد مجلس هشتم نشدند. آقای وکیل سرتان را با 301 پرونده مرتبط با فتنه گران شلوغ کرده اید، ما الان در مجلس نهم هستیم که 75 درصد نمایندگان آن نسبت به دور قبل تغییر پیدا کرده اند!»

شکایت مربیان پیش دبستانی از دولت

جبار کوچکی‌نژاد نماینده رشت از شکایت مربیان پیش دبستانی از دولت خبر داد.

به گفته این نماینده مجلس در پی اجرایی نشدن قانون مصوب مجلس در خصوص استخدام مربیان پیش دبستانی و خرید خدمتی’ «شکایت مربیان پیش‌دبستانی از دولت به قوه قضاییه ارجاع شد.»

کوچکی نژاد «عدم تکمین دولت و وزیر آموزش و پرورش به قانون مصوب مجلس به بهانه نبود ردیف استخدامی مشخص در خصوص مربیان پیش دبستانی» را علت ارجاع این شکایت به قوه قضائیه اعلام کرد.

طبق قانون مصوب مجلس’ دولت باید تا تاریخ 17 مهر 93 یعنی پایان مهلت دوساله خود، آزمون استخدامی مربیان پیش دبستانی را برگزار می‌کرد.

در ماده 236 آیین نامه داخلی مجلس آمده است؛ هرگاه حداقل ده‌نفر از نمایندگان و یا هرکدام از کمیسیون ها، عدم رعایت شئونات و نقض یا استنکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون توسط رئیس جمهور و یا وزیر و یا مسؤولان دستگاههای زیرمجموعه آنان را اعلام نمایند، موضوع بلافاصله از طریق هیأت رئیسه جهت رسیدگی به کمیسیون ذی‌ربط ارجاع می‌شود.

کمیسیون حداکثر ظرف ده‌روز موضوع را رسیدگی و درصورت وارد بودن با اظهارنظر صریح، گزارش خود را از طریق هیأت‌رئیسه به مجلس ارائه می‌دهد.

تبصره 1- چنانچه نظر مجلس بر تأیید گزارش باشد موضوع جهت رسیدگی به قوه قضائیه و سایر مراجع ذی‌صلاح ارسال می‌شود تا خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی رسیدگی نمایند.

تبصره 2- درصورتی که مجلس در مورد رئیس‌جمهور یا هریک از وزیران سه نوبت رأی به وارد بودن گزارش بدهد طرح استیضاح درصورت رعایت مفاد اصل هشتاد و نهم(89) قانون اساسی در دستورکار مجلس قرار خواهد گرفت.

—

از اسید پاشی تا تخلفی دیگر از دولت احمدی‌نژاد

2014-11-07 · Archive ID 6416
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6416

حیدرپور: عامل تمام اسید پاشی ها یک نفر بوده است

عرصه سوم-محمد صادقی: در هفته‌ای که گذشت یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در تشریح جزئیات سفر اعضای این کمیسیون به اصفهان برای بررسی حادثه اسیدپاشی، مدعی شد که «بر اساس برداشت اولیه عامل بروز این حادثه تنها یک نفر بوده و ادعای سازمان‌یافته بودن این حوادث اشتباه است.»

عوض حیدرپور با طرح این ادعا در ادامه گفت : «طبق تحقیقات به عمل آمده ۲ فرضیه درباره عامل حادثه اسیدپاشی مطرح شده، نخست اینکه این فرد یک بیمار روانی بوده و یا اینکه فرد اسیدپاش با هوشیاری و علم به جرم این اقدامات را انجام داده است.»

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با بیان این که «سرنخ‌های بسیار خوبی از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی به دست آمده است» اعلام کرد که «برداشت ما از این مدارک و شواهد این است که فرد خاطی به زودی و به راحتی دستگیر شود.»

محجوب: این مصوبه دولت «جرم» است

رئیس فراکسیون کارگری مجلس در واکنش به مصوبه جدید هیات دولت درباره بازنشستگی پیش از موعد کارگران، آن را «خلاف قانون» و «جرم» دانست.

علیرضا محجوب با بیان این که «کار دولت از نظر ما محکوم است و رئیس مجلس موظف است به صورت فوری این مصوبه را باطل اعلام کند» گفت: «این مصوبه با هدف بازداشتن کارفرمایان از ارسال درخواست بازنشستگی پیش از موعد برای کارگران است.»

براساس مصوبه دولت در تاریخ ۲۳ شهریور سال جاری «از این پس کارفرمایان مشمول می‌توانند با پرداخت کل بار مالی مربوط به اجرای قانون بازنشستگی نوسازی و بازسازی صنایع نسبت به بازنشسته کردن کارگران مشمول اقدام کنند.»

به موجب ماده ۱۰ قانون نوسازی و بازسازی صنایع که به قانون بازنشستگی ۲۵ ساله‌ها نیز مشهور است، کارگران شاغل در واحدهای صنعتی به شرط داشتن حداقل ۲۵ سال سابقه پرداخت حق بیمه و پرداخت شدن حق بیمه مربوط به ۵ سال باقیمانده می‌توانند بصورت پیش از موعد بازنشسته شوند.

تخلف 400 میلیون دلاری دولت احمدی نژاد

موید حسینی صدر نماینده خوی در مجلس از تخلف «۴۰۰میلیون دلاری» در «واردات قطعات هواپیمایی» در دولت محمود احمدی نژاد پرده برداشت.

عضو کمیسیون صنایع مجلس در گفت‌وگو با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با اعلام این خبر گفت: «موارد زیادی از این دست در دولت گذشته وجود داشته است که افراد از دولت اعتبار گرفته‌اند تا فلان کالا را وارد کنند اما کمی بعد کالا را نیاورده‌اند و به بهانه تحریم و اینگونه مسائل از وارد کردن کالاها خودداری کرده‌اند.»

حسینی صدر در ادامه به جزییات یک تخلف 400 میلیون دلاری دولت سابق اشاره کرد و گفت: «اخیرا نامه‌ای به دست من رسیده است که نشان می‌دهد در سال‌های اخیر فردی برای واردات قطعات هواپیما به کشور ۴۰۰ میلیون دلار اعتبار گرفته است اما این قطعات هواپیما هیچ‌گاه به کشور وارد نشده‌اند. من مستندات این تخلف را دارم و اسم این شخص نیز هم اکنون در اختیار من است. بحث در مورد ۴۰۰ میلیون دلار است و ما نیز در این مورد پیگیری‌های خاص خود را آغاز کرده‌ایم تا در مورد این فرد هم که از شرایط تحریم سوء استفاده کرده است قانون اعمال شود.»

—

از زمستان امن برای کودکان تا احضار نرگس محمدی به دادگاه

2014-11-08 · Archive ID 6419
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6419

تاکید ۱۸ انجمن صنفی روزنامه نگاران بر آزادی روزنامه‌نگاران زندانی در ایران

عرصه سوم: نمایندگان ۱۸ انجمن صنفی روزنامه نگاران که در نشست منطقه ای در کازابلانکا شرکت کرده بودند، خواستار آزادی روزنامه نگاران زندانی در ایران شدند.

به گزارش وبسایت خبری کلمه، اعضای این انجمن های صنفی که از خاورمیانه و جهان عرب گرد هم آمده بودند تا در روزهای ۲۸ تا ۳۰ اکتبر در نشست منطقه ای فدراسیون جهانی روزنامه نگاران در مراکش شرکت کنند، از تلاش ها برای بازگشایی دفتر انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران حمایت کردند.

بازگشایی دفتر انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران که از پنج سال قبل پلمب شده، از جمله خواسته های روزنامه نگاران در ایران است که در دوران تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری گذشته نیز مورد تاکید و وعده حسن روحانی قرار گرفته بود، اما تاکنون اقدام موثری برای تحقق آن صورت نگرفته است.

در بیانیه پایانی نشست منطقه ای فدراسیون جهانی روزنامه نگاران، از خواست انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران برای بازگشایی دفتر این نهاد مستقل صنفی و آزادی روزنامه نگاران زندانی حمایت و پشتیبانی شده و از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خواسته شده است که اقدامات لازم را دراین باره انجام دهد.

در این بیانیه همچنین توصیه هایی مطرح شده است که از جمله آنها حمایت از آزادی رسانه ها و سازماندهی تلاش روزنامه نگاران شاغل در تلویزیون های ماهواره ای برای تشکیل اتحادیه های کارگری روزنامه نگاران در این رسانه هاست.

فدراسیون جهانی روزنامه‌نگاران، اتحادیه جهانی از انجمن‌های صنفی یا اتحادیه‌های صنفی روزنامه‌نگاران است که هدف از شکل گیری آن تقویت حقوق و آزادی روزنامه‌نگاران عنوان شده است. ایران یکی از بزرگترین زندانهای روزنامه نگار در جهان محسوب می شود و هم اکنون بالغ بر 27 روزنامه نگار در زندانهای ایران به سر می برند.

طرح " زمستان امن برای کودکان "

معاون توسعه خدمات اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران از طرح "زمستان امن برای کودکان" با همکاری نهادهای غیر دولتی – سمن ها – خبر داد.

رضا جهانگیری فر در گفت‌وگو با خبرگزاری ایلنا همچنین از تاسیس ۲ گرم‌خانه در تهران برای زنان بی‌خانمان خبر و گفت: تا پایان ماه ظرفیت گرم‌خانه‌ها ۴به هزار نفر خواهد رسید، مراکز جدید در مناطق ۱۲ و ۱۹ ایجاد شده‌اند و دیگر مناطق هم در حال آماده کردن فضایی به صورت اضطراری برای افراد بی‌خانمان هستند.

وی ادامه داد: همچنین امسال دو مرکز برای زنان بی‌خانمان در نظر گرفته شده که به زودی بهره‌برداری خواهد شد و حدود ۲۰۰ نفر را تحت پوشش قرار می‌دهد.

جهانگیری‌فر در مورد ایجاد گرم‌خانه برای نگهداری از کودکان افزود: از آنجا که نگهداری از کودکان وظیفه بهزیستی است برنامه‌ای در این مورد به شهرداری ابلاغ نشده و از نظر قانونی نیز شهرداری اجازه ایجاد مرکزی برای نگهداری اداره شبانه از کودکان را ندارد.

معاون توسعه خدمات اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران افزود: برای کودکان کار در زمستان طرح «زمستان امن برای کودکان» را در نظر داریم که با کمک نهادهای مدنی – سمن ها - میان کودکان کار، لباس و غذای گرم توزیع می‌شود؛ همچنین در محلات اماکنی در نظرگرفته شده که کودکان کار بتوانند در طول روز از فضای گرم آن استفاده کنند.

برگزاری دوره آموزشی " تزریقات و کارگاه عملی کمکهای اولیه در کوهنوردی"

انجمن پزشکی کوهستان ایران در نظر دارد دوره کارگاه آموزشی عملی کمکهای اولیه را در تاریخ یکشنبه ۱۸ و چهارشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۳ در تهران برگزار نماید.

وبلاگ " موسسه علمی پزشکی کوهستان ایرانیان " با انتشار این خبر اعلام کرده است که باتوجه به اینکه شرایط اورژانس یک کوهنورد در محیط کوهستان و عدم دسترسی به حداقل کمکهای اولیه و نجات متفاوت است و مشکلات خاص خود نظیر عدم دسترسی سریع به کمکهای اولیه، بعد زمانی طولانی، فاصله مکانی زیاد، نداشتن امکانات کافی، عدم توانایی در همراه داشتن امکانات کافی کمکهای اولیه دارد و دسترسی به حداقل امکانات کمکهای اولیه بسختی امکان پذیر است داشتن توانمندی های اولیه کمکهای اولیه نظیر توانایی در انجام تزریقات، سرم درمانی، آتل بندی می تواند بسیاری از نیازهای یک کوهنورد را برطرف نماید.

در این خبر آمده است که از آنجایی که دوره های کمکهای اولیه آموزشی در هلال احمر، جهاد دانشگاهی و دیگر سازمانها نیاز یک کوهنورد را برطرف نمی نماید موسسه پزشکی کوهستان ایران (انجمن پزشکی کوهستان ایران) در نظر دارد این نیاز های آموزشی را بصورت یک کارگاه آموزشی برای کوهنوردان برطرف نماید.

احضار نرگس محمدی به دادسرای اوین

نرگس محمدی، نایب رییس و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر به شعبه ۲ بازپرسی دادسرای اوین احضار شد.

به گزارش وبسایت کانون مدافعان حقوق بشر، خانم محمدی براساس احضاریه ای که دریافت کرده است باید ساعت ۹ صبح روز شنبه ۱۷ آبان ماه ۱۳۹۳ به شعبه ۲ بازپرسی دادسرای اوین مراجعه کند.

نرگس محمدی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ و بعد از ملاقات با کاترین اشتون، مسئول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا اخطاری مبنی بر ممنوع الخروجی دریافت کرد که در آن گفته شده بود، اتهام هایی متوجه اوست. خانم اشتون ۱۷ اسفند ۱۳۹۲ برای انجام یک دیدار رسمی با مقام های جمهوری اسلامی ایران به تهران سفر کرده بود که در این سفر با چند تن از فعالان مدنی نیز دیداری داشت.

کانون مدافعان حقوق بشر یک نهاد غیردولتی است که در سال ۱۳۸۰ و توسط پنج وکیل دادگستري به اسامي خانم شيرين عبادي ، آقايان محمدعلي دادخواه ، محمد سيف زاده ، محمد شريف و عبدالفتاح سلطاني شكل گرفت . در هنگام شکل گیری این کانون، چهارتن از موسسین به علت دفاع از پرونده هاي متهمان سياسي – عقيدتي مواجه با محکومیت به تحمل حبس ودر آستانه اعزام به زندان بودند که در مرحله تجدیدنظر، مجازات

حبس دو نفر ازآنان تبديل به جزاي نقدي شد ولي دو نفر ديگر يعني آقايان عبدالفتاح سلطاني ومحمدعلي دادخواه هر كدام براي مدتي به چهار ماه در زندان اوين بسر بردند.

دفاع رایگان ازمتهمان سیاسي – عقیدتي و دفاع از خانواده آنها، تنظیم وانتشار گزارش فصلی وسالانه وضعیت حقوق بشر در ایران، ایجاد نهادهای مردمی حقوق بشری و برگزاری نشست های مطبوعاتی از مهمترین اهداف این کانون است.

خانم محمدی ۱۱ خرداد ۱۳۹۳ به شعبه ۲ بازپرسی دادسرای شهید مقدس احضار و از او برای چند ساعت بازجویی شد. بار دیگر او در ۱۹ مرداد ۱۳۹۳ احضار و بازجویی شد. در این احضار آخرین دفاع توسط بازپرس شعبه از او اخذ شد.

نرگس محمدی در خرداد ۱۳۸۹ و پس از گذشت یک سال از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ در منزلش در تهران بازداشت و در دادگاه تجدید نظر به ۶ سال زندان محکوم شد. او در سال ۱۳۹۱ مجددا بازداشت و بعد از چند روز به طور غیر قانونی برای تحمل حبس به زندان زنجان منتقل شد و سپس در پی بیماری به مرخصی آمد

محمدی در پی اسیدپاشی ها به دختران اصفهانی، همراه با دیگر فعالان مدنی به مجلس شورای اسلامی رفت تا توجه نمایندگان مجلس را به این موضوع جلب کند. حضور فعالان مدنی در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی با آرامش به پایان رسیده بود. اما پس از گذشت چند روز از این حضور، مهدیه گلرو از فعالان مدنی در پی تلاش مدنی اش برای جلب توجه نمایندگان مجلس به موضوع اسیدپاشی ها بازداشت شد.

برپایی نمایشگاه عکس برای کمک به کودکان سرطانی توسط موسسه محک

محک همواره از همراهی ارزشمند تمامی اقشار جامعه و هنرمندان بهره مند بوده و امید دارد با تداوم این همراهی کودکان مبتلا به سرطان از حمایت های درمانی و رفاهی مطابق با استانداردهای جهانی بهره مند باشند.

به گزارش وبسایت موسسه محک این نمایشگاه ١٦ تا ٢١ آبان ١٣٩٣ در گالری میرمیران خانه هنرمندان برگزار و کلیه عواید آن به موسسه خیریه محک اهدا می شود.

نمایشگاه عکس های هادی نوید با عنوان"پرنده های من" با هدف حمایت از کودکان مبتلا به سرطان تحت حمایت محک برگزار می شود.

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان (محک) نام مؤسسه‌ای خیریه‌ایست که در سال ۱۳۷۰ با هدف اصلی حمایت از کودکان مبتلا به سرطان و خانواده‌های آن‌ها در تهران آغاز به کار کرد. این مؤسسه به کودکانی که تا سقف ۱۴ سال سن دارند کمک می‌کند. با این که هسته اصلی موسسه در تهران واقع شده‌است ولی دایره خدمات رسانی آن، تمامی ایران است.

محک تا کنون بیش از ۲۰۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان را تحت حمایت همه‌جانبه قرار داده‌است.

—

نامه‌هایی به آقای رئیس جمهور

2014-11-09 · Archive ID 6422
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6422

عرصه سوم- کامیار بهرنگ: سامانه ای جدیدی که دولت حسن روحانی آن را معرفی کرده است تا ارتباط خود با مردم را تغییر دهد.

در معرفی خود می‌گوید:«اینجا جایی است برای گفتگوی جمهور مردم با منتخب جمهور.هر حرفی با رئیس جمهور دارید بگویید.»

چرا تغییر؟

با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد و در اجرای سیاست های به تعبیر دولت «مردمی» سفرهای استانی گاه شامل تمام اعضای دولت بود و جلسات هیات دولت در شهری دیگر برگزار می‌شد . این موضوع البته تنها منحصر به شهر مشهد که دارای قداست مذهبی است نمی‌شد. (دولت های دیگر همچون دولت یازدهم نیز جلساتی را در این شهر برگزار کرده اند .) اما نکته‌ی مورد نقد کارشناسان و نمایندگان مجلس که حتی در جمع منتقدان احمدی نژاد هم قرار نداشتند به حجم مصوبات این جلسات بود. به طور مثال تنها در یک سفر استانی به آذربایجان شرقی نزدیک به ۶۳۳ مصوبه صورت جلسه شده است . این حجم از مصوبات که تعهد مالی سنگینی را بر گردن دولت انداخته بود، با نواقص بسیاری تا صدمین سفر ادامه یافت.

این سفرها همواره از سوی رهبر جمهوری اسلامی مورد حمایت قرار می گرفت . او در سال ۸۶ و در جمع مردم یزد می گوید:' انسان آنچه که می‌بیند و مي‌شنود، از گزارش خیلی با ارزش‌تر است. این کار را امروز دولت دارد مي‌كند. به همه جای کشور سفر مي‌كنند. يك گوشه‌ای از این را مي‌گيرند، تبديل‌ش مي‌كنند به نقطه ی ضعف و ایراد گرفتن. چرا در این سفر صد تا مصوبه داشتید؛ در حالی که پنجاه تاي‌ش بیشتر قابل عمل نیست؟ خیلی خوب، حالا پنجاه تاي‌ش عمل بشود؛ این بهتر از هیچی نیست؟ اینها ایجاد یأس است. در واقع این مجموعه‌ی حمایت‌ها از سفرهایی بود که بعدها در دولت حسن روحانی به دلیل نبود بودجه‌ی پشتیبان اصلاح شد .

اما این تمام حاشیه‌ی سفرهای استانی محمود احمدی نژاد نبود. با هر سفر بسیاری از مردم به دنبال ماشین حامل او می‌دویدند تا نامه ی خود را مستقیما به دست او برسانند . این سیاست‌ها در مناظره‌های انتخاباتی سال ۸۸ مورد انتقاد میرحسین موسوی قرار گرفت . در واقع بسیاری بر این باور بودند این حرکت احمدی نژاد «خوار کردن» مردم است : «مردم را به ارزش‌ها دعوت می‌کنم. مردم را خوار کردن و برای یک نامه به دنبال ماشین خود کشیدن به عنوان اینکه ما سیاست رو در رو با مردم داریم. این روش کار نیست.»

به هر روی دولت محمود احمدی نژاد در سال ۹۲ جای خود را به حسن روحانی داد و او در اولین وعده‌های خود به اصلاح رفتار خود در سفرهای استانی اشاره کرد . اما آنچه در اولین سفر استانی حسن روحانی نیز اتفاق افتاد باز هم مردمی بودند که به امید رفع مشکلات خود نامه به دست در پی هیات همراه حسن روحانی می‌دویدند . این علیرغم آن بود که پیشتر از مردم خواسته شده بود تا از نامه نوشتن به رئیس جمهور خودداری کنند و از طریق شماره ۱۱۱ خواسته های خود را با مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری در میان بگذارند .

نامه با حجم گونی

زمانی‌که برخی سفرهای استانی احمدی نژاد را تحقق آرزوی رهبر جمهوری اسلامی می‌دانستند ، راه انتقاد از آن را به انتقاد از رهبری پیوند می‌زدند تا هزینه ی آن را درعین حال بالا برده و از سوی دیگر برای اجرای آن پشتوانه توجیهی فراهم آورند. اما نکته ی مهم در حجم نامه های ارسالی / دریافتی احمدی نژاد در این مدت بوده است.

بنا به آمار رسمی در طول ۸ سال ریاست جمهوری محمد احمدی نژاد نزدیک به ۳۰ میلیون نامه برای او ارسال شده است . با این حساب به طور میانگین احمدی‌نژاد و دفترش روزی نزدیک به ۱۰۰۰۰ نامه دریافت می کردند.

اما نکته‌ی دیگر آنجاست بود که در یکی از اظهارات نزدیکان محمود احمدی‌نژاد در یکی از سفرهای استانی ۱۵۰ گونی نامه مردمی جمع آوری شده است .

اما دولت روحانی همانطور که پیشتر به آن اشاره شد در تلاش بوده و هست تا شکل سفرهای استانی را تغییر دهد. در اولین سفر استانی او به خوزستان یکی از مشاوران او اعلام کرد : «استقبال مردمی در این سفر نخواهیم داشت. این سفرها به آن شکل تبلیغاتی که انجام می‌شد، مورد نظر دولت نیست؛ چرا که بحث حفظ کرامت مردم و توجه به این‌که دولت در خدمت مردم است مورد توجه است.»

در واقع این جملات آشنایی بود که در سال ۸۸ بسیار شنیده می‌شد .
اما در عین حال ما شاهد حضور مردم در خیابان‌های اهواز برای استقبال از حسن روحانی بودیم ، جریاناتی که دوره ی احمدی نژاد را برای بسیاری تداعی می کرد . مجید نصیرپورسردهایی، معاون نظارت و هماهنگی معاونت پارلمانی رئیس جمهور ایران می گوید : «ویژگی یک دستگاه پویا این است که اشکالات خود را برطرف و نقاط قوت را برای بازدهی بیشتر تقویت کند و قرار نیست به دلیل برخی انتقادات، صورت مساله را پاک کنیم.»
حداقل نکته ای که در دولت روحانی می توان یافت، واکنش نشان دادن به انتقادات و حتی اقدام برای اصلاح آن است، رویه ای که در دولت احمدی نژاد به هیچ عنوان دیده نمی شد.

در عین حال نصیرپور تاکید می‌کند:«اگرچه علیرغم درخواست‌های مسئولان پس از سفر روحانی به خوزستان، مردم بازهم به رییس جمهور در جریان دومین سفر وی به هرمزگان، نامه نوشتند و قصد رساندن آن به روحانی را داشتند ولی نباید توقع داشت سنتی که در هشت سال گذشته مورد تعریف و تمجید بود، به یکباره محو و کنار گذاشته شود.»

جامعه‌ی مدنی، حلقه‌ی گم شده

در واقع تا زمانی‌که جامعه‌ی مدنی ایران و سازمان‌های مردم نهاد به عنوان نمایندگان واقعی مردم در کشور جان نگرفته‌اند همواره ما شاهد سیاست‌های فردی و ارتباطات مستقیم مردمی با نهادهای قدرت هستیم. امری که در هر دولتی شکل دیگری به خود می گیرد اما اصل ماجرا را تغییر نمی دهد.

در جوامعی که' فرهنگ جامعه مدنی' به عنوان یکی از پایه ای ترین اصول دموکراسی تعریف شده است، این نهادهای مدنی هستند که حلقه‌ی اتصال جامعه به قدرت می شوند. مسیر این گفتگو مشخص است، جامعه‌ی مدنی فارغ از تمام برداشت های سیاسی و یا محدودیت های احزاب با گفتگوهای درونی خود یک گفتمان را آغاز می کند. این گفتمان را به احزاب و سازمان های سیاسی نزدیک خود منتقل می کند و این مهم است که خود جامعه‌ی مدنی پیگیر مطالبات خود باشد.

با اینکه سایت حرف جمهور برای اصلاح رابطه نامه‌نگاری‌های مستقیم به رئیس جمهور راه اندازی شده است، اما سوال اینجاست چرا حسن روحانی به سوی جامعه‌ی مدنی دست دراز نمی کند و فضای لازم برای آنان را فراهم نمی‌کند تا خود این جامعه باشد که ابتکار ارتباط با قدرت را به دست گیرد؟

سیاست مردمی از جنس موازی

«استادان دانشگاه، فعالان بخش خصوصی، فعالان اجتماعی، مدیران اداری و اجرایی، و گروه‌های دیگری که می‌توان آن‌ها را نخبگان خواند، گاه به گاه سؤالاتی با این مضامین از خود پرسیده‌اند: آیا برای تصمیم‌گیری درباره آن موضوع به این داده‌ها توجه شده است؟ آیا آن‌چه من درباره این موضوع می‌دانم می‌تواند بر بهبود سیاست‌گذاری درباره موضوع مؤثر باشد؟ آیا سیاست‌گذاران نظرات متخصصان و جامعه نخبگان را برای تصمیم‌گیری لحاظ کرده‌اند؟ آیا می‌دانند در کشورهای دیگر برای بهبود سیاست‌گذاری و اجرا در این موضوع چه کرده‌اند؟ این گروه از نخبگان اغلب بعد از طرح چنین پرسش‌هایی، از خود می‌پرسند: آیا راهی هست که دانش، داده‌ها و تجربه‌هایم را به سیاست‌گذاران ارائه کنم؟ شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی ابزاری برای پرداختن به همه این سؤالات و بالاخص پاسخ دادن به سؤال آخر است.» این بخشی از مقدمه ی سایت شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی است که چندی پیش زیر نظر مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری راه اندازی شده است. در واقع این نهاد در کنار آنچه بالاتر نهادی بود برای ابراز احساسات یا انتقاد در اینجا شکلی حرفه ای به خود می گیرد و تیم مطالعاتی ریاست جمهوری به سوی یک برخورد حرفه ای می رود.

در کنار این موضوع باید در نظر داشت با حضور محمد نهاوندیان در راس دفتر ریاست جمهوری نگاهی متفاوت همراه با کرامت را برای ارتباطات و تبادل نظرها در نظر گرفته است. حتی او خود پا در میدان گذاشته است و خارج از ۱۰۰ اپوراتور مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری پاسخ برخی از شهروندان را مستقیما می دهد. او در مصاحبه ای به می گوید : «اگر مردم در این ارتباط صداقت دیدند با صداقت برخورد می کنند.»

—

از اسیدپاش‌ها سرنخی نداریم!

2014-11-11 · Archive ID 6426
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6426

عرصه سوم: در حالی که بیش از یک ماه از ماجرای تلخ و ناگوار اسیدپاشی‌های زنجیره ای در اصفهان می گذرد معاون رئیس جمهور از بی نتیجه بودن تحقیقات خبر داده است.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، شهیندخت ملاوردی معاون رئیس جمهور در امور زنان گفته‌است: «رییس جمهوری بر پیگیری سریع و فوری این قضیه تاکید دارند. سه وزیر نیز در دو جلسه قبلی هیات دولت گزارش خود را در این زمینه ارائه کرده اند. همچنان منتظر و پیگیر هستیم، هرچند که به دلیل نبود سرنخی در مورد عاملان این حادثه، پیگیری ها تاکنون به نتیجه نرسیده است.»

در شرایطی که سال‌هاست دستگاه‌های امنیتی و انتظامی در کشور مدعی اقتدار بی‌چون و چرا در عرصه‌های اطلاعاتی و امنیتی هستند به نظر می‌رسد شکست تحقیقات در پرونده اسیدپاشی اصفهان می‌تواند خط بطلانی باشد بر تمام ادعاهای موجود.

یک ماه از وقوع آن فجایع دلخراش گذشته و افکار عمومی کماکان منتظرند تا خاطیان و مجرمان این پرونده ملی به آنها معرفی شوند، در چنین شرایطی این اظهارات معاون رئیس جمهور علاوه بر گسترش موج نامیدی در جامعه، موید ناکارآمدی و جهت‌گیری‌های نادرست نهادهای امنیتی کشور است.

این ضعف نهادهای امنیتی در کشور، که اصولا ابتدایی‌ترین وظیفه‌شان تامین امنیت عمومی است آنجایی آزار دهنده و ناامید کننده می‌شود که هر از گاهی ماموران اطلاعاتی در سپاه و وزارت‌اطلاعات و نیروی انتظامی با دستگیری چند جوان به عنوان فعال فیسبوکی یا خواننده یا ... قصد به رخ کشیدن اقتدار خود را دارند.

جامعه مدنی و مردم ایران امروز حق دارند از دولت و حکومت ایران بخواهند تا بودجه‌های میلیاردی کشور به جای سرک کشیدن به عرصه‌های خصوصی و مجازی جوانان ایران، به تامین امنیت عمومی مردم اختصاص یابد.

فاجعه اسیدپاشی در اصفهان یکی از تلخ‌ترین تجربیات زنان ایرانی است که تا امروز واکنش‌های مختلفی را از سوی نهادها و فعالان مدنی به همراه داشته است. البته نباید فراموش کرد که در سوی دیگر نهادهای امنیتی در برخورد با معترضان به اسیدپاشی کماکان با قدرت ظاهرشده و تعدادی از خبرنگاران و عکاسان را نیز دستگیر کرده‌اند.

—

از اتهام تبانی تا امر به معروف در مجلس ایران

2014-11-13 · Archive ID 6430
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6430

تبانی در اعلام وضعیت آلودگی هوا

عرصه سوم-محمد صادقی: یک نماینده مجلس مدعی شد که سازمان محیط زیست و شرکت کنترل کیفیت هوای تهران برای اعلام آمار نادرست هوای شهر تهران تبانی کرده اند.

مهدی موسوی‌نژاد نماینده دشتستان در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس گفته است که آمارهای ارائه شده درباره میزان آلودگی هوا «مطابق سیاست‌گذاری‌های سازمان محیط زیست است و مبنای کارشناسی و علمی ندارد.»

این عضو کمیسیون انرژی مجلس با بیان این که «در کشور هیچ اقدامی برای بهبود وضعیت کیفیت هوا انجام نشده است» گفت: «ما در جلسه پیشین خود با مسئولان سازمان محیط زیست و استاندارد نگرانی خود را اعلام کردیم و بر این نکته هم تأکید کردیم که باید نظارت به گونه‌ای باشد تا آمار نادرست در اختیار مردم قرار نگیرد.»

موسوی‌نژاد از دستگاه‌های نظارتی خواست به این مسئله حساس بوده و اجازه تکرار چنین اتفاقاتی را ندهند.



81382667-6070470

مخالفت های تکراری با گزینه جدید دولت

پس از عدم موفقیت نیلی احمدآبادی در کسب رأی اعتماد از مجلس نهم برای تصدی وزارت علوم، حسن روحانی، رئیس جمهور طی نامه‌ای احمدی دانش آشتیانی را به عنوان وزیر پیشنهادی علوم به مجلس معرفی کرده است که طبق برنامه جلسه رأی اعتماد وی در روز سه‌شنبه 27 آبان برگزار می‌شود.

با اعلام نام احمدی دانش آشتیانی به عنوان گزینه دولت برای تصدی وزارت علوم، واکنش نمایندگان مجلس ین گزینه نیز چندان مثبت نبود و شماری از نمایندگان دولت را تهدید کردند که سرنوشتی مشابه دیگر وزاری پیشنهادی دولت برای وزارت علوم در انتظار دانش آشتیانی است.

سیدشریف حسینی نماینده اهواز با اشاره به موضع مجلس در خصوص احمدی دانش آشتیانی به عنوان وزیر پیشنهادی علوم گفت : «با توجه به شرایط فعلی نمی‌توان فضای مجلس را به سود وزیر پیشنهادی علوم دانست و تغییر این شرایط به توانایی و برنامه‌های وی بستگی دارد که در جلسات خود با فراکسیون‌ها و کمیسیون‌ها به نمایندگان ارائه خواهد کرد.»

علی طاهری نماینده گرگان و آق‌قلا نیز با استناد به «اخبار و اطلاعات موثق» معتقد است که «وی تفاوت قابل توجهی با وزرای قبلی و گزینه‌های پیشین ندارد.»

این نماینده مجلس با بیان این که «دانش آشتیانی نیز دقیقاً مانند همان‌ها [توفیقی، میلی منفرد و نیلی احمدی آبادی] است» می گوید: «اگر قرار است وی وزیر شود همان آقای فرجی دانا می‌ماند.»

وی عملکرد دانش آشتیانی در زمان تصدی معاونت وزارت علوم را منجر به بروز نگرانی‌هایی برای نمایندگان دانسته و می گوید: «نمایندگان صرفاً به دنبال یافتن سوابق افراد در فتنه 88 نیستند بلکه به سوابق پیش از آن نیز نظر دارند.»

نصرالله پژمانفر نیز با ابراز نارضایتی از انتخاب دانش آشتیانی به عنوان گزینه جدید وزارت علوم را با هدف «سهم‌گیری اصلاح طلبان فعال در فتنه 88» دانست و گفت : «مجلس وظیفه خودش را انجام می‌دهد و اجازه هیچ اقدام خلاف قانون را به کسی نداده و اگر دولت همین روند را ادامه دهد شکست و دست نیافتن به موفقیتش با شدت بیشتری ادامه پیدا می‌کند.»

تحقیق و تفحص از صنعت بیمه

این هفته جلسه هیأت تحقیق و تفحص از صنعت بیمه کشور تشکیل شد .

به گفته مهناز بهمنی نماینده سراب «زمانبندی لازم به منظور استقرار تیم‌های تخصصی بدین منظور انجام خواهد شد و در حال حاضر هماهنگی کمیسیون اقتصادی و اعضای هیأت تحقیق و تفحص با دستگاه‌های اجرایی در حال انجام است.»

این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با اعلام اینکه «در حال حاضر مجلس بر اساس مستندات مرکز پژوهش‌ها در حال بررسی موضوع و تخلفات صورت گرفته در صنعت بیمه است»، گفت: «عدم رعایت قوانین بیمه‌ای و نبود سازوکار و شخص در چگونگی صورت‌های مالی شرکت بیمه‌ای و همچنین اعمال نظارت بیشتر بر روند اجرایی صنعت بیمه گامی است که مجلس در پی برداشتن آن است و امیدواریم هیأت تحقیق و تفحص و کمیسیون اقتصادی بتواند گزارش جامعی از صنعت بیمه را در اختیار مجلس قرار دهد.»

احضارها و تذکرها

در ادامه احضار وزرای کابینه یازدهم و تذکر نمایندگان به اعضای هیئت دولت حسن روحانی این هفته موارد احضار وزرا برای پاسخ به سوالات نمایندگان و تذکر های مجلسی ها به اهالی پاستور به شرح زیر است:

- احضار وزیر آموزش و پرورش در خصوص عدم توجه به بیمه فرهنگیان و تعطیلی مدارس راهنمایی روستایی و همچنین مستند قانونی شکل گیری پارلمان معلمان در برخی استان‌ها

- احضار وزیر ارشاد در خصوص کم توجهی به قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی و عناوین بیگانه

- احضار وزیر صنعت در خصوص عدم راه‌اندازی معدن فولاد شهرستان راور

- احضار وزیر جهاد کشاورزی در خصوص عدم اجرای ماده 10 قانون عراضی شهری و ماده 20 آیین نامه اجرایی

- احضار وزیر تعاون درخصوص اقدامات این وزارتخانه درخصوص اشتغال شایسته‌سالاری و مبارزه با فساد

- احضار وزیر کشور درخصوص سخنرانی چالش‌برانگیز استاندار چهارمحال و بختیاری در تجمع مردم شهرکرد

- احضار وزیر آموزش و پرورش درخصوص علت عدم محاصره بخشی از حقوق بازنشستگان فرهنگی با وجود احکام صریح قانونی

برخی از تذکرات کتبی نمایندگان به مسئولان اجرایی کشور نیز در هفته گذشته به این شرح بود:

- تذکر به وزرای اطلاعات، خارجه و کشور برای توضیح علت عدم امنیت جانی و مالی برای شاغلان غیربومی استان سیستان و بلوچستان به ویژه معلمان

- تذکر به وزیر اقتصاد برای تسریع در تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی

- تذکر به وزیر کشور برای تسریع در رسیدگی به وضعیت استخدام افراد در استانداری‌های سراسر کشور

- تذکر به رئیس جمهور برای جلوگیری از خام‌فروشی مواد معدنی و همچنین جلوگیری از افزایش قیمت نان

- تذکر به وزیر ورزش و جوانان در مورد عدم نظارت و برنامه‌ریزی مناسب برای اماکن ورزشی و عزل و نصب‌های سیاسی در حوزه ورزش و جوانان

- تذکر به وزیر ارشاد درباره لزوم حمایت از تولیدات فرهنگی و بومی همچنین لزوم پایبندی خبرگزاری ایرنا به قانون اصل بی‌طرفی و امانتداری در خبررسانی

- تذکر به رئیس جمهوردرباره لزوم رعایت قانون در گزینش و معرفی دانشجویان مشمول قانون راجع به استعدادهای درخشان در مقاطع مختلف تحصیلات تکمیلی به ویژه در دانشگاه الزهرا

- تذکر به وزیر کشور در خصوص لزوم برخورد قاطع نیروی انتظامی با ضاربان طلبه ناهی از منکر در خرم‌آباد

- تذکر به وزیر بهداشت در مورد لزوم اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات و پرستاری مصوب 1386

- تذکر به رئیس جمهور درباره توضیح علت عدم همکاری سرپرست وزارت علوم با کمیته منتخب کمیسیون آموزش مجلس در مورد کشف حقیقت از مسئله دانشجویان بورسیه

حساسیت بسیج دانشگاه شریف به نرخ خوراک گاز!

تشکل شبه نظامی بسیج دانشجویی وابسته به سپاه پاسداران در دانشگاه صنعتی شریف با انتشار نامه ای خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خواستار «عدم تصویب یا اصلاح فرمول موجود در طرح الحاق موادی به قانون تنظیم مقررات مالی دولت برای قیمت گذاری خوراک گاز واحدهای پتروشیمی شد»

اعضای بسیج دانشگاه صنعتی شریف در این بیانیه نمایندگان را تهدید کرده اند که «در صورتی که احساس کنیم مجلس مشغول اتخاذ تصمیمات غلط در این موضوع است، سکوت نخواهیم کرد.»

در این بیانیه آمده است: «بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف به نمایندگی از قشر آگاه دانشجویی از مجلس شورای اسلامی انتظار دارد رویه سال گذشته خود را در موضوع قیمت گذاری خوراک پتروشیمی تکرار کند و با کمک گرفتن از کمیسیون‌های تخصصی مربوطه، موجبات رانت‌خواری را برای گروه های خاص فراهم نکند. همچنین باید به این نکته توجه شود که تلاش‌های پیشین مجلس سبب افزایش نرخ خوراک پتروشیمی تا 13 سنت شده است و اگر نرخ جدید به پایین تر از 13 سنت برگردد، این موضوع باعث بروز مجدد رانت‌خواری در صنایع پتروشیمی می‌شود و خیانت به منابع ملی تلقی می‌شود.»

افزایش اختیارات وزیر دادگستری

در حالی که روز سه شنبه گذشته کلیات طرحی دوفوریتی درباره وظایف و اختیارات وزیر دادگستری با ۱۵۰ رأی مثبت به تصویب نمایندگان مجلس رسیده بود، روز چهارشنبه پیشنهاد سلب یک فوریت از طرح مذکور مورد بحث و بررسی قرار گرفت که در نهایت با مخالفت نمایندگان همراه شد.

موسی غضنفرآبادی نماینده بم در مجلس به عنوان پیشنهاد دهنده "سلب یک فوریت" از طرح مذکور، دلیل آن را «جامع و کامل نبودن طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل ۱۶۰ قانون اساسی» دانسته و گفت : «چرا باید با عجله این طرح را بررسی کنیم؟ ما با تصویب طرح مذکور، به دنبال پاسخگو کردن وزیر دادگستری به مجلس هستیم، ولی با این طرح به دلیل ایرادات فراوان آن به این هدف نمی‌رسیم و این طرح تأمین‌کننده این خواسته ما نیست.»

در مقابل محمد قسیم عثمانی نماینده بوکان در مجلس نیر در سخنانی به عنوان مخالف گفت: «روز یکشنبه با 170 رأی، دوفوریت این طرح به تصویب رسیده است، حالا چه شده که می‌خواهیم یک فوریت آن را سلب کنیم؟! اگر این اتفاق بیفتد بیرون از مجلس درباره ما چه فکری می‌کنند؟!»

پیش از این محمد ابراهیم رئیسی دادستان کل کشور در صحن علنی مجلس در جریان بررسی طرح دو فوریتی نحوه اجرای قسمتی از اصل 160 قانون اساسی در مخالفت با دو فوریتی بودن آن خطاب به نمایندگان موافق طرح مذکور گفت : «هم‌اکنون که پرونده‌های قوه قضائیه تنها در دست قضات وجود دارد مسائل عدیده‌ای برای آنها پیش می‌آید، حال این طرح می‌خواهد همه چیز را در اختیار وزیر هم قرار دهد.»

دادستان کل کشور با اعلام اینکه «طرح افزایش اختیارات وزیر دادگستری نه تنها مشکلات را حل نکرده بلکه بر آن می‌افزاید»، گفت: با تصویب این طرح دست دولت و وزیر دادگستری در هر پرونده‌ای باز می‌شود.»

اما موافقان طرح معتقدند که «ما نمی‌توانیم از وزیر سؤال کنیم زیرا می‌گویند اختیاری ندارد و از رئیس قوه قضائیه هم نمی‌توانیم سؤالی بپرسیم چون دستگاه قضا یک قوه مستقل است، حال در چنین وضعی چه کسی باید برابر نمایندگان پاسخگو باشد!»

مصطفی افضلی فرد رییس کمیسیون اصل 90 مجلس در موافقت با این طرح با بیان این که «پاسخگو نبودن وزیر دادگستری خلاف اصل 88 قانون اساسی است» خطاب به مخالفان طرح گفت : «من تأسف می‌خورم برای برخی همکاران که می‌گویند این طرح خلاف قانون است ما فقط به دنبال پاسخگو بودن وزیر دادگستری هستیم که این موضوع خلاف قانون اساسی نیست.»

بسیج موظف به امر به معروف شد

در هفته ای که گذشت و در ادامه تصویب طرح موسوم به امر به معروف و نهی از منکر، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نیروهای سازمان بسیج مستضعفین را به «اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه لسانی» موظف کردند.

روز یکشنبه به موجب مصوبه مجلس، سازمان بسیج مستضعفین موظف شد با به کارگیری آحاد بسیجیان در چارچوب قوانین نسبت به فرهنگ‌سازی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه زبانی اقدام کنند.

در تبصره این ماده مصوب شد مفاد این ماده نافی مسئولیت ضابطین قضایی بسیج در مرتبه اقدام عملی نیست.

همچنین در ماده ۲۰ این طرح مصوب شد که تمامی دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ و موسسه‌ها و شرکت‌های خصوصی و مراکز خدمات عمومی و اماکن عمومی و واحدهای صنفی موظف به رعایت این قانون هستند.

مجلس در ۱۶ مهرماه جاری کلیات طرح موسوم به «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» را با وجود نظر مخالف دولت یازدهم تصویب کرد.

سهم معدن در تولید ناخالص داخلی کمتر از 1 درصد!

دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن مرکز پژوهش‌های مجلس، این هفته طی گزارشی نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش معدن را برآورد و آن را با سایر بخش‌های عمده اقتصادی کشور مقایسه کرده است.

در گزارش مرکز پژوهش های مجلس اعلام شده که «با وجود میلیاردها تن ذخایر شناخته شده معدنی در ایران، هنوز سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی کمتر از یک درصد است و عدم رشد و توسعه بایسته و شایسته بخش معدن از عدم نگاه علمی و کارشناسانه به این بخش و همچنین نبود انگیزه عمومی کافی برای سرمایه‌گذاری در آن ناشی می‌شود.»

این درحالی است که در کشورهای پیشرفته معدنی دارای ذخایر همسان با ایران، سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی بسیار بالاتر از ایران است.

بنا بر این گزارش با توجه به این عدم تناسب، برخی از کارشناسان حوزه صنعت، معدن و صنایع معدنی، معضلات و تنگناهای بخش معدن را که منجر به کاهش سرمایه‌گذاری در این بخش شده است، در موارد زیر خلاصه کرده‌اند: فقدان زیربناهای فیزیکی، کمبود منافع برای تحقیق و توسعه، ریسک بالای اکتشاف و بهره‌برداری در بخش معدن به دلیل نبود اطلاعات پایه زمین‌شناسی قابل اتکا، زمان‌بر بودن اکتشاف معدنی و کند بودن بازگشت سرمایه، ناکافی بودن استانداردهای تولید و مصرف مواد معدنی، ضعف در بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، افزایش محدودیت‌های بین‌المللی و تأثیر آن بر دریافت دانش فنی و تجهیزات تولیدی از خارج کشور، پایین بودن عمر مفید تجهیزات معدنی، نداشتن نظام جامع آماری و اطلاعات معدنی، ضعف در زیرساخت‌های حمل و نقل، تأکید بر فرآوری مواد اولیه به صورت دستوری بدون توجه به مقتضیات اقتصادی و بازار جهانی، پایین بودن تکنولوژی اکتشاف و استخراج در ایران، عدم پذیرش پروانه بهره‌برداری معدن به عنوان وثیقه بانکی و ...

—

از حمله بذرپاش به دولت تا تذکر قاسم احمدی به وزیر ورزش

2014-11-14 · Archive ID 6438
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6438

بذرپاش: مدیریت اصلاح طلبان مانند دوران قاجاریه است!

عرصه سوم-محمد صادقی: همزمان با مذاکره حساس وزاری امور خارجه ایران و ایالات متحده و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر سر مناقشه هسته ای ایران در مسقط پایتخت عمان، موج تازه ای از حملات نمایندگان مخالف دولت به سیاست خارجی حسن روحانی در مجلس آغاز شده است.

در تازه ترین موضع گیری ها مهرداد بذرپاش رییس سابق بسیج دانشگاه صنعتی شریف که اکنون در جایگاهی نمایندگی مجلس قرار گرفته است انتقادهای تندی علیه سیاست خارجی دولت حسن روحانی ابراز کرد.

بذرپاش در صحن علنی مجلس خطاب به حسن روحانی ریاست جمهوری ایران گفت : «اگر بنا بود که نسخه شما حقوقدانان رفتار می‌شد الان معلوم نبود در کربلا و نجف بر سر حرمین شریفین چه می‌آمد. هنر دیپلماسی از مسیر انقلابیون زمان می‌گذرد که فرمانده‌اش سید خراسانی است که گفت انقلابی ام.»

این نماینده تندور ادامه داد: «هنر دیپلماسی از مسیر سرهنگ‌هایی می‌گذرد که شما در انتخابات با آنان آنگونه برخورد کردید. هنوز برای دشمن که هر شب با کابوس حاج قاسم ما می‌خوابد میدان‌داری سید ما تعیین مسیر می‌کند.»

مدیر سابق ایران خودرو در دولت محمود احمدی نژاد و مدیرمسئول روزنامه وطن امروز با کنایه دولت حسن روحانی را با حکومت شاهان قاجار مقایسه کرد و گفت: «نمی دانم چرا در دوره مدیریت اصولگرایان یاد فتوحات صفویه می‌افتم و در دوره مدیریت دگراندیشان و اصلاح‌طلبان یاد قاجاریه.»

زندانی شدن مایلی کهن به مجلس کشیده شد

اختلاف ها و درگیری های لفظی میان علی دایی و محمد مایلی کهن دو سرمربی سابق تیم ملی فوتبال ایران که با شکایت علی دایی از مایلی کهن و زندانی شدن مایلی کهن ابعاد جنجالی دیگری به خود گرفت، به مجلس نیز کشیده شد.

یک روز پس از بازداشت محمد مایلی کهن و انتقال وی به زندان اوین، قاسم احمدی‌لاشکی نماینده نوشهر و چالوس در جلسه علنی در تذکری آیین‌نامه‌ای با اشاره به درگیری‌های میان این دو پیشکسوت فوتبال گفت : «تذکر بنده به وزیر ورزش و جوانان و البته فدراسیون فوتبال است.»

این نماینده مجلس با بیان این که «چند وقتی است ورزش فوتبال کشورمان مرده است، نه انگیزه‌ای، نه شوری، نه تکنیکی، این موارد کم بود حالا اخلاق هم در ورزش فوتبال ما مرده است.» به تصاویر منتشر شده از بازداشت مایلی کهن اشاره کرد و گفت: «قطعاً مایلی کهن یکی از بزرگترین مربیان ورزش فوتبال کشورمان بوده است، حال شاهدیم به وی دستبند زده و او را به زندان بردند، علت این موضوع درگیری وی با علی دایی است، مایلی‌کهن و علی دایی دو عنصر لایق و بزرگ فوتبال ایران هستند.»

احمدی لاشکی با انتقاد از وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال گفت: «در شرایط کنونی با توجه به این اتفاق این سؤال پیش می‌آید که آیا ورزش کشور صاحب، بزرگ‌تر و پیشکسوت ندارد؟! مگر مایلی‌کهن فردی قاتل، فاسد یا جاعل است که با وی چنین برخوردهای می‌کنید؟!»

وی خطاب به علی دایی نیز گفت : «آقای دایی! شما در ورزش کشور یک اسطوره هستید و یکی از شاخص‌های اسطوره بخشش و عفو است، از این رو انتشار تصویر و اخبارهای چند روز اخیر به هیچ وجه زیبا نیست، از طرف دیگر وضعیت کنونی مایلی‌کهن عاقبت فردی است که خالصانه در ورزش کشور خدمت کرده است، همان مایلی‌کهنی که مربیگری او سبب پرورش استعدادهایی چون علی دایی شد و 6 گل به کره جنوبی زده شد.»

—

همراه با سمن‌ها؛ از جشنواره مطبوعات تا استادان رفتگر

2014-11-16 · Archive ID 6441
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6441

در سال‌های اخیر سوگواره مطبوعات داشتیم نه جشنواره

رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران میانگین تیراژ مطبوعات نسبت به جمعیت کشور را ناخوشایند توصیف و تأکید کرد این وضعیت و چرایی آن باید بررسی شود.

ماشاءالله شمس‌الواعظین در حاشیه بیستمین نمایشگاه مطبوعات و در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، درباره وضعیت تیراژ مطبوعات امروز کشور اظهار کرد: «در حال حاضر تیراژ روزنامه‌های یومیه کشور به گفته معاون مطبوعاتی به نیم میلیون نسخه هم نمی‌رسد، معنای این موضوع این است که به نسبتِ جمعیت، سرانه مطبوعات در ایران برای مردم آماری حیرت‌آور را از منظر توسعه‌نیافتگی مطبوعات در مخاطب‌سازی به نمایش می‌گذارد.»

او افزود: «این آمار خیلی خطرناک است. باید آقایان این وضعیت و چرایی آن را بررسی کنند. باید بتوانیم بگوییم ما در غرب آسیا با توجه به اینکه کشوری کهن با ادبیات و فرهنگ ژرف هستیم و کتاب‌ها و خلاقیت‌های ابداعی که در شعر و فرهنگ و رمان و همه چیز داریم، دارای بیشترین تیراژ مطبوعات هستیم، اما متاسفانه چنین چیزی اکنون وجود ندارد. در حالی که این جز از طریق گشودن بستر آزادی بیان و آزادی گردش اطلاعات میسر نخواهد شد.»

وی با اشاره به رشد کمّی نمایشگاه مطبوعات عنوان کرد: «فرد خوشبینی هستم و خوشحالم که رشد کمّی در کشور در عرصه مطبوعات در حال وقوع است.»

این مدرس ارتباطات در بخش دیگری از گفت‌وگو با ایسنا، از یک خوشحالی صحبت کرد که نمی‌تواند آن را پنهان کند و گفت: «خوشحالم از این که عنوان جشنواره مطبوعات حذف شده و جایش را نمایشگاه مطبوعات گرفته است. این عنوان هم سالم‌تر است و هم حرفه‌ای‌تر. مطبوعات زمانی جشن می‌گیرند که دوران طلایی و شکوفایی‌شان را طی می‌کنند، ولی ما طی سال‌های اخیر جشنواره مطبوعات نداشتیم، سوگواره مطبوعات داشتیم، یعنی هر سال سالگرد مرگ یک مطبوعه را برگزار می‌کردیم.»

شمس‌الواعظین با اشاره به این‌که «رشد کمّی در مطبوعات و رسانه‌ها در این نمایشگاه زیاد می‌بینم، اما رشد کیفی نیاز به مطالعه، تحقیق، پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات دارد که خیلی زمان می‌برد.» اظهار کرد: «نمی‌دانم در یک سال اخیر با روی کار آمدن دولت روحانی چه اتفاق محتوایی و کیفی افتاده است، اما مسلما رشد کمّی عاملی است برای رشد کیفی.روزنامه نگاران ایران که از پنج سال قبل پلمب شده، از جمله خواسته های روزنامه نگاران در ایران است که در دوران تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری گذشته نیز مورد تاکید و وعده حسن روحانی قرار گرفته بود، اما تاکنون اقدام موثری برای تحقق آن صورت نگرفته است.»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران سندیکای سراسری روزنامه‌نگاران در ایران است، که در مهرماه سال ۱۳۷۶ پس از روی کار آمدن محمد خاتمی تأسیس شد. این انجمن اما در تیرماه 87 و در زمان دولت محمود احمدی نژاد، توسط دیوان عدالت اداری به علت حکومتی «سست بودن پایه‌های تاسیس»، واجد انحلال اعلام شد.



narges-mohammadi

نرگس محمدی : آقای روحانی! امنیتی‌ها می‌خواهند نهادهای مدنی را سرکوب کنند؛ جلوی آنها را بگیرید

نرگس محمدی، نایب رییس و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر در نامه ای به حسن روحانی، رییس جمهور ایران توضیحاتی را در خصوص بازجویی نیروهای امنیتی از او در دادسرای شهید مقدس- اوین- در پی تشکیل پرونده ای قضایی که مدتی پیش برایش گشوده شده است، ارائه کرد.

به گزارش سایت کانون مدافعان حقوق بشر، محمدی در این نامه محور سؤال های طرح شده توسط بازجویان را فعالیت های مدنی اش عنوان کرد؛ فعالیت هایی که به اعتقاد او با وعده های رییس جمهوری مبنی بر تحقق جامعه مدنی همخوان است.

کانون مدافعان حقوق بشر یک نهاد غیردولتی است که در سال ۱۳۸۰ و توسط پنج وکیل دادگستری شکل گرفت.دفاع رایگان ازمتهمان سیاسی – عقیدتی و دفاع از خانواده آنها، تنظیم وانتشار گزارش فصلی وسالانه وضعیت حقوق بشر در ایران، ایجاد نهادهای مردمی حقوق بشری و برگزاری نشست های مطبوعاتی از مهمترین اهداف این کانون است.

با انتشار خبر احضار نرگس محمدی به دادسرا، برخی با طرح گمانه هایی از دلیل احضار او به دادسرا سخن گفتند اما اینک او با ارسال این نامه به آقای روحانی از محور اصلی بازجویی هایش سخن گفته است.

از همین رو او به آقای روحانی یادآوری کرده است که اعمال فشارهای امنیتی، روحی و روانی و اجتماعی بر فعالان مدنی می تواند به انحراف و خارج شدن شهروندان از مدار فعالیت های مدنی بیانجامد و برخی را به انفعال یا اتخاذ حرکت های تند و افراطی وادار کند.

در این نامه که در تاریخ بیستم آبان ماه ۱۳۹۳ برای رییس جمهوری ایران ارسال شده، آمده است :

جناب آقای دکتر روحانی

رییس جمهور محترم

با سلام و احترام

روز شنبه 17/8/93 به درخواست آقای صلواتی و به دستور بازپرس محترم شعبه 2 دادسرای شهید مقدس- اوین- در اختیار بازجویان نیروهای امنیتی قرار گرفتم تا به قول خودشان تحقیقات پرونده ام کامل شود. این پرونده از 24/12/92 و پس از ملاقات با خانم اشتون توسط نهادی امنیتی گشوده شد و سیر قضایی آن از اردیبهشت سال 93 تا کنون ادامه یافته است.

روز شنبه از ساعت 10 تا 4 و نیم بعد از ظهر بازجویی شدم که نکاتی را نه به لحاظ پرونده و مسایل شخصی بلکه به موجب اهمیت آن برای فعالان مدنی و دولت اعتدال یادآور می شوم.

1- حدود 45 سؤال کتبی از من پرسیده شد که همه سؤالات پیرامون فعالیت اینجانب در نهادهای مدنی بود؛ به گونه ای که حتی یک سؤال خارج از چارچوب فعالیت های مدنی ام مطرح نبود.

فعالیت های اینجانب در کانون مدافعان حقوق بشر برای ارتقاء و بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران، در کانون شهروندی زنان برای رفع تبعیض علیع زنان و در کارزار لگام برای کاهش آمار اعدام در کشور است که کاملاً در چارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و همه مصاحبه ها و فعالیت های من و همکارانم در این زمینه ها کاملاً علنی و آشکار است.

اما آنچه تعجب من را برانگیخت، این مسئله بود: در حالی که در کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، دولت ها به دنبال سوق دادن فعالیت های شهروندان به مدار فعالیت های مدنی هستند تا با فاصله گرفتن از این نوع فعالیت ها به حرکت های افراطی، هرج و مرج طلبانه و زیر زمینی و غیر قابل کنترل و پیش بینی روی نیاورند و در کنار دولت در جهتی هدفمند برای توسعه کشور تعریف و فعال شوند، اما رفتارهای نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران به خروج فعالان مدنی از این مدار می انجامد. اعمال فشارهای امنیتی، روحی و روانی و اجتماعی می تواند به انحراف و خارج کردن شهروندان از مدار فعالیت های مدنی بیانجامد و برخی را به انفعال یا اتخاذ حرکت های تند و افراطی وادار کند که خطری بس جدی است.

آقای روحانی؛

نیک مستحضرید که تحقق جامعه مدنی، مطالبه ای ملی است که از آغاز دوران اصلاحات در ایران فعالیت های مدنی و تشکیل نهادهای مدنی با الزامات خاص آن مورد توجه و پی گیری شهروندان آگاه و با شعور ایران قرار گرفته است اما متأسفانه نهادهای امنیتی در مقابل نهادهای مدنی به شدت مقاومت کرده و هزینه های زیادی را بر شهروندان و فعالان این عرصه تحمیل کرده اند.

هر چند باید اذعان کرد که فعالان مدنی نیز به درستی و بر اساس فهم تاریخی و با تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی ایران بر سر انتخاب مشی عقلانی و کار آمد خود یعنی فعالیت در چاچوب مدنی و مسالمت آمیز و پرهیز کامل از خشونت مقاومت جانانه ای کرده اند.

ملت ایران به خوبی به خاطر دارند که یکی از شعارها و وعده های جنابعالی، تحقق و احیای جامعه مدنی بوده که چندی است با دخالت نهادهای امنیتی، حرکت آرام و تازه جان گرفته نهادهای مدنی با تهدید، بازداشت و سرکوب نهادهای امنیتی مواجه شده است.

2- برخی از سؤالات مطرح شده از اینجانب بابت حضور در اغتشاشات بود. زمانی که من معترضانه خواستم تا موارد آن را مشخص کنند، بازجویان به تجمع فعالان مدنی در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در اعتراض به اسید پاشی ها و توجه دادن نمایندگان مجلس به این موضوع و همچنین تحصن خواهران و برادران کرد و سنی مان در مقابل زندان قزل حصار و دراویش گنابادی اشاره کردند. در این زمینه سؤال های کتبی از من پرسیده شد.

همان گونه که جنابعالی نیز مطلع هستید، اسید پاشی های زنجیره ای در شهر اصفهان قریب به دو ماه پیش اتفاق افتاده که هنوز اقدام جدی و روشنی علیه اسید پاش ها صورت نگرفته است و این در حالی است که نهادهای مختلفی از حکومت، مسئول پی گیری این قضیه شده اند.

حال جای طرح این سؤال است که چرا نهادهای امنیتی به جای بازجویی و بازداشت عاملان و آمران اسید پاشی، معترضان به این جنایت هولناک علیه زنان این سرزمین را نشانه رفته اند؟ آیا در این قضیه در هر صورت، زنان قربانیان خشونت اند؛ گاه در مقام قربانی اسید پاشی و گاه در مقام معترضان به اسید پاشی؟

بدیهی است که جامعه مدنی الزاماتی دارد و اعتراض های مدنی و مسالمت آمیز را نمی توان اغتشاش نامید. به کار بردن واژه اغتشاش و ایراد اتهام هایی در این زمینه علیه اعتراض های بسیار متمدنانه و مسالمت آمیز مردم مقابل اقدامی بسیار ناجوانمردانه و خشونت بار چون اسید پاشی را نمی توان اقدامی بی طرفانه از سوی نهادهای امنیتی تلقی کرد.

جناب آقای رییس جمهور؛

هدف از نگارش این نامه ذکر آنچه بر من حقیر رفته نیست بلکه یاد آوری این نکته است که شما وعده هایی به ملت داده اید و ملت عهدی با شما بسته اند. شما موظف به اجرای قانون اساسی هستید و مردم نظاره گر هستند و خواسته های خود را مطالبه می کنند. ملت ایران با تدبیر و شعور گامی به جلو نهاده و با ایمان بر سر میثاق خود ایستاده اند و شما بر اساس سوگند و انجام وظیفه تان می بایست با اقتدار و پی گیرانه به دنبال تحقق قانون و وعده هایتان باشید. یکی از وعده های شما تحقق جامعه مدنی است که متأسفانه نهادهای امنیتی و به ویژه نهاد امنیتی دولت، امکان تثبیت و گسترش فعالیت های مدنی را نمی دهند. گویی این نهادها فعالیت مدنی را مترادف با فعالیت ضد امنیتی فرض کرده و قصد دارند تا اندک رمق باز مانده این نهادها را که از طوفان دولت سابق، جان به در برده است را بگیرند.

آقای رییس جمهور؛ جنابعالی و وزرای محترم دولت تان می توانید نقش تعیین کننده ای در تداوم سرکوب یا جان گرفتن دوباره این نهادهای مدنی داشته باشید.

سال نو تحصیلی با دانش آموزان مهاجر افغان در مشهد

مرکز آموزشی انجمن حامی – انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده - واقع در منطقه طلاب شهر مشهد، هر ساله میزبان آموزش کودکان بازمانده از تحصیل مهاجر افغان در این شهر است.

وبسایت این انجمن با انتشار گزارشی کوتاه و تصاویری در خصوص فعالیت های این مرکز اینگونه می نویسد : این مرکز امسال هم مانند سال‌های گذشته، در ابتدای شروع سال جدید فعالیت‌هایی از جمله انجام مراسم بازگشایی مدرسه، انجام ثبت نام دانش آموزان، برگزاری جلسه اولیا و مربیان، ثبت نام زنان و دختران بازمانده از تحصیل در دوره‌های نهضت سوادآموزی در سه دوره سوادآموزی ۱ ، سوادآموزی ۲ و دوره پایانی، تهیه‌ی یونیفرم برای دانش آموزان، تدارک سرویس ایاب و ذهاب برای دانش آموزان، رسیدگی به وضعیت بهداشت و سلامت دانش آموزان، انجام طرح برنامه چاشت دانش‌آموزان برای بهبود تغذیه‌شان، خدمات رسانی در ابعاد مختلف به دانش آموزان و خانواده‌های آنها توسط واحد مددکاری، هوشمند سازی کلاس‌های پایه ششم با هدف ارتقای فرآیند یادگیری دانش‌آموزان با وسایل هوشمند و مدرن و برگزاری مراسم عید غدیر خم انجام داده است.

امسال قبل از بازگشایی مدرسه با همکاری و پشتیبانی خیرین همیشه همراه ؛ کلیه کلاس های درس رنگ آمیزی شد و یکی از کلاس ها نیز با وسایل و تجهیزات هوشمند تکمیل شد تا دانش آموزان کلاس ششم بتوانند سر فصل های آموزشی خود را با استفاده از امکانات ایجاد شده بهتر بیاموزند.

انجمن حامی از سال ۱۹۸۹ و با هدف حمایت از زنان و کودکان پناهنده و به صورت مستقل راه اندازی شده است. این انجمن با تمرکز فعالیت ها درجامعه زنان ؛ کودکان و جوانان مهاجر و پناهنده مقیم ایران ؛ تلاش نمود تا با ارتقاء توانایی های ذاتی این افراد ؛ موقعیت آنها را در چیره شدن بر محدودیتهای موجود افزایش داده و نقش شایسته ای در بازسازی نه تنها زندگی خود بلکه جامعه و کشور شان به عهده گیرند.

حامی در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ از طرف سازمان ملل، مقام مشورتی خاص این سازمان بین المللی را دریافت کرد. این موقعیت به حامی این امکان را می دهد تا در فعالیت های مرتبط به حوزه تخصصی خود با دفاتر آژانس های سازمان ملل و دیگر اعضای رسمی این شورا همکاری نماید و یا مورد مشورت قرار گیرد.

وقتی استادان دانشگاه هم رفتگر می شوند

به گزارش پایگاه خبری استان کهگیلویه و بویراحمد گروهی از استادان دانشگاه، خبرنگاران، فرهنگیان و پزشکان استان کهگیلویه و بویراحمد با تشکیل یک گروه، محوطه گردشگری سد شاه قاسم را پاکسازی کردند.

گروه رفتگران طبیعت استان در بیست و یکمین برنامه خود محوطه گردشگری جنب سد شاه قاسم را پاک‌سازی کردند. این گروه خودجوش و متشکل از برخی دانشجویان، اساتید دانشگاه، خبرنگاران، فرهنگیان و پزشکان است. این گروه تاکنون در بسیاری از مناطق گردشگری و تفریحی استان نظیر آبشار یاسوج، سدشاه قاسم، تنگ گنجه ای، کوه گل برنامه های خود را اجرا کرده است.

شعار اصلی این گروه غیر دولتی و پاسدار محیط زیست، زباله کمتر زندگی بهتر است و به دنبال فرهنگ سازی برای تولید زباله کمتر از سوی مردم هستند. واحد خبر صدا وسیما با حضور در این مکان گردشگری، از فعالیت این گروه گزارش تهیه کردند. در پایان این برنامه، اعضای گروه اقدام به حمل زباله های جمع آوری شده با خودروهای شخصی کردند.

—

تقاضای تماشای والیبال؛ سرنوشت یک مطالبه

2014-11-17 · Archive ID 6448
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6448

تقاضای تماشای والیبال: سرنوشت یک مطالبه

عرصه سوم-نعیمه دوستدار: ماجرای منع ورود زنان به استادیوم‌های والیبال، این‌طور تمام شد: رباب شهریان، معاون ورزش زنان وزارت ورزش و جوانان ایران اعلام کرد که این وزارتخانه تصمیم گرفته قسمتی از ورزشگاه‌ها را در اختیار زنان تماشاگر قرار دهد.

رباب شهریان گفته است که با محمدرضا داورزنی، رئیس فدراسیون والیبال صحبت کرده و به او گفته است بحث حضور زنان در ورزشگاه‌ها از مطالبات زنان ایران است.

پیش از این تصمیم، میزبانی مسابقات نوجوانان جهان از ایران گرفته شد و آن را به آرژانتین دادند. ایران را تهدید کردند که به در هیچ رویداد بین‌المللی از سوی فدراسیون جهانی والیبال ایران میزبان نخواهد بود .

رییس فدراسیون جهانی والیبال، نامه‌ای به رییس فدراسیون والیبال ایران نوشت و آرژانتین را به‌عنوان میزبان رقابت‌های قهرمانی نوجوانان جهان معرفی کرد. «آری گراسا»، رییس فدراسیون جهانی والیبال به مسوولان سازمان دیده‌بان حقوق بشر قول داده بود که این نهاد ورزشی حقوق‌بشر را به رسمیت می‌شناسد و تا وقتی مشکل حضور زنان در ورزشگاه‌های ایران حل نشود، این کشور را از میزبانی محروم خواهد کرد. اما این تنها دلیل فدراسیون جهانی والیبال برای گرفتن میزبانی از ایران نیست. بازداشت غنچه قوامی، شهروند ایرانی و بریتانیایی دلیل دیگر این ماجراست.

در حالی که روز یکشنبه ۱۱ آبان روزنامه شرق گزارش داد که غنچه قوامی، یکی از زنان خواهان ورود به ورزشگاه برای تماشای بازی والیبال که تیرماه سال جاری بازداشت شده بود، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» یک سال حبس محکوم شده است، محمدجواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر ایران در گفت‌وگو با یورونیوز در مورد بازداشت غنچه قوامی گفت : «موضوع مشارکت به قصد تماشای مسابقه ورزشی نیست. موضوع این است که او قواعد را زیرپا گذاشته و در اطراف مکانی که مسابقه برگزار می‌شده خشونت و درگیری ایجاد کرده است. می‌دانید که محل‌هایی که مسابقات برگزار می‌شود، مکان‌های پرتنشی‌اند. شما هم در کشورهای غربی با این شرایط روبه‌رویید که یک اقدام کوچک باعث خشونت زیادی در این مکان‌ها می‌شود.»

اکنون داستان به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود: محمدرضا داورزنی، رییس فدراسیون جهانی والیبال به حسن روحانی، رییس‌جمهور نامه نوشته و خواهان آزادی غنچه قوامی شده است. هرچند این مقام مسوول، ادعاهای رسانه‌های غربی را دروغ می‌داند و معتقد است «چون والیبال این روزها برند موفقی برای جمهوری اسلامی است، دشمنان نظام نمی‌توانند این موفقیت را تحمل کنند و دنبال حذفش هستند.»

اما غنچه قوامی کیست؟ این شهروند بریتانیایی – ایرانی‌تبار، از آن گروه زنانی بود که ۳۰ خرداد امسال برای تماشای مسابقه والیبال تیم ایران مقابل ایتالیا به ورزشگاه آزادی رفتند. آن روز او همراه عده دیگری از زنان بازداشت شد، اما با سپردن تعهد آزادش کردند. چند روز بعد، ۹ تیرماه، هنگامی که به بازداشتگاه مراجعه کرد تا وسایل شخصی‌اش را تحویل بگیرد، بار دیگر بازداشت شد و از آن زمان تاکنون در زندان اوین است. طولانی شدن روند بازداشت او، باعث شد که ۳۰۰ نفر از فعالان مدنی، سیاسی و فرهنگی نامه‌ای خطاب به حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران بنویسند و با یادآوری «شرایط سخت غنچه قوامی در بازداشتگاه اوین»، خواهان رعایت حقوق قانونی و شهروندی او و تلاش دولت برای فراهم کردن مقدمات آزادی‌اش شوند.

در نامه این فعالان آمده بود که «نقض حقوق متهم’ برخورد امنیتی با ایرانیان بازگشته به کشور و بازداشت زنان خواهان ورود به استادیوم،» از نشانه‌های «مقاومت نهادهای امنیتی» در برابر اجرای وعده‌های حسن روحانی است که «سکوت و انفعال بیشتر دولت در برابر آن، امید جامعه به تحقق شعارهای انتخاباتی را خواهد کاست.»

هرچند غلام‌حسین محسنی اژه‌ای، معاون اول و سخنگوی قوه قضائیه ایران مدتی پیش در یک نشست خبری گفت که بازداشت غنچه قوامی «به ورزش ربطی ندارد» اما سوسن مشتاقیان، مادر غنچه قوامی در واکنش به اظهارات این مقام قضایی گفت: «دختر من در جریان بازی والیبال بازداشت شد؛ بنابراین به آن ربط پیدا می‌کند.»

تاریخ یک مطالبه: از فوتبال تا والیبال

چند ماه قبل، همزمان با جام جهانی فوتبال در برزیل تلویزیون ایران تمام بازی‌ها را پخش کرد؛ اما حتی فوتبال از سانسور در امان نبود. بر اساس سنت رسانه‌ای ایران، تماشای زن‌هایی که تیم‌شان را تشویق می‌کنند، برای ایرانی‌ها ممنوع است چون همیشه این خطر وجود دارد که تنشان بیش از اندازه لخت باشد یا از خوشحالی و هیجان نفر بغلی‌شان را در آغوش بگیرند. خطر دیگر این است که ممکن است بازیکن‌ها لباس‌شان را بالا بزنند یا موقع مسابقه بدن‌شان در یک حالت غیرقابل پخش باشد!

این یک شوخی ساده نیست؛ چون حتی تماشای فوتبال از نزدیک برای زن‌های ایرانی ممنوع است. مسوولان حکومتی و مراجع دینی، فکر می‌کنند استادیوم جای خوبی برای زن‌ها نیست، حتی رییس پلیس تهران مدتی پیش گفته: «در شان زن‌ها نیست که به استادیوم بروند.» دلیل؟ آنها فکر می‌کنند مردها موقع دیدن فوتبال هیجان زده می‌شوند، فحش و شعار می‌دهند و یک زن نباید این چیزها را بشنود!

به خاطرهمین، یک دهه است که بخشی از فعالان زنان در ایران برای حق ورود زنان به استادیوم تلاش می‌کنند . در طول این سال‌ها برای ورود به استادیوم، کمپین راه افتاده کمپین روسری سفیدها یا دخترانی که سعی کردند برای بازی‌های مقدماتی جام جهانی سال ۲۰۰۶ وارد استادیوم شوند و تلاش‌های پراکنده دخترهایی که با لباس پسرانه و مخفیانه به استادیوم رفته‌اند و از خودشان عکس گرفته‌اند. حتی جعفر پناهی، کارگردان ایرانی، از این تلاش‌ها فیلمی ساخته به نام آفساید که در زمان خود حسابی مشهور بود.

زنان ایرانی تا امروز بارها تا یک قدمی ورود به استادیوم‌های ورزشی رفته‌اند، اما هر بار به دلیل مخالفت بخش سنتی و مذهبی جامعه پشت در مانده‌اند. اولین بار، در مسابقات فوتبال مقدماتی المپیک ۱۹۹۶ یکی از نشریات ورزشی پیشنهاد داد خانواده‌های فوتبالیست‌ها در استادیوم حاضر شوند. اما این درخواست بلافاصله با مخالفت روبه‌رو شد.

محمود احمدی‌نژاد، اولین رییس جمهوری بود که اعلام کرد باید برای ورود زنان به ورزشگاها کاری کرد؛ اما چند ساعت بعد ازاین پیشنهاد، چند نماینده مجلس مخالفت خود را اعلام کردند. حسین شریعتمداری، سردبیر روزنامه کیهان که روزنامه‌ای متعلق به تندروهاست، تصمیم دولت برای ورود زنان به استادیوم را نسنجیده خواند و با استناد به استقبال روزنامه‌های اصلاح‌طلب از این تصمیم، از رییس دولت خواست در تصمیم خود تجدید نظر کند. دو مرجع تقلید هم به صراحت با این تصمیم مخالفت کردند. یکی از آنها گفته بود : «حضور زنان در این گونه برنامه‌ها خلاف شرع و تنازل ظاهر از مواضع اسلامی است.»

برای رسیدن به این حق پیش پا افتاده، راه‌حل جایگزین هم وجود ندارد. چهار سال قبل، هنگام برگزاری جام جهانی فوتبال در آفریقای جنوبی، اعلام کردند که چند سینما مسابقات را روی پرده پخش می‌کنند؛ چیزی شبیه آنچه که در بسیاری کشورها در فضای عمومی رایج است؛ تماشای فوتبال روی پرده‌ها و مونیتورهای بزرگ، در پارک‌ها یا کافه‌ها و بارها. اما تنها چند شب پس از اجرای این طرح، پلیس تهران با ادامه برنامه سینماها مخالفت کرد.

با وجود این مخالفت‌ها، امسال هم سینماداران ایرانی اعلام آمادگی کردند که در صورت ممنوع نبودن ورود زنان، مسابقات را در سینماها پخش کنند، اما فرمانده نیروی انتظامی گفت در دوره قبل، هنگام پخش فوتبال در سینما، «پایکوبی و رفتارهای ناهنجار صورت می‌گرفت» و هنگامی که پلیس اعلام کرد این سینماها فقط برای آقایان باشد دیگر کسی نیامد. پلیس ایران نتیجه گرفت که ممکن است سینماها بستری برای بروز ناهنجاری‌های رفتاری بشوند.

در ادامه ماجراهای پخش فوتبال در سینماها، خبرهای بدتری هم رسید: در حالی که لیگ جهانی والیبال در جریان بود، سایت فروش بلیت مسابقات اعلام کرد که زنان نمی‌توانند برای تماشای والیبال هم به استادیوم بروند؛ حقی که در سال‌های پیش وجود داشت.

در جریان بازی والیبال ایران و ایتالیا در لیگ جهانی والیبال، پلیس مانع ورود زنان به ورزشگاه آزادی شد و خبرنگاران زن نیز از سالن 12 هزار نفری اخراج شدند .

تنها چند تن از داوران و مسوولان زن فدراسیون والیبال ایران در جایگاه خبرنگاران سالن آزادی در مسابقات حاضر شدند. این اتفاق و بازداشت گروهی از زنانی که برای اعتراض به این وضعیت در مقابل ورزشگاه آزادی تجمع کردند، بار دیگر موضوع حضور زنان در سالن‌های ورزشی برای تماشای مسابقات را مطرح کرد.

در حالی که طبق آیین نامه فدراسیون جهانی والیبال بانوان باید بتوانند در سال مسابقات را مشاهده کنند، رعایت نشدن این نکته از سوی ایران باعث شد که میزبانی ایران ضعیف قلمداد شود و فدراسیون جهانی والیبال این موضوع را در دستور بررسی قرار دهد.

پس از بازی ایران و برزیل شهیندخت مولاوردی معاون امور زنان ریاست جمهوری در جلسه هیات دولت به این موضوع اعتراض کرد و پس از اعتراض او، حسن روحانی به مولاوردی و محمود گودرزی وزیر ورزش و جوانان ماموریت داد تا موضوع را از جهات مختلف بررسی کنند.

اما نکته حاشیه‌ای این اجرا واکنش برخی نمایندگان زن مجلس درباره ممنوعیت حضور زنان در سالن والیبال بود که از آن دفاع کردند. مثلا، نیره اخوان بی‌طرف، نماینده اصفهان گفت : «زنان ایران مسایل حل‌نشده بسیار زیادی دارند، حالا یک‌سری از زنان و دختران آمده‌اند و حاشیه درست کرده‌اند و دارند به کمک رسانه‌ها آن را بزرگ می‌کنند، نباید ما را فریب بدهد. اینها را من شخصا نماینده زنان ایران نمی‌دانم.»

لاله افتخاری، نماینده تهران نیز گفت: «بیش از آنکه عده‌ای به دنبال بهبود وضعیت زنان باشند، دوست دارند سروصدا راه بیندازند.»

فاطمه آلیا اما جنجالی‌آرین واکنش را داشت. او گفته بود : «کار زن بچه‌دارشدن و تربیت فرزند و شوهرداری است نه دیدن مسابقه والیبال. یک عده‌ای می‌خواهند هر طور شده به زن نقش‌هایی بدهند که مخالف با وظایف شرعی است.» که البته او این سخنان را تکذیب کرد.

فرمانده نیروی انتظامی تهران، اسماعیل احمدی‌مقدم درمصاحبه‌های آن روزهای خود اعلام کرده بود که نیروی انتظامی قانون را اجرا می‌کند و موضع‌گیری علما و روحانیون مقام معظم رهبری در این مسئله هنوز پابرجاست. او تاکید کرده بود که «ما به عنوان مجری قانون، نمی‌توانیم چنین اجازه‌ای به بانوان در ورزشگاه‌ها بدهیم ودر شرایطی نیستیم که اختلاط زن و مرد در ورزشگاه‌ها مصلحت باشد.»

همان روزها بود که غنچه قوامی بازداشت شد. بازداشت او مدت‌ها از چشم رسانه‌ها دور ماند، شاید چون خانواده و نزدیکانش باور نمی‌کردند مطالبه تماشای یک مسابقه ورزشی در استادیوم، مفهومش تبلیغ علیه نظام باشد و یک زن ایرانی را با حکم یک سال حبس مواجه کند.

اما اکنون غنچه قوامی را به زندان قرچک ورامین منتقل کرده‌اند و حتی اگر تمام صندلی‌های ورزشگاه‌ها از زنان پر شود، جای او بر آنها خالی است.

—

فراخوانی متفاوت: پنج‌شنبه ۲۹ آبان تجمع در کتاب‌فروشی‌ها

2014-11-18 · Archive ID 6451
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6451

عرصه سوم: احمد مسجد جامعی عضو شورای شهر تهران با انتشار فراخوانی از پدیدآورندگان و اصحاب فکر و فرهنگ خواسته‌است تا به مناسبت هفته کتاب روز پنج شنبه ۲۹ آبان در حرکتی نمادین در کتابفروشی های سراسر کشور حضور به هم رسانند.

این فراخوان در حالی منتشر شده است که در سال‌های اخیر آمار متناقض و البته ناامید کننده‌ای در مورد سرانه مطالعه در کشور منتشر شده است.

برخی گزارش‌ها آمار سرانه مطالعه در کشور را ۲ تا ۷ دقیقه در روز و برخی دیگر ۳۰ دقیقه در روز اعلام کرده اند

متن فراخوان مسجدجامعی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد در دولت اصلاحات به شرح زیر است:

«کتاب در سنت فرهنگی ما، ارزش و اعتبار زیادی دارد و کتابخوانی در کلام بزرگان دینی و ملی ما همواره به عنوان رفتاری پسندیده، توصیه شده است. در دنیای جدید نیز «خواندن کتاب» از نشانه‌های پیشرفت جوامع شناخته می‌شود. با این همه کتابخوانی در زندگی روزمره ما ایرانیان جایگاه چندان محکمی ندارد و در سنجش با بسیاری از کشورها پایین است و این برای اکنونمان مایه تاسف و برای آینده ایران عزیزمان نگران کننده است.

افزون بر این کاهش خریدار و خواننده کتاب به صنعت نشر ایران نیز آسیب زده، باعث خواهد شد، برای همان اندک کتابخوانان نیز ، نتوانند کتاب با ارزش تولید کنند. تولید فکر و کتاب ایرانی با دشواری مواجهه شده و ملتی با این پیشینه تاریخی عمدتا مصرف کننده محصولات فرهنگی دیگران خواهد شد.

بنابراین توجه همه کسانی را که چنین نگرانی و دغدغه ای دارند، به اندیشیدن در این زمینه جلب کرده و به عنوان حرکتی نمادین همزمان با هفته کتاب از همگان بویژه پدید آورندگان و اصحاب فکر و فرهنگ و اندیشه دعوت می‌کنیم در روز پنج شنبه ۲۹ آبان با حضور در «کتابفروشی»های سراسر کشور، گامی کوچک و ارجمند در راه تشویق به خواندن کتاب بردارند.»

پس از این فراخوان بود که برخی دیگر از اعضای شورای شهر تهران آمادگی خود را برای حضور در کتابفروشی‌ها به عنوان فروشنده کتاب اعلام کردند به گزارش خبر آنلاین تا این لحظه برنامه حضور اعضای شورای شهر در کتابفروشی‌ها به شرح زیر است:

برنامه کتابفروشی اعضای شورای شهر

در همین راستا و به گزارش واحد مرکزی خبر صدا و سیما، قرار است دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی و دکتر مصطفی محقق داماد در انتشارات آینده، دکترکریم مجتهدی در انتشارات سخن، دکتر امیر اسماعیل آذر در انتشارات سخن، دکتر ناصرتکمیل همایون در پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی، دکترسید محمد اعرابی در پژوهشکده مدیریت سما، دکتر مسعود کوثری در انتشارات علمی فرهنگی، دکتر غلامرضا خاکی در انتشارات فوژان و اسدالله امرایی در نشر ثالث حاضر می‌شوند.

—

بیانیه ۳۰ سازمان در حمایت از تصویب قطعنامه برای حقوق بشر در ایران

2014-11-19 · Archive ID 6457
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6457

عرصه سوم: ۳۰ سازمان مستقل حقوق بشری در آستانه رای گیری کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طی بیانیه‌ای خطاب به نمایندگان کشورهای عضو مجمع، ضمن تاکید بر ادامه روند نقض حقوق بشر در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی، خواهان تصویب قطعنامه "برای ارتقاء و حفظ حقوق بشر در ایران" شدند.
روز سه شنبه ۱۸ نوامبر سال جاری، بررسی و رای گیری پیش نویس قطعنامه در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران، که توسط دولت کانادا تهیه شده، در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قرار دارد که در صورت تصویب این قطعنامه در کمیته سوم، این قطعنامه مجددا در معرض رای گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه دسامبر قرار خواهد گرفت.از همین روی، روز دوشنبه، سی سازمان حقوق بشری، طی بیانیه‌ای تاکید کردند که تصویب این قطعنامه توسط نماینده‌های کشورهای عضو مجمع عمومی، فرصتی مهم برای تکرار ابراز نگرانی از نقض مداوم حقوق بشر، و کمک شایانی به ارتقا وضعیت حقوق بشر در ایران خواهد بود.این بیانیه، همچنین با اشاره به عدم پیشرفت و عدم تعهد جمهوری اسلامی ایران نسبت به توصیه‌های پذیرفته شده در جریان اجلاس یو پی آر سال ۲۰۱۰، هشدار داده؛ و ابراز نگرانی نمایندگان چندین کشور، نسبت

به این عدم تعهد، در جریان اجلاس یو پی آر ماه گذشته، را یادآور شده است.امضاکنندگان در این بیانیه، با یادآوری گزارش احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در اکتبر سال ۲۰۱۴ که به تداوم نقض حقوق بشر در ایران تاکید، و نسبت به آن ابراز نگرانی کرده بود؛ تاکید کردند که مقامات ایران همواره در تلاش برای تضعیف سیستماتیک جامعه مدنی، مدافعان حقوق بشر و حافظان استانداردهای بین المللی حقوق بشری بوده‌اند و رد درخواست‌های مکرر گزارشگران موضوعی و گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، برای بازدید از این کشور نیز در همین راستا تفسیر می‌شود.

این بیانیه، با اشاره به حداقل ۶۰۰ اعدام در سال ۲۰۱۴، توضیح می‌دهد که برخی از این اعدام‌ها شامل نوجوانان، و یا در واکنش به استفاده مسالمت آمیز از حقوق بشر، آزادی بیان، تشکل، تجمع بوده است. همچنین ریحانه جباری در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۴، با وجود تماس‌های مکرر توسط مکانیسم‌های حقوق بشر سازمان ملل متحد، از جمله دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد پس از محاکمه ای که طبق استانداردهای بین المللی نبود، اعدام شد. ایران با وجود در خواست های دبیرکل سازمان ملل برای توقف اعدام در ملاء عام، همچنان به این کار ادامه می دهد.

انتقاد از اعدام به اتهام اقدام علیه امنیت ملی، با انگیزه سیاسی، برای گروه‌های اتنیک در ایران، از جمله شهروندان عرب اهوازی، کردها و بلوچ‌ها، بخش دیگر این بیانیه بود. در این بیانیه خطر اعدام قریب الوقوع ۳۳ زندانی کرد سنی مذهب، در زندان رجایی شهر کرج، مصداق بارز این نوع اعدام‌ها عنوان شد.

بخش دیگر بیانیه سی سازمان، ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به بازداشت خودسرانه روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر، فعالان حقوق زنان، فعالان اتحادیه‌های کارگری، دانشجویان، و اعضای اقلیت‌های قومی و مذهبی اختصاص داشت و تاکید شد که بازداشت شدگان و زندانیان در ایران، همواره در خطر شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها، از جمله سلول‌های انفرادی طولانی مدت و محرومیت از درمان پزشکی قرار داشته و همچنین از دسترسی به وکیل و یا محاکمه عادلانه نیز محروم‌اند. بسیاری از این فعالان، به اتهامات مبهم امنیتی محکوم می‌شوند. از جمله سجاده عرب سرخی که پس از انتشار نامه سرگشاده به پدرش در زندان، به تبلیغ علیه نظام متهم شد.

در خصوص وضعیت زنان، این بیانیه تاکید دارد که تبعیض سیستماتیک علیه زنان در قانون و عمل نیز شایستگی نگرانی جدی است. سهمیه بندی جنسیتی با هدف محدود کردن دسترسی زنان به آموزش عالی و سیاست‌های جمعیتی جدید و در نتیجه دسترسی محدود زنان به برنامه‌های تنظیم خانواده و سلامت جنسی، بخشی از اقدامات تبعیض آمیز، در خصوص زنان است. مقامات ایران همچنین در راستای سرکوب معترضان به این قوانین و شیوه‌های تبعیض آمیز، آن‌ها را به اتهامات مبهم امنیتی «اقدام علیه امنیت ملی» محکوم می‌کنند. غنچه قوامی که یک معترض به قانون ممنوعیت حضور زنان در مسابقات ورزشی بود، از جمله این موارد است که به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس و دو سال ممنوعیت از خروج از کشور محکوم شده است.

سازمان‌های امضا کننده، در این بیانیه ضمن تاکید بر لزوم همکاری واقعی جمهوری اسلامی ایران با مکانیزم‌های سازمان ملل متحد، به مثابه اقدامی حقیقی برای پیشرفت حقوق بشر و در راستای تعهدات حقوقی بین المللی این کشور؛ از کشورهای عضو مجمع عمومی تقاضا کردند که با رای دادن به نفع این قطعنامه در تاریخ ۱۸ نوامبر، قاطعیت و جدیت جامعه جهانی در تلاش برای بهبود واقعی وضعیت حقوق بشر در ایران را به دولت و به همه ایرانیان نشان دهند.

امضا کنندگان بیانیه فوق به شرح زیر هستند:

رویا برومند، مدیر اجرایی «بنیاد عبدالرحمن برومند»

هانا فورستر، مدیر اجرایی «مرکز آفریقا برای مطالعات دموکراسی و حقوق بشر»

حسیبه حاج صحراوی معاون رئیس «سازمان عفو بین الملل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»

کامران اشتری، مدیر اجرایی «موسسه عرصه سوم»

توماس هاگس، مدیر اجرایی «ماده ۱۹»

مون جئونگ هو، نماینده «کمیسیون حقوق بشر آسیایی» در سازمان ملل

علیرضا قولونجو، نماینده «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجانی در ایران»

تیمور الیاسی، نماینده «انجمن دفاع از حقوق بشر در کردستان ایران - ژنو» در سازمان ملل متحد

منصور بی‌باک، از مدیران «گروه حقوق بشر بلوچستان»

شیرین عبادی، بنیانگذار و رئیس «مرکز حامیان حقوق بشر»

رناته بلوئم، نماینده «اتحاد جهانی برای مشارکت مدنی»

کمیته هدایتگر «کمیته گزارشگران حقوق بشر»
جوئل سایمون، مدیر اجرایی «کمیته حمایت از روزنامه نگاران»
لوسیا نادر، مدیر اجرایی « به حقوق بشر بپیوندید»
رافائل خنوئیل هازان، مدیر اجرایی «مجموعه علیه مجازات اعدام»
میشل کیسن کوتر، مدیر آسیایی «فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر»
سارا لی ویتسون، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا «سازمان دیده‌بان حقوق بشر»
مانی مستوفی، مدیر «تاثیر بر ایران»
هادی قائمی، مدیر اجرایی «کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران»
جسیکا استرن، مدیر اجرایی «کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا»
فیل لینچ، مدیر «موسسه خدمات بین‌المللی برای حقوق بشر»
محمود امیری‌مقدم، مدیر اجرایی «موسسه حقوق بشر ایران»
راد سنجابی، مدیر اجرایی «مرکز اسناد حقوق بشر ایران»
ساقی قهرمان، رئیس «سازمان دگرباشان جنسی ایران» (سازمان ایرکیو)
مهرانگیز کار، رئیس «بنیاد سیامک پورزند»
محمود عنایت، مدیر «موسسه رسانه‌های کوچک»
ایتورو ازه-انابا، از مدیریت «مشارکت برای عدالت»
حسن نایب هاشم، نماینده «سودویند» در شورای حقوق بشر
فیروزه محمودی، مدیر اجرایی «موسسه اتحاد برای ایران»
محمد مصطفایی، مدیر «سازمان مدارای جهانی»

منبع: سودویند

—

از سرنوشت وزارت علوم تا تحقیق و تفحص از زندان‌ها

2014-11-20 · Archive ID 6462
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6462

معرفی وزیر فرهنگ دولت میرحسین موسوی به مجلس

عرصه سوم-محمد صادقی: دکتر محمد فرهادی به عنوان جدیدترین وزیر پیشنهادی علوم از سوی حسن روحانی به مجلس شورای اسلامی معرفی شد .

فرهادی پنجمین گزینه پیشنهادی دولت برای تصدی وزارت علوم است که به مجلس معرفی می‌شود.

محمد فرهادی در دولت دوم میرحسین موسوی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی بود و در دولت اول محمد خاتمی نیز مسئولیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را برعهده داشت و هم اینک ریاست جمعیت هلال احمر را بر عهده دارد.

مجلس پیش از این رضا فرجی دانا وزیر علوم دولت روحانی را استیضاح کرده و به جعفر میلی منفرد، محمود نیلی احمدآبادی، فخرالدین دانش آشتیانی وزاری پیشنهادی دولت یازدهم رای اعتماد نداده است.

روز سه‌شنبه، ۲۷ آبان، فخرالدین احمدی دانش آشتیانی، چهارمین وزیر پیشنهادی حسن روحانی ، برای وزارت علوم، نتوانست از سد مجلس اصولگرا عبور کند.

دانش آشتیانی از مجموع ۲۵۷ رای تنها ۷۰ رای موافق کسب کرد، ۱۷۱ نفر در مجلس به او رای مخالف و ۱۶ نماینده نیز رای ممتنع دادند.

مخالفان وزیر پیشنهادی علوم اتهامات دانش آشتیانی را «تلاش برای بیرون راندن بسیج دانشجویی در دانشگاه ها» ، «عضویت در هیئت موسس جبهه مشارکت»، «امضای نامه در حمایت از تحصن نمایندگان مجلس ششم» و «نقش آفرینی در وقایع پس از انتخابات سال 88» اعلام کردند.

در خلال جلسه رای اعتماد به دانش آشتیانی، فیلمی مستند از حضور وی در تحصن اعتراضی اساتید در دانشگاه امیرکبیر در سال ۸۸ به نمایش درآمد.

پیشتر محمدرضا تابش، نماینده اردکان اعلام کرده بود که برخی از نیروهای وزارت اطلاعات اسنادی را علیه وزیر پیشنهادی علوم، در اختیار نمایندگان مجلس گذاشته اند.

آمار رو به افزایش تذکرها، احضارها و استیضاح ها

بنا بر گزارش آماری معاون نظارت مجلس، نمایندگان در سه‌ماهه دوم سال جاری ۸۸۷ بار به وزرا و ۱۳۱ مرتبه به حسن روحانی رئیس جمهور، تذکر داده اند.

حسین مظفر با اعلام این خبر گفته که در این مدت، بیش از ۳۰۰ سوال از اعضای هیات دولت پرسیده شده است.

این گزارش می گوید که «کمترین تذکر به وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» و «بیشترین تذکر به نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت» بوده است.

مظفر در ۲۰ خرداد ماه گذشته نیز اعلام کرده بود که در مدت 9 ماه از آغاز به کار دولت یازدهم، بیش از ۳۴۲۰ تذکر از سوی مجلس به هیات وزیران داده شده است.

طبق این گزارش حسن روحانی بیشترین و وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح کمترین تذکر را دریافت کرده بودند.

حسین مظفر در ۱۸ اسفند سال گذشته نیز اعلام کرده بود که نمایندگان مجلس طی سه ماه بیش از ۱۲۰۰ تذکر به دولت داده‌اند.

معاون نظارتی مجلس در ادامه گزارش خود آورده که «در سه‌ماهه دوم سال جاری عدم مغایرت ۱۴۴ مصوبه بررسی و ۳۴ فقره رأی مقدماتی و بیش از ۲۰ فقره از نظرات رئیس مجلس در مورد مغایرت مصوبات دولت انشا و ابلاغ شد.»

آمار تحقیق و تفحص مجلس نهم از دستگاه های دولتی نیز نشان می دهد که «در سه‌ماهه دوم سال جاری ۱۵ تقاضا به هیأت رئیسه مجلس تقدیم شده است و از جمله مربوط به عملکرد بانک کشاورزی، نهاد ریاست جمهوری، وزارت جهاد کشاورزی، شرکت شستا، بانک‌های خصوصی و دولتی، موسسات مالی و اعتباری، شرکت مهندسی ساخت و تاسیسات دریایی ایران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، شهرداری تهران، بنیاد تعاون نیروی انتظامی، وزارت کشور و وزارت صنعت و معدن و تجارت بوده‌اند.»

سفرهای خارجی کیلویی مسئولان!

حسن کامران عضو ناظر مجلس در هیئت نظارت بر سفر کارکنان دولت با «کیلویی» خواندن سفرهای خارجی مدیران دولتی گفت : «متاسفانه دستگاه‌هایی به صورت کارگاه یکی به نام آموزش، یکی به نام سمینار، یکی به نام کنگره روزی ۵۴۰ هزار تومان حق ماموریت دریافت می‌کنند.»

نماینده اصفهان می گوید: «یک سرباز در مرز در عرض چند ماه چه مقدار حق ماموریت می‌گیرد، این حق ماموریت‌ها را با هم مقایسه کنید ما به گونه‌ای رفتار می‌کنیم که انگار همه چیز گل و بلبل است.»

عضو ناظر مجلس در هیئت نظارت برسفر کارکنان دولت و نماینده اصفهان پیش‌تر نیز با انتقاد شدید از سفرهای غیرضروری وزارتخانه‌ها و مقامات دولتی گفته بود : «مثلا چین یا آلمان با ما قرارداد بسته و متعهد شده که فلان قطعه را برای ما بیاورد و همین‌جا آموزش بدهد اما مسئولان ما خودشان راه می‌افتند و برای آموزش به آنجا می‌روند. در برگه این افراد نوشته می‌شود که طی ۴ روز آموزش دیده‌اند. این چه آموزشی است که فقط سه روز آن را در راه بوده‌اند؟»

وی به اهدای هدایای گرانقیمت از سوی مقام های مسئول به طرف های خارجی نیز اشاره کرده و گفته بود: «وقتی هیاتی از ایران به کشورهای خارجی می‌رود، به آنها دکمه هدیه می‌دهند ولی مسئولان ما گز، صنایع دستی، کاسه‌های نفیس و ترمه به آنها هدیه می‌دهند.»

این اعتراض ها در حالی صورت می گیرد که انتقادهای زیادی نیز به سفرهای خارجی غیرضروری شماری از نمایندگان مجلس و هزینه های سنگین این سفرها و همچنین بهره مندی از تعطیلی های فراوان مجلس نیز از سوی منتقدان مجلس مطرح شده است.



LG_1317987097_2

وعده سپاه محمد رسول الله برای حل مشکلات تهران

هفته ای که گذشت تعدادی از نمایندگان تهران در مجلس با سردار محسن کاظمینی فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران نشست مشترک برگزار کردند.

به گفته مهرداد بذرپاش عضو هیات رئیسه مجلس نهم، «در این نشست آخرین وضعیت مشکلات و آسیب های امنیتی و اجتماعی شهر تهران مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مقرر شد پیگیری‌های جدی برای رفع مشکلات مردم تهران صورت گیرد.»

«مدیریت بحران در شهر تهران در مواقع وقوع بلایای طبیعی»، «بررسی وضعیت مهاجرین خارجی ساکن در تهران به ویژه در حاشیه شهر از جمله افاغنه» و «کمک به جمع‌آوری معتادان خیابانی» از جمله موضوعات مورد بحث در نشست مجمع نمایندگان تهران با فرمانده سپاه محمد رسول‌الله بوده است.

بذرپاش از اعلام آمادگی سپاه محمدرسول‌الله تهران برای ارائه خدمت به مردم تهران خبر داد و گفت: «فرماندهی سپاه محمدرسول‌الله از نمایندگان خواست تا از ظرفیت بزرگ سپاه و بسیج برای حل مشکلات مردم و کاهش مشکلات آنها استفاده کنند.»

احضارها و تذکرهای این هفته مجلس به دولت

این هفته نیز علاوه بر رای عدم اعتماد مجلس به وزیر پیشنهادی علوم، و تهدید به استیضاح وزیر نیرو از سوی مجلس، شماری از وزرا نیز به بهارستان احضار شدند تا پاسخگوی سوالات نمایندگان مجلس باشند.

- احضار وزیر تعاون، درباره علت اشغال بازار کار ایران از سوی اتباع بیگانه

- احضار وزیر جهادکشاورزی در زمینه علت عدم حمایت از تولیدکنندگان مرکبات

- احضار وزیر کشور درباره علت عدم حمایت از شهرداری‌ها و دهیاری‌های خصوصاً در مناطق محروم

- احضار وزیر کشور در زمینه علت تبعیض در اجرای قانون اصلاح موادی از قانون تقسیمات کشوری

- احضار وزیر آموزش و پرورش درباره علت عدم پرداخت پاداش فرهنگیان.

- احضار وزیر صنعت درباره علت بی‌تدبیری در توزیع سبد کالا

همچنین در ادامه تذکرهای کتبی نمایندگان به هیات وزیران دولت حسن روحانی این هفته نیز تذکرهای جدید از سوی نمایندگان در صحن علنی مجلس خطاب به وزرا خوانده شد.

- تذکر به وزیر کشور در مورد عدم توجه کافی به تأمین امنیت مردم شهرستان‌های امنیت مردم شهرستان سرخس و روستاهای تابعه

- تذکر به رئیس جمهور صدور دستور اجرایی بند ث تبصره 3 قانون بودجه سال 1393 کل کشور

- تذکر به وزیر اقتصاد بند الف ماده 44 قانون برنامه پنجم توسعه در خصوص فرزندان شهدا توسط شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی را متذکر شد.

- تذکر به وزیر کشور در مورد عدم رعایت شأن و جایگاه نمایندگان مجلس شورای اسلامی از سوی استاندار و برخی از مدیران استان اصفهان

- تذکر به وزیر بهداشت برای توضیح علت عدم پرداخت فوق‌العاده کار با اشعه به کارکنان پرتوکار در مراکز درمانی

- تذکر به رئیس جمهور درباره لزوم افزایش حقوق و مزایای اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها وابسته به وزارت علوم به همانند وزارت بهداشت

- تذکر به وزیر جهاد کشاورزی برای اقدام لازم در جلوگیری از بروز ضرر و زیان به پرورش‌دهندگان مرغ گوشتی کشور

دو تجمع اعتراضی کارگری و یک جوابیه

روز یکشنبه 25 آبان شماری از کارگران در اعتراض به آزادسازی حق بیمه خود مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

یکی از تجمع‌کنندگان که عضو انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور است در توضیح علت این با اعلام این که «ما خواستار عدم اجرای آزادسازی حق بیمه خود هستیم.» گفت : «تاکنون هر کارگر ساختمانی به صورت ماهانه 50 هزار تومان حق بیمه پرداخت می‌کرد و بقیه را کارفرما متقبل می‌شد که هم اکنون با آزادسازی حق بیمه تمام 180 هزار تومان حق بیمه ماهانه را خود کارگران باید بپردازند.»

در همین حال ده ها نفر از کارگران اخراجی کارخانه پتروشیمی ایلام، با تجمع در مقابل مجلس تجمع و اعلام کردند که با وجود حقوق معوقه خود و حکم اداره کار مبنی بر بازگشت به کار، همچنان اجازه ندارند به این واحد تولیدی وارد شوند.

یکی از کارگران اخراجی به خبرگزاری ایلنا گفت که «کارفرمای پتروشیمی ایلام در عین حال، از پرداخت مطالبات ۵۰ میلیون تومانی کارگران با وجود اجراییه دادگستری سرباز می‌زند.»

از سوی دیگر دو هفته پس از انتشار خبر تجمع اعتراضی بازنشستگان آموزش و پرورش مقابل مجلس، مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش جوابیه ای در این باره به خبرگزاری فارس ارسال کرده است.

در این جوابیه آمده است: «صندوق بازنشستگی کشوری به عنوان یکی از دستگاه‌های اجرایی مجری مصوبات قانونی مراجع ذیصلاح بوده و در همین راستا احکام افزایش سالانه حقوق بازنشستگی هم مطابق ضرایب تعیین شده از سوی هیأت وزیران صادر می‌شود، بالطبع تمام ضرایبی که بر اساس مصوبات هیأت محترم وزیران درباره کارکنان (شاغل و بازنشسته) اعلام شده مورد رعایت دستگاه‌های اجرایی از جمله این صندوق بوده است.»

28 مهر ماه گذشته جمعی از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش با تجمع مقابل مجلس نسبت به «عدم اجرای نظام جامع هماهنگ پرداخت حقوق مصوب سال 86 به بازنشستگان آموزش و پرورش» اعتراض کرده بودند.

به گفته یکی از معترضان، قانون نظام جامع هماهنگ پرداخت حقوق و مزایا مصوب سال 86 تأکید دارد که حقوق افراد باید بر اساس نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی افزایش پیدا کند، این در حالی است که این قانون پس از گذشت هفت سال درمورد بازنشستگان آموزش و پرورش اجرایی نشده است.

هفته آینده: تحقیق تفحص از زندان ها و احضار وزاری نیرو و نفت

با پایان بررسی طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر توسط اعضای کمیسیون قضایی مجلس، هفته آینده اعضای این کمیسیون قانون روابط موجر و مستأجر سال 1356 را مورد بحث و بررسی قرار خواهند داد.

اعضای این کمیسیون همچنین سؤال منصور حقیقت‌پور نماینده اردبیل از وزیر دادگستری را در برنامه کاری خود دارند و نیز در این جلسه تقاضای تحقیق و تفحص تعدادی از نمایندگان از سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

اعضای کمیسیون انرژی مجلس در هفته آینده بررسی تأمین زمستانی نیروگاههای کشور با حضور مسئولین وزارتخانه‌های نفت، نیرو ، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، دیوان محاسبات کشور و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی را در دستور کار خود دارند.

اعضای کمیسیون همچنین سوال هشت نفر از نمایندگان از وزیر نفت را در برنامه کاری خود دارند.

اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس نیز در هفته آینده بررسی طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران را در دستور کار خود دارد.

اعضای کمیسیون صنایع مجلس نیز در هفته آینده طرح اجازه سازمانها و دستگاههای دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی به استفاده از انرژی خورشیدی و طرح جامع منابع طبیعی را مورد بحث و بررسی قرار خواهند داد.

—

نارضایتی مجلس از عدم امکان استیضاح معصومه ابتکار

2014-11-21 · Archive ID 6466
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6466

نارضایتی مجلس از عدم امکان استیضاح معصومه ابتکار

عرصه سوم-محمد صادقی: به نظر می رسد استیضاح، تذکر و احضارهای پی در پی هیات وزیران دولت حسن روحانی به مجلس، هنوز نمایندگان را راضی نکرده و شماری از آنها به دلیل آن که طبق قانون امکان طرح سوال و برکناری معاونان رییس جمهور و روسای سازمان های دولتی را ندارند چندان راضی به نظر نمی رسند.

این هفته سکینه عمرانی عضو کمیسیون آب و منابع طبیعی، با بیان اینکه «براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمایندگان نمی‌توانند از سازمان‌هایی مانند سازمان حفاظت محیط زیست سؤال کنند و تنها از طریق تذکر و تحقیق و تفحص می‌توانند وارد شوند» گفت : «نمایندگان مجلس شورای اسلامی تنها حق سؤال از وزرا را دارند.»

وی با تاکید بر اینکه «حدود چند ماه پیش مجموعه‌ای از سؤالات نمایندگان از سازمان حفاظت محیط زیست در قالب تذکر جمع‌آوری شده بود و به هیئت رئیسه مجلس ارائه شده بود و سپس به سازمان حفاظت محیط زیست ارجاع شد» گفت: «سازمان حفاظت محیط زیست در یک نامه 54 صفحه‌ای به این تذکرات پاسخ داده است اما در صورتی که پاسخ‌های سازمان حفاظت محیط زیست به تذکرات نمایندگان مجلس قانع‌کننده نباشد این موضوع در کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس مورد بررسی قرار می‌گیرد.»

عمرانی همچنین از احتمال انجام تحقیق و تفحص از سازمان محیط زیست خبر داد.

از سوی دیگر محمدحسن آصفری نماینده اراک نیز در تذکری شفاهی نسبت به آلودگی هوا در کلانشهرهای کشور انتقاد کرد و خطاب به معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت : «خانم ابتکار! شما در خوش آب و هواترین جای تهران دفتر گرفته‌اید و تشریف نمی‌آورید تا آلودگی هوا در شهرستان‌ها و کلانشهرها را ببینید.»

وی همچنین از معاون رییس جمهور خواست تا «به جای پرداختن به مسائل سیاسی» یک وقتی بگذارد و موضوع آلودگی هوا در کلانشهرها را بررسی کند.

مجلس: پیشنهاد آمریکا ترکمنچای هسته ای است!

همزمان با مرحله حساس مذاکره میان وزاری خارجه ایران و گروه ۵+۱ در وین، پیش از پایان ضرب الاجل سوم آذرماه، رئیس کمیته هسته‌ای مجلس از پیشنهاد هشت صفحه ای آمریکایی ها در مذاکرات هسته ای در مسقط خبر داد و گفت که این پیشنهادات «معادلات مذاکرات را به هم ریخته است.»

ابراهیم کارخانه‌ای این پیشنهاد هشت صفحه ای را «ترکمنچای هسته‌ای» نامید و گفت: «بدون شک تیم مذاکره‌کننده هرگز زیر بار آن نخواهد رفت.»

این نماینده اصولگرای مجلس نهم طرح آمریکایی‌ها را برنامه ای برای «محدود کردن تعداد سانتریفیوژها در حد چرخش دکوری و حیات نباتی و توقف تحقیق و توسعه در حد سانتریفیوژهای نسل کهنه (نسل یک) و تعطیلی طولانی مدت آب سنگین اراک به بهانه بازطراحی و تغییر ماهیت به آب سبک و اعلام بازرسی‌های نامحدود و سرزده از تمامی تاسیسات هسته‌ای و در امتداد آن از تاسیسات نظامی» دانست.

مقاومتی که گزارش نمی شود

با وجود تاکید بسیار زیاد رهبر جمهوری اسلامی درباره لزوم به کارگیری «اقتصاد مقاومتی» برای مقابله با تحریم های اقتصادی و ابلاغ سیاست های اقتصادی مبتنی بر این روش از سوی وی، اما این هفته هادی قوامی نماینده اسفراین در مجلس در نشست علنی پارلمان در تذکری شفاهی، اعلام کرد که «تاکنون هیچ گزارش عملکردی درباره اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ارائه نشده است.»

این نماینده اصولگرای مجلس با بیان این که «از اول سال جاری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مطرح شد، اما متأسفانه تاکنون گزارش عملکردی از اینکه چه اتفاقی رخ داده، ارائه نشده است.» از تعطیلی دو کارخانه «فولاد و لوله‌گستر» خبر داد و گفت: «در این شرایط که باید کشور از تولیدات داخلی حمایت کند، درست نیست که از کشور چین لوله وارد شود و یا در شرایطی که کشاورزان نمی‌توانند محصول گردوی خود را به فروش برسانند، این ماده غذایی از کشور شیلی وارد ایران شود.»

آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته بارها بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده و این مدل اقتصاد را «الگوی علمی، دانش‌بنیان، جهان‌شمول و غیردولتی» خوانده است.

به گفته رهبر جمهوری اسلامی «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است، با تحریکات جهانی، با تکانه‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیرآمریکا زیر و رو نمی‌شود. یک الگوی علمی، متناسب با نیازهای کشور ماست اما منحصر کشور ما هم نیست. این اقتصاد درون‌زا است. اما در عین حال درون‌گرا نیست. مردم‌بنیاد است یعنی اقتصاد دولتی نیست. این اقتصاد اقتصاد دانش‌بنیان است. عدالت‌محور است. تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری اتکاء نمی‌کند. اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است. عملاً ممکن است، حتماً.»

تاکید آیت‌الله خامنه‌ای بر اقتصاد مقاومتی در شرایطی صورت می گیرد که دولت یازدهم در تلاش است با حل مناقشه هسته ای ایران و غرب و لغو تحریم های بین المللی علیه ایران، اقتصاد ایران را از وضعیت ناهنجار موجود نجات دهد.

انتقاد شدید از همکاری دولت با جمعیت ملل متحد در حوزه زنان

فاطمه آلیا نماینده تهران در نشست علنی روز دوشنبه گذشته در تذکری شفاهی خطاب به رئیس جمهور و وزیر امور خارجه با انتقاد از امضای سند همکاری سه جانبه معاونت امور زنان و خانواده و وزارت خانواده و جمعیت ملل متحد در بحث خانواده گفت : «ما اصل تعامل را تأیید می‌کنیم ولی این مسئله که در آموزش زنان و خانواده مستشار خارجی مورد استفاده قرار گیرد، قابل پذیرش نیست.»

به گفته این نماینده اصولگرا «امضای معاون امور زنان رئیس‌جمهور زیر متن انگلیسی و فارسی این تفاهمنامه وجود دارد در حالی که بهره‌گیری از مشاور خارجی با اصول 77، 82 و 153 قانون اساسی مغایر است و قطعاً ملت بیدار اجازه نمی‌دهند با یک حرکت ارتجاعی، شرایط حرکت های زمان اصلاحات فراهم شود.»

فاطمه رهبر نماینده تهران نیز امضای این سند همکاری را «اقدامی بی‌سابقه و بدون اطلاع و هماهنگی با مراکز قانون‌گذار و برخلاف اصول 77 و 125 قانون اساسی در حوزه زنان و خانواده» خواند و گفت : «سؤال مهم از مسئولان آن است که چگونه قرار است سازمان بین‌المللی با مبانی غربی و سکولار در یکی از دینی ترین زمینه‌ها و شئونات اداری جامعه یعنی خانواده و خانوده سالم برای کشور مسلمانی چون ایران بسته و الگو ارائه کند و به ایجاد خانواده‌ای سالم در کشور ایران کمک کند.»

—

از سال سیاه خرس های ایران تا بازارچه نیکوکاری شهرک امید

2014-11-22 · Archive ID 6470
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6470

سال سیاه خرس های ایران

عرصه سوم: پایگاه خبری دیده بان محیط زیست و حیات وحش ایران در گزارشی به وضعیت تاسف بار خرس های ایران در سال گذشته پرداخت. این گزارش که با استقبال و انعکاس گسترده در رسانه های گروههای فعال محیط زیست منجر شد حکایت از ادامه تداوم کشتار خرس ها دارد.

از میان هشت گونه خرس موجود در دنیا دو گونه در ایران زندگی می کنند که این دو گونه شامل خرس قهوه ای و خرس سیاه آسیایی می باشد.

خرس سیاه آسیایی یکی از گونه‌های آسیب‌پذیر در جهان است که زیرگونه بلوچی، که پراکندگی آن محدود به پاکستان و جنوب شرقی ایران در سه استان هرمزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان است زیرگونه ای به شدت در معرض خطر انقراض است.

خرس قهوه ای با جمعیت و پراکندگی مناسبتر نسبت به خرس سیاه در مناطق مرتفع و نیمه مرتفع رشته کوه البرز و زاگرس زندگی می کند.

هیچ آمار مشخصی از تعداد اندک باقیمانده جمعیت این دو گونه خرس در کشور در دست نیست.

سال ۱۳۹۳ را باید سال سیاه خرس ها در ایران نامید. با کشته شدن یک خرس قهوه ای بالغ در منطقه حفاظت شده دنا در هفته گذشته، از ابتدای سال جاری تاکنون ۱۴ خرس شامل ۱۲ خرس قهوه ای و ۲ خرس سیاه در نقاط مختلف کشور از بین رفته اند.

البته این آمار تنها مربوط به مواردی است که کشف و اطلاع رسانی شده است. بطور یقین موارد متعدد دیگری از مرگ خرس ها در طول سال جاری وجود داشته است که یا کشی متوجه آن نشده و یا از سوی مسئولان مربوطه اطلاع رسانی نشده است.

عصر روز ۱۳ فروردین ۱۳۹۳ در روز انس با طبیعت نیروهای یگان محیط زیست شهرستان کلاردشت لاشه یک خرس قهوه ای نر و بالغ را که با شلیک گلوله از اسلحه شکاری کشته شده بود کشف نمودند که به منظور فروش پوست شکار شده بود.

2- پس از آن در ۲۶ فرودین یک توله خرس قهوه ای به دلیل نامعلومی تنها و بدون مادر خود وارد باغی در شهرستان مرودشت شده بود به دنبال تماس صاحب باغ، توسط نیروهای یگان محیط زیست مرودشت زنده گیری و به مرکز تیمار و نگهداری حیات وحش در پاسگاه مرکزی محیط بانی پارک ملی بمو در نزدیکی شیراز تحویل گردید.

این توله خرس همان شب به طور عجیبی درحالیکه فنس های محل نگهداری سالم بود ناپدید شده و هرگز پیدا نشد.

۳) در روزهای نخست اردیبهشت ماه سال جاری لاشه یک توله خرس سیاه آسیایی در حاشیه باغ های روستای برنطین از توابع شهرستان رودان هرمزگان درحالی کشف شده که لاشه توله خرس به آتش کشیده شده بود.

این لاشه به احتمال فراوان متعلق به یکی از دو توله خرسی بود که بهمن ماه ۱۳۹۲ درون یک باغ مشاهده و سپس ناپدید شدند.

4- چهارشنبه ۱۳۹۳/۲/۱۷ یک ماده خرس قهوه ای در مناطق جنگلی حوزه اسلام آباد غرب کرمانشاه با وضعیت جسمی نامناسب مشاهده و پس از زنده گیری توسط محیط بانان به تهران منتقل گردید.

زندگی این ماده خرس به دلیل ضایعات برگشت ناپذیر ناشی از شلیک اسلحه شکاری و وجود تعداد بیشماری ساچمه در اندام حیاتی از جمله جمجمه، مغز و قفسه سینه با روش مرگ بدون درد پایان یافت.

5 و 6 - اوائل خردادماه به دنبال دریافت گزارشی مبنی بر کشتار یک خرس قهوه ای در منطقه حفاظت شده سفیدکوه در استان لرستان، محیط بانان عازم محدوده مذکور شده و با لاشه یک ماده خرس قهوه ای و لاشه توله اش مواجه شدند.

محیط بانان حین بررسی محدوده وقوع کشتار متوجه صدای توله خرس دیگری شده اند که همچنان زنده است اما متاسفانه موفق به گرفتن آن نشده و این توله خرس با مشاهده محیط بانان فرار کرده می کند.

توله خرس مشاهده شده توله دوم ماده خرس کشته شده بوده که به طریق نامعلومی در زمان حادثه از دست عاملین کشتار مخفی شده و جان سالم بدر برده است.

عامل کشتار این ماده خرس و توله اش در همان زمان شناسایی گردید اما به دلیل متواری بودن هنوز دستگیر نشده است.

7- در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۱ شب یک خرس سیاه آسیایی بر اثر برخورد با یک خودروی سنگین در یکی از محورهای شهرستان رودان در استان هرمزگان کشته شد.

خرس مذکور که یک خرس سیاه بالغ بوده تا مدتی پس از برخورد با خودرو همچنان زنده بوده و سعی داشته خود را از حاشیه جاده به سمت کوه بکشاند اما بر اثر شدت جراحات وارده تلف شد.

8- در روز هجدهم تیرماه سال جاری نیز یک توله خرس قهوه ای بر اثر برخورد با خودروهای عبوری در محور کرمانشاه – ایلام در گردنه قلاجه واقع در منطقه حفاظت شده قلاجه تلف شد.

متاسفانه خودرویی که با توله خرس برخورد کرده بود پس از تصادف توقف نکرده و گریخته بود در صورتیکه اگر راننده آن خودرو با کمی مسئولیت پذیری پس از برخورد با حیوان موضوع را گزارش داده بود شاید این توله خرس نجات می یافت.

9- روز سه شنبه مورخ ۹۳/۵/۲۱ محیط بانان شهرستان فیروزکوه حین گشت زنی در ارتفاعات بهنک واقع در منطقه آزاد ارجمند با لاشه یک خرس قهوه ای عظیم الجثه مواجه شدند.

با توجه به زخم های متعدد در بدن این خرس و اینکه اینکه طی ماه های قبل از مشاهده لاشه خرس شکایات متعددی از سوی زنبورداران و افراد محلی مبنی بر وارد آمدن خسارت توسط خرس به کندوهای عسل مخابره شده بود، به احتمال فراوان این خرس توسط زنبورداران منطقه کشته شده است.

10- در ساعات اولیه صبح روز ۱۵ شهریور ۱۳۹۳ گشت سیار یگان محیط زیست آذربایجان شرقی حین پایش منطقه حفاظت شده ارسباران با لاشه یک خرس قهوه ای بالغ مواجه شدند که بر اثر برخورد با خودروهای عبوری تلف شده بود.

این حادثه در نیمه های شب رخ داده و خودرویی که با این خرس برخورد کرده بود پس از حادثه توقف نکرده و از منطقه خارج می شود.

11- در اواخر شهریورماه سال جاری نیروهای یگان محیط زیست استان گلستان به دنبال دریافت اطلاعاتی مبنی بر شکار یک خرس قهوه ای در مناطق جنگلی شهرستان بهشهر و تلاش شکارچیان برای فروش پوست خرس، با فروشنده وارد مذاکره شده و در جریان عملیاتی وی را دستگیر می کنند.

بررسی پوست خرس قهوه ای شکار شده نشان می داد که پوست کاملا تازه بوده و شکار خرس حداکثر چند روز قبل رخ داده است به نحوی که وجود خون در پوست و حتی درون بینی خرس کاملا مشهود بود.

متهم در جریان بازجویی ها به شکار خرس قهوه ای ۳ روز پیش از دستگیری در مناطق جنگلی شهرستان بهشهر اعتراف می کند.

12 - بعد از ظهر روز ۲۵ شهریورماه به دنبال تماس تلفنی اهالی روستای آهار در شهرستان شمیرانات استان تهران مبنی بر مشاهده یک خرس و دو توله اش در نزدیکی روستا، محیط بانان راهی منطقه مذکور شده و با پیکر بی حرکت یک خرس مواجه شدند که دو توله خرس نیز در اطراف خرس مادر حضور داشتند.

دقایقی پیش از حضور تیم امدادی در محل، توله خرس ها به سمت ارتفاعات حرکت کرده و محیط بانان موفق به گرفتن آنها نشدند.

بررسی ها نشان می داد خونریزی شدید در اندام داخلی ماده خرس که بر اثر مسمومیت با والفارین (مرگ موش) رخ داده است علت اصلی مرگ ماده خرس می باشد.

13 - در روز ۶ مهرماه سال جاری به دنبال دریافت گزارشی از چوپانان منطقه دودانگه ساری مبنی بر مشاهده یک خرس آسیب دیده، محیط بانان و دامپزشک اداره کل حفاظت محیط زیست مازندران عازم محل مربوطه شده و خرسی را مشاهده نمودند که قادر به حرکت دادن پاهای خود نبوده و با کمک دو دست خود را بر روی زمین می کشید.

پس از انتقال خرس به تهران و انجام اقدامات درمانی در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران شواهد نشان می داد این ماده خرس چندین روز با تحمل درد و رنج ناشی از وجود تعدادی ساچمه در بدن اندام تحتانی زندگی کرده و به دلیل ناتوانی در تغذیه بسیار لاغر و ضعیف شده است اما برخورد و ورود یکی از ساچمه ها به درون ستون مهره ها منجر به بروز ضایعه نخاعی و فلج شدن اندام تحتانی از جمله هر دو پا در خرس شده بود.

نهایتا این خرس نیز با تشخیص تیم دامپزشکی، به دلیل برگشت ناپذیر بودن ضایعات و به جهت کاهش درد و رنج حیوان، به روش مرگ آرام و با تزریق دارو به زندگی ماده خرس قهوه ای پایان داده شد.

14- نهایتا در روز سه شنبه ۶ آبان ۱۳۹۳ لاشه یک خرس قهوه ای بالغ در منطقه حفاظت شده دنا در نزدیکی روستای خفر مشاهده گردید.

بررسی های صورت گرفته نشان می داد این خرس که بالغ و جنسیت آن نر بوده بر اثر شلیک گلوله از پای درآمده است و با توجه به فصل رسیدن سیب در باغات روستای خفر به احتمال فراوان پس از آنکه این خرس برای تغذیه از درختان سیب به یک باغ سیب نزدیک شده هدف گلوله قرار گرفته است.

نکته قابل توجه این است که در کلیه موارد ذکر شده مرگ و میر خرس ها مستقیما مربوط به عامل انسانی بوده است.

با توجه به توسعه روزافزون فعالیت های انسانی از جمله گسترش شبکه جاده ای و توسعه جوامع محلی، از بین رفتن زیستگاه های جنگلی بر اثر خشکسالی، گسترش اراضی کشاورزی به ویژه باغات و قطع درختان برای استفاده به عنوان سوخت و دیگر مصارف، چرای دام اهلی و فشار آن بر زیستگاه های طبیعی، در نتیجه تقابل خرس با انسان و آسیب پذیری این گونه در سال های اخیر به ویژه در سال جاری بشدت افزایش یافته است.

مرگ و میر گسترده خرس ها در امسال نگرانی عمیقی را در مورد آینده هر دو گونه خرس کشور یعنی خرس سیاه آسیایی و خرس قهوه ای ایجاد می کند و این سوال مطرح می شود که آیا جمعیت خرس های ایران و نرخ زاد و ولد در آنها تحمل چنین حجم گسترده ای از تلفات را دارد؟

متاسفانه در حال حاضر هیچ طرح جامعی جهت حفاظت از باقیمانده این گونه های ارزشمند در دست مطالعه و اجرا نمی باشد.

حفظ این گونه های ارزشمند نیازمند مطالعه و برنامه ریزی جامع کارشناسی و اجرای دقیق این برنامه در تمامی زیستگاه های خرس در کشور است و در غیر این صورت آینده روشنی در انتظار خرس های ایران نخواهد بود.

شکار برای فروش پوست و استفاده از اجزای بدن، برخورد با خودروهای عبوری در جاده ها و کشتار خرس ها بوسیله طعمه مسموم و اسلحه برای جلوگیری از آسیب رساندن به باغات و کندوهای عسل مهمترین دلائل مرگ و میر خرس در ایران می باشد.

انجام مطالعات جامع و شناخت رفتار خرس ها، شناسایی و حفاظت از زیستگاه های طبیعی خرس، جبران خسارات وارده از سود خرس به باغداران و افراد محلی، آموزش و فرهنگ سازی در جوامع محلی زیستگاه های خرس، افزایش جریمه و شدت برخورد با عاملین کشتار خرس ها از جمله مواردی است که میتواند در حفظ این گونه ارزشمند تاثیر گذار باشد.



1_634841694343331440_s

بیمه ۴۰۰ هزار کارگر قطع خواهد شد

کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور که یک نهاد مستقل صنفی است، درنامه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس نسبت به تغییر قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی که در کمیسیون بهداشت و درمان مجلس کلید خورده است اعتراض و این طرح را در راستای حمایت از بساز و بفروش‌ها دانسته است.

به گزارش ایلنا ، در این نامه که به امضای کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی سراسر کشور رسیده آمده است: طبق قانون بیمه کارگران ساختمانی تاکنون ۸۰۰ هزار خانواده کارگر ساختمانی تحت پوشش تامین اجتماعی قرار گرفته‌اند که ۲۰ درصد سهم کارفرمایی همین کارگران حدود ۱۴۰۰ میلیارد تومان می‌باشد که طبق قانون از محل پروانه‌های ساختمانی از کارفرمایان دریافت می‌گردد.

این نهاد کارگری با ابراز تاسف از طرح اصلاح قانون بیمهٔ کارگران ساختمانی، آن را طرحی در راستای حمایت از بساز و بفروش‌ها برشمرده و ضمن یادآوری دو بار رد این طرح از سوی شورای نگهبان به دلیل مغایرت با قانون اساسی، تاکید کرد: علی رغم اینکه این طرح ۲ بار از سوی شورای محترم نگهبان رد شده است اما با خبر شدیم در روز سه شنبه ۲۰/۸/۱۳۹۳ دوباره از سوی کمیسیون بهداشت اصلاح شده و طی ان تامین اجتماعی موظف است به میزان در آمدی که از محل پروانه‌های ساختمانی دارد (۱۲ درصد از کل مبلغ پروانه ساختمانی) به همان میزان کارگر بیمه نماید.

این نهاد کارگری در بیانه خود تصریح کرده که با این کار نه تنها حدود یک میلیون کارگری که درانتظار بیمه می‌باشند امیدشان قطع می‌شود بلکه بیمه کارگران ساختمانی که تحت پوشش می‌باشند نیز قطع خواهد شد.

در ادامهٔ این نامه آمده است: در خوش بینانه‌ترین حالت تا پایان سال در آمد تامین اجتماعی از محل پروانه‌های ساختمانی به ۷۰۰ میلیارد تومان می‌رسد یعنی به اندازه بیمه ۴۰۰ هزار کارگر و این در حالی است که با تصویب این طرح، بیمه ۴۰۰ هزار کارگر بیمه شده قطع خواهد شد.

در پایان این نامه اعضای کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی با بیان اینکه سرنوشت یک میلیون و هشتصد کارگر ساختمانی نباید قربانی منفعت طلبی بسازبفروش‌ها شود، ضمن تاکید برمغایرت این طرح با اصل ۲۹ قانون اساسی که طی ان دولت موظف است خدمات تامین اجتماعی را برای یکایک افراد کشور فراهم

کند، از نمایندگان ملت خواستند در صحن علنی مجلس مخالفت صریح و قاطع خود را نسبت به تصویب طرحی که منجر به تضییع حق کارگران و تبعیض بین آن‌ها می‌شود و مغایر با مغایر اصل ۲۹ قانون اساسی است اعلم کنند و طرح را جهت بررسی بیشتر به کمیسون اجتماعی ارجاع دهند.

جامعه کارگری کاهش جنبه‌های حمایتی قانون کار را نمی‌پذیرد

دبیر کل خانه کارگر در گردهمایی کارگران به مناسبت سالروز تصویب قانون کار گفت: ماهیت قانون کار یک قانون حمایتی از کارگران است و جامعه کارگری جز این هیچ رویکرد دیگری را برای اصلاح قانون کار نمی‌پذیرد.

به گزارش ایلنا، « علیرضا محجوب » در اجتماع هزاران کارگر به مناسبت بیست و چهارمین سالروز تصویب قانون کار که ۲۹ آبان در ورزشگاه شهید معتمدی تهران برگزار شد، با اشاره به مقاوله‌نامه‌های بنیادین حقوق کار گفت: هدف از نگارش و اجرای قانون کار حمایت از کارگر است. با چنین رویکردی بود که سرانجام در ۲۹ آبان سال ۶۹ با پیگیری‌های مشترک حسین کمالی رئیس وقت کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس و ابوالقاسم سرحدی‌زاده وزیر وقت کار و امور اجتماعی، قانون کار به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

خانه کارگر بزرگترین سندیکای کارگران ایرانی است که دارای دهها شعبه در کشور و دهها هزار عضو است.

بازارچه نیکوکاری برای کمک به رضا و ابوالفضل

بازارچه نیکوکاری شهرک امید هدف جمع آوری کمک برای دو کودک معلول به نام های رضا و ابوالفضل برگزار شد. این بازارچه توسط نهاد مردمی " موسسه خیریه یاوری سبز" و در روزهای پنجشنبه و جمعه 22 و 23 آبان ماه برگزار شد.

موسسه یاوری سبز که نهادی مستقل است در بخش معرفی نهاد خود می نویسد که این موسسه کوشیده با تحت پوشش قراردادن تعداد زیادی خانواده نیازمند در مناطق محروم علاوه بر رفع نیازهای اقتصادی و بهداشتی – درمانی، خانواده نسبت به رفع کمبودهای فرهنگی و ارتقای سطح فکری و درسی فرزندان آنان که غالبا" از ایتام می باشند در خصوص فقر زدایی در مفهوم عمیق و واقعی آن گام بر دارد.

این دو کودک مبتلا به بیماری ژنتیکی خاصی هستند و لازم است رضا 3 آمپول و ابوالفضل یک آمپول در هفته تزریق نمایند که قیمت هر آمپول 250 هزار تومان است و در صورت عدم تزریق به موقع، به مرور دچار فلجی در ناحیه دست و پا خواهند شد.

این موسسه همچنین با قرار دادن شماره حسابهای بانکی، از نیکوکاران دیگر نیز خواسته است تا به یاری این دو کودک بشتابند.

—

۵ ایرانی برنده جوایز حقوق بشری هلمن-همت شدند

2014-11-24 · Archive ID 6477
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6477

عرصه سوم: بنابر اعلام سازمان دیده‌بان حقوق بشر پنج ایرانی به دلیل شجاعت و احکامی قضایی که برای آنها صادر شده است برنده جوایز هلمن-همت در سال ۲۰۱۴ شده‌اند.

۳۰برنده دیگر این جایزه در سال ۲۰۱۴ به ۱۱ کشور دیگر تعلق دارند.

محمدرضا پورشجری، یکی از ۵ تن دریافت کننده ایرانی جایزه هلمن-همت است که تنها با گذشت ۵ هفته از آزادی پس از پایان محکومیت ۴ ساله توسط مقامات امنیتی ایران دستگیر شد.

به گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز ، ایران یکی از بزرگترین زندانبانان جهان برای نویسندگان است. تا ژوئیه ۲۰۱۴، حداقل ۶۵ روزنامه نگار، وبلاگنویس و فعال رسانه‌های اجتماعی بر اثر اتهامات مبتنی بر سخنان یا نوشته‌هایشان در زندان‌های ایران نگهداری می‌شدند.

۵ تن ایرانی دریافت کننده جوائز هلمن-همت عبارتند از:

حسن اسدی زیدآبادی: حسن اسدی به مجلات و وبسایت‌های فارسی زبان در خصوص موضوعات سیاسی و حقوقی در ایران در راستای تلاش برای اشاعه آزادی مطبوعات، آزادی بیان و حقوق بشر کمک کرده است. زیدآبادی از سال ۲۰۰۷ عضو شورای مرکزی سازمان ادوار تحکیم وحدت بوده است. زیدآبادی پایه گذار و دبیرکمیته حقوق بشر این سازمان است. حسن اسدی زیدآبادی همچنین به عنوان سخنگوی سازمان‌های غیر دولتی شبکه آسیایی در موسسات حقوق بشر ملی (ANNI) ، که با هدف گزارش کردن موارد نقض حقوق بشر در آسیا و استرالیا عمل می‌کند، فعالیت کرده است. در ایران، به دنبال انتخابات جنجال برانگیز ۲۰۰۹، وی توجهات را به موارد دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه فعالان سیاسی جلب کرد و در اشاعه حقوق زنان، دانشجویان، و کارگران نقشی راهبری داشت تا به آنجا که سرانجام منجر به دستگیری و بازداشت وی توسط نیروهای امنیتی و مقامات وزارت اطلاعات شد.

مقامات اسدی زیدابادی را بر اثر اتهاماتی از جمله «اجتماع و تبانی برعلیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به رئیس جمهوری» مورد محاکمه قرار دادند. در پایان محاکمه او به ۵ سال حبس محکوم شد که هم اکنون در زندان اوین این دوره را می‌گذراند.

سیامک قادری: قادری پیش از آن که به دلیل وبلاگنویسی در مورد اعتراضات خیابانی و دیگر تحولات به دنبال انتخابات جنجال برانگیز ۲۰۰۹ از شغل خود عزل شود، به مدت ۱۸ سال ویراستار و گزارشگر خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) بود. یکی از مصاحبه‌های وی با شهروندان همجنسگرا منجر به اعتراض مقامات شد و قادری در ژوئیه ۲۰۱۰ دستگیر شد. در ژانویه ۲۰۱۱، یک شعبه دادگاه انقلاب بر اثر اتهامات «تبلیغ علیه نظام»، «ایجاد اضطراب عمومی» و «نشر اکاذیب» او را به ۴ سال حبس و ۶۰ ضربه شلاق محکوم کرد. مقامات قادری را در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۴ پس از گذراندن دوران محکومیتش آزاد کردند.

در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۴ کمیته حفاظت از روزنامه نگاران جائزه بین المللی ازادی مطبوعات را به قادری اهدا خواهد کرد.

علی اصغر حقدار: حقدار از سال ۱۹۹۰ نویسنده ده‌ها کتاب و صدها مقاله در حوزه تفکر، فلسفه و نقد ادبی است. او سرانجام به دلیل سطح بالای سانسور سیاسی که مانع از انتشار کار وی شد ایران را ترک کرد.

شهرام جوادی: جوادی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ در ایران برای چندین روزنامه روزنامه‌نگاری می‌کرد، اما دنبال انتخابات جنجال برانگیز ۲۰۰۹ مجبور به ترک روزنامه‌نگاری رسمی شد. وی دوباره در سال ۲۰۱۱ با وبلاگنویسی را از سر گرفت. در اکتبر ۲۰۱۲ عاملان وزارت اطلاعات جوادی را برای بازجویی در مورد وبلاگنویسی و دیگر فعالیت‌هایش فرا خواندند، و بعدا زمانی که وی در منزلش نبود به آنجا یورش بردند. او به جای رویارویی با خطر دستگیری، تصمیم گرفت کشور خود را ترک کند. مقامات اموال وی را نیز توقیف کردند.

محمدرضا پورشجری: پورشجری، که با نام مستعار «سیامک مهر» معروف است وبلاگی با عنوان «گزارش خاک ایران» را راه اندازی کرد. مقامات امنیتی وی را در سپتامبر ۲۰۱۰ دستگیر کردند و صرفا به دلیل فعالیت‌های نوشتاری و وبلاگ‌نویسی او را به اتهامات «توهین به رهبری»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «توهین به مقدسات مذهبی» و «بدعت‌گذاری» متهم کردند. یک شعبه دادگاه انقلاب پورشجری را به ۴ سال زندان محکوم کرد. در زندان وی از مشکلات جدی سلامتی رنج می‌برد، اما مقامات زندان مکررا با آزادی موقتی او و اعطای مرخصی پزشکی به وی مخالفت ورزیدند. پورشجری در ۲۳ اوت ۲۰۱۴ دوران حبس خود را به پایان رساند، اما مقامات وی را از آن زمان ممنوع الخروج کرده‌اند.

میترا پورشجری، دختر وی، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت است که مقامات امنیتی پدرش را در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴ در ناحیه‌ای نزدیک به مرز ایران و ترکیه دستگیر کردند و ابتدا وی را به مدت ۱۴ روز در سلول

انفرادی در یکی از بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات در شهر ارومیه نگاه داشتند. میترا پورشجری گفت که مسئولان وزارت اطلاعات در آنجا پدرش را در حالتی که به دستان وی دستبند زده و چشم‌هایش را هم با چشم‌بند پوشانده بودند، تحت فشار روانی نگاه داشتند و به مدت طولانی بازجویی کردند. آن‌ها بعدا وی را به بند ۸ زندان رجایی شهر که تحت کنترل سپاه پاسداران است منتقل کردند. دختر پورشجری گفت که در این زندان، پورشجری را تحت بازجویی‌هایی گسترده تری قرار دادند و تهدید کردند. وی هم اکنون در ندامتگاه مرکزی کرج در بازداشت به سر می‌برد.

میترا پورشجری گفته است که تا یک ماه پس از دستگیری پدرش، در حالی که وی در زندان انفرادی نگهداری می‌شد و تحت بازجویی‌های متعدد بود، او و دیگر اعضای خانواده از این اتفاق و وضعیت وی بی خبر بودند. او گفت مقامات امنیتی و قضائی مجموعه‌ای از اتهامات را علیه پورشجری وارد کرده اند. از جمله این اتهامات «اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، کوشش برای خروج غیرقانونی از کشور، تماس با گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد و ارائه اطلاعات به وی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و تماس با سازمان‌های «ضد انقلاب» و «صهیونیستی» هستند.

گفتنی است که در ۱۰ آوریل ۲۰۱۴ چندین گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل، از جمله احمد شهید، گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران، از دولت ایران خواستند که مراقبت پزشکی فوری برای پورشجری و کاظمینی بروجردی، مجتهد زندانی مخالف، مهیا کند و امکان آزادی فوری آنان را فراهم سازد.

جوائز هلمن-همت سالانه به نویسندگانی در سراسر دنیا اعطا می‌شود که آماج اتهامات سیاسی و یا نقض حقوق انسانی خود قرار گرفته اند.

اما دیلی ، مدیر بخش ارتباطات در سازمان دیده‌بان حقوق بشر، گفته است: «این ایرانیان شجاع برای ما یادآور نقش حیاتی‌ای هستند که روزنامه نگاران و نویسندگان، علیرغم خطراتی که درکمین زندگی و اشتغال آن‌هاست، در رویارویی با ظلم یا سخن گفتن بر علیه آن ایفا می‌کنند. این جوائز معتبر هلمن-همت نه تنها باید آگاهی از سهم برندگان در حمایت از آزادی بیان را افزایش دهد، بلکه سبب افزایش فشار بر دولت‌های آن‌ها جهت توقف سرکوب این حق از حقوق بنیادی بشر شود.»

این جوایز به نام دو نویسنده آمریکایی، « لیلیان هلمن »، و « داشیل همت » نامگذاری شده است. هر دو تن توسط کمیته‌های کنگره آمریکا در مورد عقاید و وابستگی‌های سیاسیشان در طول تحقیقات ضد کمونیستی خشونت بار دهه ۱۹۵۰ مورد سوال و بازجویی قرار گرفتند.

در طول ۲۵ سال گذشته، بیش از ۷۰۰ نویسنده از ۹۲ کشور جوائز هلمن-همت را دریافت کرده‌اند.

دیلی گفته است: «هدف از اعطای جوائز هلمن-همت یاری رسانی به نویسندگانی است که به دلیل عقاید یا گزارشاتشان که صاحب منصبان در صدر قدرت را آزرده است، خود رنج فراوان کشیده‌اند. بسیاری از آنانی که افتخار دریافت این جوائز را یافته‌اند، در یک هدف با سازمان دیده‌بان حقوق بشر شریک‌اند:حمایت از آنان که آسیب پذیرند با پرتو افکندن بر موارد نقض حقوق بشر و فشار برای تغییر.»

—

بیمه کردن زنان با پول مهریه

2014-11-25 · Archive ID 6484
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6484

عرصه سوم-نعیمه دوستدار: بالا رفتن آمار طلاق و زندانی شدن مردان به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه هیچ کدام باعث نشده که زنان ایرانی از تعیین مهریه صرف نظر کنند. با اینکه بسیاری از آنها در نهایت هیچ بهره‌ای از عدد و رقم‌های نجومی مهریه نوشته شده در سند ازدواج شان نمی‌برند و در نهایت به دنبال فشارهای اجتماعی و قانونی برای رسیدن به حداقل حقوق خود از آن می گذرند، خانواده‌های ایرانی همچنان مهریه را بزرگ‌ترین پشتوانه زنان می‌دانند و بر آن اصرار دارند. با این حال تلاش برای کنترل مهریه‌های سنگین به

شکل‌های مختلف از سوی نهادهای قانونی ایران دنبال شده است و به عنوان مثال برای حل مشکل تعداد بالای زندانیان مهریه، دولت‌های پیشین تصمیم گرفتند مهریه بالاتر از ۱۱۰ سکه را ثبت نکنند.

دولت دهم هم در سال ۹۱ طرحی را با عنوان «بیمه مهریه» مطرح کرد که سرانجام در سال ۹۲ جلساتی با وزارت دادگستری و یکی از صندوق‌های بیمه برگزار کرد و با اینکه ستاد دیه هم از این طرح استقبال کرد اما در نهایت به دلیل تغییر دولت و فراهم نشدن اعتبارات لازم، به فراموشی سپرده شد.

براساس این طرح، زوج می‌توانست به مرور مبلغی را برای پرداخت مهریه همسرش پس‌انداز کند و زن نیز از پرداخت مهریه اطمینان داشته باشد.

اما حالا یک طرح تازه مطرح شده است؛ اینکه شهین دخت مولاوردی، معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده به قوه قضاییه پیشنهاد داده که در شروط ضمن عقد به جای مهریه، بیمه زنان خانه‌دار در نظر گرفته شود.

او گفته: «در حال حاضر در زمینه بیمه زنان خانه‌دار دو موضوع را پیگیری می‌کنیم که یکی از آنها از پیشنهاد به قوه قضاییه است.» معاون امور زنان دولت ایران، اعلام کرده که با سازمان تامین اجتماعی در زمینه بیمه زنان خانه‌دار رایزنی‌هایی کرده و این سازمان قصد دارد در قالب ماده ۲۷ برنامه پنجم توسعه بیمه چند لایه را اجرایی کند.

اما مطرح شدن این ایده با واکنش‌هایی از سوی گروه‌های مختلف فعالان زنان مواجه بوده است. در ایران، فاطمه آلیا، نماینده مجلس شورای اسلامی، در گفت‌و گو با خبرنگار جامعه فارس، گفته است که بیمه زنان خانه‌دار یک مطالبه اساسی از جامعه زنان کشور است که تاکنون در فراز و نشیب نظرها به نتیجه نرسیده است.

به گفته او، آخرین بار، تصمیم‌گیری درباره این موضوع در سال ۹۱ انجام شده؛ به این صورت که مجلس ایران آن را در بودجه تصویب کرد اما در دولت اجرا نشد. سال گذشته، بیمه زنان خانه‌دار از متن لایحه بودجه حذف شد . دلیل حذف آن این بود که شورای نگهبان در بررسی لایحه بودجه مصوب مجلس به این نتیجه رسید که بیمه شدن ۲۰۰ هزار زن خانه‌دار در سال ۹۳ در شرایطی که «منابع مالی در اختیار»، محدود است، بار مالی مضاعفی را به دولت تحمیل می‌کند.

هنگام بررسی لایحه بودجه در مجلس، نمایندگان در بند الحاقی دو از تبصره ۱۱ لایحه مصوب کردند که سازمان تامین اجتماعی و صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر مجازند در ازای دریافت هفت درصد و پنج درصد حق بیمه، ۲۰۰ هزار زن خانه‌دار متاهل را در سال آینده بیمه کنند، اما شورای نگهبان این اقدام را تحمیل هزینه به دولت دانست و در نتیجه نمایندگان مجبور شدند این بند از لایحه بودجه را حذف کنند.

بعد از آن، شورای نگهبان تشخیص داد که این طرح به صورت یک قانون دائمی مطرح شود، دولت قبول کرد در این خصوص به مجلس لایحه ارائه دهد.

فاطمه آلیا اما در واکنش به ارائه پیشنهاد معاونت امور زنان ریاست جمهوری مبنی بر اینکه بیمه زنان خانه‌دار به عنوان بخشی از مهریه جایگزین شروط ضمن عقد شود، اعلام کرده که این پیشنهاد قابل قبول نیست:«شروط ضمن عقد الزام‌آور نیستند و ممکن است مورد قبول قرار نگیرد و هم‌اکنون نیز شاهد هستیم شروطی که پشت عقدنامه‌ها به آن اشاره شده است، تمام آنها اجرایی نشود.»

اما این تنها واکنش به پیشنهاد مولاوردی نبوده است. حقوقدانان هم می‌گویند که نباید دو موضوع مریه و بیمه زنان خانه دار را به هم ربط داد. چرا که اکنون حرف از قانونی شدن چیزی زده می‌شود که بستر قانونی ندارد. از آنجا که مهریه سال‌ها به عنوان یک موضوع فرهنگی که ریشه شرعی دارد در فرهنگ ایران وجود داشته و حتی دخالت قانون برای ایجاد تغییر و کنترل آن نتوانسته اثر چندانی بر عرف لزوم دریافت و وجود مهریه بگذارد و اکنون مهریه با توجه به جایگاه قانونی‌اش، به سادگی قابل جایگزینی با چیز دیگری نیست.

از سوی دیگر در زمینه بیمه زنان خانه‌دار، فعالان زنان و حقوقدانان معتقدند که این یک حق و مطالبه عمومی است و دولت وظیفه دارد بسترهای لازم را برای اجرایی شدن آن فراهم کند، بدون اینکه آن را با موضوع مهریه درآمیزد.

ایرادات شکلی و حقوقی دیگری هم به این طرح وارد شده است؛ از جمله اینکه گفته شده «گنجاندن بیمه زن خانه‌دار در شروط ضمن عقد، به معنای این است که حداقل مهریه زن نبایست از مجموع میزان حق بیمه ۳۰ سال کمتر باشد؛ چراکه در صورت کمتر بودن مهریه، ممکن است زوج با این ادعا که شرط پرداخت حق بیمه به جای مهریه بوده است و مهریه نیز به اتمام رسیده است، از ادامه پرداخت سرباز زند. بنابراین دختران هنگام ازدواج لازم است پس از محاسبه میزان حق بیمه، مهریه خود را معادل یا بیش از حق بیمه ۳۰ سال تعیین کنند که بدین ترتیب به طور غیرمستقیم افزایش مهریه ترویج شده است.»

علاوه بر این ابهامات دیگری هم در این پیشنهاد وجود دارد: اینکه با چنین طرحی، رابطه زن وشوهر تبدیل به رابطه کارفرما و بیمه شده می‌شود و پرداخت حق بیمه زن، مستلزم و جود این کارفرماست که اگر به دلیل طلاق یا مرگ، کارفرمایی وجود نداشته باشد، وضعیت پرداخت حق بیمه مشخص نخواهد بود و زن همواره باید دنبال این کارفرما باشد. ضمن این که مشخص نیست سهم بیمه شده را که در نظام‌های بیمه‌ای مطرح است در این شرایط چه کسی خواهد پرداخت و آیا زن نیز باید خود مبلغی را به عنوان سهم بیمه‌شده بپردازد یا نه؟

نکته دیگری که به نظر می‌رسد، این است که در این طرح، پرداخت حق بیمه از منابع مالی خود زن صورت می‌گیرد و مشخص نیست که معیار چنین انتخابی چیست و چرا سایر منابع مالی زن مثل نفقه و اجرت‌المثل و ... منبع پرداخت حق بیمه قرار نگرفته‌اند و مهریه انتخاب شده است.

در طول سالیان، مهریه و بیمه زنان‌خانه‌دار به عنوان دو موضوع و مطالبه مهم جامعه زنان ایران، با پاسخ‌های سطحی و طرح‌های بی‌سرانجام، مشمول مرور زمان شده‌اند و هیچ طرح و برنامه عملی برای تامین مطالبات زنان در این زمینه‌ها اجرا نشده است. این در حالی است که وضعیت اشتغال و حضور اجتماعی زنان با طرح‌های محدودکننده‌ای مثل طرح جمعیت و تعالی خانواده روزبه روز بدتر می‌شود و زنان خانه‌دار که آمار بالایی در ایران دارند، کمترین تامین مالی را در آینده پیش روی خود می‌بینند. از سوی دیگر، برای آنها و گروه‌های بزرگ‌تری از زنان که پشتوانه‌های حقوقی و مالی ندارند، مهریه همچنان یک ابزار مهم اعمال قدرت و فشار برای رسیدن به حقوق قانونی است که بدون رفع خلاهای قانونی و بدون ایجاد حمایت‌های رسمی در زمینه طلاق و حضانت و تامین مالی زنان، نمی‌توان انتظار حذف آن را از فرهنگ عرفی جامه داشت. در هم آمیختن این دو موضوع پیچیده، اکنون تنها بر ابهام‌ها و دشواری‌های زنان در رسیدن به مطالبات‌شان می‌افزاید.

—

بیانیه ۱۷ کانون صنفی معلمان در اعتراض به قتل معلم بروجردی

2014-11-26 · Archive ID 6487
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6487

عرصه سوم: در پی قتل محسن خشخاشی دبیر فیزیک دبیرستان حافظیه بروجرد توسط یکی از دانش آموزان ۱۷ کانون صنفی معلمان از سراسر کشور با انتشار بیانیه‌ای مشترک به وقوع این جنایت اعتراض کردند

محسن خشخاشی روز شنبه توسط یکی از دانش‌آموزان خود با چاقو مورد حمله قرار گرفت که این حادثه منجر به مرگ وی شد.

در بیانیه کانون‌های صنفی معلمان آمده است:« ما تردید نداریم که نادیده گرفتن و کوچک انگاشتن این حوادث، نتیجه‌ای جز عادی و روزمره شدن آن‌ها را به همراه نخواهد داشت، خشونت‌هایی که متأسفانه هر روز بیش از روز قبل درجامعه و فرهنگ ما گسترش می‌یابد. ازعادی شدن درگیری‌های خیابانی گرفته تا قتل‌های خانوادگی و تجاوز و فقر و کودکان کار و خیابانی و این اواخر اسید پاشی برروی دختران و زنان بی‌گناه کشورمان

ما از پایین آمدن آستانه تحمل مردمان، ازشکستن حرمت بزرگان، از بی‌حرمت شدن معلمان، و از ناسپاسی‌ها، نگران ودلواپسیم. ما اگرچه از مرگ دلخراش همکارمان و ظلمی که نسبت به او و جامعه فرهنگیان روا داشته شده اندوهگین هستیم اما تنها سوگوار همکار فرهیخته خود نیستیم بلکه همچنین سوگوار گسترش اخلاق، منش و رفتاری هستیم که مشخص نیست همگی ما را به کجا خواهد برد..»

متن کامل این بیانیه به نقل از خبرگزاری ایلنا به شرح زیر است:

محسن خشخاشی، دبیر فیزیک دبیرستان حافظیه شهرستان بروجرد، در تاریخ یکم آذرماه ۹۳ هنگامی که در کلاس درس مشغول درس دادن بود با ضربات چاقوی یکی از دانش آموزان خود به شدت مضروب گشت و متاسفانه چند ساعت بعد در بیمارستان درگذشت. به خون غلطیدن معلمی که به سخت کوشی ودلسوزی شهرت داشته، آن هم توسط یکی از دانش آموزانش، قطعا یک اتفاق ساده نیست. به گمان ما این حادثه در کنار دیگر مظاهر خشونت که هرروزه به شکل‌های مختلف در کشور بروز و ظهور پیدا می‌کند معنا می‌یابد و ضرورت ریشه یابی و بررسی چرایی بروز این رفتارها را از سوی روشنفکران، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، اندیشه وران آموزش و پرورش، و البته مسوولان کشور، اجتناب ناپذیر می‌سازد.

ما تردید نداریم که نادیده گرفتن و کوچک انگاشتن این حوادث، نتیجه‌ای جز عادی و روزمره شدن آن‌ها را به همراه نخواهد داشت، خشونت‌هایی که متآسفانه هر روز بیش از روز قبل درجامعه و فرهنگ ما گسترش می‌یابد. ازعادی شدن درگیری‌های خیابانی گرفته تا قتل‌های خانوادگی و تجاوز و فقر و کودکان کار و خیابانی و این اواخر اسید پاشی برروی دختران و زنان بی‌گناه کشورمان.

ما از پایین آمدن آستانه تحمل مردمان، ازشکستن حرمت بزرگان، از بی‌حرمت شدن معلمان، و از ناسپاسی‌ها، نگران ودلواپسیم. ما اگرچه از مرگ دلخراش همکارمان و ظلمی که نسبت به او و جامعه فرهنگیان روا داشته شده اندوهگین هستیم اما تنها سوگوار همکار فرهیخته خود نیستیم بلکه همچنین سوگوار گسترش اخلاق، منش و رفتاری هستیم که مشخص نیست همگی ما را به کجا خواهد برد.

مرگ محسن خشخاشی، بی‌گمان، درد و اندوه بزرگی است بر جان و روان همه آموزگاران کشور، افزون بر این نشانی است از نابسامانی‌های مدیریتی، آموزشی، اقتصادی و فرهنگی نظام آموزش و پرورش، و ناامنی که متاسفانه روز به روز بر مدرسه‌ها، و به ویژه مدرسه‌های دولتی، سایه خود را بیش از پیش می‌گستراند.

متاسفانه در شرایطی که در کلاس‌های شلوغ مدرسه‌های دولتی - کلاس‌های سی چهل نفره و حتی بیشتر - هر روز روح و جسم آموزگاران در رنج است از زبان برخی از مسئولان فرادست آموزش و پرورش، پیاپی شنیده می‌شود شمار معلمان مدرسه‌های دولتی بیش از حد است و باید تعداد آنان دویست سیصد هزار تن کمتر گردد! از سوی دیگر شرایط در آموزش و پرورش به گونه‌ای پیش می‌رود که همه اختیارات معلمان از آنان گرفته شده و معلمان برای برخورد مناسب با دانش آموزان خاطی و ناهنجار، تقریبا، همه ابزار کنترل خود را از دست داده‌اند. هم اکنون معلمان با حقوق یک تا دو میلیون تومان زیر خط فقر، با تدریس در کلاس‌های شلوغ، عملا هر کدام کار دو معلم را انجام می‌دهند و در این شرایط، از امنیت و حمایت لازم هم برخوردار نیستند.

ما جمعی از معلمان کشور، درخواست رسیدگی عاجل به شرایط نابسامان آموزش و پرورش کشور را داریم.

خون به ناحق ریخته شده محسن خشخاشی، از دید ما، یکی از نشانه وجود بحران‌های بسیار در آموزش و پرورش است. ما خواستار این هستیم که بیش از این، بر این کاستی‌ها و نابسامانی‌ها، سرپوش گذاشته نشود و همه مسئولان کشور - فراتر از شعارها و تعارف‌های تکراری و بی‌بنیاد درباره شان و مقام معلم - برای یک بار هم که شده به صورت جدی و واقعی، به مشکلات کاری این بخش زحمتکش جامعه بنگرند و درصدد دگرگونی جدی این شرایط برآیند.

از دید ما، هم این معلم مظلوم و هم دانش آموز ضارب، هر دو قربانیان نظام ناهنجار فرهنگی، اجتماعی و آموزشی هستند، ضمن اینکه خواستار اجرای عدالت از مجاری قانونی هستیم معتقدیم تنها برخورد قضایی نمی‌تواند از بروز مجدد این گونه حوادث، جلوگیری نماید بلکه باید با ریشه‌های آن برخورد شود.

ما از همه همکاران خود، همچنین، درخواست می‌کنیم که در اعتراض به مرگ مظلومانه محسن خشخاشی و در همدردی با خانواده داغ دیده ایشان، در روز شنبه هشتم آذرماه ۹۳ و در زنگ دوم این روز ضمن حضور در کلاس درس، به روشنگری درباره ریشه‌های این رخداد اندوه بار بپردازند. امید که همراهی وهمدلی جامعه فرهنگیان رهنمودی باشد برای تمامی جامعه درجهت کمک به استقرار صلح، مدارا، آرامش، عدالت و آزادی.

گفتنی است این بیانیه به امضای کانون صنفی معلمان مشهد، انجمن صنفی معلمان کردستان، کانون صنفی معلمان کرمانشاه، کانون صنفی معلمان استان چهارمحال و بختیاری، کانون صنفی معلمان نورآباد لرستان، کانون صنفی معلمان سنقر، کانون صنفی فرهنگیان گیلان (رشت)، کانون صنفی معلمان انزلی، کانون صنفی معلمان لاهیجان، کانون صنفی معلمان لنگرود، کانون صنفی معلمان رودسر، کانون صنفی معلمان اسلامشهر، کانون صنفی معلمان رباط کریم، کانون صنفی معلمان پاک دشت، کانون صنفی معلمان کرج، کانون صنفی معلمان شهر قدس و کانون صنفی معلمان ایران (تهران) رسیده است

—

از اعتماد به وزیر علوم تا اخطار به وزیر کار

2014-11-27 · Archive ID 6490
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6490

ردای وزارت علوم بر تن وزیر سابق موسوی و خاتمی

عرصه سوم-محمد صادقی: سرانجام مجلس شورای اسلامی روز چهارشنبه ۵ آذر به دکتر محمد فرهادی ، پنجمین گزینه پیشنهادی دولت برای تصدی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رای اعتماد داد.

وی در حالی بر صندلی ریاست این وزارتخانه تکیه خواهد زد که پیش از او میلی منفرد، نیلی احمدآبادی و دانش آشتیانی نتوانسته بودند اعتماد نمایندگان را جلب کنند و فرجی دانا نیز از سوی مجلس استیضاح و برکنار شده بود.

حسن روحانی رئیس جمهور ایران در نطق دفاعیه خود از محمد فرهادی گفت: «اگر دموکراسی ما حزبی بود ما دو تا سه حزب بزرگ داشتیم، اقلیت داشتیم، اکثریت داشتیم، دولت و مجلس معمولا از یک حزب بود حتی اگر از دو حزب بود معلوم بود و کمی کار در تعامل سیاسی آسانتر بود.»

روحانی در ادامه با اشاره به قانون اساسی جمهوری اسلامی گفت: «قانون اساسی ما این شیوه را برگزیده و انتخاب کرده و ما هم در طول این مدت همین راه را ادامه دادیم. البته امتیازاتی را هم این شیوه دارد و مشکلات خودش را دارد اما این به این معنا نیست ما برای آینده فکر نکنیم و راه بهتر پیدا نکنیم.»

رییس جمهوری ایران همچنین بار دیگر بر آرای مردم در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در خرداد سال گذشته تاکید کرد و گفت: «آخرین انتخاباتی که به هر حال ما افکار مردم را دیدیم و باید معیار ما باشد ۲۴ خرداد است و گفتمانی مورد تایید مردم بوده و فردی مورد انتخاب مردم قرار گرفته که اگر این فرد با نفر بعدی اختلافش یک میلیون رای بود خب گفته می شد دوتا گفتمان بوده است و به هم نزدیک که یکی از آنها یک میلیون بیشتر رای آورده است. اما اگر گفتمانی رای آورده است که با نفر بعدی رای آن سه برابر رای نفر بعدی است و ۱۳ میلیون اختلاف رای با نفر بعد دارد این نشان آن است که این افکار و این گفتمان مورد تایید قاطع مردم است. ضمن این که گفتمان نفر اول با نفرهای بعدی خیلی تفاوت زیاد نداشته است.»

این اظهارات حسن روحانی با اعتراض برخی نمایندگان همراه شد و قاسم جعفری نماینده بجنورد در تذکری به رئیس جمهور گفت: «اینجا جلسه رأی اعتماد به وزیر است و جلسه شمردن آرایی که در انتخابات سال 92 برگزار شد، نیست.»

محمد فرهادی، وزیر پیشنهادی علوم نیز در نطق دفاعی خود آن چه که نمایندگان اصولگرای مجلس آن را «فتنه» می خوانند «خط قرمز» خود دانست.

فرهادی خطاب به نمایندگان گفت که قصد دارد در صورت به دست گرفتن این سمت تحولی در علوم انسانی ایجاد کند.

اما اتفاق غیرمنتظره در جلسه رأی‌اعتماد به محمد فرهادی، نطق جنجالی علی مطهری در مخالفت با وزیر پیشنهادی بود.

علی مطهری که پیش از این به عنوان موافق دانش آشتیانی سخن گفته بود این بار در مخالفت با محمد فرهادی در سخنانش به نامه‌ای اشاره کرد که به گفته وی، محمد فرهادی نیز پای این نامه را امضا کرده و به همین دلیل می‌توان این‌گونه برداشت کرد که او نیز جزو "فتنه‌گران" بوده است.

در نامه مورد اشاره، محمد فرهادی به همراه شماری از شخصیت های سیاسی از جمله میرحسین موسوی، مهدی کروبی و محمد خاتمی در نامه‌ای خطاب به مراجع تقلید بازداشت‌های معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری دهم را فاقد مجوزهای قانونی و همراه با برخوردهای خشونت‌بار که زیبنده نظام و کشوری نیست دانسته بودند.

هر چند فرهادی پیش از جلسه رای اعتماد و در نطق دفاعیه خود امضای این نامه را تکذیب کرد.

مطهری در ادامه نطق جنجالی خود اعلام کرد که «اگر مجلس به فرهادی رأی اعتماد دهد، از خط قرمزهای اکثریت عبور کرده و متهم به رفتار یک بام و دو هوا می‌شود.»

از سوی دیگر الیاس نادران، نماینده تهران که از جمله مخالفان گزینه های پیشین معرفی شده از سوی دولت برای تصدی وزارت علوم بود، روز چهارشنبه ضمن موافقت با آقای فرهادی، رای اعتماد مجلس به وی و همه وزرایی که از مجلس رای اعتماد گرفته اند را «مشروط» دانست.

وی درباره نطق علی مطهری نیز گفت: «آقای مطهری در قالب مخالفت با فرهادی، با مجلس مخالفت کرد. ایشان می‌خواست نامه‌ای از فتنه‌گرها را بخواند که خواند.»

به هر روی محمد فرهادی از مجموع ۲۳۵ نماینده حاضر در مجلس، با ۱۹۷رای موافق، ۲۸ رای مخالف و ۱۰ رای ممتنع، توانست از مجلس اصولگرا رای اعتماد بگیرد.

وزیر جدید علوم متخصص گوش و حلق و بینی و رییس سابق هلال احمر ایران و دانشگاه تهران است که در دولت دوم میرحسین موسوی به عنوان وزیر فرهنگ و آموزش عالی و در دولت اول محمد خاتمی به عنوان وزیر بهداشت فعالیت داشته است.



IMG15131912

تسهیلات ویژه به مجروحان و اسرای جنگ هشت ساله

نمایندگان مجلس در نشست علنی سه‌شنبه گذشته رسیدگی به طرح احکام دائمی لوایح بودجه‌های سنواتی را ادامه دادند و چند بند از ماده 37 این طرح را پس از بحث و بررسی به تصویب رساندند.

طبق مصوبه مجلس اعطای مجوز هر نوع استخدام و به کارگیری نیرو و مصوبات هیأت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که متضمن بار مالی برای دولت و صندوق‌های بازنشستگی و دستگاه‌های اجرایی باشد، درصورتی قابل طرح و تصویب و اجراست که بار مالی ناشی از آن درگذشته محاسبه و در قانون بودجه کل‌کشور یا منابع داخلی دستگاه اجرایی ذیربط تأمین شده باشد.

همچنی مجلس، دولت را مکلف کرد به مجروحان و اسرای آزادشده جنگ هشت ساله ایران و عراق، فاقد درآمد که بر اساس قوانین نیروهای مسلح مشمول دریافت حقوق وظیفه نیستند تا زمانی که فاقد شغل و درآمد باشند، ماهیانه کمک معیشت معادل حداقل حقوق کارکنان دولت پرداخت کند.

بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز مکلف شد حسب مورد و با تشخیص کمیسیون پزشکی این بنیاد و یا مراجع قانونی به والدین و همسران جان باختگان جنگ ایران و عراق که به دلیل کهولت سن و یا بیماری صعب‌العلاج نیاز به نگهداری دارند، در صورتی که نسبت به نگهداری فرد یا افراد یادشده در میان خانواده اقدام کنند نسبت به پرداخت حق نگهداری به میزان 30 درصد حق حقوق کارکنان دولت اقدام کند.

تذکرهای بدون خریدار!

این هفته در حالی هیئت رئیسه مجلس تذکرهای کتبی نمایندگان به اعضای کابینه حسن روحانی را قرائت کرد که عباس فلاحی باباجان نماینده اهر روز یکشنبه در نطق میان دستور خود در صحن علنی اعلام کرد که «کلماتی همچون "تذکر می‌دهم"، "درخواست می‌کنم"، در مجلس دیگر نه خریداری دارد و نه متوجه‌ای!»

با وجود این، شماری از نمایندگان به تذکرهای کتبی خود به اعضای کابینه یازدهم ادامه دادند که برخی از آنها عبارت بودند از:

- تذکر به وزرای تعاون و ارشاد برای اقدام فوری در ادامه بیمه هنرمندان و نویسندگان

- تذکر به وزیر ورزش برای لزوم پیگیری و ارائه گزارش در مورد همکاری یا عدم همکاری وزارت جهاد کشاورزی در خصوص واگذاری اراضی ملی غیرکشاورزی جهت تامین زمین و اماکن ورزشی

- تذکر به وزرای ارتباطات و ارشاد برای لزوم برخورد قانونی با سایت‌ها و خبرگزاری‌هایی که به تخریب کمیسیون‌های مجلس می‌پردازند.

تذکر به وزیر جهاد کشاورزی برای رسیدگی به مسئله برخورد با افرادی که در شرکت‌های دولتی با هیأت تحقیق و تفحص از وزارت صنعت در مورد واردات کالاهای استراتژیک همکاری کرده‌اند.

- تذکر به وزرای صنعت، تعاون و اقتصاد برای توجه بیشتر در نحوه انتخاب اعضای هیأت‌مدیره شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مادر زیرمجموعه شرکت‌های سهام عدالت شستا و شرکت‌های زیرمجموعه فولاد و ایمیدرو

- تذکر به رئیس‌جمهور برای توضیح علت لغو بورسیه تعدادی از فرزندان شاهد و ایثارگر

- تذکر به وزیر آموزش و پرورش درباره علت اعمال سلیقه و سیاسی‌کاری در وزارت آموزش و پرورش.

- تذکر به وزیر کشور در مورد لزوم توجه بیشتر برای جلوگیری از شیوع اعتیاد

- تذکر به وزیر اقتصاد در مورد لزوم صدور دستور پرداخت وام ازدواج جوانان و وام‌های ضروری برای اقشار نیازمند

- تذکر به وزرای راه و ارشاد برای اقدام فوری به منظور جلوگیری از افزایش قیمت بلیت هواپیما برای زائران عتبات عالیات در ایام عزاداری اربعین به مقصد نجف اشرف و بغداد

- تذکر به رئیس جمهور درباره لزوم پیشگیری علل عدم ارائه نقشه مهندسی فرهنگی کشور در سال‌های اول برنامه پنج ساله توسعه کشور

- تذکر به رئیس جمهور درباره لزوم پیگیری و ارائه گزارش اجرای ماده 3 قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه در مورد حمایت از ارزش‌های اسلامی

افشاگری ایلنا علیه تامین اجتماعی و مجلس

انتشار سندی از سوی خبرگزاری کار ایران (ایلنا) که مطابق آن، سازمان تامین اجتماعی در اسفند سال گذشته حق توزیع ۲۵ هزار سهمیه بیمه کارگران ساختمانی را به نمایندگان مجلس نهم سپرده است جنجال های زیادی را به همراه داشت.

این سند نشان می دهد که سازمان تامین اجتماعی در ۲۷ اسفند 92 نیمی از ۵۰ هزار سهمیه بیمه کارگران ساختمانی را در اختیار نمایندگان مجلس قرار داده تا نمایندگان این سهمیه‌ها را در حوزه های انتخاباتی شان توزیع کنند.

در این سند آمده است که سهمیه‌های بیمه کارگران ساختمانی به درخواست نمایندگان مجلس و با دستور تقی نوربخش، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی، به حوزه انتخاباتی شان تعلق گرفته است و تخصیص این سهمیه‌ها به کارگران ساختمانی با معرفی نمایندگان صورت خواهد گرفت.

ایلنا این سندها را «اقدام سازمان‌یافته در آستانه انتخابات مجلس به قصد کمک به نمایندگان در جذب آرا» دانسته و گفته است: «اقدام سازمان تامین اجتماعی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که نمایندگان مجلس از تابستان امسال در تلاش هستند با تغییر ماده پنج قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی شرایط جدیدی را برای بیمه آن‌ها تعیین کنند.»

وزیر کار: فساد و رهبر، خط قرمز من هستند!

قانع نشدن نمایندگان مجلس از پاسخ های علی ربیعی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، به سوالی درباره «ملاک در انتخاب و انتصاب مدیران صندوق های زیرمجموعه وزارت تعاون یعنی صندوق بازنشستگی کشوری و تأمین اجتماعی چیست؟» هفتمین کارت زرد مجلس به وزرای دولت حسن روحانی را رقم زد.

ربیعی در توضیحات خود درباره این سوال گفت : «من در این مدت سازمان تامین اجتماعی را سامان دادم، افرادی را از درون خود سازمان که تخصص داشتند برای پست‌های مدیریتی به کار گرفتم» سوگند خورد که «والله یک ذره تعلقات در نظر نگرفتم، رئیس سازمان تامین اجتماعی دارم که 14 میلیون تومان حقوقش است اما نصف آن را پس می‌دهد و فیش حقوقی او اینجاست؛ وظیفه دارم به همه مشکلات در این سازمان رسیدگی کنم، اصلاحاتی در شستا انجام دادم، همه باید بدانند شستا حیاط خلوت هیچ کس نیست، شخص خود بنده در شستا دخالت نمی کنم، امروز شایسته سالاری در وزارت رفاه حاکم شده است.»

وزیر کار همچنین با اشاره به ادعای نمایندگان مجلس مبنی بر به کارگیری عضو دفتر نهضت آزادی در این وزارتخانه، گفت: «اصلاً چنین فردی وجود ندارد، بنده درباره ارکان وزارت رفاه و نحوه انتخاب مدیران برای این وزارتخانه فکر کردم و سپس آنان را انتخاب کردم، یک اتهامی که نسبت به بنده مطرح می کنند این است که مدیران سابق را نگه داشتم، از هر سو درباره این موضوع به من حمله می کنند و بنده آن را نشانه سالم عمل کردنم می دانم؛ می‌گویند جوانی 29 ساله معاون شستاست، باید بگویم آن جوان 40 سال سن دارد و قبل از دولت یازدهم، معاون شستا بوده است، آنقدر پاک زندگی کردم که اگر غذایی در وزارتخانه بخورم را حساب می‌کنم، اگر به سفری بروم که خانواده و فرزندانم همراهم باشند، هزینه غذا و هتل خانواده‌ام را شخصاً حساب می‌کنم، آرزویم این است که با ارزش های امام و مقام معظم رهبری زندگی کنم.»

ربیعی دو خط قرمز خود در وزارت رفاه را «یکی فساد و دیگری مقام معظم رهبری» اعلام کرد و گفت : «ما با نظام شوخی نداریم، این 2 موضوع حریم ماست و انتظارم این است که انتقادات به درستی مطرح شود، تبعیت از مجلس را بر خودم واجب می‌دانم، اما بگذارید از اخلاق حمایت شود.»

تجمع های اعتراضی در مقابل مجلس

در ادامه تجمع های اعتراضی در مقابل مجلس این هفته جمعی از صاحبان مسکن مهر پردیس روز چهارشنبه 5 آذر در اعتراض به اقدام دولت مبنی بر تأخیر در واگذاری مسکن‌های مهر به صاحبان آن در مقابل مجلس تجمع کردند.

به گفته یکی از تجمع‌کنندگان دولت قرار بود سال گذشته مسکن مهر شهرستان پردیس را به صاحبان آنها تحویل دهد که این موضوع تاکنون با تأخیر مواجه شده و اکنون مسئولان برای تحویل این مسکن‌ها تقاضای دریافت 12 میلیون تومان از افراد کرده‌اند.

تعدادی از دانشجویان دندانپزشکی فارغ‌التحصیل خارج از کشور نیز در اعتراض به اقدام وزارت بهداشت در خصوص تغییر ضوابط در خصوص جایابی آنها در دانشگاه‌ها مقابل مجلس تجمع کردند .

این دانشجویان دندانپزشکی ماه گذشته نیز در مقابل مجلس تجمع کرده بودند.

همچنین جمعی از کسبه و اهالی شهرستان اسلامشهر در اعتراض به تخلیه مغازه‌های دارای سرقفلی و صلح نامه از سوی مالکان که بیش از 20 سال سابقه کار در آنها را دارند، مقابل مجلس تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود از سوی نمایندگان مجلس شدند.

یکی از کسبه‌های اسلامشهر در تشریح علت تجمع در مقابل مجلس با یادآوری اینکه «پیش از این به مجلس نامه داده‌ایم، اما جوابی نیامده است»، از انتشار نامه به دفتر رهبر جمهوری اسلامی خبر داد و گفت: «کسبه‌ای که با بیش از 30 سال سابقه نه بازنشسته است و نه حقوقی دارد تخلیه مغازه و بیکار شدنشان با کارشناسی‌های ناچیز عادلانه نیست.»

طرح افزایش اختیارات وزیر دادگستری رد شد

شورای نگهبان طرح افزایش اختیارات وزیر دادگستری را به دلیل «مغایرت‌های متعدد با قانون اساسی» رد کرد.

نمایندگان هفته گذشته طرح دو فوریتی نحوه اجرای قسمتی از اصل 160 قانون اساسی که درباره افزایش اختیارات وزیر دادگستری بود، را مورد بحث و بررسی قرار داده و به تصویب رسانده بودند.

27 آبان ماه این طرح را برای تطبیق با شرع اسلام و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال کردند که این شورا نیز در مورخ 29 آبان 93 طرح مذکور را مورد بررسی قرار داده و آن را به دلیل مغایرت‌های متعدد با قانون اساسی، رد کرد.

تصویب «انتخاب وزیر دادگستری از میان حقوقدانان» و «اطلاق اختیار رئیس قوه قضائیه در معرفی نماینده‌ای دیگر برای اظهارنظر و دفاع از لوایح و طرح‌های قضایی» از جمله مواردی است که شورای نگهبان آن را مغایر قانون اساسی جمهوری اسلامی دانسته است.

—

از سیاه پوشی معلمان تا نمایش خوانی پسران آفتاب

2014-11-29 · Archive ID 6499
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6499

سیاه پوشی معلمان

عرصه سوم: پس از گذشت یک از هفته از کشته شدن محسن خشخاشی معلم فیزیک در کلاس درس به دست دانش آموزش، جامعه معلمان کشور و همینطور مردم شهر بروجرد در شوک این اتفاق هستند. اتفاقی که در آن مقتول و قاتل هر دو قربانی هستند.

به گزارش کلمه ، محمود باقری معلم محبوس در بند ۳۵۰ اوین در نامه ای مراتب همدردی خود با خانواده معلم از معلمان سراسر کشور خواسته است به نشان همدردی با فراخوان کانون معلمان کشور همراهی کنند.

در بخشی از نامه باقری آمده است : جای تاسف است که دامنه خشونت های اجتماع تا کلاس های درس نیز گسترده شده و معلم و دانش آموز را هر دو قربانی می کند. نمی توان یک نوجوان بی تجربه را که هنوز دریافت روشنی از زندگی ندارد و به هر دلیل دستش به خون یک معلم مظلوم آلوده شده است قربانی ندانست و نسبت به آینده و سرنوشت اندوهبار او بی تفاوت بود.

ما به عنوان آموزگاران فرزندان این سرزمین به روشنی می دانیم که کودکان و نوجوانان چقدر نابهنگام و تاحدود زیادی غیرمنصفانه درگیر بخشی از پیچیدگی های زندگی می شوند که علی الاصول در حد طاقت و تجربه زندگی آن ها نمی گنجد.

اینجانب با تمام وجود خود را در غم خانواده محترم همکار شهیدمان محسن خشخاشی شریک می دانم و ضمن عرض تسلیت حضور تمامی همکاران معلم سراسر کشور، از همه عزیزان دعوت می کنم در فراخوان کانون صنفی معلمان کشور شرکت نموده و روز شنبه هشتم آذرماه با لباس سیاه در کلاس های درس حاضر شوند.



1414918642_1

فراخوان یاری به نگین 13 ساله

بنیاد حمایت از کودکان مستمند و سرطانی استان اردبیل فراخوانی را برای یاری رساندن به نگین، دختر 13 ساله ای که از نوعی بیماری پوستی خاص رنج می برد، منتشر کرد.

اواخر مهر ماه بادرخواست کتبی مادر نگین،گروه بازدید بنیاد ازمنزل آن‌ها بازدید کرد ، نگین 13 ساله با یک مشکل بسیار نادر پوستی به نام «ای بی» که یک اختلال ژنتیکی پوست است، رو به روست.

مادرش می گوید : او به هنگام تولد مثل سایر کودکان سالم بود، اما به مرور زمان انگشتان دست ها و پاهای او از شکل واقعی خود خارج شدند. نگین دیگر قادر به استفاده از دستان خود نیست . پوست قسمتهای مختلف بدنش زخم های خونین و دردناکی دارد . پدر نگین چند سالی است او را ترک کرده و به دیار باقی شتافته است. او پشتیبانی ندارد ودر وضعیت اقتصادی بسیار نامطلوبی به سر می برد. دیگر از روزنه‌ی خانه شان نور نمی تابد و از سرسرای کلبه ی محقّر آنها اندوه می بارد.

بنیاد حمایت از کودکان مستمند و سرطانی استان اردبیل که یک نهاد مدنی و غیر دولتی است از سال 81 و با هدف ساماندهی وضعیت تحصیلی و معیشتی دانش آموزان بی سرپرست و بد سرپرست راه اندازی شده است در ادامه فراخوان خود تاکید کرده است: بنیاد ما برای درمان این دختر نوجوان از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد ، امّا باز چشمان معصوم وی چشم به راه پزشکان ، متخصصان و خیرین محترم دوخته است تا شاید نور امیدی در جان دردمند این عزیز رنجور جوانه زند و باغچه ای از وزش مر مر خزان جان به در برد.

پسران آفتاب برای کودکان سرطانی نمایش می خوانند

موسسه سپندآسایش پارس (سپاس) برای حمایت از بیماران مبتلا به سرطان "نمایش خوانی پسران آفتاب" را اجرا خواهد کرد.

سپاس نهاد غیر دولتی و مدنی است که از سال ۷۸ کار خود را با هدف بالابردن سطح آگاهی و فرهنگ جامعه درباره سلامت و ترویج الگوهای زندگی سالم برای پیشگیری از سرطان، ارتقاء کیفیت زندگی قرار داده است.

نمایش خوانی پسران آفتاب با حضور مجریان و چهره های معروف، روز نهم آذر و در محل فرهنگسرای اندیشه برگزار خواهد شد. بهای فروش بلیط این نمایشن خوانی، ۲۰ هزار تومان تعیین شده است و قرار است تمام درآمدهای حاصل از این برنامه برای کمک به بیماران سرطانی هزینه شود.

محمد سلوکی، جواد یحیوی، محمد سلیمی، سعید شیخ زاده، شاهین سلیمی و روزبه نعمت الهی از بازیگران این نمایش هستند.

جامعه مدنی، نجات‌بخش ایران؟

تقی رحمانی روزنامه نگار و فعال سیاسی طی یادداشتی در وب سایت "روزآنلاین" به بررسی اهمیت جایگاه "نهادهای مدنی" در شرایط امروز جامعه ایران پرداخته است.

در ابتدای یادداشت رحمانی او به مقایسه سه کشور خاورمیانه ای عراق، لیبی و ترکیه پرداخته و می نویسد: جاه طلبی و ایده گرایی حاکمان را چه چیز و چه کسانی کنترل می کنند؟رسم است که اسب و توسن قدرت سر کشیده رود مگر آنکه مهار و کمندی قوی در میان باشد. حال حکایت صاحبان قدرت در خاورمیانه و منطقه ما، که با پول نفت مزین است و با آرمان های مبهم هم مسلح، کار مهارحکومت ها مشکلتر می شود؛ اما چه چیز و چه کسانی می توانند مهار توسن قدرت شوند؟ در این مورد مقایسه تجربه ترکیه و عراق صدام حسین در پیش روی جامعه، حکومت و مردم ایران است.

عراق در آغاز با کودتای بعثی ها دچار بحران شد. عراق بعثی خیلی زود متعلق به صدام حسین و پسرانش شد و صدام با حزب بعث کودتا کرد، بعد هم حزب را در خدمت خود گرفت و با پول نفت ارتش قوی ساخت. او که سودای سردار قادسیه شدن داشت، به ایران حمله کرد و باعث و بانی سه جنگ ویران گر در منطقه شد. عاقبت نیز در تاریخ برای برخی از نگاه ها و باورها توهم به جا گذاشت که در برابر دشمنان در منطقه ایستاده است.

به عبارتی کیمیای شوم قدرت سیاسی و پول نفت و کشور بدون جامعه مدنی وفقدان سرمایه دارانی که از جنگ منفعت نمی برند، راه بلند پروازی صدام حسین را گشود. در همین زمره لیبی سرهنگ قذافی قرار می گیرد؛ با تجربه شوم و میراثی که به جا گذاشته است.

ترکیه داستانی متفاوت دارد. در ترکیه حتی حرکت شریعت گرایانه نجم الدین اربکان را هم سرمایه داری مولد مسلمان تحمل نکرد. اربکان به دنبال جنگ نبود اما گاه تنش هایی در جامعه و با بخشی از نظامیان و به الطبع با غربیان ایجاد می کرد که سرمایه داری مولد و مسلمان ترکیه آن را به ضرر خود می دانست. حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان به این دلیل مقبول شد که سیاست های اربکان را تند می دانست. در نتیجه منافع سرمایه داری ببرهای آناتولی، کمند مهار توسن قدرت سیاسی در ترکیه است.

امروز تردید نمی توان کرد که موقعیت سیاسی محکم حزب عدالت و توسعه گاه بر خیال و باور اردوغان و احمد داود اوغلو، سودای احیای امپراطوری عثمانی را با سرعت و شتاب زده گوشزد می کند. چنین است که می توان این رفتار های عجولانه را در برخورد ترکیه با مسئله سوریه که آن را جزءامپراطوری عثمانی می داند و هم برخورد اردوغان در مسئله کوبانی مشاهده کرد.

اما نکته مهم آن است که رشد و توسعه ترکیه بر اساس درآمد نفت، که حکومت هر چه خواست انجام دهد، نیست. حاکمان ترکیه می دانند که سرمایه داری مولد ترکیه کلید توسعه این کشوراست و سرمایه به امنیت نیاز دارد و از محیط پرتنش فرار می کند. این سرمایه داری مسلمان به منافع و موقعیت خود فکر می کند، در نتیجه توسن حکومت سیاسی در ترکیه کمند مهار سرمایه داری را در برابر خود می بیند، پس بلند پروازی خود را مورد سنجش قرار می دهد؛امری که ترکیه را موفق ترازعراق و لیبی کرده است.

رحمانی سپس به شرایط ایران می پردازد و می نویسد : ایران کشور مهمی است و در چهار راه حوادث قرار دارد، دولت نفتی دارد. حاکمان آن گفتمان انقلاب اسلامی را با توسعه طلبی خارجی همراه کرده ودموکراسی در داخل را، که شعار انقلاب بوده، به گروگان گرفته اند. به عبارتی حاکمان ایران برای خود عمق راهبردی گسترده درمنطقه با ویژگی تقابل با امریکا و غرب تعریف کرده اند و برای این راهبرد هم پول و امکانات خرج می کنند. این سیاست پر هزینه و بس خطرناک است. اگر چه حاکمان ایران اهل نرمش در شرایط سخت هستند اما این تعریف راهبردی در منطقه، به ضرر منافع ملی ایران است و این نوع سیاست خارجی می تواند به بحران آفرینی خارجیان یاری رساند.

با این حال بخشی از حکومت که در حال حاضر در دولت قدرت دارد با این سیاست خارجی موافق نیست. اما به نظر می رسد که این بخش از حکومت که شامل بوروکرات ها و اصلاح طلبان است از قدرت کافی برخوردار نیست. ایران جریان سرمایه داری مولد قوی هم ندارد که بتواند ترمز حکومت را در مواقع لازم بکشد.

با این حال نقطه اتکا کدام نیرو می تواند باشد؟ بی گمان جامعه مدنی ژله ای ایران که اقشار جدید را در خود دارد نقطه لرزان امیدی است که می تواند با رفتار خود کمند مهار سیاست های نادرست حکومت باشد. شرایط به گونه ای است که بار زیادی بر این جامعه ژله ای گذاشته شده که سنگین است، اما این جامعه مدنی نشان داده اگر چه دیر هنگام اما می تواند جلوی فاجعه را بگیرد. این رفتار را در سال ۱۳۶۷ و در سال ۱۳۸۸ و هم در سال ۱۳۹۲ دیدیم. حضور در انتخابات سال ۱۳۹۲ بود که زمینه مصالحه هسته ای را هموار کرد. البته فرق است میان حضور برای مانع شدن از فاجعه تا حضور تعیین کننده برای بهبود امورو اوضاع کشور و جامعه.

با این وصف به نظر می رسد اگر نقطه اتکا جامعه مدنی ایران، ویژگی مدنی-جنبشی آن باشد، دو اصل دیگر را هم باید در نظر گرفت: نیاز بخشی از حکومت به این جامعه و در عین حال توجه جامعه مدنی به رفتار های جناح حکومت برای همراهی یا نقد آن. در این راه اشخاص و احزاب بیرون از حکومت که حجت هستند می توانند راهنمای موثری برای جامعه باشند و نقش خود را درست بازی کنند؛ آن هم در منطقه ای که پر آشوب است.

به نظر می رسد مشکل جامعه برای رفتار درست حکومت از ترکیه سخت تر اما از عراق و لیبی آسان ترست. ابزار لازم برای وارد نشدن در گردابی مانند عراق امروزی نیاز به آن دازد که بر شرایط مردابی که بخشی از حکومت بر جامعه تحمیل کرده فائق آمد. این میدان به بازیگری بیشتر جامعه مدنی ایران نیاز دارد و حضور مناسب آن در صحنه های سیاسی و اجتماعی که گه گاه هم علائم آن را می بینیم؛ حضوری که هنوز سلبی است

تا اثباتی. جلو فاجعه را می گیرد اما تعیین کننده نیست تا مهار حکومت در ایران را در اختیار خود بگیرد. برای این گونه قدرت یافتن چه کار می توان کرد؟ پاسخ به این پرسش می تواند مسئله جامعه ما را روشن تر کند.

بازارچه خیریه پیام امید

روز پنجشنبه ششم آذرماه ۱۳۹۳ طی مراسمی ، چهاردهمین بازارچه خیریه موسسه پیام امید در مجموعه فرهنگی ورزشی تلاش (چهارراه پارک وی) افتتاح شد. موسسه پیام امید تشکلی است غیر دولتی که فعالیت غیر رسمی خود را از سال ۷۶ شروع کرده است.

کمک رسانی به معلولین و محرومین، گسترش فرهنگ کمک به همنوع در میان جوانان و فعالیت های خیرخواهانه از اصلی ترین اهداف این موسسه غیر دولتی است.

چهارمین بازارچه خیریه موسسه پیام امید یک پیام هم دارد :" عهد می‌بندیم که شاد باشیم ، میثاق میبندیم که با اخلاق باشیم ، پیمان میبندیم که صبور باشیم ، عهد میبندیم که برای تمام عمر تلاش کنیم پیام امیدی باشیم."

این بازارچه خیریه تا روز شنبه هشتم آذرماه از ساعت 9 صبح الی 23 به فعالیت می پردازد.

—

مدیر بیمارستان ضیائیان تهران قربانی جدید اسید پاشی

2014-11-30 · Archive ID 6508
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6508

عرصه سوم: در حالی که نزدیک به دو ماه از اسید پاشی به دختران در اصفهان می‌گذرد و تا کنون هیچ سرنخی از عاملان و آمران این جنایت هولناک به دست نیامده است، شب گذشته مدیر بیمارستان ضیائیان تهران مورد اسیدپاشی قرار گرفت.

به گزارش فارس نیوز و به نقل از مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، مقارن ساعت ۲۱ شنبه ۸ آذر دکتر انوری مدیر بیمارستان ضیاییان تهران هنگام مراجعت به منزل و در زمان پیاده شدن از خودرو توسط دو نفر راکبین یک دستگاه موتور سیکلت مورد اسیدپاشی قرار گرفت و از ناحیه دو چشم آسیب دید که بعد از حادثه به یکی از بیمارستان‌های شهر تهران منتقل شده و اقدامات لازم برای درمان وی آغاز شده است.

بر این اساس سریعاً دستگیری اسیدپاشان در دستور کار پلیس تهران قرار گرفته و یک تیم ویژه برای این کار اختصاص یافته است.

در همین ارتباط عباس زارع نژاد، مدیر کل روابط عمومی وزارت بهداشت در گفت و گو با خبرنگار بهداشت و درمان فارس با اعلام این مطلب افزود: انوری مدیر بیمارستان ضیاییان است و رئیس بیمارستان نیست وی بعد از اتمام کار هنگام بازگشت به منزل توسط موتورسواری تعقیب می شد تا اینکه سرانجام هنگام رسیدن به جلوی منزل و هنگام پیاده شدن از خودرو مورد اسیدپاشی قرار گرفت. وی گفت: خوشبختانه صورت وی آسیب جدی ندیده، آسیب چشم راست وی نیز زیاد نیست اما آسیب دیدگی در چشم چپ بیشتر است که برای درمان به بیمارستان فارابی منتقل شده است. مدیر کل روابط عمومی وزارت بهداشت ادامه داد: متأسفانه در بیمارستان ضیاییان در گذشته نیز سابقه چنین مواردی وجود دارد و چندی پیش نیز معاون آموزشی این بیمارستان مورد سوء قصد قرار گرفته بود. زارع نژاد گفت: متأسفانه پزشکان و پرستاران مراکز درمانی در موارد زیادی با مشکلات امنیتی مواجه می شوند و لازم است که امنیت این افراد با همکاری نیروی انتظامی بیش از گذشته تأمین شود.

بی شک اگر در موارد مشابه پیشین نیروهای نظامی و امنیتی کشور توانسته بودند در جهت حفظ امنیت عمومی جامعه اقدامات لازم و قانونی را به موقع انجام دهند امروز شاهد تکرار این گونه حملات در سطح کشور نبودیم.

—

راهپیمایی اعتراضی کارگران در خراسان

2014-12-02 · Archive ID 6512
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6512

عرصه سوم: به گزارش ایلنا، ۲۲۰۰ نفر از کارگران قراردادی کارخانه «آلومینای جاجم» واقع در استان خراسان شمالی در واکنش به کاهش حقوق و سایر مطالبات صنفی‌شان از شیوه‌ای تازه برای اعلام اعتراض استفاده کردند.

کارگران این کارخانه از صبح روز 27 آبان ماه تا امروز (11 آذر) در واکنش به بی‌توجه‌ای کارفرمای نسبت به درخواست‌شان برای بازنگری در محاسبه حقوق و سایر مزایای قانونی، اتوبوس‌های سرویس کارخانه را در میانه راه متوقف کرده و بخشی از مسیر رسیدن به سالن‌های تولید (مسافت یک کیلومتری) را دسته جمعی پیاده‌روی می‌کنند.

بر اساس گزارش کارگران، این اعتراض صنفی از روز هشتم آذرماه وارد فاز تازه‌ای شده است و کارگران علاوه بر پیاده‌روی جمعی، خوردن غذای کارخانه را نیز تحریم کرده‌اند.

یکی از کارگران کارخانه آلومینای جاجم در گفتگو با ایلنا استفاده از این شیوه اعتراضی را مرحله نخست واکنش کارگران عنوان کرد و با تاکید بر صنفی بودن اهداف این اعتراض گفت: در صورت ادامه بی‌توجهی به خواسته‌های حداقلی کارگران، ناچار می‌شویم با استفاده از ماده 142 قانون کار تولید را متوقف کنیم.

او تعداد کارگران شاغل در کارخانه را حدود 2200 نفر اعلام کرد و گفت: در آمد برخی از کارگران نزدیک به حداقل حقوق است و دریافتی آنان کفاف معاش زندگی‌شان را نمی‌دهد.

به گفته وی، کارگران متخصص و فنی این کارخانه ماهانه با 120 ساعت اضافه کاری مبلغی حدود یک میلیون و 400 هزار تومان دریافت می کنند که این رقم با کسر اضافه کاری حدود 700 تا 750 هزار تومان می‌شود.

او گفت: کارخانه آلومینای جاجم یکی از معتبرترین واحدهای تولید پودر آلومینا به عنوان ماده اولیه تولید آلومینیم است که این مواد را به کارخانه‌های تولید کننده آلومینیوم صادر می کند. اما آنچه قابل تامل است مقایسه دریافتی کارگران فنی این کارخانه تولید مواد اولیه با کارگران ساده تولید کننده آلومینیوم است.

بنا بر ادعای این کارگر آلومینای جاجم، دریافتی کارگران ساده کارخانه‌های خریدار محصولات آنان حدود 3 میلیون تومان است.

این کارگر تصریح کرد: شاید مقایسه کردن دریافتی کارگران دو واحد غیر منطقی به نظر بیاید اما سئوال کارگران این است که چرا باید کارگران آلومینای جم که شبانه روزی ساعات عمر خود را برای تولید و رساندن سود بیشتر به کارفرما صرف می‌کنند از حداقلها محروم باشند.

او تاکید کرد: ما حق خودمان را از تولید می خواهیم و اعتراضمان قانونی است.

این کارگر در ادامه این گفتگو، به جزئیات مطالبات صنفی کارگران اشاره کرد و گفت: طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه به درستی اجرا نمی‌شود. حقوق کارگران این کارخانه ظاهرا بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل پرداخت می‌شود اما این حقوق با توجه به تورمی که در سال‌های گذشته دامن گیر کشور و به تبع صنعت بوده است کفاف هزینه‌های زندگی ما را نمی‌دهد.

او افزود: بسیاری از کارگران در پایان هر ماه به دنبال مساعده برای تامین هزینه‌های زندگی‌شان هستند چرا که سطح حقوق آنها به میزانی نیست که حداقل‌های یک خانواده 4 نفری را پوشش دهد.

این کارگر کارخانه آلومینای جاجم همچنین در توصیف شرایط کار در این واحد تولیدی گفت: این کارخانه در پنج کیلومتری حریم شهر جاجم قرار دارد و سنگ معدنی بوکیست (که از معدن بوکسیت جاجم واقع در 2 کیلومتری کارخانه استخراج می‌شود) را به پودر آلومینا تبدیل می‌کند.

به گفته وی، آلودگی های ناشی از اشعه و شدت تولید گرد و غبار باعث شده کارگران در معرض انواع بیماریها قرار داشته باشند.

او در پایان گفت: مسئولان نهادهای دولتی همانند فرمانداری و اداره کار شهرستان جاجم توانایی لازم را برای حمایت از کارگران این واحد تولیدی ندارند. این مسئولان به طور دائم وعده پی گیری مطالبات کارگران این کارخانه را می دهند اما بعد ازگذشت 14 روز از شروع اعتراضات هنوز هیچ اتفاق خاصی نیافتاده است.

—

مائده سلطانی: آقای رئیس جمهور مسئولیت اجرای قانون اساسی بر عهده شماست!

2014-12-03 · Archive ID 6515
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6515

عرصه سوم: مائده سلطانی، دختر عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر در بند در نامه‌ای از حسن روحانی خواسته است تا به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی جلوی اقدامات خودسرانه دادستانی و مسئولین زندان را بگیرد.

در بخشی از این نامه آمده است: «پدر من به عنوان وکیل دادگستری و مدافع حقوق انسان ، بیش از سه سال است که بدون هر گونه استفاده از مرخصی و حتی مرخصی درمانی ، در زندان جمهوری اسلامی محبوس است و نیاز به درمان فوری دارد اما مقامات دادستانی با گردنکشی و استکبار ،ایشان را از حقوق قانونی و درمانی خویش محروم ساخته است و بیم ان می رود که ایشان به دلیل بیماری های مختلف که در زندان به آن مبتلا شده و از جمله بیماری های خطرناک محسوب می شود ، خدای ناکرده دچار عارضه قلبی و مشکلاتی دیگر شود.»

عبدالفتاح سلطانی فعال حقوق بشر و وکیل بسیاری پرونده‌های سیاسی و اجتماعی در دودهه اخیر است که در اسفند ماه ۱۳۹۰، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی پیر عباس به ۱۸ سال حبس در تبعید به شهر برازجان و ۲۰ سال محرومیت از وکالت محکوم شد

متن کامل این نامه به نقل از وب سایت جرس به شرح زیر است

جناب آقای حسن روحانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

احتراما برابر مسئولیتی که ملت از طریق انتخابات به حضرتعالی تفویض کرده و مسولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده جنابعالی قرار داده اند و همچنین مطابق اصول متعدد قانون اساسی که اصل قانونی بودن مجازات را به رسمیت شناخته و هر گونه مجازات افزون بر رای دادگاه را غیر قانونی اعلام کرده است ، توجه شما را به موارد ذیل جلب می نمایم.

یکم : پدر من به عنوان وکیل دادگستری و مدافع حقوق انسان ، بیش از سه سال است که بدون هر گونه استفاده از مرخصی و حتی مرخصی درمانی ، در زندان جمهوری اسلامی محبوس است و نیاز به درمان فوری دارد اما مقامات دادستانی با گردنکشی و استکبار ،ایشان را از حقوق قانونی و درمانی خویش محروم ساخته است و بیم ان می رود که ایشان به دلیل بیماری های مختلف که در زندان به آن مبتلا شده و از جمله بیماری های خطرناک محسوب می شود ، خدای ناکرده دچار عارضه قلبی و مشکلاتی دیگر شود.

دوم: صرف نظر از سیاست جمهوری اسلامی در مقابل مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ، آیین دادرسی کیفری و توصیه های شرع اسلام بر حفظ حقوق انسانی، از جمله قواعد آمره محسوب شده و همه اجزای حکومت باید به این الزامات پایبند باشند.

سوم ،: قانون مجازات اسلامی ، قانون حقوق شهروندی و آیین نامه سازمان زندانها نیز تاکید بر حفظ سلامت زندانیان دارد و صراحتا توصیه کرده است تا در صورت لزوم، مجازات زندانی برای درمان تعلیق شده و درمان در خارج از زندان تکمیل گردد.

لازم به ذکر است که مرجع تشخیص این الزام ، نه نماینده دادستان و یا خود ایشان (آقای خدابخشی دادیار و قاضی ناظر بر زندان و یا آقای ....) هستند که به درخواست های مکررمادر و پدرم بی توجهی نشان می دهند بلکه هیات پزشکان معتمد زندان هستند که بارها وضعیت پدرم را فوری و اورژانسی تشخیص داده اند.

چهارم : جنابعالی به قران کریم سوگند یاد کرده اید که پاسدار حقوق ملت و وفادار به قانون اساسی باشید و از سوی دیگر به عنوان وکیل دادگستری الزام به رعایت قانون دارید و همواره وعده آزادی زندانیان و کمتر از آن ، بهبود وضعیت آنها را داده اید .

با این مقدمه به اطلاع حضرتعالی می رساند ، مقامات اداری قوه قضاییه و از جمله زندانبانان و دادستان و نماینده های انان در حال حاضر به رای و نظر غیر قانونی خود ، مجازاتی افزون بر رای و حکم دادگاه را به زندانیان و خانواده انها و مشخصا پدر بیمار من بار کرده اند و توجهی به قانون اساسی ، ایین دادرسی کیفری ، و الزامات شرع نداشته و بر خلاف نظر کمیسیون پزشکی و پزشکی قانونی که الزام به درمان خارج از زندان وی داده اند ، از آن خودسرانه جلوگیری می کنند.

از شما درخواست دارم به عنوان رییس قوه مجریه و وکیل دادگستری به این موضوع حیاتی رسیدگی کرده و پاسخ مناسب ارایه کنید و جلوی اقدامات خودسرانه این مسئولین را هر چه سریع تر بگیرید تا در صورت ادامه بی توجهی ، بتوانیم در مراجع مناسب موضوع را پیگیری کنیم .

مائده سلطانی

—

از دغدغه نان تا مالیات آستان قدس در مجلس شورای اسلامی

2014-12-04 · Archive ID 6518
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6518

انحلال یک بانک و دغدغه سپرده گذاران

عرصه سوم-محمد صادقی: هفته گذشته انتشار خبر ابهام برانگیز انحلال یکی از بانک‌های خصوصی ایران از سوی عزت‌الله یوسفیان‌ملا عضو ناظر مجلس در ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی که باعث نگرانی شماری از سپرده گذاران و سهامداران بانک های خصوصی در کشور شد.

این واکنش ها باعث شد تا عزت‌الله یوسفیان‌ملا نماینده آمل در یک گفتگو به سپرده گذاران اطمینان دهد که «در صورت انحلال این بانک هیچ اتفاق و مسئله‌ای متوجه سپرده‌گذاران و سهامداران این بانک نیست.»

یوسفیان ملا با اعلام این که «اگر بانکی منحل شود این انحلال فقط متوجه مدیران و مسئولان متخلف است»، به ماجرای اعدام مه آفرید امیرخسروی اشاره کرد و گفت: «در پرونده 3 هزار میلیاردی مسئول یک بانک در حد اعدام نیز وضعیتش پیش رفت اما هیچ اتفاقی در آن بانک نیفتاد زیرا نظام، دولت و دستگاه قضایی با بانک برخورد نمی‌کنند بلکه برخورد با مسئولان متخلف صورت می‌گیرد.»

عضو ناظر مجلس در ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی در ادامه گفت: «سپرده‌گذاران و سهامداران مدیران بانک را نمی‌شناسند و فقط در صورت نیاز به بانک مراجعه می‌کنند، اکنون نیز فقط با مسئولان متخلف برخورد صورت خواهد گرفت و سپرده‌گذاران و سهامدارن هیچ تغییری حس نخواهند کرد.»

با وجود این اظهارات اما سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس هشدار داده که «لغو شتابزده مجوز برخی بانک های خصوصی فعال تبعات اجتماعی، امنیتی و اقتصادی در پی خواهد داشت و باعث تضعیف اطمینان مردم به نظام بانکی کشور می شود.»

یوسفیان‌ملا در گفتگوی خود همچنین به پرونده موسوم به «42 میلیارد دلاری» بانک مرکزی اشاره کرد و گفت: «بانک مرکزی 42 میلیارد دلار بین بانک‌ها توزیع کرده، حال اگر بانک مرکزی بگوید این ارزها که با نرخ مرجع به بانک‌ها داده شده را چه کرده‌اند؟ چرا نباید بانک‌ها لیست‌های خود را ارائه کنند، این نشان می‌دهد مشکلی در این زمینه وجود دارد.»

وی گفت: «متاسفانه برخی بانک‌ها با سپرده‌گذاران تماس گرفته و گفته‌اند چون شما در این مدت مثلا 300 میلیون گردش مالی داشته‌اید و پول به بانک آورده‌اید، به طور مثال 3 هزار دلار به شما می‌دهیم، حال اگر این اتفاق یکبار می‌افتاد شاید می‌توانستیم آن را ندیده بگیریم اما این اتفاق بارها افتاده؛ متأسفانه چنین اتفاقی از سوی چندین بانک رخ داده است.»

این نماینده مجلس به بانک مرکزی هشدار داد «تا زمانی که بانک‌ها لیست‌های مربوط به 42 میلیارد دلار را ندهند مسئله را پیگیری خواهیم کرد.»



96874_406

مجلس: با نانِ مردم بازی شد!

افزایش قیمت نان که تحت عنوان «اصلاح قیمت نان» از سوی دولت صورت گرفته با واکنش نمایندگان اصولگرای مجلس مواجه شد.

نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه در مورد این افزایش قیمت 30 درصدی با بیان این که «سود حاصل از افزایش قیمت نان نه به جیب کارگر و نه به جیب نانوایی‌ها بلکه به جیب کارخانجات آرد کشور می‌رود.» این سوال را مطرح کرد که «کدام کارمند وسط سال 30 درصد به حقوقش اضافه شده است؟»

قاضی پور ضمن دعوت دولت برای استفاده از «عقلانیت بیشتر در تصمیماتش» به دولت پیشنهاد داد «ابتدای سال بعد که حقوق را افزایش دادید متناسب با آن قیمت نان را افزایش دهید.»

همچنین جبار کوچکی‌نژاد نماینده رشت، طی اخطار قانون اساسی با استناد به اصل 84، گفت : «باید درقبال قیمت نان ملاحظاتی صورت گیرد، به دلیل اینکه موضوع حساس است و نباید با موضوع نان مردم بازی شود.»

کوچمی نژاد گفت: «گفته شده به دلیل افزایش کیفیت نان قیمت آن افزایش یافته اما این در حالی است که قیمت هر کیسه آرد 34 هزار تومان رشد داشته و نانوایان تنها 7 درصد قیمت نان را گران کرده‌اند و بیشترین سود را کارخانه‌های آرد از افزایش قیمت اخیر برده‌اند.»

مجلس بودجه های سنواتی را دائمی کرد

در هفته ای که گذشت، مجلس در ادامه رسیدگی به طرح دائمی‌شدن احکام بودجه‌های سنواتی، چند مصوبه مهم داشت که شماری از آنها را به صورت اجمالی مرور خواهیم کرد.

- حقوق و پاداش مدیران دولتی

به موجب مصوبه مجلس، «ناخالص حقوق و مزایای دریافتی مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌های دولتی و غیردولتی که به نحوی از انحاء وابسته به نهادهای عمومی هستند باید حداکثر از 10 برابر حداقل حقوق مصوب سالیانه شورایعالی کار بیشتر نباشد.»

طبق این مصوبه، «پاداش پایان سال اعضای هیأت مدیره شرکت‌های فوق صرفاً به اشخاص حقوقی آنان قابل پرداخت بوده و مدیران عامل و اعضای موظف هیأت مدیره به غیر از حقوق و مزایای تعیین شده فوق و اعضای غیرموظف به جز حق جلسه ماهیانه که حداکثر از 2 برابر حداقل حقوق مصوب شورایعالی کار برای هر ماه بیشتر نیست، هیچگونه مبلغی تحت هیچ عنوانی دریافت نمی‌نمایند.»

-خروج پادگان ها از کلان شهرها

به موجب مصوبه مجلس، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف شد «بر اساس نظر ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تهیه طرح جامع نحوه استقرار نیروهای مسلح در سطح کشور متناسب با اندازه و نوع تهدیدات و شرایط زیست محیطی، به منظور رعایت پراکندگی در استقرار تأسیسات حساس و حیاتی و صنایع دفاعی و همچنین انتقال پادگان‌های مراکز نظامی و کارخانه‌های بزرگ صنعتی دفاعی از شهرهای بزرگ به ویژه تهران اقدام و به تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح برساند.»

-آستان قدس هم مالیاتی شد

طبق مصوبه مجلس، «به منظور برقراری عدالت آموزشی و اجرای اصل 30 قانون اساسی و تجهیز همه آموزشگاه‌های آموزش و پرورش با اولویت مناطق محروم روستاها، آستان قدس رضوی و آن دسته از مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه نیروهای مسلح و ستاد اجرایی فرمان امام و سایر دستگاه‌های اجرایی که تا زمان تصویب این قانون مالیات پرداخت نکرده‌اند، موظف به پرداخت مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده شدند. منابع حاصله صرفاً جهت توسعه عدالت آموزشی در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا بر اساس آیین‌نامه‌ای که به این منظور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، هزینه کند.»

-پرداخت تسهیلات به زندانیان نیازمند

طبق مصوبه مجلس، «به‌منظور تأمین اعتبار برای پرداخت تسهیلات به زندانیان نیازمند در محکومیت‌های مالی مانند دیه و امثال آن که ناشی از قتل و یا جرح غیرعمدی است و محکومین مالی نیازمند غیرکلاهبرداری، مبلغی که در قوانین بودجه سالانه تعیین می‌شود از محل وجوه قرض‌الحسنه بانک‌ها اختصاص می‌یابد و در اختیار ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند قرار می‌گیرد تا با نظارت وزارت دادگستری اقدام کند. آیین‌نامه اجرایی پرداخت تسهیلات مذکور توسط وزارت دادگستریو ستاد دیه تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

-مجوز انتشار اوراق مشارکت به شهرداری

به موجب مصوبه مجلس، «به شهرداری‌های کشور و سازمان‌های وابسته به آن اجازه داده شد به طور مشترک یا انفرادی با مجوز بانک مرکزی و تأیید وزارت کشور تا سقف مبالغی که در قوانین بودجه سنواتی تعیین می‌شود، اوراق مشارکت با تضمین خود و تعهد پرداخت اصل و سود توسط شهرداری‌ها منتشر کنند.»

-تکلیف دولت برای حمایت از صداوسیما

طبق مصوبه مجلس، «دولت مکلف شد برای گسترش، تکمیل و پوشش کامل دیجیتالی شبکه‌های تلویزیونی کشور توسط سازمان صدا و سیما در مدت زمان 6 ساله، نسبت به پیش‌بینی اعتبار لازم در قوانین بودجه سنواتی اقدام کند.»

-کمک مالی استانداری به بسیج

طبق مصوبه مجلس، «شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان یک درصد از سرجمع کل اعتبارات و تملک‌دارایی سرمایه‌ای استان را به منظور احداث و توسعه و تجهیز به پایگاه‌های حوزه‌های مقاومت بسیج اختصاص دهد.»

-معافیت طرح های دانشگاهی از مالیات

به موجب مصوبه مجلس، «درآمد حاصل از طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و آموزش عالی دارای مجوز قطعی از وزارتخانه‌های علوم و بهداشت و درمان که در چارچوب نقشه جامع علمی کشور انجام می‌شود با تأیید شورای پژوهشی مؤسسه پژوهشی یا آموزشی مربوطه، مشمول مالیات با نرخ صفر است.

-مسکن برای جانبازان و خانواده شهدا

به موجب مصوبه مجلس، «دولت موظف شد در هر سال تعداد 100 هزار نفر از جانبازان با اولویت درصد جانبازی، آزادگان و فرزندان شهدا، فرزند جانبازان 70 درصد، همسران و والدین شهدا، تسهیلات خرید یا ساخت مسکن اعطاء کند.

همچنین وکلای ملت مقرر کردند مبلغ تسهیلات مزبور به ازای هر واحد مسکونی در هر سال از سال 1393 نسبت به سال قبل بر اساس نرخ تورم و جمعیت شهر و روستا تعیین و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. نرخ این تسهیلات 4 درصد و بازپرداخت آن 20 ساله بدون رعایت الگوی مصرف و نوساز بودن مسکن است.»

- تحصیل رایگان و سهمیه برای قاریان قرآن و رزمندگان

طبق مصوبه مجلس، تحصیل ایثارگران، رزمندگان، حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی رایگان است. هزینه‌های مربوط به دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه‌های علمی–کاربردی و دوره‌های شبانه و همچنین مراکز آموزشی و پژوهشی غیردولتی از طریق دستگاه‌های ذیربط اعم از بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان بهزیستی کشور، کمیته امداد امام‌خمینی (ره) و سازمان اوقاف و امور خیریه در ابتدای هر نیمسال تحصیلی از محل اعتبارات پیش‌بینی شده در قانون بودجه سنواتی پرداخت می‌شود.

همچنین به موجب مصوبه مجلس، وزارتخانه‌های علوم و بهداشت و همه دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی و دستگاه‌های اجرایی موظف شدند 25 درصد سهمیه‌های ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، بورس‌های تحصیلی داخل و خارج از کشور، فرصت‌های مطالعاتی و دوره‌های دکترای تخصصی را به همسر و فرزندان شاهد، جانبازان، آزادگان و همسر و فرزندان آزادگان و همسر و فرزندان جانبازان بالای 25 درصد اختصاص دهند.

-تسهیلات ویژه به حوزه های علمیه

به موجب مصوبه مجلس، حوزه‌های علمیه و مرکز خدمات حوزه‌های علمیه از تسهیلات، مزایا و امکاناتی که برای مراکز آموزشی و پژوهشی تعیین شده یا می‌شود، برخوردار هستند.

سریال تذکرها و احضارها

تذکر های کتبی نمایندگان به اعضای کابینه دولت یازدهم در هفته ای که گذشت به شرح زیر بود:

-تذکر به وزیر ارشاد برای لزوم برخورد قاطع با "ماهنامه مهرنامه" و پرهیز از تساهل و تسامح در برابر نویسندگان خاطی

- تذکر به وزیر ارشاد برای توضیح علت عدم توان نظارت بر عملکرد کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان

- تذکر به وزیر صنعت برای لزوم تعیین ضوابط مشخص در قیمت‌گذاری خودرو و واقعی بودن قیمت‌ها در این حوزه

-تذکر به وزیر علوم جهت تسریع در جذب اعضای هیأت علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور

-تذکر به وزرای صنعت و کار برای پالایش آمار بیکاری جهت ایجاد اشتغال جوانان فارغ‌التحصیل بیکار

-تذکر به رئیس‌جمهور برای توضیح علت عدم پرداخت یارانه ناشی از افزایش قیمت نان به مردم

-تذکر به وزیر اقتصاد درباره لزوم تجدیدنظر اساسی در اخذ سود تسهیلات بانکی به منظور رونق تولید ملی

-تذکر به وزیر اقتصاد برای توضیح علت عدم اجرای تعهدات توسط شرکت‌های بیمه‌گذار

-تذکر به وزیر ورزش و جوانان برای توضیح در خصوص علت روند چندگانه وزارت ورزش در برگزاری انتخابات فدراسیون‌های ورزشی و حضور افراد دوشغله در راس برخی فدراسیون‌ها

-تذکر به وزیر امور خارجه برای رسیدگی به امور زندانیان ایرانی خارج از کشور

-تذکر به وزیر علوم برای رسیدگی به وضعیت نامناسب دانشگاه پیام نور کشور

-تذکر به رئیس جمهور برای تسریع در جذب پذیرفته‌شدگان آزمون استخدامی استانداری‌های سراسر کشور

-تذکر به وزیر اقتصاد در مورد نرخ بالای سود بانکی

-تذکر به رئیس جمهور برای صدور دستور رسیدگی به علت گرانی نان و عدم پرداخت یارانه نان

-تذکر به وزیر راه در مورد گرانی ناگهانی مسکن مهر با توجه به فلسفه طرح کمک به مسکن‌دار شدن اقشار کم درآمد.

-تذکر به وزرای بهداشت و کشور لزوم رعایت امور بهداشت و جلوگیری از انتقال انواع بیماری‌ها توسط اتباع خارجی به کشور

-تذکر به وزیر صنعت درباره علت اصرار بر انعقاد قرارداد با شرکت تولید سیگار فیلیپ موریس

همچنین روند احضار وزرای دولت به بهارستان نیز این هفته ادامه داشت و محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، هفته آینده بار دیگر به مجلس می رود تا درباره «علت عدم کاهش قیمت خودرو»، «علت اخراج جوانان متخصص از شهرک‌های صنعتی» و «بی‌توجهی به ظرفیت‌های معدنی کشور» به سوال های نمایندگان پاسخ دهد.

قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت نیز می بایست «در زمینه علت عدم اجرای اصل 48 قانون اساسی» به سوال نماینده ها پاسخ دهد.

انتخابات مجلس، استانی می شود

نمایندگان مجلس در جلسه علنی روز یکشنبه گذشته درخواست یک فوریت طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی را به تصویب رساندند.

«ارتقاء سطح کیفی مجلس، افزایش میزان مشارکت عمومی در انتخابات، جلوگیری از وقوع برخی تخلفات همچون خرید رای، حذف رقابت‌های شدید و اختلاف‌برانگیز قومی و قبیله‌ای» از جمله اهداف این طرح است که به امضای 169 نماینده رسید.

در مقدمه این طرح آمده که «نقطه عزیمت برای ارائه این طرح، لزوم غلبه نقش ملی نمایندگان بر نقش محلی آنان است. چرا که یکی از اوصاف اصلی سمت نمایندگی، ملی بودن آن است و صرف اغلب اوقات نماینده در جهت رتق و فتق امور ملی از آثار این وصف محسوب می‌شود، از این رو نماینده نباید پس از احراز سمت نمایندگی بیش از حد درگیر حل و فصل امور حوزه انتخابیه خود باشد.»

امضاکنندگان این طرح به اظهارات رهبر جمهوری اسلامی در سال 86 در جلسه با نمایندگان مجلس هشتم استناد کرده که وی در آن جلسه خطاب به نمایندگان مجلس گفته بود: «در مجلس نباید نماینده فلان منطقه تصور کند هنر نمایندگی او در این است که برای آن منطقه دائما پشتیبانی جلب کند. اصلا مسئله اصلی نماینده مجلس این نیست، نباید فکر کنیم که چون ما نماینده فلان شهر یا فلان استانیم، مرتب باید برای آن شهر یا استان امتیاز بگیریم.

این یک میدان رقابت غلط، بی‌برنامه و نادرستی است که تبعات بدی هم دارد. شما درست است که از فلان نقطه کشور انتخاب شدید، اما فقط نماینده آنجا نیستید؛ شما نماینده همه ملت ایرانید. شان مجلس هم قانونگذاری است نه گرفتن تسهیلات و کمک‌های عمرانی و غیره برای آن منطقه خود؛ به قانون اساسی هم نگاه کنید شأن شما این است که قانون بگذارید»

جواد جهانگیرزاده نماینده ارومیه در مجلس در سخنانی به عنوان مخالف یک قوریت طرح استانی‌شدن انتخابات مجلس، گفت : «اگر یک نماینده‌ای که امروز در شهری با 300 هزار نفر جمعیت نماینده است، فردا در استانی با 3 میلیون نفر جمعیت به عنوان نماینده برگزیده شود، نمی‌تواند به امور بپردازد؛ مراجعات مردمی و تلفن‌های نمایندگان افزایش می‌یابد.»

جهانگیرزاده با بیان این که «جهت‌گیری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها با تصویب این طرح، به سمت شهرها می‌رود»، گفت: «هزینه انتخابات با تصویب طرح استانی‌شدن انتخابات مجلس چند برابر می‌شود و افرادی که دارای لابی‌های قدرت و ثروت هستند، با تصویب این طرح برگزیده می‌شوند، بیایید به سمت حزبی شدن نرویم و اگر ایراداتی وجود دارد، آنها را اصلاح کنیم.»

—

نماینده مجلس: همکارانم مرا فریب دادند!

2014-12-05 · Archive ID 6525
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6525

پیرموذن: همکارانم فریبم دادند!

عرصه سوم-محمد صادقی: کمال الدین پیرموذن نماینده مجلس می گوید از سوی همکاران خود در مجلس برای امضای نامه به حسن روحانی درباره درخواست تکمیل جاده ابر در شاهرود «فریب خوردم»

یکشنبه گذشته ۱۵۱ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به حسن روحانی رئیس‌جمهور خواستار تکمیل جاده علی‌آباد به ابر در شاهرود شدند.

در این نامه آمده است: «احتراما معروض می‌دارد که جاده علی‌آباد کتول (شیرین آباد) – ابر شاهرود از زمان جنگ جهانی دوم، محل عبور و مرور بوده است و باعث رونق و تسهیل عبور و جلوگیری از اتلاف وقت و تسهیل روابط تجاری با آسیای میانه از مهمترین اثرات آن است که در دولت نهم و دهم ۳ بار مصوبه هیئت دولت وقت بوده است که ۸ کیلومتر آن باقی مانده لذا مستدعی است دستور فرمایید تا نسبت به عملیات اجرایی الباقی جاده مذکور اقدام نمایند.»

سه روز پس از انتشار این نامه یک عضو فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که «برخی از نمایندگان برای امضای نامه ساخت جاده در جنگل ابر، مرا فریب دادند تا نامه ۱۵۱ نفری به رئیس جمهوری را امضا کنم اما از دولت می‌خواهم با ساخت جاده موافقت نکند.»

کمال‌الدین پیرموذن با بیان اینکه «کسانی که برای نامه درخواست از رئیس جمهوری برای ادامه ساخت جاده در جنگل ابر امضا جمع می‌کردند نمایندگان استان‌های شمالی بودند: گفت «من هیچ اطلاعی از متن دقیق نامه نداشتم و بدون اینکه مسیر را بدانم با اعتمادی که به همکارانم داشتم آن را امضا کردم.»

نماینده اردبیل با اشاره به اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص صیانت از عرصه‌های طبیعی و محیط زیست این موضوع را از وظایف ذاتی نمایندگان دانست و گفت: «من نمی‌توانم امضای خود را پس بگیرم اما در جلسه‌ای به خانم ابتکار، رئیس سازمان محیط زیست کشور مخالفت خود را با این اقدام اعلام و از دولت محترم هم درخواست می‌کنم که با چنین اقدام ضد محیط زیستی موافقت نکند. امیدورام هرآنچه به مصلحت اهالی این منطقه است ملاک عمل دولت قرار گیرد.»

قاضی پور: چرا عکاس ها نیامدند!

دوشنبه گذشته مصادف با سالروز درگذشت حسن مدرس از نمایندگان دوران رضاشاه پهلوی که در تقویم رسمی جمهوری اسلامی به عنوان "روز مجلس" شناخته می شود، قاضی پور نماینده ارومیه در تذکری ، با گلایه از عدم حضور عکاسان و تصویربرداران در مجلس گفت: «امروز، روز مجلس است، اما عکاس و خبرنگاری به مجلس نیامده در حالی که در روزهای جلسه رأی اعتماد به وزرا همه عکاسان، تصویربرداران و خبرنگاران به مجلس می‌آیند.»

وی با انتقاد از هیات دولت خطاب به آنها گفت: «چرا اعضای هیأت دولت برای تبریک روز مجلس، به مجلس نیامدند.»
این نماینده از روابط عمومی مجلس نیز انتقاد کرد و از آنها خواست تا روز مجلس را باشکوه برگزار کنند.

پیش از اظهارات نماینده ارومیه، مجید انصاری معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری در جلسه علنی طی اظهاراتی روز مجلس را به نمایندگان تبریک گفته بود .

یک نماینده: ظریف به مجلس توهین می کند

تعویق چند باره حضور جواد ظریف وزیر امور خارجه در مجلس برای پاسخ به سوالات نمایندگان با اعتراض یک نماینده مجلس همراه شد.

مهدی دواتگری نماینده مراغه در صحن علنی مجلس در تذکری با اشاره به سؤال خود از محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه درباره سوء عملکرد برخی کنسولگری‌ها و سفارتخانه‌های کشورمان با اتباع ایرانی، گفت: «این سؤال 6 ماه پیش تقدیم هیأت رئیسه مجلس شد و پس از آن شاهد بودیم که ظریف در کمیسیون مربوطه حاضر نشده و سؤال به صحن علنی ارجاع شد و طبق ترتیب، این سؤال 2 هفته پیش در دستور کار مجلس قرار گرفت، اما وزیر خارجه برای حضور در مذاکرات هسته‌ای به عمان رفت.»

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ادامه داد: «امروز بار دیگر اصلاح دستور کار در کازیوی (جا نامه‌ای) نمایندگان مجلس قرار گرفت؛ از این رو من بنده صبح امروز به آقای فرهنگی عضو هیأت رئیسه مجلس مراجعه و در این زمینه سؤال کردم که وی گفت که آقای قشقاوی معاون پارلمانی وزارت خارجه

امروز صبح تماس گرفته و گفته که آقای وزیر نمی‌تواند امروز به مجلس بیاید، بنابراین قطعاً این اقدام توهین به مجلس است.»

دواتگری گفت: «در این رابطه باید گفت که اگر نمایندگان حق سؤال از وزرا را دارند، وزیر مربوطه باید در مجلس حاضر شده و به سؤالات وکلای ملت پاسخ دهد، زیرا وزارت امور خارجه در کنار پیگیری مسائل هسته‌ای، وظایف دیگری نیز بر عهده دارد.»

در همین رابطه علی لاریجانی رئیس مجلس در پاسخ به تذکر این نماینده گفت: «بحثی که شما مطرح کردید درباره سؤال دیگر نمایندگان از آقای ظریف (7 سؤال تجمیع‌شده 100 نماینده مجلس) بود که خودشان این سؤال را به تعویق انداختند و این موضوع به سؤال شما مربوط نمی‌شود.»

—

از اعتراض به سگ کشی تا کارناوال راه‌آهن -تجریش

2014-12-06 · Archive ID 6528
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6528

دستگیری یک فعال حقوق حیوانات

عرصه سوم: «آمده اند دم در من را ببرند.» ديروز علي طبرزدي، فقط فرصت کرده بود قبل از رسیدن ماموران امنیتی به اتاقش همین یک جمله را در صفحه فیس بوکش بنویسد. ساعتي بعد، بازداشت این فعال حقوق حیوانات و یکی از ادمین های صفحه فیس بوکی جنبش اعتراضی من و ۷۴ ضربه شلاق» توسط خانواده‌اش تائید شد.»

علی طبرزدی در حالی دستگیر شد که قرار بود امروز؛جمعه تجمعی در حمایت از حیوانات برگزار کند. فراخوان این تجمع چند روزی است که در صفحه فیس بوکی «جنبش اعتراضی من و ۷۴ ضربه شلاق» دیده می‌شود. صفحه « جنبش اعتراضی من و ۷۴ ضربه شلاق » در اعتراض به ارائه طرح مبارزه با سگ گردانی از سوی مجلسیان راه اندازی شده است. طرحی که در صورت تصویب آن، دارندگان سگ به جزای نقدی ده تا یکصد میلیون ریال و یا به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

یکی از نزدیکان علی طبرزدی در مورد چگونگی دستگیری او به « ایران وایر » می‌گوید: « ماموران حدود دو ساعت در خانه ما بودند، همه جا را گشتند و بعد علی را همراه یکسری از وسایل بردند.» ماموران امنیتی دلیلی برای بازداشت علی طبرزدی ذکر نکرده اند اما خانواده‌اش حدس می‌زنند که او به دلیل هماهنگی برای تجمع اعتراضی حمایت از حیوانات دستگیر شده است.

آرون عسکری یکی دیگر از ادمین‌های صفحه «۷۴ ضربه شلاق» درباره این تجمع به «ایران وایر» می‌گوید : «قرار بود تجمعی در تهران برای اعتراض به کشتار بی رحمانه سگ‌ها در تهران و کرج شکل بگیرد و قرار بود حامیان حیوانات هرچقدر که می‌توانند کمک کنند تا بتوانیم به حیوانات ولگرد کمک کنیم.» در این صفحه فیس بوکی درباره خواسته تجمع نوشته شده : «حرف ما حرف ساده ایست !همان حرف خداست (خالق تمام موجودات) ! و حرف تمام انسانهای پاک سرشت تاریخ ...حرف ما اینست : « ظلم نکنیم ... به هیچ موجودی ... به هیچ بهانه ای ... »کشتار حیوانات بی دفاع به بهانه های خودخواهانه و واهی ترویج خشونتی است که دودش خیلی زود به چشم خود ما آدمها میرود ...ظلم به سایر موجودات ، از آدمها دیو میسازد نه انسان.»

آرون عسکری در خصوص دستگیری علی طبرزدی می‌گوید: «علی از چند روز قبل حدس زده بود که ممکن است دستگیر شود. روز چهارشنبه که چت می‌کردیم، گفت حتی اگر دستگیر شدم سعی کنید تجمع برگزار شود.»

ادمین های صفحه «جنبش اعتراضی من و ۷۴ ضربه شلاق» از دارندگان سگ در ایران خواستند که در اعتراض به طرح نمایندگان عکس‌هایشان را کنار سگ‌ها برای این صفحه بفرستند. طولی نکشید که این صفحه پر از

عکس و دلنوشته شد، عکس سگ‌های بزرگ و کوچك کنار صاحبان پیر و جوانشان. آرون عسکری می‌گوید: «هدف ما از راه اندازی این صفحه، آگاهی دادن به مردم درباره ظلمی بود که در جامعه ما به سگ‌ها می‌شود. سگ‌هایی که حیوانات بی آزاری هستند و همیشه مورد آزار ما انسانها قرار می‌گیرند.» او با اشاره به نوشته‌هایی که همراه عکس‌ها فرستاده می‌شود، به «ایران وایر» می‌گوید: « در بعضی از این نوشته‌ها حکایت زجری که بر این حیوانات می‌رود، گفته می‌شود. ما امیدواریم این صفحه مهر و محبت مردم ما را به سگ‌ها زیاد کند.»

او خارج از ایران زندگی می‌کند و پس از دستگیری علی طبرزدی کارهای امنیتی لازم برای از دست نرفتن این صفحه فیس بوکی را انجام داده است. این صفحه در حال حاضر حدود ده هزار عضو دارد.

علی طبرزدی فعال حقوق حیوانات پسر حشمت الله طبرزدی روزنامه نگار و فعال سیاسی است حشمت الله طبرزدی الان در زندان به سر می‌برد او پس از مطلع شدن از دستگیری پسرش، دست به قلم برد و نسبت به عواقب این دستگیری به آیت الله خامنه‌ای هشدار داد : «شنیدم عوامل خشن، وحشی و زنجیر پاره کرده های خامنه ای، بار دیگر و در حالی که من در زندان توسط همین ها اسیر هستم، به خانه ام ریختند، در بین اعضای خانواده ام ایجاد وحشت کرده و ضمن به غارت بردن اموالم، علی را نیز با خود برده اند. نه اولین بار است که علی را می برند، نه اولین خانواده ای هستیم که اینگونه زیر سرکوب و ستم قرار می گیریم. می دانم هزاران علی در کشور هست و می دانم دوستان و بستگان علی و علی ها، ساکت نخواهند نشست. اما خامنه ای بداند که اگر عواملش در اسرع وقت علی را آزاد نکنند، اموال را برنگردانند و از خانواده پوزش نخواهند، اطمینان داشته باشند این آنها هستند که بیش از گذشته ضرر خواهند کرد. بر عهدی که با آزادی، عدالت و مردم بسته ام بیش از گذشته و مصمم تر از گذشته خواهم بود و بدون تردید جانم را بر آن خواهم گذاشت اما زیر بار ستم نخواهم رفت. از خانواده ی بزرگ طبرزدی ها و از همه ی دوستان می خواهم، مرعوب این وحشیگری ها نشوید و علیه این ستم و این توحش عوامل خامنه ای، لحظه ای سکوت نکنید.»



Tabarzadi-Heshmat-Ali

حالا عکس‌های علی طبرزدی در حال نوازش حیوانات، غذا دادن و بازی کردن با آنها در فیس بوک پخش شده است. حامیان حیوانات در ایران هم کارشان را متوقف نکرده‌اند. آنها عکس هایشان را به صفحه « جنبش اعتراضی من و ۷۴ ضربه شلاق» می‌فرستند، صفحه‌ای که ادمینش در زندان است.

تعداد سمن ها تا پایان سال 94 سه برابر می شود

رضا حجتی مدیر کل دفتر مشارکت های اجتماعی وزارت ورزش و جوانان گفت: تعداد سازمان های مردم نهاد (سمن) کشور تا پایان سال 94 باید به سه برابر افزایش یابد. به گزارش ایرنا او در حاشیه دیداری که با جمعی از مسوولان سمن های استان زنجان داشت افزود: در آغاز فعالیت دولت تدبیر و امید تعداد سمن های جوانان که تحت مدیریت وزارت ورزش و جوانان بودند به 200 سمن نیز نمی رسید، آماری که به معنای وجود یک سمن به ازای بیش از هر 100 هزار جوان در کشور است.

حجتی اظهار کرد: اصل بر این است که کارهایی را که مردم خود توان اجرای آنها را دارند، به آنان سپرده شود و دولت وارد اجرای آنها نشود.
مدیر کل دفتر مشارکت های اجتماعی وزارت ورزش و جوانان گفت: سازمان های مردم نهاد بهترین ابزار و سازو کاری هستند که می توانند در حوزه انجام امور وارد شده و تصدی گری کارها را برعهده بگیرند.

وی خاطر نشان کرد: سازمان های مردم نهاد هیچ نوع موازی کاری با نهادهای فرهنگی و کانون ها و موسسه هایی که سایر دستگاهها مجوز آنها را صادر می کند، ندارد.
حجتی تاکید کرد: به طور قطع مردم از خدماتی استفاده خواهند کرد که بیشترین سود را برای آنان داشته باشد و در این عرصه هر نهاد و کانونی که توان رقابت و عرضه خدمات بهتر را نداشته باشد، به مرور از عرصه فعالیت حذف می شود.

مدیرکل دفتر مشارکت های اجتماعی وزارت ورزش و جوانان با بیان اینکه این وزارتخانه در تلاش برای افزایش تعداد سمن های موجود است، گفت: ایجاد انگیزه، آموزش و کمک به راه اندازی از جمله اقداماتی محسوب می شود که وزارت ورزش و جوانان در این مسیر در پیش گرفته است.
وی اضافه کرد: این وزارت به موازات اطلاع رسانی و تبلیغ برای راه اندازی سمن ها، آموزش های لازم را ارایه کرده و فرآیندهای دریافت مجوز و آغاز فعالیت را در این بخش تسهیل می کند.

کارناوال «همراه با روبان قرمز» از راه‌آهن تا تجریش

مؤسسه‌های فعال در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی برنامه‌هایی را برای روز جهانی ایدز در سطح شهر تهران تدارک دیدند.

سپیده علیزاده؛ مدیرعامل مؤسسه کاهش آسیب نور سپید هدایت در گفتگو با مهرخانه، درباره برنامه سمن های فعال در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند ایدز گفت: سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران به تدبیر دفتر شهردار تهران اقدام به برگزاری برنامه‌هایی برای روز جهانی ایدز کرده است و می خواهد این برنامه‌ها را از طریق سمن ها به سرانجام برساند. در واقع، شهرداری، هدایت‌گر است و تأمین مالی توسط آن انجام می‌گیرد، اما اجراکننده برنامه‌ها سمن های فعال در زمینه کاهش آسیب‌ها هستند.

وی افزود: این سمن ها عبارت‌اند از مؤسسه کاهش آسیب سیمای سبز رهایی، مؤسسه کاهش آسیب نور سپید هدایت، مؤسسه کاهش آسیب آیین مهر، «مؤسسه کاهش آسیب پیام‌آوران هم‌یاری، مؤسسه کاهش آسیب مدیران جوان، مؤسسه کاهش آسیب آهنگ رهایی شرق، مؤسسه کاهش آسیب زنان سرزمین خورشید و مؤسسه کاهش آسیب نسیم مهرآفرین.

علیزاده ادامه داد: این مؤسسه‌ها قرار است برنامه‌ای با عنوان «همراه با روبان قرمز» را در سطح شهر تهران برگزار کنند که هدف آن افزایش سطح آگاهی شهروندان شهر تهران در خصوص ایدز است.

مدیرعامل مؤسسه کاهش آسیب نور سپید هدایت درباره جزییات این برنامه گفت: روزهای دهم و یازدهم آذرماه در ایستگاه‌های مترو و پایانه‌های مسافربری، اطلاع‌رسانی در زمینه اچ آی وی ایدز صورت می‌گیرد و روز دوازدهم آذر نیز کارناوالی به نام «همراه با روبان قرمز» از میدان راه‌آهن تا میدان تجریش برگزار می‌شود. در این کارناوال اتوبوسی تزیین‌شده، از راه‌آهن به سمت تجریش حرکت می‌کند و در مناطق و اماکن معروف توقف دارد و داوطلبان و کارشناسان ارشد آموزش‌دیده پیاده می‌شوند و بین مردم شکلات و بروشور توزیع می‌کنند و به سؤالات آنها پاسخ می‌دهند.

بر اساس آمارهای رسمی منتشر شده میزان ابتلا به ویروس اچ آی وی – ایدز – در ایران کمتر از 30 هزار نفر است که درصد بالای آنها مردان هستند.

شمس‌الواعظین: آقایان می‌گویند ارائه آمار روزنامه‌نگاران زندانی، تبلیغ علیه نظام است

ماشاالله شمس الواعظی روز شنبه نهم آذر به دادگاه فراخوانده شد. رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران با بیان اینکه برخورد دادگاه کاملا محترمانه بود، گفت: به دلیل سخنرانی در جشنواره آزادی مطبوعات در کیپ تاون به دادسرا احضار شده بودم.

به گزارش وبسایت کلمه ماشاءالله شمس الواعظین در گفت وگو با ایرنا در مورد روند رسیدگی به اتهاماتش در جلسه دادگاهی که روز گذشته برگزار شد، افزود: برای دریافت جایزه بین المللی قهرمانی آزادی مطبوعات به کیپ تاون افریقای جنوبی رفتم و در آنجا سخنرانی کردم که تلقی آقایان این بود این سخنان تبلیغ علیه نظام بوده است.

وی اظهار داشت: در آنجا آماری از روزنامه نگاران زندانی و اوضاع مطبوعات کشور ارائه و از مجامع بین المللی درخواست کمک کردم. سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات تصریح کرد: بعد از ورود به کشور به دادسرای اوین احضار شده و توضیحاتی ارائه کردم.

وی ادامه داد: پرونده به شعبه ۱۵ دادسرا و دادگاه عمومی انقلاب اسلامی تهران ارسال و روز گذشته جلسه رسیدگی به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی برگزار شد.

انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران یک نهاد غیر دولتی و سندیکای سراسری روزنامه‌نگاران در ایران محسوب می شود، که در مهرماه سال ۱۳۷۶ پس از روی کار آمدن محمد خاتمی تأسیس شد. این انجمن اما در سال 87 و به دستور "دیوان عدالت اداری" منحل شد.

—

حمایت ۱۸۷ فارغ التحصیل دانشگاهی از امید کوکبی

2014-12-08 · Archive ID 6538
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6538

عرصه سوم: جمعی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی دوره‌های دکترا، با امضای نامه‌ای خواستار توجه سریع پزشکی به وضعیت سلامت امید کوکبی شده اند. آنها همچنین رسیدگی به روند قضایی که منجر به زندانی شدن ناعادلانه‌ی این دانش‌پژوه ایرانی شده است را خواستار شده اند و معتقداند که جای امید کوکبی نه در زندان که در دانشگاه است.

امید کوکبی

برگزیده المپیاد و دانشجوی فوق دکترای فیزیک اتمی با گرایش لیزر در دانشگاه تگزاس آمریکا است که در بهمن ماه سال ۸۹ به ایران سفر کرده و هنگام خروج از ایران در فرودگاه بازداشت و زندانی شد. او توسط قاضی صلواتی به ده سال زندان محکوم شد و هم اکنون زندانی است.

امید در سال ۲۰۱۴ از سوی انجمن غیردولتی پیشبرد علوم آمریکا ، به عنوان برنده جایزه آزادی و مسئولیت‌پذیری علمی انتخاب شد

متن کامل این نامه به شرح زیر است:

حضور مسئولین محترم جمهوری اسلامی

با عرض سلام، همان‌طور که در نامه بیست و پنج تن از برندگان جایزه‌ی نوبل فیزیک به اطلاع رسیده، بیش از سه سال از زندانی شدن امید کوکبی فیزیک‌دان جوان ایرانی می‌گذرد. امید که در حال طی دوره‌ی دکترای خود در دانشگاه تگزاس-آستین بود، در مدت سفری کوتاه به ایران برای دیدار خانواده‌اش، در دی‌ماه ۱۳۸۹ بازداشت شد. پس از گذراندن ماه‌ها انفرادی، در دادگاهی کوتاه در اردیبهشت ۱۳۹۲، امید به ده‌سال زندان محکوم شد. دادستان برای اتهامات «دریافت درآمد نامشروع» و «ارتباط با دولت‌های متخاصم» که به امید وارد کرد، به دریافت کمک مالی تحقیقاتی از دانشگاه دولتی تگزاس استناد کرده بود. لازم به ذکر نیست که هزاران دانشجوی ایرانی مشغول به تحصیل در خارج از ایران، از جمله بسیاری از امضاکنندگان این نامه، در طی تحصیلات خود این گونه کمک‌های مالی را دریافت کرده و می‌کنند.

سلامت امید کوکبی در سه سالی که در زندان گذرانده به شدت آسیب دیده است. وی تا کنون چهار دندان خود را به دلیل بی‌توجهی مسئولان بهداشتی زندان اوین از دست داده و پنج بار با درد وحشتناک سنگ کلیه دست‌وپنجه نرم کرده‌است. وضعیت قلب و دستگاه گوارش وی نیز احتیاج به توجه سریع پزشکان متخصص دارد. با توجه به روال قضایی پرونده‌ی امید، سستی اتهام‌های مطرح شده علیه وی، نامه‌های او از زندان، و وضعیت فعلی وی، به نظر می‌رسد که محکومیت امید تا حدودی به‌خاطر رد درخواست همکاری در پروژه‌های هسته‌ای است. بدیهی است یکی از عواقب چنین برخوردهایی با متخصصان خارج از کشور، بی‌میلی این افراد به بازگشت و خدمت به کشور خواهد بود.

ما جمعی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی دوره‌های دکترا، خواستار توجه سریع پزشکی به وضعیت سلامت این دانش‌پژوه ایرانی و همچنین رسیدگی به روند قضایی که منجر به زندانی شدن ناعادلانه‌ی امید شده است، می‌باشیم. به باور ما جای امید نه در زندان، بلکه در دانشگاه است.

رونوشت:

- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای - رهبر جمهوری اسلامی ایران
- حجت‌الاسلام حسن روحانی - ریاست جمهوری اسلامی ایران
- آیت آلله صادق آملی لاریجانی - ریاست قوه قضاییه
- دکتر علی لاریجانی - ریاست مجلس شورای اسلام

امضا کنندگان: (امضاهای جدید پس از تایید به لیست اضافه خواهند شد.)

۱. آرش اعرابی اردهالی، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه میشیگان، مهندسی برق از صنعتی شریف، مدال طلای المپیاد فیزیک کشوری ۱۳۸۴، رتبهٔ ۱ المپیاد فیزیک دانشجویی ۱۳۸۹

۲. آناهیتا شایسته، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه دانشگاه کالیفرنیا، لوس انجلس

۳. احسان ابراهیم زاده، دانشجوی دکترای مهندسی برق از دانشگاه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، لس آنجلس، کارشناسی ارشد دانشگاه واترلو

۴. احسان شاه حسینی، دکترای برق از دانشگاه جورجیا تک، پسا دکتری ام آی تی

۵. احسان شفیعی، دانشجوی دکترای برق از دانشگاه ایلینویز

۶. احسان فخار ایزدی، دکترای مدیریت از دانشگاه دانشگاه درکسل

۷. احسان نوربخش، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه تگزاس دالاس، کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف

۸. احمدعلی فرهودی، دانشجوی دکترای سیاست گذاری علم و فناوری از دانشگاه تهران، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف

۹. احمد محصل، دانشجوی دکترای اقتصاد از دانشگاه آریزونا

۱۰. احمد محمدی، دکترای مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف

۱۱. ارسلان کهنمویی پور، دکترای زبان شناسی از دانشگاه تورونتو، استاد دانشگاه تورونتو

۱۲. اشکان نیک سرشت، دکترای ریاضی از دانشگاه شیراز، مدال طلای کشوری المپیاد دانش آموزی کامپیوتر ۱۳۸۰

۱۳. اشکان یزدچی، دکترا، مهندس صنایع دانشگاه آزاد قزوین

۱۴. البرز گرامی فرد، دکترای اتوماسیون از دانشگاه ام آی تی، رتبه اول مسابقات شبیه سازی روبوکاپ رسکو، ۲۰۰۳

۱۵. الهام هومین فر، دانشجوی دکترای جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا، فارق التحصیل دانشگاه تهران

۱۶. الیاس آهار، دانشجوی دکترای دندان پزشکی از دانشگاه راجیو گاندی هند، فوق دیپلم علوم آزمایشگاهی

۱۷. امید غلام علمداري، دانشجوی دکترای زیست شناسي سلولي و تکويني از دانشگاه ایلینویز، فوق لیسانس بیوتکنولوژي دانشگاه تهران، مدال طلاي کشوري المپياد زيست شناسي ۱۳۸٤

۱۸. امیر جعفری، دکترای برق- پردازش کوانتومی از دانشگاه واترلو، کارشناسی ارشد فیزیک شریف

۱۹. امیر حاجی اکبری، دکترای مهندسی شیمی از دانشگاه میشیگان، آن آربور، دانشجوی پسادکترای دانشگاه پرینستون

۲۰. امیرحسین تاجدینی، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه کرنل، کارشناسی فیزیک و ریاضی محض از دانشگاه شریف، مدال برنز المپیاد جهانی فیزیک، رتبه ۱ المپیاد فیزیک دانشجویی ۹۱

۲۱. امیر رحمتی، دانشجوی دکترای مهندسی کامپیوتر از دانشگاه میشیگان، کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف

۲۲. امین جعفریان، دکترای برق از دانشگاه آستین، تگزاس، مدال نقره‌ی المپیاد جهانی ریاضی ۱۳۸۰

۲۳. امین خیابانی، دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف

۲۴. ایمان حاجی رسولیها، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه سایمون فریزر کانادا، پسادکترای دانشگاه استنفورد

۲۵. بابک فرزاد، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه تورنتو، مدال برنز المپیاد جهانی کامپیوتر ۱۳۷۴

۲۶. بابک محمودی، دکترای اقتصاد از دانشگاه کوییز کانادا

۲۷. بشیر سجاد، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه واترلو

۲۸. بکتاش بقراطی، دکترای برق از دانشگاه مینسوتا

۲۹. بورگان نظامی نرج آباد، دکترای اقتصاد از دانشگاه دانشگاه تگزاس- آستین، مدال طلای المپیاد کشوری ریاضی ۱۳۷۵

۳۰. بهاره میرزاحسین، دانشجوی دکترای ریاضی از دانشگاه مکگیل

۳۱. بهمن افسري، دکترای مهندسي برق از دانشگاه دانشگاه جانز هاپکینز

۳۲. پدرام صفری، دکترای ریاضی از دانشگاه کلمبیا

۳۳. پرویز علیوند، دکترای اقتصاد از دانشگاه دانشگاه تگزاس- آستین

۳۴. پریسا الیاسي، دانشجوی دکترای مهندسي برق از دانشگاه دانشگاه نیویورك

۳۵. تکتم بابایی، دانشجوی دکترا از دانشگاه دکین

۳۶. تکتم محمودی، دکترای مخابرات از دانشگاه لندن، مهندسی الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف

۳۷. جلال نوروز علیائی، دکترای فیزیک از دانشگاه کالگری، کانادا

۳۸. حامد پاکت چی، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه ام ای تی، لیسانس فیزیک و ریاضی - شریف

۳۹. حسام‌الدین اخلاق‌پور، دانشجوی دکترای نوروساینس از دانشگاه پرینستون، کارشناسی از دانشگاه صنعتی شریف، مدال نقره‌ی المپیاد جهانی کامپیوتر ۱۳۸۶، مدال برنز المپیاد جهانی کامپیوتر ۱۳۸۵

۴۰. حسن شجاع نیا، دکترای دکترای مهندسی کامپیوتر از دانشگاه دانشگاه تورنتو

۴۱. حسین فلکی، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس

۴۲. حسین نمازی، دکترای ریاضی از دانشگاه ایالتی نیویورک

۴۳. حسین نوریان، دانشجوی دکترای اقتصاد مالی از دانشگاه لورپر -واترلو کانادا

۴۴. حمید خطیبی، دانشجوی دکترای برق از دانشگاه کرنل

۴۵. حمیدرضا مهدیزاده، دکترای مهندسی شیمی از دانشگاه انستیتو تکنولوژی ایلینویز

۴۶. حمید فروغی، دانشجوی دکترای مدیریت از دانشگاه ردینگ

۴۷. حمیده وثوق‌پور، دانشجوی دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه واترلو

۴۸. خسرو علاف اکبری، دانشجوی دکترای اخترشناسی, مطالعات انرژی از دانشگاه پرینستون, مریلند، مدال طلای المپیاد دانشجویی فیزیک

۴۹. دامون سودبخش، دکترا از دانشگاه جورج واشنگتن

۵۰. دایان معترف، دانشجوی دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه استانبول

۵۱. دل نواز جان، دانشجوی دکترای پزشکي از دانشگاه علوم پزشکي و خدمات درماني تهران

۵۲. راضیه عنابستانی، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه واترلو

۵۳. رسول حسینی، دانشجوی دکترای مهندسی برق از دانشگاه ویسکانسین

۵۴. رضا عابدیان، دکترای بیومکانیک از دانشگاه دانشکده پزشکی هانوور

۵۵. رضا گلستانی، دکترای پزشکی هسته‌ای از دانشگاه دانشگاه گرونینگن- هلند، دکترای پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی تهران

۵۶. روزبه ابراهیمی، دانشجوی دکترای کامپیوتر از دانشگاه استونی بروک نیویورک

۵۷. زهرا اسکندری، دکترای فیزیک از دانشگاه صنعتی شریف

۵۸. زهره کریمی، دکترای کامپیوتر از دانشگاه یو سی ال ای

۵۹. سارا رمضانی، دانشجوی دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه سی‌دبلیوآی در آمستردام، کارشناسی امیرکبیر، کارشناسی ارشد صنعتی شریف و دانشگاه آمستردام

۶۰. ساره رجبی، دانشجوی دکترای زمین شناسی از دانشگاه دانشگاه ملی استرالیا

۶۱. سبحان مومنی، دکترای پزشکی از دانشگاه دانشگاه علوم پزشکی تهران

۶۲. سپهر فدایی، دانشجوی دکترای مهندسی نفت از دانشگاه استنفورد، مدال طلای المپیاد جهانی شیمی ۱۳۸۰

۶۳. سحر هراتي، دانشجوی دکترای کامپیوتر از دانشگاه اموري

۶۴. سروش حسینی علمداری، دانشجوی دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه کرنل، لیسانس از دانشگاه شریف.

۶۵. سعید میرشکاري، دکترای گرانش و فیزیك نجومي از دانشگاه واشینگتون

۶۶. سمانه شادمهر، دانشجوی دکترای نانوتکنولوژی از دانشگاه واترلو

۶۷. سوگل مشتاقی، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه تگزاس در آستین

۶۸. سهراب زنده بودی، دکترای مهندسی شیمی از دانشگاه دانشگاه واترلو کانادا

۶۹. سهیل حساس یگانه، دانشجوی دکترای دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه تورنتو، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف

۷۰. سهیل کلوری، دانشجوی دکترای مهندسی پزشکی از دانشگاه کارنگی ملون

۷۱. سیامک طاعتی، دکترای ریاضی از دانشگاه تورکو، فنلاند، کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف

۷۲. سیاوش احمدی، دانشجوی دکترای بیولوژی/علوم اعصاب از دانشگاه دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو، دانشجوی دکترای علوم اعصاب دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو، کارشناسی علوم کامپیوتر از دانشگاه شریف، ارشد علوم شناختی از دانشگاه آمستردام

۷۳. سیدامیرحسین حسینی، دانشجوی دکترای اقتصاد از دانشگاه سیتی لندن

۷۴. سید امین سیدی، دکترای مدیریت و بازرگانی از دانشگاه کارنگی ملون، استاد دانشگاه واشنگتن، مدال نقره المپیاد کامپیوتر مسابقات اروپای مرکزی

۷۵. سید رامین مادرشاهیان، دانشجوی دکترای سازه از دانشگاه کارولینای جنوبی، کارشناسی ارشد سازه از دانشگاه صنعتی شریف

۷۶. سید علیرضا مرتضوی، دانشجوی دکترای اختر فیزیک از دانشگاه جانز هاپکینز

۷۷. شورا متعبد، دکترای مدیریت از دانشگاه مدرسه عالی علوم اقتصادی و مدیریت پاریس

۷۸. شهاب جمالی، دکترای نوروساینس از دانشگاه تورنتو، لیسانس فیزیک صنعتی شریف ورودی ۷۹

۷۹. صالح صحابه تبریزی، دانشجوی دکترای اقتصاد از دانشگاه ویسکانسین - میلواکی

۸۰. طاهره حسینی، دانشجوی دکترای برق - نانوتکنولوژی از دانشگاه ویسکانسین

۸۱. عبیده جعفری، دکترای فیزیک ذرات بنیادی از دانشگاه صنعتی شریف و آزاد بروکسل، کارشناسی فیزیک دانشگاه شریف

۸۲. عقیل عابدزاده، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه دوک امریکا، مدال برنز مسابقات جهانی ریاضی آی‌ام‌سی ۲۰۱۱

۸۳. علی تاجر، دکترای مهندسی برق از دانشگاه کلمبیا

۸۴. علیرضا ابوفاضلی، دکترای مهندسی راه آهن از دانشگاه علم و صنعت

۸۵. علیرضا صالحی گلسفیدی، دکترای ریاضی محض از دانشگاه ییل، مدال نقره المپیاد جهاني رياضی ۱۳۵۷, استادیار دانشگاه کالیفرنیا در سن‌دیگو

۸۶. علیرضا فرقانی، دکترای مهندسی سازه از دانشگاه بریتیش کلمبیا

۸۷. علی رضوی، دکترای کامپیوتر از دانشگاه واترلو

۸۸. علی شریفی زارچی، دانشجوی دکترای بیوانفورماتیک از دانشگاه تهران، مدال طلای المپیاد جهانی کامپیوتر ۱۳۷۹

۸۹. علی شفیعی، دانشجوی دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه یوتا

۹۰. علی شوریده، دکترا، دکترای اقتصاد از دانشگاه مینه سوتا، استاد فاینانس، دانشگاه پنسیلوانیا, مدال نقره المپیاد جهانی ریاضی ۱۳۷۸، ۱۳۷۹

۹۱. علی صدیقیان، دکترای تحقیق در عملیات از دانشگاه کلمبیا

۹۲. علی عبدی، دانشجوی دکترای انسان‌شناسی از دانشگاه ییل امریکا

۹۳. علی معصومی، دکترای فیزیک از دانشگاه کلمبیا

۹۴. علی مقتدری، دکترای اقتصاد از دانشگاه ویسکانسین- میلواکی

۹۵. علی وکیل، دکترا، دکترای مکانیک دانشگاه یوبی‌سی، استاد مدعو دانشگاه دانشگاه یوبی‌سی

۹۶. غزال گشنیزجانی، دکترای فیزیک از دانشگاه براون

۹۷. غیاث فریور، دانشجوی دکترای مهندسی برق از دانشگاه نیوسات‌ولز در استرالیا

۹۸. فائزه راعی، دکترای اقتصاد از دانشگاه تگزاس- آستین

۹۹. فاطمه مشتری، دانشجوی دکترای مدیریت از دانشگاه لوئیس

۱۰۰. فرانک حیدریان، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه رادبود در نیجمگان

۱۰۱. فریدون هرمزدیاری، دکترای کامپیوتر از دانشگاه سیمون فریزر

۱۰۲. كاميار علايي، دكترای سياستگزاري بهداشت، از دانشگاه ايالت نيويورك، حقوق بين الملل , اكسفورد بهداشت بين الملل هاروارد، پزشكي أصفهان بهشتي اپيدميولوژي تهران، استاد دانشگاه

۱۰۳. کاوه مجلسی، دکترای اقتصاد از دانشگاه تگزاس آستین، کارشناسی برق از دانشگاه صنعتی شریف

۱۰۴. کمال حاجیان، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه صنعتی شریف، مدال طلای المپیاد دانشجویی فیزیک ۱۳۸۶

۱۰۵. کیا دلیلی، دکترای ریاضی از دانشگاه راتگرز

۱۰۶. کیانوش اشکانی‌زاده، دانشجوی دکترای مهندسی عمران از دانشگاه یوبی‌سی

۱۰۷. کیومرث سهرابی، دکترای فیزیک از دانشگاه شریف، پسا دکترا

۱۰۸. گل آرا زحمتکش، دکترای پزشکی از دانشگاه تهران

۱۰۹. لاله سمیعی، دکترای فیزیک از دانشگاه سایمون فریزر، کانادا

۱۱۰. لیلا خاتمی، دکترای ریاضی از دانشگاه تهران

۱۱۱. لیلا ضیأ، دکترای علم مدیریت و مهندسی از دانشگاه استنفورد، کارشناسی ارشد از دانشگاه استنفورد و راتگرز، کارشناسی از دانشگاه صنعتی شریف

۱۱۲. ليلي داكار، دکترای شيمي از دانشگاه تورونتو

۱۱۳. مجاهد پارسی مود، دکترای فیزیک از دانشگاه صنعتی شریف

۱۱۴. مجتبی عراقی، دکترای مدیریت از دانشگاه دانشگاه تورنتو

۱۱۵. مجید جان‌زمین، دانشجوی دکترای مهندسی برق از دانشگاه کالیفرنیا، ارواین

۱۱۶. محبت احمدی، دکترای مهندسی نفت از دانشگاه تگزاس آستین، لیسانس و فوق‌لیسانس از دانشگاه صنعت نفت، استادیار دانشگاه آلاسکا

۱۱۷. محدثه عظیم‌لو، دکترای اخترفیزیک از دانشگاه واترلو، محقق پسادکتری مرکز اخترفیزیک هاروارد-اسمیتسونین

۱۱۸. محسن حیدری، دانشجوی دکترای مهندسی برق از دانشگاه میشیگان

۱۱۹. محسن عمرانی، دانشجوی دکترای عصب شناسی از دانشگاه کوییز، کانادا، پزشك عمومی

۱۲۰. محمد امین علی بخشی، دانشجوی دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه بوستون

۱۲۱. محمدجواد یازرلو، دانشجوی دکترای معماری از دانشگاه شمال آمل، فعال مدنی-سیاسی

۱۲۲. محمد جواهری، دکترای ریاضی از دانشگاه استونی بروک، مدال نقره المپیاد جهانی ریاضی ۱۳۷۴

۱۲۳. محمد جواهری، دکترای مهندسی نفت از دانشگاه کالیفرنیای جنوبی

۱۲۴. محمد دانشور، دانشجوی دکترای دکترای فناوری اطلاعات از دانشگاه Bryan School of Business، مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف

۱۲۵. محمد رفیعی فنود، دکترای فیزیک از دانشگاه دانشگاه وی یو آمستردام

۱۲۶. محمدصادق زندیان، دانشجوی دکترای شیمی محض از دانشگاه ایالتی اوهایو

۱۲۷. محمد مروتي شريف ابادي، دکترای اقتصاد از دانشگاه تگزاس آستین، کارشناسي برق از دانشگاه شریف

۱۲۸. محمد مهدیان، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه ام‌آی‌تی، کارشناسی از دانشگاه شریف، کارشناسی ارشد از دانشگاه تورنتو، مدال طلا و نقره‌ی المپیادهای جهانی ریاضی و کامپیوتر

۱۲۹. محمدمهدی جدیدی، دانشجوی دکترای مهندسی برق از دانشگاه مریلند

۱۳۰. محمد مهرمحمدی، دکترای مهندسی پزشکی از دانشگاه تگزاس در استین، استادیار دانشگاه ایالتی وین در میشیگان

۱۳۱. مرتضی زادی‌مقدم، دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه ام‌آی‌تی، کارشناسی مهندسی کامپیوتر دانشگاه شریف

۱۳۲. مرسده منصوریان، دکترای فارماسیوتیکس از دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۱۳۳. مریم جوزی، دکترای فیزیک از دانشگاه براون

۱۳۴. مریم سعیدی، دکترای اقتصاد از دانشگاه مینه سوتا، استاد اقتصاد، دانشگاه ایالتی اوهایو، مدال طلای کشوری ریاضی ۱۳۷۸

۱۳۵. مریم قاسمی، دانشجوی دکترای علوم کامپیوتر از دانشگاه بوستون

۱۳۶. مژده سجّادی، دانشجوی دکترای مهندسی نفت از دانشگاه دانشگاه کلگری

۱۳۷. مژگان ترابي فرد، دکترای فیزیك از دانشگاه واترلو

۱۳۸. مسعود نیک افروز، دانشجوی دکترای مهندسی صنایع از دانشگاه فلوریدای مرکزی

۱۳۹. مصطفي بشکار، دکترای اقتصاد از دانشگاه وندربیلت، استادیار اقتصاد- دانشگاه ایندیانا

۱۴۰. معصومه رودافشانی، دانشجوی دکترای کامپیوتر از دانشگاه واترلو

۱۴۱. معصومه فضلعلی، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه گوتنبرگ، کارشناسی و کارشناسی ارشد فیزیک شریف

۱۴۲. ملیکا روشن، دکترای فیزیک از دانشگاه تهرام

۱۴۳. مهدی شجاعی، دانشجوی دکترای اقتصاد از دانشگاه ویسکانسین, میلواکی، دکتری

۱۴۴. مهدی مبینی، دانشجوی دکترای مهندسی صنایع از دانشگاه بریتیش کلمبیا

۱۴۵. مهدی نجف‌زاده، دکترای اقتصاد بهداشت از دانشگاه دانشگاه بریتیش کلمبیا، استاد اقتصاد بهداشت، دانشگاه هاروارد

۱۴۶. مهران شقاقی، دکترای بیوفیزیک از دانشگاه سایمون فریزر

۱۴۷. مهرداد محرمی، دانشجوی دکترای مهندسی برق از دانشگاه میشیگان، مهندسی برق از صنعتی شریف، مدال نقره و برنز کشوری در رشته های ریاضی و کامپیوتر

۱۴۸. مهرنوش عقبایی، دانشجوی دکترای مهندسی سیستم از دانشگاه موسسه صنعتی استیونس

۱۴۹. مهشید رحیمی، دکترای فیزیک از دانشگاه دارمشتادت

۱۵۰. میلاد خراط زاده، دانشجوی دکترای مهندسی برق و کامپیوتر از دانشگاه مک گیل (مونترال، کانادا)

۱۵۱. نادر قاسمی، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه تگزاس ای اند ام، کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف

۱۵۲. ناهید جعفری، دکترای ریاضی از دانشگاه جورجیا

۱۵۳. ندا زارع، دکترای ریاضی از دانشگاه مونترال

۱۵۴. نسیبه رحیمی، دانشجوی دکترای مهندسی برق از دانشگاه تگزاس- آستین

۱۵۵. نفیسه رفیعی، دانشجوی دکترای مهندسی پزشکی از دانشگاه دانشگاه تورنتو

۱۵۶. نهال شرفی، دانشجوی دکترای فیزیک از دانشگاه گوتینگن

۱۵۷. نیایش افشردی، دکترای اخترفیزیک از دانشگاه پرینستون

۱۵۸. نیلوفر افسري، دانشجوی دکترای نجوم و اخترفیزیك از دانشگاه ترونتو، مدال نقره ي جهاني المپياد نجوم سال هاي ۸۳ و ۸٤

۱۵۹. هژیر رحمانداد، دکترای مدیریت از دانشگاه ام‌آی‌تی، دانشیار دانشگاه ویرجینیا تک

۱۶۰. سایه رجبي، دکترای فیزیك از دانشگاه واترلو و موسسه پریمتر

۱۶۱. یاسر کراچیان، دکترای فیزیك از دانشگاه تورنتو کانادا، فارغ التحصیل رشته فیزیك دانشگاه صنعتي شریف

امضا کنندگان حامی

۱۶۲. آزاده تاج پور، کارشناسی ارشد، دانشگاه کلرمانت، کالیفرنیا

۱۶۳. آی لان یاپنگ غراوی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت ایران

۱۶۴. افشین جلیلی

۱۶۵. الناز شایسته، فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه سلطنتیِ استوکهلم

۱۶۶. امید کوهي

۱۶۷. امیرعلی حنانی، دانشجوی کارشناسی فیزیک شریف

۱۶۸. امین مهدوی، کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

۱۶۹. بابک شاه‌منصوری، دانش‌آموخته مدیریت آموزشی دانشگاه مک‌گیل و مدیریت دانشگاه شریف

۱۷۰. پوریا بهروان، مهندس برق دانشگاه صنعت آب و برق

۱۷۱. حمید بیدار، فارغ التحصیل دانشگاه علم و صنعت

۱۷۲. داوود موسوی، فوق لیسانس ارتباطات و روزنامه نگاری

۱۷۳. ست اسلامی

۱۷۴. سمیه رشیدی، فعال زنان

۱۷۵. سینا مقدم، دانشجوی کارشناسی ارشد کی تی اچ سوئد

۱۷۶. شهناز آزادی

۱۷۷. شیام گلین، کارشناسی زیست شناسی، دانشگاه تگزاس در آستین

۱۷۸. علی مرشدلو، دانشجوی فوق لیسانس معماری دانشگاه سینسیناتی، کارشناسی مهندسی صنایع صنعتی شریف، مدال نقره ی المپیاد کشوری شیمی ۸۴

۱۷۹. علي نادعلیزاده، مدیر فني در شرکت تاد

۱۸۰. فائزه ملکوتی راد، کارشناسی ارشد، دانشگاه بوستون

۱۸۱. کتایون شایسته، دندانپزشک، دانشگاه یو بی سی

۱۸۲. مانی ارچنگ، فارغ التحصیل لیسانس دانشگاه جانز هاپکینز امریکا

۱۸۳. مژده خراسانی، فوق لیسانس مالی

۱۸۴. مینا سیدی

۱۸۵. نازنین سپهوند

۱۸۶. ناهید فرهاد، فوق لیسانس

۱۸۷. نسرین عالم

—

بحران اشتغال زنان زیر سایه بی‌تدبیری‌ها

2014-12-10 · Archive ID 6541
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6541

عرصه سوم-روشنک آستارکی: وحیده نگین، مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در امور زنان و خانواده ۱۷ آذرماه در نشستی خبری پیرامون وضعیت اشتغال زنان در کشور گفت: «طی سال‌های اخیر ورود زنان به بخش رسمی بازار کار افزایش پیدا کرده است، اما همچنان زنان بیشتر در مشاغل غیررسمی که تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی اجباری قرار نمی‌گیرند فعال هستند. ما اگر بتوانیم صندوق بیمه‌ای ایجاد کنیم که کلیه مشاغلی که تحت قانون بیمه‌های اجباری قرار نمی‌گیرند را پوشش دهد، مشکل بیمه‌ای زنان حل خواهد شد. همچنین در بحث مرخصی‌های زایمان در راستای افزایش جمعیت، باید تمهیداتی از جمله صندوق‌هایی برای بیمه زنان در نظر بگیریم که این موارد در دست بررسی است و به موقع، پیشنهاداتی خواهیم داشت». وی همچنین اظهار داشت: «با توجه به حضور بیشتر زنان در مشاغل غیررسمی که تحت پوشش بیمه‌های اجباری قرار نمی‌گیرد، لازم است صندوقی طراحی شود تا از طریق آن زنان امکان بیمه‌شدن داشته باشند، اما ما نباید مفاهیم بیمه‌ای را با عملکردهای حمایتی در یکدیگر ادغام کنیم. در بیمه‌های اجباری کارفرما مشخص است، اما در مشاغل غیررسمی و خانگی فرد به عنوان کارفرما کسب‌وکاری را راه انداخته است. همچنین کسانی که به صورت پاره‌وقت مشغول به فعالیت هستند تحت پوشش بیمه‌ای قرار نمی‌گیرند، اما ما می‌توانیم مکانیسمی را طراحی کنیم که با همین ویژگی‌ها نیز افراد بتوانند خود را بیمه کنند».

وحیده نگین در حالی از افزایش ورود زنان به بخش رسمی کار سخن می‌گوید که آخرین آمارهای منتشر شده خلاف این را می‌گوید. خبرگزاری مهر ابتدای پاییز سال جاری در گزارشی اعلام کرد طبق گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله در فاصله سال‌های ۸۴ تا بهار ۹۳ افزایش یافته و از ۳۲. ۶ درصد به ۴۳. ۴ درصد رسیده است؛ بنابراین در یک دوره ۸ ساله نرخ بیکاری زنان جوینده کار کشور به میزان ۱۰. ۸ درصد افزایش یافته است.

در سال ۸۴ تعداد زنان جویای کار ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور ۴۵۱ هزار و ۷۲۰ نفر بود که این تعداد در بهار سال جاری به ۲۲۳ هزار و ۸۴۴ نفر رسید. ادامه بیکاری بخش قابل توجهی از زنان جویای کار در ۸ سال گذشته باعث شده تا سن جویندگان کار در این بخش به حدود ۳۰ سال نیز برسد؛ از اینرو تعداد بیکاران زن بهار امسال در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله کشور ۵۳۷ هزار و ۷۱۸ نفر بوده است. آمارها حاکی از آن است که امکان اشتغال به کار زنان در ایران نسبت به مردان تا ۵۰ درصد کمتر است به نحوی که نرخ بیکاری مردان مردان ۱۵ تا ۲۴ ساله در بهار امسال ۲۱ درصد و نرخ بیکاری زنان در همین گروه سنی ۴۳. ۴ درصد بوده که حاکی از بیکاری ۲ برابری زنان نسبت به مردان است.



436x328_59305_132460

موضوع آمار بالای بیکاری زنان درسال گذشته هم مانند امسال قابل توجه بود. نرخ بیکاری افراد بالای ۱۵ سال در ایران در پاییز ۱۳۹۲ به کمی بیش از ده درصد رسیده و تعداد بیکاران بیش از ۲ میلیون و ۴۰۱ هزارنفر بوده است. نرخ بیکاری برای مردان هشت و نیم درصد و برای زنان بیش از ۲۰ درصد است.

گرچه نرخ بیکاری مردان در پاییز سال ۹۲ نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش ۸ دهم درصدی را نشان می‌دهد اما بر اساس همین آمار، نرخ بیکاری زنان نزدیک به ۳ درصد رشد داشته است.

این آمار تلخ از وضعیت بیکاری زنان و آمار بالای زنان جویای در کشور در حالی منتشر می‌شود که حسن روحانی چه در زمانی که به عنوان کاندیدای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نطق‌های انتخاباتی داشت و چه بعد که به عنوان رییس جهور ایران برگزیده شد همواره وعده‌هایی پیرامون برنامه‌های دولتش در مورد زنان می‌داد.

«تبعیض برای زنان ما قابل قبول نیست. جنسیت نمی‌تواند معیار درستی برای تصدی مسئولیت‌ها در جامعه باشد. در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باید زنان همانند مردان نقش ایفا کنند»؛ «دولت آینده، دولتی است که فرصت برابری برای زنان و مردان ایجاد می‌کند. اگر زنان نقش برابری در رشد اجتماعی و توسعه دارند، پس باید دارای حقوق و فرصت‌های برابری در کنار مردان باشند»؛ «در دولت ما تقویت جایگاه زنان و نگاه برابر به استعدادهای علمی، پژوهشی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مدنظر است. اینکه زنان بخواهند در خانه یا بیرون از خانه کار کنند اساس این گفتار ناپسند است چرا که انتخاب با خود آنان است و زنان برای برگزیدن نقش خود نیازی به قیم ندارند». این جملات تنهایی بخشی از وعده‌های انتخاباتی حسن روحانی در کنار وعده راه اندازه وزارت زنان در دولت یازدهم است اما پس از آغاز به کار دولت یازدهم نه تنها وعده روحانی برای دایر کردن وزارت زنان هیچگاه عملی نشد و تلاشی برای عملی شدن دیگر وعده‌ها صورت نگرفت، در مقابل این وعده‌ها نمایندگان اصولگرای مجلس با تصویب طرح‌های مختلفی که با هدف خانه نشین کردن زنان مطرح شده بود، به

تقابل با دولت یازدهم پرداختند. همچنین نمایندگان زن مجلس طی مصاحبه‌هایی به دفاع از دیدگاه ضد زن مجلس پرداختند.

در این زمینه می‌توان به ماده ۹ طرح جمعیت و تعالی خانواده اشاره کرد که بر اساس آن در تمامی بخش‌های دولتی و غیر دولتی اولویت استخدام به ترتیب با مردان دارای فرزند، مردان متاهل فاقد فرزند است. به کارگیری یا استخدام افراد مجرد واجد شرایط در صورت عدم وجود متقاضیان متاهل واجد شرایط بلامانع است. همچنین در ماده ۱۰ آمده است ۵ سال پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون جذب افراد مجرد به عضویت هیات علمی در تمامی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و غیر دولتی و معلمان مدارس در تمام مقاطع تحصیلی ممنوع است و تنها در صورت نبودن متقاضی متاهل واجد شرایط با تایید بالاترین مقام دستگاه جذب افراد مجرد بلامانع خواهد بود.

«زنان اساساً به علت وظایف و مسئولیتهای مهمی که در خانواده دارند، فرصت لازم را برای نقش آفرینی در عرصه‌های مدیریتی نداشته‌اند مگر آنکه در این نوع مسئولیتهای خود کسر بگذارند، ممکن است استثنایی وجود داشته باشد اما به عنوان قاعده کلی هنوز زنان ما باید عرصه‌های میانی مدیریتی را تجربه کنند تا توان لازم را برای مدیریتهای کلان در سالهای آینده به دست آورند. به نظر من در شرایط فعلی هیچ ضرورتی ندارد که بخواهیم یک زن را در عرصه‌های مدیریتی کلان مانند وزارت به کار بگیریم. این کار فقط جنبه شعاری دارد و به نفع مصالح کشور نیست.» این سخنان، سخنان یک نماینده زن در مجلس شورای اسلامی، زهره طبیب زاده است که قاعدتا باید حامی حقوق زنان کشور باشد در حالیکه یکی از حامیان سرسخت طرح‌هایی است که به موجب آن زنان خانه نشین و با حذف نقش‌های اجتماعی مجبور به ایفای نقش همسر و مادر هستند.

یکی دیگر از طرح‌هایی که در تیرماه سال جاری در مجلس مورد بررسی قرار گرفت و اعتراضات زیادی را از سوی کارشناسان داشت طرحی بود که بنا بر آن «سقط جنین، عقیم‌سازی، وازکتومی، توبکتومی و هرگونه تبلیغات راجع به تحدید موالید و کاهش فرزندآوری ممنوع است و مرتکب به مجازات مندرج در ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ می‌شود.

گفتنی است ارائه و تصویب چنین طرح‌هایی از بطن اندیشه زنان و مردانی است که به نمایندگی از هفتاد و پنج میلیون ایرانی کرسی‌های مجلس را اشغال کرده‌اند. به طور مثال فاطمه آلیا از دیگر نمایندگان اصولگرای مجلس نیز پیرو درخواست برخی بانوان کشور برای دیدن مسابقات والیبال در استادیوم، صراحتا اعلام کرد «کار زن، بچه دار شدن و تربیت فرزند و شوهر داری است نه دیدن مسابقات والیبال.»

لیلا فلاحتی مدیر گروه مطالعات زنان پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم پیرامون مطرح و به تصویب رسیدن چنین طرح‌هایی معتقد است : در نظر گرفتن تسهیلات ویژه برای مادران را از دیگر عوامل افزایش درصد بیکاری زنان عنوان می‌کند و می‌گوید: «برای یک کارفرما منطقی نیست که نیروی زنی را استخدام کند که پس از ازدواج و باردار شدن مجبور باشد ۹ ماه به ازای عدم حضورش به او حقوق پرداخت کند.

محمد عزیزی استاد دانشگاه در رشته کارآفرینی نیز معتقد است تا زمانیکه دولت از زنان حمایت نکند، هیچکدام از اقدامات آن‌ها به نتیجه نمی‌رسد. زنان کارآفرین هم در بهترین شرایط نیازمند کمک دولت هستند و باید از تسهیلات دولتی بهره ببرند.

او با بیان اینکه ورود به دانشگاه متضمن اشتغال نیست، چراکه دختران و زنان در دانشگاه صرفا تحصیل می‌کنند و دانش تولید را فرا می‌گیرند و آگاهی چندانی از دانشهای مهارتی ندارند که این خود به افزایش نرخ بیکاری در میان زنان کمک می‌کند، توضیح می‌دهد: «برای کارآفرینی و خوداشتغالی باید فضا و بستر لازم از سوی دولت برای این افراد تامین شود به عنوان مثال یک زن خوداشتغال باید بتواند به راحتی وام‌های بانکی با سود پایین دریافت کند. قطعا حمایت دولت در کنار این افراد نباشد، زنان راه به جایی نمی‌برند و امنیت کاری آن‌ها حفظ نمی‌شود.»

در آن سوی ماجرا شهیندخت مولاوردی ، مشاور حسن روحانی در امور بانوان جزء معدود زنانی در بدنه حاکمیت جمهوری اسلامی است که همواره نسبت به محدود شدن بانوان در ایران موضع منفی داشته است. مولاوردی معتقد است درحال حاضر در کشورها توسعه یافته توانمندی زنان و رفع نیازهای راهبردی آن‌ها شامل

اشتغال، نظام سلامت بانوان، آموزش، رفاه مورد توجه قرار دارد و شاخص در توسعه انسانی کشورها، شاخص توانمندسازی جنسیتی است و این شاخص رتبه ایران را به مراتب پایین می‌آورد. وی همچنین می‌گوید «درحال حاضر در کشورها توسعه یافته توانمندی زنان و رفع نیازهای راهبردی آن‌ها شامل اشتغال، نظام سلامت بانوان، آموزش، رفاه مورد توجه قرار دارد و شاخص در توسعه انسانی کشورها، شاخص توانمندسازی جنسیتی است و این شاخص رتبه ایران را به مراتب پایین می‌آورد».

این نابرابری در حالی برسرنوشت زنان ایران تحمیل می‌شود که حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز داشتن شغل را به عنوان حقی برای هر فرد، فارغ از جنسیت در نظر گرفته است. در اصل ۲۸ قانون اساسی مقرر شده است: «هرکس حق دارد شغلی که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید».

—

از لایحه بودجه تا مالیات بر سیگار

2014-12-11 · Archive ID 6549
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6549

بودجه ۹۴ با آرم سازمان احیا شده

عرصه سوم-محمد صادقی: سرانجام حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران، لایحه بودجه سال ۹۴ کل کشور را به مجلس شورای اسلامی ارائه داد.

پس از سال‌هایی که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منحل شد، امسال این سازمان احیا شده و اولین بودجه دولت یازدهم با آرم این سازمان به مجلس ارائه شد.

روحانی در نطق خود در مجلس «کل رقم لایحه بودجه» را «بالغ بر ۸۳۹ هزارمیلیارد تومان» اعلام کرد و گفت «این بودجه نسبت به بودجه سال جاری بیش از چهار درصد افزایش دارد.»

در این لایحه به دلیل کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی، قیمت هر بشکه نفت ۷۰ دلار در نظر گرفته شده است.

روحانی اعلام کرد که سیاست اقتصادیش کاهش نقدینگی، رعایت انضباط مالی و افزایش صادرات غیرنفتی است. رییس جمهوری ایران دولت یازدهم را در زمینه کاهش تورم «موفق» اعلام کرد و گفت: «پیش بینی می کنم که تورم تا پایان سال به کمتر از ۲۰ درصد برسد.»

نکته حائز اهمیت در لایحه بودجه سال ۹۳ افزایش نزدیک به ۳۳ درصدی بودجه نظامی کشور نسبت به دوره های پیشین است.

طبق لایحه بودجه ۹۴، حقوق کارمندان دولت سال آینده به میزان ۱۴ درصد افزایش خواهد یافت که سال جاری این میزان ۲۰ درصد در نظر گرفته شده است.

قیمت دلار در لایحه پیشنهادی بودجه ۲۸۵۰ تومان در نظر گرفته شده است.

سقف درآمد اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها نیز همان 48 هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده و با احتساب این موضوع نشان می‌دهد دولت در لایحه پیشنهادی قصدی برای اجرای فاز جدید هدفمندی یارانه‌ها ندارد و دولت به دنبال ثبات قیمت‌ها در سال آینده است.

همچنین ۱۳۰۰ میلیارد تومان یارانه مسکن و هزار میلیارد تومان برای اشتغال در نظر گرفته شده است که علاوه بر سهم تولید و بهداشت است.

منابع عمومی دولت ۲۲۴ هزار میلیارد تومان است و بودجه شرکت‌ها نیز ۰.۸ افزایش یافته و درآمدهای اختصاصی مؤسسات و شرکت‌ها افزایش داشته است.

کل سقف بودجه نیز ۴ درصد رشد داشته و به ۸۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده است و سقف مصوب امسال ۸۰۳ هزار میلیارد تومان بود.

واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای برای سال آینده ۷۳ هزار میلیارد تومان است که فقط شامل فروش نفت نیست و همراه با فروش اموال و دارایی‌ها محسوب می‌شود. سهم درآمد نفت ۶۹ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

واگذاری دارایی‌های مالی حدود ۳۱ هزار میلیارد تومان که شامل انتشار اوراق مشارکت، اسناد خزانه، صکوک اجاره و فروش شرکت‌ها است. همچنین برای اولین بار صکوک اجاره به صورت مستقل در بودجه استفاده شده است.

واگذاری تملک دارایی‌های سرمایه‌ای که شامل فروش طرح‌های نیمه‌تمام است هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است و واگذاری اموال منقول و غیر منقول ۱۵۰۰ میلیارد تومان است.

اعتبار طرح‌های عمرانی در سال آینده ۴۸ هزار میلیارد تومان خواهد بود که رشد حدود ۱۶ درصدی دارد در حالی که امسال ۴۱ هزار میلیارد تومان بود.

اعتبارات هزینه‌ای ۱۶۶ هزار میلیارد تومان که ۱۱ درصد رشد داشته است.

در شرایطی که قیمت نفت کاهش پیدا کرده است و سهم نفت از بودجه کاهش یافته است سهم طرح‌های عمرانی 16 درصد رشد پیدا کرده در حالی که اعتبارات طرح‌های جاری 11 درصد رشد داشته است.

سهم درآمدهای نفتی در بودجه سال ۹۴، ۳۳ درصد شده است.

درآمد مالیات سال آینده 72 هزار و 500 میلیون تومان خواهد بود.

همچنین درآمدهای گمرک نیز ۱۳ هزار میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.

نمایندگان مجلس از زمان توزیع لایحه بودجه تا مدت ده روز می‌توانند پیشنهادهای خود در خصوص بودجه پیشنهادی را به کمیسیون‌های تخصصی مجلس ارائه کنند و کمیسیون‌های تخصصی باید حداکثر تا ۱۵ روز پس از توزیع لایحه بودجه گزارشهای خود خود را به کمیسیون تلفیق تقدیم کنند.

کمیسیون تلفیق نیز موظف است ظرف ۱۵ روز پس از پایان مهلت دریافت گزارشهای تخصصی، گزارش نهایی بودجه را به نمایندگان ارائه کند.

بررسی لایحه بودجه ۱۳۹۴ در صحن علنی مجلس با ارائه گزارش کمیسیون تلفیق در مورد لایحه بودجه آغاز خواهد شد.



113080

جنجال تخلف میلیاردی دولت

سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس پس از دریافت گزارش دیوان محاسبات، دولت حسن روحانی را متهم کرد که ۴٫۱ میلیارد دلار از حساب صندوق توسعه ملی به صورت غیرقانونی برداشت کرده است.

به گفته غلامرضا کاتب «این مبلغ مطالبه وزارت نفت از محل صادرات نفت بوده که عنوان می‌شود دولت این مبلغ را در پایان سال وصول کرده، اما بعد از تبدیل ارز آن به ریال از طریق بانک مرکزی، این مبلغ را برای پروژه‌های عمرانی هزینه کرده که جمعاً بیش از ده هزار میلیارد تومان است.»

سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه می گوید: «نظر کمیسیون بر این بود که این مبلغ متعلق به صندوق توسعه ملی و سهم این صندوق از نفت بوده، ولی در حوزه عمرانی هزینه شده است.»

این نماینده مجلس می افزاید: ««برداشت ۴٫۱ میلیارد دلاری از حساب صندوق توسعه ملی خلاف مفاد بند ۲-۲ قانون بودجه سال ۹۲ کل کشور است و دولت در برداشت از این صندوق در انتهای سال گذشته تخلف قانونی انجام داده است.»

طبق این بند قانون بودجه سال ۹۲ استفاده از ذخایر ارزی بانک مرکزی و منابع صندوق توسعه ملی به استثنای مجوزهای صادره این قانون برای تأمین نیازهای بودجه کل کشور به هر شکل ممنوع است.

فیاض شجاعی، دادستان دیوان محاسبات، روز هفتم خرداد سال جاری دولت یازدهم را متهم کرد که ۴٫۱ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی به صورت غیرقانونی برداشت کرده است.

رئیس بانک مرکزی، این اتهام را تکذیب کرد و مدعی شد که دولت یازدهم هیچ برداشتی از صندوق توسعه ملی نداشته است.

نوبخت سخنگوی دولت یازدهم نیز در واکنش به این گزارش مدعی شد که صندوق توسعه ملی حساب بانکی متعلق به خود ندارد و حساب‌های این صندوق در بانک مرکزی است.

بسیج و سپاه ضابط امر به معروف شدند

نمایندگان مجلس روز سه شنبه گذشته در ادامه رسیدگی به طرح موسوم به «آمران به معروف و ناهیان از منکر»، بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان «ضابطان اجرای امر به معروف و نهی از منکر» تعیین کردند.

نمایندگان همچنین به ستادهای امر به معروف و نهی از منکر اختیار دادند تا برای تجمع و راهپیمایی مجوز صادر کنند.

به موجب این ماده که با پیشنهاد علی مطهری نماینده تهران مطرح شد، ستاد امر به معروف موظف شد برای اعضای بسیج و سپاه، به عنوان ضابطان امر به معروف و نهی از منکر، دوره آموزشی برگزار کند و به آنها مجوز مخصوص بدهد.

همچنین ماده دیگری از طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر به تصویب رسید و طبق مصوبه مجلس، اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر به ترتیب زیر انتخاب شدند:

1- یکی از ائمه جمعه موقت تهران به انتخاب شورای سیاستگذاری ائمه جمعه به عنوان رئیس ستاد

2- وزیر کشور

3- وزیر اطلاعات

4-وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

5-وزیر آموزش و پرورش

6-وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

7-وزیر صنعت، معدن و تجارت

8-دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس به عنوان ناظر

9-نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه

10- رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

11- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی

12-فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

13-رئیس سازمان بسیج

14-دبیر ستاد ائمه جمعه

15-دو نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه

16-یک نفر مجتهده به انتخاب شورای عالی حوزه‌های علمیه خواهران

17-دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد

شانزدهم مهرماه گذشته با وجود مخالفت دولت و شماری از کارشناسان و شهروندان، کلیات طرح بیست و چهار ماده‌ای حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر از سوی مجلس نهم به تصویب رسید.

پارازیت، مانع هواشناسی

رئیس سازمان هواشناسی ایران بار دیگر اعلام کرد که «پارازیت‌های ارسالی از سوی جمهوری اسلامی برای ممانعت از دریافت برنامه های شبکه های ماهواره ای هم‌چنان مانع تشخیص دقیق در سازمان هواشناسی است.»

داوود پرهیزکار، رئیس سازمان هواشناسی ایران، با اعلام این خبر گفت که «شناسایی امواج مزاحم باید از سوی سازمان تنظیم مقررات رادیویی انجام شود که هنوز در این حوزه اتفاقی نیفتاده است و این سازمان تنها به صورت غیرمستقیم گفته که امواج مزاحم به دلیل سیستم‌های بی‌سیم سطح شهر است.»

چندی پیش در خرداد ماه به دنبال وقوع توفان بی سابقه در تهران که با سرعت بیش از یک‌صد کیلومتر شهر را درنوردید ، رییس سازمان هواشناسی مدعی شد که «میدان دید رادار تهران و برخی دیگر از شهرها به دلیل نویزهای الکترومغناطیسی ناشی از منابع مختلف» بسیار محدود شده است.

لاریجانی: مصوبه دولت خلاف قانون است

علی لاریجانی رئیس مجلس طی نامه‌ای خطاب به حسن روحانی رئیس جمهور مصوبه دولت مبنی بر «اصلاح دستورالعمل و روش اجرایی آیین نامه اخذ عوارض در مناطق آزاد تجاری –صنعتی» را مغایر قانون اعلام کرد.

در این نامه آمده است که «نظر به ماده 10 اصلاحی قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری ـ صنعتی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب 1375 ـ که مقرر می دارد: سازمان هر منطقه می تواند با تصویب هیأت وزیران در مقابل انجام خدمات شهری و ... عوارض اخذ نماید. علیهذا بند 1-11 مصوبه از این حیث که به جای تصویب نامه هیأت وزیران، دستورالعمل مصوب هیأت مدیره را مبنای تعیین عوارض خدمات شهری و دریافت آن می داند، چون مشعر به تغییر مرجع تصویب عوارض خدمات شهری می باشد، مغایر با قانون است. 2ـ بند 3-11 مصوبه یاد شده مبنیاً بر مغایرت مذکور، مغایر با قانون است.»

از مالیات بر سیگار تا معافیت مساجد و امامزاده ها

نمایندگان مجلس در نشست علنی چهارشنبه گذشته در جریان ادامه بررسی مواد مراعی مانده طرح احکام دائمی لوایح بودجه‌های سنواتی به دولت اجازه دادند تا نسبت به وضع و اخذ عوارض از نوشیدنی‌های قندی تولید داخل، تولید مشترک داخلی، خارجی و نوشیدنی‌های وارداتی اقدام کند.

منابع حاصله به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل‌کشور واریز و طی ردیفی که در قانون بودجه مشخص می‌شود به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیأت وزیران به منظور پیشگیری، آموزش، تغییر سبک زندگی و غربالگری بیماران دیابتی و بیماران قلبی و عروقی، کمک به تشکل‌های غیردولتی ذیربط، پیشگیری از بیماری‌های مشترک انسان و دام توسعه، تکمیل و تجهیز اماکن ورزشی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته و روستاها هزینه شود.

همچنین مقرر شد به منظور ارتقای سلامت جامعه و کاهش مصرف دخانیات نسبت به وضع و اخذ عوارض از خرده فروشی سیگار اقدام کند.

نمایندگان مصوب کردند که درآمد حاصله به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل‌کشور واریز و طی ردیفی که در بودجه‌های سنواتی مشخص می‌شود به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب دولت به منظور کاهش مصرف دخانیات و آموزش پیشگیری و درمان بیماری‌های ناشی از آن، بازتوانی و درمان عوارض حاصل از مصرف آن و توسعه ورزش به خصوص ورزش همگانی در مدارس در اختیار دستگاه‌های ذیربط قرار گیرد.

همچنین به موجب مصوبه مجلس فضای اصلی مساجد، حسینیه‌ها، موسسات قرآنی، حوزه‌های علمیه، گلزارهای شهدا، امامزاده‌ها و خانه‌های عالم روستاها، معابد اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از هزینه مصارف ماهانه معاف هستند و شامل موارد تجاری وابسته به آنها خواهد شد.

تجمع اعتراضی کارکنان اداره برق

شماری از کارکنان اداره برق شهرستان تهران روز سه‌شنبه 18 آذر ماه در اعتراض به بی‌عدالتی در پرداخت حقوق و همچنین لحاظ کردن بازنشستگی‌شان از سوی این اداره مقابل مجلس تجمع کردند.

به گفته یکی از تجمع کنندگان اداره برق شهرستان تهران با لحاظ نکردن عدالت در پرداخت حقوق کارمندان، همچنین رعایت نکردن زمان بازنشستگی افراد سبب نارضایتی کارکنان شده است.

طرح ممنوعیت اشتغال

طرح ممنوعیت اشتغال به بیش از یک شغل اعاده شده از شورای نگهبان بار دیگر مورد بررسی نمایندگان مجلس نهم قرار گرفت.

در جریان بررسی این طرح، علی لاریجانی رئیس مجلس خطاب به نمایندگان گفت: «اگر شما نظرتان اصرار بر مصوبه بود، ما ادامه مسیر را طی کرده و مصوبه به مجمع تشخیص می‌رود، اما اگر نظر شما اصلاح برای تامین نظر شورای نگهبان است باید بگوییم که نظر شورای نگهبان تامین نشده، به همین دلیل بهتر است طرح به کمیسیون ارجاع شود تا مجددا مورد بررسی قرار گیرد.»

نمایندگان مجلس پس از اظهارات علی لاریجانی به بازگشت طرح ممنوعیت اشتغال به بیش از یک شغل رأی مثبت دادند.

—

خشم نمایندگان از دولت

2014-12-12 · Archive ID 6555
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6555

عرصه سوم-محمد صادقی: در هفته گذشته لغو سخنرانی شماری از چهره های جریان اصولگرایی از جمله چند تن از نمایندگان اصولگرای مجلس نهم در روز 16 آذر موسوم به روز دانشجو با اعتراض شدید نمایندگان مجلس همراه شد.

سخنرانی حسین شریعتمداری، نماینده ولی فقیه در موسسه کیهان، حمید رسایی، علیرضا زاکانی و محمود نبویان سه تن از نمایندگان مجلس و محمدرضا میرتاج‌الدینی، معاون پارلمانی دولت احمدی نژاد در دانشگاه‌ها به مناسبت روز ۱۶ آذر لغو شده است.

احمد توکلی ، نماینده اصولگرای مجلس روز یکشنبه ۱۶ اذرماه درباره لغو این سخنرانی ها با بیان این که «این روش نه با اسلام سازگار است نه با قانون اساسی و نه با ادعای دولت مبنی بر رعایت اعتدال.» گفت : « من متاسفم که جلوی سخنرانی امسال آقای شریعتمداری گرفته می‌شود؛ صرف نظر از اینکه ما با افکار ایشان موافق باشیم یا مخالف، باید بگویم که آقای شریعتمداری شخصیتی با سابقه سیاسی است و اگر قرار باشد صدای او به گوش دانشجویان نرسد پس صدای چه کسی باید به دانشجویان برسد؟ و یا مثلاً آقای زاکانی؛ ایشان به عنوان جانبازی که از سال‌های نوجوانی در سیاست و مبارزه بوده که اگر ایشان را نگذارند سخنرانی کند پس چه کسی باید در جمع دانشجویان سخن بگوئید؟»

مهدی موسوی‌نژاد دیگر نماینده اصولگرای مجلس نیز با اشاره به لغو سخنرانی تعدادی از چهره های سیاسی مخالف دولت در دانشگاه‌ها گفت : «این قبیل اقدامات حاکی از یک نوع تنگ‌نظری و جهت‌گیری در حوزه فکری و مدیریتی دانشگاه‌هاست و آنچه پیش از این در مورد آن هشدار داده شده بود، همین موضوع است.»

اما تندترین واکنش به این رویداد از سوی حمید رسایی در صحن علنی مجلس رخ داد.

این نماینده تندرو در تذکری شفاهی در صحن علنی در انتقاد از دولت حسن روحانی گفت : «آقای روحانی فقط خودش صحبت کرد و باز هم به مجلس حمله کرد، چند ماه قبل هم زمان بازگشایی دانشگاه‌ها همین اتفاق افتاد و آقای روحانی ابراز تأسف کرد که چرا برنامه‌ریزی جلسه به شکلی بوده که برای تشکل‌ها وقت نگذاشته‌اند.»

رسایی ادامه داد: «ایشان می‌گویند من آمده بودم به دانشگاه برای شنیدن نه حرف زدن؛ آقای روحانی چرا امروز تأسف دیروز خود را جبران نکردید؟ اگر قرار است رئیس جمهور روز دانشجو برود به دانشگاه و برای کارمندان صحبت کند خب روز کارمند بروند به دانشگاه چرا روز دانشجو می‌روند؟»

نماینده تهران با اشاره به بخشی از سخنرانی رییس جمهور در روز دانشجو گفت: «ایشان در دانشگاه می‌گویند اقلیتی خوشحال نیستند، بروند خوشحالی‌شان را جای دیگر جبران کنند؛ آقای روحانی! برو داخل صف نانوایی تا ببینی آن اقلیتی که خوشحال نیستند چه کسانی هستند و چرا خوشحال نیستند؟»

حمید رسایی با اشاره به 30 شاخصی که مشاور رئیس جمهور برای جامعه زنده معرفی کرده ، گفت: «او می‌گوید جامعه‌ای زنده است که دانمارک به شهروندان آن ویزا دهد.؛ چقدر خودباختگی و غرب‌زدگی! تقی‌زاده ملعون سرش را از گور بیرون آورده است و می‌گوید دارید روی مرا سفید می‌کنید.»

این روحانی تندرو در مجلس نهم نطق جنجالی خود را این گونه به پایان برد: «غرب زده‌ها! ای کسانی که به اسم اعتدال نفوذ کرده‌اید، این اعتدال نیست کاریکاتور اعتدال است، دروغ است دروغ.»



5756_640

هشدار یک نماینده مجلس به معصومه ابتکار

مجتبی رحماندوست نماینده تهران، به دلیل آلودگی هوای تهران طی روزهای اخیر، از عملکرد معصومه ابتکار معاون رییس جمهور انتقاد کرد.

این نماینده مجلس، رییس سازمان محیط زیست را به سیاسی کاری متهم کرد و گفت : «بهتر است ایشان به جای سیاسی کردن مسائل از جمله موضوع بنزین‌های تولیدی و وارداتی اقدام عملی در جهت حل مشکل آلودگی هوا به ویژه در کلان شهر تهران را در دستور کار خود داشته باشد.»

رحماندوست افزود: |«با توجه به سابقه و تجربه کاری خانم ابتکار، وی می‌داند که اولین اقدام به منظور کاهش آلودگی هوا چیست و به خوبی می‌تواند این مشکل را با تدبیر حل و فصل کند و این در صورتی است که از

هرگونه سیاسی کردن امور جلوگیری کند که در این صورت است که علیرغم همه اظهارنظرها اقدامی صورت نمی‌گیرد.»

عضو مجمع نمایندگان تهران خطاب به معاون حسن روحانی گفت: «خانم ابتکار بداند اگر دیگران هم سعی در سیاسی کردن موضوع محیط زیست داشتند وی از این امر پرهیز کند و خود را از این گونه مسائل کنار بکشد که اینگونه اظهارات و اقدامات برای مردم هوای پاک نمی‌شود.»

ادامه جنجال نان در مجلس

در ادامه انتقادات شدید نمایندگان مجلس از دولت یازدهم در پی افزایش قیمت نان طی روزهای اخیر این بار رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نهم با بیان اینکه «قوت لایموت درصد قابل توجهی از شهروندان ما به خصوص در استان‌های محروم نان است»، گفت : «برخی از مردم مستضعف ما در وعده‌های غذایی خود از نان امرار معاش می‌کردند که با افزایش قیمت گویا ما می‌خواهیم نان را از آنها بگیریم.»

حسینعلی شهریاری با اشاره به مصوبه مجلس درباره عدم اختصاص یارانه به ثروتمندان داده نشود، گفت: «دولت محترم به جای آنکه فشار را به تمامی مردم بیاورد، یارانه افراد پردرآمد را قطع و به بخش نان اختصاص دهد.»

شهریاری دولت حسن روحانی را به بی تدبیری متهم کرد و گفت: «یکی از بخش‌هایی که تعلق گرفتن یارانه به آن اصولی، مهم و ضروری بود بخش نان محسوب می‌شد که متاسفانه با بی‌تدبیری دولت تدبیر و امید این یارانه از مردم گرفته شد.»

—

از مخالفت با ساخت جاده در جنگل ابر تا درخواست آزادی رهبران جنبش سبز

2014-12-13 · Archive ID 6560
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6560

مخالفت نهادهای مردمی با ساخت جاده در «جنگل ابر»

اعضای شبکه سازمان های مردم نهاد استان سمنان در بیانیه ای با احداث جاده جدید در جنگل ابر مخالفت کردند.به گزارش ایرنا نشست این شبکه روز یکشنبه با حضور مدیر کل حفاظت محیط زیست استان سمنان و نمایندگان ۱۳ تشکل زیست محیطی در این اداره برگزار شد و اعضا در بیانیه‌ای با احداث جاده جدید درجنگل ابر مخالفت کردند.

در این بیانیه که توسط نماینده تشکل ها قرائت شد آمده است: ما طبیعت دوستان ایران در ۱۰ سال گذشته دلاورانه و غیورانه از جنگل ابر که یک ناحیه بی نظیر اکوتون جنگلی است، دفاع کرده و این امانت را به آیندگان هدیه می دهیم.

در بخش دیگری آمده است: صد البته عنایت و حمایت رهبر معظم انقلاب را نیز درکنار خود داشته و آماده تر از هر زمانی ایستاده ایم تا به یادتان بیاوریم که ما زنده‌ایم و در صحنه‌ایم و احداث جاده در جنگل ابر را نمی پذیریم.

در این بیانیه ایران در زمره فقیرترین کشورها از نظر سرانه جنگل و فضای سبز – یک چهارم سرانه جهانی - عنوان و گفته شده است: از جنگل های موجود که کمتر از ۷ درصد خاک کشور را شامل می شود نباید کاسته شود، حال آنکه جاده غیرضروری در جنگل ابر طبق برآورد کارشناسان سازمان جنگل‌ها، صدها هکتار از جنگل و یک میلیون درخت و نهال را نابود می کند.
در بند دو این بیانیه آمده است: شاهرود چهار راه اصلی مواصلاتی به شهرهای شمال کشور دارد (دو

برابرکلانشهر تهران) و این شهر ۳۰۰ هزار نفری نیازی به راه جدید به شمال کشور ندارد و اگر هزاران میلیارد ریال بیت المال قرار است فقط صرف راهسازی شود بهتر است برای ارتقاء کیفیت این راه ها هزینه شود نه افزودن به تعداد راه های بی کیفیت که بلای جان هموطنان است بویژه آنکه جاده ابر هیچ مزیت اقتصادی نیز ندارد



c7ecf74274218d8510bc7180bbc88ed4

مسابقه فوتبالِ تیم‌های انجمن حمایت از کودکان کار و ستارگان سینما وموسیقی

هفدهم آذرماه سال ۱۳۹۳ مسابقه فوتبالِ تیم‌های انجمن حمایت از کودکان کار و ستارگان سینما وموسیقی به میزبانی تیم هنرمندان در زمین فوتبال شهرداری برگزار شد. به گزارش وبسایت انجمن حمایت از کودکان کار علی‌رغم تلاش تحسین‌برانگیز تیم انجمن، نتیجه بازی دو بر یک به سود تیم هنرمندان تمام شد که از حضور ستارگانی چون فرهاد جم و علی لهراسبی بهره‌مند بود؛ حضوری که به همراه تشویقِ پرحرارت طرفداران حاضر، طعم تلخ شکست را به خاطره‌ای شیرین و فراموش‌نشدنی برای همه تبدیل کرد و باعثِ ترغیبِ بچه‌های انجمن به رویارویِی دیگری با هنرمندان در مسابقه‌ای به میزبانی انجمن حمایت از کار در آینده‌ای نزدیک شد.

انجمن حمایت از کودکان کار یک نهاد مردمی است که هدف اصلی خود را حمایت از کودکان کار عنوان کرده است. این انجمن در بخش معرفی خود آورده است : این نهاد غیر دولتی، غیر سیاسی و غیر انتفاعی است و به منظور ایفای مسوولیت اجتماعی و انسانی خود و با هدف حمایت از کودکان کار و کودکان در معرض آسیب از مرداد ماه سال ۱۳۸۱ با مجوز رسمی وزارت کشور و شماره ثبت ۱۴۶۰۷ تلاش خود را در این عرصه آغاز نموده است و بدون در نظر گرفتن ملیت، قومیت، جنسیت، رنگ، نژاد و مذهب به کودکان کار و در معرض آسیب، خدمات آموزشی و حمایتی خود را به صورت رایگان ارایه میدهد.

۲۶ آذر اکران "گلنار" به نفع کودکان کار

انجمن حمایت از کودکان کار همچنین در روز ۲۶ آذر فیلم سینمایی " گلنار" را در حمایت از کودکان کار اکران خواهد کرد. وبسایت این انجمن با انتشار این خبر نوشته است : در ادامه ی برگزاری برنامه های تقویم فرهنگی روابط عمومی انجمن حمایت از کودکان کار برنامه ی اکران های سینمایی این تقویم با عنوان "فصل خاطره ها" در فصل پاییز برقرار بود. اولین اکران این برنامه فیلم سینمایی "شهر موشها ۱و۲" در تاریخ چهارشنبه ۱۶

مهرماه همزمان با روز جهانی کودک در دو سانس از ساعت ۱۷ تا ۲۰ برگزار شد و اکران دوم از این مجموعه فیلم " دزد عروسک ها " در ۲۱ آبان ماه اکران شد.

اکران سوم این مجموعه که آخرین اکران در فصل پاییز خواهد بود فیلم "گلنار" به کارگردانی کامبوزیا پرتوی و تهیه کنندگی خانم طائرپور در تاریخ ۲۶ آذر ماه ساعت ۱۸:۳۰ در سینما تک پردیس سینمایی قلهک برگزار خواهد شد. این برنامه با حضور عوامل فیلم و جلسه ی گفتمان برگزار می شود. برای تهیه بلیت می توانید به سایت سینما تیکت و پردیس قلهک مراجعه نمایید.

بازارچه خیریه در آخرین روزهای آذر

موسسه خیریه "یاوری سبز" با هدف جمع آوری کمک به نفع خانواده های تحت پوشش این موسسه ، بازراچه نیکوکاری برگزار می کند. به گزارش وبسایت موسسه خیریه یاوری سبز، این بازارچه نیکوکاری مجتمع یاس در روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۷ و ۲۸ آذر ماه ۱۳۹۳ در مجتمع یاس و از ساعت ۱۱ الی ۹ شب برپا خواهد شد.

در بخش معرفی موسسه خیریه "یاوری سبز" آمده است که :" موسسه خیریه یاوری سبز ثبت شده به شماره ۱۵۶۷۸ موسسه ای مستقل است که به هیچ سازمان و تشکیلاتی از قبیل سازمان بهزیستی یا کمیته امداد و غیره وابسته نیست و در طول چند سال فعالیت مستمر خود که تمامی حاصل کمک های اعضاء و خیرین می باشد کوشیده با تحت پوشش قراردادن تعداد زیادی خانواده نیازمند در مناطق محروم علاوه بر رفع نیازهای اقتصادی و بهداشتی – درمانی، خانواده نسبت به رفع کمبودهای فرهنگی و ارتقای سطح فکری و درسی فرزندان آنان که غالبا" از ایتام می باشند در خصوص فقر زدایی در مفهوم عمیق و واقعی آن گام بر دارد."

مکان برگزاری این بازراچه نیکوکاری: خ نیاوران - بعد از سه راه یاسر - خ تبریزی - خ محمودی دو - کوچه امین - مجتمع مسکونی یاس

محصوران و زندانیان سیاسی، قربانیان نقض حقوق بشر هستند

عرصه سوم: در هفته گذشته کانون مدافعان حقوق بشر بر لزوم شکسته شدن حصر خانم زهرا رهنورد و آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروبی و آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی تاکید کرد و خواهان بسط و گسترش زمینه‌های طرح آزادانه نظرها و تضمین امنیت برای صاحبان آرا و منتقدان و همچنین امنیت شهروندان در انجام فعالیت های مدنی شد.

این سازمان مدافع حقوق بشر در اطلاعیه ای که همزمان با روز جهانی حقوق بشر صادر کرده، حصر خانگی را مصداق نقض حقوق بشر دانست و از دولت خواست تا تمام تلاش خود را برای پاسخگویی به مطالبات مردم که بخشی از آنها آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر از رهبران جنبش سبز- آقایان موسوی و کروبی- است، به کار گیرد.

در اطلاعیه کانون مدافعان حقوق بشر که در وب سایت این سازمان مردم نهاد منتشر شده، به آمار بالای قربانیان نقض حقوق بشر در سال های اخیر در حوزه آزادی بیان و عقیده و فعالیت در عرصه جامعه مدنی اشاره و تصریح شده که دربند کردن فعالان جامعه مدنی در عرصه های مختلف و همچنین منتقدان با گرایش‌های مختلف فکری و سیاسی دلیل نبود آزادی بیان و عقیده است.

کانون مدافعان حقوق بشر تصریح کرده که نبود آزادی بیان و عقیده، نقض فاحش حقوق بشر است؛ زیرا آزادی بیان و عقیده و آزادی انجام فعالیت های مدنی از مبرم ترین نیازهای جوامع بشری است که اساسی ترین حقوق انسان ها به شمار می آید.

کانون مدافعان حقوق بشر یک نهاد غیردولتی است که در سال ۱۳۸۰ و توسط پنج وکیل دادگستری به اسامی خانم شیرین عبادی ، آقایان محمدعلی دادخواه ، محمد سیف زاده ، محمد شریف و عبدالفتاح سلطانی شکل گرفت . در هنگام شکل گیری این کانون، چهارتن از موسسین به علت دفاع از پرونده های متهمان سیاسی – عقیدتی مواجه با محکومیت به تحمل حبس ودر آستانه اعزام به زندان بودند که در مرحله تجدیدنظر، مجازات

حبس دو نفر ازآنان تبدیل به جزای نقدی شد ولی دو نفر دیگر یعنی آقایان عبدالفتاح سلطانی ومحمدعلی دادخواه هر کدام برای مدتی به چهار ماه در زندان اوین بسر بردند.

دفاع رایگان ازمتهمان سیاسی – عقیدتی و دفاع از خانواده آنها، تنظیم وانتشار گزارش فصلی وسالانه وضعیت حقوق بشر در ایران، ایجاد نهادهای مردمی حقوق بشری و برگزاری نشست های مطبوعاتی از مهمترین اهداف این کانون است.

پایان موفق اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق پس از پنج روز

بیش از ۲۶۰ نفز از کارگران معدن کوشک بافق در استان یزد که به نشانه اعتراض به عدم پرداخت حقوق و بعضی مزایای جانبی از ابتدای هفته جاری دست از کار کشیده بودند، با مداخله فرمانداری و اداره کار شهرستان بافق در مذاکره با کارفرما و دریافت وعده پرداخت حقوق معوقه‌شان تا ۲۶ آذر، کار در این معدن را در نوبت کاری صبح پنج شنبه از سر گرفتند. این کارگران با وعده کارفرما مبنی بر رسیدگی به مطالبات معوقه کارگران به اعتصاب پنج روز گذشته خاتمه دادند و فعلا به کار بازگشته‌اند.

به گزارش کلمه و به نقل از خبرگزاری کار ایران، ایلنا، کارگران معدن بافق که اعتصاب خود را از روز ۱۵ آذر آغاز کرده بودند خواستار «پرداخت به موقع حقوق و مزایای ماهانه که هم اکنون نیز به تعویق افتاده است، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، رسیدگی کافی به سلامت کارگران و انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی لازم، توجه به مسائل رفاهی و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در محل معدن، پرداخت حق سختی کار، حق جذب سرب و هزینه‌های غذایی، امنیت شغلی، عدم استفاده از دستگاه‌های فرسوده در معدن و همچنین استاندارد سازی سیستم‌های برق و آب و تهویه» شده بودند.

هرچند که در سومین روز از اعتصاب، کارفرمای معدن، یک ماه از سه ماه حقوق معوقه کارگران را پرداخت کرد اما کارگران از اعتصاب دست نکشیدند و اینک با موافقت با همه مطالبات‌شان از سوی کارفرما، دوباره به کار بازگشتند.

گفته می‌شود مدیریت معدن با پرداخت ۱ ماه از ۹۰ روز حقوق به تأخیر افتاده کارگران در سومین روز اعتصاب و وعدهٔ رسیدگی به سایر مطالبات تا ۲۶ آذر ماه در پنجمین روز این اعتراض صنفی توانسته است کارگران را متقاعد کند که تا زمان وعده داده شده، به کار بازگردند.

در همین رابطه «مهدی طلایی مقدم» فرماندار شهرستان بافق در گفتگو با ایلنا، از پیگیری مطالبات کارگران در فرمانداری بافق خبرداد و گفت: روز گذشته طی جلسه‌ای که در محل فرمانداری با حضور معاون فرماندار، کارفرمای معدن کوشک، رئیس اداره کار و برخی دیگر از روسای ادارات و نماینده کارگران تشکیل شد، در نهایت مقرر شد که مطالبات حقوقی آبان ماه کارگران معدن کوشک بافق، حداکثر تا ۲۶ آذر ماه پرداخت شود، همچنین مقرر شد در جلساتی که در اداره کار تشکیل می‌شود در ارتباط با مواردی از اجرای قانون کار و مشکلات کارگری که جزء خواسته‌های کارگران بود توسط رئیس اداره کار شهرستان بافق بررسی شود.

فرماندار بافق در ادامه افزود: با پیگیری‌هایی که انجام شد فعلا حقوق یک ماه از مجموع [سه ماه] مطالبات معوقه کارگران توسط کارفرما پرداخت شده، اما باید در نظر بگیریم که باقی خواسته‌های کارگران باید به تدریج مرتفع شود و با فرصتی که به کارفرما داده‌ایم انتظار داریم سریعا به این مشکلات رسیدگی کنند.

طلایی مقدم اضافه کرد: با توجه به روند جلسه و تصمیمی که در نهایت گرفته شد قرار بر این شد که کارگران از امروز در محل کار حاضر شوند تا در اسرع وقت بقیهٔ مطالباتشان پیگیری شود. وی تصریح کرد: خوشبختانه با مساعدت کارگران، آن‌ها فعلا به کار بازگشته‌اند و امیدواریم بارفع مشکلات زودتر به مطالباتشان دست یابند.

عمده‌ترین مطالبات کارگران معدن کوشک بافق اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، توجه به مسائل رفاهی و رعایت نکات ایمنی و بهداشتی در محل معدن، پرداخت حق سختی کار و حق پله و تونل، حق جذب سرب و هزینه‌های غذایی، برخورداری از امنیت شغلی و افزایش مدت قراردادهای منعقده، عدم استفاده از دستگاه‌های فرسوده در معدن و همچنین استاندارد سازی سیستم‌های برق و آب و تهویه و نامناسب بودن امکانات خانه بهداشت، پرداخت اضافه کاری طبق قانون و مواردی از این دست عنوان شده بود. همچنین کارگران خواهان

رسیدگی کارفرما به وضعیت پرداخت دیهٔ دو کارگر این معدن که سال گذشته در حین کار در این معدن کشته شده بودند، هستند.

همچنین یکی از کارگران معدن کوشک در گفتگویی ضمن ابراز امیدواری از پیگیری روند رسیدگی به وضعیت کارگران این معدن در فرمانداری بافق به گفت: در حال حاضر کارگران به امید اینکه وضعیت مطالباتشان توسط فرمانداری دنبال می‌شود و تعهداتی که کارفرما به مسولین داده به کار برگشته‌اند اما حقیقت این است که ما هنوز نگرانی‌هایی داریم که تا وصول مطالباتمان باقی خواهد ماند. وی همچنین به پرداخت یک ماه از حقوق کارگران اشاره کرد و گفت: یک ماه از سه ماه حقوق پرداخت شده اما اضافه کاری کارگران به دلیل اعتراض پرداخت نشده است. وی گفت: خواسته ما این است حقوقمان از سوی کارفرما به رسمیت شناخته شود و پس از این اعتراض جدی، اوضاع بهتر از گذشته شود.

در عین حال یکی از کارگران این معدن که در بخش زیر زمین مشغول به کار است در ارتباط با شرایط سخت کار در این بخش گفت: روزانه بیش از ۶۰۰ پله را برای رسیدن به زیر زمین طی می‌کنیم و مجددا باز می‌گردیم و تنها بابت این سختی کار ۶ هزار تومان در ماه دریافت می‌کنیم و این منصفانه نیست.

این کارگر در نظر گرفته نشدن شرایط سختی کار و بی‌توجهی به پرداخت به موقع حقوق و مزایا را تنها یکی از دلایل کارگران برای انجام اعتراض صنفی برشمرد و گفت: هرچند که کارگران معدن کوشک در بین معادن اطراف با کمترین حقوق و دستمزد کار می‌کنند اما شرایط سخت کار و پرداخت نشدن به موقع حقوق و مزایا یکی از دلایل اعتراض آن‌ها بود. وی گفت: شاید عمده‌ترین دلیل کارگران برای اعتراض صنفی این بود که می‌خواستند از سوی کارفرما به رسمیت شناخته شوند و حقوق انسانی‌شان نادیده گرفته نشود. این کارگر افزود: کدام کارگری می‌خواهد کار را تعطیل کند در حالی که اگر چرخ تولید با رعایت حقوق کارگر بچرخد همه سود می‌برند.

انجمن اسلامی دانشگاه تهران: به اسم مبارزه با فتنه، از دانشگاهیان باج می‌خواهند

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم‌پزشکی تهران در بیانیه ای به مناسبت روز دانشجو، با بیان اینکه راه نجات کشور در آرامش و وحدت و آشتی است، خواستار گشایش عرصه نقد و بررسی، آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصرهای غیرقانونی و غیرشرعی شد و تاکید کرد که اینها در این شرایط خواسته همه خردمندان و خیرخواهان است.

به گزارش کلمه ، این تشکل دانشجویی در بیانیه خود تصریح کرده است: آنان که پیش ازین نیز کینه از دانش و دانشگاه به دل داشتند، امروز نیز تیغ بر گلوی دانشگاه نهاده اند. همانان که به اسم مبارزه با فتنه، از دانشگاهیان باج می خواهند تا شایستگان شکیبا را از عرصه دانشگاه کنار زنند و فرومایگان را بر اریکه ها بازگردانند. اینان در میدان سیاست با سایه ها می جنگند، حال آنکه در میدان وجدان های مردم خاکریزهایشان پی در پی در حال سقوط است.

متن کامل این بیانیه در پی می آید:

بسم الله الرحمن الرحیم

شانزدهم آذر یادواره ای است برای ما دانشجویان تا با الهام از یک نقطه درخشان در طول تاریخ دانشگاه، امروز و فردای خود را روشن سازیم. شانزدهم آذر به ما می آموزد که نباید بر سر استقلال و آزادی و ایمان خود معامله کنیم. به ما می آموزد که از کاشانه خویش در برابر تهاجمات، مردانه تاپای جان بایستیم و دفاع کنیم.

ما دانشجویان از آن سه آذر اهورایی آموختیم که در برابر تجاوز به حریم دانش و دانشگاه ساکت نمانیم و نخواهیم ماند. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران بارها در برابر آنانکه حرمت و امنیت دانشجویان را به جیفه قدرت و سیاست فروختند و خواستند دانشگاه را به میدان قدرتنمایی خود بدل سازند فریاد دادخواهی برآورده اما گوش شنوایی نیافته است. اگر در واقعه حمله به کوی دانشگاه تهران بجای ایراد قضایای مهمله، عاملان و آمران را معرفی و مجازات می کردند، راه برتکرار فجایعی چنین بسته می شد.

آنان که پیش ازین نیز کینه از دانش و دانشگاه به دل داشتند، امروز نیز تیغ بر گلوی دانشگاه نهاده اند. همانان که به اسم مبارزه با فتنه، از دانشگاهیان باج می خواهند تا شایستگان شکیبا را از عرصه دانشگاه کنار زنند و فرومایگان را بر اریکه ها بازگردانند. اینان در میدان سیاست با سایه ها می جنگند، حال آنکه در میدان وجدان های مردم خاکریزهایشان پی در پی در حال سقوط است.

درس بزرگ شانزده آذر همین است؛ دانشگاه عرصه خودنمایی اقتدارگرایان نیست. دانشگاه نمی خواهد جیره خوار قدرتمندان و دست نشانده سیاست بازان باشد، بلکه می خواهد تا گام در مسیر استقلال نهد؛ می خواهد تا اداره امور خود را، خود بدست گیرد. آیا اساتید و دانشجویان لایق آن نیستند تا متصدیان امور دانشگاه را خود انتخاب کنند؟

ره آورد مدیران و روسای سفارشی جز ازدست رفتن استقلال و آزادی دانشگاه و عدالت آموزشی چه بوده است؟ جز آنکه حق تحصیل و فرصت بورسیه های آموزشی را به جایزه ای به پاس خوش خدمتی نورچشمی هایشان بدل کردند.

حق تحصیل در دانشگاه اگر تنها تابع صلاحیتهای علمی نباشد، اگر گرایش فکری و فرهنگی، و سیاسی و مذهبی، و جنسیت و قومیت و سوابق خدمت بدان تعلق گیرد، دانشگاه به باشگاه باجگیران بدل خواهد شد. چه اینکه با روشهای سلیقه ایِ جذب دانشجو و هیأت علمی و اعطای بورسیه های بدون آزمون و توصیهای، می رفت تا چنین شود.

اشتیاق بیش از اندازه به توسعه کمی دانشگاه و بالابردن آمار مقالات و شمار دانشجویان و اساتید و پردیس های دانشگاهی، گره آموزش عالی را نه تنها نمی گشاید، که کورتر می کند. راه حل مشکل وابستگی مالی دانشگاه را باید در پیوند دانشگاه با صنعت و تجارت جست، نه تبدیل دانشگاه به بنگاه تجاری. توسعه کمی هرچند لازم است اما چنانچه متوازن و همآهنگ با رشد کیفی نباشد، گره بر گره می افزاید.

خواستهٔ ما از متصدیان دستگاه آموزش عالی آنست، که روند اصلاح رویه های ناصواب را فرونگذارند. پیگیری فسادهای رخ داده از جمله در جریان بورسیه های غیرقانونی ونیز رسیدگی به تظلم خواهی دانشجویان و اساتید مظلوم ضامن احقاق حق دانشگاه است. اگر رویکرد حق طلبانه وزیران دانا همچنان تداوم یابد، امید می رود که فرجی در امر دانشگاه حاصل شود.

کسانی که امروز به حال دانشگاه دلواپس شده اند، باید نگاهی به گزارش بورسیه های غیر قانونی بیندازند. کسانی که دم از مبارزه با فتنه می زنند، ای کاش لحظه ای وجدان های خود را به داوری بگیرند: آیا لب گشودن به اعتراض و انتقاد، فتنه گریست، یا تباه کردن سرمایه های کشور به پای ماجراجویی ها و خودنمایی ها؟

کسانی که خود را پرچم دار مبارزه با فتنه می دانند، مدتهاست از خطوط قرمز خودخوانده عبور کرده و فتنه ها در دامن پرورده اند. اینان همانهایی هستند که در برابر مذاکرات و تلاشها برای رفع تحریم از کشور صف آرایی می کنند؛ تحریمها و هزینه هایی که نه حاصل ایستادگی بر حق ملت، که دسترنج دوره زمامداری خود آنهاست. در برابر مجموعه آموزش عالی کشور سنگ اندازی می کنند و در رجزخوانی های هر روزه شان تهدیدهای باج خواهانه را از قلم نمی اندازند.

امروز به لطف آگاهی و مشارکت ملت گشایش هایی چند حاصل شده که سزاوار سپاس و ستایش است. آحاد مردم، به ویژه دانشگاهیان و نخبگان، "امید" خود را که بذر هویت ایشان است، نزد دولت مردان به ودیعت نهاده اند. انتظار مردم از دولتمردان آن است که در برابر فشارها و نزاع ها، و تنگ نظری ها و تندروی هایی که وجدان جامعه را آزرده است، پشتیبان مردم باشند. در برابر میر غضب ها و محتسب هایی که دگر اندیشان را با ابروان گره کرده به طعن و لعن می رانند و دین و دولت را بدنام می کنند، هم روشنفکران و هم دولتمردان وظیفه ای خطیر دارند. اینان به اسم "امر به معروف و نهی از منکر" درمیان قشرهای گوناگون جامعه شکاف و تفرقه ایجاد می کنند. اصل اصیل امر به معروف و نهی از منکر ضامن قوام عرصه عمومی نقد و بررسی در جامعه است، نه توجیهی برای خشونتها و تنگ نظری ها. اگر حقیقتا به این آموزهٔ مترقی باور دارند چرا هرروز عرصه را برای منتقدان تنگ تر و تنگ تر می کنند؟ قطعا جریان های تندرو در برابر گشایش فضای نقد مقاومت می کنند، اما باید در نظر داشت عقب نشینی در برابر عربده های زیاده خواهان راه به جایی نمی برد.

چرا امروز دانشجویان منتقد همچنان باید از حق تحصیل محروم شوند؟ چرا کسانی به جرم ابراز عقیده و اظهار مخالفت باید همچنان در بند باشند؟ چرا بر خلاف نص صریح اصول متعدد قانون اساسی، همچنان مجازاتهای بدون دفاعیه، بدون محاکمه، بدون شاهد و بدون قاضی صالح و بی طرف در حال اجراست؟ مگر نه اینکه اجرای عدالت در گرو استقلال دستگاه قضاست؟ هیچ یک از مسوولان کشور از جمله روسای سه قوه فراتر از نظارت و پاسخگویی به ملت نیستند. ای کاش بدانند آن هنگام که قلم به محکومیت معترضان می فرسایند و زبان به تهدید منتقدان می گشایند، یک یکِ بندهای قانون اساسی را به بند می کشند.

اصلی ترین مطالبه ما، و بلکه اساسی ترین حق و در عین حال وظیفه همه ما یک حرف است: اجرای بدون تنازل قانون اساسی؛ و دریغ که این مهم همچنان بر زمین مانده است. امروز عاقلان از هر گروه و گرایش سیاسی، راه نجات کشور را در آرامش و وحدت و آشتی می بینند. خالی کردن میدان، عرصه را برای تندروی ها مهیا می کند. گشایش عرصه نقد و بررسی، آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصرهای غیرقانونی و غیرشرعی در این شرایط خواسته همه خردمندان و خیر خواهان است.

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

—

اعتراض صنفی صدها پرستار، تهدید نهادهای دولتی!

2014-12-15 · Archive ID 6569
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6569

عرصه سوم: به گزارش ایلنا صبح امروز بیش از ۷۰۰ نفر از پرستاران کشور در اعتراض به اختلاف درآمد پرستاران و پزشکان و همچنین تعلل دولت در تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری دست به تجمع زدند.

معترضین حاضر در مقابل ساختمان ریاست جمهوری که برای شرکت در این تجمع از استان‌هایی چون تهران، اصفهان، مازندران و گیلان به تهران آمده بودند مدعی‌اند که پرستاران بیشتری عازم این تجمع بوده‌اند اما بسیاری از آنان پس از تماس یکی از نهادهای دولتی با بیمارستان‌های محل خدمت‌شان از شرکت در این اعتراض منصرف شده‌اند.

پرستاران در تجمع امروز علاوه بر طرح مطالبه اصلی و قدیمی‌شان در ارتباط با اجرای قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری، خواستار توجه به کمبود نیروی پرستاری در بیمارستان‌ها و بخش‌های مختلف کادر پرستاری شدند.

عمده‌ترین شعارهایی که در پارچه نوشته‌های معترضین به چشم می‌خورد شامل «ما ۹۳ درصد هستیم»، «وال استریت واقعی در نظام سلامت ایران، ۵ درصد تیم درمان ۹۵ درصد درآمد را می‌برند»، «ما به بی‌عدالتی اعتراض داریم»، «بی‌توجهی مسئولان افزایش، مهاجرت پرستاران» و... است.



38639

محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستار نیز که هفته گذشته حکم تبعید شغلی اش به اتهام برگزاری تجمع اعتراض آمیز آبان‌ماه پرستاران مقابل مجلس صادر شده بود، در جمع معترضین حضور داشت.

در انتهای این گردهمایی «محمد شریفی مقدم» دبیرکل خانۀ پرستار در جمع معترضان حضور یافت و مطالبات جامعۀ پرستاری را بیان کرد. این فعال حقوق صنفی پرستاران که در میان ابراز حمایت معترضین سخنرانی می‌کرد، دلیل تجمع امروز را پیگیری مطالبات پرستاران از طرق قانونی اعلام کرد و گفت : افرادی که امروز از شهرهای دور و نزدیک به این تجمع آمده‌اند کسانی هستند که خواستار پیگیری و تحقق مطالبات جامعه پرستاری از طرق قانونی هستند.

وی علت این تجمع را بی‌توجهی مسولین وزارت بهداشت به حوزۀ پرستاری دانست و گفت: بیش از ۸۰ درصد از خدمات بهداشتی درمانی توسط جامعه پرستاری ارائه می‌شود، اما همواره در دولت‌های مختلف مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌ایم ولی امروز به جایی رسیده‌ایم که پرستاری زمین گیر شده است.

وی ادامه داد: متاسفانه امروز علی رغم تمام تلاشی که نیروهای پرستاری انجام می‌دهند اما مریض و پرستار هر دو از خدمات بهینۀ بهداشت و درمان برخوردار نیستند.

دبیر کل خانه پرستار علت این امر را ساختار پوسیده و نخ نمای وزارت بهداشت دانست و گفت: تمام پست‌های مدیریتی و ریاستی وزارت بهداشت توسط عدۀ معدودی که شاید به ۵ درصد هم نرسند اشغال شده است. این تنها به خاطر منفعت طلبی‌های شخصی بوده است.

شریفی مقدم انحصاری بودن اختصاص پست‌های مدیریتی و ریاست در بیمارستان‌ها را تقبیح کرد و گفت: آیا فقط یک جراح یا فوق تخصص با این همه دغدغه‌ای که دارد باید رییس بیمارستان باشد، جراحی که مرتب دغدغه‌ای بالا و پایین شدن ویزیت‌های مطبش را دارد چگونه می‌تواند رییس خوبی برای یک بیمارستان باشد. ما در اینجا از نهاد ریاست جمهوری می‌خواهیم که بالاخره یک حد و حصری برای اشتهای سیری ناپذیر برخی از پزشکان مشخص کند. سیستمی که الان در وزارت بهداشت حاکم است در هیچ جای دنیا سابقه ندارد. آقایان

خود را نابغهٔ پزشکی در خاورمیانه می‌دانند، به عنوان مثال در آمریکا بیش از ۹۰ درصد بخش مدیریتی درمان در اختیار غیر پزشکان است و بیشتر کسانی هستند که در حوزهٔ مدیریت تحصیلات آکادمیک دارند.

دبیرکل خانه پرستار سهم پرستاران از طرح تحول نظام سلامت را اندک دانست و گفت: وقتی طرح تحول سلامت مطرح شد پرستاران استقبال کردند، چون نظام سلامت حداقل در معنای تحت الفظی آن مجموعه‌ای از پزشک و پرستار و بیمار را در بر می‌گیرد. مرحلهٔ اول و دوم اجرا شد و هیچ نتیجه‌ای عاید پرستاری نشد. تعرفه‌های پزشکی به ۴۰۰ درصد افزایش پیدا کرد اما به پرستاران گفتند منتظر بمانید. تجمع هفت آبان شکل گرفت و پس از آن تلاش کردند جمعی از پرستاران را با این توجیه که خدمات پرستاری را در کتاب ارزش گذاری نسبی آورده‌ایم و به زودی مطالباتتان وصول می‌شود ساکت کنند اما نه تنها این اتفاق هنوز نیفتاده بلکه آقایان با ارائهٔ طرح کذایی نظام مبتنی بر عملکرد، عملا پرستاران را وارد فاز جدیدی از ارائهٔ خدمات پرستاری کردند که باید تحت شرایط خاصی کار کنند تا دریافتیشان به ۳ برابر برسد.

وی تصریح کرد: بحث اجرای «نظام مبتنی بر عملکر» با بیشترین بار خبری در رسانه‌ها منعکس شد تا همه فکر کنند وضع پرستاران خوب شده و هیچ مشکلی نیست در حالیکه زمانی که تعرفه‌های پزشکی بی‌سر و صدا بالا رفت هیچکس متوجه نشد چند درصد پزشکان از این طرح بهره بردند.

وی در پایان گفت: ما یک خواسته بیشتر نداریم، پرداخت‌ها باید ۱ تا سه برابر باشد چون در همه جای دنیا حداکثر اختلاف سه برابری است. ما از رییس جمهور می‌خواهیم کمیته‌ای را تعیین کند تا در زمینهٔ اختلاف درامدی بین پزشکان و پرستاران مطالعاتی را انجام دهد، آنوقت همگان متوجه خواهند شد که شرایط فعلی برای پرستاران ایرانی عادلانه نیست. که در سایر نقاط جهان به مصوبه‌ای را در دولت به تصویب برساند که اختلاف بین پزشک و پرستار حداکثر تا ۳ برابر باشد. جامعه پرستاری از راههای مختلف سعی کرده تا مطالباتش را پیگیری کند. نامه‌ها نوشته شد و شکایت‌ها مطرح شد و تجمعاتی که تاکنون صورت گرفته هم در همین راستا بوده است. آقایان ادعا می‌کنند که اهل مذاکره هستند اما ما تاکنون مذاکره‌ای ندیدم. در دنیای امرور هر طرح ملی که بخواهد موفق باشد باید مبتنی بر مشارکت جمعی باشد در غیر این صورت محکوم به شکست است.

این تجمع در نهایت با صدور بیانیه و امضای طوماری از سوی خانهٔ پرستار و جامعه پرستاری خاتمه یافت. عمده‌ترین مطالبات طرح شده در این تجمع، اجرایی شدن قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری و تثبیت اختلاف سه برابری پزشکان و پرستاران و همچنین تعدیل نگرش استثماری به نیروی پرستاری عنوان شد.

—

سونامی خشونت علیه زنان در کشور

2014-12-17 · Archive ID 6578
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6578

سونامی خشونت علیه زنان در کشور

عرصه سوم- روشنک آستارکی: «کنار خیابان در حال گفت‌وگو با یکی از دوستانم بودم که ناگهان متوجه شدم زن جوانی در حال دویدن و فرار از دست مرد جوانی است که آن مرد نیز با چاقویی در دستش در تعقیب وی است. در مدت زمان کوتاهی که زن جوان از خیابان عبور کرد و دوباره برای فرار از دست آن مرد می‌خواست عرض خیابان را بدود، در بین خودروها تعادلش را از دست داده و مرد جوان نیز با چاقویی که در دست داشت تعدادی ضربه بسیار شدید از پشت به بدن آن زن زد و بلافاصله از محل متواری شد. مردمی که در صحنه بودند بسیار تلاش کردند که با نگه داشتن محل جراحت جلوی خونریزی را بگیرند، اما تعداد ضربات چاقو به قدری شدید و زیاد بود که خون بسیار زیادی کف خیابان را پر کرده بود».

جملات بالا بخشی از یک داستان نیست بلکه گفته‌های شاهدان از حادثه دلخراشی است که در شهر گرگان روز سه شنبه ۱۸ آذر رخ داد . فائزهٔ ۱۹ ساله قربانی این حادثه پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت جراحات جان سپرد. قاتل پویا ۲۳ ساله، همسر سابق فائزه بود که چند ماه پیش از هم طلاق گرفته بودند.



0

زنان قربانیان ردیف اول

آنچه از بررسی اخبار حوادث در ایران در می‌یابیم افزایش خشونت در فضای عمومی جامعه ایران است. هرچند این خشونت‌ها شامل حال مردان نیز می‌شود اما شدت خشونت‌های اعمال شده و انگیزه‌های آن علیه زنان بیشتر است و در واقع زنان قربانیان ردیف اول خشونت در ایران هستند. به دلیل گستردگی انواع خشونت در ایران، هیچ آمار دقیقی از میزان خشونت نسبت به زنان وجود ندارد. با این حال هر از چندگاه آمار و تحقیقاتی در ایران منتشر می‌شود. ازجمله به گزارش روزنامه اعتماد میزان خشونت خانگی در تهران، ۱۸/۹ درصد جسمی و ۵۲/۴ درصد روانی است . همچنین در سطح کشور، در هر ۹ ثانیه یک مورد خشونت اتفاق می‌افتد.

شمار درگیری‌ها و نزاع‌های خیابانی نیز نمونه دیگری از خشونت در ایران است که سالانه جان صدها نفر را می‌گیرد. سازمان پزشکی قانونی ایران اعلام کرده که در فروردین و اردیبهشت سال جاری، بیش از ۱۰۴ هزار نفر به دلیل صدمات ناشی از نزاع به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند. سازمان پزشکی قانونی این آمار را در مقایسه با مدت مشابه سال پیش دارای ۰. ۴ درصد افزایش اعلام کرده است. شمار مراجعان نزاع فروردین و اردیبهشت سال گذشته ۱۰۳هزار و ۷۶۷ نفر بوده است.

بروز خشونت لجام گسیخته و ایجاد ناامنی اجتماعی تا آنجا شدت پیدا کرده است که حسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در یادداشتی با عنوان «برای خشونت در جامعه چاره‌ای کنیم» که روز شنبه ۱۵ آذر در روزنامه اطلاعات منتشر شد نسبت به رواج خشونت در ایران

خشونت‌های امر به معروفی

خبر قتل زن جوان توسط همسر سابقش در گرگان تنها یکی از حوادث خشونت بار علیه زنان است که روزانه در شهرهای مختلف کشور رخ می‌دهد. حوادثی که شاید یکی از دلخراش‌ترین آن‌ها در ماه‌های گذشته اسید پاشی‌های زنجیره‌ای در اصفهان بود. اسیدپاشی‌هایی که با رسانه‌ای شدن آن در مهرماه گذشه مقامات مسؤل مجبور به واکنش نسبت به آن شدند. در نهایت سرتیپ حسین اشتری، جانشین فرمانده پلیس ایران، چهار مورد اسیدپاشی به زنان اصفهانی را تایید کرد . قربانیان این حادثه از ناحیه صورت، دست، سینه و چشم آسیب های جدی دیده و در مرحله درمان به سر می برند . نکته قابل توجه در حادثه اسیدپاشی‌های اصفهان ناتوانی نیروی انتظامی و امنیتی در پیدا کردن عامل یا عاملین این جنایت بوده است. حسین ذوالفقاری شنبه هفته جاری در حاشیه نشست خبری خود در وزارت کشور درباره آخرین وضعیت پرونده اسیدپاشی اصفهان، اظهار کرد : ما کسانی که مشکل روانی داشته، در معرض طلاق بوده‌اند یا حتی موتورسواران مشکی‌پوش را مورد بررسی قرار داده‌ایم. اکنون ما ۱۹۱ هزار نفر را مورد بررسی قرار داده و به تعداد ۱۰۰ هزار نفری از مظنونان رسیده‌ایم. این اظهارات در حالی بیان شده است که با توجه به وجود دوربین‌های مدار بسته در نزدیکی محل حادثه‌ها پیدا نکردن مجرمین کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

گفتنی است با توجه به اظهارات امام جمعه اصفهان چندی پیش از وقوع اسیدپاشی‌ها، بسیاری از مردم معتقد بودند این اقدام از سوی فرد یا افرادی به منظور مبارزه با بدحجابی و ایجاد رعب و وحشت در جامعه صورت گرفته است. سید یوسف طباطبایی‌نژاد، امام جمعه اصفهان که چندی پیش از وقوع اسید پاشی‌های زنجیره‌ای در همایش حجاب و عاشورا گفته بود : مسئله حجاب دیگر از حد تذکر گذشته است و برای مقابله با بدحجابی باید چوب‌تر را بالا برد و از نیروی قهریه استفاده کرد. برخورد با قاطعیت و قوه قهریه احتیاج قانون است و برای رعایت مجموعه قوانین الهی که در غیر این صورت برخورد جدی با این مسئله شود. فلسفه قیام عاشورا امر به معروف و نهی از منکر و خروج انسان‌ها از بی‌تفاوتی است.

هر چند پس از وقوع اسیدپاشی‌ها سعی شد انگیزه مبارزه با بدحجابی در این حوادث رد شود اما پس از گذشت چند هفته در شهر جهرم جوانی بسیجی به نام محمد بهشتی فر و عضو پایگاه بسیج «قطب‌آباد» شهر جهرم با انگیزه مبارزه با بدحجابی با وارد کردن ضربات چاقو به باسن شش زن سعی داشت امر به معروف را انجام دهد که توسط پلیس شناسایی و بازداشت شد . وی در اعترافات خود گفته بود از یک روحانی شنیده است که خون بدحجاب مباح است . انتشار خبر چاقو کشی یک بسیجی در جهرم به هدف مبارزه با بدحجابی، در کنار عدم بازداشت یا معرفی عاملین این اسیدپاشی ها از سوی مسؤلین احتمال وجود انگیزه مبارزه با بدحجابی یا انجام امر به معروف را افزایش داده است.

خ مثل خشونت

خشونت علیه زنان می‌تواند به شکل‌های بسیاری همچون خشونت جسمی، جنسی، روانی و اقتصادی انجام شود. این اشکال از خشونت به یکدیگر مرتبط هستند و می‌توانند بر زندگی زنان از پیش از تولد تا دوران پیری تاثیر بگذارد. زنانی که قربانی خشونت می‌شوند در سلامتیشان دچار مشکلاتی می‌شوند و تواناییشان برای مشارکت در زندگی عمومی و جمعی کاسته می‌شود. خشونت علیه زنان به خانواده و جامعه آسیب وارد می‌کند و موجب می‌شود خشونت‌های دیگر در جامعه شایع شود.

آمارهای جهانی معتقدند خشونت علیه زنان به یک فرهنگ، منطقه، کشور یا گروه خاصی از زنان محدود نمی‌شود و در تبعیض‌های مستمر و مداوم علیه آنان ریشه دارد. بررسی‌ها حاکی از آن است بیش از ۷۰ درصد زنان در دوران زندگیشان نوعی از خشونت را تجربه می‌کنند.

شایع‌ترین نوع خشونت که زنان جهان تجربه می‌کنند خشونت جسمی است. همچنین سازمان جهانی بهداشت (WHO) در بررسی انجام گرفته در ۱۱ کشور جهان دریافت زنانی که در معرض خشونت جنسی از طرف کسانی قرار می‌گیرند که با آنان ارتباط داشته‌اند از شش درصد در ژاپن تا ۵۹ درصد در اتیوپی متغیر است.

نتایج چندین مطالعه جهانی هم نشان می‌دهد نیمی از زنانی که به دلیل قتل جان خود را از دست می‌دهند توسط همسران فعلی یا سابقشان کشته می‌شوند. طبق بررسی سازمان جهانی بهداشت در استرالیا، کانادا، اسرائیل، آفریقای جنوبی و آمریکا ۴۰ تا ۷۰ درصد از قربانیان زن توسط همسر یا نامزدشان کشته می‌شوند. در کلمبیا نیز هر شش روز یک زن به دست نامزد فعلی یا سابقش به قتل می‌رسد.

همچنین سازمان بهداشت جهانی در اولین مطالعه جهانی خود درباره خشونت علیه زنان نتیجه گرفته است که در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد . حتی باردار بودن، زنان را از خشونت مردان مصون نمی‌دارد.

—

از قطع یارانه پولدارها تا تهدید وزرا به استیضاح!

2014-12-18 · Archive ID 6583
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6583

پزشکیان: یارانه پولدارها را قطع کنید

عرصه سوم-محمد صادقی: مسعود پزشکیان نماینده تبریز نیز به صف حامیان «حذف یارانه ثروتمندان» پیوست.

وزیر اسبق بهداشت در دولت محمد خاتمی، راه کار شناسایی ثروتمندان در جامعه را «آسان» می داند و می گوید : «شناسایی مدیران، سرمایه‌داران، کارخانه‌داران و کسانی که به سفرهای خارجی می‌روند که حتماً دارای ثروت هستند و نیازی به 40 یا 50 هزار تومان دولت ندارند، افرادی که رقم‌های میلیونی در سفرهای خود هزینه می‌کنند و 40 یا 50 هزار تومان رقمی برایشان نیست، کار دشواری نیست.»

نماینده تبریز با اشاره به این که «عزم و اراده برای حل مشکل را نمی‌بینم» با کنایه می گوید: «شاید دعوا بر سر این است که راه‌حل من (مدیران اقتصادی) اجرایی شود و اقدامات به اسم من انجام شود به همین دلیل ممکن است که اگر راه شما در پیش گرفته شود من در این مسیر سنگ‌اندازی کنم.»

پزشکیان در پاسخ سوال خبرگزاری فارس که پرسیده است: «برخی معتقدند که عدم حذف یارانه ثروتمندان برای عدم ریزش رای برای انتخابات آتی صورت نمی‌گیرد» نیز پاسخ داده است: «یکی از گیرهای ما همین مباحث است یعنی بسیار از شعارهای ما برای جوانان برای انتخابات است البته یک تعدادی اینگونه است و نمی‌توان همه را با یک قضاوت سنجید.»

ایرادهای جدید شورای نگهبان به طرح حدنگار

شورای نگهبان نظر خود را در مورد طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور اعلام کرد.

حدنگار (کاداستر) فهرست مرتب شده اطلاعات مربوط به قطعات زمین است که مشخصه های زمین مانند اندازه، کاربری، مشخصات رقومی، ثبتی و یا حقوقی به نقشه بزرگ مقیاس اضافه شده است، همچنین حدنگاری (عملیات کاداستر) مجموعه فعالیت های مرتبط با حدنگار (کاداستر) است که شامل تهیه نقشه با استفاده از عکس ها و تصاویر زمینی، دریایی، هوایی، ماهواره ای، تبدیل رقومی عکس ها و تصاویر، عملیات

زمینی نقشه برداری، ویرایش و تکمیل نقشه های زمینی و تطبیق نقشه با وضعیت واقعی و موجود املاک و اضافه کردن کلیه اطلاعات ثبتی، حقوقی و توصیفی و کنترل نهایی و به روز رسانی آن است.

این طرح با اصلاحاتی در تاریخ 16 آذر ماه گذشته به تصویب مجلس رسید و به شورای نگهبان فرستاده شد.

شورای نگهبان با بررسی مجدد این طرح بخش های دیگری از آن را مغایر قانون دانسته و در نامه خود خطاب به مجلس کنایه نوشت : «ظاهراً به تذکرات این شورا توجه نشده است.»



32942_470

سوالات بذرپاش از عارف

مهرداد بذرپاش عضو هیات رئیسه مجلس نهم طی نامه‌ای خطاب به محمدرضا عارف معاون اول دولت محمد خاتمی به بخشی از اظهارات وی در گفتگوی اخیر با روزنامه اعتماد، واکنش نشان داد.

مهرداد بذرپاش مسئول سابق بسیج دانشگاه صنعتی شریف در نامه کوتاه خود خطاب به معاون اول دولت اصلاحات نوشته است: «مهم‌ترین مسئله ما انتخابات مجلس است. این جمله‌ای است که از شما مرتبا در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها شنیده می‌شود و توسط رسانه‌های خاص بازتاب داده می‌شود که لازم است در این خصوص نکات یادآور شوند.»

بذپاش در ادامه به شماری از مشکلات و معضلات اقتصادی کشور اشاره کرده و از عارف پرسیده است: ««به نظر شما گران شدن نان، گاز، آب، برق و بسیاری از مایحتاج مردم و پرداخت نکردن یارانه این افزایش قیمت به مردم چه میزان اهمیت دارد؟ رشد واردات حدود 100 درصدی بسیاری از کالاها و اقلام مصرفی و سرمایه‌ای و ایجاد اشتغال برای کارگران خارجی چه میزان برای شما مهم است به نظر شما رکودی دامن‌گیر در بسیاری از صنایع کشور که باعث بیکاری جوانان این کشور شده چه میزان اهمیت دارد آیا پرداخت نشدن وام ازدواج سه میلیون تومانی مسئله مهمی نیست و از بین رفتن سرمایه مردم در بورس و افزایش دو برابری قیمت مسکن مهر اهمیتی ندارد؟ به نظر شما کاهش قیمت نفت به بشکه‌ای کمتر از 60 دلار و کاهش 45 درصدی درآمدهای نفتی چه میزان اهمیت دارد؟ اینها تنها بخش کوچکی از مهم‌ترین مسائل ماست. انشالله با نگاهی واقع‌بینانه‌تر به موضوع، مهم‌ترین مسائل شما هم این گونه مسائل باشد.»

نماینده کهگیلویه: سران فتنه فراماسون و ساده لوح اند!

علی‌محمد بزرگواری نماینده کهگیلویه نیز به اظهارات حسین مرعشی رییس اسبق سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در دولت محمد خاتمی، در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج واکنش نشان داد.

مرعشی در بخشی از سخنرانی خود در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج گفته بود: «من مجلس فعلی را از نزدیک نمی‌شناسم اما از دور که رفتارهای آنها را با دولت و مسئولان پیگیری می‌کنم، احساس من این است که روزی خوفی داشتیم که مجلس از کفایت تهی شود و اکنون این اتفاق افتاده است.»

نماینده کهگیلویه در واکنش به این اظهارات با ابراز تاسف برای مسئولان استان که اجازه حضور مرعشی در دانشگاه را داده اند خطاب به نیروهای امنیتی گفت : «جای سؤال است که چرا نیروهای امنیتی اجازه حضور چنین افرادی را برای ادای اظهارات ساختارشکنانه در استان می‌دهند.»

بزرگواری در ادامه بدون نام بردن از میرحسین موسوی و مهدی کروبی رهبران جنبش اعتراضی ایران موسوم به جنبش سبز که در حصرخانگی به سر می برند آنها را به فراماسونری و ساده لوحی متهم کرد و گفت: «چنین افرادی در استان حاضر شده و از سران فتنه که یکی از آن‌ها فراماسونر و دیگری فردی ساده‌لوح است دفاع می‌کند، جای سؤال از مسئولان و نهادها و دستگاه‌های نظارتی است که چرا اجازه بیان چنین اراجیفی داده می‌شود.»

مطهری: فیلترینگ ناشی از ترس بی جا است

علی مطهری نماینده تهران در تازه ترین اظهارات خود درباره «نحوه مواجه با شبکه‌های اجتماعی از قبیل وایبر و واتس‌آپ» یکی از راه‌حل‌ها در این زمینه را «راه‌اندازی هرچه سریعتر شبکه اطلاعات ملی موسوم به اینترانت» دانست.

به گفته این نماینده مجلس «اصل ماجرا به اراده مردم بازمی‌گردد یعنی مردم باید خودشان نحوه استفاده از این شبکه‌ها را مدیریت کنند.»

مطهری «مهمترین وظیفه دولت» را «راه‌اندازی هر چه سریعتر شبکه اطلاعات ملی» دانست و گفت: «مشکل اساسی ما در فضای مجازی سایت‌های غیراخلاقی است که باید آنها فیلتر شوند.»

وی با بیان این که «ما به جز سایت‌های غیراخلاقی با مابقی سایت‌ها مشکل آنچنانی نداریم»، افزود: «ما ترسی از اندیشه‌های بیگانه نداریم، چه در مسائل اعتقادی و دینی و چه در مسائل اجتماعی و سیاسی اما متاسفانه حساسیت روی شبکه‌های اجتماعی سیاسی بیش از شبکه‌های اجتماعی غیراخلاقی است.»

مطهری رویکرد سیاست گذاران این عرصه را «ناشی از یک ترس بی‌جا» خواند و گفت: «عده‌ای فکر می‌کنند نظام در خطر است، همان مشکلی که وجود دارد و از هر اعتراض و انتقادی می‌ترسند و بر پایه همین ترس تصمیمات غلط می‌گیرند که این نگاه بایستی تغییر کند.»

وزرا کاری نکنند که استیضاح کنیم

غلامعلی حداد عادل نماینده مجلس در حاشیه مراسم تقدیر از پژوهشگران و فناوران در سالن اجلاس سران کشور وزرای دولت را تهدید کرد که «کاری نکنند تا مجبور به استیضاح شویم»

حداد عادل در پاسخ به سوالی درباره استیضاح وزیر آموزش و پرورش به تعطیلی مجلس اشاره کرد و از خبرنگاران پرسید: «چطور در زمان تعطیلی چنین خبری به شما رسیده است؟»

رییس سابق مجلس در رابطه با فرجام طرح اسلامی کردن علوم انسانی نیز گفت: «از وزیر علوم خواسته‌ایم در نخستین فرصت جلسه‌ای با شورای تحول علوم انسانی داشته باشد تا همکاری شورا و وزارت علوم سازمان‌یافته‌تر شود.»

یک مصوبه دیگر دولت غیر قانونی اعلام شد

یک هفته پس از اعلام مغایرت قانونی مصوبه دولت مبنی بر «اصلاح دستورالعمل و روش اجرایی آیین نامه اخذ عوارض در مناطق آزاد تجاری –صنعتی» این هفته نیز بار دیگر علی لاریجانی در نامه‌ای به رئیس جمهور مصوبه دیگر دولت مبنی بر «حذف نام سازمان گسترش از متن قانون تنظیم و درج نام آن در بنگاه‌های گروه سوم قانون اجرا و خارج کردن آن از شمول احکام مندرج در قانون بودجه سال 1392 کل کشور»، را مغایر با قانون اعلام کرد.

لاریجانی در بخشی از نامه خود خطاب به حسن روحانی رییس جمهور نوشته است: «اقدام هیأت محترم وزیران به خارج کردن سازمان گسترش از شمول یک قانون و ملحق کردن آن به تبعیت از احکام قانون دیگر، چون از حیث تقنینی بودن نیازمند قانون بوده و این امر خارج از صلاحیت هیأت محترم وزیران می‌باشد، مغایر با قانون است.»

در نامه رییس مجلس آمده است: «نظر به سالانه بودن احکام بودجه، نمی‌توان تصویب نامه‌ای در سال 93 به استناد حکم بودجه‌ای مربوط به سال 92 مقرر کرد.»

144 بازیکن فوتبال ممنوع الخروج شدند

حمید رسایی مسئول رسیدگی مجلس به پرونده فساد در فوتبال کشور سرانجام برخی از جزئیات این پرونده جنجالی را برای افکار عمومی تشریح کرد .

نایب رییس کمیسیون اصل 90 مجلس در خصوص مراحل رسیدگی به این پرونده، گفت: از عدم همکاری برخی نهادها که وظیفه مبارزه و رصد کردن فساد در فوتبال را دارند با کمیسیون اصل 90 گلایه کرده و بدون ذکر نام آنها گفته که «این نهادها حاضر نشده‌اند اطلاعات لازم را در اختیار کمیته پیگیری کننده قرار دهند»

وی درباره علت تاخیر طولانی در روند رسیدگی به این پرونده نیز گفت: «گزارش در حال نهایی شدن است هر چند متأسفانه برخی دستگاه‌ها که وظیفه دارند از سلامت روند یک دستگاه حراست کنند و با مفاسد موجود در یک مجموعه برخورد کنند در این زمینه کوتاهی می‌کنند، حتی در ارائه گزارش به کمیسون اصل 90 که وظیفه و تکلیف قانونی آنهاست همکاری لازم را صورت نمی‌دهند.

حمید رسایی در خصوص روند فعالیت های این کمیته نیز به مواردی همچون «رسیدگی به آیین نامه‌ها و اساسنامه‌ها، عملکرد مسئولان فدراسیون فوتبال، عملکرد مالی باشگاه‌ها، ورود در موضوعاتی مانند شرط بندی و راه‌های تبانی در نتایج بازی‌ها، معافیت‌های جعلی، عملکرد رسانه‌های ورزشی و پشت صحنه برخی ارتباطات مالی در این خصوص، موضع فرار مالیاتی» اشاره کرد.

مسئول رسیدگی به پرونده فساد در فوتبال با اعلام این که «در حال حاضر حدود 140 بازیکن فوتبال داریم که به دلیل بدهکاری مالیاتی ممنوع الخروج شده‌اند» گفت: «این بازیکنان هر بار با وساطت و ضمانت باشگاه‌ها و فدارسیون فوتبال این افراد اجازه خروج از کشور پیدا می‌کنند که استمرار این وضع صحیح نیست و سازمان مالیاتی باید به وظیفه خود عمل کند که ظاهرا اقدامات عملی در برخورد با این موضع را به کار گرفته است.»

یک نماینده مجلس: با نشریات ساختارشکن برخورد کنید

علیرضا سلیمی نماینده محلات در مجلس با انتقاد شدید از عملکرد معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد خواستار «برخورد جدی‌تری از سوی معاونت مطبوعات با نشریات ساختار شکن شد.»

به گفته این نماینده مجلس «این موضوع طی 16 ماه گذشته مشاهده شد که افراد مسئله‌دار به وفور در جراید مطالبی را می‌نوشتند که از نظر مبانی اعتقادی دارای اشکال بود که متأسفانه برخورد لازم با آنها صورت نگرفت.»

عضو فراکسیون روحانیت مجلس از معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد خواست که «در مواردی که تخلف رخ می‌دهد به موقع ورود پیدا کرده و تذکر دهد و فرصت‌طلبان اجازه هیچ‌گونه ساختارشکنی را ندهند.»

سلیمی با بیان این که باید با سیاه‌نمایی‌هایی که توسط برخی افراد و جراید شاهد آن هستیم برخورد لازم از سوی معاونت مطبوعاتی صورت گیرد و جلوی انتقادات ناصحیح گرفته شود.» از صدور مجوز برای برخی نشریاتی که به تعبیر او ؟«مسئله دار» هستند انتقاد کرد و گفت: «ما شاهد اعطای مجوز از سوی معاونت مطبوعاتی به برخی نشریات مسئله‌دار هستیم که به هیچ عنوان پایش لازم در مورد آنها انجام نمی‌شود؛ رشد و نمو قارچ‌گونه برخی نشریاتی که پیش از این توقیف شده‌اند از دیگر مسائلی است که باید مورد توجه معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد قرار گیرد و انتظار این است که معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد به گونه‌ای عمل کند که فضای فکری کشور فضای آرامی باشد.»

اقدام دانشگاه ایرانیان خلاف قانون است

یک نماینده مجلس «جذب دانشجو از طریق سایت اینترنتی توسط دانشگاه ایرانیان را خلاف قانون دانست.»

حسین آذین با اعلام خبر گفت که «این اقدام در حالی است که دانشگاه ایرانیان هنوز مجوزهای لازم را دریافت نکرده است.»

به گفته این نماینده مجلس «پرونده دانشگاه ایرانیان در کمیسیون اصل 90 همچنان مفتوح است و با صلاحدید اعضای کمیسیون، پرونده این دانشگاه در دستورکار قرار خواهد گرفت.»

سخنگوی کمیسیون اصل 90 مجلس اعلام کرد که «در آخرین جلسه پرونده دانشگاه ایرانیان در کمیسیون، از شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم خواسته شده تا گزارشات خود را در مورد این دانشگاه به کمیسیون ارائه کنند و ما منتظر گزارش‌های این دو نهاد در خصوص دانشگاه ایرانیان هستیم.»

محمود احمدی نژاد و شماری از نزدیکان وی در دولت های نهم و دهم، در سالهای پایانی دولت نهم درصدد تاسیس دانشگاهی با نام "دانشگاه جامعه بین المللی ایرانیان بودند تا به عنوان دانشگاهی غیر انتفاعی و غیر دولتی در تهران فعالیت کند اما تاکنون موفق به اخذ مجوزهای لازم نشده اند.

دانشگاه ایرانیان چندی پیش متهم به تخلف های مالی گسترده شد که پرونده آن در حال رسیدگی است.

—

از پلمپ دفتر مطالعات زنان تا جستجوی پلنگ ایرانی

2014-12-20 · Archive ID 6590
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6590

شهرداری دفتر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان را پلمپ کرد

عرصه سوم: یکی از دفاتر انتشارات روشنگران و زنان از سوی شهرداری منطقه ۱۱ تهران پلمپ شد. خبرنگار خبرآنلاین در گزارشی می نویسد:« روز چهارشنبه هفته گذشته،۲۶ آذر ماموران شهرداری با رجوع به دفتر دوم انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، آن را غیرقانونی دانسته و در نهایت اقدام به پلمپ آن کرده‌اند. به گفته شهلا لاهیجی مدیر این انتشارات، اما مشکل اساسی‌تر از این حرف‌هاست. او در این باره می‌گوید: در همه جای دنیا کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها و ناشران مورد حمایت شهرداران قرار می‌گیرند چون حوزه‌های فرهنگی هستند و برای هر جایی به عنوان اعتبار محسوب می‌شوند. به نظرم شهرداری منطقه ۱۱ انگار نوعی خصومت شخصی با ناشران دارند چون مدام برای آن‌ها مشکل ایجاد می‌کند»

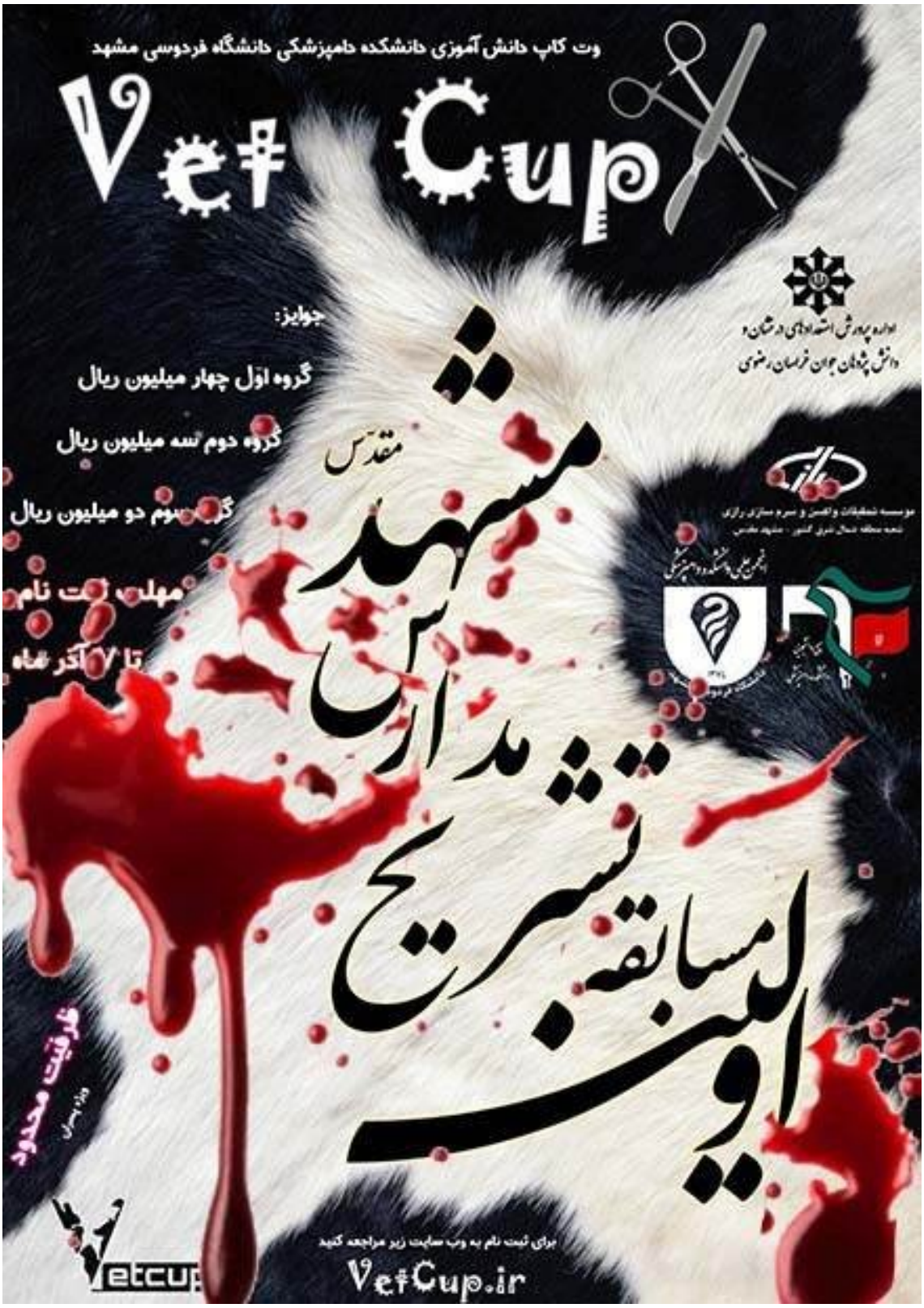
ظاهرا ماجرا از اینجا آغاز شده که چند نفر از طرف شهرداری به دفتر دوم این انتشارات می‌روند و به بهانه اینکه این مکان، دفتر پخش یا انبار انتشارات است، اقدام به پلمپ آن می‌کنند.

لاهیجی می‌گوید: «ما یک سری مدارک از ارشاد و اتحادیه داریم که نشان می‌دهد این مکان دفتر دوم ماست نه دفتر پخش یا انبار. علت وجودی آن هم به خاطر این است که بتوانیم کتاب‌هایمان را راحت به کتابفروشی‌های

جلوی دانشگاه برسانیم چون با توجه به مشکل طرح ترافیک و مسائل دیگر نیاز داشتیم که دفتری هم در محدوده میدان انقلاب داشته باشیم.»

اما ماموران شهرداری به شهلا لاهیجی گفته‌اند باید بین دو دفتر شما حداقل دو چهار راه فاصله باشد: «نمی‌دانم این را از کجا درآورده‌اند. بر اساس کدام قانون و آیین‌نامه می‌گویند دو چهار راه فاصله؟ باید یک بار برای همیشه این مشکلات برطرف شود. من متاسفانه تهران نبودم و دفتر پلمپ شد ولی ما تنها ناشری نیستیم که این اتفاق برایش افتاده. منتها ناشران دیگر خودشان می‌روند و پلمپ‌ها را باز می‌کنند ولی من به کارمندم گفتم اصلا این کار را نکن چون همه حرف ما بر سر قانونگرایی است و اگر به نظرمان قانونی اشتباه می‌آید دلیل نمی‌شود که آن را زیر پا بگذاریم.»

با این حال مریخ‌نژاد رییس اجرای احکام شهرداری منطقه ۱۱ نظر دیگری دارد. او می‌گوید که اصناف تنها حق داشتن یک دفتر کار دارند و نمی‌توانند به بهانه کاری دفاتر متعددی در گوشه و کنار شهر احداث کنند مگر اینکه آن را ثبت کرده باشند. شهلا لاهیجی هم از نامه‌هایی که از سوی وزارت ارشاد و اتحادیه ناشران مبنی بر دفتر کاری بودن آن مکان تهیه شده حرف می‌زند و اینکه ماموران شهرداری آن‌ها را قبول نکرده‌اند. مریخ‌نژاد می‌گوید: «مدارک کامل نبوده است و آن دفتر باید پلمپ می‌شد.»



930926-1

انجمن حمایت از حیوانات : مسابقه بسیج دانشگاه پزشکی مشهد یک جنایت است

انجمن حمایت از حیوانات از برگزاری یک مسابقه در دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز برای تشریح حیوانات خبر داد و اعلام کرد که برگزاری چنین مسابقه ای "یک جنایت" است.

به گزارش وبسایت انجمن حمایت از حیوانات بسیج دانشکده دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد و انجمن علمی این دانشکده در اقدامی غیر قابل باور روز پنجشنبه 27 آذر مسابقه تشریح حیوانات برای دانش آموزان دبیرستانی را در دانشکده دامپزشکی این دانشگاه برگزار کرد. در این مسابقه از دانش آموزان خواسته شده بود که در مدت ۲۰ دقیقه برای خارج کردن اندامهای داخلی موش شامل قلب، ریه، کلیه، معده‌ها و روده‌ها با هم مسابقه دهند.

از هر گروه از شرکت کنندگان مبلغ ۷۵ هزار تومان اخذ شده است که این مبلغ توسط شرکت کنندگان به حساب بسیج دانشجویی دانشکده دامپزشکی واریز شده است.

در ادامه این خبر آمده است : برگزاری این مسابقات، دانش آموزان را وادار ساخته است که در روزهای گذشته این جونده را با قیمت بالا و گاهی به تعداد بالا (هر عدد رت آزمایشگاهی به قیمت هر کدام ۱۰۰ هزار تومان از دانشکده دامپزشکی) تهیه و جلسات متعددی را جهت کسب مهارت خروج اندام مذکور برگزار نمایند. این اقدامات غیراخلاقی و سوء استفاده از جانوران آزمایشگاهی با اهداف سطحی و واهی، قطعا هیچگونه جایگاهی در ارتقاء علمی دانش آموزان ندارد.

انجمن حمایت از حیوانات در پایان از روسای دانشگاه فردوسی مشهد’ دانشکده دامپزشکی و همچنین بسیج خراسان رضوی می‌خواهد هر چه سریع‌تر این اقدامات وحشیانه را متوقف کنند.

انجمن حمایت از حیوانات یک نهاد مدنی و مردمی است که از سال ۱۳۷۷ راه اندازی شده است و هم اکنون عضو جامعه جهانی حمایت از حقوق حیوانات است. بر اساس مرامنامه این انجمن، ممانعت از سیتم به حیوانات و جلب توجه نسبت به حقوق حیوانات، تلاش برای تهیه و تدون قوانین جدید و منطبق بر نیازهای روز به منظور رفاه وضعیت حیوانات، امداد رسانی به حیوانات و اقدام در جهت تامین آسایش، بهداشت، غذا، آب و جای کافی برای حیوانات از مهم‌ترین ماموریت‌های این نهاد مردمی است.

نامه سرگشاده انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران به وزیر کار

یکی از وعده‌های رییس جمهور که هنوز محقق نشده است بازگشایی انجمن صنفی روزنامه نگاران است. خانه‌ای که صدها عضو دارد ولی اعضا مدتهای زیادی است که بی‌متولی مانده‌اند و اختلاف عقیده‌ها و گاهی اختلاف سلیقه‌ها نتیجه‌اش آن شده که درهای انجمن صنفی روزنامه نگاران همچنان بسته بماند.

به گزارش کلمه ، انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران در نامه‌ای به علی ربیعی وزیر کار دولت تدبیر و امید خواسته است که تکلیف این تشکل صنفی روشن شود.

متن کامل نامه سرگشاده انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران به وزیر کار را در زیر می‌خوانید:

جناب آقای دکتر علی ربیعی

وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی

با سلام،

اگرچه پس ازآخرین پی نوشت نامه انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران توسط رئیس جمهوری محترم، انتظار می‌رفت که شاهد مساعدت و اقدام عملی جنابعالی برای برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه انجمن و متعاقب آن، بازگشایی انجمن باشیم، سخنان اخیرشما نشان داد که متاسفانه نه فقط عزمی برای مساعدت وجود ندارد، بلکه آن جناب و وزارتخانه متبوعتان با نادیده گرفتن کلیه قوانین و مقررات موضوعه جاریه و جایگاه روزنامه نگاران شریف کشور، برای ایجاد تشکلی جدید و دولت ساخته، عزم خود را جزم کرده‌اید. انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران بدینوسیله ضمن ابراز تاسف از مواضع و عملکرد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ذکر نکات زیر را ضروری می‌داند:

اول - جنابعالی اذعان داشته‌اید که «روزنامه نگاران یک اتحادیه صنفی قدرتمند ندارند. اهالی مطبوعات برای دریافت هرنوع خدمات اجتماعی باید پایه‌های یک مشارکت فراگیر را بگذارند و این تنها از طریق یک اتحادیه

قوی، ممکن است» و «برای روزنامه نگاران، من به دنبال یک تشکل اساسی، بنیادی وفراگیر هستم و رایزنی‌هایی را انجام می‌دهم که این تشکل بتواند به صورت پایدار تشکیل و ماندگار شود.»

جناب آقای وزیر! تصور نمی‌کردیم تکرار این موضوع که روزنامه نگاران ایران در سال ۱۳۷۶ «پایه‌های یک مشارکت فراگیر» را بنیان نهادند و اکنون دارای یک تشکل مستقل، قدرتمند و فراگیر به نام «انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران» هستند، حداقل برای شما که خود متولی ثبت وحمایت از تشکل‌های کارگری و کارفرمایی هستید، ضرورتی داشته باشد، چرا که عرفا و اخلاقا «حرمت امامزاده را متولی آن باید نگه دارد». متاسفانه با گذشت بیش از یکسال از وعده رئیس جمهوری محترم و رفع اصلیترین مانع پلمب ساختمان انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران و علی رغم آنکه تقریبا تمامی وزارتخانه‌های کشور، اقدامات غیرقانونی وتبعیض آمیز مدیران قبلی خود را باطل و یا اصلاح کرده‌اند، جنابعالی به جای ابطال و یا اصلاح تصمیمات غیرقانونی مدیران وقت وزارت کار که پیش از پلمب ساختمان انجمن، شرایط بلاتکلیفی را برای این تشکل فراگیر ایجاد کردند، ساده‌ترین راه را برگزیده‌اید؛ پاک کردن صورت مساله. یعنی انکار شخصیت حقوقی انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران و ایجاد یک تشکل به اصطلاح قدرتمند و فراگیر برای روزنامه نگاران.

هر چند که این انجمن صنفی برای تمامی تشکل‌های مستقل و واقعی کارگری با هر نام و مسلکی احترام قائل است و به کار بردن نام «سندیکا» را از سوی جنابعالی به فال نیک می‌گیرد اما جای بسی تاسف است که جنابعالی به عنوان وزیرکار دولت «تدبیر و امید»، از واژه‌ای استفاده می‌کنید که در هیچ کجای قانون کار جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد؛ «اتحادیه».

اگرچه در سایه اغماض وزرای کار قبلی و جنابعالی برخی تشکل‌های سیاسی تحت نام «اتحادیه»، اقدام به راه اندازی تشکل‌های به اصطلاح صنفی کرده‌اند و وزرای کار نیز همواره در این خصوص سکوتی معنادار اختیار کرده‌اند! اما جهت اطلاع شما لازم است یادآوری کنیم که «اتحادیه» موضوع قانون کار پیش از انقلاب است. در قانون موصوف، ازبه هم پیوستن سندیکاها، اتحادیه سندیکایی (فدراسیون) و از به هم پیوستن اتحادیه‌های سندیکایی کنفدراسیون تشکیل می‌شد، اما پس از اصلاح قانون کار در سال ۱۳۶۹، «انجمن صنفی» جایگزین «سندیکا» و «کانون» جایگزین «کنفدراسیون» شد و اکنون صرفا اتحادیه‌های صنفی با ماهیت کارفرمایی درچارچوب قانون نظام صنفی و زیر نظر وزارت صنعت، معدن و تجارت قابل شکل گیری هستند، بنابراین مشخص نیست که جنابعالی با استفاده از واژه «اتحادیه»، دقیقا به دنبال چه اهدافی هستید؟ و مطابق کدام قانون «مجموعه امکانات وزارتخانه ما (منظور وزارتخانه متبوع جنابعالی است) دراختیار اتحادیه‌ها، تشکل‌ها و سندیکاها قرار گرفته است»؟ و به طور مشخص کدام اتحادیه‌ها از امکاناتی که شما در اختیارشان قرار داده‌اید استفاده کرده‌اند؟

اگر منظور شما از «اتحادیه»، همان «کانون» است باید گفت که تشکیل «کانون» مستلزم به هم پیوستن حداقل (۵) انجمن صنفی وتشکیل کانون عالی سراسری نیازمند به هم پیوستنحداقل (۵) کانون استانی است و هردوی این تشکل‌ها، دارای اعضای «حقوقی» هستند نه «حقیقی» و قدرتمند بودن آن‌ها در سطح «کانون»، به تعداد اعضای «حقیقی» انجمن هایصنفی عضو آن‌ها وابسته است؛ البته اگر واقعی، مستقل و فراگیر باشند.

اکنون لازم است جنابعالی راهکارتشکیل اتحادیه قدرتمند روزنامه نگاران را درحالی که فاقد محمل قانونی است و از طرفی یک انجمن سراسری قدرتمند دیگر ۱۷ سال قبل در آنوزارتخانه و سازمان بین المللی کار و چندین سازمان بین المللی دیگر به ثبت رسیده است، ارائه بفرمایید. همچنین صراحتا اعلام بفرمایید که تشکل قدرتمند و فراگیر مطلوب شما را چه کسانی باید به راه بیندازند و پس از راه اندازی چنین تشکلی، چه کسانی باید وضعیت انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران را تعیین تکلیف کنند؟

دوم - ادعا کرده‌اید که «ما حدود ۷۰۰۰ نفر از خبرنگاران را با کمک اداره کل مطبوعات وزارت ارشاد شناسایی کرده‌ایم ... و با یک سازمان بیمه‌گر تکمیلی ب نام «آتیه‌سازان حافظ» هم ...در این خصوص به توافق رسیده‌ایم و چنانچه اعتبار لازم در این مورد تامین شود، به احتمال بسیار زیاد با این سازمان بیمه‌گر در مورد بیمه تکمیلی این ۷۰۰۰ نفر اقدام خواهد شد.»

جناب آقای ربیعی! اگر آمار شما واقعی باشد، حداقل ۵۰۰۰ نفر از آن تعداد خبرنگاری که شناسایی کرده‌اید، عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران هستند و این یعنی «اکثریت»، یعنی «فراگیری» و شما به عنوان

وزیرکار با معنا و مفهوم قانونی و بین المللی «اکثریت» در روابط کار بهتر از هر شخص دیگری آشنا هستید. بنابراینجای تعجب است که چرا به جای استفاده از ظرفیت قوی‌ترین و فراگیرترین تشکل موجود روزنامه نگاری درکشور، نشانی غلط به روزنامه نگاران می‌دهید؟ مضافا اینکه اگر سابقه بیمه روزنامه نگاران را در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیری کنید درخواهید یافت که آن بیمه به همت وتلاش انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران محقق شد و صدها روزنامه نگار، از طریق این انجمن جهت استفاده از تسهیلات بیمه‌ای موصوف، به «صندوق حمایت از هنرمندان، نویسندگان و روزنامه نگاران»، معرفی شدند. از طرفی در حالی که اکثریت روزنامه نگاران کشور فاقد بیمه اجباری هستند، استقرار بیمه تکمیلی چه معنایی دارد و سازوکار پیاده سازی آن در مطبوعات چگونه خواهد بود؟

سوم - درخصوص طرح بیمه‌ای و دیگر برنامه‌ها و مواضع اخیرجنابعالی در فرصت مقتضی به تفصیل سخن خواهیم گفت، اما با توجه به نگرانی‌هایی که مواضع شما درباره انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران، به وجود آورده است لازم می‌دانیم ضمن ارجاع جنابعالی بهمطالعه دوباره مفاد قوانین و مقررات کشور و مقاوله نامه‌های سازمان بین المللی کار به خصوص مقاوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ توصیه کنیم تا در کمترین زمان ممکن نسبت به ابطال تصمیمات غیرقانونی مدیران قبلی وزارت کار و تایید مجامع عمومی برگزار شده قبلی و متعاقبا برگزاری مجمع عمومی عادی سالیانه، دستورات لازم صادر فرمایید. بدون شک با این اقدام، دیگرهیچ نیازی به برنامه ریزی و سازماندهی برای راه اندازی تشکل‌های مطبوعاتی «قدرتمند» و «فراگیر» که آرزو و تجربه‌ای شکست خورده بوده است، نداشته و به جای نگرانی برای وضعیت روزنامه نگاران، تمرکز بیشتری را براهداف و وظایف نظارتی و کلان آن وزارتخانه معطوف خواهید کرد.

در پایان نامه این انجمن آمده است : یقین داشته باشید اشخاص و تشکل‌های بی‌شماری در کشور هستند که نیازمند دلسوزی‌های جنابعالی هستند، به خصوص فعالان سندیکایی که جنابعالی و همفکرانتان سال‌ها است از به رسمیت شناختن حق فعالیت آن‌ها اجتناب می‌کنید.

انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران یک نهاد غیر دولتی و سندیکای سراسری روزنامه‌نگاران در ایران محسوب می‌شود، که در مهرماه سال ۱۳۷۶ پس از روی کار آمدن محمد خاتمی تأسیس شد. این انجمن اما در سال ۸۷ و به دستور «دیوان عدالت اداری» منحل شد.

تجمع مجدد کارگران یاس خرمشهر: کسی از ما نمی‌پرسد چرا فریاد می‌زنید

شماری از کارگران کارخانه «صنایع بهداشتی یاس خرمشهر» به دلیل آنچه «تداوم بی‌توجهی کارفرما به پرداخت مطالبات صنفیشان» خوانده‌اند، صبح روز سه شنبه ۲۵ آذر بار دیگر مقابل ساختمان فرمانداری خرمشهر تجمع کردند.

به گزارش وبسایت کلمه و به نقل از خبرگزاری کار یکی از کارگران حاضر در تجمع گفتت «در شرایطی که مسئولان استانی و شهرمان از مشکلات صنفی ما مطلع‌اند، هیچ تلاشی برای پرداخت مطالبات مزدی و بازگشایی کارخانه انجام نمی‌دهند.» او گفت: «کارگران کارخانه یاس خرمشهر خواستار دریافت مطالبات معوقه خود و همچنین از سر گیری فعالیت کارخانه هستند، اما نه مسئولان و نه کارفرما پاسخ قانع‌کننده‌ای به کارگران نمی‌دهد.»

به گفته این کارگر، در حال حاضر با وجود آنکه کارفرما تولید در کارخانه را از ابتدای سال ۹۱ متوقف کرده هیچ تلاشی برای راه اندازی آن نمی‌کند و کارگران همچنان رها شده‌اند. کارگر دیگری که در این تجمع حضور یافته بود گفت: از زمانی که کارخانه تعطیل شد علاوه بر تعویق یک سال و نیم حقوق، دو سال است که بیمه کارگران این واحد به تامین اجتماعی پرداخت نشده است و مشکلات ناشی از تمدید نشدن دفترچه‌های درمانی خانواده‌هایشان نیز به مشکلات معیشتیشان افزوده شده است.

این کارگر با اشاره به سوابق ۲۰ سال کار تعدادی از کارگران یاس خرمشهر در مشاغل سخت و زیان‌آور، گفت که آنان اکنون در آستانه بازنشستگی قرار دارند اما به دلیل تاخیر در پرداخت حق بیمه از جانب کارفرما، امکان بازنشستگی برایشان وجود ندارد.

او با بیان اینکه این کارخانه برای راه اندازی مجدد و تولید هیچ مشکلی ندارد، مدعی شد: کارفرمای این کارخانه از دو سال بیش این واحد تولیدی را که مجهز به پیشرفته‌ترین ماشین آلات روز دنیاست به همراه کارگران رها کرده است. این کارگر با اشاره به آلودگی شهر خرمشهر؛ فقدان حمایت‌های بیمه‌ای را باعث وارد آمدن صدمات جبران ناپذیری برای خانواده‌های کارگری دانست. او با بیان اینکه تنها خواسته او و سایر همکارانش احیاء کارخانه و بازگشت به کار است، اظهار داشت: ما در طول ماه جاری بیش از ۱۰ بار مقابل فرمانداری خرمشهر جمع شده‌ایم. متاسفانه حتی برای دلگرمی هم که شده کسی از ما نمی‌پرسد برای چه اینجا آمده‌اید و فریاد می‌زنید.

این کارگر صنایع بهداشتی یاس خرمشهر وضعیت زندگی و تامین معاش کارگران بیکار شده کارخانه را نامناسب توصیف کرد و در خاتمه گفت: کارگران این واحد بیش از این تحمل بی‌کاری و بی‌پولی را ندارند و در این میان صدمات جبران ناپذیری به زندگی خانوادگی آنان وارد شده است.

گفتنی است کارخانه صنایع بهداشتی یاس تولید کننده گلیسرین، انواع صابون‌های جامد و سایر مواد شوینده، زیر مجموعه صنایع بهداشتی داروگر (کف) است.

سه بار اکران برای مستند «در جستجوی پلنگ ایرانی» در جشنواره فیلم فجر

مستند «در جستجوی پلنگ ایرانی» سه بار در جشنواره فیلم فجرامسال به نمایش در خواهد می‌آید. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی " انجمن یوزپلنگ ایرانی " ، این مستند در روزهای برگزاری جشنواره فیلم فجر در سه نوبت 13 بهمن، 16 بهمن و 19 بهمن اکران خواهد شد. برنامه این اکران ها به این شرح است:

اکران اول: پنج شنبه ۱۳ بهمن ساعت ۱۴ سینما آزادی سالن شهر قصه با حضور عوامل تولید

اکران دوم: یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۷: ۳۰ سینما پردیس ملت ۴

اکران سوم: چهارشنبه ۱۹ بهمن ساعت ۱۳: ۳۰ سینما فلسطین ۳

در ادامه این آمده است: سال ۱۳۸۴ اولین تحقیقات در منطقه البرز مرکزی شروعی برای تولید یکی از پرزحمت‌ترین مستندهای ساخت داخل بود.

قسمت اول این مجموعه به نام «در جستجوی پلنگ ایرانی»، به موضوع چگونگی تصویربرداری از پلنگ ایرانی در البرز مرکزی، وضعیت پلنگهای آنجا، طعمه‌ها و رقبای پلنگ و نمایش برخی از رفتارهای منحصر بفرد پلنگ می‌پردازد.

برخی از رفتارهای ثبت شده پلنگ در این فیلم مستند عبارتند از: رفتار تعیین قلمروی پلنگ نر، رفتار لاشه خواری پلنگ ماده، جستجوی پلنگ ماده برای یافتن محل زایمان و تعقیب مرال توسط پلنگ.

صحنه گاو بانگی مرال، یکی از بی‌نظیرترین صحنه‌های ثبت شده در حیات وحش ایران است که به تنهایی ارزش دیدن دارد. روند تولید این اثر، که برخی از آن‌ها در فیلم نمایش داده شده است، نشان دهندهٔ گذار سال‌ها و ارتقای تجهیزات در گذر زمان است.

هدف تولید این اثر، تاثیر گذاری بر فرهنگ مردم و هشدار به مسئولان نسبت به حفاظت پلنگ ایرانی می‌باشند هرچند این تاثیر بسیار کوچک باشد. این مستند محصول مشترک انجمن یوزپلنگ ایرانی و موسسه فیلمسازی ستاک تصویر با همکاری اداره کل حفاظت محیط زیست استان مازندران و اداره حفاظت محیط زیست چالوس – نوشهر تهیه شده است.

گفتنی است فیلم مستند «در جستجوی پلنگ ایرانی» پیش از این جایزه نخست بخش طبیعت کوهستان دوازدهمین فستیوال فیلم‌های کوهستان جشنواره مونیخ را از آن خود کرده بود.

انجمن یوزپلنگ ایرانی در بخش معرفی خود می نویسد : یک مؤسسه غیردولتی زیست محیطی، مستقل و غیرانتفاعی فعال است که توسط تعدادی دانشجوی علاقمند به طبیعت و حیات وحش، از مرداد ماه سال ۱۳۸۰

به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. ا. محل دفتر مرکزی این انجمن در تهران است و حوزه فعالیت آن در سراسر کشور است. همچنین، این انجمن به همکاری با سایر نهادهای فعال در زمینه حیات وحش در سطح بین الملل نیز می‌پردازد.

انجمن درحال حاضر یوزپلنگ ایرانی را به عنوان پرچمی برای حفاظت در ایران می‌داند و درکنار آن اهمیت زیادی برای سایر گونه‌های حیات وحش کشورمان بخصوص گوشتخواران قائل می‌باشد. به عبارت دیگر، حیطه فعالیت انجمن متمرکز بر «حیات وحش» ایران بوده و در زمینه پژوهش و مطالعه روی آن‌ها و تنویر افکار جوامع محلی درباره آن‌ها و درنهایت حفاظت از آن‌ها تلاش می‌نماید.

درحال حاضر، بیش از ۲۰ نفر به عنوان پرسنل یا داوطلب فعالانه با این انجمن همکاری می کنند و نمایندگانی نیز در بسیاری از شهرهای کشور به فعالیت می‌پردازند.

این انجمن تاکید می کند که از هیچ سازمان یا ارگانی بودجه مشخصی دریافت ننموده و تمامی مخارج آن از محل حق عضویت افراد و کمکهای مالی افراد علاقمند تأمین می‌گردد.

رهایی سه پرنده اسیر

یک سنقر تالابی و دو جغد جنگلی که در دام هوایی اسیر شده بودند توسط مردم بومی منطقه به اعضای انجمن قوهای مهاجر سرخ رود تحویل داده شدند.

به گزارش تارنمای انجمن قوهای مهاجر سرخ رود، پس از بررسی‌های اعضای این انجمن مشخص شد که هیچ کدام از این پرنده‌ها دچار آسیب جدی نیستند و فقط به خاطر اسارت در دام هوایی پرها و بال‌های آن‌ها دچار آسیب جزئی شده بود که بعد از طی دوران نقاهت دوباره توسط اعضای انجمن در مناطق تالابی محمودآباد رها شدند تا با آزادی به زندگی خود ادامه دهند.

انجمن زیست محیطی قوهای مهاجر سرخ رود یک نهاد غیردولتی و مردم نهاد فعال در عرصه محیط زیست است که در تلاش برای بهبود وضعیت پرندگان و تالاب سرخ رود – در شهرستان محمود آباد مازندران – هستند. تالاب سرخ رود همه ساله میزبان صدها قوی فریاد کش از سیبری است.

اعضای این انجمن همچنین اقدام به تهیه تصاویر زیبایی از حضور بیش از هزار قو در تلاب سرخ رود کرده‌اند.

—

نگاهی به وضعیت زنان سرپرست خانواده

2014-12-23 · Archive ID 6599
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6599

عرصه سوم- روشنک آستارکی: شهیندخت مولاوردی، معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده سه شنبه گذشته، ۲۵ آذرماه از وجود دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر زن سرپرست خانوار در کشور خبر داد . وی این خبر را در دیدار با آیت الله عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید اعلام و گفت: «زنان خودسرپرست و مجرد در حال تحصیل، نیز جزء این آمار هستند که کار کارشناسی و تحلیلی بر روی آنان صورت گرفته است.» ملاوردی همچنین با اشاره به تدوین برنامه ششم توسعه کشور، اظهار داشت: «در این برنامه به دنبال مساله محوری و اثربخشی برنامه‌ها هستیم تا بتوانیم مسائل مربوط به زنان را شناسایی و مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار دهیم.»

معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده در حالی این آمار را بیان داشت که چند روز پیش از آن و در تاریخ ۱۹ آذرماه پرویز زارعی، مدیر کل بهزیستی استان تهران ضمن برشماری فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی قوانین موجود برای بهبود وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار اظهار کرد : «در حال حاضر با مشکلاتی چون عدم توجه کافی به رویکرد اجتماع‌محور در برنامه پنجم توسعه، بهره‌گیری ناکافی از ظرفیت‌های بخش

غیردولتی، فقدان برنامه ملی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، عدم اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه و فقدان برنامه‌ریزی‌های کلان در این زمینه روبه‌رو هستیم.»

زارعی همچنین به برخی راهکارها و پیشنهادات مطرح شده از سوی سازمان‌ها برای حل مشکلات موجود و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار اشاره و اظهار کرد: «سازمان بهزیستی مهم‌ترین سیاست خود را بر شناسایی قابلیت‌ها و استعدادها، ارتقای سطح دانش این افراد، جهت‌دار کردن مددکاری‌ها، ایجاد اشتغال با حفظ عزت نفس، گسترش بیمه اجتماعی، شناسایی مشکلات خانوادگی، تعیین سطوح توانمندسازی، ترویج روحیه عدم وابستگی به نهادهای حمایتی و... قرار داده است.»



زنان سرپرست خانواده 3

رشد آمار زنان سرپرست خانواده

زنان سرپرست خانواده معمولا به چهار دسته از زنان اتلاق می‌شود . دختران مجرد سرپرست خانوار، زنان که همسران‌شان از کار افتاده، زندانی، یا معتاد به مواد مخدر بوده و در مراکز نگهداری معتادان به سر می‌برند و یا بیماری اعصاب و روان داشته باشند، زنانی که از همسران خود طلاق گرفته و یا زنانی که همسرانشان فوت کرده یا مفقود الاثر باشند. در همه موارد یاد شده زنان مسول مدیریت امور زندگی و تامین هزینه‌های خود و افراد تحت تکلف خود هستند.

بر اساس آمار رشد خانواده‌های مرد سرپرست طی سال‌های ۷۵ تا ۸۵، حدود ۳۸% بوده است، که این رشد در مورد خانواده‌های زن سرپرست، به ۵۸% رسیده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ ، میزان سهم زنان در سرپرستی خانواده‌ها، ۴/۹ درصد بوده است، که این میزان در سال ۱۳۷۵، ۴/۸ درصد بوده و طی یک دهه از رشد یک درصدی برخوردارست. این آمار نشان می‌دهد که سالانه ۶۰ هزار زن سرپرستی خانواری را به عهده گرفته‌اند.

از سوی دیگر سن حدود ۲۶ درصد از این گروه زنان ۲۵ تا ۴۴ سال، ۳۸ درصد بین ۴۵ تا ۶۴ سال و ۳۲ درصد نیز بین سنین ۶۵ ساله و بالاتر قرار دارند. دلایل عمده سرپرستی زنان در خانوار فوت همسر (حدود ۷۰% این گروه را به خود اختصاص می‌دهد) و در رده دوم، طلاق (۵ درصد زنان در شهرها و ۲ درصد در روستاها) است .

در میان زنان سرپرست خانوار شهری، ۶/۴۳ درصد باسوادند و این نسبت در نقاط روستایی، ۸/۱۶ درصد است. در جامعه شهری، ۴/۳۱ درصد و در جامعه روستایی، ۲/۴۴ درصد این زنان به منابع درآمدی مستقل دسترسی دارند و سایر زنان به طور عمده به کمک دیگر اعضای خانواده و یا کمک‌های انفاقی متکی هستند.

همچنین گفتنی است سازمان بهزیستی، به عنوان متولی رسیدگی به امور زنان سرپرست خانوار، در حال حاضر تنها ۱۵۹ هزار تن از آنان را تحت پوشش خود دارد .

از سوی دیگر مرکز آمار ایران اواخر سال ۹۲ اعلام کرده بود تنها ۱۸ درصد از زنان سرپرست خانواده شاغل و ۸۲ درصد از آن‌ها بیکار هستند.

فقیرترین فقیران

حال آن‌که نه تنها افزایش آمار زنان سرپرست خانواده در سال‌های اخیر قابل توجه است، بلکه وضعیت اشتغال و درآمد این زنان نسبت به مردان یا زنان شاغل غیر سرپرست خانواده نیز از اهمیت برخوردار است. در همین زمینه ژاله شادی طلب، جامع‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه تهران پس از پژوهشی که در سال ۸۹ انجام داد اعلام کرد :« بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست در دو دهک اول و دوم یعنی فقیرترین گروه‌ها قرار گرفته‌اند. ژاله شادی طلب با پژوهشی که بر وضعیت زنان سرپرست خانوار انجام داده، به این نتیجه رسیده است که درصد زنان سرپرست خانوار در دهک اول همواره بیش از مردان بوده، در حالی که در دهک‌های بالاتر سهم زنان سرپرست خانوار رو به کاهش می‌گذارد.»

به گفته شادی طلب در حالی که بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست جزء فقیرترین گروه‌ها قرار گرفته‌اند، این رقم در خانوارهای مردسرپرست ۱۶ درصد است. به عبارت دیگر زنان سرپرست خانوار «فقیرترین فقرا» را تشکیل می‌دهند. شادی طلب با اشاره به اینکه «فقر زنان فقط جنبه اقتصادی ندارد»، می‌گوید: «جنبه‌های روانی و اجتماعی فقر زنان نیز مهم است. نابرابری فرصت‌ها در تمام طول زندگی این گروه از زنان، زمانی که مسوولیت خانواده به ناچار بر دوش آن‌ها گذاشته می‌شود، بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. نابرابری در دسترسی به آموزش، مشارکت در جریان تصمیم گیری‌های خانواده، عدم امکان کسب مهارت و اتکا به مرد خانواده برای تامین زندگی، زنان را از قابلیت‌های لازم برای کاهش فقر محروم کرده است».

از سوی دیگر آسیب‌شناسان معتقدند همزمان با افزایش آمار طلاق طی سالهای گذشته، آسیب‌های اجتماعی نیز در میان زنان افزایش یافته است بطوری‌که ادامه این روند طی سال‌های آینده مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. اعتیاد، فقر، فساد، بزهکاری، سرقت، قتل، فرار و... از جمله آسیبهای در کمین این زنان است. امان الله قرایی مقدم جامعه‌شناس در مورد آسیبهای زنان سرپرست خانوار می گوید : «ازدواجهای نادرست و افزایش آمار طلاق بر تعداد زنان بی‌سرپرست کشور اضافه می‌کند به همین دلیل نهادهای حمایتی مانند بهزیستی، کمیته امداد و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید برای جلوگیری از آسیبهای زنان در زمینه اشتغال آنان بیش از گذشته اقدام کنند.» وی با اشاه به اینکه انواع آسیب اجتماعی به‌دلیل سرپرست خانوار بودن این زنان و نبود شغل در انتظار آنان است، افزود: «سازمانهای حمایتی باید علاوه بر ایجاد اشتغال در جهت دایر کردن مشاغل خانگی برای این افراد مانند فرش بافی، صنایع دستی و... اقدام کنند در غیر این‌صورت طی سال‌های آینده هم مشکلات زنان سرپرست خانوار بیشتر می‌شود و هم آسیب‌هایی که آنان را گرفتار خواهد کرد.»

با توجه به مطالب یاد شده، افزایش چشم گیر آمار زنان سرپرست خانواده این نیاز را بوجود می‌آورد که مسؤلان با توجه به نیازهای این قشر داوطلب کار سیاست‌های لازم برای ایجاد بسترهای به دور از تبعیض جهت اشتغال آنان را فراهم تا بتوانند در فضای برابر به فرصت‌های برابر شغلی دست یابند؛ همچنین این گروه نیازمند دریافت برنامه‌های ویژۀ حمایتی و خدمات اجتماعی از سوی دولت هستند. حال باید دید دولت یازدهم که همواره با شعار و وعده‌هایی پیرامون بهبود شرایط زنان به تثبیت پایگاه اجتماعی خود پرداخته چه برنامه مشخصی را برای حمایت از زنان سرپرست خانواده تدوین و جامه عمل خواهد پوشاند.

—

در مجلس: خرید خدمت سربازی آسیب زاست

2014-12-25 · Archive ID 6606
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6606

عرصه سوم-محمد صادقی: هفته ای که گذشت مجلس شورای اسلامی جلسه علنی نداشت و طبق اعلام خبرگزاری خانه ملت ، جلسات علنی مجلس در هفته آینده از یکشنبه ۷ دی ماه ۹۳ از سر گرفته خواهد شد.

قرار است در هفته پیش رو موضوعات زیر در دستور کار مجلس قرار گیرد:

- گزارش کمیسیون اقتصادی در مورد «تحقیق و تفحص از وزارت امور اقتصادی و دارایی»

-گزارش کمیسیون برنامه و بودجه در مورد «برداشت1/4 میلیارد دلار از حساب صندوق توسعه ملی برخلاف قانون بودجه سال 92»

-گزارش کمیسیون ویژه در مورد «سیاستهای اقتصاد مقاومتی و قوانین متناظر و پیشنهادهایی در خصوص نحوه اجرای آنها»

-ادامه رسیدگی به گزارش کمیسیون مشترک درباره «لایحه رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»،

-ادامه رسیدگی به گزارش کمیسیون اقتصادی درباره «لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم»،

-گزارش کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی درباره «طرح اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکتهای تعاونی روستایی»

-گزارش کمیسیون فرهنگی درباره «طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها»

-گزارش کمیسیون عمران درباره «طرح اصلاح موادی از قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان»

-گزارش کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری درباره «طرح استفساریه تعیین تکلیف استخدامی معلمین حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی»

-گزارش کمیسیون اقتصادی درباره «لایحه اجازه مشارکت ایران در افزایش سرمایه دور پنجم بانک توسعه اسلامی»

-گزارش شوردوم کمیسیون انرژی درباره «طرح حمایت از صنعت برق کشور»

۷۹ درصد راه های روستایی آسفالته است!

دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ، این هفته گزارشی درباره وضعیت راه های روستایی و حمل نقل در این مناطق منتشر کرد.

مرکز پژوهش ها در این گزارش با اعلام این که «طول راه های روستایی کشور معادل ۱۳۰ هزار کیلومتر است که ۱۰۳ هزار کیلومتر یا ۷۹ درصد آن با رویه آسفالت است» با «نامناسب» دانستن وضعیت «نگهداری راه های روستایی» هشدار داده است: «عدم نگهداری مناسب و سالیانه راه های روستایی موجب شده تا هم اکنون بیش از 54 هزار کیلومتر از راه های روستایی با رویه آسفالته طول عمری حدود ۱۰ سال داشته باشند.»

در این گزارش آمده است: «در بحث راه‌های روستایی، آسفالته شدن رویه راه و تامین راه روستایی با رویه آسفالته بیشتر مورد تاکید قرار دارد در صورتی که اولویت ارتباط دهی و وجود محدودیت منابع مالی ایجاب می‌کند تا هم راه خاکی و هم راه های شوسه و آسفالته تواما در برنامه راه های روستایی مورد توجه قرار گیرند»

بر اساس این گزارش راه های روستایی مورد نیاز در « افق ۱۴۰۴» معادل ۱۷۳ هزار کیلومتر پیش بینی شده که با وجود ۱۳۰ هزار کیلومتر راه روستایی موجود و در دست بهره برداری برای تحقق هدف در افق ۱۴۰۴ به احداث ۴۳ هزار کیلومتر راه روستایی جدید نیاز خواهد بود.

در ادامه گزارش دفتر مطالعات زیربنایی مرکز پژوهش های مجلس، با اشاره به این که «حمل و نقل مسافر در راه های روستایی کشور را هم اکنون حدود ۱۴ هزار مینی بوس بر عهده دارند» نبود انگیزه در بخش خصوصی به سرمایه گذاری در تامین وسیله نقلیه مسافری (مینی بوس) مورد نیاز حمل و نقل روستایی را از جمله معضلات موجود دانسته و گفته این مشکلات ایجاب می کند تا تسهیلات تامین شده برای سرمایه گذاری در حمل و نقل جاده ای (برون شهری) به سرمایه گذاران در خرید مینی بوس و راه اندازی حمل و نقل روستایی، تسری پیدا کند.



فقر

یارانه کم درآمدها را افزایش دهید!

در شرایطی که در هفته های گذشته شماری از نمایندگان مجلس با شدت بیشتری پیگیر حذف یارانه اقشار پردرآمد از سوی دولت شده اند این هفته یکی از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس، از «پیشنهاد جمعی از نمایندگان برای افزایش یارانه قشرهای آسیب‌پذیر در بودجه سال 1394» خبر داد.

عزت الله یوسفیان ملا با اعلام این خبر گفت : «ما بر حذف یارانه ثروتمندان تأکید داریم اما حال که دولت یارانه این بخش را حذف نکرده و به آسیب‌پذیران اختصاص نمی‌دهد پیشنهاد دادیم که یارانه اقشار آسیب‌پذیر 2 برابر شود.»

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه با بیان این که «اقشار آسیب پذیر توانایی پرداخت آب و برق و بنزین خود با یارانه 45 هزار تومانی را ندارند» گفت: «این مبلغ فقط پول یک باک بنزین است، بهمین دلیل باید فکری برای آن کرد.»

در پیشنهاد ارائه شده از سوی نمایندگان «افزایش یارانه کارگران، کشاورزان، فرهنگیان و در کل تمامی کسانی که کمتر از یک و نیم میلیون تومان حقوق در ماه دریافت می‌کنند مطرح شده است»

یوسفیان ملا می گوید: پ«یش‌بینی شده تا دولت با انجام اقدامات کارشناسی بتواند وضعیت حقوقی را در کل کشور سنجیده و به میزان وضعیت هر منطقه یارانه را افزایش دهد اما در حالت کلی افزایش 2 برابری یارانه پیشنهاد شده است.»

خرید خدمت سربازی آسیب زا است

محسن علیمردانی نماینده زنجان به طرح خرید خدمت سربازی اعتراض کرد.

این نماینده با تاکید بر لزوم «پرهیز از اقداماتی که به اعتماد عمومی به دولت لطمه می‌زند»، گفت : «اقداماتی مانند فراهم شدن زمینه فروش سربازی برای قشر خاص، زمینه بدبینی مردم را فراهم می‌کند.»

این نماینده مجلس با اعلام این که «کشورمان استفاده درستی از سرباز به عنوان یک نیروی جوان و پرانرژی را نکرده است»، به مقایسه ایران با کشورهای دیگر پرداخته و می گوید: «کشورهای دیگر اقدامات مهم و توسعه‌ای خود را به این قشر از جامعه می‌سپارند.»

علیمردانی تصویب طرح فروش سربازی را «آسیب زا» دانسته و می گوید: «این مسئله برای قشری از جامعه که توان پرداخت مبلغ مورد نظر را ندارند، مشکل و موجب بروز ناهنجاری خواهد شد.»

رسایی: رییس جمهور با سازمان میراث فرهنگی برخورد کند

حمید رسایی نایب رئیس کمیسیون اصل 90 مجلس، از ممانعت سازمان میراث فرهنگی از تدفین جان باختگان گمنام جنگ ایران و عراق در میدان امیر چخماق یزد، به شدت انتقاد کرد.

این نماینده تندرو مجلس، ممانعت میراث فرهنگی با تدفین جان باختگان جنگ ایران و عراق در یک میدان تاریخی را «نشانه کج فهمی و کج سلیقگی مسئولان فرهنگی در دولت یازدهم» خواند و آن را نشانه «نفهمیدن جایگاه شهدا خصوصا شهدای گمنام در نگاه ملت ایران» دانست.

این نماینده مخالف دولت در ادامه به حسن روحانی پیشنهاد داد تا «این هفته به جای سرکشی به خانواده شهدا در تهران، برای ادای احترام به مقام این شهدای عزیز و دلجویی از مردم شهیدپرور دارالعباده به یزد سفر کند و بر سر مزار این شهدا حاضر شود و در آنجا دستور برخورد با کسانی که این رفتار زننده را با پیکر مطهر شهدا را داشتند صادر کند.»

سیدحسین نقوی حسینی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز با انتقاد از سیاست های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری دولت یازدهم خواستار مقابله با تفکر تازه ای که در میراث فرهنگی رخنه کرده است شد.

این نماینده مجلس با اعلام این که «متأسفانه این اتفاقی که در یزد افتاده یک زنگ خطری است مبنی بر اینکه برخی ارزش‌ها و دستاوردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران جزو میراث فرهنگی تلقی نمی‌شود.» گفت : «امروز موضوع شهدای گمنام مطرح شده و فردا چیزهای دیگری از این افراد طرح می‌شود؛ موضوع عمیق‌تر از آن است که پرونده به سادگی بسته شود.»

احضار جواد ظریف به مجلس

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه سه‌شنبه هفته آینده برای پاسخگویی به سوالات نمایندگان مجلس در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی حضور می‌یابد .

در هفته آینده اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس انتخاب سه نفر از اعضای کمیسیون برای عضویت در کمیسیون تلفیق بودجه سال 94 را در برنامه کاری خواهند داشت.

اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، نیز در هفته آینده ضمن انتخاب سه نفر از اعضای کمیسیون برای عضویت در کمیسیون تلفیق بودجه سال 94 «بررسی لایحه بودجه سال 94 با حضور معاون بودجه معاون

برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، معاون مالی و اداری وزارت علوم، معاونین توسعه مدیریت و نوسازی و تجهیز مدارس وزارت آموزش و پرورش، معاونین توسعه مدیریت و منابع معاون علمی رئیس جمهور و بنیاد ملی نخبگان و رئیس سازمان فنی و حرفه‌ای» را در دستور کار خواهد داشت.

این کمیسیون همچنین «موضوع تحقیق و تفحص از دانشگاه فرهنگیان ارجاعی از سوی هیأت رئیسه مجلس به کمیسیون» را مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

دیدار اعضای کمیسیون آموزش با وزیر جدید علوم و رئیس دانشگاه آزاد نیز در دستور کار این کمیسیون قرار دارد.

وزارت نفت مقصر تعطیلی پالایشگاه اراک است

محمدحسن آصفری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، تعطیلی پالایشگاه اراک، را به علت «بی‌تدبیری در عزل و نصب‌ها» دانست.

به گفته این نماینده مجلس «بیش از 30 روز است این پالایشگاه که روزانه هشت میلیون لیتر بنزین یورو 4 تولید می‌کرد، تعطیل شده است.»

عضو کمیسیون امنیت ملی از «نابود شدن کاتالیست وارد شده از خارج و خسارت بالایی که به کشور از این بابت وارد شده» انتقاد کرد و مسئولیت این مسئله را متوجه وزارت نفت دانست.

آصفری با اعلام این که «از وزارت نفت خواسته‌ایم که در کمیسیون حضور یافته و نسبت به تعطیلی پالایشگاه شازند پاسخگو باشد»، گفت: «با احتساب هدر رفت کاتالیست وارداتی و قیمت بنزین و دلار، بیش از 300 میلیون دلار به کشور خسارت خورده است.»

جنجال فیلیپ موریس به ایرلاین اوکراینی رسید

در شرایطی که هنوز جنجال های موضوع واردات سیگار از شرکت فیلیپ موریس در مجلس ادامه دارد و نمایندگان به علت آن چه «صهیونیستی بودن مدیران شرکت فیلیپ موریس » اعلام کرده اند خواستار برخورد با وارد کنندگان سیگار از این شرکت به کشور شده اند این هفته نیز شایعاتی مبنی بر ابهام در تابعیت صهیونیستی مالک شرکت هواپیمایی اوکراینی برخی نمایندگان مجلس را به خود مشغول کرده است.

منصور حقیقت پور نماینده اردبیل با اشاره به انتشار اخباری مبنی بر به کارگیری خط ایرلاینی با مالکیت فردی صهیونیست در آسمان ایران گفت : «به طور کلی هر نوع همکاری با شرکت ها یا افرادی که در خصوص تابعیت یا مالکیت صهیونیستی آن ها ابهامی وجود دارد، اقدام نادرستی است که به شدت انتظار می رود تا از این موضوع پرهیز شود.»

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از وزارت اطلاعات خواست تا در این خصوص بررسی های جدی را داشته باشد و در صورت تایید این موضوع صحت و سقم این اخبار را به صورت قطعی اعلام کند.

—

از انتظار برای حذف مجسمه شکارچی تا اعطای جایزه حقوق بشر به مولوی عبدالحمید

2014-12-26 · Archive ID 6612
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6612

فومن در انتظارگام سوم حذف مجسمه شکارچی/نصب تندیس شکارچی نادم در مریوان

مدیر دیده‌بان حقوق حیوانات بااشاره به حذف مجسمه شکار درسوسنگرد و سیاهکل ازوعده مسئولان محیط زیست برای حذف تندیس شکار در فومن خبر دادوافزود: در مریوان نیزمجسمه شکارچی نادم در یکی از پارک‌های شهر نصب شد.

شهرام امیر شریفی در گفتگو با مهر افزود: پس از برچیده شدن تندیس شکارچی از می‌دانی در شهر سوسنگرد، و با گذشت بیش از یک سال از مسئولان محیط زیست برای حذف سه تندیش شکار از سه شهر مختلف، مجسمه شکار چی از میدان دیلمان سیاهکل نیز حذف و قرار شد که آن را با تندیس یک پلنگ که از گربه سانان با اهمیت و در خطر انقراض منطقه است، جایگزین کنند.

وی با بیان اینکه هنوز یک مجسمه که نماد شکار و شکارچی است در کشور باقی مانده اظهار داشت: این تندیس در شهرستان فومن قرار دارد و مسئولان محیط زیست وعده پیگیری برای حذف این نماد ضد محیط زیستی از این شهرستان سر سبز کشور را نیز داده‌اند.

مدیردیده‌بان حقوق حیوانات از مسئولان شهرداری فومن درخواست کرد در ادامه اقدامات مسئولان شهرستان‌های سوسنگرد و سیاهکل، با محیط زیست همکاری کنند و آخرین تندیس شکار در کشور را پایین کشیده و تندیسی درشان طبیعت بکر این منطقه به جای آن نصب کنند.



733606

تندیس شکارچی نادم در مشهد

شریفی با اشاره به تندیسی که در میدان ۱۵ خرداد شهر مشهد نصب شده است، تصریح کرد: این مجسمه مضمونی بر خلاف تندیس‌های شکار دارد و نماد توبه از شکار در پیشگاه امام رضا (ع) است.

به گفته وی، در حقیقت این تندیس شکارچی نادمی را نشان می‌دهد که رو به حرم امام رضا (ع)، کمانش را به زیر آورده و با سری پایین و دستی بر سینه اظهار ارادت می‌کند.

رونمایی از مجسمه انتزاعی شکارچی نادم در شهر مریوان

مدیر دیده‌بان حقوق حیوانات تاکید کرد: شهرداری مریوان، نیز در اقدامی زیست محیطی مجسمه کاک احمد عزیزی شکارچی نادمی که به اصرار دختر کوچکش شکار را ترک کرد و با شکستن تفنگش سونامی تفنگ کشان را در کشور راه انداخت در پارک ۲۶ گلان این شهر نصب کرد.

وی افزود: بر پایه این مجسمه با دعوت از تفنگ به دستان برای شکستن تفگ‌های شکاریشان نوشته شده: برای احیای طبیعت و بقای جانداران وحشی بیایید قامت اسلحه شکاری را خمیده نماییم.

شریفی حذف نمادهای مبلغ شکار و تلاش برای نصب مجسمه‌های با محتوای ضد شکار را اقدامی ارزنده در راستای اشاعه فرهنگ زیست محیطی در میان مردم دانست و برای ادامه چنین روندی اظهار امیدواری کرد.

مولوی عبدالحمید برنده جایزه تلاشگر حقوق بشر سال ۱۳۹۳ کانون مدافعان حقوق بشر

مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی از سوی کانون مدافعان حقوق بشر به عنوان برنده جایزه «تلاشگر حقوق بشر» سال ۱۳۹۳ هجری شمسی معرفی شد.

کانون مدافعان حقوق بشر از سال ۱۳۸۶ هجری شمسی، هر سال از میان تلاشگران حقوق بشر، یک نفر را به عنوان برنده جایزه «تلاشگر حقوق بشر» معرفی می‌کند. اینجایزه در روز جهانی حقوق بشر- ۱۰ دسامبر- اهداء می‌شود. به گزارش سایت کانون مدافعان حقوق بشر، جایزه تلاشگر حقوق بشر در سال ۱۳۹۳ به پاس تلاش‌های بی‌وقفه و پیگیرانه مولوی عبدالحمید در سال‌های گذشته برای برقراری روابط آشتی جویانه بین اقوام و گرایش‌های مختلف مذهبی در استان سیستان و بلوچستان به این روحانی برجسته اهل سنت تعلق گرفت.

کانون مدافعان حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای با اعلام این خبر، به بیان چرایی اهدای جایزه «تلاشگر حقوق بشر» سال ۱۳۹۳ به مولوی عبدالحمید پرداخت.

در قسمت‌هایی از این بیانیه آمده است:

«بسیار مفتخر هستیم که جایزه «تلاشگر حقوق بشر» کانون مدافعان حقوق بشردر سال ۱۳۹۳ به آقای مولوی عبدالحمید، یکی ازعلمای اهل سنت در ایران تقدیم می‌شود. آقای مولوی عبدالحمید تلاش‌های بی‌وقفه و پیگیرانه‌ای در سال‌های گذشته برای برقراری روابط آشتی جویانه بین اقوام و گرایش‌های مذهبی مختلف در استان محروم سیستان و بلوچستان داشته است.

با وجود اینکه استان سیستان و بلوچستان یکی از استان‌های مرزی کشور ایران و همجوار با دو کشور افغانستان و پاکستان است و مردم دو کشور افغانستان و پاکستان سال‌ها دچار اختلاف‌ها و جنگ‌های قومی و مذهبی هستند اما آقای مولوی عبدالحمید تلاش کرده است تا از اختلاف‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی در این استان کاسته و با ارائه الگویی تأثیر گذار از زیست مسالمت آمیز و توأم با صلح و مدارا و تحمل یکدیگر، به امنیت و ثبات و جلوگیری از خشونت یاری رساند. مولوی عبدالحمید با تحمل سختی‌ها و فشارهای بسیار از هرگونه افراط و تفریط پرهیز کرده و با حضور فعال و چشمگیر در عرصه‌های اجتماعی سعی در الگوسازی مناسب از زیست مسالمت آمیز توأم با فعالیت علنی و شفاف کرده است.»

حضور بهترین مدافع میانی روی تور آسیا در محک

محمد موسوی بهترین مدافع میانی روی تور والیبال آسیا در سال ۲۰۱۴ و از اعضای تیم ملی والیبال ایران در آخرین روزهای آذرماه ۱۳۹۳ به دیدار کودکان محک آمد.

به گزارش وبسایت محک حضور این قهرمان ملی در بخش‌های بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان محک روزی پر از شادی و هیجان را برای کودکان محک و والدینشان رقم زد. موسوی در اقامتگاه با کودکان والیبال بازی کرد. کودکان محک از اینکه هم تیمی قهرمان آسیا بودند، خوشحال بودند و اتاق بازی از صدای شور و هیجانشان پر از هیاهوی شادمانه شده بود و این هیاهو زمانی که کودکان در برابر عموی والیبالیستشان امتیاز کسب می‌کردند دوچندان می‌شد.

کودکان و خانواده‌هایشان با محمد موسوی عکس یادگاری گرفتند و از آرزوی قهرمانی خود در آینده گفتند. آرزوی بزرگی که با همت‌های بلند مردمان نیک اندیش این سرزمین به واقعیت خواهد پیوست. آرزویی که امروز هم تحقق آن را در قامت استوار کودکان بهبودیافته محک که قهرمانان مبارزه با سرطان هستند شاهد هستیم.

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان با نام اختصاری «محک» از سال ۱۳۷۰ و با شماره ثبت ۶۵۶۷ در قـالب یک سـازمان غیر انتفاعی- غیر دولتی با انگیزه والای کمک به همنوع فعالیت همه جـانبه خود را جهت حمایت از کودکان مبتلا بـه سرطان و خانواده‌های آنـان آغاز کرده است.

اعتصاب ۹۰۰ کارگر کارخانه وابسته به قرارگاه خاتم‌الاوصیا

نزدیک به ۹۰۰ کارگر واگن پارس اراک در اعتراض به خودداری کارفرما از تمدید قرارداد کار رئیس نهاد کارگری این واحد تولیدی دست از کار کشیده و تولید را متوقف کردند.

به گزارش کلمه و به نقل از ایلنا، قرارداد کار «علی درخشنده‌بخت»، رئیس شورای اسلامی کار واگن پارس تا پایان آذر ماه اعتبار داشته است. کارگران می‌گویند آقای درخشنده‌بخت تا پایان اردیبهشت ماه سال آینده در شورای اسلامی کار واگن پارس عضویت دارد و از مصونیت نمایندگی برخوردار است بنابراین کارفرما حق اخراج او را ندارد.

بر اساس این گزارش، کارفرما در ادامه تغییرات خود به تازگی مدیر انتظامات واگن پارس را با وجود آنکه دو ماه به پایان قرارداد کارش باقی مانده بود از کار منفک کرده است و یک نظامی بازنشسته را جایگزین او کرده است. آنطور که کارگران گزارش کرده‌اند مدیر جدید از صبح امروز مشغول به کار شده و نفرات جدیدی را در واحد انتظامات و نگهبانی جایگزین کرده است.

کارگران می‌گویند این تغییر مدیریتی در واگن پارس به قصد اعمال محدودیت بیشتر بر کارگران و ایجاد جو پلیسی در کارخانه است. در هیمن رابطه یکی از کارگران به ایلنا گفت هر شش عضو شورای اسلامی کار واگن پارس در اعتراض به خودداری کارفرما از تمدید قرارداد کار رئیس این نهاد کارگری، قراردادهای جدید خود را امضاء نکرده‌اند.

نامه ۷۰۰ فعال مدنی به روحانی: اسیدپاشان آزادند و مهدیه گلرو بازداشت؛ این عادلانه نیست

هفتصد فعال سیاسی و مدنی و دانشجویی در نامه‌ای به حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران از او خواستند که از تمامی امکانات قانونی و ظرفیت‌های خود برای رهایی مهدیه گلرو بهره گیرد.

به گزارش کلمه در این نامه تصریح شده است: ما با عنوان دوستان و همرهان مهدیه شهادت می‌دهیم که او در سالیان اخیر جز سرنوشت ملت و کشورش دغدغه‌ای و جز فعالیت مدنی، مسالمت‌آمیز و قانونی روشی و جز حمایت از عقلانیت و اعتدال مشی نداشته است. حتی در شرایطی که حق خود او برای ادامه تحصیل، صبورانه در دولت تدبیر و امید که او برای برآمدنش از هیچ کوششی فروگذار نکرده بود نیز ادا نشد، گام از این دایره بیرون ننهاده است.

پس از گذشت بیش از دو ماه از اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای در اصفهان هنوز عامل یا عوامل این اقدام دستگیر نشده‌اند، اما همچنان مهدیه گلرو، عضو کانون شهروندی زنان و از شرکت‌کنندگان در تجمع اعتراضی به این حادثه، در بازداشت به سر می‌برد.

متن کامل این نامه و امضاهای آنکه نسخه‌ای از آن در اختیار کلمه قرار گرفته، در زیر می‌آید:

جناب آقای دکتر حسن روحانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

آنچه ما را به امضای متن حاضر و سخن گفتن مستقیم با شما برانگیخته است، نه فقط مقام رسمی شما به عنوان رییس‌جمهوری اسلامی ایران و پاسدار
قانون اساسی کشور و نه تنها دغدغه ما برای موفقیت و تحقق وعده‌های دولت تدبیر و امید و نه صرفاً نگرانی ما برای حفظ جایگاه این دولت در میان بدنه اجتماعی حامی‌اش که بیش و پیش از هر چیز دغدغه و نگرانی ما در مورد وضعیت مهدیه گلرو است.

آقای رییس‌جمهور،

مهدیه گلرو دانشجویی محروم از تحصیل و فعال سیاسی و اجتماعی است، که در سال‌های اخیر بارها طعم تلخ بازداشت و حبس و محرومیت‌های اجتماعی را چشیده است. او آخرین بار در جریان اعتراضات مدنی به اسیدپاشی‌های اخیر و در حالی که عامل یا عاملان این جنایت شنیع هنوز آزاد و از پیگرد قانون و عدالت فارغ هستند، بازداشت شده و تاکنون دربند است.

آقای دکتر،

ما با عنوان دوستان و همرهان مهدیه شهادت می‌دهیم که او در سالیان اخیر جز سرنوشت ملت و کشورش دغدغه‌ای و جز فعالیت مدنی، مسالمت‌آمیز و قانونی روشی و جز حمایت از عقلانیت و اعتدال مشی نداشته است. حتی در شرایطی که حق خود او برای ادامه تحصیل، صبورانه در دولت تدبیر و امید که او برای برآمدنش از هیچ کوششی فروگذار نکرده بود نیز ادا نشد، گام از این دایره بیرون ننهاده است.

از شما به عنوان رییس‌جمهور و حافظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، متولی دستگاه اجرایی کشور و سکاندار کشتی اعتدال و میانه‌روی در میانه این طوفان افراط‌گرایی و عقلانیت گریزی تقاضا و انتظار داریم که از تمامی امکانات قانونی و ظرفیت‌های خود برای رهایی مهدیه گلرو بهره گیرید.

—

نیمی از ایرانیان درگیر پرونده‌های قضایی هستند!

2014-12-29 · Archive ID 6621
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=6621

عرصه سوم: بیش از نیمی از مردم ایران با مسائل حقوقی و قضایی درگیری مستقیم دارند و این یعنی قوه قضاییه که ضامن امنیت و اجرای عدالت در کشور است بیش از هر زمانی مورد رجوع شهروندان ایرانی قرار دارد.

به گزارش خبرنگار ایلنا ، الهام امین‌زاده معاون حقوقی رئیس جمهور در اولین مجمع وکلا و حقوق‌دانان نیکوکار کمیته امداد امام خمینی گفته است: «در حال حاضر ۱۰ میلیون پرونده در محاکم قضایی، ۵. ۳ میلیون پرونده در شورای حل اختلاف و ۵. ۵ میلیون پرونده در محاکم دادگستری وجود دارد که اگر هر خانواده ۴ عضو داشته باشد؛ این مساله نشان از درگیری ۴۰ میلیون نفر با مسائل حقوقی و قضایی دارد.»

معاون حقوقی رئیس جمهور تصریح کرده است «با توجه به قانون اساسی، دسترسی به عدالت برای مردم باید عادلانه باشد و دادخواهی نیز حق مسلم مردم است. بنابراین دسترسی به وکیل و دیگر خدمات حقوقی نیز حق مردم است.»

امین زاده معتقد است «آموزش حقوق مدنی، تکالیف شهروندی، نحوه طرح شکایت و مواردی که شامل جرایم عمومی می‌شود، باید به تمامی مردم آموزش داده شود و درکنار آن نیز آموزش حقوق خانواده به زوجین، حقوق کار و حقوق استخدامی به شاغلان، کارفرمایان و کارمندان نیز باید در دستور کار قرار گیرد. باید بتوانیم که با همکاری نهادهای غیردولتی مساجد مراکز خیریه و فرهنگ‌سراها و با همکاری و مدیریت نهادهای متولی، آموزش‌های حقوقی برای مردم به ویژه قشر آسیب‌پذیر را فراهم کنیم که این آموزش‌ها باید غیردولتی و کم هزینه باشد.

سال گذشته نیز معاونت حقوقی رئیس جمهور پیش نویس منشور حقوق شهروندی را منتشر نمود که تا امروز این پیش نویس قطعی و نهایی نشده است.

با وجود این آمار و ارقام و اذعان مسئولان و حقوق دانان به مشکلات موجود در نظام قضایی ایران و همچنین اشتهار نظام قضایی ایران به فساد سیاسی و اقتصادی می‌توان گفت عدالت و نا امنی حلقه مفقوده‌ای است در نظام سیاسی جمهوری اسلامی. به گونه‌ای که پس از ۳۶ سال از تاسیس این نظام امروز نیمی از جمعیت کشور در گیر پروسه‌های قضایی و حقوقی هستند.

—